



اشارات دانشگاه تهران

۱۶۹

فهرست

کتابخانه اهدائی آقای سید محمد مشکوة

کتابخانه دانشگاه تهران

جلد سوم

بخش یکم

کتابهای فلسفی، عرفانی و کلامی

تألیف

محمد تقی دانش پژوه

۱۳۳۲

چاپخانه دانشگاه

عالم المخطوطات  
والکتاب

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران  
library.ut.ac.ir



## فهرست گفتارهای این دفتر

### گفتار نخستین

منطق — که ۴ کتاب در ۵۰ نسخه در آن شناسانده شده است .  
(کتاب از شماره ۱ تا شماره ۴ و نسخه از شماره ۱ تا شماره ۵۰ ص ۳-۶۷)

### گفتار دوم

فلسفه الهی و طبیعی — ۳۶۵ کتاب در ۶۹ نسخه .  
(کتاب از ۵ تا ۴۰۹ و نسخه از ۵۱ تا ۵۱۹ ص ۷۰-۴۰۰)

### گفتار سوم

عرفان — ۱۷۵ کتاب در ۱۹۸ نسخه .  
(کتاب از ۴۱۰ تا ۵۸۴ و نسخه از ۵۲۰ تا ۷۱۷ ص ۴۰۲-۵۱۹)

### گفتار چهارم

کلام — ۱۲۵ کتاب در ۱۳۹ نسخه .  
(کتاب از ۵۸۵ تا ۷۰۹ و نسخه از ۷۱۸ تا ۸۵۶ ص ۵۲۲-۶۳۸)

### گفتار پنجم

فلسفه عملی — ۵۶ کتاب و ۹۴ نسخه .  
(کتاب از ۷۱۰ تا ۷۶۵ و نسخه از ۸۵۷ تا ۹۲۰ ص ۶۴۱-۶۸۹)  
(۷۶۵ کتاب در ۹۲۰ نسخه رو بهم در این فهرست شناسانده شده است) .

## سر آغاز

وانزل الله عليك الكتاب والحكمة وعلمك

ما لم تكن تعلم

( قرآن - سورة ناء - آیه ۱۱۳ )

این دفتر بخشی است از فهرست کتابهای کتابخانه ای که فرزانه ارجمند و استاد دانشمند دانشگاه تهران جناب آقای سید محمد شکوة بیرجندی بدانشگاه تهران اهدا کردند و از این راه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران را بنیاد گذاردند. بیگمان از این کار پسندیده و بسیار نیکوی ایشان همه ایرانیان و هر کس که جویای دانش و هنر است خرسند و سپاسگزار میباشد. این کتابخانه در سالیان دراز گردآوری شده است و همه کتابهای آن دارای برتری و مزیتی است که گواه بردانائی و آگاهی گرد آورنده دانشمندان آن تواند بود و میتواند مزایای کتابها را چنین شمرد :

- ۱- نسخه های شاهانه با آرایشهای دلپسند ۲- متنهای نادر فلسفی و کلامی ۳- متنهایی که در روزگار مؤلف نوشته شده است ۴- نسخه هایی که دارای خط دانشمندان یا بلاغ و اجازه آنهاست ۵- متنهای اخبار کتب دانشمندان تصحیح نمودند ۶- متنهای چاپ نشده ۷- متنهای قلمی بخط مؤلفان ۸- ترجمه پارسی متنهای فلسفی و ادبی و فقهی و اخبار .
- این بخش از فهرست مربوط بکتابهای فلسفی و عرفانی و اخلاقی و کلامی است و از چگونگی ۷۶۵ کتاب در ۹۲۰ نسخه در آن سخن رفته است .

بر کتیبه یکی از کاخهای او زیمند یاس، فرعون خاندان  
شانزدهم نردیث بدو هزار پیش از مسیح، که گنجینه  
کتابهای مقدس بوده نوشته بودند:

« داروی جانها »

(ترجمه دیباچه کون و فسادارسطو از لطفی سیدص ۶۷)

دیباچه

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران  
library.ut.ac.ir

## یادآوری

شماره‌ای که در آغاز سطر و برابر نام کتاب میان دو کمانه دیده میشود شماره کتابی است که در این فهرست آمده و پس از شناساندن کتاب شماره نسخه‌ها می‌آید که در میان سطر نوشته شده و نسخه‌ها پس از آن شناسانده میشود در همین جا در گوشه راست شماره‌ای درشت تر و سیاه تر هست که نماینده شماره ثبت نسخه در این کتابخانه میباشد و باین شماره باید کتاب خواسته شود. این شماره دفتری را می‌رساند که کتاب و نسخه مورد بحث شاید همه آنرا گرفته باشد یا اینکه یکی از رساله‌های مندرج در آن دفتر و جنگ و مجموعه بشمار آید که در هنگام شناساندن نسخه شماره رساله و شماره برگ آن در همین دفتر نیز گفته شد.

پیش از اینکه به فهرست کتابها بپردازم ناگزیرم سخنانی چند درباره فهرست نگاری بیاورم :

درباره فهرست چنین گفته اند : « تفصیلی باشد در ابتدای کتاب که در آن اظهار آنچه از باب و فصل در آن کتاب شده بیان کنند » و « نوشته را گویند که در آن اسامی کتابها باشد » ( برهان قاطع ) نیز « الفهرست الکتاب الذی تجمع فیه الکتاب » ابن منظور افریقی در لسان العرب و فیروز آبادی در قاموس هر دو این تعریف را از « لیث » آورده و گفته اند که این واژه از « فهرست » فارسی گرفته شده است .

واژه « فهرست » برابر است با « پیناکس = Pinax » یونانی که از آن لوح نوشتنی و سیاه و فهرست خواسته میشود. ابن ندیم ( س ۲۳ چاپ ۱۳۴۸ ) گوید : « وقد ذکره جالینوس فی ( فینکس ) کتبه ومعنی هذه اللفظة ثبت الکتاب » خزرجی در عیون الانباء ( ج ۱ ص ۵-۸۴ ) و ۹۰ و ۱۰۳ در سرگذشت جالینوس از « فینکس کتبه » و « کتاب بینکس و هو الفهرست » و « فهرست کتبه المسمی بینکس » یاد میکند ( ۱ ) و از آن، دو فهرستی را میخواند که این بزرگ در باره نکارشهای خویش نوشت .

فهرست دو گونه است یکی کتاب شناسی یا « بایبلوگرافیا » که در زبانهای اروپائی آنرا Bibliographie یا Bucherverzeichnis یا Bibliography یا Book Writing میخوانند .

آنرا چنین شناسانده اند : « The systematic description and history of books , their authorship printing , publication , edition etc » شناساندن بقاعده و سرگذشت کتابها و صحت استناد آن بنگارنده و چاپ و نشر آن و جز اینها .

این فهرست یا ( Bibliographie ) هم دو گونه است : یکی شمارش ورده بندی دفترها ( Bib.Méthodique = فهرست روشی ) دیگری سنجیدن و یافتن سرگذشت آنها ( Bib.Crittque = فهرست سنجشی ) .

فهرست سنجشی را چنین شناسانده اند : رده بندی نوشته ها هر گونه که باشد روی یک پایه و بنیاد راهنما ( Cbassification des livres de toute espèce selon )

۱ - در فرهنگ دوزی و محیط المحيط دارد : « فنکش الامتعة » ( در کالاها جستجو کرد تا چیز را بیابد ) .

(un principe directeur).

و نیز چنین: سیاهه نگارشهای يك نگارنده یا يك چاپ کننده و نشر دهنده آن یا يك کشور یا سیاهه نوشته‌ها و نگارشهاییكه از يك چیز باز شناخته‌ای در آن گفتگو میشود

La liste des livres d'un auteur d'un éditeur ou d'un pays donnés : ou celle des ouvrages traitant d'un sujet (Particulier).

با گرد آمدن این دو تعریف چنین میشود گفت: سیاهه دفترها ( هر گونه نوشته خطی و چاپی و کتبه کاری و جز آن) روی يك پایه و بنیاد راهنمای همیشگی (Liste de livres) (établie suivant un principe directeur constant).

پس آنچه برای کتابخانه‌ها نوشته شده سیاهه Catalogue است نه فهرست اگر چه آنها هم يك فهرست کوچکی خواهد بود.

(بنگرید بآغاز Les débuts de la bibliographie méthodique از Th. Besterman چاپ ۱۹۵۰ پاریس).

دوم نسخه‌شناسی خواه خطی یا چاپی كه آنرا Catalogue ( گرفته از Kata سراسر و Lego سیاهه كردن در یونانی) میخوانند و در آن نوشته‌های يك کتابخانه شمرده و شناسانده میشود و گاهی آنرا Hand-list یا liste میخوانند.

این گونه فهرست یا سیاهه شایسته است كه بر روی يك پایه عملی و قاعده یكنواخت منطقی بوده و هر چه شماره كتابها بیشتر است گسترده تر و روشن تر باشد.

این گونه سیاهه را در برگه‌هایافیش از روی نام نگارنده كتاب و همكار او و نویسنده نسخه و حاشیه نگار و ترجمان و دیباچه نویس و مطلبهای كتاب (تحلیلی) و شماره ثبت كتابخانه وردیف در جایگاه كتابها مینویسند و در كتاب بیشتر از روی نام كتابها مینگارند و با فهرست نامهای كسان و جایها كه در پایان هر فهرست باید باشد آنچه را كه میباید نشان میدهند.

در نگارش فهرست دفترها و نسخه‌های خطی كه گاهی بی‌آغار و انجام و نابسامان و بی‌نام و از گمنام میباشد و بساخت گوناگونی هم در میآید و نویسندگان نیز در آن دست می‌برند باید آنها را دید و چندین نسخه نگریست و بموضوع كتاب آشنا بود از این روی در باره نام كتاب بساید همه آنرا خوانند و دید كه شاید در دیباچه یا میانه یا پایان آن نام كتاب آمده باشد و گرنه باید بسر گذشت نگارنده و فهرستها نگریست و صفحه عنوان خود نسخه را هم دید و بنام كتاب برخورد اگر این جستجوها بجائی نرسید بهتر است با خواندن كتاب نامی بزبان فهرست نگار تا بدانند از اوست بدان داد یا بزبان خود كتاب. در باره نام نگارنده بهترین راهنما خود كتاب است و اگر نشانی از او در نسخه‌ها نباشد باید بسر گذشت ها و فهرستها نگریست و با سنجیدن



آغاز و انجام یا فصلها یا موضوع کتاب با آنچه در اینها آمده بجائی راه برد. آغاز و انجام کتاب و نسخه خطی ناگزیر است که در فهرست بیاید مگر در کتابهای چاپ شده که دسترس همه است و باید نشان داد که آغاز و انجام نسخه با چاپ شده چه جدائی دارد.

باید نوشت که در کتاب سر آغاز و دیباچه و جدولی هست و بخشهای آن چگونه است و کی و در کجا و برای که و برای چه نگاشته شده و چند گزارش دارد و گزینی از آن شده و خرده گیری از آن کردند و ترجمه نمودند یا نه تا تاریخ کتاب بدست آید و در شناساندن نسخه باید شهر و تاریخ و نویسنده و املا کننده و مقابله کننده و خواننده و شنونده از مؤلف یا استاد و بلاغی که هست و دارنده و نگرنده و کسی که برای او نوشته شده و سجدلها و نشانه ها و مهرها (Ex libris) که در آن هست و چاپی که از روی آن شده باید یاد گردد اگر نشانه های تاریخی و علمی و نام دانشمندی که در کتاب و نسخه آمده در فهرست بیاید هم برای تاریخ کتاب و سرگذشت علمی نگارنده آن و هم برای شناساندن آن گاهی بکمی نام و گمنام و ناقص باشد بسیار سودمند است و کتابخانه های دیگر با خواندن چنین فهرست میتوانند نسخه کامل یا ناقص خود را با نسخه ناقص یا کامل این کتابخانه سنجیده بشناسند در همه اینها ناگزیر بایستی در کتاب و نسخه درست نگریست و نسخه ها را با هم سنجید و چاپهای گوناگون را دید و فهرستهای کتابخانه ها را خواند تا بجائی راه برد. گذشته از اینها نوع خط و حاشیه و جای آن را و کاغذ و شماره بر کها و ستونها و تکرار رنگ آمیزی و جدول و سرلوح و نشانه های نسخه و جلد و نشانه و آرایش آن و اندازه و سطر نیز باید یاد گردد.

چنانکه گفته شد در شناساندن نسخه خطی باید کاغذ و خط و آرایش و جلد و اندازه آن را شناساند. اینک اندکی درباره تاریخ کاغذ و انواع آن گفتگو میشود:

### سرگذشت کاغذ

پیشینیان در برگ خرما و پوست درخت و لوحهای آغشته بوم و انگم و روی و سرب و پارچه و کاغذ ساخته از پوست نی کرانه های نیل بنام پاپیروس (بردی = دوخ) که واژه Papar و Papier از آن گرفته شده مینوشتند. نوشته های بابلیان روی آجر بوده و چینیان روی کاغذ ساخته از گیاه (حشیش و کلا) می نوشتند و کاغذ سازی نخستین از آنها است. بگفته سال شماران چینی پیش از دوهزار سال آنها از توت و نسا رون و پنبه و بیشتر از بامبو یا خیزران کاغذ می ساختند و کاغذ چینی برای گراور بهتر از کاغذهای دیگر است. گویند که در ۱۲۳ م تسائی لون Tsai-Lun وزیر کشاورزی دستور ساختن کاغذ را داد.

دیری بود که در تبت از پوست درختی که اندرونش مانند کتان و کف Etoupe میبود کاغذ می ساختند. ژاپونیه از خیلی پیش بساختن کاغذ از پوست درخت توت آشنا بودند. مکزیکیان باستان از برگ صبر زرد یا عود (aloès) و پوست درخت خرما که از پیش آماده اش میکردند در کاغذ سازی بکار میبردند.

هندیها روی مس و سنک و پر نیان سفید و طومار مصری مینوشتند. اینگونه بر نیان

## چهار

که مردم دیگر نیز بکار میبردند گاهی با انگم آلوده شده و پس از زدودن و روشن ساختن آن برای نوشتن بکار میرفت (۱).

هندیها در گذشته برای نوشتن برگه های نازک و سفید پوست درخت سندر (غان) بنام «bhoi-patr» که بفرآوانی در کوهستان پر برف هیمالیا میروئیده نیز بکار میبردند چنانکه بومیان امریکا نیز روی چنین پوستی نگار میکردند. نویسندگان هند پیش از سده چهارم پیش از مسیح روی پارچه پنبه ای نیز مینوشتند و گویا روی آن را از خمیری ساخته از تخم تهرندی (Imli) پوشانده و با ذغال چوب سیاه کرده و بارنگ سفیدی مینگاشتند. تاریخ نگار رومی کوئینتوس کورتیوس Quintus Curtius از پوست درخت نوشتنی در روزگار یورش اسکندر بهند یاد میکند که در هند بکار میرفت. اکنون هم آن پوست برای طلسم و پیپ تنباکو بکار می رود. هندوها و بودائیان شمال بدان نام «لخان» که نوشته را می رساند و بنویسنده و دفتر دار «لخاک» و بخامه «لخانی» میداده اند. آنهاروی آن پوست را روغن مالیده و روشن میساختند مگر اینکه این پوست در گرما خشک میشد و میشکافت و رویش کنده میشد و بانم کشیدن هم دانه ها و قارچهائی روی آن میروئید که پاك نمیگشت. این بود که دانشمندان و بازرگانان کشمیر بزودی کاغذ را بکار بردند.

در هند و برمه و سرندیب روی برگ درختان نیز مینوشتند چنانکه در مدرس و جنوب هند امروزه نیز برای کتابهای خطی همان برگ بکار می رود.

در آسام برگ داربو (agar) و در سرندیب روی برگ خرما ی هندی (bal-tar) و سرندیبی (tali) نیز مینوشتند بدینگونه که با خامه فلزی روی برگها خراشیده و شکافته و با انباشتن شکافها بایک رنگ سیاه روغنی نوشته را می نمودند آنگاه برگها را دوسوراخ کرده و نخ میکشیدند و بساخت کتابی در میآمد. همینکه مرزهای کشمیر بروی بیگانگان باز شده و ایرانیات بدانج راه یافتند ساختن کاغذ را که از چینیان فرا گرفته بودند نخستین بار بدانجا برده و زین العابدین فرمانروای کشمیر نزدیک ۸۵۴ (۱۴۵۰) در باغ شاهانه نوشر Nowsher کارخانه ای بنیاد نهاد (۲).

مصریها بایروس یا بردی بکار میبردند و همین نوع کاغذ بود که بیونان رفت. در سده ۷ پیش از مسیح بگسواهی هرودتس و تو کودیدس و کسینوفانس و افلاطون و ارسطو در

۱ - بنگرید: فهرست ابن ندیم - خطط الشام کرد علی ج ۶ ص ۱۸۵ - فرهنگ تاریخ Dictionnaire des dates از M.A.-L.D'Harwonville چاپ پاریس در دو جلد بسال ۱۸۴۵ درواژه «Papier».

۲ - بنگرید به دیباچه: Papermaking by hand in India. by Dard Hunter چاپ نیویورک بسال ۱۹۳۹.



## پنج

یونان و ایران با سانی روی آن می نوشتند و یونانیان پوست بز و گوسفند نیز بکار میبردند و از دیر باز آنها بکتاب «دفتر» و «پوست» میگفتند و نام «یلبلیا» هم که بکتاب داده اند گرفته از نام «بردی» مصر است که از آن بادبان و بوری و یارچه پوشیدنی و پرده و موزه و ریمان و کاغذ میساختند. کتاب در آن روزگار باندازه ای فراوان بود که بزیستراتس فرمانروای آتن در سده ۶ و پلیکراتس فرمانروای ساموس کتابخانه ای بنیاد کردند.

در روزگار سقراط هم کتاب فراوان بوده و ارسطو از اندازه های گوناگون کتابها و اینکه چرا خواندن برخی را بخواب میبرد و دسته ای اگر بخواهند بیدار بمانند بکتاب می نگرند یاد میکند.

کاغذهای یونان هم از بردی بوده و آن در آبگیرها و در رودخانه نیل آنجاها یکی که آب میایستاد میروئید و گودی آن ازدو ارش بیشتر نبود و کلفتی ریشه خمیده آن نزدیک بیک ارش میرسید و تنه آن سه پهلوی و از پائین بیلا نازک تر و گاهی آنهم خیلی کم، ازده ارش بیشتر میگردد. ریشه آنرا هم میگردند و گاهی هم آوند از آن میساختند. از تنه چوبین آن کشتی کوچک و از پوست آن بادبان و بوری و پوشاک و پرده و ریمان میساختند. بردی مصر از بردی سوریا و کنار فرات نزدیک بابل در ساخت کاغذ بهتر بود. بردی را بچندین نوار بسیار نازک و پهن بخش میکردند و بهترین نوارها از میان آن بود و به همین گونه تا برسد بکنار آن. نوارهای درونی برای کاغذ کتابهای دینی بکار میرفت که پهنایش بیش از ۱۱ انگشت نبوده است پس از آن نوارهای دیگر که کاغذهای پست تری درست میشد تا میرسید بنوارهایی که برای کاغذ بازرگانی برای آوند و پیچیدن کالا بکار میرفت سرانجام میرسید پوست بردی که مانند خیزران برای ریمان بکار میرفت و در آب فرسوده نمیشد.

از همه این نوارها بدینگونه کاغذ میساختند که آنها را روی خوانی خیس شده با آب نیل دارای لای (طبی) میگسترند تا بهم بچسبند و دنباله های آنها را می بریدند که در درازا یکسان شوند سپس نوارهای دیگری بپهناروی آنها میگذارند تا بمانند دار بست شود آنگاه آنها را زیر منگنه میگذارند تا کاغذی که بدست میآید در آفتاب گذارده خشک میشد سپس رویهم میگذارند تا بندهای آن که هر یک بیست برگ بیشتر نبود بدست آید بهترین کاغذها آن بود که بپهنای ۱۳ انگشت باشد کاغذ بنازکی و سختی و سفیدی و روشنی و زدودگی آن سنجیده میشد. امپراتور کلودیوس در نیکو ساختن کاغذ اوگوستوس که نازکترین و روشنترین با پیروس بوده است، کوشید بدینگونه که تار آن را از درجه دوم و پودش را از درجه یکم کرد و بدینروش پهنای آن در «فرخ» بزرگ بیک ارش میرسید. کاغذ کلودیوس را در کتاب و اوگوستوس را در نامه بهتر می پسنیدند.

کاغذ را با پاره عاج یا گوش ماهی نرمی مهره کشیده روشن میساختند آنهم تا اندازه

ایکه حبریا مرکب روی آن نلغزد و نوشته شود و حرفها زود پاک نشوند. آب نیل گلناک (حمی) اگر در ریختن آن روی کاغذ بر آغاز کردقت نمیشد بوئی در آن میگذازد که شناخته میگردد و پیسه و لك در آن میانند که ناگزیر بایستی جای آنرا شکافت تالك برود و طوری دوخت که خریدار در نیابد مگر پس از بکار بردن که مرکب در جاهای دوخته خورد شده و نوشته درست خوانده نمیشد. اینگونه کاغذ اگر خوب درست میشد دیری میانند چنانکه در تابوت توما پومپلیوس نوشته ای از همین کاغذ پس از ۵۳۵ سال یافته اند و پیداست که در آن روزگار رومیها آن را بکار میبردند (۱)

رومیا از پیش روی پوست درخت می نوشتند و مردم پرگامس نخستین بار رق یا پوست جانوران را بکار بردند و تا پیدائی کاغذ دادستد آن رایج بوده است.

ایرانیها روی پوست برآمده گاو میش و گوسفند و جانوران بیابانی و سنگهای سفید نازك (لخاف) و شاخ خرما (عسیب) و شانه شتر و گوسفند مینوشتند.

از ۶۵۲ م کاغذ ابریشی نیز بکار میبردند. اسکندر گاهی که پارس را بگشود نوشته هائی روی سنگ و چوب یافت و آنچه را میخواست بگرفت و بازمانده را سوزاند.

تازیان که نزدیک بآنان بودند نیز از آنها پیروی نموده روی اینها می نوشتند چنانکه پیامبر نامه های خویش را روی پوست و چرم (ادم) می نوشت و یاران او قرآنرا روی پوست نازك شده (رق) و عسیب و لخاف می نوشتند تا اینکه معاویه پسر ابی سفیان در دیوان انشاء کاغذ (ورق) بکار برد تا دیوان خلافت از دیگر دیوانها جدا باشد. هارون رشید چون دید که کاغذ (ورق) فراوان شده و کارخانه های آن بسیار گشت دستور داد جز در کاغذ ننویسند چه پوست سائیده میشود و میتوان درش دوباره نوشت و نیرنك بکار برد و کاغذ با سائیدن و پاك کردن نوشته آن رخنه میپذیرد و اگر کننده (كشط) شود آشکار خواهد بود و نوشته بجایهای دیگر براکنده میگردد.

میگویند که تازیان همینکه در ۷۰۴ (۸۵) بخارا را گرفتند ساختن کاغذ بنیه ای را از مردم آنجا آموختند. در همین زمان کارخانه کاغذسازی بزرگی در سمرقند بود. در ۷۰۶ (۸۸) یوسف عمرو درمکه کارخانه ای برای کاغذ بنیه ای بنیاد گذارد و در ۷۹۴ (۱۷۸) کارخانه کاغذسازی در بغداد سپس در دمشق براه افتاد. تازیان در سده ۱۱ مسیحی کارخانه هائی در سبته (Cevta, Septa امروزی) افریقا و سپس در بلنسیه (Valence) و طلیطله (Toledo) براه انداختند در Jativa سال ۱۱۵۴ (۵۴۹) کارخانه ای بود. کاغذ تازیان

۱- تاریخ طبیعی پلینوس ك ۱۳ ب ۲۱ چنانکه در دیباچه کون و فساد ترجمه لطفی سید ص ۵۳-۷۷ آمده است.

بیشتر از کتان بوده است اینگونه کاغذ از افریقا و اسپانیا و ایتالیا و فرانسه رفته و ماشین آنرا در ۱۷۹۲ ساختند.

اروپائیان بگفته بلینیوس کاغذ پایروس را در زمان همیروس میساختند و همینکه اسکندر بزرگ در ۳۳۳ پیش از مسیح اسکندریه را ساخت بکار بردن آن روائی یافت. فرانسویها و آلمانیها پیش از سده ۵ آنرا میشناختند و در سده ۶ و ۷ تنها همانرا بکار میبردند و پس از یورش تازیان تا سده ۷ و ۸ ناگزیر شدند که روی پارشمن بنویسند تا اینکه در سده ۱۱ و ۱۲ پیایروس بازگشتند و در سده ۱۲ توانستند از شیغن (پارچه و کهنه) کاغذ بسازند. این کاغذ در نیمه سده ۱۳ در دسترس همه بود و کارخانه آن در فرانسه در ۱۳۵۰ م کار میکرد. سازندگان نخستین اینگونه کاغذ را آلمانیها یا ایتالیائیها یا یونانیان پناهنده بیال میداند. اروپائیان از سده نهم روی کاغذ پنبه ای هم می نوشتند و بکاغذ کتان نیز در ۱۴۱۵ آشنا بودند نخستین کارخانه ساخت کاغذ از شیغن در آلمان در ۱۳۱۲ و در سوئد در ۱۳۲۳ و در پادو در ۱۳۶۰ و در انگلستان در ۱۳۸۸ و در بال در ۱۴۷۰ بنیاد گرفت. کاغذ پوست گوساله Vélin را شاهان پرگامس ساختند و انگلیسها هم آنرا میساخته و در ۱۷۵۷ Virgile را روی آن چاپ کردند. (بنگرید بهمان فرهنگ تاریخ)

ابن ندیم از نوشتنی ها گل و چوب و سنک و مس و برك و توز (درختی است) و پوست پیراسته و پرنیان (حریر) سفید و قرطاس مصری که از نخی بردی یادوخ ساخته میشده و طومار مصری و فلجان (پوست گوره خر) یاد میکند و میگوید که ایرانیها در پوست گاو میش و گاو و گوسفند و تازیان در شانه شتر و سنک سفید نازک (لخاف) و شاخه خرما (عیب) مینوشتند و چینیان روی کاغذ چینی ساخته از گیاه خشک (خشیش) و هندوان روی سنک و مس و پرنیان سفید. باز می گوید که ورق خراسانی از کتان است که چینیان به مانند ورق چینی در خراسان ساختند (چنانکه گفته اند زندانیان چینی در ۷۵۱ م که بسمرقند آمدند این هنر را در آنجا آوردند) و دیری در بغداد روی طرس می نوشتند و در آنجا دیوانهارا روی پوست نوشته آنگاه پاکش کرده دوباره بکار میبردند (طرس در فرهنگها همین باز نوشته ها است) کتابها در پوست پیراسته بانوره نوشته میشد و آن سخت بود تا اینکه در کوفه پیراستن آن با خرما (تمر) پرداختند (ص ۳۱).

ابن خلدون در فصل ۳۱ باب ۵ کتاب ۱ ص ۴۲۱-۳ از صناعت و راق گفتگو نموده و میگوید که در روزگار پیشین بنسخ و تجلید و تصحیح (از روایت و ضبط) دیوانهای علمی و سجلها می پرداختند و روی گسترش تمدن در عراق و اندلس هنر و راق (اتساح و تصحیح و تجلید) روائی یافت نخست روی رق (پوست) مینوشتند سپس بدستور فضل پسر یحیی کارخانه کاغذسازی بنیاد یافت و دانشمندان هم کتابها را از روی روایت بنگارندگان نسبت میدادند



تا اینکه هنر خط در مغرب و مصر کاهش گرفت و هنر روایت در مشرق بجا ماند و ایرانیانند که بخوشنویسی آشنا میباشند.

نام کاغذ بتازی چنین است: قرطاس، لوح، رق (پوست نازک شده)، صحیفه، کاغذ (از بردی مصر)، ورق، طرس، مهرق (مهر کرد) که پارچه‌هایی بود که بامهره (خزر) روی آن سائیده و هموار و روشش میساختند (جمهره ابن‌درید چاپ دکن ج ۳ ص ۴۹۹) بگفته قلّشندی بهترین کاغذ آنستکه سخت سفید و پیراسته و زدوده و روشن و از همه سوی هموار و یکنواخت و نقرسودنی باشد و بهتر آن بغدادی است که نرم و کلفت و کناره‌های آن نازک بوده و یکنواخت میباشد و بیشتر در آن قرآن می‌نویسند و گاهی هم نامه‌های خانها (قانات) سپس شامی آنگاه حموی در قطع شامی پس از اینها ورق مصری در قطع منصوری که بزرگ‌تر و گاهی در هر دو روی زدوده و روشن میباشد و در قطع عادی که آنهم گاهی در هر دو روی زدوده و مهر کرده میباشد و راقان آنرا «مصلوح» میگویند و جز مصلوح آنهم دو گونه است: عالی و وسط. قطع کوچک مصری کلفت و درشت و کم پیراسته است که برای شیرینی‌ها و بوهای خوش بکار میرود. از همه پست‌تر کاغذ باختریان و فرنگیها است که زود فرسوده می‌شود. (قلّشندی)

### اندازه کاغذ بنوشته قلّشندی

الف - اندازه برگهای کاغذ در دیوانخانه های مصر:

۱ - قطع بغدادی کامل (عرض درج يك ذراع قماش مصری و طول وصل هر درج يك و نیم همان ذراع) برای پیمانها و بیعت نامه‌های خلفا و نامه‌های شاهان. در روزگار ملك مؤیدورق مصری پهنای يك و نیم ذراع ساخته‌اند. در بغدادی کامل بقلم مختصر طومار می‌نویسند.

۲ - قطع بغدادی ناقص (با اندازه چهار انگشت پیوسته در پهنای درج کم دارد) برای نامه‌های پادشاهان دسته دوم.

۳ - دوثلث ورق مصری یا دوثلث طومار کامل منصوری (دوسوم ذراع در پهنای درج) برای فرمانروایان و وزیران و داوران بقلم ثلث ثقیل.

۴ - نیمه طومار منصوری (نیم ذراع در پهنای درج) برای دیوانیان پایین‌تر بقلم خفیف

۵ - يك سوم قطع منصوری (يك سوم ذراع در پهنای درج) برای دسته چهارم شاهان و فرمانروایان بقلم توقیعات.

۶ - قطع منصوری (يك چهارم ذراع در پهنای درج) برای فرمانهای دیوانی.

۷ - قطع کوچک و عادی (يك ششم ذراع) برای کارهای کوچک دیوانی و نامه‌های

مردم بقلم رقاع.

۸- قطع شامی کامل (بدر ازای و پهنای طومار شامی) که در دیوان کم بکار میرفت و نزدیک بلك بلدی بود و بقلم توقیع در آن می نوشتند .

۹- قطع كوچك (پهنای سه انگشت پیوسته) از «ورق طیر» و این يك گونه از كاغذ شامی بوده و بسیار نازك كه نامه های ریز و لطیف و «بطائق حمام» یا «نوشته خرد كه بكبوتر می بستند» در آن نوشته میشد .

ب - ورق شامی :

۱- قطع شامی کامل (پهنادر ازای طومار شامی کامل) برای گرانمایگان .

۲- قطع نصف حموی (پهنای نیم طومار حموی و در ازای خود آن) برای دسته دوم و بقلم رقاع .

۳- قطع عادی شامی (بدر ازای يك طومار یا کمتر و پهنای يك ششم ذراع قماش مصری) برای دسته سوم نیز بقلم رقاع و گاهی هم سرخ رنگ آن بکار میرفت .

۴- «ورق طیر» برای «ملطقات و بطائق» بقلم جناح و غبار .

( در خاور نیز همین گونه بود . در باختر و سودان و فرنگستان در طوماری مینوشتند كه در ازای آن اندكی از پهنای آن بیشتر بود كوچك یا بزرگ ) .

ج- كاغذهای قطع عادی و بلدی در مصر و شام .

اندازه ایكه در بالای كاغذ سفید میگذاشتند چنین بود: در قطع بغدادی ۶ وصل و در دو سوم ۵ و در نیم ۴ و در يك سوم و نیز در شامی كامل ۳ و در منصوری و عادی و نیم حموی و شامی عادی ۳ یا ۲ وصل . در كنار كاغذ بدلتخواه نویسنده بوده و گاهی دو یا سه یا چهار انگشت و جز آن . در روزگار قلقشندی در هر وصل قطع عادی و منصوری سه سطر و در جز آن دو سطر می نوشتند .

طومار يك ورق كامل را گویند و آنرا در روزگار قلقشندی «فرخه» میگفته اند و گویا از آن طومار بغداد خواسته میشد كه تختگاه بوده شامی آن . خلفا پس از معاویه همیشه قرطاس بكار میبردند و اندازه آن برای خود آنها دو سوم طومار و برای امیران نیمه طومار و برای كاركنان و نویسندگان يك سوم و برای بازرگانان و مانند آنها يك چهارم و برای حسابداران و مهندسان يك ششم طومار بوده است (۱) .

در «سرگذشت» ابن سینا بگفته خود او و جوزجانی از «جزء أمقار الثمن» و «الربع الفرعونی» و در قابوسنامه نوشته سال ۴۷۵ در فصل دیری از «قطع منصوری» و در عیون الانباء (ج ۱ ص ۱۹۷) از «تطیع مثل ثلث البغدادی» و در سعد السعود از «قالب نصف الورقة

۱- بنگرید به : صبح الاعشی ج ۲ ص ۷-۴۷۲ و ج ۳ ص ۵۳-۱۳۲ و ۱۵- ۱۸ و ج ۶ ص

۹۶-۱۸۹ و ضوء الصبح المسفر ص ۴-۱۸۳ و ۷-۴۱۲ هر دو از قلقشندی .



وثلث وربع وثمان و «قالب الطالبی» (ص ۵-۶۴-۱۲۱-۲۳۱-۲۴۷-۲۵۳) یاد شده است. این بود اندازه کاغذ در خاور که کتابها هم در همانها نوشته میشد. کتاب در آغاز بساخت طومار بوده که آنرا میچیدند و گاهی هم میله ای میان آن بود. رومیان که دریگرویه پارشمن (پوستهای پیراسته و نازک و سفید شده شهر پرکامس) مینوشتند هر بند آنرا بساخت طومار می پیچیده در صندوقچه یا لوله ای (Scrinium) می گذاشتند از اینجا واژه طومار یا Volumen (Volume) پیدا شد که پس از این «جلد» از آن خواسته شد. سپس بندهای يك اندازه پارشمن را دور و نوشته و از چند تای آن دفتری میساختند و دوسوی آنرا چوبی میگذاردند. پس از این که چندی گذشت ته دفترها را میدوختند از این جا تاریخ جلد سازی آغاز میگردد.

تا نیمه سده ۱۵ اندازه کتابها یکنواخت نبود و پس از پیدا شدن چاپ اندازه ها یکسان گردید. گرچه در اروپا هم اندازه کاغذ گوناگون می باشد مگر اینکه در تاه کردن و چاپ روی آن قاعده ای در کار است و بر روی آن قاعده اندازه کتاب بدست می آید (۱)

کاغذ قطع بزرگ اروپا Colombier نام دارد و اندازه معمولی آن  $۹۰ \times ۶۳$  می باشد. پائین تر از آن Jesus است که در کنار آن نشان J.H.S دارد و اختصار نام عیسی پیامبر می باشد و اندازه  $۷۲ \times ۵۶$  آن در پاریس بوده و اندازه Double Jesus  $۷۶ \times ۱۱۲$  می باشد. پائین تر از آن Raisin می باشد که نشانه خوشه دارد و با اندازه  $۶۵ \times ۵۰$  می باشد. پائین تر Carré می باشد با اندازه  $۵۶ \times ۴۵$

### اندازه کتاب - Format

اندازه کتابها بیشتر از اندازه چهار نوع کاغذ یاد شده بدست می آید. کاغذی که زیر چاپ میرفت و بساخت يك برگ در می آمد آنرا in-plano مینامیدند از هر کدام کاغذ چهار-گانه که بود. اگر آنرا تاه میکردند و دارای ۴ صفحه میشد in-folio اگر هشت صفحه میداشت in-quarto و ۱۶ صفحه ای را in-octavo و ۳۲ صفحه را in-16 میگفتند اندازه همه اینها در چهار گونه کاغذ یکنواخت نبود در جدول آئینده اندازه کتاب جلد شده در هر یک از این کاغذها بدست می آید.

۱ - بنگرید به : Manuel pratique de l'ouvrier relieur از Ch.Chanat چاپ گارنیه در پاریس ص ۱۹.

|              | In—plano | ni—folio | in—4 | in—8 | in—16 | in—18                             | in—32 |                                   |                                   |                                   |                                   |                                   |                                 |   |
|--------------|----------|----------|------|------|-------|-----------------------------------|-------|-----------------------------------|-----------------------------------|-----------------------------------|-----------------------------------|-----------------------------------|---------------------------------|---|
| Colombier    | 84       | 61       | 61   | 42   | 42    | 30 $\frac{1}{2}$ 30 $\frac{1}{2}$ | 21    | «                                 | »                                 | »                                 | »                                 | »                                 |                                 |   |
| Jésus .....  | 70       | 54       | 54   | 35   | 35    | 27                                | 27    | 17 $\frac{1}{2}$ 17 $\frac{1}{2}$ | 13 $\frac{1}{2}$ 13 $\frac{1}{2}$ | 18 $\frac{1}{2}$ 18 $\frac{1}{2}$ | 11 $\frac{1}{2}$ 11 $\frac{1}{2}$ | 13 $\frac{1}{2}$ 13 $\frac{1}{2}$ | 8 $\frac{1}{2}$ 8 $\frac{1}{2}$ |   |
| Raisin ..... | 64       | 49       | 49   | 32   | 32    | 24 $\frac{1}{2}$ 24 $\frac{1}{2}$ | 16    | 16                                | 12 $\frac{1}{2}$ 12 $\frac{1}{2}$ | 16 $\frac{1}{2}$ 16 $\frac{1}{2}$ | 10 $\frac{1}{2}$ 10 $\frac{1}{2}$ | 12 $\frac{1}{2}$ 12 $\frac{1}{2}$ | 8                               |   |
| Carré.....   | 56       | 44       | 44   | 28   | 28    | 22                                | 22    | 14                                | 14                                | 11                                | 14 $\frac{1}{2}$ 14 $\frac{1}{2}$ | 9                                 | 11                              | 7 |

## دوازده

اینست نام قطع کتاب در فارسی ولاتین و نشانه آن

|            |                              |              |                  |
|------------|------------------------------|--------------|------------------|
| A=in-plano | شماره عددی یا حرفی فرم درس ۳ | الف - دوبرگی | برگی بزرگ        |
| A=in-folio | =                            | ۵            | الف - یک برگی    |
| B=in-4°    | =                            | ۹            | ب - رحلی         |
| C=in-8°    | =                            | ۱۷           | ج - وزیری        |
| D=in-8°    | =                            | ۱۷           | د - خشتی         |
| E=in-16    | =                            | ۳۳           | ه - ربعی یا ربعی |
| F=in-16    | =                            | ۳۳           | و - بغلی         |

قطع (بیاضی Format oblong ou à l'italienne) نیز در کتابها هست که از عرض نوشته شده و از عرض هم صحافی میشود.

در کتابها اندازه in-12 و in-18 و in-24 هم هست که شماره فرم درس ۲۵ و ۳۷ و ۴۹ نوشته میشود. در اندازه in-18 گاهی یک برگ را به ۲۴ و برگ دیگر را به ۱۲ بخش میکنند ولی نشانه سوم روی ص ۳۷ میافتد. در کتابخانه ها برای آسانی کار اندازه ها را بدینگونه نشان میدهند: A=in-folio و B=in-4° و C و D=in-8° و E و F=in-16.

این هم گفته شود که در اروپا کاغذی بود بنام Tellier با اندازه ۴۴×۳۴ میلیمتر که Le Tellier (۱۶۰۳-۱۶۸۵) مهرداد وزیر دربار هانری ۴ دستور داده بود آن را بسازند و برای کارهای رسمی بکار برند آنرا papier ministre میخواندند گویا قطع وزیری ایران هم از اینجا باشد (بنگرید به: لاروس سده ۲۰ در همین واژه). اندازه کتاب بر حسب اصول صحافی که اکنون روی آن کار میکنند چنین است:

| اندازه     | قطع          |
|------------|--------------|
| ۴۵×۳۵ سانت | یک برگی =    |
| ۳۵×۲۲/۵    | نیم برگی =   |
| ۲۲/۵×۱۸/۵  | ربعی =       |
| ۱۷/۵×۱۱/۲۵ | یک هشتم =    |
| ۱۱/۲۵×۸/۷۵ | یک شانزدهم = |

۱ - بنگرید به: کتاب یاد شده شانا و کتاب کرزه ص ۱۱۷ و اصول فن کتابداری استاد محترم آقای دکتر صبا - در لاروس سده ۲۰ در کلمه Papier اندازه کاغذهای گوناگون اروپا دیده میشود.

## قطع کتاب و اندازه تقریبی آن

|            |                              |
|------------|------------------------------|
| بازوبندی . | نزدیک $30 \times 20$ میلیمتر |
| بغلی .     | » $40 \times 60$ »           |
| جانمازی    | » $80 \times 120$ »          |

حمایلی دارای قطر بیشتر از جانمازی

و باندازه همان

|                                       |                      |
|---------------------------------------|----------------------|
| نیم ربعی :                            | » $100 \times 180$ » |
| ربعی                                  | » $120 \times 190$ » |
| وزیری کوچک                            | » $130 \times 200$ » |
| وزیری                                 | » $140 \times 220$ » |
| وزیری بزرگ                            | » $200 \times 260$ » |
| خشتی                                  | » $170 \times 210$ » |
| خشتی باریک                            | » $140 \times 210$ » |
| سلطانی یا شاهانه روزگار مغول و تیموری | » $300 \times 400$ » |
| رحلی کوچک                             | » $160 \times 270$ » |
| رحلی                                  | » $220 \times 370$ » |
| رحلی بزرگ                             | » $340 \times 580$ » |

نام کاغذ در ایران : خانبلاغ - سمرقندی - خطائی - بخارائی - سپاهانی - دولت آبادی - بغدادی - ترکی - مصری - کشمیری - ترمه - فسقی - فرنگی قدیم و جدید. شناختن اینگونه کاغذها در فهرست نسخه‌ها بسیار سودمند می‌باشد .

پس از یاد کردن کاغذهای گوناگون اندکی از خط چنانکه در کتابها دیده شده سخن بپایان می‌آید. قلمهای گوناگون چنین است : قلم طومار یا فرخه که در زمان عمر عبدالعزیز یا معاویه بوده و باندازه ۲۴ موی ستور (برزون) می‌باشد. قلم مختصر طومار میان ۱۶ و ۲۴ موی. ثلث ثقیل باندازه ۸ موی . ثلث خفیف کمی نازکتر. توقیع یا قلم ریاسی ساخته یوسف برادر ابراهیم سحری و نازکتر از «جلیل» که ذوالریاستین از آن خوشش می‌آمد و مانند ثلث است و گرد مانند . رقاع که در رقعها و برگهای کوچک نوشته میشد و گردتر و نازکتر است. غبار که از رقاع و نسخ آمده و نازک است. اصول این قلمها ثلث و رقاع و توقیع و نسخ و

۱- بنگرید به سخنرانیهای آقای دکتر مهدی بیانی در باره فهرست کتابهای خطی در کلاس کتابداری و همچنین به فهرست مجلس و مدرسه سپهسالار و کتابخانه معارف که در اینها در باره نسخه‌ها هم نام قطع و هم اندازه آنها دیده میشود .



## چهارده

مخفف میباشد و فروع آنها غبار است و مشعر و منشور و حواشی و جز آن . این قلمها در آغاز روزگار عباسیان و پایان کار امویان از قلم کوفی درآمده و آنهم بچند قلم است و همه آنها بر میگردد بدوریش «مقورولین» یا نرم و (مبسوط و یابس) یا خشک (قلقشندی) .

نام خطوط را بدینگونه نیز یاد کرده اند کوفی : نسخ - ثلث - محقق - ریحانی - تعلیق - رقاع - توقیع - نسخ جدید - نستعلیق .

در خط نیز چند قلم یاد کرده اند : قلم شش، چهار، سه، دو، نیم دانگ - قلم کتابت، عالی، جلی، ممتاز، خفی، خفی عالی، خفی ممتاز، خوش - قلم زر، لاجورد، شنگرف (۱) .

### رنگها و آرایش در کاغذ

کاغذ : متن و حاشیه (که میانه آن نوشته میشود و کناره آن جداگانه و بدان می - چسبانند) و رنگارنگ و زرانود و زرافشان و دارای جدول یا کمند زرین یا حاشیه زرافشان یا ابری و تشعیر سازی شده و معرق و مرصع و منذهب و منقش با جدول، سرلوح، ترنج و طلاکاری شده در میان سطرها

رنگهای آن : مشکی، آبی، سبز، نگار شده یا سفید آب، کبود، سرخ .

جلدها بدینگونه است : ساغری (کیمخت) که از پوست اسب یا خر میساختند و دانه دانه است - تیماج که از پوست گوسفند است و درشت و گاهی نازک میباشد - چرمی که گاهی کلفت میباشد - میشن که پوستی است نرم - سختیان یا پوست بز - مقوائی از کاغذ - پارچه ای. جلد آراسته و غنی - ضربی - سوخت میباشد و همچنین ممتاز و عالی و مرغشی و زرین، منقش، معرق، مشکی، سرخ، زرانود، منگنه منقش یا منذهب، با ترنج و نیم ترنج، ولچکی، حاشیه بند رومی و اندرون سوخت و قاب سازی شده (۲) .

۱ - درباره خط طاشکبری زاده ۹۶۲۸ در مفتاح السعاده و مصباح السیاده چاپ دکن در ۳ جلد بسال ۵۶ - ۱۳۲۸ گفتگو نمود : ادوات خط - تحسین حروف - تولد خطوط از اصول و ترتیب حروف تهجی - املاء خط عربی - خط عروض و مصحف - تصحیف - رسم کتابت قرآن در مصاحف - آداب کتابت مصحف ص ۷۶ و ۷۹ و ۸۰ و ۸۴ از ج ۱ و ص ۲۲۷ و ۲۲۹ و ۴ - ۳۲۱ ج ۲ همچنین کرد علی در خط طالشام جلد ۶ ص ۶ - ۱۹۵ نیز آملی در نفائس الفنون .

۲ - مقدسی در احسن التقاسیم میگوید که مراوراق و مجلد میخوانده اند و صحافی میکردند و مزد میگرفتند (ص ۴۳ - ۴۴ چاپ دوم) امیر عدن مصحفی برایم فرستاد تا جلد برای آن سازم و من سه ریش (اشراس) خواسته ام و پیدا نشد. عدنیها را از تجلید زیبا خوش میآید و مزد فراوان میدادند و من گاهی برای مصحف دودینار میگرفتم. درین کاغذها (دروج) را با نشاسته میچسبانند و با همان برای دفترها (دفاتر) آستر میسازند (بطانه) (ص ۱۰۰) .

## یانزده

### هرکب

قلقشندی دربار هرکب چنین میگوید که دوده را از مواد چرب میگیرفتند مانند تخم ترب و کتان بدینگونه که روغن اینهارا در چراغهایی میسوزانند و دوده آن را که در طاس روی چراغ گرد میآمد میگرفتند و با آب مورد میآمیختند تا کمی سبزرنگ باشد و صمغ عربی در آن میریختند تا پراکنده نشود. گاهی دوده دیکهائی که در آن نخود و مانند آن بومیدادند باریختن آب در آن می گرفتند و باب مورد و انگبین و کافور و صمغ عربی و نمک میآمیختند.

اودرباره ساختن «مداد» که خوشنویسان پیشین با آن می نوشتند میگوید:  
سه رطل از دوده (سخام) نفت را بیخته و پاکیزه ساخته در باتلی (طنجیر) میگذارند و سه برابر آب و یک رطل انگبین و ۱۵ درهم نمک و ۲۵ درهم صمغ کوبیده و ده درهم مازو در آن میریزند و روی آتش کمی گذارده با کوبه آن اندازه میزنند تا مانند گل سخت گردد سپس در جایی نهاده بکار میبرند. کافور هم در آن میریزند تا خوشبو شود و صبر هم تا مگس روی آن ننشیند.

سپس میگوید که «حبر» دو گونه است:

۱- حبر برای کاغذ که از دوده میسازند بدینگونه که یک رطل مازوی شامی را نیم کوب میکنند و با کمی مورد (آس) درشش رطل آب میخیسانند تا یکپخته آنگاه آنرا روی آتش میجوشانند تا نیمه یاسه یک رسد سپس در لنگی شیره آنرا میکشند و سه روزش می گذارند و دوباره شیره میکشند آنگاه در هر رطلی از چنین آب مازو چند اوقیه (۷ مثقال یا ۴۰ درهم) از انکم تازی و زاج قبر می با اندازه آن میریزند سپس آن اندازه از دوده بر آن میافزایند که سیاه کننده شود. صبر هم باید در آن ریخت که مگس از آن بگریزد و انگبین نیز تا دیری بیاید. در هر یک رطل از حبر سه اوقیه دوده باید ریخت آنهم پس از اینکه دوده را با کف دست با شکر نبات و زعفران شمر و زنگار بسایند نه اینکه در هاون ریخته با دسته آن بکوبند که تپاه میگردد.

۲- حبر برای رقی یا پوست نازک که آنرا «حبر الراس» گویند و دوده در آن میریزند از اینرو است که درخشندگی دارد و خیره کننده است و چشم را زبان میرساند.

(صبح الاعشی ج ۲ ص ۶-۴۶۴)

این بود نمونه ای از آنچه که درباره نسخه شناسی از هنر و راق و صحافت باید دانست و دانشمندان جسته گریخته از این دو هنر گفتگو کردند از آنهاست ابن الحاج ابو عبد الله محمد بن محمد بن محمد عبدری فاسی عارف مالکی (م. در قاهره سال ۷۳۷ در هشتاد و اند سالگی) در «مدخل الشرع الشریف علی المذاهب» که در ۷۳۲ بیابانشر رساند. او از بسیاری از هنرها

## شانزده

وپیشه‌ها از رهگذر ققه و اخلاق گفتگو نمود از آنها است و راقص و صحافت (ص ۱۲۶-۱۳۷)  
ج ۳ چاپ دوم چاپخانه وطنیه اسکندریه در ۳ جلد بسال ۱۲۹۳) .

### شماره گذاری کتابها

ملویل دیوئی Melvil Dewey امریکائی (۱۸۵۱-۱۹۳۱) بنیاد گذارد و دبیر  
انجمن کتابداران در ۹۰-۱۸۷۶ و کتابدار کالج کلمبیا و مدیر کتابخانه دولتی نیویورک در  
۱۸۷۴-۶ روش دهمی را آورد و در کتاب کلان خویش Decimal classifica-  
tion and relative index (چاپ ۱ در ۱۸۷۱ و ۱۴ در دو جلد بسال ۱۹۴۲) .  
دانشها و هنرها را بده بخش کرد از ۰ تا ۹ و شماره اصلی آنها را به ۱۰۰۰ رساند و  
شماره هر کتابی را از روی موضوع آن نوشت و کتابدار میتواند با خواندن آن شماره هر  
کتاب را بیابد و در آن بگذارد. این روش گرچه از یک سوی دشوار است ولی از رهگذر برگه  
نویسی که فروشنده‌گان و ناشران کتابها و مجله‌ها و کتابخانه‌ها برگه‌های فهرستی دهمی  
با شماره بچاپ می‌رسانند بسیار آسان است و کتابخانه‌ها دیگر نیازی بنوشتن برگه‌های تازه  
ندارند. مگر اینکه شماره کتاب گاهی رقم بسیاری دارا میشود. این بود که بسیاری از کتابخانه  
ها آنرا پذیرفتند و همینکه نهادن کتاب روی اندازه Format در کتابخانه گسترش یافت  
از آن برگشتند مانند کنفرس امریکا و بنگاه جهانی کشاورزی رم. در برخی جاها آنرا  
کوتاه ساختند و علمها را بهمان ۱۰۰۰ بخش کردند و کار رقم شماره را آسان ساختند و  
نمونه آن در ص ۱۶ و پایان کتاب Y.Oddon petit guide du biliothécaire  
چاپ پاریس ۱۹۴۸ دیده میشود .

ل. کرزه L.Crozet در ص ۷۹ و ۱۴۹ و ۷۸ و ۸۱ Manuel du Bibliothécaire

چاپ پاریس بسال ۱۹۳۷ میگوید که این روش دهمی نادرست است چه

۱- دانشها و هنرها دهه بخش نمیشود و مانند کم منفصل جدا از هم نبوده و پیوستگی دارند

۲- اینگونه بخشبندی با گسترش دانشها نمیسازد .

۳- گاهی هم موضوع کتاب آمیختگی دارد و بسادگی نتوان آنرا از یکی از آن

بخشها دانست .

۴- پیدا کردن شماره کتاب برای کتابدار و خواننده فرهنگی که دیوئی برای شماره

ها نوشت دشوار و دبیری باید در پی آن پیوده گشت .

۵- شماره کتاب هم گاهی باندازه ای دراز میشود که نمیتوان بیاد سپرد و بآسانی

نوشت .

۶- اگر هم بخواهند این روش را درهمه جا روا بدارند ناگزیر بایستی دستور آنرا



دیگرگون ساخت. پس شایسته است کتابها را زوی اندازه درجایشان گذارد تا هم جایی در گنجینه تهی نماند و هم چشم انداز زیبایی داشته باشد. پس از گرد کردن کتابهای يك اندازه شایسته است کتابهای يك موضوع و مانند هم را پهلوی هم گذاشت آنگاه شماره گذارد تا اگر کتابی سر جایش نباشد بداند.

در کتابخانه علمی میتوان کتابها را به نه بخش نمود: A تا I بترتیب کمتر از ۱۴ و ۱۹ و ۲۳ و ۲۹ و ۴۰ و ۵۶ و ۸۰ و بیشتر از ۸۰ سائتی متر در درازا و در کتابخانه خواندنی و همگانی به شش بخش از A تا F (کمتر از ۲۰ و ۲۵ و ۳۰ و ۴۰ و ۶۰ و بیشتر از ۶۰ سم) در کتابهای خطی چنین است اندازه درازا برای چیدن در گنجینه: از A تا D (کمتر از ۱۵ و ۳۰ و ۵۰ و بالاتر از ۵۰).

### چیدن کتابها در روزگار پیش

از «سرگذشت» شیخ رئیس بیدار است که کتابخانه توح منصور سامانی (۳۶۶-۳۸۷) در بخارا در خانه ای بود دارای اطاقها و در هر يك صندوقهایی رویهم گذارده در يك اطاق نگارشهای ادبی در دیگری فقه و همچنین در اطاقهای دیگر از علمهای دیگر و فهرستی داشت که شیخ بدان نگریست و کتابهای را که نیاز داشت خواست.

بنوشته مقریزی (۷۶۴-۸۴۵) در خطط (چاپ ۱۲۷۰ مصر ج ۱ ص ۴۰۹ و ۴۵۸) از روزگار عزیز (۳۴۱-۳۶۵) تا ۴۶۱ دانشگاه فاطمیان در قاهره بنام (دارالعلم - دارالحکمه) در کاخ شاهی بوده و دارای چهل گنجینه که یکی از آنها دارای هیژده هزار جلد کتاب از علوم قدیم داشت. گنجینه چندین رف داشت و در یک تالار بزرگ و هر رفی دری داشت که بسته می شد و بر هر دری برگی میچسباندند و روی آن نوشته میشد که چه کتابهایی در آنجا هست شماره کتابهای ادبی و دینی و فلسفی آنجا با جلد و بی جلد (مجرد) به پیش از دوست هزار رسیده بود و گاهی که صلاح الدین کرد آنجا را گرفت به ۱۶۰ هزار میرسید که بفروش رفت. حاکم خود در روز شنبه ۱۰ ج ۲ سال ۳۹۵ دانشگاه را بگشود و دستور داد که کتابهای کاخ را بدانجا برند.

ابن جماعه بدرالدین محمد کنانی حموی شافعی (۶۳۹-۷۳۳) در تذکره السامع والمتکلم فی ادب السامع والمتعلم (چاپ ۱۳۵۳ دکن ص ۵-۱۷۰) بسال ۶۷۲ و شهید ثانی زین الدین شامی عاملی شیعی (۹۱۱-۹۶۶) در منیه المرید فی ادب المفید والمستفید (چاپ ایران ۱۳۰۷ ص ۷۰) بسال ۹۵۴ مینویسند که کتابها را رویهم که میگذارند در روی تختی بچینند یا زیر آن جویی باشد یا در رفی بنهند نه اینکه روی زمین باشد و نم بکشد و فرسوده گردد. میان کتابها و چوپ یا تخت و دیوار هم باید چیز دیگری باشد و همچنین روی آنها تا جلد آنها خورد نشود و کتابها را بدینگونه: نخست قرآن که بهتر است بدیوار بیاویزند سپس حدیث



## هژده

و تفسیر و شرح حدیث و اصول دین و اصول فقه و فقه و ادب رو بهم بچینند و اندازه کوچك باید در روی باشد. تا کتابها ریزند و نام کتاب را باید زیر هر صفحه نوشت و آغاز کتاب باید در روی باشد اگر کتاب چند جلد است باید در پایان هر يك نوشت که این جلد انجام گرفت و پس از آن جلد دیگری هست (چنانکه در بسیاری از کتابها دیده میشود و در پایان جلد آخر مینویسند که با این جلد کتاب پایان رسید) .

### کتابهای گنجینه‌ای

کرزه (ص ۸۵) کتابهای گنجینه‌ای را چنین می‌شمارد :

۱ - دارای جلد maroquin armorié یا پوست بز پیراسته و دارای نشانه که همان سختیان باشد و گوزگانی هم گویند چون از این شهر بدست می‌آمد ( ترجمه قاموس و برهان قاطع) .

۲ - کتابهای دارای پیکره و تصویر پیش از ۱۸۰۰ م.

۳ - مصور بسیار زیبای پس از این تاریخ .

۴ - چاپهای نخستین editions princeps .

۵ - دارای حاشیه‌های سودمند خطی .

۶ - چاپهایی که کمتر از دو دست نسخه بچاپ رسیده باشد .

۷ - چاپهای شهرستانها پیش از ۱۸۰۰ (بجز پاریس) .

۸ - کتابهای دارای Ex-Libris یا مهر و نشانه. در کتابهای خطی خاوری نسخه‌های اصلی یا دارای خط نگارنده یا اجازه‌ای یا بلاغ بخط او یا شاگردش یا دارای خط و اجازه و بلاغ و حاشیه از يك دانشمند و همچنین نسخه‌های یگانه یا بسیار کهن یا دارای خط خوش و آرایش و جلد زیبارا باید در گنجینه گذارد. نیز کرزه میگوید که کتاب نادرویمانند با زیبا و دارای آرایش خواه در خط یا در جلد را برای اینکه گم نشود و نذزدند و فرسوده نگردد و آسیبی بدان نرسد در گنجینه می‌گذارند و آن باید صندوق یا اشکافی باشد شبکه‌دار که با کلید بسته شود و نباید اینگونه کتابها را در کشوی بسته و بی‌سوراخ گذاشت که اگر هوای آن تازه نشود خواهد گندید. کلید باید همیشه نزدیکی چنین گنجه باشد تا در آتش سوزی بتوانند زود بازش کنند. کتابها را روی کهنگی و زیبایی در قفسه‌های گنجینه باید بچید .

### اندکی از تاریخ فهرست نگاری

از فهرست های کهن یکی فهرست نگارشهای افلاطون است که دانشمندان بدان می پرداختند . خود او گویا میخواست نوشته‌های خود را بچهارتائی بخش کند و از آنها ثنایتتوس و سوفسطائی و سیاسی و فیلسوف را یاد میکند با اینکه «فیلسوف» را ننوشت و همچنین میخواست بر جمهوری و تیمائوس و کریتیاس گفتگوی دیگری بیافزاید که اینرا هم

نوشته بود این بود که اریستوفانس بوزتیبائی ادیب اسکندریه (سده ۲ پیش ازم) پاره‌ای از آنها را پنج بخش سه تائی کرده و بازمانده را يك يك برشمرد. در کولیداس (Derkyllidas) (Dercylidès) فیلسوف یونانی سده ۱ و نگارندهٔ دفترهایی دربارهٔ فلسفهٔ افلاطون که پاره‌هایی از آنها بر جای مانده در روزگار قیصر روم (۱۰۱-۴۴ پیش ازم) و همچنین تراسولس Thrasyllè رودسی ستاره‌شناس نامور یونانی (م ۳۶) که تیبیر یوس (۱۴-۳۷) او را برآمده بود آنها را بچهار تائی (رابوع) بخش کردند.

تراسولس آنها را به نه چهار تائی بخش نمود که ۳۵ گفتگو و نامه‌ها باشد. دیوگنوس لائرسیوس آنها را از روی روش و سبك رده‌بندی کرد. نسخه‌های سده‌های میانی از روی رده‌بندی تراسولس و دیوگنوس میباشد و بهمین روش هم آنها را بچاپ رساندند. ابن ندیم و قفطی از گفتهٔ ثاون (از میری ریاضی‌دان یونانی سده ۲ گزارنده نگارشهای افلاطون که آنها را با اندیشه نو یونانگورسی بیامیخت و نویسندهٔ کتابی در ستاره‌شناسی) مینویسند که افلاطون نگارشهای خود را چهار بچهار (رابوع) بخش میکرد تا بهمان روش بخوانند. ایندو آنها را بروش همان ثاون فهرست داده‌اند. خزر جی میگوید که نگارشهای فیلسوف ۵۶ دفتر است و هر چهار چهار آنها بنام «رابوع» دارای يك غرض میباشد. او ۴۵ نگارش از او می‌شمارد. نزدیک است بفرست تراسولس.

در رده‌بندی سه یا چهار تائی گفتارهایی که مانده‌اند نیستند پهلوی هم گذارده میشود و نمی‌رساند که فیلسوف در زندگی خویش چگونه میان‌دیشید و کدام دفتر را در چه هنگامی نوشت این بود که پلاتونیان باستانی می‌گوشیدند که در خواندن آنها ترتیبی گذارند مگر اینکه آنها روی سلیقه و غرضی که داشتند کار کردند و میخواستند آنها را گذشته از ترتیب رسمی نسخه‌ها درجه‌بندی کنند. این هم تحول واقعی اندیشهٔ فیلسوف را نمی‌رساند و آنها کاری بتاریخ فکر او نداشتند گواهیهائی هم که گذشتگان دربارهٔ ایند فترها داده‌اند پنداری و بی‌ارزش است. از این روی هوشمندان اروپا دربارهٔ آنها بچند دسته‌شده برخی از روی پیوستگی آنها با یکدیگر و نشانه‌های ساخت و سبك عبارت‌ها و تطور اندیشه فیلسوف و اشاره‌هایی که بحادثه‌های تاریخی در آنها شده است آنها را از روی یقین بسا حدس بچند دسته و گروه بخش کردند (۱).

۱- بجز ۳۵ گفتگو و ۱۳ نامه که برخی مشکوک است شش گفتگوی کوچک (دادگری

برتری- دمود کوس Demodcos - سیسوفس Sisuphos و اریکسیاس Erixias و آکسیوخوس Axiochos) و تفریغی هم از فیلسوف دانستند که نگارش او نیست گذشته از همهٔ اینها شش گفتگوی مرتبی هم هست: (الکییادس دوم - هیپارخوس - هیچشمان - بقیه حاشیه در صفحه بعد

برای نگارشهای ارسطو هم سه فهرست هست : ازدیو گنوس لائرسیوس و هسوخوس ملتوس و بطلیموس رومی که قفطی و خزرجی از او گرفته اند چنانکه در ص ۶۴۱ همین فهرست یاد گردید .

این هم گفته شود که سرگذشت نویسان یونانی مانند همان دیو گنوس و فروریوس و دیگران نگارشهای فیلسوفان و دانشمندان باختری را فهرست داده اند. حنین اسحاق و ابو سلیمان سگری و ابن ندیم و بیهقی و قفطی و خزرجی از آنها پیروی نمودند . بجز دفترهایی که گاهی برای شمارش کتابهای یک فیلسوف یا برای چگونگی آموختن یک اندیشه فلسفی مینوشتند چنانکه همان حنین دفتری دارد بنام « کتاب فیما یقرء قبل کتب افلاطون » و دفتری در باره نگارشهای ترجمه شده و نشده جالینوس و نیز در باره نگارشهای همین جالینوس که در فهرست خود یاد نمود . (خزرجی ج ۱ ص ۲۰۰ و ۱۹۸)

جالینوس نیز برای نگارشهای خویش دو فهرست نوشت یکی در دو گفتار و در ۲۷ فصل (یکی کتابهای پزشکی دومی کتابهای فلسفی و ادبی) بنام « پری تن ایدیون بیبلیون = *De libris propriis* » یا « نگارشهای خود او » که ابن ندیم و خزرجی اثر افینکس و بینکس خوانده اند. او در آن روشن کرد که این کتابها را چگونه و چرا و برای چه نوشته است و در دیباچه آن کتابهایی که باو بسته اند بر شمرده. دیگری در یک گفتار بنام « پری تس تا کسئوس تن ایدیون بیبلیون = *De ordine librorum suorum* » یا « رده بندی نگارشهای خود او » که آنرا خزرجی ج ۱ ص ۷۱ و ۹۰ « کتاب فی مراتب قراءه کتب جالینوس » خوانده است و در آن روشن گردید که کتابهای او را چگونه باید بخوانند. جالینوس برای نگارشها ابقراط نیز فهرست نوشت و روشن کرد که کدام از خود او است و کدام را باو بستند بنام « کتاب فی کتب ابقراط الصحیحه و غیر الصحیحه » در یک گفتار (خزرجی ج ۱ ص ۹۹) و همین را حنین اسحاق (۱۹۴-۲۶۴) بنام « جوامع کتاب جالینوس فی کتب ابقراط الصحیحه و غیر الصحیحه » در آورد (خزرجی ج ۱ ص ۹۹ و ۱۹۹ و ابن ندیم ص ۴۰۵) .

بقیه حاشیه از صفحه قبل

تاگس - کلتوفون - مینوس) که مشکوک میباشد. ابی نمیس که دنباله نوامیس باید باشد گویا نگارش Philippe d'Opunt دوست و رازدار افلاطون باشد. در نامه ها هم بندهائی بی ارزش با بندهای دیگر آمیخته شده از این روی در آنها هم شک کرده اند .

بنگرید به : لاروس سده ۲۰ - ابن ندیم ص ۳۴۳ - قفطی ص ۱۴ - خزرجی ج ۱ ص ۵۰ و ۵۳ - دیباچه های E. Chambry (چاپ گارینه) و M. Croiset (چاپ بوده) برج ۱ دوره نگارشهای افلاطون .



## بیست و یک

همین حنین میگوید که نویسندگان گاهی از روی نادانی یا برای اینکه بگویند ما بسیاری از نگارشهای جالینوس را داریم دفترهایی از آن اوشان میدهند که دیگران بیش از او پرداختند یا کسی از نوشته‌های او گزین نمود یا در جنگی دارای چندین گفتار که نخستین آنها از او بوده است دیده شده و آنان نتوانستند آنها را از هم باز شناسند. همو کتابهایی را که بسبک و شیوایی جالینوس نیست فهرست کرد و نیز آنچه را که ترجمه شده و پاره‌ای که نشده برای علی بن یحیی ستاره شناس سیاه‌داد و گفتاری دارد که در آن کتابهایی که در «فهرست نگارشهای» جالینوس نیامده نشان داده است و خزر جی از روی همه اینها فهرست کتابهای جالینوس را نوشت (ج ۱ ص ۱۰۱ و ۱۰۲ و ۱۹۸)،

متن فهرست نخستین جالینوس و پاره باز مانده از دومین فهرست نخستین بار در ونتکیا بسال ۱۵۲۵ جزء دوره نگارشهای او بچاپ رسید.

فهرستی که حنین اسحاق (Johannitus ۸۰۹-۸۷۳) نوشته بنام «ترجمه‌های سریانی و تازی نگارشهای جالینوس» از روی دو نسخه استانبول با ترجمه G. Bergstrasser در Abhandlungen für die Kunde de Morgenlandes ج ۱۷ و ۱۹ بسالهای ۱۹۲۵-۳۲ چاپ شد. در آن آگاهی‌هایی از نگارشهای ابقراط هم هست.

فهرست دیگری از نگارشهای جالینوس در ۱۴۸۳ بنام بخش ورده‌بندی و شماره نگارشهای جالینوس بچاپ رسید که از کهن‌ترین فهرستهای چاپ شده میباشد. (بنگرید به Les débuts de la bibliographie méthodique)

ترجمه Th. Besterman از انگلیسی چاپ باریس بسال ۱۹۵۰ ص ۱۴). پیش از پیدا شدن چاپ در اروپا در سده ۹ فهرست یا سیاه‌ای از سرگذشت نامه قدیسان و پاکان نوشته و در دیر Saint Gall گداردند. کهن‌ترین فهرست چاپ شده دو فهرستی است از de Gennad و Saint Jerom که در ۱۴۶۷ بچاپ رسید (همان کتاب Besterman ص ۱۶).

کهن‌ترین فهرستی که در اسلام یاد شده همان فهرست کتابخانه مأمون عباسی است که مشکویه رازی در داستان «جاویدان خرد» نامبرده است (ص ۲۱) این ندیم از دفتر کهنی یاد میکند که ما نا از گنجینه مأمون بوده و در آن کتابهای آسمانی را شمرده اند (ص ۳۲).

یکی هم فهرست کتابخانه (بیت‌الکتب) صاحب اسماعیل بن عبادطالقانی (۳۲۶-۳۸۵) است درری که کتابهای آن باندازه چهارصد یا هفتصد بار شتر میشده است و ۱۱۷ هزار نسخه گرانها در آنجا بود. محمود سبکتکین ترك (۳۸۸-۴۲۱) هنگامی که بری رسید بدو گفته اند که در آنجا نگارشهای رافضیان و بدعت‌گذاران هست او هم هرچه دفترهای کلامی در آنجا بود بیرون آورد و دستور داد بسوزانند (نزدیک ۴۲۰).



## بیست و دو

ابوالحسن علی بن زید بیهقی (۵۶۵م) میگوید که من آنجا را پس از سوزاندن محمود دیدم فهرست آن بده جلد میرسید. (معجم الادباء چاپ اروپا ج ۲ ص ۳۱۵).  
 دیگر فهرست کتابخانه فنا خسرو بویه ای (۳۳۸-۳۷۲) در شیراز که مقدسی (زنده در ۳۷۵) در احسن التقاسیم (ص ۴۴۹) میگوید: این کتابخانه حجره جداگانه ایست و گماشته و گنجور و بازرر از نکوکاران شهر در آنجا بند و کتابی نوشته نشده تا این هنگام که در آن نباشد. این حجره دالان درازی است در یک صفا بزرگ. در آن از هر سوی گنجینه هائی (خزائن) است و بهمه دیوارهای دالان و گنجینه ها خانه ها یا اشکافهائی از چوب آراسته و نگارین بدر ازای یک قامت و بپهنای سه ارش چسبانده اند که هر یک را دری است که از بالا بیائین می آید و دفترها (دفاتر) روی رفها چیده و گذارده شده است و برای هر گونه از آن دفترها خانه هائی است و فهرست هائی که نام کتابها در آن آمده. (نیز: خزائن - الکتب القدیمه ص ۱۲۶).

### دقت دانشمند درباره استناد کتابها

دانشمندان اسلامی در درستی استناد کتاب بنگارنده آن بسیار مواظف بوده اند کتاب را مانند حدیث نمیدیدند مگر اینکه از آورنده و راوی آن بشنود یا از گفته او بنویسند (سماع و املاء) یا اینکه شیخ و پیر آنرا نوشته بدست خویش بآنها دهد (مناوله) یا در کتاب و اصل خود او یاد دفتر بیکه بر او خوانده شده و او درستی آنرا بر روی آن نوشته باشد یا شاگردانش آنرا درست بدانند یا ببند ایشگونه شروط را در دفترهای درایة الحدیث می بینیم و همچنین در کتابهاییکه درباره سرگذشت بزرگان و رهبران مانند شافعی و احمد حنبل و اشعری و دیگران نوشته اند رشته روایت و سماع درباره کتابها دیده میشود و در نسخه های کهن هم مانند «الرساله» شافعی نام کسانی که آنرا از استاد شنیده اند نوشته شده است.  
 همچنین در سرگذشتها و طبقات که برای دانشمندان نوشته اند فهرست نگارشهای آنها هست و برخی مانند سبکی از کتابها عبارتت آورده اند.

برخی از دانشمندان مانند اشعری در «العمد فی الرؤیة» (ص ۵۴۸ همین فهرست) و ابوالحسن محمد بن یوسف عامری نیشابوری ۳۸۱ در «الامد علی الابد» (ص ۳۴۷) جاویدان خرد نگارشهای خود را فهرست میدادند. یا اینکه شاگرد نوشته های استاد را بر می شمرد مانند جوزجانی در «سرگذشت» شیخ رئیس.

اینک نمونه ای از فهرستها که نوشته اند:

۱- الفهرست از ابوالفرج محمد بن اسحاق وراق بغدادی ابن ابی یعقوب ندیم (۲۰م شعبان ۳۸۵) نزدیک بشعبان سال ۳۷۷ که در آن بجز تاریخ علم، فهرست نگارشهای دانشمندان یونانی و ایرانی و اسلامی نیز هست فلوگل آنرا در لیدن بسال ۱۸۷۱-۲ در دو

جلد بزرگ با برسیهای آلمانی بچاپ رساند و در مصر نیز چاپ شد .

بارون روزن خاورشناس روسی سرگذشت این ندیم را نوشت ( گاهنامه سید جلال تهرانی سال ۱۳۱۰ ص ۹۹) در مجله Die Kunde Morgenlandes سال ۱۸۸۹ نیز بارهائی از همان فهرست بچاپ رسید که آن در پایان چاپ ۱۳۴۸ مصر هم دیده میشود .  
۲- الفهرست شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰) که در دیباجه آن میگوید : « پیش از من فهرست نگارشهای یاران ما را نوشته اند مگر اینکه همه کم و کاستی داشت مگر نوشته ابو الحسن احمد بن الحسین غضائری که دو فهرست نگاشت یکی درباره مصنفات دیگری در اصول و کسی آنها را رو نویس نکرد و او ببرد و آن نوشته ها از میان برفت » چاپ نجف سال ۱۳۵۶  
۳- رجال ابو العباس احمد بن عباس نجاشی (۳۷۲- مطهر آباد ۴۵۰) که در سرگذشت دانشمندان شیعی نگارش های آنان را یاد نمود و آن در بمبئی سال ۱۳۱۷ بچاپ رسید .

۴- سعد السعود از علی بن طاووس حلی (۵۸۹-۶۶۴) نگارش یکشنبه ذی قعدة ۶۵۱ که کتابهایی را که خریده و بر فرزندانش وقف کرده بود برشمرد و عبارتهائی از آنها با نشاندادن شماره برگ و کراسه و جزء در آن آورد تا اگر از میان برود نشانی از آنها بماند و اگر دستبردی شده و نشانه وقف آنها بریده شده بتوانند آنها را بشناسند و اگر کسی هم نخواند یا نتواند آنها را ببیند همین گلچینی ها که او کرده است برایش سودمند خواهد بود. او این کتاب را در دنبال «الایات فی اسماء کتب الغزاة» خود که راز کتابها را در آن شناسانده بود و بمانند آن نگاشته است. از این کتابها را در آن شناساند «قران - تورات - انجیل - تفسیرهای تبیان و جوامع الجامع و تفسیرهای علی بن ابراهیم و حجاج و ابن عتقه و امام محمد باقر ع - قصص الانبیاء راوندی و فقه او - کشف - تفسیرهای جیائی و عبد الجبار همدانی و ابوالقاسم بلخی و کلبی و سلمی (حقائق التفسیر) و ابن جریج و ابن بحر سپاهانی و اخفش و فراء و ازهری و رمانی و جراح» چاپ نجف ۱۳۶۹- او نگارش دیگر دارد بنام فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم سال ۶۵۰ که نگارش های ستاره شناسان را در آن برشمرد و آن در ص ۵۹۸ همین فهرست شناسانده شده است .

۵- معالم العلماء از ابن شهر آشوب ساروی (۴۸۹-۵۸۸) نوشته بیش از ۵۸۱ که سرگذشت و فهرست هر دو است . چاپ تهران در ۱۳۳۵ خ .

۶- فهرست شیخ منتجب الدین ابی الحسن علی بن ... بابویه قمی (۵۰۴ - ۵۸۵) که دنباله فهرست طوسی است و در جلد ۲۵ (اجازات) بحار مجلسی آمده است .

۷- خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال از علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶) که گذشته از فهرست

## بیست و چهار

نگارش‌های دیگران آنچه خود هم تاتاریخ ع ۲ سال ۶۹۳ نوشته بود برشمرده (ص ۴۳-۴۴) چاپ تهران در ۱۳۱۰- اودر اجازه خود بهمنابن سنان درباره روایت نگارش‌های خویش در محرم (۷۲۰) ۵۴ کتاب از خود روی بخشهای علمهای یاد نمود و این اجازه در دفتر شماره ۱۰۲۲ گ ۶۸ الف ۷۰ ب بخط سیدحیدر آملی بسال ۷۶۲ دیده میشود و در ص ۵۲ ج ۲۵ بحار هم بچاپ رسید.

۸- امل الامل از شیخ حر عاملی م ۱۱۰۴ که در ۲ سال ۱۰۹۷ بیایانش رسانده و سرگذشت نامه و فهرست هر دو است و در دنبال منہج العقال میرزا محمد در چاپخانه کربلائی محمد حسین تهرانی بسال ۱۳۰۷ بچاپ سنگی رسید.

عاملی در آغاز «تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة» که در پایان جمادی دوم سال ۱۰۸۲ بانجامش رسانده هم کتابهایی را که از آنها بهره برد برشمرده و در پایان جلد سوم آن از بسیاری از کتابهای دانشمندان شیعی بررسی نمود (چاپ امیربهادر در تهران در سه جلد بسال ۱۳۲۳).

۹- لؤلؤت‌البحرین از شیخ یوسف بحرانی م ۱۱۸۶ که رشته سندروایت و اجازه خویش را آورده و سرگذشت دانشمندان و نگارش‌های آنها را یاد نمود (۱۱ ع ۱ سال ۱۱۸۲). چاپ سنگی ابوالقاسم خوانساری در ۱۲۶۹.

۱۰- بحار الانوار مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰) که در آغاز آن از کتابهایی که بهره بردیاد نمود و در آن از برخی بررسی نمود و در جلد ۲۵ اجازه‌های دانشمندان شیعی را آورد که بهترین سند است برای فهرست کتابها.

۱۱- مستدرک الوسائل از حاج میرزا حسین بن محمد تقی نوری (یا الو ۱۲۵۴ - نجف ۱۳۲۰) که در ۹-۱۳۱۸ آنرا بیایان رسانده و در جلد سوم آن درباره بسیاری از کتابها کاوش و گفتگو نمود. چاپ تهران ۲۱-۱۳۱۸ در سه جلد حلی.

ناگفته نماند که در کتابهای رجال هم فهرست کتابها آمده و بهترین و گسترده ترین آنها تنقیح المقال فی احوال الرجال شیخ عبدالله مامقانی است که درباره صحت استناد کتابها هم کاوش کرده است (چاپ نجف در سه جلد سال ۱۳۴۹-۵۲).

او در مقیاس الهدایه فی علم الدراية پیوست جلد سوم همین تنقیح ص ۱۱۶-۱۲۳. رجال شناسان شیعی را برشمرده و کتابهای رجال را فهرست داد.

این هم گفته شود که در برخی از کتابهای اصول فقه نیز درباره صحت استناد برخی از کتابها گفتگو شده از آنها است فصول شیخ محمد حسن سپاهانی (م نزدیک ۱۲۵۴ یا ۱۲۶۱) چاپ سنگی ایران از خوانساری که در پایان مبحث خبر در مقاله دوم از «فقه الرضا» گفتگو نمود و از رهگذر تاریخ نشر و سبک و مندرجات آن کاوش کرد و روشن ساخت که آن از امام نباید باشد.



## بیست و پنج

در چاپخانه دائرة المعارف دکن بسال ۱۳۲۸ جنگی چاپ شده دارای اینها :

۱- الامم لا یقاظ الهمم از برهان الدین ابراهیم بن حسن بن شهاب کردی کورانی شهرزوری مدنی شافعی صوفی (۱۰۲۵-۱۱۰۲) درباره اسناد دو صحیح و چهار ستن و چند کتاب حدیث و کلام و تصوف و تفسیر بسال ۱۰۸۶ .

۲- بغیة الطالبین شیخ احمد بن محمد نخلی مکی درباره مشایخ اجازه در حدیث و علم بسال ۱۱۱۴ .

۳- الامداد بمعرفة علو الاسناد از شیخ جمال الدین عبدالله بن سالم بصری مکی عارف شیعی (۱۰۴۹-۱۱۴۳) که پسرش شیخ سالم گرد آورده در اجازه های او درباره کتاب های حدیث و کلام و تفسیر و تصوف و نحو بسال ۱۱۲۲ .

۴- قطف الثمر فی رفع اسانید المصنفات فی الفنون والائر از شیخ صالح بن محمد بن نوح عمری فلاتی مسوفی مغربی ۱۲۱۸ .

۵- اتحاف الاکابر باسناد الدفاتر از قاضی ابی علی محمد بن علی شوکانی زنده در ۱۱۷۲ و ۱۲۵۵ نگارنده نیل الاوطار روی حروف تهجی نام کتاب بسال ۱۲۱۴ .

## نکته هایی از ابن طاولس

در سعد السعود بنام هائی بر خورد میشود که در کتابشناسی سودمند است. کتاب های کتابخانه او برخی چند «مجلد» هریک چند «جزء» هریک چند «کراس» بوده و مجلد او برابر است با Volume و جزء همان Tome میباشد و کراس نزدیک است به **Forme** یا **Fascicule** یا **Brochure** که گویا نزد او بیش از ده برگ نبوده است چنانکه ز مخشری در اساس البلاغه میگوید: فی هذه الكراسة عشرة و رقات. عدة کراسیس. قرأ کراسة من کتاب سیبویه (ص ۱۷۱ ج ۲ چاپ ۱۳۲۷ مصر) و نسخه کهنه ش ۳۵۰ این کتابخانه (تحریر شرح لمع) هم در رویه برگ های یازدهم شماره دارد (ص ۵۵۹ این فهرست). در سرگذشت شیخ رئیس دارد: «خمسة اجزاء کل واحد عشرة اوراق» و این «جزء» باید همان باشد که کراس می خوانند. گرچه در محیط محیط و فرهنگ دوزی آمده که کراس جزئی است از کتاب و بیشتر هشت برگ است. این واژه در شعر کمیت هم آمده: «حتى كان عراض الدار اردية — من التجاوز او کراس اسفاره» کرد علی در خط الشام (ج ۶ ص ۱۹۷) میگوید: «آنچه پیشینیان جزء و مجلد و مجلد می گفتند پیش از چند کراسه مان بود و کراسه هم گاهی بیشتر از هشت صفحه نمی شد پس هزار مجلد روزگار پیش بیشتر از پنجاه یا هفتاد جلد کنونی نمیشده و برگ های یک مجلد آنها کم بود چه ورق یا رق آنها کلفت بوده و اگر برگ های یک مجلد بدویست تا نصد میرسید سنگین میشد و برداشتن و با خود داشتن آن دشوار میگشت» .

ابن طاولس باز در نشان دادن جائیکه مطلبی از آنجا می آورد واژه های قائمه ( برگ



## بیست و شش

یا (Folios) و وجهه اوله (رو به یا Recto) و وجهه ثانیه (پشت یا Verso) و صفحه وسطه بکار میبرد. پیدا است که صفحه‌ها و برگ‌ها در آن هنگام شماره نداشت و با شمردن قائمه‌ها و سطرها و شماره دادن کراسهای ده برگی و جزء و مجلد پیدا کردن هر جایی از کتاب آسان بوده است. او گاهی نیز از «ورقه کبیره - ربع الورقه - نصف الورقه - قالب ثمن» و «معظم - لطیف صالح المقلید» یاد میکنند و می‌رسانند که گاهی نصف الورقه و ربع الورقه را یکجا جلد می‌کردند (ص ۶۴).

## فهرست عمومی یا Catalogue Collectif

۱ - کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون از حاجی خلیفه مصطفی بن عبدالله کاتب حلبی قسطنطنینی (۱۰۰۴ ذی حجه ۱۰۶۷) که از کتابها آنچه خود گرد آورده و آنچه در کتابفروشی‌های حلب و در کتابخانه‌های عمومی استاتبول دیده و یا در کتابهای طبقات و تراجم خوانده بود یاد نمود.

فلوکل آنرا با ترجمه لاتینی در ۷ جزء بزرگ در لایپتسیک و لیدن در ۵۸ - ۱۸۳۵ چاپ کرد.

حلبی کشف الظنون را تا کلمه «دروس» یا کنویس نمود و خود در گذشت و باز مانده در مسوده ماند و شش تن آنرا یا کنویس کردند. سپس سید حسین عباسی نهبانی حلبی (م پس از ۱۰۹۵ در حلب) آنرا گزین و کوتاه نمود و نامهای بسیاری هم بر آن افزود و نسخه آن بنام «التذکار الجامع للآثار» هست. محمد عزتی افندی عریف و شنه زاده ۱۰۹۲م ذیلی برای کشف الظنون نوشت که در مسوده ماند. احمد طاهر افندی حنیف زاده ۱۲۱۷م هم ذیلی بر آن افزود که بیش از پنجهزار کتاب در آن یاد شد و بنام آثار نو می‌باشد. شیخ الاسلام عارف حکمت بک ۱۲۷۵م تا حرف «ج» نیز ذیلی نوشت و بهترین ذیل آن «ایضاح المکنون» اسمعیل پاشای بغدادی ۱۳۳۹م است که نزدیک بسی سال درش کار کرد و نام ۱۹۰۰۰ کتاب برش افزود. او «هدیه العارفین فی اسماء المؤلفین و آثار المصنفین» هم دارد در دو جلد که می‌خواهد در آن نگارندگان و نگارشهای آغاز اسلام تا روزگار خویش را درش نام برد. اسماعیل صائب سنجر مدیر کتابخانه عمومی استانه و مدرس جامع بازید دوم نیز ذیلی بر کشف الظنون داد. ذیل اسماعیل پاشا با خود کتاب در ۴ جلد بزرگ در اسلامبول بسال ۶ - ۱۳۶۰ (۱۹۴۱-۷) بچاپ رسید - Petisdf la Croix معلم عربی مدرسه پاریس کشف الظنون را بفرانسه ترجمه کرد.

ترجمه فارسی کشف الظنون در ینگال هست (فهرست فارسیهای انجمن آسیائی ینگال از ایوانف بانگلیسی ج ۲ ص ۴۶۶ ش ۶۶۳) و ترجمان آن دیباچه‌ای از خود در آن نگذاشته و از ترجمه خطبه: «بهترین نطق که ظاهر میشود انوار الطاف ...» آغاز نمود و پایان

آن برابر است باص ۵۱۰ ج ۶ چاپ فلوگل و خاتمه ای Colophon هم برای آن نوشت و شناخته نشد که کیست. در پایان نسخه بشکال مهری هست بتاریخ ۱۲۵۳ - شیخی ابراهیم افندی بن علی عربی باشایا (عرب جیلر شیخی) ۱۱۸۹ این کتاب را تصحیح و با کیزه نمود و پاره ای از تاریخ در گذشته های دانشمندان که چلبی نیاورده بود روشن نمود و افزوده های عربی چپ در چاپ فلوگل میان دو کمانه گذارده شده ولی در دو چاپ بر لاق در دو جزء سال ۱۲۷۴ و آستانه آنهم دو جزء سال ۱۳۱۰ - ۱۳۱۰ در جزء متن آمده است در پایان چاپ فلوگل فهرست های، کتابخانه های ازهر قاهره و مدرسه ابی الذهب محمد بک مصر و مکتبه ردوس و سلطان سلیم در آستانه و قلیچ باشا در توپخانه قسطنطنیه و تصحیح و شرح شش جزء پیشین و فهرست افزوده عربی باشی و خنیف زاده و فهرست لاتینی نویسنده گان آمده و در پایان جزء ششم آن چاپ «آثار نو» Nova Opera احمد طاهر خنیف زاده در فهرست نگارش های تازی و پارسی و ترکی که در کشف الظنون نیامده است و نیز برنامه کتاب های متداول در مغرب و فهرست نگارش های جلال الدین سیوطی دیده میشود.

۲- کشف الحجب والاستار عن اسماء الكتب والاعمال از اعجاز حسین نیشابوری کنتوری برای کتاب های شیعی چاپ Baptist Mission Press سال ۱۳۳۰ (۱۹۳۵) در ۵ + ۶۰۷ + ۱۱۸ ص

۳- الذریعه الی تصانیف الشیعه از دانشمند حاج شیخ آقا بزرگ محمد محسن تهرانی برای کتاب های شیعی و ایرانی که از سال ۱۳۵۵ تا کنون هشت جلد در نجف و تهران بچاپ رسید، در این کتاب اجازه های دانشمندان و دفترهایی که در آنها اجازه ها را گرد آوردند فهرست شده و در بیشتر این اجازه ها نام کتاب ها هم هست.

۴- تذکرة النوادر من المخطوطات العربیه از سید هاشم ندوی (رفیق دائرة المعارف) چاپ دکن در ۲۲۴ سال ۱۳۵۰.

۵- مؤلفات ابن سینا از اب جوج شحاته قنواتی چاپ دارالمعارف قاهره در ۱۹۵۰ در ۳۱ + ۴۳۵ + ۲۰ ص

### فهرست کتابخانه های ایران

۱- فهرست کتاب های کتابخانه آستانه طوس (قدس رضوی) در پایان جلد دوم مطلع الشمس از محمد حسن خان صنیع الدوله چاپ ۱۳۰۲ ص ۶۹-۷۰ که سیاهه کتابها است و روی علمها بخش شده و فرمانها و اسناد و تصویرها هم در آن یاد گردید.

۲- فهرست همانجا در پایان فردوس التواریخ نوروز علی پسر حاجی محمد باقر بسطامی چاپ کارخانه آقا اسدالله در تبریز ذی قعدة ۱۳۱۵ که کتاب های موجود در آنجا در تاریخ

۱۲۹۷ نامبرده شده .

۳- فهرست چاپی و خطی همانجا بنام «فهرست کتب کتابخانه مبارک که آستان قدس رضوی» که پنج جلد آن تا کنون بچاپ رسیده و پنجم آن بهتر کتابها را می شناساند جلد یکم آن دارای ۴ فصل است (فلسفه و کلام در ۹۵+۲۳ ص- منطق ۴۶ ص- تفسیر ۷۴+۱۲ ص- اخبار ۱۰۸+۳۲ ص)

دوم آن از فصل ۱۱ تا ۱۱ است (فقه - اصول - تجوید - ادعیه اخلاق و مواعظ - رجال و انساب - لغت) در ۳۹۲ ص

سوم آن از فصل ۱۲ است تا ۱۷ (صرف و نحو - معانی و بیان - تاریخ و افسانه - ادبیات طب - ریاضی) در ۳۷۰ ص هر سه جلد چاپ دارالطباعة طوس از میر مرتضی الموسوی مشهد مقدس در تیر ۱۳۰۵  
محرم ۱۴۴۵

چهارم در حکمت و کلام و فلسفه - منطق - تفسیر و ۵۴۴ ص چاپ مشهد چاپخانه طوس (روئین تن) ۱۳۲۵  
۱۳۶۶

پنجم در اخبار و فقه و ۶۸۴ ص چاپ همانجا بسال ۱۳۲۹ خ و همه ۵ جلد باندازه رحلی .  
۴- فهرست کتب کتابخانه مدرسه فاضلیه در ۱۴ فصل از آقای او کتائی چاپ شهریور ۱۳۰۹ در مطبعه خراسان .

۵- فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی از یوسف اعتصام الملک در دو جلد . نخستین سیاه کتابهای خطی و چاپی آنجا است و بسال ۱۳۴۴  
۱۳۰۵ در ۳۶۴ ص و دومی فهرست کتابهای

خطی آنجا در ۲۶ بخش و ۵۳۹ ص بسال ۱۳۱۱ خ . جلد سوم فهرست آنجا از آقای ابن یوسف شیرازی است درباره کتابهای خطی ادبی بسال ۲۱- ۱۳۱۸ و ۸۱۴ ص هر سه جلد چاپ مجلس میباشد

۶- فهرست کتب خطی کتابخانه عمومی معارف از آقای عبدالعزیز جواهر کلام در دو جلد و زیری چاپخانه مهر تهران (۲۴۱ ص بسال ۱۳۱۳ و ۲۴۸ ص بسال ۱۳۱۴ خ)

۷- فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار از آقای ابن یوسف شیرازی دو جلد نخستین در قرآن و دعا و تفسیر و تجوید و حدیث و فقه و ۷۰۰ ص بسال ۵- ۱۳۱۳ خ دوم در ادب پارسی و تازی و ترکی و ۷۹۱ ص بسال ۸- ۱۳۱۶ خ هر دو در چاپخانه مجلس بچاپ رسید و باندازه وزیری بزرگ .

۸- فهرست کتابهای فارسی و تازی و اروپائی چاپی کتابخانه ملی ایران که روی بخشهای نوین علمها نگاشته شده .

۹- فهرست نمایشگاه خطوط نستعلیق کتابخانه ملی از آقای دکتر بیانی چاپ تابان تهران نوروز ۱۳۲۸ خ و زیری ۷۸ ص کتابهاییکه درباره خط و خوشنویسان نگاشته شده در دیباچه آن یاد گردید .

## بیست و نه

- ۱۰- راهنمای گنجینه قرآن درموزه ایران باستان درباره گردآمدن قرآن و نوشتن آن و فهرست قرآن‌ها از دکتر مهدی بهرامی و دکتر بیانی تهران فروردین ۱۳۲۸ خ .
- ۱۱- فهرست نمونه خطوط خوش کتابخانه شاهنشاهی ایران از آقای دکتر مهدی بیانی چاپ تابان تهران ۱۳۲۹ خ که کتاب‌های راجع بخط و خوشنویسان در پایان نامبرده شده (وزیری ۳۵۹ ص) .
- این بود فهرست‌هایی که از پاره‌ای از آن‌ها در این دفتر بهره برده شد و نام آن‌ها در آن دیده میشود .
- نگارنده و گردآورنده فهرست: محمدتقی دانش‌پژوه  
تهران - اردیبهشت ۱۳۳۲



کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران  
library.ut.ac.ir

خواهشمند است بیش از خواندن این فهرست غلطهای زیر را درست نمایید  
 که شماره نسخه در کتابخانه و در فهرست است .

| صفحه | سطر                                            | غلط  | صحیح |
|------|------------------------------------------------|------|------|
| ۴۴   | ۲۹                                             | ۱۰۵۳ | ۱۰۳۵ |
| ۱۱۲  | شماره [۵۸] باید میان دو سطر ۱۸ و ۱۹ گذارده شود |      |      |
| ۱۶۷  | ۱۶                                             | ۱۰۳۸ | ۱۰۳۷ |
| ۲۰۷  | شماره [۱۷۰] سطر ۶ میان دو سطر ۳ و ۴ گذارده شود |      |      |
| ۲۲۳  | ۲۶                                             | ۷۸۰  | ۸۷۰  |
| ۲۴۷  | ۱۳                                             | ۹۲۹  | ۹۲۶  |
| ۲۶۵  | ۲                                              | ۳۷۳  | ۳۷۴  |
| ۴۸۸  | ۲۰ و ۱۶                                        | ۷۶۷  | ۸۶۷  |
| ۶۶۱  | ۲۰                                             | ۸۶۲  | ۸۶۳  |
| »    | ۲۶                                             | ۱۳۰۸ | ۱۰۳۸ |
| ۶۷۲  | ۲۴                                             | ۱۳۰۸ | ۱۰۳۸ |

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران  
library.ut.ac.ir

گفتار نخستین

منطق

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران  
library.ut.ac.ir



کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران  
library.ut.ac.ir

یکی از فروع علم منطق آداب مناظره و بحث است و این فن پس از رواج منطق و گسترش علم کلام و فقه میان دانشمندان خاوری آشکار گردید، چه متکلمان و فقیهان ناگزیر بودند هنگام اثبات آراء خود استدلال کنند و در اینجا از منطق ارسطو بهره برده از رموز فنی این علم آداب بحث و مناظره را استخراج کردند و مرحله عملی آنرا علم خلاف نام نهادند.

در فن بحث و مناظره یا جدل کتابهای بسیاری نوشته شده و از آنها است همین رساله که قاضی عضدالدین عبدالرحمن ایجی (۷۵۶م) متکلم نامور ایرانی نگاشته است. این رساله بسیار کوتاه ولی جامع است و دانشمندان چندمانند میرسید شریف گرگانی (۸۱۶م) و محمد حنفی تبریزی (۹۰۰م) و محیی الدین محمد بن محمد بردعی (۹۲۷م) و عصام الدین محمد بن ابراهیم اسفرائینی (۹۴۳م) و مولانا احمد جنیدی و مولانا عبدالعلی بیرجندی بر آن شرح نوشتند.

آغاز: بسمه لك الحمد والمنة . . . اذا قلت بكلام ان كنت ناقلا فيطلب الصحة، انجام : وانما جعل الكلام على الفوائد دليلا، تمت الرسالة العضدية .

این نسخه بخط نسخ و شماره دوم این دفتر است و از برك ۹ (الف) تا برك ۱۰ (الف) و نویسنده آن محمد علی است که در مدرسه سپهسالار محمد خان میزیسته است و همه این دفتر که دارای شش رساله میباشد نوشته او است و بسال ۱۳۰۰ و ۱۳۰۱ آنرا نوشته است. در این نسخه حواشی هست بخط نستعلیق که بر رمز (س سره) پایان میباشد.

(همه این دفتر ۸۴ برك) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه : ۲۴×۸/۵ و ۱۶×۴ س ۱۷

## [۲] آداب بحث و مناظره [فارسی]

این رساله بفارسی است و نگارنده آن چنانکه در دیباچه میگوید بدرخواست یکی از دوستان بارتجال نوشته است.

آغاز: بسملة الحمد لمن لامانع لحکمه ولاناقض لقضائه... بدان.. که بحث از روی لغت تفتیش وجستجو کردن است و در اصطلاح علما آنست که اثبات حکم ثبوتی یا سلبی کند بدلیل.

انجام: اولی مقترن نیست بلکه بوضع ثانی مقترن است، تمت الرساله.

نسخه‌ای از این در کتابخانه آستانه طوس (شماره ۸ صفحه ۳ بخش منطق

جلد ۱ فهرست) هست و نوشته است که شاید از ابن کمال پاشا شمس الدین احمد بن

سلیمان (۹۴۰م) باشد این رساله در سالنامه پارس سال ۱۳۲۳ از ص ۲۷ - ۳۱

بچاپ رسید.

[۲]

این نسخه شماره سوم این دفتر است که دارای ۳۱ رساله میباشد و بخط شکسته و نستعلیق و در تاریخ ۱۰۷۶ نوشته شده است و این تاریخ در پایان شماره ۲۹ و ۳۰ دیده میشود و نویسنده آن نصیرالدین حسین الحرا الحسینی میباشد و این رساله از برك ۵۷ (الف) است تا برك ۵۸ (الف).

(همه دفتر ۱۳۶ برك) - كاغذ ترمه سمرقندی - جلد تیماج ساده مقوایی

اندازه: ۱۳×۴۰ و ۱۰×۱۸ س ۲۱ تا ۲۸

## [۳] آداب مناظره [عربی]

در جلد ۱ ذریعه ص ۱۳ از آداب البحث علامه حلی یاد میکنند و گویند که نسخه‌ای از آن در کتابخانه مولی محمد علی خوانساری نجفی هست ولی در فهرست

کتابهای علامه دیده نشده است.<sup>۱</sup> و این رساله چون در نسخه این کتابخانه دنبال شرح حکمة العین علامه و هردو بیک خط هستند شاید از علامه حلی باشد. افسوس که این نسخه پایان ندارد تا شک ازمیان برود.

آغاز: بسم الله الحمد لله الذي انقذنا من الحيرة والضلال و هداانا الى مناهج النظر والاستدلال... وبعد فهذه مقدمة في معرفة الجدل مجموعة لتشجيع الالذهان وتوجيه المقال مرتبة على فصول مختمة بخاتمة.

## [۲]

این نسخه شماره دوم دفتري است که نخستين آن شرح حکمة العین علامه حلی می باشد و بخط نسخ و بهمان خطی است که شرح حلی با آن نوشته شده و این رساله در برگ ۱۳۷ (ب) این دفتر است و پیاپی نیرسد و از انجام آنچه هست اینست: «والسؤال کلام يستدعي الجواب عن الغير والجواب کلام» و چنانکه از دیباچه رساله پیداست باید چندین فصل و یک خاتمه در این رساله باشد و این عبارت از بحث یکم فصل یکم است، پس بحثها و فصلهایی را ندارد.

نشانه های نسخه در دنبال «شرح حکمة العین» بنام «ایضاح المقاصد فی شرح حکمة عین القواعد» خواهد آمد.

[عربی]

## آداب مناظره

[۴]

این رساله از میرزا فخرالدین محمد بن حسین حسینی استرآبادی زنده در ۹۴۱ و ۹۶۵ و شاگرد غیاث الدین منصور دشتکی (م ۹۴۷) می باشد و در ذریعه ج ۱

- ۱ دیده شود: فهرست کتب علامه حلی در خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال هو چاپ تهران سال ۱۳۱۰ ص ۲۳-۲۵ که از نگارهای خود آنچه را که تا تاریخ ۲ سال ۹۹۳ نگاشته است در آن آورد و اجازه او بفخر الدین مهنا بن سنان بتاریخ محرم ۷۲۰ که نگارهای خود را روی موضوع بخش نموده فهرست داد و نسخه ای از آن بخط سید حیدر آملی بتاریخ ۷۶۲ در دفتر شماره ۱۰۲۲ برگ ۶۸-۷۰ همین کتابخانه هست و این اجازه در جلد ۲۵ «اجازات» بهار مجلسی ص ۵۲ نیز آمده است. نیز لؤلؤئی البحرین شیخ یوسف بحرانی (چاپ سنگی) و روضات الجنات ص ۱۷۲-۱۷۵ و ربحانة الادب ج ۳ ش ۱۹۰ ص ۲۵
- ۱۱۴-۱۰۶ ص



ص ٣١ ش ١٥٥ از آن یاد گردید .

آغاز . بسمله و به نستعين الحمد لله الحكيم الوهاب . . . . . فبهذه خلاصة  
مالابد منه في مسائل المناظرة لمن خاض في شئ من العلوم .  
انجسام : اعرضت عن التمثيل المفصلي الى التطويل والله الهادي الى سواء  
السييل وهو حسبي ونعم الوكيل . ٥

#### [٤]

این نسخه شماره یکم این دفتر است که دارای شش رساله میباشد و دربر گهای  
۸۸۲ ۳ (الف) تا ۸ (ب) آن نوشته شده است و نویسنده همه دفتر که محمد علی نام دارد  
در پایان این رساله مینویسد که آنرا در ماه رمضان سال ۱۳۰۰ بیایان رساندم  
و این نسخه بخط نسخ است و حاشیه هائی بخط شکسته تستعلیق دارد که در پایان آنها  
عبارت «منه مد ظله العالی» دیده میشود و پیدا است که خواهی نگارنده خود رساله در اینجا  
آورده شده و بی واسطه یا با واسطه از روی نسخه زمان نگارنده رساله نوشته شده است.  
(همه دفتر ۸۴ برگ) - کاغذ فرنگی - جلد نیم عاج  
اندازه : ۲۲×۸/۵ و ۱۶×۴ س ۱۷

#### [٥] اصطلاحات جدل و خلاف [عربی]

چنانکه در آغاز «آداب البحث» گفته شد هنر جدل و خلاف از شاخه های  
منطق و علمی است که قمیمان از منطق ارسطو برگرفته اند و در آن روشی را که در  
بحث و گفتگوی فقهی باید بکار برد آشکار ساختند و این هنر همان جدل ارغنون  
ارسطو است که تنها مثال و شاهد آن از فقه میباشد و در این باره فارابی و محمد زکریای  
رازی را باید از پیشروان این هنر دانست که بر همان و استدلال منطقی را ریخت  
علم کلام دادند و بجای مثالهای یونانی ارسطو امثله فقهی و کلامی بکار بردند و  
گویند نخستین کسی که در هنر جدل و خلاف نگارشی دارد ابوبکر محمد قفال  
چاچی شافعی (۳۶۵م) است . سپس ابی جعفر محمد نخشبی حنفی (۴۱۴م) و ابوزید عبد الله  
دبوسی سمرقندی حنفی (۴۳۰م) و ابی بکر احمد بیهقی (۴۵۸م) که در این هنر

کتاب نگاشتند.

فقیهان در جدل دو گروه شدند: یکی تمها دلیل شرعی را میپذیرند و رهبر آنها ابوالحسن علی بزدوی (۴۸۲م) میباشد. دسته دیگر که پیرو ابی حامد محمد عمیدی سمرقندی (۵۱۵م) هستند هر گونه دلیلی را می‌پسندند. از این پس تاسده هشتم دانشمندان خاوری کتاب‌ها در این هنر ساختند که در فهرست‌ها نام برده شده است.

این رساله در بیان اصطلاحاتی است که در جدل و استدلال فقیهان را بکار می‌رود و تعریف هر یک را می‌آورد و نگارنده آن شیخ تقی‌الدین ابوالعزم‌المقترح میباشد. آغاز: بسمله... قال الفقیه الامام الشیخ تقی‌الدین ابوالعزم المقترح... الحمد لله الکریم الوهاب هادی ذوی الالباب الی سبیل الصواب... فقد سألنی بعض الطلبة ان اوجز لهم کلمات یستعین بها علی مصطلحات فهم الفقهاء. **انجام:** فهو من قبیل المؤخذات فلیستدل بهذه النبذة علی امثالها والله الموفق للصواب.

[۵]

۹۵۲ این نسخه شماره ۴ دفتری است که دارای شش رساله میباشد:

۱- ازهارالریاض (جلد ۴) که کشکول مانند است (۱ ب - ۴۲ الف) بخط نسخ و ازهارالریاض از شیخ سلیمان ماحوزی (۱۰۷۵-۱۱۲۱) میباشد.

۲- النقایه در موضوعهای ادب و اصول و فقه (۴۲ ب - ۶۵ الف) بخط نسخ

۳- درة البحرین فی مریة الحسین (۶۵ ب - ۲۷۳ الف) بخط نسخ

۴- همین رساله از برگ ۱۵۲ (الف) تا برگ ۱۵۵ (ب)

۵- رساله حدود (خواهد آمد)

۶- رساله اسطرلاب (خواهد آمد)

بجز این شش رساله در این دفتر در برگهای ۷۲ (الف) تا ۱۵۲ (ب) موضوعهای

گوناگون ادبی و فلسفی و تاریخی و خبر دیده میشود که فراهم آورنده دفتر نوشته است و در چند جا از خود بنام «جامع کتاب» یاد میکند.

نیز در برگهای ( ۱۵۷ الف تا ۲۱۷ الف ) باز موضوعات گوناگون است . نویسنده دفتر در برگ ۱۲۸ (الف) از سال ۱۱۱۷ یاد میکند و در برگ ۱۴۸ (ب) از شیخ سلیمان علامه بمانند زنده یاد میکند و در برگ ۱۴۷ (الف) از او بمانند مرده نام میبرد و مینویسد: «وله قدس الله نفسه ورسمه». سپس اشعاری بحرانی از او میآورد و در ۱۴۸ الف اجازه ای را میآورد که شیخ بهائی سید عبدالمختار حسینی موسوی در میانه شوال سال ۱۰۱۱ داده باینکه میتواند کتاب الحبل المتین و دیگر مرویات او را روایت کند و این اجازه را نوح بن هابیل بن احمد بحرانی نویسنده نسخه از روی خط شیخ بهائی نوشته است .

در برگ ۱۴۶ از سخنان شیخ سلیمان بن عبدالله ماحوزی آورده و در باره او میگوید «قدس الله سره» و در برگ ۱۶۵ الف باز از او بمانند زنده نام میبرد و مانا نویسنده نسخه شاگرد او بوده و قصیده ای از وی میآورد و در برگ ۱۶۵ ب مینویسد که شیخ ابوالحسن سلیمان بن عبدالله بن علی بن احمد بن یوسف بن عمار بحرانی ماحوزی نگارشهای بسیاری دارد و در ۱۱۰۱ در گذشت و در همین جا از «معراج الکمال الی معرفة الرجال» او عبارتی میآورد که در آن از اخوان صفا نکوهش کرده و آنان را اسماعیلی ملحد باطنی دانست . باز می نویسد : شیخ سلیمان بن صالح بن عصفور بحرانی درازی در ۱۱۸۵ بمرد و شیخ سلیمان بن علی بن سلیمان بحرانی ماحوزی شیخ شیخنا السلیمان ابو عبداله ماحوزی در ۱۱۰۱ بمرد و شیخ علی بن سلیمان بن حسن بن سلیمان بن درویش بن حاتم بحرانی در ۱۱۶۴ بمرد و مینویسد که عم من شیخ ابراهیم بن احمد بن صالح در ۱۱۲۵ در گذشت . در برگ ۲۲۶ الف باز از همان شیخ سلیمان ماحوزی شعر هائی میآورد و تا برگ ۲۲۶ ب از تفسیر سید هاشم بن سید اسمعیل توابلی بحرانی نقل میکند و این سید هاشم نگارنده تفسیر برهان است و در ۱۱۰۷ در گذشت . ۱۰

این رساله بخط نستعلیق ریز از نوح بن هابیل بن احمد بن صالح بن عصفور بحرانی درازی است که همه این دفتر بخط اوست و برخی را به نسخ و برخی را به نستعلیق نوشته است . (همه دفتر ۲۲۶ برگ) - کاغذ قرمه سهرقندی - جلد تپاج سرخ ضری حاشیه دار مقوای اندازه . ۱۴×۲۱ و ۸×۱۰ س ۲۵

۱ - برای شرح حال این دانشمندان دیده شود: لؤلؤنی البحرین نگارش شیخ یوسف بحرانی و امل الامل شیخ حر عاملی و پیداست که تاریخ زاد و مرگ شیخ سلیمان بحرانی ماحوزی چنانکه در این نسخه آمده درست نیست و درست آن همان است که در لؤلؤنی البحرین آمده و در بالا بناد شده است . ۲۵



## [۶] امتناع الحکم علی المعنی الحرفی (رسالة فی ۱۰۰۰) [فارسی]

- در دستور زبان تازی یا نحو و صرف، کلمه را به گونه بخش میکنند: اسم و فعل و حرف. این سه بخش نخستین بار در ارغنون ارسطو آشکارا دیده میشود و پیداست که دستور نویسان زبان تازی پایه و بنیاد این علم را از منطق گرفته اند.
- ۵ ارسطو در فصل ۱ مقولات و فصلهای ۲ و ۳ عبارات و فصل ۲۰ شعر از اسم و کلمه (فعل) و ادات (حرف) گفتگو نموده است<sup>۱</sup>. از دانشمندان خاوری فارابی در اوسط و دیگر کتب منطقی خود و همچنین ابوعلی بن زرعه در آغاز (باری ارمیناس) و شیخ رئیس در فصلهای ۲ و ۳ و ۴ مقاله ۱ فن عبارت و فصل ۷ فن شعر شفا از اینها کاوش نمودند. مسئله جدائی این سه بخش از یکدیگر و ابراز فرقه‌های آنها نزد ادیبان و اصولیان نیز دشوار آمده و آنها هر چه میتوانستند در آن دقت کردند تا بجائی که هنوز در ۱۰ کتابهای اصول کنونی مسئله وضع حروف و چگونگی مفهوم آنها مورد گفتگویی باشد. این مسئله که آیا حرف استقلال مفهومی دارد یا ندارد و بر آن حکم میشود کرد یا نه گرچه در نگارشهای پیشینیان روشن است ولی مایه گیر و دار ابواسحق شبانکاره و محقق دوانی شده است، قاضی ابواسحق بن عبدالله نیریزی شبانکاره‌ای رساله در این باره نگاشته و ثابت نمود که معنای حرف محکوم علیه میشود.
- ۱۵ وی در آن از رساله حرفیه افضل المتأخرین نام میبرد و گوید از آن رساله حروف پورسینا را میخواهد و باز از شریف گرگانی یاد میکند.
- نیز مینویسد: ارسطو در تعلیم اول نامی از حروف نبرد و ادات را از اسم دانست ولی شارحان که پورسینا برتر از همه آنها است حرف را بجز اسم دانستند پیداست که شبانکاره از ارغنون چندان آگاه نبوده است.
- ۲۰ آغاز: بسمله تیمنا بذکره بمقتضی فرمان واجب الادعان صاحب کمال .... چند حرفی در تحقیق محکوم علیه بودن حرف مرقوم میگردد.

۱- دیده شود: ترجمه فرانسوی ارغنون از Tricot ص ۲۹ و ۸۲ تا ج ۱ | و جلد منطق ارسطو چاپ بدوی ص ۳ و ص ۶۰ تا ۶۲ و ترجمه فرانسوی شعر از Hardy ص ۶۰ و ترجمه فارسی آن از سهیل افغان ص ۱۳۰-۱۳۱



**انجام:** و حرف کافی باشد والله اعلم قال ذلك و کتبه... ابو اسحق بن عبدالله النیریزی شبانکاره بالتفویض السلطانی بالخلق السبحانی.

[۶]

این نسخه رساله ۱۵ دفتری است که ۱۶ رساله از محقق دوانی و جز او در آن ۹۵۲ است و علی بن مسافر قاضی بخط نستعلیق آنها را نوشته و رساله ۳ از آنها در تبریز در ۱۴ جمادی ۲۸۳۹ (نزدیک سی سال پس از مرگ دوانی) نوشته شده است این رساله در برگ ۱۱۷ الف تا برگ ۱۲۰ ب این دفتر نوشته شده است. نشانه نسخه در ص ۴۲ و ۴۵ و ۵۲ و ۵۷ و ۷۵ بخش نخستین این فهرست آمده است.

[۷] امکان الحکم علی المعنی الحرفی (رساله فی... [فارسی]

این رساله از محقق جلال الدین محمد دوانی (مردۀ نزدیک ۹۰۷) میباشد که در آن شبانکاره ای را رد نمود و ثابت کرد که حرف نمیتواند محکوم علیه گردد. دوانی این رساله را بفرمان سلطان ابوالفتح سلطان خلیل بهادر خان پسر امیر حسن بیگ از پادشاهان خاندان آق قویونلو که ششماه بسال ۸۸۲ و ۸۸۳ شاهی نموده است نگاشت. دوانی در این رساله از فارابی یاد میکند و عبارتی از او میآورد و نیز از ۱۵ شیخ رئیس و شارح مفتاح نام میبرد.

**آغاز:** بسم الله الرحمن الرحيم و ارزقنا اتباعه و ارنا الباطل باطلا و ارزقنا اجتنابه. الهی غشاوت غفلت و علی ابصارهم غشاوة از بصر بصیرت ما بگشا... نموده میشود که چون جمعی از افاضل در محکوم علیه بودن حرف بر حرف بودند و کلماتی چند پیریشان چون زلف دلبران جمع نموده... از صوب صواب... منحرّف گشته... بخاطر رسید که... دفع این یاوه فاسد نموده

**انجام:** زیرا که از اجل جلیات است آنکه هیچ حرف در هیچ سؤال کافی نیست والله اعلم تمت و آلاء ربنا عمت. محرره علی بن مسافر القاضی م

این نسخه رساله ۱۶ دفتری است که ۱۶ رساله در تفسیر و فلسفه ازدوانی و سمرقندی و شبانکاره‌ای در آن آمده است و این رساله در برك ۱۲۰ ب تا برك ۱۲۷ ب این دفتر بخط تعلیق علی بن مسافر قاضی نوشته شده‌وی همه این ۱۶ رساله را نوشت و تاریخ آن ۹۳۹ می‌باشد و نشانه نسخه در بخش ۱ این فهرست یاد گردید .

[عربی]

## الاولی

[۸]

- این کتاب یکی از نگارشهای منطقی فیلسوف بزرگوار ایرانی ابونصر محمد بن محمد بن اوزاع بن طرخان فارابی می‌باشد وی از مردم فاراب خراسان است که اترار مینامیدند و شهری بود بالای رود چاچ نزدیک بلاساغون. فارابی در ۲۵۹ در وسیج ۱۰ که دژی است در شهرستان فاراب زاده شد و در ۳۳۹ در دمشق از این جهان رخت بر بست. این دانشمند نحو را از ابی بکر بن السراج فرا گرفت و در برابر باو منطق آموخت. فارابی از یوحنا بن حیلان بخش خواندنی منطق را که تا پایان اشکال وجودی می‌باشد فرا گرفته و بخش دیگر آن را که کلیسانرا می‌دانست تا پایان برهان پس از این خوانده است. وی در بغداد از شاگردان متی بن یونس قنایی نیز بوده و بانجمن او ۱۵ میرفته است و سپس بحران رفته از یوحنا بن حیلان نصرانی منطق آموخت. فارابی بجز ترکی که زبان مادریش بود و عربی که بدان نگارشها دارد، چنانکه از (کتاب الحروف) او برمی‌آید یونانی و سغدی نیز آشنا بوده است و یونانی دانستن او از دیباجه (الاولی) هم برمی‌آید. این دانشمند ایرانی که در زیر کی و هوشمندی و روان و شیوانویسی یگانه روزگار خود بود، گذشته از بخشهای طبیعی و ریاضی و الهی ۲۰ فلسفه، در منطق سرآمد بوده تا بجایی که آنچه را کندی بغدادی و دیگران از هنر تحلیل و روشهای تعلیم فراموش کرده بودند آورده و پنج ماده منطق و سودهای آنها را آشکار نموده و راه بکار بردن آنها را شناساند و در احصاء العلوم بخشهای منطق و غرض آنها را بخوبی روشن ساخت و در (ماینفی ان یقدم قبل تعلم الفلسفه) آنچه را که در آموختن فلسفه می‌بایست آشکارا آورد .

از نگارشهای منطقی او پیداست که وی در ایندانش بسیار آگاه بود و تاریخ پیدایش آراء منطقی را بخوبی میدانست و در اینکه منطق را که آورد، و کتابهای ارغنون کدامیک از ارسطو هست، و در اینکه آرائی که وی دارد و کاوشهایی که کرده است، در برابر کدامیک از آراء فیلسوفان پیشین است، در (الوسط) و نیز در (شرح عبارت و قیاس ارغنون) او بنگانی بر میخوریم که هوشمندان اروپایی مانند Hamelin و W.D. Ross و دیگران از نگارشهای یونانی و لاتینی گرفته و نوشتند. ما ناچارایی از ترجمه‌های نخستین و کتابهای پیشینیان نسخه‌هایی را داشته بود که اکنون بجانمانده است. تنها کتابی که در دست است منطق ابن زرعه است که از این نکته‌ها اندکی دارد. آنهم دو نسخه از آن سراغ داده اند که یکی در آستانه طوس و یکی دیگر در هنداست باری فارابی در همه بخشهای منطق نگارش دارد و بسیاری از بخشهای ارغنون را شرح نمود که در فهرستهای یاد گردید. اینک از نگارشهای منطقی او آنچه در کتابخانه‌ها هست در اینجا یاد میشود:

- ۱ شرح ایساغوجی فروریوس: نسخه از آن در اسکوریال بشماره ۶۱۲ هست و ابن باجه (محمد بن الصائغ م ۵۳۳) تعلیقی بر آن نوشت که ترجمه عبری آن هست و از روی آن بلاتینی ترجمه شده و نسخه لاتینی در مونیخ بشماره 36bi-210a هست
- ۲ شرح المقولات لارسطو علی جهة التعلیق: نسخه شماره ۶۱۲ اسکوریال - ترجمه عبری آن در مونیخ بشماره ۳۰۷ هست.
- ۳ شرح المواضع المستغلة من کتاب قاطیغوریاس لارسطالیس که ابن ابی اصیعه گوید این شرح معروف به (تعلیقات الحواشی) بوده است: ترجمه عبری شماره ۳۰۷
- ۴ مونیخ که مقاله ۴ (این) را ندارد - نیز نسخه پاریس
- ۵ شرح باری ارمنیاس علی جهة التعلیق: نسخه شماره ۶۱۲ اسکوریال
- ۶ ابراهیم بن ابجد و ریهودی میگوید که فارابی برخی از آراء ارسطو را که در کتاب قیاس دیده میشود در این شرح آورده است و ابن میمون فیلسوف یهودی (۵۲۹-۶۰۱) از آراء فارابی که در این بخش آمده است گرفته و در فصل ۱۳ کتاب «المجموع فی المنطق» یاد نمود. ابن رشد فیلسوف اندلسی (۵۲۰-۵۹۴) سخن فارابی را که



در کتاب عبارت او آمده در تعلیق خود که در مجموعه عبری کتابخانه مونیخ شماره ۴۶ هست آورد.

۵ کتاب المقائیس : ترجمه عبری آن در مونیخ بشماره ۶۳۰ و بودلیان اسکفورد بشماره ۴۰۲ و وین بشماره ۱۳۰ و پاریس بشماره ۳۳۳ هست.

۶ تعلیق علی کتاب القیاس یا تعلیقات انالوطیقا الاولی لارسطو : نسخه شماره ۶۱۲ اسکوریال - این باجه شرحی بنام «ارتیاض فی التحلیل» بر آن نوشته است.  
۷ شرائط القیاس: متن عربی بخط عبری نسخه شماره ۷۰۳ پاریس و ترجمه عبری نسخه شماره ۶۲۵ اسکوریال

۸ القول فی شرائط الیقین : متن عربی بخط عبری و با ترجمه عبری نسخه شماره ۳۰۳ پاریس

۹ کتاب الجدل : ترجمه عبری نسخه شماره ۳ وین  
۱۰ کتاب المغالطین : ترجمه عبری نسخه شماره ۱۱۰ مونیخ  
۱۱ کتاب مختصر فی السفسطه: عماد الدین مراکشی آنرا شرح کرد و ترجمه عبری آن در اسکوریال بشماره (S36, 56) و در کتابخانه Parma-De Rossi بشماره (90<sup>2</sup>:S.56) و در وین بشماره (CXD S.30,50) و در مونیخ بشماره ۱۵ (S.94,56) هست.

۱۲ صدر الکتاب الخطابه: ترجمه لاتینی در بودلیان بشماره ۵۱ هست - ابن رشد از این کتاب مانند دیگر نوشته‌های فارابی بسیار بهره برد

۱۳ التوطئه فی المنطق: دو ترجمه عبری دارد یکی در Cod Bislechi No 77

بنام (رساله ابو نصر فارابی در دیباچه نوشته‌های منطقی) دیگری در مونیخ بشماره ۳۰۷ ۲۰ بنام رساله فارابی از توطئه در علم منطق

۱۴ فصول یحتاج الیها فی صناعة المنطق: متن عربی بخط عبری در پاریس بشماره ۳۰۳

هست (نسخه شماره ۲۴۰ دانشگاه تهران) این کتاب سه ترجمه عبری دارد ۱ - از

موسی بن لادخیس یهودی ۲ - از صموئیل بن طبون ۳ - از شالوم بن ایوب

۱۵ المختصر الصغیر فی المنطق علی طریقه المتکلمین : نسخه شماره (۲۴۰) ۲۵



دانشگاه ابن ابی اصیبعه در عیون الانباء (ج ۲ ص ۱۳۴ س ۱۹) از این کتاب یاد نموده است

۱۶ کتاب فی الاشیاء الّتی یحتاج ان تعلم قبل الفلسفه یا ما ینبغی ان یقدم قبل تعلم الفلسفه: دیرسی در (الثمرة) در لیدن بسال ۱۸۹۵ بنام (کتاب ما ینبغی ان یقدم قبل تعلم الفلسفه) چاپ کرد و چاپخانه سلفیه مصر آنرا بسال  $\frac{۱۹۱۰}{۱۳۳۸}$  چاپ نمود.

۱۷ کلام فی معنی اسم الفلسفه و سبب ظهورها و اسماء المبرزین فیها و علی من قرء منهم: ابن ابی اصیبعه آنرا در عیون الانباء جلد ۲ ص ۱۳۴ - ۱۳۵ آورده و باز در همین جلد در دو جا (ص ۱۳۹ س ۹ و ص ۱۳۹ س ۱۲ - ۱۳) از آن یاد کرد.

۱۸ الاوسط الکبیر فی المنطق: نسخه شماره ۵۹۵ کتابخانه مجلس شورای ملی در تهران و نسخه ۲۴۰ دانشگاه در فهرستها از این کتاب بدین نام یاد نشده جز اینکه در عیون الانباء (ج ۲ ص ۱۳۸ س ۱۹ - ۲۰) بنام «المختصر الکبیر فی المنطق» و «المختصر الاوسط فی القیاس» و در قفطی (ص ۱۸۳) بنام «الکتاب الاوسط» و «کتاب المختصر الکبیر» و در بیهقی (ص ۱۷) بنام «المختصر الاوسط فی المنطق» برمیخوریم ولی از خود کتاب در دو نسخه که در تهران دیده شد پیداست که از فارابی است و ریخت نگارش فارابی را در روانی و شیوایی دارد این کتاب چنانکه از آغاز دیباچه نسخه ما برمیآید باید نه بخش منطق را دارا باشد.

۱۹ مقاله فی قوانین صناعة الشعراء: نسخه از این در مجموعه تاریخ ۶۷۷ کتابخانه استاد دانشمند آقای شیخ الاسلام زنجانی هست و در مجله *Rivista d. studi orientali* جلد ۱۷ ص ۲۶۶ بچاپ رسید.

۲۰ در ایران نسخه از شرح کتاب عبارت ارغنون ارسطو در کتابخانه مجلس شورای ملی هست که متن ارسطو نیز در آن آمده و همان متنی است که در مصر در جزء ۱ منطق ارسطو بسال ۱۹۴۸ بچاپ رسید دیگر بخشی از شرح قیاس ارغنون که تنها دارای مبحث خلف و تقابل و مصادره میباشد و متنی که در آن آمده برابر است با آنچه که در جزء ۱ منطق ارسطو در همان چاپ از ص ۲۶۴ س ۲ تا ص ۲۸۴ س ۱۱ (فصل ۱۱ تا ۱۸ مقاله ۲) آمده است و هر دو در دفتری است بشماره ۹۴۹ از ۲۵

- کتابهایی که آقای طباطبائی بخشیده است و عبارت از برگ اب تا برگ ۱۷۲ و قیاس از برگ ۱۷۳ تا برگ ۳۲۲ میباشد چنانکه گفته شد يك نسخه از (الاوسط) نیز در همان کتابخانه بشماره  $\frac{۵۹۵}{۳۱}$  هست که دارای يك دیباچه در مبحث الفاظ و کلیات وانحاء تعالیم میباشد و در آنجا بکتاب دیگری که پیش از آن است اشاره میشود و در پایان آن از تاریخ پیدایش منطق گفتگو میکند و میگوید گرچه همپروس در شعر و پروتاگوراس در مغالطه و ثراسوماخوس در خطابه اثری گذاشتند ولی قانون این هنرها تنها از ارسطو بیادگار ماند و ارسطو فیثاغورسی که در مقولات کتاب نوشت پس از ارسطو بوده است و این دیباچه در نسخه این کتابخانه نیست سپس ایساغوجی و قاطیغوریاس و باریرمیناس و آنالوطیقای یکم و دوم و همه اینها در نسخه ماهست هنرمغالطه نیز در این نسخه میان قیاس و برهان هست که در نسخه مانیت و فارابی ۱۰ در چهار جای برهان بدان بازگشت میدهد. پس این بخش هم از (الاوسط) میباشد. در نسخه این کتابخانه که دارای (فصول یضطر الیه عند الشروع فی المنطق) و (المختصر الصغیر فی المنطق علی طریقه المتکلمین) نیز میباشد پس از این دو دیباچه ای دارد در تعریف و تقسیم منطق و اندکی از ایساغوجی و مبحث تعریف که در نسخه مجلس نیست و پس از برهان هنرجدل در نسخه ماهست و در آنجا نیست و این بخش تحقیق ۱۵ کلی است که فارابی میکند و بمبحث مواضع نمی پردازد. در نسخه ماهنرجدل نیمه کاره گذارده شده، و نویسنده نسخه همه را نوشت یا اینکه فارابی آنرا پایان نرساند. (۱)

### بخشهای الاوسط

- الف- دیباچه نسخه و الاوسط مجلس که بخش بندی نشده مگر اینکه دیباچه نسخه ۲۰ مجلس چهارم طلب دارد :
- ۱ مبحث الفاظ و معانی حروف که میرساند فارابی به نحو یونانی و تازی بخوبی
- ۲ - دیده شود (الفارابی) عباس محمود چاپ مصر که فهرستی از کتابهای موجود فارابی در اروپا را آورد.

آگاه بود .

۲- مبحث کلیات ۳ - انحاء تعالیم و رؤس ثمانیه ۴ - تاریخ منطق . و دیباچه نسخه‌ها دو مطلب دارد یکی تعریف و تقسیم منطق دیگری کلیات و تعریف باجمال  
ب- ایساغوجی دارای : (کلی و جزئی - جنس و نوع - فصل - خاصه - عرض کلیات مرکب یا حد و رسم)

ج- مقولات: تعریف جوهر و عرض - ده مقوله - حمل طبیعی و جز آن - ذاتی و عرضی - تقابل - تلازم - تقدم و تأخر - معیت

د- عبارت که بخشهای جدائی ندارد ولی همه مباحث ارسطو را داراست  
ه- قیاس دارا ۱۸ فصل است

و- مغالطه که مغالطات معنوی و لفظی را دارد و مثالهای بسیاری از فیلسوفان پیشین می‌آورد و از آنها نام می‌برد

ز- برهان پنج بخش است : (۱) دیباچه - اقسام برهان - اقسام حدود - برهان و حد در صناعات نظری - اصناف مخاطبات برهانی

ح- جدل که تعریف جدل و فوائد و اقسام آنرا دارد و چند بار بفلسفه و واقعی اشاره میکند .

از دیباچه این کتابخانه که بنام (مقاله صدر بها الفارابی کتابه فی المنطق) است پیدا است که (الاوسط) باید دارای نه بخش منطق باشد .

اینک آغاز و انجام بخشهای (الاوسط) در اینجا آورده میشود .

۱- دیباچه نسخه مجلس شورای ملی - آغاز : قال ابو نصر الفارابی ان الالفاظ الدالة منها ما هو اسم، منه ما هو کلم .

انجام : ویتدی بالنظر فی الکتاب الذی یشتمل علی اول اجزاء هذه الصناعة وهو کتاب المقولات

۲ - دیباچه نسخه این کتابخانه - آغاز : مقاله صدر الفارابی بها کتابه فی المنطق .... وهو کتاب الاوسط الکبیر .... قال ابو نصر قصد بالنظر فی صناعة المنطق

انجام : وكذلك قدیکون له خواص کثیره تمت المقدمة التي قبل الفصول



٣- ايساغوجى يا مدخل - آغاز : قال ابونصر ان قصدنا فى هذا الكتاب هو احصاء الاشياء التى عنها يأتلف القضايا

انجام : ومالم يوجد له اسم استعمل حده اورسمه مكان اسمه. آخر الكتاب... ويتلو هذا الكتاب كتاب قاطيغوريوس من الاوسط الكبير.

٥ ٤- قاطيغوريوس يا مقولات - آغاز : كتاب قاطيغوريوس لابي نصر الفارابى وهو كتاب المقولات - الكلليات ضربان .

انجام : الجنس الذى عنه انقسمت رتبة واحدة بعينها. تم كتاب قاطيغوريوس وهو المقولات.

١٠ ٥- باريرمينياس يا عبارات - آغاز : كتاب باديرمينياس ومعناه العبارة الالفاظ الدالة منها مفردة يدل على معانى مفردة .

انجام : غير ان الممكن الحقيقى هو المعنى الرابع من معانيه ... تم كتاب بارى ارمينياس .

٦- آنولوطيقاى بكم ياقياس - آغاز : كتاب آنولوطيقا الاول وهو القياس قال ابونصر قصدنا ان نحصى الاقاويل

١٥ انجام : والاستقراء ابلغ منه. تم كتاب آنولوطيقا.

٧- مغالطه (نسخه مجلس) - آغاز : الامكنة التى فيها يغلط الناظر فى كل مسألة و ادقلنا فى القياس ما هو

انجام : لم يقع علينا غلط اذا تاملنا ولا مغالطة اذا خوطبنا. تم الكتاب

٢٠ ٨- كتاب برهان - آغاز : كتاب البرهان خمسة فصول ... فى صدر الكتاب وادقلنا فى الاشياء التى

انجام : فالزمان اذن هو كرة العالم و اشباه هذه الاقاويل. تم كتاب البرهان تأليف .... الفارابى

٩- جدل (آنچه كه در نسخه ماهست) - آغاز : قال ابونصر ... الفارابى صناعة الجدل هى الصناعة التى

٢٥ انجام : ويبطل الاراء التى تصادقها الفلاسفة فيها او صار الجهمور فيها



- این نسخه در دفتری است که دارای چندین نگارش فلسفی و منطقی فارابی است و بخشهای (الوسط) بدینگونه در آن آمده است ۲۴۵
- ۱ - دیباچه از برگ ۱۲۳ ب تا برگ ۱۲۵ الف
  - ۲ - مدخل از برگ ۱۲۵ ب تا برگ ۱۲۹ الف ۵
  - ۳ - مقولات از برگ ۱۲۹ ب تا برگ ۱۴۱ ب
  - ۴ - عبارت از برگ ۱۴۱ ب تا برگ ۱۴۹ ب
  - ۵ - قیاس از برگ ۱۵۰ ب تا برگ ۱۵۹ ب
  - ۶ - برهان از برگ ۱۶۰ ب تا برگ ۱۸۴ الف
  - ۷ - جدل از برگ ۱۸۵ ب تا ۲۰۱ ب ۱۰

نسخه بخط نسخ خوش و روشن و گاهی مغلوط که از نادانی نویسنده آنست. در برخی جاها حواشی دارد بخط تعلیق و عنوانهای مطالب و نسخه بدلها گاهی در هاشم دیده میشود (همه دفتر ۲۰۱ برگ ۳) - کاغذ ترمه سمرقندی - جلد ایماج زرد حاشیه دار مقوایی اندازه: ۱۳۵×۲۴ و ۱۵×۲۱ س ۲۱

## [۹] البصاغة المزجیة فی اثبات وجود الکلی الطبیعی (عربی)

- افلاطون فیلسوف یونانی فلسفه خویش را بر پایه کلی طبیعی موجود که آنرا مثال نامیده است نهاده و شاگرد وی ارسطاطالیس وجود کلی را انکار نموده افراد جزئی را موجود دانست و مسئله وجود کلی و مثال افلاطونی میان پیروان ایندو فرزانه همواره مورد بحث و گفتگو بوده است. یکی از دانشمندان باختری بنام فرفوربوس (۲۳۲ یا ۲۳۳ - ۳۰۴ م) در دیباچه‌ای که برای منطق ارسطو بنام ایساغوجی (ایساگوگه) یا مدخل نگاشته است در آغاز آن چنین گفت: «در باره اینکه جنس و نوع موجود واقعی مادی محسوس یا مجرد هستند یا جز مفهومی ذهنی بیش نیستند گفتگو نخواهیم کرد زیرا این مسئله‌ای است بسیار ژرف که بررسی دیگر و کاوش دامنه‌داری می‌خواهد»<sup>۱</sup> همین گفته فرفوربوس مایه این شد که از روزگار بوئسیوس فیلسوف و سیاسی روم و شارح کتابهای منطقی ارسطو ۲۵ (۴۸۰ - ۵۲۴) تا زمان تجدید (Renaissance) مسئله وجود کلی مورد اختلاف گردد و دانشمندان باختری بسه دسته بخش شوند:

۱- دیده شود ترجمه فرانسوی ایساغوجی از تریکوت J. Tricot چاپ پاریس سال ۱۹۴۷ ص ۱۱-۱۲

۱ - واقعیان پیرو افلاطون ۲ - اسمی‌های پیرو آنتیستنس ۳ - تصویری‌های پیرو ارسطو.  
این عبارت فروریوس بدان‌شمندان خاوری نیز رسیده و آنها نیز بچنین بحثی پرداختند  
چنانکه ابوعلی بن زرعه نصرانی (۳۳۱ - ۳۹۸) در کتاب «اغراض ارسطو طالیس  
المنطقیه» در آغاز «معانی ایساغوجی» میگوید: «والمطالب الصنعية فی هذه الخمسة بان  
ينظر فيها هل هي موجودة ام ليست بموجودة. فان قوما قالوا الوجود في الامور الكلية. فان  
كانت موجودة فاما ان يكون اجساماً او غير اجسام، و ان كانت غير اجسام فهل هي  
مفارقة اصلا للمادة في الوجود والوهم كالباري تبارك وتعالى، اولها تعلق بالمادة ضرباً  
من التعلق، وفروریوس بتجنب هذه باسرها، ويتسلم تسليمها ان الصور في النفس موجودة ...  
وذلك انه ليس لصانع من الصانع ان يتكلم في موضوع صناعته. يتسلمها تسليمها من غير  
ان يبحث عنه.» پیداست که ابوعلی در اینجا بگفتار فروریوس مینگردد و از اختلافی که  
در این مسئله میان دانشمندان هست بیگانه نیست.

خواجه ابوعلی سینای بلخی بخاری ایرانی در فصل ۱۲ مقاله ۱ - فن ۱ - منطق  
شفا و دیگر نگارشهای خویش از این مطالب سخن راند و در کتب حکما و متکلمان نیز  
در باره وجود کلی بحث شده و اشراقیان و صوفیان هم در برابر مشائیان باعیان ثابت  
و ارباب انواع و مثل معلق قائل شدند.

صدرالدین محمد شیرازی فیلسوف بزرگ در کتابهای خود بویژه در اسفار  
(جلد ۱ آغاز مرحله ۴) از وجود کلی و مثل گفتگو نمود. چنانکه امام رازی در مباحث  
مشرقی در فصل ۲ باب سوم کتاب ۱ در این باره سخن راند. درست میتوان گفت  
بهترین کتابی که در این زمینه نوشته شده همین البضاعة المزجية است که دانشمند  
ابوالحسن بن محمد هادی حسینی تمکابی در شب ۱۵ ماه ربیع دوم سال ۱۲۵۵ آنرا  
پرداخته و در روز چهارشنبه ۵ ماه جمادی یکم سال ۱۲۵۵ بخط خود نوشته است  
این کتاب دارای يك مقدمه دره کلمه و دو باب است:

۱ - ابطال سخن مانعان در ۲۰ دلیل و در دلیل یکم گوید که «کلی موجود،  
فرد خارجی نیست، تا ناگزیر شود که در چند جا باشد و صفتهای گوناگون و ناسازگار  
پذیرد و در واحد نوعی هم چنین چیزی محال نیست» و در این جا با اعتراضی می‌نگردد

که شیخ در فصل ۱ مقاله ۵ الهی شفا (ص ۴۸۶-۴۸۷ چاپی) و در رساله که درباره گفتار دانشمند همدانی نوشته است آورده و آنرا رد میکند.

باب ۲ اثبات وجود کلی طبیعی در ۴۰ قاعده که در این چهل قاعده بسیاری از مطالب مهم منطق و فلسفه را میآورد و آنها را دلیل وجود کلی میگیرد مانند: بداهت، ایجاب و سلب، تضایف، سبب و تقسیم، وجود، معرفت، صدق، انتاج، تکرر اوسط، ترکیب ماهیت، غیر معلل بودن ذاتی و جزاینها و در پایان این باب بدایلی که دانشمندان آورده‌اند اشاره میکند.

بی‌هیچ گفتگو این نگارش را میتوان از شاهکارهای دانشمندان ایران بشمار آورد  
آغاز - بسملة لك الحمد يا ذاالمن والجلود والعلال... فيقول... ابن محمد

۱۰ هادی الحسینی ابوالحسن التنکابی انه لما اشتهر فی الاسن ان الحق عندالمحققین هو وجود الکلی الطبیعی

انجام: فتدبر حتی تعلم ان ذات الجزء قدیتقدم. هذا آخر ما اردنا ايراده مع قلة البضاعة، وكان اكثره مما قدرت به. وعليك النظر بعين الانصاف. لا بعين الاعتساف وقد وقع الفراغ من التأليف في ليلة الخميس والخامس عشر من شهر ربيع الثاني في سنة خمس وخمسين بعد المائتين، الالف في العتبات العاليات. ووقع الفراغ من الاستنساخ في يوم الاربعاء في خامسة شهر جمادى الاولى بيد مؤلفه ابي الحسن بن هادی الحسینی في ۱۲۵۵.

از گفته تنکابی پیداست که وی این کتاب را در نزدیک به بیست روز پاکنویس نهوده و بیشتر آن اندیشه خود او است

[۹]

۲۰

این نسخه بخط نگارنده کتاب و بنسخ و خط خوردگی‌ها دارد و نسخه اصل است و شماره ۱ دفتری است که دوم آن معیار القول در جرتیل است و از برگ ۱ الف تا برگ ۲۹ ب میباشد برگ ۱ و صالی شده و اندکی از عبارات

رفته است عنوانها شنکرف و شماره مطالب در هاشم نوشته شده

(برگهای همه دفتر ۷۰) - کاغذ فرنگی - جلد مقوای پارچه‌ای و عموته‌ها و ته آن نیماج ۱۵

اداره ۱۴×۲۱ و ۹۵×۵۵ س ۲۲



## [۱۰.] پاسخ پورمینا پیرش هیمپندای (عربی)

- ارسطو در فصل ۳ و ۵ عبارت ارغنون گفته که هر چه بر محمول روا باشد بر موضوع هم روا خواهد بود و در فصل ۲۱ کتاب ۲ قیاس و فصل ۱ کتاب ۱ برهان باز گفته است که شایسته است وصفی بر کلی حمل شود اگر چه ندانیم که بر جزئی آن حمل میشود یا نه و در اینجا اختلاف با جمال و تفصیل یا تغایر وصفی را بسنده دانست ۵ و سخن این فیلسوف بشکی می نگردد که ممن کرده و افلاطون آن را در رساله ممن (بند ۸۱) آورده است ولی در اینجا از پیش بشکی را که سکستوس امپیریکوس (Sextus Empiricus) فیلسوف یزشک ستاره شناس یونانی سده دوم و سوم کرده است پاسخ داد. سکستوس میگوید کبری جز باستقراء افراد اوسط ثابت نمیشود زیرا شاید يك فرد محکوم بحکم کلی نباشد پس قضیه کلیه کبری دروغ ۱۰ خواهد بود پس شکل نخستین نتیجه نخواهد داد مگر اینکه مصادره بر مطلوب و دور معیب لازم آید این شک را ستوارت میل انگلیسی (۱۸۰۶ - ۱۸۷۳) دوباره از سر گرفت و پنداشت که با آن بنیاد منطق ارسطو را ویران میسازد.
- اصلی که ارسطو شکل نخستین را بر روی آن نهاده است قاعده اندراج یا انسحاب نامیده میشود و بالاتینی چنین درمیاید: (Dictum de omni et nullo) ۱۵ که هر چه بر کلی رواست یا از آن برداشته میشود بر جزئی نیز روا میباشد یا از آن برداشته است دانشمندان خاوری نیز در نگارشهای خود باین قاعده و پاسخ این شک اشاره میکردند چنانکه در اوسط فارابی و منطق ابن زرع و منطق شفا (قیاس مقاله ۹ فصل ۱۹ و برهان مقاله ۱ فصل ۳ و ۶) و المعبر ابی البرکات بغدادی (فصل ۱۷ مقاله ۳ قیاس، ج ۱ ص ۸-۱۹۷) و اساس الاقتباس خواجه طوسی (فصل ۱۰ فن ۲۰ مقاله ۲ در قیاس و فصل ۱ فن ۲ مقاله ۵ در برهان) این قاعده و این شک و پاسخ آن را با جمال می بینیم ابن تیمیه حرانی در (الرذعی المنطقیین) در مقام ۴ و ۵ ص ۳۶۲-۳ چاپ بمبئی) سخنی می آورد که مانند گفتار میل است و سیوطی در اختصار خود بر این کتاب نیز گفته ابن تیمیه را آورده است (چاپ مصر سال ۱۹۴۷ ص ۲۹۱ و ۲۲۲)



پیش از این تیمیه که دشمن منطق و عقل است ابوسعید بن ابی الخیر میهنه‌ای (م ۴۴۰) عارف بزرگوار بر شکل نخستین همان شك سگستوس را وارد کرده است مگر این که نمیدانیم آیا این عارف که خود را آسمان بین مینامید و چیزها را بگمان خویش میدید نه اینکه میدانست این شك را از کتابهای فیلسوفان بدست آورد یا اینکه خود بدان آگاه شده و به شیخ رئیس بنمود و پاسخ خواست؟ ۵  
باری میهنه‌ای میگوید: شکل ۱ پایه دوشکل دیگر است و کبرای آن تا نتیجه را ندانیم کلی نخواهد بود و این خود محال است و نارواچه نتیجه باید پیرو کبری باشد نه پایه آن

شیخ رئیس در پاسخ دوراه حل باو مینماید یکی اینکه حکم کلی نیازی ندارد که از جزئی گرفته شود دیگر اینکه تنها در استقراء است که چنین است و در قیاس حکم کلی پیش از جزئی دانسته میشود. ۱۰

این شك را شارح مطالع در بحث شکل ۱ بعنوان لزوم دور فاسد طرح کرده و باختلاف اوصاف پاسخ داده است و فرزانه سبزواری در منظومه منطق (ص ۷۸ چاپ ناصری) باز همان گفتار رازی را آورد. در نسخه شماره ۱۰۳۵ همین کتابخانه درس ۱۰۷ و ۴۱۷ دوبار این عبارت را که گزیده‌ای است از پاسخ ۱۵ و پرسش میهنه‌ای و بوعلی می‌بینیم: «كتب الشيخ ابوسعید ابی الخیر الی الشيخ ابی علی بن سینا: ایاك ان تعتمد علی العقل (العلوم الرسمية) فان اول (اجلی) البدیهیات الشكل الاول وفيه دوران ثبوت النتيجة يتوقف علی کلیة كبراه (الكبری) و لا یصیر كبراه کلیة حتی یكون الاكبر صادقا علی الاصغر لان الاصغر من جملة افرادہ. واجاب الشيخ ابوعلی: بان کلیة كبراه (الكبری) موقوفة علی اندراج الاصغر اجمالی الاكبر ۲۰ والمقصود من النتيجة ثبوته تفصیلا فلا دور»<sup>۱</sup>

باز از کسانی که از این پرسش و پاسخ یاد کرده اند شیخ عبدالرحیم ومیرزا محمدعلی فرزندان احمد قراچه‌داغی تبریزی (م ۱۳۱۰) میباشند که هر دو در حاشیه

۱ - آنچه میان دو کمانه گذارده شده نسخه بدل است و در هر دو جا غلط نحوی نیز هست که بقیاس درست شد ۲۵

خود بر حاشیه ملا عبدالله یزدی شهابادی (م ۹۸۱) بر تهذیب المنطق تفتازانی این شك را آوردند و عبدالرحیم آنرا از برخی صوفیان دانسته و گفت که شیخ رئیس بهام اجمالی و حدسی کبری و علم تفصیلی نتیجه این شك را حل نمود و محمدعلی از میهنه‌ای و شیخ رئیس نام برده و گفت که شیخ باجمال و تفصیل پاسخ داد و بتغایر وصفی هم دوری نخواهد بود.

گفتار ایند و در هامش حاشیه یزدی چاپ عبدالرحیم بسال ۱۳۰۶ در ص ۱۲۵ بچاپ رسید

دیگر فرزانه دانشمند میرزا محمد طاهر تنکابنی است که در حاشیه خود بر الجوهر النضید فی شرح منطق التجرید از علامه حلی (چاپ تهران ۱۱ - ۱۳۱۰) همین اشکال دور را آورده و بتغایر اجمال و تفصیل پاسخ داد

۱۰ فتوای در فهرست خود از این پاسخ و پرسش بنام قیاس (سؤال ابی سعید ابی الخیر و جواب الشیخ الیه) بشماره ۳۵ درص ۱۰۷ یاد کرده و سه نسخه از آن نشان داد که در آستانه هست<sup>۱</sup>

آغاز: کتب الشیخ سلطان العارفين خاتم المشايخ ابوسعید بن ابی الخیر الی الشیخ الرئيس... اتوقع الجواب من حضرة الشیخ الرئيس... اذا كان الغرض من القیاس ۲۵ الوصول الی العلم... فاجاب الشیخ الرئيس عن هذا بجوابين وقال قد فهمت الرقعه اطال بقاء انجام: و كك في المثال الثالث ولعل هذا الی بیان یکفی فی هذه الشبهة هو اعلام

### [۱۰]

این نسخه شماره چهارم دفتری است که دارای ۲۸ رساله و گفتار و ده پاسخ و پرسش از ایندو دانشمند است و بشکسته و تعلیق در تاریخهای ۱۰۷۶ ۳۳۹ و پرسش از ایندو دانشمند است و بشکسته و تعلیق در تاریخهای ۱۰۷۶ ۳۳۹ و ۱۰۸۶ نوشته شده و این نسخه از برك ۵۸ ب تا برك ۵۹ ب میباشد (همه دقت ۱۳۶ برك) - کاغذ قزقه سمرقندی - جلد تیماج سرخ ساده مقوایی اندازه ۲۰×۱۳ و ۱۸×۱۰ س ۲۱ تا ۲۸

[۱۱] **پاسخ بدیران قزوینی** (عربی)

۲۵ نجم الدین عمر کاتبی دیران قزوینی در اینکه نقیض عام باید اخص از نقیض

۱- برای شك سکسنوس و شبهه میل دیده شود: تاریخ مسائل و نحل فلسفی Paul Janet ص ۶-۶۴۵ و تاریخ فلسفه Albert Rivaut ج ۱ ص ۲۵۱

خاص باشد شکمی کرده و خواجه طوسی از آن پاسخ گفته است. شارح مطالع در  
مبحث چهار نسبت همین شك دبیران را آورده و رد نمود.

آغاز : هذا شك آورده الحکیم الامام نجم الدین المعروف بدبیران علی قولهم  
ان نقیض العام مطلقا ..... فان نقیض العام لا یجب ان یکون اخص من نقیض الخاص  
مطلقاً . . . اجاب عنه نصیر الملة والدين محمد بن محمد الطوسی . . . الممكن العام  
ینقسم الى قسمین هم امانعة الخلو دون الجمع  
انجام : ومع الداخل فی طرفی النقیض ای الواجب ذاته والمتنع لذاته ولا یراد بکونه  
اعم الا هو والله اعلم وحکم

[۱۱]

این نسخه شماره بیستم دفتری است که دارای ۵۱ رساله است و بخط تعلیق  
۱۵۳۵ شکسته مورب و در ص ۱۸۶ نوشته شده است - نشانه نسخه در بخش ۱  
این فهرست یاد گردید

[۱۲] **تحریر القواعد المنطقية** (عربی)

نجم الدین عمر کاتبی دبیران قزوینی (م ۶۷۵) شمسیه خود را که متنی  
است کوتاه و گزیده ای از منطق بروش متأخران برای خواجه شمس الدین محمد  
جوینی (کشته در ۶۸۳) نگاشته است و چند شرح بر آن نوشتند یکی از آنها شرح  
علامه حلی (۶۴۸ - ۷۲۶) است بنام (القواعد الجلیه) که برای شاگردان خود  
نوشت و در فهرست نگارشهای خود که در خلاصه (تاریخ ع ۲ سال ۶۹۳) و در اجازه  
بمهنابن سنان (تاریخ مجرم ۷۲۰) آورده است از آن یاد نمود و نسخه ای از آن که  
در روزگار علامه در ع ۲ سال ۶۷۹ نوشته شده در کتابخانه آستان طوس هست  
(دیده شود فهرست آنجا ج ۱ بخش منطق ص ۴۳ شماره ۱۵۱) و پیدا است که حلی  
این شرح را نزدیک بسی سالگی خود نگاشته است.  
دیگر شرحی است از فرزانه فیلسوف ایرانی قطب الدین محمد بن محمد  
ورامینی رازی بویه ای (۷۷۶م) شاگرد قاضی عضد ایجی (م ۷۵۶) و علامه حلی که  
در ۷۱۳ از او اجازه گرفت.



قطب رازی این شرح را که (تحریر القواعد المنطقیه) نام دارد برای صاحب غیاث الدین محمد در آغاز ج ۲ سال ۷۲۹ نگاشته است<sup>۱</sup>  
 این غیاث الدین فرزند خواجه رشید الدین فضل الله است که وزیر خدا بنده بوده و در ۶۴۵ زاده و در ۱۷ ج ۱ سال ۷۱۸ ویرا بکشتند و خود غیاث الدین در ۷۲۸ وزیر ابوسعید بهادر خان (۷۱۶-۷۱۳ ع ۲ سال ۷۳۶) شده و در ۲۱ رمضان ۷۳۶ ۵ کشته گردید.

قطب رازی چندین رساله و کتاب در منطق دارد :

#### ۱- رساله تحقیق دلالت

#### ۲- رساله تحقیق تصور و تصدیق

۳- رساله تحقیق کلیات که بچاپ رسیده و نسخه‌ای از آن بشماره ۲۷۷ ۱۰ در این کتابخانه هست که در تاریخ پایان ع ۲ سال ۷۶۴ مقابله گردید.

۴- رساله تحقیق محصورات و نسخه از این چهار رساله در آستانه طوس بشماره‌های ۹۷-۹۶-۹۵-۹۴ هست (ج ۱ فهرست آنجا، بخش منطق، ص ۲۸-۲۹)

قطب رازی بر منطق (مطالع الانوار) ابوالثنا یا محمود بن ابی بکر ارموی آذربایگانی (۵۹۴-۶۸۲) هم شرحی بنام (لوامع الاسرار) برای همین وزیر در تاریخ سه شنبه ۱۰ ج ۱ سال ۷۲۸ در مدرسه غازانیه شنب تبریز نگاشته است<sup>۱</sup>.  
 شرح مطالع رازی دوبار در ایران بچاپ رسید یکی چاپ عبدالرحیم بسال ۱۲۹۴، دیگری چاپ تهران در کارخانه آقاسید اسدالله بسال ۱۳۱۵ و یکبار در آستانه در دوجزه بسال ۱۳۰۳ چاپ گردید.

۲۰ رازی در مبحث محصورات شرح مظالمه بر رساله (تحقیق محصورات) خود بازگشت میدهد و در آغاز آن از رساله (تصور و تصدیق) یاد میکند و میرسید شریف

۱ - در پایان نسخه شماره ۱۱۹ کتابخانه طوس (ج ۱ فهرست، بخش منطق، ص ۳۴) دارد: (وقد فرع من تحریر العبد الراجی الی رحمة ربّه الهادی قطب الرازی فی اوائل جمادی الاخره سنة تسع وعشرین وسبعمائه

۲ - دیده شود، پایان شرح مطالع نسخه چاپ تهران بسال ۱۳۱۵ و فهرست طوس



گویا آنرا ندیده و در حاشیه میگوید که این رساله در دست کسی بوده و او بجائی میرفته و این رساله را با خود میبرد و آن از میان رفته است.

ولی چنانکه گفته شد نسخه از آن در آستانه طوس هست و نسخه دیگر هم در مدرسه سپهسالار تهران بشماره ۳۸۷۸ هست و دوبار نیز بچاپ رسید یکی در تونس بسال ۱۲۸۱ دیگری در کانپور هند بسال ۱۲۱۷

رازی در مبحث وجود کلی طبیعی و در مبحث فصل از (تحقیق کلیات) یاد میکند. پس دانسته شد که رازی این سه رساله را پیش از شرح مطالع نگاشته و شرح شمسیه را نزدیک بیست سال و نیم پس از آن پایان رساند.

شرح شمسیه رازی دوبار در ایران (یکی بسال ۱۲۸۲ دیگر در تهران بسال ۱۳۱۴) و چهار بار در هند و دوبار در مصر و سه بار در آستانه بچاپ رسید پس از رازی سعد تفتازانی (۷۹۲م) شمسیه را شرح کرد و از رازی خرده گیری هانمود و این شرح چندی میان دانشجویان رواج بود تا اینکه میر سید شریف گرگانی حاشیه ای بر شرح رازی نوشت و از آنها پاسخ گفت و بشرح تفتازانی دیگر نمی پرداختند

## [۱۲]

این نسخه بخط تعلیق مجدول بطلا و لاژورد با عنوانهای شنکرف است و جدولهای منطقی آن نیز شنکرف ولی چیزی نوشته نیست و محمد شریف بن عبدالحق سبزواری در تاریخ ۱۰۰۸ آنرا نوشته است

(۱۵۶ برک) - کاغذ ترمه سمرقندی - جلد تیماج ساده مشکی

اندازه: ۱۹×۸ و ۱۴×۴ س ۱۶

## [۱۳]

این نسخه اندکی از آغاز کتاب را ندارد و آغاز آنچه هست ایست «سبب ایراد رسم العلم فی مفتاح الکلام» و علی نقی اردکانی در ۱۹۳ (۱۹) آنرا بخط تعلیق نوشت

(۸۸ برک) - کاغذ فرعی - جلد تیماج زرد

اندازه: ۲۰×۱۲/۵ و ۱۴×۷ س ۱۶

## [۱۳] تعلیق در مبادی قیاسیات [فارسی]

منطقیان در مبحث مواد قیاس، مبادی آنرا بر حسب هنرهای پنجگانه منطق (برهان - جدل - مغالطه - خطابه و شعر) بچند گونه بخش نمودند، و شماره آنها در کتابها باختلاف دیده شده و این اختلاف از ایشروستکه در ارغنون ارسطو مبادی قیاس بسته گریخته و پراکنده دیده میشود و دانشمندان هم هر يك برای خود آنها ۵ را بخش نمودند. در این رساله مبادی را پانزده گونه دانست و نگارنده این تعلیق گویا قوام‌الدین رازی شاگرد مولی رجبعلی تبریزی سپاهانی میباشد که در سال ۱۰۸۵ زنده بود.

آغاز: تعلیق مبادی قیاسات پانزده صنف است

انجام: و مشهورات مطابق و محدود و مسلمات مبادی قیاس جدلی بود ۱۰

## [۱۴]

این نسخه شماره پنجم دفتری است که دارای ۷ رساله از خواجه طوسی و قاضی محمد سعید قمی و مولی رجبعلی تبریزی و قوام‌الدین رازی میباشد ۳۷۴ نویسنده آن از شاگردان قوام‌الدین رازی است و در دنبال رساله ششم این دفتر می‌نویسد: «هذه تعلیقات لاستادنا ... قوام‌الملة والدین طاب ثراه ...» ۱۵ و در دنبال این رساله مینویسد: «من استادنا ادام‌ظله والہ اعلم» و چنانکه در پایان رساله شماره یکم این دفتر نوشته شده در ذی‌حجه سال ۱۰۸۵ هنگامی که قاضی سعید قمی میزیسته است آنرا نویسنده آن نوشت ولی این رساله در روزگار قوام‌الدین رازی و رساله ششم که باز تعلیق فلسفی است از همان رازی پس از مرگ او نوشته شده است پس میتوان گفت که رازی نزدیک سال ۱۰۸۵ در گذشت مگر اینکه نویسنده این ۲۰ رساله‌ها یکی نباشد این رساله در برگ ۶۲ تا برگ ۶۳ این دفتر است و بخط تعلیق شکسته میباشد:

(همه دفتر ۹۴ برگ) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج ساده منبر رومی  
اندازه: ۱۹×۱۱ و ۱۴×۱۶ س ۱۶

## [۱۴] تلخیص [عربی]

قاضی ابوالولید محمد بن احمد بن محمد بن احمد بن احمد بن رشید در قرطبه از

خاندانی که بکارداوری میبرد اختند و بسیار مشهور بودند، بسال ۵۲۰ زاده و در مراکش در ماه ربیع یکم سال ۵۹۵ در گذشت. این دانشمند از فیلسوفان و پزشکان اندلس است و کتابها در فلسفه و پزشکی از خود بیادگار گذارد و شرحها بر کتب ارسطو نوشته و در آنها از فارابی و پورسینا و متکلمان خرده گیری نمود و در تهافت التهافت از اعتراضهای غزالی پاسخ داد. شرحهای این فیلسوف، در سده های میانین فرزنانگان اروپا را تنها منبعی بود که با آنها بآراء ارسطو آشنا میشدند. تا اندازه ای که میگفتند: «جهان را ارسطو شناسانده و نگارشهای ارسطو را این رشد روشن ساخته است»

این فیلسوف شیفته نگارشهای ارسطو بوده است و با اینکه یونانی نمیدانست و ترجمه عربی نادرستی از آنها در دست داشت، روی هوش و زیرکی خویش و با کمک ترجمه شروح مشائیان همه کتب ارسطو را شرح کرده است. ویرا پادشاه روزگارش امیر یعقوب منصور موحدی (۵۸۰ - ۵۹۵) و فقها تکفیر نمودند و ناگزیر شد که در سال ۵۹۱ بشهر الیسانه (Lucena) که یهودیان می نشستند گوشه گزیند و شاه فرمودند که کتابهای این دانشمند را آنچه فلسفی است بسوزانند. فرمان تحریم فلسفه نیز از همین شاه در همین هنگام صادر شده است.

دانشمندان ترسای اروپا نیز پس از این، شرحهای فلسفی او را بسال ۱۲۰۹ م تحریم کردند و در سال ۱۲۶۹ م در انجمن پاریس روی همان آرائی که دانشمندان اسلام کفر میشد داشتند این رشد را تکفیر نمودند.

نسخی از کتابهای این رشد را که نزدیک به ۸۰۰۰۰ هزار میرسد، کریمنز (Ximenez) دستور داد که در میدان غرناطه بسوزانند. این بود که نسخه آنها بسیار کم شد و بیشتر ترجمه لاتینی و عبری، آنهم فراوان، بجا مانده است این رشد کتابهای ارسطو را سه گونه شرح کرد

۱- شرح کوچک یا جوامع که در آن گزیده ای از مباحث ارسطو را می آورد بی آنکه از آراء پیشینیان یاد کند و بجای آنها عقاید خویش و فیلسوفان خاوری را آورده و گویا میخواهد روش مشائیان را با جمال بگذراند و این گونه شرح نگارش



خوداوست و بترتیبی که خود می‌پسندد، نه بترتیب متن کتاب. باینکه آراء مندرج در کتب ارسطو را تحلیل و گزین می‌کند باز از آن می‌کاهد و بر آن می‌افزاید و از کتابهای دیگر ارسطو آورده آنرا کامل می‌سازد. این شرحها همان نام کتابهای ارسطو را دارند.

- ۲ - شرح میانین یا تلخیص که هر بندی بکلمه (قال) آغاز میشود ولی شرح و متن با هم آمیخته است و از هم نتوان جدا نمود. مگر اینکه پیش چشم باشد. آنگاه دیده میشود که ابن رشد مانند ابن سینا در شفا، گاهی متن را با عبارت دیگر که خود می‌پسندد می‌آورد. در این شرح بنده بند مطالب ارسطو در آغاز هر بند اندکی از سخن ارسطو با عبارت دیگری دیده میشود و ابن رشد از ترتیب ارسطو در این شرح بیرون نمی‌رود و در این شرح بیشتر مطلب را روشن می‌سازد. نشر دهندگان ترجمه لاتینی این شرحها، چون ترجمه لاتینی ترجمه عربی متن یونانی ارسطو را در دست داشتند، در هر بندی متن کامل را می‌آوردند. در این ترجمه‌های لاتینی دو شرح میانین و بزرگ را بدشواری میتوان از هم جدا نمود.

- ۳ - شرح بزرگ یا تفسیر که نخست متن آغاز و سپس شرح می‌آید و پس از هر بندی از متن باز پاره‌های آنرا آورده تفسیر میکند و آراء دیگران را نیز یاد کرده گاهی از آنها انتقاد می‌نماید و گاهی نیز از تفسیر مشائیان یونانی که در دست داشت می‌آورد. در این شرح متن کامل ارسطو دیده میشود و هر کتابی بچند بخش و فصل و بند تقسیم میگردد و این بخش بندی را در مدارس مشائی ایتالیا پذیرفته بودند.

- ارنست رنان میگوید که جوامع ابن رشد روی هم یکجلد و باندازه ۱۵۰ ۲۰ صفحه ولی تفسیرها باندازه چهارجلد میگردد و این را از عبدالواحد مراکشی نقل میکند (ص ۶۳ حاشیه ۲) باز میگوید که پیش از ابن رشد دانشمندان، مانند فارابی و پورسینا، همان جوامع مینوشتند. چنانکه آلبرتوس ماگنوس (۱۱۹۳-۱۲۸۰) همین کار را کرد و آنها متن و شرح را از هم جدا نمیساختند. در باره شفا ابن سینا بخصوص در منطق او این را شاید بتوان پذیرفت و آنرا جوامع بلکه تلخیص نام داد ۲۵



ولی درباره همه نگارشهای فارابی این سخن درست نیست زیرا الاوسط او خود کتاب جداگانه‌ایست و نمیتوان آنرا از جوامع یا تلخیص بشمار آورد و شرح عبارت و قیاس او که در کتابخانه مجلس هست درست شرح بزرگ یا تفسیر است و میتوان گفت که ابن رشد اینگونه شرح را از فارابی آموخته و مانند او همه متن را می‌آورد و سپس شرح میدهد و اینگونه شرح میان دانشمندان خاوری متداول بوده و قرآن را بهمین روش تفسیر میکردند و سخن خدا را با سخن خویش نمی‌آمیختند.

این سه گونه شرح در مدارس اسلامی متداول بوده کوچک را نخستین بار، سپس میانین، آنگاه شرح بزرگ را فرامیگرفتند.

شرحهای بزرگ را ابن رشد در پایان زندگی خود نوشته و در شرح بزرگ طبیعی گوید که در جوانی شرحی کوتاه نگاشته‌ام و در شرحهای میانین نوید میدهد که شرح بزرگتری خواهد نوشت. این بود که در رسده‌های میانین تا روزگار تجدد میگفته‌اند که ابن رشد در جوانی جوامع نوشته و در سن کمال تلخیص کرده و در پیری شرح بزرگ نگاشته است.

چنانکه گفته شد البرنوس ماگنوس بشرح بزرگ پرداخته است ولی شاگردش تماس آکوئینی از ابن رشد پیروی نموده شرح و تفسیر کرد.

ابن رشد را در رسده‌های میانین و روزگار تجدد تا آغاز رسده ۲۰ بنام شارح می‌شناختند و از این کلمه هم‌ورا میخواستند و دانتی در کمدی خدائی (سرود ۴ بیت ۱۴۲ Inferno) از وی بنام شارح نام میبرد. وی در میان دانشمندان بزرگ باو پایگاهی بلند داده و از او بنام ابن رشد شارح یاد کرده است. ابن رشد در منطق بجز شروح، کتابهای دیگری هم دارد که در فهرست مندرج در عیون الالباء (ج ۲ ص ۷۵-۷۸) و منتهای عربی که ارنست رنان در پایان کتاب خویش آورده است آمده و برخی از آنها که هست اینها است:

۱ - مختصر المنطق بزبان عربی و خط عبری

۲ - رساله در منطق پیوست بدو شرح خطابه و شعر بزبان و خط عربی

۳ - مقدمات فلسفه که بعربی و در اسکوریال بشماره ۶۲۹ هست و ۱۲

رساله میباشد (۱) - موضوع و معمول ۲ - تعریفات ۳ - قیاس و برهان ۴ - قضایا  
 ۵ - قضیه صادق و کاذب ۶ - قضیه ممکن و ضروری ۷ - استدلال ۸ - نتیجه  
 صحیح ۹ - رای فارابی درباره قیاس ۱۰ - صفات ذهن ۱۱ - حس و استماع  
 ۱۲ - چهار صفت

۴ - مسائلی درباره بخشهای گوناگون ارغنون که پس از شروع آنها را  
 میآورند و دو نسخه عبری آن هست. ابن رشد مسائل منطقی را هنگامی که مطرود  
 شد، بود (۱۱۵۹ م) نگاشته است

۵ - موجز منطق که عبری در Riva di trento سال ۱۵۶۰ به چاپ رسید  
 و نسخه از آن عبری و خط عبری در پاریس هست

چنانکه گفته شد ابن رشد همه بخشهای ارغنون ارسطو را سه گونه شرح  
 کرد و متن عربی ترجمه عبری یا لاتینی برخی از آنها در کتابخانه‌های خاور و باختر  
 هست بدینگونه :

۱ - ایساغوجی فرفور یوس دوشرح کوچك و میانین آن هست

۲ - مقولات ، شرح کوچك و میانین آن هست

۳ - عبارت ، دوشرح کوچك و میانین آن هست

۴ - قیاس ، دوشرح کوچك و میانین آن هست

۵ - برهان ، هر سه شرح آن هست. وی شرح میانین برهان را در اشبیلیه  
 سال ۱۱۷۱ م نگاشته است

۶ - جدل. دوشرح کوچك و میانین آن هست و شرح میانین را در ۱۹ رجب

۵۶۳ نگاشته است .

۷ - مغالطه ، دوشرح کوچك و میانین آن هست

۸ - خطابه ، دو شرح کوچك و میانین آن هست و در پایان شرح میانین

مینویسد که آنرا در ۵ محرم سال ۵۷۰ با اینکه درمانده و بیمار بودم پایان

رساندم

۹ - شعر ، دوشرح کوچك و میانین آن هست

نسخه‌ای از تلخیص در فلورانس و دانشگاه لید هست که همه بخشهای ارغنون را دارد و نسخه هم در قاهره هست که مانند نسخه این کتابخانه میباشد

### ترجمه عبری نگارشهای منطقی ابن رشد

۱- ربی شمشون آنتولی در نابل بسال ۱۲۳۲ م برای فریدریک دوم شرح ارغنون ابن رشد را عبری ترجمه نمود و نیز همو موجز منطق او را عبری کرد ۵  
۲- کالونیموس، فرزند کالونیموس فرزند مایر Maestro Calo (۱۲۸۰-۱۳۲۸) که در آراس زاده شده، در ۱۳۱۴ م شرح جدل و مغالطه و برهان را عبری ترجمه کرد

۳- تدرس تدرسی (تئودوروس فرزند تئودوروس) آراسی در ۱۳۳۷ م در شهرک ترینکتای شرح جدل و مغالطه و خطابه و شعر را عبری در آورد و همین شرح است که گلدنتهال آنرا نشر نمود ۱۰

۴- یعقوب بن شمتوب قبلی را ترجمه عبری نمود

۵- یعقوب فرزند اباماری آنتولی نابلسی زنده در ۱۲۶۵ و ۱۱۹۴ م پنج کتاب نخستین ارغنون را ترجمه عبری نمود و در کتابخانه ملی پاریس و فلورانس نسخه آن هست ۱۵

۶- لای بن جرسن (۱۳۴۴-۱۲۸۸) همین متن عبری را شرح نمود که نسخه از آن در پاریس هست و ترجمه لاتینی این شرح در سده ۱۶ چاپ رسید

### ترجمه لاتینی نگارشهای منطقی ابن رشد

۱- هرمانوس المانوس تعلیقات فارابی بر خطابه و موجز ابن رشد را در طلیطله در ۷ مارس ۱۲۵۶ لاتینی ترجمه نمود وی میگوید: ۲۰

در ترجمه شعر برای اختلافی که در وزن شعر یونانی و عربی هست دچار اشکال شدم و نزدیک بود نومید شوم. ناگزیر از این شعر آنچه دریافتم ترجمه کردم و آنچه رامیتوانستم لاتینی در آوردم. ترجمه هرمانوس از تلخیص ابن رشد دشوار

نیست و میتوان آنرا دریافت .

۲- ابراهام بالمس که تلخیص را از عبری بلاتینی کرد و ترجمه او با متن مخالف است و در ترجمه عبری هم مثالهای تازی بمثالهای عبری تبدیل شده است

### از نگارشهای منطقی ابن رشد آنچه بچاپ رسید

۱- متن تلخیص قاطیغوریاس که در بیروت بسال ۱۹۳۲ موریس بوئیز آنرا چاپ نمود

۲- متن تلخیص خطابه و شعر که فاوستولاسی نیو (Fausto lasinio) آندو را از ۱۸۷۲ تا ۱۸۷۵ در فیرنتس ( Firenze ) با ترجمه عبری و ایتالیائی شعر بچاپ رسانده ولی خطابه آن ناتمام ماند

۳- همین دو تلخیص را لوئیس شیخویسوعی در ( کتاب علم الادب مقالات امشاهیر العرب ) در جلد دوم در بیروت بسال ۱۹۲۴ چاپ نمود .

۴- ترجمه عبری موجز منطق ابن رشد در ( Riva di Trento ) بسال ۱۵۶۰ بچاپ رسید

۵- ترجمه عبری شرح خطابه در لایبتسیک در ۱۹۴۲ چاپ شده است

۶- ملخص شعر با تعالیق فازابی بر خطابه بلاتینی در ویتسیا بسال ۱۴۸۱ ۱۵ بچاپ رسید

دوره کتب ابن رشد بلاتینی در لیون بسال ۱۵۴۲ بچاپ رسیده و ترجمه لاتینی ارغنون بوئسیوس نیز با آن هست و تلخیص ابن رشد هم جزء آن میباشد آثار ابن رشد بلاتینی در ویتسیا و پادو و دیگر شهرها از ۱۴۷۲ تا ۱۸۴۲

چندین بار چاپ شده است و ترجمه ای که یعقوب ماتینو طرطوسی ( م ۱۵۴۹ ) از ترجمه عبری تلخیص بلاتینی کرده است بسال ۲- ۱۵۵۰ و سال ۱۵۶۲ و سال ۱۵۷۳ بچاپ رسید و در چاپ ۲- ۱۵۵۰ ترجمه لاتینی شرح لاوی بن جرسن نیز با آن هست<sup>۱</sup>

۱- برای نگارشهای منطقی ابن رشد دیده شود : عین الانباء ابن ابی اصمیه ج ۲ ضمیمه پاورقی در حاشیه صفحه بعد



### آغاز و انجام بخشهای تلخیص

مقولات - آغاز : الغرض فی هذا القول تلخیص المعانی التي تضمنها كتب  
ارسطو فی صناعة المنطق

انجام : وهي بحسب هذه الجهة مستوفاة انقضى تلخیص كتاب المقولات  
والحمد لله العجل يتلوه... تلخیص كتاب بارارمنیاس ای العبارة ۵

عبارات - آغاز : الفصل الاول قال وينبغي ان نقول ماهو الاسم وماهي الكلمة  
انجام : اذا كان لايتعري الموضوع منها وهنا انقضى تلخیص المعانی التي  
تضمنها هذا الكتاب بانقضاء المعانی التي تضمنها هذا الكتاب يتلوه كتاب انالوطيقي  
وهو كتاب القياس

قياس - آغاز : المقالة الاولى ينبغي ان نبتدى اولافنخبر ماهو الشئ الذي  
عنه الفحص فی هذا الكتاب ۱۰

انجام : لم يكن عظيم الاطراف علامة خاصة بالشجاعة وهذا انقضى تلخیص معانی  
هذا الكتاب وهو القياس

برهان آغاز : المقالة الاولى من البرهان قال كل تعليم وكل تعلم فكري  
فانما يكون بمعرفة مقدمة للمتعلم ۱۵

انجام : اعني قوة العلم للمعلوم وقوة العقل للمبادئ تم تلخیص المقالة الثانية  
من معانی كتاب البرهان لارسطو طاليس

[۱۵]

این نسخه بخط نسخ بسیار پاکیزه . عنوانها و نشانه ها و رقمها بشکرف  
میباشد مقولات از برك ۱ تا برك ۱۷ و عبارات از برك ۱۸ تا برك ۳۶ و قیاس  
از برك ۳۷ تا برك ۱۲۴ و برهان از برك ۱۲۵ تا برك ۱۶۷  
(برگهای همه دفتر ۷۰) - کاغذ ترمه سپاهانی جلد نیمای مقولات تازه  
اندازه ۲۴×۱۵ و ۱۴×۱۸ س ۲۱

ص ۸۵-۷۸، بیوست تاریخ ادبیات بروکلن ج ۱ ص ۳۷۱ و ابن رشد از نه - رنان چاپ پاریس  
بسال ۱۹۴۹ (جلد ۳ از نگارشهای رنان) و ابن رشد لئون کوتیه Leon Gauthier چاپ  
پاریس بسال ۱۹۴۸ و اندیشندگان اسلام کارادوو (B. Carra de vaux) جلد ۴ ص ۷-۶۶  
چاپ ۱۹۲۳ پاریس و فهرست کتابهای چاپی کتابخانه ملی پاریس ج ۵ ص ۷۸۱ شماره های ۱۱ و ۲۳ تا  
۲۸ و دیباچه مورس بویژ بر تلخیص مقولات ابن رشد چاپ بیروت ۱۹۳۲

## [۱۵] حاشیه بیتکاری (عربی)

شمس الدین محمد بن حمزه فناری (م ۷۳۴) بر ایساغوجی ابهری شرحی نوشت و احمد بر آن حاشیه کرد و بیتکاری بر این حاشیه، حاشیه نگاشت که همین رساله باشد

آغاز: الحمد لله العلی الکرم... فلما نظرت وتاملت فی حاشیه الفناریه  
انجام: هذا لیکن هذا آخر ما کتبه

[۱۶]

این نسخه شماره چهارم دفتری است که دارای شش رساله می باشد و در دنبال حاشیه  
۹۴۳ عبدالرحیم بر شرح فناری نشانه های آن یاد میگردد این رساله از برگ ۲۵ ب تا  
۳۹ الف است و بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف و حاشیه (منه) دارد و  
۱۰ اسماعیل بن علی بن عثمان در مدرسه فیضیه ارز روم بسال ۱۱۲۲ آنرا نوشت.

## [۱۶] حاشیه بر تهذیب المنطق (عربی)

سمع الدین سعید بن عمر بن عبدالله تفتازانی ادیب متکلم ایرانی (م ۷۹۲)  
شاگرد قطب رازی و قاضی عضدایینی کتابی در منطق بنام تهذیب المنطق بسال ۷۸۹  
نوشته که میان دانشجویان آن روزگار تا کنون متداول گشت.  
۱۵ دانشمندان بر آن حاشیه ها نوشتند از آنها است محقق دوانی و حاشیه او تا  
مبحث جهات (مطلقه عامه) می باشد و در لکناهور بسال ۱۲۹۳ و در تهران در کنار  
حاشیه ملا عبدالله بسال ۱۲۸۰ بچاپ رسید.

آغاز: تهذیب المنطق و الکلام توشیحه بذکر المفضل والمنعام فیه عجلاله و غلاله  
رایعة تروی غلیل طالبی صناعة المیزان  
۲۰

انجام: فی ملتقى الخطین الخارجین بین کلمها تسهیلا المضبط علی المبتدی

[۱۷]

این نسخه شماره یکم این دفتر است و دوم آن حاشیه ای است بر همین  
دوانی و بخط نستعلیق و مجدول بطلا و شنگرف و لا جورد و عنوانها و برخی  
۲۶۷ حواشی شنگرف است و از برگ ۱ ب تا برگ ۴۰ ب تاریخ نوشتن ۱۰۵۷  
۲۵

[۱۸]

این نسخه شماره ششم دفتری است که دارای شش رساله میباشد و نشانه‌های ۸۸۳ آن دردنبال (آداب مناظره) استرآبادی و (آداب البعث) ایچی یاد گردید و بخط نسخ محمدعلی و بتاریخ ۱۳۰۱ که درمدمه سپهسالار محمدخان آنرا نوشت و از برگ ۳۸ الف است تا برگ ۸۳ الف

[۱۷] حاشیه بر حاشیه تهذیب المنطق [عربی]

این حاشیه از مولانا سید آقا حسین حسینی خلخالی سنی اشعری شاگرد میرزا جان حبیب الله باغنوی شیرازی میباشد که بر حاشیه دوانی نوشته است و چنانکه در ذریعه (ج ۶ ص ۴۱) آمده خلخالی این حاشیه را در ۱۰۲۴ برای پسر خود نگاشته است. از کتابهای وی پیداست که او سنی اشعری میباشد در آغاز این حاشیه پس از یاد کردن نام دوانی و نام خود میگوید: این حاشیه را برای تأیید گفتار دوانی و برای پسرم برهان الدین نگاشته‌ام. این حاشیه تا بمبحث دائم و مشروط میرسد.

آغاز : بسملة نحمدك يا من نور قلوب العارفين بانوار المعارف الالهيه ... فقهه تنبيهات على التحقيقات المخفية في صفحات حاشية التهذيب ۱۵

انجام : سائر الجداول الطولية والعرضية على هذه الهيئة. در نسخه این کتابخانه در پایان این حاشیه نوشته شده (تمت الرساله في تاريخ سنة ثلاث عشر و الف) پس گفتار نگارنده در ربعه خواه این تاریخ ۱۰۱۳ تاریخ نگارش خلخالی باشد یا تاریخ نوشتن نسخه درست در نمی آید نسخه از این حاشیه در کتابخانه استانه طوس هست ۲۰ که در هامش حاشیه دوانی سال ۱۰۷۷ نوشته شده است.

[۱۹]

این نسخه شماره یکم دفتری است که بجز این رساله دور رساله دیگر نیز دارد یکی حاشیه بر شرح دوانی بر عقاید ایچی و دیگری اثبات واجب و هر دو از همین خلخالی میباشد و همه بخط تعلیق شکسته با عنوانهای شنگرف است و در تاریخ ۱۰۱۳ در روزگار خلخالی نوشته شده است این رساله از برگ ۱ ب تا برگ ۷۸ الف میباشد.



(همه دفتر ۱۷۹ برگ) - کاغذ قرمه سمرقندی - جلد تیماج سرخ ساده  
الدازه . ۱۱۵×۱۹ و ۱۳×۶ س ۲۱

## [۱۸] حاشیه بر حاشیه تهذیب المنطق (عربی)

حاشیه‌ای است بر حاشیه دوانی بر تهذیب المنطق تفتازانی و نگارنده آن پیدا نیست که کیست

آغاز: قال و حیدر زمانه تغمده الله بغفرانه (يقال مدحت اللؤلؤ علی صفائها)  
انجام: واما الى امكان الحمل دون الفعل. تم الكتاب بعون الله سبحانه القوی  
فی تاریخ سنه ۱۰۵۷

## [۲۰]

این نسخه شماره دوم دفتری که نخستین آن حاشیه دوانی است و بهمان خط ۱۰  
۲۶۷ و حواشی نیز دارد و از برگ ۴۱ ب تا برگ ۸۶ ب می‌باشد.  
نشانه نسخه دردنبال (حاشیه دوانی) یاد گردید

## [۱۹] حاشیه بر حاشیه تهذیب المنطق (عربی)

این حاشیه‌ای است که سید میرزا ابوالفتح بن محمد علی مشهور بمیر مخدوم بن سید  
شمس الدین محمد بن سید شریف گرگانی بر حاشیه دوانی نگاشته است و باب حادی عشر ۱۵  
علامه حلی را یکبار بتازی بنام مفتاح اللباب یا مفتاح الباب و باره دیگر بیارسی و پس از آن و  
در مراغه در لشکرگاه شاه بسال ۹۵۷ شرح کرد و در ۹۷۶ یا ۹۷۷ در گذشت. این  
حاشیه را برای سلطان ابی الغازی احمد بهادر حسینی نگاشته است و نسخه از این در  
آستانه طوس هست که درع ۱ سال ۹۷۲ پاکنویس گردید

از نشانه‌هایی که در ذریعه (ج ۶ ص ۵۹) و در فهرست آستانه طوس (ج ۱) ۲۰  
بخش منطق ص ۱۲) یاد گردید پیداست که نسخه این کتابخانه اندکی از خطبه را  
ندارد. ابوالفتح در میانه این رساله میگوید پس از پایان یافتن حاشیه دوانی جاهایی  
که از متن تهذیب دشوار است شرح میدهم و همین نشانه در فهرست آستانه هم یاد  
شد و از تطبیق با حاشیه دوانی پیداست که این رساله حاشیه‌ای است بر آن.



نام محشی در فهرست آستانه میرابوالفتح سید محمد بن ابی سعید حسینی معروف بتاج سعیدی (م ۹۵۰) شاگرد موسی بن محمد قاضی زاد رومی یاد شده است و درست نیست

آغاز : الحمد لله على تهذيب المنطق والكلام عن غياهب الشكوك والاهام ... هذه تعليقات بل تحقيقات على قسم المنطق من التهذيب وحاشيته المشهورين عند كل لبيب (ذريعه وقهرست آستانه)

آغاز در نسخه این کتابخانه : الحمد لله على تهذيب المنطق والكلام والصلوة والسلام على اعرف المعرفين بطريق الاسلام واله الحجج الموصولين الى كل مرام قوله هو الوصف بالجميل آه الباء امصلة للموصف (مانا نویسنده اندکی از خطبه را کاست)

انجام : واليه الرجعى وحسن ما به (در نسخه آستانه این عبارات را میافزاید) انتقل من السواد الى اليباض في شهر ربيع الاول سنة الثنتين وسبعين وتسعمائة. پس تاریخ نگارش میرابوالفتح سال ۹۷۲ می باشد.

[۲۱]

این نسخه بخط نستعلیق با عنوانهای شنگرف است و روی بسیاری از سطور خط کشیده شده و گاهی هم بی نقطه است  
(۱۲۴ برگ) - کاغذ رنگی - جلد مقوا  
اندازه ۱۲×۲۰ و ۷×۱۳ س ۱۹

[۲۰] حاشیه بر حاشیه بر شرح مطالع الانوار [عربی]

حاشیه ایست از قاضی زاده رومی موسی پسر قاضی ملامحمود دانشمند سده نهم بر حاشیه میرسید شریف گرگانی (م ۸۱۶) بر دیباچه شرح قطب الدین رازی (م ۷۷۶) بر مطالع الانوار سراج الدین محمود ارموی (م ۶۸۹)  
آغاز : قوله الفيض الوهاب مشير الى انه شبه اولاً موهبته

انجام : عما هو صا در عنه والفرق بين . هذا غاية التحقيق في هذا المقام ونهاية التدقيق في حل المرام والله الهادي الى سبيل الرشاد وملهم الصواب

## [۲۲]

- این نسخه شماره نهم دفتری است که چهارده رساله ازطوسی و حکیم محمد باقر و رازی پزشک و سلمی و کاشی و دیگران در آن آمده و این رساله بخط شکسته ریز در برگهای ۲۶ الف تا ۲۷ الف این دفتر نوشته شده است در پایان این رساله نوشته است : لقاضی زاده رومی حشره الله مع من تیولاه (همه دفتر ۹۹ برگ) - کاغذ نرمه سیاهانی - جلد تیماج ختائی ضربی یکدلا اندازه هر ۱۰×۱۹ و ۷×۱۴ هر ۱۵ س

## [۲۱] حاشیه بر شرح شمسیه [عربی]

- این حاشیه تنها مربوط با آغاز شرح قطب رازی بر شمسیه دیران قزوینی است و خرده گیرها که بر آن شده و پاسخها که داده اند فراهم آورده است تا با آسانی دریابند و نگارنده آن پیدا نشد که کیست
- آغاز : الحمد لله الملهم بالتحقیق والمعالم بالصدق ... فانی اردت اجمع ما ... علی شرح الشمسیه المنسوب الی القطبیه من الابزادات والاجوبه حتی یکون تسهیلا للاستحضار
- انجام : فلا بردشی من الاشکالات

## [۲۳]

- این نسخه شماره پنجم و در برگهای ۲۷ الف تا ۳۵ دفتری است که دارای شش رساله میباشد و نشانه های در دنبال (آداب مناظره) استرآبادی یاد گردید این رساله بخط نسخ است از محمد علی که روز سه شنبه ۱۰ ج ۲ سال ۱۳۰۱ آنرا نوشت

## [۲۲] حاشیه بر شرح فناری (عربی)

- این حاشیه از عبدالرحیم است که بر شرح فناری (محمد بن حمزه م ۸۳۴) نگاشته است، بر مبحث جهت و حدت نه بر همه آن.
- آغاز : بسم الله . حمد لمنه . هو واجب الوجود و مفیض الخیر و الوجود
- انجام : فی کل من التصور و التصدیق فتأمل والله اعلم بالصواب

[۲۴]

این نسخه در دفتری نوشته شده که دارای شش رساله است و نخستین علم قوافی ۹۴۳  
است از ابن جنی و دوم شرح ابیات الضوء و سوم این رساله و چهارم حاشیه  
بیتکاری و پنجم شرح ربع المجیب و ششم شرح اشکال التاسیس . این رساله  
در برگهای ۱۵ ب تا ۲۳ ب نوشته شده است خط دور رساله نخستین تعلیق و نسخ است  
که در ۱۱۲۰ اسمعیل بن علی بن عثمان در ارز روم آنها را نوشت و این رساله بخط  
تعلیق با عنوانهای شنکرف میباشد و چهارمی را همین نویسنده در مدرسه فیضیه  
ارز روم در تاریخ ۱۱۲۲ نوشت و پنجمی را در رمضان ۱۱۱۷ باز در همانجا و ششمی  
را نیز در همانجا بسال ۱۱۲۲ نوشته است و این رساله هم باید در همین تاریخها نوشته  
شده باشد ۱۰

(همه دفتر ۸۹ برگ) - کاغذ فرنگی - جلد مقوای کتاره آن تیماج

اندازه . ۱۶ × ۲۱ و ۱۶ × ۱۶ و ۱۵ × ۲۴ ط

[۲۳] حاشیه شرح مطالع (عربی)

این حاشیه از میر سید شریف گرگانی (م ۸۱۶) متکلم و ادیب و فیلسوف  
و عارف ایرانی است بر شرح قطب رازی بر مطالع الانوار قاضی سراج الدین محمود  
ارموی (۶۸۹م) و از آغاز کتاب است تا پایان فصل ششم در تعریف از باب دوم در  
کلی و جزئی از بخش نخستین در منطق و میر آنرا هنگامیکه نزد مبارکشاهه منطقی  
درس میخواند نوشته است این حاشیه در کنار شرح مطالع از ص ۱ تا ص ۷۱ در  
تهران چاپخانه آقا سید اسدالله بسال ۱۳۱۵ بچاپ رسید

آغاز : قال وحید زمانه تغمد الله بغفرانه: الحمد لله الفیاض ذوارف المعارف،  
الفیاض الوهاب من فاض الماء فیضا و فیضوۃ اذا کثر حتی سال عن جانب الوادی  
انجام : وهذا جار فی الذاتیات والعرضیات اذا کان افرادها محسوسة

لامعقولة

[۲۵]

این نسخه بخط تعلیق بی نقطه است و بنا بر عبارتی که در پایان نسخه دارد :  
(وقدم الکتاب فی ثانی عشر شهر رمضان سنة ۹۸۷ سبع وثمانین و تسعمائه) بسال  
۹۸۷ نوشته شده است . ۸۵۸

(همه دفتر ۱۰۵ برگ) - کاغذ ترمه سیاهانی - جلد تیماج سرخ ضری مقوالی فرسوده  
الدازه : ۱۲×۲۰ و ۸۵×۱۴ س ۱۷

[۲۴] الحدود (رسالة فی ۰۰۰) (فارسی)

- ارسطو در دفتر پنجم تا مانتا فوسیکا یا ماوراء الطبیعه که بنام دلنا یا دال میباشد
- ۴۱ مفهوم منطقی و فلسفی را تعریف کرد و آنها عبارت میباشند از : «مبدء - علت  
عنصر - طبیعت - ضرورت - واحد - وجود - گوهر - عین و غیره و مخالف و مشابه -  
مناقض و مضاد و مخالف در نوع - مقدم و مؤخر - قوه و سزاوار و عدم قوه و ناسزاوار -  
کمیت - کیفیت - مضاف - کامل - حد - از چه و برای چه و چرا - وضع - حالت  
انفعال - فقدان - داشتن - پیدایش - جزء - کل - ناقص - جنس - خطا - عرض»<sup>۱</sup>
- ۱۰ وی در این دفتر شالوده علم الهی را ریخته است و آن همانند دیباچه‌ای است برای  
این علم و در نگارشهای دیگر خود مانند دفترهای ششم و هفتم و نهم و دهم الهی و نیز  
کتاب طبیعی و کون و فساد بدان بازگشت داده است و دیوگنوس لائرسیوس از این  
دفتر یاد نمود بنام «معینهای گوناگون» و قفطی در تاریخ حکما شش کتاب در تجدید  
و حدود از ارسطو نام میبرد
- ۱۵ این رساله بیماری است که با ارسطو نسبت داده شد و در آن ۱۱۵ پرسش  
اسکندر از او کرده و پاسخ گرفت . ما نا این پرسش و پاسخها را از کتابهای ارسطو  
گرفته و یکجا گرد آورده از آندوتن استاد و شاگرد دانستند . این پرسشها از علم  
طبیعی و الهی است
- آغاز: بدانکه این چند فصل است اندر صد و پانزده مسئله که اسکندر از  
استاد خویش پرسیده . . . میگوید که پرسیدم از استاد خود که جوهر چیست گفت
- آنچه بذات خود قائم است
- انجام : گفتم : یکی را اندر عیان نشانی هست ؟ گفت ؛ دائره . گفتم : در  
او نشان هست ؟ گفت : نقطه و پرگار از دائره .

۱ - دیده شود الهی ارسطو ترجمه فرانسوی Tricot کتاب دلنا و نیز تفسیر

مابعد الطبیعه ابن رشد چاپ بیروت سال ۱۹۴۲ کتاب دال



[۲۶]

این نسخه شماره سوم دفتری است که دارای رساله (اضحویه) نیز هست و بخط  
تعلیق و بسال ۱۳۱۵ نوشته شده است و ۱۲ صفحه میباشد — این مجموعه  
با شماره ۴۳۴ یکجا تجلید گردید  
(همه دفتر ۴۶+۳۸ برگ) — کاغذ قرنگی — جلد توماج ساده تازه (زرز)  
اندازه : ۲۱۵×۱۶ و ۱۶×۱۲ س ۹

[۲۵]

الحدود (رسالة فی...)

[عربی]

شیخ رئیس پورسینا دانشمند بزرگوار ایرانی در مقاله چهارم فن برهان و  
مقاله پنجم فن جدل منطق و فصل ۷ تا ۹ مقاله پنجم الهی شفا از حد و تعریف گفتگو  
نمود و در کتاب نجات و ارجوزه منطق و اشارات و منطق مشرقی نیز از آن کاوش  
کرد مگر اینکه در شفا از ارسطو پیروی نموده گفته‌ها و پژوهیده‌های او را آورد  
ولی در نگارشهای دیگر شالوده‌ای ریخت که متأخران مبحث قول شارح را روی  
آن نهاده‌اند در این کتاب (حدود) از دشواری تعریف یاد کرد و علل آنرا بطوبیقا  
بازگشت داد و یکبار دیگر نیز در تعریف (حد) از طوبیقای ارسطو نام برده است و  
در دیباجه میگوید که یاران از من درخواستند که چیزهایی را که میخواهند بآنان  
بشناسانم و برای آنها تعریف کنم چون میدانستم که این کار دشوار است و لغزش پذیر  
سرباز زدم آنها نپذیرفتند و این کمک را از من خواستند که من لغزشگاه تحدید  
را برای آنان آشکار بدارم. شیخ پس از دیباجه که درباره دشواری و لغزش تعریف  
آورد ۷۲ اصطلاح فلسفی و منطقی را آورده و تعریف کرد<sup>۱</sup>

این رساله در (تسع رسائل) در مصر بسال ۱۹۰۸ (۱۳۲۶) بچاپ رسید و آ.م. گواشن  
A.M. Goichon خاورشناس فرانسوی آنرا بفرانسه ترجمه کرده و در پاریس بسال  
۱۹۳۳ بچاپ رسید

۱- درباره تعریف نزد پورسینا گواشن گفتاری دارد که در مجله قاهره  
La Revue du Caire شماره ۱۴۱۰ جلد ۲۷ سال ۱۹۵۱ ص ۹۴-۱۰۶ بچاپ رسیده است

[۲۷]

این نسخه شماره ۱۰۰۶ دفتری است که شرح خبر (العلم نقطه کثرها الجاهلون) از خواجه طوسی نیز در آن هست و در برگ ۱۲ تا برگ ۱۲ الف نوشته شده و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف میباشد و تاریخ آن ۲۵ ج ۱

سال ۱۰۰۶ میباشد

(۲۸ برگ) - کاغذ ترمه سمرقندی - جلد تیماج مشگی

اندازه: ۱۴×۱۷ و ۱۴×۱۸ س

[۲۸]

این نسخه در دفتری است که دارای ۱۴ رساله و گفتار میباشد یکی مسائل مدنیات که مهنابن سنان بن عبدالوهاب حسینی از علامه حلی پرسیده و پاسخ گرفته است و بخط سیدحیدر عارف آملی مورخ ۱۰ ع ۲ سال ۷۶۱ میباشد و فخرالمحققین پسر علامه چندجا بخط خود تصدیق کرده است و اجازه ای که علامه حلی بهنا داده درباره روایت کتابهای خود و ۵۴ کتاب خود را در آن برحسب تقسیم موضوعی آورده است بخط سید حیدر آملی مورخ ۱ ذی قعدة ۷۶۲ در آن دیده میشود و آملی خود را چنین نام میبرد: حیدر بن علی بن حیدر علوی حسینی آملی. این اجازه در جلد ۲۵ بحار مجلسی ص ۵۲ بچاپ رسید

۲ - پرسش سید حیدر آملی از فخرالمحققین در حله سیفیه بتاریخ پایان رجب ۷۵۹ در مسائل کلامی و فقهی. پرسش بخط آملی و پاسخها بخط فخرالمحققین است

۳ - رساله حج متمتع فخرالمحققین بخط سیدحیدر که در حله در مدرسه صاحب الزمان نوشت

۴ - اجازه فخرالمحققین بآملی در پایان ربیع ۱ سال ۷۶۱ که بخط فخرالمحققین است و صحت انتساب (مسائل مدنیات) را در آن تصدیق نموده است (برگ ۶ الف) ۵ - معراج السلامه و منهاج الکرامه جمال الدین علی بن سلیمان بحرانی که در فلسفه خواهد آمد

۶ - التنبیه علی بعض الاسرار المودعة فی بعض سور القرآن از فخر رازی (۵۵۴ - ۲۵۶۰) که در ص ۶۷-۷۰ بخش ۱ این فهرست یاد گردید

۷ - رازی در فصل ۳ (معاد) این رباعی را از خیام میآورد: (دارنده چو ترکیب چنین خوب آراست - باز از چه سبب فکندش اندر کم و کاست - گر خوب نیامد این بنا عیب کراست - و رخوب آمد خرابی از بهر چراست) و میگوید بیشتر خردمندان چنین خرد کرده گیر را میکنند و جز دینداران نتوانند آنرا پاسخ گویند. در همین جا (برگ ۱۰۱) ۳۰

دره‌امش این رباعی خیام دیده میشود: «ترکیب پیاله کی درمی پیوست - بشکستن این روا نمیدارد مست - چندین سروپای نازنین و برو دست - از بهر کی پیوست و ز بهر کی شکست»

۵ این یادآوری که يك متكلم ومفسر از يك فرزانه روشن اندیش آزاد میکند بسیار گرانبهاست و پس از کتابهای الزاجر للصغار عن معارضة الکبار دانشمند خوارزم زمخشری (۴۶۵-۵۳۸) و تتمه صوان الحکمه بیهقی (۵۶۵م) که پس از ۵۴۸ نگاشته شده و چهارمقاله نظامی عروضی که میان ۵۵۰ و ۵۵۱ نوشته شده باید آنرا یکی از سندهای سرگذشت خیام شمرد و پس از همه اینها است که نجم الدین دایه رازی (م ۶۴۵) در مرصاد العباد (نوشته ۶۲۰) همان رباعی که امام فخرالدین رازی آورده است نقل نمود ۱۰ و پیداست که این رباعی بسیار مشهور شده و اثر انتقادی آن شدید بوده است

۷ - عیون الحکمه فخر رازی که خواهد آمد

۸ - پرسش و پاسخ گیلی و طوسی

۹ - رساله عقیده طوسی

۱۰ - پرسش و پاسخ بحرانی و طوسی

۱۱ - پرسش و پاسخ قونوی و طوسی

۱۲ - قضاء و قدر حسن بصری

۱۳ - الرحمة فی اختلاف الامة گرگانی

۲۰ همه این رساله‌ها بخط آملی است و بنسخ ریز با عنوانهای شگرف جز رساله حدود پورسینا که ما نا بخط دیگری است و بنسخ درشت تر و روشن تر مگر اینکه در فهرست آغاز مجموعه بخط همین آملی نام (اصطلاحات الحکماء) ابوعلی برده شده است. در چند جا نوشته شده که آملی مقابله نموده است این مجموعه در ۱۲۹۴ از آن کسایم حسینی عاملی بوده است و در ۱۳۶۶ واقف محترم کتابخانه آنرا که از کتابهای آقا ضیاء الدین نوری بوده است خرید

۲۵ رساله حدود در برگ ۱۸۸ الف تا برگ ۱۹۵ ب این دفتر است و آغاز و انجام را ندارد و آنچه هست برابر است با س ۷ ص ۷۵ تا س ۵ ص ۱۰۸ نسخه چاپ مصر نشانه نسخه در بخش ۱ این فهرست یاد گردید

[۲۹]

این نسخه شماره ۴۳ دفتری است که دارای ۵۱ رساله است و از ص ۳۸۶ تا ص ۳۸۶ تا ص ۳۹۳ میباشد و بخط تعلیق درشت و گویا همان شهاب الدین حسینی که در دیه فیض آباد خبیص در پنجشنبه ۱۷ شعبان ۱۱۰۴ رساله شماره ۴۱

۱۰۵۳

(رساله عرفانی جامی) را نوشته همین را نوشته باشد و خط ایندویکی است و این مجموعه بخط او و محمد ناصرالدین می باشد و از ۱۰۹۷ تا ۱۱۰۹ گرد آورده شده است در بخش ۱ این فهرست نشانه های آن یاد گردید

[۳۰]

- این نسخه شماره ۲۵ دفتر است که دارای ۳۵ رساله می باشد و رساله ۳۴ ۱۰۷۹ (اثبات واجب) بخط تعلیق است از مراد تفرشی که در ۱۰۴۷ برای مولی محمد صالح کرامی نوشته است و این نسخه نیز بخط تعلیق و از ص ۱۴۵ تا ص ۱۶۰ می باشد

(همه دفتر ۲۸۲) - کاغذ سپاهانی زرد - جلد قیماج سرخ ضربی مقوایی  
اندازه : ۳۶×۱۵ و ۱۶×۹ س ۲۳

[۲۶] الحدود (رساله فی ۱۰۰۰) (عربی)

نگارنده این رساله پنج کلی و ده مقوله را تعریف میکند و شاید این رساله از همان کسی باشد که رساله (اصطلاحات جدل و خلاف) را نگاشته است و پیش از این یاد گردید

- آغاز: فائدة: العلم حصول صورة الشئ فی الذهن  
انجام: ان یفعل هو کون الشئ متائرا عن غیره... فهذه المقولات شاملة  
لجميع الموجودات الخمسة

[۳۱]

این نسخه رساله ۵۵ دفتری است که دارای شش رساله می باشد و در دنبال رساله (اصطلاحات جدل و خلاف) نشانه های آن گفته شده است این نسخه از برك ۱۵۵ ب تا ۱۵۶ ب می باشد و بخط تعلیق ریز است.

[۲۷] حیرة الفضلاء فی حل شبهة جذر الاصل (عربی)

ارسطو در فصل ۹ کتاب عبارت ارغنون در مبحث تناقض قضایاء ممکن استقبالی و در فصل ۳ دفتر ۱۱ الهی در مبحث امکان و استعداد با گروه دیگران مانند ۲۵



ابولیدس و دیودوروس کسرونوس و فیلون مخالفت نموده است و این ابولیدس در زمان افلاطون و ارسطومیز بسته و همان آنها پیوسته جنگ و ستیز بوده و گاهی کار بدشنام میکشیده و فیلون دیالکتیکی شاگرد او بوده است و فیلون هم از بزرگان جدلیان گروه مگارا بشمار میآید و چند مغالطه از اینها بیادگار مانده است مانند: (پوشیده شاخدار - نهفته - کچل - ارزن - پیدایش - دروغگو) مغالطه اخیر چنین است: کسی دروغ میگوید و سپس میگوید دروغ میگویم آیا راست گفته است یا دروغ چنانکه ایمنیدس کریتسی گفته است: همه مردم کریتس دروغگویند آیا خود راست گفته یا دروغ؟

این مغالطه بدانشمندان خاوری رسید و بدان شبهه جذراصم نام دادند و کتابها در حل آن نوشتند چنانکه فضل الدین محمد ترکه در طوس برای شاگردان خود رساله بنام انموذج العلوم در حل مسائل دشوار نوشته و در آن از این شبهه که بشکل (کل کلامی کاذب) در آمده پاسخ گفته و فهرست نگار آنرا دیده است و صدرالدین دشتکی و دوانی هر دو رساله در رد یکدیگر در باره گشودن این مشکل نوشته اند و در آستانه طوس بشماره ۲۱۸ و ۷۱۹ (ج ۴ ص ۳۷۹ و ص ۳۸۰ فهرست آنجا) هست و سید اماماد در الافق المبین نیز بحل آن پرداخت و در الذریعه بنام بسیاری از رساله ها که در این باره نوشته شده برمیخوریم

محقق خقری شمس الدین محمد بن احمد شاگرد صدرالدین محمد دشتکی شیرازی و زنده در ۹۳۲ که از فیلسوفان و متکلمان بوده است دورساله در این باره دارد یکی عبرة الفضلا که خواهد آمد و دیگری حیرة الفضلاء یا حل مالاینحل که در دومقصد است در یکی راه حل هایی که آورده اند یاد کرده و از آنها خرده گیری نمود و در دومی که نیم این رساله است حلی که خود کرده است آورده وی از تفنّزانی و سید المدققین و صاحب قسطاس و کاتبی یاد میکند و تاریخیچه حل این مسئله از این رساله بخوبی بدست میآید

آغاز: بسم الله الحمد لله رب العالمین . . . فیه قول الفقیه . . . محمد الخقری هذه رساله فی بیان حل المغالطه المشهوره التي اعیت علماء الامصار

انجام: ولا یخفی علیک الاجراء فی باقی التقریرات فلنختم الی رساله المسماة بحیوة الفضلاء بالحمد والصلوة فالحمد لله علی افضاله والصلوة علی محمد واله

[ ۳۲ ]

- این نسخه دردفتری است که دارای ۳ رساله است: انموذج العلوم دوانی  
 ۵ دوم همین رساله که از ص ۸۶ است تا ص ۱۱۳ و بخط تعلیق باعنوانهای  
 شنکرف و سومی تلخیص المفتاح جمشید کاشی است همه این رساله هاییک  
 خط و نخستین در تاریخ ۱۰۲۱ در سپاهان نوشته شده و سومی در روز سه شنبه ۲۸ ج ۱  
 سال ۱۰۲۱ نوشته شده است  
 برگ ۸۶ = ( همه دفتر ۱۶۸ ص ) کاغذ ترمه سمرقندی - جلد مقوای موهب  
 ۱۰ اندازه: ۹×۱۶ و ۴×۱۲ س ۱۶

[ ۲۸ ] رساله بعض الافاضل الی علماء مدینة السلام (عربی)

- درفهرست نگارشهای شیخ رئیس که ابن ابی اصیبعه در عیون الابناء فی طبقات  
 الاطباء آورده است درج ۲ ص ۲۰ س ۴-۶ دو رساله از شیخ بدین دو نام :  
 « رساله الی علماء بغداد یسألهم الانصاف بینة و بین رجل همدانی یدعی الحکمة »  
 و « رساله الی صدیق یسألهم الانصاف بینة و بین الهمدانی الذی یدعی الحکمة » آمده  
 ۱۵ است و در نامه دانشوران ج ۱ ص ۸-۸۲ در سر گذشت شیخ رئیس این رساله یاد گردید:  
 « جواب مسائل علماء بغداد که سؤال کرده بودند از کسی که در همدان مدعی  
 حکمت بود » پس پیدا شد که پورسینا چنین نگارشی دارد گرچه در نسخه این  
 کتابخانه این رساله چنین نامیده شده : « رساله بعض الافاضل الی علماء مدینة السلام  
 فی مقولات الشیخ » و گویا شیخ نخواسته است نشان دهد که این نگارش از اوست  
 ۲۰ و از خود بنام (مردی از بخارا) در دیباچه یاد کرده است و در نامه دانشوران مینویسد  
 که این رساله را شیخ در سپاهان نوشت . رساله دیگری هم در تاریخ حکماء قفطی  
 (ص ۲۷۲) و بیهقی (ص ۱۸۸) و ابن ابی اصیبعه (ج ۲ ص ۱۹ س ۳۰) از شیخ دانسته شده  
 بدین نام : « رساله فی ان نلیم زید غیر عام عمر » و در این نسخه ها هم این عبارت آمده  
 ۲۵ است : « انسانیة کانت فی خیال زید و اخری کانت فی خیال عمر » ولی بسیار دور است

که ایندو رساله یکی باشند زیرا مسئله علم خود در فلسفه و کلام طرح میشده و بر سر آن گفتگوها بوده است گرچه دو مبحث وجود و علم در مورد کلی طبیعی بایکدیگر بستگی دارند

باری در دیباچه این رساله میگوید: « درود بر خواجگان دانشمند بغداد بدانید که مردی بخاری دانش را دوست داشته و آنچه میتواند در اندوختن آن کوشید تا اینکه گذارش باین شهرها افتاد و به پیروان شما برخورد و آنان و برادران از دانشمندان بشمار آوردند و او از آنها چیزهایی می شنید که بگفته های استادانش مانند بود تا اینکه بشهر همدان رسید خواهی بزرگوار و نیکمرد و فرزانه و دانای همه دانشهای فلسفی و دینی در آنجا بدید که دانسته های وی با دانش پیشینان همانند نبود و میگفت که آنرا از شما فرا گرفته است و من گفتار او و سخن خودم را در خرده گیرها که از او کرده ام برای شما فرستادم وی میگوید که در جهان هستی يك (مردمی) جدا گانه ای هست که گاهی بیخست این و گاهی بساخت آن در می آید و خود بخود پایدار است و تنها ریخته ها و ساخته های آن دیگرگون میگردد ».

میدانیم که در این دفتر سخن از وجود کلی طبیعی می رود و خواهی همدانی مانا برای افلاطون رفته است و شیخ که مشائی پیرو ارسطو است میخواهد آنرا نپذیرد و همدانی را نزد بغدادیان شرمنده سازد. اکنون بپیم که خواهی همدانی کیست؟ میدانیم که شیخ در فصل ۱۲ مقاله ۱ فن ۱ منطق و فصل ۱ مقاله ۵ الهی شفا از بود کلی گفتگو کرده و در الهی شفا این شبهه و شک را بدسته از فیلسوف منشان بسته است و از آنها چنین تعبیر نمود: « طائفة ممن بتشحط فی التفلسف و لی کسی را نام نبرد مگر اینکه دانشمند احمد بن زین العابدین عاملی شاگرد و داماد میر داماد (م میان ۱۰۵۴ و ۱۰۶۰) در حاشیه خود بر شفا در همین جا میگوید: « وفيه کنایة الی ابی القاسم الکرمانی ». از سرگذشت کرمانی جز آنچه که در قفطی و ابن ابی اصیبعه آمده است ابن راهم در بیهقی ص ۳۲ مینگریم که مردی دانشمند بوده و میان او و شیخ رئیس گفتگوئی شده و کار بستیزه و دشنام کشید و شیخ او را گفت که بمنطق کم می بردازی و او بشیخ گفت



توهم قریب میخوری و هم فریب میدهی و این گفتگو را شیخ بوزیر امین ابی سعد همدانی نوشته است و روزی کرمانی بشیخ گفته است که حق روشن است و انصاف از میان نرفت چرا سخنان دیگران را خوار میداری. تا گفته‌های خود را ثابت سازی.

- ۵ باز درمباحثات شیخ می بینیم که یکی از پرسندگان همین کرمانی است و باز می بینیم ده پرسش است که همین کرمانی از شیخ کرده و پاسخ گرفت و در مجموعه آثار کیوان قزوینی در تهران بسال ۱۳۰۸ خورشیدی ص ۱۶۲-۱۷۱ بچاپ رسید. نیز میدانیم که خرده گیرها که دانشمندان شیراز از «المختصر الاصح فی المنطق» یا منطق نجات کرده اند نزد کرمانی فرستاده اند تا بشیخ برساند و پاسخ گیرد و در اینجا ابن ابی اصیبعه از گفته ابو عبید می نویسد که وی یار ابراهیم بن بابای دیلمی بوده و ۱۰ بعلم تناظر (یا بگفته قفطی. علم باطن) می پرداخت پس چنین بدست آمد که کرمانی با شیخ گفتگوها داشت و خرده گیرها از وی میکرد و اگر سخن عاملی درست باشد همو است که این رای را داشته و سخنان او در نزد شیخ شگفت انگیز می آمد و شیخ دانشمندان بغداد را از گفته‌های وی که با آراء دانشمندان ناسازگار بوده است آگاه ساخت

- ۱۵ آیا میشود که این مرد شیخ ابوالفرج باشد؟ فهرست نگاران و سرگذشت نویسان از دو دانشمند یاد میکنند که در روزگار شیخ رئیس میزیستند و بنام ابوالفرج بوده اند یکی ابوالفرج بن ابی سعید یمامی که نزد شیخ می آمد و از گفته‌های وی بهره مند میشد و شیخ پرسشهای وی پاسخ میگفت و از پرسشها و پاسخهای این دو بنام (تعلیقات) یاد کرده اند و این ابوالفرج فرزند ابی سعید فضل پسر عیسی یمامی پزشکی دانشمند و فیلسوف بوده و میان او و شیخ رئیس پزشکی و جز آن گفتگوها شده است. درباره او کسی نگفت که چنین رای را داشت. دیگر ابوالفرج عبدالله بن الطیب ترسای بغدادی (م ۴۳۵) که با شیخ گفتگوها داشت و او را آزارها کرد. وی در ۴۰۶ پزشک بیمارستان عضدی بوده و از وی پزشکی می آموختند و بر کتب ارسطو شرحها نوشت



- ابوالفرج گفتاری درباره نیروهای طبیعی دارد که شیخ رئیس در برابر آن رساله بنام (ابطال حجج رساله ابی الفرج بن الطیب) نوشته و درباره او گفته است، «انه قد كان يقع علينا كتب يعملها أبو الفرج بن الطيب إدام الله عزه في الطب و نجدها صحيحة مرضية خلاف تصانيفه التي في المنطق والطبيعيات وما يجري معها». شیخ پزشکی او را می پسندد ولی از نگارشهای منطقی و طبیعی او نکوهش میکند. باز شیخ درباره نگارشهای او در (مباحث) میگوید که سزاوارست آنها را بفروشنده آنها برگرداند.<sup>۱</sup> رساله اقوای طبیعی ابوالفرج و رد شیخ هردو در همین کتابخانه در دفتر شماره ۱۰۷۴ هست. ابوالفرج رساله در عقل دارد که در دفتر شماره ۲۵۳ این کتابخانه هست و این عبارت در آن دیده میشود: «فاذا وصلت اليه (العقل الحواس صور الاشخاص من خارج بتوسط القوة المتخيلة يسمي عقلا بالفعل منطبع بالاشخاص فاذا فصل العقل تلك الصور واستخرج الكلّي فيها تسمى قوة مميزة» و پیداست که وی درست رای مشائیان دارد و کلی را گرفته از صورتهای محسوس میداند نه موجود جداگانه در خارج، پس نمیتوان گفت که شیخ در این نامه ابوالفرج بن الطیب را میخواهد رد کند.
- این نکته را نیز باید گفت که شیخ در این نامه که بدانشمندان بغداد نوشت نمیکوید که آن دانشمند همدانی بوده و همین اندازه میگوید که او را در همدان دیده است پس از این رهگذر اشکالی نیست که آن دانشمند کرمانی یا بغدادی باشد ولی باید جستجوی بیشتری کرد دید که چه کسی در آن روزگار چنین رای شگفت انگیز را داشته بود. گرچه عاملی در اینکه او را ابوالقاسم کرمانی دانست سندی نشان نداد ولی تا مدرك دیگری بدست نیاید سخن او ارزشی خواهد داشت.
- ۲۰ اکنون باید دید که جنگ و ستیز ایندو بر سر چیست؟ از این رساله پیداست که همه گفته‌گوهای شیخ و مرد همدانی درباره بود کلی طبیعی بر روی این نکته است که

۱- دیده شود بیهقی ص ۲۷-۲۸-۱۸۹ و ابن ابی اصیبه ج ۱ ص ۲۳۹-۲۴۰ و ج ۲ ص ۲۰ و شهر زوری در تاریخ حکما نسخه شماره ۸۵۶ این کتابخانه برك ۱۲۸ الف و ترجمه آن بشماره ۴۲۷ برك ۱۷۲ الف و قنواتی شماره ۱۴۵ و طریحی ص ۱۰۷ و ۱۱۶ و غنی ص ۸۳

آیا میشود يك چیز در چند جا باشد و بچند گونه در آید شیخ میگوید چنین چیزی نمیشود و پس از شیخ هم حاشیه نگاران و شارحان و دانشمندان دودسته شدند برخی مانند محقق خوانساری در حاشیه الهی شفا در همین مسئله میگوید: «آنچه را که بتوان شمرد و یکی دانست در چند جا نخواهد بود و بچند گونه در نخواهد آمد ولی چیزی که مانند (مردمی) شمردنی نباشد و در معنی یکی باشد میتواند در چند فرد پیدا شود» باز میگوید: «شیخ نتوانست اشکال را پاسخ گوید و گره مطلب را بگشاید وی نتوانست درباره کلی طبیعی بررسی کند و سخنانش پیوستگی ندارد و خود در شك است» و پیرزاده محمد رفیع شاگرد مولانا رجبعلی در (المعارف - الالهیه) میگوید: «کلی در جزئیات هست و طبیعت متکثر میتواند در چند جای باشد و چندین صفت ناسازگار پذیرد»

دانشمند ابوالحسن تنکابنی در (البضاعة المزجیه) گوید: «کلی موجود واحد نوعی است و میتواند در چند جا باشد و چند صفت پذیرد».

دسته دوم کسانی هستند که کلی را موجود خارجی نمیدانند و روا نمیدارند که یک چیز در دو جا باشد یا دو صفت ناسازگار پذیرد و از آنها است ابن رشد اندلسی که در کتاب (مابعدالطبیعه) چاپ دکن سال ۱۳۶۵ ص ۵۵-۶۰ و در (تفسیر مابعدالطبیعه) چاپ بیروت سال ۱۹۴۲ جلد ۲ ص ۹۷۶-۹۸۲ در این باره گفتگو نمود.

باز محقق سبزواری و دیگرانند که بود يك چیز را در چند جا و در آمدن آن بچند صفت را محال میدانند. خود شیخ در دانشنامه چنین میگوید: «تا قومی پنداشته اند که یکی نفس است، که وی بعینه اندر زید و اندر عمرو است... و اما شاید که بیرون نفس و وهم و اندیشه یکی مردمی بعینه بود یا یکی سیاهی بعینه، و وی اندر هر چیزی از مردمان و از سیاهان موجود بود»

باز در نجات ابن عبارت دیده میشود: «انسانیه فی الوجود وهی بعینهم مجموعه علی کل واحد.... فها غیر موجود....»

بهمنیار آذربایگانی در تحصیل میگوید: «کلی در ذهن است و پس و گرنه

می باید يك فرد هم دانا وهم نادان باشد».

سبزواری در حاشیه الهی شفا به پیروی از شیخ ابن امر را محال میدان و سخنان خوانساری را رد میکند و در چند جا باین نامه شیخ و مخالف او اشاره میکند و میگوید «ومذهب الشیخ انه لیست انسانیة واحدة موجودة يعرض له خصوصیات - الاشخاص ویزول مع بقائها بحالها کما هو رای بعض معاصریه وقد ذکر ذلك فی مواضع وفصله فی رسالة انفدها الی دار السلام» - «هذا رد علی من زعم ان انسانیة زید و انسانیة عمرو معنی واحد ... کما هو رای جماعة کبعض معاصریه و غیرهم» - «و نقل الشیخ عن بعض معاصریه ان فی الوجود انسانیة واحدة ...» در این جا اندکی از عبارت همین نامه را می آورد و پیدا است که سبزواری نامه شیخ را درست داشت ولی هیچ نمیگوید که آن مرد کیست ۱۰

در رساله (وجود واجب) شماره ۸۴۹ همین کتابخانه (برگ ۶-۷) عبارتی از خواجه طوسی دیده میشود که در پاسخ قونوی گفته است و در پرسش و پاسخ آندو که در همین کتابخانه هست (شماره ۱۰۲۲ برگ ۱۶۶ الف، پاسخ و پرسش ۳) آنرا می بینیم و خلاصه آن اینست: «معین بر چند تا گفته نمیشود زیرا اگر درهمه باشد پس یکی نیست بلکه چند تا است ... بلکه اشتراك کلی بحمل است و آنهم عقلی است» باز در همانجا از شرح مفتاح الغیب شمس الدین فناری سخنی می آورد که خواجه را رد میکند و میگوید: «يك چیز میتواند چند صفت پذیرد. کلی را با جزئی و دیده را با نادیده نباید سنجید و حقیقتهای همانند می توانند یک هستی داشته باشند» مانند این عبارت در شرح مفتاح الغیب چاپ تهران سال ۱۳۲۳ ص ۱۸۴ دیده میشود ۲۰

فیلسوف شیرازی در حاشیه شفا چنین می نگارد: «گماز عمه بعض معاصریه ان المہیة من حیث هی واحدة فی الخارج قد عرض لها جمیع الشخصات الخارجیة ... حتی انسانیة زید بعینها انسانیة عمرو» باز از پیشینیان ابوالعباس، اوکری فیلسوف خراسان در بیان الحق بضمن الصدق همان گفته های شیخ و بهمنیار را می آورد و پذیرفتن يك چیز چندین عرض را محال میدانند از دانشمندان اخیر فرزانه سبزواری است که ۲۵



که در منطق شرح منظومه چنین می نویسد :

« وقد صادف الشيخ في مدينة همدان رجلا من العلماء كبير السن غريز المحاسن  
يقول ان الطبيعي موجود بوجود واحد عددي في ضمن افراده »<sup>۱</sup>

- نگارنده (المثل العقلية الافلاطونية) که پس از مرگ عبدالرزاق کاشی م ۷۳۶ و گویا پیش از ۷۴۰ نگارش یافته باشد در راه سوم برای اثبات مثل گفتار ابن سینارا در مقاله ۵ فصل الهی شفا (ص ۷ - ۴۸۶) می آورد و در برابر گفته او، « قد وقع منه الشبهة في زماننا هذا الطائفة ممن يتشحط في التفلسف » چنین میگوید: « وهذا الوجه لبعض معاصري الشيخ اورد على سبيل القدح في الحكمة لاعلى انه مثبت لوجود المثل وهو دال على وجودها » میگوید که این مرد از طرفداران مثل افلاطونی نیست ولی سخن او آنرا ثابت میکند. گویا نگارنده این کتاب نامه شیخ را ندیده و همین اندازه است که وی در دلیل دوم برای نبودن مثل بمنای سخنان شیخ و مرد همدانی اشاره میکند و میگوید: « ان الشئ الواحد وحدة عقلية يجوز ان يكون موصوفا بالصفات المتقابلة معا »<sup>۲</sup>

- از آنچه تا کنون گفته شد آشکار میگردد که این نامه چنانکه محقق سبزواری و حکیم سبزواری نشان داده اند از بورسیناست و او هم بسیار بدین مطلب ارجح می نهاد چنانکه در فصل ۱ مقاله ۵ و فصل ۲ مقاله ۷ الهی شفا بدان پرداخته است و میرساند که سخن مرد همدانی در گروهی اثر کرده بود و شیخ میخواست بطلان آن را هویدا سازد

۱ - دیده شود الهی شفا چاپ تهران مقاله ۵ فصل ۱ ص ۷-۴۸۶ و نجات الهی مقاله ۱ فصل تحقیق کلی و تحصیل بهمینار کتاب ۲ مقاله ۳ فصل کلی و جزئی و بیان الحق لو کری شماره ۲۵۰ این کتابخانه برك ۱۸۶ تا ۱۸۸ (فصل ۲۵ مابعد الطبیعه) و دانشنامه علامی آغاز علم برین دانستن کلی و جزئی و حاشیه شیرازی چاپ تهران ض ۱۸۸ حاشیه خوانساری شماره ۲۶۴ برك ۱۲۴ ب ۱۱۸ و ۱۱۹ و حاشیه سبزواری شماره ۲۴۳ بر گهای ۱۱۳ تا ۱۲۴ و شرح منظومه چاپ تهران ۱۲۹۸ ص ۲۲ و المعارف الالهیه شماره ۲۹۰ برك ۹۶-۱۰۲ و شرح و ترجمه فارسی سپاهانی بر شفا مقاله ۵ فصل ۱ شماره ۲۵۱ برك ۱۸۲ ب از این کتابخانه

۱ - دیده شود : المثل العقلية الافلاطونية چاپ بدوی در مصر بسال ۱۹۴۷ ص ۴۳





همیباشد و پس از این فصلها يك خاتمه دارد در ردسه شبهه آنگاه يك وصیت است و رساله بیایان میرسد و این رساله درهامش شرح مطالع رازی درایران در چاپخانه سیداسدالله بوسیله محمدرحیم بن حاج محمدباقر خوانساری در ۱۳۱۵ به چاپ رسید و آغاز و انجام چاپی و نسخه خطی ما نزدیک بهم است و در نسخه ما عنوان فصل ندارد و تنها همان (القاعده الاولى ... والثانیه ...) آورده شده است

۵

## [۳۴]

این نسخه بخط نسخ از همان عبدالواحد سیواسی نویسنده نسخه محاکمات ۲۷۷ قطب رازی است و محاکمات شماره یکم و این رساله شماره دوم این مجموعه می باشد و از برك ۲۲۶ الفنا برك ۲۲۸ ب است و برك آخرین آن از بالاولی شده و چندسطری خوانده نمیشود و محمد بن سیدالدین اسنوی دمشقی در پایان مینویسد که این رساله استاد (ادام الله ایامه) را هم در پایان ع ۲ سال ۷۶۴ مقابل نمودم

نشانهای نسخه در زیر عنوان محاکمات خواهد آمد

## [۳۵]

این نسخه شماره دوم دفتری است که شرح منازل السائرین نیز در آن هست و از برك ۴۲ تا برك ۴۶ ب این دفتر که بخط تعلیق ریز در مدرسه سلطانیه سمرقند در پنجشنبه ۲۰ شوال ۸۱۳ نوشته شده است (۳۴ برك) - کاغذ قرمزه سمرقندی جلد قیماج زرد مقوایی

اندازه ۱۷×۱۳ و ۱۳×۱۳ س ۲۱

## [۳۰] رساله فی حل شبهة جذر الاصل (عربی)

پیش از این در شرح (حیرة الفضلاء) خفری گفته ایم که شبهه هایی در میان دانشمندان مگارا رواج داشته و ارسطو بگشودن برخی از آنها پرداخته است. در کتاب مغالطه ارغنون و در فن مغالطه شفا که گزیده از آن است پاسخ برخی از آنها و نیز شبهه های پارمنیدس و زنون و پروتاگوراس را می نگریم فارابی در (اوسط) و بوئره در (مغالطه) بسیاری از اینها را آورده و گره گشایی کرد. درباره شبهه (دروغگو) ۲۵ که از مگارا آمده است فارابی در شرح فن قیاس ارغنون ارسطو از این شبهه یاد

می‌کند و بدین عبارت آنرا می‌آورد : (کل مانکلم به فهو باطل)<sup>۱</sup>

این رساله نیز در گشودن این شبهه است و از محمد سراب پسر عبدالفتاح تنکابنی است . وی از فیلسوفان بوده و در سالهای ۱۰۸۸ و ۱۱۰۶ میزیسته و این رساله را در میانه ماه جمادی یکم سال ۱۰۹۷ نوشته است . وی در این رساله از نقد التنزیل خواجه طوسی می‌آورد که در آنجا گفته :

در این قضیه (کل کلامی کاذب . هر چه می‌گویم دروغ است) خبر با مغیر عنه دوتا نیستند تا احتمال راست و دروغ در آن برود . باز مینویسد که ابن کمونه در اینجا گفته است که : احتمال حکم بر راست یا دروغ بودن با این ناسازگار نیست که قضیه خود بخود نه راست باشد نه دروغ و خود تنکابنی در گشودن این شبهه چنین می‌گوید که خبرهای متداول یا راست است یا دروغ و این قضیه و خبر استثنائی است

آغاز: الحمد لله رب العالمین . شبهة مشهودة بشبهة جذرالاصم تقریرها ان يقال اجتماع النقيضين واقع  
انجام . قد عرفت ما فيه من ان مانع الاتصاف مانع الامكان ايضا هذاما تيسر  
للمعبد ... محمد بن عبدالفتاح التنکابنی فی حل هذه الشبهة حرره فی اواسط شهر جمادی  
الاولی من شهرة سنة ۱۰۶۷ سبع وتسعين بعد الالف من حجرة خير البرية علی هاجرها  
الف الف السلام والتحية

[۳۶]

این نسخه شماره ششم دفتری است که دارای ۹ رساله است : اسطرلاب طوسی  
و آملی و هفت رساله از همین تنکابنی در فقه و اصول و طبعی و الهی و منطق .  
این رساله از برگ ۹۶ ب تا ۹۹ الف می‌باشد و محمد بن حبیب گیلانی در ۱  
ذی حجه ۱۱۰۵ در روز گار تنکابنی بخط تعلیق نوشته است و حاشیه (مذه مدظله العالی) دارد .  
(همه دفتر ۱۸۷ برگ) کاغذ فرنگی . جلد نیمه سرخ ضری لا  
اندازه : ۲۴×۱۴ و ۲۵×۱۴ . س ۱۸ تا ۲۰ سط

۲۵

۱- دیده شود! نسخه شماره ۹۴۹ کتابخانه مجلس شورای ملی در تهران (بخشیده آقای طباطبائی) که شرح فن عبارت (برگ تا برگ ۱۷۲) و شرح قیاس (برگ ۱۷۳ تا برگ ۳۲۲) در آن هست و این شبهه در برگ ۲۴۶ آن آمده است



[۳۱]

و رساله وضعیه

(عربی)

- مسئله وضع الفاظ از روزگار باستان تا کنون مایه گفتگو و گیرو دار فیلسوفان و ادیبان می باشد. نخستین بارد مکریتس یونانی گفته که لفظها را مردم وضع میکنند و شاگردش هرموگنس وضع الفاظ را اختیاری دانست ولی کراتولس وضع آنها را ذاتی و توقیفی پنداشت. افلاطون کتابی در مسئله الفاظ بنام کراتولس نوشته و در آن رأی آندو را نپذیرفت و ارسطو هم بوضع بشری قائل شده و در آغاز عبارت از آن یاد نمود و پیروان او نیز بدین رای بوده اند. این مسئله میان همه دانشمندان یونانی و اروپائی گفتگو میشده تلایکه امروزه در روانشناسی جائی برای خود باز نمود و کتابها در آن نوشته شد. دانشمندان خاوری از فیلسوفان و ادیبان و اصولبان این بحث را از کتابهای افلاطون و ارسطو گرفته اند و برخی پیروی از شاگردان هراکلیتوس که میگفته اند خدایان لفظها را بمردم داده اند وضع الفاظ را خدائی دانستند و دسته وضع را ذاتی پنداشته اند و بیشتر آنها وضع تخصیصی یا تخصیصی گفته اند و سیوطی در (المزهر) از وضع حکائی Onomatapé نیز یاد نمود که امروزه زبان شناسان اروپا میگویند و بنابر آن الفاظ مردم در آغاز گرفته از آواهای طبیعی<sup>۱</sup> و نمایش آنهاست. مسئله وضع در کتب اصولی امروز نیز دیده میشود و ۱۵ بهترین رساله که درباره وضع اسم و حرف و تقسیم الفاظ موضوع نوشته شده رساله ایست کوتاه از قاضی عضالدین ایجی که بسیار معروف میباشد.

آغاز: هذه رسالة افادتها المولى الاعظم عضدالملة والدين ... حيث قال هذه فائدة مشتملة على مقدمة و تنبيه و تقسيم . المقدمة : اللفظ قد يوضع لشخص بعينه

۲۰

انجام . بعضها مكان بعض اذا لم يعتبر الوضع

[۳۷]

- این نسخه رساله چهارم دفتری است که دارای شش رساله میباشد و بخط نسخ محمد علی است که در ۱۳۰۰ این رساله را نوشت و از برك ۲۰ ب است تا برك ۲۶ و حواشی دارد بتعلیق شکسته و در پایان آنها رمز (س سره) نوشته شده و گویا از میرسید شریف باشد که حاشیه بر این رساله نگاشت ۲۵ نشانه نسخه دنبال (آداب البحث) ایجی یاد گردید



## شرح آداب البحث

(عربی)

این شرح از قاضی میرحسین بن معین الدین میبیدی یزدی (م ۹۱۰) است که بر (آداب البحث) سمرقندی نگاشته است و در این شرح از بهشتی یاد میکنند (برک ۴ الف) سمرقندی رساله خود را برای نجم الدین عبدالرحمن سمرقندی ساخت و چندتن بر آن شرح نوشتند.

۱- قطب الدین گیلانی زنده در ۸۳۰ که شرح آمیخته‌وی در تاشکند پسال ۱۸۹۴ بچاپ رسید

۲- کمال الدین مسعود شیروانی رومی شاگرد شاه فتح الله زنده در سده نهم که آنهم شرحی آمیخته نوشته است

۳- فاضل علاء الدین ابی العلا محمد بن احمد بهشتی فخر خراسان شرحی به (قال و اقول) بنام (مآرب) نوشته است

۴- ابی حامد که شرح مبسوطی دارد

۵- علامه شاسی که شرح آمیخته‌ای دارد

۶- عبداللطیف بن المومن بن اسحاق بنام (کشف الابکار)

۷- برهان الدین ابراهیم بن یوسف بلناری که شرحی به (قال و اقول) دارد

آغاز متن : العنة لواهب العقل

آغاز شرح : الحمد لله الذي جعلنا باحثين عن ذاته ناظرين في صفاته...

يقول... حسين بن معين الميبدي... ان اشرح الرسالة المشهورة في آداب البحث للمولى...

شمس الدين السمرقندي

انجام متن : وان يكن يلزم العلية وبها يحصل المقصود كما مر

انجام شرح : في الشق الاول من التريد و هذا مثال ثالث لما ذكرنا في التنبيه

الاول والله الحمد اولاً و آخراً و باطنا و ظاهراً

## [۳۸]

این نسخه بخط تعلیق و متن بشکرف است و عبدالله بن شمس الدین بن نجم الدین در محرم ۹۴۶ آنرا نوشته و در پایان چنین مینویسد: (منع عن

نقلها سائلا معلل نقضه ملازمه سنداللازمه الیقین و معارضه مناقض الدین

- عبدالله بن شمس الدین بن نجم الدین اواسط محرم ۹۴۶) وزیر مهربکه زده شده عبارتی از نویسنده هست که میرساندوی شیعی است و درست خوانده نمیشود

(۳۰ برگ) کاغذ ترمه سمرقندی - جلد تیماج ~~فله~~ ساده

اندازه ۱۳×۱۹ و ۷×۱۱ س ۱۷

بی سر

### [۳۳] شرح آداب البعث (عربی)

- ۱۰ یکی از نگارشهای معروف در (آداب بحث) رساله‌ای است از شهس الدین محمد بن اشرف سمرقندی (م نزدیک ۶۰) نگارنده (قسطاس المیزان) و (صحائف) که در سه فصل است

۱ - تعریفات ۲ - ترتیب بحث ۳ - مسائلی که خود در آن آورده است. این رساله را شرحها است یکی همین است که گویا از کمال الدین مسعود

- ۱۵ شیروانی رومی (سده ۹) باشد و شرحی است آمیخته با متن.

آغاز: الحمد لله رب العالمین... قال... شمس الملة والدین محمد السمرقندی

المنة علینا من عدلوا هب افضل النعم

انجام. كما في الشق الاول من الترديد المذکور والله اعلم بالصواب

## [۳۹]

- ۲۰ این نسخه شماره سوم دفتری است که دارای هفت رساله است و از برگ

۱۶ ب است تا برگ ۳۶ ب و بخط نسخ و در شهر امامیه در مدرسه چله‌خانه

در ۱۰۹۱ نوشته شده و روی متن خط کشیده است و حواشی دارد

(همه دفتر ۱۱۳ برگ) - کاغذ قرنی - جلد تیماج متنی ضری

اندازه ۱۵×۲۱ و ۵×۱۴ س ۱۵

### [۳۴] شرح آداب البعث (عربی)

قاضی عضد الدین عبدالرحمن ایجی (م ۷۵۶) متکلم نامور ایرانی در آداب

بحث رساله نگاشته که در شماره ۸۸۳ (۲) یاد گردید و مولانا محمد حنفی تبریزی مرده در بخارا نزدیک ۹۰۰ آنرا شرح نموده و در آن بحواشی میرسید شریف نگریسته است و این شرح آمیخته بامتن میباشد  
 آغاز: الحمد لله العظيم حمدًا يليق بجلاله . الحمد لك جعل الله مخاطبًا تنبيهًا  
 علی القرب ۵

انجام : وبالجمله الفرق ليس على ما ينبغي وان ختم الكلام على هذا القدر لئلا  
 ينجر الى الملال اعلم ان الحواشي المنسوبة الى المحقق الشريف... لهذه الرسالة لملاحظتها  
 في نسخ متعددة وجدت بعضها سقيمة ولم يبق اعتماد عليها لم التزم نقلها بل قررت الكلام  
 على وجه لاحتظه ووقع تقريراتها موافقا لتقريره... وبعضها غير موافق له... فان وجدته  
 حقا فاتبعه والا فاصلحه فان الله لا يضيع اجر المحسنين ۱۰

[۴۰]

این نسخه شماره سوم دفترست که دارای ۶ رساله میباشد و در برگهای ۱۰  
 الف تا ۲۰ ب و بخط نسخ محمد علی است که در رمضان ۱۳۰۰ آنرا نوشت  
 و حواشی دارد بخط تعلیق شکسته  
 نشانه نسخه در دنبال (آداب البحث) استرآبادی و ایچی یاد گردید

۸۸۳

[۳۵] شرح آداب البحث (عربی)

این کتاب شرحی است بر رساله (آداب البحث) و (حسینیة) نام دارد و  
 نگارنده شرح و متن دانسته نشد. این شرح بامتن آمیخته است  
 آغاز: یا من وفقنا لوظائف البحث وكلمه يامشتركة بين الاحوال الثلاث

انجام : مع ان هذا اشنع وجوه الالزام وعلى الله التوكل والاعتصام

۲۰

[۴۱]

این نسخه شماره چهارم دفتری است دارای هفت رساله و از برك ۳۹ تا برك  
 ۵۸ ب میباشد و بنسخ نوشته شده و مجدول بشکرگف است و روی متن خط  
 سرخ کشیده و حواشی دارد. در پایان این نسخه نوشته شده : (تمت الحسینیة

۸۸۵

فی سنه احدى وستين و مائه و الف فی رجب ۲۰) پس این نسخه در ۲۰ رجب ۱۱۶۱  
نوشته شد

نشانه همه دفتر در دنبال شرح (آداب البحث) سمرقندی نوشته شد

### [۳۶] شرح تهذیب المنطق (فارسی)

- این شرحی است بر تهذیب المنطق تفنازانی (م ۷۹۲) که ملا عبدالرزاق بن  
علی بن حسین گیلانی لاهیجی (م ۱۰۷۲) متکلم فیلسوف شیعی بفارسی نوشته است  
آغاز: الحمد لله الملهم الصواب... فیقول... عبدالرزاق بن علی بن الحسین  
اللاهیجی... که این کلمه چند است در شرح تهذیب المنطق  
انجام. یعنی ذکرش مقاصد مناسبتی است از ذکرش در مقدمه. هذا آخر  
ما اردنا لیراده فی شرح هذا المختصر والحمد لله الذی وفقنا للاثمام... برحمتک  
یا ارحم الراحمین

### [۴۲]

این نسخه بخط نسخ و روی متن خط سرخ کشیده شده و در ۱۰۹۹  
عبدالواحد بن حاجی محمد امین شیرازی آنرا نوشت

۱۵ (۸۷ برگ) - کاغذ ترمه سمرقندی - جلد تیماج سرخ ساده  
اندازه ۱۹×۹ و ۱۲×۶ س ۱۷

### [۳۷] شرح تهذیب المنطق (فارسی)

- شرحی است که مولوی عنایت الله هندی بر تهذیب المنطق سعدالدین مسعود  
هروی تفنازانی خراسانی (م ۷۹۲) نوشته است  
آغاز: بک ثقتی... الحمد، حمد در لغت وصفی است بجمیل اختیاری بر جهت  
تعظیم و تبجیل نه بطرین سخریه و استهزاء  
انجام. و هذا بالمقاصد اشبه یعنی آنچه مذکور شد در ثامن از رؤس ثمانیه  
بمقاصد اشبه است و این ظاهر شد از بیان مذکوره



## [۴۳]

این نسخه بخط تعلیق و متن بشتگرف و در نیمه روز یکشنبه سال ۱۲۰۸ نوشته شده است و شرح از برك ۱ ب است تا برك ۷۷ ب و در برك ۱ الف چنین نوشته شده، «شرح تهذیب المنطق مولوی میا عنایت‌اله هندی من مملکاتی وانا العبد الاقل بن مرحوم مبرور نجم‌اله لمه والدين القنبرهای عبداله الشهير بجاجی آخند» در برك ۷۷ ب دارد: «مالک هبه‌الدین محمد اسمعیل ابن محمد عابد» در برك ۸۰ الف عبارتی بی نقطه دارد که درست خوانده نشده و برخی از آن چنین است: «شرح تهذیب میا عنایت‌اله از یاران ... محمد شفیع مدرس که در مسجد محبوری درس ... حواشی ملا عبدالغفور...»

در برك ۷۹ ب از (مختصر کتاب النفس) منسوب بارسطو چند سطر نوشته شده و در این کتابخانه چندین نسخه کامل از آن هست  
(۸۰ برك) - کاغذ ترمه سمرقندی - جلد مقوای آبی با حاشیه شرح  
اندازه ۱۴×۱۹ و ۷٫۵×۱۴٫۵ س ۱۸

(عربی)

شرح شمس‌الدین

[۳۸]

سعدالدین تفتازانی (م ۷۹۲) بدرخواست دوستان شمسیه دیران قزوینی را شرح نمود و در آن بشرح قطب رازی نگریسته آنچه را که می‌پنداشت رازی نگفته است آورد وی این شرح را در روزگار رازی نگاشته است  
شرح تفتازانی در آستانه سال ۱۳۱۲ چاپ سنگی شده (معجم المطبوعات ص ۶۳۷)

## [۴۴]

مقاله ۱ این نسخه بنسخ وبا عنوانهای شگرف است و عبداللطیف بن ابی عبداله محمد القاضی آنرا نوشت و مقاله ۲ آن بخط تعلیق وحید بن اسمعیل بن احمد المختار الحسینی الحوروقی در روز چهارشنبه ششم رمضان سال ۹۲۷ آنرا نوشته است

(۱۴۰ برك) - کاغذ ترمه سمرقندی - جلد تیماج سبز ساده  
اندازه ۱۴×۱۸ و مقاله ۱ (۷٫۵×۱۴٫۵ س ۱۹) و مقاله ۲ (۸×۱۴ س ۱۷)

(فارسی)

شرح گبری

[۳۹]

میرسید شریف علی بن محمد گرگانی حنفی متکلم و فیلسوف عارف ادیب

ایرانی (۸۱۶م) که شاگرد قطب رازی و استاد دوانی بوده است کتابی بفارسی بنام کبری در منطق دارد که بارها در ایران بچاپ رسید و طلاب مدارس قدیم در آغاز کار آنرا میخوانده و میخوانند

- عصام الدین<sup>۱</sup> ابراهیم بن محمد بن عربشاه اسفرائینی م ۹۴۳ دانشمند ادیب  
 ۵ منطقی اشعری حنفی و شاگرد جامی شرحی بر کبرای گرگانی نوشته است  
 آغاز: ... شریعت او متحیرند و به متابعت او هستند چنان گوید خادم  
 کمین اهل دانش و یقین ابراهیم بن محمد بن عربشاه الاسفرائینی معروف بعصام الدین  
 که این فوایدی است ... بفارسی منطق ... سید شریف  
 انجام: و گفته اند که این قسم مجرد احتمال عقلی است و معلوم نیست که  
 ۱۰ در اقیسه یافت شود والله تعالی اعلم والحمد لله رب العالمین علی الاتمام والوصول  
 الی المرام

[۴۵]

این نسخه بخط تعلیق منگوسته و اندکی از آغاز را ندارد و شرحی است  
 ۴۱۴ آمیخته با متن که از وی آن خط سرخ کشیده شده  
 (۹۸ برک) - کاغذ فرنگی - جلد یمای ساده مقوالات  
 ۵ اندازه ۱۰×۱۵ و ۵×۱۱ س ۱۴

[۴۰] عبارة الفضلا فی حل شبهة جذر الاصم (عربی)

- محقق خفری این رساله را در حل شبهه (دروغگو) که از نحله مکارا  
 بدانشمندان خاوری رسید و بشبهه جذراصم مشهور گردید نوشت و بدان نام عبرة  
 ۲۰ الفضلا داده است و در این رساله بحل دوانی اشاره میکند  
 آغاز: قد اجاب الحضرة الجلالية المحمدية حلت افادته عن هذه الشبهة بان  
 قول القائل كل كلامي في هذا الساعة كاذب  
 انجام: فان صار هذا الجواب مقبولا عند العلماء حقا بان يسمى عبارة الفضلاء

## [۴۶]

این رساله شماره ۱۱ دفتری است که دارای ۵۱ رساله است و بخط شکسته  
تعلیق ریز میباشد و با آغوانهای شنکرف و از ص ۱۱۰ تا ص ۱۱۱ نشانه‌های  
نسخه در (بخش ۱ این فهرست) یاد گردید

۱۰۳۵

## [۴۱] فصول يضطر اليها عند الشروع في المنطق (عربی)

این رساله را فارابی در ۵ فصل نگاشته و اندکی از مطالب منطقی که پیش  
از پرداختن بآن هنرشایسته است بدانند در آن آورد در فصل ۱ میگوید در هر هنری  
باید بزبان همان هنر گفتگو نمود و در ۲ مبادی قیاس را بر شمرد و در ۳ آشکارساز  
ساخت که دو چیز بچند گونه میشود با هم پیوندند و در ۴ اقسام تقدم را آورد و  
در ۵ که از همه فصلها درازتر است لفظ مقرد و مرکب و اسم و کلمه و ادات را  
شناساند

متن عربی این رساله بخط عبری در پاریس بشماره ۳۰۳ هست و سه  
ترجمه عبری دارد ۱- از موسی بن لادخیس یهودی ۲- از صموئیل بن طبون ۳- از  
شالوم بن ایوب

آغاز. فصول يشتمل علی جمیع ما يضطر اليه معرفته من اراد الشروع فی صناعة  
المنطق من کلام المعالم الثانی ... الفارابی . قال هذه المقالة يشتمل علی خمسة فصول  
انجام . فالقول الاول هو وحد الحائط والثانی رسمه و كذلك الامر فی سائر  
الاشياء

## [۴۷]

این نسخه در دفتری است که چندین نگارش فلسفی و منطقی فارابی در آن  
نوشته شده و از برك ۱۰۷ ب تا برك ۱۱۰ الف و بخط نسخ خوش میباشد  
نشانه‌های نسخه در دنبال (الوسط) یاد گردید

۲۴۵

## [۴۲] انقذ الفنا ریة (شرح ایساغوجی) (عربی)

فرفور یوس صوری ( ۲۳۲ یا ۲۳۳-۳۰۴ م) رساله‌ای بنام ایساغوجی که

که دیباجه‌ای است بر ارغنون لاریسطو نوشته و در آن از پنج کلی گفته گویند و خدا نشمندان خاوری آنرا یکی از دفتر هلی ارغنون بشمار آورده و در آغاز کتابهای منطقی آنها مباحث فرفور یوس دیده میشود و ابی العباس احمد بن محمد بن مروان سرخسی کشته در ۲۸۶ و موفی الدین عبداللطیف بن یوسف بغدادی کتاب ایساغوجی نوشتند انیر الدین ابهری روحی (م ۶۷۰) شانگرد فخر رازی نکه در روزگار زمین الدین کشی و قطب الدین مصری خراسانی و الفضل الدین خونجی مصری و شمس الدین خسرو سنهلی دمشقی میزیسته است و از فیلسوفان ایران بشمار است رساله دارند در منطق و روش متلخران نکه همه بابهای این علم را در آن آورده و بدان نام (ایساغوجی) دله است و این رساله را دانشمندان چند شرح کرده‌اند:

۱- حسام الدین حسن کتبی (م ۷۶۰) به (قال و اقول) نکه نسخه از آن در کتابخانه مجلس شماره ۱۲۰۷ (ج ۲ فهرست ص ۶۶) و در کتابخانه آستانه طوس بشماره ۱۳۳ (ج ۱ فهرست فصل ۲ در منطق ص ۳۸) هست

۲- شریف نورالدین علی بن ابراهیم شیرازی شاگرد میر سید شریف گرگانی (م ۸۶۲)

۳- شیخ زکریا بن محمد انصاری قله‌ری م ۹۱۰

۴- حکیم شاه محمد بن مبارک قزوینی م ۹۶۶

۵- مصطفی الدین مصطفی بن شعبان سرخسی م ۹۶۹

۶- فاضل عبداللطیف عجمی که برای علامه الدین گنجیاد نوشته است

۷- شیخ شهاب الدین ابی العباس احمد بن محمد آملی (شرحی است آمیخته

و مبسوطه)

۸- خیر الدین تبلیسی به (قال و اقول)

۹- عماد الدین یحیی بن علی فارسی که نسخه از شرح وی بشماره ۱۳۸ در

کتابخانه آستانه طوس (ج ۱ فهرست فصل منطق ص ۳۹) هست

۱۰- خیر الدین خضر بن عمر عطوفی

۱۱- محمد بن ابراهیم حنبلی حلبی



نورالدین علی بن محمد اشمونی ۹۰۰ م ایساغوجی ابهری را بنظم در آورد  
و عبدالرحمن بن سیدی محمد و شیخ ابراهیم شبستری ۹۲۰ م نیز آنرا بنظم در آورده،  
پس آنرا شرح کردند<sup>۱</sup>

شمس الدین محمد بن حمزه فناری (۷۵۱ - ۸۳۴) حکیم عارف و دانای  
علوم نقلی و از نزدیکان و شناختگان سلطان بایزید و نویسنده مصباح القدس در شرح  
مفتاح الانس قونوی نیز شرحی بر ایساغوجی ابهری نوشت و آن شرحی است دقیق  
که در یکروز آنرا بپایان رساند. نسخه از این شرح در آستانه طوس بشماره ۱۳۷  
ج ۱ فهرست فصل منطق ص ۳۹ هست این شرح را در کشور عثمانی میخواندند و  
حاشیه ها و شرحها بر آن نوشتند و در آستانه بسال ۱۲۶۸ و ۱۳۰۹ بچاپ رسید و متن  
ابهری در رم با ترجمه لاتینی بسال ۱۶۲۵ م و در هند بسال ۱۲۶۸ و در مصر هفت بار  
از ۱۲۷۳ تا ۱۳۲۳ بچاپ رسید و خود ابهری هم بر این کتاب شرحی نوشته به (قال  
و اقول) که در کانپور بسال ۱۲۹۳ و در لکناو بسال ۱۸۴۰ م و چند بار دیگر در هند  
چاپ شده است

[۴۸]

این نسخه از شرح فناری شماره ۱۰۲۵ دفتری است که دارای ۴ رساله است و از برگ ۱ تا  
برگ ۲۱ الف و بخط تعلیق و در ۱۰۲۵ ادهم بن قاضی بیک هرآبادی خلخال  
آنرا نوشت

(همه دفتر ۹۱ برگ) - کاغذ ترمه سپاهانی - جلد تیماج ضریبی در یکدوی  
اندازه: ۱۱×۱۹ و ۵×۱۴ س ۱۹

[۴۳] المختصر الصغیر فی المنطق علی طریقه المتکلمین (عربی)

ابن ابی اصیبعه در عیون الانباء (ج ص ۱۳۴ س ۱۹) در فهرست نگارشهای  
فارابی از ابن (مختصر) یاد میکند. فارابی این رساله را برای اینکه برساند منطق با  
دین سازگار است نوشت و در دیباچه میگوید: ناگزیر نیستیم برای دریافتن سخنان  
ارسطو به مثالهای یونانی که او در نگارشهای خود آورد بنگریم بلکه قواعدی را که او  
آورده است با مثالهای فقیهان و متکلمان میتوان فرا گرفت. پیش از فارابی محمد

زکریای رازی فیلسوف پزشک ایرانی (۲۵۱-۳۱۳) همین کار را کرده و رساله‌ای بنام (فی المنطق بالفاظ المتکلمین) نوشته است و این کار را فلاسفه از ترس دشمنان فلسفه میکرده‌اند. چنانکه فارابی رساله دیگری بنام (کلام جمعه من اقوال النبی یشیر الی صناعة المنطق) نوشته است این رساله فارابی درده گفتار است : ۱- قضایا ۲- تقابل قضایا ۳- مبادی ۴- قیاس جزمی ۵- قیاس شرطی ۶- خلف ۷- قیاس مرکب ۸- استقراء ۹- تمثیل ۱۰- قیاس فقهی - فارابی در پایان گفتار ۵ از (الاوسط) خود یاد میکند و در آغاز گفتار ۱۰ از فصل ۲۳ کتاب ۲ قیاس ارغنون ارسطو عبارتی می‌آورد

آغاز ؛ الف- القول الاول فی القضايا علی الاطلاق ... کتاب... الفارابی الذی خرج  
 فيه ادلة المتکلمین و عبارات الفقهاء الی القیاسات المنطقية علی مذاهب القدماء قال ۱۰  
 ابونصر نین اولاً کیف القیاس  
 انجام : فقد ظهر کیف يرجع ... المقائیس الفقهية الی مقائیس الاشکال الجزمیه  
 فهذا منتهی غرضنا ... وایکن هذا الموضع آخر کتابنا  
 [۴۹]

این نسخه در دفتری است که چندین نگارش فلسفی و منطقی فارابی در آن هست و بخط نسخ وار برگ ۱۱۰ ب تا برگ ۱۲۲ الف میباشد .  
 نشانه آن در دنبال (الاوسط) یاد گردید

(۴۴) مقولات عشری (فارسی)

از خواجه طوسی است و همان نه فصل مقاله دوم اساس الاقتباس میباشد که

۲۰ در تهران بسال ۱۳۲۶ خورشیدی بچاپ رسید (ص ۳۴-۵۹)

[۵۰]

این نسخه شماره (۱) دفتری است که دارای ۱۵ رساله و چندین گفتار میباشد و از برگ ۶۳ ب تا برگ ۷۵ الف و بخط تعلیق و عنوانها نسخ است و محمد علی بن محمد یوسف آنرا نوشت و نام وی در پایان رساله شماره

۲۵

۳ یاد گردید

(همه دفتر ۹۵ برگ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج سبز یک لایه  
 اندازه . ۱۱٫۵ × ۱۶٫۵ و ۸ × ۱۳٫۵ س ۱۵

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران  
library.ut.ac.ir

# گفتار دوم

فلسفه الهی و طبیعی

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران  
library.ut.ac.ir



این رساله از ابو یوسف یعقوب بن اسحق کندی بغدادی (۱۸۸-۵۲۵۸= ۸۳۷م)<sup>۱</sup> است این فیلسوف خاوری را تازی پنداشتند و فیلسوف عرب نامیدند ولی باینگونه نسبها در سدهای نخستین اسلام چندان وثوقی نیست زیرا خوی برخی از فرمانروایان تازی این بود که مردم را برده می گرفتند و نام خاندان خود را بنام نسب و لائی به بردگان خویش میدادند و در کتب رجال شیعی و سنی اینگونه نسب و لائی بسیار دیده میشود بویژه آنکه برخی کندی را یهودی و برخی نصرانی نومسلمان خواندند<sup>۱</sup>. آنچه درست میدانیم اینست که وی در بصره بزرگ گشته و در بغداد پرورده شد و از فرهنگ ایران و یونانی آن دوشهر برگرفت وی با دربار مأمون (۱۹۸-۲۱۸) و معتصم (۲۱۸-۲۲۷) و احمد بن معتصم و متوکل (۲۳۲-۲۴۷) شد آمد داشت و میان او و ابی معشر بلخی (۲۷۲م) دشمنی بود و محمد بن موسی بن شاکر خوارزمی ستاره شناسی نیز با وی دشمنی داشت. این فیلسوف خاوری نگارشهای بسیاری دارد که برخی از آنها یافت میشود و چندتائی به چاپ رسید از آنها است همین رساله که محمد هادی ابوریحی با سیزده رساله دیگر او در مصر سال ۱۹۵۰ به چاپ رساند و سرگذشت او را هم در دیباچه آورد و این رساله درص ۲۰۱ تا ص ۲۰۷ این چاپ دیده میشود. در آغاز این رساله در نسخه چاپی از علی بن جهم یاد شده است وی همان علی بن جهم بن بدر بن جهم خراسانی شاعر دربار متوکل ۲۳۲-۲۴۷) است که در ۲۴۹ بمرد و دوست ابو تمام بوده است ولی در نسخه مام محمد بن جهم یاد شد. کندی در این رساله بدلیل تطبیق تناهی جسم را ثابت میکند، سپس

۱- چنانکه جاحظ را نیز تازی پنداشتند ولی سید مرتضی علم الهدی (۳۵۵-۳۵۵-)

۲۰ (۴۳۶) در امالی (ج ۱) ص ۱۳۸ چاپ ۱۹۰۷ مصر) از وی چنین نام میبرد :

« جاحظ ابو عثمان عمرو بن بحر بن محبوب مولی لابی القلمس عمرو بن قلم الکنانی

ثم القیمی » و از گفته اسفرائینی (۴۷۱م) در التبصیر فی الدین ( ص ۵۰ چاپ مصر ۱۹۴۰/۱۳۵۹

پیدا است که کعبی معتزلی بلخی (م ۳۱۷) او را از نژاد تازی پنداشت و از دودمان کنانه ولی خود اسفرائینی این را نمی پذیرد. نام نای وی «محبوب» هم مانند کلمات «سهل» و «سعيد» و جزاینها از نامهای است که بر دگان میسازد ۲۵

زمان را متناهی نشان میدهد و از حدوث جهانی پی بآفریننده میبرد وی این رساله را برای پسر جهم نوشت. نسخه ما با نسخه چاپ شده اندکی فرق دارد. اینک آغاز و انجام رساله چنانکه در نسخه ما هست :

آغاز: رساله یعقوب بن اسحق الکندی الی محمد بن الجهم فی الابانة عن وحدانية الله جل ثناؤه و عن تناهی جرم الککل و انه لا یمكن ان یکون شئی بالفعل لانهاية له...  
فهمت ما سئلت من وضع ما کنت سمعتنی اوضحه بالقول من وحدانية الله  
انجام: و اقتها لحيوة نفسك الزكية واصبر نفسك علی اقتفاء آثارها الخفية  
تقص بك الی سعة اقطار المعرفة والله اعلم

۱۰

[۵۱]

این نسخه رساله دوم دفتري است که دارای چهار رساله میباشد و بخط ۴۲۲

تعلیق و نو نویس است و این رساله ۸ صفحه میباشد  
(همه دفتر ۹۲ برگ) و با شماره ۴۴۴ یکجا تازه جلد شده - کاغذ قرمزی - جلد تیماج

زرد ساده مقوای

۱۵

اندازه: ۲۱٫۵×۱۷ و ۱۶×۱۲ س ۹

[۴۶] ابطال تسلسل (عربی)

این رساله از نگارنده «قصص العلماء» ملا محمد تنکابنی (۱۳۰۲م) است و در آن از شبهه «دروغگو» که بنام جذراصم مشهور شده است پاسخ میگوید و از روی تعریف خبر با احتمال صدق و کذب تسلسل عالم و قدم آنرا باطل میسازد و حدوث آنرا ثابت میکند.

۲۰

آغاز: الحمد لله... قال بعض الفضلاء علم ان امتیاز الخبر عن نظائره من الکلام انما هو باحتمال الصدق والکذب

درهامش دارد که این فاضل اقراضی قزوینی است

انجام: وقد عرفت ما فيه وظهر بما ذكرته ما في قوله فظهر بما قررنا الخ

۲۵

[۵۲]

این نسخه شماره سوم دفتري است که دارای سه رساله میباشد :

۱ - معارج در اصول فقه از محقق حلی (۱ ب - ۵۲ الف)

۲ - تخلف از سپاهیان اسامه (۱۰۱-۵۳ ب)

۱۳۶

۳- این رساله که از برگ ۱۰۲ الف تا برگ ۱۰۵ الف میباشد و بخط تعلیق است و همه رساله‌ها بیک خط میباشد و در برگ ۱ الف نوشته شده که این دفتر را محمد ابراهیم بن محمد معصوم حسینی برای خود نویساند و سفارش سید مهد بن سید ابراهیم حسینی قزوینی بردانشجویان دینی در ج ۲ سال ۱۱۶۳ وقف گردید باین شرط که از آن شهر بیرون نبرند

(همه دفتر ۱۰۸ برگ) - کاغذ قرمه سمرقندی - جلد ایماج سرخ ساده يك لا

اندازه : ۱۹×۱۴ و ۱۴×۱۴ س ۱۷

## [۴۷] ابطال حجج ابن الطیب (رحه الله) (عربی)

ابی الفرج عبدالله بن الطیب الجائلیق پزشک فرزانه ترسای بغداد گفتاری در باره  
 ۱۰ نیروهای طبیعی دارد در برابر شیخ رئیس ابوعلی سینا این گفتار را در خریده گیری از سخنان او نگاشته و در آغاز میگوید: «از نگارشهای ابو الفرج بن الطیب که خدای شکوهش را پاینده دارد آنچه که در پزشکی پرداخته است درست و استوار و بدو نخواه ما است مگر اینکه نگارشهای منطقی و طبیعی وی و هانند آن چنین نیست<sup>۱</sup> سخنانی از وی در باره نیروهای طبیعی بما رسیده که نه آنچه خواست در آن ثابت کند درخور پزشکان است و نه دلیلهائی که بر آن آورد درست میباشد ما نا این سخنان را پیش از اینکه پزشکی فراگیرد فراهم آورده است. آنگاه شیخ رئیس بردگشته‌های ابو الفرج می‌پردازد و در این گفتار از شفای خود یاد میکند. ابو الفرج گفتار خویش را برای شیخ نگاشته و او هم این رد را در پاسخ وی نگاشته است شیخ میگوید:  
 ۲۰ ما دلیلهای او را دست نشان داده ایم گویا وی پزشکی نخواهد بو اینها را گفت یا اینکه اینها از سخنان زشت پزشکی او است و هیچ کاوش و بررسی در آنها نکرد وی در این گفتار با اصول علمی ناسازگاری نمود.

۱- ابن ابی اصیبه در ج ۱ ص ۲۳۹ عیون الانباء تا اینجا را آورد و بهیچ درتمه

ص ۷۷ مینویسد: ابوعلی وی را بد میگفت و نگارشهایش را نکوهش می نمود و در «مباحث»

۲۵ میگوید که نگارشهایش را شایسته است بهمانکه فروخته است برگرداند. نیز دیده شود

تاریخ حکماء شهر زوری نسخه شماره ۸۵ برگ ۱۱۳۵ الف و ترجمه آن بشماره ۴۲۷ برگ

۱۲۷ الف از همین کتابخانه



آغاز: ابطال حجج رساله ابن الطیب ابی الفرج، المقدمة للشيخ الرئيس . انه كان قد يقع علينا كتب يعملها ابو الفرج بن الطيب ، ادام الله عزه ، في الطب ، و نجدها صحيحة مرضية ، خلاف تصانيفه التي في المنطق والطبيعيات وما يجري معها ثم قد وقع اليها كلام له في القوى الطبيعية، مشتملة على دعوى وعلى حجج

- انجام : كانه لا يعرف ان الحاريسوء مزاج خارة... فلنذكر هذا القدر  
 هذا يسترح ( ١٤ ) والحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد  
 والله الطاهرين

[ ٥٣ ]

- این نسخه رساله نهم این دفتر و پس از رساله ابو الفرج در قوای طبیعی و در برك  
 ١٥٧٤ ١٣٤ الف تا ١٣٨ الف نوشته شده و بخط نستعلیق ریز میباشد . در این  
 دفتر رو بهم ١٨ رساله فلسفی و پزشکی است  
 ( همه دفتر ٢٢٢ برك ) - كاغذ فرنگی - جلد تیماج سرخ ضری  
 اندازه . ٥٠×٢٠ و ٥٠×١٤ س ١٨

[ ٤٨ ] ابطال الزمان الهو هو م (عربی)

- افلاطون در کتاب تیمائوس بند ٢٨ میگوید : « زمان با آسمان هردو با هم  
 آفریده شدند تا اینکه با هم از میان بروند، اگر نابود شدن آن دو ناگزیر باشد. و زمان  
 از روی نمونه طبیعت پایدار ساخته شده تا هر اندازه ای که میتواند مانند آن باشد،  
 زیرا آن نمونه (خدا یا هستی زنده) همیشه پایدار هست ولی آسمان بوده است و تا  
 زمان هست خواهد بود »<sup>١</sup>

- ٢٠ ١ - دیده شود ترجمه قرانسوی از Emile chambry ص ٤٦٩ ج ٥ از دوره  
 کتب افلاطون چاپ پاریس سال ١٩٣٩ - درباره زمان نگاه کنید به ترجمه سماع طبیعی  
 ارسطو بفرانسه از Henri CATERON ج ٢ ص ٤-١٠٣ چاپ پاریس ١٩٣١ و ترجمه انگلیسی  
 آن از Hardie و Gaye جلد دوم دوره کتب ارسطو چاپ اکسفورد سال ١٩٣٠ ص ٢٥١ :  
 درباره زمان همه کس بجز یکی ، گویا میگویند که نیافریدنی است و دمکریس گویند نارواست  
 همه آفریدنی باشند مگر اینکه زمان نیافریدنی است تنها پلاتون است که زمان را آفریده  
 ٢٥ پنداشت و زمان را با آسمان آفریده پنداشت و آسمان نزد او آفریده شده میباشد. و نیز شقای  
 شیخ رئیس فصل ١٠ تا ١٣ مقاله ٢ فن ١ طبیعی ص ٦٨ تا ٨١ چاپ تهران و الزمان الوجودی  
 از عبد الرحمن بدوی چاپ مصر ١٩٤٨ ص ٤٨ و پس از آن و دو کتاب افلاطون (ص ٢-١٩١)  
 چاپ مصر ١٩٤٤ و ارسطو (ص ٢١٧-٢٢١ چاپ مصر ١٩٤٤) از هوو معتبر بغدادی چاپ دکن ج ٢  
 ٣٠ (طبیعی) بسان ١٣٥٧ ص ٦٩-٩٠



ارسطو در کتاب سماع طبیعی (مقاله ۸ بند ب ص ۲۵۱ س ۱۷-۲۰) از این گفتار چنین دریافت که زمان نزد افلاطون آفریده است ولی خود او در بند ۳۷ تیمائوس باز میگوید که: «آفریننده، جهان جنبنده زنده را مانند خود کرده و کوشید که آنرا تا اندازه‌ای که می‌شاید همیشگی و پایدار سازد ... وی اندیشید که بیکر جنبنده‌ای از ابدیت بیافریند و همینکه آسمان را سامانی داد از ابدیت پایدار در وحدت این بیکر همیشگی را که از روی شمار پیش می‌رود، بیافرید و همین است که ما آن را زمان می‌نامیم»<sup>۱</sup>

از این سخنان افلاطون پیداست که وی زمان را نمونه‌ای از همیشگی و پایداری آفریننده می‌پندارد شاید از اینجا باشد که متکلمان معتزلی و اشعری زمان موهومی پنداشتند و ابی البرکات زمان را اندازه هستی دانست<sup>۲</sup>

سید داماد استرآبادی سپاهانی فیلسوف روزگار صفویان در مسئله حدوث جهان رای تازه‌ای آورد و گفت که میان گیتی و آفریننده او نیستی بود که از هر گونه کشش بیگانگی داشت نه اینکه کشش و امتداد موهومی پیش از پیدایش گیتی بوده است چنانکه متکلمان پاینده سنت پنداشته‌اند. داماد در صراط مستقیم و افق مبین وقبسات از همین مسئله گفتگو نموده و بدان عنوان حدوث دهری داده است. وی در رساله «مذهب ارسطاطالیس» برخلاف فارابی در رساله جمع بین رایین میگوید سخنان ارسطو در این باره با هم سازگار نیست و گشودن راز این مطلب را از آن خود میداند. مانا داماد فلسفه خود را روی همین حدوث دهری که بسیار بجستن آن مینازد نهاده و باید هم گفت که وی داد سخن را در این زمینه داده است.

پس از وی شاگردش فیلسوف شیرازی صدرالدین محمد چندان بحدوث دهری ارجی ننهاد و خود همه هستیهای مادی را جنبنده دانست و گفت که چون گوهر همه چیزها در جنبش بوده و زمانی می‌باشد پس سراسر جهان حادث زمانی خواهد

۱- دیده شود ص ۶۸ همان ترجمه

۲- دیده شود قبسات سید داماد ص ۸ و ۲۲-۲۳ چاپ تهران ۱۳۱۵ و داماد این

سخن بندادی را از مطارحات سهروردی می‌آورد

- بود بجز جهان عقل مجرد که پرتوی است از خدای و چندان جدائی از جهان خدائی ندارد و نتوان گفت که حادث می باشد. این هم ناگفته نماند که بیشتر فلاسفه پیروی از ارسطو نموده برای زمان آغازی ننهاداشتند و شیخ رئیس در شفا و در رساله «الحکومة فی حجج المثبتین للماضی مبدأً زمانیا» از این مطلب کاوش نموده و در این رساله دلائل فیلسوفان مشائی را بساخت قیاسهای منطقی در آورد. شیخ رئیس دلیلهای متکلمان را نمی پذیرد و از آنها خرده میگیرد باز شیخ در «المبد و المعاد» هم بگشودن این مشکل میپردازد. از متأخران شیخ حسین بن ابراهیم تنکابنی بسال ۱۲۱۹ رساله کوتاهی در اثبات حدوث واقعی جهان نگاشته و در آن گفته که نارواست زمان موهومی از همیشگی و پایداری خداوند انتزاع نمود و جهان را بر پایه آن حادث زمانی دانست. این رساله در هامش مشاعر رعرشیه ملاصدرا در تهران بسال ۱۳۱۵ ۱۰ بچاپ رسید.

- دانشمند جمال الدین خوانساری (۱۱۲۵م) در حاشیه ای که بر حاشیه خفری بر الهیات تجرید نگاشته (نسخه شماره ۳۰۸ همین کتابخانه) عبارتی از قبسات سید داماد که درص ۳-۲۲ چاپ تهران دیده میشود آورد. و از آن خرده گرفت و در پایان گفته است که حدوث جهان باین چیزها درست نمیشود و باید دید که شرع در این باره چه میگوید؟ اگر با آنچه از برخی اخبار بر میآید پابند باشیم باید چیزی در این باره نگفت تا خدای گشایشی دهد.<sup>۱</sup> خوانسای در این رساله تنها میخواهد دلائل داماد را بی پایه نشان دهد.

- مولی محمد اسمعیل بن محمد حسین بن محمد رضا بن علاء الدین محمد مازندرانی سپاهانی خواجهائی که در کوی خواجهی سپاهان می نشست و در ۱۱ شعبان ۱۱۷۳ از اینجهان در گذشت. بسخنان خوانساری برخورد و خواست از خرده گیرها که وی از داماد کرده است پاسخ گوید و این رساله «ابطال الزمان الموهوم» را نوشت وی در آغاز از خود بنام «محمد اسمعیل بن حسین مازندرانی» یاد میکند و میگوید: چون دیدم دلیلی که داماد برای ابطال زمان موهوم آورد درست می باشد، ۱- دیده شود بر گهای ۲۵ الف تا ۲۹ الف رساله یکم شماره ۳۰۸ این کتابخانه

مگر اینکه برخی از آن خرده گیرها کرده اند، خواستم راه درست و استوار را بنمایانم و در آشکار ساختن آن خود راه بیداد نهویم آنگاه سخنان داماد خوانساری را بندبند میآورد سپس خود بررسی و کاوش میکند و تا پایان بهمین روش پیش میرود. وی میگوید که آقا حسین خوانساری پدر جمال الدین خوانساری گفت: اشعریان پنداشتند که پیش از بیدایش جهان زمان موهومی بوده است ولی عتکمان دانشمند و از میان آنها خواجه طوسی چنین زمان موهوم را نپسندیدند. (برگ ۱۱۵ ب این نسخه)

درباره یکی از خرده گیرهای جمال الدین مینگارد که وی این را از «بهجة الدارين» نگارش «مولی محمد طاهر بن محمد حسین قمی» گرفته است و او میگفت که پیش از جهان امتدادی بود نامتناهی (برگ ۱۲۰ الف). این دانشمند شیرازی و شیخ الاسلام قم بود و در ۱۰۹۸ هجری. دانشمند مازندرانی این رساله را پس از مرگ جمال الدین نگاشته است.

این راهم باید گفت که یکی از شاگردان آقا حسین خوانساری بنام شیخ علی فراهانی کمره‌ای که به «آقا شیخ» نامبردار بوده و در کاشان میزیسته و در همانجا در هزار و صد و اندی در گذشت رساله در حدوث زمانی جهان نگاشته و هشتصد حدیث در آن گواه آورد.<sup>۱</sup>

آغاز: بعد حمد الله المتفرد بالقدم والازلیة... يقول... محمد بن الحسین المدعو باسماعیل المازندرانی

انجام: و ارشدنا الی ما فیہ صلاحنا فی البدایة والنهاية... والحمد لله اولا

۲۰ و آخر

[۵۴]

این نسخه شماره دوم دفتری است که شماره یکم آن حاشیه نامبرده جمال الدین خوانساری است و از برگ ۱۰۱ (ب) تا برگ ۱۲۷ (الف) میباشد و بخط نسخ روشن نوشته شده و در پایان آن دارد: (قد تمت هذه الرسالة الجليلة من تصنیفات...)

۱- دیده شود ذریعه ج ۳ ص ۱۶۲ و ج ۱ ص ۶۸-۶۹ و ۸۸-۸۹. این رساله

ما رد بر میرداماد نیست چنانکه در ذریعه آمده بلکه باید اوست و رد بر جمال الدین



مولانا محمد اسمعیل المازندرانی بعون اله تعالی سنة ۱۱۹۷) پس این نسخه در سال ۱۱۹۷  
۲۴ سال پس از مرگ نگارنده نوشته شده

(همه دفتر ۱۲۷ برگ) - کاغذ فرنگی - جلد نیمه سبز خربی

اندازه: ۱۴ × ۲۱ و ۱۴ × ۱۴ س ۱۷

## [۴۹] اتصاف العاقل بالوجود (رسالة فی... (عربی)

- یکی از مباحث مهم فلسفی مبحث هستی است و ریشه آنرا در سخنان  
فرزانگان باستانی مانند میلئسوس و افلاطون و ارسطاطالیس و مانند آنها باید جست  
فارابی در «رسالة الحروف» و شیخ رئیس در شفا و تعلیقات از هستی و وجود گفتگو  
کردند پس از ایندو ابی البرکات بغدادی در «المعتبر» و شیخ اشراقی سهروردی در  
نگارشهای خود از بود و نبود هستی سخن راندند. سهروردی ماهیت را اصل ۱۰  
پنداشته هستی را اعتباری دانست. سیدداماد به پیروی از او در «افق مبین» و «قبسات»  
هستی را موجود ندانست پس از وی شاگردش صدرالدین محمد بن ابراهیم بن یحیی  
شیرازی قوامی م ۱۰۵۰ پیروی از مشائیان و عارفان مانند قونوی و دیگران هستی  
را اصل دانست. وی چنانکه در آغاز «مشاعر» مینگارد گشایش بسیاری از مسئله‌های  
دشوار فلسفی را بر پایه اصالت وجود میگذارد. فرزانه شیرازی چنانکه در شعر ۶ ۱۵  
فاتحه کتاب «مشاعر» مینویسد در آغاز کار ماهیت را اصل میدانست سپس از آن برگشت  
و هستی را اصل پنداشت (ص ۴۵ چاپ تهران سال ۱۳۱۵) وی در همین «مشاعر» و «شواهد  
ربوبی» و «اسفار» در این زمینه داد سخن داده و هر چه میبایست گفت تا بجای که فیلسوفان  
پس از او همه در این مسئله از وی پیروی کردند. فرزانه شیرازی این رساله «اتصاف المہمته  
بالوجود» را در باره پیوستگی هستی و چیستی با وجود و ماهیت نگاشته است و میخواید ۲۲۰  
بمشکلی که در باره حمل هستی بر چیستی پیش میآید پاسخ گوید و آن اینست که میگوئیم:  
(سنگ هست) و ثبوت چیزی برای چیز دیگر آنگاه رواست که خود آن چیز باشد  
و ماهیت هستی دیگری ندارد بجز همین هستی که بر آن حمل میگردد پس باید یا  
این قاعده روشن عقلی را نپذیریم و یا اینکه نگوئیم چیزی هست. در اینجا دانشمندان  
مانند دوانی و دیگران راههایی برای گشایش این دشواری پیشنهاد کرده اند. ۲۵  
شیرازی همه را یاد میکند و نمی‌پسندد و خود از سه راهی که نشان میدهد سومین



را بهتر از همه می‌پندارد که اگر درست بنگریم چیمستی برهستی و ماهیت بر وجود حمل میشود نه اینکه وجود بر ماهیت بار گردد و این راه بر پایه اصیل بودن هستی میباشد شیرازی در این رساله از «اسفار» خود یاد میکند و بدان بازگشت میدهد  
این رساله نخستین بار در ایران در کارخانه آقامیرزا عباس، بسال ۱۳۰۲ باهشت رساله دیگر شیرازی (از ص ۱۱۰ تا ۱۱۹) بچاپ رسید و بار دیگر در کنار رساله «تصور و تصدیق» همودنبال «الجواهر النضید» علامه حلی در تهران بسال ۱۳۱۱ چاپ شد

## [۵۵]

این نسخه شماره سوم دفتری است که دارای پنج رساله در تفسیر و عرفان و فلسفه میباشد و چهارم آن «رسالة فی فهم متشابهات القرآن» فیلسوف شیرازی است که در ص ۱۹۴ بخش ۱ این فهرست شتاسانده شد. این رساله بخط تعلیق و از برگ ۴۳ (الف) تا برگ ۵۰ (ب) این دفتر میباشد نشانه دفتر در بخش ۱ ص ۱۹۴ این فهرست یاد گردید و این رساله بخط همان محمد علی کرمانشاهی است که رساله یکم این دفتر را نوشت

## [۵۰]

## اثبات العقول

(عربی)

این رساله از شیخ رئیس است که در آن نخست خدای اثبات میکند و سپس برای گشایش مسئله دشوار پیدایش چندین آفریده از خدای یگانه خردها و عقول را میانجی میسازد تا اینکه به عقل فعال میرسد و رشته آفرینش را بمردمی میرساند آنگاه از روی نیاز مردم بآمین و داد گستری بود پیامبر دارای اعجاز را ناگزیر میداند و ستایش و نیایش خدا و پرده پوشی زنان را از کارهائی بشمار میآورد که پیامبران دستور میدهند. باز میگوید که پیامبران قانونهای کلی میآورند و امور جزئی باندیشه و دانش مجتهدان برگذار شده است و پاداش و کیفر تن از روی تخیل و پیوستن بجرمهای آسمانی نیست بلکه جانهای نیکوکاران همین که بآن جرمها پیوندند روی تخیل و پندار مستقلى که دارند چیزهائی را درمی یابند که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشى نشنیده است. این سخنان را شیخ در پایان الهی شفا نیز آورد و دلیلی

- که برای ناگزیر بودن از پیامبران یاد کرده همان است که پس از شیخ فرزانه‌گان خاوری یاد نموده‌اند و پایه و ریشه آن سخن ارسطو است که گفته است مردمان بطبع اجتماعی و شهر نشین میباشند و همین دلیل را ابن خلدون در مقدمه خویش در کتاب ۱ باب ۱ مقدمه ۱ (ص ۴۳-۴۴ چاپ معرب مصر) ناتمام دانست و گفت که اجتماع بشری بابود پیامبر بستگی نداشته و ندارد و ناگزیر بودن از پیروی آنها اسمعی ۵ است نه عقلی چنانکه پیشینیان گفته‌اند. درباره خردها و عقول که شیخ آنها را میان آفریننده و آفریدگان میانجی میسازد باید گفت که از نگارشهای ارسطو بویژه فصل هشتم دفتر لاند (لام) از الهی گرفته است و ارسطو در این فصل که نامسطیوس و شیخ رئیس و ابن رشد آنرا شرح کردند<sup>۱</sup> از عقول آسمانها گفته‌گو کرده و آنها را میان نخستین جنباننده و جنبندگان نهاده است.

- درباره اثبات نبوت از روی مدنیت طبیعی انسان چنانکه گفته شد شیخ در پایان الهی شفا (فصل ۲ مقاله ۱۱) باین گونه استدلال پرداخت و گفت که مردم ناگزیرند گرد هم آیند و شهر بنشینند و یکدیگر را یار باشند و این همکاری و پیوستگی خواهان آئین و داد است و آئین گذار هم از سوی خدای باید باشد که همان پیامبر خواهد بود پیدا است که شیخ در اینجا از (آراء مدینه فاضله) و (سیاست) و (شرح رساله ۱۵ زنیون) فارابی گرفته است و ریشه سخنان او هم گفتار افلاطون و ارسطو میباشند چه افلاطون در جمهوری آئین گذار را چنان نشان میدهد که درست با پیامبر و پیشوای دینی یکی میگردد و ارسطو در اخلاق نیکوماخوس و سیاست و جدل و ارغنون روشن میسازد که مردمی ناگزیر است که با همکاری و شهر نشینی زیست کند این سخن را ارسطوسه بار در اخلاق (ک ۱ ف ۷ بند ۱۱، ۱۱۶ b، 1097 - ک ۸ ف ۱۲ ۲۰ بند ۷، 1162 a 17 - ک ۹ ف ۹ بند ۳، 1169 b 18) و دو بار در سیاست

۱- دیده شود: تفسیر مابعدالطبیعه ابن رشد (مقاله لام) و ارسطو عند العرب عبدالرحمن بدوی که ترجمه تازی بخشهایی از دفتر لاند و شرح نامسطیوس بر آن و نیز شرح شیخ رئیس بر مقاله لام که پاره‌ای از کتاب انصاف او است در آن آمده است نیز ترجمه الهی ارسطو از تریکو بفرا نسه

(ك ۱ف ۲، 30-1253 a 2-ك ۳ف ۶، 20 b 1278) و دوبار در جلد (ك ۵  
ف ۱، 17 b 128-ك ۵ف ۳-8 a 132)<sup>۱</sup> گفته است

این استدلال شیخ رئیس را غزالی در پایان بخش طبیعی (مقاصد الفلاسفه)  
باختصار آورد و ابن خلدون چنانکه یاد شد از آن انتقاد نمود با اینکه وی در  
مقدمه ششم باب نخستین کتاب نخستین مقدمه خویش وحی و نبوت را روی مبانی  
فلسفی تفسیر نموده است

آغاز: الحمد لواء العقل بالانهاية، كل شئ في عالم الكون والفساد  
مما لم يكن فکان کان قبل الوجود ممکن الوجود لذاته

انجام: جل جناب الحق عن ان يكون شریعة لكل وارد او يطالع عليه الا واحد  
بعد واحد - فمن سمع واشماز فليتهم نفسه فاعلم لا يناسبه - وكل ميسر اما خاق لد  
والحمد لله رب العالمين والصلوة على محمد واله اجمعين. للمشيخ الرئيس قدس سره

[۵۶]

این نسخه شماره ۱۹۹ دفتري است که دارای ۳۱ رساله میباشد و بخط شکسته  
تستعلیق از برك ۸۳ الف تا برك ۸۴ الف نوشته شده است. در این دفتر  
تاریخهای ۱۰۷۶ و ۱۰۸۶ دیده میشود و نام نویسنده رساله ۲۹ این دفتر

«نصیر الدین حسین الحر الحسینی» میباشد

(همه دفتر ۱۳۹ برك) - کاغذ ترمه سمرقندی - جلد تیماج سرخ مقوایی ساده

اندازه: ۲۰×۱۳ و ۱۸×۱۰ س ۲۱ تا ۲۸

دریده شود: اخلاق نيقوماخوس ترجمه فرانسوی J. Volquin چاپ پاریس سال  
۱۹۴۰ و ترجمه تازی آن از لطفی سید (ك ۱ب ۴ف ۶-ك ۸ب ۱۲ف ۷-ك ۹ب ۹ف ۲) -  
سیاست ترجمه انگلیسی E. Barker چاپ آکسفورد سال ۱۹۴۸ و ترجمه فرانسوی Thurot  
چاپ کارنیه فرر در پاریس و نیز ترجمه تازی لطفی سید (ك ۱ب ۱ف ۹ تا ۱۳-ك ۳ب ۴  
ف ۲) - ترجمه تازی جلد دوم منطق ارسطو چاپ عبدالرحمن بدوی و ترجمه فرانسوی  
تریکو چاپ پاریس جلد ۲ سال ۱۹۳۹. در ترجمه عربی جلد (حيوان آنس. بالطبع) آمده  
و تریکو آنرا به (Animal naturellment doux) ترجمه کرد



- دکتر عثمان امین در تعلیق خود بر احصاء العلوم فارابی ص ۱۹۹ مینویسد که از این فیلسوف چهل رساله بجای مانده سی و یکی از آن بتازی و شش رساله بترجمه عبری و دو رساله بترجمه لاتینی میباشد و این را بفهرست بروکلمن (ج ۱ ص ۱۳-۲۱۰) بازگشت میدهد ولی در این فهرست (ج ۱ همانجا و ج ۱ پیوست ص ۷-۳۷۵) ۶۵ نگارش از فارابی یاد می شود که ۱۱ کتاب در منطق و ۸ کتاب در اخلاق و سیاست و ۱۷ کتاب در ستاره شناسی و ستاره شماری و کیمیا و موسیقی و ۲۳ کتاب در مسائل فلسفی و چهار کتاب در باره فلسفه مشائی ارسطو و ۲ کتاب در فلسفه افلاطون میباشد. لطفی جمعه در تاریخ فلاسفة الاسلام در سرگذشت فارابی میگوید که از فارابی نه کتاب در ریاضی و کیمیا و موسیقی در کتابخانه های اروپا و آستانه در متن عربی یا ترجمه عبری و لاتینی هست و ۱۴ کتاب در منطق در اروپا و بویژه در اسکوریا ل بعربی یا عبری و لاتینی هست و برخی از ترجمه های لاتینی در بند قیبه (و تقسیم) و دیگر جاهای چاپ رسید و ۲۱ کتاب دیگر در فلسفه و سیاست و ادب است که از آنها هم برخی بچاپ رسیده و از برخی نسخه خطی در کتابخانه ها هست باز وی نگارش های فارابی را می شمارد و میگوید که از آنها ۱۷ شرح و ۶۰ کتاب و ۲۵ رساله میباشد که رویم ۱۰۲ کتاب میشود ولی در فهرست نگارش های فارابی که در عیون الانباء و تاریخ الحکماء قفطی دیده میشود نزدیک به ۱۲۴ کتاب یاد گردید.

- خاور شناس آلمانی شتینشیدر Steinschneider کتابی کلان در باره نگارشهای فارابی نوشته و در یادگارهای فرهنگستان امپراتوری علوم سنت پترزبورگ (VIIe s, t. XIII, No. 4) بسال ۱۸۶۹ بچاپ رسید. اکنون از کتابهای فلسفی فارابی یاد کرده نخست از چاپهاییکه چندین نگارش را در بر دارد گفتگو میکنیم.

۱- دبترسی استاد دانشگاه برلین (۱۸۲۱-۱۸۸۸) رساله هایی از فارابی

را از روی نسخه های لیدن و لندن و برلین بسال ۱۸۶۰ درلیدن بچاپ رساند.

۲- ا. شمولدس Schmoelders دو رساله (ماینیغی ان یقدم قبل



تعلّم الفلسفه ( و عیون المسائل ) را با ترجمه لاتینی در بن (Bonnae) بسال ۱۸۳۶ چاپ نمود .

۳ - همان دتیرسی باز ایندو رساله را بار ساله های دیگر فراهم آورده و بسال ۱۸۹۵ و ۱۹۲۵ بچاپ رسیده است .

۵ - ۴ - نیز دتیرسی رساله های ( جمع بین رایین - فی اغراض الحکیم فی کل مقالة من الکتاب الموسوم بالحروف - مقالة فی معانی العقل - فیما ینبغی ان یقدم قبل تعلّم الفلسفة - عیون المسائل در ۲۲ بند - فصوص الحکم - جواب مسائل سئل عنها - فیما یصح و ما لا یصح من احکام النجوم ) را از روی نسخه ای که از سپاهان بدست آمد بنام « الثمرة المرضیة فی بعض الرسائل الفارابیة » فراهم آورده و در لیدن بسال ۱۸۸۹ - ۱۸۹۰ با دیباچه ای بآلمانی بچاپ رسیده است . ۱۰

۵ - همین رساله های « الثمرة » در مصر بسال  $\frac{۱۲۴۵}{۱۹۰۷}$  بانصوص الکلم علی فصوص الحکم و نیز دوبار دیگر در همین تاریخ و در همان شهر و باز یگبار دیگر بسال  $\frac{۱۲۴۷}{۱۹۰۹}$  بچاپ رسید .

۱۵ - ۶ - دور ساله از فارابی ( ما ینبغی ان یقدم قبل تعلّم الفلسفة - عیون المسائل در ۲۲ بند ) در چاپخانه سلفیه مصر بسال  $\frac{۱۲۴۸}{۱۹۱۰}$  بچاپ رسید و چاپخانه مؤید در مصر نیز این دورا بنام « مبادئ الفلسفة القديمة » در همین سال چاپ کرد .

۷ - سه رساله فارابی ( نکت فیما یصح من احکام النجوم در ۳۰ بند و بنام مختصر الفصول الفلسفية - عیون المسائل در ۲۴ بند - فصوص الحکم در ۶۱ بند ) نیز بچاپ رسید و ناشر ندانسته ۱۲ بند از ( نکت ) را دوبار در آن آورد ۲۰ اکنون از یکایک کتابهای فلسفی فارابی گفتگو کنیم :

۱ - اراء المدينة الفاضله :

این کتاب را دتیرسی فراهم آورده و در لیدن بسال ۱۸۹۵ چاپ گردید و در چاپخانه نیل بسالهای ۱۳۲۳ و ۱۳۲۵ و در چاپخانه سعادت بسال ۱۳۲۴ در مصر

بچاپ رسید .

۲ - ابطال احکام النجوم :

نسخه از این در دفتری نوشته محمود تبریزی شاگرد صدرالدین دشتکی  
میان سالهای ۹۰۳ و ۹۱۹ در کتابخانه حاج سید نصرالله تقوی در تهران هست  
( ذریعه ج ۱ ص ۶۶ ش ۲۲۶ )

۳ - اثبات المفارقات که در دکن بسال ۱۳۴۵ در ۸ صفحه بچاپ رسید و بحث  
در آن خواهد آمد .

۴ - احصاء العلوم : این کتاب را نخستین بار عارف الزین از روی نسخه‌ای

که محمد رضا شیبی در نجف چسسته است در مجله العرفان در جلد چهارم بسال ۱۹۳۱

بچاپ رساند سپس دکتر عثمان امین آنرا با دیباچه و تعلیقات در قاهره بسال ۱۹۳۱

چاپ کرد آنگاه آنکل گونسالس بالنسیا Angel Gonzalez Palencia

در جزء انتشارات دانشکده فلسفه و ادبیات دانشکده مادرید در جلد یازدهم بسال

۱۹۳۲ با دو ترجمه لاتینی ژراردر مونا Gerard de Cromona و دمنیکوس

گوندیسالینوس Domniscus Gundissalinus و با ترجمه اسپانیائی خود در

مادرید بچاپ رساند .

سرانجام باز دکتر عثمان امین از روی نسخه‌های چاپ شده و خطی و ترجمه

لاتینی آنرا بسال ۹-۱۹۴۸ در قاهره چاپ کرد .

احصاء العلوم سه ترجمه لاتینی دارد :

۱- از دمنیکوس گوندیسالینوس که در نیمه نخستین سده ۱۲ مسیحی زنده

بود و از مترجمان بزرگ تازی بلاتینی است وی در کتاب خویش که بنام

De Division Philosophiae میباشد نزدیک بدو سوم از بخشهای احصاء

العلوم را آورد و پاره‌ای مانند ( فصل مربوط بعلم کلام ) را انداخت و در جاهائی هم

بکوتاهی پرداخت .

این ترجمه را گیلیموس کامرارایوس Guiliemus Camerarius استاد

الهی دانشگاه پاریس در آنجا بسال ۱۸۳۸ بچاپ رساند .

۲ - از ژرارد کرمونا که در کرمونا از استان لمبارد یا نزدیک ۱۱۱۴ زاده و در طلیطله بسال ۱۱۸۷ در گذشت و از مترجمان بزرگ تازی بلاتینی بشمار میآمد و ۷۱ کتاب عربی دردانشهای گوناگون را بلاتینی ترجمه کرد وی احصاء العلوم را نیز بلاتینی در آورد و نسخه از آن بنام De Scientiis بشماره ۹۳۳۵ در کتابخانه ملی پاریس هست و پالنسیا آنرا در مادرید بامتن تازی چاپ کرد .

۳ - از یحیی بن داود اشیلی طلیطلی مرده نزدیک ۱۱۵۷ که آنرا بلاتینی کرده و نسخه ای از آن در موزه بریتانیا هست و کامرار یوس آنرا در ۱۸۳۸ بچاپ رساند .

۱۰ احصاء العلوم فارابی را دوبار بعبری ترجمه کردند :

۱ - از کالونیوموس پسر کالونیوموس ( م ۱۳۲۸ ) که گزیده از آنرا بعبری ترجمه کرد و نسخه از آن در کتابخانه De Rossi در بارما بشماره ۴۵۸ و ۷۷۶ هست و موسی بن عزرا ( م ۱۱۴۰ ) از این کتاب بهره برده است .

۲ - ترجمه عبری دیگری از احصاء العلوم که آنرا میش روزنشتاین Mich Rosonstein در بروسلاو بسال ۱۸۵۸ بچاپ رساند .

احصاء العلوم چنانکه از نام آن برمیآید بخش بندی و شمارش دانشها است و دانشمندانی چند در این زمینه کار کردند خواه تنها بشناساندن دانشها پرداخته باشند یا در یک دفتر چندین دانش را آورده باشند . مانند :

۱ - فیلسوف کندی بغدادی کتابی بنام ( کمیة کتب ارسطو و مایحتاج الیه فی تعلیم الفلاسفه ) دارد که در مصر در رسائل فلسفی او بسال ۱۹۵۰ بچاپ رسید و در آن علوم هشتائی و غرض آنها را روشن ساخت .

۲ - اخوان صفا و خیلان وفا با اینکه در رسائل و رساله جامعه از بیشتر دانشهای روزگار خویش سخن راندند در رساله هفتم بخش ریاضی از دانشهای گوناگون گفته و نموده هر یک را شناساندند .

- ۳ - خوارزمی ( م ۳۸۷ ) در مفاتیح العلوم گزیده ای از بسیاری از دانشهای روزگار خویش را با اندازه که يك نویسنده رامی باید آورد .
- ۴ - ابن حزم اندلسی ( م ۴۵۶ ) در (مراتب العلوم و کیفیة طلبها) از بخشهای دانشها سخن راند .
- ۵ - ابوعلی مشکویه رازی ( م ۴۲۱ ) در ( ترتیب السعادات ) که در کنار ( تهذیب الاخلاق او در تهران بسال ۱۳۱۴ بچاپ رسید از نگارشهای علمی ارسطو و دانشهای مشائی گفتگو نمود .
- ۶ - ابوعلی محمد بن هشتم بصری مصری (م نزدیک ۴۳۰) در ( مقالة فیما صنع و صنف من علوم الاوائل ) که ابن ابی اصیبعه در عیون الانباء ( ج ۲ ص ۶-۹۱ ) آنرا آورده است از غرض کتابهای ارسطو یاد کرده و نوشته های خود را که تا پایان سال ۴۱۷ پایان رسانده بود نشان داد .
- ۷ - خواجه رئیس ابوعلی سینا گذشته از اینکه در شفا و دانشنامه علائی و نجات چندین دانش را آورده در رساله ( اقسام العلوم العقلیه ) که در تسع رسائل در مصر بسال ۱۹۰۸ بچاپ رسید بمانند کار فارابی پرداخت وی در آغاز حکمت مشرقی نیز از اینگونه سخنان دارد .
- ۸ - شمس الدین محمد سنجاری ( م ۷۴۷ ) نیز ( ارشاد القاصد الی اسنی المقاصد ) نگاشته و در آن از بخشهای دانشها یاد نمود و این کتاب در بیروت ۱۳۲۲ چاپ شد .
- ۹ - خواجه طوسی رساله کوتاهی بنام ( اقسام الحکمه ) دارد که نسخه از آن بشماره ۱۰۳۳۱ در این کتابخانه هست .
- ۱۰ - قطب شیرازی ( ۶۴۴ - ۷۱۰ ) در ( درة التاج لغرة الدباج ) از چندین دانش فلسفی و عرفانی سخن راند و دو بخش آن در تهران بسالهای ۱۷-۱۳۲۰ و ۱۳۲۴ بچاپ رسید وی در دیباجه آن دانشها را بخش نموده و در خود کتاب منطق و طبیعی و الهی و ریاضی و کلام و فقه و اخلاق و سیاست و تدبیر منزل و عرفان



## و تصوف آورده است

- ۱۱- شهاب الدین احمد مصری قلعشندی در (صبح الاعشی فی صناعة الانشاء) بسیاری از دانشهای را که نویسنده را بکار می‌رود آورده است و این کتاب در مصر بسال ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۰ در ۱۴ جلد بچاپ رسید و خود او آنرا بنام ضوء الصبح المسفر و جنى الدوح المشرکزين و جلد ۱ آن در مصر بسال ۱۳۲۴ بچاپ رسید.
- ۱۲- ابن خلدون اندلسی (م ۷۸۴) در مقدمه خویش بسیاری از دانشهای ادبی و فلسفی و عرفانی را شناسانده و سرگذشت کوتاهی از آنها را آورد.
- ۱۳- مولی محمد آملی در نفائس الفنون او ۱۶۰ علم ۸۵ از علوم او آخر و ۷۵ از علوم او اائل سخن راند.
- ۱۴- طاشکبری زاده (م ۹۶۸) در (مفتاح السعاده) خود در باره دانشهای گوناگون و شناساندن آنها داد سخن داده است و این کتاب در دکن بسال ۱۳۲۸ بچاپ رسید.
- ۱۵- میرفندرسکی استرآبادی (۱۰۵۰) در رساله صنایع از بخشهای گوناگون دانشها یاد نمود و این کتاب در بهمنی با اخلاق ناصری بسال ۱۲۶۷ و در تهران بسال ۱۳۱۷ خورشیدی بچاپ رسید.
- ۱۶- حاجی خلیفه (م ۱۰۶۸) در کشف الظنون که بارها بچاپ رسید گذشته از یاد کردن نام کتابها از بخشهای دانش نیز سخن راند.
- ۱۷- صدیق حسن خان فرما نروای بهوپال هند (م ۱۳۰۷) در (ابجد العلوم) که در چاپخانه صدیقیه در بهوپال هند بسال ۱۸۹۶ بچاپ رسید نیز بچنین کاری پرداخت.
- ۱۸- مولوی تهانوی هندی کشاف اصطلاحات الفنون نوشته و در آن دانشهای را بخش نموده و هر یک را شناسند و این کتاب در کلکته بسال ۱۸۶۲ در دو جلد بچاپ رسید.
- ۱۹- دانشمند شیخ آقابزرگ تهرانی در الذریعه الی تصانیف الشیعه که نگارشهای

دانشمندان شیعی و ایرانی را در آن فهرست میکنند نیز بچنین کاری پرداختند.

- ۲۰ - شهاب الدین احمد نویری (م نزدیک ۷۳۳) نهایة الارب فی فنون الادب خویش را در ۵ فن در علوم طبیعی (آثار علوی و آسمان و جهان و جغرافیای ریاضی و طبیعی) و انسانی (ادب و اخلاق و سیاست) و حیوانی و نباتی و تاریخی در ۳۰ جلد نوشت و ۱۴ جلد آن تا باب ۲ قسم ۴ فن ۵ در مصر ۵ از ۱۳۴۲ تا ۱۳۶۲ بچاپ رسید و باب ۳ تا ۵ قسم ۴ و ۱۲ باب قسم ۵ فن ۵ مانده است.

- در باره بخش بندی دانشها در اروپا فرنیسیس بیکون فیلسوف انگلیسی (۱۶۲۶ - ۱۵۶۱) رای تازه‌ای آورده و علوم را از روی نیروها حفظ و تخیل و تعقل بتاریخ مدنی و طبیعی، شعر منظوم و منثور، فلسفه الهی و طبیعی<sup>۱</sup> و انسانی و ۱۰ اجتماعی بخش نموده است وی در کتاب ارجمنندی و فزونی دانش در این زمینه سخن راند.

- سپس اگوست کنت فیلسوف ریاضی فرانسوی آورنده فلسفه تحقیقی (۱۸۵۷) ۱۷۹۸) در این باره رای دیگری آورده و در کتاب Cours de philosophie positive که از شاهکارهای سده ۱۹ میباشد دانشها را از روی کلیت و سادگی ۱۵ یا پیچیدگی آنها بخش نمود آنگاه هربرت اسپنسر H. Spencer (۱۹۰۳ - ۱۸۲۰) فیلسوف انگلیسی بنیادگذار فلسفه تطور در این زمینه کتابی نگاشته که ترجمه فرانسوی آن بنام Classification des sciences در پاریس بسال ۱۹۳۰ بچاپ رسید وی دانشها را روی مجرد و عینیت رده بندی نموده است

- ۲۰ امروزه در روش شناسی نوین از بخشهای دانشهای بشری کاوش میگردد چنانکه در منطق صوری ارسطو نیز در فن برهان در این زمینه گفتگو میشده است و در همه کتابهای منطقی که بروش پیشینیان نوشته شده این سخن رامیینیم.

ابن ندیم در فهرست (ص ۳۶۸) از این کتاب فارابی بنام (مراتب العلوم)

یاد نمود .

قاصی صاعد اندلسی در طبقات الامم ( ص ۸۴ چاپ مصر ) از احصاء العلوم بسیار ستایش نموده و گفت هیچ دانشجویی از آن بی نیاز نخواهد بود .  
قفطی ( ص ۱۸۲ ) از آن بنام احصاء العلوم یاد کرده و عبارت صاعد را آورده  
است و باز در ( ص ۱۸۳ ) در فهرست نگارشهای او از ( احصاء العلوم ) یاد کرد . ۵

ابن ابی اصیبعه ( ج ۲ ص ۱۳۶ ) نیز همان عبارت صاعد را آورد . باز در ( ص ۱۳۸ )  
از آن بنام ( احصاء العلوم و ترتیبها ) یاد نمود .  
۵ - اغراض مابعد الطبیعه :

این کتاب را دیترسی در المئمه بچاپ رساند و در المجموع للمعلم الثانی سال  
۱۳۲۵ و در هند سال ۱۳۴۳ نیز بچاپ رسید و ابن ابی اصیبعه در فهرست نگارشهای  
فارابی از آن یاد نموده است .  
فارابی در این دفتر مانند کندی و دیگران بدانشهای گوناگون روزگار خود  
اشارتی نموده غرض ارسطو را در دوازده مقاله کتاب الهی نشان داده است .  
این کتاب عبری ترجمه شده و نسخه آن در اکسفورد و لایبتسیک و  
لیدن هست . ۱۵

۶ - الالفاظ الافلاطونیه و تکوین السیاسة الملوكية و الاخلاق :

این کتاب در کتابخانه ایاصوفیا بشماره ۲۸۲۰ هست .

۷ - بغية الامال فی صناعة الرمل و تقویم الاشکال یا الحیل الروحانیة و الاطیار

الطبیعیة فی دقائق الاشکال الهندسیة : از ابن کتاب نسخه ای در اوپسالا بشماره ۳۱۷ ۲۰

و در بادلیان ( I.956 ) هست و از فارابی دانسته شد ولی در صحت انتساب آن  
شک کردند زیرا فارابی در « نکت » ستاره شماری و احکام نجوم را نکوهش نموده  
و بی پایه اش دانست وی میگوید :

- « میتوانیم در برابر حوادث جهان و سرگذشت‌های مردم که بد و نیك و زشت و زیبا و ستوده و نکوهیده و سودمند و زیانبخش در آنها هست بچیزهایی مانند جنبشها و رفتارهای جانوران و آوازهای پرندگان یاسخمانی که بنگارش در آید یا تیرهاییکه پیراکنند یا نام‌هایی که یاد کنند یا جنبش و گردش ستارگان و مانند اینها بنگریم آنگاه می‌بینیم که اینها با آنهاگاهی یکنواخت و سازگار درمی‌آیند و گاهی در اینها بنام‌هایی برمیخوریم که مایه شگفتی است مگر اینکه اینگونه هماهنگی همیشگی نیست و خردمند نباید بدان بنگردد و درستش بداند و کودکان و فرومایگان و آنانکه روی برخی از رنجها و بیماریهای روانی مانند کامپرستی و خشم و اندوه و ترس و سرخوشی و مانند اینها از خرد و هوش آنها کاسته شد بدینها می‌نگریند » پس بسیار دور است که کتاب یاد شده از آن فارابی باشد
۱۰. ۸- پیدایش دانش (de ortu scientiarum) : بروکلن میگوید که بالینی است و نسخه آن در پاریس بشماره ۶۲۹۸ و بادلیان بشماره ۵۶۲۳۲۹ هست . وی باز رساله دیگری در فهرست خویش ( ج ۱ ص ۲۳۵ شماره ۹ D ) از فارابی بنام Alfarabi de tempore نشان میدهد
۱۵. ۹- تحصیل السعاده :
- این کتاب در دکن بسال ۱۳۴۵ بچاپ رسید و در کتابخانه مصر بشماره ۱۲۰ ( حکمت ) بنام ( رسالة فی السعاده الموجوده ) هست و بعضی نیز در آمده است .
- ۱۰- التعليقات :
- این رساله در دکن بسال ۱۹۴۶ بچاپ رسید و با تعلیقات خواجه رئیس ابوعلی سینا بی رابطه نیست و گویند که شاید آنرا از کتابهای گوناگون فارابی فراهم آورده باشند .
۲۰. ۱۱- تفسیر اسماء الحکماء : بروکلن ( ج ۱ پیوست ص ۳۷۷ شماره ۱۶ D ) از آن یاد میکند .
- ۱۲- تلخیص نوامیس افلاطون :
۲۵. این کتاب در لیدن بشماره ۱۴۲۹ هست .



۱۳ - التنبیه علی اسباب السعاده : این رساله بعبری ترجمه شده و نسخه از آن بشماره ۷۷ درموزه بریتانیا هست .

۱۴ - التنبیه علی سیل السعاده یا رساله السعاده :

این کتاب در دکن بسال ۱۳۴۶ چاپ شده و ترجمه عبری دارد که درموزه بریتانیا بشماره ۴۲۵ هست .

۱۵ - الجمع بین الرايين :

این کتاب چندین بار بچاپ رسیده است : ۱ - درالثرمه دیترسی بسال ۱۸۹۰ .

۲ - درالمجموع للمعلم الثاني بسال ۱۹۰۷ درمصر و نیز چندبار دیگر درهمانجا

۳ - درهائش شرح حکمت الاشراف چاپ تهران بسال ۱۳۱۵ ص ۵۳۷ تا پایان کتاب .

فارابی درین کتاب کوشید که میان رایهای افلاطون و ارسطو سازش دهد . آنرا

بنام ( کتاب فی اتفاق آراء ارسطوطاليس و افلاطون ) نیز خوانده اند و از نگارشهای

فارابی ( کتاب الفلسفتين ) نیز نام برده اند که شاید همین کتاب باشد . فارابی دوست

نداشت که میان دانشمندان نامازگاری باشد چنانکه دو کتاب دیگر مانند اینها

در فهرست نگارشهای او یاد کرده اند : ( کتاب فی اتفاق آراء بقراط و افلاطون )

و ( کتاب التوسط بین ارسطو و جالینوس ) - فارابی ارسطو را بسیار بزرگ میداشت

این بود که از جالینوس و یحیی نجوی خرده گرفته و دو کتاب ( الرد علی جالینوس

فیما تارله من کلام ارسطو علی غیر معناه ) و ( الرد علی یحیی النجوی فیما رد به علی

ارسطوطاليس ) نوشته است .

فیلسوف سید داماد استرآبادی نیز از فارابی پیروی کرده ( رساله فی مذهب

ارسطوطاليس ) را نگاشته و در آن گفته که افلاطون جهان را حادث دانسته ولی

سخن ارسطو روشن نیست ولی فارابی در این رساله هر دو را همراهی پنداشت .

۱۶ - جوامع السیر المرضیه فی اقتفاء الفضائل الانسانیة :

از این کتاب يك نسخه درلیدن بشماره ۱۹۳۲ هست و شاید همان ( السیره الفاضلة )

باشد که در فهرستها یاد کردند زیرا مورخان نامی از این کتاب نبرده اند .

# ۱۷- جوامع کتب النوامیس لافلاطون :

نوامیس افلاطون را حنین و یحیی بن عدی ترجمه کردند و فارابی مانند جالینوس که بر برخی از نگارشهای افلاطون جوامع نوشته و تنها ترجمه تازی آنها در جهان هست ، از این کتاب گزین کرده است و نسخه آن درلیدن بشماره ۱۴۲۹ هست .

## ۱۸- الحیل الروحانیة و الاسرار الطبیعیة فی دقائق الاشکال الهندسیة :

نسخه آن در اوپسالا بشماره ۳۲۴ هست :

## ۱۹- الدعای القلییة المنسوبة الی ارسطو مجردة عن الحجج :

این رساله دردکن بسال ۱۳۴۵ بچاپ رسید فارابی در این کتاب بیشتر مسائل الهی و طبیعی نحله مشائی و نوپلاتونی را فهرست وار یاد میکند و دلایل آنها را ۱۰ نمیاورد و یخوبی میرساند که مسائل فلسفی که بدان شمندان خاوری رسیده کدامند . ۲۰- رساله فی الاخلاق .

## ۲۱- رسالة افلاطون فی ردمن قال بتلاشی الانسان .

## ۲۲- رسالة فی التصوف .

## ۲۳- رسالة فی تعریف الفلاسفة : بروکلمن (ج ۱ ص ۲۳۲ شماره های ۱۸ و ۱۵

و ۱۹ و ۲۰ D و ص ۲۳۶ شماره ۲ F) نسخه هائی از این چهار رساله را نشان میدهد که هست .

## ۲۴- رسالة فی تفسیر کتاب المدخل فی صناعة المنطق : بروکلمن دو نسخه

با نشانه (A8 ۴۸۵۴/۵ و A8 ۴۸۳۹) نشان میدهد .

## ۲۵- رسالة فی تقسیم الواحد .

## ۲۶- رسالة فی حدوث العالم : نیز وی از این دو رساله یاد نموده و گفته که

دومی در رامپور بنشانه (L303,1575) هست .

## ۲۷- رسالة الحروف .

ابن ندیم در فهرست درسر گذشت فارابی ص ۳۶۸ نامی از این کتاب نبرد ولی

قفطی در تاریخ الحكماء ص ۱۸۴ نام (تعليق کتاب الحروف) را برده است . ابن ابی ۲۵

- اصیبعه (ج ۲ ص ۱۳۹ س ۲ و ۲۶ و ۳۰) از سه کتاب فارابی یاد میکند: ۱- (الافاظ والحروف) ۲- (کتاب فی اغراض ارسطوطاليس فی کل واحد من کتبه) ۳- (مقالة فی اغراض ارسطوطاليس فی کل مقالة من کتابة الموسوم بالحروف وهو تحقیق غرضه فی کتاب ما بعد الطبیعه). دوم وسوم این کتابها همان است که در لیدن و مصر و هند بچاپ رسیده است و نخستین آن همان است که بروکلن (پیوست ج ۱ ص ۷-۳۷۶) درباره آن بکتاب المزهر سیوطی<sup>(۱)</sup> بازگشت داد و گویا نسخه ای از آن در کتابخانه ها نباشد بجز همین (رسالة الحروف) این کتابخانه و از آنچه که سیوطی در المزهر (چاپ عیسی البابی الحلبي در مصر جزء ۱ ص ۲-۲۱۱) از این کتاب میاورد پیدا است که نسخه (رسالة الحروف) ما همان (الافاظ والحروف) فارابی میباشد.
- ۱۰ سیوطی مینویسد که ابونصر فارابی در (الافاظ والحروف) میگوید: قریش شیواترین مردم عربستان هستند و زبان تازی تنها از دودمانهای قریش و قیس و تمیم و اسد و هذیل و کنسانه و طی گرفته شده نه از شهرنشینان و بیابان گردانی مانند خاندانهای لخم و جذام همسایه بصریان و قبطیان و از قضاغه و غسان و ایاد همسایه شامیان که بیشتر ترسا و عبری خوانند و نه از تغلب و یمن که در جزیره زیست میکنند و همسایه یونان هستند و نه از بکر همسایه قبطیان و پارسیان و نه از عبدالقیس و ازد عمان که در بحرین بوده و با هندیها و پارسیان آمیزش دارند و نه از یمنیان آمیخته با هندیان و حبشیان و نه از بنی حنیفه و یمامیان و ثقیف و طایقیان که با بازرگانان یمن آمیزش میکنند و نه از شهرنشینان حجاز زیرا زبان اینها را آوردندگان زبان تازی آمیخته با زبانهای بیگانگان و تباه شده یافتند. آنانکه زبان تازی را آوردند و نگارشها در آن دارند و آنرا هنر و دانشی ساختند تنها همان بصریان و کوفیان میباشد.
- ۲۰

این سخن را در این رسالة الحروف فارابی (نسخه این کتابخانه برك ۲۴) می بینیم این فیلسوف نخست قاعده کلی بدست میدهد و میگوید: زبان پاك و سره را باید از بیابان گردان و خانه بدوشان که با بیگانگان نمیآمیزند گرفت نه از دهگنان

(۱) بروکلن بدین نشانه (21 و 728) با کتاب بازگشت داده است



و شهرنشینان چنانکه درباره زبان تازی همین کار را کردند و بصریان و کوفیان از سال ۹۰ تا سال ۲۰۰ زبان تازی شیوا و رسا را ازیبایان گردان میان خاك عربستان که بیشتر مردم گریز و درشتخوی بودند و کمتر فرمان می بردند و از دیگران پیروی نمی کردند گرفتند و اینها دودمانهای قیس و تمیم و اسدوطی و هذیل هستند و دیگران که با بیگانگان از حبش و هندی و پارسی و سریانی و شامی و مصری رفت و آمد داشتند زبان آنها آمیخته است و سره نیست .

از برابر کردن سخن فارابی و گفتار سیوطی پیداست که وی گفته فارابی را گسترده و مشروح آورده است نه اینکه همان گفته او را در اله زهر گنجانده باشد. فهرست نگار گفتاری بنام (تألیف زیك ارسطو و رسالة الحروف فارابی) در مجله جلاوه سال ۱ شماره ۲ تاریخ مرداد ماه سال ۱۳۲۴ خورشیدی ص ۷۶-۸۲ نگاشته و اندکی آنرا شناساند. این کتاب گرانها گذشته از مطالبهای دقیق فلسفی و تاریخی که دارد از چندین اصطلاح فلسفی گفته گو میکند و با شرح آنها دشواریهای الهی ارسطو را بر میدارد و گویا همین کتاب باشد که خواهی بود علی سینا در سرگذشت خویش از آن نام برده و گفته که آنرا خریده و خوانده و دریافت سخنان ارسطو برای او آسان گردید اگر چه در سرگذشت شیخ که خود برای جوزجانی املا نموده است چنین آمده است: (کتاب ابی نصر الفارابی فی اغراض ما بعد الطبیعه) و نامی از رسالة الحروف برده نشد .

شاید چون بکتاب الهی ارسطو (کتاب الحروف) می گفته اند این رساله هم که تعلیقی است بر آن چنین نامیده شده باشد .

چنانکه یاد شد این کتاب شامل تعریف و بررسی پاره ای از اصطلاحات فلسفی است و گفتگو درباره اصطلاحات فلسفی و شناساندن آنها را نخستین بار در (تعلیقی) می بینیم که با فلاطون نسبت داده اند گر چه بسیاری از آنها از نحله های مشائی و رواقی و الثانی می باشد ولی چندین تعریف را از کتابهای افلاطون گرفته و با سخنان دیگران یکجا فراهم آورده اند و بسیاری از آنها را دیو گنوس لائرسیوس با فلاطون نسبت داده



است. ترجمه فرانسوی این (تعریفات) در جلد ۸ دوره کتابهای افلاطون در مجموعه Budé بسال ۱۹۳۰ با متن یونانی به چاپ رسید و مترجم آن J. Souilhé می باشد و باز هم E. Chambry آنرا ترجمه کرده در جلد ۸ دوره کتب او بسال ۱۹۳۹ چاپ شد این دو مترجم در دیباچه و حاشیه تعریفات تاریخ و منشأ آنرا نشان داده اند پس از افلاطون چنانکه پیش گفته ایم ارسطو در دفتر دلتا ( دال ) ازالهی از الفاظ فلسفی کاوش نموده است و مانا پایه کار فارابی همین کتاب باشد.

در میانه دانشمندان خاوری کندی بغدادی کتابی در حدود نوشته که در جزء ۱۰ رسائل او بسال ۱۹۵۰ چاپ شد باز اخوان صفا در رساله دهم قسم ۳ (نفسانیات عقلیات) اصطلاحاتی را تعریف کردند پس از اینها شیخ رئیس در رساله حدود الفاظی را تعریف نمود که پیش یاد گردید.

میر سید شریف گرگانی نیز کتابی بنام تعریفات دارد که در قاهره بسال ۱۲۸۳ به چاپ رسید.

مندرجات رساله حروف فارابی بجای خود گزارش داده خواهد شد. اکنون ببینیم دانشمندان پیشین چه آگاهی از این کتاب داشته اند: ابن رشد اندلسی گویا همین رساله را درست داشته که در تهافت التهافت در مسئله هفتم (چاپ بوئیر در بیروت بسال ۱۹۳۰ ص ۳۷۱) میگوید: فارابی در کتاب الحروف روشن نمود که مراد از « موجود » معنی اشتقاقی آن نیست بلکه مترجمان از آن معنی « ذات » و « شیء » میخوانند نه معنی عرضی و چون در زبان تازی لفظ دیگری نیافتند کلمه « موجود » مشتق را در این معنی بکار بردند. برخی برای رساندن این معنی کلمه « هویت » را از « هو » ساختند ولی این تکلفی بیش نیست.

این مطلب در بحث از وجود و موجود برک ۱۵ و ۱۶ کتاب الحروف نسخه این کتابخانه یافت میشود و فارابی در اینجا میگوید در زبان تازی لفظی نیست که بجای « هست » فارسی و « استین » یونانی و « استی » سغدی آورده شود ناگزیر برخی بجای آن « هو » را بکار برده و از آن « هویت » درست کردند و برخی دیگر بجای آن « موجود » مشتق را بکار بردند از اینجا است که می پندارند « موجود »

فلسفی مشتق و عرضی است. باز میگوید من رو امیدارم هم « هو » و هم « موجود » بکار برند ولی باید « هو » را ادات دانست نه اسم. فارابی در اینجا داد سخن را میدهد و آنچه بایست میگوید و پیداست که ابن رشد آنچه گفته است از وی گرفت باز ابن رشد در تفسیر مابعدالطبیعه دفتر دال (ج ۲ ص ۵۵۷-۸ چاپ بوئیز) و در جامع مابعدالطبیعه مبحث موجود و هویت (چاپ دکن ۱۳۶۵ ص ۱۰-۲۱) همین سخن را آورد.

فارابی در (فصول یشتمل علی جمیع مایضطر الی معرفته من اراد الشروع فی صناعة المنطق) باز بهمین آوردن « هو » بجای « است » اشاره ای نمود و گفت: « يقوم مقام الكلمة الوجودية فی الحاضر هذه اللفظة ».

پس از ابن رشد سعد تفتازانی در شرح شمسیه خود سخن فارابی را در رابطه بودن « هو » در قضیه حملیه عربی آورد<sup>(۱)</sup> وی در تهذیب المنطق خویش در آغاز مقصد دوم میگوید: « قد استعیر لهما هو » و شهابادی در حاشیه خود بر این کتاب آشکارا این مطلب را بقارابی نسبت میدهد مانا همین کتاب حروف را در دست داشته بود. قطب رازی در شرح مطالع سخن رئیس (در شفا فصل ۶ مقاله يك فن عبارت منطقی) را در اینکه « هو » رابطه قضیه در زبان تازی است میآورد و میگوید که این لفظ ضمیر است و ربطی را نمی رساند و رابطه در زبان تازی همان اعراب می باشد و اگر قضیه ای از دو لفظ مبنی ساخته شود ثنائی و گر نه ثلاثی خواهد بود. رازی در اینجا اشاره ای بگفتار فارابی ندارد<sup>(۲)</sup>. سخن رازی درست نیست زیرا همین اعراب در زبانهای دیگر مانند یونانی و جز آن هست و رابطه غیر زمانی در قضیه حملیه هم دارند.

۲۸- رسالة فی الحکمة : برو کل من از این رساله یاد نمود.

۲۹- رسالة فی السیاسة :

۶- بنقل عید الرحیم در حاشیه بر حاشیه شهابادی چاپ تهران سال ۱۲۸۰ در هامش همین حاشیه - نیز دیده شود شرح شمسیه تفتازانی برک ۴۶ نسخه شماره ۲۹۱ دانشگاه تهران ولی نامی از فارابی نمیبرد. تفتازانی پس از آوردن این سخن از آن خرده گیری کرد و اعراب را رابطه دانست و از قطب رازی که در شرح شمسیه گفته که در زبان پارسی رابطه همیشه هست نیز خرده گرفت و گفت رابطه در قضیه ای که محمول آن فعل باشد لازم نیست  
۲۵- دیده شود. شرح مطالع فصل ۲ باب ۱ قسم ۲ (اکتساب تصدیقات)

از این رساله نسخه‌ای در واتیکان رم هست که اب شیخو از روی آن بچاپ رسانده است و در کتابخانه دانشگاه مصر نیز نسخه از آن هست. از این (رسالة السياسة) باره در سال ۱۲ مجله (الطبيب) و همه آن در مجله (المشرق) سال ۱۹۰۱ چاپ شد.

### ۳۰- رسالة في العقل :

ابن ابی اصیبعه (۶۰۰ = ۱۲۰۳ - ۶۶۸ = ۱۲۷۰) (ج ۲ ص ۱۳۹ س ۹) از دو کتاب یاد میکند (کتاب فی العقل کبیر و کتاب فی العقل صغیر) ولی در دیگر فهرستها یکی یاد گردید و در نسخه‌های چاپی و خطی بجز نسخه فایح که بوئیتز بچاپ رساند در پایان، مبحث بود عقل فعال و عقول فلکی را ندارد و گویا چون با عقیده متکلمان نمیساخت از نسخه‌ها برداشتند ولی بایستی جزء نسخه باشد و اگر نه مطلب ناقص میماند این افزوده تنها در ترجمه‌های لاتینی و عبری سده‌های میانی دیده میشود این رساله را يك ترجمه لاتینی است کامل که مترجم آن شناخته نشد و گویا از سده ۱۳ و ۱۴ باشد و نسخه‌ای از آن در برسلو هست و دو ترجمه عبری یکی تلخیص یداعیا پنینی Jedaja Pennini فیلسوف یهودی (۱۲۷۰ - ۱۳۴۰) نسخه پاریس ۹۸۴ عبری . دومی ترجمه کالونیموس بن کالونیموس در ۲۷ آوریل سال ۱۳۱۴ م که نسخه از آن در لایبتسیک شماره ۳۹ هست و نیز در مونیخ بشماره ۱۲۵ عبری. ترجمه لاتینی که در سده ۱۳ و ۱۴ شده در ۱۴۹۵ و در ۱۵۰۰ و یکبار دیگر در مجموعه از فلسفه ابن سینا و نیز در ۱۶۳۸ بچاپ رسید.

از فلاسفه یهودی هلال بن صموئیل و اسحق لطیف در سده ۱۳ و لاوی بن جرشون در سده ۱۴ و ابراهام ییاجو و یوسف بن سنتوب در پایان سده ۱۵ بر این رساله تعلیق نوشتند.

چنانکه گفته شد این رساله بلاتینی ترجمه شده است و ماسینیون آن را با متن تازی برابر ساخته سپس بفرانسه ترجمه کرده و در جلد ۴ Archive d'histoire doctrinal et litteraire du Moyen Age به چاپ رسید.

۲۵ ربانی جوان میکائیل روشن شتاین Mich Rosostein ترجمه عبری و لاتینی



این رساله را در برسلو بسال ۱۸۵۸ بچاپ رساند و ترجمه عبری دیگری از آن که شاید از سموئیل بن تیبون (۱۲۳۰ - ۱۱۵۰) باشد در پاریس هست (بشماره ۱۸۵ عبری) این رساله در (الثمره) دیترسی و در مصر بسال ۱۹۰۷ سه بار و نیز یکبار در ۱۳۲۷ چاپ شد و نسخه کامل آنرا موریس بوئیر از روی نسخه کتابخانه فاتح در اسلامبول مورخ ۵۹۰ در چاپخانه کاتولیکی بیروت بسال ۱۹۳۸ بچاپ رساند و از این بخش که برپایان رساله افزوده است و باندازه شش صفحه میباشد در دلالة الحائر بن موسی بن میمون فیلسوف یهودی (۵۲۹ = ۶۰۱ - ۱۱۳۵) آمده است (بخش ۲ فصل ۱۸ چاپ مونک در پاریس ۱۸۶۱ ج ۲ برک ۳۷ ب س ۱۰-۱۳ متن وص ۱۳۹ ترجمه).

۱۰ - ۳۱- رساله فی العالم الالهی در کتابخانه تیمور (۱۷ حکمت) هست

۳۲- رساله فی علم الفلسفه : برو کلمن از این رساله یاد میکند .

۳۳- رساله فی علم الفراسة :

نسخه ای از آن در کتابخانه مجلس بشماره ۶۳۴/۶ (ج ۲ فهرست ص ۳۹۶

هست .

۱۵ - ۳۴- رساله فی ماهیة الروح : لطفی مینویسد (ص ۱۸) که نسخه از آن هست .

۳۵-۳۶- رساله فی ماهیة النفس : از این رساله نسخه ای در بودلیان بشماره

(۱۹۸۵) هست و عبری نیز ترجمه شده است و نیز رساله ای بنام (شرح رساله النفس

لارسطوطاليس) در رامپور هست .

۳۷ - رساله الماهیة والهویة : نسخه ای از آن در کتابخانه مجلس بشماره

۶۳۴/۴ (ج ۲ فهرست ص ۳۹۵) هست که همان فصوص الحکم میباشد .

۳۸- السیاسات المدنیة یا مبادیء الاجسام یا مبادیء الموجودات .

این کتاب در بیروت بسال ۱۹۰۲ و در دکن بسال ۱۳۴۶ بچاپ رسید و عبری

نیز ترجمه شده و گویا موسی بن طیبون آنرا ترجمه کرده و نزدیک بسال ۱۲۴۸ م

پایان رسانده باشد . موسی بن میمون فیلسوف بزرگ یهود (۵۲۹ - ۶۰۱) در

«دلالة الحائرین» از آن یاد کرد و بشاگرد خود ابن طیبون سپرد که در فلسفه جز آنرا



نخواند و ترجمه عبری آن در کتابخانه پادشاهی در سه نسخه گوناگون هست و M. Philippowski آنرا در مجموعه‌ای که بدان Sepher ha AsiPh نام داده بسال ۱۸۴۹ در لایپسینگ بچاپ رساند (دائرة المعارف اسلامی) و متن عبری با آنچه را که قاضی صاعد اندلسی (۴۲۰ - ۴۶۲) در طبقات الامم (چاپ مطبعه سعادت مصر بی تاریخ ص ۸۵) درباره السياسة المدینه گفته است سازگار میباشد.

۵. فارابی در این کتاب نخست از شش مبدء (سبب نخستین - سببهای دوم - عقل فعال - نفس - صورت - ماده) یاد میکند و رشته سخن را از جهانشناسی بشناخت مردمی میکشاند تا اینکه باخلاق و سیاست میرسد و مانند (اراء المدینه الفاضله) از مدینه فاضله و اضداد آن گفتگو میکند و پیداست که از جمهوری افلاطون بسیار متأثر است.

۳۹- شرح رسالة الملا الاعلی لزینون یا شرح رسالة فی العلم الاعلی لزینون الکبیر الیونانی :

این کتاب دردکن بسال ۱۳۴۹ بچاپ رسیده و در آغاز آن فارابی میگوید از زینون بزرگ شاگرد ارسطو و از شیخ یونانی (پلوتینوس) نگارشهایی دیدم که ترسیان شرحها بر آن نوشتند مگر اینکه چیزهایی از آنها کاستند و چیزهایی بر آنها افزودند و من چنانکه بر یک شارحی می باید بر آنها شرح نوشتم و نخستین آنها رساله زینون بزرگ یونانی است آنگاه سخنان زینون را که از شش چیز کاوش میکند : (خداشناسی - شناخت صفات او - بستگی آفریدگان باو - درباره پیامبری - درباره دین و آئین - درباره روز رستاخیز) کزین کرده گزارش میدهد این کتاب بروش مشائیان اسکندرانی نوشته شده است.

۲۰. در تاریخ الحکماء شهرزوری (برک ۹۳-۹۵ شماره ۸۵۶ و ترجمه پارسی آن بشماره ۴۲۷ برک ۱۱۶ ب تا برک ۱۱۹ ب و ترجمه آن از دردی بخش ۱ ص ۴- ۱۸۰ و ترجمه گزیده آن بشماره ۲۸۳ برک ۳۳ ب ۳۴ ب) و در محبوب القلوب قطب الدین محمد بن شیخعلی شریف دیلمی لاهیجی (چاپ ایران بسال ۱۳۱۷ ص ۸- ۱۳۴) سرگذشت زینون آمده و پیداست که از آن زنون الثانی را میخواهند

زیرا در تاریخ فلسفه از سه تن فیلسوف بنام زنون یاد کرده اند :

- ۱- زنون Zenon الثائی که در النامیان ۴۸۵ و ۴۹۰ پیش از مسیح زاده و از آزاریکه جبار شهر وی در باره او رواداشت در گذشت وی شبهائی دارد که فارابی در کتاب مغالطه «اللاوسط» برخی از آنها را آورده است .
- ۲- زنون رواقی که در سیتیم Citium قبرس نزدیک بسال ۳۶۲ پیش از مسیح زاده و در آن نزدیک بسال ۲۶۰ در گذشت . وی یکی از فلاسفه رواقی میباشد .
- ۳- زنون سیدونی که در نزدیک بسال ۱۰۰ پیش از مسیح رهبری دسته اپیکوریان را داشته و استاد سیسرون و فیلودمس بوده است .
- فارابی در این کتاب که درست از فلسفه نوبلاتونی که رنگ اسلام گرفته است گفتگو میکند گویا از زنون همان دانشمند رواقی را میخواهد مگر اینکه برخی از مسائل مانند نبوت از کلام یهودی و مسیحی و اسلامی بر آن افزوده شده است .
- ۱۰- لاهیجی دو فصل اخیر این شرح فارابی را در محبوب القلوب آورده و از سخنانیکه شهرزوری از وی دانسته بر آن افزود
- ۴۰- شرح المجسطی .
- ۱۵- در موزه بریتانیا بشماره (۷۳۶۸) خاوری) هست .
- ۴۱- شرح المستغلق من مصادرة المقالة الاولى والخامسة من اوقليدس :
- این کتاب را موسی بن طبون نزدیک بسال ۱۲۷۰ م بعبری در آورد و نسخه ای از آن در کتابخانه مونیک بشماره ۳۶ و ۲۹۰ هست .
- ۴۲- شرح مقالة الاسكندر الافروديسي في النفس على جهة التعليق :
- نسخه ای از این در کتابخانه بادلیان اکسفورد بشماره ۸۹۰ و در برلین بشماره ۲۰ ۴۱۷۸ هست .
- ۴۳- عیون المسائل علی رای ارسطوطاليس .
- ابن ابی اصیبعه ( ج ۲ ص ۱۴۰ ) میگوید که این کتاب دارای ۱۶۰ مسئله ارسطاطاليسي است این کتاب در لیدن در النمره دیتریسی بسال ۱۸۹۰ م در مطبعه السعاده مصر بسال ۱۳۲۵ و در المجمع و در مکتبه سلفیه مصر بسال ۱۳۲۸ چاپ شد و نسخه ۲۵

چاپی مصر دارای ۲۲ مسئله میباشد و دیترسی و المجموع نیز آنرا در ۲۲ بند گذارده اند و يك بار دیگر نیز در مصر با دو رساله دیگر به چاپ رسید و در ۲۴ بند گذارده شده است و از چاپهای دیگر در جدا کردن مسائل بهتر است .  
۴۴- الفصوص .

۵ ابن ندیم (۲۹۷-۳۸۵) در فهرست و قاضی صاعد اندلسی (م ۴۶۲) در طبقات الامم و بیهقی (م ۵۶۵) در تتمه صوان الحکمه و قفطی (۵۶۸-۶۴۶) در تاریخ الحکماء (و ترجمه آن بشماره ۴۲۴ بر گهای ۱۲۲ و ۱۲۳) و شهرزوری در نزهه الارواح و روضة الافراح ( نسخه شماره ۸۵۶ برک ۱۳۱-۱۳۲ و ترجمه پارسی آن بشماره ۴۲۷ برک ۱۶۹ تا برک ۱۷۱ در این کتابخانه و همچنین ترجمه دري از آن ص ۳۶- ۴۰ بخش ۲) و ابن ابی اصیبعه (۶۰۰-۶۶۸) در عیون الانباء و ابن خلکان (۶۰۸-۶۸۱) در وفيات الاعیان از کتاب فصوص الحکمه یاد نکرده اند و خوانساری (م ۱۳۱۳) در روضات الجنات نیز از آن یاد نمود تنها حاجی خلیفه کاتب چلبی (۱۰۱۰-۱۰۶۸) در کشف الظنون از فصوص فارابی و شرح آن یاد کرده است .

شهاب الدین یحیی بن خبیش سهروردی تعلیقی بر فصوص دارد بنام عجائب النصوص فی تهذیب الفصوص. فصوص الحکم را امیر سید اسمعیل حسینی شام غازانی تبریزی (م ۱۸۴ مجرم ۹۱۹ در ۶۹ سالگی) شاگرد دوانی بنام سلطان یعقوب بهادر خان بایندری آق قوینلو (۱۱۸۳-۱۱۹۶ صفر ۸۹۶) شرح کرده و در نیمه روز آدینه ۲۵ ربیع دوم سال ۸۹۶ آنرا بیایان رساند . این شرح در تهران بسال ۱۳۱۸ به چاپ رسید و نیز در چاپخانه العامر در ۱۲۹۱ به چاپ رسیده است و همان است که هورتن Horten بر آن تعلیقی نوشته و بسال ۱۹۰۶ چاپ نمود . ۲۰

ابو جعفر محمد تقی استرآبادی (م ۱۰۵۸) نیز فصوص الحکمه را شرح نموده و در ۱۰۵۶ آغاز کرده ولی آنرا بیایان نرساند و نسخه از آن بشماره ۸۳۵ در کتابخانه آستانه طوس هست و شرح دیگری هم بشماره ۸۳۶ در آن کتابخانه هست که آغاز و انجام ندارد و گمنام است (فهرست طوس ج ۴ ص ۱۸۷-۱۸۹) در المجموع للمعلم الثاني . . . القارابی چاپ چاپخانه سعادت در مصر بسال ۱۲۲۵ در ص ۱۱۵-۱۷۶ ۲۵



- گزیده‌ای از شرح تبریزی بچاپ رسیده است که سید محمد بدرالدین حلبی عبارات تبریزی را جسته جسته گرفته و گرد هم آورده بدان نام (نصوص الکلم علی کتاب فصوص الحکم) داده است وی از شرح تبریزی بسیار را انداخت و در آغاز و انجام گزیده خود می‌رساند که این شرح از وی نیست و او تنها گزین نموده است و از برابر کردن دو نسخه چاپ ایران و مصر این امر آشکار خواهد بود - شرحی قطب شیرازی بر فصوص نوشته که در رامپور هست (بروکلمن ج ۱ ص ۲۳۵ شماره D۷) شکفت این است که بند ۳۰ تا بند ۵۰ فصوص (در شماره گذاری دتیرسی) درست همان رساله (القوی النفسانیة و ادراکاتها) است که بخواجه ابوعلی سینانسیب داده‌اند و در تسع رسائل در مصر سال ۱۰۹۸ و در مجموع رسائل در مصر سال ۱۳۲۸ بچاپ رسید.

۱۰

از دانشمندان سید داماد (م ۱۰۴۱) است که در قبسات (قبس ۱۰) صفحه ۲۹۹ چاپ ۱۳۱۵ ایران بند ۱۱ از فصوص فارابی (فصانفذالی الاحدیة تدش الی الابدیة . . . جرى القلم علی اللوح بالخلق) را می‌آورد و نیز در قبس یکم (ص ۱۴) بند ۳ آنرا آورده است: «المیة المملولة لها عن ذاتها ان لیست ولها عن غیر ان توجد . . . فهی محدثة لا بزمان تقدم» (۱)

۱۵

- پس از وی صدرالدین شیرازی در مبدء و معاد در مقاله ۱ فن ۱ (ص ۲۹ چاپ تهران سال ۱۳۱۴) پاره‌ای از بند ۲۲ فصوص فارابی: (ان لك منك غطاء افضلا عن لباسك من بدنك) را آورد ولی در مقاله ۲ آن (ص ۵۳) عبارت (وجود کله و جوب کله علم کله قدرة کله حیوة کله . . . را می‌آورد و بفارابی نسبت می‌دهد و نامی از فصوص نمی‌برد مگر اینکه این عبارت در نسخه‌های چاپی فصوص دیده نشده اگر چه بسیار شبیه بسبک فصوص می‌باشد. (۲)

۲۰

#### ۴۵- علوم المسائل و نتائج العلوم:

بروکلمن (ج ۱ ص ۲۳۵ شماره ۲۳ D) از آن یاد کرد.

۱- دیده شود، فصوص چاپ دتیرسی ص ۶۷-۶۹ و در المجموع ص ۱۲۸-۱۳۵

۲۵

۲- دیده شود فصوص چاپ مصر ص ۱۴۳ و چاپ برلین ص ۷۱



۴۶- الفصول : در بودلیان ( I, 102 ) نسخه ای از آن هست و عبری نیز ترجمه گردید .

۴۷- فی مسائل متفرقه :

ابن ابی اصیبعه ( ج ۲ ص ۱۴۰ ) از آن بنام (جوابات امسائل سئل عنها) یاد میکند و میگوید که دارای ۲۳ مسئله میباشد و دیترسی آنرا درالثره بسال ۱۸۹۰ در ۴۰ بند بچاپ رساند و در دکن بسال ۱۳۴۴ در ۳۱ پرسش و پاسخ و ۵ فصل و چندین بند دیگر که درست جدا نشده است چاپ گردید و نیز در مصر بسال ۱۹۱۷ بچاپ رسید .

۴۸- کتاب فی علم المزاج :

برو کلمن از آن با نشانه ( Landberg Brill 1484 ) یاد میکند . ۱۰

۴۹- کتاب الملة الفاضله : نسخه از این در کتابخانه تیمورپاشا بشماره ۲۹۰ اخلاق هست .

۵۰- کلام فی العلم الالهی : نسخه خطی آن در کتابخانه تیمورپاشا بشماره ۱۱۷ حکمت هست .

۵۱- ماینبغی ان یقدم قبل تعلم الفلسفه : این کتاب بارها بچاپ رسیده و ترجمه عبری نیز دارد . ۱۵

۵۲- المقالات الرفیعه فی اصول علم الطبیعه : برو کلمن ( ج ۱ ص ۲۳۴ شماره ۵ C ) نسخه ای از این رساله را نشان میدهد که هست .

۵۳- مقالة الاسکندر الافرویدیسی : برو کلمن ( ج ۱ ص ۲۳۵ شماره ۲۲ D ) مینویسد که در پاتنا هست و در شمار نگارشهای فارابی میاورد . ۲۰

۵۴- مقالة فی وجوب صناعة الکیمیاو الرد علی مبطلیها : نسخه از این درلیدن بشماره ۱۲۷۰ و در برلین بشماره ۴۱۷۸ هست .

۵۵- الملتقطات لافلاطون : نسخه از این در رامپور II, 841 هست .

۵۶- منتخبات من المدخل فی الحساب : در رامپور بشماره 1, 418, 68

نسخه از این هست .

## ۵۷- الموسیقی :

ابن ابی اصیبعه ( ج ۲ ص ۱۳۹ ) گوید که فارابی ( الموسیقی الکبیر ) را برای وزیر ابی جعفر محمد بن القاسم الکرخی نگاشته است .

این کتاب در لیدن بشماره ۱۴۲۳ هست و بارون ردلف در لائزه

- ۵ Baron Rodelphe d'Erlanger موسیقی بزرگ فارابی و موسیقی شفای خواجه رئیس و موسیقی ارموی را بفرانسه ترجمه کرده و در سه جلد بنام La Musique Arabe بسالهای ۱۹۳۰ و ۱۹۳۵ و ۱۹۳۸ در پاریس بچاپ رساند (۱) .

از کتاب موسیقی کبیر فارابی پیدا است که وی از بزرگترین موسیقی دانهای سده های میانه است . باز ابن ابی اصیبعه از کتاب دیگر فارابی بنام ( کلام فی الموسیقی ) یاد میکند .

۱۰

پنج کتاب موسیقی در فهرستها نشان داده و از فارابی دانستند :

۱- ( کتاب علم الموسیقی ) که در اسکوریال بشماره S40 هست .

۲- ( کتاب المدخل فی تعلیم الموسیقی ) که در کتابخانه رامپور ( 1' 366 )

و کتابخانه راغب پاشا در استانبول بشماره ۸۷۶ و کتابخانه کوپرولی بشماره ۹۵۳ هست و این کتاب را در زبان عبری می شناختند .

۱۵

۳- ( صناعة علم الموسیقی ) که نسخه ای از آن در کتابخانه کوپرولی بشماره

۹۵۳ و در کتابخانه مصر نسخه عکسی از آن بشماره ۵۱۲ ( هنرهای زیبا ) هست .

۴- ( کتاب فی الموسیقی ) که در کتابخانه تیمور نسخه ای از آن هست ولی

درص ۲۰۹ آن از ابن سینا یاد میشود پس از فارابی نخواهد بود .

- ۵- ( اسطقات علم الموسیقی ) که بگفته بروکلمن از فارابی است و نسخه ای

۲۰

1— La Musique Arabe, traduction par . . .

T. I Alfarabi, Grand traité de la musique paris 1930.

T. II Kitab al-Shifá, Mathématique ch. XII Paris 1935.

T. III, Safiyu-D.Diu Al-Urmawi Paris 1928.

از آن درمادرید بشماره ۶۰۲ هست .

لاند Lande خاورشناس هلندی پاره‌ای از رساله موسیقی فارابی را در نامه ششمین انجمن خاوری درلیدن بسال ۱۹۰۳ بچاپ رساند .

دانش و هنر موسیقی را دانشمندان خاوری از ایران و یونان گرفته‌اند و از آغاز موسیقی دانه‌ای ایرانی بدر بارهای فرمانروایان تازی راه یافته در این هنر سرآمد بوده‌اند . نگارشهای موسیقی یونانی بزبان تازی درآمده بود . ساختمان و روش این فن از ریاضی یونان و اصطلاحات این هنر بیشتر پیرامونی می‌باشد و نشانه‌های ایرانی در این هنر آشکار است .

نخستین بار نگارشهای اقلیدس ( کتاب النغم معروف بموسیقی ) و نیکوماخوس ( الموسیقی الکبیر ) بزبان تازی درآمده آنگاه دانشمندیانی چند در این دانش کار کرده‌اند که بیشتر آنها ایرانی هستند :

۱- اسحق ارجانی موصلی ( ۱۵۰-۱۳۵ ) که مادرش شاهک رازی و پدر وی ابراهیم پسر ماهان پسر بهمن پسر نسا بوده است . این هنرمند چندین نگارش در موسیقی و سرود دارد و از آنها است : آغانی کبیر - مجموعه آغانی - آغانی معبد - الاختیار من الاغانی للوائق . یحیی بن علی در نگارشی که بنام موصلی ساخته از ( کتاب النغم ) او گرفته است .

۲- فیلسوف کندی بغدادی ( ۱۸۸-۲۵۸ ) که ابن ندیم ( ص ۳۵۹ ) هفت نگارش موسیقی از وی یاد میکند یکی از نگارشهای موسیقی اورا اخمان و حنفی بچاپ رساندند .

۳- ثابت بن قره حرانی ( ۲۲۱-۲۸۸ ) که قفطی ( ۸۲ ) دو کتاب موسیقی از او یاد میکنند .

۴- قسطابن لوقا ترسای بعلبکی شامی رومی ( مرده در ارمنستان نزدیک ۳۱۰ ) که ابن ندیم میگوید وی در موسیقی آگاه بوده است .

۵- ابی طالب مفضل بن سلمه نحوی لغوی ( م ۱۹۰ = ۹۰۱ ) که ( الملهی نوشته است .

- ۶- پسر خرداذبه (م نزدیک ۳۰۰) نویسنده (الله و الملامه) .
- ۷- فارابی (۲۵۹-۳۳۹) که چند کتاب موسیقی دارد .
- ۸- خوارزمی (م ۳۸۷) که در مفاتیح العلوم (باب ۷ مقاله ۲ ص ۱۲۶-۱۴۱ چاپ  
مطبعة مصر) از موسیقی سخن راند .
- ۹- اخوان صفا (سده ۴) که در رساله ۵ بخش ریاضی رسائل و رساله ۴ بخش  
ریاضی الرساله الجامعه این هنر را آورده اند .
- ۱۰- خواجه رئیس ابوعلی سینا (۳۷۰-۴۲۸) که در فن چهارم ریاضی شفا  
و رساله موسیقی این هنر را آورد . این دومی را استاد محمود حنفی از روی نسخه  
اکسفورد در برلین بسال ۱۹۳۱ چاپ کرد و در مجموعه هفت رساله درد کن بسال  $\frac{۱۹۳۴}{۱۳۵۳}$   
نیز بچاپ رسید .
- ۱۱- ابو عبید جوزجانی شاگرد شیخ رئیس که بر نجات و دانشنامه اور رساله  
موسیقی افزود .
- ۱۲- ابی منصور حسین بن محمد بن عمر بن زیله (م ۴۴۰) که الکافی فی الموسیقی را  
در سه فصل (نغم - ایقاع - تألیف اللحن) نوشته و نسخه از آن در موزه بریتانیا و  
راپور هست .
- ۱۳- ابی الصلت امیه اندلسی (م ۵۲۹) پزشک شاعر موسیقی دان که عود خوب  
میزد و (رساله فی الموسیقی) دارد .
- ۱۴- ابن باجه ابوبکر محمد بن الصائغ اندلسی (م ۵۳۳) پزشک موسیقی دان  
که عود خوب میزد است .
- ۱۵- امام فخرالدین تبرستانی رازی (م ۶۰۶) که در جامع العلوم یاستینی  
پارسی در شماره ۴۷ از موسیقی سخن راند .
- ۱۶- ابوالمعالی بدرالدین محمد علی خطیب شافعی فرزند احمد اربلی موصلی  
(زاده ۶۸۶) سراینده (ارجوزة الانعام) بسال ۷۲۹ که عزای در بغداد بسال  $\frac{۱۲۷۰}{۱۹۵۱}$   
چاپ کرد و نیز در مجله مشرق (ج ۱۶ ص ۸۹۵) بنام جواهر النظام فی معرفة الانعام  
از روی نسخه ۸۷۷ چاپ شد و شرح آن بنام براء الاسقام فی شرح قصیده الانعام در برلین



بشماره ۵۵۱۵ هست.

۱۷ - صفی الدین ابوالمفاخر عبدالؤمن بن یوسف بن فاخر ارموی آذربایگانی که قطب شیرازی در موسیقی درة التاج (چاپ تهران ص ۵) درباره آن (افضل ایران) گفته است وی نزدیک بسال ۶۱۳ زاده و در ۸ یا ۲۰ صفر سال ۶۹۳ در زندان بگناه تپی دستی و بدهکاری در گذشت. این دانشمند از مردم بلخ بوده و بالادب و تاریخ و خلاف آشنائی داشت و شعر میسرود و خوش می نوشت و در موسیقی سرآمد بوده است. وی در تبریز و بغداد میزیست و کار کتابداری نیز کرده است، این موسیقی دان ایرانی با آمیختن قانون و رباب و نزه ساز مغنی را ساخت و چندین نگارش در شعر و موسیقی دارد :

الف - العروض والقوافی و البدیع که نسخه ای از آن در (بودلی) هست .

ب - الکافی من الشافی که در (کتابخانه عمومی دمشق) هست

ج - ایقاع در م - موسیقی پارسی که شکرالله احمد اوغلو آنرا بترکی در آورده بخشی از کتاب بزرگ خویش ساخت و در مجله ترکی (شهبال) در استانبول چاپ شد و احمد بن عبدالرحمن موصلی آنرا به عربی در آورد .

د - الرسالة الشرفیه فی النسب التألیفیه یا کتاب الموسیقی که برای شرف الدین هارون پسر شمس الدین محمد جوینی نوشت و نسخه هایی از آن در آستانه و مصر و برلین (مورخ ۱۷۶۶) و مجلس شورای ملی و کتابخانه ملی ملک در تهران هست و ترجمه فارسی آن در کتابخانه حاجی محتشم السلطنه بوده است و کارادوو خاور شناس فرانسوی گزیده آنرا به فرانسه در آورده و در مجله آسیائی به چاپ رسید

ه - الادوار که ارموی آنرا پیش از گشودن بغداد نگاشته و در ۱۵ فصل میباشد و نسخه م - ورخ ۶۲۳ آن در نور عثمانیه بشماره ۳۶۵۳ و نسخه نوشته عبدالکریم بن السهروردی در تاریخ ۷۲۷ در مصر بشماره ۳۴۹ (هنر های زیبا) هست این کتاب را چندین بار پارسی ترجمه و شرح کردند :

I - ترجمه پارسی نسخه ملی ملک که گویا از خود صفی الدین است

II - شرح شهاب الدین صیرفی .

- III شرح یحیی بن احمد کاشی موسیقی دان که بدستور شاه شیخ ابواسحق اینجو (۷۲۱-۷۵۸) نگاشته و نسخه ای از آن در مجلس تهران هست و در آن گاهی ترجمه و گاهی تفسیر نمود .
- IV شرح نصرالله قاینی .
- V شرح خواجه عبدالقادر غیبی مراغی آذربایگانی ( ۷۵۴ - ۸۳۸ ) بنام زبدة الادوار . وی رساله زواید الفوائد خویش را پس از آن نوشته و بر آن افزود و ایندو با رساله موسیقی بترکی در سیه سالار تهران هست . مراغی دیباچه ای بر این شرح نوشته و بنام شاهرخ ساخته است و عزای نسخه آنرا دید .
- VI شرح لطف الله سمرقندی .
- VII ترجمه محمد اسماعیل سپاهانی که برای میرزا آقاخان نوری صدر اعظم ناصرالدین شاه نگاشت و نسخه آن در مجلس و مسجد سپهسالار هست .
- الادوار چندین شرح و ترجمه بعربی و ترکی دارد :
- I شرح عربی مولانا مبارکشاه که برای حلال الدین ابوالقوارس شاه شجاع مظفری (۷۶۰-۷۸۶) نگاشته و نسخه آن در موزه بریتانیا هست .
- II شرح عربی فخرالدین محمد بن محمد بن ابی نصر خجندی (موزه بریتانیا) ۱۵
- III شرح عربی گمنام (موزه بریتانیا) .
- VI ترجمه ترکی شکرالله احمد اوغلو اماسیه ای در آغاز سده نهم که ۲۱ فصل بر آن افزود . این ترجمه در جلد آخر مجله ترکی شهبال بچاپ رسید و دوره ای از آن را مخبر السلطنه بکتابخانه آموزشگاه عالی موسیقی بخشیده است .
- ۱۸- قطب شیرازی (۶۳۴ - ۷۱۰) که در درة التاج ( بخش ۲ چاپ تهران ۱۳۲۴ در ۱۴۹ صفحه) در فن ۴ جمله ۴ (علم اوسط) از موسیقی سخن راند وی در آغاز از خرده گیرهای ارموی بر فارابی و ابن سینا پاسخ گفته و باز در جاهای دیگر از فارابی و ارموی یاد نموده است .
- ۱۹- شهاب الدین عبدالله صیرفی خنیاگر خوشنویس (۷۴۲م) که خلاصة الافکار فی معرفة الادوار را برای سلطان اویس (۷۵۷ - ۷۷۶) نوشت (نسخه آقای همائی ۲۵

که در تاریخ ادبیات ایران خود ج ۱ ص ۲۱۴ و ج ۲ ص ۸۸ از آن یاد کرد).

۲۰- شمس الدین محمد آملی (م ۷۵۰) که در مدرسه غلزانیه تبریز درس میگفت و سپس در روزگار شیخ ابی اسحق بشیر از رفت شیرازی در شدالازار (چاپ تهران بسال ۱۳۲۸ ص ۱- ۴۵۰) مینویسد که او را دیدم و با او آمیزش داشتم و او دوستدار خاندان پیامبر بوده است و در شیراز در گذشت. آملی در نفایس الفنون (چاپ تهران بسال ۱۳۰۹ و سال ۷- ۱۳۱۶) در فن ۴ مقاله ۳ قسم ۲ از موسیقی سخن راند و در آغاز این فن در دو جا از فارابی و ابن سینا یاد کرد و وی در آنجا بخرده گیریهای صفی الدین ارموی در شرفیه از فارابی همان پاسخهاییکه قطب شیرازی در درة التاج داده است میدهد.

۲۱- صفدی نگارنده الوافی بالوفیات (م ۷۶۴) که «الکتاب الجامع فی الموسیقی» نگاشته و نسخه‌ای از آن در برلین بشماره ۵۵۲۵ (ج ۵) هست.

۲۲- خواجه کمال الدین ابوالفضائل عبدالقادر بن غیبی حافظ مراغی آذربایگانی (۷۵۴-۸۳۸) که این نگارشها از او است:

الف- جامع الالحان بفارسی که کتابی است بزرگ و در یک مقدمه و ۱۲ باب و یک خاتمه و همه مسائل را دارد و برای شاهرخ نگاشته است نسخه‌هایی از آن در نور عثمانیه هست در دانشمندان آذربایجان ص ۲۶۲ گوید وی این کتاب را برای پسر خود نورالدین عبدالرحمن بسال ۸۱۶ نگاشته است.

ب- کتاب الموسیقی که نسخه‌ای از آن در نور عثمانیه هست.

ج- مقاصد الالحان که برای سلطان محمد بن سلطان مراد نگاشته و نسخه‌ای مورخ ۴ ج ۲ سال ۸۳۸ در طوقیو بشماره ۱۷۲۶ هست نگارنده دانشمندان آذربایجان (ص ۲۶۱) از نسخه‌ای بخط خود او و مورخ ۸۸۱ که برای شاهرخ میرزا نوشته بود یاد میکند.

د- زبدة الادوار که نسخه‌ای از آن را منیف بیک مستشار پیشین سفارت عثمانی در تهران در آنجا بسته و با استاد رؤف بیک موسیقی دان ترك ارمغان داد.

ه- شرح ادوار ارموی که عز او نسخه‌ای از آن رادیده و آنرا جزء زبدة الادوار میداند.



و - كنز الالخان فى علم الادوار .

- ۲۳- محمد بن عبد الحميد لادقى (م نژديك ۹۰۰) كه زين الالخان فى علمى التاليف والاوزان را در ۸۸۸ نگاشته و نسخه‌اى از آن بشماره ۳۶۵۵ در نور عثمانيه هست . وى الفتحيه فى الموسيقى را براى سلطان بايزيد پسر سلطان محمد نگاشته و نسخه‌اى از آن در كتابخانه عمومى اوقاف بغداد در گنجينه خالديه بشماره ۲۱۲۹ ۵ هست و در آستانه طوس هم نسخه‌اى بتاريخ ۹۵۷ (فهرست انجلاج ۳ ص ۳۴۴) بشماره ۱۴۲ هست (۱) .

- ۱- دیده شود: مجله موسيقى سال ۱ شماره ۴ و ۵ تاريخ ۱۳۱۸ ص ۱۱-۱۸ و سال ۳ تاريخ ۱۳۲۰ شماره ۹ ص ۳۱ و شماره ۱۱ و ۱۰ ص ۱۲-۲۳ كه در اينجا از رساله موسيقى گمنامى ياد ميكند كه در نژديك بسال ۹۱۰ نوشته شده است و ص ۲۶-۲۷ ۱۰ همين شماره .
- نيز مجلة المجمع العلمى العراقى جزء ۱ سال ۱ چاپ بغداد بسال ۱۳۶۹-۱۹۵۰ كه كتاب النغم ابو احمد يحيى بن على بن يحيى بن (ابى منصور مجوسى ستاره شناس پارسى) درس ۱۱۴-۱۲۴ اين مجله چاپ شده است . ابو احمد (۲۴۱-۳۰۰) اديب شاعر متكلم معتزلى بوده است . جواد على در ديباچه‌اى كه براى كتاب النغم نوشته است ص ۱۰۴- ۱۱۲ از مجموعه‌اى در موسيقى ياد ميكند كه در موزه بريتانيا بشماره ۸۲۳ هست و مينويسد كه در آن چندين رساله است :
- ۱ رساله‌اى بفارسى از محمد بن خلال رضى مورش ۱۰۲۸ درباره اراء فقيهان و صوفيان درباره موسيقى ۲- رساله جواز سماع از عبدالجليل بن عبدالرحمن كه براى نواب مسيح الزمان نگاشته است ۳- الادوار ارموى ۴- شرح ادوار ۵- شرح ادوار مبار كشاه ۶- شرح ادوار خجندى ۷- موسيقى دانشنامه يا حكمت علائى ۸- رساله فى خبر تاليف الالخان از كندى كه گويان همان باشد كه لاخمان (Lachman) و محمود حفى بهمين نام در لايبتسيك بسال ۱۹۳۱ شرح و چاپ كردند و از آن رساله نسخه عكسى در قاهره هست ۹- رساله گننام در موسيقى كه از شفا وادوار و شرفيه ارموى و مقاصد الالخان مراغى ياد ميكند و براى سلطان محمود بن سلطان مراد عثمانى (۸۴۷-۸۴۹) نگاشته شد ۱۰- الكافى ۲۵ فى الموسيقى ابن زيله ۱۱- رساله يحيى نديم كه از خاندان دانش بوده و از اسحق بن ابراهيم موصلى پيروى ميكرده است اين رساله بچاپ رسيد . نديم چند رساله ديگر در تاريخ شعرا و خنياگران دارد ۱۲ بخشى از (المدخل فى الموسيقى) فارابى ۱۳- كشف الاوتار از قاسم فرزند دوستملى بخارى كه بيارسى است و براى امپراتور جلال الدين اكبر نگاشته است ۱۴ كنز التحف در موسيقى كه بيارسى است و دريك مقدمه و ۴ مقاله است و بيت هاى در ۳۰ بقيه حاشيه در صفحه بعد



۵۸- نکت فیما یصح وما لایصح من احکام النجوم .

این رساله در الثمره دیترسی و در المجموع بنام (نکت ابی نصر فیما یصح و ما لایصح من احکام النجوم) بچاپ رسید و در ۳۰ بند شماره گذاری شده است .  
در چاپ دیگر مصر که سه رساله فارابی با دعوة الاطباء ابن بطالان در آن است بدان  
(مختصر الفصول الفلسفیه) نام داده شده و عنوانهای فصل دارد و در ۳۰ فصل است  
این رساله دردکن بنام (رسالة فی فضیلة العلوم والصناعات) بسال ۱۳۴۰ بچاپ رسید  
آنها عنوانهای فصل دارد .

در مدرسه سپهسالار تهران دو نسخه بشماره های ۱۲۱۶ و ۲۹۱۲ هست  
و دومی رساله الفصوص الصغیر نامیده و سر هر بندی (فص) دارد و در دیگری رساله  
(النکت لابی نصر الفارابی) نامیده شده و بیک واسطه از خط فارابی نقل گردید  
و دیباچه از ابواسحق ابراهیم بن عبدالله بغدادی دارد که در چاپ دیترسی و المجموع  
دیده میشود ولی در چاپ دیگر مصر و در چاپ هند نیست .

در نسخه این کتابخانه (شماره ۳۳۹) که بدو واسطه از روی خط فارابی  
نوشته شده عنوان فصل دارد و ۳۰ فصل میباشد و این دیباچه را هم دارد و در پایان هم

مانده حاشیه صفحه پیش ۱۵

آن هست که برای سید غیاث الدوله والدين حسینی سروده شد این کتاب در ۷۴۶  
بنگارش در آمد .

نیز: الموسیقی العراقي فی عهد المغول والترکمان از محامی عباس عزوی که پس  
از دیباچه ای در تاریخ موسیقی عراق (که در آن همه موسیقی دانهای ایرانی را از عراق دانست!!)  
سه رساله ملاحی ابن سلمه و لهو و ملاحی پسر خردا از روی مروج الذهب مسعودی و ارجوزة  
الانغام اربلی را در بغداد بسال ۱۳۷۰-۱۹۵۱ بچاپ رساند .

ملاحی ابن سلمه راجیس روبس با انگلیسی ترجمه کرده و در مجله انجمن همایونی  
آسیائی باعکس نسخه خط یاقوت مستعصمی بسال ۱۹۳۸ چاپ نمود و چاپ عزوی از روی  
آن است و نسخه اصل در سرای طوقیو در استانبول میباشد . عزوی در دیباچه از العود و الملاحی  
یحیی بن ابی منصور موصلی و قصیده فی آلات الطرب از نویسنده گمنام (فهرست مصرج ص ۲۸۷)  
یاد میکند وی باز میگوید که عبدالعزیز نواده خواجه عبدالقادر مراغی برای سلطان سلیمان  
نقاوة الادوار نگاشته و نسخی از آن در آستانه هست . ۲۵

با دو نسخه سپهسالار و چاپ مصر و هند نزدیک است در دو نسخه چاپی دبیرسی و المجموع نکته‌ای که بایستی از همان دیباچه نگار باشد نیست (۱).

- اکنون از اثبات المفارقات گفتگو کنیم: فارابی در این کتاب میگوید که مفارقات چهارند (خدا - عقلمای فعال - نیروهای آسمانی - روان مردمان) آنگاه خدا را با برهان نیازمندی رشته ممکنات بهستی بی سبب از روی دلیل «وسط و طرف» که متأخران آنرا یکی از دلایل امتناع تسلسل دانستند اثبات میکند و برای اثبات عقلمای شش دلیل میآورد که یکی از آنها برهان (آفریننده یگانه و یکتا را آفریده‌ای یگانه و یکتا خواهد بود) میباشد و در همین دلایل نیروهای آسمانی و روان را مجرد نشان میدهد و در پایان دلیلهای دیگری برای مجرد روان میآورد که یکی از آنها همان دلیل حضور ذاتی است که شیخ رئیس در مباحثات با بهمنیار آورده است. امام رازی در مباحث مشرقی و صدرالدین شیرازی در مبدا و معاد و اسفار این گفتگوی استاد و شاگرد آورده ترتیبی بدانها دادند و دانشمند سبزواری در منظومه بدان اشاره نمود. فارابی در انجام این کتاب بعقل هیولائی و بفعل و مستفاد اشاره میکند.

۱۵

[۵۷]

این نسخه شماره سوم دفتری است که دارای چندین رساله از فارابی میباشد و از برگ ۸ تا ۱۰ ب بخط نسخ نوشته شده است. نشانه نسخه دردنبال «الاولسط» یاد گردید.

۱- دیده شود:

- ۱- متن فرانسوی دائرة المعارف اسلامی در کلمه فارابی.
- ۲- دیباچه و خاتمه احصاء العلوم چاپ مصر سال ۱۹۴۹ از دکتر عثمان امین.
- ۳- الفارابی عباس محمود چاپ مصر بی تاریخ.
- ۴- تاریخ فلاسفه الاسلام لطفی جمعه چاپ مصر سال ۱۳۴۵ در شرح حال فارابی.
- ۵- دیباچه مورس بوئیز بر رساله فی العقل فارابی چاپ بیروت سال ۱۹۳۸ بفرانسه.
- ۶- شرح حال فارابی در دنباله نکات فارابی که با دو رساله دیگر اویکجا چاپ گردید ص ۶۴.
- ۷- معجم المطبوعات

۲۰

خواجه رئیس ابوعلی سینا در این رساله که در (تسع رسائل) چاپ قاهره بسال ۱۹۰۸ ص ۱۲۰-۱۳۲ آمده است پیامبری را ثابت میکند و پرده از روی راز و رمز پیامبران بر میدارد و فرشته آسمانی را نیروی عقلی می پندارد و مسئله دشوار و حی را با روش فلسفی میگشاید آنگاه پیامبری پیامبر اسلام را روی سنجش با پیامبران دیگر اثبات میکند وی در اینجا میگوید که پلاتون در نوامیس می نویسد: «هر که راز پیامبران را در نیابد بجهان خدائی نخواهد رسید» باز میگوید که پیامبران یونانی همه رمز بکار می برده اند از این روی بود که پیامبر توانست تازیان نادان را دانا سازد. شیخ در اینجا آیه نور را تفسیر فلسفی میکند چنانکه در بند ۱۱ نمط ۳ اشارات همین کار را کرده و آیه را بچهار عقل تأویل نمود آنگاه میگوید که اسکندر افرویدی در اینکه عقل کلی را همان خدای ارسطو پنداشت نادرست گفته است. سپس بر عرش بودن خدا و فرشته بودن آسمانها و پاداش و کیفر و صراط و هفت در دوزخ و هشت در بهشت را تأویل فلسفی میکند روش شیخ در اینجا مانند باطنیان اسمعیلی میباشد و تأویلهای ناصر خسرو را بیاد میآورد. شیخ میگوید که فیلسوفان بزرگ یونان همه بر رمز می نوشتند جز ارسطو که افلاطون او را در این باره نکوهش کرده و او گفت اگر چه من دانش را در دسترس همه گذارده ام ولی در نگارشهایم شکافهایی است که همه بدان راه نمی یابند قنواتی (ش ۲۴۵) مینویسد که ترجمه پارسی این رساله در نور عثمانیه بشماره ۴۸۹۴ هست.

این نسخه شماره بیست ششم دفتری است که دارای ۳۵ رساله میباشد و بخط ۱۵۷۹ تعلیق از ص ۱۶۰ تا ص ۱۶۷ است و در پایان نسخه نام (عبد الرحمن بن محمود بن عبد الکرم الحارای الطیب) نوشته شده که گویا دارنده نسخه بوده است. نشانه نسخه در دنبال رساله (حدود) شیخ یاد گردید.

این رساله همان رساله اثبات العقول شیخ رئیس (شماره ۳۳۹/۱۹) است که در آن بروش مشائیان رفته خدا را ثابت میکند و رشته آفریدگان را چنانکه آنان



گفته‌اند گزارش میدهد و از پیامبری و روز رستاخیز نیز یاد میکنند.

آغاز: «بسم‌الله الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد واهل اجمعین کل شیء فی عالم الکیون والفساد مما لم یکن فکان قبل الکیون ممکن الوجود».

انجام: جل جناب الحق عن یكون شریعة لکل وارد او یطلع علیه الا واحدا

- بعد واحد فمن سمع و اشماز فلیتهم نفسه فلعلها لا یناسبه و کل میسر لما خلق له  
 عبارتی که در پایان رساله دیده میشود همانست که شیخ رئیس در اشاره ۲۸ نمط ۹  
 اشارات آورد.

[۵۹]

این نسخه شماره چهل و ششم دفتری است که دارای ۵۱ رساله میباشد و درص

- ۱۰ ۵۳۰ این دفتر که بخط نسخ و تعلیق شکسته با جدول بزر و لاژورد میباشد و  
 صفحه شماری دارد و سه تن آثار افرام آوردند یکی ناصرالدین حسین بن نورالدین  
 محمد کرمانی بسال ۱۰۹۷ (ص ۷۷-۱۵۲-۱۶۷-۱۷۲) و سال ۱۰۹۹ (ص ۴۵-۷۲)  
 و سال ۱۱۰۱ (ص ۴۶) و سال ۱۱۰۲ (ص ۴۰۲). دیگر سالک الدین یزدی (۲۹۹).  
 دیگر شهاب الدین علی حسنی حسینی دیباجی در شعبان ۱۰۹۸ (ص ۶-۲۸۵)  
 و در رباط کرمان بسال ۱۰۹۹ (ص ۲۱۹ و ۳۰۰) و در شعبان سال ۱۱۰۰ (ص ۴۵۰ و ۴۵۵)  
 و شب ۱۸ ج ۱ سال ۱۱۰۴ (ص ۴۵۰) و در دینه فیض آباد خبیص در پنجشنبه ۱۷ شعبان  
 همین سال (ص ۳۵۱) و بسال ۱۱۰۹ (ص ۴۲۵). باز نام همین شهاب الدین درص ۴۱۳  
 دیده میشود درص ۲۹۹ نوشته است که سالک الدین یزدی اصل نسخه را نوشت.  
 درص ۴۵ دارد: «کتابه ابن نورالدین محمد ناصرالدین شنبه ۲۴ رجب ۱۰۹۹»  
 و درص ۴۶: «حرره الاخ الاعز ناصرالدین محمد فی شهر شوال ۱۱۰۱» و درص ۷۲:  
 «ابن نورالدین محمد ناصرالدین حسین کرمانی در فیضا باد خبیص کرمان بفرموده مخدوم  
 شهابا علیا سه شنبه ۲۵ ج ۲ - ۱۰۹۹» و درص ۷۷ و ۱۵۲ و ۱۷۲ سال ۱۰۹۷ و درص  
 ۱۶۷ نیز شعبان همین سال خوانده میشود و درص ۴۰۰ دارد: «ابن نورالدین محمد  
 ناصرالدین» باز درص ۴۰۲ همین نام یاد شده و دارد: «بدستور سیادت شهابا علیا  
 در سه شنبه ۲۴ رجب ۱۱۰۲» - باز تاریخ ۱۱۰۱ درص ۴۱۴ دیده میشود.  
 ۲۵ درص ۴۱۶ دارد: «تخلتها من مجموعة... مولانا عبدالحسین الباقفی سلمه فی  
 قصبه بافق ۱۱۴۲ پس این دفتر را این سه تن از سال ۱۰۹۷ تا ۱۱۴۲ بنگارش  
 درآوردند و در کرمان نوشته شده و پیدا است که ناصرالدین آنچه را نوشت بدستور  
 همان شهاب الدین بوده است.



درس ۱۸۵ این دفتر پاره‌ای از سخنان ابن الطیب درباره عشق دیده میشود که از رهگذر روانشناسی و پزشکی از آن گفتگو میکند و چنین آغاز میشود: «فصل من کلام ابی العباس احمد بن الطیب فی العشق ذکر فی کتابه فی تثبیت امر النجوم و اجزاء الحکمه و اسرار النفس» باز در همین جا سخنی آورده شده از دیگری در همین مسئله عشق. ۵

درس ۲۱۹ محمد قاسم حسینی دوبخش از سخنان شرف الدین علی یزدی را می‌آورد بدینگونه: «من حلل مطر زفی تعریف کمال اسمی کل عدد، من مصنفات مولانا شرف الدین علی یزدی...» آنگاه خود از این مسئله ریاضی کاوش میکند.

درس ۲۲۰ نیز گفتارهایی است در ریاضی و درس ۲۲۴ سخنانی است از شیخ افرائی و دیگران درباره نشانه‌های آبستنی و سترونی. و درس ۲۳۲ چند بیتی بنازی از ابن سینا. درس ۲۴۶ خرده گیری که دبیران قزوینی از سخن خواجه رئیس در شفا درباره شناساندن فصل «الذی یمیز الماهیه عما یشار کها فی الجنس» کرده است آمده و نیز تعریف امکان خاص و واجب است و ممتنع.

درس ۲۶۳: سخن حلاج در دم مرگ و گفتگوی او با شبلی و نماز خواندن و خندیدن او هنگام دیدن چوبه دار و میخهای آن چنانکه ابراهیم فرزند فاتک می‌آورد. ۱۵  
درس ۲۶۷: بیت‌هایی از طوطا و شیخ رئیس و مغاربه و ابوسعید رستمی و خیزرزی.

درس ۲۶۸: گفتگوی اوحد الدین ابی حامد کرمانی با مستنصر بالله در رباط مرزبانیه.

درس ۲۷۱: راز و نیاز شیخ رئیس با ستاره عطارد هنگامیکه میخواست مسئله دشواری برای وی آسان گردد در سه بیت.

درس ۳۱۴: سه نامه پارسی که کلیات همانند و بی نقطه (جناس خطی) در آنها بسیار آمده نخستین از قاسم نوربخش است پادشاه غیاث‌شاه عبدالعلیا دومی بر رشی است که از امیر علی شیر کرده‌اند و پاسخ او سومی نامه دیگری است.

ص ۳۱۶: از باب دوم «مفید المستفید» در شناختن تن و جان پارسی که از محمد غزالی دانسته شد ولی از بابا افضل کاشی است.

ص ۳۳۶: از نگارشهای میرزا سعید وزیر ملک حمزه خان.

ص ۳۷۷-۳۸۵: گفتار یزدی در عرفان و علم حروف بفارسی شیوا و چنین آغاز میشود: «من حلل مطر ز من مصنفات مولانا شرف الدین علی یزدی».

ص ۴۱۳: سخنی از پلاتون. ص ۴۱۴: سخنی از خواجه طوسی در آغاز ۳۰

وانجام جهان بروش عرفانی و باطنی و بفارسی از برخی رساله‌های او آغاز و انجام آن چنین است: «درصفت راه آخرت و ذکر سالکانش و اسباب اعراض مردم از آن - و تمسک بکلمات تامات او و تمت کلمه ربك صدقا و عدلا . . . و هادیا و نصیراً .

ص ۶-۴۱۵: پاسخ شیخ بهائی بشاه عباس در برخی مسئله‌های فقهی و تاریخی  
بفارسی که در آن از پیدایش آبله فرنکی (آتشک) یاد شد . ۵

ص ۱۷-۴۱۷: پاسخ شیخ زین الدین عاملی بکسی که می‌پرسد چرا صوفیان کرامتها دارند و دانشمندان ندارند . وی میگوید: صوفیان مانند بندگان همدم شاهند و از راز او آگاهند و دانشمندان مانند نمایندگان شاهند در کشورداری و دورند از وی مگر اینکه از بندگان برترند .

ص ۱۸-۴۱۸: پاسخ خواجه طوسی بکسی درباره ساختن وحدت و توحید و اتحاد بیارسی . ۱۰

ص ۴-۴۳۳: گفتار از مایشگران و پزشکان درباره درجه‌های نطفه در رحم .  
ص ۳۵-۴۳۵: سخن دوانی درباره توحید (من افادات محقق الدوانی فی کلمة التوحید اعلم ان محمل التوحید اثبات وجود فرد واحد للواجب) .

ص ۷-۴۳۶: از رساله اثبات واجب جدید دوانی درباره توحید بیارسی . ۱۵  
ص ۴۱-۴۴۱: درباره معنی وجود بیارسی که در آن از حاشیه شرح حدید میرسید شریف الدین علی گرگانی که در شیراز در گذشت آورده شده و ترجمه گفتار او بیارسی .  
ص ۵۱-۴۵۱: نامه قاضی میرحسین میبیدی بولانا جامی بیارسی .

ص ۶۰-۴۶۰: از عجائب المخلوقات قزوینی در اعداد وفق و مربعات بیارسی .  
ص ۸۸-۴۸۸: پندهای لقمان بیارسی - ص ۹۶-۴۹۶: نامه سالک محمد بملازین الدین طبیب بیارسی با اصطلاحات پزشکی و تاریخ نوشتن آن ۲۲ شوال ۱۱۰۳ میباشد .  
ص ۳-۴۹۹-۵۰۳: گزیده‌ای از قرابادین شفا . ص ۵۴۲ ترجمه پنندهای شیخ رئیس

بنظم پارسی .

نشانه نسخه در بخش یکم یاد گردید و در ص ۲۴ و ۵۴ و ۶۴ این بخش نیز از آن

یاد شد . ۲۵

(عربی)

اثبات واجب

[۵۴]

خواجه رئیس ابوعلی سینا این رساله را در سه فصل (اثبات آفریننده - علتها و معلولها - دانایی خدا) نوشته و در آن از خدا و صفتهای او آفرینش او گفتگو نمود . این رساله همانست که قنوانی در فهرست خود بنام « الفصول الثلاثة » بشماره

۱۸۷ یاد نعود و جز رساله ایست که بیش شناسانده شد.

آغاز: قال الشيخ الرئيس - بسملة الحمد لله رب العالمين . . . . الفصل الاول  
فی اثبات الصانع و ایراد البرهان القاطع علیه کل جملة من علل و معلولات فلا بد  
وان ینتهی الی طرف هو علة لیس بمعلول.

انجام: انت المرجوع الیه و الموعول علیه فی تفسیر هذا الامر العظیم و الانزال  
فی هذا المنزل المبارك الکریم . . . . و المشتاقین منهم الی مرتبة العشق . انک انت  
الرحیم و الحمد لله رب العالمین .

[۶۰]

این نسخه شماره چهارم دفتری است دارای ۱۶ رساله و بخط شکسته تطبیق از  
از برك ۴۳ ب تا برك ۴۷ ب میباشد.

۸۷۶

(همه دفتر ۲۰۵ برك) - کاغذ فرنگی - چند مقوا ۱۳۰۵ هـ و ته آن میخی  
اندازه: ۱۸×۱۱ و ۱۵×۹ س ۱۸

(عربی)

اثبات الواجب

[۵۵]

دانشمند بزرگوار ابو جعفر محمد فرزند علی طوسی که در ۷۵ سالگی  
در نجف بسال ۴۶۰ در گذشت از رهبران نامور شیعی بشمار میآید و بشیخ یا شیخ الطایفه  
یا شیخ الامامیه یا الشیخ الطوسی نامبردار میباشد. وی شاگرد شیخ مفید و سید  
مرتضی و ابن الغضائری و ابن عبدون بود و بیشتر از ۳۰۰ شاگرد سنی و شیعی داشت  
فرهانیروایان عباسی او را مانند دیگر رهبران مذهبها کرسی تدریس داده بودند و  
آزادانه درس میگفت. طوسی در حدیث و رجال و ادب و تفسیر و کلام و اصول و فقه  
سرآمد روزگار خویش بوده و نزدیک به ۳۷۵ نگارش دارد وی در کلام «اصول العقاید»  
که در آن از توحید و عدل گفتگو نمود و نیز «ما یعمل و ما لا یعمل» که دیناچه ای است  
بی مانند برای کلام نوشت در پیروی دانشمندان شیعی از طوسی همین بس که شیخ  
سدیدالدین محمود فرزند علی فرزند حسن رازی حمصی (زنده در ۵۸۱ و ۵۸۳)  
دانشمند متکلم اصولی فقیه و استاد فخر رازی و شیخ منتخب الدین و امیر ورام بن  
ابی فراس (۶۰۵م)<sup>(۱)</sup> میگوید: «پس از شیخ طوسی برای امامیان دیگر فتوا دهنده ای

۲۵

۱ - نگاه به: ربحانة الادب ج ۲ ص ۳۹۹ - ۴۰۱ و ج ۱ ص ۷ - ۳۴۶ و هدیة الاحباب  
قمی ص ۹



- نمانده و همه از او نقل میکنند \* . این سخن را زین الدین شهید ثانی عاملی جبلّی (۹۹۶-۹۱۱) در الرایة فی درایة الحدیث ( چاپ سنگی ایران از آقامیرزا حسین کجوری بسال ۱۳۰۹ ص ۳-۳۲ ) و ابومنصور جمال الدین حسن (م ۱۰۱۱) فرزند شهید ثانی در معالم درم مطلب ۵ در اجماع اصل ۱ ( چاپ سنگی تهران بسال ۱۳۱۶ بی صفحه شماری ) از همان \* الرایة فی درایة الحدیث \* پدر خود از \* البهجة لثمره المہجہ \* سید رضی الدین ابوالقاسم علی بن طاوس (م ۶۶۴) از امیرورام بن ابی فراس (م ۶۰۵) از سدیدالدین رازی حمصی آورده است . و ایندومی نویسند که متأخران هر چه فتوا میدادند گرفته از سخنان طوسی بوده و از روی خوشی گمانی از او پیروی میکردند پس بشرتی در فقه میتوان نگریست که پیش از طوسی میان دانشمندان پیدا شده باشد نه شهرت میان دانشمندان پس از شیخ که همگان از وی پیروی میکردند نه اینکه از خود چیزی آورده باشند <sup>(۱)</sup>
- باری طوسی در روزگار ترقی علم کلام و رواج بازار جدل و بحث میزیست و مسئله اثبات خدا که فیلسوفان و متکلمان همه بدان مینگریستند او را هم بخود کشید و او در این گفتار کوتاه که گویا از نگارشهای کلامی او گرفته شده است بی آنکه نیازی با بطلان دور و تسلسل باشد خدا را ثابت نمود .
- آغاز : برهان شریف علی اثبات الواجب . . . غیر متوقف علی ابطال الدور و التسلسل و هو مما (ذکره) شیخ (۱۲) الطوسی . . و بیانه موقوف علی تقدیر مقدمتین
- انجام : و لیس بتمام فی التائیر فی سقط النقصان .

۱- این سخنان را اندو دانشمند آورده و میخواهند از متأخران نکوهش کنند. در برابر دانشمند میرزا ابوالقاسم فرزند محمد حسن کیلانی قمی (۱۱۵۱-۱۲۳۱) در «القوانین المحکمه» در مبحث اجماع در تنبیه ۴ قانون ۱ (چاپ سنگی عبدالرحیم در ایران در دو جلد ۱ بسال ۱۳۰۲ و ۲ بسال ۱۳۱۹ ج ۱ ص ۳۷۴ و ۳۷۷ از گفتار آنان خرده گرفته و گفت: اگر چنین بگوئیم متأخران را تفسیق کرده ایم و آنان برترند از اینکه از شیخ تنها پیروی کنند و خود رأیی نداشته باشند نیز دانشمند شیخ محمد حسن فرزند عبدالرحیم سپاهانی (م نزدیک ۱۲۵۴ یا ۱۲۶۱) در «النفوس» در القول فی الاجماع (چاپ سنگی ایران از غلامحسین بن محمد خوانساری بی تاریخ و شماره) همین گونه از گفته آنان خرده گیری کرده است



این نسخه شماره ششم دفتری است که دارای ۱۵ رساله و چندین گفتار است و بخط  
تعلیق میباشد و در برگ ۳۴ الف و نشانه نسخه درس ۶۷ یاد گردید .

آنچه در این دفتر آمده بدینگونه است :

- ۵ ۱-سخنی از قاضی نجم الدین عمرو بن محمد بن الکریدی بالشویک (!؟) درباره  
اینکه «س» و در بیان کلمات یونانی مانند تنوین عربی است (برگ ۱ ب). درباره حرف  
«س» یونانی لاهیجی در محبوب القلوب (چاپ سنکی ایران سال ۱۳۱۷ ص ۱۴) نیز  
گفتگو نمود و همان را در ترجمه نزهة الارواح شهرزوری بنام کنز الحکمه (چاپخانه  
دانش تهران سال ۱۳۱۶ خورشیدی در دیباچه ص ۲۶) آورد .
- ۱۰ ۲- لغات متضاد و مثنی (۲ الف) .
- ۳- رساله نفی حیز و جهت از فخر رازی .
- ۴- از کتاب آداب المریدین شیخ ضیاء الدین ابی النجیب عبدالقاهر بن عبد الله  
السهروردی م ۵۶۳ در اینکه بی نوائی بهتر از توانگری است (۳ ب) .
- ۵- از فتوحات محی الدین اندلسی و از شرح خطبه طوابع دوانی (۴ الف) .
- ۱۵ ۶- ترجمه تازی فصول خواجه طوسی .
- ۷- تسلسل اسباب و مسببات ابن سینا .
- ۸- رساله وجیزه در نفس ناطقه .
- ۹- نهاية البیان فی درایة الزمان از امام داود بن محمد قیصری م ۷۵۱ .
- ۱۰- اثبات واجب شیخ طوسی (رساله ششم) .
- ۲۰ ۱۱- رساله عروس ابن سینا .
- ۱۲- برهان توحید گیلانی .
- ۱۳- از «منتخبات انوار الشریعه» از عارف آملی که در آن ثابت میکند که  
ماهیات معمول نیستند (۳۷ ب - ۴۵ الف) و بروش عرفانی است و آغاز و انجام آن  
چنین است :
- ۲۵ «بسمله و به نستعین من منتخبات انوار الشریعه من اقادات سید حیدر بن  
علی آملی ساکن مشهد الغروی طاب ثراه : ما وقع الخلاف بین الانبیاء والرسل علیهم  
السلام فی اصول الدین و ارکان الاسلام و ان وقع فی الفروع والاحکام الجزیه - ولذلك  
خلقهم والله اعلم و احکم والسلام علی من اتبع الهدی» آملی در آن از فصوص شیخ  
اعظم و از مقدمات شارح فصوص یاد میکند .
- ۳۰ ۱۴- از کتاب الروح شمس الدین محمد ابو عبد الله بن قیم جوزیه حنبلی م ۷۵۱

که بدینگونه آغاز میشود: «اعلم ان الله سبحانه و تعالی جعل الدور ثلثة دارالدنیا و دارالبرزخ و دارالقرار» و انجام آن چنین است: «فمن سوء فهم و قلة عقله - والسلام علی من اتبع الهدی» (۴۵ ب - ۴۶ الف) .

۱۵- از روضه الجنان در ۱۴ رأی که درباره نفس آورده اند (۴۶ ب - ۴۷ الف)

- و از حاشیه شرح حکمة العین محقق شریف درباره جدائی میان علم الیقین و عین الیقین و حق الیقین (۴۷ الف) و برهان تجرد نفسها فارسی (۴۷ ب - ۴۹ الف) که بهمان خط تعلیق و مورخ ۱۱۹۸ می باشد، و اثبات اینکه شناختن خدا نه بدانگونه که ملحدان گویند نیازی بآموزنده ندارد. این عبارت از «نقد المحصل» طوسی است (۴۹-۵۰ الف) و سخنی از فارابی در پیوستن نفسهای متوسط بجرمهای آسمانی و نیز از همو در خرده گیری از جالینوس در اینکه دماغ و مغز جایگاه نیروی مدبر هست (۵۰ الف) و باز از همو در شرح معنیهای «ذات - جوهر - طبیعت» (۵۰ ب) بهمان خط و همان تاریخ.

۱۶- رساله وجود مطلق سید علی همدانی که در دنبال آن سخنانی از پلاتون

درباره یگانگی خدا و جهانها و جهان مثالی (بهمان تاریخ و برک ۵۲ ب تا برک ۵۳

- الف) و از ارسطو (از شهرستانی) (۵۳ ب ۵۴ الف) آمده است و نیز از حواشی فصوص فارابی در اینکه از «وجه» ذات را میخوانند (۵۴ الف و ب).

۱۷- اعتقادات شیخ بهائی که در ۱۳۲۶ بچاپ رسید (دزبچه ج ۲ ص ۲۲۸)

در دنبال آن اینهاست: گفتار فیلسوفان درباره آمیختن عنصرها (۵۹ الف) و گفته های

دانشمندان درباره فرشتگان و دیوان که در آن از (اکلیل) همدانی یاد میشود (۵۹

- الف و ب) و سخن میرفندرسکی در این که رهروان یکتاپرست نباید وابسته یکی بودن

هستی یا چندتا بودن آن باشند و تفسیر گفتار ارسطو، «المحرك الاول فی المحيط دون

المحاط» (۵۹ ب) و سخنانی از فیلسوفان درباره تجرد نفس (۶۰ الف) و اثبات

اعتباری نبودن هستی (۶۰ ب ۶۱ الف) و در توحید حقیقی و اینکه این جهان آشکارا

یکی بیش نیست (۶۱ ب - ۶۲ الف) و سخن ترسیان در خداشناسی و خرده گیری از آنها

- (بهمان تاریخ و ۶۲ ب - ۶۳ الف).

۱۸- مقولات عشر طوسی.

۱۹- رساله نفس ارسطو و در دنبال آن این سخنان دیده میشود: در اینکه

تندرستان هر روز ۲۵۸۰۰ بار نفس میکشند و در هر بار نبض پنج بار میزند و بگفته

علامه شیرازی در تحفه شاهی در گفتن هر لفظی فلك اطلس ۶۰۰۰ فرسنگ می پیماید

- و هر لفظی برابر است با زدن يك نبض پس در هر شبانه روزی نبض ۱۲۹۰۰۰ بار میزند ۳۰

(۷۶ ب) نیز از «رسالة التوضیحات» حسام‌الدین لاهیجی در آگاه شدن بمغیبات (۷۷ ب-۷۸ الف) و از «مرآت الحقایق و مجلی الدقایق» میرغیاث‌الدین منصور در اینکه وضو و غسل و زکوة و روزه و حج چیست (۷۸ الف و ب) که در آن حکمت فلسفی و طبیعی و خلقی اینها را می‌آورد.

۲۰- رساله در نسبت مؤلفه دردنبال آن از حاشیه نفعات در تحقیق انبساط و انقباض زمان آورده شده و بفارسی است (۸۱ الف).

۲۱- علوم غریبه (نفس و وهم) و در برک ۸۸ الف سخنی از امام در «السرالمکتوم» درباره اینکه فرشته همان رب النوع است آمده.

۲۲- شرح دوانی بریتی از گلشن راز و دردنبال آن اینها است. پارهای از «تحفة الاحباء» و «درج الدرد» که هر دو عرفانی است (۹۰ الف) و سخنانی عرفانی از سید ابراهیم قزوینی و صدرالدین شیرازی (۹۰ ب - ۹۱ الف) و مطالبی گوناگون در عرفان و حدیث و ادب (۹۱ ب - ۹۲ ب) و قصیده‌ای در ۱۲ بیت که به ۴۲۰ گونه میشود آنرا خواند (۹۳ الف) و سخنانی از صدرالافاضل و عارف کاشی در اصطلاحات و از شرح فصول نصیری و از علامه حلی در عرفان و فلسفه و کلام.

## ۱۵ [۵۶] اثبات واجب (فارسی)

خواجه طوسی در این رساله فارسی بروش مناظره خدا را ثابت میکند و اندکی مفصل است نسخه‌ای از آن در دفتر بشماره ۲۹۱۲ در مدرسه سپهسالار هست. در آستانه طوس (ج ۴ ش ۲۹۶ ص ۲) نسخه دیگری از خواجه هست که این نیست در ذریعه (ج ۱ ص ۱۰۸) می‌نویسد که خواجه این رساله را برای نجم‌الدین کاشی فرستاده بود.

آغاز: مسئله در اثبات واجب الوجود بطریق مناظره. اگر واجبی نبود هیچ موجود نبود.

انجام: و بر تقدیر تسلیم حصر فساد لازم بیاید. والسلام.

## [۶۲]

این نسخه شماره ۱۹ دفتری است دارای ۳۵ رساله و درص ۱۰۳-۱۱۳ و نشانه آن درص ۴۵ یاد شد شماره سوم آن بخشی است از آغاز رساله «در برجالیوس» در این که وی فیلسوف نبوده است از موسی بن میمون بن عبدالله قرطبی اسرائیلی پزشک فیلسوف نگارنده دلالة الحائرین (۵۲۹-۶۰۱) وی در اینجا می‌گوید:



جالینوس در ریاضیات ورزیده شده و منطق هم خوانده و بهمه نگارشها طبیعی و الهی ارسطو نگریسته سخنانیکه در پزشکی دارد درست میباشد ولی در نگارشهای طبیعی و الهی و منطق خویش بسیار کوتاه آورد. او درباره رایهای ابقراطس و افلاطون کتابی نوشت و ردی بر ارسطو دارد مگر اینکه شایسته چنین نگارشها نبوده است. آغاز و انجام آن چنین است:

۵

« قال موسی بن عبدالله القرطبی المعروف بموسی بن میمون فی اول رسالة کتبها رداعلی جالینوس فی انه لیس فلسفیا . . . من العلوم قول الفلاسفة ان للنفس صحة و مرضا کما للجسم صحة و مرض و کتبنا بایضمن الرد علی ارسطو » .

امام طوسی (گویا خواهه باشد) نکته‌ای در سه سطر درباره تفسیر سخن ابن میمون دارد بدینگونه:

۱۰

« قال الامام الطوسی بعد مطالعة هذه الرسالة اما بیان المرض الذی لا یکاد ان یسلم منه احد . . . فهو کما ذکره و هو الذی یسمى بالعجب . . . اشد من ذلك العجب المعجب » (از ص ۶ تا ص ۸) شماره ۱۳ این دفتر چنانکه در فهرست آن یاد شده بایستی «رخش» سهروردی باشد که در ص ۳۲ بوده و درآوردند و شماره ۱۸ آن (از ص ۹۰ تا ص ۹۲) نامه رشیدالدین و طواط است بحسن قطان در پاسخ وی که میگفته است ۱۵ توهنگام گشوده شدن مرو بدست اتسخوارزمشاه کتابهایم را ربوده‌ای. یاقوت حموی در سرگذشت حسن بن علی الکافی در معجم الادب (چاپ گیب قسم ۱ جلد ۳ ص ۱۶۹-۱۷۶) این نامه را آورد. نیز چند خبر از پیامبر (ص ۹۲-۹۹) و از نشر اللالی از علی (ص ۹۹-۱۰۳) و شماره ۳۳ این دفتر کلمات قصار است بترتیب حروف تهجی و نیز حدیث (ص ۹-۲۳۸) در دنبال شماره ۳۴ سخنانی است از عارفان و پارسایان و فیلسوفان و ادیبان در تصوف و پارسائی و کیمیا و جز آنها و نیز خبر و حدیث (ص ۲۴۲-۲۸۱) نیز نامه‌ای از ارسطو که از عیسای مسیح می‌رسد آیا راهی هست که با آن مردم بآنچه میخواهند، برسند و پاسخ عیسا که می‌نویسد: تنها خردبسنده نیست این پرسش و پاسخ مانند نامه‌ای است که میگویند جالینوس بعیسا نوشته و پاسخ گرفت و پیدا است که همه اینها ساختگی است ایندو نامه در محبوب القلوب ص ۵ و ۱۶۰ آمده است نیز نامه‌ای از ۲۵ شاه مصر بشریف مکه (ص ۲۷۰). شماره ۳۵ سفارشنامه سید داماد است.

(عربی)

اثبات الواجب

[۵۷]

دیران قزوینی نجم‌الدین علی بن عمر کاتبی (۶۷۵م) فیلسوف منطقی ریاضی‌دان و شاگردخواجه طوسی و استاد علامه حلی این رساله را نگاشته و در آن از برهانی که



پیشینیان برای بودن خدا از راه نیازمندی ممکن بواجب و ناروایی دور و تسلسل آورده اند، خرده گرفت. وی آنرا بدرخواست یکی از دانشمندان همکار خود نوشت.

در آستانه طوس (ج ۴ فهرست ش ۲۹۷ ص ۳) نسخه ای هست که در آن شش رساله و نامه از دبیران وطوسی در همین مسئله آمده است.

آغاز: بسملة قال الامام... الکاتبی القزوينی رحمه الله: «اما بعد حمدالله والثناء عليه بما هو اهله... فهذه رسالة حررتها بالتماس من شاركته في البحث من العلماء... في مباحث يتعلق بالبرهان الذي ذكره الاوائل في اثبات موجود واجب لذاته.

انجام: لم قلت بانه ليس كذلك، لا بد له من دليل وليكن هذا آخر ما اردنا ايراده في هذه الاوراق. الحمد لله لو اذهب العقل بلا نهاية والصلوة على محمد بغير عدد وغاية وصلى الله عليه وآله اجمعين الى يوم الدين.

[۶۳]

این نسخه شماره پنجم دفتری است که دارای ۶ رساله میباشد و بخط شکسته تعلیق با نشانه های شگرف است از برگ ۵۹ ب تا برگ ۷۳ ب. (همه دفتر ۸۱ برگ) - کاغذ قرمه سمرقندی - جلد قیماج سبضرئی اندازه: ۹ × ۱۶ و ۵ × ۱۰ س ۱۱

[۵۸]

## اثبات الواجب

(عربی)

محقق دوانی (۸۳۰-۹۰۷ یا ۹۰۸) دورساله در اثبات خدا نگاشته است و یکی را که نخستین بار نوشته و (قدیم) نامیده میشود بنام سلطان بابزید (۸۸۶-۹۱۸) ساخته و در دروز از کوتاه ترین روزهای تابستان آنرا پایان رساند در دیباجه اثبات واجب جدید میگوید که ده سال پیش در جوانی بدرخواست یکی از بزرگان گیلان رساله ای درباره اثبات واجب در ده فصل نوشته ام (کشف الظنون) ولی از دیباجه اثبات واجب قدیم پیدا است که این رساله در دو مقصد است. دوانی در دیباجه این رساله میگوید که بجز برهان تطبیق تا پایان رساله را در دروز از کوتاه ترین

روزهای تابستان نوشته بودم و پس از مدتی که فراموش شده بود و گرفتاری های روزگار از نشر و اتمام آن باز میداشت از يك پایگاه پاکی دستوری رسید و مرا یارشد و این دفتر بنگارش در آمد آنگاه نام آن پادشاه (بایزید) را میبرد و رساله را بنام او میسازد.

- ۵ این رساله که اثبات واجب قدیم میباشد در دو مقصد است در یکی دلیلهائی که وابسته بابطال دور و تسلسل است میاورد و در دومی دلیلهائی را برای اثبات خدایاد میکند که نیازی بابطال آندو ندارد بلکه نخست خدا با آنها ثابت میشود سپس بطلان آندو روشن میگردد.

در معجم المطبوعات ص ۸۹۲ می نویسد که رساله اثبات واجب دوانی در آستانه

- ۱۰ چاپ سنگی شده است ولی نمی‌رساند که قدیم است یا جدید.  
آغاز: سبحانك ما اعظم شأنك و اظهر برهانك انت المشاهد في العين ولا يشاهدك العين.

انجام: الحسنی والیه الرجعی و لهذا المباحث مزید تفصیل ربما يعتبر علیه

فی تعلیقاتنا...

۱۵

[۶۴]

این نسخه شماره دوم دفتری اسب که دارای ۴ رساله میباشد و نشانه آت

۳۰۳ در ص ۶۶ یاد گردید این رساله نیز بخط تعلیق ادهم بن قاضی بيك هرابادی خلخالی

واژ برگ ۲۱ ب تا برگ ۴۹ الف میباشد و در شامگاه پنجم رمضان سال

۱۰۲۵ نوشته شد و حاشیه هائی دارد از خود دوانی که در کنار نسخه دیده میشود.

۲۰ (فارسی)

اثبات واجب

[۵۹]

دوانی رساله دیگری در اثبات واجب دارد که بنام جدید نامبردار است و این

گفتار ترجمه بخشی از آنست بیارسی و مترجم در پایان آن میگوید که نخواستم همه

کتاب را ترجمه کنم و پس از ترجمه آن بخش از سه گونه آفرینش یاد میکند یکی

آفریدن هستی که لازم ماهیت است و مشائیان مانند ارسطو و ابن سینا و خواجه

طوسی و همه متأخران بدین رأی هستند. دیگری آفریدن ماهیت که اشراقیان مانند

۲۵

سهروردی میگویند سوم آفریدنی که آفریده بهستی حقیقی یا خدا پیوندد که ذوق متالیهان مانند دوانی همین است در این ترجمه از « بهجة السعادة » بهمتیار شاگرد شیخ یاد میشود .

آغاز : در بحث توحید از رساله اثبات واجب جدید میگوید که « این مطلب یعنی اثبات واجب ادق مطلب الهیه است و احق است بآنکه طالب در آن صرف سازد اوقات خود را » .

انجام : و موجودات اعم است ازین وجود قائم بنفس خود و آن وجود منسوب الیه است با تناسب خاص - مترجم کلام میگوید که مقصود محقق دوانی . . . اثبات ذوق حکماء متالیهین و صوفیه متشرعین که قایل بوحدت وجودند . . . دیگر شک و شبهه در تحقیق حقیقت این طریق حقه نماند . والله المستعان والیه التکلان .

[۶۵]

این نسخه در ص ۷-۴۳۶ این دفتر اسب که دارای ۵۱ رساله میباشد و بارها از آن یاد گردید . ۱۰۳۵

### [۶۰] اثبات الواجب

(عربی)

دانشمند فیلسوف شمس الدین محمد بن احمد خفری شیرازی (م ۹۳۵ یا ۹۵۷) از شاگردان صدرالدین محمد دشتکی (۸۲۸ - ۹۰۳) بوده و در روزگار شاه اسماعیل یکم صفوی (۹۰۷ - ۹۳۰) میزیسته و در کاشان و شیراز بسر میبرد است وی تذکره خواجه طوسی را بنام تکمله بسال ۹۳۲ شرح نمود قاضی نورالله شوشتری در مجلس هفتم مجالس المؤمنین او را از فرزندانگان شیعی بشمار آور (۱) .

۱ - شوشتری می نویسد که در روزگار شاه اسماعیل شهربانان و سران هر شهری مردم را آئین شیعی میآموختند و ناگزیر میساختند که از جانشینان سه گانه پیامبر بیزاری جویند و بر آنها نفرین فرستند روزی داماد خفری هراسان نزد وی رفت و گفت که سرگذشت چنین است چه باید کرد خفری بدو گفت برو و بر آنها نفرین کن که (دوسه عرب عامی جلف) بوده اند - باز میگوید : هنگامیکه این شاه شروان و آذربایکان بگرفته بود دانشمندان سنی بقیه حاشیه در صفحه بعد



خفري چندین رساله در اثبات خدا و بحث از صفات او دارد و در آنها مشرب اشراقی و عرفانی وی پیدا است یکی از آنها رساله‌ای است که برای ابو الفتح سلغر شاه بن توران شاه بن محمد شاه بن تهمتن بهادر خان نوشت و نسخه‌ای از آن در آستانه طوس هست (ج ۴ ش ۳۰۱ ص ۵) و یکی از آنها رساله است که برای مبارز الدین حسین خان نگاشته است و دارای يك مقدمه در اصول موضوعه و سه مقصد (دلیلهای بود خدا - دلیلهای یگانگی او - اثبات دانائی او) و يك خاتمه در سخنان فیلسوفان پیشین یونان درباره بود و یگانگی خدا که در آن گفته‌های آنان را می‌آورد و شرح می‌دهد.

آغاز: بسملة الحمد لله الذی کان ولا زمان ولا مکان فاولجد الخلاق بقدرته.

انجام: والکواکب وحرکاتها الطولیه والعرضیه (تمت الرساله بعون الملك الوهاب والیه المرجع والمآب).

۱۰

[۶۶]

این نسخه شماره هفتم دفتري است دارای ۱۵ رساله و گفتار و بخط تعلیق درشت با عنوانهای شکرگرف از برك ۱۱۳ ب تا ۱۱۸ الف.

۹۲۶

(عربی)

اثبات الواجب

[۶۱]

این رساله نیز از خفري است و چنانکه در دیباچه نوشته است باید درده مقصد باشد ولی از خود نسخه که کامل می‌نماید پیدا است که سه مقصد بیش نیست (اثبات

مانده حاشیه صفحه بیش

- عراق از ترس میگریخته از شهری بشهری میرفته اند چنانکه در کاشان کسی نماند که داوری کند و فتوا دهد ناگزیر مردم نزد خفري رفته پرسشها میکردند و او از روی هوش و خرد خویش با اینکه فقه نخوانده بود پرسشهای آنان پاسخ میداد. شیخ علی بن عبدالعالی محقق کرکی عاملی (که در نزدیک بهفتاد سالگی بسال ۹۲۷ درگذشت) در آن هنگام بکاشان رفت و خفري را بدید و بنوشته‌های او نگریست دید که همه سخنان او با گفته‌های دانشمندان شیعی سازگار میباشد. سپس شوشتری از این جانتیجه میگیرد که خرد زشت و زیبا و نیک و بد را از هم باز می‌شناسد چنانکه معتزلیان و امامیان نیز بهمین رای هستند.
- در ریحانة الادب تبریزی (ج ۱ ش ۹۲ ص ۴۰۴) نوشته است که کرکی در روزگار شاه تهماسب صفوی (۹۳۰ - ۹۸۴) میزیسته و او گاهی که میخواست بزیارت برود خفري را جانشین خویش ساخت و در این هنگام بود که وی بکار فتوا و داوری پرداخت و کرکی همینکه برگشت و دید که سخنان خفري همه از روی دین است بیشتر بدو بگراید.

۲۵



خدا - یگانگی او - دانائی او ) و يك خاتمه هم دارد پس دراز که در آن سخنان فیلسوفان یونانی و اسلامی را درباره دانائی خدا میآورد و در هر يك از مقصدها هم از سخنان فیلسوفان یونانی یاد میکند و بیشتر این رساله درباره دانائی خداوند است . خفري در آن از نگارنده « فتوحات مکیه » و از فصوص فارابی (برك ۱۲۹ الف) یاد میکند خفري در دیباچه نوید میدهد که ۱۴ دلیل برهانی و ۵ دلیل عرفانی برای اثبات خدا بیاورد ولی در رساله جز ۱۲ دلیل بروش مشائی دیده نمیشود .

آغاز : بسملة الحمد لله الفرد الذی لم یلد ولم یولد . . . فبقول . . . محمد بن احمد الخفري هذه رسالة فی الالهيات وقدر تنبها علی عشرة مقاصد .

انجام : ولما کان مبحث العلم بحر اعمیقا لا ساحل له (اقتصر - ظ) علی ما ذکر . الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد وآله الطاهرين .

[۶۷]

این نسخه شماره هشتم دفتری است دارای ۱۵ رساله و گفتار و بخط تعلیق درشت و از برگ ۱۱۸ ب تا برگ ۱۳۳ الف است .

۹۲۶

(عربی)

اثبات الواجب

[۶۲]

این رساله نیز از خفري است و دارای يك مقدمه و سه مقصد است و يك خاتمه که در آن سخنان فیلسوفان مانند تالس ملیتوسی و انکسیمانس و امپدکلس و پلاتون درباره دانائی خداوند را میآورد و پس از آوردن رأی پلاتون درباره مثل و شرح دادن آن بمشرب خویش میگوید که ارسطو نیز با او هم رأی است و اعتراضی را که نگارنده شفا کرده است رد میکند خفري در این رساله از دانائی خداوند بیشتر گفتگو میکند - نسخه از این رساله در آستانه طوس (ج ۴ ش ۳۰۰ ص ۴) هست

آغاز : بسملة الحمد لله رب العالمین . . . فبقول احوج خلق (عباد) الله الیه محمد الخفري هذه رسالة فی اثبات واجب الوجود بالذات و صفاته بالدلائل القطعية التي تقررت عندی قطعیته .

۱۵

۲۰

انجام : واما مراتب هذا العلم التفصیلیه فهو علی اربعة علی التفصیل المذكور ولما (كان) مبحث العلم بحر العلم اعمیقا لا ساحل له اقتصر علی ما ذکر و الحمد لله علی افضاله

۲۵

والصلوة على محمد وآله عليهم الصلوة والسلام - تم بحمد الله سبحانه .

[۶۸]

این نسخه شماره پنجم دفتری است دارای ۱۸ رساله و بخط تعلیق ریز و کاهی  
بی نقطه است و از برك ۷۶ الف تا برك ۱۲۲ الف میباشد .  
(همه دفتر ۲۲۲ برك) كاغذ فرنگی - جلد تیماج ضربی  
اندازه: ۱۰٫۵ × ۲۰٫۵ و ۱۴ × ۱۸ س

۱۰۷۴

[۶۹]

این نسخه شماره هیجدهم دفتری است که دارای ۲۳ رساله و گفتار میباشد و محمد  
سلیم و درویش بن علی و محمد حیدر و محمد مؤمن و دیگران بسالهای ۱۰۸۴ و  
۱۰۹۱ و ۱۰۹۳ و ۱۰۹۴ و ۱۱۸۷ آنرا نوشته اند و برکهای ۱ تا ۶ و ۱۰۱ تا ۶۰۶  
سفید است .

۱۰۳۰

این رساله بخط تعلیق باعنوانهای شنگرف است و پایان نرسیده و از انجام  
آنچه که هست اینست :

« فكذاك الوجود الحقيقي غير ان الكثرة في الوجود الحقيقي انما يكون في

الظهور » برابر با سطر ۱۵ برك ۹۶ الف شماره ۱۰۷۴ .

(همه دفتر ۲۰۸ برك) كاغذ فرنگی - جلد تیماج ضربی

اندازه: ۱۴٫۵ × ۲۰٫۵ و ۸ × ۴ س

۱۵

(عربی)

اثبات الواجب

[۶۳]

این رساله کوتاه نیز از خفری است و بسیار شیوا و شیرین و روان نگاشته

است و در آن با دو گونه دلیل مشائی و اشراقی که رویهم بشش دلیل میرسد بود

و یگانگی و سادگی ( بساطت ) خدا را روشن میسازد و بسه دلیل مشائی عنوان

« لمحة » و بسه دلیل اشراقی عنوان لمعه میدهد خفری در اینجا باینکه هستی محض

یکی بیش نیست اشاره دارد و همانست که ملاصدرا در نگارشهای خود یاد میکند .

آغاز بسمله قال العلامة الخفري : « رب افض علينا بفضلك يا فياض -

« لمحة مشائية » فی اثبات الواجب . مجموع الممكنات بالامكان الخاص فی حکم

۲۵

ممکن واحد . . . »

انجام : والامكان اظهر منه وهو باطل ، تم والحمد لله واهب العقل .

- این نسخه شماره پنجم دفتری است دارای ۱۹ رساله و چندین گفتار که بخط محمد درویش بسال ۱۰۵۵ و محمد باقر سپاهانی در ۱۰۵۶ میباشد. از برك ۳۱ الف تا برك ۱۳۴ الف سخنانی است بنظم و شرازخواجه احرار و بودرچمهر و ناصر خسرو بابا افضل و مؤیدالدین جندی در شرح فصوص و دیگران و در ۳۷ ب تا ۴۱ ب
- الف نظم و نثری است از نظامی و قونوی در تبصرة المبتدی و تذکرة المنتهى پیاری و از شیخ عبدالعلی در نور الثقلین و از ابی الفتوح رازی و امام فخر رازی هر دو در تفسیر خود. در برگهای ۴۱ ب تا ۴۸ الف باز سخنان گوناگون دیده میشود و رساله ششم آن در بدیع است پیاری (۴۸ ب - ۵۰ الف) و در ۵۰ الف تا ۵۴ ب همچنین سخنان دانشمندان است در برك ۶۵ ب شعرهایی از مولانا لطف الله نیشابوری و در برك ۶۶ ب تا برك ۷۱ ب سخنان شیخ اشراقی سهروردی و عارف صوفی سهروردی و دیگران در برگهای ۷۲ الف تا پایان دفتر بجز رساله‌هایی که هر يك در جای خود یاد میشود نیز خبر و نظم و نثر دانشمندانی مانند محقق گرگانی و از مرزبان نامه و شرح حورائیه امیر حسین میبیدی دیده میشود چنانکه در ۱۱۶ ب تا ۱۳۲ ب از مبدء و معاد و شواهد ربوبی شیرازی و شرح فاضل قزوینی در مباحث فلسفی و در برك ۹۹ الف سخن فارابی در دروغ بودن احکام نجوم و گفتار سنائی آورده شده در برگ ۱۳۶ ب تا ۱۳۷ الف پایان لوا مع الاشراق فی مکارم الاخلاق دوانی برابر با ص ۳۳۲ تا ص ۳۳۷ چاپ هند بسال ۱۲۸۳ نوشته شد.
- این رساله خفزی بخط تعلیق شکسته و مورب و در برك ۴۱ ب نوشته شده و باید بخط همان محمد باقر سپاهانی باشد که رساله دوم این دفتر را در اکبر آباد و رساله سوم را در حیدرآباد بسال ۱۰۵۶ نوشت.

(همه دفتر ۱۶۳ برك) کاغذ فرنگی - جلد تیماج سرخ ضری

الداره : ۱۱ × ۲۶ و ۹ × ۱۹ س ۳۱

- در مجالس هفتم مجالس المؤمنین قاضی نورالله شوشتری (م ۱۰۱۹) در ۲۵ سرگذشت میر غیاث الدین منصور دشتکی می نویسد که وی بر رساله اثبات واجب پدر خود میر صدر الدین کبیر محمد (زاده در بامداد روز ۲۰ شعبان ۸۲۸ و کشته در بامداد آدینه ۱۲ رمضان ۹۰۳) شرحی نوشت و خود غیاث الدین هم رساله‌ای در اثبات واجب



- بنام « مشارق » دارد و در کشف الظنون (ج ۱ ص ۵۳۹) نوشته است که میر صدرالدین محمد شیرازی اثبات واجب نگاشته و آغاز آن چنین است : « الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنی » باز در آنجا ( ج ۲ ص ۴۳۸ ) نوشته است که « مشارق النور و مدارك السرور في الكلام » از شیخ ابی منصور فرزند محمد حسینی است در کشف الحجب (ص ۴) می نویسد که اثبات الواجب از غیاث الدین شیرازی است و آغازش چنین است :
- «سبحانك اللهم يا من تفرّد بالوجوب والوجود وتوحد بافضاء الخير والجد» در الذریعه (ج ۱ ص ۹ - ۱۰۸) چنین آمده : که اثبات الواجب از میر صدرالدین محمد شهید بدست تر کمانها و معروف بصدر الحقیقه و صدر العلما و الحکما میباشد و او فرزند میر غیاث الدین منصور پسر صدر الدین محمد پسر ابراهیم پسر صدر الدین محمد پسر اسحق پسر علی پسر عرش شاه حسینی دشتکی شیرازی است و تاریخ زاد و مرگ او را ۱۰ از شرح پسر وی استاد البشر میر غیاث منصور (م ۹۴۸) بر همین اثبات الواجب آورده است . باز میگوید نسخه ای از متن اثبات الواجب در کتابخانه تقوی در نهران هست و بخط حاج محمود پسر محمد پسر محمود نیریزی و بتاریخ ربیع یکم سال ۹۰۳ میباشد و در آن اجازه ای است از همان میر صدر الدین و بخط او برای همین نیریزی که در ماه محرم نوشته است و آغاز اثبات الواجب در آنجا چنین است : « الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنی منه الابتدا و به البقا » نیز می نویسد که غیاث الدین منصور بجز شرح بر اثبات الواجب پدر خود کتابی بنام « مشارق » در اثبات واجب دارد .
- این غیاث الدین دشتکی از دانشمندان و فیلسوفان بوده و در سال ۹۳۶ صدر اعظم شاه طهماسب یکم صفوی ( ۹۳۰ - ۹۸۴ ) شده و در شیراز بسال ۹۴۸ در گذشت و پسری داشت بنام صدر الدین محمد که او هم از دانشمندان بشمار می آمد و از نامه های ۲۰ این خاندان پیدا است که بسیاری از آنها همنام بوده اند .
- این رساله گویا همان مشارق باشد و در بیشتر جاها شکهای رازی بزرگ را می آورد و در برابر آن از سخنان رازی کوچک یاد میکند و گاهی از کتابهای ابوعلی و از طوسی در آن یاد میشود گویا خطبه آغاز رساله را که در کشف الحجب آمده در این نسخه نیاروندند



آغاز : بسمله . هذه الرسالة مرتبة على ستة مقالات اما المقالة الاولى ففيها اربع مسائل . المسئلة الاولى في اثبات واجب الوجود . اما البرهان الذي اقامه الحكماء عليه انجام : و حكم الكلّي على الجزئي ليس بقادح في هذا و نحن قد قررنا في ماسلف هذا المعنى فلا نعيدها .

این رساله شش مقاله است : ( ۱ ) اثبات واجب در ۴ مسئله ۲ صفات خدا در ۴ مسئله ۳ افعال او در ۳ مسئله ۴ احوال اجسام در ۴ مسئله ۵ اقسام اجسام در ۲ مسئله ۶ در نفس که بسیار کوتاه است ) از خود کتاب نام آن و نگارنده آن دانسته نمیشود .

[۷۱]

این نسخه بخط تعلیق ریز و بسیار جاها بی نقطه و عنوانها و نشانهها بشتگرف است در برك ۲۶ الف حاشیه ای از قاضی میرحسین دارد در اینکه چرا نگارنده هنگام آوردن خبر «اول الدین معرفته» قال علیه السلام گفته باینکه درودفرستادن بر جز پیامبران بتنهائی نکوهیده است آنگاه سخنان ققیهان بزرگ سنی را درباره این میآورد . این رساله از برگ ۱ ب است تا برگ ۳۷ الف . در برك ۱ الف و برگهای ۳۷ الف تا ۳۹ ب سخنانی از عارفان و فیلسوفان مانند رینون اکبر و همیروس و سولون و بقراط و ذیقراطیس و سقراط و دیگران و از تأویلات کاشی و تعلیقات شیخ و تاریخ و صاف و از احادیث شیعی آمده است و در برك ۱ الف دنباله کتاب دیگری است بخط همین نویسنده و همین تاریخ و در همینجا . نویسنده نسخه عبدالقادر اردوبادی است که در روستای فاروق شیراز در نیمه ذی قعدة سال ۱۰۲۰ آنرا نوشت .

( ۴۰ برك ) - کاغذ ترمه سپاهانی - جلد تیماج سرخ ساده

اندازه : ۲۱×۱۲ و ۱۳×۱۴ س ۲۳

[۶۵]

اثبات الواجب

(عربی)

این رساله از مولانا سید آقا حسین خلخالی است که برای شاه روزگار خود حسن پاشا نگاشته است .

آغاز : بسمله . . . لك الحمد يا من تفرد بوجوب الوجود والتقدم .

انجام : وليكن هذا آخر الكلام في اثبات الواجب وصفاته . . . من لدنك رحمة انك انت الوهاب . تمت الرسالة .

این نسخه شماره سوم دفتری است که دارای ۳ رساله میباشد و در ص ۳۶ نشانه آن یاد گردید این رساله از برك ۱۵۴ ب است تا برك ۱۷۸ ب و بخط شکسته تعلیق با عنوانهای شنگرف میباشد و در تاریخ ۱۰۱۳ نوشته شد.

### ۵ (عربی) اثبات واجب [۶۶]

این رساله از میر نظام الدین دشتکی شیرازی (احمد بن ابراهیم بن سلام الله حسینی ۱۰۱۵م) است و در آن بروشی تازه بود خداوند را روشن میسازد و در پایان آن میگوید که بگفته استاد نخستین (ارسطو) در الهیات یقین نتوان رسید و تنها میتوان گفت که بهتر و شایسته تر چنین است. دشتکی در این رساله از ارسطو (۸۲ ب) و از شرح «منافع الاعضاء» جالینوس (۸۱ الف) و از خصوص (فصوص) استاد دوم ۱۰ فارابی (۷۸ ب) و از شرح حکمت اشراق شیرازی (۶۵ الف) و شجره الهیه شهرزوری (۷۶ ب) و از محقق شریف (۶۵ ب) و شارح تجرید (۷۸ ب) و از شرح زوراء یاد میکند و در پایان از شیخ رئیس نام می برد این رساله دارای يك مقدمه و بیست فصل و يك خاتمه در کلام نفسی است این نظام دشتکی نیای سید علیخان مدنی (پسر معصوم پسر نظام الدین) است و در رساله اثبات واجب میانین و كوچك دیگری هم دارد (ذریعه ۱۵ ج ۱ ص ۱۰۳).

آغاز: بسمله و به نستعين . سبحانك اللهم يا من تفرد بالوجوب والوجود وتوحد بافضاء الخير والوجود . . . فهذه نمط جديد و طرز جديد في اثبات الواجب وسلب المثالب منه .

انجام: وقد قال الشيخ الرئيس: جل جناب الحق عن ان يكون شريعة لكل . . . و نقل عن المعلم الاول انه لا سبيل في الالهيات الى اليقين وانما الغاية القصوى فيها الاخذ بالالتيق والاولى واعلموا اني وان لم ابلغ درجة الصنيف . . . لكن من نظر فيه . . . يجد فيه اشارات الى فوائد وتلويحات الى زوائد خلت عنها الكتب المتعارفه والزبر المتداوله والله ولي الافاضة واليه الرجوع في البداية والنهاية ومنه التوفيق ويده ازمة التحقيق .

این نسخه شماره چهارم دفتری است دارای ۸ رساله ( ۱ فوزاصغر مشکویه ۲  
 ۸۹۷ اوائل التحریر از اختیار فرزند غیاث الدین حسینی در بیان و انشاء که در ۸۹۰  
 نگاشته است از برک ۲۰ الف تا برک ۵۱ ب ۳ فصوص فارابی بخط نسخ تاریخ  
 ۱۰۹۶، ۴ اثبات واجب دشتکی ۵ عرشیه فیلسوف شیرازی ۶ اطباق از شرف الدین  
 عبدالؤمن سفر وی بخط نسخ معرب بتاریخ ۱۰۹۶ از برک ۹۷ ب تا ۱۲۹ الف ۷  
 ترجمه فارسی سه نمط آخر اشارات ۸ دره فاخره جامی بنسخ تاریخ ۱۰۹۷) این رساله  
 مانند دیگر رساله‌ها بخط نسخ و همه از یک نویسنده است و از برک ۵۹ ب تا برک ۸۹  
 الف میباشد و بایستی در همین سالهای ۱۰۹۶ و ۱۰۹۷ نوشته شده باشد.

(همه دفتر ۱۵۹ برک) - کاغذ فرنگی - جلد روغنی و یک سوی فرسوده

اندازه : ۲۱٫۵ × ۳۴٫۵ و ۲۶ × ۲۸ س

(فارسی)

اثبات واجب

[۶۷]

مولانا رجبعلی تبریزی سیاهانی (م ۱۰۶۵ یا ۱۰۸۰) که از فیلسوفان  
 منطقی روزگار خویش و از نزدیکان و شناختگان شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷)  
 و درباریان و بزرگان کشور بشمار میآمده استاد حکیم کوچک قاضی محمد سعید  
 ۱۵ قمی (۱۰۴۹ - ۱۱۰۳) و برادرش حکیم محمد محسن قمی نویسنده تفسیر بزرگ  
 فارسی و میرزا قوام الدین رازی و مولی محمد تنکابی سراب و دیگران بوده است.  
 این فیلسوف رساله «اثبات واجب» به فارسی نگاشته و در آن بود و یگانگی  
 خدا را آشکار ساخت و روشن کرد که لفظ بود و وجود میان واجب و ممکن مشترک  
 لفظی است و این رساله او دارای یک مقدمه و پنج مطلب و یک خاتمه است و در  
 ۲۰ دیباچه آن میگوید: درباره اشتراك لفظی وجود نباید از اینکه کسی بدین رأی  
 نیست بیم داشت چه رسد باینکه استاد نخستین در «اثولوجیا» و حکیم مسلمة بن  
 احمد مجریطی (از مادرید اندلس که در ۳۹۵ یا ۳۹۸ در گذشت) و صوفیانی مانند  
 شبستری (محمود فرزند امین الدین تبریزی م ۷۱۹ یا ۷۲۵) و شیخ صدر الدین  
 قونوی (م ۶۷۳) در نصوص و تفسیر سوره حمد و برخی از فیلسوفان و نیز فرزندان  
 ۲۵ هند همگان چنین میگویند. مولانا در مطالب پنجم با دلیلهای فلسفی ثابت میکند



که وجود میان واجب و ممکن مشترك معنوی نیست بلکه لفظی و در مطلب چهارم  
میرساند که صفت جز ذات میباشد و در پایان میگوید که خدا را صفتی نیست و گرنه  
یا خود او است یا جز او و هر دو ناروا است و برای این مطلب و همچنین برای اشتراك  
لفظی وجود سخنان پیشوایان شیعی را دلیل میآورد - نسخه از این رساله در آستانه  
طوس (شماره ۷۲۰ ج ۴ ص ۱۵۱) هست و بر رساله وجودیه نامیده شد ۵  
آغاز: پس از نام بردن خدا و ستودن او: بدانکه این رساله مشتمل است  
بر مقدمه و پنج مطلب و خاتمه. مقدمه در بیان معنی وجود و معنی اشتراك لفظی  
و معنوی.

انجام: پس اطلاق وجود بر الله تعالی باین معنی است که معدوم نیست  
و اطلاق واجب بر او باین معنی است که ممکن نیست. چنانچه در ممکنات است. ۱۰  
سبحانك رب العزة... والحمد لله رب العالمين

[۷۴]

این نسخه شماره دوم دفتری است که دارای هفت رساله میباشد و نشانه آن  
در ص ۲۷ یاد گردید. این رساله بخط شکسته تعلیق است و از برك ۵۲ الف  
تا برك ۵۸ ب میباشد. ۱۵

(فارسی)

اثبات الواجب

[۶۸]

مسیحای شیرازی یا محمد مسیح بن اسمعیل فدشکوئی فسائی شیرازی  
که در نزد يك به ۹۰ سالگی بسال ۱۱۲۷ در گذشت این رساله را در يك فاتحه  
و دو مقصد نگاشته است. وی شاگرد دانشمند خوانساری آقاحسین بوده و بتازی  
و پارسی شعر میسرود و شیخ الاسلامی فارس را داشت. نسخه از این رساله در آستانه  
طوس بشماره ۳۰۲ (ج ۴ ص ۵) هست. ۲۰

آغاز: بسمله و به تقی. یا من منه المبدء و الیه المنتهى... چنین  
گوید... ابن اسمعیل الفسائی محمد المدعو بمسیح... این چند کلمه ایست مختصر  
در بیان اثبات واجب و توحید او.

انجام: چنانکه او را شریکی در واجبیّت بالذات و در ایجاد ممکنات نیست ۲۵



[۷۵]

این نسخه بخط نسخ و دارای سرلوح زرین و جدول بزرگسنگرف و لاجورد  
و عنوانها بشنگرف است. ۸۵۵

(۷۳ برگ) - کاغذ ترمه سپاهانی - جلد تیماج زرد حاشیه دار  
اندازه: ۱۱×۱۸٫۵ و ۶٫۵×۱۲ س ۱۴

[۷۶]

این نسخه شماره هشتم دفتری است که دارای نه رساله و گفتار میباشد و بخط  
شکسته تعلیق از برگ ۲۳۳ ب تا برگ ۲۹۲ ب است و آنچه در این دفتر نوشته  
شده بدینگونه است: ۸۷۴

- ۱- حواشی میرفندرسکی بر شرح لمعه بخط شکسته تعلیق (۱ ب - ۷۲ ب).
- ۲- رساله در رد رساله نماز جمعه ملاخلیل قزوینی از ملا محمد طاهر شیرازی  
بفارسی و بهمان خط (۷۳ ب - ۹۴ الف).
- ۳- خطبه شقشقیه و خطبه های دیگر بخط نسخ و تعلیق (۹۴ ب - ۱۱۶ الف).
- ۴- شرح زوزنی بر برخی از قصیده های هفتگانه بخط شکسته تعلیق (۱۱۶ ب -  
۱۴۰ ب). ۱۵

۵- ابطال وحدت وجود ملا محمد سعید گیلانی (۱۴۱ ب - ۱۷۰ الف) بهمان خط  
و عنوانها در هامش بشنگرف و صفحه (۱۴۷ الف) این رساله را نویسنده بار دیگر  
در برگ ۱۴۱ الف دوباره نوشت.

۶- در شرح حدیثی که برخی با آن استدلال کردند که وجود مشترك معنوی  
نیست بهمان خط (۱۷۰ الف - ۱۷۱ ب). ۲۰

۷- رساله ملا محمد طاهر شیرازی در رد بر رساله ملا حسن علی در نار و ابودن نماز  
آدینه بفارسی و بتاریخ ۱۰۶۸ بهمان خط (۱۷۲ ب - ۲۳۳ ب).

۸- همین رساله فسائی ۹- خطبه نکاح از برخی دانشمندان بخط نسخ (۲۹۲ ب -  
۲۹۴ الف).

همه این نوشته ها از يك نویسنده است. ۲۵

(همه دفتر ۲۹۴ برگ) - کاغذ قرنگی - جلد تیماج سرخ ضری مقوائی  
اندازه: ۱۰×۱۹٫۵ و ۷×۱۵ س ۱۴

[۷۹]

اثبات الواجب یا قواهد التوحید (عربی)

جعفر بن محسن الحسینی برای یکی از بزرگان روزگار خود که همنام  
«خلیل الله» میخواندش این رساله را نوشت و در يك مقدمه و دو مقاله و يك خاتمه ۳۰

است او از ابن کمونه (دربرك ۲۳ ب) یاد میکنند .  
 آغاز : اللهم يامن عجز عن تصور هويته عقول العقلاء .  
 انجام : واما امكان احدا الفردين المفروض واجبيتهما .

[۷۷]

- ۵ این نسخه بخط نسخ خوش از درویش علی فرزند حاجی شمس کازرونی  
 ۲۸۵ بتاريخ روز آدینه ۶۴ ذی قعدة سال ۱۱۱۸ می باشد و در پایان آن دارد : « تم  
 الرسالة نسخا و مقابلة . . . این حاجی شمس ، درویش علی الكازرونی  
 غفر الله ذنوبه و ستر عيوبه » .

(۳۱ برگ) - کاغذ ترمه سپاهالی - جلد تیماج کهنه  
 اندازه . ۱۸×۱۳ و ۷×۷ هر ۱۴ س ۲۰

۱۰

(عربی) اثبات واجب [۷۰]

نگارنده این رساله دودلیل برای اثبات خدامیاورد که در آن نیازی بباطل  
 ساختن دور و تسلسل نیست و در پایان آن بکتاب خود بنام (الرضیة الحسینیة)  
 بازگشت میدهد .

- ۱۵ آغاز : هوالموفق والمعین . الموجود اما واجب او ممکن ، لانه من حیث  
 هو ، مع قطع النظر عما یغایره ، موجود ، لایقبل العدم ام لا .  
 انجام : فلم یکن واجبا ، وذلك خلاف المفرد (و) ض . وقد بسطنا فی الدلین  
 فی « الرضیة الحسینیة » . فمن یرد الاطلاع علیه ، فلیرجع الیه . والله تبارک و تعالی  
 هوالموفق والمعین .

۲۰

[۷۸]

این نسخه شماره ۳۴ دفتری است که دارای ۳۵ رساله است و بخط تعلیق  
 ۱۰۷۹ از ص ۲۴۰ تا ۲۴۱ می باشد و مراد تفرشی در ذی حجه سال ۱۰۴۷ این رساله را  
 برای مولی محمد صالح کرامی نوشت .

(عربی) اثبات الواجب [۷۱]

- ۲۵ در این رساله از بود خدا و نامها و صفتهای او و از اینکه چگونه چندین چیز  
 از خداوند یکتا آفریده شده است کاوش میگرد و در آن از فتوحات مکیه محیی الدین

اندلسی (م ۶۳۸) واز خواجه طوسی (م ۶۷۲) و قونوی (م ۶۷۳) و قطب رازی (م ۷۷۶) یاد میشود و بسیار شیوا و رسا نوشته شده است.

آغاز: بسمله و به نستعین. الحمد لله الذی تجلی بذاته لذاته، فتعین فی باطن علمه بمجالی ذاته اوصفاته... اما بعد، فهذه: رسالة فی تحقیق مذهب الصوفیه و المتکلمین و الحكماء المتقدمین، و تقریر قولهم فی وجوب الواجب و حقایق اسمائه و صفاته و کیفیه صدور الکثرة من وحدته.

انجام: و قال الحكماء هی واقعة علی سبیل الوجوب... و ارتفاع الموانع.

[۷۹]

این نسخه شماره نخستین دفتری است که دارای پنج رساله میباشد و بخط تعلیق و عنوانها بنسخ درشت تر، از برك ۱ الف تا برك ۲۸ ب. رساله دوم این دفتر گزیده ای است از مشنوی عرفانی صدر المتألهین شیرازی بخط نسخ (۳۱ الف - ۵۰ ب) و سوم مقامات میرمرشدی در عرفان و منظوم بهمان خط (۵۰ ب - ۵۵ ب) چهارم مشواق فیض کاشانی بخط تعلیق (۵۵ ب - ۶۰ ب) پنجم قضا و قدر فیلسوف شیرازی بهمان تعلیق (۶۱ الف - ۱۷۴ الف). همه اینها را محمدعلی نوشته و نام خود را در پایان رساله نخستین آورد بدینگونه: «تمت الرسالة الشریفة... بید اقل الطلبة محمدعلی قلمی گردید سنه ۱۳۰۰» و رساله پنجم را در ۱ صفر ۱۳۰۰ بیابان رساند. (همه دفتر ۱۷۴ برك) - کاغذ قرنگی - جلد تیماج سرخ ساده مقوایی انداز ۱۰٫۵ × ۱۷٫۵ و ۱۴ × ۱۱ س ۱۱

[۷۲]

(عربی)

اثبات وحدة الوجود واجب

فیلسوف مولی شمس الدین محمد گیلانی (ملا شمس) که در روزگار فیلسوف ملاصدرای شیرازی (م ۱۰۵۰) و دانشمند آقاحسین خوانساری (م ۱۰۹۸) میزیسته از شاگردان فرزانه ایرانی میرداماد استرآبادی سپاهانی (م ۱۰۴۱) بوده است وی در ۱۰۴۵ در شهر طوس بود و رساله حدوث عالم را در آنجا نگاشته (نسخه شماره ۹۲۶/۵ برك ۱۱۰ الف این کتابخانه) و در ۱۰۴۷ در حجاز میزیست و فوائدی فلسفی در آنجا گرد آورد<sup>(۱)</sup> شمسار ساله ای بسیار شیوا در علم دارد و در ذریعه (ج ۱ ص ۱۰۵)

۱ - این فوائد در نسخه شماره ۹۲۶/۱۱ این کتابخانه هست و از سبك نگارش و روش نوشتن نسخه پیداست که از شمس است و در برك ۱۵۱ الف مینویسد که در ۱۰۴۷ اینها را در حجاز نگاشته ام و در ۱۴۷ ب از استاد او بنام «الاستاذ الفیلسوف الکبیر» یاد کرد بدینچنانکه در حدوث عالم (نسخه یاد شده برك ۱۲۴ ب) از استاد او سید داماد یاد میشود.



- از رساله فارسی او در اثبات خدا یاد میشود که پاره‌ای است از کتاب «التحقیقات فی احوال الموجودات» او. شمس نامه‌ای بصدر انوشته و چند پرسش فلسفی از وی کرده است و او در پاسخ بسیار از شمس ستوده و نوید داده که اگر از سفر برگرد باز نامه نویسد و او را دیدار کند. پرسشها و پاسخهای شمس و صدرا در کنار «المبدء والمعاد» شیرازی در ایران بسال ۱۳۱۴ ص ۵۹-۳۴۰ بچاپ رسید این رساله (اثبات وحدة الواجب) بتازی و از همین شمس میباشد و در آن بروش مشائیان خاوری یگانگی خداوند آشکار گردید و گاهی شعر پارسی و تازی نیز در آن آمده است.
- آغاز: بسم الله... الحمد لله الواحد الاحد الصمد... فيقول... محمدا الشير  
بشمس الجیلانی... هذه رسالة فی بیان لزوم الفساد علی تقدیر تعدد الواجب بالذات.
- انجام: تتجلی علیه انوار التحقیق والله ولی التوفیق.

## [۸۰]

- این نسخه شمسه دوم دفتری است دارای ۱۵ رساله و گفتار: ۱ حواشی  
۹۲۶ بر اصول کافی بنام الدر المنظوم من کلام المعصوم از علی بن محمد بن حسن بن  
زین الدین شهید ثانی عاملی جلی که در ۱۰۱۳ یا ۱۰۱۴ زاده و این رساله را  
در پایان ذی حجه ۱۰۶۱ نوشته و بخط تعلیق میباشد ۱ ب - ۹۲ ب در کنار برك ۹۲ ب  
اجازه ایست بخط همو که در تاریخ ۱۸ ربیع یکم سال ۱۰۸۵ بشیخ علی بن زین الدین  
(بن محمد بن حسن بن زین الدین شهید ثانی) شاعر ادیب برادرزاده خود میدهد ۲ همین  
رساله که بخط تعلیق ریز و حاشیه (منه دام ظله) دارد و از برك ۹۳ الف تا برك ۹۶  
الف میباشد و پیدا است که در روز کار نگارنده رساله نوشته شده است ۳ رد بر اعتراض  
رازی و کاتبی بر شیخ رئیس درباره پاسخ او به بهمنیار در اینکه یکی جز یکی نیافرند  
از ابراهیم حسینی همدانی ۴ - عبارتی از لمحات شیخ شهید اشراقی (لمحه چهارم)  
در اثبات تجرد نفس بدلیل حضور ذاتی و بی نیازی از چیزهای دیگر در نه سطر در برك  
۹۶ الف بهمان خط ۵ - رساله حدوث عالم شمس که در روز کار او نوشته شده ۶ - رساله  
وجود شمس نوشته در روزگار او ۷ - رساله از خفری بخط تعلیق دیگر و درشت تر  
و بشنگرف ۸ - رساله دیگر از همو بهمان خط ۹ - مرآة الحقایق و مجلی الدقایق دشتکی  
بهمان خط ۱۰ - اظهار الکمال شمس بخط تعلیق ریز تر ۱۱ - گفتارهای گوناگون فلسفی  
که در پایان آهارمز (س م س رحمه الله) دیده میشود و گویا از سید داماد باشد در برك  
۱۴۴ ب نیز سخنانی فلسفی در وجود خدا و آفریدگان دیده میشود که گویا از شمس باشد



(برك ۱۴۵ الف تا ۱۵۱ الف) و در آن از استاد خود چنین یاد میکند : « و جميع ما ذكرنا تفصيلا هو مختار الاستاذ الفيلسوف الكبير قدس سره في تصانيفه القدسيه و كنهه النوريه » (برك ۱۴۷ ب) و در پایان دارد كه این بر گهارا بروش پیروان تاله و اشراق در ۱ صفر سال ۱۰۴۷ در حجاز نوشته ام و در آن از شرح هیاكل دوانی (۱۴۵ الف) و از خلق اعمال همو (۱۵۱ الف) یاد میشود و آغاز و انجام این سخنان چنین است : « اعلم ان الوجود بلا علة يجب ان يكون وجود اقاما بذاته - وقد وقع الفراغ من تسويد هذه الاوراق ... في اول شهر صفر ... في بلدة الحجاز ... في سنة سبع واربعم بعد الالف » این گفتارها بهمان خط رساله شماره ۲ است و حاشیه (منه دام ظلّه) دارد و از برك ۱۴۵ الف است تا برك ۱۵۱ الف .

۱۲- رساله وجود واجب ۱۳- شرح دوانی بر رساله عقل طوسی ۱۴- حاشیه بر این شرح ۱۵- رساله علم - چنانكه گفته شد خط رساله ۱۲ و ۲ یکی است و هر دو در روزگار همسا نوشته شد .

(همه دفتر ۱۵۵ برك) كاغذ ترمه سپاهانی - جلد مقوا

اندازه : ۲۰ × ۲۷ و ۱۴ × ۲۰ س ۲۵

(عربی)

أبواب في علم الحلال

[۷۳] ۱۵

علی بن شیخ فضل الله گیلانی زاهدی در این رساله سخن ابن کمونه بغدادی را در اینکه در گفته های فیلسوفان برهانی از روی اختلاف ماهیت دیده نمیشود ، آورده و از آن خرده میگیرد و خود برهانی میآورد كه هیچ شبهه ای در آن راه ندارد .

آغاز : اعلم انه قد نقل عن ابن كمونه قال : لانجدالي الآن في كلام المتقدمين والمتأخرين برهان التوحيد باختلاف المهيته .

انجام : وبه يندفع هذا الشبهة عن كلام المحققين ... من المتلفظات اضعف

عباد الله الغني علي بن شيخ فضل الله الجيلاني الراهدی

[۸۱]

این نسخه شماره هشتم دفتری است كه دارای ۱۵ رساله و چندین گفتار میباشد و بخط تعلیق از برك ۳۶ ب تا برك ۳۷ ب است . نشانه آن درس ۶۷ یاد گردید

[۷۴]

الاجزاء المحمودة (و معاله في ...)

(عربی)

یكی از مباحث دشوار امور عامه فلسفی الهی مسئله جزء های محمول است كه با جزء بودن بر كل حمل میگردد میرزا محمد رستم داری شیعی این رساله را

برای شاه سلطان محمد (۹۸۴-۵) فرزند شاه تهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴) درگذردن  
راز این مسئله دشوار نگاشته است وی همان کسی است که در هنگام جنگ طوس  
نامه‌ای باوزبکها نوشته و آنها پاسخ داده‌اند.

- رستم‌داری در این رساله میگوید که اشراقیان ماهیت را و مشائیان انصاف را  
آفریده دانستند (۳۴ ب) وی دلایلی که برای بود و نبود کلی طبیعی آورده‌اند  
(از ۳۶ تا پایان) و پاسخی را که طوسی بقونوی داده است می‌آورد و دلیلی را که  
طوسی برای حمل يك چیز عینی بر چند چیز آورده‌گرفته که شارح مفتاح الغیب  
کرد یاد نموده سپس خود بررسی میکند و میگوید يك چیز اگر چه کلی باشد  
روا نیست که در چند جا باشد و این را روشن و بدیهی میداند (۳۹ الف). او در این  
رساله از این دانشمندان و از این نگارشها یاد میکند: تجرید طوسی و شرح جدید  
آن و گفتار دوانی (۳۹ الف تا پایان) نیز دوانی (۲۳ ب و ۳۰ ب) و سیدالمتحققین  
(۱۲ ب) و «سید قدس سره» بسیار دارد نیز از فاضل لاری (۲۰ الف) و محقق شریف  
و حاشیه او بر شرح قدیم تجرید (۳۲ الف) حاشیه بر شرح حکمه العین (۳۴ ب) -  
رستم‌داری در ترکیب ماهیت از جزئیهای محمول چهارراهی را که دانشمندان رفته‌اند  
یاد میکند و از آنها بحث می‌نماید.

۱۵

آغاز: بسم الله یا من دل بجوده علی وجوده و استقل بوجوده علی جوده...  
فیقول.. محمدالرستم‌داری ان مبحث الاجزاء المحمولة من غوامض مباحث الحکمة  
والکلام.

- انجام: ولا تنظر الی من قال وانظر الی ما قال و اعرف الرجل بالعلم لا العالم  
بالرجال. و لنختم الرسالة بهذا المقال متوکل علی الکرم المتعال الحمد لله علی جزیل  
نواله والصلوة علی سید انبیاء محمد وآله.

[۸۲]

- این نسخه بخط نسخ از محقق کرکی کوچک حسین بن حیدر حسینی کرکی  
عاملی است که میگوید جز چهار صفحه (برگهای ۲۶ الف و ۲۷ و ۴۵ که چهار  
صفحه و پنج سطر میرسد و بخط تعلیق شکسته میباشد) همه را من در مشهد رضا  
۲۵

(طوس) در پین روز دوشنبه ۱۳ رمضان سال ۱۰۱۰ نوشته ام و در کنار صفحه باز می نویسد که من در طوس این نسخه را با نسخه هائی که از روی خط نگارنده رساله نوشته شده بود برابر کردم و تا توانستم جز آنچه را که از پیش چشم رفته باشد درست نمودم (۱) - عنوانها بنسخ درشت تر و بشکرف است و حاشیه (منه رحمه الله) دارد .  
(۴۵ برك) کاغذ قرمه سمرقندی - جلد خطی - طبع نسخ معاصر طوس - عرص شد  
اندازه : ۱۳ × ۱۹ و ۱۴ × ۲۰ س ۲۰

۱ - چهار کس بنام حسین کرکی در روضات الجنات (ص ۱۸۶-۱۹۱) و امل الامل (۴۳۴) و ملافة العاصمید علیخان (۶۷-۳۵۵) یاد شد :

۱ - امیر سید حسین بن سید بدرالدین حسن بن سید جعفر اعرجی حسینی موسوی کرکی عاملی که در سپاهان میزیست .

۲ - امیر سید حسین مجتهد پسر سید ضیاءالدین ابی تراب حسن فرزند سید ابی جعفر مجتهد موسوی کرکی عاملی که در قزوین بوده و بدستور شاه عباس یکم (۹۸۵-۱۳۰۸) باردیل رفته و شیخ الاسلام آنجا شد گویند که در سال ۱۰۰۱ در قزوین بظاعون درگذشت وی در ۹۵۹ « دفع المناواة من التفصيل والمساواة » نوشت و در روزگار شاه اسمعیل دوم (۹۸۴-۹۸۵) میزیست این دانشمند نواده دختری محقق دوم شیخ علی بن عبدالعالی کرکی (م ۹۴۰) بوده است .

۳ - شیخ حسین بن شهاب الدین بن حسین فرزند خاندان شامی (یکفته سلافه) یا فرزند محمد بن حیدر عاملی کرکی فیلسوف پزشک شاعر ادیب نویسنده که ارجوزه در نحو و منطق دارد وی در سپاهان میزیست آنگاه بعیدر آباد رفت و در آنجا بسال ۱۰۷۶ در ۶۸ (امل الامل) یا ۶۷ (روضات) یا ۶۴ سالگی (سلافه) درگذشت وی نگارشهای در ادب و منطق و پزشکی دارد .

۴ - سید عزالدین ابو عبدالله حسین بن سید حیدر بن حیدر بن قمر بن علی حسینی کرکی عاملی که بمجتهد یامفتی سپاهان نامبردار بوده است وی در روزگار تهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴) در سپاهان داور و مفتی بود و از سید حسین کرکی (دومی) روایت میکرد و از او اجازه داشت . وی در ۲۲ رمضان سال ۱۰۲۱ اشراق الحق من مطلع الصدق (نسخه شماره ۲۹۳ این کتابخانه) را نگاشته است و در پشت کتاب بخط خود نام خویش را نوشت (برک ۱ الف) و نیز اجازه ای را که به نصیرالدین محمد داد بخط او در برك (۶۹ ب) همین اشراق دیده میشود . او در اشراق از شیخ علی بن عبدالعالی (م ۹۴۰) و از شیخ بهائی (۹۵۳-۱۰۳۰) بعنوان شیخنا یاد میکند و میسراند که این اجازه پس از مرگ شیخ علی بن عبدالعالی و مولی لطف الله نیشابوری (شاگرد پسر شیخ طوسی) و در روزگار بهائی نوشته شده است . او باز در این دفتر از معین الفکر محمد بن جمهور (گویا نویسنده مجلی در ۸۹۵) و کفایه الطالبین احمد بن متوج بحرانی (استاد این فهدو شاگرد شهید و فخر المحققین) و تفرید (تعریذ) الاعتماد فی شرح تجرید الاعتقاد شمس الدین محمد بهشتی (اسفرائینی بیهای که در نزدیک بروزگار طوسی میزیست - ذیمه ج ۳ ص ۳۵۳ و ج ۴ ص ۲۱۴) و شرح نجات العباد محمد بن ابی طالب استرآبادی (زنده در نزدیک ۹۴۰) یاد میکند - او در ۱۲۰۹ زنده بود و هموست که در ۱۰۱۰ نسخه « الاجزاء المعجوله »

ما را نوشته است .



## اسباب حدوث الحروف

(عربی)

- قنواتی در شماره ۴۹ فهرست خویش از النیروزیه یارسالة الحروف یارسالة  
فی فواتح السور الکریمه یاد میکند که شیخ آنرا برای شیخ امیر سید ابی بکر محمد بن  
عبدالرحیم در معانی حرفهای هجاء آغاز سوره های قرآن نگاشته و در نوروز باو  
ارمغان داد و در پایان میگوید رازهایی مانده که باید زبانی گفت سپس از امیر ستوده  
از خدای میخواهد که بتواند از دهشهای اوسپاسگزاری کند - این رساله جز رساله  
مالست و درسه فصل میباشد (ترتیب هستی ها و اثر آنها - چگونگی دلالت حرفها -  
غرض) و بروش باطنیان و حروفیان نوشته شده و در تسع رسائل بنام الرسالة النیروزیه  
فی معانی الحروف الیهجائیة بسال ۱۲۲۱ به چاپ رسید باز قنواتی در شماره ۴۷ از حدوث  
الحروف یا فی تحقیق الحروف یا اسباب الحروف یا فی اسباب الحروف یاد میکند که  
محب الدین خطیب در قاهره بسال ۱۲۲۲ به چاپ رساند و م. براومان (M. Brauman)  
آنرا در Mater. und Unters. zu den phonetischen Lehren der Araber (۱۱۲-۱۳۱)  
در برسلو Breslau بسال ۱۹۴۳ به چاپ رساند در معجم المطبوعات  
نیز از این دو چاپ مصر یاد گردید و می نویسد که رساله دوم شش فصل است (پیدایش  
آواز - پیدایش حرفها - تشریح حنجره - سببهای جزئی هر حرف تازی - حرفهای  
همانند که در زبان تازی نیست - اینکه این حرفها از کدامیک از جنبشهای غیر نطقی  
شنیده میشود) در کشف الظنون نیز از رساله دوم و شش فصل آن و از رساله نخستین  
یاد شده است (ج ۱ ص ۵۴۸ ج ۱ ص ۵۶۸) این رساله نیز جز رساله ما است  
شیخ در این رساله نخست از پیدایش آواز سپس از حرفها از رهگذر دستور زبان  
آنگاه از رهگذر تجوید کاوش میکند پس از آن بروش فیثاغورسیان و صوفیان در باره  
حرفها سخن میراند و در پایان این مسئله را که لغت و زبان ساخته مردم است یا اینکه  
خدا آنرا ساخته و بمردم آگاهی داد (اصطلاحی و توقیفی) میآورد .  
این رساله ما فصل بندی نشده است .

آغاز : بسم الله اما بعد حمد الله الذي افاض على الانسان سجال الجود والاحسان

... فاعلم يا اخي ... ان الصوت قرع في الهواء تدر كه حامسة السمع .



انجام : كما يفعل الابوان بالولد الرضيع حذو القنذة بالقنذة . هذا آخر ما اردنا  
تقريره وتحريره من مراتب الحروف . والله الموفق للصواب واليه المرجع والمآب .

[۸۳]

این نسخه از روی نسخه شماره ۱۲۱۶ کتبا بخانه مدرسه سپهسالار نوشته شده  
و در دفتری است دارای ۴ رساله که نو نویس و بنسخ است و هر يك صفحه شماری  
دارد و این رساله ۲۳ صفحه است .  
(همه دفتر ۶۰ ص ۳۱۸) - کاغذ قرصی - جلد مقوا  
اندازه : ۱۰×۱۷ و ۹×۱۲ س ۷

۳۶۷

[۷۶] استضاء الجو (عربی)

این رساله از خواجه رئیس ابوعلی سینا است درباره روشنائی و در آغاز  
میگوید که در نگارشهای دیگر خود بتفصیل سخن رانده ام قنواتی در شماره ۵۶ بنام  
« استضاء النور » از آن نام برده و دو نسخه نشان میدهد .

آغاز : بسم الله رسالة استضاء الجو للشيخ الرئيس - سالتني وفقك الله وانا الصواب  
ان اعذر بالاختصار عما افترق من مخالفة في امر استضاء الجو وامر الطول والعرض  
والعمق المأخوذ جميع ذلك في حد الجسم فاجتبتك الى ذلك تاركا للتدقيق والتحقيق فيه .  
انجام : فامر ما يحتاج الآن الى شرحه فقد بالعناية في مواضع اخرى -  
تمت الرسالة .

[۸۴]

این نسخه شماره ۱۴ دفتری است دارای ۱۸ رساله و بخط تعلیق ریث از  
۲۱۴ الف تا ۲۱۵ ب میباشد نشانه نسخه درص ۷۳ یاد شد .

۱۰۷۴

[۷۷] اشارات (عربی)

ابن ابی اصیبعه ( ج ۲ ص ۱۸ ) گوید که اشارات بهترین و آخرین نگارش  
فلسفی شیخ رئیس است و آنرا بهمه کس نشان نمیداد در فهرست پایان سرگذشت  
(السیره) نیز چنین آمده است شیخ در دو نامه<sup>(۱)</sup> خود که گویا به همینار یا دیگری

۲۵ - دیده شود : ارسطو عند العرب بدوی ( ۲۴۰ و ۲۴۵ ) . نامه دومی گویا پس از  
تاراج سپاهیان مسعود غزنوی بسال ۴۲۵ نوشته شده باشد .

نوشته باشد میرساند که نسخه از آن را نزد خود نگاه میدارد و جز این زیله و مانند او نباید بدان بنگرند از دیباچه و پایان اشارات نیز بدست میاید که شیخ بسیار بدان ارجح مینهاد و سفارش میکرد که بدست هر کس نیافتد.

- نامی که شیخ بدان داده در دفترهای اخوان صفا (رساله ۴ و ۹ بخش نفسانیات - ج ۳ ص ۲۶۷ و ۳۳۴ چاپ مصر) دیده میشود و آنان بروش آموزش خویش نام (اشارات و تنبیهات) میدادند.
- از گفتار رژی بکن Roger Bacon (۱۲۱۴-۱۲۹۴) برمیآید که اشارات را در سده ۱۳ در اروپا میشناختند.

- اشارات را یعقوب فرژ Forget درلیدن بسال ۱۸۹۲ بچاپ رساند و مهران سه نمط آخر آنرا با گزیده‌ای از شرح طوسی در جزء رسائل عرفانی شیخ دربریل با تعلیقه‌ای فرانسوی خود بسال ۱۸۹۱ چاپ کرد و سلیمان دنیا همه سه بخش آنرا در مصر بسال ۱۹۴۸-۹ (۸-۱۳۶۷) چاپ نمود و در ایران با شرح طوسی همه آن بسال ۱۳۰۵ و طبیعی و الهی آن بسال ۱۲۷۱ چاپ گردید شرح طوسی درهند نیز بسال ۱۲۸۱ و ۱۲۹۳ و ۱۲۶۷ و ۱۳۱۸ و در اسلامبول بسال ۱۲۹۰ چاپ شد چندین دانشمند بر اشارات شرح و محاکمه و حاشیه نوشتند مانند شرح - ای شیخ شهید سهروردی بفارسی و انوری و فخر رازی و ابن کمونه و ارموی و خنجوانی و سمرقندی و آمدی و بیهقی و طوسی و حلبی (سه شرح) و مانند محاکمات قطب رازی و شوشتری و سپاهانی و مانند حاشیه‌های سید شریف گرگانی و قطب شیرازی و دوانی و ملا میرزا جان شیرازی<sup>(۱)</sup> و ترجمه پارسی اشارات در تهران بسال ۱۳۱۶ بچاپ رسید.

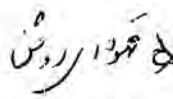
۲۰

[۸۵]

این نسخه بخط نسخ و عنوانها درشت تر و بسال ۶۹۳ نوشته شده است بسیاری از جاها اعراب دارد و نویسنده آن چنین نام برده شده: «محمود بن حسین بن

۲۸۸

محمد افغانی الریری».

(۸۰ برگ) کاغذ قرمه سمرقندی - جلد تیماج  ۱۴۱۰ × ۱۴ س ۱۷

نگاه به: فهرست قناتی که چندین نسخه از اشارات نشان میدهد و چهارده‌تای از ۵۸۳ تا ۸۶۹ نوشته شده است و هفت نسخه از اینها بیش از نسخه ۸۸ است.

[۷۸] اشراق هیاکل النور لکشف ظلمات شواکل الغرور (عربی)

- شیخ شهید اشراقی شهاب الدین یحیی بن حبیب بن امیرک سهروردی (۵۴۹-۵۸۷) فیلسوف بزرگوار ایرانی که بدست مشتی مردم نادان و بدستور صلاح الدین ایوبی (۵۶۴-۵۸۹) بگناه آزاداندیشی کشته گردید تنها دانشمندی بود که گذشته از دیگرگون ساختن بنیاد فلسفه مشائی سخنان فلسفی خویش را با اندیشه مزدا-پرستان ایران بیامیخت و فلسفه خود را بر روی دوپایه روشنی و تاریکی نهاد وی نگارشی بنام هیاکل النور دارد در هفت همیکل : ۱- جسم ۲- روان ۳- جهات ۴- خدا ۵- نامتناهی بودن حوادث ۶- جاوید بودن روان ۷- پیامبری .
- این کتاب را نخستین بار جلال الدین محمد بن اسعد دوانی (م ۹۰۸) شرحی آمیخته بنام « شواکل الحور فی شرح هیاکل النور » در سال ۸۷۲ نگاشته است .
- سپس غیاث الدین منصور (م ۹۴۸) فرزند صدر الدین محمد دشتکی شیرازی (۸۲۸-۹۰۳) نیز شرحی آمیخته بنام یاد شده در بالا نگاشت و در آن بشرح دوانی نگریسته از آن خرده ها گرفت وی در دیباچه آن آشکارا میگوید که در این شرح میخواهم لغزشهای دوانی را نشان دهم و با آنچه خرده گرفت پاسخ گویم وی در بیشتر جاهای سخنان دوانی را میآورد و لغزشهای آنها را روشن میسازد . دوانی شرح خویش را « شواکل الحور » نامیده و دشتکی بشرح خود « اشراق هیاکل النور لکشف ظلمات شواکل الغرور » نام داده و در آن شرح دوانی را انکوهیده و زشت و نگارش خویش را ستوده و زیبا چون روشنائی در برابر تاریکی نشان داد چنانکه در آغاز آن دیده میشود . دشتکی میگوید در این شرح من نمیخواهم سخن بدراز کشد و آنچه را که نمی پسندم آشکار بدارم تنها این را میخواهم که لغزشهای دوانی را بگویم .
- آغاز : بسم الله افتتح فاقول : یا غیاث المستغیثین ! نجنا باشراف هیاکل النور عن ظلمات شواکل الغرور . . . يقول . . . منصور بن محمد الحسینی .
- انجام : الذی نجانا بانوار الهدایة عن ظلمات الضلالة والغواية و آله الکرام الابرار و صحبه العظام الاخیار ، ماتعاقب اللیل والنهار .



## [۸۶]

این نسخه بخط تعلیق پاکیزه و تصحیح شده با عنوانهای شنگرف میباشد  
 ۳۵۱ و روی متن خط سرخ کشیده شده است درکناره چپ نخستین برگ، پایانب  
 برخی ازسطرها رفته وخوانا نیست - نسخه در ۱۳۲۰ بدستکاری مجدالادبا  
 خرید شده .

(۱۳۷ برگ) - کاغذ زرد سیاهانی - جلد تیماح سرخ ضریبی

اندازه : ۱۴ × ۲۴ و ۱۶ × ۷ س ۱۷

## [۸۷]

این نسخه دردفتری است دارای سه رساله ۱- رساله حج میرزای قمی ۲- جبر  
 ۸۵۲ و مقابله ملک محمد بن سلطان نحسین سیاهانی ۳- همین شرح که از برگ ۳۵ ب  
 ۱۰ است تا برگ ۱۶۱ ب و بخط تعلیق و درپایان دارد : « وقع من الفراع من  
 تسویده و تحریره يوم الاربعاء من شهر رمضان المبارك سنة تسع وتسعين وتسعمائة الهجرة  
 النبوية في دار السلطنة قزوین علی يد مالک و راعه . . . » پس نویسنده نسخه که نامش  
 خوانا نیست درروز چهارشنبه رمضان سال ۹۹۹ درقزوین آنرا برای خود نوشته است  
 (همه دفتر ۱۶۱ برگ) - کاغذ ترمه سمرقندی - جلد مقوا  
 اندازه : ۱۸ × ۱۰ و ۱۴ × ۷ س ۱۶

(فارسی)

## اصالت وجود

[۷۹]

یکی از مسئله های دشوار فلسفی بحث وجود و ماهیت و اصالت آنها است  
 ۲۰ که متکلمان و عارفان و فیلسوفان خاوری همه از آن گفتگو کردند و اصالت یکی  
 از ایندو درنگارشهای خواجه رئیس و شیخ اشراقی بحث شده و ملاصدرای شیرازی  
 بخصوص آنرا یکی از پایه های فلسفه خویش ساخت .

این رساله چنانکه درآغاز آن آمده برای این نوشته شده که بتوان مسئله  
 وجود ماهیت و اصالت یکی از آندو را باسانی دریافت نگارنده رساله ازم تاخران  
 ۲۵ است و درآن از شیخ اشراقی و خواجه طوسی و علامه حلی و سراینده گلشن راز  
 و جامی (۷ ب) و محقق لاهیجی (۸ الف و ۹ الف) و منظومه فرزانه سبزواری (۸  
 الف) یاد میکند و شعری از منظومه میآورد (۷ ب) .

آغاز : حمد الجاعل نورالوجود وظلمة المهیة ... این چند کلمه ایست در بیان

مراد از وجود و مهیت .

انجام : آنچه که دارد آورده شد چومافی الخارج هویت وجودیه میباشد

و بس

[۸۸]

این نسخه شماره یکم دفتری است دارای ۱۶ رساله و نشانه آت در دنباله  
 ۸۷۶ « اثبات الواجب » ابن سینا یاد شد این رساله از برك ۱ ب است تا برك ۲۹ ب  
 و بخط تعلیق شکسته و بگواهی خط خورده گی ها باید نسخه اصل باشد . پس از  
 این آغاز رساله دیگری میاید بیارسی در همان موضوع و گویا دیباچه دیگری است  
 از نگارنده بر همین رساله و چنین آغاز میشود : « پس از نام خدا و ستایش او و درود  
 بر پیامبر - چون اهم مسائل علم معقول که مبتنی میباشد بر او معرفت مبدء و معاد . . .  
 مسئله اصالت وجود و اصالت مهیت میباشد . . . و مهیت امری است اعتباری » ( برك  
 ۳۰ ب ) و درست با برك ۲ الف از رساله ما مربوط میشود آنگاه از برك ۳۱ الف  
 تا ۴۰ الف سخنانی است بربری درباره مفهوم منطقی و طبیعی و وجود ذهنی و جبر  
 و اختیار بهمان خط و باید از همین نگارنده باشد .

۱۰

[۸۰] اصول الفوائد فی اصول المسائل الحکمیة (عربی)

این نگارش از عباس مولوی شاگرد ملا رجبعلی تبریزی میباشد که در آن  
 از وی با احترام یاد میکند و سخنانی از وی میآورد و پیداست که پس از مرگ استاد  
 آنرا نگاشت ( برگهای ۹ ب و ۱۸ ب و ۴۲ ب و ۵۰ الف و ۵۲ الف ) . مولوی  
 در آن از آنولوجیا و از ابن سینا و ابی البرکات و خواجه طوسی یاد میکند این نگارش  
 در هفت مقاله است ( ۱- بود و یگانگی خدا ۲- آفریدن چیزها ۳- آفرینش و جعل  
 چیست ۴- در اینکه گوهرهای عقلی و آسمانی بسیارند و جهان مثالی و هستی ذهنی  
 هست ۵- جسمها چیستند ۶- مقوله های دهگانه ۷- امور عامه ) و در ۱۰۹۷ پایان  
 یافت مولوی در این کتاب پیروی از استاد اشترک لفظی وجود را ثابت میکند و یکی  
 بودن صفت و موصوف را محال میداند .

۱۵

۲۰

آغاز : بسم الله الذی فاق عن مدح المادحین فخر مدحه و عدا وصف  
 الواصفین مآثر حمده . . . فبقول عباس المولوی . . . اربدان اکتب مختصراً یشتمل  
 علی عدة اصول المسائل .

۲۵

انجام : انتهاء المركبة الى البسيطة . قد وقع القراع من تسويده في شهر  
ذی الحجة الحرام سنة سبع وتسعين بعد الالف .

[۸۹]

این نسخه بخط نسخ با عنوانهای شنگرف است و محمد باقر هزار جریبی آنرا  
در شب سیوم رجب ۱۱۱۴ نوشت و نسخه ای است مقابله شده .  
(۸۶ برگ) - کاغذ ترمه سپاهانی - جلد قیماچ سوخ حاشیه دارد و لا  
اندازه ۱۹×۱۳ و ۱۴×۷ س ۱۴

[۸۱] اضمحیله (عربی)

- این رساله خواجه ابوعلی سینا چنانکه در آغاز و پایان نسخه (۱۰۷۴/۲)  
۱۰ ما دیده میشود « رساله المبدء والمعاد » و در دو نسخه موزه بریتانیا و مصر و همچنین  
در آغاز نسخه ۴۲۲ این کتابخانه « اضمحیله » نامیده شده است . شیخ این رساله را  
برای شیخ امین یا امیر سید ابی بکر بن محمد بن عبدالله بگواهی نسخه ها و ذریعه  
و بگفته ابن ابی اصیبه (ج ۲ ص ۱۰۰) ای ابی بکر محمد بن عبید و بگفته بیهقی  
(ص ۳۳) برای شیخ وزیر امین ابی سعد همدانی نگاشته است ما نا که در روز « اضمحی »  
۱۵ بدو ارمغان دارد و این ابوبکر همانست که شیخ « رساله نیروزیه » را نیز برای او  
نگاشته است (ذریعه ج ۲ ص ۱۴ و نسخه چاپی نیروزیه) و ابوسعید همدانی همانکس  
است که شیخ گفتگویی را که میان او و حکیم ابوالقاسم کرمانی شده و کار بستیزه  
و دشنام کشیده و شیخ او را بیگانه از منطق و او شیخ را فربخوار و فربکار خوانده  
بود ، نوشته و برای او فرستاد (بیهقی ص ۳۳) . شیخ در آغاز این رساله از «الشیخ  
الامین» نام میبرد و او را میستاید و از سختیها و گرفتاریهای خویش مینالد و از او  
میخواهد که ویرا بدست بخت نگذارد و از وی چشم نپوشد شیخ در پایان رساله  
(نسخه ۱۰۷۴/۲) باز از شیخ امین درخواست میکند که بچشم خوشنودی بدان  
بنگردد و لغزش آنرا درست سازد .

- این رساله در هفت فصل است ۱- رستاخیز چیست ۲- گوناگون بودن سخنان  
دانشمندان در آن ۳- ناسازگاری رأیهای باطلی که درباره آن آمده است ۴- آنچه  
۲۵ در مردمی پایدار است اگر چه همه چیزها از میان بروند (در اینجا سخن دکارت



میان‌دیشم پس هشتم بیاد می‌آید (۵- آنچیز پایدار گوهری است جاوید و همیشگی  
 ۶- در اینکه بایست رستاخیزی باشد ۷- دسته‌های گوناگون مردم پس از مرگ  
 و بررسی و کاوش از جهان دیگر. این فهرست را شیخ در آغاز پس از دیباچه می‌آورد  
 این رساله را استاد سلیمان دنیا در مصر بسال  $\frac{۱۳۶۸}{۱۹۴۹}$  از روی دو نسخه موزه بریتانیا  
 و مصر با دیباچه‌ای بجاپ رساند (۱).

این شیخ امین که گاهی وزیر ابی سعد همدانی و گاهی ابی بکر محمد بن  
 عیید و گاهی ابی بکر بن محمد بن عبدالله و گاهی ابی بکر بن محمد بن عبدالرحیم  
 (آغاز رساله نیروزیه) خوانده شد مانا کسی بود که شیخ می‌توانست رازهای خود را  
 بدو گوید چنانکه شیخ در نیروزیه که بدو در نوروز ارمان داده است بروش باطنیان  
 و حروفیان سخن راند و گفت رازهایی ماند که باید زبانی گفت و در این رساله هم  
 که بنام اوساخت رستاخیز جسمانی را انکار کرد و آشکارا پیروان سنت ناسازگاری  
 نمود و گفت چون تن نابود می‌شود و جان در تن دیگری هم نمی‌رود پس رستاخیز تنها  
 از آن جان خواهد بود شیخ رستاخیز جسمانی را در آغاز فصل دوم از آن دسته‌ای  
 از تازیان اهل جدل دانست.

شیخ در آغاز فصل پنجم این رساله گوید در بسیاری از نگارشهای خویش  
 بویژه در شرحی که بر کتاب نفس ارسطو نوشته‌ایم گوهر جان را روشن ساختیم که  
 چیست (۲).

وی در پایان سخن ثابت بن قره را که می‌گوید جانها از تن جدا میشوند  
 و بجسمی لطیف می‌پیوندند شگفت و بی‌پایه می‌خواند مگر اینکه رمزی گفته باشد.  
 شیخ در فصل سوم می‌گوید آنچه در دینها آمده از روی تشبیه و استعاره  
 است نه اینکه آنچه آشکارا از لفظ در می‌یابند خواسته شده باشد و در اینجا است  
 که تحریف تورات را انکار می‌کند. ملاصدرا در مبدء و معاد (ص ۲۹۵) گوید برخی  
 از فیلسوفان آیه‌های قرآن که درباره رستاخیز تن آمده تأویل نمودند و خود این را  
 نمی‌پذیرد و پیدا است که او در اینجا بگفتار شیخ در همین اضحویه هینگرد.

۱- برای برخی از آنچه درباره اضحویه گفته میشود باین دیباچه بنگرید  
 ۲- شرح نفس اودارسطو عند العرب بجاپ رسید.

گرچه شیخ رئیس در الهی شفا (ف ۷ م ۹ ص ۲۶۵) و در  
 (ص ۲۹۱) بازگشت تن را پذیرفت ولی از همان شفا و نجات پیداست که فضل معاد  
 کتاب نمیخواهد با ظاهریان بستیزد این است که او در رساله اثبات نبوت و در  
 ابوسعید و در «الحکومة فی حجج المثبتین للماضی مبدء ازمانیا» و در رساله فارسی  
 معراج که بگواهی سید داماد در صراط مستقیم (شماره ۱/ ۲۷۹ برک ۴ الف) از آن  
 او است روش تأویل پیش گرفت و آشکارا با پیروان سنت ناسازگاری نمود. از آغل  
 منطق مشرقی و دیباچه طبیعی و پایان اشارات پیداست که وی شفا را برای توده  
 مردم نوشت و نخواست که با مشائیان و متکلمان ن سازد. پس هیچ دور نیست که همین  
 شیخ رساله اضحویه بنگارد و در آن سخنانی مخالف ظاهریان بیاورد. غزالی در  
 تهاافت الفلاسفه در مبحث معاد از این کتاب بهره برده است این را هم باید دانست که  
 غزالی در بسیاری از نگارشهای خود مانند شیخ با ظاهریان خلاف کرد و آرائی آورد  
 که او را هم نگاهبانان سنت بمانند شیخ ببیدین خواندند.  
 آغاز: بسم الله افاض الله علی روح الشیخ الامین فی الدارین انوار الحکم و طهر  
 نفسه من ادناس الطبیعه.

انجام: الا ان یرمز رمز اکسائر الرموز واذ بلغنا هذا المبلغ فیلتئم (فلنختم)  
 المقالة (الرسالة) ولنحمد الله تعالی علی ما وفقنا له من ذلك وانسئل الشیخ الامین  
 ملاحظة یعین الرضا و اصلاح ما وقف فیہ الزلة منعما انشاء الله تعالی - تمت الرسالة  
 المسماة برسالة المبدء والمعاد والحمد لله رب العالمین والسلام علی رسوله محمد وآله  
 اجمعین.

۲۰ [۹۰]

این نسخه شماره یکم دفتری است دارای چهار رساله و بخط تعلیق و نو نویسی  
 است و در ۶۰ صفحه نشانه نسخه در ص ۴۲ و ۷۱ یاد شد.

۴۲۲

[۹۱]

این نسخه شماره دوم دفتری است دارای ۱۸ رساله و بخط تعلیق ریز و گاهی  
 بی نقطه از برک ۱۸ ب تا برک ۴۳ ب (دیده شود ص ۷۳).

۲۵

۱۰۷۴

## در اكمال على اصحاب الحقيقة والعال (فارسی)

این رساله از شمس الدین محمد گیلانی است در اینکه خیر هستی است و شر نیستی و دلیل برای آن می‌آورد.

مسئله شر و آفرینش یکی از مباحث دشوار فلسفه است اینجا است که پیروان زردشت بدو اصل گفتند ولی فیلسوفان و عارفان مانند غزالی طوسی وابن عربی اندلسی و شیخ اشراقی سهروردی و قطب شیرازی و صدرای شیرازی و دیگران دستگاه آفرینش را بهترین دستگاه پنداشتند و شر را عدمی دانستند (۱) شمس در این رساله از حدیث (کنت کنزاً مخفياً) یاد میکند.

آغاز: بسم الله... بدان اسعدك الله فی الدارين... که کمال خیر مؤثر است

۱۰ و نقص شر منفراست.

انجام: که خدای تعالی گنج مخفی بود یعنی غیر خدای تعالی بر آن گنج کمالات سرمدی ابدی واقف نبود.

[۹۲]

این نسخه شماره دهم دفتر است دارای ۱۵ رساله و گفتار و بتعلیق ریز با نشانه‌های

۹۲۶ شنگرف در برك ۱۴۳ الف و ب. نشانه نسخه دردنبال «اثبات وحدة الواجب»

شما گفته شد این رساله در این نسخه از پایان ناقص و برك ۱۴۴ ب سفید گذارده

شده است.

## [۸۳] اغراض ارسطو طاليس (عربی)

فارابی در این نگارش که درص ۸۸ و ۹۲ شناسانده شده غرض الهی ارسطو را

۲۰ آشکار می‌دارد و آنرا دوازده گفتار میداند از سنجش گفتار فارابی با آنچه در هر برك دفترهای چهارده گانه الهی آمده چنین بر می‌آید که وی دفتر آلفای بزرگ و کوچک

۱ - دیده شود شرح حکمة الاشراق و حاشیه صد را بر آن که در آندو دلیل بر این

مسئله آمده است ص ۲۳ - ۵۱۹ صدرا در حاشیه ص ۵۲۱ گوید افلاطون در پاسخ دو گانه

پرستان گفت که جهان سراسر زیبا است و نیکو ولی ارسطو می‌گوید که در این جهان خیر محض

۲۵ داریم و خیرا کثری - نیز نگاه به: فصل ۶ مقاله ۹ الهی شفا و قبس دهم قبسات سید اماماد

و شواهد ربوبی صدرا ص ۱۰۳ و مبدء و معاد او ص ۱۰۰



الهی را در گفتار نخستین و بتارا در دوم و گامارا در سوم و دلتارا در چهارم و اسیلون را در پنجم و زتا و ثتا را در ششم و ثتا را در هفتم و یوتا را در نهم و کاپا را در دهم و لاندا را در یازدهم گذارده است و از گفتار هفتم دفتر مو و از دوازدهم دفتر نورا را میخواهد.

- ۵ در آغاز میگوید که چون برخی پنداشتند که الهی ارسطو تنها از خدا و خرد و جان و چیزهایی که بدانها میپیوندد سخن میراند و مابعدالطبیعه و خداشناسی یکی میباشند بالینکه جز در بازدهمی که نشانه لام (لاندا) دارد یادی از آنها نشده است و همین مایه گمراهی گروهی گرورید این بود که این دفتر بنگارش در آمد، سپس میگوید پیشینیان بر الهی ارسطو شرح شایسته ننوشتند جز اسکندر که شرح وی بر دفتر لام ناتمام و نامستطیوس که شرحی کامل بر این دفتر دارد و بر دفترهای دیگر یا شرحی ننوشتند یا بما نرسید اگر چه متأخران مشائی میگویند که اسکندر بر همه دفترهای الهی شرح نگاشته است.

[۹۳]

- این نسخه شماره یکم دفتری است دارای چندین رساله فلسفی و منطقی فارابی از برك ۲ تا برك ۴ و نشانه آن درص ۱۸ گفته شد. ۲۴۰

[۹۴]

- این نسخه شماره ششم دفتری است دارای ۲۲ رساله و گفتار از برك ۷۴ تا ۲۵۳ الف و بخط تعلیق ریز و نویسنده این دفتر حیدر بن علی بن اسماعیل بن عبدالعالی هاشمی کرکی عاملی است که بسالهای ۶ - ۱۰۷۵ نوشته است شماره هفتم این دفتر سه فائده دارد در نخستین گفته شده که در نگارشهای فلسفی هر گاه بگویند شاعر او میرس و شاعر عساقفو (گو یا سافو) که زنی بود شاعر مانند میرس میان مردان و الهی بقراط و فاضل افلاطون و منفرد دیوجانس و زاهد سقراط را میخواهند و فروریوسها سه اندیکی از صورت دیگری سقل سوم از لویقی در دومی چنین آمده که ارسطو از افلاطون و او از سقراط چنین آورد: دانشجو باید جوان باشد و آسوده دل و تندرست و بگیتی ننگر دو چیزی را بر دانش برتری نهد و راستگو و بدو خود بخود دوستدارد باشد و دیندار و امن و باتوده مردم در روشها و خوهای زمانه بسازد و خوشخوی و مهر بان باشد و کم خورد و پرده ندرد و از مرک ترسد و خواسته نیاندوزد جز آنچه که بدان نیازمند باشد چه دانشجویی

با گرد کردن خواسته نمی سازد در سومی دارد که بقراط از سقراط پرسید با اینکه از گیتی در گذشتی و مرد مرادوست میداری چرا ترا دشمن میدارند وی گفت چون نادانی دشمن دانش است.

(همه دفتر ۱۵۶ برك) - كاغذ سمرقندی - جلد تیماج سرخ ساده

اندازه: ۱۳۵ × ۱۹۵ و ۶ × ۱۱۵ س ۱۸

[۸۴]

((الافق المبین))

(عربی)

یکی از نگار شهای فلسفی میرداماد<sup>(۱)</sup> «الافق المبین» است که در آن از وجود و زمان

و دهر سخن رانده بنوشته عالم آراء پیش از ۱۰۲۵ نگاشته است و در دو صرح که هر یکی

۱- فرزانه فیلسوف میرمحمد باقر بن شمس الدین محمد داماد فندرسکی استرآبادی

فرزند دختری دانشمند محقق ثانی نورالدین علی بن عبدالعالی کرکی (م ۹۴۰) و خود را

گاهی فرزند داماد و گاهی نیز داماد میخوانده است در کودکی در طوس بوده و در آنجا

دانش اندوخت و اندک زمانی پیشرفت نمود و در روزگار شاه عباس یکم (۹۸۵-۱۰۳۸)

بسپاهان رفت و از مرک محمد شاه (۵-۹۸۴) تا سال ۱۰۲۵ بمباحثه می پرداخت وی از

نزدیکان و شناختگان شاه عباس و شاه صفی (۹۳۸-۱۰۵۲) بوده با شیخ بهائی (۹۵۳-

۱۰۳۰) آمیزش داشت میرابوالقاسم فندرسکی (۱۰۵۰) و میرمحمد باقر طالبان استرآبادی

شاگرد بهائی نیز در روزگار او میزیستند

داماد شاگرد دائمی خود شیخ عبدالعالی (۹۲۶-۹۹۳) و شیخ عزالدین حسین بن

عبدالصمد پدر بهائی (۹۱۲-۹۸۴) و میرنورالدین محمد سماکی استرآبادی و سید نورالدین

علی بن ابی الحسن عاملی شاگرد شهید ثانی بوده است.

حسین بن حیدر کرکی (زنده در ۹۸۴ تا ۱۰۲۹) مفتی سپاهان و صدرای شیرازی

(م ۱۰۵۰) و سید احمد عاملی داماد و پسرخاله او (م ۶۰-۱۰۵۴) که نزد وی برهان شقار

خوانده است و ملاخلیل بن غازی قزوینی (۱۰۰۱-۱۰۸۹) شاگرد شیخ بهائی و محمدحسن

زلالی خوانساری شاعر (م ۱۰۲۴) ستایشگر او و عادل بن مراد اردستانی از شاگردان داماد

بشمارند.

شاه عباس از وی می ترسید که مبادا نافرمانی کند و بروی بشورد و چند بار خواست

او را آزار دهد ولی نتوانست.

داماد گاهی که با شاه صفی از سپاهان بنجف میرفته بسال ۱۰۴۱ در میان نجف و کربلا

در گذشت و در نجف بخاکش سپردند.

برای سرگذشت و فهرست نگارش میر دیده شود: الکنی والاقصاب نمی ج ۲

ص ۲۰۲-۳ و هدیة الاحباب همو ص ۱۳۴ و روضات الجنات ص ۶-۱۱۴ و قصص العلماء ص

۱۷۵ و ۲۳۸-۴۰ و امل الامل ص ۹۸ و اولؤتی البحرین چاپ سنکی و عالم ارای عباسی اسکندر

بیک ترکمان چاپ تهران ۱۳۱۴ ص ۱۰۹ و ۶۵۸ و فهرست سوم مجلس ص ۶۰ و فهرست

په سالار ج ۱ ص ۶۹ و ۲۶۵ و سلافة العصر فی محاسن الشراء بکل مصر از ابن معصوم

سیدعلی خان مدنی (م ۱۱۱۷) چاپ مصر ۱۳۳۴ ص ۷-۸۵ و فهرست کتابخانه بوهار

هند چاپ کلکته بسال ۱۹۲۳ ج ۲ (نسخه های تازی) و فهرست آستانه طوس ج ۴ ص ۲۰۴

شماره ۸۸۸۰ و فهرست مجلس ج ۲ شماره ۱۳۸ ص ۷۳ و فهرست معارف ج ۱ ص ۶۰-۶۶-۷۳-۹۸

۵. مساقه و هریکی از آنها هم چند فصل و هر فصلی چند عنوان است میباشد وی  
 بهار جای این کتاب از « الصراط المستقیم » خود یاد میکند و در مساقه ۶ صرحه  
 « زیر عنوان « اعضاء طاج و مخرج ضاج » (۲۳۸ الف) که از تنهای زمان سخن  
 اند عبارتی میآورد که تاریخ نگارش کتاب تا اندازه ای روشن میشود : « وانی  
 کنت و کدت الفصیة عنها حتی مازال ذلک و کدی برهة من العمر فلم یستبن لی  
 هذه الثلاثین سنة الاما اومض احایین الاشتغال بکتاب الصراط المستقیم فضمنته اياه  
 آن . . . استأنف نمطا غیبا و اسلوبا قدسیا . . . واقتصر تا صیل اصل الحکمة . . .  
 بالبسط والتفصیل . . . فمسی ان یکون فی آخرین من الحکما لما یلحقوا بنا من  
 ب عنی نیابة تامه روعیة عقلیه . . . قد اقل ظهر قریحتی فما وحت وحم الفروع  
 التقت لفت الجزئیات » از اینجا بر میآید که داماد افق مبین را پس از صراط مستقیم  
 ۱۰. شته و بیش از سی سال داشته وی در این کتاب از فروع و جزئیات کاوش نمیکند  
 « نرا بفیلسوفان آینده و گذار می نماید در ذریعه (ج ۲ ص ۱۶۱) از « الافق المبین »  
 گری یاد میکند که در فقه است و شاید از میر باشد .

- آغاز : بنوشته کشف الحجب ص ۵۵ و ذریعه همانجا و در نسخه کتابخانه بوهار  
 ۱۵. بهرست آنجا چاپ کلکته بسال ۱۹۲۳ ج ۲ ش ۳۲۷ ص ۳۵۴ : سبحانک اللهم جل  
 مدک و عز مجدک یا رب العاقلات العالیه و السافلات البالیة . تلویح استناری . . .  
 آغاز نسخه ما : بسمله و منك الاستیفاق یا علیم یا حکیم . تلویح استناری -  
 سمیت ان اثبتک (لک) علی التفطن لان لیس الوجود حقیقة الانفس الموجدیة ... لامعنی  
 ینضم الی المیهة .

## [۹۵]

۲۰. این نسخه بنسخ و تعلیق و عنوانها درشت تر و شنگرف و گاهی در هامش .  
 ۲۸۹ چند، برك در پایان سفید است و کتاب ناتمام و بدینجا « فصائی لست استصح  
 ارسال التقدم الزماني . . . وهو التقدم بالزمان و علی ما یتصف به الباری الاول  
 تعالی وهو » پایان میباشد . نسخه پاکیزه و ناتمام دیگری دیده شد که نزدیک بهفت  
 ۲۵ برك از نسخه ما بیشتر داشت : (دنباله بند آخر نسخه ما و هفت بند دیگر و ده سطر از  
 بندی) دیگر و پایان آن چنین بود : « شك و توهین تحقیقی - قال مثيرقة التشكيك



فی المباحث المشرقیة فان قيل تقدم العلة علی المعلول . . . امتنع ان يكون للمجموع تذ  
فتقول اننا لانعنی بهذا» .

حاشیه هائی در هامش نسخه مادیده میشود که به (منه دام ظلّه العالی) یا (ادام  
افضاله) یا مانند اینها پایان مییابد پس این نسخه در روزگار داماد نوشته شده است  
(۳۷۸ برک) — کاغذ قرمه سمرقندی - جلد تیماج سرخ ضریقی مقوایی

اندازه : ۲۰×۱۳ و ۶۵×۱۳ س ۱۲ ک ۱۵ س

[۸۵] اقسام الحکمه (عربی)

خواجه طوسی (۵۹۷-۶۷۲) در این دفتر کوچک دانشهای گوناگون را  
کرده هر یک را شناساند و پیداست که از احصاء فارابی و اقسام العلوم بوعلی گر  
است وی از اخلاق و علم المنزل و علم السیاسة آغاز سپس هشت بخش منطق را آورده  
و نامهای یونانی آنها را نیز با تحریف یاد نمود و گویا نسخه غلط است آنگاه علم  
دیگر را شناسانده و میگوید از فروع الهی یکی علم وحی است که معقول در آ  
بر بخت محسوس درمیآید در همینجا از الهام و روح الامین تعریف میکند دیگر  
معاد روحانی است در اینجا میگوید رستخیز جان را خرد درمیآید و باز گشت  
از آئین اسلام گرفته شده است در پایان میگوید حکمت ۴۴ بخش است و ا  
منطق را بشمار بنیاوریم ۳۵ میشود از اینجا برمیآید که جلد را بایست بشمار بیاور  
و در نسخه یاد نشد .

آغاز : فصل فی بیان اقسام الحکمة علی سبیل الایجاز من فوائد .  
خواجه . . . الطوسی . . . الحکمة قسمان نظری و عملی فالعملی ثلثة اقسام .  
انجام : فجميع اقسام الحکمة اربعة و اربعون قسما مع اقسام المنط  
والافخمسة وثلثون قسما .

[۹۶]

این نسخه شماره یکم دفتری است که درس ۳۹ شناسانده شده و بخط شکست  
تعلیق مورب در برک ۲ ب میباشد . ۱۰۳۳

[۸۶] ۲۵ اگبر السعادة فی ضویه (عربی)

این دفتر در مسائلی چند از فلسفه طبیعی و اصول وفقه در یک مقدمه و

باب و يك خاتمه ميباشد و بسيار ساده است و على بن احمد بن قريش حساس، برغانى قزوينى بدرخواست بزرگى در روز آدينه ۱۰ رمضان ۱۲۹۶ نگارش آنرا پايان رساند در برك ۹۳ الف از محقق سبزوارى ياد ميشود .

آغاز : بسملة الحمد لله الذى اتقن بحكمته نظام العالم .

- انجام : لكن الله . . . من على . . . للانمام . . . و تنهى الفراغ . . . قله الى البياض ۵  
 فى يوم الجمعة العاشر من شهر رمضان المبارك فى الحول السادس والاربعين  
 والالف من الهجرة . . . بمحرسة دار الخلافة الباهرة صانها الله عن الاله والبلية .

[۹۷]

- این نسخه بنسخ روشن و در دو جدول بزر و لاجورد و شبنم  
 زیبا در دو صفحه نخستین و میان سطرها طلاکاری شده و نویسنده  
 حاجى محمد رحيم برغانى ميباشد . ۳۵۷  
 (۱۱۵ برك) - كاغذ قرمزى سپاهانى زرد - جلد قهقهه ضربه عتاق  
 اندازه : ۲۲×۱۴ و ۱۳×۸ س ۱۱

(عربى)

الف صغرى

[۸۷]

- کتاب الهى ارسطو که بنام (تالمتا تافوسیکا) خوانده ميشود چم نه بخش ميباشد ۱۵  
 و از آغاز برك از اين بخشها بيكى از حرفهاى يونانى از آلفا تا نو میده شده است  
 اسطاط Eustache که در روزگار حنين پسر اسحاق ميزيست و ظيف پسر ايمون  
 (م نزدیک ۳۶۰) از ۲۴ پزشك بیمارستان فنا خسرو در بغداد و ا ق پسر حنين  
 (م ۲۹۸) و ابو بشر متى و يحيى پسر عدى آنها را از يونانى يا سريانى به فارسى در آوردند  
 اين رساله که بخش دوم الهى ارسطو است و بنام الف صغرى آلفا لاتين) ۲۰  
 خوانده ميشود با گزارشى است از يحيى بن عدى ترسای فيلسوف ترجمان سريانى  
 (۲۶۳-۳۶۴) و متن از ترجمه اسحاق است که در تفسيرها بعد الطبعه ابن رشد با ترجمه  
 ديگرى از اسطاط در بيروت بسال ۱۹۳۸ بچاپ رسيد . پيشميان اين بخش را از  
 پاسيکلس ردسى Pasielès de Rodès دانستند ولى اسکندر افروديسى ميگويد  
 که از ارسطو است و او دموس آنرا نشر نمود. اين بخش ديباچه اى است بر فلسفه ۲۵

و در آن از دشواری طبیعی و شایستگی دانشمندان و ارزش دانش و بود مبادی نخستین یاد میگردد (۱). از پایان الف صغری عربی پیداست که باید پیش از الف کبری باشد باینکه در چاپها و ترجمه‌های اروپائی پس از آن است ابن سینا در فصل ۲ مقاله ۸ الهی شفا یادی از الف صغری نمود و از گفته ملا اولیا در حاشیه آن پیداست که شیخ در «مبدء و معاد» باینکه الهی ارسطو روی القبا یونانی مرتب شده اشاره نمود سیداحمد عاملی در حاشیه شفا در اینکه چرا الف صغری نامیده‌اند مناسباتی عرفانی یاد کرد.

آغاز: متن «ان النظر فی الحق صعب من جهة سهل من جهة والدلیل علی ذلك انه لم یقدر احد من الناس علی البلوغ بقدر ما يستحق».

آغاز شرح: «قال یحیی بن عدی: لما کان عرض الفیلسوف فی هذا الکتاب بأسره اعنی فی کتابه ذی المقالات المرسوم بمطاطافوسیقائی فیما بعد الطبیعیات انما هو فی الجزء الثالث فی اجزاء الجزء النظری من جزئی الفلسفه».

انجام متن: «ظهر لنا الاشياء التي یبحث عنها بالنظر الطبیعی» آنگاه دارد «وهل ینبغی ان ینظر فی علل واولل العالم واحد وعلوم اکثر واحد».

ابن عدی در اینجا میگوید که این عبارت را در ترجمه اسحاق یافتم و در ترجمه‌های سریانی و ترجمه‌های دیگر عربی نبود و باید آغاز «الف کبری» باشد نه انجام «الف صغری».

انجام شرح: «والاوائل کلها العلم واحد وعلوم اکثر من واحد. تم تفسیر بحیی بن عدی لمقالة الف الصغری من کتاب ارسطو فیما بعد الطبیعة».

[۹۸]

این نسخه شماره یکم دفتری است که دوم آن ترجمه نهاییه شیخ طوسی است پیارسی کهن از یکی از یاران طوسی که نزدیک بروزگار اومیزیسته است و باید ۲۲ کتاب و ۲۱۵ باب و ۳۶۰۰۰ مسئله باشد (ذریعه ج ۴ ص ۴-۱۴۳) در این نسخه از ترجمه «وصیت» آغاز میشود. الف صغری و تفسیر آن در ۲۳ برگ است و بنسخ

۱- دیده شود گفتار فهرست نگار در شماره ۲ سال ۱ مجله جلوه ص ۷۶ تا ۸۲ - فهرست ابن ندیم ص ۳۵۲ - ترجمه فرانسوی الهی ارسطو از نریکو - اندیشه ارسطو از هاملن بفرانسه



وروی عنوان «قال» خط کشیده شده و جناب آقای مشکوة آنرا با نسخه شماره ۸۷۵ مدرسه خان مروی تهرات مقابله کردند. رستم نامی این نسخه را برای برادرش افراسیاب بیک درشام روز سه شنبه ۲۰ رمضان سال ۱۳۰۴ فرستاد و مهر رستم نیز دیده میشود (۲ الف).

۵ (بر کها ۸۷) جلد شماره - کاغذ قرمه سمرقندی جلد ۱ لا ساره ، شکی  
اندازه : ۱۸×۱۴ و ۱۴×۱۳ س ۱۶

### [۸۸] امتناع صدور الکثیر عن الواحد (عربی)

یکی از مسائل مهمی که مشائیان بدان می پرداختند این است که از يك چیز جز يك چیز بر نیاید و يك آفریننده جز يك آفریده نخواهد داشت ورشته موجودات دستگاه جهان هستی برای آنان بر پایه این قانون نهاده شده و شیخ رئیس در کتابهایش ۱۰ بدین قانون اشاره نمود و امام رازی از آن خرده گیری کرد از متأخران سید داماد و ملا صدرای شیرازی از آن گفتگو نمودند. این رساله کوتاه نیز در همین مسئله است که دانشمند شادروان میرزا یدالله نظر پاک کجوری بخط خود در ۲۶ محرم سال ۱۳۱۴ خورشیدی نوشته است.

۱۵ آغاز : بسملة الحمد لله رب العالمین... فيقول العبد... یدالله... ان هذه نبذة من المباحث تتعلق بالمسئلة المبحوث عنها في العلوم العقلية والاصول الكلامية وهي امتناع صدور الكثير عن الواحد.

انجام : فيسدد باب اثبات الصانع فضلا عن توحيدة والله ولي الافضال تمت على يد مؤلفها... یدالله في السادس والعشرين من شهر محرم الحرام من السنة الشمسية ۱۳۱۴

۲۰ [۹۹]

این نسخه بنسخ از خود نگارنده کتاب و مورخ ۲۶ محرم سال ۱۳۱۴ خورشیدی میباشد. ۲۴۹

(۴۹ صفحه) کاغذ قرمزی جلد تیماج زرد مقوایی

اندازه : ۱۱×۱۸ و ۸×۱۴ س ۸

### [۸۹] انقياخ الصور بعد الموت (عربی)

این رساله در این است که آنچه در نفس صورت می بندد و نادرست میباشد

پس از مرگ تباه میگرد و شیخ رئیس آنرا برای بزرگی که «سیدنا الاستاذ الرئيس الاجل» میخواند نوشته و میگوید که چون خیال و پندار با مرگ از میان میرود از صورتهای ذهن آنچه نادرست و بد باشد نخواهد ماند تنها آنچه درست و راست و نیکو باشد چون از روان می تراود پایدار میماند.

آغاز: پس از ستایش و درود - قد اتفق النظر فيما امر به سیدنا الاستاذ الرئيس الاجل ادام الله علمه وهو انفساخ الصور الموجودة في النفس المخالفة للحق في النفوس البشرية بعد الموت.

انجام: فقد صح ان الصور المعقولة المخالفة للحق ينفسخ عن النفس البشرية بعدمفارقة التخیل. در نسخه قنواتی (۸۱) پس از این عبارتی دارد که شیخ باز در آن از آن بزرگ یاد کرد و پوزش خواست.

[۱۰۰]

این نسخه شماره ۵ دفتری دارای ۷ رساله و گفتار فلسفی است و از برك ۲۰۷  
 ۱۰۳۷ الف تا برك ۲۰۵ الف و نسخه بخط نستعلیق و بیاضی میباشد شماره دوم آن  
 (۲۱۶ الف تا ۲۱۵ ب) بارهای است از «حدود» ابن سینا برابر با ص ۷۹-۸۲  
 چاپ مصر در تسع رسائل سال ۱۹۰۸ که در ص ۴۲ این فهرست شناسانده شده و شماره  
 سوم آن همان «اثبات النبوة» شیخ است که در ص ۱۱۲ این فهرست شناخته شده از  
 برك ۲۱۴ الف است تا برك ۲۰۸ الف و در پایان آن دارد «تمت فی شهر ربیع الثانی  
 سنه ۱۲۱».

(همه دفتر ۲۲۹ برك) کاغذ سپاهانی - جلد تمیاج مشکى ساده و فرسوده  
 اندازه: ۶۵ × ۱۱ و ۱۲۵ × ۴۴

[۹۰]

انموذج العلوم

(عربی)

دانشمند دوانی (م ۹۰۷) این دفتر را برای سلطان محمود بپرداخت و در  
 ده مسئله فقه و کلام و منطق و ریاضی بطور نمونه میباشد. دوانی رساله اثبات الواجب  
 را نیز برای همین محمود که یکی از پادشاهان هند است نوشت و شرحی بر عقاید  
 عضالدین ایجی دارد که در تاریخ چاشت چهارشنبه ۱۸ ربیع یکم سال ۹۰۵ در شهر  
 جیرون بیابان رساند و در لکهنوء بسال ۱۲۲۸ به چاپ رسید و آخرین نگارش او است

آغاز : بسمله وبه نستعين الله المحمود في كل فعاله وهو المشكور على جزيل نواله ... فيقول ... محمد بن اسعد الدواني ... انى كنت مشعوقاً بان اسلك فى سلك خدام حضرت من فاق سلاطين الانام .

انجام : هذا آخر ما قصدنا ايراده فى هذه الرسالة جعلته انموذجاً لتلك العلوم (فيلاحظ خدام العتبة العلية ... وغاية المنى ... ونجوم الهدى والحمد لله رب العالمين) ۵

## [۱۰۱]

این نسخه شماره یکم دفتری است که درص ۴۷ این فهرست شناسانده شده و از ص ۲ است تا ص ۸۳ و بخط تعلیق با عنوانهای شکر ف و در سپاهان بسال ۱۰۲۱ نوشته شده است نسخه ما خطبه و سرگذشتی که دوانی از خود در دیباچه میآورد ندارد و آغازش چنین است : « پس از ستایش و درود - المسئلة الاولى فى اصول الفقه » و در پایان نیز عبارت میان دو کمانه در آن نیست . ۱۰

## [۹۱] انوار الحکمة (عربی)

فیض کاشانی (۱۰۰۷ - ۱۰۹۱) این کتاب را از علم الیقین خود گزین نموده و چیزهایی بر آن افزود و در چهار بخش هر يك با عنوان « نور » کرد : ۱ - شناختن خدا ۲ - فرشتگان ۳ - پیامبران و کتابها ۴ - رستخیز و در سال ۱۰۴۳ آنرا پیرداخت ۱۵  
آغاز : نحمدك اللهم وانت للمحمد اهل ونستهديك وهدایتنا عليك یسیر سهل (دزیعه ج ۲ ص ۴۲۵) .

## [۱۰۲]

این نسخه شامل کتاب نخستین و اندکی از کتاب سوم است و بدینجا پایان ۴۳۳  
میآید : « ان الروح الانسانی کمرآة فاذا اصقلت ... ولم يمنعها حجاب عن ذلك وذلك » و در آغاز از حاشیه‌هایی از لطف الله دیده میشود و بخط نسخ و گاهی معرب و برخی از عنوانها بشکر ف و جای برخی دیگر سفید است .  
(۹۱ برک) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج ۱۸۸۵ هـ (۱۹۰۵ م) ۱۵  
اندازه ۱۲ × ۱۸ و ۶ × ۱۱ س ۱۵

## [۹۲] الانوار القدیة (عربی) ۲۵

قاضی محمد سعید قمی (۱۰۴۹ - ۱۱۰۳) شاگرد فیض کاشانی و فیاض لاهیجی



وفیلسوف متشرع و شارح توحید صدوق این کتاب را درسد «نور» که هر یک در چند «فتوح» است نوشته و از هیولی و صورت و نفس بروش عرفان شیعی کاوش نمود وی در دیباچه از نادانان مینالد و پیامبر و خاندان او پناه میبرد و گاهی در مطالب فلسفی خبرهای شیعی گواه میآورد و تأویلهای شگفتی میکند. (۱ محرم ۱۰۸۵ در قم)

آغاز: الحمد لله الذی آتانا الحکمة الکی نتوصل بهما الی ما لیدیه ...  
فالفقیر ... محمد المدعو بسعید القمی یقول تلک انوار قدسیه افضیت علی روعی اوقات المذاکرة.

انجام: هذا ما اردنا ابراده فی ذکر الهیولی و شرفها ... و سیرها الانواری ...  
و اتفق مساعده توفیق الله لاتمام تلک الرسالة علی یدی مؤلفها غرة شهر محرم ... خمس وثمانین من الالف الثانی ... فی وطنه قم ... مصلياً مستغفراً.

[۹۳]

این نسخه شماره ۱۶ دفتری است دارای ۲۳ رساله و گفتار که درص ۱۲۷ شناخته شد و بخط شکسته نستعلیق و در ۹ شوال ۱۰۹۴ ۹ سال پس از نگارش قمی نوشته شد برک ۱۵۹ ب - ۱۶۶ ب.

(فارسی)

ایزد شناخت

[۹۳] ۱۵

این رساله در سه باب (شناخت خدا، مردمی و رستاخیز، پیامبری) میباشد و دو بار در تهران بچاپ رسید یکی در ۱۳۱۶ خ از روی ۵ نسخه که در دو نسخه بنام «ایزد شناخت» مانند نسخه ما و در سه تایی دیگر بنام «یزدان شناخت» و در چهار تا از عین القضاة و در یکی آنهم مانند نسخه ما از سهروردی شهید (۵۴۹-۵۸۷) دانسته شده بود از دیباچه این چاپ پیداست که کتاب برای صدر الفضل جمال الدین محمد بن محمود داری بنگارش در آمد. باره دیگر در ۱۳۲۷ خ بنام «یزدان شناخت» از روی نسخه تاریخ ۷۳۱ بچاپ رسیده و از عین القضاة ابوالفضائل عبدالله بن محمد میانجی همدانی فیلسوف عارف تند بی پروا دانسته شد وی شاگرد دانشمند روشندان احمد غزالی (م ۵۲۰) و فیلسوف آزاد اندیش خیام (۴۵۵-۵۱۵) بوده است او را بگناه سخنانیکه آزادانه بنظم و نثر گفته است و بدستور قوام الدین در گزینی و فتوای

- فقیهان پس از اینکه یار او عزیزالدین مستوفی وزیر سلطان محمود بن محمد بن ملکشاه (۵۱۱-۵۲۵) از سلجوقیان عراق از کار افتاد دستگیر کرده به بغداد فرستادند سپس بهمدانش آورده در ۴ شنبه ۷ ج ۲ سال ۵۲۵ بدارش آویختند آنگاه پوست کنده و در بوربائی نفت آلود پیچیده بسوختند. شهرزوری در نزهه یکی از نگارهای سهروردی را «یزدان شناخت» بشمار آورد و در این رساله نیز از شعر سنائی (۵۳۵م) آمده و دور است که همدانی معاصر او از شعرش یاد کند مگر اینکه عزیزالدین نسفی عارف (سده ۷ و ۶) در کشف الحقایق از همدانی سخنی میآورد که در این رساله هست و روش آن هم روش فلسفه مشائی آمیخته با عرفان است و از خواندن آن سخنان فارابی و ابن سینا بیشتر بیاد میآید تا اندیشه اشرافی سهروردی در دیباچه نسخه ما و چاپ ۱۳۲۷ از کسی نام برده نشده و تنها «مجلس عالی» دیده میشود و در آغاز و انجام دارد که «این تحفه ای است روحانی» و در پایان میگوید که این مختصر بیادگار بزرگی نوشته شده و میخواهد که بنشایستگانش ندهند باز میگوید گزیده و راز حکمت طبیعی و الهی را که تاکنون نهفته میدانستند آشکار ساختم اینگونه سفارشها نیز سخنان ابن سینا و محمد غزالی را بیاد میآورد و همدانی هم در آغاز کار بنگارشهای غزالی مینگریست آنگاه نزد برادرش احمد رفته و از او آموخت بالاینهمه شناختن نگارنده رساله نیاز ببررسی بیشتری خواهد داشت<sup>(۱)</sup>
- [۱۰۴]

این نسخه شماره ۱۷۰ دفتری است دارای ۴۴ رساله که در جلد یکم شناسانده شده و بخط تعلیق ربیعلی بتاریخ ۱۰۶۱ از ۷۴ ب تا ۸۱ الف میباشد.

۱۰۴۶

[۹۴] **بقا النفس بعد بوار البدن** (عربی) ۲۰

- این رساله را خواجه طوسی (۵۹۷-۶۷۲) برای مؤیدالدین فیلسوف مهندس بنگارش درآورد و در آن از پایداری روان کاوش نمود و در مصر با شرح اباعبدالله زنجانی و تعلیق شهرستانی بسال ۱۳۴۲ بچاپ رسید و آقای زین الدین کیائی نژاد
- 
- ۱ - نگاه به : تاریخ شهرزوری (ش ۸۵۶ که ۱۷۰ ب) و ترجمه آن (ش ۴۲۷) ۲۵  
که ۲۱۴ ب) و ترجمه دری بخش ۲ ص ۱۴۵ نیز دیباچه دو چاپ ایزد شناخت .

متن و شرح را پیاری کرده و در سال یکم مجله جلوه چاپ شد. خواجه در آغاز و انجام آن از مؤید یاد میکند.

## [۱۰۵]

این نسخه شماره دوم دفتری است که دارای شش رساله میباشد (ص ۱۲۲ این فهرست) و بخط تعلیق شکسته با عنوانهای شنگرف از برك ۹ ب تا برك ۱۷ الف است.

## [۱۰۶]

این نسخه شماره ۲۲ دفتری است دارای ۲۵ رساله (ص ۱۰۱ جلد ۱) از برك ۱۶۱ الف تا ۱۶۴ ب و بخط تعلیق محمدعلی میباشد که در ۱۲۹۹ و ۱۳۰۱ این دفتر را نوشت.

## [۱۰۷]

این نسخه شماره دهم دفتری است دارای شانزده رساله که در دنبال « اصالت وجود » نشانه آن یاد شد از برك ۷۶ ب تا ۸۱ الف و بخط شکسته تعلیق تاریخ شب دوشنبه ۱ سال ۱۰۳۶.

[۹۵] ۱۵

(عربی)

بیان الحق بضمان الصدق

این دفتر نگارش ابوالعباس فضل بن محمد لوکری مروی ادیب شاعر فیلسوف<sup>(۱)</sup> است

- ۱ - لوکر بضم (سمانی) یا فتح (یا قوت) لام دهمی بود در خاور رود مرویان بنجدیه و بر کدز (در باختر آن رود) و در روزگار سمعی (۵۶۲ م) ویران شده بود و یا قوت در ۶۱۶ بدانجا گذشته نشانه های آن را بدید (انساب - معجم البلدان) - لوکری در روزگار خیام (۴۵۵ - ۵۱۵) و ابوالفتح بن کوشک و میمون بن نجیب واسطی خوزی هروی میزیسته و از آندو برتر بوده است وی شاگرد بهمنیار مجوسی آذربایگانی (۴۵۸ م) شاگرد شیخ بوده و از شاگرانش اینان را نام برده اند: ۱ - افضل الدین غیلانی استاد سید صدرالدین سرخی استاد فریدالدین داماد نیشابوری استاد خواجه طوسی در اشارات ۲ - فیلسوف قطب الزمان محمد بن ابی طاهر نصیری طبسی مروزی (۵۳۹ م) ۳ - قاضی فیلسوف مجد الافاضل عبدالرزاق ترکی ۴ - امام اسعد میهنی استاد نظامیه بغداد (۵۲۷ م) ۵ - فیلسوف ادیب عین الزمان حسن قطان مروزی بخارایی (۶۵۰ - کشته غزان در مرو در ۵۴۸ م) نگارنده گیهان شناخت سال ۹۸۴ و اختر شناخت. همین لوکری با همکاری خیام و عبدالرحمان خازنی (زنده در ۵۲۵ م و میمون واسطی و ابوحاتم المظفر اسفزاری) (میان ۵۰۶ و ۵۱۵ م) بسال ۶۷۲ بدستور ملک شاه زبجی پرداختند و در رمضان سال ۴۷۱ آغاز فروردین را باغازه حمل بردند.
- بقیه حاشیه در صفحه بعد



- و در آغاز آن میگوید که از نگارشهای فارابی و شیخ رئیس و دیگر فرزندان گزین نمودم و این دفتر که گزارش آنهاست پیرداختم بی آنکه سخن را بدر از کشانم یا بکوتاهی پردازم و این دفتر برای خودم دستور و آیندگان را یادگاری است از من و اگر نمیرم بخش ریاضی را نیز بر آن میافزایم. او این کتاب را باستان صدر اعظم روزگار خویش ارمغان داد. بیان الحق در ۵ بخش است: ۱ - منطق در نه فن و ۳۸ مقاله و درست برابر شفا است مگر در برخی جاها چنانکه تعریف را مانند اشارات پس از کلیات آورد و نیز فن شعر را در يك فصل کوتاه نوشت (۱ ب - ۸۷ الف) - آغاز: «بسم الله والحمد لله واهب الصور للمواد . . . اجمع كتابا . . . على سبيل الشرح والتلخيص معا مستخرجا من جميع كتب الحكمة المنسوبة الى الشيخ الرئيس . . . والى الشيخ الحكيم ابى نصر الفارابى . . . و من سائر كتب المحدثين والمتقدمين الموجودة».

انجام: «و نوع آخر یبین به صناعة الموسيقى لا يستعمل فی غیره والله تعالی اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب - تم کتاب الاقوال الشعرية و بتمامه تم المنطق والحمد لله . . .»

- ۲ - طبیعی که مانند منطق درازتر از بخشهای دیگر و در ۸ فن و ۳۵ مقاله و گزیده‌ای است از شفا و بروش آن (۸۷ ب - ۱۷۱ ب) - آغاز: «ستایش - هذا هو الجزء الثاني من الكتاب المؤلف في قوانين العلوم الحكمية الذي سميناه كتاب بيان الحق بضمان الصدق».

بقیه حاشیه از صفحه قبل

- ۲۰ - لوکری بود که دانشهای فلسفی را در خراسان در دسترس مردم گذاشت. وی در پایان زندگی نابینا شد و میگفت چون ناتوان شدم و نابینا دیگر از افزودن برداش خویش نومید گشتم و مرگ را بر میگزینم. او را بجز بیان الحق رساله‌ها و تعالیه‌ها است و قصیده‌ای دارد با شرح آن بهارسی. نگاه به مجالس المؤمنین مجلس ۷ سرگذشت طوسی - تولوثی البحرین - روضات الجنات ص ۵۸۲ - گاهنامه تهرانی سال ۳۰۸ ص ۷۶ و ۳۱۱ ش ۱۳۲ و ۱۸۴ و ۲۰۶ - ابن اثیر ج ۱۰ ص ۳۷ - بیهقی ص ۱۲۰ و ۲۰۴ نیز فهرست نامه‌های آن - دره ش ۷۷ - شهرزوری ش ۸۵۶ گک ۱۴۴ الف و ترجمه آن ش ۲۷ گک ۱۸۲ الف و ترجمه گزیده آن ش ۲۸۳ گک ۶۱ و در بخش ۲ ص ۷۸.

**لجام :** « واما حديث الاسنان و منافعها فقد علمت في مواضع اخر والله تعالى

اعلم ... تم كتاب الحيوان و بتمامه تمت الطبيعيات و الحمد لله ... كثيرا » .

۳- الهی دريك فن و ده مقاله و ۵۴ فصل در ديباچه آن ميگويد كه الهی دو بخش

است يکي مابعدالطبيعه و علم کلی ديگر علم الربوبية و انالوجيا . باز می نویسد كه

چون در مباد بسزا سخن نراندند من از آن بیشتر کاوش ميکنم و خردها و روان را

نيز ميشناسانم ( ۱۷۲ الف - ۲۱۲ الف ) - آغاز : « نام خدا و ستايش او - هذا

الجز الثالث من الكتاب المؤلف في العلوم الحکمية ... ( مانند آغاز طبعی ) و قصد

نافيه ان تتكلم في الاصول ( من ) العلم الالهی علی سبيل التلخيص والشرح معاً .

**انجام :** « فيما يبقی فيهم السنة و الشريعة التي هي اسباب وجودهم و بما يقرهم

عند المعاد من الله زلفی بركاتهم و الله تعالى اعلم بالصواب و اليه المرجع و المآب » .

۴- خداشناسی كه در آن از دانائي و توانائي و خرد و بخشايش خدا و يکي بودن

آفریده او ( الواحد لا يصدر عنه الا الواحد ) و از خردها و قدمت و آفریدگان آنها و خرد

ستارگان و از روانشناسی عقلی و دستاخير گفته گو نمود و چنانكه خود در آغاز گفته

است در اينجا رازها را آشکار بداشت و پيدا است كه در اينجا مانند شيخ با متكلمان

و پيروان سنت خلاف نمود و بیشتر از ثنولوگيا يا گزيده انشاد پلوتينوس گرفته

و اين بخش را بنام « الرسالة الملحقة بعلم الربوبية » خوانده است ( ۲۱۲ الف -

۲۱۸ الف ) .

**آغاز :** « في ذكر بيانات مسائل من علم مابعدالطبيعه تجري مجرى الاسرار » .

**انجام :** « تقتنص من الرصد و بالحس و الله اعلم بالصواب . تمت الرسالة الملحقة »

۵ - « الفصول المنتخبة من رسالة الاخلاق » كه در آن گزيدهای از اخلاق و تدبير

منزل و سياست در ۵ باب آورد ( ۲۱۸ الف - ۲۲۳ الف ) .

**آغاز :** « بسملة هذه جمل و فصول منتخبة من علم الاخلاق يشتمل علی اكتساب

فضائل النفس الانسانية و الاجتناب عن رذائلها » .

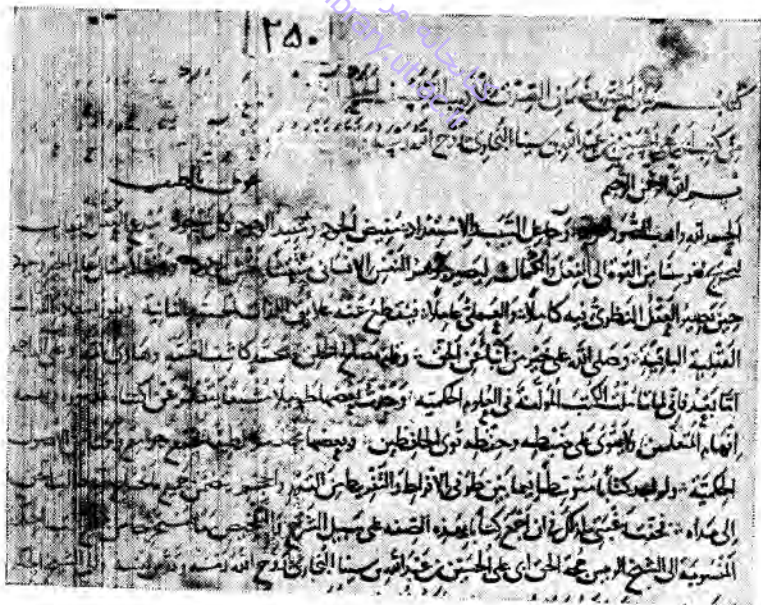
**انجام :** آنچه كه در نسخه ما خوانده ميشود در مبحث عدل و محبت : « في ثلثة

احدها في المبدء و في المنتهى و فيما بينهما و اتفاق الرأي في المبدأ » .

این دفتر از گرانبها ترین نسخه های این کتابخانه است و تا آنجا که جستجو  
 ۲۵۰ شده نسخه دیگری نشان نداده اند . خط آن نسخ خوش روشن و عنوانها  
 شگرف و با اعراب بخط سیاهتر و نشانه های فواصل دوبرخی جاها نیز  
 نیز بشگرف است و عثمان بن محمد بن عثمان شهر آبادی برای خود بسال ۶۰۱  
 در سیاهان آنرا نوشته و در دوجا ( ۸۷ الف و ۱۷۱ ب ) از تاریخهای ( ۲۷۱۵ ) و ( روز  
 پنجشنبه ۲۸ رمضان ) همین سال یاد میکند . نزدیک بیک صفحه از پایان کتاب چون  
 دور برک بهم چسبیده شده خوانده نمیشود و باید با وسیله علمی باز نمود . خط برخی  
 از دارندگان نسخه در برک ۱ الف دیده میشود : ۱- هبة الله یزدان بخش فرزند بدرالدین  
 پسر آدم بسال ۸۳۱-۲- فضل الله پسر محمد حسینی در ۹۸۷-۳- عبدالله پسر شیخ محمد  
 اردکانی یزدی در ۱۰۱۷ با مهر .

( ابر ۳۴۴ ) - کاغذ ترمه سمرقندی - جلد نفع خرمی کهنه

ال اندازه : ۱۹ × ۲۱ و ۱۵ × ۲۶ س ۲۹







[۹۶] پاسخ ابن سینا به پرسش (عربی)

این پرسشها در این است که چرا و از کجا باینجهان آمده ایم و پس از مرگ بکجا خواهیم رفت و چگونه خواهیم بود و شیخ بروش نوبلاتونیان و عارفان و باطنیان همه را پاسخ میدهد.

۵ آغاز: بسمله و ستایش و درود- هذا نبذ من المسائل الرفیعه اوردها الشيخ الرئيس فی جواب من قال انامن ای موضع جئنا الی هذا العالم، اعلم انامن ذلك العالم جئنا الی هذا العالم (من فوق فلك الزهره الی فلك البروج) من فوق فلك البروج تحت الفلك المستقیم الی هذه الارض.

انجام: و کالاجزاء له فی الکل والصورة فی الشخص وکالشخص فی الصورة وکالعلة فی المعلول وکالشیء فی التمام- این گفتگو در کنار شرح هدایه شیرازی ص ۲۷۲-۴ (تهران ۱۳۱۳) بچاپ رسید و چهار پرسش و پاسخ است و پایان آن چنین میباشد: «علی ما توافق علمه عمله والله اعلم» و نزدیک است به نسخه ای که قنواتی در ش ۱۹۶ شناساند و آنهم چهار پرسش است مانند چاپ قاهره (مجموعه رسائل تاریخ ۱۳۲۸ ص ۵-۲۵۰).

۱۵

[۱۰۹]

این نسخه شماره یکم دفتری دارای ۷ رساله و بخط تعلیق از ۲۱۸ ب تا ۲۱۶ الف.

۱۰۳۸

[۹۷] پاسخ ابن سینا به پرسشهای بیرونی (عربی)

دانشمند فرزانه ایران بیرونی (۳۶۲ - ۴۳۰) هجده پرسش از فیلسوف

۲۰ ابن سینا کرده در ده تای آنها از «آسمان و جهان» ارسطو خرده گرفت و در هشت تای دیگر خود چیزهایی پرسید. بیرونی در آغاز پرسشها از شیخ بسیار بستود و از خوارزم آنهارا برایش فرستاد. شیخ نگارش پرسشها را بفقیه معصومی (م ۴۵۰) شاگرد خود که با بیرونی نامه نگاری داشت و گذاشت و هرگاه از کارها میآسود معصومی پاسخها را برای او مینوشت این بود که پاسخها دیر به بیرونی رسید و شیخ در پایان آنها نوشت که امیدوارم اگر دوباره چیزی بپرسی در دادن پاسخ شتاب کنم و بفقیه

۲۵

وانگذازم و درخواست که اگر باز هم چیزی بر تو دشوار است دوباره پیرس تا روشنش سازم. بیرونی از بیشتر پاسخهای شیخ خرده گرفت و سخنانی زننده در آن گنجانده و ادرا (ای جوان) و (ای فرزانه) خواند که شیخ دیگر نمی‌بارست بدان ارجی نهد و اینها پس از مرگ او رسیده ناگزیر معصومی پاسخ بیرونی پرداخت و بدون نوشت که اگر در نوشته خود روش دیگر بر میگزیدی در پیشگاه خرد و دانش شایسته‌تر میبود بیرونی در نامه‌ای که برای او فرستاد از این لغزش پوزش خواست شیخ در این گفتگو درست خود را یکتن مشائی پیرو ارسطو نشان میدهد و از سخنان ارسطو در سمع الکیان یا طبیعی و کون و فساد و آسمان و جهان و آثار علوی و نفس و حس گواه می‌آورد و نمیگذارد رخنه‌ای در گفتار استاد پیدا شود نیز از تفسیر خود بر مقاله یکم ماطافوسیقاً و جمع راین فارابی یاد میکند و به بیرونی میگوید گویا در این سخنان از رازی بزرگ که از پیشه خود گذشته بااهی پرداخت و از بحیلی نحوی ترساکه در کون و فساد خود تنها برای دین از ارسطو خرده گرفت پیروی کردی. بیرونی بحیلی را ستوده و گفت مانناوردی را که او بر پر کلس درباره همیشگی جهان نوشته و خرده گیری که او از ارسطو کرده و تفسیری که گرد آورده نخوانده‌ای و تو گاهی از رازی پیروی میکنی با اینکه او را شایسته ندانستی.

این گفته‌گودر «جامع البدایع» ش ۱۲ بچاپ رسید و حاج میرزا ابوالفضل ساوجی حکیم همه آنها را با خرده گیریهای بیرونی پیرسی کرد و در نامه دانشوران در سر گذشت معصومی (ج ۲ ص ۵۸۵-۶۰۴) همه اینها و در (ج ۱ ص ۱-۷۰) فهرست آنها آمده است این فهرست در فرهنگ دهخدا در سر گذشت ابن سینا (ص ۶۴۹) و آن پیرسی در سر گذشت بیرونی (ص ۸۱-۶۷۰) در همین فرهنگ نیز دیده میشود سر گذشت بیرونی باز جدا گانه در مجله آدوژش و پرورش (ش ۳-۷ سال ۱۵ تاریخ مهر ۱۳۲۴ خ) چاپ شد (۱).

آغاز: «هذه الرسالة الى ابي الريحان البيروني في جواب مسائل افئذها الى من خوارزم حاطك الله مغبوطا بنيل ماتهواه واسعك بجمع ماته ماته ماته و قسم لك سعادة الدارين



وصرف عنك جميع ماتكره في المحلين سألت ادام الله سلامتک الابانة عن مسائل ماتراه  
جدير ابان يؤخذ على ارسطوطاليس اذ تكلم منها في كتابه الموسوم بالسماء والعالم ...  
ولم يتأخر اصدارها الى هذه المدة الا لماعسى ان يقرره الفقيه المعصومي .

**انجام :** ذلك لان الماء عند جموده تنحصر فيه اجزاء هوائيه تمنعه عن الرسوب

- الى اسفل فهذا جواب جميع مسالتيه من المسائل و نجب ان اشكل عليك شيء من  
هذه الفصول ان تمن علي بمطالبة المعاودة بشرحها حتى اعجل في ايضاحها وانفاذها  
اليك وماعسى يتأخر اجوبة هذه المسائل فاني لانا مني عليها الفقيه المعصومي اذا اخذني  
بالفراغ من نسخها كما فعل هذه المرة وبالله التوفيق والعون وعليه التكلان .

### [۱۱۰]

- این نسخه شماره ۲۲ دفتر است و بتعلیق با عنوانهای شنگرف گ ۱۴۳ ب  
۲۵۳ ۱۵۵ الف (ص ۱۵۱ این فهرست) قناتی درس ۵۴ این گفتگورا شناساند  
و نسخه ما نزدیک بنسخه هائی است که او نشان میدهد و درش ۱ شانزده پرسش  
و پاسخ نشان میدهد و آنها را از آن بیرونی و شیخ میداند با اینکه از مباحثات است  
(برابر با نسخه ایاصوفیا ۲۳۸۹/۲ درس ۱۹) و درش ۲ پاسخ و پرسشی دیگر از ایندو  
دانشمند نشان میدهد با اینکه گفتگوی شیخ و کرمانی است (نسخه ش ۴۲۲/۴ ما)  
۱۵ باز درس ۹۹ نسخه ای را میشناساند که در آت پرسش این زبله و پاسخ شیخ آمده  
و در عنوان آن یکی از پرسندگان را بیرونی بشمار آورد .

### [۹۸] پاسخ ابن سینا بده پرسش گرهانی (عربی)

- دانشمند ابوالقاسم کرمانی ده پرسش از ابن سینا کرده و پاسخ گرفت و این  
۲۰ گفتگوها که در الهی و طبیعی است در مجموعه نگارشهای ملاعباسعلی کیوان قزوینی  
که از آنها « ثمره الحیوة » است در تهران بسال ۱۳۰۸ خ ص ۷۱-۱۶۲ بچاپ رسید  
در کتابخانه سپهسالار نسخه از این بشماره ۲۹۱۲ گ ۵۰-۵۱ هست و در آغاز آن  
مانند نسخه ما ابوالقاسم جرجانی یا کرمانی نوشته است قناتی درس ۲ نسخه ای را  
نشان میدهد که باید همین پرسش و پاسخ باشد و او آنرا گفتگوی ابن سینا و بیرونی  
دانست .

این نسخه شماره ۴ دفتری دارای ۴ رساله و نو نویس است و ۱۲ ص (نشان آن ۴۲۲ درس ۴۲ و ۷۱).

[۱۰۸-۹۹] پاسخ ابن سینا پرسشهای میهنه‌ای (عربی)

۵ ابو سعید ابی‌الخیر دانشمند روشن بین میهنه (۳۵۷-۴۴۰) از فرزانه بخارا ابن سینا یازده پرسش کرده و پاسخ گرفت ایندو بسیار بیکدیگر ارج می‌نهاده و در گفتگو همدیگر را بسی میستودند و پیداست که میهنه‌ای بنکارشهای شیخ می‌نگریست تا راز فلسفه براو آشکار گردد<sup>(۱)</sup>. اینک پرسش و پاسخها:

- ۱- در «حالات و سخنان شیخ ابو سعید» چاپ ژو کوفسکی در برترسبورک ۱۸۹۹ ص ۷-۶۴ چنین آمده: «میهنه‌ای و شیخ باهم نامه‌نگاری داشتند و شیخ ناشناس میهنه رفت تا او را ببیند و هنگامی بدانشهر رسید که میهنه‌ای در انجمن سخن میراند همینکه او را بدید بشناخت و گفت اکنون که آسمان دانی نزد آسمان بینی پیام باید بروش فیا سوقان سخن رانند و هفته آیندو باهم بودند گاهی که جدا شدند از شیخ رئیس پرسیده شد میهنه‌ای را چگونه دیدی گفت اگر روا میبود پس از محمد ص پیامبری بیاید بجز او کسی سزاوار نبود و من جز سه چیز هرچه از او دیدم را فلسفه می‌پذیرد» - در اسرار التوحید (تهران ۱۳۱۳ خ ص ۶۰-۱۵۹) دارد: «ابن سینا در تیشا بور بنزد میهنه‌ای رسید و آندو همدیگر را نمی‌شناختند سه روز باهم بودند پس از این از شیخ پرسیده شد که ابوسعید را چگونه یافتی گفت «هرچه من میدانم او می‌بیند» از او که پرسیدند شیخ را چگونه دیدی گفت «هرچه ما می‌بینیم او میداند» این بود که شیخ شیفته ابو سعید شد و کم روزی بود که نزدش نمیرفت و در کتابهای فلسفی خود مانند اشارات و جزآن بخشی از کرامتهای عارفان یاد میکرد یا جداگانه در آن کتاب می‌نوشت» - در نامه دانشوران (ج ۱ ص ۶۱۳) از برخورد و گفتگوی آندو درباره دور شکل ۱ یاد شد و نوشته است که ابو سعید در این هنگام کاسه‌ای را به‌و انداخت و آن درهوا بماند پس گفت اینکار با آن میل طبیعی که در فلسفه ثابت کرده‌اید نیسازد شیخ گفت خواست و نگاه شما آنرا درهوا نگاه بداشت. اینجا بود که ابو سعید بیروان خویش گفت این کور باعصا در پی ما که بینا می‌یامد. شیخ رئیس در پاسخ ۲ (ش ۳۳۹/۱۵ گ ۶۹) بمباحثات خویش باز گشت میدهد و میهنه‌ای در پرسش ۳ (ش ۳۳۹/۵ گ ۶۰ الف) میگوید که شما برای دریافت اینکه طبیعت بنیاد چیزها نیست بمباحثات باز گردانید و من هنوز آنرا ندیده‌ام همینجاست که شیخ از (فیض الهی) یاد میکند. میدانیم که شیخ شفا را در ۴۲۰ (قنواتی ۴ ص ۷۳) نگاشته و در اشارات آخرین کتاب خود از آن یاد نمود و در مباحثات از هر دو یاد کرد پس این پرسش و پاسخها باید یکی دو سال پیش از مرگ شیخ چنانکه در نامه دانشوران یاد شده (ج ۱ ص ۶-۷۲) بنکارش در آمده باشد.
- ۱۰
- ۱۵
- ۲۰
- ۲۵
- ۳۰

۱- میرسد شکل نخستین باینکه دوری است چگونه نتیجه میدهد ( ص

۲۱-۲۳ این فهرست).

۲- می پرسد آیا جان بهمه نیروهای تن می پیوندد یا برخی از آنها - شیخ رئیس در پاسخ از مباحثات خود یاد میکند و میهنه ای را بدان بازگشت میدهد ( ۶۹ ب).

آغاز : و کذب الشیخ سلطان العارفين خاتم المشائخ ابوسعید ابی الخیر . . .  
 الی الشیخ رئیس . . . تعلق النفس بالبدن بجمیع قواها ام ببعضها فان کان بجمیع  
 قوی البدن فلا یمکن عدم قوة الاوینعدم التعلق و لیس كذلك ... فاجاب الشیخ رئیس . .  
 وصل خطاب الشیخ الاعظم سلطان العارفين خاتم المشائخ ابی سعید . . . هذا السؤال  
 ۱۰ یحتاج الی مزید تحریر نقول و نورد ما یجب فیہ وان کان الامر بطول .  
 انجام : فقد اندفعت شبهة المسئلة مع وضوح اشیاء أخرى . . . فافهم وقت  
 للسداد والله اعلم بالصواب .

[۱۱۲]

این نسخه شماره ۱۵ دفتری است دارای ۳۸ گفتار و بخط شکسته تعلیق ک  
 ۳۳۹ ۶۸ الف - ۷۰ الف قنوائی در ش ۸۳ از این گفتگو یاد نمود .

۱۵

۳- می پرسد چرا طبیعت نمیتواند آغاز و بنیاد چیزها باشد و شما این را  
 بکتابهای دیگر و مباحثات بازگشت دادید باز از فیض الهی می پرسد که چیست  
 و میگوید من هنوز کتاب مباحثات را ندیده ام . شیخ در پایان یادی از فیض الهی خود  
 میکند و میگوید من آنرا نوشته ام و اکنون باز آنرا میاورم در اینجا عبارتی از آغاز  
 ۲۰ رساله « فیض الهی » یا « الفعل والانفعال واقسامهما » چاپ دکن بسال ۱۳۵۳ (ش  
 ۱۹۰ قنوائی) میآید و پاسخ پایان مییابد ولی باید همه آن دردنبال باشد و اگر نه  
 سخن بریده خواهد ماند . پیداست که شیخ این رساله را که پیش نوشته بود چون  
 با پرسش میهنه ای میساخت دردنبال پاسخ او گذاشته است و سخن شیخ بدین گواهی  
 میدهد این پرسش و پاسخ با پرسش و پاسخ شماره ۲ (۳۳۹/۱۵ گک ۶۸ - ۷۰)  
 وابستگی دارد و پس از آن است .

۲۵



آغاز : فکنتب الشیخ . . . ابوسعید . . . اسبغ الله تعالى نعم الشیخ الرئيس . . .  
 علی الخادم اشکالان اما الاول قد ذكرت فی خلال الکلام . . . فاجاب الشیخ الرئيس وقال  
 وبعد فقد وصلت المسئلة والمعاودة فی امر النفس والفیض .

انجام : وهذا ما اردنا ان نبین وبعدها نذكر رسالة الفیض الالهی وقد کتبناها . . .  
 الفیض الالهی فی اول السئوال الثانی من امر النفس فاقول الافعال والانفعالات .

[۱۱۳]

نسخه شماره پنجم دفتر است و بخط شکسته تعلیق گ ۱۶۰ الف - ۶۱ الف. قنواتی  
 آنرا در ش ۲۶۹ یاد کرد . ۳۳۹

۴- می پرسد اینکه صوفیان میگویند « هر که راز از سر نوشت را بشناخت از  
 بگشت دین از آن چه میخواهند . شیخ در پاسخ گفتار پیامبر ص « القدر سر الله فلا تظهره  
 سر الله » و پاسخ علی ع پیر سنده قدر « بحر عمیق فلا تلجه - انه طریق و عرف لا تسلكه  
 انه صعود عسر فلا تنکلفه » را گواه میآورد و در اینجا پاداش و کیفری را که متکلمان  
 میگویند نمی پذیرد و پس از سه مقدمه (دستگاه جهان - پاداش و کیفر - رستخیز)  
 راز سر نوشت را روشن میسازد این گفتگو در مجموع رسائل (دکن ۱۳۵۳) و (مصر  
 ۱۳۲۸ ص ۹-۲۴۵) و در کنار شرح هدایه شیرازی ص ۳-۳۳۰ بچاپ رسید . ۱۵

آغاز : بسمله و سأل ایضا ( الشیخ سلطان العارفين . . . شیخ ابوسعید . . .  
 عن الشیخ الرئيس - بعض الناس الشیخ الرئيس ابی علی بن سینا ) قدس سره عن معنی قول  
 الصوفیه من عرف سر القدر (الله) فقد الحد فقال فی جوابه ان هذه المسئلة فیها ادنی غموضه .  
 انجام : و یختل نظام امور العالم بتولية المتحلی ( المتحل - بسبب الحل )  
 عن القیدین (والله اعلم واحکم) فهذا ما حضرنی علی هذا السئوال والله اعلم بالصواب  
 والسداد رب اجعل خاتمة امورنا خیر انشا الله تعالی

[۱۱۴]

این نسخه شماره دهم دفتر است و بشکسته تعلیق گ ۶۳ الف و ب قنواتی در ش  
 ۱۸۱ این گفتگو را یاد نمود و مانند نسخه های چاپی پیر سنده برای او ناشناس ۳۳۹

است نیز در کتابخانه مجلس تهران بشماره ۶۳۰/۴ (ج ۳ فهرست ص ۳۸۹)  
 هست و نسخه ها یکسان نیستند . ۲۵

[۱۱۵]

این نسخه شماره ۵ دفتری است که درس ۱۱۶ شناسانده شد و بخط شکسته تعلیق ک ۴۸ ب - ۵۰ ب میباشد.

۸۷۶

[۱۱۶]

این نسخه شماره ۴۵ دفتری است که درس ۱۱۳ شناسانده شده و درس ۱ - ۴۰۰ آن میباشد.

۱۰۳۵

۵- میهنی در اینجا از فرمان و قضاء خداوندی می پرسد و این گفتگو پس از آنست که از قدر برسیده و پاسخ گرفت.

آغاز: و کتب الیه ایضا... فهمت ما کتبه المولی افضل المتأخرین سومه الله بسیماء السعادة والسلامة... فی سر القدر وما لبق بهذا الموضع حقيقة قضاء الله... فکتب الشیخ الرئيس قضاء الله هو حکمه الاول الواحد الذی یشتمل علی کل شیء ویتفرغ عنه کل شیء علی ممر الزمان.

انجام: و لیس شأنه شأن غیره ولا حکمه حکم من سواه جل عن ذلك لا یسال عما یفعل وهم یسالون و صلی الله علی محمد و آله... الی یوم الدین انتهى.

۱۵

[۱۱۷]

این نسخه شماره ۱۱ دفتراست و بخط شکسته تعلیق ک ۶۴ الف

۳۳۹

[۱۱۸]

این نسخه شماره ششم این دفتر است و از برک ۵۱ الف تا ۵۲ الف و بخط

تعلیق شکسته میباشد و در دنبال آن چند بند در معنی قضا و قدر و تقدیر و امر و مشیت وارد شده است.

۸۷۶

۲۰

۶- میهنه ای در اینجا از شیخ سر نوشت و فرمان و خواست خدا وندرا می پرسد

آغاز: و کتب ایضاً... کیف امر بین القضا والقدر والمیة والارادة... فاجاب وقال المشیة والارادة الالهیة اختیار انفاذ القدر بالوجود علی مقتضى الرحمة. انجام: لانه لیس لغایة بل هو تبع ضروری والله تعالی اعلم بالصواب.

۲۵

[۱۱۹]

این نسخه شماره نهم دفتراست و بخط شکسته بی نقطه ک ۶۲ ب

۳۳۹

۷- می پرسد چرا بنده اگر از خدا چیزی بخواهد او می پذیرد و زیارت چیست و اثر آن در مردم چه می باشد شیخ پس از مقدمه ای فلسفی بروش فیلسوفان پاسخ می دهد - سید داماد در قبسات قبس دهم ص ۵-۳۰۴ نیمه دوم این گفتگورا آورد و آنرا بسیار بستود. این گفتار در کنار شرح هدایه شیرازی ص ۵-۲۹۰ و در جامع البدایع شماره ۶ ص ۳۲-۳۳ سال  $\frac{1917}{1335}$  و در مجموعه مهرن ج ۳ ش ۶ به چاپ رسید.

[۱۲۰]

این نسخه شماره ششم دفتر است و بشکسته تعلیق گ ۶۱ الف - ۶۲ الف. قنوائی درش ۲۱۳ این نسخه را شناساند و آنرا از تعلیقات دانست.

[۱۲۱]

این نسخه شماره ۲ دفتری است دارای ۱۶ رساله و همه بخط نسخ محمد بن حاجی نادعلی است که در مشهد در ۲۱ محرم سال ۱۲۸۴ برای حاجی محمد شریفخان مستشار لشکر از روی نسخه خط شیخ (در آستانه طوس) نوشت و عنوانها بشکرف است گ ۲ ب - ۴ الف.

(همه دفتر ۱۵۳ برگ) - کاغذ فرنگی - جلد تمیاح مشکى ضربی  
اندازه : ۱۵ × ۲۱٫۵ و ۱۰٫۵ × ۱۵٫۵ س ۳۳ ۲۲

[۱۲۲]

این نسخه شماره ۱۵ دفتری است که در دینبال (بقاء نفس طوسی) شناسانده شده و بخط محمد علی می باشد.

۸- می پرسد از اینکه در کتاب نفس گفته اند که صورت معقول اگر در جسمی باشد بخش پذیر خواهد بود چه می خواهند.

آغاز : و کتب ایضاً . . . اسال سیدنا و مولانا الشیخ الرئیس ... عن شرح قوله فی کتاب النفس ان کان محل الصورة المعقولة جسمافانها تنقسم بانقسامه . . . فاجاب وقال الصورة المعقولة انما هی معقولة علی مافی الجوهر العاقل .

انجام : وینقسم الی غیر متشابهین ولا يشابهان الكل فی المعنی لیس فی القدر والشکل والعدد و لیس کک و هو اعلم.

[۱۲۳]

این نسخه شماره هفتم دفتر است و بخط تعلیق شکسته بی نقطه گ ۶۲ الف. قنوائی درش ۸۸ این گفتگورا یاد نمود و درش ۱۲۶۱ از گفتاری یاد میکند که شیخ در آن بجوزجانی و ابی سعید در باره نفس خطاب میکند و عنوان فقیه میرساند که خطاب بجوزجانی است نه میهنه ای

۹- می پرسد آیا در گیاهان و جانوران جسمی هست که پایدار باشد.



آغاز : و کتب ایضاً قدس الله روحه العزيز سرمد الله تعالى في بقاءه ليرتع الخدم  
 في رياض فضائله ويكرع الحشم في حياض منائحه وفواضله ما البرهان على ان (في)  
 كل حيوان ونبات ثباتا وان ذلك الثبات جسم وان في اجزاء الجسم ما هو اولى بالثبات  
 من الآخر فاجاب الشيخ الرئيس . . . وقال اسأل الله تعالى ان يمتعني ببقاء الشيخ سلطان  
 العارفين خاتم المشائخ . . . كل حيوان معناه كل حيوان بالفعل يبقى حيواناً بالفعل ۵  
 اما آنا واما زمانا .

انجام : ولا مانع ان يكون الشيء شخصيتان من جهتين يعرف هذا من باب  
 التشخص في الكتب المطولة والله تعالى اعلم بالصواب .

[۱۲۴]

۳۳۹ این نسخه شماره هشتم دفتر است و بشکسته تعلیق بی نقطه گ ۶۲ الف و ب ۱۰

۱۰- میبرد که راه را بمن بنما و شیخ میگوید در کفر حقیقی شو و از  
 اسلام مجازی بیرون آی اینجا است که میهنه ای در «مقائیح» یا «مصاییح» خود نوشت  
 این سخن مرابدان جای که مردمان بپرستش صد هزار ساله میرسند رسانده است .  
 این پرسش و پاسخ مرموز را سعد الملة والدين کازرونی<sup>(۱)</sup> گزارش نوشت

و در آن از قرآن و گفته حلاج (کفرت بدين الله والكفر واجب لدى وعند المسلمين ۱۵  
 قبیح) و بیت پارسی :

(بحور بهشتم همی وعده دادند چه جای بهشت است وصل ولقا کو)

گواه آورد (ش ۳۳۹) دانشمندی دیگر بر يك بند از پاسخ مرموز شیخ  
 گزارشی نوشت (ش ۳۳۹) . لویی ماسینیون در «متون» ص ۹۰-۱۸۹ از زبدة

عین القضاة همدانی از روی نگارشی از احمد غزالی (راوی ابوسعید) همه این پرسش ۲۰  
 و پاسخ را آورد و قنوائی درش ۲۵۶ نیز این گفته کو را آورده و نسخه هائی که او  
 نشان میدهد با نسخه ما یکسان نیست .

آغاز متن : «کتب الشيخ العارف ابو سعيد الميهني الى الشيخ ابي علي سينا دلني  
 على الدليل (ارشدني) فقال في الرسالة على طريق الجواب (فكتب في جوابه) الدخول

۱- ماسینیون کازرونی خوانده در نسخه ما کلمه خوانا نیست و کالونی یا کانونی خوانده میشود. ۲۵

فی الکفر الحقیقی والخروج عن الاسلام المجازی .

انجام آن : « فانك تعلم ان لاقیاءة لك ولا بعد (فقد) لك من جميع الموجودین (الموجودات) فاورد الشيخ ابو سعید . . . فی کتابة المصاییح (المفاتیح) اوصلنی هذه الکلمات الی ما اوصل الیه عمرأته الف سنة من العبادة . »

آغاز گزارش : « كتب المولى الفاضل الكامل سعد الملة والدين الكازرونى (الكلوبى) رحمه الله فى حل هذه الكلمات وماتوفىقى الابالله عليه توكلت واليه انيب اعلم ايها الخائف فى لجج هذه الحجج الا يتيسر لك سلوك هذه الطريقة الابالدخول فى الكفر الحقيقى . »

انجام آن : « فهذا ما نسخ به الوقت وجاربه الحال وساعد عليه الزمان واليه المستعان وعليه التكلان والصلوة على محمد وآله . »

آغاز گزارش بر عبارت شيخ (وان كنت تحت هذا فانت مشرك مسلم) : « اى وان كنت بعد ذلك جامعاً لمرتبتى الاطلاق والتقييد فانت مشرك مسلم . »  
انجام آن : « فهو العلماء المطلق وفقنا الله للنجاة فى هذه المراتب العلية بمنه وجوده . »

[۱۲۵]

این نسخه شماره ۱۸ دفتر است و بخط شکسته تعلیق میباشد درگ ۷۲ ب و پرسش و پاسخ در آن با گزارشى است که از کازرونى نیست .

[۱۲۶]

این نسخه شماره ۷ دفتري دارای ۲۳ گفتار و بخط تعلیق سلیمان بن جمشید بانسانه‌های شکر و مورب گ ۷۲ الف وب و گزارش کازرونى در این نسخه میباشد .

۱۱- میهنه‌ای میگوید من از هر جوینده‌ای میپرسم که حقیقت چیست شما هم آنچه میدانید بمن بگوئید . شیخ بدو میگوید که خدا را بشناس و بادانائی نیک بیاندیش .

این گفتگو در عیون الانباء ابن ابی اصیبه (ج ۲ ص ۹-۱۰) وحالات و سخنان

- شیخ ابوسعید (چاپ ژو کوفسکی در پترزبورگ سال ۱۸۹۹/۱۳۱۷ ص ۷-۶۴) و کشکول بهائی (ایران ۱۲۹۶ ص ۶۲۳) و در آغاز نجات چاپ قاهره سال ۱۳۳۱ ص ۵-۱۲ و با ترجمه در نامه دانشوران (ج ۱ ص ۶-۷۲) و فرهنگ دهخدا در سرگذشت شیخ ص ۲-۶۵۰ بچاپ رسید و نسخه های کسان نیستند و قنواتی درش ۲۶۰ آنرا شناساند و درش ۲۶۸ گفت که ابن زبیله گاهی که میخواست گوشه گزیند نامه ای بشیخ نوشت و پاسخ گرفت که همین پاسخ و پرسش باشد و گویند که از ابی سعید و شیخ است باز درش ۲۶۶ آنرا نامه ای دانست که شیخ بای الحسین بن محمد بن مرزبیل (۱) نگاشت آغاز: بسمله و حمد و صلوة هذه رسالة كتبها الشيخ الزاهد المحقق ابوسعید ابن ابی الخیر قدس الله روحه الى الشيخ ابی علی سینا... وفقك الله لما ینبغی و رزقك من سعادة الابد ماتبغی انی من الطريق المستقیم علی یقین الان اودیة الظنون علی الطريق الواحد لم تشعبه... جواب الشيخ الرئيس... وصل کتاب الشيخ الزاهد نبأ عن جمیل صنع الله لده.

انجام: واسئله ان یقر بنی الیه انه قرین مجیب الحمد لله رب العالمین و واهب العمل و صلوة علی... محمد... مبارکات.

۱۵

[۱۲۷]

این نسخه شماره یکم دفتری است دارای ۱۶ رساله که در دنبال پرسش و پاسخ ۷ شناسانده شد ک ۱ ب - ۲ ب .

[۱۲۸]

۲۰

این نسخه شماره ۵ دفتری است که پیش شناسانده شده و از ص ۱۳ تا ۱۶ و بخط تعلیق میباشد.

[۱۰۹] پاسخ سبزواری پیرشهای بجنوردی (عربی)

دانشمند محمد اسمعیل بجنوردی هجده پرسش دینی و فلسفی از فیلسوف

حاج ملاهادی سبزواری (۱۲۸۹ - ۱۲۱۲) کرده و پاسخ گرفت اشعار پارسی هم در این گفتگو دیده میشود.

آغاز: بسمله الحمد لله الودود فیاض الوجود فاتح ابواب الخیرات معطی المسئلات ۲۵



**انجام :** واستمسك بالله الودود الرحيم وقد فرغت عن تسويد هذه الاوراق ...  
 فی سیزوار ... وهی اولی ارض مس جلدی ترابها و ان آثرت برهة من الزمان  
 اغترابها ... حين كان من مدة العمر غضاة شبابها حتی عیش بفرق هامتی بومها  
 وغرابها وبلغت من العلوم الحقيقة باتم نصابها فعطفت عنان عزیمتی الی تلك الدار نازلا  
 قبابها ... وسكنت زاویه داری مغلقا بابها ... و اشتغلت بابانة العلوم ... فازاحت  
 الاشعار و افاضت الاسرار ... وقد تم هذا الخطاب يوم الاربعاء رابع شهر ذی القعدة من  
 سنة اربع وسبعین ومائین بعد الالف من الهجرة علی هاجرها الف سلام و تحية (تاریخ  
 نگارش چهارشنبه ۴ ذی قعدة ۱۲۷۴).

[۱۲۹]

این نسخه شماره ۲ دفتری است دارای سه گفتار وهمه بخط نسخ و نستعلیق  
 ۳۲۴ محمد علی فیروز کوهی باعنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد اخبار و عنوانها  
 در این گفتگو بنسخ است و فیروز کوهی آنرا در سمنان ۲۷ رمضان ۱۲۸۱ نوشته  
 است گ ۹۹ ب - ۱۱۹ ب .

(همه دفتر ۱۳۹۲) - کاغذ فرنگی - چند مقدار

اندازه : ۲۴×۱۵ و ۱۰×۱۶.۵ س ۴

۱۵

[۱۱۰] **پانسخ و گفتار سبزواری** (عربی)

در این گفتار پاسخها و سخنانی است از فیلسوف سبزواری درباره ازل - جهان  
 مثالی - هستی - حدیث طینت و حدیثهای دیگر که نویسنده نسخه (فیروز کوهی)  
 آورده و چنین برمیآید که از شاگردان او بوده و در زندگی استاد این سخنان را گرد  
 ۲۰ کرده است در بند آخرین شعرهای فارسی دیده میشود و بند پیش از آن بیارسی است  
 آغاز : قال الشارح ره فی شرح رسالة العلم العلامة الکاشی ... وقال استادنا ...  
 زبدة متاله الاسلام الهادی الی دار السلام

**انجام :** و بین القلة والكثرة المدلول علیها بلفظ قدیما فعل کما بین الادبار

[۱۳۰]

این نسخه شماره ۳ دفتراست و نزدیک بیک صفحه از پایان کم دارد گ ۱۲۰  
 ۳۲۴ الف - ۱۲۹ ب خط تعلیق و خبرها بنسخ .

## [۱۱۱] پاسخ شیرازی پیرش طوسی از خسروشاهی (عربی)

خواجه طوسی (۵۹۷ - ۶۷۲) از شمس الدین خسروشاهی (۵۸۰ - ۶۵۲) دانشمند کلامی فیلسوف و شاگرد فخر رازی (م ۶۰۶) درباره پیوستگی جنبش وزمان و حامل امکان بود و نبود روان و چگونگی پیدایش چند چیز از يك چیز پرسیده و خسروشاهی بدانها پاسخی نداده بود فیلسوف صدرای شیرازی (م ۱۰۵۰) همه اینها را پاسخ گفت و این گفتگو در کنار مبدعه و معاد شیرازی (تهران ۱۳۱۴ ص ۹۱-۳۷۱) و شرح هدایه همو (تهران ۱۳۱۳ ص ۹۳-۳۸۳) بچاپ رسید.

## [۱۳۱]

۱۰۳۰ این نسخه شماره نهم دفتر و بخط نسخ از گ ۷۴ ب تا ۷۰ الف میباشد.

## [۱۱۲] پاسخ شیرازی پیرش کاشانی (عربی) ۱۰

دانشمند مظفر حسین کاشانی از صدرای شیرازی درباره خود آگاهی و پایداری روان پنج پرسش کرده و شیرازی بدانها بروش خویش پاسخ داده و از ایات و اخبار گواه آورده و تأویل نمود و در آن از شرح هدایه خود یاد کرد.

آغاز: یارب کل عقل و نفس و غایة کل حیوة و حرکة و حس... فقد سألنی بعض اجله الاخوان... مسائل عویصة... فاجبت علی ذلك مسئوله.

انجام: وظهر بطلان قول هؤلاء المتشبهین باذیال افکار الفلاسفة... وهدا... لمعة یسیره مما آنت به من جانب الطوز الايمن... وتمامها یطلب بالمراجعة الی الاصل... ویمده مقالید الوصل والفصل والسلام علی من اتبع الهدی ونبی النفس عن الهوی.

## [۱۳۲]

۱۰۳۰ این نسخه شماره دهم دفتر و بنسخ گ ۸۰ الف - ۹۴ ب

## [۱۱۳] پاسخ شیرازی پیرش گیلانی (عربی)

صدرای شیرازی پیرشهاییکه ملاشمسای گیلانی فیلسوف (۱۰۹۸م) از وی کرده (که اگر جنبنده در هنگام جنبش باید پایدار بماند پس جنبش کمی چگونه

خواهد بود و اگر نیروی گیاه مادی است پس پایدار نخواهد بود و اینکه چیزها در ذهن چگونه درمیآیند و ادراک جزئی جانور و مردمی چگونه است و آیا نفس حادث است؟ پاسخ داد و در اینجا او را از گرانمایه ترین برادران خویش میخواند و میگوید اکنون که او نامه نگاری آغاز کرد من اگر از این سفر که در پیش دارم برگردم باز نامه می نویسم و من با آشفته گی که دارم بدین پرسشهای پاسخ میگویم. این گفتار در کنار مبداء و معاد شیرازی (ص ۵۹-۳۴۰) بچاپ رسید و در آن از جنبش گوهری یاد شد و روش نگارش آن هم از آن شیرازی است.

[۱۳۳]

۱۰۳۰ این نسخه شماره ۱۱ دفتر است و بنسخه گ ۹۵ الف - ۱۰۰ الف

۱۰ [۱۱۴] پاسخ طوسی پیرمیشی بحرانی (عربی)

جمال الدین علی بن سلیمان بحرانی سترای نزد استاد خود کمال الدین ابی جعفر احمد بن علی بن سعید بن سعاده بحرانی سترای میرفته و درباره علم با وی گفتگو می نمود استاد ۲۴ رشته از این مسئله را فهرست وار یاد کرد بی آنکه درباره آنها بررسی نماید و خود در گذشت این بود که بحرانی چگونگی را بخواجه طوسی نوشت و همه آن مسئله ها را بدو بنمود و درخواست که طوسی آنها را روشن سازد بحرانی در اینجا مسئله را طرح میکند و سخن کمال الدین را میاورد سپس خرده گیریهای خویش را یاد میکند خواجه در پاسخ بحرانی بیتها و عبارتها درستایش جمال الدین گفت و بند بیند سخنان او را در پیرامون همان ۲۴ مسئله گزارش کرده است (۱).

۱- جمال الدین فیلسوفی بود دانای علوم نقلی و آرامگاه او در روستای مستره بحرین ایران بهلوی خوابگاه کمال الدین است وی قصیده نفس ابن سینار شرح کرد و بر رسالة الطیر او شرحی بنام مفتاح التخییر نوشت و در فلسفه و کلام «اشارات» نوشت و کمال الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی فیلسوف متکلم شارح نهج البلاغه که در ۶۷۹ در گذشت (آرامگاهش در هلندایی در ماحوز می باشد) و شاگرد او و طوسی و استاد علامه حلی و عبدالکریم بن طالس و خواجه طوسی (در فقه) بوده است. راین اشارات شرح نوشت ابن میثم از ابن جمال الدین اجازه دارد.

نگاه به: امل الامل ص ۴۸۷ - لؤلؤنی البحرین - هدية الاحیاء والکنی والالاقاب  
قمی ج ۱ ص ۴۱۹ - ریحانة الادب ج ۳ ص ۳۸۴ - ذریعه ج ۲ ص ۹۸ و ۹۶



آغاز: بسملة الحمد لله على ما اولانا من ملامح مناهج... وهدانا من مطارح مدارج التحقيق... اعلم... ان المتكلمين اطلقوا القول بان العلم تابع للمعلوم - قال... نصير الملة والدين... الطوسي «اتاني كتاب في البلاغة منته - الى غاية ليست تقارب بالوصف»... وردت رساله شريفة.

- د انجام: قال فينبغي ان يتكلم في هذه المسائل... اقول الاصل الذي هو محمد في هذا الباب مستغن عن ايراد هذه المسائل وانما اوردت هذه المسائل اقتفاء لكلام اهل البحث عن هذه المسائل ولنختم الكلام ههنا والله ولي التوفيق والحمد لله وصلواته على محمد وآله والسلام على من اتبع الهدى.

[۱۳۴]

- این نسخه شماره ۳ دفتري است دارای پنج رساله و از گ ۱۷ ب تا ۴۲ ۳۸۹ الف است و پرشش بحرانی بندیند پس از (قال) زیر خط سرخ در میان پاسخ طوسی پس از (اقول) آمده و ایندو عنوان بشنگرف است و خط آن تعلیق و عنوانها شنگرف و در روز ۲۴ صفر سال ۱۰۲۰ نوشته شد.
- (همه دفتر ۴۸ برگ) - کاغذ سمرقندی - جلد تهاج سرخ ساده
- ال اندازه: ۱۷×۹ و ۱۱×۵ سن ۱۶

۳۵

[۱۳۵]

- این نسخه شماره ۸ دفتري است دارای ۱۴ رساله از گ ۱۳۰ الف تا ۱۴۷ ۱۰۲۲ ب و بخط نسخ سید حیدر آملی میباشد نخست پرشش بحرانی است آنگاه پاسخ طوسی که در میان آن باز بندیند میان (قال) و (اقول) از همان پرشش با انداختن میانه هر بندی آمده است در کنار صفحه ها نوشته شده که با اصل برابر گردید ۲۰ در گ ۱۴۸ الف گفتاری است در اینکه ممتنع در ذهن هست پس در خارج نخواهد بود و پاسخ آن.

۱۰۲۲

کتاب التعلیم الثانیة جلدات  
عشر و بعضها

کتاب البوراء المسترقعة المنتقل

کتاب  
کشف المشکل من کمال التوکلان  
جلدانکتاب التعلیم و بیان  
الدریس جلد

واجزت  
یروز عنی جمیع ما رویت و اجبت لی و ابنته فرجیع العلم العلی و العقل  
و کذا و اجزت ان یروا عنی جمیع ما صنفتم و رویت و اجزت لی و ابنته و بنت  
عنده و ابنتی لم یروا عنی جمیع ما صنفتم و ابنتی و ابنتی و ابنتی و ابنتی  
ان یروا عنی جمیع ما صنفتم و ابنتی و ابنتی و ابنتی و ابنتی  
طاعتهم و وقفه الخیر و ملازمته فی شهر الحرام سنه عشر من و سلیمان  
بکلمه و ان یروا عنی جمیع ما صنفتم و ابنتی و ابنتی و ابنتی و ابنتی

و فی شهر محرم الحرام العبد العبد العبد العبد العبد  
الایام و فی شهر رجب العبد العبد العبد العبد العبد  
الحسنی الایام و فی شهر رجب العبد العبد العبد العبد  
العبد العبد العبد العبد العبد

پایان اجازه علامه حلی بمهنا بن سنان که در اجازات بحار مجلسی ج ۲۵  
ص ۵۲ بچاپ رسیده و بخط آملی بتاریخ ۱ ذی قعدة ۷۶۲ در برك  
۷۰ دفتر شماره ۱۰۲۲ دیده میشود



الحمد لله رب العالمين

1.25

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله الذي هدانا لهذا  
 الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله  
 اللهم صل على محمد وعلى آل محمد  
 وسلم وصحبك على الصلوات  
 والمباركات والنعمة  
 اجمعين



[۱۱۵] پاسخ طوسی به شیخ دبیران قزوینی (عربی)

دبیران قزوینی از خواجه طوسی میبرد که شیخ رئیس از گفته خویش در اینکه گرما در ترمایه سیاهی و در خشک هایه سفیدی است و سرما تر را سفید و خشک را سیاه میکند چه میخواهد و طوسی از آن پاسخ داده درخواست که اگر سخنش نادرست است برگزیده در دیباچه میگوید من بایستی از شما بهره برم مگر اینکه چون فرمودید من می نویسم تا بدان بنگرید و استوارش سازید.

آغاز: قال مولانا... الطوسی... سئل مولانا علامة العصر نجم الدین مد ظله العالی داعیه المخلص عن قول الشيخ الرئيس ان الحرارة تفعل فی الرطب سوادا وفي ضده بياضا والبرودة تفعل فی الرطب بياضا وفي ضده سوادا.

انجام: فهذا ما عندي في هذه المسئلة والموقع من كرمه ان يرشد داعیه المستفيد على يرى ما فيه من الخلل والنقصان والله الموفق وعليه التكلان.

[۱۳۶]

این نسخه شماره ۴ دفتر است و بخط تعلیق با عنوانهای شنکرف از ک ۴۲ ب تا ۴۵ الف.

۳۸۹

[۱۱۶] ۱۵ پاسخ طوسی به دبیران قزوینی درباره مزه ها (عربی)

خواجه طوسی در پاسخ دبیران قزوینی (م ۶۷۵) درباره مزه های گوناگون این گفتار را بنگارش در آورد و درخواست که او در آن بنگرد و آنچه میانیدش برگزیده.

آغاز: من فوائد مولانا... الطوسی... فی تحقیق الطعوم - اشار مولانا

۲۰ علامة العصر نجم الملة والدين افضل العالم ادام الله علوه، الى داعیه المستفيد بان يكتب مانسوخ له على قول بعض الحكماء « الجسم اما لطيف او كثيف او معتدل ».

انجام: وغير ملائم عند بعضهم فهذا ما عندي فيه ومولانا بنظر فيه وبقيده ما يسخ بخاطره الشريفة الوقادة انشاء الله.

## [۱۳۷]

- این نسخه شماره یکم دفتر است و بخط تعلیق ص ۱-۲ دردنبال آن پاسخی است از قاضی فخرالدین الیمای پیرش دبیران درباره نه مزاج و از روی خط او نوشته شده ص ۲-۳ و گفتاری از طوسی درباره حرارت غریزی ص ۳-۴ و در کنار ص ۳ حاشیه ایست از غیبی گرگانی بر آت و بخط شکسته تعلیق که در شب دوشنبه ۲۱ ج ۱ سال ۱۲۹۹ نوشته است .

## [۱۱۷] پاسخ طوسی درباره تنفس (عربی)

- شیخ رئیس در فن ۱۰ کتاب ۳ قانون از تنفس سخن راند و دانشمندی گویا دبیران از آن خرده ها گرفته و ازخواجه درخواست که پاسخ گوید وی این گفتار را نوشت و گفت اگر باز هم دشواری هست برگوید .
- ۱۰ آغاز : ذکر الشيخ الرئيس فی الفن العاشر من الكتاب الثالث من القانون کلام کلی فی التنفس - التنفس يتم بحرکتین و وقتین بينهما . المسؤول من انعامه ... ان یبین هذه الاشکالات ... تأملت هذه الاشکالات فاقول اما قول الشيخ الرئيس فی التنفس انجام : فهذا ما عندي ... فان كان موافقا للحق فهو المطلوب والا فلينع من الانعام عما يخالفه . . . والله اعلم بالصواب .
- ۱۵

## [۱۳۸]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۷ دفتر و بخط تعلیق ص ۱۸-۲۰

## [۱۱۸] پاسخ طوسی درباره مزاج اندامها (عربی)

- شیخ رئیس در فصل ۲ تعلیم ۳ در مزاج اندامها از قانون چهار دلیل برای خشکتر بودن مواز استخوان آورد و دانشمندی (گویا دبیران) این را از خواجه میپرسد و او پاسخ میدهد و میخواهد که او بدان بنگرد و اندیشه خویش را برگوید .
- ۲۰ آغاز : سؤال بعض الافاضل من . . . الطوسی . استدلل الشيخ الرئيس : فی الفصل الثانی من التعلیم الثالث فی امزجة الاعضاء . . . ان ینعم ببيان هذه الشبه . . . وقف الداعي والمخلص علی هذا السؤال و اجاب عنه . . . اما فی الاستدلال فمعلوم
- ۲۵

ان الدم السوداوى .

انجام : فهذا ما يحضرنى فيه ولينعم النظر فى ذلك ويخبر بما يخطر بباله على ذلك ان شاء الله وهو ولى التوفيق .

[۱۳۹]

این نسخه شماره ۲ دفتر و بتعلیق درس ۴-۶ و در دنبال آن گفتاری است درباره « نشف » که در سخن شیخ در اینجا آمده و آنهم پرسش و پاسخ گونه است و نیز درباره « مخ » ص ۶

[۱۱۹] پاسخ طوسی درباره نیکوئی هستی (عربی)

از خواجه طوسی پرسیده شد که فیلسوفان گفته اند هستی نیکو نیستی زشت است پس چرا گاهی مردم آرزوی مرگ میکنند طوسی پاسخ میدهد و سخن آنان را استوار میدارد .

آغاز : الحكماء اعطونا ان الوجود خیریه و کمال الوجود خیر الوجود ان الشر لا ذات له . . . . . الجواب عنه اقول « ما نقله عن الحكماء فهو كما قاله . . . »

انجام : اذلولوا ذلك لما اقيمت الحكمة الالهية وجوده كذلك فهذا ما يحضرنى

۱۵ فى هذه المسئلة والله تعالى ولى التوفيق .

[۱۴۰]

این نسخه شماره ۲۵ دفتر است و بخط تعلیق محمد علی بسال ۱۲۹۹ گ ۱۷۱ الف - ۱۷۴ الف .

[۱۲۰] پاسخ طوسی پرسش رومیان (عربی)

۲۰ شرف الدین محمود رازی ۲۳ پرسش در ریاضی و طبیعی و الهی از روم آورده و خواجه طوسی همه آنها را پاسخ داد و یکی از نکته ها که او در اینجا آورد اینست که آفریده را خود چیز دانست نه هستی آن و نه ماهیت چه ایندورا عقل میسازد .

آغاز : استؤلة وردت من الروم على يد شرف الدين محمود الرازى عليه بر الله

مرقده ( الاسئلة الواردة من الروم واجوبتها للمحقق الطوسى طاب ثراه - هامش )

۲۵ السؤال ۱ العلة (يؤثر) فى وجود المعلول اوفى ماهيته .

انجام : اما كرات متناهية بينها خلاء فذلك محال . تمت المسائل واجوبتها



[۱۴۱]

این نسخه شماره ۱۲ دفتر است و بخط تعلیق محمد علی گ ۱۳۶ الف -

۸۷۱

ب ۱۳۹ .

[۱۲۱] پامبخ طوسی پیرمیش شمس الاسلام (عربی) ۵

خواجه طوسی در سال ۶۶۶ نزد قاضی القضاة فخر الدین شمس الاسلام رفت و او از طوسی درباره آفرینش و گفتار فیلسوفان در آگاه بودن خدا بجزئیات پرسید و ی پاسخ داد و در پایان آن نوشت که اگر باز هم دشواری هست بگوید تا روشن سازد .

آغاز : بسم الله الحمد لله حمد الشاکرین ... يقول ... محمد بن محمد الطوسی  
سألتی مولانا قاضی القضاة ... فخر الملة والدين شمس الاسلام والمسلمين . . حين  
استسعدت بخدمته فی سنة ست وستین وستمائة

انجام : وان توقف فی شیء من ذلك اعاد بفضلہ ذلك الموضع لاوضح ما عندی  
فيه انشاء الله وهو ولی التوفیق وملهم الصواب منه المبدء والمآب فرغ من کتابته مسودة  
فی ذی القعدة ستة (و) ستون وستمائة هجرية حامدا . . . ومستغفراً .

۱۵

[۱۴۲]

این نسخه شماره ۴ دفتر است و بخط تعلیق ص ۸-۱۳

۱۰۷۹

[۱۲۲] پامبخ طوسی پیرمیش قونوی (عربی)

ابوالعالی صدر الدین محمد بن اسحق قونوی عارف شافعی (م ۶۷۳) درباره

۲۰ عینیت بود خدا و آفریده بودن مہیات ممکنات و هستی عام و حقیقت روان مردمی  
و چیزهای دیگر از خواجه طوسی پرسید و پاسخ گرفت دیباچه دو نامه قونوی و  
طوسی پارسی شیوائی است و مطلبها بتازی .

## آغاز :

مازال سمعی من طیب لذكرك ما یزرى  
على السروض غب العارض السمتن  
حتى حلت حمى قلبی ولاعجب

فرب ساع الى قلب من الاذن

۵

گوش ایام ولیالی باستماع مآثر و معالی مجالس خواجه معظم . . . نصیر الملة  
والدين مشنف و حالى باد خدمت و دعا از منبع صفا و مشرع ولا رسانیده می آید  
بسمله و علیه اتوکل و هو حسبی . اتانی کتاب ما اراه مشابها ؛ لغیر کتاب الله من  
سائر الكتب .

۱۰ خطاب عالی مولانا امام اعظم . . . صدر الملة والدين . . . بخادم دعا و ناشر  
ثنامرید صادق و مستفید عاشق محمد طوسی رسید .

انجام : کما سبقت الاشارة اليه فی بعض الاسئلة المتقدمة والسلام . تمت الاسئلة  
بحمد الله و حسن توفيقه و السلام على من اتبع الهدى - فهذا ما خطر ببال داعیه و مستفیده ...  
والحمد لله ذی الجود الفاضل و الکرم العام و صلی الله علی محمد خیر الانام .

[۱۴۲]

۱۵

این نسخه شماره ۹ دفتر است و بخط نسخ آملی و چنین می نویسد : « تم الجواب  
فی غرة ربيع الاول سنة اثنين وستين و سبعمائه ببغداد بیدرسة الامامية الغروية »  
گ ۱۴۸ ب - ۱۷۱ الف در گ ۱۷۲ دو گفتار است در باره تأویل آیه نور  
بخردهای گوناگون (هیولانی - بالملکه - بالفعل - مستقاد - فیاض) .

[۱۲۳] ۲۰

پاصح طوسی پیرمیش کیشی (فارسی و عربی)

شمس الدین محمد بن احمد بن عبداللطیف کیشی فیلسوف عارف شاعر پارسی  
و تازی (۶۹۴م) (۱) گاهی که در سپاهان بوده بخواجه طوسی نامه ای نوشت و در آن  
از جدائی میان موجب معدول و سالب بسیط و پایداری صور نوعی آمیخته و اینکه  
وجود خاص جوهر مفارق همان معقولیت او است پرسید و طوسی بدانها پاسخ داد  
و در پایان از کتاب مجسطی و جز آن که کیشی خواسته بود پوزش خواست . ۲۵

آغاز: نسخه کتاب کتبه الاستاد... شمس الملة والدين... الکیشی...

- حین کان باصفهان الی... الطوسی... پر تو خورشید ضمیر منیر مخدوم... که سبب  
اهتداء سالکان طریقت... است... بواسطه دریچهای حواس بر محبوسان چهار  
دیوار طبایع فایض باد... سه مسئله القا میافتد تا ابتدا مواصات از غایت آنکه  
استفادت علمی است عاقل نماند... اجاب عنه... نصیر الملة والدين... تا ذکر  
مناقب ذات شریف... خداوند ملک العلماء والحکما... شمس الملة والدين افضل  
ومفخر ابران... بمسامع دعاگوی مخلص او محمد الطوسی رسید است مرید صادق  
بل محب عاشق شده است.

- انجام: اینست آنچه برین سئوالها در خاطر آمد انشاء الله که پسندیده باشد  
و اگر بعاودت محتاج باشد توقع است که اعلام فرماید... فیما بعد اگر خدای...  
فراغتی کرامت کند آن خدمت بجای آورده شود... کامرانی و شادمانی... میسر  
باد با بقاء جاودانی و صلواته علی سیدنا محمد و آله... الطاهرین.

[۱۴۴]

- این نسخه شماره ۲۶ دفتر است و بخط تعلیق ص ۲۳۹-۲۴۲ نسخه ای از این  
گفتگو در جنگی در کتابخانه ملک تهران هست.

۱۵

[۱۲۴] پاسخ عاملی پیرمیش طوسی از خسرو شاهی (عربی)

- دانشمند احمد بن زین العابدین عاملی جبلی (م میان ۱۰۵۴ و ۱۰۶۰) شاگرد  
و شوهر دختر میرداماد بدستور محمد صالح کرامی بسه پرسشی که خواجه طوسی  
از خسرو شاهی کرده بود پاسخ گفت و در آن از شرح اشارات طوسی (نمط ۵ فصل  
زمان) و مقاله ۲ الهی شفا (بحث عقل و نفس) و تعلیقات ابن سینا و تعلیقات خود  
بر جواهر و اعراض تجرید یاد نمود

آغاز: بسم الله الحمد لله علی الاله... فیقول... احمد بن زین العابدین (بریده)

- ۱ - نگاه به: گفتار آقای نفیسی در مجله ارمن سال ۱۳۵۷ ش ۶ شهریور ۱۳۱۲ خ  
ص ۱۳-۴۱۸ - گفتار قزوینی در مجله یادگار سال ۲ ش ۲ تاریخ ۱۳۲۴ خ ص ۵۹-۷۰ - شه الا زار  
شیرازی ص ۳-۱۱۰ و گفتار همد در مینجا درس ۸-۴۹۲

۲۵



شده) انه لما صدر عن منبع زلال الافضل... مولانا محمدالصالح الکرامی...  
مخلصه الداعی يتصدى للجواب عن الاسئلة التي ارسلها نصير... (بریده شده) الى...  
شمس الدين (ابو) محمد الخسر وشاهی... الاولى لما امتنع وجود حركة من غير  
ان يكون على حد معين من السرعة والبطوء.

انجام. فان الفاعل الواحد قد يفعل بسبب اختلاف امور عقليه او عدميه افعالا  
كثيرة.

[۱۴۵]

این نسخه شماره ۲۹ دفتر است و بخط تعلیق درشت تر و مورب ص ۱۷۸-۱۸۱  
از بالا و پائین صفحات کمی بریده شده است.

۱۰ [۱۲۵] پاسخ غزالی پیر معشای پیروان نعمت (فارسی)

در سال ۵۰۳ تنی چند از پیروان ابوحنیفه و مالک و شافعی چون دیدند غزالی  
(۴۵۰-۵۰۵) درالمنحول از ابوحنیفه بناگفت و پیروی صوفیان و فیلسوفان سخنانی  
بیاورد گردهم آمده و از مشکوة الانوار و کیمیای سعادت این گفتارها: «لا اله الا الله  
توحید العوام» و «لا اله الا هو توحید الخواص» و «الله هو النور» و «روان مردمی  
در این جهان بیگانه است و شیفته جهان بالا» و «افشاء سر الربوبیة کفر» را در آورده  
و گفته اند از اینها چه میخواهی؟ و در اینکه خدا را بروشنی مانند ساختی مجوس شدی  
و در باره روان آنچه گفتی بترسایان و فیلسوفان نزدیک گشتی.

آنها این سخنان را بشاه (محمد سلجوقی ۴۹۸-۵۱۱) رساندند غزالی  
که در این هنگام پنجاه و سه سال داشت و گوشه گزیده بود بدستور او ناگزیر  
باشگر گاه طوس رفته و از همه خرده گیرها پاسخ داد و بدانشمندان طوس گفت  
که در معقولات تنها برهان می پذیرم و در شریعات پیرو کسی نیستم و قرآن را بکار  
می بندم شاه همینکه بندهای غزالی را بشنود و سخنان او را استوار بدید نوازشش  
نمود و بدشمنانش ارجی ننهاد. این گفتگو در «فضائل الانام من رسائل حجة الاسلام»  
که پس از مرگ او برادرش احمد گرد آورده در کبر آباد هند سال ۱۳۱۰ بچاپ رسید.  
دیده میشود.

## [۱۴۶]

این نسخه شماره ۲ دفتري است دارای ۸ گفتار و همه بخط تعلیق ریز خوش  
 ۳۴۰ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف که در سال ۱۲۶۰ نوشته شد گ ۲۷ ب -  
 ۳۷ ب - نام ومهر دارندگان نسخه (محمد باقر پسر ابراهیم حسینی لواسانی  
 رازی تهرانی و شیخ العراقین) در آغاز و پایان دفتر دیده میشود .

(همه دفتر ۱۳۶۴) - کاغذ ترمه سمرقندی رنما رنگ - جلد تپاج ضری زیبا

ال اندازه : ۱۴×۳۰ و ۱۴×۷ س ۱۵

[۱۲۶] پاسخ فندرسکی پرسش کاشی (فارسی)

این پرسش و پاسخ میان آقا مظفر حسین کاشی و میرا بوالقاسم فندرسکی  
 ۱۰ استرآبادی (م نزدیک ۱۰۵۰) شده است و فندرسکی از دانشمندانی است که دیری  
 در هند بزیست و بدانش زردشتی و بودائی آشنا شده بود و روش اشراقی دارد .  
 مسئله تشکیک ذاتی میان مشائیان و اشراقیان مطرح بوده و فندرسکی در این گفتار  
 آنرا محال میداند چنانکه رفیع الدین محمد حسینی رساله در تشکیک نوشته و بهمین  
 رأی بود (چاپ شده در کنار شرح هدایه شیرازی ص ۸-۳۶۳) .

۱۵ آغاز : آنچه فرموده اند در ذاتی و تشکیک و عدم تشکیک او بر آنچه ذاتی  
 است او را معتقد این ضعیف آنستکه نشاید که ذاتی مقول بتشکیک باشد .  
 انجام : و چون خواهند که این فصل را مأخذ بدانند بکتاب مابعدالطبیعه  
 رجوع کنند و بالعجمله هر چه بجز حضرت رب العزة است از موجودات غیبی او را از  
 ترکیب چاره نباشد .

۲۰

۱۴۷

این نسخه شماره ۷ دفتر است و بخط شکسته تعلیق مورب گ ۵۵ ب -  
 ۱۰۳۸ ۶۵ الف

## [۱۴۸]

این نسخه شماره ۷ دفتر است و بخط شکسته تعلیق محمد شریف پسر محمد  
 ۱۰۴۶ قائمی نزدیک سال ۱۰۴۰ گ ۴۳ الف - ۴۴ الف .  
 ۲۵

[۱۲۷] پاسخ کاشانی به پرسشهای هراسکانی (فارسی)

منتخب با منتخب الدین هراسکانی که از شاگردان و پیروان بابا فضل کاشانی بوده است چون از استاد دور شده بود بازده پرسش در عرفان و اخلاق از استاد کرده و پاسخ خواست و این بازپسین سخنانی بود که بابا بنگارش در آورد تا اینکه در گذشت و از مرق برای هراسکانی فرستادند و گفتگوی ۷ و ۸ آن در باره گفته‌های غزالی است در کیمیای سعادت که در آنجا آمده که روان پایدار است و برخی اینرا نپذیرفتند و بر غزالی نفرین میکردند و نیز آمده که خدادر اینجهان دانستنی و در آن جهان دیدنی ولی نه با دیدار اینجهانی و همین را مردم نپسندیدند و گوینده را بدکیش خواندند هراسکانی از استاد که کیمیای سعادت را گزین نموده بود میخواست روشن سازد. ۱۰

در همین جاست که هراسکانی از استاد تفسیر چند آیه و خبری را میخواست و او میگوید سخنی را که بر زبان من نرفته تفسیر گفتن گزاف است مگر اینکه من آنچه از این سخنان دریافتم بگویم. آغاز : منتخب اشکالی چند که از جناب خواجه شخصی سؤال کرد و او جواب آنها نوشت . . . سؤال نماید بنده داعی که چون آدمی از مادر بزاد طالع او میگیرند. ۱۵

انجام : و از جهان نام گذشتگان بردن خاصه جز بند و فائده بار ندهد تلك امة قد خلت . . . عما كانوا يعملون .

[۱۴۹]

این نسخه شماره ۲ دفتری است دارای ده رساله و گفتار بابا فضل کاشی که بخط شکسته نستعلیق خوش با عنوانهای شگرف میباشد و در ۱۰۸۳ نوشته شده است از گ ۱۰ ب تا ۱۴ ب. ۴۲۸

( همه دفتر ۷۴ ) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج زرد ساده - مدرّس طاهر (بررّابی)  
اندازه : ۱۲×۱۷ و ۵×۱۴ س ۱۷



این نسخه شماره ۷ دفتری است دارای ۲۳ رساله و نامه و گفتار از کاشی و  
 ۴۳۱ فیلسوف شیرازی و همه بخط تعلیق محمدعلی است که در مدرسه سپهسالار  
 تهران بسال ۱۳۰۲ آنها را نوشت ازگ ۱۲۴ الف تا ۱۳۲ ب. این دوسه  
 باهم یکسان نیستند.

(همه دفتر ۴۰۱) - کاغذ فرنگی . جلد تیماج سرخ ضری  
 اندازه : در ۱۸×۱۰ و ۱۴×۱۳ س ۱۴

### [۱۲۸] پاسخ گرو گانی پیر هوش میرزا اسکندر (فارسی)

- میر سید شریف گرو گانی (۸۱۶ م) فیلسوف متکلم در پاسخ میرزا اسکندر  
 پسر عمر شیخ درباره شماره طبقات بهشت و دوزخ این گفتار را پیرداخت و بروش  
 فیلسوفان آنرا تأویل نمود و این گفتگو از پاسخ و پرسشهای میر گرفته شده است .  
 آغاز : سیدالمحققین میر سید قدس سره در رساله‌ای که در اجوبه‌اسؤله میرزا  
 اسکندر بن عمر شیخ نوشته فرموده «تاویل عدد طبقات دوزخ و بهشت چنین کرده‌اند  
 که عناصر بسیط ۴ است و مرکبات عناصر ۳ و عدد افلاک نه .  
 انجام : و اعراف اشاره بآن مرتبه است و در تأویل معراج روحانی رسول الله  
 سخنان بسیار بزرگ فرموده .

۱۰۳۷ این نسخه شماره ۴ دفتر است و بخط تعلیق گ ۲۰۸ الف - ۲۰۷ الف

### [۱۲۹] پاسخ همدانی برازی قزوینی (عربی)

- شیخ رئیس در پاسخ پرسش بهمنیار بر اینکه یکی جز یکی نیافریند برهانی آورد  
 امام رازی و دبیران قزوینی از آن خرده گرفتند. ابراهیم حسینی همدانی در این گفتار  
 بر هر دو رد نوشت .  
 آغاز : يقول الفقير الفاني ابراهيم الحسيني الهمداني . . . نقل ان بهمنیار لما  
 طلب البرهان من الشيخ .  
 انجام : ومساعدة التوفيق من ذوی الافضال .

## [۱۵۲]

این نسخه شماره ۳ دفتر است و بخط تعلیق گ ۹۶ الف در دوسطر و در همین جا  
 ۹۲۶ سخنی از لمحات سهروردی شهید (لمحه ۴) در ۹ سطر و بهمین خط آمده که  
 در آن روی خود آگاهی و حضور ذاتی نفس و بی نیازی آن از چیزهای دیگر تجرد  
 ۵ آنرا ثابت میکند .

## [۱۳۰] پرسش طوسی از جیلی (عربی)

خواجه طوسی از شیخ علامه جمال الدین عین الزمان جیلی سه پرسش کرد  
 یکی اینکه چیزیکه امکانش را حاملی نیست باید قدیم باشد و همیشگی و این قانون با  
 حدوث نفس نمیسازد همین پرسش را طوسی از خسروشاهی نیز کرده بود و در اینجا  
 ۱۰ کوتاه تر است . دیگر اینکه ادراک چیست سوم از « توحید اسقاط اضافات است »  
 چه میخوانند خواجه در اینجا بسیار از جیلی میستاید و گویا او بخواجه پاسخ  
 نداده است .

آغاز : سلام علیکم و رحمة الله و برکاته تحية مشاهد معاین بالصيرة ...  
 فہذہ اسئولة قد تداولتها النظار ... الاول لما ثبت ... ان کل مالا حامل لامکان وجودہ  
 ۱۵ وعدمہ .

انجام ... ولسنا من ان يتم اجتماع الشمل بتیل حاوۃ بآسین و هو حسینا  
 ونعم المعین سبحان ربك رب العزة ... رب العالمین .

## [۱۵۳]

این نسخه شماره ۶ دفتر است و بخط تعلیق آملی گ ۱۲۴ ب ۱۲۵ ب و عنوانها  
 ۱۰۲۲ بنسخ و در پایان (گ ۱۲۵ ب) ۳ گفتار است در این که عین ثابت در علم ازلی  
 یا ماهیت، آفریده نیست و معقول و محسوس یکی نخواهند شد و جدائی میاف  
 حکمت و غرض

## [۱۳۱] پرسش و پاسخ در خداشناسی (فارسی)

نگارنده این گفتار دانسته نشد و چنین آغاز میشود : « بسمله و به نستعین  
 ۲۵ سؤال واجب الوجود چه چیز است ؟ - جواب واجب الوجود موجود آنچنانی است

که از عدم او محالی لازم آید» و انجام آن چنین: «و این اقوی است هم در اینجا و هم در سایر قوای ظاهره.

[۱۵۴]

- این نسخه در دفتری است دارای «زاد الزامین» و در ص ۱۲۲ ج ۱ شناسانده شده و بخط تعلیق با عنوانها و نشانه‌های شنگرف درگ ۱۶۳ - ب - ۱۹۲ ۱۰۳۶ الف میباشد.

[۱۳۲] **تعلیق علی مطلق** (عربی)

شیخ رئیس در این گفتار پس از کاوش از هیولی و صورت و جسم روان را

میشناساند.

- آغاز: اما القول فی تحديد النفس الكلية اعني المظلة الجنسية فيتضح بما قول. ۱۰  
انجام: کمال اول لجسم طبیعی ذی حیوة بالقوة ... فقد قسمنا النفس الجنسية وحددناها وذلك ما اردنا ان نبينه.

[۱۵۵]

- این نسخه شماره ۱۸ این دفتر و بخط تعلیق محمد علی گ ۱۵۳ الف - ۸۷۱ ۱۵۴ الف.

[۱۳۳] **تحصیل** (عربی)

- کیا رئیس ابوالحسن بهمنیار فرزند مرزبان فیلسوف مجوسی آذربایگانی (م ۴۵۸) شاگرد شیخ رئیس و استاد لوکری که بیشتر سخنان شیخ در مباحثات در پاسخ او است تحصیل را در سه بخش پس از مرگ استاد از روی حکمت علایی یا دانش نامه برای خال رئیس ابی منصور بهرام فرزند خورشید فرزند یزدیار نوشته ۲۰ و از نگارشهای دیگر شیخ و گفتگوهاییکه میان آندوشده و از سخنان خویش بر آن افزود و بسیار ساده و شیوا و گسترده تر از دانشنامه است میگویند تحصیل در قاهره



بسال ۱۳۲۹ بچاپ رسید (۱).

آغاز منطق : ستایش و درود - قال بهمنیار بن المرزبان و بعد فانی محصل فی هذه الرسالة للخال الرئيس الاجل ابی منصور بهرام بن خورشید بن یزدیار . . . کتاب الحکمة التي اهداها الشيخ الرئيس ابوعلی . . . مقتديا فی الترتیب بالحکمة العلامة انجام آن : مبتدئين بعلم مابعد الطبيعة تم الكتاب الاول فی المنطق - آغاز امور عامه : ستایش - الكتاب الثاني فی المقدمات التي يحتاج اليها فی جميع العلوم وهو العلم الموسوم بعلم مابعد الطبيعة - انجام آن : والنفس ليس كذلك تم الكتاب الالهی من کتاب التحصيل - آغاز الهی اخص : ستایش - الكتاب الثالث فی الاشارة الى اعيان الموجودات - انجام آن : وهذا التقدير اذا احکم سهل السبيل الى مابعده من التدقيق والتفصيل والبسط والتحقيق ونسال الله التوفيق . ۱۰

[۱۳۶]

این نسخه بخط تعلیق ریز با عنوانهای شنگرف که سلطانعلی بن حسنعلی در ۲۵ ج ۱ سال ۹۷۱ تا امور عامه و در ۳ ع ۱ همین سال الهی اخص را بیابان رسانده منطق از گ ۳ ب تا ۱۱۶ الف و دو بخش دیگر از نو شماره گذاری شده و تا ۱۵ بک ۱۷۴ ب میباشد .

( همه دفتر ۴۹۱ ) . ۳ اغذ مهر قندی . جلد تیماج سرخ ضری  
اقدراه : ۱۴ × ۱۸ و ۱۱ × ۱۷ س ۱۷

[۱۳۴]

(فارسی)

تجفیه

این دفتر در شناخت روان و سرگذشت او پس از جدا شدن از تن در رستخیز است که در نسخه مانند روضة القلوب از خواجه طوسی دانسته شد و روشن باطنی ۲۰

۱ - بهمنیار مراتب الموجودات (لیدن ۱۴۸۲ مورخ ۱۴ و ۱۴۸۳) و رسالة فی موضوع العلم المعروف بمابعد الطبيعة (چاپ مطبعة کردستان ۱۳۲۹ و چاپ سلمون پوپر S. Poper در لایپتسیک در ۱۸۵۱ با مراتب الموجودات و ترجمه آندو بألمانی) نوشته و نسخه هائی از اینها و از تحصیل در خاور و باختر هست نیز البهجة والسعادة والزينة فو المنطق والموسیقی دارد همچنین نامه ها که او و شیخ بهمدیگر نوشتند و آنها هم هست نیز اثبات العقول الفعالة والدلالة علی عددها و اثبات النفوس السماوية که بخشی از آن در آستانه هست . ۲۵  
نگاه به : بیهقی ص ۹۱ - ارسطو عند العرب بدوی ص ۳۷ دیباچه - فهرست دوم مجلس ش ۱۱ - قنوتی ش ۷

و تاویل در آن پیدا است .

**آغاز :** بسمله شکر بی نهایت و سپاس بی عنایت ذاتی را که بلبل روح و روان را بعشق چمن جبروت و اغصال عالم ملکوت مزین و مشرف گردانیده است . . . سبب تحریر این کلمات ربانی و زکوة روحانی آن بوده است که این ضعیف خواست تا آنچه بمعرفت نفس تعلق دارد چگونگی احوال او از االم و لذت بعد از مفارقت در این نسخه تمام کنم .

**انجام :** بنده ضعیف این رساله از هر جای جمع کرد تا اخوانی که بعد از ما باشند از این معنی بهره مند گردند و ما را بدعا یاد دارند ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذین سبقونا بالايمان . . . انک رؤف رحیم تمت الرسالة الموسومة بالتحفة حامداً ومصلياً .

۱۰ [۱۵۷]

این نسخه بخط تعلیق با نشانه و عنوانهای شگرف و از برك ۴۷ ب تا ۷۷ ب و دفتر دوم این شماره و با روضة القلوب خواجه میباشد .  
( ۷۷ برك ) كاغد ترمه سپاهانی . جلد تیغی سرخ ساده مقوایی  
اندازه : ۲۰ × ۱۱ و ۱۲ × ۶ س ۱

۱۰۸۴

۱۵ (فارسی) **تحقیق معنی قابلیت** [۱۳۵]

این دفتر گویا از فیض کاشانی است و بروش عرفان شیعی از قابلیت گفتگو می کند .

**آغاز :** بعد از سپاس بیحد و قیاس پروردگار براهی که بیرنگ آمادگی و قابلیت هر چیز را در کارگاه جمعیت پناه صبغة الله . . . چنانچه بایست نقش بست .  
**انجام :**

۲۰

آنکس که ز شهر آشنائی است

داند که متاع ما کجائی است

بیش از این حاجت نمیدانند بیان . والسلام علی من تم بوجوده الانم کل تمام علیه وعلی آله السلام .

## [۱۵۸]

این نسخه شماره ۵ دفتری است دارای ۵ رساله از فیض و جزا و گ ۷۲ - ب  
 ۳۱۴ ۷۷ الف و در پایان آن دارد « تم الکتاب فی شهر رجب المرجب سنة ۱۰۶۱ »  
 و پیداست که در روزگار او نوشته شد .

( همه دفتر ۷۷ ۴ ) . کاغذ قرمه سپاهانی . جلد تیماج زرد  
 اندازه : ۱۷×۸٫۵ و ۱۱٫۵×۵ س ۱۴

## [۱۳۶] تحقیق الیهولی (عربی)

فیلسوف محمد بن احمد خفری این دفتر را درباره هیولی در یک مقدمه و  
 دو مقصد نوشته و رأی ارسطو را در آن اثبات و گفته افلاطون و شیخ اشراقی را ابطال  
 کرده است و در آن از شیخ رئیس و سهروردی و شارح مواقف سیدالمحققین نام  
 میبرد .

آغاز : الحمد للخالق الوری ... فاقول هذه رسالة فی تحقیق الیهولی وثوابها  
 قد الفها تذکرة لاولی النہی .

## [۱۵۹]

این نسخه بتعلیق ریز و دوبک پایان سفید و ناقص است و بدین جا « فالصورة  
 الجسمية التي تكثرت افرادها انما تكون كثرة افرادها و تشخصاتها بالمادة  
 ۳۲۲ ولا خفاء فی ان » انجام مییابد .

( ۴ ۹۸ ) . کاغذ قرمه سپاهانی . جلد تیماج دولاحشیدار  
 اندازه : ۱۹٫۵×۱۰ و ۱۱٫۵×۵ س ۱۷

## [۱۳۷] ۲۰ تحقیقات در بیان احوال موجودات (فارسی)

ملاشمسای گیلانی فیلسوف این دفتر را برای کسانی که فلسفه میجویند و تازی  
 نمیدانند نوشته و در آن از مباحث مهم هستی و شناخت بروش اشراقی کاوش نمود  
 و خود بدان این نام را داد .

آغاز : بسم الله والتوفيق من الله العليم الحكيم سپاس تقدس اساس و ستایش  
 بیرون از قرینه و قیاس مهمتی را سزد که ایجاد عالم کرد لامن شیء و لامن لاشیء ... ۲۵



چنین گوید . . . محمد مشهور بشمسالگیلانی .

**انجام :** مسلک حکما در اثبات واجب الوجود بالذات مسلک لم است و مسلک متکلمین مسلک ان بین تفاوت ره از کجا است تا بکجا (تم يوم الاثنين ثالث عشرین من شهر شعبان المعظم سنة الف وائین و خمسين).

[۱۶۰]

این نسخه بخط تعلیق و حاشیه‌هایی دارد که عبارت (منه سلمه الله) پایان میابد و پیداست که در روز گارشمسا در روز دوشنبه ۲۳ شعبان ۱۰۵۲ نوشته شده یا اینکه شمسا آنرا در این تاریخ نگاشته است .  
( ۳۴۴ ) . کاغذ سمرقندی . جلد قیماچ متوانی  
الدازه : ۱۷۵×۹۵ و ۱۱×۵ س ۱۵

۲۷۸

(فارسی)

ترجمه اشارات

[۱۳۸]

در این دفتر سه نمط پایان اشارات شیخ بیارسی شده و مترجم گاهی از خود سخنانی افزوده و در داستان سلامان و ابسال از رازی و طوسی افسانه‌ها را آورده است این ترجمه در شیوائی بنیایه ترجمه گمنام دیگر از اشارات که در تهران بسال ۱۳۱۶ خ بچاپ رسیده است نمیرسد .

۱۵

**آغاز :** بسمله و به نستعین نمط ثامن در بهجت و سعادت بدانکه بهجت در لغت بمعنی سرور و نصرت است و سعادت مقابل شقاوت . . . وهم و تنبیه در وجود لذات باطنه .

**انجام :** و شیخ بعد از وجود شرایط مذکور امر کرده با احتیاط تمام عقلا

۲۰

و رسماً چنانچه گفته و کتاب بآن ختم کرده است .

[۱۶۱]

۸۹۷ این نسخه شماره ۷ دفتر از گ ۱۳۰ ب تا ۱۵۳ الف می باشد .

(فارسی)

ترجمه الهیات شفا

[۱۳۹]

سید علی بن محمد بن اسدالله امامی عریضی سپاهانی مترجم اشارات که شاگرد

آقا حسین خوانساری (م ۱۰۹۸) بوده و در روز گارنگارنده ریاض العلماء (م ۱۱۳۰) ۲۵

درگذشت شفای شیخ را پیارسی کرد (ذریعه ج ۴ ص ۹-۷۸ و ۱۱۰) نسخه ماکه  
بند بیند سخنان شیخ در آن آمده و ترجمه لفظی و سپس گزارش شده گویا از  
همو باشد.

آغاز: بسمله و به نستعین حمدی که عندایبان گلستان ابداع میسر آیند مبدعی را  
باد... این رطب و یابس ترجمه فن ثالث عشر کتاب شفاء رئیس الحکماء شیخ ابوعلی  
سینا است که عبارات وی بالتمام مذکور میگردد و ترجمه مطابقه الفاظ بیان میشود

## [۱۶۲]

این نسخه بخط تعلیق و متن بنسخ زیر خط سرخ از عبدالظہیر بن المعصوم کرهرودی  
در سپاهان بدستور امیر صدرالدینا مییاشد گ ۱ ب - ۳۹۰ الف و نسخه بدلها

در کنار صفحه‌ها است و ترجمه در گ ۳۸۰ ب بدینجا «فانه کیف کان فحدوثة  
متعلق بالحركة لا يمكن غير هذا (فصل ۱ مقاله ۹ ص ۶۰۱ چاپ تهران) پس در اینصورت  
از دیاد بصیرت میگوئیم ما بدرستی که تو بتحقیق که دانسته آنکه هر «پایان مییابد  
و گ ۳۸۱ الف سفید است آنگاه در گ ۳۸۱ ب عبارت «وقوم آخرون لم پرو  
بهذه الصورة مقارنة بالوجود...» (فصل ۲ مقاله ۷ ص ۵۵۷) و قومی کمان نکرده اند  
از برای صور طبیعی مفارقی را «دوباره میآید و نسخه بعبارت «وهذا هو خلاف ما عقلوه  
(عقدوه در نسخه ما) و بنوعیه اصل رأیهم» (فصل ۳ مقاله ۷ ص ۵۶۲) ... و وی خلاف  
آن چیزی است که عقد کرده اند ایشان آنرا، و عقیده بسته اند باو، بنا گذاشته اند برواصل  
رأی و مذهب خود را. حاصل که این فصل در بیان ابطال گفتار قدماء سابق است  
در تعلیمات و در مثل افلاطونی پس میگوئیم ... و ملتفت نمی شویم بجانب آنچه که گفته اند  
و عمل کرده اند ایشان از دوام استغناء اینها از اثباتشان. تمام شد بعون پروردگار  
عالم آنچه یافت شد از ترجمه مزبوره بتاریخ هفتم شهر رجب المرجب من شهر اربع  
و ثمانین و الف من الهجرة النبوية المحمدية» پایان مییابد.

و آنچه در گ ۳۸۱ ب تا ۳۹۰ الف آمده همان است که درس ۲۲ گ ۲۹۶ ب  
تا س ۳ از پائین گ ۳۰۵ نوشته شده و مکرراست نویسنده نسخه را بهمان اندازه ایکه  
یافته بود در ۱۰۸۴ نوشت و در کنار گ ۳۱۶ ب نوشته است که نسخه ای که از روی  
آن مقابله میشد مقاله دوم تا آخر فصل ۷ مقاله ۸ «فی نسبة المعقولات الیه ... و فی  
تفصیل حال اللذة العقلية - ص ۵۹۱» را نداشت. ما نا نسخه نویسنده آشفتگی داشت  
و خود هم نمی توانست آنرا دریابد و از روی آن نوشت.

متن در این ترجمه (گ ۳۱۵ ب س ۱-۴) نسبت بنسخه ش ۲۴۳ گ ۵۷۱ الف  
(پایان فصل ۳ مقاله ۷) افزوده دارد.

ازدارندگان نسخه محمدکریم سیاهانی در همان شهر میباشد.

(۳۹۰ س). کاغذ ترمه سیاهانی. جلد تیماج سرخ ضربی رنگ آمیزی شده

اندازه: ۱۴٫۵×۲۶ و ۸٫۵×۱۷٫۵ س ۳۶

(عربی)

تعبیر الرؤیا

[۱۴۰]

این رساله در نسخه ما بنام تعبیر الرؤیا (گ ۱۱۰ الف) و تفسیر الرؤیا (گ ۱۱۰ ب) یادگردید و از ابن سینا دانسته شده و جز نسخه ای است که در مجلس (ج ۲ ش ۷۵۶) و آستانه طوس (ج ۱ ص ۲۵ ش ۶۰) هست و قنواتی در (ش ۱۵۶) بنام «الرؤیا والتعبیر - المنامیه» شناساند این نسخه ما تنها در خوابگزاری است ۱۰ و ۱۱ باب میباشد.

۱- آنچه در آسمان است.

۲- آب و زمین و آنچه در این دو است.

۳- کشت و درخت

۴- آتش و کانه‌ها.

۵- ساختمان و پوشاک و پاکیزگی.

۶- خوردنی و زن گرفتن و دیدن اندامها.

۷- تخت و بازرگانی.

۸- گریه و خنده و بازی.

۹- رمنده و خزنده و دونده و پرنده.

۱۰- پوشش و آرایش جنک.

۱۱- زدن و کشتن و بیماری و مرگ و گور.

و در آن از خواب و چگونگی آن از رهگذر فلسفه و پیش بینی که در خواب میشود و بایه فلسفی آن که با بحثهای روانشناسی عقلی وابسته است هیچ یاد نشده

با اینکه در نسخه مجلس هست و همین بخش فلسفی که بده فصل میرسد پیارسی ۲۵



ترجمه شده و در تهران بسال ۱۳۱۶ خ بچاپ رسید .  
 آغاز : کتاب تفسیر الرؤیا منسوب لابن سینا و هو علی احد عشر بابا الباب الاول  
 فی العلویات من السما و ما فیها والرعد والبرق . ضوء السماء خیر و رزق .  
 انجام : والخلاص من الحبس خلاص من شدة . والله اعلم بالصواب هذا آخر  
 هذه الرسالة والحمد لله رب العالمین .

## [۱۶۳]

این نسخه شماره ۱۰۰ دفتری است دارای ده رساله و گفتار : (العویص فی الاحکام  
 ۱۰۴۵ شیخ مفید - صد سخن از علی ع - حدیث - پرسشهای عبدالله بن سلام از علی ع -  
 تفسیر عسکری ع - داستان تولد علی ع بخط محمد بن عبدالحسین حسینی  
 نجفی در ۲۳ محرم ۱۰۵۶ در سپاهان ۶۳ ب - رساله رجعت - زیارت رضا ع - گفتارهای  
 ۱۰ گوناگون) و از گ ۱۱۰ ب تا ۱۲۲ ب بخط نسخ با عنوانها و نشانه های شنکرف و در گنارگ  
 ۱۲۲ ب گفتاری است از ابن سینا بتأزی که پارسی آت اینست : « زنان تا ده سال  
 بازیچه اند و از ده تا ۱۵ فراخ و سیاه چشم و از ۱۵ تا ۲۰ پیه و گوشت و شیر و از  
 ۲۰ تا ۳۰ مادر پسران و دختران و از ۳۰ تا ۴۰ پیر فرتوت مردنی و از ۴۰ تا ۵۰  
 باید با کاردشان کشت و از ۵۰ تا ۶۰ نفرین خدا و فرشتگان و همه مردم بر آنها باد  
 ۱۵ همه دفتر ۱۴۲ ) کاغذ سپاهانی - جلد تیماج زرد ضریقی مقوالی  
 اندازه : ۱۶×۱۲ و ۱۲×۱۴ س ۱۸

## [۱۴۱]

تفسیر منطانی (فارسی)

قاضی اسمعیل بن نظام الملک ابرقوهی این دفتر را برای جلال الدین ابوالفوارس  
 ۲۰ شاه شجاع مظفری ( ۷۶۰ - ۷۸۶ ) و وزیر او خواجه قوام الدین محمد بسال ۷۶۳  
 نگاشته و میگوید که آنرا از روی گفتار آگاهان در این شهر و نگارشهای خواجگزاران  
 پرداخته و از آنها اینانرا نام میبرد : \* موبدانی مانند هرمز بسر آذر شیب (؟) و  
 بزرگمهر و انوشیروان و کشمهر و جاماسب - از مشرکان و کاهنان تازی و جادوگران  
 مانند عبدالله بن هلال و مرط بن زید و عباب بن سمر رازی - از آشنایان بهنر فراست  
 ۲۵ مانند سعید بن سنان و ایاس بن معاویه و جندل بن حکیم و معاویه بن کلثوم و نکلته بن  
 نصاب - چند تن از فیلسوفان یونانی \* باز میگوید که از سخنان پیامبران و یاران

و بیروان پیامبر اسلام و فقیهان و پارسایان و دانشمندانی مانند محمد بن سیرین و ابراهیم بن عبدالله کرمانی و عبدالله بن مسلم بن قتیبه و ابواحمد خلف بن احمد و محمد بن حماد الحبار الرازی و یعقوب کندی و ابوزید بلخی و بختیشوع و اهرن و محمد زکریا و حنین اسحق مترجم و ابو محمد زرب (۱۴) طبری (دواسقف) بهره بردم و از تعبیر قادری که حکیم ابوسعید نصر بن یعقوب دینوری در ۳۹۷ برای خزانه ابوالعباس احمد قادر بالله (۳۸۱ - ۴۲۲) نوشته و در آن از طبقات المعبرین حسن بن حسین الحلال یاد کرده است و نیز از التححیر فی علم التفسیر فخر رازی و کامل التعبير شیخ ابوالفضل تفسیری که برای عزالدین قلاج ارسال پادشاه روم (۵۵۱ - ۵۸۴) نوشته و اصول دانیال و جوامع ابن سیرین و تقسیم امام جعفر صادق ع و دستور کرمانی و ارشاد جابر مغربی و تعبیر ابن اشعث و کنز الرؤیاء مامونی گرفته‌ام. کتاب دریک مقدمه و ده نکته و بروش التححیر میباشد و در دیباچه از خواب از رهگذر فلسفه و کلام و نیز از استخاره و زجر و فال و از قانون خوابگزاری کاوش میکند سپس بترتیب حروف تهجی تعبیر هر چیز را میگوید و در پایان از این شاهزادگان (قطب الدین ابوالحارث سلطان اویس، مظفر الدین سلطان شبلی، ابواللیث معز الدین ابوالقاسم جهانگیر، شمس الدین سلطان زین العابدین) میستاید.

۱۵ آغاز: بسملة الحمد لله الذی خص خواص الانام بمبشرات الاحلام... چنین گوید... اسمعیل بن نظام الملك ابرقوهی... موجب تحریر تعبیر که مسمی است بتعبیر سلطانی.

انجام: و ثمره شاخ نبوت و سلطنت شمس الدین و الدین سلطان زین العابدین اسلح الله احوالهم... برحمتک یا ارحم الراحمین (آمرزیده باد که چون این کتاب بنظر مبارکش... مزین شود... مصنف و کاتب را یدعای خیر یاد فرماید اللهم اغفر لمصنفا وصاحبه و کاتبه و اعف عنهما و ارحمهما).

[۱۶۴]

این نسخه بنسخ و عنوانها و آیه‌ها بشنگرف و برک ۱ آن از پائین باندازه شش سطر بریده شده و کاغذ چسبانده و دوباره نوشتند و در پایات دارد: ۲۵ «تمام شد کتاب تعبیر... فی وقت صلوٰة العصر فی يوم الرابع عشرین مبارک ۸۳۴»

جمادی الثانی سنه اثین و تسعمائة کتبه . . . علی بن محمد بن حاجی مقیم ولدان «  
ونسخه را در تاریخ ج ۱ سال نهصد و گویا هشت (گ ۴۱۹ الف که بریدگی دارد)  
عطاءالله بن علی پسر خود محمد بخشید از گ ۴۲۰ ب تا ۴۲۲ ب رساله خواص قرآن  
است از گفتار امام جعفر صادق ع .

( ۴۲۲ م ) . کاغذ سمرقندی . جلد تیماج زرد کهنه ضربی مقوایی  
اندازه : ۲۱×۱۴ و ۱۶×۸ س ۱۷

## [۱۴۲] تعریف اراده و قدرت و حیات و حکمت (عربی)

این گفتار از شیخ رئیس دانسته شده و این چهار چیز در آن شناخته میگردد .  
آغاز : الارادة عبارة عن كون الفاعل عالما بفعله .  
انجام : مع القصد الى ایصاله اليه .

[۱۶۵]

این نسخه شماره ۲۴ دفتر و در ۱۷۰ ب و نه سطر بخط تعلیق محمد علی و نزدیک  
بسال ۱۲۹۹ نوشته شد .

۸۷۱

## [۱۴۳] تعلیق فی تسمیة الصورة الى المادة (عربی)

در این گفتار روشن میگردد که میان ماده و صورت چه پیوندی هست .  
آغاز : تعلیق تسمیة الصورة الى المادة . . .  
انجام : يتصف النفس بجاعليتها مقصورة .

[۱۶۶]

این نسخه شماره ۷ دفتر و گ ۹۲ ب - ۹۳ الف بتعلیق شکسته

۳۷۴

## [۱۴۴] ۲۰ تعلیقات (عربی)

فارابی بیشتر سخنان خویش را در برگها می نوشت و کمتر آنها را در دفترها  
می نگاشت از این روی بیشتر نگارشهای او بساخت مقاله و فصول و تعلیقات میباشد  
ابن ابی اصیبعه ( ج ۲ ص ۱۳۹ ) در شمار نگارشهای فارابی از « تعلیق فی الحکمة »  
یاد میکند و در نام چندین کتاب فارابی که فهرست داده اند کلمه تعلیق دیده میشود  
و پیداست که وی آنها را یادداشت مانند می نگاشت و بسیاری از نگارشهای فارابی

۲۵



بساخت يك كتاب كاملی نیست ومانشاگردانش آنها را يكجا گرد کرده نامی بدانها دادند این تعلیقات نیز چنین است و مانند فصوص مسئله های گوناگونی را دارا است (ص ۸۹ این فهرست).

## [۱۶۷]

- این نسخه شماره ۳ دفتر و بخط نستعلیق کرکی از گ ۴۵ ب تا ۵۴ الف ۵  
 ۲۵۳ میباشد و محمد قاسم گویا اردستانی و شاگرد مجلسی و دارای نگارشهای  
 فلسفی در هامش گ ۵۰ ب حاشیه دارد.

## [۱۶۸]

- این نسخه شماره ۳۱ دفتر و بخط شکسته روشن گ ۱۲۶ ب - ۱۳۳ ب  
 ۳۳۹ و پایان آن برابر است با س ۶ ص ۲۱ چاپ ۱۳۴۶ دکن و کم دارد و سه  
 ۱۰ برک آن سفید گذارده شده.

(عربی)

## تعلیقات

[۱۴۵]

- در فهرست نگارشهای شیخ رئیس از «تعالیق فی المنطق» و «تعالیق علق  
 عنه تلمیذه ابو منصور بن زیله» و «تعلیقات ابو الفرج بن ابی سعید یمامی از گفتگوی  
 ۱۵ شیخ با او در مجلس درس و پاسخ شیخ بدو یک رساله الی ابی الفرج الیمامی» و  
 «تعلیقات استفادها ابو الفرج الطیب الهمدانی من مجلسه و جوابات ابن سینا له»  
 و «مناظرات له فی النفس مع ابی عالی النیسابوری» و «مباحثات» که پاسخ پرسشهای  
 بهمنیار و کرمانی است و «مسائل ترجمها بالتذاکیر» و «مسائل جرت بینة و بین  
 بعض الفضلاء فی فنون العلوم» و «اجوبة لسؤالات سأله عنها ابو الحسن (محمد بن  
 ۲۰ یوسف) العامری و هی أربع عشر مسئله» یاد گردید (۱).

و چنین برمی آید که شیخ در بسیاری از مسائل مانند فارابی یادداشت هائی  
 (تذاکیر) می نوشت یا اینکه باشاگردان خود و دانشمندان روزگار مانند نیشابوری  
 و عامری (شاگرد ابو زید بلخی) و یمامی و همدانی گفتگو می نمود و پاسخ هائی که

۱ - نگاه به: ابن ابی اصیبه ج ۲ ص ۱۹ - ۲۰ - بیقی ص ۱۸۹ - نامه دانشوران  
 ج ۱ ص ۸۸ فهرست طوس ج ۴ ش ۴۱۵ و ۴۱۶ ص ۵۱ - فهرست پایان سرگذشت (السیرة)  
 ۲۵ شیخ ش صبح

میداد آنها می نوشتند و بنام « تعالیق و تعلیقات » یا « مناظرات » و یا « مباحثات » نامیده میشد. و این تعلیقات نیز از همین ها است و آنرا بهمنیار مرزبان ازنگارش فارابی و گفتار شیخ فراهم آورده و روایت کرد و لوکری بسال ۵۰۳ برای آن فهرست نوشت (نسخه ۳۲۰۴ احمد ۳ و نسخه مورخ ۵۲۱ شماره ۳۹۰ ایاصوفیا - قنواتی ش ۸).

شیخ در این کتاب بیشتر از خدا و علت و معلول و شناخت و علم کاوش نمود و در هر بندی که گاهی بسیار کوتاه و گاهی هم دراز است يك مسئله را گنجانده و بسیار شیوا و شیرین نوشته شده است تعلیقات و مباحثات از بهترین کتابهایی است که در آن از مبحث علم کاوش شد.

آغاز: تعلیق ان العالم انما یصیر مضافا الى الشیء المعلوم بهیئة تحصل فی ذاته و لیس الحال فی العالمیة کالحال فی التیاهن و التیاسر .  
انجام: و ذلك المبدء هو التصور البسيط العقلي و هذا هو الملكة المستفادة من و اهب الصور و یخرج به عقولنا من القوة الى الفعل .

[۱۶۹]

این نسخه بخط تعلیق زیبا و دارای سرلوح و در جدول زرین و درست برابر است با نسخه ش ۶۲۱ کتابخانه مدرسه خان مروی تهران و ش ۴۱۶ طوس و نسخه ش ۳۲۰۴ احمد (ش ۸ قنواتی) و فهرست لوکری را ندارد و در مروی نسخه دیگری هست بشماره ۸۷۵ که آغاز آن (موضوع المنطق هو المعقولات الثانية المستندة الى المعقولات الاولى من حیث یتوصل بها من معلوم الى مجهول) میباشد و برابر است با ش ۴۱۵ طوس (ج ۴ ص ۵۰-۱) و این بند در پایان نسخه ش ۶۲۱ مروی و درگ ۱۶۰ الف نسخه ما دیده میشود.

(۱۸۷۳) . کاعذ سمرقندی . جلد تیماج سرخ زرکوب

اندازه: ۱۱×۲۰ و ۱۴×۱۶ س ۱۶

[۱۴۶]

(عربی)

تعلیقات

این گفتار نیز بساخت تعلیقات و مباحثات است و از شیخ دانسته شده.  
آغاز: بسملة للشیخ الرئيس فی الالهی - الحمد لله رب العالمین . وجود کل موجود

فهو الاول (گویا الاول) لانه فايض عنه. ووجوده هوله. فوجوده مبين لساير الموجودات  
انجام : الاول لا يدرك كنهه وحقيقته العقول البشرية وله حقيقة لا اسم لها عندنا...  
والوحدة مساوية للحقيقة المطلقة. ومن الله التوفيق ولو اهب العقل بلانهاية (؟)  
این نسخه شماره ۷ دفتر است و بخط شکسته تعلیق گ ۵۲ ب - ۷۰ الف  
۸۷۶ و در شب شنبه ع ۱ سال ۱۳۰۶ نوشته شد.

[۱۷۰]

(فارسی)

تعلیقات

[۱۴۷]

قوام الدین رازی در این جا چند مسئله از امور عام را بعنوان تعلیق یاد میکند  
و از آن کاوش می نماید و گاهی بکوتاهی میپردازد.  
آغاز : در تفسیر قول حکیم الممكن فی حد ذاته لیس ولد عن علته ایس یعنی ۱۰  
ممکن را بجهتی که ممکن است چیز نیست و وجود ندارد.  
انجام : دانسته شد کیفیت عام عقل بموجودات و احساس عقل موجودات را  
بعون الله... اتبع الهدی.

[۱۷۱]

این نسخه شماره ۶ دفتر است و بخط نسخ با عنوانهای شنکرف (گ ۶۴) ۱۵  
۳۷۴ ب - ۹۲ الف ۹×۱۴ س ۱۶) و در پایان دارد : « هذه تعلیقات لاستادنا  
ومولانا ومقتدانا قوام الملة والدين طاب الله ثراه وجعل الجنة مثواه » و پیدا است  
که نسخه بخط شاگرد او است (ص ۲۷ این فهرست).

[۱۷۲]

این نسخه شماره ۳ دفتر است و بخط تعلیق درویش بن علی بن حاجی میرزا ۲۰  
۱۰۳۰ که برای حاج شریف بسال ۱۰۹۲ نوشته و در آستان شاهزادگان گرامی  
« باوره » مقابله این نسخه آغاز و در روستای « فردو » با ملا محمد علی  
در بالاخانه محمد ظهیر در ۲۰ شعبان ۱۰۹۳ پایان رسید و سزاوار دانسته شد که این  
گفتار (قوام الحکمه) نامیده شود - گ ۳۹ ب - ۶۳ - نسخه ای از این تعلیقات  
در آستانه طوس (ج ۴ ش ۴۱ ص ۵۱) هست و از ملا رجعی تبریزی متخلص بواحد ۲۵  
در شعر و همد عباس دوم صفوی (۱۰۵۲-۱۰۷۷) و مرده در ۱۰۶۵ یا ۱۰۸۰ دانسته شد



قاضی سعید قمی (۱۰۴۹ - ۱۱۰۳) براثولوجیا (ثولوجیا) گزیده انشاد بلوتینوس شرحی نوشته و گزارش او که بروش عرفان شیعی است تا پایان میمر چهارم میرسد. قمی در آغاز آن ارسطورا پیامبر دانست<sup>(۱)</sup> و گفت که این کتاب را از راه رسمی نتوان دریافت چه رمزهای آن از منبع نبوت و ولایت گرفته شده و باید ریاضت کشید و بخاندان پیامبر نزدیک شد تا آنرا دریافت میگوید اصول آن از پیامبران و اصحاب رصد روحانی گرفته شده است و میگویند که سید داماد میگفت من اثولوجیا را هفتاد بار خواندم تا دریافتم. باز میگوید که افلاطون میگفت:

هزارهامسئله برایم روشن شد که برهانی بر آن نیست و از روی کشف است. قمی پس از دیباچه پاره هائی از اثولوجیا را میآورد و از آن گفتگو میکند و گاهی نظم و نثر پارسی میآورد درگ ۱۷۲ ب س ۹ هاشم از صدرای شیرازی بنام «الاستاد صدر المتالین» یاد نمود.

آغاز: هوامتقطات - نحمدك يا مغيث النفوس و نشكرك يا مبدع العقول و خالق المحسوس... فيقول محمد المدعو بسعيد هذه تعلیقات علی رسالة معلم الحكمة ارسطاطاليس.

۱ - علی بن طائوس (۵۸۹ - ۶۶۴) در فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم (چاپ نجف ۱۳۶۸ ص ۱۵۱) از ریحان المجالس و تحفة الموائس احمد رخچی که در روزگار سید مرتضی میزیست از ابوالحسن الهیثم میآورد که هوشمندان مانند هرمس مثلث بحکمت (ستاره شناس و پزشک و کیمیاگر) یا ادریس و ابرخس و بطلمیوس و بیشتر فیلسوفان دیگر پیامبر بوده اند و مردم روی اینکه دانشمندی دیگر نیز بهمین نامهای یونانی خوانده میشوند و از پیکان نبوده اند درباره اینها با شکیاف رفته اند شیخ بهائی در حدیقه هلالیه و لاهیجی در محبوب القلوب ص ۱۴ همین را از ابن طائوس آورده اند در صناعیه میرفندرسکی (چاپ هند همراه اخلاق ناصری بسال ۱۲۶۷ ص ۱۰ و تهران بسال ۱۳۱۷ خ ص ۱۸) خبری که ساخته اند دیده میشود و سهر درج ۱ ناسخ التواریخ در سرگذشت ارسطو همین خبر را آورد ولی آلوسی در بلوغ الارب ج ۲ ص ۲۷۸ نوشته است که این خبر درباره خالد بن سنان آمده است بعبارت (ذاك بنی اضاءه قومه) این خبر در کتاب قمی چنین است: قال النبی فی شان ارسطو انه كان نبیاً قد جهله قومه لواءه کئی لاستفاد منی درص ۱۴ و ۱۰۷ محبوب القلوب نیز همین سخنان دیده میشود. در برابر مجلسی درج ۵ بحار ص ۱۶۹ (ایران ۱۳۰۳) از گفته امام رازی ارسطورا از بد کیشان میشمارد.

انجام : المراد ان الكل فى الكل والنفس المحيط بالمعقولات مرکز محیط  
ایس فیها اختلاف فعل ومراتب ذوقوی . الی هناتم المیمر الرابع . . . (خوانده نشد)  
(الی هنا . . . المصنف ره) پیدا است که قمی بیش از این ننوشته است .

[۱۷۳]

- این نسخه بخط شکسته ریز و بی نقطه و مورب و در هاشم دفتر و در شوال  
۱۰۳۰ ۱۱۷۷ در کربلا نوشته شده گ ۱۵۹ ب - ۲۷۴ ب

(عربی) فقیر حنی بن یقظان [۱۴۹]

- دانشمند ابو منصور حسین بن طاهر بن زیلای سپاهانی مجوسی از شناختگان  
شاگردان شیخ رئیس و همدام که در جوانی بسال ۴۴۰ در گذشت و در ریاضی و موسیقی  
توانا بوده گزارشی بر « حنی بن یقظان » استاد نوشت (بیهقی ص ۳۰ - ۹۲) ۱۰  
ورمزهای آنرا بگشود . وی سخنان او را بنده بند در گزارش خویش میآورد و روشن  
میسازد .

آغاز : مختصر فی تفسیر معانی رساله « حنی بن یقظان » من تعلیق ابن زیله  
صاحب شرح الشفا . قوله : « انه قد یسرت لی حنی مقامی ببلا دی برزه برفقائی -  
بلا ده بدنه و اعضائه الی هی محال قواه . . . و رفقائه قواه الی فی البدن » . ۱۵

انجام : فی الوجود الممكن من العجز و نقصان القوة الی یستطاع ذلك التعلیل .  
تمت الرموز و ابضا حها والله المنة هذا آخر ما علق علیه من تفسیر الشیخ ابی منصور بن  
زیله رساله حنی بن یقظان للشیخ رئیس ابی علی سینا .

[۱۷۴]

- این نسخه شماره ۱۷ دفتر و بخط تعلیق گ ۲۲۷ الف - ۲۳۲ الف . در پایان ۲۰  
۱۰۷۴ دارد « فی شهر شوال ختم بالخیر والاقبال »

(عربی) تقویم الایمان [۱۵۰]

- نگارش میرداماد و در چند رصد که در آن از هستی و آفرینندگی و پاکی خدا  
و ازدانائی گفتگو نموده در برهان تطبیق شك میکند (ش ۲۷۹/۲ گ ۸۶ ب) و از  
ماطاطافوسقا و اتولوجیا (الف ۱۱۸) و ایضا ضات و تشریقات یا صحیفه ملکوتیه (۱۳۳) ۲۵  
(ب) و صحف حکمیه خود (۱۲۲ ب) و تقدیسات (۱۳۷ ب) یاد میکند .

آغاز : بسمه والاستیفاء من العزیز العلیم والثقة بالعلی العظیم تقدست یامن  
الانوار ظلالک وتمجدت یامن الذوات افعالک ... محمد باقر الداماد . . . يقول معاشر  
رواد الحق انی قد اقيمت الیکم کتاباً من کتب الدین .

[۱۷۵]

این نسخه از برك ۶۵ ب تا برك ۱۴۰ الف و شماره دوم این دفتر است و شماره  
نخستین آن الصراط المستقیم میباشد و بخط نسخ و چند صفحه بتعلیق و شکسته  
و بی نقطه و حاشیه دارد که به (منه دام ظلّه العالی) پایان میابد و در انجام نسخه  
مهر (محمد باقر داماد) دیده میشود پس این شماره در روزگار او نوشته شده و از آن  
او بوده است و کتاب در این نسخه پایان نمیرسد انجام آن چنین است :

« انما قال فی کتبه الشفا والنجاه والمباحثات والتعلیقات و غیرها ... البسیط الذی  
عرفته فی کتاب النفس . . . علی المعنی الذی مضی فی کتاب النفس فهو لذلك یعقل الاشیاء  
دفعه واحده من غیر ان ینا کر » جای عنوانها در انجام آن سفید گذارده شده و پیدانست  
که تا رصد چندم را دارد .

(۱۴۰ برك) کاغذ سپاهانی - جلد مقوای ته میش

اندازه : ۲۰ × ۳۰ و ۱۹ × ۲۸ تا ۲۰

[۱۷۶]

این نسخه از برك ۱ ب تا برك ۳ الف این دفتر و شماره یکم آن است و شماره  
دوم آن معلقات بر تقویم الایمان میباشد انجام آن چنین است : « المرصد الاول  
وفیه تقویم ان فی الوجود من هو القیوم . . . ومبدأ سلسلة الوجود » برابر با گ  
۱۴۰ الف س ۱۲ شماره ۲۷۹ و این نسخه دو صفحه بیش نیست و خطبه و مقدمه و دو سطر  
از مرصد یکم را دارد و در برك ۲ حاشیه ای از خود داماد نوشته شده که به (منه قدس  
سره) پایان میابد .

نسخه بخط نسخ با عنوانهای شنکرف است

(۱۰۵ برك) - کاغذ سپاهانی - جلد تیماج سبز ساده مقوای تازه

اندازه : ۲۵ × ۱۶ و ۱۵ × ۹ س ۱۷

[۱۵۱]

(فارسی)

تفسیر فتاویه ایلخانی

این دفتر را خواجه طوسی برای هولاکو (۶۵۴-۶۶۳) در شناختن سنکهای بهادر  
و کانه و فلزها نگاشته و ۴ بخش است (جسمهای ساده - گوهرها و سنکها و پیدایش



آنها - پیدایش و سود و زیان هفت فلز - بوهای خوش و مانند آنها) .  
 آغاز : الحمد لله فاطر الصنایع و مبدع البدایع . . . چنین گوید . . . محمد بن  
 محمد بن الحسن الطوسی .  
 انجام : و همه با وی بیامیزند و بآن اعتبار آنرا مثلث گویند . . . والله اعلم  
 بالصواب و الیه المرجع و المآب و الحمد لله رب العالمین .

[۱۷۷]

این نسخه بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف و بتاریخ ۲۳ رمضات ۱۰۶۷  
 ۸۱۵ میباشد و کم دارد و از مقاله یکم چنین آغاز میشود : « که خیر عالم کون و  
 فسادند و آن خاک است و آب و هوا و آتش . . . در منفعت طبیعت چهار عنصر  
 بحکم فائده علت غایت انسانی که صورت ایشان قابل تبدل باشد » این دفتر در ذریعه  
 (ج ۴ ش ۳۰۴۶ ص ۴۵۸) شناسانده شده و نسخه‌ای از آن در مجلس (ج ۲ ش ۷۰۶  
 ص ۴۴۷) هست . مهر محمد هاشم در پایان نسخه ما دیده میشود و دوبرک اول آن  
 وصالی شده است .

سماج زر  
 ( ۶۷۹ ) - کاغذ سپاهانی . جلد تازه شده  
 اداره : ۱۴ × ۲۴ و ۱۹ × ۷ س ۱۴

۱۵

[۱۵۲] التلویحات فی شرح التلویحات (عربی)

تلویحات از شیخ شهید اشراقی (۵۴۹-۵۸۷) رهبر اشراقیان است که نوشته‌های  
 بسیاری از خود با اینکه بیش از ۳۸ سال در این جهان نزیسته بیادگار گذارد و از  
 آنهاست همین تلویحات که بخش الهی آن در استانبول بسال ۱۹۴۵ با الهیات مقامات  
 و مشاعر و مطارحات همو بچاپ رسید . کتابی است بسیار دقیق و شیوا و شامل منطق  
 و طبیعی و الهی میباشد و پیش از مشاعر و مطارحات و مقامات نوشته شده و چنانکه  
 خود شیخ در دیباچه مشاعر و مطارحات (ص ۱۹۴ چاپی) میگوید باید پیش از آن  
 خوانده شود و آن یکی هم پیش از حکمت الاشراق که در پایان روز سه شنبه ۲۹  
 ج ۲ سال ۵۸۲ نوشته شده است . مشاعر و مطارحات هم در نزدیک بسی سالگی  
 او (نزدیک ۵۷۹) بنگارش در آمد .

۲۵

تلویحات دو گزارش دارد یکی از شمس الدین محمد بن محمود شهرزوری

نگارنده نزهه الارواح و رسائل الشجرة الالهيه والاسرار الربانيه در روز شنبه ۲۳ ذی حجه ۶۸۰ که تا تاریخ ۶۸۷ نیز زنده بود. شرح شهر زوری در نسخه تاریخ ۱۱۱۸ نورعثمانیه «التنقيحات فی شرح التلویحات» نام دارد و همه متن در آن نمیآید. دیگر از عزالدوله سعدین منصور بن کمونه اسرائیلی (زنده در ۶۶۷ - ۷۰۶) که در آغاز سال ۶۶۷ آنرا بدرخواست گروهی پیرداخت و دردبایچه میگوید که من ندیده‌ام کسی تلویحات را شرح کرده باشد (۱).

این کمونه در شرح خود نامی بدان نداده ولی نویسنده الذریعه بدان نام التنقيحات داده است.

شرح او نه چنانکه در کشف الظنون نوشته شده آمیخته با متن نیست و همه متن را بنویسند می‌آورد و آنگاه شرح میدهد و باستانزدگی آن را نوشت و نتوانست دوباره بدان برگردد و پاکیزه‌اش سازد و تنها کاری که کرد این است که سخنان سهروردی را روشن ساخت و با بهره بردن از نوشته‌های او از روش وی دور نگشت.

آغاز منطق: بسم الله وبه نستعين بعد حمد الله تعالى على الآله المتواتره والرغبة اليه ان يوفق للمداية. ۱۵

انجام آن: فهذا ما حضرني من شرح المنطق... فأسألك اللهم ان تهديني السبيل.... هذا آخر شرح المنطق من الكلام على التلويحات والحمد لله رب العالمين آغاز طبیعی: بسم الله... قال نستعين بالله واهب العقل عز سلطانه... اقول انما

۱- در ذریعه (ج ۴ ص ۴۶۷) از نسخه‌ای از شرح طبیعی همین کتاب بخط ابن کمونه که در گنجینه غروی نجف هست یاد میشود. در تذکرة الانوار ص ۱۴۴ میگوید که نسخه آصفیه در ۷۳۶ مقابل گردید و نسخه دیگری بشماره ۸۸۰ در کوپرولی هست و نوشته است که ابن کمونه در ۶۹۰ در گذشت ولی عبارتی که از دبایچه آن می‌آورد در نسخه ما نیست و نسخه سرای احمد مورخ روز یکشنبه ۱۶ ج ۲ سال ۶۸۷ بیست سال پس از نگارش ابن کمونه و یکسده پس از مرگ سهروردی میباشد و از آن قطب شیرازی بود و او آنرا در ۶۹۲ بیک شاهزاده‌ای بخشید در طوس نسخه کاملی از این شرح بتاریخ ۷۰۵ است و دردبایچه از وی بمثل زنده یاد میشود و چندین نسخه ناقص دیگر (ج ۴ ص ۷۷۴ تا ۷۷۷) نیز نگاه به: حکمه الاشراف چاپ تهران ص ۵۶۱ - تلویحات چاپ کریم ص ۱۲۱ و ۵۰۵ و دبایچه فرانسوی. او ص ۶۴ و ۶۵ و ۶۸ - ۷۱.

قدم الکلام فی هذا العلم علی الکلام فی الالهی .

انجام آن : و هذا ما آخر سمح به الخاطر من شرح العلم الطبعی من کتاب التلویحات . . . تم الجزء الثاني ولواهب العقل الحمد والمنة .

آغاز الهی : بسملة قال المنصف رحمه الله تباركت ربنا خالق النور ومبدء الوجود اقول انما قدم علی هذا العلم ذكر تقاسيم العلوم .

انجام آن : وهذا آخر شرح التلویحات . . . وقع الفراغ . . . فی اوائل سبع و ستين وستمائة هجرية .

[۱۷۸]

- این نسخه دارای بخش منطق و طبعی شرح ابن کمونه است و یک صفحه از الهی آنرا هم دارد و بخط نسخ بسیار پاکیزه نوشته شده و بی نقطه است و در پشت ۲۷۳  
برك ۱ نوشته است : ملكه الراجی ... محمد بن محمد بن بركات فی سنة ۹۶۱ هـ  
( ۲۱۴ برک ) منطق از برک ۱ ب تا برک ۱۱۴ الف و طبعی از برک ۱۱۵ ب تا برک ۲۱۴ الف الهی در ۲۱۴ ب . کاغذ قرعه سمرقندی خط تیماج زرد ساده مقوای اندازه : ۱۶×۲۴ و ۱۲×۲۰ س ۲۴

۱۵ (عربی) فی حیدر [۱۵۳]

دانشمند محمد سراب تنکابنی (زنده در ۱۰۸۸-۱۱۱۵) در این دفتر از صدرای شیرازی در حاشیه بر الهیات شفا و از شمسای گیلانی در ردی که بر شبهه ابن کمونه کرده اند خرده میگیرد و از گوهر مراد لاهیجی نیز آورده رد میکند وی آنرا در ذی حجة ۱۱۰۳ پایان رساند .

- ۲۰ آغاز : بسملة الحمد لله رب العالمین .. اما بعد فقد قال الفاضل المحقق مولانا صدرالدین محمد شیرازی فی حاشيته علی الهیات الشفا و العالم الربانی مولانا شمس الدین محمد اجمیلانی فی بعض رسائله .  
انجام : فی دفع شبهة مشهورة و تقوية دلائل فی الکتب مذکورة قد فرغ من تحريره فی اواخر شهر ذی الحجة الحرام من شهر سنة ۱۱۰۳ ثلث و مائة و الف مؤلفه . . . محمد بن عبد الفتاح التنکابنی غفر الله ذنوبهما و ستر عیوبهما .

[۱۷۹]

- این نسخه شماره ۴ دفتری است دارای ۹ رساله و بخط تعلیق محمد بن حبيب تاریخ پنجشنبه نزدیک بیابان محرم ۱۱۰۴ می باشد گ ۹۰ ب ۹۳ الف و شماره ۳ رساله فصول از آن همین تنکابنی است بتاریخ شعبان ۱۰۹۸ بخط تعلیق محمد



جعفر از دوستان او در آدینه ۲۲ رمضان ۱۱۰۱ و شماره ۷ رساله رؤیت هلال رمضان پیش از زوال که موجب انظار است یا نه از همو بتاریخ ۲۶ محرم ۱۱۰۶ وی در ۷ رمضان ۱۱۰۹ بران بندهائی، افزود و محمد بن حبیب گیلانی نوشتن نسخه را در بامداد آدینه صفر ۱۱۰۶ در چهار باغ قهوه‌ئی برابر شبکه آغاز و در مدرسه مرحوم ملا عبدالله شامگاه همان روز پایان رساند و در دوشنبه ۱۳ صفر در زمان (دهی در سپاهان) آنرا مقابل نمود و در ۹ صفر ۱۱۰۹ افزوده‌ها را بدان پیوست. شماره ۸ و ۹ حجیت اجماع و اخبار بتاریخ رمضان ۱۱۱۵ از همو و رساله نماز آدینه او است که بهمان خط و ناقص است (ص ۵۶ همین فهرست).

(عربی)

توحید

[۱۵۴]

۱۰. این گفتار از امام جعفر صادق ع (۸۳-۱۴۸) دانسته شده که در چهار نیمه روز برای ابی عبدالله یا ابی محمد مفضل بن عمر جعفری کوفی (۱) فرموده و او نوشت برخی

- ۱- شیخ طوسی در فهرست (نجف ۱۳۵۶ ص ۱۶۹) از «وصیت» و «کتاب» او یاد کرد و در رجال (ش ۹۷۹ گ ۵۶) او را از یاران صادق ع برشمرد و در غیبه او را ثقة دانست و مفید در ارشاد (ایران ۱۳۱۷ ص ۲۶۴) نیز ترجمه آن از محمد مسیح کاشانی بزم تحفه سلیمانیه ایران (۱۳۰۳ ص ۴۳۵-۶) از شناختگان و نزدیکان صادق ع و از فقیهان نیک که نص بر امامت کاظم ع را روایت کرده‌اند بشمار آورد ولی علامه در رجال (تهران ۱۳۱۱ ص ۱۲۶) او را در بخش ضعیفان یاد کرده و گفت «فاسد المذهب مضطرب الروایة لایعابیه متهاافت مرتفع القول خطابی و قد زید علیه شیء کثیر و حمل الفلاة فی حدیثه حملا عظیما و لایجوز ان یکتب حدیثه» و کتابی از او یاد نکرد. ابن شهر آشوب در معالم العلماء (تهران ۱۳۵۳ ص ۱۱۰) از «وصیت» و «کتاب» و «اهلیلجه» که صادق ع در توحید برای او فرمود یاد نمود. علی بن طائوس در کشف المحجبة لثمره المہجہ (نجف ۱۳۷۰ ص ۹) از کتاب او در نشانه‌های آفرینش که امام بدو گفته و از اهللجه یاد کرد و در امان الاخطار (ش ۱۰۱۸ گ ۵۶ الف) گفت که اهللجه (گفتگوی صادق ع با دانشمندی هندی) و توحید مفضل و مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه را باید در سقرها همراه داشت. نجاشی و کشی و ابن القضائری مفضل را غالی و خطابی و ضعیف و فاسد المذهب و مضطرب الروایة دانستند و نجاشی کتابهای او را فهرست داد و گفت بدانها نتوان گرائید و از چند کتابی که نام میبرد: (کتاب الفکر - بدء الخلق والاحت علی الاعتبار - وصیت) شاید یکی از اینها همین توحید باشد ابن القضائری میگوید که غالیان حدیثهای او را روایت میکردند. مجلسی در ج ۲ بحار ص ۱۷ تا ۶۲ توحید و اهللجه که امام صادق ع بدرخواست مفضل در رد ملحدان زمان نگاشته است آورد و بندها را گزارش کرد و گفت که ایندو اگرچه مرسل هستند ولی شهرت آندورا از مفضل میداند و ابن طائوس و دیگران بدان گواهند. وضعف محمد بن سنان و مفضل را هم نمی‌پذیریم آنهم متن ایندو بر درستی آنها گواهی میدهد گذشته از اینها در ایندو گفتار برهانهائی است که با ورداشتن آنها بدرستی خبر یستگی ندارد (بحار ج ۲ ص ۱۸) نیز نگاه به: ذریه ج ۲ ص ۴۸۴ ج ۳ ص ۳۱۰ ج ۴ ص ۹۱-۴۸۲ - رجال مامقانی ج ۳ ش ۱۲۰۸۴ ص ۴۲-۲۳۸.

- آنرا «کنز الحقایق و المعارف» نامیدند و در پایان بخش یکم «کتاب الادلة علی الخلق و التدبیر و الرد علی القائلین بالاهمال و منکری العمد» خوانده شده (ص ۳۴) داستان آن چنین است: مفضل بگفته محمد بن سنان شامگاهی در آرامگاه پیامبر میان قبر و منبر نشسته بود و در باره بزرگواریهای او میاندیشید ابن ابی العوجاء (۱) با یاران خویش در رسید اینان نیز در باره برتری و پیشرفت پیامبر گفتگو میکردند یارش گفت اوفیل سوفی بود که خود را از گرانمایگان خواند و خردمندان و سخنوران از او پذیرفتند و دین او در همه جا روا گردید ابن ابی العوجاء گفت من در ریشه دین و خدای جهان سخن دارم تا چه رسد پیامبر مفضل این را که بشنید با او پر خاش کرده بیدینش خواند وی گفت اگر متکامی با تو سخن خواهیم گفت و اگر از شاگردان صادقی ع او مردی است بر دبار است و دشنام نمیگوید و بنرمی سخن میراند تا بر ما چیره گردد.
- ۱۰ مفضل اندیشناک از مسجد بنزد امام رفت و سرگذشت بگفت امام این گفتار را برای او گفته و او بنوشت. در آغاز جهان را شناساند و در بخش یکم آن که کالبد شناسی است از متکلمان و فیلسوفان ناتوان یاد شده و از سخنان آنها خرده گیری گشت در دومی و سومی از جانوران و گیاهان و کائنات جو و ستارگان سخن بمیان آمد و از معطلان یاد گردید در چهارمی از یخت و اتفاق و از خرد و گفتار فیلسوفان و مهندسان ۱۵ در باره آفتاب سخن رانده شده و از اصحاب طبایع و معطلان و مانویان یاد

- ۱ - عبدالکریم بن ابی العوجاء رییب حماد بن سلمه و دائمی معن بن زائده بود و از شاگردان حسن بصری (۲۲ - ۱۱۰) که از او برگشت. از زندیقان و مانویان بشمار میآمد و بتناسخ میگرا مید گویند که رفض را دوست میداشت و مردم ساده را با اصل تعدیل و تجویر بدو گناه پرستی میخواند و از فروش مانی میستود او را قدری نیز پنداشتند با این مقنع و ابن طالوت و ابن الاعمی و زندیقان دیگر یار بود و با صادق گفتگوها نمود سخنانی از خود ساخته و بیامبر بست و چهار هزار حدیث ساخت و شیعیان را از دیدن ماه باز گرداند و حسابی برای هلال رمضان درست کرد و بصادق ع بست. ابو جعفر محمد بن سلیمان هاشمی م ۱۷۳ پسر عم و فرمانداری منصور (۱۳۶ - ۱۵۸) در بصره همینکه داستان این حساب را بشنید دستور داد که در کوفه او را بسال ۱۶۰ کشته و بدار آویختند - نگاه به: امالی مرتضی ۲۵ مصر ۱۳۲۵ ج ۱ ص ۹۵ - الهند بیرونی ص ۱۳۱ - الفرق بغدادی مصر ۱۳۶۷ ص ۱۶۳ - التبصیر اسفرائیتی ص ۸۱ - من تاریخ الالحاد فی الاسلام ص ۳۶ - ۳۷ - ۳۹ - ۶۸ - ۶۹ - الکنی و الالقاب و هدیة الاحباب قمی در همین کلمه -

گردید و گفته شد که یونانیان جهان را «قوسموس - آرایش» مینامند و از چهار گونه شناخت (۱) (ص ۹۲) و از خرده گیری که ارسطو از بخت و اتفاق کرده است (۲) (ص ۹۳) یاد شد.

امام در پایان بخش چهارم نوید میدهد که سخنانی درباره آسمان و زمین و شگفتیهای آفرینش و فرشتگان برای او بگویند این راهم که مانند خود توحید در دسترس نبوده اخیراً میرزا ابوالقاسم ذهبی شیرازی بسته همه را در تباشیر الحکمه فارسی خود (ایران ۱۳۱۹) آورده و گفت گرچه همه اینها با سندهای معتبر بمن نرسید ولی می نماید که از امام باشد (ذریعه).

[۱۸۰]

این نسخه شماره ۴۴ دفتر است و بخط تعلیق خوش و مورب گ ۲۱۶ الف - ۱۰۴۶ ۲۴۲ ب. توحید در ایران و بغداد بچاپ رسید و مجلسی دوم آنرا پیاری کرد (چاپ ایران ۱۲۸۷) و محمد صالح بن محمد باقر قزوینی روغنی در ۱۰۸۰ و شیخ فخرالدین ترکستانی و رارودی قم نشین که شیعه گشت در ۱۰۶۵ آنرا ترجمه کردند و همین ترکستانی باز آنرا برای حاج نظرعلی پیاری شرح کرد و باقر بن اسماعیل واعظ کجوری تهرانی (م طوس ۱۳۱۳) آنرا شرح نمود و اسماعیل بن حسین تبریزی بنظم در آورده نیز در  $\frac{۱۳۶۹}{۱۹۴۹}$  در نجف با اهللیجه بچاپ رسید.

[۱۵۵]

تئولوگیا (عربی)

تئولوگیا (تئولوگیا) گزیده ایست از انشاد (تاسوعات) شیخ یونانی پلوتینوس فیلسوف عارف نوپلاتونی (۲۰۵-۲۷۰ م) که فرفورپوس صوری (۲۳۳-۳۲۲ م) آنرا فراهم آورد این گزیده با دیباچه ای در سده ششم بنگارش در آمده و ابن ناعمه حمصی نزدیک بسال ۲۲۶ (۸۴۰ م) آنرا از یونانی یا سریانی بتازی در آورد و کندی (۱۸۸-۲۵۸) برای مستعین (۲۴۸-۲۵۲) پسر معتصم (۲۱۸-۲۲۷) اصلاح نمود فهرست دیباچه آن نزدیک بهمان فهرستی است که فرفورپوس در (زندگی پلوتینوس) برای انشاد نوشت ترجمه لاتینی از این گزیده هست که از ترجمه تازی

۱ - بنگرید : آغاز مقاله ۲ برهان ارغنون ارسطو و فصل ۱ مقاله ۴ فن ۵ منطق شفا

۲ - نگاه به : فصل ۴ و ۵ و ۶ کتاب ۲ طبیعی ارسطو



- دیگری فراهم آمده یا گزیده است از همین ترجمه. گر چه کندی در (کمیه کتب  
ارسطو) از ثولوجیا یاد نکرد مگر اینکه فارابی در (جمع) و اخوان صفا در (دفتر ۳  
بخش ریاضی چاپ مصر ج ۱ ص ۹۲) و شیخ رئیس در نامه بکیا (ارسطو عند العرب ص  
۱۲۱) که از شرح خود بر آن یاد می کنند و سید داماد در قبسات و صدرای شیرازی از آن  
بهره برده از آن ارسطویش دانستند جز اینکه ابن سینا در آن نامه میگوید (علی مافی  
اثولوجیامن المطاعن) قاضی سعید قمی بر آن تعلیق نوشته (ش ۱۵/۱۰۳۰) و تقی الدین  
فارسی آنرا تحریر و فاضل عیقلی شرح کرد (ذریعه ج ۱ ص ۱۷۰). باری این  
دفتر را فیلسوفان خاوری از ارسطو میدانستند. دیترسی این کتاب را بنام اثولوجیا  
بسال ۱۸۸۲ و ترجمه آلمانی آنرا در ۱۸۸۳ در لایپتسیگ بچاپ رساند و در کنار  
قبسات داماد در ایران بسال ۱۳۱۴ نیز چاپ شد.

- برهیه در فلسفه سده های میانی (ص ۷-۸۳) اثولوجیا و تاسوعات را باهم  
سنجیده و در ترجمه خویش از انشاد (ج ۴ ص ۲۱۸ حاشیه ش ۱) میگوید که من  
در اینجا متن یونانی انشاد را از روی ترجمه آلمانی اثولوجیا درست کرده ام. ماسینیون  
در (متون ص ۱۷۶) نیز بند ۱ بخش ۸ انشاد (ج ۴ ص ۲۱۶) را با میمر ۱  
آن (ص ۱۷۱ چاپ تهران) و بند ۵ بخش ۸ انشاد ۵ را با میمر ۱۰ سنجید و چنانکه  
خود سنجیده ام آغاز سخن پس از فهرست در میمر ۱ اثولوجیا (ص ۱۶۸ س ۱۵) برابر  
است با بند ۱۳ بخش ۷ دفتر ۴ انشاد (ج ۴ ص ۲۰۹ ترجمه برهیه) و بهمین گونه  
میتوان دو متن را باهم سنجید تا پایان اثولوجیا که برابر است با نیمه بند ۷ بخش  
۸ دفتر ۵ انشاد (ج ۵ ص ۱۴۳ س ۲۶ برهیه) (۱).

- ۲۰ - نگاه به: فرهنگ دهخدا در ثولوجیا - ترجمه فرانسیس انشاد از برهیه و  
Philososophie du moyen age از هبو ص ۸۶ حاشیه ش ۱ ص ۷-۸۳ - ملل و نعل شهرستانی  
(ص ۷-۷۲ و ۸۸-۹۳ ج ۳) و ترجمه آن ص ۴۷ و ۴۶۷ - فطی ص ۷۰-۱۶۹ - ابن ندیم  
ص ۳۵۴ - شهرزوری (ش ۸۵۶ گ ۷۷ ب) - محبوب القلوب ص ۱۵۱ و ۹۰-۱۲۷ - خریف  
الفکر الیونانی بدوی ص ۱۶۸ - تاریخ فلسفه برهیه بفرانسه ج ۱ ص ۹۹ و ۴۷۱ و تاریخ  
فلسفه آلبر ریو و بفرانسه ج ۱ ص ۵۲۱ و ۵۴۱ - دائرة المعارف اسلامی (اثولوجیا) معجم المطبوعات.  
میرواژه ای است سریانی برابر با بند و سوگند و کتاب الیامر جالینوس و امپد کلس و میمر  
تیودورایی قره یاد شده است. سید داماد در حاشیه قبسات ص ۹ میکوشد که آنرا تازی بسازد!!

- این نسخه شماره یکم دفتری است دارای ۱۳ رساله و گفتار که ششم آن خبر «سئل امیرالمؤمنین عن العالم العلوی ...» در گ ۵۶ ب می باشد و گفته اند از علی ع بر سیده شد جهان برین چیست و او در پاسخ فرموده است : « صور عاریة عن المواد عالیة عن القوة والاستعداد تجلی لها فاشرفت وطالها فتلالات فالقی فی هویتها مثاله فاطهر عنها امثاله » و خلق الانسان ذا نفس ناطقة ان زکاه بالعلم والعمل فقد شابه جواهر اوائل العلل و اذا اعتدل مزاجه وعدم الاضداد شاکل بها السبع الشداد » این پاسخ دوبند از گفتار شیخ رئیس است که در ستایش و نیایش خداوند ساخته و دانشمند عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری (۴۵۵ - ۵۱۵) آنرا بدرخواست گروهی از یاران خویش در سپاهان سال ۴۷۲ بیارسی در آورد . گویا این دوبند را بهم پیوسته و پاسخ علی ع بچنان پرشی دانسته اند . از ریخت و ساخت آن هم پیدا است که چنین گفتاری از سده نخستین اسلام نیست و اینگونه خبرها چند تائی در کتابها دیده میشود که بسبب سخنان صوفیان و باطنیان و فیلسوفان نزدیکتر میباشد و از آنهاست خبر کمیل درباره چهار گونه نفس که مجلسی در آسمان و جهان بخار (ج ۱۴ ص ۴۱۱) آورده و از یاهوهای صوفیان دانست نه فرموده امام . پس از این خبر « اذا تم العقل نقص الکلام » و گفتار فارابی درباره تغفل خداوند و خبر کمیل درباره نفس (ب - ۵۶ الف) . و ۱۳ آن دوبند است در نجوم نخستین در احکام و اسرار حالات ستارگان و دومی در شناختن اوج سال ۶۷۳ تازی ( ۶۴۴ پارسى) که گفته های بطليموس و اصحاب الممتحن و ابن یونس در زیح حا کمی درباره اوقات با قیاس بدرجه در آن آمده است ( ۱۴۰ ب - ۱۴۱ الف) .
- همه این رساله ها و گفتارها بخط تعلیق است و اثولوجیا از برک ۱ ب تا برک ۵۲ الف در تاریخ ۱۰۸۰ نوشته شده است .

( همه این دفتر ۱۴۴ برک ) - کاغذ نرمة سمرقندی - جلد تیماج مشکى ۵۶

اندازه : ۱۴×۱۹ و ۸×۱۴ ر ۲۳

- از غیاث الدین منصور دشتکی در این که مردمی چیست و در خوشبختی و دوجاهانی و پاکیزه ساختن خوی و رفتار . دشتکی در دیباچه از دوانی بیدی یاد میکند و این بخش که رساله یکم وجه سوم جام جهان نمای او است در دوم مجله میباشد نخستین دارای ۴ تجلیه و دوم ۳ تجلیه .

آغاز: بسمله ...

حمد بیحد ز ازل تا باید

احدی را که جز او نیست احد

منشی هر حرف که از مبداء انشای واسطه قلم اعلا بر سر لوح هستی آمده رقیم  
اسمی است از اسماء حسنی او ... باعث ... غیث مشهور بمنصور بر تحریر این  
سطور .

انجام: و ارباب براعت این صنعت ... عبارات تعبیر نمایند و در معانی آنرا  
خارج کلام ... خوانند و در بدایع آنرا ... اعاده نمایند .

[۱۸۲]

این نسخه شماره ۲ دفتر بخط شکسته تعلیق بتاریخ ۱۰۴۳ در تبریز گ ۲ ۱۰  
ب - ۲۴ الف . ۱۰۴۶

[۱۵۷] جامع الافکار و ناقد الانظار (عربی)

نگارش دانشمند مهدی بن ابی ذر نراقی (م ۱۲۰۹) در شناخت خدا که  
در کاشان درع ۱ سال ۱۱۹۳ آنرا بیابان رساند و بزرگترین کتابی است که در این باره  
نوشته شده و در یک مقدمه و چند مقصد است. نراقی در پایان کتاب از مردن شاه  
و درگذشت فرزندان و بیماری وبا و زمین لرزه سخت مینالد. در دیباچه از خود  
و نام کتاب یاد میکند و میگوید که در آن از حواشی شرح جدید تجرید و آراء  
دیگران خرده میگیرم از اینرو آنرا «جامع الافکار» نامیدم .

آغاز: الحمد لله الذی دل علی ذاته بذاته و تجلی لخلقه ببدایع مصنوعات .

انجام: و نسئله ان یکون ذلک آخر الرزایا و المصائب و خاتمة البلیا و النوائب  
وان یصلح جمیع امور المسلمین بمحمد و آله سادات الخلق اجمعین .

[۱۸۳]

این نسخه بخط تعلیق با عنوانهای شنکرف در متن و هاشم و روی آغاز  
هر گفتاری خط سرخ کشیده شده و محمد بن الحاج طالب طاهر آبادی از روی  
نسخه خط نراقی و در زمان او در محرم سال ۱۱۹۴ آنرا نوشت و در گ ۱ ۲۵



الف همو نوشته است: « کتاب جامع الافکار من مؤلفات افضل المتأخرين المحقق النراقي  
 زید احترامه حرره بیمنه الدائرة اقل تلامذته محمد الطاهر آبادی فی سنة ۱۹۹۲ »  
 از اینجا بر می آید که نراقی از این تاریخ یا پیش از آن بنگارش کتاب پرداخت و شاگرد  
 او هم از روی آن می نوشت. طاهر آبادی در بیان نسخه نیز خود را شاگرد نراقی نشان  
 داده و از این کتاب بستود. ۵

( ۲۴۹ برك ) - کاغذ فرنگی - جلد قیماج سرخ ساده  
 اندازه : ۱۷×۲۸ و ۱۰×۱۸٫۵ س ۲۹

[۱۵۸]

جاودان نامه

(فارسی)

از افضل الدین محمد بن الحسن بن الحسین بن محمد بن خوزه مرقی کاشانی فیلسوف  
 ۱۰ عارف پارسی شاعر (م نزدیک ۶۶۷) (۱) که در فارسی نویسی بسیار توانا و در نگارش  
 مطلبهای باریک عرفان و فلسفه از بکار بردن تازی بی نیاز بوده است و نوشته های  
 او بسیار شیرین و شیوا می باشد دفترها و گفتارها و نامه های چندی پارسی و تازی  
 از او بیاد گار مانده که بیشتر آن در این کتابخانه هست (۲) آیات الصنعه او در جامع  
 البدایع در مصر بسال ۱۳۳۵ بچاپ رسید. جاودان نامه او در ۴ باب و در شناختن  
 ۱۵ دانش و روان و آغاز و انجام می باشد و در تهران بسال ۱۳۱۲ خ و در بخش یکم  
 نگارشهای کاشانی شماره ۱۳۸ دانشگاه بسال ۱۳۳۱ خ بچاپ رسید. نسخه های  
 آن یکسان نیستند ما نا چند بار بنگارش در آمده یا اینکه نویسندگان در نسخه ها

۱- برای سر گذشت بابا افضل نگاه کنید به : احوال و آثار او در دیباچه رباعیات

همو بخامه دانشمند سعید نفیسی چاپ تهران ۱۳۱۱ - ریحانة الادب تبریزی ج ۱ ص ۱۳۰  
 ۲۰ گفتار دکتر خطیری در رسالة الاسلام ش ۴ سال ۱۰ - ۴۰۳ - سید قطب الدین محمد  
 تیریزی (م نزدیک ۱۱۷۳) در فصل الخطاب (ش ۳۶۴ ص ۷۱) میگوید : « ومنهم (الفضلاء  
 العارفون) خال نصیر الدین الطوسی بابا افضل الکاشی » در هامش دارد : « وهو الشیخ  
 حسن بن محمد النامقی له رسائل كثيرة والمشهور ببابا افضل النامقی الساوجی رحمه الله الکاشی  
 سکن کاشان مدة - » نیز ذریعه ج ۵ ص ۷۷

۲- یکی از نگارشهای او که در اینجا نیست منهاج المبین لاصابة الیقین در منطق است  
 ۲۵ که بسیار ساده و شیوا می باشد و ما نا از روی « العلم والنطق » شیخ رئیس (ش ۲۹۱۲) گ  
 ۳۰۳ - ۳۱۵ سپهسالار) پارسی پرداخته شد و نسخه پاکیزه ای از آن در کتابخانه مروی  
 ش ۸۷۴ هست و نسخه ش ۱۲۱۵ ص ۳۱ - ۱۷۲ سپهسالار از پایان کم دارد رأی در باره  
 خلف که در شرح اشارات طوسی آورده شد در همین کتاب هست.

دست برده اند . بابا درباره این کتاب میگوید :

« گر جان دلت بجاودان نامه رسد

گر جان بدل تو جاودان نامه رسد

خود را زدرون بوی رسان چون بیرون

چشمش بنگار و کاغذ و خامه رسد »

(هامش صفحه ۱ ش ۴۲۸/۹) .

## [۱۸۴]

این نسخه شماره ۱۲ دفتر و بخط شکسته تعلیق ریز گ ۱۲۲ ب - ۱۴۰  
الف میباشد .

۴۰۲

## [۱۸۵]

این نسخه شماره ۹ دفتر است و بخط شکسته تعلیق خوش گ ۳۱ ب - ۶۴  
ب و فهرست در گ ۳۱ الف . کتاب را مصطفی تهرانی در ۴ صفر ۱۳۰۶ خوانده  
و دوست او محمد نسخه را در همین سال بدو بخشید در هامش ص ۱ شرحی  
کوتاه درباره کاشی نوشته شده و شعر خواجه درباره او یاد گردید .

۴۲۸

## [۱۸۶]

این نسخه شماره ۲۲ دفتر و بخط تعلیق محمد علی در مدرسه سپهسالار میرزا  
محمد خان قاجار بسال ۱۳۰۳ که در ج ۲ این سال نسخه های این دفتر را  
مقایله نمود گ ۳۴۰ ب - ۳۹۶ الف .

۴۳۱

## [۱۸۷]

این نسخه شماره ۸ دفتری است دارای یازده رساله و بخط تعلیق خوش  
تاریخ ع ۲ سال ۱۱۰۴ گ ۵۶ ب - ۷۷ ب  
( همه دفتر ۱۴۴ ۳ ) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج مشکى ساده  
اندازه : ۱۹×۱۳ و ۱۵×۸ س ۱۵

۱۰۳۶

## [۱۸۸]

این نسخه شماره ۳۲ دفتر است و بخط تعلیق رجبعلی در ۱۲ ج ۱ سال  
۱۰۶۲ گ ۱۴۳ ب - ۱۵۹ الف .

۱۰۴۶

[۱۵۹]

## جبر و اختیار

(عربی)

این گفتار از خواجه طوسی است و در آن از آزادی خواست و اراده مردمی گفتگو میشود.

آغاز: افعال العبد ینقسم الی ما یکون تابعاً لقدرته و ارادته والی ما لایکون  
انجام: و اذالم یکن للعلم اثر فی العقل فلا یکون الفعل بالجبر والایجاب  
والله اعلم.

[۱۸۹]

این نسخه شماره ۴ دفتر و بخط تعلیق شکسته سال ۱۰۸۵ گ ۶۰ الف - ۳۷۴  
۶۱ الف .

[۱۶۰] ۱۰

(فارسی)

## جبر و قدر

این گفتار نیز از طوسی است و در ده فصل میباشد و میرداماد فصل نهم آنرا  
در پایان ایقاظ ۵ ایقازات (هامش قیسات ص ۴۲ - ۱۳۸) آورده است در آستانه  
طوس عربی همین رساله نیز هست (ج ۴ ص ۱۲۱).

آغاز: بسم الله الحمد لله رب الارباب و مسبب الاسباب . . . بحکم آنکه بعضی  
برادران دینی بر سبیل حسن الظن بمعمر این سواد تصور آن داشتند که در مباحثه  
چشم و دیداری دارد اقتراح کردند که . . . در مسئله جبر و قدر . . . بر سیاق تقریر  
و تفهیم نه بر طریق جدل و نظر تحریر کند.

انجام: هر چه که معقول و موهوم و متخیل و محسوس خلق باشد ازو تعالی مسلوب  
باشد و از آن منزله و و ازین تنزه هم منزله اذ ابلاغ الکلام الی الله فامسکو. تمت الرسالة  
والحمد لله رب العالمین (والسلام علی خیر الانام محمد و علی آله و اصحابه اجمعین).

[۱۹۰]

این نسخه شماره ۴ دفتر است و بخط تعلیق ریز تاریخ ۱۲۶۰ گ ۳۹ ب - ۳۴۰  
۵۶ الف .

[۱۹۱]

این نسخه شماره ۳ دفتر و بخط شکسته تعلیق گ ۱۸ ب - ۴۹ ب میباشد. ۸۶۳



## جذوات

(فارسی)

از میرداماد که بدستور شاه عباس (۹۹۶-۱۰۳۸) نوشته و در دیباچه او را بسیار میستاید و در این باره است که چرا گوه طور هنگام آشکار شدن خداوند سوخت و تن موسی نسوخته است و میخواهد این مسئله را که مورد گفتگوی دانشمندان هند شده و از دربار شاه عباس پرسیده بودند بگشاید و کتاب در ۱۲ جزوه و دوازدهم آن ۲۴ میقات است و در بمبئی بسال ۱۳۰۲ بچاپ رسید داماد در این جا بروش فلسفی خود کاوش نموده و از علم حروف هم آورده است و سبک فارسی آن هم بسیار دشوار میباشد و همان کلمات تازی که در کتابهای خود بکار میبرد در اینجا آورد و تنها رابطه ها فارسی است .

## [۱۹۲]

۱۰

این نسخه شماره ۲ دفتری است دارای دورساله بخط تعلیق ریزخوش و مورب و نشانه ها و عنوانها شنکرف گ ۱ ب - ۱۱۶ الف بیشتر آن از روی نسخه خط داماد نوشته شده و دوباره همه آت با خط او برابر گردید چنانکه در برگ ۱۱۶ الف این نکته یاد گردید و سه صفحه آغاز نسخه فهرست است (برگ ج و د) .

۱۵

(۶ + ۱۱۶ + ۴ برگ) - مانند فرنگی - جلد تیماج زرد  
اندازه : ۱۹×۹٫۵ و ۱۵×۲ س ۱۹

## [۱۶۲]

## جلوات ناصریه

(فارسی)

۲۰

از ملا محمد اسمعیل بن محمد جعفر سپاهانی که برای ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۶۴-۱۳۱۴) در وحدت وجود نوشته است .  
آغاز : بسمله سبحانك اللهم يا من تحيرت العقول في كنه ذاته ... چون مسئله توحید از اشرف مسائل الهیه و اهم مقاصد ایمانیه بود .  
انجام : هذا کتابنا ينطق عليكم بالحق الموسومة بالجلوات الناصرية .

## [۱۹۳]

۲۵

این نسخه شماره ۱ دفتری است دارای ۵ رساله و بخط شکسته تعلیق محمد علی کرمانشاهی بتاريخ ذی حجه ۱۲۸۷ گ ۱ ب - ۲۶ ب و برگهای ۱۳ ب تا ۱۶ ب سفید و میانه این رساله را ندارد (نشانه در ص ۱۹۴ ج ۱) .

## الجمع بين الرأيين

(عربی)

نگارش فارابی است که درص ۹۰ شناسانده شده و در آن پیروی از فیلسوفان اخیر یونان کوشید که میان سخنان افلاطون و ارسطو سازش دهد.

[۱۹۴]

۲۴۰ این نسخه شماره ۴ دفتر است و بخط نسخ گ ۱۰ ب - ۲۲ ب

[۱۹۵]

۲۵۳ این نسخه شماره ۴ دفتر است و بخط تعلیق ریز حیدر بن علی کرکی گ ۵۴ ب ۶۹ الف

[۱۶۴]

## جوابات لمسائل متفرقه

(عربی)

۱۰ نگارش فارابی است که در ص ۴۷ یاد شد و فیلسوف در آن از ۴۱ مبحث گوناگون فلسفی سخن راند.

[۱۹۶]

۲۴۰ این نسخه شماره ۷ دفتر و بخط نسخ گ ۳۱ ب - ۳۸ الف

[۱۶۵] ۱۵

## جوامع

( )

این رشد اندلسی (۵۲۰ - ۵۹۵) بسیاری از کتابهای فلسفی ارسطو را گزین نموده که بنام شرح کوچک یا جامع یاد می‌گردد (ص ۲۸ این فهرست) و از آنهاست گزیده سماع طبیعی و آسمان و جهان و کون و فساد و آثار علوی و نفس و مابعدالطبیعه که در دکن سال ۱۹۴۷ به چاپ رسید و مابعدالطبیعه آن را نیز خانجی در مصر چاپ کرد چهار کتاب نخستین را ابن رشد در روز دو شنبه ۱۶ ع ۱ سال ۵۵۴ بانجام رساند (پایان آثار علوی) مابعدالطبیعه او چهار گفتار بیش نیست و گفتار پنجم را که مبادی علوم بایستی در آن گزین شود و خود او هم نوشتن آنرا نوید داده بود چون ناگزیر ندانست بنگارش در نیاورد (پایان چاپ هند) ابن رشد در برابر کسانی که نادر یافته بر کتابهای ارسطو رد نوشتند یا اینکه مانند غزالی در مقاصد نتوانستند بخوبی آراء ارسطو را آشکار سازند این کتابها را گزین نموده و سفارش میکند

۲۵

که پیش از آن کتابهای منطقی فارابی یا «مختصر صغیر» خود او را ببینند (آغاز طبیعی) باز در طبیعی از «موجودات متغیره» فارابی یاد میکند و در الهی از ابن سینا و تهافت غزالی خرده میگیرد و در آثار علوی از شکاف و لرزش زمین که در باند و جز قرطبه رخ داد یاد میکند.

## [۱۹۷]

این نسخه بخط تعلیق با عنوانهای شنکرف فریدون بن محمد بتاریخ روز یکشنبه ۲۹ ج ۲ سال ۱۰۶۱ و ۱۷ ع ۲ سال ۱۰۶۳ و برابر است با چاپ هند ولی کتاب نفس را ندارد و از کتابخانه صنع الدوله بوده و مهر آن دیده میشود. سماع طبیعی گ ۲ ب - ۳۴ ب و سماء و عالم ۳۴ ب - ۵۴ الف و کون و فساد ۵۴ الف - ۶۲ ب و آثار علوی ۶۲ ب - ۸۹ الف و الهی ۹۰ ب - ۱۲۵ الف . ۱۰ نسخه را همین فریدون مقابله نمود - نسخه شماره ۱۲۸ مجلس (ج ۲ ص ۶۶) همه بخشها را دارد.

(۱۲۵ ۴) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج ساده

اندازه: ۱۴ × ۲۵ و ۹ × ۱۹ س ۲۲ ۶ ۶۸

۱۵ (عربی)

چگونگی دانائی

[۱۶۶]

شیخ رئیس این رساله را برای برخی از یاران خویش درباره گوهر بودن و پابندگی و سعادت و شقاوت روان نگاشته و ده دلیل برای گوهر بودن روان آورد. و در مجموع رسائل دکن بنام رساله فی السعاده بسال ۱۳۵۳ بچاپ رسید و قنوانی درش ۸۴ آنرا شناساند.

## [۱۹۸]

۲۰

این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط تعلیق ریز و گاهی بی نقطه از گ ۱ ب تا ۱۸ الف میباشد و در رجب ۱۰۶۱ نوشته شد.

۱۰۷۴

(فارسی)

چگونگی دانائی خدا

[۱۶۷]

عبدالرحیم رضوی حسینی علوی در این رساله از دانائی خداوند گفته و نموده و در آن از کلمات مکنونه فیض (۶۱ الف) یاد کرد و از آیات و اخبار گواه آورد. ۲۵ آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم رب العالمين... و بعد عبد سقیم... و اذل سادات



داعی دولت بهیه عبدالرحیم الرضوی الحسینی العلوی بعرض عالی می‌رساند که مسئله کیفیت علم خداوند . . . باشیا از جمله مسائل ضروریه در مذهب نیست .  
**انجام :** زیاد نوشتن مورث ملال ناظرین است و کفایت نمودم بهمین . . . و قد تم  
 بید مؤلفه السقیم عبدالرحیم الرضوی الحسینی العلوی فی مدة اربعة عشر ساعة .

[۱۹۹]

این نسخه شماره ۳ دفتری است دارای چهار رساله در کلام و فلسفه و بخط تعلیق  
 گ ۵۴ ب - ۶۶ الف .

۸۸۷

( همه دفتر ۸۲ ) - کاغذ سپاهانی - جلد مقوایی  
 اندازه : ۱۷×۲۴ و ۱۲×۱۸ س ۲۴

۱۰ [۱۶۸]

(فارسی)

## چهار عنوان

دانشمند بابا افضل کاشانی کیمیای سعادت غزالی (نگارش نزدیک ۵۰۰) را در چهار  
 عنوان گزین نموده و در آنها خود و خدا و گیتی و رستخیز را شناساند و آن در کنار  
 جنگی دارای اشعة اللامعات جامی و مقصود اقصی و مبدء و معاد نسفی و جواهریامنتخب  
 مفتاح الاسرار آذری و جزاینها درص ۳۶۵-۳۸۱ در ایران بسال ۱۳۰۳ بچاپ سنگی  
 رسید .

۱۵

[۲۰۰]

این نسخه شماره ۸ دفتری است بسیار پاکیزه افسوس که نویسنده آنرا با  
 «ره انجام نامه» بیامیخت و بارنجی از هم جدا میتوان کرد و آغاز آن چنین است :  
 « این سخنان کیمیای سعادت است که خواجه افضل الدین کاشی از کتاب کیمیای  
 که امام محمد غزالی ساخته انتخاب کرده و چنین که گوید که نامه مردمی بچهار عنوان  
 تمام بود عنوان اول آنکه حقیقت خود را بشناسد ... » گ ۱۱۱ ب. اندکی از عنوان ۱  
 این رساله هست و میرسد به عبارت «و معدن اصلی و مأوای او حضرت الهی و از آنجا است  
 و بدان باز گردد» گ ۱۱۳ الف ( برابر با ص ۱۶ ۳۶۸ چاپی ) نسخه خطی فارسی  
 تراز چاپی است. در مجلس نسخه ای از این بشماره ۶۲۱/۱۶ هست. پایان آن در چاپی  
 چنین است : « و آن کوری روح است و تخم شقاوت ابدی اجارک الله و ایا نامه بلطفه  
 و رحمته » .

۲۵

(عربی)

حاشیه

[۱۶۹]

در این رساله سخنان ارسطو با سروده های ابوالطیب احمد بن حسین ممتنبی  
 کندی جعفی کوفی (۳۰۳-۳۵۴) سنجیده میشود .  
 آغاز : قال ارسطو « اذا كانت الشهوة فوق القدرة كان هلاك الجسم قبل بلوغ  
 المراد » الممتنبي :

« واذا كانت النفوس كبارا »

تعبت في مرادها الاجسام »

انجام : الحکیم « آخر افراط التواني اول موارد الخوف » الممتنبي :

« وغاية المفرط في سلمه »

۱۰. كفاية المفرط في حربه »

[۲۰۱]

این نسخه شماره ۳۰ دفتر است و بخط نسخ با نشانه های شنکرف و حاشیه های  
 بشکسته تعلیق و در پایان دارد تحت الرسالة الحاتمية . . . فی ۱۸ شهر شعبان  
 سنة ۱۰۹۷ - هو فی بعض النسخ بعد قوله كالحکم : الحکیم « لاغنى لى  
 ملكه الطمع واستولت عليه الاماني » الممتنبي « امسيت اروح مشر خاز ناويدا - انا الغنى  
 و اموالى المواعيد » . . . فجعل اللطيف من الهواء والكثيف من التراب ص ۲۵۷-۲۶۱

(عربی)

حاشیه اثبات عقل

[۱۷۰]

این رساله حاشیه ای است بر « اثبات عقل » خواجه طوسی و گویا از شمسی  
 گیلانی باشد .

۲۰. آغاز : ملخص استدلاله قدس سره « ان احكاما كثيرة صادقة بيقين » .

انجام : فلا يكون الحادث منحصرا على الحادث الزماني على ما عرفت مشروحا

[۲۰۲]

این نسخه شماره ۱۴ دفتر و بخط تعلیق ریزگ ۱۵۰ ب - ۱۵۲ الف و در

۹۲۶ پایان رمز « س م س دام ظله » دیده میشود و پیدا است که نویسنده

در روزگار شمسا آنرا نوشت .

[۱۷۱]

(عربی)

## حاشیه اثبات واجب

ملا میرزا جان حبیب الله باغنوی شیرازی (م ۹۹۴) شاگرد خواجه جمال الدین محمود شیرازی این حاشیه را بر اثبات واجب قدیم دانشمند دوانی در نیمه ذی حجه ۹۸۳ نگاشته است.

آغاز: بسمله... جل جلالك اللهم يا واجب الوجود وعم نوالك يا صاحب الفضل والجلود... فهذه تعليقات علقها حبيب الله الشهير بميرزا جان الباغنوی علی الرسالة القديمة... للعلامة... استادی... جلال الملة والدين محمد بن اسعد الدوانی.

[۲۰۳]

این نسخه شماره ۳ دفتر واز بایان کم دارد و بدینجا «موجوداً فی الذهن بنفسه لا بوجه اجمالاً والثانی ان يكون» میانجامد و بخط تعلیق شکسته همان ۳۰۳ هرابادی خلخالی است که بسال ۱۰۲۵ شماره ۲۰۱ ایندفتر را نوشت گ ۴۹ ب - ۹۰ ب دوسنخه ازین کتاب درطوس (ش ۴۵۸ و ۴۵۹ ج ۴ ص ۶۶) هست.

(عربی)

## حاشیه اثبات واجب

[۱۷۲]

ملا میرزا جان باغنوی یکبار دیگر این حاشیه را بر اثبات واجب قدیم دوانی نگاشته است.

آغاز: بسمله وبه نستعين قال المنصف ره اعلم البراهين المؤدية الى هذا المطلوب آه اشار الى ان المط برهانی يجب ان (يستعمل) في اثباته المقدمات اليقينية . انجام: لو سلم من القدح ولا يقدح في منع المصنف ولا يلزم منه استدراك.

[۲۰۴]

این نسخه پاکیزه بخط شکسته تعلیق محمد حسین بن سلطان نحیدرحسینی بتاریخ صفر ۱۱۱۰ است وحاشیه منه قدس سره دارد .  
(۹۸ بروك) كاغد سپاهانی - جلد تیماج مشکى وحاشیه آن برخی اندازه: ۱۲×۱۹ و ۷×۱۳ س ۱۸

(عربی)

## حاشیه اشارات

[۱۷۳]

دانشمند آقا حسین بن جمال الدین محمد بن حسین خوانساری (۱۰۹۸-۱۰۱۶)



- که « استاد الكل في الكل ذوالجمالين » میخواندندش این حاشیه را بر اشارات و شرح طوسی و حاشیه دانشمند ملا میرزا جان باغنوی بر محاکمات رازی بسال ۱۰۷۱ نگاشته است و از مبحث ماده و صورت و جسم آغاز و بمبحث لذت و الم پایان مییابد .
- آغاز : قال المحقق قد عرفت فيما سبق ان الاشارة الخ ای الحکم المصدر بها .
- انجام : سواء كان بالنسبة الى الجميع او البعض المدفوع فافهم هذا آخر ما تيسر لنا من الكلام على الشرح و شرح الشرح و حاشية المحقق الشيرازی الباغنوی . . . تمت بعون الله وحسن توفيقه والاكرام .

[۲۰۵]

- این نسخه بخط تعلیق ریز خوش با عنوانهای شگرف و گاهی در هامش
- ۲۸۰ عنوان مطلب دیده میشود و در ۱۷۳ الف نشانه (بلغ) دارد و برک آخری
- نو نویس است نسخه از آن در طوس هست (ج ۱ ص ۲۸ ش ۷۰) .
- ( ۳۵۰ ) - کاغذ سپاهانی . جلد تیماج سرخ ضریح
- اندازه : ۲۹×۱۵ و ۲۰×۹ س ۲۹

(عربی)

حاشیه شرح تجرید

[۱۷۴]

- دانشمند ملا میرزا جان باغنوی م ۹۹۴ بر حاشیه قدیم دوانی بر شرح جدید تجرید
- این حاشیه را نگاشته و گاهی بمتن و شرح تجرید نیز در آن نگریسته است .
- آغاز : قال المصنف رحمه الله اما بعد حمد واجب الوجود علی نعمائه .
- انجام : فان الميل الطبيعي يشهد بحسب القرب من الخير الطبيعي فيه نظر لان الاشتداد انما هو لطول الحركة . . . مرتفع جدا . . . ان يكون الحركة في الاول
- ۲۰ اشد من الحركة في الثاني .

[۲۰۶]

- این نسخه بخط شکسته تعلیق ریز شمس الدین علی بن شمس الدین محمد حسینی
- ۳۷۱ گرگانی در نزدیک بیابان ج ۲ سال ۹۹۹ که دارنده نسخه هم بوده و درک ۱
- الف نیز نام او دیده میشود و حاشیه هائی از خود باغنوی در نسخه هست .
- ( ۳۳۱ ) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج مقوائی
- اندازه : ۲۰×۱۰ و ۱۴۵×۶ س ۲۴

[۱۷۵]

حاشیه حاشیه شرح تجرید (عربی)

فیاض لاهیجی بر حاشیه خفزی بر الهیات شرح تجرید این حاشیه را هنگام درس و با شتابزدگی و بغوازش دوستان نگاشته است.

آغاز الحمد لصانع السماوات العلی و خالق الارضین السفلی و الاسماء الحسنی

انجام : فانبات اصل العلم الحضوری لا یغنی عن اثبات الاحساس الذی المراد هو انکشاف الخصوصیات الزائدة علی اصل الوجود .

[۲۰۷]

این نسخه بخط نسخ است با عنوانهای شنکرف و حاشیه هائی از لاهیجی با عبارت

۳۱۷

(منه دام ظلّه العالی) بشکسته تعلیق و پیداست که در روزگار او نوشته شد .

(۳۵۸) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج محلی ضری بر روزگار

۱۰

اندازه : ۲۰×۱۴ و ۷×۱۴ س ۱۹ س ۲۲ س

[۱۷۶]

حاشیه حاشیه شرح تجرید (عربی)

دانشمند جمال الدین خوانساری م ۱۱۲۵ بر حاشیه خفزی بر الهیات شرح تجرید این

حاشیه را نوشته و در آن از حدوث دهری میرداماد خرده گرفت (ص ۷۵ این فهرست)

۱۵

آغاز : نام خدا و ستایش او - اعتبر فیہ حدوث الخلق هذا اشارة الى طریق

جماعة من المتکلمین الذین قالوا علة الحاجة الى المؤثر انما هی الحدوث .

انجام : هو مرادهم فلا یرد الاشکال علیهم فافهم .

[۲۰۸]

این نسخه شماره ۱ دفتری است دارای ۲ رساله و بخط روشن و در پایان

۳۰۸

دارد « هذه من تصنیفات مولانا جمال الملة والدين آقا جمال طاب تراه علی

الخفزی تمت . . . فی شهر ذی حجة الحرام سنة ۱۱۹۷ » و حاشیه هائی از

خوانساری دیده میشود با عبارت (منه رحمه الله - منه طاب ثراه) گ ۱ ب - ۱۰۰ الف

(ص ۷۶ همین فهرست) .

[۱۷۷]

حاشیه حاشیه شرح تجرید (عربی)

دانشمند شیخ ابو عبدالله محمد بن حاج محمد زمان کاشانی که در سپاهان

۲۵

ترسته و در نجف در گذشت و القول السدید - نور الهدی - هداية المسترشدين  
 شته و بقیه و فلسفه آشنا بود (روضات ص ۶۵۲) بر حاشیه جمال الدین محمد  
 و انسانی (م ۱۱۲۵) بر تجرید این حاشیه را نگاشته و در آن از حدوث جهان  
 زمان بسزا گفتگو نمود و در آن از سخنان صدرای شیرازی و داماد و طوسی و ابن  
 سینا آورده است.

آغاز: بسمله يقول احوج العربیون... ابو عبدالله یحیی الشیخ وهو محمد بن  
 حاج محمد زمان... قد قال جمال الدین محمد الخوانساری ره فیما کتبه علی التجرید.  
 انجام: اذلیس الاعتبار از لیافتامل ولاتبادر بالانکار قبل النظر والاعتبار فاعتبر  
 ا اولی الابصار.

[۲۰۹]

۱۰

این نسخه در دفتری است دارای چند رساله از همین کاشانی و بخط شکسته  
 ۸۷۳ تعلیق ریز خوش و گاهی مورب با نشانه‌ها و عنوانهای شنکرف از علی بن  
 محمد سپاهانی که در روزگار کاشانی آنرا نوشته و بدستور او در تاریخ ۱۱۶۲  
 دفتر را بیایان رساند و حاشیه‌هایی بهمان خط دارد با عبارت (منه مد ظله) و خط متن  
 گاهی نسخ است و حواشی دیگران هم هست نسخه <sup>برای</sup> سر لوح زیبا در آغاز دارد (۱۵ و ۱۰۹)  
 و در جدولهای زر و لاجورد - گ ۸۳ ب - ۱۰۴ الف. (نسخه مصدق)  
 (همه دفتر ۱۹۸ ۴) کاغذ ترمه - مرقندی رنگارنگ - جلد تیماج ضربی  
 اندازه: ۱۷×۱۰ و ۱۱×۶ س ۱۲

(عربی)

حاشیه شرح تجرید

[۱۷۸]

۲۰

دانشمند میر سید شریف گرگانی (۷۴۰-۸۱۶) بر شرح قدیم شیخ شمس الدین  
 محمود سپاهانی (۶۹۴-۷۴۹) بر تجرید طوسی این حاشیه را نگاشته که در کشور  
 عثمانی بحاشیه تجرید نامبردار شده و بدستور برخی از شاهان از کتابهای درسی  
 بشمار می‌آمد. فیلسوف کلامی فقیه نصیر الدین علی بن محمد کاشی حلی که در نجف  
 بسال ۷۷۵ در گذشت بر این شرح حاشیه‌ای نوشته بود که پایه و مایه کار گرگانی  
 گردید.

۲۵

آغاز: بسمله... اما بعد حمد واجب الوجود علی نعمائه - خص بالذكر



من صفاته العلی ماهواخص به .

**انجام :** الی ان یتأثر المتأثر بقبول تلك الصفة فیکون هناك متأثرة اخرى  
وهكذا ویلزم التسلسل والحمد لله علی وصول الکلام الی هذا المقام ( درمبحث فعل  
وانفعال جواهر واعراض و برابر باش ۹۲ طوس) .

[۲۱۰]

این نسخه بخط نسخ و دارای سرلوح زرین با شنکرف و لاجورد و هر صفحه  
در جدول زرین و لاجوردی و حاشیه های گرگانی در آغاز نسخه هست که بعبارت  
(منه) میانجامد برك ۱ فرسوده و کاغذ دیگری بدان چسبانده اند کی از متن  
و حاشیه رفته است - چند نسخه از این در طوس هست ( ج ۱ ش ۶۶-۶۷-۹۲-۱۱۵

۱۰ ص ۲۷-۳۳-۳۸ و ج ۴ ش ۵۱۱ ص ۸۲) .

( ۴۸۷ ف ) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج سرج ضربی

اندازه : ۱۰×۹ و ۵×۱۲ س ۲۱

[۱۷۹]

(عربی)

حاشیه شرح تجرید

شمس الدین محمد خفزی بر شرح الهیات تجرید قوشچی این حاشیه را  
نگاشته است . ۱۵

**آغاز :** نام خدا و ستایش او - اما بعد فیه قول . . . محمد بن احمد الخفزی  
هذه تعلیقات اتفقت منی علی شرح الهیات التجرید .

**انجام :** کان واجب الوجود بذاته واجب الوجود بغيره

[۲۱۱]

این نسخه بنسخ با عنوانهای شنکرف از معبعلی کازرونی است که در ۱۴ ذی حجه  
۱۱۱۰ آنرا نوشت . ۳۳۳

( ۹۱ ص ) - کاغذ سیاهانی - جلد تیماج ضربی مقوالی

اندازه : ۱۲×۲۴ و ۷×۱۶ س ۲۱

[۱۸۰]

(عربی)

حاشیه شرح تجرید

دانشمند جلال الدین دوانی ( ۸۲۸ - ۹۰۸ سال ۲۶۹۰ ) بر شرح تجرید قوشچی

حاشیه ای بسیار خوب نوشت و بنام سلطان یعقوب بایندری آق قونیلو ( ۸۸۳ - ۸۹۶ )

- یا برادر اوسلطان ابو الفتح خلیل بیک (۸۸۲ - ۸۸۳) کرد و آن میان دانشجویان، قدیم، نام گرفت (نسخه ما) و فیلسوف صدرالدین محمد دشتکی (۸۲۸ - ۹۰۳) هم حاشیه‌ای زیبا بر آن شرح نوشته و بسلطان ایلدرم بایزید خان دوم (۸۸۶ - ۹۱۸) و مولی بن مؤیدارمغان داد و در آن ازدوانی خرده گرفت این بود که او در رد دشتکی حاشیه جدید را نوشت بار دیگر دشتکی حاشیه دوم خود را نوشته و در آن فریفتگی‌های دوانی و گرایشی که دانشجویان بسخننوی دارند و پیشرفت‌هایی را که پسر خود او غیاث‌الدین منصور کرده است یاد نمود و آنرا بنام همان بایزید کرد باز دوانی حاشیه اجد خود را در رد او نوشت. این حاشیه‌ها را طبقات جلالیه و صدریه نامند پس از مرگ دشتکی پسر او غیاث‌الدین (م ۹۴۸) بیماری پدر بر خاسته و حاشیه‌ای بنام تجرید الغواشی در رد بردوانی نوشت (۱).

۱۰

آغاز : نام خدا و ستایش و درود. قوله فی الحاشیه قبل ثم یرد به معینا اقول مراده بالزیادة بوجه ما.

انجام : ثم استدل علیه بنمط آخر و اطلال الکلام فیه علی ما هو دابه (تمت الحاشیه القدیمه (۲). (ص ۲۴۸ از نسخ)

۱۵

(از امور عام و جواهر و اعراض تا مسجحت عناصر).

## [۲۱۲]

- این نسخه بخط تعلیق با عنوانها و نشانه‌های شگرف است و روی سطرها گاهی خط سرخ کشیده شده و حاشیه‌هایی ازدوانی در هامش هست با عبارت (منه) و محسن بن محمد طاهر در قزوین روز سه شنبه ۱۹ شعبان ۱۱۱۹ آنرا برای خود نوشته و حاشیه‌هایی از نویسنده و دیگران در آن هست و عنوانهای مطلبهای

۲۰

- ۱ - نگاه به : کشف الظنون ج ۱ ص ۲۵۲ - فهرست طوس ج ۱ ص ۳۵ ش ۱۰۱ و ۱۰۲ و ص ۳۸ ش ۱۱۲ و ۱۱۳ و ج ۴ ص ۱ - ۸۰ ش ۵۰۴ و ۵۰۳ .  
۲ - همین حاشیه در ج ۱ فهرست طوس (ش ۱۱۲) دوم و در ج ۴ (ش ۵۰۳) نخستین حاشیه دوانی دانسته شد و نسخه ۵۰۳ آنجا تا مبحث مزاج در فصل ۲ مبحث جواهر است و افزوده‌های کمال‌الدین حسین لاری شاگرد دوانی نیز در آن هست و تا آغاز فلکیات میرسد.

۲۵

مهم در هاشم آمده و نسخه تصحیح گردید و از گ ۱ تا ۲۳۸ حاشیه دارد .  
( ۲۴۰ برگ ) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج تازه زر درم  
اندازه : ۱۹×۱۳ و ۱۳×۱۴ س ۱۴

[۱۸۱] حاشیه شرح تجرید (عربی)

۵ ملا میرزا جان باغنوی بر بخش جواهر و اعراض شرح تجرید این حاشیه را  
بنگارش در آورد .

آغاز : بسمله قوله فتناسب ذلك آه حاصل وجه المناسبة انه لما كان وجود  
الاعراض متوقفا على وجود الجوهر .

انجام : قوله قال صاحب المواقف آه لا يخفى ان كلام صاحب المواقف لا يضر  
المنصف لانه من الذاهين الى بطلان الجزء الذي لا يتجزى . ۱۰

[۲۱۳]

۳۱۱ این نسخه بخط شکسته تعلیق با عنوانهای شنکرف میباشد .

( ۳۴۹ ) - کاغذ سیاهانی جلد تیماج سرخ ضربی یک روم  
اندازه : ۲۳×۱۱ و ۲×۱۶ س ۲۰

[۱۸۲] ۱۵ حاشیه شرح تجرید (عربی)

قاضی علاءالدین عبدالخالق قاضی زاده کرهرودی شاگرد شیخ بهائی ( ۹۵۳  
۱۰۳۰ ) که در روزگار شاه عباس یکم ( ۹۸۵ - ۱۰۳۸ ) میزیسته و تحفه شاهی را  
در امامت بفارسی برای او نوشت بر بخش جواهر و اعراض شرح تجرید قوشچی  
و حاشیه قدیم دوانی این حاشیه را نگاشته است . در طوس دو نسخه از این هست  
۲۰ ( ج ۱ ص ۳۹ ش ۱۲۰ ج ۴ ص ۶۶ ش ۴۶۰ ) .

آغاز : لان تعريف الجوهر هو الوجود لافي موضوع ومعناه مهية اذا وجدت  
كانت لافي موضوع .

انجام : كالنسبة بين الاجزاء عددية كما سبق نقله من خامس عشرة الاصول - تم .

[۲۱۴]

۳۰۱ این نسخه بخط شکسته تعلیق ریز و حاشیه هائی از کرهرودی دارد که به ( منه  
مد ظله العالی ) میانجامد و پیدا است که در زمان او نوشته شد .



[۱۸۳]

حاشیه شرح تجرید (عربی)

دانشمند شمسای گیلانی بر الهیات تجرید و شرح جدید آن و حاشیه خفری بر آن این حاشیه را نگاشت .

آغاز : بسملة الحمد لله ذی المجد والبهاء . . . اما بعد فيقول اقفر خلق الله الغنى محمد المدعو بشمس الجیلانی . . . هذه معالقات علی مبحث الهیات التجرید و شرحه الجدید والحاشية التي علقها العلامة الخفري عليها .

انجام : قوله و سایر الاوصاف ای بشرط سلب سایر الاوصاف . . . عين ذاته تعالی وهذا اشارة الى نفی الکثرة بعد الذات .

[۲۱۵]

این نسخه شماره ۱ دفتري دارای ۲ رساله و بخط شکسته تعلیق محمد قاسم حسینی است که در رمضان سال ۱۰۵۸ دومین رساله ایندفتر (علم شمس) را نوشت و اجازه ای که شمس درباره روایت همین رساله بدو داده بخط خود در نزدیک بیایان شوال ۱۰۵۸ در طوس در برگ ۱۹۸ الف برای او نوشت - گ ۱  
ب- ۱۹۷ الف. در برخی جاها حاشیه هائی از خود شمس دیده میشود که عبارت ( منه دام ظله - منه سلمه الله ) میانجامد .

( همه دفتر ۲۱۰ برك ) كاغذ سمرقندی - جلد تیماج ساده مقوای سبزه

الاندازه : ۲۰×۲۵ و ۱۴×۱۷ س ۲۰

[۲۱۶]

این نسخه بخط تعلیق باعنوانها و نشانه های شنگرف است و در پایان دارد :  
« تمت بعون الله وحسن توفيقه في سنة ۱۱۲۰ » و حاشیه هائی از شمس و دیگران در آن دیده میشود و یحیی فرزند شاه قلی قزوینی بسال ۱۱۲۳ آنرا تصحیح نمود  
( ۳۱۰۷ ) - كاغذ سمرقندی - جلد تیماج زرد

الاندازه : ۱۴×۱۸ و ۷×۱۳ ص ۱۹

[۲۱۷]

این نسخه بخط تعلیق شکسته و عنوان (قوله) بشنکرف است و نسخه تصحیح گردید و در پایان دارد : « تمت بیمن اقرا العباد الى الله صدر الدين » و نویسنده

۸۲۷

اوست و یکی از دارندگان نسخه حسنعلی بن حاجی عبدالغفار ایروانی بوده و مهر او (عبداله راجی حسنعلی) دیده میشود.

(۱۴۰ برک) کاغذ سپاهانی - جلد تیهاج سرخ خربی

اندازه: ۲۱×۱۳ و ۱۴×۸ س ۱۷

۵ [۱۸۴] حاشیه شرح تجرید (عربی)

فیلسوف کلامی مولی عبدالرزاق فیاض لاهیجی شاگرد و داماد صدرای شیرازی و شارح تجرید و هیاکل النور و نگارنده گوهر مراد و سرمایه ایمان که در مدرسه قم درس میگفت و در ۱۰۵۱ در گذشت حاشیه ای بر جواهر و اعراض شرح جدید تجرید دارد (ش ۴۹۸ ص ۷۸ ج ۴ فهرست طوس) و این حاشیه بر یک عبارتی از طوسی در مبحث علم خدا از الهیات تجرید است و در آن سخنان انکسیمانس و نالیس ملطی و پلاتون و ارسطو و فارابی و شیخ و سهروردی را میآورد و گفته شیخ اشراق در تلویحات درباره دیدار او در خلسه از ارسطو و پرسش از دانائی خدا و مانند کردن او آنرا بخود آگاهی جان در نزدیک به نیمی از این حاشیه دیده میشود

آغاز: من حاشیه مولانا عبدالرزاق اللاهیجی علی الهیات التجرید « قوله اعلم ان للملطین آه لا باس بان نحرر اختلاف الحكماء فی علم الواجب .

۱۵ انجام : و لعنك تعذر لی فی نقل هذا الكلام الطویل فان فيه شفاء العلیل ورواء الغلیل . تمت

[۲۱۸]

۳۸۹ این نسخه شماره ۲ دفتر و بخط تعلیق و حاشیه های (منه) دارد گ ۱۲ ب ۱۵ ب

۲۰ [۱۸۵] حاشیه شرح تجرید (عربی)

مولی محمد جعفر بن محمد صادق لاهیجی که در روزگار محمد شاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۶۴) میزیسته بر بخش الهی شرح تجرید قوشچی و حاشیه خفری این حاشیه را نگاشته است.

آغاز: اعظم حلیه للكلام حمد الله الملك العالم . . . فيقول . . . محمد جعفر بن محمد صادق اللاهیجی . ۲۵

[۲۱۹]

این نسخه بخط نسخ خوش با نشانه‌های شنگرف و پایان نمیرسد و بدینجا  
« فی من کان ذاته عین الوجود کما نحققه اذ جاء وقته » میانجامد .

( ۳۴۱ ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج مشکى ضربی

اندازه : ۱۴ × ۲۱٫۵ و ۶ × ۱۴٫۵ س ۲۰

۳۰۵

(عربی)

حاشیه شرح تجرید

[۱۸۶]

سلطان العلماء محمد قاینی بر شرح جدید تجرید این حاشیه را نگاشته و در آن  
نکته‌هایی که هنگام درس میگفت فراهم آورد و از آغاز جواهر و اعراض است  
تا بحث مکان . نسخه اصل و بخط مؤلف است .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحيم الذي عرفنا الخلاص عن العلائق الجسمانية وعرفنا النجاة  
من العوائق الظلمانية .

انجام : بل قد يكون هواء وقد يكون ترابا وقد يكون ماء الى غير ذلك .

[۲۲۰]

این نسخه بخط نسخ و گاهی شکسته تعلیق از خود قاینی چنانکه در گ ۱ ب  
دیده میشود و حاشیه‌هایی دارد که به عبارت (منه) میانجامد و برخی جاها روی  
۱۵ سطرها خط کشیده شده و درست را پس از آن نوشت و جای (قوله) در هر جا

که متن را می‌آورد سفید است .

( ۲۲۹ ص ) - کاغذ سپاهانی - جلد تیماج ساده ۱۵

اندازه : ۲۰ × ۱۱ و ۱۳ × ۶ الی ۱۵ سطر

۲۰ (عربی)

حاشیه شرح حکمة الاشراق

[۱۸۷]

دانشمند صدرای شیرازی بر شرح قطب شیرازی بر حکمة الاشراق شیخ سهروردی  
این حاشیه را نگاشته است .

و در هامش همین شرح در تهران بسال ۱۳۱۶ بچاپ رسید شیرازی در آن  
از اسفار و شواهد ربوبی خود ص ۳۰۹ و ۵۳۵ یاد میکند .

آغاز : قوله دلالة اللفظ على المعنى آه الدلالة مطلقاً كون الشيء بحيث يعلم  
منه شيء آخر .

انجام : والخواطر فهو ملكي لان الجن لا يقدر على ذلك وامثاله ( ص ۵۳۶



درباره سخن سهروردی فاتها قد ترد علیهم فی اسطر مکتوبه درص ۵۳۵.

[۲۲۱]

این نسخه بخط تعلیق شکسته ملا علی نوری است که گویا همان فیلسوف ۲۸۱ (۱۲۴۶م) باشد.

(۴۹۷) . کاغذ قرمزی . جلد تیماج مشکی  
اندازه : ۱۹×۱۵ و ۱۶×۱۰ س ۲۷

[۱۸۸]

حاشیه شرح حکمة العین (عربی)

مولانا کمال الدین مسعود شیرازی ۹۰۵م بر شرح آمیخته شمس الدین محمد بن مبارکشاه شهیر بمیرک بخاری بر حکمت العین دیران قزوینی م ۶۷۵ و حاشیه آن ۱۰ این حاشیه را نگاشته است.

قطب شیرازی بر حکمة العین حاشیه نوشت و شمس الدین آنرا در شرح خویش آورد و میرسید شریف گرگانی م ۸۱۶ نیز بر این شرح حاشیه دارد و غیاث الدین منصور دشتکی و ملا میرزا جان باغنوی هم بر آن حاشیه نوشتند (ش ۵۱۶ و ۵۱۷ ج ۴ و ج ۱ ش ۲۱ و ۱۰۵ فهرست طوس).

آغاز : بسم الله و معتصماً بلطفه العمیم - الله ( رمز الشرح است ) اذا لاحظت بما له من صفات الجلال ای مع ما له من تلك الصفات . ۱۵

انجام : علی قیام مبادیها بالتوع - ثم قال المؤلف قد بلغ ما التزمه من التعليقات علی الشرح والحاشیه الی هذا المقام ومن الله الاستعانة فی التوفیق للاتمام .

[۲۲۲]

این نسخه بخط تعلیق ملک حسین بن محمود شاه اردکانی در ۱۰۳۲م میباشد و برخی ۲۹۴ جاها حاشیه (منه) دارد و چنین پایان میرسد : « فی شهر رجب المرجب سنة ۱۰۳۲ عن ید اقل عباد الله الغنی ملک حسین بن محمود شاه اردکانی » در این نسخه مطلبها پس از عبارت الله میآید و باسفیدی از هم جدا هستند .

ص ( ۴۹۱ ) - کاغذ سپاهانی - جلد تیماج سرخ ضری  
اندازه : ۱۸.۵×۱۰.۵ و ۱۱.۵×۱۱ س ۲۱

۲۵

[۱۸۹]

حاشیه شرح حکمة العین (عربی)

حاشیه ای است بر شرح آمیخته شمس الدین محمد بخاری بر حکمة العین

دیران از آغاز تا مبحث وجود و ماهیت و نگارنده آن بدست نیامد .  
آغاز : بسمله قال قدس سره اتمقال فاطر ذوات العقول ولم يقل فاطر العقول ...  
مرادهم بالتوهم المنفی امکانه و بیان امکان التوهم .

انجام : وعلى التقديرين يحصل الاستغناء عن الفكر الذى اريكه انش اتم م .

[۲۲۳]

این نسخه بخط تعلیق و عنوانهای « قال - اقول » و نشانه‌ها بشکرگرف است  
و حاشیه‌های (منه سلمه الله و منه دام ظله) دارد .  
( ۹۸ ص ) . کاغذ سپاهانی . جلد تیماج سرخ ضری  
اندازه : ۱۷×۱۰ و ۱۰×۵ س ۱۵

۸۵۰

[۱۹۰] حاشیه شرح منظومه (عربی) ۱۰

دانشمند حاج ملاهادی بن مهدی سبزواری (۱۲۱۲-۱۲۸۹) برهمة شرح  
منظومه فلسفی خود این حاشیه را نگاشته و در هامش همین شرح چندبار در ایران  
بچاپ رسید .

آغاز : الحمد لله المتجلى بنور جماله على الملك والملكوت .

انجام : قولنا كل الامانات آية اقتباس من الكتاب الالهى ان الله يامرکم ...  
اهلها وفى الفقرات متناوشر أحسن الخاتمة الهم اجعل خاتمة امور تاخيراً بمحمد وآله ...  
والصلوة على محمد وآله .

[۲۲۴]

این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط تعلیق ریز محمد علی فیروز کوهی بسال ۱۲۸۱  
میشدگ ۱ ب - ۹۹ ب .

۳۲۴

۲۰

[۱۹۱] حاشیه شرح هدایة (عربی)

سید امیر فخرالدین محمد بن حسین حسینی (۱) بر شرح مورخ ۸۸۰ قاضی

۱ - او جز فخرالدین محمد بن حسین حسینی سما کی استر ابادی گفتگو کننده بامیر داماد  
م ۱۰۴۱ است که در سالهای ۹۴۱ و ۹۵۰ و ۹۶۵ بر شرح تجرید حاشیه نوشت و شاگرد  
غیاث الدین دشتکی ۹۴۸ م بوده است و در ۹۷۰ یا ۹۸۴ در گذشت در طوس نسخه ای از همین  
حاشیه هست (ش ۱۰۶ و ۵۲۶ تا ۵۲۸) که از سما کی پنداشته و گفته که او آنرا برای  
ابوالغازی نظام شاه هندی نوشته است . بتکرید به : ذریعه ج ۶ ص ۱۳۹ و فهرست طوس  
ج ۱ ص ۳۶ و ۳۷ و ج ۴ ص ۷۷ و ۷۸ و ۸۷ .

۲۵

کمال‌الدین میرحسین بن معین‌الدین میبیدی م ۹۱۱ برهدایه اثیرالدین ابهری رمی  
م ۶۶۰ این حاشیه را نگاشته و تا به بحث فلکیات رساند و از خدای درخواست که آنرا  
باجام برساند. او نخست این حاشیه را نوشته و پاکنویس نکرده چون دید که  
دانشجویان آنرا میخوانند نوشته پیشین را گسترده و روشن نموده و چیزهایی  
بر آن افزود و بدینگونه که هست در آورد و در تبریز در ۱۴ شعبان ۹۲۸ از پرداختن  
آن بیاسود.

آغاز: بسم الله الحمد لله العليم الحكيم والصلوة على محمد المبعوث بالخلق  
العظيم... فيقول... محمد بن الحسين المدعو بفخر الدين الحسيني.  
انجام: ومنه الاستعانة لتحقيق الفنون الباقية انه الموفق ونعم المعين.

[۲۲۵]

این نسخه بخط شکسته تعلیق ریز و خیلی جاها پی نقطه است و حاشیه‌هایی دارد  
با عبارت (منه) و عنوانها در بسیار از جاها بشنگرف است و عنوان (قوله) در آغاز  
بسرخی نوشته شده و در پایان جای آن سفید است و نظام بن درویش محمد  
گونابادی (جناب‌دی) در ۱۰ ع ۲ سال ۹۸۶ در آستان طوس آنرا نوشت.  
(۱۰۴۳ هـ) کاغذ سمرقندی - جلد تیماج تازه  
اندازه: ۱۳ × ۱۹ و ۲ × ۱۱ س ۱۹

۱۰

۳۰۹

(عربی)

حاشیه شفا

[۱۹۲]

فیلسوف صدرای شیرازی (۱۰۵۰ م) بر الهی شفا حاشیه‌ای نگاشت که در تهران  
بسال ۱۳۰۳ بچاپ رسید و در آن از کتابها و رساله‌ها (ص ۱۲۶) و اسفار او (ص  
۲۰ ۱۲۶ و ۲۱۱) و از حکمت مشرقی شیخ (ص ۲) یاد میشود.

[۲۲۶]

این نسخه بخط تعلیق ریز عبدالرشید شوشتری است که در مدرسه آصفیه شیراز  
در روز شنبه ۱۲ ذی قعدة سال ۱۰۵۳ از روی نسخه خط شیرازی برای دانشمند  
بزرگی بنام شمس‌امیرزا محمد هادی نوشته و مقابله و تصحیح کرد بر گها با جدول  
زین و لاجورد و عنوانها بشنگرف میباشد و سر لوحی بزور لاجورد در آغاز نسخه هست  
(۲۲۶۳ هـ) کاغذ فرنگی - جلد تیماج ضربی زرکوب  
اندازه: ۱۳ × ۲۲ و ۲ × ۱۵ س ۲۵

۳۲۷

۲۵

افعل تیماج سبز با مسکوک زرکوب  
جلد لرحط مایه نه نقره



دانشمند فیلسوف مولی محمد باقر بن مولی محمد مؤمن سبزواری، سپاهانی (۱۰۹۰م) در روزگار شاه عباس دوم امام جمعه و جماعت و شیخ الاسلام بود و در مدرسه مولی عبدالله شوشتری درس میگفت وی شاگرد شیخ بهائی و استاد سید حسین بن حیدر عاملی و آقا حسین خوانساری شوهر خواهر خود و مولی محمد سراب بوده و بفارسی شعر میگفت این دانشمند برای شاگردان خود بر الهی شفا حاشیه ای نگاشته و در آن از خرده گیرهای شارحان پاسخ گفت و مانند خواجه طوسی بهمان روشن کردن گفتار شیخ پرداخت و خود از آن خرده نگرفت و این را در آغاز گفته است.

- ۱۰ آغاز: بسم الله الحمد لله رب العالمین... اما بعد فان کتاب الالهیات مما قد کثرت مراجعته المحصلین و طال نظر العلماء فی مباحثه.

انجام: و کل جزء من اجزاء النظام له غایة والمرجع اخیر الی العناية الاولى و يرجع الی نفس الذات الاحدیة (در پیرامون گفته شیخ «حتی یکون له فیما یکون عنه عرض» از نیمه فصل ۷ مقاله ۸ الهی در داناتی خدا س ۱۱ ص ۵۹۴ چاپی و س ۵ گ ۵۷۶ ب س ۲۴۳ خطی).

۱۵

[۲۲۷]

این نسخه بخط تعلیق ریز و از گ ۷۹ تا ۱۳۴ ب شکسته تعلیق میباشد و یک برک در آخر سفید است.

۲۶۳

(۴۱۶۶) - کاغذ و رنگی. جلد قیماج سرخ مقوایی

الدازه: ۱۹×۱۲ و ۱۴×۸ س ۱۹

[۲۲۸]

این نسخه بخط نسخ بی نقطه تاریخ ۱۱۹۰ و جای (قوله) سفید گذارده شده ۱۰۱۶ و در گ ۱۱ ب حاشیه ای از محمد مهدی حسینی هست و در آن از گفتار صدر الافاضل (صدرای شیرازی) که سبزواری از آن خرده گرفت استوار میگردد و باز در گ ۸۵ ب حاشیه ای است گویا از همو. برک ۱ موریانه خورده و چند کلمه ناخوانا است - در برک ۱ الف مهر میرزا عبد الجواد دیده میشود که کمی سوراخ شده و نسخه از کتابخانه او بوده است باز در گ ۱۴۳ ب مهر دارنده دیگری بنام محمد حسین هست.

۲۵

( ۱۴۳ برک ) کاغذ سپاہانی زرد - جلد تیماج سرخ ضربی فل و بولہ دار مقنوائی  
اندازه : ۱۵×۲۳ و ۱۵×۱۵ س ۱۳

[۱۹۴]

حاشیہ شفا

(عربی)

دانشمند آقا حسین خوانساری (۱۰۱۶ - ۱۰۹۸) برالهیات شفا یکبار حاشیه  
نوشته و هنگامیکه بحج میرفته است آن از میان رفت و باره دوم این حاشیه را  
نگاشته و در ۲۰ رجب ۱۰۹۶ از پرداختن آن بیاسود وی در آن از گفتار سبزواری  
خرده گرفت و از سخنان صدرای شیرازی نیز آورد (ذریعه ج ۲ ص ۱۴۲).  
آغاز : نام خدا و ستایش - قوله فی ابتداء موضوع الفلسفه . اقتحام لفظ الابتداء  
بناء علی ان الفصل التالی ایضاً فی ذلک الطاب .

انجام : ویکون محصل کلامه ان الایجاد الذی یکون بعد العدم المطلق اولی  
بان یکون ایجادا و هو ایضا که اتری فتدبر قد وقع الفراغ ... فی عشرين شهر رجب  
المرجب من شهر سنة ست و تسعين بعد الالف من الهجرة النبوية ...

حاشیه خوانساری از آغاز الهی است تا نزدیک بیابان فصل ۳ مقاله ۸ در معرفت مبدء اول،  
عبارت (المحدث هو الذی کان بعد ما لم یکن) از شفا (سطر آخر گ ۵۷۳ الف شماره ۲۴۳  
و س ۶ ص ۵۷۸ چاپی) از سنجیدن سخنان سبزواری و خوانساری (گ ۱۱۷ و ۱۱۸ ش ۲۶۳  
و گ ۱۲۴ و ۱۲۵ ش ۲۶۴) در مبحث وجود کلی طبیعی در فصل ۱ مقاله ۵ چنین  
برمیآید که خوانساری گفتار او را با عنوان (بعض الاعلام) میآورد و خرده میگیرد .  
خوانساری پس از پایان کتاب گفتاری شیوا دارد که در آن پس از نیایش و درود از  
شیخ رئیس و شفا و حاشیه خود میستاید و نگارش خویش را بشاه سلیمان بهادر خان  
(۱۰۷۷ - ۱۱۰۵) ارمغان میدهد و آغاز و انجام آن چنین است « بسملة الحمد لله

الذی نزل من القرآن ماهو شفا - ثم رزقه البلوغ الی اقصى ما لانطوی علیه بضمیره ...  
والحمد لله رب العالمین » .

[۲۲۹]

این نسخه بخط تعلیق خوش و متن با (قوله) آغاز و از حاشیه گاهی با نشانه سرخ  
و گاهی با رمز (آه) یا (الخ) یا با فاصله سفیدی جدا میشود و جای (قوله)

۲۶۴

نیز گاهی سفید گذارده شده . حاشیه از گ ۱ ب تا ۱۵۱ الف و گفتار بیوست از ۱۵۱ ب تا ۱۵۲ ب در مجلس (ش ۱۲۱ ج ۲ ص ۶۱) و در آستانه طوس (ش ۳۰-۵۲۹ ج ۴ ص ۸۷-۸۸) نسخه از این حاشیه هست و اندکی از آن در هامش الهی شفا ص ۳ چاپ تهران دیده میشود (۱۳۱۴) - کاغذ سپاهانی - جلد تیماج سرخ مقوایی

اندازه : ۸٫۵ × ۱۶٫۵ و ۱۵٫۵ × ۲۴٫۵ س ۲۰

[۲۳۰]

این نسخه شماره ۵ دفتر است و بخط تعلیق مورب گ ۴۵ ب ۴۶ الف و آغاز ۳۸۹ و انجام آن چنین است :

«قال الجبر المحقق العلامة آقا حسین رحمه الله في تعليقاته على الهيات الشفا

في مبحث الوجود : اما الاولى ای العينية فامرهما مشكل اذ لو بنى على طريقة ذوق المتالين ۱۰ كما قاله علامة الدواني - فلا شك انها اقوى من براهين الحكماء و بالجملة الامر واضح تعالى الله عما يقول الظالمون علواً كبيراً .

در هامش ۴۵ ب عبارتی از حکمة عرشیه (س ۲۲) آورده شده و در ۴۶ ب - ۴۸ الف باز چند قاعده از حکمت عرشی صدرای شیرازی دیده میشود .

۱۵ (عربی)

حاشیه شفا

[۱۹۵]

دانشمند جمال الدین محمد خوانساری (م ۲۶ رمضان ۱۱۲۵ در نزد يك بهشتاد سالگی در سپاهان) شارح اشارات بر آغاز طبیعیات شفا تافصل ۱ مقاله سوم فن سماع طبیعی حاشیه ای نگاشته که در هامش طبیعی شفا چاپ رسید (ص ۲-۸۲) و در فهرست مجلس (ج ۲ ش ۱۲۰) نیز به همین گونه یاد شد ولی در فهرست طوس (ج ۱ ش ۷۵) این حاشیه از آن پدر او آقا حسین خوانساری دانسته شد چنانکه در پایان نسخه ما نیز نویسنده آن چنین پنداشته است در ذریعه (ج ۶ ص ۱۴۲) نیز آنرا از پدر پنداشت با اینکه درص ۱۴۳ باز از حاشیه پسر یاد نمود در حاشیه نسخه ما (گ ۷ ب) از استاد محقق یاد میشود و پیداست که پسر از پدر یاد میکند . خوانساری در این حاشیه بیشتر بمباحث مشرقی رازی می نگرد و یادی از حواشی اشارات باغنوی میکند (حاشیه گ ۳۷ ب) باز از حاشیه اشارات پدر خود می آورد ۲۵ و از آن خرده میگیرد (حاشیه گ ۲ ب) پدر او بر شرح اشارات حاشیه نوشته و روز



دوشنبه ۴ شعبان ۱۰۷۱ آنرا پایان رسانده بود و همین جمال الدین بازر آن حاشیه‌ای نوشت آقا حسین حاشیه دومی هم بر آن شرح دارد که پس از دو سال نگاشته و در آن بر حاشیه سبزواری که پس از او نوشته است پاسخ داد (ذریعه ج ۶ ص ۱ - ۱۱۰) پس یکی از این دو حاشیه پدراست که پسر بدان می‌نگرد.

[۲۳۱]

این نسخه بخط نسخ خوش با عنوانهای شگرف و لاوردی در متن و هامش ۴۱۶ بتاریخ روز آدینه ۲۵ محرم ۱۱۱۶ و حاشیه (منه مد ظله) دارد و همین میرساند که حاشیه از پسر است و در روزگار او نوشته شد نه پدر که در ۱۰۹۸ در گذشت و نویسنده نسخه ما از او بماند مرده یاد کرد نسخه ما از آغاز ندارد و آنچه هست از اینجا است: «لا يلزم ان يكون متحرکا . قوله : طبيعة غير محدودة . كان المراد بها قابله للقسمة الى غير النهاية ولا ينتهى قسمتها الى حد .» که در پیرامون عبارت شیخ «وقال قوم انها طبيعة غير محدودة» در فصل ۱ مقاله ۲ سماع طبعی درباره حرکت س ۲۰ ص ۳۵ چاپی کاوش میشود و این آغاز در س ۲۲ هامش ص ۳۴ چاپی دیده میشود. این حاشیه مانند چاپی تا عبارت «ثم لا يخفى مافي حمل قوله او معها على ما ذكره من التكلف بخلاف ما ذكرنا فتدبر» (ص ۸۲) در پیراهون سخن شیخ «والاحوال التي تعتبر للاجسام من كميتها» از فصل ۱ مقاله ۳ سماع طبعی درباره جهت کمی طبیعیات (س ۱۶ ص ۸۲) پایان میابد و آغاز حاشیه در چاپی چنین است: «قوله الفن الاول في السماع الطبيعي الخ قال بعض سادة المحققين طاب ثراه هو ما يدكر فيه المبادئ العامة لابواب العلم» (ص ۲).

(۳۵۶) - کاغذ سپاهانی - جلد تیماج زرد مقوای تازه

اندازه: ۲۴×۱۳٫۵ و ۱۷×۷٫۵ س ۲۴

[۱۹۶] حاشیه الشواهد الربوبية في المناهج السلوكية (عربی)

از مولی علی بن جمشید نوری مازندرانی سپاهانی فیلسوف (مدرسپاهان رجب سال ۱۲۴۶) که بسته بسته و پراکنده از اشراق سوم شاهدیکم مشهدیکم تا اشراق شانزدهم شاهد دوم مشهد چهارم عباراتی را میآورد و نکته هائی از خود میگوید و در آن بورق و سطر نسخه ای که در دست نوری یا نویسنده حاشیه بوده هم اشاره میشود.

آغاز: بسم الله وبه نستعين في كتاب شواهد الربوبية في المناهج السلوكية در ورق

اول قوله الاشراف الثالث ان شمول الوجود ليس كشمول الكلّی قوله ليس كشمول الكلّی للجزئی تستهیدیه قوله تعالی الا انه بكل شیء محیط وتلك الوحدة یسمى عند قوم بالوحدة فی الكثرة نوری نورالله رمسه .  
انجام : حاشیه يك سطر بعد قوله واشتدت نغمته وربما فی ظاهر الامر ان بین ما ذكرناه اولاً . . . و بین انقطاعه عن كل واحد من اهلها منه .

[۲۳۲]

این نسخه شماره ۵ دفتر و بخط تعلیق محمدعلی کرمانشاهی نویسنده شماره ۸۷۰ یکم میباشد . گ ۷۳ ب - ۱۰۲ ب .

(عربی)

حاشیه مشاهیر

[۱۹۷]

میرزا احمد بن محمد ابراهیم بن الحاج نعمه الله اردکانی شیرازی چنانکه خود در دیباچه نسخه ما میگوید باره سوم که مشاعر صدرای شیرازی را خوانده است اندیشید که آنچه از استاد خود مولانا مصطفی العلماء یا دیگران شنیده و یا در کتابها دیده و یا خود در هنگام خواندن و آموختن آن بدان برخوردیده است گرد آورد این بود که این حاشیه را در بود استاد نگاشته و گاهی هم از او خرده گرفت (ص ۲-۹-۱۷۳ نسخه ما) او در اینجا از سروده های فندرسکی گواه آورد (ص ۱۷۰-۱۵ خطی و ۷۵ چاپی) . باز پس از مرگ استاد دیباچه آنرا گسترش داده و چیزهایی بر خود متن افزوده و آنرا « نور البصائر فی حل مشکلات المشاعر » نامیده و بنام وکیل الدوله ساخته و از وی بسیار بستود (دیباچه) و همین دومی است که در کنار مشاعر در تهران بسال ۱۳۱۵ ص ۲-۱۰۴ بچاپ رسید .

۲۰

[۲۳۳]

این نسخه بخط شکسته تعلیق و عنوان (قوله) شنکرف و حاشیه هائی از اردکانی با عبارت (منه) دارد و آغاز آن نزدیک بچاپی است : « بسمله احمدك اللهم یامفیض الخیر والحدود » و انجام آن چنین است : « قوله السادس فی ان واجب الوجود مرجع كل الامور الخ یعنی انه تعالی كل الاشياء وله احتمالات ... انتزع من زید عدم الكتابة علی ان یكون ذلك فقد الواقعی علة (نزدیک بآن درس ۷۵ چاپی دیده

۲۵

۲۹۶

میشود) و کم دارد و ص ۱۷۵ تا ۱۷۷ سفید باز در ۱۷۹ اندکی از همان بند اخیر دوباره آمده (۱۳ س ستون ۱ ص ۷۵ چاپی) و در ص ۱۸۳ تا ۱۸۷ سخنانی است درباره دانائی خدا که از ابن سینا و فارابی و بهمنیار و طوسی در آن یاد میشود.

(ص ۱۹۳ ص) - کاغذ فرنگی . جلد تیماج ساده مشکی  
اندازه ۱۰×۱۵ و ۵×۱۰٫۵ س ۱۴

۵

[۱۹۸]

## حدوث اجسام

(عربی)

در این نامه سخنان فیلسوفان و پیروان دینها آمده و از حدوث جسمها گفتگو گردید.

آغاز: هو بسملة اختلاف اهل العلم في حدوث الاجسام والوجوه المحتملة بحسب  
الفرض اربعة ۱۰

انجام: ثم حدث من الحركات السماوية امتزاجات هذه العناصر ومنها هذه  
المرکبات.

[۲۳۴]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۱۰ دفتر و بخط شکسته تعلیق گ ص ۱۰۸

[۱۹۹] ۱۵

## حدوث عالم

(عربی)

دانشمند صدرای شیرازی در این نامه از حدوث زمانی جهان بر روش خویش  
گفتگو و در آن سخنان فیلسوفان یونانی را آورد و از شواهد ربوبی خود (ص ۷۹ و  
۱۰۲ چاپی) و از رساله کلی طبیعی شیخ (ص ۵۰) و الامد علی الابد شیخ ابی الحسن  
عامری (ص ۸۳) یاد کرد. از این رساله است که در اسفار او یاد میشود این رساله  
در مجموع رسائل شیرازی در ایران بسال ۱۳۰۲ بچاپ رسید.

۲۰

[۲۳۵]

این نسخه شماره ۱۳ دفتر و بخط شکسته گ ۱۱۷ ب - ۱۱۹ الف و بیابان  
نمیرسد و بدینجا (وائیات الحركة الجوهرية لكل صورة طبيعية والاشارة الى  
نحو) میانجامد. ۱۰۳۰



[۲۰۰]

حدوث عالم (عربی)

دانشمند شمسای گیلانی در این نامه بروش فلسفی حدوث جهان را روشن نمود و در آن از حواشی خویش بر الهیات تجرید و شرح جدید آن و از حواشی خفزی (۹۶ ب) یاد نمود و از قبسات استاد خود میرداماد آورده و خرده گرفت (۱۰۴ ب) گیلانی آغاز ذی قعدة ۱۰۴۵ در طوس آنرا بنگارش در آورد .

۵

آغاز : بسملة ... الحمد لله الذی تفرد بالقدم والازلیه ... فیقول ... محمد المشتہر بشمس الجیلانی ... هذه رسالة فی اثبات حدوث العالم .

انجام : ای شمع بهره میگذازی خود را . تمت فی المشہد المقدس الرضوی ... فی اوائل شهر ذی القعدة المندرج فی سنة خمس واربعین والفاء وکتب مؤلفها بیده ... محمد الشہیر بشمس الجیلانی غفر الله له ولوالدیه ولجميع من له حق علیہما وعلیہ تم

۱۰

[۲۳۶]

این نسخه شماره ۵ دفتر و بخط تعلیق ریز گ ۹۶ ب - ۱۱۰ الف و بهمین خط در هامش حاشیه هائی با عبارت (منہ دأ م ظلہ) دیده میشود و در هامش نوشته است که از روی خط نگارنده نوشته شده پس نسخه را در روزگار شمس فراهم آوردند .

۱۵

[۲۰۱]

حدوث و قدم و صمد (فارسی)

عبدالرحیم رضوی حسینی علوی در این گفتار واژه های (حدوث و قدم و صمد) را می شناساند تا مطالبی که در رساله (دانائی خدا) آورده روشن گردد .

آغاز : بسملة والحمد لله رب العالمین ... بخواطرم (؟) رسید آنکه باین

۲۰

عبارات و بیاناتی که در این اوراق ثبت گردید .

انجام : عبارتش اینست که خدا و خلقش بالتمام (کم دارد) .

[۲۳۷]

این نسخه شماره ۴ دفتر و بخط تعلیق گ ۶۶ ب - ۶۷ ب از این پس تا پایان شعرها و نیایش است .

۸۸۷

[۲۰۲]

حروف (و صا له و...) (عربی) ۲۵

فیلسوف فارابی در این رساله که در ص ۵ - ۹۱ شناخته شده نخست از مقولات

سپس از دعائی لغوی و فلسفی عرض سخن رانده آنگاه از « ما بالعرض - ما بالذات - جوهر - ما بذاته - محمول بذاته - منسوب بذاته - موجود - شیء با اشاره بر آیه پرهانیدس که لاشی و لا موجود را یکی میداند - لغاتی که در خطابه و شعر و فلسفه و بکار می‌رود مانند : ما - ای - کیف - هل - الف استفهام - نعم و لا - لم » بـزا گفتگو نمود و در پایان از هنرهای پنجگانه منطق و پرسش هر یک و پیدایش مجازات و استعارات کاوش کرد. از دین و سیاست نیز در آن یاد گردید و از آن پیداست که فارابی بـزبانهای یونانی و سریانی و فارسی و سغدی آشنائی داشت ولی هیچ بادی از ترکی نمیکند.

آغاز : بسم الله الحمد لله رب العالمین . . . اما بعد فان معنى ان الثبات والدوام والكمال والوثاقه فى الوجود والعلم بالشىء (۱) .

انجام : فالسؤال الجدلى يكون بتصريح المتقابلين او يكون قوة ما صرح به قوة المتقابلين وكك فى كثير من الصنائع واما السؤال الخطبى فمن ضرور سؤالاته ان يكون ما خذ المتقابلين فقط

[۲۳۸]

این نسخه شماره ۲ دفتر و بخط شکسته بی نقطه در نیمه و در نیمه دیگر شکسته ۳۳۹ تعلیق روشن بتاریخ سه شنبه ۷ ج ۲ سال ۱۰۷۶ و بی غلط هم نیست گ ۳ ب - ۵۲ ب س ۲۵ - عنوان رساله در نسخه ما : « رسالة الحروف لابی نصر الفارابی وهو من اكبر مصنفاته واعظمها » و در پایان دارد : « تمت رسالة الحروف للفيلسوف ابي نصر الفارابی » .

الحروف ۲۰ [۲۰۳] (عربی)

میرفندرسکی در این گفتار که برای پیر و استاد خویش در ۵ بند نوشته است

۱ - پس از این دارد : « و موضع ان وان فى جميع الاسنة بين وهو فى الفارسية كاف مـكسورة حینا وكاف مفتوحة حینا و اظهر من ذلك فى اليونانية ان واون و كلاهما تاكید الا ان اون الثانية اشد تاكیدا فانه دليل على الاكمل والا ثبت والا دوم فلذلك يسمون الله اوان ممدودا الواو وهم يسمون به الله فاذا حملوه لغير الله قالوا ما بان مقصورة وكك يسمى الفلاسفة الوجود الكامل انه الشىء وهو بعينه مهيته ويقولون ما نية الشىء و يسمون ما موجوده الاكمل وهو مهيته الا ان حرف ان وان لا يستعمل الا فى اخبار فقط دون السؤل .

[۲۰۳]

الحركة

(عربی)

میرفندرسکی در این گفتار که برای پیر و استاد خویش در ۵ بند نوشته است از جنبش سخن راند و روشن ساخت که همه جنبندگان بیک جنباننده یگانه‌ای باز میگردند و در جهان هستی بمثالهای پلاتونی نیازی نیست و مثالها بیپوده‌اند.

آغاز: بسملة قال سيد الافاضل قدوة الفلاسفة الراشخين امير ابو القاسم . . .  
و بعد فانی ارید فی مقالتي هذه ان ابين امر الحركة ... وان المثل المنسوبة الى الافلاطون فضل لا يحتاج اليها.

انجام: فاذن المثل الافلاطونية فضل لا يحتاج (اليها) الموجودات. فهذا آخر ما اردت ايضاحه بايجاز واختصار مستقيم والحمد لواء العقل تمت بالخير.

[۲۳۹]

۱۰

این نسخه شماره ۶ دفتر و بخط شکسته تعلیق گ ۴۲ ب - ۴۳ الف گویا از محمد شریف بن محمد قائمی و باید در لاهجان میان ۱۰۴۰ و ۱۰۵۱ نوشته شده باشد.

[۲۰۴]

حظيرة الانس من ارکان رياض القدس

(عربی)

دانشمند احمد بن زین العابدین جمالی عاملی (م میان ۱۰۵۴ و ۱۰۶۰) که در ۱۵  
۱۰۱۲ از بهائی و در ۱۰۱۷ از داماد اجازه گرفت بر شرح تجرید این حاشیه را نوشته  
و در آغاز آن گفت که پیشه‌وار حواشی خفزی بر الهی تجرید تعلیقانی بنام ریاض القدس  
نوشتیم. چون خوانندگان کم مایه را خسته میکرد از آن گزین نموده و از گفته‌های  
فیلسوفان بویژه شفا در آن آوردم و آنرا «حظيرة الانس من ارکان رياض القدس»  
نامیدم و در آغاز ذی حجه ۱۰۳۷ است که بشکارش آن میپردازم. او بروش کلامیان  
و مشائیان و اشراقیان در این حاشیه سخن رانده و از فارابی و ابن سینا و بهمنیار و  
سهروردی و امام رازی و داماد و سماکی (۸۰ الف و ۵۸۵ ب) و تفسیر او (۴۰۵ ب)  
و دیگران یاد کرد و بروش داماد نگاشته است (۱).

۱ - او در پایان از سه نگارش فارسی خویش « مصقل فی تجلیة آینه حق نما فی رد  
مذهب النصاری - اللوامع الربانية فی رد الشبهات النصرانية من کتب الاناجیل الاربعة -  
صواعق الرحمن فی رد مذهب اليهود ان نقلا من التوراة » یاد میکند. وی کتابی در تفسیر  
بفارسی بنام لطائف غیبی دارد ش ۷۴ و ۲۴ که دز ۱۰۳۳ و ۱۰۴۴ آنرا نوشت.

۲۵



آغاز : بسمه عونك يا واهب الحيات و ملهم الخيرات . . . فيقول . . . احمد بن زين العابدين العلوي .

انجام : نقلا من التوراة فقد (تم) كتاب الموسوم بخطيرة الانس من اركان كتاب رياض القدس و يتلوه كتابنا الموسوم بروضة المتقين في مبحث امامة الائمة المعصومين .

[۲۴۰]

۵

این نسخه بخط نسخ و شکسته تعلیق روشن بتاریخ ۱۰۵۴ و درگ ۲۱ ب حاشیه ای دارد عبارات (منه مد ظله العالی) و در خیلی جاها عناوینها بشکرف است در پایان دارد : (تمت سنة ۱۰۵۴) و نسخه نوشته روزگار اوست .

۵۸۶ صفحه (۵۸۶) - کاغذ سپاهانی - جلد تیماج سرخ مقوایی  
اندازه : ۲۴ × ۱۴ و ۱۴٫۵ × ۱۷ س ۱۷

[۲۰۵] حقیقت و کیفیت سلسله موجودات و تسلسل اسباب و مسببات (فارسی)

شیخ رئیس در این گفتار بروش پرسش و پاسخ رشته هستی ها را چنانکه مشائیان میگویند گزارش داد .

آغاز : بسمله وله الحمد دائماً و کفی جوده . . . با کرم دوستی که دوستی وی خدای را بودنه ریاز در خواست تاحقیقت و کیفیت سلسله موجودات و تسلسل اسباب و مسببات بیانی رود بفارسی .

انجام : و شرح ایندو طریق عمرها باید و وقتهای مساعد تا برسییل اجمال اینقدر گفته شد والله اعلم بحقائق الامور .

[۲۴۱]

این نسخه شماره ۳ دفتر و بخط تعلیق محمد علی بن یوسف با عنوانهای شتکرف ۱۰۸۸ - ۱۳ - ب - ۲۰ ب نسخه از آن در طوس هست (ج ۴ ش ۶۴۳ ص ۱۲۵) .

(عربی)

حکمت عرشیه

[۲۰۶]

شیخ رئیس (حکمة عرشیه) را که خزر جی (عیون الابناء ج ۲ ص ۱۹ س ۲۹) درباره آن « و هو کلام مرتفع فی الالهیات » گفته و بیهقی آنرا (حکمة قدسیه) نیز خوانده است (ص ۵۶ و ۵۷) بدرخواست برخی از نزدیکان درباره حقایق خداشناسی

درسه اصل ( بود خدا - یگانگی او - نبود علتها برای او ) نگاشته و میگوید از دیگران در این نامه هیچ پیروی نکردم نسخه‌ای از آن با ( حکمة مشرقیه ) در کتابخانه مسعودغز نوی درغزین که از تاراج شهر سپاهان در ۴۲۷ فراهم آورد بوده وعلاءالدین حسین جهانسوز غوری بسال ۵۴۶ آنها را بسوزاند ( بیهقی ص ۵۶ ) .

- ۵ این حکمت قدسی یا عرشی و مشرقی را گویا شیخ پس از نگریستن بسخنان بلوتینوس در ژنولوگیا ( گزیده انشاد ) و آشنائی با گفته های صوفیان و نگارشهای باطنیان فراهم آورد. دانشمندان خاوری ( مشرقیون ) که او در برابر باختریان ( مغربیون ) یاد میکنند نه چنانکه دکتر بدوی در ارسطو عند العرب ( ص ۲۴ ) پنداشته است مشائیان بغداد در برابر شارحان یونانی نیستند چه شیخ آنها را ناتوان و ترسایان آنها را بی خرد میخواند و تازه آنها بجز گفته های همان شارحان چیز دیگری ندارند .
- ۱۰ و میتوان از سنجش سخنان عرفانی و تأویلی شیخ که فراوان هم هست با گفته های صوفیان و باطنیان چنین پنداشت که او از خاوریان دانشمندان ایرانی عارف یا باطنی را میخواهد نه متکلمان و مشائیان بغداد که از آنها نکوهش میکند. این نامه درد کن بسال ۱۳۵۳ بچاپ رسید .

[۲۴۲]

۱۵

این نسخه شماره ۴۴ دفتر است و بخط تعلیق زیبای محمد ناصرالدین بن نورالدین ص ۳۹۳ - ۴۰۰ .

۱۰۳۵

[۲۴۳]

- این نسخه شماره ۱ دفتری است دارای ۷ رساله که همه آنها بخط تعلیق و
- ۲۰ ۳۸۴ نو نویس از روی نسخه تاریخ ۱۲۶۶ بدستور دانشمند بزرگوار واقف فراهم آمده. پایات نامه چنین است : والحمد لواء العقل وملهم الصواب ( مانند ۱۰۳۵ ) اللهم افض من نور هدايتك علينا ... حتى نرزق جوارك في المقام الاعلى والالتداد بمشاهدة جمالک في المقصد الاقصى انک اهل التقوى و اهل المغفرة برحمتک يا ارحم الراحمين
- ص ۱ - ۲۷ .

( ۴۴۰ ) کاغذ فرنگی جلد مقوا - جلد مقوا

اندازه : ۲۱×۷ و ۱۶×۹ س ۹

(عربی)

حکمة العین

[۲۰۷]

نجم‌الدین ابوالحسن علی بن محمد دبیران کاتبی قزوینی ۶۷۵م فیلسوف منطقی  
نامور ایران این نامه را درطبیعی والهی پس از رساله‌العین درمنطق نگاشته است .  
آغاز : سبحانک یا واجب . . . ان جماعة من اخوانی . . . لما فرغوا من  
بحث الرسالة المسماة بالعین فی المنطق . . . التمسوا منی ان اضیف الیها رسالة  
فی العلمین الالهی والطبیعی .

انجام : وهی قوة مجردة عن المادة لما مر ولیکن هذا آخر ما اردنا ایراده فی  
هذه الرسالة ولواهب العقل الحمد بالانهایة والصلاة والسلام علی محمد وعترته بغير  
عدد وغایة .

[۲۴۴]

۱۰

این نسخه شماره ۲ دفتر و بخط نسخ و محمد موسی بن محمد رضا مشهدی  
آنها در پنجاه و ده سوم ع ۱ سال ۱۱۰۴ نوشته است برك ۶۱ ب تا برك  
۱۱۲ الف و نخستین آن [تخص المفتاح و سوم آن مشاعر شیرازی میباشد .  
( ۱۵۲ بر ۳ ) - کاغذ ترمه مشرقندی - جلد قیماج سرخ ساده يك لا  
اندازه : ۱۳ × ۱۷ و ۹ × ۱۴ س ۱۷

۱۴۸

۱۵

(عربی)

الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعة العقلیة

[۲۰۸]

فرزانه دانشمند صدرای شیرازی (م ۱۰۵۰) این کتاب را در فلسفه مخصوص  
خویش که آمیخته‌ایست از سخنان مشائیان و اشراقیان و عارفان نگاشته است او  
برخلاف استاد خود میرداماد که شاید از ترس ظاهریان بسیار دشوار و پیچیده مینوشت  
روان و شیوا و ساده ولی پر مغز نگاشته فلسفه را در دسترس همه گذاشت گرچه این  
فیلسوف بمانند استاد در نگارشهای خود نصوص دینی را گواه می‌آورد و آنها را با  
قواعد فلسفی سازش میداد ولی شاید روی همین ساده نویسی بود که از آزار و شکنج  
دشمنان نیاسود چنانکه در دیباجة برخی از کتابها از سختگیریها که درباره اش  
روا داشتند مینالد و در « الواردات القلبیة » ص ۲۵۸ از فقیهان و ستایشگران دربار  
نکوهش میکند . او در دیباجة همین « الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعة العقلیة »  
که آنها چنین نامیده و در « انصاف الماهیة بالوجود » آنها را الاسفار الابعه خوانده است .

۲۰

۲۵



- میگوید که در جوانی بفلسفه الهی پرداخته و بنگارشهای فیلسوفان پیشین و یونانیان می نگریستم و میخواستم کتابی جامع بنویسم ولی روزگاری که بدان دچار شدم نمیگذاشت تا گزیر گوشه ای گزیدم و چیزی ننوشتم تا اینکه بنگارش این کتاب پرداختم (۱). شیرازی در این کتاب ارجمندها از کلیات طبیعی و الهی گفتگو کرده و در آن از نگارشهای فیلسوفان و عارفان بهره برد ولی روش استدلالی مباحث مشرقی رازی در آن بسیار پیدا است او در اینجا استدلال را با شهود بیامیخت و برخی مسائل ( اصالت وجود - حرکت جوهری - اتحاد عاقل و معقول - حدوث عالم - تجرد خیال - مثال افلاطونی - عالم مثال - رستاخیز ) را با برهان روشن ساخت .
- این کتاب در چهار بخش است ( هستی - گوهر و عرضها - خداشناسی - روان و هریک برابر است با یکی از چهار سفر که عارفان را است .
- ۱۰

[۲۴۵]

در این نسخه بخش نخستین (الحکمة المتعالیه) است و بخط تعلیق زیبا در جدول زرین با سرلوح زیبا بزر و شنگرف و لاجورد میباشد و عنوانها بشنگرف است و در سپاهان سال ۱۲۴۵ نوشته شده است .

۲۵۷

( ۲۴۲ برص ) کاغذ فرنگی . جلد تیماج قهوه ضریب مقوایی

اندازه : ۱۴ × ۲۴ و ۱۷ × ۲۴ س

- ۱ - از اینجا پیداست که شیرازی نخستین بار بنگارش اسفار پرداخت ولی از باز گشتهای یک در هریکی از نگارشهای خود بدیگری میدهد پیداست که بسیاری از کتابها را با هم نوشته است . او در اسفار ( چاپ تهران در ۴ بخش سال ۱۲۲۲ و ۱۲۸۲ ) از رساله حدوث یاد نمود و در فصل ۶ منبج ۱ مرحله آن از حشر العوالم با طرح الکوئین و در همان حدوث ص ۷۹ و ۱۰۲ از شواهد ربوبی ( چاپ تهران ۱۲۸۶ ) و در آن ص ۱۴۸ از مبدء و معاد که بسال ۱۰۱۵ بیابان رساند و در دیباچه آن ص ۳ از اسفار یاد گردید چنانکه در همان حشر ص ۳۴۳ از اسفار یاد میشود . در دیباچه مشاعر ص ۷ از کتابها و رساله ها و در عرشه ص ۱۱۹ از کتابهای بزرگ و از اسفار ص ۱۴۴ و از کتابها و رساله ها و حدوث ص ۱۲۷ و ۱۶۶ و از حواشی شرح حکمة الاشراق ص ۱۳۳ و در این حواشی ( چاپ شده در کنار همان شرح ص ۳۰۹ و ۵۳۵ ) از اسفار و شواهد ربوبی یاد میشود در رساله تصور و تصدیق او که همراه الجوهر النضید در تهران بسال ۱۳۱۱ با رساله اتصاف الماهیه بالوجود چاپ گردید در ص ۸ از اسفار یاد شد و در حاشیه شقای او چاپ ۱۳۰۳ تهران ص ۱۲۶ و ۲۱۱ از کتابها و رساله ها و از اسفار یاد گردید .
- ۲۵
- ۳۰

## [۲۴۶]

بخش دوم (الحكمة المتعاليه) است با همانگونه خط شماره ۲۵۷ و بتاريخ ۱۲۴۴ نوشته شد.

( ۱۵۳ برك ) - كاغذ فرنگی - جلد روغنی و هردو سويش كتيبه و ۴۷ و بوته دارد و رنگارنگ و زمينه منكي است .

اندازه : ۱۴۵×۲۴۵ و ۱۷×۹ س ۲۴

## [۲۴۷]

بخش سوم (الحكمة المتعاليه) است با همانگونه خط شماره ۲۵۷ و در تاريخ ۱۲۴۴ نوشته شد .

( ۱۵۳ برك ) - كاغذ فرنگی - جلد روغنی مانند شماره ۲۵۸

اندازه : ۱۴۵×۲۴۵ و ۱۷×۹ س ۲۴

## [۲۴۸]

بخش چهارم (الحكمة المتعاليه) و پايان آن است با همانگونه خط شماره ۲۵۷ و در ۱۲۳۹ نوشته شد و در هاشم برك ( ۱ ب ) نوشته است (...يوم الاثنين سابع شهر رجب المرجب من شهر ۱۲۳۷) .

( ۱۴۴ برك ) - كاغذ فرنگی - جلد روغنی و مانند شماره ۲۵۸

اندازه : ۱۴۴×۲۴۴ و ۱۷×۹ س ۲۴

## [۲۴۹]

این نسخه نیز بخش چهارم (كتاب نفس) است و بخط نسخ باعنوانهای شنگرف و حاشیه‌ها بخط شکسته میاشد و در پشت کتاب بخط و مهر علم‌الهدی محمد پسر فیض‌کاشانی در تاریخ ۱۰۸۷ نوشته شده که از روی نسخه نوشته شده از روی نسخه فیلسوف شیرازی این نسخه را نوشته‌اند .

( ۲۸۸ برك ) - كاغذ ترمه سمرقندی - جلد تیماج سبز مقوای تازه

اندازه : ۲۹۱×۴۱ و ۱۸×۱۰ س ۲۵

## [۲۵۰]

این نسخه نیز بخش نخستین است و بخط تعلیق شکسته ریز باعنوانهای شنگرف و حاشیه‌هایی هم دارد و نویسنده آن محمد رضا بن محمد قدیم بن محمد کریم تبریزی است که در سپاهان در شب ۲۹ صفر سال ۱۲۳۲ از نوشتن آن بیاسود .

( ۲۴۴ برك ) - كاغذ ترمه سمرقندی جلد تیماج منكي ضربی مقوای

اندازه : ۱۸ - ۲۶۵ و ۹ - ۱۹ س ۲۵

## [۲۰۹] الحکومة فی حجج المثبتین للماضی بمبدء اذمانیا (عربی)

- خواجه ابوعلی سینا در این رساله که یازده فصل است پس از آوردن چندین مقدمه منطقی و فلسفی از حدوث و قدم زمانی جهان بروش مشائیان گفتگو میکند و دلیلهائی که دسته‌ای آوردند و برای گذشته آغاز زمانی نپنداشتند میسجد و آنها را بساخت قیاسهای منطقی برمیگرداند و روشن میکند که زمان و گیتی را آغازی نیست ۵ چنانکه در مبدء و معاد و نجات و فصل ۱ مقاله ۹ الهی و فصل ۱۱ مقاله ۳ سماع طبیعی شفا نیز چنین گفت سید داماد در قبس ۷ قیسات بسخنان شیخ نگریسته و درص ۱۸۰ از این رساله یاد نمود.

- آغاز: قال ابوعلی الحسین بن عبدالله بن سینا البخاری هذه رسالة عملتها فيما تقرر عندی من الحکومة فی حجج المثبتین للماضی بمبدء اذمانیا و بیان تحلیلها الی ۱۰ القیاسات بصورها و بمادة مقدماتها معها.
- انجام: فاذا بلغنا هذا المبلغ فلنختم المقالة و ههنا شبه اخرى لم اتعرض لها اذا كان المشغول شرحه و ایضاحه هو هذا النمط من الشبه و الحمد لله رب العالمین.

## [۲۱۰]

- این نسخه شماره ۴ دفتر و بخط تعلیق نو نویس از روی نسخه تاریخ ۱۲۶۶ ۱۵ میباشد قنواتی درش ۷۵ بنام (النهاية واللانهاية) از آن یاد نمود و در آغاز نسخه او پس از عبارت بالا دارد: « وقد قسمت هذه المقالة الى فصول عشر » و در فهرست طوس (ج ۴ ش ۶۹۴ ص ۱۴۲) از آن بنام (رساله در مبدء زمان ماضی) یاد گردید.

## [۲۱۰] حل مشکلات الاشارات (عربی)

- اشارات شیخ رئیس ابوعلی سینا چون دشوار بوده و با عباراتی کوتاه معانی فراوان و باریک در آن گنجانده شده بود دانشمندان روزگار بشرح آن پرداختند. یکی از آنها خواجه طوسی (۵۹۷-۶۷۲) میباشد.
- او چنانکه در دیباچه شرح خود مینگارد این کتاب را برای روشن ساختن اشارات شیخ و رد اعتراضات فخر رازی نوشته است و در نیمه صفر ۶۴۴ آنرا پایان ۲۵



رساند و روایت نخستین سلامان و ابسال را پس از این و روایت دوم آنرا پس از بیست سال (۶۶۴) بر آن افزود .

[۲۵۲]

این نسخه شماره ۱ دفتر و همه شرح اشارات را دارد و در انجام آن چنین آمده: «والله ولي السداد والرشاد ومنه المبدء واليه المعاد وهو معين صالح -

العباد وحسبنا الله ونعم الوكيل نعم المولى ونعم النصير فرغ المصنف اعلى الله محله من تصنيفه في اواسط صفر سنة اربع واربعين وستمئة» و عبارت «رقمتا كثر هافى حال صعب» تا پایان نسخه چاپ تهران (۱۳۰۵) را ندارد. گ ۱ الف تا ۱۶۷ الف -

شماره ۲ گزیده کمال الدین بحرانی است از داستان سلامان و ابسال ترجمه حنین بن اسحاق

این نسخه بخط نسخ نوشته شده و تاریخ نوشتن شرح اشارات ۴ ج ۲ سال ۶۷۲ می باشد

و نویسنده آنرا برای خود نوشته و ۲۸ سال پس از نگارش خواجه و ۱۴ روز و شش ماه

پیش از مرگ وی که در روز غدیر ۱۸ دی حجه ۶۷۲ رخ داده بود پایان رساند. از آغاز

تا برك ۱۹ بنسخ ریز و از برك ۲۰ تا ۲۴ بنسخ درشت تر می باشد و این دو خط مانا تازه تر

است و از برك ۲۴ تا برك پایان بنسخ درشت و با اعراب است عنوانها بشنگرف و درشت تر

از متن می باشد حواشی دارد بتعلیق و در شرح لغتها بفارسی و بخط تازه تری است و حواشی دیگری بنازی دارد .

از دارندگان نسخه نام آنها دیده میشود : فضل الله حسینی - نجم الدین بن عبد العلی -

محمد تقی بن شیخ احمد جوهری در تاریخ ج ۱ سال ۱۹۱ (?)

( ۱۶۸ بر ص ) . کاغذ ترمه سمرقندی ، جلد تیماج سرخ زرکوب مقوای

اندازه : ۱۷ × ۲۶ و ۱۳ × ۳۵

(عربی)

حی بن یقظان

(۲۱۱)

شیخ رئیس سه داستان هر موز فلسفی و عرفانی (سلامان و ابسال - حی بن

یقظان - طبر) دارد و دومی را در فردجان نوشته و در آن گفته که بدرخواست یاران

آنرا نگاشته و گزارش داده ام .

گویا این داستان بر سر زبانها بوده یا اینکه خود او در جای دیگر از آن

یاد کرده و شاگردان گزارش آنرا از وی خواستند گویند شیخ در رساله قدر از حی بن

یقظان و ابسال یاد نمود

بگفته ابن سبعین م ۶۶۹ شیخ در این داستان از آئین ( نوامیس ) پلانون

- و گفتار صوفیان پیروی نموده از تمدن و شهرنشینی و فلسفه کاوش کرد این سخن تا اندازه‌ای هم درست است چه پلاتون در آنجا خود را بنام یک بیگانه ناشناس آتنی نشان داده درباره ریشه قانون با یاران خویش گفتگو کرد. فیلسوف فارابی که از جمهوری و آئین گرفته است درسیاسات مدنی (ص ۵۷) از نوابت و در آراء مدنی فاضله ص ۱۰۹ از متوحد یاد نموده و در تحصیل السعاده ص ۴۶ گفته است که رهبر شایسته کشور خود بخود رهبر است خواه کسی ازش بپذیرد یا کسی او را یار نباشد و ناشناخته بماند همه اینها کسی را بیاد میآورد که خود میاندیشد و بجهان بنگرد و براز آن برسد و نیک و بد را از هم باز شناسد این باجه هم که تدبیر المتوحد نوشته است اندیشه چنین کسی را در آن نمایانده و در ص ۱۰ و ۵۴ از دو واژه «نوابت یا خودرو و متوحد» یاد نمود. شیخ رئیس در این داستان هم اندیشه و پندار یک مرد گمنام آزموده را نشان میدهد و شاید در نگارش آن از داستانهای ایرانی و بودائی که در اخوان صفا دیده میشود نیز بهره برده باشد میگویند ریشه آن همان داستان نوبلاتونی قبطی «ایمن ذریس - مردمدار» است که از هوملس دانسته شده (۱).

[۲۵۳]

- ۱۰۷۴ این نسخه شماره ۱۵ دفتر و بخط تعلیق ۲۱۶ الف - ۲۲۰ می باشد. ۱۵

۱ - ح. بن یقظان را مهران با ترجمه و گزارش گزیده آن بفرانسه بسال ۱۸۸۹ در لندن بچاپ رساند و در جامع البدایع و در مصر بسالهای ۱۲۹۹ و ۱۳۲۷ و ۱۳۴۰ و با ح. بن یقظان ابن طفیل و سهروردی در ۱۹۵۲ بچاپ رسید و بعبری نیز ترجمه شد (طریحی ۱۰۲) ابن زیلای مجوس سپاهانی و جوزجانی (بیہقی ص ۹۴) و بابا افضل کاشی بر آن گزارش نوشتند.

- ۲۰ نگاه به: ذریعہ ج ۷ ص ۱۲۹ - سرگذشت جوزجانی - شرح طوسی بر اشارات - دیباچہ احمد امین بر چاپ اخیر این داستان ص ۱۷ - متون ماسینیون ص ۱۲۹ - دیباچہ ساز و پیرایہ کاشانی چاپ ۱۳۱۱ - ابن طفیل اندلسی بیبروی از شیخ ح. بن یقظان دیگری نوشته و در پایان آن داستان سلمان را آورد و ریشه آن کوینا افسانہ (بت و شاه دخترش) باشد که در پیرامون اسکندر ساخته اند و نسخه آن با حروف لاتینی آراگون سده ۱۶ در اسکوریال هست و اورنک فلسفی بدان داد Gracian Balthazar در Critieon (سرقسطہ Saragozza ۱۶۵۱) هم از این افسانہ بهره برده است (دیباچہ احمد امین ص ۹ - ۱۳ - ۱۴) داستان ابن طفیل را فضل الله بن جهان هیجی اصفهانی پیارسی کرد (دیباچہ صلیبا بر چاپ ۱۹۳۵)

[۲۱۲]

حی بن یقظان منظوم (عربی)

در این بیت‌ها داستان حی بن یقظان بنظم در آورده شده و سراینده آن دانسته نشد  
آغاز:

حی بن یقظان ما حی بن یقظانا

سبحان موجد ذاك الشيخ سبحانا

شيخ من البلد القدسی منشأه

سرى الینا فحیما و اخیانا

انجام: لاشیء الطف منها ان من عرف القديم اصفی جمیع الخلق اذهانا.

[۲۵۴]

این نسخه شماره ۱۸ دفتر و بخط نسخ خوش در چهارستون چلیپا ص ۱۶۸-۱۷۲  
۱۰۳۵ و در پایان دارد « تمت القصيدة والحمد لله على نعمائه الحميدة في شهر شعبان  
سنة ۱۰۹۷ ».

[۲۱۳]

(عربی)

خزائن

دانشمند مولی احمد بن مولی مهدی نراقی م ۱۲۴۵ این کتاب را که مانند  
۱۵ کشکول بهائی جنگی است در همه دانشهای آن روزگار نگاشته دنباله مشکلات العلوم  
بدر خود دانشمند مهدی نراقی م ۱۲۰۹ ساخته است و چندین بار یکی در ۱۳۰۸  
بچاپ رسید.

[۲۵۵]

این نسخه بخط نسخ با نشانه‌ها و شکلها و عنوانهای شگرف و محمد مسیح  
۸۳۷ موسوی خوانساری در ۱۲۵۰ آنرا نوشته است و از دیباچه کمی ندارد و چنین  
آغاز میشود: « و تقلیة و فوائد عجیبة و دقائق غریبة و لکنه طاب ثراه اقتصر فیہ  
على المشکلات... و سمیتها بالخزائن ».

(۳۱۳۳) - ۱۳ غده سیاهانی - جلد تیماج زرد ضری

اندازه: ۲۱×۱۵ و ۱۴×۱۰ س ۲۲

[۲۱۴] ۲۵

(عربی)

خلق اعمال

دانشمند دوانی (۸۲۸-۹۰۸) درباره آزادی خواست و اراده این رساله را



نوشته و در آن از گفتار اشعری یاری نموده و گفت که او باندیشه خویش یا از روی سخنان پیامبر بتوحید افعال رسید دوانی در اینجا از شفا و تحصیل بهمنیار و رساله طوسی و رساله دقیق عمر بن الخيام شاگرد شیخ رئیس که همه از توحید افعال گفتگو کردند یاد میکند و میگوید که اگر عازم سفر نمی بودم برخی از سخنان خيام را گزین می کردم و در پایان بخبر کلیات خمس علی (ع) اشاره میکند و میگوید که توحید افعال و صفات و ذوات در آن آمده است .

آغاز : بسم الله اما بعد حمد الله ففتح القلوب مناح الغيوب ... فقد سألني ... مولانا سعيد الملة والدين محمد السدني الاسترآبادی ... ان اكتب ما حضرني في الوقت من الدقائق المتعلقة بمسئلة خلق الاعمال .

انجام : ویکفی فی تحقیق هذه المراتب الکلیات الخمس المأثورة عن امیر المؤمنین وبعسوب الموحدين علی بن ابی طالب ... فی جواب کمیل بن زیاد ... فاینظر بنظر دقیق ویتفکر فیہ بفکر عمیق ستجلی علیه انوار التحقیق والله ولی التوفیق .

[۲۵۶]

این نسخه شماره ۱۱ دفتری است دارای ۱۳ رساله و گفتار که بیشتر بنسخ ۸۸۱ با عنوانهای شنگرف و گاهی بتعلیق است و نویسنده آنها محمد بن فتح الله بسطامی میباشد که در مدرسه رزم ساریه قزوین و در باغ قاید حسن در تاریخیهای ۱۰۰۳ و روز آدینه ۱ و روز یکشنبه ۲ ع ۱ (؟) و روز شنبه ۱۴ و روز پنجشنبه ۱۷ ع ۲ (؟) و روز شنبه ۱۹ ج ۲ سال ۱۰۰۴ و روز دوشنبه ۵ ذی حجه سال ۱۰۰۵ و در سال ۱۰۱۴ برای دارنده نسخه صدرالدین محمد تبریزی نوشته است و این نسخه بخط نسخ تاریخ روز یکشنبه ۲ ع ۱ سال ۱۰۰۴ از همان نویسنده است از گ ۴۵ ب تا ۴۸ ب و گ ۴۹ الف - ۵۶ الف گفتارهای پراکنده است . نسخه از این نامه دوانی در طوس هست ( ج ۴ ص ۱۲۷ ش ۶۴۷ ) .

( همه دفتر ۳۱۳۳ ) کاغذ سپاهانی - جلد مقوا ته میثن

اندازه : ۱۴٫۵ × ۱۹٫۵ و ۷٫۵ × ۱۲ س ۲۱

[۲۱۵] خلق اعمال (عربی) ۲۵

دانشمند صدرای شیرازی بمانند استاد خویش فیلسوف داماد که ایقاعات و خلق اعمال ( ش ۶۴۷ ص ۱۲۷ ج ۴ فهرست طوس ) نگاشته است این گفتار را پرداخت وی در آغاز میگوید که چون سخن درباره سر نوشت و آزادی دشوار

و ماهیه سرگشتگی بود ما این نامه را نگاشتیم و گفته های دانشمندان (اختیار - جبر - امر بین الامرین یا علیت خدا و قابلیت مستقیم و غیرمستقیم موجودات در برابر فیض او) را در آن میاوریم سپس روش اهل الله یا وحدت وجود را یاد میکنیم این نامه در رسائل شیرازی بسال ۱۳۰۲ ص ۷-۲۷۱ و در کنار کشف الفوائد حلی بسال ۱۳۰۵ بچاپ رسید.

[۲۵۷]

این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط نسخ محمدعلی بسال ۱۳۰۱ میباشد گ ۱ ب - ۴۳۱  
۱۱ الف

[۲۵۸]

این نسخه شماره ۸ دفتر و بخط تعلیق محمدعلی که در مدرسه سپهسالار میرزا محمدخان قاجار بسال ۱۲۹۹ آنرا نوشت گ ۹۱ ب - ۹۳ ب این هر دو نسخه تمثیل پایان رساله (س ۱۶ ص ۳۷۵ - ص ۳۷۷ چاپ ۱۳۰۲) را ندارد. ۸۷۱

[۲۱۶] داستان علامان و ابسال (عربی)

این داستان فلسفی را جنین بن اسحاق (۱۹۴-۲۶۴) از یونانی بتازی در آورد و آن در تسع رسائل در مصر بسال ۱۹۰۸ و در آستانه با روایت ابن خلکان از سلامان و ابسال شیخ بسال ۱۲۹۸ بچاپ رسید. سپس کمال الدین علی بن سلیمان بحرانی فیلسوف روزگار طوسی آن ترجمه را با اندک افزایش و کاهشی در عبارت گزین نمود (نسخه ها) و آن در کنار شرح اشارات طوسی چاپ ۱۳۰۵ (نمط نهم) بچاپ رسید بی آنکه نامی از بحرانی در آن برده شود. شیخ رئیس بگواهی جوزجانی در سرگذشت نیز همین داستانرا نوشته و در آغاز نمط ۹ اشارات از آن یاد کرد رازی چون از این داستان آگاه نبود نتوانست در شرح اشارات سخن شیخ را روشن کند. طوسی در اینجا نخست از افسانه های تازی یاد نمود آنگاه روایت نخستین (۱) را که گزیده کوتاهی

۱- این روایت را جامی (۸۱۷-۸۹۸) بنام یعقوب بیک پسر اردن حسن آق قونیلو (۸۸۳-۸۹۶) بنظم در آورد که رشید یاسمی در تهران بسال ۱۳۰۶ خ بچاپ رساند و بنظم جامی را اگوست بریکتو Aug. Briceux بشر فرانسوی ترجمه کرده و با سرگذشت جامی و ترجمه روایت نخستین طوسی و باد پیافه ای در فلسفه و ادب فارسی در پاریس بسال ۱۹۱۱ چاپ کرد. ۲۵

است از ترجمه حنین و پس از پایان دادن شرح خویش یافته بود بر آن افزوده و گفت که این را فیلسوفی نادان برای گزارش سخن شیخ ساخته است. پس از بیست سال (۶۶۴) روایت دومی از آن که جز داستان حنین است جسته و بر شرح افزوده و گفت که این از شیخ است و گویا همان باشد که جوزجانی یاد نمود و شیخ نیز در رساله قضا و قدر از آن (واضح بن یقظان<sup>(۱)</sup>) نام برده است و عبارت اشارات هم با همین روایت میسازد و من گفتار شیخ را درباره این داستان نیاورده‌ام تا سخن بدر از آن کشد شیخ در آغاز رساله (طلسمات و نیرنجات) میگوید: از من داستان ابدال و سلامان که بر توده مردم پوشیده است پرسیده‌ای و من پس از آن از جادو و طلسم و نیرنگها و شگفتیها که کمتر از طبیعت سر میزنند آوردم و روشن میسازم که هر يك چیستند تا بتوان بر از پوشیده رسید (۲).

در داستان حنین که بحرانی از آن گزین نمود اندیشه یونانی و قبطی با هم آمیخته و مردی را نشان میدهد که نه از پدر و مادر آفریده شده است. ابن طفیل ۱۰ م ۵۸۱ حی بن یقظان خویش را بر پایه سرگذشت چنین مردی نهاده و در پایان آن این داستانرا بریخت دیگری آورده است.

[۲۵۹]

این نسخه شماره ۲ دفترست دارای شرح اشارات طوسی گ ۱۶۷ ب تا ۲۴۷ ۱۶۸ ب و بهمان خط نسخ شرح اشارات و بی حاشیه و ساده میباشد و پیدا است که در روزگار خواجه نوشته شده است.

آغاز نسخه: «هو اللطیف - قال الحکیم کمال الدین البحرانی رحمه الله تعالی (تا اینجا در نسخه چاپ تهران نیست) هذه قصة سلامان وابسال اللذين كانا في زمن هرمانوس الملك بن هرقل السوفسطيقي انتجت من نقل حنين ابن اسحاق من اليوناني الى العربي والكتاب الذي انتجت منه كان بخط الشيخ ابي الحسين (ابی حسین - در چاپ تهران) اللوكری قال كان في الزمن القديم قبل طوفان النار ملك يقال له هرمانوس » و انجام داستان در چاپ تهران چنین است: «وكان آخر ما كتب الالواح من لسان سلامان

۱ - دیباچه حی بن یقظان چاپ دمشق ۱۳۵۴ ص ۳ ت.

۲ - چاپ تهران در کنار شرح هدایه شیرازی ص ۳۴۵



ان اطلب العلم والملك من المعلومات الكاملات فان الناقصات لا تعطي الاناقصا . و آخر دعوانا ان الحمد لله . . . وسلم » .

انجام نسخه ما این است : « ان يهلك بسلاحتي يستريح منها فقال له هرمانوس ايها » و برابر است با سطر ۱۳ ص ۱۶۳ ترجمه چنین وسطر ۶۶ هامش صفحه ۲ تخط ۹ شرح اشارات چاپ تهران و بیشتر از نیمه این داستان در نسخه ما نیست .

## [۲۱۷] دوره فخریه (عربی)

فرزانه روشن بین عبدالرحمن دشتی فارسی جامی (۸۱۷-۸۹۸) این نامه را درباره آئین صوفیان و متکلمان و فیلسوفان باستانی و سخن آنها درباره هستی خدا و چگونگی آفرینش این همه هستی ها از خداوند یکتا نگاشته است .

آغاز : بسمله وبه نستعين الحمد لله الذي تجلى لذاته بذاته فتعين في باطن علمه مجالى ذاته وصفاته ... فهذه رساله في تحقيق مذهب الصوفيه والمتكلمين والحكماء المتقدمين وتقرير قولهم في وجود الواجب . . . وكيفية صدور الكثرة من وحدته .

انجام : وقال الحكماء افعال العباد واقعة على سبيل الوجوب . . . اذا قارنت حصول الشرايط وارتفاع الموانع والله اعلم .

## [۲۶۰]

این نسخه شماره ۸ دفتر است و بخط نسخ تاریخ ۱۰۹۷ گ ۱۵۳ الف - ۱۵۹

الف . درطوس شش نسخه بشماره های ۱۷ (ج ص ۱۵) و ۵۶۶ تا ۵۷۰ (ج ۴)

از این نامه هست که در پایان یکسان نیستند و نسخه ماماتند شماره ۵۶۷ میباشد .

میرزا محمد حسین رئیس کتاب ازدارندگان این دفتر بوده و مهر او دیده میشود (۹۷

الف و ۱۳۰ الف) .

## [۲۱۸] ۲۰ الدعاوی التنبيهية (عربی)

این نگارش فارابی درص ۹۱ شناسانده شده است .

## [۲۶۱]

این نسخه شماره ۶ دفتر و بخط تعلیق با نشانه های شنگرف گ ۶۷ ب - ۷۲

الف . ده بند از افلاطون و سه بند از سقراط و ۲ بند ارسطو دردنبال دیده میشود

عنوان رساله در نسخه ما چنین است : « الدعاوی التنبيهية المنسوبة الى ارسطاطاليس

الحکیم محررة عن الحجج لابی نصر الفارابی » .

فیلسوف کندی بغدادی در این گفتار از تذکر که افلاطون آنرا با تعلم یکی میدانداکوش میکند و روشن میسازد که روان از جهان عقلی چه چیز را و چگونه در جهان حسی بیاد میآورد و نیز یادآوری از جهان حسی در جهان عقل چگونه است و بکسی که این نگارش را از او درخواست و او آنرا در خورهوش وی و بروش پرسش و پاسخ نوشته است میگوید که این مسئله دشوار و برای پست تر از تو نیاز بشرح بیشتری دارد. در اینجا باتحاد عاقل و معقول اشاره میشود.

آغاز: والفصل العاشر رسالة فی شرح ماللنفس ذکرة مما کان لها فی عالم العقل اذ صارت فی عالم الحس ومالهاذکر مما فی عالم الحس ان صارت فی عالم العقل. سددک الله سبیل الخیرات وحصنک من شیک الخیرات وهداک الی اغراض الخفیات. ۱۰ انجام: وهذا القول فیما طلبت کاف فکن به سعیداً والحمد لله کفانعمه ومنتهی اماننا وهو حسبنا وبه نستعین.

شیخ رئیس در این نامه که در دکن بسال ۱۳۵۳ بچاپ رسید از رعد و برق وصاعقه گفتگو نمود.

این نسخه شماره ۶ دفتر است دارای ۱۱ رساله ادبی و عرفانی و فلسفی بخط ۱۰۸۹ تعلیق محمد تقی تفرشی بسال ۱۳۵۵ و حسن تقدیسی بسال ۱۳۵۶ که ۱ آن ۲۰ فرهنگ منظوم تازی بیارسی است گ ۲ ب - ۸ الف و ۵ آن تفسیر عین الحیوة بهائی است گ ۳۷ ب - ۴۲ الف و ۹ تفسیر باطنی و عرفانی و فلسفی سوره اخلاص این سینا که در آن از شناساندن چیز بی سبب و بسیط بلازم قریب یاد میکند و آنرا از تعریف مرکبات بمقومات کمتر نمیداند و بمنطق شفای خویش بازگشت میدهد (ص ۳۰۴ چاپی در کنار شرح هدایه شیرازی) و از همین پیداست که این تفسیر از شیخ است. گ ۷۱ ب - ۲۵

۷۴ ب و ۱۰ تفسیر سوره فلق شیخ است گ ۷۴ ب - ۷۶ الف این رساله بخط تعلیق تقدیمی است گ ۵۷ ب - ۵۹ ب قناتی در ش ۵۵ از آن یاد نمود -

(همه دفتر ۹۶ ۴) - کاغذ فرنگی - جلد مقوا

اندازه : ۱۳×۲۰ و ۱۰×۱۶ س ۱۹

۵ [۲۲۱] و احاطه توفیق (فارسی)

این رساله بدستور شاه عباس دوم صفوی (۱۰۵۲-۱۰۷۷) از روی خبرهای شیعی که ترجمه پیارسی میشود درباره اسب نوشته شده و يك مقدمه (سبب رام شدن اسبان) و دو مقاله (سوداسبها - نشانه خوبی و بدی آنها) و خاتمه (آداب سوار شدن اسب) میباشد.

۱۰ آغاز : بسمله . سمند باد پای اندیشه را که بهمعنایی ادهم قلم از قید ذلت وامکان جسته مطابق الیمین در ساحت عزت و وجوب جولان نماید

انجام : هرگاه این کلمات را بگویند محفوظ خواهد بود نفس او و چهاربای او تا وقتی که فرود آید . والسلام علی من اتبع الهدی .

[۲۶۴]

این نسخه شماره ۴ دفتر است و بخط شکسته تعلیق از روی نسخه نگارنده نوشته شده گ ۳۴ ب - ۳۷ الف در پایان دارد : «بلغ من اوله الى آخره من نسخه بخط مؤلفه رحمه الله بقدر الوسع والطاقة» .

۲۲۲ [۲۲۲] ربط الحوادث، بالقدیم (عربی)

۲۰ خواجه طوسی در این رساله از ربط آفریده حادث با آفریدگار قدیم گفتگو کرده از استاد خود امام سعید فریدالدین محمد نیشابوری با عنوان (رحمه الله) (گ ۵۹ الف) و از دوری که او درباره عدم لاحق و سابق موجود آورده است یاد میکند .

آغاز : بسمله قال الحكماء العله التامه لا تنفك عن معلولها بتمامه  
انجام : فهذا ما تقرر عندی من مذهبهم فی الموضع والله ولی التوفیق للخیر  
وهو الملم للمصواب . تم الکلام .



۳۷۳ این نسخه شماره ۳ دفتر و بخط تعلیق شکسته تاریخ ۱۰۸۵ گ ۵۸ ب - ۶۰ الف می باشد .

[۲۲۳] رساله درباره تجلی خداوند بر کوه طور (فارسی)

- ۵ از خواجه سلطان محمد نواب سپاهانی بروش عرفانی و عالم حروف در حل مسئله پاشیده شدن کوه طور و بر جای ماندن تن موسای پیامبر در هنگام تجلی خداوند آغاز : هو - حلی که نواب اصفهانی خواجه سلطان محمد نمودند - تجلی حضرت بر کلیم الله در طور سینا .

انجام : پس بر این تقدیر حرف ثالث بترقی حرف رابع بوده باشد والسلام .

- ۱۰ این نسخه شماره یکم دفتر است و بخط تعلیق در ۳ صفحه رویه برگ ب - رویه برگ ج .

( ۲ + ۱۱۶ + ۶ برگ ) - کاغذ قرصی - جلد نیمج زرد ، حاشیه زرد  
اندازه : ۹۵ × ۱۹٫۵ و ۱۵ × ۱۹ س

[۲۲۴] رساله فلسفه (عربی) ۱۵

- نگارش ابن کمونه اسرائیلی است که در آن از منطق بروش متأخران در باب ۱ و در ۷ فصل و از الهی در باب ۲ تا ۷ (امور عام ۷ فصل - اعراض و جودی و اعتباری ۹ فصل - جسمهای طبیعی ۴ فصل - نفسها ۷ فصل - عقلا ۷ فصل - خدا ۷ فصل) گفتگو نموده و دفتر است سودمند و روان و شیوا که برای امیر عزالدین فخر الاسلام و المسلمین معتمد الدولة مجد الملك مفخر العراقین دولت شاه پسر امیر سیف الدین سنجر صاحبی هنگامیکه نزد پسرش پسر میرده است بنگارش در آورد و در بامداد پنجشنبه ۱۹ ذی قعدة سال ۷۰۶ به پایان رساند (۱) .

- ۲۵ ۱ - در الحوادث الجامعه ابن الفوطی بغدادی ص ۴۱ می نویسد که ابن کمونه را پس از تکفیر فقیهان بسال ۶۷۳ نهانی بجله بردند و در آنجا در گذشت و آشکار نمیزاد که در چه سالی بمرد . از تاریخ کتابهایش پیداست که وی در سالهای ۶۶۷ و ۶۷۰ و ۶۷۹ و ۶۹۰ - ۷۰۶ زنده بود .

نگاه به : گفتار نگارنده در مجله جلوه سال ۲ شماره ۷۰۶ تاریخ ۱۳۲۵ ص ۹-۳۰۸ - ذریعه ج ۲ ص ۷-۲۸۶ و ج ۴ ص ۴۰۶ و ۴۲۵ و ۸-۴۶۷ - دیباچه آفای کر بن برتلویجات و مقوامات و مطارحات ص ۶۵ - تذکرة النوادر ش ۲۰۷ ص ۱۴۵ که از نسخه ش ۲۴۴۷ اباصوفیا یاد میکند و گویا همین کتاب باشد .

این کمونه در فصل ۲ باب ۷ (ص ۱-۲۵۰) این دفتر و در لمعه (ش ۸۶۱/۱۶) گک ۱۳۹ ب - ۱۴۰ الف) از شبهه‌ای که از او پنداشتند یاد کرده و رد نمود و پیدانیت که چرا دانشمندانی مانند داماد و صدرای شیرازی و محقق سبزواری درباره او این اندازه بدگمان شده و گاهی نکوهش کردند.

آغاز: بسم الله قال العبد... سعد بن منصور بن سعيد بن الحسن بن هبة الله بن كمونة... احمد الله تعالى... وبعد فقد اتفق ارباب العقائد العقلية والديانات النقلية. انجام: اوجب له التامل وثوقا تاما وطمأنية الى سعة رحمة الله تعالى في الآخرة فاسئلك اللهم ان تجعلني من اهلها وتدخلني في زمرة عبادك الصالحين... والحمد لله حمد الشاكرين تم بالغدي يوم الخميس التاسع عشر من ذي القعدة من سنة ست وسبع مائة

[۲۶۷]

این نسخه بخط تعلیق خوش دانشمند شادروان میرزا یدالله نظر پاك كجوری است که در ۱۳۵۰ بخش منطق و در ۳ ع ۲ سال ۱۳۵۱ الهی را پایان رساند. عنوانها بشنگرف و حاشیه‌هایی از كجوری در هاشم هست. در طوس نسخه‌ای هست (ج ۴ ش ۱۰۰۷ ص ۲۴۵) که ما نا همین رساله ما باشد.

۱۵ ( ۲۹۰ ص ) - كاخذ فرنگی - جلد تیماج سرخ ساده مقوالی  
اندازه: ۱۶ × ۲۰ و ۱۷ × ۱۴

(فارسی)

رساله فلسفی

[۲۲۵]

این رساله را سید شریف گرجانی (۷۴۰-۸۱۶) در پاسخ پرسشهای اسکندر بن عمر شیخ بن تیمور گورگانی که از سپاهان بسال ۸۱۵ برای او فرستاده است نگاشته و در ده فصل میباشد (پوزش خواهی برای کوتاهی ادراك - حکمت آفرینش - آفریده نخستین - آمیزش جان و تن و جدائی آنها - پاداش و کیفر رستخیز - فرشته - اهریمن - صراط و پرسش و ترازو - معراج پیامبر - پند بزرگان).

آغاز: حمد یحمد مر حضرت باری را که عین بصیرت انسان را جهت دریافتن حقایق و دقائق منور و روشن گردانید.

انجام: و اشاره بتوحید از آنجانشی میشود والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب.

این نسخه شماره ۳۷ دفتر است و بخط تعلیق ۲۰ ذی قعدة ۱۰۹۷ ص ۳۱۲  
 ۱۰۳۵ این رساله در نسخه ما ۷ فصل و يك خاتمه است و چنین آغاز میشود: «هو  
 رساله میرسید شریف که بجهت سلطان طغرل تصنیف کرده . فصل در تمهید  
 معذرت جهت قصور ادراک . در عبارت اکابر علما بحث و فکرت تصریح کرده اند» اینکه  
 رساله برای سلطان (ابوسعید) طغرل نگاشته شده باشد چنانکه در ش ۱۲۹ (ج ۱  
 ص ۴۱ فهرست طوس) هم یاد شده نادرست است. در طوس شش نسخه دیگر (ج ۴ ش ۳۴۰  
 تا ۳۴۵) هست و اسکندریه نامیده شده. بنگرید بشماره ۱۰۳۷/۴ ص ۱۹۳ این فهرست .

### [۲۲۶] رساله و جبهه در نفس ناطقه (فارسی)

در این گنتار شش دلیل بر بود نفس ناطقه آمده و در سه فصل پس از آن از  
 ۱۰ بایرداری و خوشی روان گفتگو میگردد .

آغاز: بسمله . بدانکه معرفت مطلوب که بحق تعالی است سهل است جدا  
 از قبل خود .

انجام: و بنور قدس واصل نمیشود و در ظلمات بعذاب الیم معذب میگردد  
 و اعوذ بالله .

۱۵

۱۰۸۸ این نسخه شماره ۴ دفتر است و بخط تعلیق گ ۲۱ الف - ۲۵ الف .

### [۲۲۷] روان شناسی (فارسی)

این رساله بفارسی است و در روانشناسی عقلی و در آن از حس و محسوس  
 ارسطو یاد میشود و گفتار او درباره خواب میاید (۱۰۳ الف - ۱۰۹ ب - ۱۱۴ ب) .  
 ۲۰

این نسخه شماره ۱۸ دفتر و بخط تعلیق کر کی با عنوانها عبری و شنکرف  
 ۲۵۳ سال ۱۰۷۵ گ ۱۰۳ الف - ۱۱۴ ب و از آغاز ندارد و چنین است:

« دارد . دوازدهم چیز آنست که عرش قوی بود بر آنچه چیزی که بیاید

کردن و دلیر و پیشرو بود بکردن آت چیز - لایحق الباری شبهة و کثرة و قدمت  
 ۲۵ الرسالة . . . فی اواخر شهر ذی حجة الحرام ۱۰۷۵ والحمد لله وحده العزيز» و فصلهای



رساله در اینها است : « اندامها و نیروها و جانهای آنها - جانها و پایه‌های آن - نیروی پندار و خواب و اثرهای آن - خواب - کار نیروی پندار در خواب و بیداری - نیروی خدائی - نیروها بزبانهای گوناگون - کار نیروها در خواب - عقل فعال - جسمهای هیولانی - نیروی دریا بنده جان - چگونگی دریافت - دانسته‌های گوناگون و آنچه اولی و روشن است - سعادت - نیکی و بدی و زشتی و زیبایی - صفتهای خدا و توانائی و یگانگی او » فصل پایان کتاب بتازی است .

[۲۲۸] روانشناسی و خداشناسی (فارسی)

در این رساله روان و خدا شناخته شده است .

آغاز : یا واحد . بسمله . اما بعد بدانکه این مختصر کتابی است در بیان معرفت نفس و علم خداشناسی و دانستن لقای حق .

انجام : سودا سرد و خشک است ، چنانکه در زمستان سرد و تر است خاک سرد و خشک است .

[۲۲۹]

۱۰۳۸ این نسخه شماره ۸ دفتر و بخط شکسته تعلیق گ ۵۵ ب - ۶۵ الف .

۱۵ [۲۲۹] روائع الکلام و بدائع الحکم (عربی)

این کتاب دارای دو مقدمه در دوم طلب و دو باب است (۱ هستی‌های گوناگون ۲ - طبیعیات در ۴ مقصد) و در آن از طوسی و دوانی (۲۰۸ ب) یاد شده و اخبار شیعی دیده میشود .

آغاز : بسمله و به نستعین الحمد لله صمدا خالدا مع خلوده حمدا یوافی دوام جوته ... فانی کنت قبل هذا قد صنعت لآبواب خزائن الحکمة مفاتیح المنی .

[۲۷۲]

این نسخه شماره ۲ دفتر است و نخستین آن شمائل ترمذی (۱ ب - ۶۳ الف) میباشد و بخط نسخ با عنوانهای شکر و در پایان باب ۱ (۱۶۰ ب) دارد که محسن بن علی موسوی در شام پنجشنبه ۸ ذی قعدة ۱۲۷۰ آنرا نوشته است و نسخه ۲۵ در مشکوة ۵ مقصد ۳ باب ۲ پایان میباشد بدینگونه « مشکوة . اذا کان دورة واحدة واجتماع عدة دورات ... ولم تفرح الحركات والادوار فیحدث مثل ما سبق لآعینه » و در

شوشتر نوشته شده و از آن کتابخانه احتشام الدوله بوده است گ ۶۵ ب - ۲۲۲ ب  
( همه دفتر ۳۲۳۵ ) - کاغذ مرغی - جلد تیماج سرخ ضربی  
اندازه : ۱۵ × ۲۱٫۵ و ۱۵ × ۸ س ۱۵

[۲۳۰] روح (رساله در تحقیق...) (عربی)

در این رساله که از برخی از صوفیان دانسته شده از «روح اعظم» که پرتو  
و نمایش پروردگار است گفتگو گردید.

آغاز : بسمله و حمد و صلوة . واعلم ان الروح الاعظم الذی فی الحقیقة هو الروح  
الانسانی مظهر الذات الالهیة من حیثیة ربوبیتها .

انجام : فمن تحقق له حال الرب مع المربوب تحقق له ما ذکرناه وهو الهادی

الی سواء السبیل . ۱۰

[۲۷۳]

۱۰۳۸ این شماره ۱۰ دفتر و بخط شکسته تعلیق مورب گ ۷۳ ب ۷۴ الف

[۲۳۱] روضة القلوب (فارسی)

دفتری است پیارسی و از مسئله های طبیعی و الهی که بدو جهان تن و جان  
بستگی دارد گفتگو میکند و در نسخه ها از خواجه طوسی دانسته شد که بمشرب  
تأویل و روش اسمعیلیان در آن سخن راند خواجه کتابهای دیگری هم دارد مانند  
آغاز و انجام و سیر و سلوک که بچاپ رسیده و روش تأویل در آن پیداست و کتاب  
دیگری بنام روضة التسلیم یا تصورات هم از او دانسته شد که در بمبئی بسال ۱۹۵۰  
بچاپ رسیده و روش اسمعیلی در آن پیدا است .

این کتاب را خواجه طوسی برای گروهی از مردم سپاهان که با آنها نشست  
و خاست داشت و بدرخواست آنان نوشت و روضة القلوب نام نهاد نسخه ای در مجلس  
ش ۶۳۹/۳ هست .

آغاز : بسمله سپاس خدا را که بی واسطه بچود خود وجود ما را پیدا کرد ...  
جماعتی اصحاب دل از اهل سپاهان که مرا بایشان نشست و خاست بود درخواست  
تا کلمه چند بر حقیقت جمع کنم و این را روضة القلوب نام نهادم . ۲۵

انجام و سخنی که از بزرگان باشد با خود میگوید که آنرا اثری عظیم باشد و این ضعیف را اگر اتفاق افتد یاد کند انشاء الله تعالی تمت الرسالة روضة القلوب بالخیر والظفر .

[۲۷۴]

این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط تعلیق با نشانه‌ها و عنوانهای شنکرف است و از برك ۲ ب تا ۴۵ ب. دوم آن تحفه خواجه طوسی میباشد . ۱۰۸۴

(عربی)

الرؤیا

[۲۳۲]

از نگارشهای کوچک ارسطو « کتاب الذکر والنوم » در قفطی و خزر جی یاد شده و مورخان از طبایع صغری *Parva Naturalia* « النوم والیقظه - الاحلام - الکشف فی النوم » (۱) را بشمار آورده‌اند و این رساله کوتاه باید از اولی یا دومی گرفته باشد . ۱۰

آغاز : مقالة من كلام ارسطوطاليس في الرؤيا . قال الرؤيا حركة للبقايا التي بقيت من المحسوسات .

انجام : و ربما ر كبت هذه الصور تر كيماء عينا و يسمى اضغاث احلام .

[۲۷۵]

۱۵

این نسخه شماره ۱۳ دفتر و بخط تعلیق کرکی گ ۹۰ ب - ۹۱ الف میباشد . ۲۵۳

[۲۷۶]

این نسخه شماره ۲۳ دفتر و در برك ۷۹ است . ۳۳۹

[۲۷۷]

این نسخه شماره ۷ دفتر و بخط نسخ در برك ۳۲ ب میباشد . ۸۸۱

۱- حس و محسوس و حافظه و تدکیرهم از طبیعیات صغری است و چنین است نام لاتینی آنها :

De seusu et sensilibus—De memoria et reminscentia—De somno et vigilia - De somniis—De divinatione per somnum

همه اینها را ابن رشد پس از برخورد دوم بسال ۱۱۶۹ با یوسف موحدی و ابن طفیل

۲۵ گزین نموده و در آنها از سال ۱۱۵۹ یاد کرد .



[۲۳۳]

ره انجام نامه

(فارسی)

از افضل‌الدین کاشانی است در شناخت هستی و خود و آگاهی و دانش و سود آن دو. این کتاب در ۱۳۱۵ خ (ش ۵ انتشارات دانشکده معقول) و در ۱۳۸۱ نشریه دانشگاه بسال ۱۳۳۱ بچاپ رسید.

[۲۷۸]

۵

این نسخه شماره ۷ دفتری است بسیار پاکیزه بخط تعلیق زیبا با عنوانها ۳۴۰ و نشانه‌های شنکرف گ ۱۰۵ ب - ۱۲۳ ب و در میان آن (گ ۱۱۱-۱۱۳ الف) چهار عنوان یا گزیده‌های کیمیای سعادت غزالی است از کاشانی بدینگونه: دیباجه - در ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ گ ۱ - گفتار ۲ - اندکی از چهار عنوان - باز گفتار ۲ - در ۳ و ۴ گفتار ۳ - در ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ گ ۱ - در ۲ و ۳ گفتار ۳ از س ۴ گ ۱۱۸ الف ۱۰ تا س ۸ گ ۱۲۱ ب باز از جای دیگر است این نسخه در اینجا بسیار آشفته و آمیخته می‌باشد

[۲۷۹]

این نسخه شماره ۲۱ دفتر است و بخط تعلیق گ ۳۲۱ الف - ۳۴۰ ب و جناب آقای مشکوة آنرا با دو نسخه تاریخ ۱۱۰۴ و ۱۳۳۰ برابر نموده است. ۴۳۱

[۲۸۰]

۱۵

این نسخه شماره ۷ دفتری است و بخط تعلیق خوش ملامحمد مهدی رودباری ۱۰۳۶ پایان ۲۷ سال ۱۱۰۴ گ ۵۰ ب - ۵۶ الف در پایان دارد: «تمام شده گفتار خواجه افضل کاشی مسمی بره انجام».

[۲۳۴]

زوراء

(عربی)

دانشمند دوانی (۸۲۸ - ۹۰۸) این رساله را در تجف بسال ۸۷۲ نوشت ۲۰ در چند مسئله فلسفی (علت در خود ذات معلول اثر میکند نه در ظهور آن و معلول جز علت نیست و پرتوی است از آن و استحاله نابود شدن است یا نه و صورتها در نیروهای خرد و شعور چگونه هویدا میشوند...) که بنام گزیده آورده و باروش نویسی از آنها کاوش کرده است.

آغاز: بسم الله... الحمد لذاته لولیه بذاته... فقهذه نبذة من الحقایق بل ۲۵ زبذة من الدقایق.

**انجام :** ولا یفلح الساحر حیث انی ولا تنسی فی اوقاتک و اشر کنی فی صوالح  
دعواتک والصلوة . . . علی آله و صحبه اجمعین والحمد لله رب العالمین حمدا کثیرا  
مبارکافیه .

[۲۸۱]

این نسخه شماره ۲۷ دفتر و بخط تعلیق شکسته رجبعلی بن جواد علی مازندرانی  
سال ۱۰۶۲ گ ۱۳۰ ب - ۱۳۲ الف. زوراء در چاپخانه حسینیه سال ۱۳۲۶  
بچاپ رسید - فهرست طوس ش ۷۴۴ .

(عربی)

مختار فی فلسفه

[۲۳۵]

گفتارهایی است درباره هستی خدا و آفریدگان از شمسای گیلانی و در آن  
از استاد خود چنین یاد میکند « و جمیع ماذکرنا تفصیلا هو مختار الاستاد الفیلسوف  
الکبیر قدس سره فی تصانیفه القدسیة و کتبه النوریه » گ ۱۴۷ ب و از خالق اعمال  
دوانی (۱۵۱ الف) و شرح هیاکل او (۱۴۵ الف) نام میبرد در پایان میگوید : این  
برگها را بروش اهل تاله و اشراق در ۱ صفر سال ۱۰۴۷ در حجاز نوشته ام .  
آغاز : اعلم ان الوجود بالاعلة یجب ان یکون وجود اقاماً بالذاته .  
**انجام :** و قد وقع الفراغ من تسوید هذه الاوراق . . . فی ازل شهر صفر . . .  
فی بلدة الحجاز . . . فی سنة سبع و اربعین بعد الالف .

[۲۸۲]

این نسخه شماره ۱۱ و بخط تعلیق ریز باحاشیه (منتهی دما ظله) ۱۴۵ الف - ۱۵۱  
الف در برك ۱۴۴ ب رمز « س م س ر ح م ه الله » دیده میشود و اشاره بشمس  
میباشد .

(فارسی)

حاشیه هی جودات

[۲۳۶]

در این رساله رشته هستی ها از خدا تا طبیعت یاد میشود .  
آغاز : بسم الله الحمد لله رب العالمین . . . بدانکه جمله حکما میگویند که  
واجب الوجود لذاته موجب بالذات است از ذات واجب الوجود يك جوهر  
صادر شد . ۲۵

انجام : و بکمال ندارند بمرور ایام از آن خلاص یابند و السلام علی من اتبع الهدی فی ۱۷ شهر رجب ۱۲۹۲ .

[۲۸۳]

۸۷۶ این نسخه شماره ۱۱ دفتر و بخط تعلیق گ ۸۲ ب - ۸۶ الف میباشد .

۵ [۲۳۷] سواد العین فی حکمة العین (عربی)

شمس الدین محمد خفری بر شرح شمس الدین محمد بن مبارکشاه مشهور بمیرک بخاری جنگی بر حکمة العین دیران قزوینی و حواشی آن تعلیقهای نگاشته سپس همه را گرد آورده و چنین نامید .

آغاز : بسملة الحمد لله رب العالمین . . . . . فبقول . . . محمد بن احمد الخفری قد انفتحت منی فی سالف الزمان تعلیقات علی شرح حکمة العین و حواشیه و سمیتها ۱۰ سواد العین فی حکمة العین .

انجام : الوجود الحقیقی الذی اثبتہ المحققون فاعلم ذلک انه دقیق . تمت الرسالة

[۲۸۴]

۳۸۰ این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط نسخ با عنوانهای شگرف گ ۱ ب - ۳۷ الف - درطوس نسخه ای بشماره ۱۴۲ (ج ۱ ص ۴۵) هست . ۱۵

( همه دفتر ۴۹۵ ) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج منکی ساده

اندازه : ۱۸×۱۲ و ۱۲×۸ س ۲۱

۲۰ [۲۳۸] سواد العین فی حکمة العین (عربی)

این حاشیه بر مبحث طبیعیات است و از همان خفری و باید دنبال حاشیه پیش باشد .

آغاز : بسملة و به نسمة عین فی العلم الطبیعی هو الذی موضوعه الجسم الطبیعی . . . . . و فیہ مقالات اختار فی عددها اول الاعداد الدائره و هو خمسة اختارها فی القسم الاول . انجام : وقد تقرر ان التحت فی غایة البعد عن الفوق و ثالثها ما ذکره المحشی .

[۲۸۵]

۳۸۰ این نسخه شماره ۳ دفتر و بخط تعلیق ریز و بی نقطه و جای عنوانها سفید میباشد گ ۶۲ ب - ۹۵ ب - در گ ۶۱ الف درباره این حاشیه نوشته است : ۲۵



« کتاب سواد العین و هو حاشیة حکمة العین صنفه المولی ... محمد الخفیری ... » و دو صفحه بعدی سفید است .

(فارسی و عربی)

حقیق نامه

[۲۳۹-۲۴۰]

این گفتار بمانند فاذن پلاتون نگاشته شده و گفته گوی ارسطو را دردم مرک

۵ باشا گردان خویش نشان میدهد و بنام رساله تفاحه یا تفاحیه Liber de pomo

خوانده میشود. در آن از هرمس پروردگار افسانه‌ای یونان بنام پیامبر یاد شده است .

چنین گفته گویی میان ارسطو و شاگردانش نشده و پیدا است که آنرا ساخته اند

چنانکه گاهی آنرا از سقراط دانستند ( نسخه ۲۹۰ اخلاق کتابخانه تیموری قاهره

بنام مختصر کتاب التفاحه لسقراط ) متن در مجله مقتطف در ۲۰-۱۹۱۹ بچاپ رسید (۱)

۱۰ بابا افضل کاشانی آنرا بیارسی کرد و مارگلیوٹ این بیارسی را در روزنامه انجمن

آسیائی همایونی با ترجمه انگلیسی و بررسی درباره مترجمان آن بسال ۱۸۹۲

ص ۱۸۷-۲۵۲ بچاپ رساند بی آنکه نداند از کاشانی است باز همین بیارسی در تهران

بسال ۱۳۱۱ و در نشریه ۱۳۸ دانشگاه بچاپ رسید و نسخه ای در مجلس (۶۰۳/۵)

هست .

[۲۸۶]

۱۵

این نسخه بیارسی از کاشانی و شماره ۷ دفتر بخط تعلیق سال ۱۰۷۹ و ۱۰۸۰

گ ۵۷ پ - ۶۲ الف .

۴۰۲

[۲۸۷]

این نسخه نیز بیارسی کاشانی و شماره ۳ دفتر و بخط شکسته تعلیق محمد علی بناریخ

۱۰۳۱ گ ۸۰ پ - ۱۱۶ ب میباشد .

۴۳۱ ۲۰

۱- اخوان صفا ( ج ۴ ص ۱۰۰ مصر ) و بیهقی ص ۱۸۹ و ابن سیمین در نامه خود  
به دریک ۲ از آن یاد کردند و موسی بن میمون آنرا ساختگی دانست و بهبری و لاتینی و آلمانی  
ترجمه شد - بفکرید به : تاریخ فلسفه اسلامی دیوتر از ابوریده ص ۲۰ - متون ماسینیون  
ص ۱۷۸ - دکتر خضیری در رسالة الاسلام ش ۴ سال ۱ ص ۱۰۳-۴ - دیباچه ارسطو عند العرب

ص ۸ - دائرة المعارف اسلامی کلمه ارسطو

۲۵

[۲۸۸]

این نسخه بتاری و شماره ۲۲ دفتر ص ۱۸۸-۱۹۶ و آغاز و انجام آن چنین است: «هو بسمله. مقالة للحکیم ارسطاطاليس لتلامذته في حال النفس في المتقلب قالها عند ما حضرته الوفاة. لما قرب لارسطاطاليس اجله اجتمع اليه اصحابه و تلامذته. فاخذ بيد قريطون فوضعها على وجهه و قال اسلمت نفسي الى قاتل النفس الفلاسفة ثم قضى. نجزت. والله الحمد كثير او الصلوة... السلام.

[۲۴۱]

محمود و صليوك

(فارسی)

- نگارشی است از خواجه طوسی که بدرخواست وزیر قطب الدین مظفر بن محمد گرد آورده و اعتقاد خویش را در آن نوشت و بناصر الدین مظفر بن مؤید داد تا بدر بار رسانند و پاسخ گیرد. طوسی میگوید پدرم از دائی خویش که شاگرد داعی الدعاة تاج الدین شهر ستانه بوده است بیاموخت و خودم از کمال الدین حاسب شاگرد بابا افضل کاشی هنر ریاضی آموختم و او همواره از ظاهریان و متلذدان اوضاع شریعت نکوهش میکرد و مرا این سخنان دلپذیر میآمد مگر اینکه از او درخواستم لب حقیقت را برایم هویدا سازد مرا کودک دانسته و شایسته شنیدن آن ندید. باز از مخدوم سعید شهاب الدین و صلاح الدین حسن و فصول مقدس علی ذکره السلام (۵۵۷-۵۶۱) ص ۶۴ و مجلس عالی ناصر الحق والدین (همانکه اخلاق ناصری را برای او نوشت) ص ۶۵ یاد میکنند و درست بروش اسماعیلیان نگاشته و بایستی میان ۵۵۷-۵۶۳ پرداخته باشد (۱). این رساله در تهران بچاپ رسید.
- آغاز: بسمله رب انعمت فرد ربنا آتنا من لدنك رحمة... بزرگترین نعمتی و جسیم ترین موهبتی که عموم بندگان خداوند زمان.
- انجام: بزرگوار تا منقرض عالم پاینده باد و آفتاب جلال افق کمال تابنده و السلام.

[۲۸۹]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۵ دفتر و بخط تعلیق در ص ۵۹-۷۹ میباشد.

[۲۴۲]

## شرح آداب البحث

(عربی)

گزارشی است آمیخته از میبیدی بر آداب البحث سمرقندی که در ص ۵۸ شناسانده شده .

[۲۹۰]

این نسخه شماره ۱ دفتر است و بخط نسخ و تعلیق محمدعلی در مدرسه سپهسالار ۸۷۱ میرزا محمدخان قاجار در ۱ ج ۱ سال ۱۳۰۱ گ ۱ ب - ۵۸ الف. در کنار گ ۲۰ الف حاشیه منه دیده میشود .

[۲۴۳]

## شرح اثبات عقل

(عربی)

خواجہ طوسی گرچه در تجرید الکلام خود شاید برای خوشنودی متکلمان ۱۰ درد لیلای اثبات عقل مجرد شک نموده ولی در این رساله از راه قطع بیودن حکمهای یقینی و واقعی عقل مجرد را ثابت میکند. محقق دوانی همینکه بدین رساله نگریست بشکته هائی برخورد و آنها را در این شرح آمیخته آورد در پایان میگوید که مرا درباره نفس امر سخنی ژرف است امیدوارم که آنرا بشگارش در آورم - او در این گزارش از طوسی خرده میگیرد (۱) .

۱۵ آغاز : بسم الله وبه نستعين بعد حمد الله مبدع الحقائق . . . فيقول . . . محمد بن اسعد الصديقي لما اتفق لي مطالعة الرسالة التي اخترعها . . . الخواجه نصير الملة والدين محمد بن الحسن الطوسي . . . في اثبات الجوهر المفارق المسمى بالعقل الكلي سنح لي في اثناء المطالعة دقائق . . . فاردت ان اثبتها . . . والتزمت ايراد لفظه في تلك الرسالة ممزوجة بما سنح لي من الزوايد. قال شكر الله سعيه : اننا لا نشك في كون الاحكام اليقينية التي قد حكم بها اذهانتنا . ۲۰

انجام : از خواجہ « وتارة بالكتاب المبين المشتمل على كل رطب ويا بس وذلك ما اردناه والحمد لله رب العالمين » از دوانی « اقول انما يثبت كونه عقلا . . . ولی فی تحقیق نفس الامر كلام بعيد الغور ار جوامن عناية الله وحسن توفيقه تيسر تحقيقه وثنيجه انه خير من اعان وهو المستعان وعليه التكلان وله الحمد في كل آن وزمان



[۲۹۱]

این نسخه شماره ۲ ایندفتر و میرزا بدالله کجوری آنرا بخط تعلیق خوش خویش در مدرسه ناصری تهران بسال ۱۳۵۸ نوشته است و در ۹ صفحه میباشد نشانه‌های آن در دنبال « مصارع المصارع » نوشته شد.

۲۶۹

[۲۹۲]

۵

این نسخه شماره سوم دفتری است که دارای سه رساله میباشد و بخط نسخ با عنوانها شنگرف نوشته شده و روی متن خط سرخ است و در پایان آن دارد: (تمت الرساله فی تحقیق نفس الامر فی یوم الخميس من شهر جمادی الثانی سنة ۱۰۹۹) گ ۱۵۱ ب - ۱۵۴ الف و دو رساله دیگر بخط تعلیق است و ابوصالح حسینی مشهدی در مدرسه فخریه سپاهان در ۱۰۹۸ آنها را نوشت. ما نا نویسنده این رساله نیز همو باشد.

۲۹۰

(همه دفتر ۱۵۴ برگ) - کاغذ ترمه سمرقندی جلد نیمه حاج حاشیه دار

اندازه: ۱۸۵×۱۰ و ۱۴×۶ س ۱۹

[۲۹۳]

این نسخه شماره یکم دفتری است و بخط شکسته بی نقطه و مورب نوشته شده ۱۵ و روی متن خط کشیده شده است گ ۱ الف - ۳ الف.

۳۳۹

[۲۹۴]

این نسخه شماره سیزدهم دفتری است که دارای ۱۵ رساله و گفتار میباشد گ ۱۵۲ الف و ب و بخط تعلیق و روی متن خط سرخ کشیده شده است.

۹۲۶

(همه دفتر ۱۵۵ برگ) کاغذ ترمه سپاهانی - جلد مقوای

اندازه: ۲۷×۲۰ و ۲۰×۲۰ س ۲۵

۲۰

(عربی)

شرح حکمة العین

[۲۴۴]

نجم الدین علی بن عمر دبیران کاتبی قزوینی دانشمند منطق و فیلسوف ریاضی دان شافعی (۶۷۵م) که شاگردخواجه طوسی و استاد علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶) بوده و حلی او را در اجازه پسران زهره بسیار ستوده و از داناترین روزگار خود به منطق دانست کتابی در فلسفه دارد بنام حکمة العین که علامه حلی آنرا به (قال واقول) شرح نموده و در تاریخ ۶۹۴ آنرا پایان رساند.

۲۵

آغاز : بسمله الله وبه نستعين الحمد لله ذى العز الباهر والاسطان القاهرة . . . فهذا كتاب ايضاح المقاصد في شرح حكمة عين القواعد شرحت فيه ما جملة شيخنا المعظم ...  
 الكتّابي القزويني نعمة الله تعالى بالغفران واسكنه منازل الرضوان .  
 انجام : انها ليست جسماً ولا حالة في جسم علي ما تقدم والله اعلم بالصواب والحمد لله  
 وحده وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين فرغ من تأليف هذا الكتاب مؤلفه ...  
 ۵ في ثامن شوال سنة اربع وتسعين وستمائة .

[۲۹۵]

این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط نسخ و عنوانها درشت تر که حسین بن محمد بن  
 ۴۳۳ حسین بن سلیمان در روز شنبه ۱ رمضان سال ۷۳۱ آنرا نوشته است گ ۲ ب -  
 ۱۳۷ الف - نصیر گلپایگانی و سید ابی القاسم موسوی و سید محمد باقر از  
 دارندگان نسخه بوده اند و در محرم ۹۰۳ این نسخه خریده شده گ ۲ الف ( ص ۵  
 همین فهرست ) .

( همه دفتر ۴۱۲۸ ) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج سرخ ضری

اندازه : ۲۱×۱۴ و ۱۰×۱۶۵ ص ۲۴

(عربی)

شرح حکمة العین

[۲۴۵] ۱۵

شمس اندین محمد بن مبارکشاه منطقی معروف بمیرک بخاری بر حکمة العین دبیران  
 قزوینی شرح آمیخته و سودمند نگاشته و حاشیه ای را که قطب شیرازی (۶۳۴-۷۱۰)  
 بر آن نوشته بود آورد .

آغاز : بسمله - اما بعد حمد الله فاطر ذوات العقول النورية و مظهر خفيات اسرار

۲۰ الربوبية .

انجام : قوه مجردة عن المادة امام في الالهی ولیکن هذا آخر ما اردنا ايراده  
 في هذه الرسالة والحمد لله رب العالمين والصلوة ... على سيدنا محمد ... واله واصحابه  
 الذين من اقتدى بهم اهتدى .

[۲۹۶]

این نسخه از آغاز کتاب است تا مبحث ۲ (نفس حیوانی) از مقاله ۵ (نفس نباتی  
 و حیوانی) در آنجا که از نفس انسانی گفتگو میکند و در برك ۲۰۵ ب بدین عبارت پایان

۲۴۵

## شرح قصص

(عربی)

شرحی است از شنبی شام غازی تبریزی بر فصوص فارابی. او از دانشمندان  
تبریز است و دبیری در هرات نزد قوشچی و مولانا حسین منطقی و سپس در شیراز نزد  
دوانی بیاموخت. او در گورستان کجیل بر سر راه روستای خسرو شه بخاک سپرده  
شد. دوانی شاگرد دیگری داشت بنام امیر جلال استرآبادی م ۹۳۱ که او هم  
گزارشی بر فصوص نوشت استاد در باره آندو گفت: «این سیدزاده تبریزی از درخت  
طبیعت ما میوه های رسیده چیده و با خود برد و آن سیدزاده استرآبادی رسیده  
و نارسیده را چید و برد (۱)» بنگرید به ص ۱۰۰ همین فهرست.

[۲۰۰]

این نسخه شماره ۲ دفتر است و بنسخ باعنوانها و نشانه های شنگرف و تصحیح  
شده و متن زیر خط سرخ نوشته پیرپاشاه بن محمد بساری سال ۹۸۶ که در  
شنبه ۲۳ شوال آنرا با نسخه فاضل اردبیلی و نسخه نگارنده (شنبه) برابر  
و درست نمود و در نسخه شنبی نوشته بود که او در نیمه روز آدینه ۲۵ ع ۲ سال ۸۹۶  
پایان رساند - در گ ۲۱ پ و ۳۵ الف حاشیه «منه» دارد - گ ۱۷ ب -  
الف -

(همه دفتر ۱۴۱) - کاغذ سمرقندی زرد - جلد تیماج مشکی ضری

اندازه: ۱۸×۹ و ۱۴×۹ س ۱۷

(عربی)

## شرح قصیده عینیّه

[۲۵۰]

شیخ رئیس درباره پیوند جان با تن قصیده عینیّه ای دارد که جوزجانی و  
لدین عرابی و داود انطاکی و جمال الدین علی بن سلیمان بحرانی (۲) و سید  
سریف گرگانی یا دوانی و سیوطی و فیلسوف سبزواری (در اسرار الحکم) و دیگران  
آنها گزارش نوشتند و چندین بار به چاپ رسید (قنواتی ش ۹۳).

۱- کشف الظنون - فهرست طوس ش ۸۳۳ ص ۱۸۷ ج ۴ - دانشمندان

۲۵

آذربایجان ص ۳۹

۲- بنگرید به: ص ۱۸۰ همین فهرست. شرح او «النهج المستقیم علی طریقه

الحکیم» نام دارد: قنواتی شرحی دیگر از سلیمان مجوزی بحرانی یاد میکند.



این گزارش پیدا نیست که از کیست و در پایان دارد که روش خود شیخ را در آن بکار برده ایم.

آغاز: قال الشيخ الرئيس... هبطت إليك من المحل الارتفاع... الهبوط هو الحركة من علو إلى سفلى مع الشعور والشعور بيبين السقوط.

انجام: انعم برد جواب ما انا فاحص عنه فنار العلم ذات تشعشع. اقول هو غنى عن الشرح وهذا آخر ما قصدناه من الشرح... وراعيًا قانون مذهبه والله اعلم بالصواب والحمد لله على سوابغ نعمه... وسلم تسليمًا كثيرًا.

[۳۰۱]

۸۷۱ این نسخه شماره ۲۳ دفتر و بخط تعلیق میباشد گ ۱۶۵ الف - ۱۷۰ الف.

[۲۵۱] ۱۰

شرح مشاعر

(عربی)

گزارشی است آمیخته که حاج مولی محمد جعفر بن محمد صادق لنگرودی لاهیجانی بر مشاعر صدرای شیرازی نگاشته سپس آنرا بنام حاج میرزا آقاسی عباس پسر میرزا مسلم بیات ابروانی م ۱۲۶۵ ساخته است این ابروانی از ۱۲۵۱ تا ۱۲۶۴ نخست وزیر محمد شاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۶۴) بود. مشاعر را مولی زین العابد

محمد جواد نوری نیز گزارش کرده و ملا علی نوری و آخوند ملا اسمعیل و میرزا احمد اردکانی شیرازی بر آن حاشیه نوشتند و باره ای از آنها در کنار در تهران بسال ۱۳۱۵ به چاپ رسید.

آغاز: بسم الله الحمد لله الذي تجلى لذاته بذاته فظهر صفاته... فيقول محمد صادق اللاهيجاني فان الزمان لما تقاصرت.

انجام: وان كان فوق كل ذي علم عليم وبعد مرتبه عين اليقين وحق اليقين كثيرة لا يحق الى حد وهو العزيز العزيز الحكيم.

[۳۰۲]

این نسخه بخط تعلیق با عنوانهای شکر و روی متن خط سرخ کشیده شده و در آدینه ۹ ج ۲ سال ۱۲۵۵ نوشته شده است.

(۷۷ برگ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج منکی ضری مقوای اندازه: ۲۱×۱۴ و ۱۴×۲۱ س ۲۱

تیماج منکی ضری مقوای

۳۴۸

۲۵

## [۳.۳]

این نسخه بنسخ باعنوانهای شنکرف وروی متن خط سرخ کشیده شده و در ۳۸۳ ۱۲۷۶ میرزا حسین بن احمد گرجی برای دانشمندی بنام آقامیرزا ابوتراب آنرا نوشته است و در تاریخ ۱۳۶۹ با نسخه تاریخ ۱۲۵۰ برابر گردید در این نسخه نامی از میرزا آقاسی برده نشده است.

( ۸۲ برگ ) - کاغذ ترمه سپاهانی - جلد تیماج مشکى  
اندازه : ۲۲×۱۵ و ۸×۱۵ س ۲۱

## [۲۵۲] شرح منظومه (عربی)

- فرزانه دانشمند حاج ملاهادی سبزواری (۱۲۱۲-۱۲۸۹) دو منظومه یکی در منطق بنام المثالی المنتظمه و دیگری در فلسفه الهی و طبیعی بنام غرر الفرائد سروده و هر دو را چون دشوار بود خود شرح کرده است منطق او بروش متأخران است و تنهادر برهان و مغالطه بیشتر گفته گو کرد و در فلسفه وی درست پیرو صدرای شیرازی است و از خود چیز تازه که آشکارا او را از روش فرزانه شیرازی جدا سازد نیاورده است وی در این منظومه که یکدوره منطق و فلسفه را دارد دچار تنگنای قافیه شده و از روانی و شیوایی که در تعبیرات فلسفی ناگزیر است بیرون رفت.

## [۳.۴]

- این نسخه همان چاپ ۱۲۹۸ تهران است و در کنار صفحهها و در بر کهای جدا گانه و چسبانده یکتاب حواشی است بخط دانشمند شادروان میرزا ایدالله نظر پاک کجوری که از استادان دانشگاه تهران بوده است و او در این حاشیهها بیشتر از سخنان فیلسوفان دیگر که با مطالب فرزانه سبزواری سازگار بود آورده است.
- ( ص ۳۴۴ ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج سرخ مقواتی  
اندازه : ۲۹×۱۷

## [۳.۵]

- این نسخه همان بخش فلسفه ( غرر الفرائد ) است و بخط تعلیق با عنوانهای شنکرف میباشد و روی شعرها خط سرخ کشیده شده و محمد تقی بن حاجی میرزا احسن صفی آبادی بسال ۱۲۶۴ آنرا نوشت.
- ( ۱۳۷ برگ ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج زرد مقواتی  
اندازه : ۲۲×۱۵ و ۸×۱۵ س ۱۷

(عربی)

شرح هدایه

[۲۵۳]

گزارشی است آمیخته از قاضی کمال الدین میر حسین بن معین الدین حسینی میبدی  
یزدی (م ۹۱۱) که در ۸۸۹ (پایان نسخه ۳۱۵) بر بخش طبعی و الهی هدایه  
اثیر الدین ابهری (م نزدیک ۶۶۰) نگاشته و بارها بچاپ رسید و از کتابهای درسی بود

[۳۰۶]

این نسخه بخط نسخ پاکیزه با عنوانهای شنگرف و متن زیر خط سرخ میباشد  
و حاشیه‌های خوبی بنسخ و شکسته در کنار صفحه‌ها هست و شاهمیر بن شاه حسین بن  
محمد طباطبائی در روز شنبه ۳ ذی قعدة ۹۰۵ آنرا نوشت.

(۳۱۳۹) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج سرخ - روز  
اندازه: ۱۰×۱۸٫۵ و ۵×۱۰ س ۱۷

[۳۰۷]

این نسخه بنسخ و متن و عنوانها و بشنگرف و در جدول زرین بشنگرف و لاجورد  
و در ع ۲ سال ۹۹۳ نوشته شده و حاشیه‌هایی از میبدی و دیگران در هامش  
دیده میشود.

(۳۱۳۴) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج تازه روز  
اندازه: ۱۳×۲۱ و ۷×۱۳ س ۱۵

(عربی)

شرح هدایه

[۲۵۴]

هدایه اثیر الدین مفضل بن عمر ابهری در سه بخش است (منطق - طبعی - الهی)  
و صدر الدین محمد فیلسوف شیرازی بخش دوم و سوم آنرا بدرخواست شاگردان  
خود که نزدش هدایه میخواندند شرح کرد و در آن از اسفار اربعه یاد میکند و کاوش  
در دلیل مجرد نفس (ص ۲۱۲ چاپی) و وجود کلی (ص ۲۲۳) را بدانجا بازگشت  
میدهد این کتاب در تهران بسال ۱۳۱۳ بچاپ رسید.

[۳۰۸]

این نسخه بخط شکسته نستعلیق و نوشته خود ملا صدر است و سه صفحه نخستین و دو  
صفحه پایان آن زر کوب و حاشیه‌سازی شده است و در انجام نسخه‌چینی نوشته شده:

«کتاب بیده‌الجانیه الفانیة مؤلفه محمدالمشتر بالصدر الشیرازی» در بسیاری از  
آنچه که نوشت برگشت و آنرا نادرست دانست و روی آن خط کشید و خیلی جاهادر کنار  
بر کلمات عبارتهائی بیافزود و همه اینها بخوبی میرساند. نسخه ما بخط فیلسوف شیرازی









اصل است و در پایان دارد : و کتب بیده ... مؤلفه محمد المشتهر بالصدر الشیرازی ...  
( ۲۹۲ برك ) - كاغذ ترمه سپاهانی - جلد تیماج سرخ از بیرون و خاکستری از  
درون و ضربی متوالی .

اندازه : ۱۴×۲۲ و ۵×۱۴ س ۱۵

[۳۰۹]

این نسخه بخط تعلیق و روی متن خط سرخ کشیده شده و عبدالرزاق بن محمد  
یوسف رضوی شاگرد سلطان العلماء بسال ۱۰۴۶ در شهر قم گاهی که حاشیه  
قدیم تجرید و شرح مختصر عضدی را نزد او میخواند آنرا نوشت .

( ۲۹۲ برك ) - كاغذ ترمه سپاهانی - جلد تیماج سرخ ضری

اندازه : ۱۴×۱۹ و ۸×۱۴ س ۱۹

۱۰

(عربی)

شفا

[۲۵۵]

شیخ رئیس شالوده شفای خویش را که در بیست و یازدهم مجلد است، بدرخواست  
جوزجانی، در همدان، هنگام وزارت دوم، میان ۴۰۵ و ۴۱۲، بنام کتابی جامع نه گزارش  
نگارشهای ارسطو، و بی آنکه از مخالفان خرده گیری کند، ریخته، نخست نزدیک  
به بیست برك از بخش طبیعی آنرا نگاشته است. و پس از مرگ شمس الدوله در ۴۱۲  
در خانه ابو غالب عطار نهان شده، بی آنکه بکتابی بنگرد و نزدیک بدو روز رؤس  
مسائل را در ۲۰ جزء از بر نوشت. آنگاه روزانه آنها را در ۵۰ برك گزارش نمود.  
تا در ۲۰ روز طبیعی را بجز گیاه و جانورشناسی و همچنین الهی را نوشته است. سپس  
بنگارش سر آغاز و دیباچه منطق شفا پرداخت و پس از بازداشت در دژ فرد جهان  
بهمدان که آمد، در خانه علوی، در همین سال، باز بمنطق شفا پرداخت و در آن از  
نگارشهای فیلسوفان پیروی نمود و بروش آنان برفت. این بود که منطق گسترده تر  
از بخشهای دیگر در آمده است. منطق را همینکه بسپاهان رسید در خانه عبدالله بن  
یمین، در کوی گنبد، پایان رساند و ریاضی را که پیش نوشته بود بر آن افزود. و سالی که  
علاء الدوله بشاپور خاست میرفت و شیخ را همراه داشت او دو کتاب گیاه و جانور را  
نیز نوشت و در جانورشناسی، بیشتر از ارسطو گرفت و دیده ها و شنیده های خویش را  
نیز بر آن افزود. و در این هنگام نزدیک بیچهل سال داشت (سرگذشت شیخ و دیباچه  
جوزجانی بر شفا و سر آغاز آن) خود شیخ در طبیعیات شفا از سالهای ۳۹۰ و ۳۹۱

۲۵



و ۳۹۳ و ۴۱۰ و ازهرمز یارمشکوار و محمد بن دشمنزیار و شاگرد خود جوزجانی  
و محمود سبکتکین و از کودکی خویش در کنار رود آمویه و از بودن خود در جاجرم  
و از کوهستان طوس و ویمه طبرستان و بیابان دهستان و شاهان فراوه یاد می کند  
و نشانه های تاریخی و جغرافیائی دیگر نیز در آن میتوان جست و در همین طبیعی  
در چند جا و در دیباچه الهی بخش منطق بازگشت میدهد و همچنین در آغاز طبیعی  
از پایان یافتن منطق و در آغاز الهی از پرداختن آن و طبیعی و ریاضی یاد میکند  
از همه این نشانه ها و بازگشتها که در آن فراوان است برمی آید که شفا را اگر شیخ  
در آغاز جستجو گریخته نگاشته باشد پس از این آنرا بساخت يك نگارش با سروسامانی  
در آورد. از نگریستن همه بخشهای شفا این نکته آشکار است. پس میتوان از روی  
نسخه ش ۸۲۲ داماد (قنوائی ش ۱۴ ص ۷۳) گفت که شیخ آنرا در ۴۲۰ پایان  
رساند و شاگردان در ۴۲۲ آنرا نزدش خوانده و با نسخه خود او سنجیدند (۱)  
این هم یاد آوری شود که شیخ رئیس چنانکه در اشاره ۳ نهج ۳ و اشاره ۶ نهج ۴  
اشارات و در فصل ۶ مقاله ۱ عبارت منطق شفا میگوید تنها بزبان پارسی و تازی آشنا  
بود و از روی نوشته خود او در (بیان الجوهر النفیس) (مجموعه الرسائل ص ۲۵۸)  
کتابهای گذشتگانرا در ترجمه های تازی میخواند و بگواهی فصل ۴ مقاله ۲ فن جدل  
و فصل ۲ مقاله ۴ فن ۸ از منطق شفا (که در همینجا از ترانه های خسروانی یاد میکند)  
یونانی نمیدانست و از سنجش منطق شفا با ترجمه ارغنون، و فن حانورشناسی آن  
با طبایع الحیوان ارسطو (ش ۱۱۴۳ مجلس گویا ترجمه ابن بطریق) پیداست که او  
اینگونه ترجمه ها را در دست داشت و خود هم بارها بدان گواهی داد و میتوان بخش  
آسمان و جهان طبیعی شفا را با آسمان و جهان ارسطو در چهار مقاله نسخه ش  
۱۱۴۹ طوس ترجمه مهران بن منصور بن مهران ترسا از یونانی بتازی بسال ۵۵۳

۱- نگاه به: طبیعی شفا ص ۲۴۸ و ۲۴۹ و ۲۵۹ و ۲۶۴ و ۲۷۴ و ۴۱۷ و ۴۲۵

و نیز ص ۲-۳-۱۹-۷۵-۴۳۱- برای شناختن این کتاب شماره ۱۴ قنوائی را ببیند که  
فهرست مطالب و نسخه ها و چاپها و ترجمه ها و گزارشهای آنرا یاد نمود. نیز فهرست مجلس

ش ۱۳۵ تاریخ ۸۷۱ و ش ۱۳۶ و ۱۳۷ ص ۲-۷۰ ج ۲ و نسخه کهنه آنجا بخشیده آفای

طبائی و نسخه تنکابنی - فهرست طوس ج ۴ ص ۱۹۹-۲۰۰ ش ۸۷۲ تا ۸۷۸ -









- (ج ۲ ص ۴۶ فهرست) و نسخه ش ۸۷۵ کتابخانه مروی تهران سنجید. خود او در فصل ۴ مقاله ۹ قیاس میگوید که همه را از استاد گرفته‌ام و در فصل ۱ مقاله ۹ قیاس از انوارلطیفای قدیم و در فصل ۲ مقاله ۸ الهی ازالف صغری یاد میکنند و از این اشارات منبع شفا بدست می‌آید مگر اینکه در منطق او هر چه از ارسطو می‌آورد بنقل به معنی مانده‌تر میباشد. در فن نفس طبیعی و در الهی نوشته‌های نوبلانی و اسکندرانی و شارحان نیز در دست داشت و در ریاضی پیداست از نگارشهای اقلیدس و بطلمیوس و دیگران بهره برده است.

## [۳۱۰]

- در این نسخه دیباچه جوزجانی و فن منطق (پایان در ۲۶۷ الف) و طبیعیات ۲۴۱ (۲۶۸ ب-۳۶۹ الف) هست و ۴۹ برگ پس از برگ یکم که منطق با آن آغاز میشود بنسخ درشت روشن و نو نویس است برگ یکم (دیباچه جوزجانی) و از برگ ۵۱ تا پایان بخط نسخ کهنه‌تر و معرب و محشی در تاریخهای ۱۰۷۴ و ۱۰۷۵ نوشته شده و در جدول زرین بشنگرف میباشد و میرزا ابوالحسن جلوه فرزند محمد طباطبائی زواره‌ای نائینی (۱) فیلسوف نامور از روی آن درس میگفت و بر آن حاشیه نوشت و عبارات فیلسوفان را برای حل مطالب شفا آورد و حاشیه‌ها بخط خوش روشن است در صفحه یکم سرلوحی هست و در آغاز طبیعی سرلوحی دیگر که زمینه آن طلا و کتبه بلاجور و حاشیه کل و بوته دار میباشد فیلسوف میرزا طاهر تنکابنی در گ ۲۶۸ الف بخط خود در ۴ آذر ۱۳۱۸ خ نوشت که این نسخه را دانشمند جلوه از مباحث کم تا پایان کتاب تصحیح کرده است.

(۳/۴۶۹/۵۱ ک) - کاغذ آغاز آهار مهره فرنگی و پس از آن ترمه سمرقندی - جلد تیماج

زرد زرکوب

اندازه: ۱۹ × ۲۸٫۵ و ۱۳ × ۲۱٫۵ س ۳۳

## [۳۱۱]

- این نسخه الهی شفا است بنسخ روشن درشت و گاهی بی نقطه و گاهی معرب ۲۴۲ که بتاریخ نیمه روز سه شنبه رجب ۹۴۹ در سپاهان نوشته شده و حاشیه‌های میرداماد فیلسوف بخط نسخ سیاه یا شنکرف او در آن است و رمز (محق) در پایان حاشیه‌ها دیده میشود و او نسخه را تصحیح و در هاشم قید نمود در پایان حاشیه

۱ - جلوه در احمد آباد گجرات بسال ۱۲۳۸ زاده شده و در شب آدینه ۶ ذی قعدة

۱۳۰۴ در تهران در گذشت و در گورستان ابن بابویه درری آرامگاه او است

گ ۱۴۰ الف از خلسة الملكوت نام میبرد. خط حواشی با خط اجازه ای که داماد بکسی داده و در ص ۳۴۲ صحیفه سجادیه (ش ۲۸) نوشته شده و با خط میر دربرك ۱ الف شرح مختصر عضدی (ش ۱۰۱۰) سنجیده شده است. در برخی جاها حاشیه های سید احمد عاملی هست دربرك ۲۰۰ ب حاشیه میر با رمز (م ح ق دام ظله العالی) و بخط دیگری است و در ۲ الف حاشیه او با رمز (م ح ق سلمه الله) پایان مییابد و اینهم از دیگری است ۵

(۳۷۲۴) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج سرخ کهنه حاشیه دار ساده  
اندازه : ۱۸×۱۴ و ۸×۱۲ س ۱۴

## [۳۱۲]

در این نسخه دیباچه جوزجانی و منطق و طبعی و ریاضی و الهی شفا است و بخط ۲۴۳  
تعلیق خوش دارای دو ترنج در گ ۱ الف و پشت برک پیش از آن ۲ در گ ۱ ب و ۱۲۹ ب و ۲۵۷ ب و ۴۴۴ ب و ۵۳۵ ب سر لوح بسیار زیبا و زرین بالاجورد و شنگرف هست و همین برگها و برگهای پیش از آنها با زر و شنگرف حاشیه دارد. از آغاز منطق تا پایان مقاله ۳ فن ۲ (مقولات) منطق را جناب آقای مشکوة با نسخه تاریخ دهه یکم ذی حجه سال ۵۳۶ بخط احمد بن هبة الله بن احمد بن الکزایه و برابر شده با اصل مقابله کردند (دیباچه جوزجانی ۱ ب - منطق ۲ الف، ۲۵۶ - طبعی ۲۵۷ ب، ۴۴۳ ب هندسه ۴۴۴ ب، ۴۶۸ الف - ارماتیقی ۴۶۹ ب، ۴۷۸ الف - موسیقی ۴۷۸ ب ۴۹۱ الف - مجسطی ۴۹۱ ب، ۵۳۴ ب - الهی ۵۳۵ ب - ۵۸۹ الف). ۱۵

(۵۹۱ م) - کاغذ ترمه سمرقندی - جلد تیماج مشکی زیبای زرکوب  
اندازه : ۱۸×۴۱ و ۱۲×۲۴ س ۲۱

## ۲۰ [۲۵۶] شواکل الحور فی شرح هیاکل النور (عربی)

مولی جلال الدین محمد بن سعد الدین اسعد صدیقی دوانی کازرونی (۸۲۸-۹۰۸) فیلسوف متکلم شرحی آمیخته بنام یادشده در بالا بر هیاکل النور فیلسوف سهروردی بسال ۸۷۲ نگاشته است (۱). وی در دیباچه آنرا بغیاث الدین محمود خواجه جهان

۱ - در کتابخانه آستانه طوس چندین نسخه از شرح هیاکل دوانی هست در پایان نسخه شماره ۸۶۶ آنجا چنین آمده : « تجز تحریره ببعین مؤلفه بعد العشاء الاخرة من لیلة الخميس العادعشر من شهر شوال ... لسنة اثنتين و سبعين تمانمائة ... فی تبریز فی الزاوية المباركة المظفرة شکر الله سعی بانها السلطان السعيد الغازی ابی المظفر جهان شاه و رفع درجته فی علین و کان نهضته الی جانب دیار بکرفی اوائل هذه السنة و وقع هجوم الاعداء علیه و اغتاله فی الثالث عشر من ربيع الاول للسنة المذكورة » (فهرست آستانه طوس ج ۱ ص ۵۹ ش ۱۹۸ و ص ۶۰ ش ۱۹۹ و ج ۴ ص ۹ - ۱۹۷ ش ۸۶۶ تا ۸۶۹ ش ۸۷۰ که دو شرح هیاکل دوانی و دشتکی در آن شناسانده شده). ۲۵ ۳۰

- بخشیده و او را باشعرهائی ستود و ستایش فراوانی که درخور يك فيلسوف اشراقی نیست از او کرد. در حاشیه نسخه (۸۶۶) آستانه طوس بجای آن شاه نام (ابوسعید گورگان) (۸۵۵ - ۸۷۲) آمده است. در مجالس المؤمنین شوشتری (مجلس هفتم) آمده که دوانی این شرح را یکبار برای یکی از شاهان هند بنام ملک التجار ساخته سپس بنام یکی از پادشاهان ایران کرد دوانی انموذج العلوم و اثبات الواجب را نیز بنام سلطان محمود پادشاه هند ساخته است وی شرحی بر عقاید عضدی بتاریخ چاشت چهارشنبه ۱۸ ربیع یکم سال ۹۰۵ در شهر جیرون نگاشته (۱) که در لکهنوء بسال  $\frac{۱۳۲۸}{۱۹۱۰}$  بچاپ رسید و باز پسین نگارش او است دوانی در این شرح روش اشراق پیش گرفت و کوشید که بروش سهروردی سخنان او را شرح کند وی بر این شرح حاشیه نوشته که در برخی از نسخه‌ها دیده شده (۲) و در آنجا از رساله البروج سهروردی و نیز از پرتو نامه او یاد میکنند وی در پایان میگوید که این شرح را در گرفتاری و دوری از شهر خویش نوشته‌ام.

- آغاز: بسم الله یا من نصب ریایات آیات قدس و علی کواهل هیاکل الممكنات ...  
فهذا ایها الذکی المتوقد شرح لهما کل النور یحاکی بحسن دقائقه شواکل الحور .  
انجام: المنصف ... ختم الرسالة بذكر الله ... كما افتتحها بها فجاءت وردية  
المفتتح مسكية الختام (هذا ما تيسر لي في شرح هذه اللمعة ... وهذه تحقيق المطالب  
والآمال والسلام على القديسين خصوصاً على سيدنا سيد الكل في الكل وآله وصحبه  
اجمعين والحمد لله رب العالمين) وصلى الله على سيدنا محمد وآله وصحبه وسلم (آنچه  
میان دو کمانه گذارده شده در نسخه ما نیست و نزدیک بیک صفحه میباشد).

- ۱ - دیده شود: نسخه دانشکده حقوق که دارای رساله‌های شرح هیاکل و شرح  
عقائد عضدی و انموذج العلوم و اثبات الواجب دوانی و حاشیه همین اثبات الواجب میباشد  
وابوالحسن علی بن طاهر استرآبادی آنها را نوشت نخستین در کاشان ۲۰ ج ۲ سال ۹۳۷  
ودومی در همانجا در آدینه ۲۰ رجب ۹۳۷ و سومی در همانجا بسال ۹۳۸ و چهارمی در همانجا  
در ۵ ع ۲ سال ۹۳۶ نوشته شد و پنجمی که در چهارشنبه ۹ شعبان ۹۲۶ تألیف شده نیز  
بهین خط است ۲ - نسخه دانشکده حقوق



این نسخه بنسخ خوش و پاکیزه و عنوانها و نشانهها طلائعی و روی متن خط زرین  
 ۸۵۱ کشیده شده است در برگ ۵۱ ب حاشیه دارد و از محمد داود حلبی هرسی .  
 در برگهای ۹۸ ب و ۹۹ الف تاریخ زایچه محمد هاشم برادرزاده شمس محمد  
 ۵ کاظم در شب شنبه ۲۵ ع ۱ سال ۱۰۸۵ و نیز تاریخ ۲۵ ع ۱ سال ۱۱۰۶ و ۲۵ ع ۱  
 سال ۱۱۲۹ خوانده میشود که همه اینها بخط شکسته دیگر است . در برگ ۱ الف نام  
 دارنده نسخه (محمد حسین بن فضل الله حسینی تفرشی) نوشته شد - بالای برگها ۱۱  
 تا ۱۷ بریده شده و کاغذ دیگری چسبانده اند از اینرو در بالای برگ ۱۲ الف سه سطر  
 از میان رفته است - این نسخه حاشیه خود دوانی را ندارد .

( ۹۹ برگ ) - کاغذ ترمه سپاهانی - جلد نیمه چرمی ضربی  
 اندازه : ۱۷ × ۱۰ و ۵ × ۱۲ س ۱۹

### [۲۵۷] (عربی) (الشهداء الی یومئذ فی هذا حج العلو گیه)

از صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی (م ۱۰۵۰) است و چنانکه در دیباچه  
 ۱۵ میگوید آنچه از رازنهانی فلسفه خود در دفترها جسته و گریخته نگاشته و برخی را هم  
 از ترس نتوانست آشکار سازد در آن آورده است و پنج مشهد آن را تا اشراق نهم  
 شاهد دوم مشهد پنجم نوشت و از نسخه اصل که عکس صفحه آخر هم را در نسخه ماهست  
 پیدا است که اشراق دهمی از همین شاهد مانده و نتوانست بنویسد .

و کتاب بدینگونه است : مشهد ۱ معانی عامه در ۵ شاهد - مشهد ۲ هستی خدا  
 و آفرینش او در ۲ شاهد - مشهد ۳ شناختن رستخیز در ۳ شاهد - مشهد ۴ معاد  
 ۲۰ جسمانی و بهشت و دوزخ در ۳ شاهد - مشهد ۵ نبوات در ۲ شاهد و هرشاهدی  
 بر چند اشراق است . ابوالقاسم احمد یزدی بدرخواست شاهزاده محمد ولی میرزا  
 پسر فتحعلیشاه آنرا در یکشنبه ۱۰ ج ۱ سال ۱۲۴۵ بیارسی در آورد (ش ۴۰۴  
 ص ۴۷ ج ۴ فهرست طوس) .

این نسخه همان چاپ سنکی سال ۱۲۸۶ در ۲۶۴ صفحه است که حاشیه فیلسوف  
 ۲۷۴ سبزواری را نیز دارد و این نسخه را چهار بار جناب آقای مشکوة با نسخه اصل  
 فیلسوف شیرازی برابر نموده و اختلافها و غلطهای چاپی را در میان سطرها

و کنار صفحه‌ها یادداشت کرد و عکس و فیلم صفحه یکم و صفحه پایان اصل همراه همین نسخه هست و چهار صفحه بخط جناب آقای مشکوة در باره اختلاف دو نسخه در آغاز کتاب دیده میشود.

از عکس برک پایان کتاب در نسخه اصل پیدا است که نسخه چاپی کامل نیست و نسخه اصل عبارت (الاشراق العاشر فی) پایان میباشد پس فیلسوف شیرازی اشراق ۱۰ شاهد ۲ مشهد ۵ را ننوشت و شاید اشراقها یا شاهدها یا مشهدهای دیگری هم میخواست بنویسد و ننوشت. عبارت (الاشراق العاشر) در پایان نسخه شماره ۴۰۶ این کتابخانه نیز دیده میشود.

( ۲۶۴ صفحه ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج سرخ ضری

اندازه : ۱۷ × ۲۶ و ۱۸ × ۱۸ س ۱۹ - اندازه نسخه اصل ۲۵۴ × ۱۴۴

[۳۱۵]

این نسخه بخط تعلیق و عنوانها بنسخ و شماره دوم دفتری است که نخستین آن کشف المحجۃ لثمرۃ المهجۃ از ابن طاوس میباشد و کمال بن محمد در ۱۵ رجب سال ۱۰۳۹ بشکسته تعلیق آنرا نوشت و این نسخه از برک ۹۷ تا برگ ۲۶۹ الف میباشد و خط ایندو شماره مانند هم است و حواشی دارد که در پایان آنها ۱۵ نام احمد دیده میشود - گ ۲۷۰ الف - ۲۸۰ ب گفتارهایی است از شیرازی در فلسفه .  
( ۲۸۰ برک ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج سبز مقوای ضری  
اندازه : ۱۰۵ × ۱۹۵ و ۲۵ × ۱۴ س ۱۹

(فارسی)

صحیفه (رحم الله =)

[۲۵۸]

نگارشی است در تجرد نفس و پایدار بودن آن و در آن از جالینوس و ازنسفی ۲۰ بنام شیخ عزیزنسفی یاد میکنند و در باره هر دو (رحمهما الله) میگوید .

آغاز : بسمله و به نستعین آفتاب عنایت از فلک ولایت و برج هدایت بر اراضی قلوب مستعدان قبول افیاض حکمت و درایت خاصه در بستان روح آباد قلب سلیم جناب حکمت پناه ملک الحکماء مقبول قلوب الاولیاء پاینده باد بعد اعلام می رود که حکمهای طبیعی بسبب ممارست مقدمات طبی .

انجام : حضرت الله تعالی توفیق تحقیق معانی ببرکت انقاس شریفه مرشدان صمدانی رفیق گرداناد بحرمة که مال اولیا من الاقطاب والافراد .

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۳۵ دفتر ص ۴۱۱-۴۱۳ بخط تعلیق تاریخ محرم ۱۱۰۱ می باشد

[۲۵۹]

### الصراط المستقیم (عربی)

از دانشمند داماد استر ابادی است که بدرخواست شاگردان خود در باره ارتباط  
 ۵ حادث بقدم پیش از ۱۰۲۵ (عالم آراس ۱۰۹) نوشته و بشاه عباس یکم (۹۶۶-۱۰۳۸)  
 ارمغان داد. داماد در دیباچه از نادانی مردم و از روزگار می نالد و پس از ستایش  
 بسیار از آن شاه میگوید:  
 «نقص در باشد ار بهاکنمش»

هم بانصاف شه رضا کنمش»

۱۰ این نگارش در چند مساق است و نخستین آن در مقدمات و در آن از جنبش  
 و زمان گفتگو میشود (۱).

آغاز: بسملة البقاء دون افق عزك و جلالك والحمد والثناء وراء سرادق  
 قدسك و كمالك... محمد بن محمد المدعو بباقر داماد الحسيني... يلقي عليكم  
 اخوان التجريد وبهملی عليكم بخلاف التفريد.

۱۵ انجام در نسخه ما: تشبیه و تمثیل - الست اذا اخذت خيطا يختلف اجزائه  
 لونا... وموقعاهما هناك واحد ومعدلك فانه يشاهد ما بينهما من الامتداد.

[۳۱۷]

این نسخه شماره ۱ دفتر گ ۱ ب - ۶۴ ب و بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف  
 ۲۷۹ می باشد و حاشیه هایی دارد که به (منه سلمه الله) پایان میابد و در روزگار داماد  
 نوشته شده است نسخه ما هفت مساق نخستین است و آنها بیایان نمیرسد

۱ - داماد در آن از نگارشهای فخر رازی و سهروردی و طوسی بسیار میآورد و از  
 تعلیقات و شفا و نجات و کلمه الهیه شیخ رئیس (۵۸ ب) یاد میکند و گفتار فارابی در فصوص  
 «آخر من جهة ان كل زمانی... اول من جهة... اعنى الحق الواجب... معه لافیه» (۳۴ الف)  
 و گفتار شیخ در معراج «اذا تقرب الناس الى خالقهم بانواع البر تقرب اليه بانواع العقل...»  
 ۲۵ قال امير المؤمنين قيمة كل امرء ما يحسنه يعنى قدر الانسان فى العلم - انتهت عبارت به مترجمه  
 برابر با ص ۱۵ مزارع نامه چاپ رشت در ۱۳۱۲ خ (۴ الف) را میآورد نیز از انولوجیا  
 و اسماء حسنی غزالی (۳۴ الف) یاد میکند. درباره آنست که گفته اند: «صراط المستقیم  
 میرداماد مسلمان نشود کافر مینماید».



در کتابخانه بوهارهند (ج ۲ فهرست ش ۳۲۹ ص ۳۵۶) و در مجلس تهران (ج ۲ ش ۱۳۸ ص ۷۳) نسخه‌ای هست که آغاز آنها مانند آغاز نسخه ما میباشد در کتابخانه طوس (ج ۴ ش ۸۸۸ ص ۲۰۴) نیز هست و آغاز و انجام آن جز نسخه ما است .  
 محمد باقر بن احمد سپاهانی بسال ۱۲۰۵ از دارندگان نسخه ما بود و خط او در گ ۱ الف و مهر او بیضه گونه در همانجا و در گ ۶۵ الف و ۱۴۰ الف دیده میشود .  
 دارنده دیگر محمد تقی بن محمد کاظم است که بخط خود در گ ۱ الف نوشت . در ۱۲۵۰ این نسخه وقف گردید .

( همه دفتر ۱۴۰ ص ) - کاغذ سپاهانی - جلد مقوا

الذاته : ۲۰ × ۱۳ و ۱۶ × ۷ س ۱۸-۲۱

[۲۶۰] ضمیمه (فارسی) ۱۰

میر ابوالقاسم فرزند میرزا بزرگ فرزند میر صدرالدین فندرسکی استرآبادی فیلسوف پزشک ریاضی دان (۱) این نگارش را در باره هنرهای گوناگون و مسودهای آنها و شناساندن کسانی که شایستگی هر یکی از آنها را دارند پرداخت و دارای یک دیباچه و ۲۳ باب است و در هند با اخلاق ناصری طوسی بسال ۱۲۶۷ و در تهران بسال ۱۳۱۷ بچاپ رسید .

۱۵

[۳۱۸]

این نسخه شماره ۸ دفتر و بخط شکسته تعلیق محمد شریف بن محمد قائمی بسال ۱۰۵۱ میباشد گ ۴۴ ب - ۵۵ الف .

[۲۶۱] ضرورة الموت (نکته فی -) (عربی)

این گفتار از خواجه طوسی است در اینکه مرگ ناگزیر میباشد .

آغاز : نکته آخری له ... فی ضرورة الموت . الموت ضروری امره . والوجه

فیہ ان السبب الموجب .

انجام : فحصل المراد وذلك ما اردنا بيانه .

[۳۱۹]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۱۱ دفتر است و بخط تعلیق ص ۲۵-۲۶

۱ فندرسکی بسال ۱۰۵۰ چنانکه در سنگ ارامگارش نوشته است یا ۱۰۴۹ چنانکه در پایان نسخه ش ۸۸۹ طوس آمده در سپاهان در گذشت و در تخته فولاد بخاک سپرده شد (ج ۴ ص ۲۰۴ فهرست انجا) نسخه ای از این در مجلس ش ۶۴۴ (ص ۱۱ ج ۲) هست

[۲۶۲]

حکمة العين

(عربی)

حاشیه ایست از غیاث الدین منصور دشتکی م ۹۴۸ بر شرح میرک بخاری  
بر حکمة العين دبیران و در آغاز بدو کتاب «تعديل الميزان و تبیین الیماں» خود باز گشت  
میدهد و این رساله را برای یاد کردن ایرادها و پرسشها مینگارد و عبارت شارح را  
پس از قال الشارح آورده سپس حاشیه خود را مینویسد. ۵

آغاز: اللهم ارننا بعین حکمتک حکمة العين وزدنا نورا من فیض عین هو  
للکونین عین.

انجام: بان الخصوصية مطلقا.

[۳۲۰]

این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط تعلیق یعقوب بن اسماعیل مازندرانی در مدرسه  
خانه در نیمه روز دوشنبه ۱۸ ج ۲ سال ۱۰۳۶ گ ۳۸ ب - ۵۱ الف. نسخه ای  
از این حاشیه در طوس ش ۸۹۰ (ج ۴ ص ۲۰۵) هست. ۳۸۰

[۲۶۳]

طرائف الحکمه

(فارسی)

از ملاباشی عبدالرحیم بن حسنعلی هروی که در نیمه دوم سده سیزدهم میزیسته  
است و بسیاری از مباحث امور عامه را بروش صدر المتالیهین شیرازی بزبان پارسی  
آورد و در یک مقدمه و سه باب و یک خاتمه است. ۱۵

آغاز: بسمله و به نستین - بهترین کلام مرهتکلم را آنست که زبان دل و  
شرمساری در حکمت حکیمی گشاید که در اشیا بطور نفی و اثبات مستتر است.

انجام: وجهالت بر حقیقت و انیت اوست که مثنوی:

با دو عالم عشق در بیگانگی ۲۰

واندرو هفتاد و دو دیوانگی

کاشکی هستی زبانی داشتی

تا زهستان پرده ها برداشتی

هذا آخر ما اردنا ایراده فی هذا المجلد الاول من کتاب طرائف الحکمه و سبیلوه  
المجلد الثاني فی باب النفس ان شاء الله تعالی تمت بید مؤلفه . . ابن حسنعلی الهروی ۲۵





[۳۲۱]

این نسخه بخط شکسته نستعلیق باعلامتهای شنگرف میباشد و در تاریخ چهارشنبه

۳۴۴

۱۵ ذی قعدة سال ۱۲۸۶ نوشته شده است و خط خود هروی است .

چون هروی روش فیلسوف شیرازی را داشته بود برخی در پشت کتاب نوشته اند

۵

که این ترجمه اسفار است یکی از دارندگان نسخه بنام احمد بن محمود قراگوزلو

در تاریخ ۲۰ ع ۱ سال ۱۲۸۸ در کرمانشاهان بر پشت کتاب نوشته که طرایف الحکمه

از ملاباشی است و ترجمه اسفار ملاصدرا است و مهر او هم هست بعبارت (عبده احمد) .

( ۳۰۵ برك ) - كاغذ فرنگی - جلد نیمای زرد ضری متوالی

اندازه : ۲۴×۱۴ و ۱۷×۹ س ۲۰۶۶

۱۰ [۲۶۴] طرح الگوفین فی حشر العالمین (عربی)

دانشمند صدرای شیرازی در این نگارش روشن نمود که همه هستی ها را

رستاخیزی است و همگان بجهان خدائی باز میگردند و در مجموعه رساله شیرازی

بسال ۱۳۰۲ و در کنار کشف الفوائد جلی بسال ۱۳۰۵ و در کنار مبداء و معاد شیرازی

بسال ۱۳۱۴ بچاپ رسید و در آن از اسفار یاد میشود .

[۳۲۲]

۱۵

این نسخه در برك ۱۰۰ تا ۱۱۵ این دفتر است و بخط تعلیق و عنوانها زیر خط

۱۰۳۰

سرخ از محمد مؤمن که در شوال ۱۰۹۴ آنرا نوشت .

[۲۶۵] طبر (رساله ... ) (عربی)

یکی از سه داستان فلسفی شیخ رئیس است که سهروردی شهید آنرا بپارسی

۲۰

کرد و قاضی عمر بن سهلان ساوی (۵۴۰) بفارسی و شیخ کمال الدین علی بن سلیمان

بحرانی بنام « مفتاح الخیر فی شرح رسالة الطیر » بتازی بر آن گزارش نوشتند (۱)

غزالی نیز از روی آن داستانی بزبان مرغان ساخت .

آغاز : رسالة عرف بر رسالة الطیر کتبه ابوعلی بن سیناالی كافة اخوانه واصدقائه

۱ — داستان شیخ رامهرن با ترجمه فرانسه در لیدن بسال ۱۸۹۱ چاپ کرد و در

۲۵

جامع البدایع ومجله مشرق ج ۴ سال ۱۹۰۱ ص ۷-۸۸۲ و ترجمه فرنگی یسوعیان از آن

در بیروت بسال ۱۹۱۱ بچاپ رسید . پارسی سهروردی و گزارش عمر بن سهلان ساوی با صغیر

بقیه حاشیه در صفحه بعد

(فی وصف یوصله الی العالم الحق عملها قبل حصوله بالجمل . ما انت دائب فی الطلب منهمک فی نیل أمر متعب - قنواتی ) هل لاحد من اخوانی ان یهب لی من سمعه قدر ما القی الیه طرفا من اشجانی عساه ان یتحمل عنی بالشركة بعض اعبائها .  
انجام : وبالله الاستعانة وعن الناس البرائة ومن اعتقد غیر هذا خسر فی الآخرة  
وسیعلم الذین ظلمو ای منقلب ینقلبون .

[۳۲۳]

۱۰۷۴ این نسخه شماره ۷ دفتر و بخط تعلیق ک ۱۲۴ الف - ۱۲۷ الف میباشد .

[۲۶۶] هرشی التقدیس (عربی)

- این نگارش از میرداماد است و در آن شبهه ابن کمونه که «شاید در جهان هستی دو آفریننده بی هیچ قدر مشترکی باشند» رد شده و میگوید که پیش از این کمونه هم بکشودن این شبهه پرداخته بودند سپس میگوید که برخلاف رأی شیخ علت معلول باید تنهادر وحدت و کثرت همانند باشند نه در نحوه وحدت شخصی و نوعی و میشود یک چیز دارای دو علت باشد و این انعکاس تنها در علت آفریننده بایستنی است -  
صدرای شیرازی دیباجه ای بر آن نوشته و آنرا شناسانده و بسیار بستود .  
۱۵ دیباجه صدرای : هو الحکیم العلیم هذیر رسالة شریفة الیهیة ومقالة جلیله ربانیة

مانده حاشیه از صفحه قبل

- سیمرغ و لغات موران باسر گذشت سهروردی از شهرزوری را Otto Spies و K. Khattak در سه رساله فلسفی ( Three treatises on mysticism ) بچاپ رساندند در کتابخانه طوس گزارشی فارسی ش ۸۰۷ و داستان طیر دیگری ش ۶۵۵ ( ج ۴ ) هست در مجلس نیز همان گزارش فارسی طوس در ش ۶۴۰/۲ هست ( ج ۲ ص ۴۰۵ ) و بگواهی نسخه شماره ۲۰ ۱۲۱۶ سپهسالار ص ۳۴-۵۴ ایندو از ساوی هستند .

- نگاه به : شخصیات قلعه ص ۹۸ - ۱۳۴ - ابن سینا از طریحی - معجم المطبوعات در ابن سینا و غزالی - در ذریعه ج ۷ ص ۱۳۰ از جنگی یاد میکند که شهاب بحرانی ۱۵ رساله در آن نوشت مانند حی بن یقظان شیخ و شرح طیر هموا از بحرانی و الفریة المربیة ( حی بن یقظان ) والمنظرة التجربیدة که آغازش این بود : ( هذه کلمات کتبتھا بالتماس بعض اخوان التجرد )  
۲۵ هر دو از سهروردی - قنواتی ش ۲۹۹ - رساله طیر غزالی در مجموعه رسائل او در مصر بسال ۱۳۲۸ بچاپ رسید .

مسماة بعرش التقديس فاروق بين الحق والتدليس طلعت عن مطلع العرفان والتحقيق ولمعت عن منبع الايقان والتدقيق.

انجام آن : ولكن الكل ميسر لما خالق له وكتب هذه الاحرف خادما للقوى العالية الروحانية محمد بن ابراهيم الشهير بالصدر الشيرازی احسن الله احواله حامدا لله مصليا على نبيه مستغفرا لذنبه .

آغاز رساله : اللهم اجعل رضاك عني فيما تشغلني به ولا تشغلني عن ذكرائك بما تشوقني اليه - بسم الله الرحمن الرحيم والاستيفاق من العليم الحكيم - يا هو يا من هو يا من لا هو الا هو يا فوق الفوق ويا وراء وراء ويا عاليا عن سمك الوصف وبارقعا (ويا مقدسا) عن افق الثناء... وبعد فاحوج المرء بين الى الرب الغني محمد بن محمد يلقب باقر الداماد .

انجام در نسخه ما : لكنني لست اجد مساق البرهان اليه اللهم الا في العاة الجعالة (تشریق) فاذن ليس يصح .

[۳۲۴]

این نسخه بخط تعلیق صدرای شیرازی و دارای دیباچه او (گ ۱ الف) میباشد عنوانها و نشانه ها شکرگرف یا سیاه درشت است. داماد در آغاز از خود ستوده و میگوید که خدام را بر همسرانم برتری داد که فلسفه را پخته و سخته ساختند و آنرا با دین سازگار کردم زیر عنوان « اخاذة » شبهه این کسونه رد میکند و در عنوان (تشریق) اثبات میکند که علت و معلول باید در حدت و کثرت همانند باشند پس از این تشریق دوم میآید و نسخه پایان مییابد و ناقص است. این رساله را داماد بدرخواست یاران از نگارهای خویش گزین نمود - گ ۱ ب - ۳ الف .

(۴۴) - کاغذ سمرقندی - جلد ندارد

اندازه : ۱۴×۱۹۹ و ۱۴×۸۵ س ۱۴

[۲۶۷]

(عربی)

هوشیاری

نگارش دانشمند صدرای شیرازی است که در تهران با نیمی از شرح سپاهانی و با مشاعر بسال ۱۳۱۵ بچاپ رسید نیمه دیگر این شرح در سال ۱۳۱۹ در دنبال اسرار الایات او بچاپ رسید وی در دیباچه آنرا « الحکمة العرشیه نامیده و در آن از کتب مبسوط و اسفار اربعه و کتب و رسائل و رساله حدوث و حواشی حکمة الاشراق



(ص ۱۲۷-۱۳۳-۱۴۴-۱۶۶) یاد نمود و اندیشه فلسفی خویش را درباره شناخت خدا و رستخیز در آن آورد. شیخ احمد احسائی بر آن شرحی نوشت و شیرازی را رد کرد و ملا محمد اسماعیل بن محمد سمیع سپاهانی در گزارش خود بر آن و مولی زین العابدین بن محمد جواد نوری نیز در شرح مشاعر شیرازی از احسائی خرده گرفتند.

۵

[۳۲۵]

۸۹۷ این نسخه شماره ۵ دفتر و بخط نسخ گ ۸۹ ب - ۹۷ الف میباشد

(فارسی)

هر ضمیمه

[۲۶۸]

این دفتر از بابا افضل کاشانی و در طبعی والهی است و در ۱۳۸ نشریه دانشگاه بچاپ رسید و نسخه ها یکسان نیستند.

۱۰

[۳۲۶]

این نسخه شماره ۶ دفتر است و بخط تعلیق پاکیزه تاریخ ج ۲ سال ۱۲۶۰ گ ۵۸ ب - ۱۰۴ پ.

[۳۲۷]

این نسخه شماره ۱۸ دفتر است و بخط تعلیق محمد علی بسال ۱۳۰۲ گ ۱۵ ۴۳۱ ۱۸۱ الف - ۲۶۴ الف.

(عربی)

الفروسی

[۲۶۹]

این نگارش از شیخ رئیس است که در آن از نفس قدسی پیامبر یاد کرد و درباره آن گفت « یکاد زیتها یضیی ... » (۱) و نیز گفت که عقل فعال بر نیروی نطقی آن افاضه میکند و پرتو او از نیروی نطق بنیروهای حفظ و تخیل و حس مشترک سپس بحس ظاهر میرسد و در آن نگاشته میشود و در آن هنگام پیامبر فرشته زیبایی را

۲۰

۱ - شیخ رئیس در بند ۱۱ نبط ۳ اشارات و در بیتها نیکه خزرچی (ج ۲ ص ۱۵

ص ۶ - ۸) از او میآورد بتفسیر باطنی آیه نور اشاره نمود. بنگرید به ص ۱۱۲ این فهرست.

در هوامی نگرده که درباره آئین گذاری با او گفتگو میکند (۱).

[۳۲۸]

این نسخه شماره ۷ دفتر و بخط نسخ و تصحیح شده در کنار صفحه ها ک ۵۵ الف ۸۶۱ ۵۶ الف و چنین پایان میابد: « و اشرف من كانت نفسه النطقية (الناطقية) عقلا بالفعل من له النفس القدسية النبوية والله الملهم للصواب - تمت رسالة العروس » مانندش ۶۶۶ طوس .

[۳۲۹]

این نسخه شماره ۲۰ دفتر و بخط تعلیق گ ۱۵۶ الف - ۱۵۸ الف و رسالة ۸۷۱ عرش نامیده شده و پایان آن چنین است: « ... النفس القدسية النبوية والحمد لله والصلوة على جميع النفوس الطاهرات والذوات الزاکیات خصوصاً محمد وآله الطاهرين » در گ ۱۵۸ الف و ب گفتاری است از شیخ درباره بستگی نحو و منطق نزدیک بآنچه که در پایان فصل ۳ مقاله ۱ فن ۱ منطبق شفا آمده است: « المناسبة بين النحو والمنطق ان نسبة صناعة النحو الى الالفاظ كنسبة صناعة المنطق الى المعاني ... فالنحو ينظر في الالفاظ بالذات وبالقصود الاول وينظر في المعاني بالعرض والقصود الثاني والمنطقي بالعكس . تم » ۱۵

[۳۳۰]

این نسخه شماره ۷ دفتر و بخط تعلیق گ ۳۴ ب - ۳۶ الف بدین نام « رسالة العروس » و چنین است پایان آن: « النفس القدسية النبوية ولواهب العقل حمداً لا يتناهى والصلوة على سيدنا محمد ... والسلام على من اتبع الهدى » نزدیک ۲۰ به ش ۶۶۷ طوس در فهرست آنجا ش ۵۹۰ باز از العروس یاد گردید .

(عربی)

العقل

[۲۷۰]

این رساله از فیلسوف کندی بغدادی است و دوبار بلاتینی در آمده است یکی

۱ - قنواتی این رساله را در ش ۱۸۴ « العروش - العرش - الحكمة العرشية - السلسلة الفلسفية » خواند و در ش ۵۷ « سلسلة الفلاسفة » را چیز دیگری پنداشت دوشماره ۲۵ طوس بنام « العروس » و ش ۶۱۱۲ مجلس بنام « العرش » است . همه اینها بجز يك بند پایان همانستکه در ص ۷۸ ش ۳۳۹۲۶ و در ص ۱۱۲ ش ۱۰۳۵۴۶ همین فهرست شناساند شده است . در بیهقی ص ۱۸۷ و ۹۰ از « حکمت قدسی - مشرقی عرشى و رسالة العروش » یاد شده است در ص ۲ جنک ش ۱۲۱۶ سهیلار نسخه ای بنام سلسلة الفلاسفة و برابر با سه نسخه آینده ما و در ص ۹۷ - ۹۹ همین شماره آنجا باز نسخه دیگری بنام « فردوس » و برابر با دوشماره گذشته ما دیده میشود . ۳۰

از ژرار دو کرمونا Gerard de Cremon (۱۱۱۴-۱۱۸۷) بنام (گفتار کندی درباره اندیشه پیشینیان درباره خرد) دیگری بنام (نگارش کندی درباره خرد و دانسته) که گویا از یوحنا اسپانیائی است و آلبینو نازی Albino Nagy ترجمه لاتینی این رساله و دورساله دیگری کندی (خواهیدن و خواب دیدن و گوهرهای پنجگانه) در مونستر بسال ۱۸۹۷ بچاپ رساند. کندی این رساله را بطور گزارش و بدرخواست کسی نگاشته و میگوید رأی افلاطون و ارسطو و دیگر فیلسوفان ستوده یونان را در آن میآورم. وی عقل را چهاربخش میکند: بقوت و بفعل و ملکه و ظاهر. این رساله نسبت برساله فارابی بسیار کوتاه است و در مسائل فلسفه کندی از ص ۳۵۳ تا ص ۳۵۸ بسال ۱۹۵۰ در مصر بچاپ رسید.

آغاز: رسالة التاسع من يعقوب اسحق الكندي في العقل - فهمك الله  
جميع النافعات واسعدك في دار الحيات والممات. فهمت الذي من رسم قول في العقل.  
هو خبر اخبرنا على رأى المحمودين من القدماء اليونانيين ومن احدهم ارسطاطاليس ومعلمه افلاطون.  
انجام: وقد ر هذا القول فيه اذا كان ما طلبت القول المرسل الخبرى كاف فكن  
به سعيدا.

[۳۳۱]

این نسخه شماره پنجم دفتری است که دارای ۷ رساله میباشد و همه رساله‌ها بخط تعلیق تازه و از روی نسخه مورخ ۱۲۶۶ بدستور وافف محترم نوشته شده است و هر رساله جداگانه صفحه شماری دارد و این رساله ۴ صفحه است  
( همه دفتر ۴۰ برك ) - كاعذ فرنگى - جلد مقوا  
اندازه: ۴۱×۱۷ و ۱۶×۹ س ۹

[۲۷۱] العقل (عربی)

این رساله از فارابی است و در ص ۹۶ شناسانده شده و در آن از عقلهای گوناگون سخن رانده و روشن ساخت که درجات آن در نفس چیست و ارسطو در نگارشهای خویش از عقل چه میخواهد.





[۲۷۳]

عقل (رساله اثبات ...)

(عربی)

خواجه طوسی در این رساله از این راه که باید حکم ذهنی با واقع برابر باشد بپودن عقل کلی پی میبرد و معنای نفس امر را مثبت عقل میداند. دوانی بر این رساله گزارش نوشت.

- آغاز : من کلام مولانا ... نصیر الحق والدين محمد بن الحسن الطوسی ...  
اقامة البرهان على وجود الجوهر المجرد المسمى بعقل الكل انالانشك في كون الاحكام اليقينية .

انجام : المشتمل على كل رطب ويا بس وذلك ما اردناه . والله الموفق والمعين

[۳۳۶]

- این نسخه شماره دهم دفتری است که دارای ۳۵ رساله و گفتار میباشد و بخط ۱۰۷۹ تعلیق درص ۲۳ تا ۲۵ نوشته شده است. این دفتر بخط چند کس است یکی از نویسندگان میر محمد مقیم بن میر شاه میرضوی است که رساله ۳۱ (اسرار الاطباء از نظام الدین احمد گیلانی) این دفتر را در روز دوشنبه ۱۳ رمضان ۱۰۵۲ بیان رساند.
- دیگر مراد تفرشی که در ذی حجه سال ۱۰۴۷ رساله ۳۴ (اثبات واجب) را برای مولی محمد صالح کرامی نوشته است وی همان کس است که سید احمد عاملی (مرده میان ۱۰۵۴ و ۱۰۶۰) برای او پیرسشهای خواجه طوسی از خسرو شاهی پاسخ داده که همان رساله ۲۹ این دفتر میباشد. باز نام همین محمد صالح در ص ۳۷۳ دیده میشود و نیز خط سلطان محمود که در ۲۵ رمضان ۱۰۳۴ و محمد مؤمن بن هدایت الله تبریزی که هر دو بدستور همان مولانا محمد صالح کرامی نوشته اند درص ۲۶۳ و ۲۶۹ دیده میشود. پیدا است که این دفتر برای کرامی فراهم آمده است و تاریخ آن از ۱۰۳۴ تا ۱۰۵۲ میباشد.

(همه دفتر ۲۸۱ صفحه) - کاغذ قرمه سپاهانی زرد - جلد تیماج سرخ ضریبی مقوایی

اندازه : ۱۵ × ۲۶ و ۹ × ۱۶ س ۲۴

[۲۷۴]

الاعمال والمعلولات (رساله فی ...)

(عربی)

این نگارش از خواجه طوسی است که در آن بروش ریاضی از رشته علتها ومعلولها گفتگو نمود.

آغاز : بسمله . مسئله . قالت الحكماء : المبدء الاول لجميع الموجودات واحد تعالى ذكره .

انجام : وذلك ما اردت بيانه في هذه المسئلة والله اعلم بالصواب .

[۳۳۷]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۱۲ دفتر است و بخط تعلیق ص ۲۶-۳۱

[۲۷۵] العلم الاکتسابی (رسالة فی ... ) (عربی)

خواجه طوسی در این گفتار بروش عرفانی دو مرتبه تعلیم اکتسابی و تعلیم ربانی علم را روشن ساخت .

آغاز : اعلم وفقنا الله تعالى و اياك انه لا بد من معرفة العلم والعالم والمعلوم .

۱۰ فالعلم تصور النفس الناطقة اله طمئة الكلية حقایق الاشياء المجردة عن المواد كمية و كيفية مفردة كانت او مركبة .

انجام : فيعبر النفس عنه كما يشاء بلا انقطاع و نسيان . ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء من عباده و م حسبنا الله و نعم الوكيل .

[۳۳۸]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۱۴ دفتر است و بخط شکسته تعلیق ریز ص ۱۰۳

[۲۷۶] علم جمجمیه (فارسی)

در این رساله که در مغز شناسی Phrenologie یا علم قیافه جمجمیه میباشد از جایگاه بیست و نه حس در مغز از روی سخنان گال (F . G . Gall) و لاوایتر G . G . Lavater و دیگر دانشمندان فرنک گفتگو گردید (۱) .

۲۰ آغاز : ربی . بسمله . مقدمه . علم انسانی بر دو نوع است علم جسمانی و عام

۱ - در فنولوژی صفات و کارهای عقلی بر پایه ساختمان مغز نهاده شده و گال پزشک آلمانی (۱۷۵۸ - ۱۸۲۸) آنرا آورد این علم کالبدشکافان را درباره ساخت و کردار مغز بخود کشیده بود و امروز فراموش گردید . گال مغز را جایگاه نیروهای روانی میدانست و برای هر یک میخواست جایی در مغز جدا سازد - لاوایتر فیلسوف شاعر الهی پرستان سوئیسی (۱۷۷۵ - ۱۸۰۱) آورنده علم قیافه Physiognomie با هنر استدلال از خطوط چهره بخوبیها میباشد .



غیر جسمانی .

**انجام :** جهت فهم و تربیت خود نه جهت شهرت و مضمون گوئی بیحاصل  
بتکمیل در علم قیافه مشغول گردد. العلم عند الله - در یوم شنبه ۱۹ شهر جمادی الاولی  
بید اقل الجانی شیخ باقر فاضل الکاشانی فی سنة ۱۲۸۹ .

[۳۳۹]

۹۵۳ این نسخه بخط نسخ شیخ باقر فاضل کاشانی بسال ۱۲۸۹ می باشد ص ۱-۱۱۳

( ۶۸ برگ ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج تازه زر زنگ

اندازه : ۱۲٫۵ × ۲۱٫۵ و ۱۵ × ۱۶ س

[۲۷۷] **علم الله (رسالة في كيفية ...)** . (عربی)

- ۱۰ این گفتار کوتاه از شیخ رئیس دانسته شده و در آن روشن گشت که خداوند  
بهمه چیز آگاهست نه اینکه تنها کلیات را بدانند چنانکه مشائیان میگویند .  
آغاز : رسالة للشيخ الرئيس ابي علي بن سينا في كيفية علمه تعالى . وبه نقتی .  
قال : علم الباری لذاته فهو يعلم الاشياء جزویها و کلیها علی ماهی علیه .  
**انجام :** و يعرف بأسبابها و يعرف عدها بأسبابها لعدم لها .

[۳۴۰]

۱۵

- این نسخه شماره ۱۷ دفتر است و بخط تعلیق مورب گت ۸۹ ب . نویسنده  
۱۰۷۹ در پایان آن چنین افروود « وقال الاشياء التي تسميها اتفاقيات وهي واجبة عند الله  
وقال الاول يعرف الشخص و احواله الشخصية ... ولا يعزب عن علمه مقال ذرة  
في السموات ولا في الارض انتهى وهو صريح في علمه تعالى بالاشياء » و گفت پس آنچه  
غزالی درباره شیخ گفته و او را کافر خواند بی پایه است . خود غزالی برگشته باشد یا نه  
۲۰ در مقاله چهارم سر العالمین درباره غدیر چنین گفت : « ولكن اسفرت الصحة . . . بيت  
ذوی النهی وذلك فضل الله يؤتيه من يشاء » نویسنده میخواهد بگوای این گفتار و آن  
سخنان شیخ را از تهمت کفر بیرون بیاورد .

[۲۷۸] **علم الله (رسالة في ...)** (عربی)

- ۲۵ دانشمند شمسای گیلانی در این گفتار از دانائی خیدا سخن رانده و آنرا  
هنگامیکه در مکه بسر میبرد است بسال ۱۰۴۸ نگاشته است .

آغاز : بسمله . اعلم ان العالم بالغير قسمان .

انجام : الصفات الثبوتیه الکامله الثابتة فی مرتبة ذاته بذاته مع قطع النظر عن کل ماعدا ذاته (در پایان میگوید : وقع تحریر هذه الرسالة البرهانية علی يد مؤلفها... المجاور بمكة . . . محمد الشهير بشمسا الجیلانی فی تاریخ سنة ثمان و اربعین بعد الالف ) .

[۳۴۱]

این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط تعلیق شکسته محمد قاسم بن سید محمد حسینی شاگرد شمسا از روی نسخه استاد و در روزگار او بسال ۱۰۵۸ گ ۱۹۹ ب- ۲۱۰ الف و یک حاشیه (منه) در این نسخه هست . شماره ۱ نیز نوشته حسینی میباشد .

۳۰۴

[۳۴۲]

این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط تعلیق تاریخ ۱۲۵۲ میباشد گ ۱ ب- ۱۲ ب و در صفحه ۲۰۱ دو حاشیه دارد که یکی به (منه) و دیگری به (منه ره) پایان میباشد . دو نسخه از این رساله در طوس ش ۶۸۰ و ۶۸۱ (ج ۴ ص ۱۳۷) هست .

۱۰

۳۸۹

هلم الله (وصاله فی . . .) (عربی) [۲۷۹]

این گفتار نیز از گیلانی است که اندیشه فلسفی خویش را در آن با سخنان معصومان سازگار نمود .

۱۵

آغاز : و اعلم ان ما برهنا علیه باذن الله تعالی من ان علم الله تعالی بالاشیاء لایجوز ان یکون حضوریا و لاحصولیا بل لابد ان یکون نحواً ثالثاً .

انجام : یجب حمل کلام الشارع علی الم تفاهم العرفی مالم یصرفه صارف عقلی

۲۰ اوشرعی و لیس فلیس .

[۳۴۳]

این نسخه شماره ۱۵ دفتر و بخط تعلیق ریز میباشد و در پایان دارد « س م س رحمه الله » گ ۱۵۳ الف- ۱۵۵ الف . در دنبال آن گفتاری است از شمسا در جدائی میان ذاتی و عرضی در موجود خارجی با رمز ( س م س رحمه الله ) و عبارتی از حاشیه شفای شیرازی گ ۱۵۵ الف .

۹۲۶

۲۵

هلم واجب (وصاله . . .) (عربی) [۲۸۰]

دانشمند داماد استرآبادی در این رساله بروش خویش ازدانائی خدا کاوش نمود

آغاز : بسمه . ولائقة الابالحکیم بعد الحمد لمفیض العلم وواهب العقل . . .  
 يقول محمد المدعو بياقر الداماد الحسيني . . . وضابطة مقام التحقيق في علم الواجب  
 ان يقال .

انجام : کما ارتکب من مدارک المحققین علی ما فصل فی زیرهم فتامل و الیه  
 یعلم حقيقة الحال ..

[۳۴۴]

۱۰۳۸ این نسخه شماره ۱۳۸ دفتر است و بخط شکسته تعلیق ک ۳۳۰ ب - ۱۲۹ الف

[۲۸۱] علم الیقین (عربی)

نگارشی است فلسفی و عرفانی از فیض کاشانی محمد محسن بن مرتضی فیلسوف  
 عارف محدث شیعی (۱۰۷۸-۱۱۰۹) که در ۱۰۴۲ بیان رساند و در تهران بسال  
 ۱۳۰۳ با عین الیقین مصحوب به خط رسیده .

[۳۴۵]

این نسخه بخط تعلیق و عنوانها در آن بشکرف است و در برگ (۱ الف) چنین  
 نوشته شده : « کتاب علم الیقین فی اصول الدین املاء العبد الضعیف محمد بن  
 مرتضی المدهو بمحسن القاسانی بته الله بالقول الثابت فی المعیوة الدنیاء فی الآخرة »  
 و سه مهر دارد که بهوتا افزا است و یکی چنین خوانده میشود : « الرانجی محسن الفیضی  
 محمد » و باز در همانجا نوشته است که اسحق بن محمد علم الهدی از پسر عموی خود  
 بسال ۱۱۲۵ این نسخه را خریدم است .

در آغاز نسخه مهر محمد ابراهیم بن محمد صادق موسوی و در آنجا و در پایان  
 مهر محمد بن صادق بن زین العابدین موسوی دیده میشود .

( ۲۸۶ برگ ) - کاغذ ترمه سمرقندی - جلد قیماج سرخ ضربی مقواتی

اندازه : ۲۰×۴۰ و ۱۴×۱۴ س ۱۹





صفحه عنوان علم الیقین فیض بخط و مهر خود او ش ۲۴۴

وقد قال عن منسب جل علاؤه انه ارحم الراحمين فلا شك انه ارحم من خلقه ومن عرفنا ان  
 ننسب هذه المبالغة الى الرأفة قبل قد قام الدليل القاطع على ان الباري عز وجل  
 لا ينفع الطاعات ولا يضره الخيالات وان كل شيء جارية قضاءه وقدره وان  
 مجبورون الى اختيارهم فكيف يسره العذاب عليهم وجاء في الحديث وان من شيعه  
 ارحم الراحمين وربما يقال ان كون الشيء عذابا من وجه الانسان كونه رقيقا ويراؤه  
 القام كلام لطيف ليس هذا الكتاب محل ذكره وقد ورد في كتاب عن النبي صلى  
 الله عليه واله ان الله خلق يوم خلق السموات والارض مائة رحمة فخلق في الارض  
 رحمة بها تعطف الموالدة على ولدها والهايم مصفا على بعض والطير ما ترسمه  
 الى يوم القيمة فاذا كان يوم القيمة اكملها بهذه الرحمة ما لم تسع من التسعة  
 في شدة توفيقه واشتد نقته لعدائهم سنة رحمة الله في الكلام في العلم بالدين الا ان  
 من علم العلم اليقين بما صدره الا انه وقع في حقهم على رقة الله تعالى ان جعل الله ما يقا  
 ويوم اقرنا الى رقة وهو انه انما ضررهم في عيشة في الدنيا بعد الضعيف المسكين  
 مخرج من الكبروت كمنسب الله عاقل وجعل له الرزق الاعلى ما لقران في الكتاب  
 ارباب التصديق يعرف من هذه الايات انه علم العقول في عاين غير ذلك كقولهم  
 صار تاريخه الامم بعينه الصدوق في العلم بدوه كان في الشهر اربعه فكذا  
 انهم صاروا اكرم تحت يده لا يكاد بالبشرى بخصيص لصاحب النعم من الله  
 طالع السيرة وما فيه من ثبوت قدره  
 وانه قد اوفى اوفى واطمأننا  
 وصدق الله على محمد وآله



٢٤٤





(عربی)

هین الیقین

[۲۸۲]

این نگارش عرفانی از دانشمند فیض کاشانی است که عین الیقین فی اصول  
اصول الدین یا الانوار والاسرار نامیده شده و در سال ۱۰۳۶ پایان رسید و با علم الیقین  
در تهران بسال ۱۳۰۳ چاپ شد .

[۲۴۶]

۵

این نسخه بخط نسخ خوش تاریخ ۱۱۲۷ در جدول زرین و لاجورد با سرلوحی  
زیبا بزر و لاجورد و میان سطرها و کنار دو صفحه نخستین طلاکاری است و  
حاشیه دارد از فیض با (منه قدس سره) .

۳۷۳

( ۲۸۳ ) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج مشکی مقوای دورو و درون آن سرخ

اندازه : ۲۱×۱۴ و ۱۹×۹ س ۱۸

۱۰

(عربی)

هین الحکمه

[۲۸۳]

نگارشی است بر روش عرفان و علم حروف از امام فخرالدین تبرستانی رازی  
که در فهرست آغاز نسخه ما (رسالة التوحید) یاد شد .

آغاز : بسم الله . ورب يسر . الحمد لله المستحق للحمد ذي الجلال واليهاء والثناء  
والمجد . . . هذا كتاب صنفناه في الشرايع الالهيه و القواطع الدينيه على آراء العقلاء  
ذوي الشريعة .

۱۵

انجام : تمت المنافع يتلوها الاصول الفقهيات اندر ماقيل واعز ماتيل والعون  
والتوفيق بالله عليه اتوكل واليه انيب والحمد لله وحده والعلوه على نبي الرحمة  
وآله الطاهرين .

[۳-۷]

۲۰

این نسخه شماره ۵ دفتر است و بخط نسخ سید حیدر آملی که خود آنرا مقابله  
نمود گ ۱۰۴ ب - ۱۲۴ الف

۱۰۳۲

(عربی)

هین المعانی

[۲۸۴]

نگارشی است از فارابی که درس ۹۹ شناسانده شده و در آن چندین مطلب

۲۵ منطقی و فلسفی آمده است .



[۳۴۸]

۳۴۰ این نسخه شماره ۵ دفتر است و بخط نسخ گ ۲۲ ب - ۲۵ ب .

[۳۴۹]

- این نسخه شماره ۵ دفتر است و بخط شکسته تعلیق محمد شریف بن محمد  
 ۱۰۴۶ قائمی دررجب ۱۰۴۰ درلاهیجان گ ۳۹ ب - ۴۱ ب و عنوان آن چنین است :  
 « هذه كتاب عيون المسائل للشيخ الاجل الاقدم ابي نصر الفارابي وهي مائة وستة  
 وستون مسألة » .

[۲۸۵]

فصوص الحکمة (عربی)

- نگارشی است که از فارابی دانسته اند و درص ۱۰۰ شتلسانده شده و در فلسفه  
 آمیخته با عرفان است . یکی از دانشمندانیکه از آن یاد نمود خفری (م ۹۳۵ یا  
 ۹۵۷) است که در « اثبات الواجب » ش ۹۲۶/۸ گ ۱۲۹ الف از آن نام برد . دانشمند  
 داماد نیز در ص ۶۷ قبسات بند ۵۸ آنرا آورد و در صراط مستقیم او (ش ۲۷۹/۸  
 گ ۳۴ الف) نیز بندی از همین فصوص دیده میشود با اینهمه گواهیها در اینکه این  
 گفتار ریخته خامه فارابی است یا نه جستجوی بیشتری باید .

[۳۵۰]

- ۱۵ ۳۴۰ این نسخه شماره ۶ دفتر و بخط نسخ میباشد گ ۲۶ الف - ۳۱ ب

[۳۵۱]

- این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط نسخ تاریخ ۹۸۶ از پیرشاه بن محمد یساری  
 ۲۶۸ گ ۱ ب - ۱۷ الف .

[۳۵۲]

- این نسخه شماره ۳ دفتر است و بخط نسخ تاریخ ۱۰۹۶ گ ۵۲ الف - ۵۹ ب  
 ۸۹۷ عنوان « فص » بشنگرف است و ۶۵ فص میباشد و در پایان دارد « تمت  
 الرسالة المنسوبة الى المعلم الثاني » .

[۳۵۳]

- این نسخه شماره ۱ دفتر است و بخط تعلیق خوش با عنوانهای شنگرف از  
 ۱۰۳۰ ملا محمد سلیم که برای حاج محمد شریف بسال ۱۰۹۴ نوشته است گ ۷ ب - ۱۷ ب

- فیلسوف ابوعلی مشکویه رازی (م ۴۲۱) این رساله را در مسئله خداشناسی و پیامبری و روانشناسی هریک در ده فصل نگاشته است. در آغاز میگوید: با اینکه هیچ کتابی در دستم نبود و بر سر سفر بودم و آسایشی نداشتم چون بمن دستور دادند ۵  
بنگارش آن پرداختم. مشکویه در این کتاب از سخنان افلاطون و فرفوریوس و از گفته جالینوس در اینکه چیز از چیز پیدا میگردد و از رد اسکندر بر او یاد میکند (مسئله ۱ فصل ۲ و ۱۰) در فصل ۱ مسئله ۲ میگوید: بدشواری میتوان در باره روان سخن راند چه کتاب نفس ارسطو را سخت میتوان دریافت و ناقص است زیرا او دشوار و کوتاه سخن میگفت تا پیروان ورزیده شوند. مفسران هم بیشتر مانند اسکندر افرویدی و ثامسطیوس و پیروان آنها اختلاف کردند و ترجمه از یونانی ۱۰  
نیز کسی را میشاید که در هر دو زبان سرآمد و آگاه باشد. تنها ابو الخیر حسن بن سوار که خدا ما را از او بهره مند سازد بجستجوی گفتار ارسطو در باره نفس پرداخت و از کتابهای سریانی که بهمان رسیده بود و از تفسیرهای مفسران گرد آورد و خود هم خوب مترجمی است و خستگی ناپذیر. او در دریافت بسیاری از دشواریها با ترجمه ها که ۱۵  
کرد بما کمک نمود و بسیاری را روشن ساخت و از سخنان خود او و از گفته های گذشتگان که میآورد اگر در دست میداشتم در اینجا یاد میکردم. در پایان فصل ۴ مسئله ۲ باز از تفسیر ابی الخیر میآورد و در فصل ۶ مسئله ۲ در دلیل سوم از سه دلیل افلاطون در پایداری روان از نگارشهای او و ابیرقلس (پرکلس) و جالینوس یاد میکند و در فصل ۹ مسئله ۲ سرودی از همیروس میآورد. این دفتر از بهترین کتابهاست که در باره خدا ۲۰  
و روان و تجرد و پایداری و خوشی آن و وحی و کفایت و پیامبری بروش فیلسوفان نوشته شده و برای تفسیر کتاب نفس ارسطو بسیار سودمند میباشد. او چون میخواست (فوز اکبر) بنویسد در اینجا بکوتاهی پرداخت و بدان نوید داد (پایان) این کتاب  
بسال ۱۳۲۵ در مصر و ۱۳۱۹ در بیروت بچاپ رسید، خواجه عبدالحمید استاد فلسفه مدرسه دولتی لاهور بدان نگریسته و گزین نموده و کتابی بانگلیسی بدین نام:  
Ibn Maskawiah, A study of his Al - Fauz Al - Asghar در همانجا ۲۵

بسال ۱۹۴۶ بچاپ رساند .

آغاز : بسمله وبه ثقتی ورد علی امر الامیر المظفر السید المؤید من السماء ...  
علی المسائل الثلاثة التي يشتمل علی العلوم كلها .

انجام : فهذا مبلغ ما يجب ان يتكلم فيه علی هذه المسائل الثلاث ... والدلالة  
فيما احتاج الى بسط وشرح الى اماكنه من كتاب الفوز الاكبر الذي يستأنف بمشية الله  
عمله وبالله التوفيق الحمد لله وحده والصلاة علی النبی محمد وآله الطاهرين . تم الفوز  
الا صغر عن ابی علی المسكويه .

[۳۵۴]

این نسخه شماره ۱ دفتر وبخط نسخ باعنوانهای شنگرف می باشد گ الف -  
۸۹۷ ۲۰ الف . نسخه خطی وچابی آن در فهرست طوس (ج ۱ ش ۲۱۲ ص ۶۴ و ج ۴  
ش ۲-۴۶۱ ص ۳۳۶) شناسانده شده و يك نسخه آن در مجلس هست (ج ۲  
ش ۳۱/۶۳۴ ص ۳۹۹) .

[۲۸۷] فیضی الی (عربی)

نگارش ابن سینا است که در دکن سال ۱۳۵۴ بنام رساله الفعل والانفعال بچاپ  
رسید و در آن از وحی والهام واعجاز و کرامت و خواب و جادو و نیرنگ گفته گو میشود  
و شیخ آن را در دنبال پاسخ خود بپرسش سوم میهنی نیز گذارده است (ص ۱۷۱  
این فهرست) فتوای در ش ۱۹۰ نیز آنرا شناساند .

[۳۵۵]

این رساله شماره ۴ دفتر است وبخط نسخ تازه در ۴۷ ص می باشد . در طوس  
۳۶۷ دونه از آن هست ش ۱۰۵ (ج ۲ ص ۳۱ منطق) و ۹۱۹ (ج ۴ ص ۲۱۵) ۲۰

[۳۵۶]

این نسخه شماره ۷ دفتر است و بخط تعلیق نزدیک ۱۳۵۶ گ ۶۰ الف -  
۱۰۸۹ ۶۲ الف و بدینجا پایان میابد «علی تصریف العین و لخیالات الناس» برابر  
با س ۲ ص ۷ چایی .

۲۵ ۱ - برای شناختن این فیلسوف و گفته های او بنگرید به : ابن مسکویه فلسفته الاخلاقية  
ومصادرھا ارد کتر عبدالعزیز عزت چاپ مصر سال ۱۹۴۶ که از این کتاب در ص ۱۳۵ یاد کرد



(فارسی)

## قراعه طبیعیات

[۲۸۸]

این دفتر را از شیخ رئیس پنداشته اند و در دیباچه آن چنین آمده که نزد فرمانروا سخنی از طبیعیات و نوشته های ارسطو بعیان آمده ناگزیر این کتاب را در مسئله های طبیعی بروش پرسش و پاسخ پیارسی نوشتم و از نگارش های دیگران مگر گاهی آنهم برای آسانی دریافت آنچه خود نگاشته ام نیاوردم او خود این کتاب را چنین نامید و کتاب در ۴ فصل است : « مسئله های حیوانی در ۱۶ باب و نباتی در ۸ باب و معدنی در ۵ باب و نوادر در ۱۶ باب » نگارنده در فصل ۳ باب ۹ ( ص ۲۸ ) از عنوان الاکوان خود یاد میکند ما نا این کتاب از روی « مسائل » یا « مابال » ارسطو نوشته شده است . آغاز : بسم الله . سپس بقیاس آفریدگار همه اشیاء را و بخصوص کننده نوع ۱۰ انسان را از جمله جانوران . . . آغاز سخن امرا و سلاطین و وزرا و خواقین آنست که شغل های خواهند که شهر گشادن بود .

انجام : که دیدن سراب خویش ترك و بیخ خویش بکنی .

[۳۵۲]

این نسخه بخط تعلیق شادروان شیخ اسدالله فرزند هادی کرمانشاهی کتابدار مدرسه سپهسالار می باشد که در ۱۵ صفر ۱۳۵۰ در همانجا از روی نسخه ای که بدین عبارت « تمت الرسالة فی يوم الجمعة دهم شهر محرم الحرام ۱۲۳۹ » پایان می یافت نوشته است .

( ۴۴ ) - کاغذ فرنگی - جلد تمیاج سرخ

اندازه : ۱۱×۱۲٫۵ و ۱۴×۱۴ س ۱۴

(عربی)

## القضاء والقدر (رسالة . . .)

[۲۸۹] ۲۰

ابوسعید حسن بصری (در ررق ۲۲- در بصره رجب ۱۱۰) پارسای صوفی سخنور دانشمند از پدری بنام ابی الحسن میسائی برده زید بن ثابت انصاری و مادری بنام خیره کنیز ام سلمه زن پیامبر (ص) بوده و چهره ای زیبا داشت و در وادی القری بزرگ شد . وی در روزگار معاویه ( ۴۱ - ۶۰ ) برای ربیع بن زیاد فرمانروای خراسان نویسنده میگرد. از شعبی (۱۰۴م) و ابن سیرین (۱۱۰م) و قتیبه و مفسران دیگر ۲۵

پیاموخت و عمر بن عبدالعزیز (۹۹-۱۰۱) الورد البزرك میداشت سلیم بن قیس میگوید که او سرانجام شیعی شد. دانشمندان شیعی برخی او را بدو دسته‌ای خوب میدانند. او از خونریزیها و کشتارها که سران تازی میکردند نکوهش می نمود و گوشه‌ای گزید. شاگردش ابن ابی العوجاء چون سخنانش را در جبر و قدر باهم ناسازگار بدید از او برگشت و خدا ناپرست شد. برخی او را سازشکار و خواهان بزرگی و رهبر ۵ قدریان خوانده‌اند. گویند ابن سیرین بر مرده او نماز نگذارد. از نگارشهای او «الاخلاص» نام برده‌اند. پندها و اندرزها و سخنانی شیوا از او در کتابها دیده میشود. وی نامه‌ای به عمر عبدالعزیز و بصوفیان نوشت (۱) این گفتار نامه‌ای است از او بحسن بن علی (ع) (۲-۵۰) و پاسخ امام بدو درباره قدر و سر نوشت سپس نامه همو به عبدالملك مروان (۶۵-۸۶) در پاسخ نامه‌ای فرما روا که بدو نوشت: «در باره قدر سخنی ۱۰ از تو شنیده‌ایم که گذشتگان و یاران پیامبر نگفته‌اند و امیر مؤمنان از مانند تو بدیندار و فقیه چنین گفتاری را دور می‌بیند. خود چنین می‌گویی یا از یاران پیامبر آموختی و یا از قرآن گرفته‌ای؟ ما تا کنون چنین سخنی نشنیده‌ایم باید چگونگی را برای ما بنویسی. بصری در آغاز می‌خواهد که او از فرمانبران خدا باشد و سپس درباره قدر و آزادی خواست مردمی سخن میراند و از آیت‌های قرآن گواه می‌آورد که بدی از بندگان است ۱۵ و خدای دادگر و مردمی در گرو کردار خویش میباشد.

آغاز: بسمله و به نستعين. قيل كتب الحسن البصري رحمه الله عليه الى الامام ابي الحسن بن علي... يا بن رسول الله ان الله جعلكم السفن الجارية... وقيل كتب عبدالملك بن مروان الى حسن بن ابي الحسن البصري رحمه الله عليه من عبدالملك امير المؤمنين الى حسن بن ابي الحسن. ۲۰

انجام: وليلبسوا عليهم دينهم وقال الهدهد الذي انطق الله بالصواب وجدتها (کم دارد).

۱- نگاه به: تذكرة النوادر من المخطوطات الفريية ص ۱۲۰ چاپ دکن ۱۳۵۰-  
روضات الجنات ص ۲۰۸ - ۲۱۱- میدان شهر کی بود پائین بصره. نسخه‌ای از نامه‌های  
بصری در اباصوفیا ش ۳۹۹۸ هست.

[۳۵۸]

این نسخه شماره ۱۰ دفتر است و بخط نسخ آملی گ ۱۷۳ ب - ۱۸۶ ب  
 ۱۰۲۲ و در دنبال آن چهار گفتار فقهی گ ۱۸۷ الف و گفتاری از فخر المحققین در اعتقاد  
 واجب ۱۸۷ ب میباشد .

۵ [۲۹۰] قضا و قدر (عربی)

نگارش دانشمند صدرای شیرازی است که در مجموع رسائل اوص ۱۴۸-۲۳۷  
 در ایران بسال ۱۳۰۲ بچاپ رسید .

[۳۵۹]

این نسخه شماره ۵ دفتر است و بخط تعلیق محمد علی ۱ صفر ۱۳۰۰ گ ۶۱  
 ۸۴۹ الف - ۱۷۴ الف .  
 ( همه دفتر ۱۷۴ ف ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج سرخ ساده مقوای  
 اندازه : ۱۰ر۵ × ۱۷ر۵ و ۱۴ × ۶ س ۱۱

[۲۹۱] قضا و قدر (رساله ...) (عربی)

ابو محمد بن عنایت الله مشهور ببایزید بسطامی برای امیر سید عالی مظفر بروش  
 ۱۵ کلام شیعی در این رساله از قضا و قدر گفتگو نموده و آنرا در روز سه شنبه ۱۴ ج ۲  
 سال ۱۰۱۱ پایان رساند .

آغاز : بسمله و به نستعين الحمد لله الذي اوضح البينات والهدى ... يقول  
 ابو محمد بن عنایت الله الشهير ببایزید البسطامی ان مسألة القضاء والقدر لما كان من  
 غوامض العلوم .

۲۰ انجام : والتجنب عن اعتقاد المذاهب الزائفة وقد فرغ من تسويد هذه الرسالة  
 مؤلفها ابو محمد بن عنایت الله البسطامی . . في تاريخ يوم الثلاثاء رابع عشر جمادى الثاني  
 من شهر سنة احد عشر والف بيد العبد الضعيف احمد بن عبدالحی عفی عنهما .

[۳۶۰]

این نسخه شماره ۳ دفتر و بخط شکسته تعلیق احمد بن عبدالحی شریف میباشد  
 ۲۹۳ گ ۷۲ ب - ۱۳۰ الف ومهر « المتوكل بالملك اللطيف عبده محمد شريف »  
 در پایان این رساله و دومی دیده میشود .



( همه دفتر ۱۴۰ ) - کاغذارمه سمرقندی - جلد تجماع منکی ضریبی زرکوب مقوایی  
اندازه : ۹۵×۱۹ و ۱۴۵×۶ س ۲۰

## [۲۹۲] القوی الانسانیة وادراگانها (عربی)

این رساله که از ابن سینا دانسته شد با پاره ای از فصوص فارابی یکی است  
(ص ۱۰۱ این فهرست) و در تسع رسائل <sup>۱۹۰۸</sup>/<sub>۱۳۳۱</sub> و کنار شرح هدایه شیرازی ص ۳۳۸ - ۵  
۳۴۵ بچاپ رسید . قنوتی درش ۹۵ از آن یاد نمود . در فهرست بیهقی ص ۱۸۸ نیز  
این نام دیده میشود .

[۳۶۱]

این نسخه شماره ۱۶ دفتر و بخط تعلیق محمد علی در مدرسه سپهسالار نزدیک  
۱۲۹۹ گ ۱۴۷ ب - ۱۵۲ ب . ۸۷۱

[۳۶۲]

این نسخه شماره ۸ دفتر و بخط تعلیق حسن تقدیسی نزدیک ۱۳۵۶ گ ۶۴  
ب - ۶۵ ب . ۱۰۸۹

## [۲۹۳] القوی الجسمانیة (رسالة فی ...) (عربی)

بیهقی در فهرست خویش ص ۱۸۹ در شمار نگارشهای شیخ از همین نام یاد  
کرد و قنوتی درش ۱۰۹ بنام « النفس » آنرا شناساند .  
آغاز : نقول : القوی الفعالة فی الاجسام بذاتها بتمتی بهالقسمه الی اربعة اقسام .  
انجام : فهذا هو حد النفس والله اعلم والحمد لله العجل بالانهاية والصلوة  
الدائم علی محمد منبع الحکمه والشریعة وآله اجمعین .

[۳۶۳]

این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط نسخ تازه و تصحیح شده ۲۱ صفحه  
۳۶۷

## [۲۹۴] القوی الطبیعیة (مقالة فی ...) (عربی)

نگارشی است از فرزانه پزشک ابی الفرج عبدالله بن الطیب جاثلیق همدانی  
بغدادی آشنای یونانی و رومی م ۴۳۵ استاد ابن سینا که بر بسیاری از کتابهای ابقراط  
و ارسطو و جالینوس شرح نوشت و چهار انجیل (دیاتسارن) را بتازی گزارش نمود . ۲۵

او گفتگوهای ابن سینا و بیرونی را که بدید گفت: کسی که بر دیگران بخل ورزد آنها هم بروی بخل درازند. بیرونی بجای من بدو دشنام داد. همین گفتار است که ابن سینا بر آن ردی نوشت (۱).

آغاز: مقالة لابی الفرج عبدالله بن الطیب فی القوى الطبيعية - قال اقتضى تصنیفی لهذه المقالة المحبة التي بيننا و غرضی فیها البیان علی ان القوة الجاذبة و الماسكة و الهاضمة و الدافعة هی قوة واحدة فی الموضوع و افعالها اربع .  
انجام : فالقوة التابعة له واحدة فهذا یجزی و یغنی فی مطلوبنا هذا و عنده فلیقطع الكلام فی مقالتنا هذه و لو اهاب العقل مستحق الحمد الحمد بالانهاية و هو حسبنا و صلى الله علی سیدنا محمد . . . و الحمد لله رب العالمین .

[۳۶۴]

۱۰

۱۰۷۴ این نسخه شماره ۸ دفتر و بخط تعلیق میباشد گ ۱۲۷ ب - ۱۳۳ ب

(فارسی)

قیافه

[۲۹۵]

در این رساله از قیافه که یکی از فرعهای طبیعی قدیم است گفتگو میشود.  
آغاز : بسمله و به نستعین . این مختصریست در بیان علم قیافه و حلیه و ظاهر صورت انسان .

انجام : کدام از خواص و عوام اشغال و اعمال مناسب فرمایند . والسلام .

[۳۶۵]

این نسخه بخط نسخ در گ ۹۰ ب - ۹۳ ب میباشد و از گ ۹۸ ب تا ۱۰۶ ب  
سخنانی است پراکنده در افسوس و جادو و کیمیا و افسونی از میرداماد برای توانگری .

۸۷۶

(عربی)

کلمات طریقه

[۲۹۶]

رسالة ایست کوچک و بسیار شیوا از فیض کاشانی در ۱۰۱ بند که در آن از سنن

۱ - نگاه به : خزرجی ج ۱ ص ۴۱ - ۲۳۹ و ج ۲ ص ۲۹ - ۲۰ - بیهقی ص ۲۷ - ۳۲ -

هین فهرست ص ۴۹ و ۵۰ و ۷۲ - قنونی در ش ۹۴ این رساله را شناساند و در ش ۱۴۱

رد آنرا . ۲۵

و متکلمان و صوفیان و فیلسوفان و فقیهان و یارسایان ظاهری خرده گیری می‌کنند  
و در ایران میرزا محمد هاشم قمی بسال ۱۳۱۶ آنرا بچاپ رساند.

[۳۶۶]

- این نسخه شماره یکم دفتر است که دوم آن اختصار شواهد مغنی اللیب عن  
۱۴۳ کتب الاغارب ابن هشام جمال الدین عبدالله بن یوسف نحوی حنبلی مصری  
۷۶۱ م است که گویا از شمنی تقی الدین ابوالعباس احمد بن محمد حنفی قسطنطینی  
۸۷۲ م باشد و این یکی بخط نسخ است با عنوانهای شنگرف از برك ۱۰ ب تا برك  
۱۶۷ ب و نام شمنی در برك ۱۱۰ الف برده شده است و سومین شماره این دفتر فرهنگی  
است از تازی بترکی آنها بنسخ از برك ۱۶۸ ب تا برك ۱۹۷ الف و نوشته ناصر بن  
حسین در مدینه بتاریخ ۲۵ رمضان سال ۱۲۰۸ می باشد و چهارم شرح خلاصة الحساب  
۱۰ شیخ بهائی می باشد از برك ۱۹۸ ب تا برك ۲۵۲ الف .
- کلمات طریفه فیض از برك ۱ ب این دفتر است تا برك ۹ ب و بخط نسخ و جای  
عنوان سفید گذارده شده و از آغاز کتاب تا نیمی از بند ۴۲ زیر عنوان « تنزیه » را دارد  
و انجام آن چنین است : « ان حکماء الاول کانا اولی الفضائل . . . فی کلماتهم شفاء  
لما فی الصدور و فی مقالاتهم نجات من الجهل و القرور غیران عباراتهم » برابر با س ۶  
۱۵ ص ۵۴ چاپی .

(همه دفتر ۲۵۳ برك) - کاغذ فرعی - جلد تیماج سرخ مقوای

اندازه : ۲۴×۱۶ و ۱۸×۱۱٫۵ س ۲۴ در این شماره

[۲۹۷] کلید بهشت (فارسی)

- ۲۰ نگارش قاضی محمد سعیداء قمی است که در چاپخانه مجلس تهران بسال  
۱۳۱۵ خ بچاپ رسید .

[۳۶۷]

- این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط تعلیق شکسته تاریخ ذی حجه ۱۰۸۵ می باشد  
۳۷۴ و در پایان دارد که در روزگار قاضی نوشته شده گ ۱ ب - ۵۱ ب (۷×۱۲/۵  
س ۱۵) نسخه در ۱۲۲۹ از آن فتحعلی نواده سلطان کریمخان زند در سپاهان  
۲۵ بوده است (بنگرید بقهرست طوس ص ۳۴۳ ج ۴) .

[۲۹۸] کیفیه صمدور الموجدات هن همداه و علمه بالجزئیات (عربی)

قاضی القضاات هرات هنگامی که خواجه طوسی بسال ۶۶۶ نزدش رفت دو پرسش



از وی کرد یکی اینکه هستی هارا برای فیلسوفان خداوند چگونه آفرید؟ دیگر اینکه آنان درباره آگاهی خداوند بجزئیات چه میگویند؟ طوسی این پاسخ را داد بامید اینکه دوباره گسترده تر بنویسد و از او درخواست که اگر باز هم دشوار است برگوید. در پاسخ دوم (گ ۵۵ ب) از شرح اشارات یاد میکند.

۵ آغاز : بسمله من کلام . . . خواجه نصیر الملة الدين قال سألني قاضي القضاة ملك العلماء قدوة المحققين فخر الملة والدين سيد افاضل المتأخرين ... حين استسعدت بخدمة واستفدت بنتائج فكره ... في شهور سنة ست وستين وستمائه عن قول الحكماء في كيفية صدور الموجودات عن مبادئها الاول وعن مذهبهم في علمه بالجزئيات . . . فاردت ان اجيب عن سؤاله . . . فحررت ما اقتضاه الوقت . . . رجيا ان اعود واكتب في اوان الفراغ ذكر اوافيا بما طلبه وشرحا كافيا . ۱۰

انجام : لاعلى وجه جزئى زمانى. في ذلك ما اردت ايراده في الجواب سؤال مولانا العالم فخر الملة والدين شمس الاسلام والمسلمين . . . سيد افاضل المتأخرين قاضي القضاة . . . وان توقف في شيء من ذلك اعاد تفصيله لاوضح ما عندي فيه انشاء الله. وهو ولي التوفيق ومعلمهم الصواب. منه المبدء واليه المآب الحمد لله رب العالمين .

[۳۶۸]

این نسخه شماره ۴ دفتر است و بخط تعلیق شکسته گ ۵۰ ب - ۵۹ الف. نسخه ای از این در طوس (ش ۶۹۱ ص ۱۴۱ ج ۴) هست.

۸۶۳

[۲۹۹] گفتار دوباره و مضاف

(عربی)

گفتاری است از صدرای شیرازی که درباره رستاخیز نگاشته است.

۲۰ آغاز : من افادات صدر الافاضل في ان عذاب القبر حق بقول مجمل . كل من شاهد بنور البصيرة باطنه في الدنيا .

انجام : ولولا ان صينها الله لاحرقت السموات والارض .

[۳۶۹]

این نسخه شماره دوم دفتر است. گ ۲۶۳ مکزب تا ۲۷۵ الف و بخط نسخ از مخطی دوشماره این دفتر که در ۱۱۹۵ در کوی تیم آورد سپاهان نوشته است.

۴۲۱

در پایان دارد : « تمت الرسالة المتعلقة بالكتاب يوم الاثنين من ربيع الاول سنة

۱۱۹۵ « شماره یکم مبدء ومعاد شیرازی است و این گفتار با آن میبویند .  
( ۲۷۵ برك ) - تاغادرنگی - جلد تیماج قهوه ضری با روم بر ریش  
اندازه : ۲۵×۱۵ و ۱۵×۱۹ س ۲۱

### [۳۰۰-۳۰۵] گفتارهای افلاطون (فارسی و عربی)

- ۵ از ۴۱ گفتگو و ۱۳ نامه و چندین گفتار که از افلاطون دانسته اند برخی بزبان تازی در آمده و از ترجمه تازی چند گزین که جالینوس از آنها کرده و بنام جوامع خوانده میشود پاره ای در دست هست و گزیده تیمائوس او بچاپ رسید (۱) نگارشهای او چندان پسند دانشمندان خاوری نشده چه آنها ب فلسفه منظم ارسطو خوی گرفته بودند و از سوی دیگر سخنان افلاطون بساخت گفتگو و پرسش و پاسخ هست و آثار بت پرستی یونانی هم در آن آشکار میباشد و با بود دولت تازی خواندن اینگونه کتابها چندان آسان نبوده از نیروی دستورهای کلی فلسفی و اخلاقی را از نگارشهای او بیرون میکشیدند و بساخت سخنانی کوتاه در میآوردند تا مسلمانان بتوانند آنها را بخوانند (۲)

- ۱ - بول گراوس و ریشارد والزر گزیده جالینوس از تیمائوس پلاتون را سال ۱۹۵۱ در ۶۷ + ۱۱۸ + II × ص بنام Plato Arabus (I vlumen) چاپ کردند (مجله Oriens ج ۵ ش ۱ تاریخ ۳۱ فروردین ۱۹۵۲ ص ۱۰۹).
- ۲ - نگاه به : ابن ندیم ص ۳۴۳ - خزر جی ج ۱ ص ۷۶ - بدوی در دیباجه ارسطو عند العرب ص ۸ - اخوان صفا در بخش چهارم از نگارشهای افلاطون آورده اند : رساله ۳ و ۵ ج ۴ ص ۱۰۰ - ۱۳۴ چاپ مصر در باره مرك سقراط از کریتن بند ۱۱ و رساله ۴ از فاذن در باره مرك سقراط و رساله ۱۱ از بند ۳۶۰ کتاب ۲ جمهوری و نیز در باره هند و سردسیر شمال ج ۴ ص ۳۰۹ و ۳۲۴ و ۴۴۰ - بیرونی در هند ص ۵۱ از مقاله ۲ و ص ۵۹ از مقاله ۴ نوامیس آورد - از سخنان او در جاویدان خرد (الحکمة الخالدة) مشکویه نیز آمده است (چاپ شده در رسائل البلاغ کرد علی و چاپ اخیر بدوی و پارسی آن چاپ سنکی ۱۳۴۶ پژوه گردی ۱۳۹۶ هـ).
- ۳ - طوسی در پایان اخلاق ناصری بندهای افلاطون با رسطورا یاد کرد در عیون الانباء خزر جی ج ۱ ص ۴۷ - ۵۱ - ۵۲ نیز از آنها هست - در کنوز الودیع من رموز الذریعه پارسی ش ۳۹۴ در نبط ۲ پایان کتاب از همین بندها دیده میشود - ابن رشد بر جمهوری با جوامع سیاسة افلاطون شرحی نوشته و در دیباجه آن گفت که چون نگارشهای سیاسی ارسطو بمن نرسید این کتاب را گزارش کردم و گرنه از آن بی نیاز میبودم (تاریخ فلسفه لطیفی جمعه ۹ - ۱۴۸ - ارسترنان ص ۵۵) - ابن سینا در پایان هنر مغالطه منطق شفا از سوفسطیای افلاطون یاد میکند و میگوید که «او در آن هم براهی که میباید ترفوت و منطقی و طبیعی والهی را با هم بقیه حاشیه در صفحه بعد

ازین گلچینی ها شش نسخه در این کتابخانه هست بدینگونه :

- ۱- بند هائی است که از جمهوری گزین شده است و چنین است نام آن :  
 « فقر النقطة و جمعت عن افلاطون في تقويم السياسة الملوكية والاخلاق الاختيارية »  
 آغاز : لا تصحبوا الاشرار فانهم يمنون عليكم بالسلامة . . . قال لا تقسروا  
 اولادكم على آدابكم فانهم مخلوقون لزمان غير زمانكم (۱) .

انجام : و قال لا تصحب من هو دونك حتى تكون دونه في المعرفة او في فضيلة  
 اخرى . ولا تخرجن عما جرى الرسم في المملكة التي انت فيها الا بعد اظهار عذرك و اشاعته  
 فانك تكف بذلك همس الحاسد و شعب المعاند - تمت الكتاب الافلاطونية . العلم عند الله  
 درعیون الابناء خزر جی ج ۱ ص ۴۷ و ۵۰ از این سخنان دیده میشود .

[۳۷۰]

این نسخه شماره ۱ دفتر بخط تعلیق عباس حکمت بتاریخ ۱۳۱۶/۲/۸ خ  
 با مقابله جناب آقای مشکوة و در رویه صفحات نوشته شده گ ۱ الف - ۹۳  
 الف . نسخه ای از این درجک ش ۲۹۱۲ سپهسالار هست .

۲- سخنانی است کوتاه در فلسفه و اخلاق گرفته از کتاب السیره و طیمائوس (۲)

مانده حاشیه از صفحه قبل ۱۵  
 بیامیخت و آنها را نتوانست از هم باز شناسد و هم در هنر مغالطه کوتاه آورد . اگر نگارشهای  
 او همین است که ما دیدیم پس او چندان مایه ای نداشت - در فهرستها از سیاست با فوایطیقوس  
 افلاطون نام برده اند و نوامیس او را مسعودی ده و خزر جی ۱۲ گفتار دانستند و آنها را  
 ویحیی بن عدی ترجمه کردند . سیاست مدنیه یا جمهوری را چنین تفسیر نمود . در کتابخانه  
 سرکاری رامپور ترجمه چنین هست ( گزارش سفر هذ آقای دکتر صدیقی ص ۳۲ ) ثابت بن  
 قره رمزهای جمهوری را تفسیری نوشت و سنان پسر او در نامه ای که برای دوستی نوشته  
 پاره ای از ده مقاله سیاست مدنیه را آورد . در کشف الظنون از نوامیس یاد شده و جوامع  
 المقالات الثلاث لا افلاطون فی النوامیس در مجلس ( طباطبائی ) هست ( گفتار آقای خومی در مجله  
 دانش ص ۹۳ ش ۲ سال ۱ ) - دائرة المعارف اسلامی کلمه افلاطون - مروج الذهب چاپ  
 اروپا ج ۱ ص ۱۹ .

۱ - این بند اخیر در شرح نهج البلاغه مدائنی ( ج ۴ ص ۵۳۶ بند ۱۰۴ ) از سخنان  
 کوتاه علی ع دانسته شد .

۲ - در ش ۲۸ ۱۰ طوس ( ج ۴ ص ۲۵۴ ) از گزیده ای از گفتگوی تیمائوس بدینگونه :  
 « اقاول افلاطون فی کتاب طیمائوس من کتبه فی امر النفس والعقل » یاد شده که درده سطر  
 است و آغاز و انجام آنها را ننوشتند !!



وفاذن واقراطلس (کراتولس) ومقالة الحروب ودر آن از مفسران یاد گردید. در نسخه طوس (ش ۱۰۳۴ ج ۴) « کتاب ملتقطات از فصول افلاطون الهی » خوانده شده است . آغاز : من طالب الحكمة من طريق طلبها ادر كلها وانما يخطئ اكثر من طلبها لانه يطلبها من غير طريقها فاذا طلبها من طريق آخر لم يملها .

انجام : وقال ينبغي ان يكون للانسان من المال الكفاف ولا ينبغي ؟ به وقال لتلاميذه الاحداث اتقوا ( اقتنوا ) ثلثة اشياء فانها تسود مقتنيها . من اخلاقكم العفة ومن الستكم الصمت ومن اعينكم الاعضاء .

[۳۷۱]

این نسخه شماره ۲ و بخط تعلیق بی نقطه محمد سلیم بن حمید در مدرسه معصومه سال ۱۰۹۴ گ ۱۷ پ ۳۸ پ و آغاز هر بند زیر خط سرخ میباشد . ۱۰  
۳- باز سخنانی است کوتاه .

آغاز : بسمله رسالة للإفلاطون- قال افلاطون ان الفلسفة معناها التشبه بالله بقدر الامكان .

انجام : فاذا نطق نطق بما ينفع القائل والسامع بقدر ما ينبغي . ولا يقصر ولا يهذر . ويناطق من ينبغي ان يناطق - انشاء الله تعالى . ۱۵

[۳۷۲]

این نسخه شماره ۵ دفتر و بخط تعلیق گ ۶۵ الف - ۶۷ پ میباشد  
۴- باز از پندها و سخنان کوتاه :

آغاز : من وصايا افلاطون . بسم الله الحق العالی عن كل صفة واقعة تحت الحس والعقل مبدع الكل بالاله ولامدة ولا حاجة الى حركة بل الارادة الالهية . . . معشر ۲۰ طالب الحكمة ومحبيها واطبوا على طلبها .  
انجام . يريدون تعظيمه وفي ذلك تقصير وهو اعلم .

[۳۷۳]

این نسخه شماره ۲۴ دفتر و در باین و در طول ص ۱۹۸ نوشته شده است .

۵ - سخنانی است از افلاطون و سقراط و ارسطو و ابوسلیمان سگزی از  
ذیمقراطیس و پیامبر .

آغاز : قال ارسطاطاليس محبة المال وتداول الشر .

انجام : ان تسعوا الناس باموالكم فسمعوههم باخلاقكم . صدق رسول الله ص

[۳۷۴]

۲۵۳ این نسخه در شماره ۱۳ و بخط تعلیق کرکی گ ۹۱ الف میباشد .

[۳۷۵]

۳۳۹ این نسخه شماره ۱۴ دفتر میباشد گ ۶۷ ب

۶ - از پندهائی است که بگفته خواجه در پایان اخلاق ناصری افلاطون بارسطو

۱۰ داده است .

آغاز : نصایح افلاطون . معبود خویش را بشناس و حق او را نگاه دار .

انجام : با دوست و دشمن نهان و آشکار بیک قسم معامله کن .

[۳۷۶]

۸۶۷ این نسخه شماره ۶۷ دفتر است و بخط تعلیق گ ۱۱۸ ب ۱۲۰ الف .

( همه دفتر ۲۷۰ ص ) - کاغذ فرنگی کیود - جلد تیماج مشکی حاشیه دارد در یکسوی .

اندازه : ۱۰×۱۷ و ۶×۱۲ س ۱۵

[۳۷۷]

این نسخه شماره ۱۴ دفتر گ ۱۰۵ الف و ب و بخط تعلیق میباشد بدینگونه :

۱۰۳۸ « وصایای افلاطون که شاگرد ارسطاطاليس خود را فرمود که عموم خلق را

نافع بود اینست . گفت : معبود خویش را بشناس و حق او را بشناس - هواء دتبارا

از خود دور کن و از آداب ستوده امتناع مکن و در هیچ کار پیش از وقت آن کار مپویند

و چون «بپایان تمیرسد و نیم صفحه سفید است (بشکرید باخلاق ناصری) .

[۳۲۵-۳۰۶]

گفتارهای گلشانی

(فارسی و عربی)

از افضل الدین گلشانی ۳۰ گفتار کوتاه عرفانی و فلسفی در این کتابخانه

هست (۱) و اینک یاد میگردد :

[۴۱۶-۳۷۸]

۱- درباره شناخت روان که از وی درخواستند بنگارد .

**آغاز :** چنین گوید گوینده این سخنان افضل الدین کاشانی (قدس الله تعالی روحه)

بعد از ستایش کردگار که هر مفلس و کم مایه که از مفلسی و کم مایگی خودرنجد آنکه  
از رنج برهد که مایه دار شود و توانگر .

**انجام :** تا اورا تمام و آراسته و بی خلل و نقصانی بمرجع و معاد اصلی که سرچشمه  
دوام و بقاء ازل و ابد است باز رساند والله علی ما نقول و کیل و کفی بالله شهیدا .

این نسخه شماره ۱ دفتری است دارای چهار رساله و گفتار و بخط تعلیق تازه

۸۸۰

گ ۱ الف - ۵ الف .

۱۰

( همه دفتر ۱۰۸ ك ) - کاغذ فرنگی - جلد مقوایی

اندازه : ۲۰×۱۴ و ۱۷×۹ س ۱۷

۲- در پایداری روان پس از مرگ تن و بهره بردن آن از دانشهای خود .

**آغاز :** موجودات یا جزوی اند یا کلی . و نفس یا متصرف امور کلی بود یا متصرف

امور جزوی . بخش اول را دانائی بفعل خوانند و دوم را دانائی بقوت .

۱۵

**انجام :** که نیز آسیب هیچ تغییر بوی نپوشد و فساد نپذیرد . تلك الجنة التي نورث

من عبادنا من كان تقيا في مقدمه صدق عند مليك مقتدر .

این نسخه در شماره ۱ و دو گ ۲ الف - ۳ الف بخط تعلیق تاریخ ۱۰۸۳

۴۲۸

میباشد .

این نسخه شماره ۶ و بخط تعلیق محمد علی بسال ۱۳۰۲ گ ۱۲۲ ب -

۲۰

۱۲۳ ب میباشد .

۴۳۱

۳- در پندهائی عارفانه بنام « رساله بیست هشت کلمه فی نصیحة الاخوان - ش

۶۹۴۱ مجلس » که دستور رفتار رهروان است .

**آغاز :** ای جویندگان حکمت و پویندگان طریق سعادت باید که بسیار دعا باشید

در امور اخروی و دنیوی . چه نسبت دعا با مطالب همچوت نسبت فکر بود با نتیجه .

۲۵

و همچنانکه در عقب فکر و وصول نتیجه ممکن بود در عقب دعا وصول بمطلب ممکن بود .

( بشکرید به بند ۳۶۴ ص ۲۰۲ مباحثات چاپ مصر ) .

۱- آقای سعید نفیسی در دیباجه رباعیات کاشانی ۳۲ گفتار ( تقریر ) برشمرد ص

۷۲-۷۸ و آغاز نسخه های گونا گونی که در دسترس داشت آورد و می نویسد که شماره های

۲۵

۱ تا ۵ و ۷ تا ۱۲ اینها در دفتر شماره ۶۹۴۱ مجلس هست .



**انجام:** که هر کس را قدرت بر خلع بدت و معزول گردانیدن حواس حاصل گردد صعود به عالم قدس و جهان ملکوت معین بود و بسعادت ابدی مسعود و بلذات سرمدی محظوظ و ملتذ گردد. رزقنا الله وایاکم بحرمة سید الانبیاء و سید الاولیاء محمد صلی الله علیه وسلم (سید الاصفیاء و الانبیاء محمد و آله الطاهرین).

این نسخه شماره ۵ دفتر و بخط تعلیق محمد علی در محرم سال ۱۳۰۲ می باشد  
**۴۳۱** گ ۱۲۱ الف - ۱۲۲ الف .

**۸۷۱** این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط تعلیق محمد علی در ۱۰۳۱ گ ۶۳ ب - ۶۵ ب

۴- در چگونگی بیان پس از مردن تن .

**آغاز:** بدانکه چون خواهی که آگه شوی از حال نفس بعد از مرگ تن . . .  
**۱۰** تخت بیاید دانست .

**انجام:** گردش جسمانیان حالی در حقیقت و اصل و گوهر بنگرداند که هستی ذات او را خلل آید و بالله التوفیق .

البرکات و البرکات

**۴۲۸** این نسخه در شماره ۱ دفتر گ ۱۰ می باشد .

۵- در گونه گون مردم (تنومندان - کارگران - روحانیان - روشنان) و دانشهای  
**۱۵** گوناگون .

**آغاز:** خجسته نام نخستین که آغاز هر سخن است گویند مایه و بیرایه و طراز گفتار مردم گردد .

**انجام:** و همچنین رونده و داننده و صفتها پاره های دانسته مر کب بود تم الفصل

**۴۳۱** این نسخه در شماره ۱۱ از برک ۱۴۱ الف تا برک ۱۴۵ الف می باشد .

**۲۰** ۶- درباره چیز و هست نسخه از این در طوس (دنبال ش ۹۶۹) هست .

**آغاز:** بدانکه نخست لفظی که معنی وی بر همه معانی عام بود لفظ چیز و هست و موجود .

**انجام:** و نخست ترین چیز که نادانستهارا بوی توان یافت معنی لفظ شیء بود. و چون نخستین معلوم نبود باز پسین را نتوانست دانست والسلام .

**۴۲۸** این نسخه در گ ۸ الف - ۱۰ الف این دفتر می باشد .

۷- در موسیقی (نسخه از این در دنبال ش ۹۷۰ طوس هست) .

**آغاز:** لحن آوازهائی چند بود بهم آورده از نغمهای مختلف که نفس از شنیدن آن لذت یابد .

**انجام :** وایقاعهای مختلف را از پس یکدیگر شاید یافت و باهم نباشند تمام شد سخن در آنچه (غرض بود) التماس کرده بودند و غرض در این دوسه کلمه آنکه ماهیت لحن و اجزای او پیدا شوند . . . باهم چگونه افتد و درین معنی کتب بسیار ساخته اند و چگونه بیان این بشرح و شرط کرده اند و داده .

۴۲۸ این نسخه در گ ۴ الف - ۵ الف نوشته شده .

۴۳۱ این نسخه شماره ۱۰ دفتر و در گ ۱۳۷ الف - ۱۳۸ الف نوشته شده .

۸- در بی کرانه بودن جسمها ( نسخه ای از این درد نبال ش ۶۸۲ ص ۱۳۸ ج ۴ فهرست طوس یاد شد ) .

**آغاز :** بیاید دانست که کنار و نهایت هر چیز آنست که جدائی افکند میان آن چیز و آنچه جز او بود .

**انجام :** چنانکه روشن شده است بر علما و مردم و بگفته و بنموده . تمام شد سخن در بیان تفضل باری تعالی و هدایتش .

۴۳۱ این نسخه شماره ۸ دفتر و در گ ۱۳۲ ب - ۱۳۵ ب میباشد .

۹- درباره دهر و زمان .

**آغاز :** اولیت کارها بر دو گونه است یکی اولیت بغیر و آن غیر زمان بود .  
**انجام :** چون زمان و محدثان بفاعل الدهر و امثال آن تأویل کرده اند .

۴۳۱ این نسخه در شماره ۱۱ دفتر و گ ۱۵۱ الف - ۱۵۲ الف میباشد .

۱۰- درباره اینکه در خواب چرا رنجی نمی بینند که از او پرسیدند و پاسخ داد .

**آغاز :** فصلی دیگر در وقت خواب چرا هیچ المی و سختی نمیرسد . . . جواب

مرك بطلان استعداد حیات است .

**انجام :** از آنست که خواب بی درد بود و مرك وقت باشد که با درد بود .

این نسخه در شماره ۸ دفتر در نامه خواجه زین الدین بقاضی صفی ( حنفی )

در برك ۳۰ ب آمده است .

۱۱- در اینکه مبدء و غایت هستی ها را حقیقت و ذاتی هست .

**آغاز :** پرسنده که مبدء موجودات و علت ( غایت ) هستی ها را حقیقتی و ذاتی

هست یا نه .

**انجام :** و ذوات بوی ذواتند و حقایق بوی حقایق و او بخود ذات و حقیقت

همه والسلام .

۴۳۱ این نسخه در شماره ۱۰ برك ۱۳۸ ب - ۱۳۹ الف میباشد .

۱۲- دردانش و آگاهی .

آغاز : داننده و آگاه از عالم چنانکه هست . . . جز از هستی عالم و جز از هستی خود که آگاهی (آگاه) است از او از هستی سیمی آگاه نتواند بود .

انجام : اثر عقل شوق و خواهش نفس ، اثر نفس زندگی طبیعت ، اثر طبع زنده جنبش جسم ، والله اعلم بالصواب .

۴۲۸ این نسخه در شماره ۱ گ ۵ الف و ب .

۴۳۱ این نسخه در شماره ۱۰ گ ۱۴۰ ب - ۱۴۱ الف .

۱۳- در جدائی جان و تن .

۱۰- آغاز : جمله نفس اعنی نفوس نباتی و نفوس حیوانی و نفوس مردم همه جدا اند از اجسام جدائی عقلی .

انجام : از آنکه فعلش بذات بود نه بآلت بحمد الله والمنة .

۴۲۸ این نسخه در شماره ۱ دفتر گ ۱ ب - ۲ الف .

۱۴- در اینکه هستی کلی دیگرگون نمیشود و روان خود آگاه و توانا و زنده با مردن حسهای جزئی و ازارهای آن نمیمیرد و دانشش پایدار است .

۱۵- آغاز : برهان بر اینکه در چه رتبه یقین شود انسان را که از فنا ایمن است گوئیم آنکه ایمن شود که بداند که هستی وجود کلی است و هیچ کلی محسوس نتواند بود و نه مخیل و نه موهوم . و جز عقلی نتواند .

انجام : بدان سبب که ادراکات حسی نماند و بدو زخ ابد پیوند و قانا الله منها . . .

۲۰- بفضل و کرمه (واحشرنا مع محمد المصطفی و اهل بيته الا برار فی الجنة) .

۴۲۸ این نسخه در شماره ۱ دفتر گ ۶ ب - ۷ الف .

۴۳۱ این نسخه شماره ۹ دفتر گ ۱۳۵ ب - ۱۳۷ الف .

۱۵- در سه چیز یکه رهروان را مییابد .

آغاز : سالک را سه چیز ضرور است یکی همت عالی دوم خاطر قوی سوم

۲۵- ارادت نیکو .

انجام : بضرورت این سه گانه متعین است .



۴۳۱ این نسخه در شماره ۷ و در گ ۱۲۴ الف میباشد .

۱۶- در کوشش برای رهیدن .

آغاز : آدمی در کوشش از برای نجات جستن است. اکنون ما را دانستی است که آدمی نجات از چه میجوید .

- ۵ انجام : و چون بدین مرتبه رسید اورا درجه ملکوت حاصل شد سعی کند تا بیابد انشاء الله وحده العزیز ( و افعال خیر و اعمال برعاقبت توان دانست . . . اگر چه صورت عبادت و غیر آن دارد والسلام علی اهلہ ) .

۴۲۸ این نسخه در شماره ۱ گ ۵ ب - ۶ ب

۴۳۱ این نسخه در شماره ۱۱ گ ۱۴۵ الف - ۱۴۷ ب .

- ۱۰ ۱۷- در هستی جزئی بحقیقت کلی و جزئی شدن آن با افزار .  
آغاز : شخص جزوی بحقیقت کلی وجود دارد . و حکم کننده بر صدق این گفتار چون خواهی که نامه نویسی . . . نوشتن کلی است .  
انجام : و اگر نه آنستی که در وقت عمل نوشتن گماشته بر هر آلتی از آلات بودی الفاظ رقوم غلط شدی .

۴۲۸ این نسخه در شماره ۱ گ ۳ الف و ۴ الف ( در این نسخه دو گفتار دانسته شده ۱۵ و بنده دیگری (ش ۱۸) در آن گذارده اند ) .

۴۳۱ این نسخه در شماره ۱۱ گ ۱۳۹ ب - ۱۴۰ الف و ب .

۱۸- پایگاه مردم در دوزخ و عملی و نظری .

آغاز : مردم در پایه عقلی بر دو مرتبه اند اول مرتبه اهل حرفت و حاذقان در صنعت

- ۲۰ و پیشه و ران و استادان ماهر دوم مرتبه زهاد و اهل تعبد و مشتاقان سرای آخرت  
انجام : و آن عمل و خلق و علم است که انبیا علیه السلام بوده است .

۴۲۸ این نسخه در شماره ۱ گ ۳ .

۱۹- در توحید کثیر .

آغاز : لفظ توحید را چون مترجم کنی بلغت دری يك كردن بود و شامل بود

- ۲۵ همان (مران) چیزها را که بعمل و صنعت ترکیب کنی تا بجمع و ترکیب يك چیز شوند .  
انجام : و این معنی یقین و مشاهده شد آغاز و انجام وجود برخاست و بی انجامی و بی آغازی (بی آغاز و انجام) ماند و الیه یرجع الامر کله .

۴۲۸ این نسخه شماره ۱ گ ۷ الف - ۸ الف .

۴۳۱ : این نسخه در شماره ۱۱ گ ۱۴۹ ب - ۱۵۰ ب .

۲۰- در اینکه زنده ذاتی، جسم نیست و باز گشت همه چیزها بآنست که بخود داناست.

آغاز : اجسام زنده از دو بیروت نباشد یا حیوة دریشان اصلی و ذاتی باشد

۵ یا غریب و عارضی .

انجام : و باز گشت همه موجودات باو . رباعی :

آن کیست که آگاه ز حس و خرد است

بیزار ز کفر و دین و از نیک و بد است

کارش نه چو عقل و نفس داد و ستد است

آگاه بدو عقل و خود آگاه بخود است

۱۰

۴۲۸ این نسخه در شماره ۱ گ ۴ الف .

۴۳۱ این نسخه در شماره ۱۱ گ ۱۳۸ الف و ب .

۲۱- در اینکه عقل چون دانائی او جزا و نیست جوهر نمیشد چه ذات جوهر جز

دانائی اوست .

آغاز : بدانکه هیچ عقل جوهر نیست. هر جوهری جوهر بودن او جز دانای بودنش است

۱۵

انجام : و چون هیچ جوهر عقل نبود هیچ عقل جوهر نبود .

۴۲۸ این نسخه در شماره ۱ گ ۲ الف میباشد .

۲۲- در آگاه و نا آگاه .

آغاز : موجود یا آگاه بود یا نه آگاه بود و آنچه نه آگاه بود پایه جسمت

۲۰ و مرتبه طبع .

انجام : و بوجود روحانی روشن پیوند و پیدا شود والسلام .

۴۳۱ این نسخه در شماره ۱۱ گ ۱۳۹ ب میباشد .

۲۳- در اینکه کلی در ذهن یکی است و در بیرون آن بسیار .

آغاز : وجود کلی که آن وجود باشد که در نفس مدرک اگر چه يك چیز است در بیرون

۲۵ نفس تواند بود که در بسیار چیز بود .

انجام : پس روشن است که جز معلوم و معقول نباشد والسلام .

۴۳۱ این نسخه در شماره ۱۱ گ ۱۳۹ الف و ب میباشد .

۲۴- در نفسها و نکوئیهای آن .

آغاز : گروهی گویند روح دو است یکی روح حیات دیگر روح تمیز .

انجام : و خوار داشتن دنیا است اصول سیاست و اخلاق که گفته شد .

۴۳۱ این نسخه در شماره ۱۱ گ ۱۴۷ الف - ۱۴۹ الف میباشد .

۲۵- در پابندگی روان (بتازی) .

آغاز : النفس الدراکة تمنع ان تفسد بفساد البدن وتموت بموته .

انجام : وليس بعد هذه الرتبة رتبة اخرى .

۴۳۱ این نسخه در شماره ۱۱ ص ۱۵۲ میباشد .

۲۶- در بهشت و دوزخ جویندگان (بتازی)

آغاز و انجام : جنة الطالبين ان تصير نفسه عالماً عقلياً يفيض عليها مادامت هي

هي انوار مبدأها . . . و انفصالها من مبدأها .

۴۳۱ این نسخه در شماره ۱۱ گ ۱۵۲ ب - ۱۵۳ الف میباشد .

۲۷- در اینکه جان خود آگاه آفریننده خرد است (بتازی) .

آغاز و انجام : النفس من حيث هي عالمة بذاتها تكون مبدعة للعقل . . . فهي

فاعلة لها وخالقة .

۴۳۱ این نسخه در شماره ۱۱ گ ۱۵۳ الف است .

۲۸- در اینکه هر کس بخواست خود بمیرد زنده خواهد بود

آغاز و انجام : الموت موتان ارادی وطبیعی . . . وقد قيل مت بالارادة تحیی بالطبیعة

۴۳۱ این نسخه در شماره ۱۱ ک ۱۵۳ الف میباشد

۲۹- در اینکه هفت گونه قرائت هفت مقام نفس است : امر - نهی - قصص -

تمثيل - حکمت - موعظه - وحدت که وصول بکل وتوحيد کثرات است .

آغاز و انجام : القراءات التي قيل هي سبعة من القرآن . . . وعددته واحدا وهو الحق

۴۳۱ این نسخه در شماره ۷ گ ۱۲۴ الف میباشد .

۳۰- در کمال و سعادت جان مردمی .

آغاز : فائدة من افضل الدين القاشاني - ان النفس الناطقة اذا اكتسبت ملكتي

العلم والعمل بواسطة خروجها الى كمالها الممكن .

انجام : ومتعوا بالنظر الى ذات الملك . . . فاذا فصلت هذه . . . (پایان نمیرسد)



۳۶۸ این نسخه در پایان این دفتر و بخط شکسته گ ۱۶۰ ب میباشد.

این بود ۳۰ بند از سخنانی کاشانی که در هر يك از مطلبی کاوش شد و هشت بند دیگر نیز آقای نفیسی نشان داده اند (ش ۱۰ و ۱۱ و ۱۵ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۷ و ۳۲) و ش ۲۵ ایشان دنبال ش ۲۳ و هر دو رو به هم يك گفتار بشمار می آید. در ج ۴ فهرست طوس ش ۵۷۳ ص ۱۰۱ دو گفتار از کاشانی بتازی یاد شده یکی درباره پیوستگی جان و تن که بر اثر اعتدال مزاج است دیگری درباره سبب ترس از مرگ. در ج ۲ شماره ۲۹۱۲ سپهسالار پاسخ و پرسشهای کاشانی و گفتارهای او که آخرین آنها را در ۶۰ سالگی نوشته است (گ ۱۳۷-۱۴۴) هست.

### [۳۳۶] اللّٰهَالِی الْمَسْتَخْرِجَةُ مِنَ الْكَلِمَاتِ الْكُنُونَةِ (فارسی و عربی)

۱۰ فیض کاشانی کلمات مکنونه را در فلسفه و عرفان آمیخته با آیات و اخبار در صد کلمه بسال ۱۰۵۷ نگاشته و آن در بمبئی بسال ۱۲۹۶ و در تهران بسال ۱۳۱۶ بچاپ رسید سپس بسال ۱۰۵۹ چهل کلمه از آن برگزیده و نام بالارابدان داد او در پایان رموزی را که در آن برای این سرایندهگان (سنائی - حافظ - سعدی - شبستری - فیض - بابافغانی - عرفی - عراقی - مولوی رومی - میبیدی - گمنام - باباافضل کاشی - سعدالدین حموی - ملاضیاءالدین محمد کاشی - صدرای شیرازی) بکار برده است ۱۵ آشکار بداشت و در کلمات مکنونه چنین کار نکرد. این کتاب با خود کلمات مکنونه در بسیاری از جاها مانند همد و دنباله کلمه ۹۵ و همه کلمات ۹۶ تا ۱۰۰ در اینجا گزین نشده است.

آغاز: هو بسملة الحمد لله الذي منه المبدء واليه المعاد عرف بجمعه بين الاضداد ۲۰ فيقول... محمد بن مرتضى المدعو بمحسن... وطائفة من الكلمات المكنونة التي كنت الفتها في لباب معارف العارفين... لكن سميتها باللالى من احكمت له وحققت لديه خالص من الشبه والشكوك (از این پس مانند کلمات مکنونه است).

انجام و فی احتجاج الطبرسی... فهذا مسلم ضعيف (برابر با س ۹ ص ۲۱۱ کلمات مکنونه چاپ تهران) هذا آخر الكلام في كتاب اللّٰهَالِی الْمَسْتَخْرِجَةُ مِنَ الْكَلِمَاتِ الْمَكْنُونَةِ وهي اربعون كلمة اخرجه الله على يدي عقد من منظوما... بهر تاریخ نظام ۲۵

این در - بی الف نظم لثالی می‌شمر - سراخفای الف رمزی بدان - کان احد اندر  
عدد باشد نهان .

[۴۱۷]

این نسخه شماره ۱۹ دفتر است و بخط تعلیق شکسته ریز با عنوانهای شنگرف

- ۱۰۳۸ از محمد باقر بن محمد جعفر اصفهانی باغاتی در ۸ ذی‌حجه ۱۱۲۳ گ ۱۴۴  
ب - ۱۵۴ الف س ۴۳ .

(عربی)

اللهم

[۳۲۷]

نگارش ابن کمونه اسرائیلی است که در دیباچه می‌گوید چون صدر کبیر  
شمس‌الدین محمد مؤمن قزوینی مستوفی بغداد آمد از من خواست چیزی در عقلیات  
بنویسم تا آنرا با خود برده در گنجینه صاحب دیوان شمس‌الدین محمد بن بهاء‌الدین  
محمد جوینی بگذارد و من اینرا در دو جمله هریک دو باب و هریکی از آنها در ۵ فصل  
نویشتم جمله ۱ در خدا و روان شناسی است و جمله ۲ در اخلاق و سیاست است .  
آغاز : قال الشيخ ... عز الدولة سعد بن منصور بن سعد بن الحسن بن هبة الله  
كمونه ... احمد حمد مسترشد بنور هدايته مسترفد من جوده وعنايته .

- ۱۵ انجام : و ان يوفقنا جميعاً لصلاح العلم والعمل ويعصمنا من الزيغ والزلل  
وان يجعلنا لسبله من المنتهجين و برضائه في دار الابد من المبتهجين انه لطيف كريم  
والحمد لله رب العالمين .

[۴۱۸]

این نسخه شماره ۱۶ دفتر گ ۱۳۷ ب - ۱۵۱ ب و بخط نسخ تاریخ ۱۲۸۴ می‌باشد -

- ۲۰ نسخه ای از این لمعه در طوس (ج ۴ ش ۹۶۵ ص ۲۳۱) هست و فهرست مطلبها در آنجا  
آمده و گویا نسخه ش ۵۹۵/۱ (ج ۲ ص ۳۵۰) مجلس نیز همین لمعه باشد .

(عربی)

ما بال

[۳۳۸-۳۳۹]

کتابی بنام مسائل یا (پرلماتا) در شماره نگارشهای ارسطو آورده و بچاپ  
رساندند و بزبانها نیز ترجمه گردید و آن ۳۸ گفتار است که هریک چندین بند  
می‌باشد و در هر بندی از يك مسئله ریاضی یا طبیعی یا خلقی پرسش شده و پاسخ داده  
۲۵

میشود. در نوشته های ارسطو و دیگران بازگشتها و یادآوریهائی شده که برخی در همین مسائل دیده میشود و برخی دیگر در آن نیست و میتوان گفت که این کتاب از روی نگارشهای ارسطو مانند تاریخ طبیعی اوواز نوشته های ابقراط و ثوفرسطس ساخته شده و بازگویه ها و ناسازگارها که در آن هست میرساند که چندین کس آنرا فراهم آوردند و از روی آخرین ساخت واژه ها که در چند عبارت بکار برده شده چنین پنداشتند که تا اندکی پس از آغاز تاریخ مسیح این کتاب پایان رسید. برخی آنرا از سده ۵ یا ۶ میدانند. روش مشائی و بخشهای گوناگون این دسته در آن دیده میشود. در فهرست قفطی و خزرجی کتابهایی یاد شده که نام مسائل دارد و خزرجی از «مسائل طبیعی معروف بمابال» یاد نمود که در ۱۷ مقاله است (۱). مانا از همین گونه «مسائل» است که چند مسئله ای گزین نموده و بنام «مابال» و بروش پرسش و پاسخ در نسخه ها دیده میشود در این کتابخانه دو گونه از آن هست:

- ۱ در ۴۲ مسئله طبیعی و پزشکی میباشد. مانند: «رفتار و پرورش کودک - گریستن اندوهناک - جدائی میان نوکر و خواجه - در گذشتن تشنه ای که بگرمابه رود از خواستن آب ...» در مجلس نسخه ازین (۶۳۴/۱۵ ص ۳۹۷ ج ۲) هست.
- آغاز: مسائل طبیعیة للقیاسوف الاعظم ارسطاطاليس وهی المسماة مابال.
- مابال الحيوان الغير الناطق يمشى ويدب حين ولدوا الانسان ليس كذلك لان الحرارة والبرودة في جميع اعضاء الحيوان يتكافيان واما الصبيان فيفوق الرطوبة التي في ادمعتهم على الحرارة بكثير.

**انجام:** فلذلك النبت الذي ينبت في الشتاء ينم فيه والذي ينبت في الصيف يبتدأ

۱- بنگرید به: دبیاچه ترجمه انگلیسی مسائل جاب اکسفر در ۱۹۲۷ - قفطی ص ۳۳-۳۵ و خزرجی ج ۱ ص ۶۷-۶۹: مسائل (بریلماطن) ۳ مقاله: نیز همان در ۶۸ مقاله و مسائل هبولانی ۱ مقاله و مسائل طبیعی ۴ مقاله و مقدمات مسائل ۳ مقاله و مسائل دوری برای استادان ۴ مقاله و مسائل پزشکی ۵ مقاله.



نشوه فيه . تمت المسائل الطبيعية المسماة بما بال لارسطوطاليس الفيلسوف بعون الله  
الكافي .

[۴۱۹]

۲۵۳ این نسخه شماره ۱۰۷۹ دفتر است و بخط تعلیق کرکی گ ۹۱ ب - ۹۴ ب .

[۴۲۰]

این نسخه شماره ۳۱ دفتر و بخط تعلیق گ ۸۸ الف - ۸۹ ب و چنین است  
۳۳۹ پایان آن : « یتبدء نشوه فيه تمت ما بال ارسطو بعون الله تعالى والحمد لله رب-  
العالمین... وآله اجمعین » .

۲- گزیده دیگریست که پرسش و پاسخی در آن نیست و از چندین مسئله

۱۰ پزشکی گفتگو میکند و نسخه ما از روی خط قطب شیرازی نوشته شد .

آغاز: منتخب من ثمار ارسطوطاليس الطيب المعروفة بما بال . تزیل القدمین  
من الجوع واکل الطین لضعف الماسکة بانهدام البدن الغذاء للسدة فی الطین والعوز  
فی الجوع ومیل الاخلاط بنقلها الی اسفل .

انجام : ضعف السكر لتناوب الحلاوات فی اثناء الشرب لتغلیظها الشراب ومنعها

۱۵ اياه من الاستحالة والصعود الی الدماغ ، هذا ما وجدنا بخط المولى السعيد قطب الدين  
الشیرازی تغمده الله .

[۴۲۱]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۲۱ دفتر است و بخط تعلیق ص ۱۱۶-۱۲۳

(عربی)

مباحثات

[۳۴۰]

۲۰ شیخ رئیس از هنگامیکه در ری میزیست و گاهی که بکار وزارت می پرداخت  
تا پایان زندگی باشاگردان خویش مانند بهمنیارمرزبان آذربایگانی مجوسی (۱)  
و ابن زیلای سپاهانی مجوسی (۲) و شیخ ابوالقاسم کرمانی (۳) گفتگوها میکرده

۱- خزرچی ج ۲ ص ۱۹ س ۱۹-۲۰ - نسخه ما - بیهقی ص ۹۱

۲- نسخه استاد بزرگوار و دانشمند بیمانند آقای میرزا فضل الله شیخ الاسلام زنجان

۲۵ (ص ۳۵ دیباچه ارسطو عند العرب دکتر بدوی) و خزرچی ج ۲ ص ۱۹ س ۱۹

۳- بند ۴۴ پرک ۱۹۷ نسخه ما - نسخه نواب درطوس .

پیرشهای آنان پاسخهایمیداد. از همین سخنان است که گردآوری شده و نام مباحثات گرفته است. گرچه در برخی از نسخه های آن از بهمنیار (۴۳۰م) و ابن زیلا (۴۴۰م) بمانند در گذشته یاد میشود (۱) ولی خود شیخ در پاسخ پرسش دوم میهنی او را بدین کتاب بازگشت میدهد و میهنی در پرسش سوم میگوید من هنوز مباحثات را ندیده‌ام (۲) و همین میرساند که نسخه ای از مباحثات در روزگار خود شیخ بنگارش درآمده بود.

شیخ در مباحثات از اشارات خویش که آخرین کتاب او است یاد میکند (۳) و نیز از شفا و طریق عرشی (۴) و اصول مشرقی و مشرقیان و برهان عرشی و مشرقی (۵) و مسائل مشرقی و حکمت عرشی و کتاب انصاف (۶) و یکی از مسائل عشر (گویا گفتگوی دهم از پرسش و پاسخ شیخ و کرمانی ش ۴/۲۲۲ ع ۱۶۹ این فهرست) که میگوید همراه نامه است (۷) نام می برد و باز میگوید «همین گونه مباحثات» و «مباحثات صدیقی یا صدیق» گاهی هم از بودن در ری و از پری کار و گرفتاری خود (۸) یاد میکند و نیز از دربار علایی و تاراج رفتن نگارشهای او (در ۴۲۵) و ربودن انصاف و بیماری و نوشتن یکی دو سال چیزی بدست خود (۹) و همه اینها میرساند که این گفتگوها میان ۴۰۳ و ۴۰۵ تا نزدیک پایان زندگی شیخ میان استاد و شاگردان میشده و نسخه یا نسخه هایی از آنها هم بساخت کتابی درآمده بود. پیداست که شاگردان آنها را فراهم میآوردند چه در برخی از جاها «الجواب بخطه» دارد و در برخی جاها هم «الجواب من الشیخ ابی منصور بن زیله رحمه الله» (۱۰) و چنین برمیآید که پاسخها گاهی بخط شیخ و گاهی بخط ابن زیلا بوده و از روی آنها

- ۲۰ - ۱ - بدوی درد بیاجه ص ۳۹ ۲ - ص ۱۷۱ همین فهرست ۳ - ص ۲۴۰ چابی و بند ۱۱۶ نسخه ما و نیز نسخه نواب ۴ - بند ۲۶۴ - ۲۷۵ - ۳۵۴ - ۳۷۰ - ۴۸۴ چابی ۵ - بند ۴۵۸ - ۳۳۳ - ۱۰۷ چابی و نیز نسخه نواب ۶ - ص ۲۴۵ چابی و نسخه نواب و مروی ۷ - بند ۴۸۷ چابی و بند ۱۳۳ نسخه ما ۸ - نسخه نواب و ص ۲۴۶ چابی و برك ۱۷۱ ب نسخه ما و بند ۲۶۹ و ۲۷۴ چابی ۹ - نامه بکیا در ص ۱۱۹ ارسطو ۲۵ عند العرب ۱۰ - بند ۲۶۶ و ۲۶۸ چابی.

- نوشته میشد. میتوان گفت که مباحثات در چندین نسخه گوناگونی که هست بهتر از نگارشهای دیگر شیخ رأیها و اندیشه های خود او را میرساند و سرگذشت گفتگوهای او با شاگردانش از آن بخوبی برمیآید (۱) و بسیاری از سخنان دشوار فلسفی در این مباحثات آمده است چنانکه مسئله اعدادی بودن انتاج قیاس که رأی است در برابر اشعری و معتزلی در آن دیده میشود (گک ۱۹۳ بند ۷۸ نسخه ما و بند ۳۶۴ ص ۲۰۲ ۵ چاپی) و همچنین درباره مجرد نفس و خود آگاهی آن موشکافی شده است (۲)

- ۱- شیخ گاهی میگوید: « این را نتوان نوشت » ( بند ۳۵۳ چاپی ) باز میگوید: « با اینکه نمیدانم باید از تفسیر آنها بشناسیم » ( ۳۶۰ ) و نیز: « این پنداری است از من و راهی برای اثبات یا نفی آن نیست. شاید از جزم برآید » ( ۳۵۵ ) و « این برترین چیزی است که من میدانم » ( بند ۱۵ نسخه دانشگاه ) و شیخ باندازه ای فروتنی میکند که پرسنده میگوید: « زشت است که رهبران خود را نادان نشان دهند » ( بند ۶۰ دانشگاه ) در مباحثات ( بند ۴۸ ) از ابی حامد اسقزازی یاد نمود و از انفلوجیا ( ص ۱۲۱ چاپی ) نام برد
- ۲- امام رازی در مباحث مشرقی ج ۱ ص ۳۴۲ درباره شخصیت از آن سخنی آورد که مانندش در گک ۵۳ نسخه دانشگاه دیده میشود باز رازی در ج ۲ ص ۲۵۲ درباره خود آگاهی نفس و اثبات مجرد آن از این راه آنچه شیخ در پاسخ خرده گیریهای شاگردان گفت آورده و گفته است که این گفتگوها پراکنده بود و من سروسامانی بدانها ندادم آنکه آن برهان را با شش پرسش و پاسخ که هر یکی هم چند بند است میآوردم و میگوید آنچه شیخ در پاسخ اینها گفته است روشن و سودمند نیست و من آنها را نیاوردم و هر که بخواهد بداند آنجا بنگرد. همه اینها را بند بند صدرای شیرازی در اسفار ( ج ۴ سفر نفس باب ۶ فصل ۱ حجت ۲ برک ۳۳ - ۳۵ چاپ تهران ) و در مبدع و معاد ( ۲۰۸ - ۲۱۲ ) آورده گفت که این گفتگوها در دقتی دارای نامه های شیخ و شاگردانش پراکنده بوده و من آنها گرد کردم و چیزها بر آن افزودم و میگوید سخنان شیخ در اینجا درست و استوار نیست و او در پاسخ بهمینار از باز شناختن مردمی و جانور در خود آگاهی آنها درمانده و دشوار دانست. گرچه سخنان رازی و شیرازی در اینجا بسیار نزدیک بهم هستند و ما نا ازاو گرفته و او هم در سفر ۱ اسفار مرحله عقل و معقول طرف ۱ فصل ۱۲ در حل شکوک بر تعقل ذات گوید انی مارایت نسخه المباحثات. مگر اینکه شیرازی آشکارا در مبدع و معاد میگوید که نسخه مباحثات نزد من هست و آنرا در اینجا از پراکندگی در آوردم. آنچه در مباحث مشرقی و اسفار و مبدع و معاد آمده در مباحثات نسخه مروی شماره ۸۷۵ بهتر میتوان یافت.
- نگارنده المثل العقلية الافلاطونية ( چاپ بدوی ص ۶۸ ) نیز گوهر بودن نیروی وهم را از مباحثات شیخ و مباحث مشرقی رازی آورد. غیاث الدین منصور دشتکی در اثبات الواجب ( ش ۳۱۸ گک ۶ ب ) در مسئله ۲ مقاله ۱ می نویسد که رازی بزرگ گفته که شیخ در مباحثات آشکارا میگوید که من بکنه هستی نرسیدم. در کنار نسخه نوشته است که مباحثات را شیخ بدرخواست بهمینار نوشت و او تحصیل را بر روی آن گذارده است.



دانشمندان از این کتاب سودها برده‌اند و بسزا است که بیهقی ص ۹۱ درباره آن میگوید «والمباحث التي لای علی اکثرها مسائل بهمنیاروكان يبحث عن غوامض المشكلات» (۱).

## [۴۲۲]

این نسخه شماره ۶ دفتر است بخط تعلیق گ ۲۰۵ ب - ۱۶۲ ب و چنین است  
 ۱۰۳۷ آغاز و انجام آت : « هذه بند من الرسالة المسماة بالمباحثات للشيخ الرئيس  
 ابی علی بن سینا فی جواب مسائل سئلها عنه تلمیذه الحکیم بهمنیار بن مرزبان .  
 قال الحکیم : بسم الله الرحمن الرحيم . الخادم بهمنیار بن مرزبان خادم مولانا الرئيس ...  
 شرف الملك فخر الکفاة اطال الله بقاءه ... خدم ينهي العشرة بكتاب مطوى على اوراق  
 واستولة وشكوك يرجو وصول الجميع اليها واحاطة العلم الشريف بها .. قيل ان المزاج  
 متغير والشخص الواحد ثابت بالعدد ... (پرسش) ثبات الشی الواحد بالعدد ... بل بجوهره  
 (پاسخ) - هل ههنا برهان على ان لكل شخص ... شيئاً ثابتاً... لعل هذا في غير الحيوان  
 صعب ... ولعلنا اذا فكرنا وجدنا السبيل الى القول الجزم في هذا الباب انشاء الله تعالى  
 تمت المباحثات وهي اجوبة مسائل سئل الشيخ عن بعضها تلمیذه بهمنیارو عن بعضها الشيخ الكرمانی  
 ۱۵ وعن بعضها غیرهما » این نسخه در شش فصل و ۲۱۷ بند و آغاز آن برابر است با نسخه  
 ش ۲۱۸۸ فیض الله استانبول (که پایان آن بند ۱۸۳ این نسخه و بند ۲۶۶ چاپی است)  
 و پایان آن در نزدیک با آغاز نسخه نواب و پایان نسخه ش ۴۵۴۵/۱ او نیورسیته استانبول  
 دیده میشود . دیباچه آن نامه بهمنیار است بشیخ که میگوید : « پرسشهارا در برگهای  
 نوشته فرستادم و میخواهم پاسخ هریک را در همان برگ بنویسد تا مباد چیزی فراموش

۲۰ ۱ - نیز بنگرید به خزر جی ج ۲ ص ۱۹ س ۱۹ - بیهقی در تنمه ص ۲۷ میگوید  
 که شیخ در مباحث از ابوالفرج جاثلیق بد گفت و نکارشهای او را شایسته دانست که بفروشنده  
 آنها برگرداند و از بها در گذشت و در ص ۲۲ میگوید که شیخ در هیچیک از نکارشهای خویش  
 بادی از نانلی ننمود مگر در « کتاب المقضیات السبعة » که در دره « مقتضیات الحکمة » و در  
 کشف الظنون « مقتضیات الکبر السبعة » یاد شد . ناشر تنمه آنرا همان کتاب المباحثات پنداشت  
 ۲۵ ( ص ۲۲ حاشیه ۹ ) چه بیهقی در فهرست نکارشهای شیخ بازار « کتاب المقضیات مجلدة »  
 یاد نمود ص ۴۶ و بجای آن در تاریخ حکماء قفطی ص ۲۷۲ « کتاب المباحثات مجلدة »  
 آمده است ( نیز در ج ۲ ص ۵ س ۱۰ خزر جی ) گرچه در فهرست پایان تنمه ص ۱۸۷ هم  
 « کتاب المباحثات » و هم « مقتضیات الکتب السبعة » یاد گردید و در فهرست میان سرگذشت  
 شیخ ( نسخه ش ۱۲۱۶ ص ۱۶ - ۲۲ سپهسالاروش ۴۶۹۴۶۶ کتابخانه ملی ملک ) نیز از این دو  
 یاد گردید . ۳۰

شود و دستور دهید که در بانان پیک را باز ندارند و بآسانی نزد شما باریابد و امیدوارم پرکاری شما را از پاسخ این پرسشها بازمدارد» (مانا هنگام وزیر بودن شیخ است) در پایان نسخه چنانکه میبینیم دارد که پرسنده بهمنیار و کرمانی و دیگرانند. نامه شیخ بکیا (دیباچه چاپی - میانه نسخه نواب) در این نسخه نیست و با آن دو نسخه در عبارت و ترتیب مسئله هاجدائی دارد. در بیشتر جاها پرسشها و پاسخها در یک بند آمده و بندها با دایره ای از یکدیگر جدا میشوند و روی آغاز هر بندی خط سرخ کشیده شده است و گاهی یک بند همان پاسخ تنها است و بند ۱ برابر است با بند ۴۵۳ چاپی. انجام نسخه ۸۶۹/۱۱ کوپرولی در گ ۱۸۳ ب این نسخه دیده میشود.

نسخه دیگری از مباحثات در ارسطو عند العرب دکتر بدوی ص ۲۱۹-۲۳۹ از روی نسخه ۶ م حکمت و فلسفه دارالکتب مصر در ۵۰۰ بند بچاپ رسید و دیباچه آن نامه شیخ است بکیا (ابو جعفر محمد بن حسین بن مرزبان - دیباچه بدوی ص ۳۶ و مباحثات ص ۱۱۹) که در آن از علاء الدوله (۳۹۸-۴۳۳) یاد گردید و نیز از یحیی نحوی ورد او بر ارسطو. شیخ در این نامه میگوید که در کتاب انصاف میان خاوریان و باختریان داوری نمود و در آن از فارابی بسیار میستاید و آرزوی دیدار او میکند اینجا است که بیهقی ص ۱۳ و شهرزوری ش ۸۵۶ گ ۷۷ بجای آن ابوالخیر خوانده اند تا معاصر شیخ باشد (بدوی ص ۴۱ دیباچه) این نامه را قنوائی در ش ۲۵۹ نیز جداگانه یاد نمود و مانا نسخه ش ۶۳۴/۳۶ مجلس همین است. بدوی دو نامه پس از مباحثات آورد که نخستین در آغاز مباحثات نسخه ش ۸۶۹ کوپرولی میباشد.

نسخه دیگری از مباحثات در مدرسه نواب طوس بوده که آغاز آن برابر است با نسخه ده برگگی ش ۲۳۸۹/۲ ایا صوفیا بنام «رسالة الاسئلة والاجوبة» و دو نامه شیخ (چاپ بدوی پس از مباحثات) در میان این نسخه دیده میشود و در آن شیخ از کارهائیکه شایسته او نیست و از دوری از دانش سخت مینالد و ازری و از گفتگوها که میان استاد و شاگرد در آنجا شده است و از همین پرسشها که اکنون میکند و پاسخ میگیرد یاد میکند و میگوید «بیشتر پرس» چنانکه یاد شد نسخه ای از مباحثات بشماره ۸۷۵ در مروی هست و د کترغنی در «ابن سینا» ص ۷۸ از نسخه شماره ۴۰ آنجا یاد میکند. این هم ناگفته نماند که شیخ بجز نامه ها که بیرخی نوشته یا پاسخها که بنامه ها و پرسشهای بیرونی و جوجزانی و ابوالفرج همدانی و ابوالفرج یمامی و میهنی و دیگران داده بسیاری از رساله ها را برای فرمانروا یا وزیری نگاشته است. گذشته از اینها در فهرست قنوائی گفتارهایی شناسانده شده که مانند مباحثات میباشد: پاسخ ده پرسش بیرونی نه آنکه بچاپ رسید - پاسخ شیخ عامری (مجالس سبع) - پاسخ ۲۲ و ۲۵ و ۱۰ و ۲۰ پرسش -

بندها و پرسشها - دو گفتار در منطق - پرسش و پاسخ - پاسخ پیرششی درباره حدوث که میگوید نخستین چیزی است که بدست خود نوشتم - دو مسئله - پاسخ ابن زیلا مسأله پزشکی - نامه ای بابی الفرج بن ابی سعید بمامی در پزشکی - چند مسأله - گفتگوی شیخ با شاگردی درباره زاویه - پاسخ چند پرسش - پاسخ بجوزجانی درباره شفا و معارضه با قرآن - فائده ها و نکته ها (ش ۲-۲۰-۲۱-۲۲-۳۸-۳۹-۱۷-۳۶ و ۳۷-۶۳-۶۱-۷۱-۹۹-۱۴۳-۱۴۵-۱۴۶-۱۶۰-۱۷۶-۲۰۴-۲۳۴) و بهمة اینها و نسخه های گوناگون مباحثات باید نگریست تا دریافت که سرگذشت گفتگوهای شیخ باشاگردان چگونه بوده و مباحثات چگونه بنگارش درآمده است - نیز بنگرید بشماره ۱۹ قناتی .

### ۱۰ [۳۴۱] مباحث فلسفیه (رسالة فی ... ) (عربی)

این گفتار بروش عرفانی درباره قوه و فعل نگاشته شده و در آن (۴۶ ب) از رسالة التسلية ابن سینا که در آن گفته است «ان الموت لا الم فيه ابدا» و از مجلسی یاد میشود .

آغاز : بسملة . فصل فی معنی القوة والفعل . اعلم ان القوة هی استعداد التصورای  
استعداد قبول الصورة . ۱۵

انجام : فمن رام تثمیت الفرار بالکبرایت وسایر الارواح فقد خبط و سهی .

[۴۲۳]

۸۸۷ این نسخه شماره ۲ دفتر و بخط تعلیق می باشد گ ۹ الف - ۴۶ ب .

### [۳۴۲] مبادی و جودات (فارسی)

۲۰ این گفتار فلسفی از بابا افضل کاشانی (۱) است و از موجود و معلوم و مدرك گفتگو میکند و در مجله جلوه شماره ۳ سال ۱ تاریخ شهریور ۱۳۲۴ خ ص ۱۲۱ - ۱۲۸ از روی دو نسخه تاریخ ۱۰۸۳ و ۱۰۹۲ به چاپ رسید . در جنگ شماره ۲۹۱۱ سپهسالار

۱ - سید حیدر آملی عارف زنده در ۷۶۱ در جامع الاسرار (ش ۳۴۱ گ ۲۳۶ الف) میگوید : « ومنهم الامام الفاضل والحکیم الکامل افضل الدین المکاشی رحمة الله علیه . فانه بعد رسوخه فی الحکمة الفلسفیه والعلوم الرسية رجع الی طریق اهل الله وصار من کبارهم وصنف فی هذا الفن کتبا و رسائل واحواله مشهورة وفضائله معلومة » . ۲۵



[۴۲۴]

این نسخه شماره ۱۰ دفتر است و بخط تعلیق شکسته خوش با عنوانهای

۴۲۸ شنکرف تاریخ ۱۰۸۳ ک ۶۵ الف - ۷۱ ب و فهرست آن هم در گ ۶۵  
الف دیده میشود .

(عربی)

مبدء و معاد

[۳۴۳]

شیخ رئیس این کتاب را در سه گفتار ( خدا شناسی در ۵۲ فصل - پیدایش

و آفرینش هستیها در ۱۱ فصل - پایداری روان و خوشی آن در رستاخیز در ۲۰

فصل ) برای ابی (احمد) محمد بن ابراهیم شیرازی فارسی (۱) در گران نگاشته

۱۰ و در آن گزیده علم مابعدالطبیعه یا اثولوجیا (الربوبیة) در باره مبدء نخستین و نسبت

هستیها با اوازیرویی ترتیب و گزیده علم طبیعیات در روانشناسی رستاخیز آورد. شیخ

در فصل ۷ مقاله ۱ عاقل و معقول را یکی پنداشت و گفت که آندو بقانون فعل و قوت

یکی میشوند و علم اگر با حصول صورت می بود بایستی صورتهای بی نهایت در نفس

بیاید . او در اشارات و شفا این رأی نپذیرفت و برگفته طوسی در مبدء و معاد روش

۱۵ مشائیان گرفته چنانکه در آغاز هم چنین گفته است. شیرازی در فصل ۸ طرف ۱ مرحله

عقل و معقول اسفار سخن او را آورد و پذیرفت . شیخ در پایان از رستاخیز و پیامبری

و وحی و اعجاز و اثر چشم بروش فیلسوفان گفتگو کرد و از رأی افلاطون در سوفسطیقا

یاد نمود .

آغاز : بسملة قال الرئيس ابوعلی الحسین بن عبدالله بن سینا لقالله احسانه

۲۰ اما بعد حمد الله حق حمده والثناء علیه بما هو اهلله ... فانی ارید ان ادل فی هذا الکتاب

( هذه المقالة ) علی حقیقة ما عند المشائین المحصلین من حال المبدء والمعاد تقربا به

۱ - در بیهقی ۶۴ و خزرجی ج ۲ ص ۱۸ ابی محمد شیرازی که با شیخ آمیزش داشت

یاد شد و خزرجی گوید که در آغاز نسخه ابی احمد محمد بن ابراهیم فارسی خوانده ام مانند نسخه

ش ۹۷۵ طوس و نسخه مجلس ولی در نسخه ش ۹۷۲ طوس ابو محمد بن ابراهیم فارسی یاد

کردید و قنوتی ابی احمد بن ابراهیم فارسی یاد نمود . گویا درست همان باشد که در بالا

نوشته شد .

الى الشيخ الجليل ابى (احمد) محمد بن ابراهيم الفارسي فيتضمن كتابي هذا ثمرتي  
علمين كبيرين احدهما الموسوم بانه فيما بعد الطبيعى والثاني العلم الموسوم بانه فى  
الطبيعات .

انجام : و تقریب البعیدان مال (یمال) الى الاظهر فهو معذور ونسئل الله ان یجنبنا  
الزیغ والزلل والاستبداد بالرأى الباطل و اعتقاد العجب فیما یرى ویفعل ( یعقل ) تم  
کتاب المبدء والمعاد .

[۴۲۵]

این نسخه شماره ۶ دفتر است و بخط نسخ با عنوانهای شنکرف و تصحیح شده  
۸۶۱ با نسخه های دیگر در هامش. گ ۱۴ ب - ۱۵۴ الف . نسخه ای در مجلس ش ۶۳۴/۳۰  
(ج ۲ ص ۳۹۹) و شش نسخه در طوس ۹۷۱ تا ۹۷۶ هست و قنواتی در ش ۱۹۵  
چندین نسخه آنرا شناسانده و گفت که ترجمه فارسی آن در بودلیا ناش ۱۴۲۲/۲  
و موزه بریتانیا ۹۷۸/۲۲ هست . در جنک ش ۲۹۱۲ و ۱۲۱۶ سپهسالار نسخه تازی آن  
دیده میشود .

[۳۴۴]

(عربی)

المبدء والمعاد

سه پریشی است که از شیخ رئیس شده و او پاسخ داد و در ص ۱۶۷ یاد گردید .

[۴۲۶]

این نسخه شماره ۲۰ دفتر است و بخط شکسته تعلیق رجبعلی نزدیک ۱۰۶۱  
گ ۹۵ الف و ب . آغاز و انجام آن مانند ش ۱۰۳۸/۱ میباشد .

[۳۴۵]

(عربی)

المبدء والمعاد

از صدرای شیرازی م ۱۰۵۰ که درست در آن از مبدء و معاد شیخ پیروی نمود  
و دو بخش کرد و چنانکه در دیباچه (ص ۳ چاپ) می نویسد آنرا پس از اسفار نوشته  
است . در مبحث تجرد نفس ص ۲۰۸-۲۱۲ دلیلی می آورد که از مباحثات شیخ رئیس  
گرفته و همین دلیل با اندک اختلاف در اسفار هم آمده است و در مبحث ادراک حسی  
ص ۱۷۴-۱۷۷ درباره گفتار شیخ رئیس و مسیحی و فخر رازی در مورد لذت و الم  
حواس عبارتی دارد که نزدیک بهمان در شرح هدایه هموص ۱۹۵-۹۷ دیده میشود .

## [۴۲۷]

- این نسخه بنسخ باعنوانهای شنگرف و حاشیه‌هایی دارد که در پایات آنها
- ۴۲۱ عبارت (ع سلمه‌اه) هست و این نسخه شماره یکم این دفتر است از برك ۱
- الف تا برك ۲۶۳ ب و دوم آن گفتاری است از صدرالافاضل (همین شیرازی)
- در باره روز رستاخیز. محشی حاشیه‌های این کتاب و رساله دوم را هنگامی که در سپاهان
- نزد ملا محراب آنها را میخوانده است نگاشت. این نسخه تصحیح شده و مقابله گردید
- و خط و مهر فیلسوف شیرازی در پایان کتاب بخط شکسته آراسته بشنکرف زیر سطر
- آخر دیده میشود: «کتابه الاقل . . . . محمد بن ابراهیم المشهور بصدرالشیرازی سنه
- ۱۱۵ (۱۹)» از اینجا چنین بر میآید که شیرازی کتاب مبده و معاد را در ۱۰۱۵ نوشته است
- در برك ۱ الف نوشته شده که نسخه را در ۱۱۹۴ خریده اند. این کتاب در تهران بسال
- ۱۳۱۴ بچاپ رسید.

( ۲۷۵ برك ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج قهوه‌ای ضربی

اندازه: ۲۵٫۵ × ۱۷٫۵ و ۲۵٫۵ × ۱۷٫۵ س ۴۰

[۳۴۶] **مجموع الحکمه** (فارسی)

- تنی چند از دانشمندان ایرانی در سده چهارم انجمنی در بصره بنیاد گذارده
- ۱۵ و مانند گروه فوئناغورسیان باستانی و چلیپاتیان گل سرخ سده پانزدهم مسیحی نهانی
- در آنجا گرد میآمده در باره فرهنگ و دانش روزگار خویش میانداشیدند و میخواستند
- که میان دین و فلسفه سازگاری دهند. آنها پس از مرک اشعری (۲۶۰-۳۳۴) تار جرب
- سال ۳۷۴ پنجاه و سه یا چهار دفتر بنام (رسائل اخوان الصفاء و خالان الوفاء) و (الرساله
- الجامعه) نگاشته بی آنکه نامی از خود ببرند آنها را در دسترس گذاشتند. این بود
- ۲۰ که مردم آنرا را شیعی یا باطنی یا معتزلی پنداشتند و برخی آن دفترها را از امام جعفر صادق ع
- دانستند. نخستین بار ابو حیان توحیدی در امتاع و موانسه نام آنها را آشکار بداشت
- سپس ابن سینا و معری از آنها نام بردند و صاعداندلسی و شهرستانی و بیهقی و غزالی
- و سهروردی و قفطی و خزر جی و ابن سبعین و بابا فضل کاشی و شهرزوری و دیلمی
- و ابن تیمیه و جنید شیرازی و بیرجندی و آملی و کرمانی و جامی ابن حجر و صدرای
- ۲۵ شیرازی و اشکوری و فیض کاشانی و محمد امین استرآبادی و عباسی از این نام یاد کرده
- یا سرگذشت آنها را آورده یا اینکه از آن دفترها بهره برده اند. نام اخوان الصفا نیز



پیش از آنها در کلیله و دمنه و نظم و نثر باستانی تازی و نیایش فارابی آمده است .  
 باطنیان نیز بدیندفترها ارج نهاده باینکه در دسترس همه بود و تاکنون چندبار  
 بچاپ رسیده از نگارشهای نهانی آئین خویش بشمار میآورند و نگارنده آنها را  
 ۵ دومین رهبر نهانی دینی خود بنام امام عبدالله وفی احمد (۱۹۷ - ۲۱۲) از دودمان  
 امام صادق ع میپندارند .

دانشمندی در روزگار امیر تیمور گورگان (۷۷۱-۸۰۷) برای باره دوم از این  
 دفترها گزین نموده و پیارسی دری در آورد و در دفتر دهم بخش سوم در حدود و رسوم  
 از اشارات و تنبیهاات بوعلی سینا و نقاوة الحکمة خواجه حسن بن جریر سپاهانی  
 ۱۰ و کتاب عبدالله بن جبرئیل بن بختیشوع یز شک بر آن افز و دوهمین است که مجمل الحکمة  
 نامدارد و دوبار در بمبئی بسالهای ۱۳۰۱ و ۱۳۰۴ با افزودن ترجمه انسان و حیوان  
 که در آن نیامده بچاپ رسید. از نسخه ش ۱۱۲ مجلس چنانکه در فهرست آمده است  
 برمیآید که پیش از این در ۶۶۷ این دفترها پیارسی شده بود . ولی چنین نیست چه در پایان  
 آن نسخه بخشی از یک کتاب فلسفی که در آن تاریخ نوشته شده هست و فهرست نگار  
 ایندو را یکی پنداشت .

در دیباچه این ترجمه دوم (نسخه ما و چاپی) از سرود اختران و نام بارخدای  
 ۱۵ و مرزبان (مهربان) نامه و دانشنامه یاد گردید (۱) و سه تایی نخستین بیهوده و چهارمی  
 دشوار دانسته شد .

## [۴۲۸]

این نسخه شماره ۱۵ دفتر است و بخط تعلیق با عنوانها و نشانهها و ورقها و شکلها  
 ۳۰۲ بشنگرف از محمد کاظم بن محمد حسین الحسینی المجلاتی در ۲۲ رجب ۱۱۱۱  
 گ ۱ ب - ۷۹ ب . نسخه از آن محمد عارف حسینی بوده و خط و مهر او در گ ۲  
 الف دیده میشود. در این نسخه که با چاپ شده یکسان نیست دفتر انسان و حیوان ترجمه  
 نگردید و بخش چهارم هم ده فصل است .  
 آغاز : سپاس و منت وجودیرا که واجب الوجود است .

۱ - نگاه به : فهرست طوس ش ۵۸۰ ص ۱۰۵ ج ۴ - فهرست مجلس ج ۲ ش ۱۰۴  
 ۲۵ ص ۵۱ که اندکی با چاپی جدائی دارد و ش ۱۱۲ ص ۵۷ که در دنبال آن بخشی از یک کتاب  
 فلسفی است و آن در ۶۶۷ نوشته شده است نه مجمل الحکمة این نسخه که مانند چاپی است - گفتار  
 فهرست نگار در ش ۶ سال ۸ مجله مهر .

**انجام :** و در شریعت لذتها را منع میکند یعنی بر ترك لذت و در حکمت والله اعلم یا لصواب (س ۱ ص ۱۵۹ چاپی) و نیم صفحه را ندارد .

### [۳۴۷] المحاکمات بین شرعی الاشارات (عربی)

- از قطب الدین محمد بن محمد بن ابی جعفر بویه رازی فیلسوف فقیه شیعی از خاندان بویه یا بابویه قمی که در ری زاده و شاگرد علامه حلی بوده است و از او ۵  
بسال ۷۱۳ اجازه گرفت و این اجازه را حلی در پشت قواعد خود که قطب بخط خویش نوشته بود در دیه و رامن نگاشته است. شهید یکم ابو عبدالله محمد بن مکی دمشقی عاملی جزینی (۷۳۴-۷۸۶) در ۷۶۸ در دمشق نزدش رفته و از او بهره برده و اجازه گرفت. نیز در پایان شعبان سال ۷۷۶ در دمشق ویرا دیده و از او در معقول و منقول اجازه گرفته است. وی بگفته شهید در ۱۲ ذی قعدة ۷۷۶ در گذشت و در گورستان ۱۰  
صالحیه بخاک سپرده شد (۱).

قطب رازی در این کتاب محاکمات میان فخر رازی و خواجه طوسی داورى نمود و آن در آستانه سال ۱۲۹۰ در ۶۳ صفحه و دوبار در هاشم شرح طوسی بر اشارات در تهران بسال ۱۲۸۱ و ۱۳۰۵ چاپ رسید .

۱۵

[۴۲۹]

- این نسخه نخستین شماره این دفتر است و از برگ ۱ ب تا برگ ۲۲۵ ب ۲۷۷  
میباشد و بخط نسخ نوشته شده و عناوین در هاشم و نشانه ها بشنگرف و حاشیه شامی بشکسته تعلیق دارد و عنوان محاکمات در رویه یکبرگ پیش از آن چنین است : هذا شرح علی شرح الاشارات لنصیر الدین الطوسی اعتنی به والقه استادنا و شیخنا افضل المتأخرین قطب الدین ابقاه الله ... و محمد بن سدید الدین اسنوی دمشقی نشین ۲۰

- ۱ - قطب رساله ها و کتابها در ادب و منطق و فلسفه نوشت یکی از آنها (تحقیق معنی التصور والتصدیق) است که در تونس بسال ۱۲۸۱ چاپ شد و يك نسخه از آن با شرح محمد زاهد محمد اسلم هروی در کتابخانه خدیوی مصر هست و این شرح در کانپور هند بسال ۱۲۸۷ در مجموعه چهار رساله بجای رسید. در کتابخانه مدرسه سپهسالار تهران نیز يك نسخه از همین ۲۵  
رساله بشماره ۳۸۷۸ هست پس آنچه میرسید شریف در حاشیه بر شرح مطالع گفته است که این رساله در یکی از گردشها که قطب میرفته است از میان برفت نادرست است. دیده شود :  
معجم المطبوعات ص ۹۱۹ - فهرست کتابخانه خدیوی مصر ج ۶ ص ۸۳

شاگرد قطب و نویسنده عبارت بالا این نسخه را نزد او خوانده و بانسخه اصل برابر کرده است و بخط خود بهمین تصحیح گواهی داد. وی یکبار آنرا با نسخه معتبری مقابله کرده و در ۲۹ ع ۱ سال ۷۶۴ از این مقابله بیاسود و باره دوم آنرا با نسخه استاد خود قطب رازی برابر کرده و در آدینه ۱۸ شعبان ۷۶۵ در خانقاه اندلسی این مقابله را بپایان رساند و مینویسد که این باره حاشیه‌های کتاب را نیز با حاشیه‌های نسخه قطب برابر کردم و هرچه از این حاشیه‌ها نشانه (سم) دارد از استاد است. اینها را اسنوی بخط خود در پایان نسخه و در هامش آن نوشته است. باز بخط خود مینویسد که در ماه ربیع دوم سال ۷۷۴ از خواندن همه این کتاب بیاسودم و میگوید که استاد رازی نسخه اصل را در روز چهارشنبه ۱۰ رجب سال ۷۵۵ در شهر گلستان ترکستان نوشته است و عبارت او را میان پایان کتاب و گفتار نویسنده درباره تاریخ نوشتن نسخه‌ها می‌آورد. اسنوی باز در پایان نمط سوم مینویسد که این نسخه را مقابله کردم. قطب مینویسد که منطق را در شب اضحی سال ۷۵۶ بپایان رساندم. اسنوی در همین‌جا باز مینویسد که مقابله نمودم. و نویسنده نسخه ماعبدالواحد بن عبد الحمید بن مسعود شافعی سیواسی سلماسی است که در دمشق در نیمه روز ۲۸ محرم ۷۶۴ آنرا نوشته است.

این نسخه در ع ۱ سال ۹۹۰ در دست میرزا مخدوم حسنی حسینی مدرس مدینه بوده و خط او در پشت کتاب هست و باز خط او در رویه برك پیش از نسخه محاکمات که در تاریخ میانه ع ۱ سال ۹۹۰ در قسطنطنیه نوشته است دیده میشود. ابن خاتون محمد بن علی عاملی در ۱۰۲۸ در سپاهان بخط خود در پشت کتاب نوشته که این نسخه بدو رسید و مهر او هم هست. او دانشمندی ادیب و فقیه بوده و شرحی بر ارشاد نوشته و اربعین شیخ بهائی را ترجمه بیارسی کرد و در عصر او بوده و در حیدرآباد هند میزیسته است و تا ۱۰۶۸ نیز زنده بود.

پس از همه آنچه تا کنون نوشته شده چنین بر می‌آید که :  
قطب رازی در ۷۵۵ از نوشتن نسخه اصل (ناگزیر بخش فلسفه) در شهر گلستان ترکستان بیاسود.

و همو در ۷۵۶ چنانکه خود گواهی میدهد منطق را بپایان رساند.  
عبدالواحد سیواسی سلماسی در ۲۸ محرم ۷۶۴ نسخه ما را در دمشق نوشته است.  
محمد بن سدیدالدین اسنوی دمشقی در ۲۹ ع ۱ سال ۷۶۴ یکبار این نسخه را با نسخه معتبری مقابله کرد.

تیز اسنوی در ۷۶۵ باره دوم آنرا با نسخه قطب برابر نمود.  
باز اسنوی در ۷۷۴ از خواندن همه کتاب بیاسود.









این نسخه در ۹۹۰ در قسطنطنیه در دست میرزا مخدوم بوده است .

در تاریخ ۱۰۲۸ این خاتون آنرا داشته بود .

پس نسخه ما پیش از مرگ رازی که در ۷۷۶ رخ داده است نوشته شده و چندبار مقابله گردیده است .

- یکی از دارندگان این نسخه ابراهیم بن حاجی عوض الدساوی بوده که در برک ۱  
الف نامبرده شده .

( ۱۰۲۲۸ برک ) کاغذ ترمه سمرقندی - جلد تیماج سرخ ساده و کهنه مقوایی

الذاه : ۲۸×۱۹ و ۲۰×۱۴ س ۲۷

[۳۴۹-۳۴۸] مدارج الکمال (تازی و پارسی)

- این گفتار فلسفی و عرفانی را که در خودشناسی و شناخت شناسی است و گشایش  
نامه هم خوانده شده بابا افضل کاشانی نخستین بار بگواهی خود او در پایان متن  
پارسی ( نسخه شماره ۴۰۲/۹ دانشگاه ) بتازی نوشته سپس بدرخواست خواجه  
شمس الدین محمد درواگوش پیارسی کرد و تازی آنرا از آن اسعد نسائی دانست .  
کاشانی با درواگوش بسیار دلبستگی داشت و نگارشهایی مانند رساله جامعه (گویا  
همین مدارج ) و زجر النفس برای او فرستاد ( نامه ش ۴۳۱/۱۷ ) و در نامه ای که  
۱۵ (ش ۴۳۱/۱۴) بدو می نویسد از همین مدارج الکمال بنام «فتوح هشت در» و «ره انجام  
نامه» یاد میکند. متن پارسی در ۱۳۸ نشریه دانشگاه بچاپ رسید کاشانی در عرض نامه  
(ص ۱۵۳) از مدارج الکمال یاد نمود .

[۴۳۰]

- این نسخه پیارسی و شماره ۹ دفتر است و بخط تعلیق ۱۰۷۹ و ۱۰۸۰ گ ۸۲  
۴۰۲ ب - ۹۷ الف و در پایان آت سخنی است از کاشانی که در چاپی نیامده  
و بدینگونه است : « خجسته حال و فرخنده فال و نظم سخنان این نامه نخست  
بلغت تازی بود . . هم محمد با محامدان قرین شود و هم اسعد با سعادت این همشین  
گردد ان الله لرؤف رحیم و الله الحمد علی ما هدانا انه ولینا و مولینا » نسخه ای از مدارج  
کمال فارسی در دفتر شماره ۲۹۱۲ مدرسه سپهسالار گ ۱۳۰-۱۳۷ هست و بند پایان  
۲۵ در آن دیده نمیشود .



## [۴۳۱]

این نسخه پیارسی و شماره ۲۰ دفتر است گ ۲۸۶ ب - ۳۲۱ الف و با نسخه پیشین اندکی جدائی دارد و بهتر و بیشتر از آن است و جناب آقای مشکوة آنرا ۴۳۱ با دو نسخه دیگر برابر و درست نموده است و سخن پایان کتاب در آن هست .

## [۴۳۲]

۵

این نسخه پارسی و شماره ۹ دفتر است و بخط تعلیق رودباری گ ۷۷ ب - ۸۹ الف و از گشایش در یکم آغاز میشود و دیباچه را ندارد و سخن پایان کتاب ۱۰۳۶ در این نسخه هم هست .

## [۴۳۳]

این نسخه بتازی بسیار شیوا و روان و درهشت فتح و شماره ۱۱ دفتر و بخط تعلیق ریز سال ۱۰۸۴ گ ۳۰ ب - ۵۴ الف میباشد. آغاز آن چنین است : ۱۰۳۳ « بسم الله الذی لا اله الا هو اول کل شیء فلاول له و آخر کل شیء فلا آخر له و ظاهر لیس فوقه شیء و باطن لیس دونه شیء . . . و بعد فقد سألنی جماعة من اخوانی . . . وصیة جامعة لخیر الدارین . . . فهذه ثمانية ابواب نرجوان نفتح جمیعها . . . الفتح الاول فی تبیین جوهر الانسان » . ۱۵

انجام آن چنین است : « حامدین لله علی نعمائه شاكرین لائلته متحبین (متحببین) الی لقاءه مضطربین علی بلائه یبصرکم و یبارک لکم . . . نعم المولی و نعم النصیر . . . فانجزت مدارج الکمال و لله الحمد علی کل حال . . . الطاهرین الزاهدین » . در کشف الظنون از آن بنام «مدارج الکمال الی معارج الوصال» یاد کرده است . ۲۰ (ج ۲ ص ۴۰۹) .

(عربی)

مرآة الازمان

[۳۵۰]

دانشمند محمد بن محمد زمان کاشانی در این رساله سید داماد را رد کرده زمان را موهوم و اعتباری دانست و مانند متکلمان آنرا انتزاعی از همیشگی خداوند پنداشت و در آن از فیلسوفان و متکلمان تا مجلسی یاد نمود و آنرا در ۲ محرم ۱۱۶۲ ۲۵ پایان رساند او در این رساله برخلاف خواجوئی سخنان آقا جمال خوانساری را در خرده گیریها که از داماد کرده است درست و استوار نشان داد (ش ۵۸۷ ص ۱۰۸ ج ۴ طوس - ص ۷۳ و ۲۳۰ این فهرست) .

آغاز : بسمله تبارك الذى كان ولم يكن معه شىء ثم شاء فانشأ الاشياء . . .  
لما بعد فهذه مرآة الازمان بها ينكشف ما اشتبه من امر الزمان الموهوم على بعض  
الاعيان .

انجام : ايراد وبافيه من القيل والقال . واتفق الفراغ عما امر به . . . محمد بن  
محمد زملن . . . فى الثانى من الاول للعام الثانى من السابع للثانية من الالف الثانى . . .  
والحمد لله اولاً و آخراً . . . من الايام والشهور .

[۴۳۴]

این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط نسخ خوش از علی بن محمد سپاهانی  
۸۷۳ بسال ۱۱۶۲ که بدستور کاشانی نوشته است و در پایان دارد : « و کتب الخاطی  
ابن محمد علی الاصفهانی فی ۱۱۶۲ » سرلوحی در آغاز ( ۱۰۶ ب ) هست  
و عنوانها با مرکب سفید است و شنکرف و حاشیه ( منه دام فضله ) دارد و سخنان  
فیلسوفان در برخی حواشی آمده و حاشیه‌ها بخط شکسته تعلیق است. درگ ۱۴۰ الف  
حاشیه‌ای فارسی از شیخ جعفر نوشته شده . کاغذ برنگ سرخ میباشد . گ ۱۰۶ ب -  
۱۹۸ الف .

[۳۵۱] مرآة الحقائق و مجلی الدقائق (عربی) ۱۵

دانشمند غیاث‌الدین منصور دشتکی این رساله را برای غیاث‌الدین ابوالمظفر  
بهادرخان در ۷ مجلی (مبادی فلسفی - مسائل طبیعی - مسائل فلکی - امور عام -  
مقولات - خدا و آفرینش - رستخیز ) نگاشته است وی در آغاز از خود بنام غیاث  
مشهور بمنصور یاد کرد و میگوید که در سی مسئله فلسفی با دیگران خلاف کردم  
و بهمگان رسید. برخی سخنانم را پسندیدند و دسته‌ای نپذیرفتند. آنگاه آنها را  
میشمارد همانند اینکه جهان مثال هست و یاد آوری بخششی است از خدای نه نگهداشت  
صورت در نیروی جرمی بگفته مشائیان و نه انتقاش آن در سطح آسمان بگفته  
اشراقیان چنانکه در شرح هیاکل گفته‌ام و اینکه صورتهای عقلی هستی جدائی دارند  
چنانکه در معارف منصوری روشن ساختم و آتش اهلبلجی است و شهابها دخیانی  
نپسندند چنانکه در رساله‌ای نشان داده‌ام و نیز علت قوس و قزح را در رساله‌ای نوشته‌ام  
۲۵

و اینکه هر نفسی مجرد است و جنبشهای آسمان جبری میباشد و مقوله ها نه چنانند که مشائیان ده و اشراقیان ۵ (جوهر و کم و کیف و حرکت و نسبت) و دسته‌ای ۴ (جوهر و کم و کیف و نسبت) دانستند بلکه برخی ماهیت و انیت آنها پیداست (کم و کیف و ۰۰) و برخی انیت روشنی دارند (اجناس اجزاء جسم) و برخی ماهیت آشکاری دارند (دیگرمقولات) و اینکه مجرد و مادی و هیولی و صورت ذاتی مشترک ندارند و گوهر ذاتی فردهای خود نیست و هر مجردی قدیم و ازلی است و جنبنده عرضی میل دارد و چیزهای دیگر . مطالب را عنوانهای (ظل غربی - نور مشرقی - نور قمری - اشراقات شمسی) داده و پیداست که صدرای شیرازی هم در مسائل و هم در عنوانها از او پیروی نمود . در پایان میگوید که این اشراقات در ۸۹۵ در خواب شگفتی که دیدم بجهان نور رفته‌ام بمن رسید سپس این رساله را نوشتم . آنگاه عنوانهای مرموزی را که در کتاب آورده بود روشن میسازد و میگوید این کتاب بر پایه کشف نهاده شده نه برهان در جای دیگر نیز از جهان هورقلیا یاد میکند که در آن بوده و کشفها برای اوشده است

۱۰ آغاز : بسم الله یاغیاث المستغیثین نورنا بانوارك و کلمنا بمعرفة اسرارك واجعل لنا جناحا نظیر به الی جوارك .

۱۵

انجام : تکملة و تبصرة انظر ایها الناظر بعین الانصاف . . . و اذا ابتلی ابراهیم ربه بکلمات فاتمه . تمت الکتاب بعون الملک الوهاب .

[۴۳۵]

این نسخه شماره ۹ دفتر و بخط تعلیق با عنوانهای شنکرف میباشد گ ۱۳۳ ۹۲۶  
الف - ۱۴۲ ب .

[۳۵۲] مسائل الیقینی (عربی)

دانشمند شمسای گیلانی (زنده ۱۰۴۸ درمکه و ۱۰۵۸ درقزوین و ۱۰۶۰ درطوس) این رساله را درباره عینیت وجود خارجی و صفتهای کمال خدا با ذات او بروش مشائی و اشراقی نگاشته و خبرهای شیعی نیز در آن آورد و آنرا در آغاز جمادی یکم سال ۱۰۶۰ درطوس پایان رساند. او در حاشیه خود برای کتاب آنرا ۲۵



چنین نامید .

آغاز : بسم الله . . . الحمد لله خالق البریات و هادی سبیل التحقیقات . . . فبقول محمد الشهير بشمسا الجیلانی . . . هذه رسالة فی اثبات ان الوجود الخارجی عین ذات الواجب .

- انجام : بناء على عينية الصفات الكمالية كما امر مشروحاً فلان طول بالاعادة .  
تمت الرسالة . . . فی اوائل شهر جمادی الاول فی سنة ستین بعد الالف . . . فی البلدة الطيبة الرضوية . . . التحیات .

[۴۳۶]

- این نسخه بخط نسخ با کیزه از یکی از شاگردان گیلانی که در قزین در روزگار  
۳۰۷ استاد در روز ۷ ذی حجه سال ۱۰۶۰ هنگامی که از طوس برگشته بود آنرا  
نوشته در حاشیه برك آخر کتاب می نویسد که از شاگردان اوست .  
در چند جا حاشیه هایی از گیلانی دارد که به ( منه دام ظله یا سلمه الله تعالی )  
پایان میابد .

(۱۳۴ هـ) — کاغذ سمرقندی — جلد کیمیاخ سرخ ضربی  
اندازه : ۱۰×۴۰ و ۵×۱۵۵ س ۲۰

[۲۵۳]

(عربی)

مشاهر

- از صدرای شیرازی که دارای يك فاتحه ( در مباحث وجود و جعل در هشت  
مشعر ) و يك موقف در سه منهج یکی در هستی خدا و یگانگی او (در هشت مشعر)  
دیگری در احوال و صفات خدا ( چهار مشعر ) سوم در آفرینش و کردار خدا ( سه مشعر )  
و يك خانمه در دیباجه ( ص ۷ چاپی ) این کتاب از کتابها و رساله ها که نوشته است  
بی آنکه نام ببرد یاد میکند و معرفت وجود و هستی شناسی را پایه فلسفه خود نشان  
میدهد و شناسایی خدا و رستخیز و عالم مثال و اتحاد اقل و معقول و جامعیت بسیط الحقیقه  
و اشتداد وجود و مانند اینها را بر روی همان هستی شناسی میگذارد و پیداست که  
کتاب آغاز جوانی فیلسوف شیرازی نیست چنانکه میگوید پیشها ماهیت را اصیل  
می پنداشتم تا اینکه از آن برگشتم و باصالت وجود گرایدم ( ص ۴۵ ) این کتاب با  
۲۵ عرشیه در تهران بسال ۱۳۱۵ بچاپ رسیده است .

این نسخه شماره سوم دفتری است که در آن تلخیص المفتاح (از برك ۱ ب تا برك ۱۴۸ ب بخط نسخ درشت تری از موسی بن رضا مشهدی در ۲۹ صفر ۱۱۰۴) و حکمة العین هم نوشته شده است و بخط نسخ است از برك ۱۱۴ ب تا برك ۱۵۱ ب و عنوانها بشنکرف است . ۵

### [۳۵۴] مصارع المصارع (عربی)

امام ابو الفتح محمد بن عبدالکریم شهرستانی (۴۶۷ - ۵۴۸) متکلم شافعی دین شناس و نگارنده کتاب ملل و نحل بسال ۵۲۱ و نهایة الاقدام که در پایان ماه شعبان سال ۵۴۸ در گذشته است کتاب مصارعات را در رد بر فلسفه نوشت و در دیباچه آن میگوید که : « من ملل و نحل را نوشتم و چون همه میگویند که شیخ رمیض هوشمندترین فیلسوف است و نگارشهایش را هر که بخواند هر چه بیشتر بهره مند خواهد شد خواستم از بهترین گفتارهای وی که در الهی شفا و نجات و تعلیقات یافت میشود برگزینم و بیهودگی و یابوه بودن آنها را آشکار سازم » . باز میگوید : « از هفتاد و اند مسئله منطقی و طبیعی و الهی تنها هفت مسئله در این دفتر آورده ام »

۱۵ خواجه طوسی همچنانکه در شرح اشارات خود سخنان فرزند سینا فرزانه ایرانی را از خورده گیرهای امام رازی نگاه داشت در این کتاب که مصارع المصارع نامیدش خواست اعتراضات شهرستانی را که بر شیخ کرده است رد نماید . از سخن شهرستانی چنین برمیآید که وی مصارعات و ملل و نحل را برای بزرگی نوشته است و خواجه میگوید که آن سید مجدالدین علی بن جعفر موسوی نقیب میباشد . فهرست ۷

۲۰ مسئله که در این دفتر آورده شده چنین است :

۱- حصر اقسام وجود .

۲- هستی واجب الوجود .

۳- یگانگی خدا .

۴- دانائی او .

۵- حدوث جهان .

۶- حصر مبادی .

۷- مسئله های دشوار در باره همان .

این کتاب شرحی است بقال و اقوال و متن و شرح از هم جدا است .  
آغاز : بسم الله الحمد الشاکرین والصلوة علی محمد و آله الطاهرین و بعد فان  
لشغفی بالعلوم العقلیة والمعارف الیقینیة کنت اوقات فراغی انظر فی کتب علمائها ...  
فعثرت فی اثناء طلبتی علی کتاب یعرف بالمصارعات للشیخ تاج الدین ابی الفتح محمد بن  
عبد الکرم الشهرستانی - متن : بعد الحمد والصلوة والثناء علی المخدم ابتداء اصغر خدمه  
محمد بن عبد الکرم الشهرستانی یعرض بضاعته المزجاة .

انجام : متن « اولاً جوزتم ان یکون من العقول الانسانیة ما هو عقل بالفعل ...  
هو الافضل فلا یتسلسل یا ایها النبی انا ارسلناک شاهداً ومبشراً ... و صلی الله علی نبیه  
المصطفی محمد و آله الطاهرین » شرح « هذا آخر ما اورده المصارع فی مصارعاته  
والناظر المنصف بحکم باضافة الصرع والانصراع الی من یشیق به ... انه ملهم العقل  
وملقن الصواب منه المبدء والیه المآب والحمد لله رب العالمین .

[۴۳۸]

این نسخه شماره ۱ دفتر است بخط تعلیق خوش و عنوانها بشنگرف ازدانشمند  
۲۶۹ شادروان میرزا یدالله نظر بک کجوری که در سال ۱۳۴۸ در مدرسه ناصری  
تهران نوشته و ۱۶۴ صفحه است و شماره دوم آن شرح رساله اثبات عقل  
طلوسی است ازدوانی . نسخه ای از این کتاب در طوس (ش ۲۶۷ ص ۸۶ ج ۱) هست .  
( ۱۶۴ + ۹ صفحه ) - کاغذ فرنگی - جلد تیهاج سرخ مقوای  
اندازه . ۲۱٫۵ × ۱۹٫۵ و ۱۱ × ۱۷ س ۱۴

۲۰ (عربی)

المضنون

[۳۵۵]

غزالی در « الاربعین فی اصول الدین » میگوید : اگر بخواهید بآنچه درست  
و راست است بی هیچ آلاشی برسید باید بیرخی از نگارشهای ما که بناشایستگان  
نباید نشان داد (بعض کتبنا المضنون بها علی غیر اهله) بنگرید و کسی درخور دیدن  
آنهاست که در علمهای ظاهری سرآمد و رهبر بوده و از دنیا در گذرد و حق را بخواهد  
و هوشمند و زیرک باشد (ص ۲۸ چاپ مصر ۱۳۲۸) از این سخن پیداست که مضنون  
۲۵ یکی و دو تانیستند . او در همین اربعین و جواهر القرآن و قسطاس مستقیم و مشکاة الانوار هم



برخی از رایهای نهانی خویش را آورد ولی دو کتاب بدین نام از او دانسته شده و چند بار بچاپ رسید یکی المصنوع الكبير که در چهاررکن است (خدا - فرشته - اعجاز - رستاخیز) دیگری المصنوع الصغير که ۱۹ پرسش و پاسخ است در روانشناسی عرفانی و «الاجوبة الغزالية في المسائل الاخرية» نیز نامیده میشود. غزالی در پایان مضمون کبیر گوید: امید است که از این پس «المصنوع به علی اهل» نیز بنویسم که بهتر از این خواهد بود زیرا در این چیزهائی گفته ایم که در دیگر کتابها هم هست و چیزهائیکه جز در آن نیست و من خواسته ام در آن سخنانی بیاورم که در جائی نباشد مگر همان اشاره ها که در احیاء شده است (۱). ما نا این کتاب را غزالی در پایان زندگی میان ۴۹۵ و ۵۰۵ نگاشته است (متون ماسینیون ص ۹۳).

- ۱۰ - هر دو مضمون در کنار انسان کامل جیلی در مصر سال ۱۳۱۶ ج ۲ ص ۵۵ و ۸۹ بچاپ رسید و نسخه ای از کبیر بنام رسالة الارکان بشماره ۲۶۳۴ و از صغير بشماره ۳۴/۴۶ در مجلس هست (ج ۲ ص ۴۰۱). ابن رشد در تهافت التهافت (چاپ بونیو ص ۱۱۷ و ۲۴۵) میگوید که غزالی در مشکاة الانوار و جز آن در خداشناسی از فیلسوفان پیروی نمود. ابن طفیل در حلی بن یقظان از دورای آشکار و نهان غزالی و کتابهای مضمون یاد کرد ولی محیی الدین در مسامره میگوید که مضمون و منهاج العابدین از شیخ ابی الحسن علی بن خلیل سیتی عارف است از اینجا است که سبکی در سر گذشت غزالی (ج ۴ ص ۱۳۱) گفته ابن صلاح را میآورد که «المصنوع به علی غیر اهل» را ساختند و بغزالی بستند چه در آن خدا قدیم و نا آگاه از جزئیات و بی صفت دانسته شده با اینکه غزالی چنین سخنان را کفر میدانند. ابوبکر محمد بن عبدالله مالقی م ۷۵۰ ردی بر مضمون نوشته است (نیز بنگرید به: شرح احیاء زبیدی ج ۱ ص ۴۴ و کشف المظنون ج ۲ ص ۴۵۱ و ۵۲۲) طرطوشی و مازری و ابن سبعین غزالی را صوفی و فیثاغورسی و خواننده اخوان صفا گفته اند (متون ماسینیون ص ۱۳۰ و زبیدی ج ۱ ص ۹ - ۲۸) ابن تیمیه در رد منطقیان (۱۰۳ و ۹۵ و ۵۴۴) میگوید که غزالی در «الکتاب المظنون بها علی غیر اهلها» از ابن سینا پیروی نموده سخنان فیلسوفان صابشی را برنک اسلام در آورده و در آن گنجانده. همود نقض المنطق ص ۵۳ - ۵۵ گفته که گرچه گروهی «المصنوع به علی غیر اهل» را از او ندانستند ولی آگاهان میدانند که از او است و مانند سخنان دیگر او. ابن تیمیه درباره بدایة الهدایه غزالی هم میگوید که عزالدین فقیه آنرا از وی ندانست (ص ۵۴). یکی از خوانندگان رد منطقیان در حاشیه آن مینویسد که من «المصنوع به علی غیر اهل» را خوانده و کفرها در آن دیدم که اهریمن را یارای ساختن آنها نیست و آنرا با «الانسان الکامل» جیلی سوزاندم و از آتش آن نانی پختم و خوردم و از بیماری که دچار بودم رهمیدم چه با این کار یکیش اسلام کمک کردم (ص ۱۰۳ و ۱۹۵) هاشم از همه آنچه گذشت پیداست که غزالی را بقیه حاشیه در صفحه بعد
- ۲۰
- ۳۰

این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط تعلیق گ ۵۲ الف و ب و چنین است :  
 ۴۰۲ « رای الحکمان الدار الجنة الجسمانية بواطن الافلاك وقال الغزالي فی المضمون  
 اللذة المحسوسة الموعدة فی الجنات من اكل و شرب يجب التصديق بها -  
 ولاندرك بالفهم البشري و انما تدرك فی مقعد صدق عند مليک مقتدر . »  
 از رکن چهارم مضمون کبیر در اینکه باید بخوشی های حسی باور نمود برابر با  
 آنچه در گوهر مراد فصل ۱۰ آمده است .

[۳۵۶] المظاهر الالهية فی العلوم الکمالیه (عربی)

نگارشی است از صدرای شیرازی در یک دیباچه و دو فن و یک خاتمه که در آن  
 آغاز و انجام را بروش فلسفی آمیخته با آیات و اخبار شناساند . این رساله در کنار ۱۰  
 مبدء و معاد شیرازی در تهران بسال ۱۳۱۴ بچاپ رسید .

این نسخه شماره ۱۴ دفتر است و بخط نسخ محمد مؤمن در تاریخ ۱۰۹۴  
 ۱۰۳۰ گ ۱۱۹ ب - ۱۵۸ ب .

بقیه حاشیه از صفحه قبل

مضمونی بوده و بگواهی نگارشهای دیگر وی هیچ دور نیست که او را دو گونه رای نهانی  
 و آشکارا باشد چنانکه صدرای شیرازی در مبدء و معاد ص ۷-۲۹۵ میگوید : غزالی در آغاز  
 کار برای نگاهداشت دین یا از ترس ظاهریان، فیلسوفان را بدکیش خواند و تهاقت نوشت  
 مگر اینکه در نهان چنین نمایانیشید چه او در فیصل التفرقة بین الاسلام و الزندقة ( ص ۶۳  
 الجواهر النوالی من رسائل الغزالی چاپ مصر ۱۳۴۳ ) میگوید که برای گفته های پیامبر اگر  
 هستی پنداری هم بگوئیم بسنده است و در شمار گرایندگان بدین خواهیم بود . در بیشتر جاها  
 از فیلسوفان پیروی نمود و میگوید که احمد حنبل بعقلیات آشنا نبود و گرفتار تشبیه شد  
 و اشعری و معتزلی هم از اینگونه سخنان نادرست دارند . در رکن ۴ فصل لذت محسوس بهشت  
 مضمون کبیر نیز غزالی چنین گفته و شیرازی باره های از سخنان او را در همانجا ص ۱۲-۳۱۱  
 آورد ( برابر ص ۵-۸۴ ج ۲ انسان کامل ) فیاض لاهیجی در فصل ۷ و ۹ و ۱۰ باب ۴ مقاله  
 ۲۵ سوم گوهر مراد باره هایی از مضمون کبیر را آورد ( کنار ج ۲ انسان کامل ص ۷۹-۸۱-۸۴  
 و ص ۸۴ تا ص ۵ ص ۸۶ برابر آنچه که در نسخه ماهست و در مبدء و معاد شیرازی هم  
 آمد ) باز بنگرید بکفتار منتگمیری وات W. M. Watt در باره صحت استناد نگارشهای  
 منسوب بغزالی در مجله آسیایی هایبونی سال ۱۹۵۲ بخش ۲۱ .

## المعاد (کتاب ...)

(عربی)

نگارشی است از شیخ رئیس با دیباچه و فهرست در ۱۶ فصل که به « کتاب حال المعاد » و « احوال النفس » نیز خوانده میشود و شیخ آنرا برای دوستی (ملک مجدالدوله و درری) درباره روان و ماندن آن پس از جدائی از تن و درباره رستخیز نوشت. نخست از شناخت روان و نیروها و کردارهای آن سپس از پایداری آن و از پیامبری و خواب راست و رستخیز و پاداش و کیفر پس از مرگ گفتگو نمود در بیان میگوید: من تنها رازهای نهفته روانشناسی را در اینجا آوردم و بدانچه در گوشه دفترهای نهانی بوده است رهنمودم و بر خوانندگان روانیست که این دفتر را بکسانیکه شایستگی دریافت رمزها ندارند و بیدکاران نشان دهند و خدا را در این باره داور خویش ساختم. بگفته قنواتی ش ۷۷ و ۲۰۱ بیشتر این رساله از نجات است (۱). آغاز: قال الشيخ الرئيس ابوعلی بن عبدالله بن سینا البخاری جزاء الله خیرا: الحمد لله اهل کل حمد ... فیه رساله عملتها باسم بعض الخلفاء من الاخوان مشتملة علی منح مایودی الیه النهران من امر النفس.

انجام: ثم حرمت علی جمیع من یقرأها من الاخوان (ان یبدلها) لنفس شريرة او معاندة او بطلعها علیها او یضعها فی غیر موضعها و جعلت الله خصمه عنی وهو (المستول) التوفیق ان ینعم به والحق ان یرد الیه وله الحمد علی کل حال و صلوته علی المصطفین من عباده و خصوصاً علی صاحب شریعتنا محمد و آله المقتدین وهو حسینا ونعم - تم کتاب حال المعاد.

[۴۲۱]

این نسخه شماره ۹ دفتر است گ ۵۷ ب - ۷۶ الف. چهار نسخه ش ۷۰۳ تا ۷۰۶ در طوس هست.

۸۶۱

[۴۴۲]

این نسخه شماره ۷ دفتر و بخط تعلیق و بیاضی میباشد گ ۱۶۲ ب - ۱۳۸ الف. رساله در این نسخه عبارت « فات عرض فی بعض الاوقات ملال و کلال فذلک

۱۰۳۷

۱- نیز نگاه به: بیهقی ۴۶ و ۱۸۸ و خرجی ج ۲ ص ۱۹۵ که از کتاب المعاد یاد کرده اند. قنواتی در ش ۷۷ مینویسد که دکتر اهوانی بچاپ این کتاب می بردازد.

۲۵



لاستعانة العقل بالخيال المستعمل الالة التي تكل ولا تخدم العقل » برابر با ۱۸ ک ۶۶  
الف نسخه ۸۶۱/۹ در فصل ۷ پایان میباید و برگهای میانه هم با هم نمی پیوندند و گویا  
افتادگی دارد .

(عربی)

## المعارف الالهيه

[۳۵۸]

- پیرزاده محمد رفیع شاگرد ملا رجبعلی تبریزی م ۱۰۶۵ دیری نزد استاد  
شبهانه روز بسربرد تا اینکه او پیرشد و دیگر نمی توانست چیزی بنویسد و بشاگرد  
دستور داد تا در طبعی والهی نگارشی سازد او بدین کار پرداخت و پاره ای را نوشت  
و باو نشان داد. استاد آنرا پسندید و المعارف الالهیه نامید . بخش یکم آن دارای  
دیباچه ای است در منطق و مقدمات حکمت و سه مقاله ( امور عام و خدا - کلی  
و جزئی - علمتها و معلول) بخش دوم در گوهرها و عرضها است که نوشت. او در اینجا ۱۰  
هستی را اعتباری نمیداند.

- آغاز : بسمله و به نقتی الحمد لله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة ...  
الذی انحصرت الاوصاف عن کنه معرفته ... فبقول ... پیرزاده محمد رفیع انی لما  
وقفنی الله تعالی لخدمته ... مولانا رجبعلی قدس الله سبحانه روحه و سره .  
انجام : ولما استوفینا الکلام فی الجزء الاول من المعارف الالهیه ... فیجب ۱۵  
لذا ان تتکلم فی الجزء الثانی منها وهو الاعراض ثم الجوهر انشاء الله تعالی .

[۴۴۳]

- این نسخه شماره ۱ دفتر است و بخط تعلیق خوش باعنوانها در متن و هامش  
بشنکرف از ابوصالح حسینی مشهدی در مدرسه فخریه سیاهان بسال ۱۰۹۸  
۲۹۰ گ ۱ ب - ۱۴۷ .

۲۰

(عربی)

## معراج (ومحاله ...)

[۳۵۹]

امام فخرالدین تبرستانی رازی در این نگارش از معراج گفتگو کرد و در پنج  
فصل با نظمی بسیار نیکو مسئله را طرح نمود و دلیلهای دودسته را آورد و خود  
بمعراج جسمانی گرائید و دلیلهای و گواهیها و حکمتها و سودهای فراوانی برای چنین

معراجی یاد نمود و گاهی شعر پارسی بر زبان راند (۱).

آغاز : باب فی المعراج و فیہ فصول. الفصل الاول فی بیان امکانه. اعلم ان المعراج له مرتبتان معراج من مكة الى بيت المقدس ومعراج من بيت المقدس الى السموات. **انجام :** لان المعنى ان ما هو المطلوب الاصلی يحصل فی الصلوة والمطلوب الاصلی هو القرب من الله تعالى .

[۴۴۴]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۱ دفتر است و بخط شکسته تعلیق با عنوانهای شنکرف ص ۸۱-۸۸

[۳۶۰] معراج السلاطه و منهاج الکرامه (عربی)

نگارشی است از جمال الدین علی بحرانی (ص ۱۸۰ این فهرست) درباره بود و هستی خداوند و بدرخواست یکی از شناختگان، گفتار یکی از دانشمندان روزگار خویش را در آن روشن میسازد. او هستی را مشترک معنوی و کلی مشکک میداند.

آغاز : اللهم يا وحداني الذات ويا كمال الذات ويا متم الناقصات ... وبعد فقد سألتني بعض الخواص الاخلاص ... ان ابين قول بعض علماء الزمان ... فيما يتعلق بوجود واجب الوجود .

**انجام :** ولم يتسع الحال الى اظهار تلك الاسرار ولا لابرار تلك الانوار وعلى الله قصد السبيل ... ان آمنوا بربكم فامنار بنا فاعفّر لنا ذنوبنا وكفى .

۱- ابن تیمیه در نقض منطق (ص ۵۳) ورد بر منطقیان ص ۵۴۵ میگوید که امام رازی پیروی از ابن سینا و عین القضاة همدانی حدیث معراج را در «تفسیر حدیث المعراج» چنان آورد که در هیچ يك از نگارشهای اسلامی نیامده و آنرا بسیار دراز با نامهای شکفت انگیز و تریبی دیگر یاد نمود - اینگونه که او آورده است ساخته برخی از پرسندگان و کوی کردار یا دسته ای از اندرزگران اهریمن خوی یا گروهی از زندیقان میباشد. تازه رازی چنین حدیث را با سخنان صابیان گمراه و ستاره شناس و فیلسوفان بیامیخت و رازی میدانست که نباید آنرا بهر کس گفت. دانشمندان از این نگارش در شکفت شدند و برخی آنرا از رازی ندانستند تا اینکه دیگران نسخه خطی یکی از بزرگان آشنای برازی را بدانها نشان داد. او این تفسیر را در «المطالب العالیه» که سخنان متکلمان و فیلسوفان را در آن آورد گنجانید.

۱۰۲۲ این نسخه شماره ۳ دفتر است و بخط نسخ آملی نزدیک ۷۶۱ گ ۸۵ الف - ۹۰ ب

[۳۶۱]

معراجچنانچه

(فارسی)

- شیخ رئیس هنگامیکه نزد علاءالدوله میرفت درباره معراج باهم گفتگو میکردند و این رساله را بدستور او در خواست دوستان نوشت و در دیباچه در سه جا از وی بعبارت (خدمت عالی علائی - ذات شریف علاءالدوله - مجلس عالی) یاد نمود. شیخ داستان معراج را بروش فلسفی حل نموده و این سخنان را بدومی سپرد و میدانده که با آشکار ساختن آن برای او، آزاری نخواهد دید. او نخست بروش فیلسوفان از پیامبری سخن رانده سپس بمعراج می پردازد و آشکارا آنرا روحانی و عقلی میداند (گ ۸۸ ب) نه جسمانی حسی و دلیل برای آن می آورد. آنگاه ۱۰ رمزهای آنرا تفسیر بیاطن میکند و دستور میدهد که از نادانان دریغ دارند و گوهر زیربای خوگان نریزند پس از این خبر معراج را از گفته پیامبر بند ببند می آورد و تاویل میکند در پایان نیز میگوید که «روانست این کلمات را بجاهل و عامی دادن»
- آغاز: سپاس خداوند زمین و آسمان را، ستایش دهنده جانرا ... بهر وقت عزیزی از دوستان ما در معنی معراج سئوالها میکرد و شرح آن بر طریق معقول ۱۵ میخواست و من بحکم خطر محترم میبودم چون درینوقت بخدمت عالی علائی رسیدم اینمعنی بر وعرضه کردم موافق افتاد و اجازت داد در آن خوض گردد.
- انجام: که برخورداری ازین جز عاقلانرا نیست برمز این کلمات حقیقی. ایزد تعالی توفیق راست گفتن و راست دانستن ارزانی دارد. تم
- این رساله در چاپخانه عروۃ الوثقی در رشت بسال ۱۳۱۲ خ بچاپ رسید و با ۲۰ نسخه ما اندك اختلاف دارد.

سید داماد درصراط مستقیم این رساله را از شیخ دانسته و عبارتی را آورد (ش ۲۷۹/۱ گ ۴ الف) که در ص ۱۵ چاپی دیده میشود. قنوائی در ش ۲۸۵ از آن یاد نمود و شکی که ریو Rieu در بودن آن از شیخ کرده و علاءالدوله را مرشد دینی پنداشته آورد. بیتهقی و خزرجی بادی از این رساله نکردند. تنها چلبی در کشف الظنون



از آن یاد نمود. دو نسخه ش ۱۰۱۳ که کهنه است و ش ۱۰۱۴ در طوس هست (ج ۴ ص ۲۴۸).

[۴۴۶]

این نسخه شماره ۱۹ دفتر است و بخط تعلیق حیدر کرکی نزدیک ۱۰۷۶ با  
 ۲۵۳ عنوانهای شنگرف و خبر معراج بقارسی و بشنگرف توشته شده گ ۱۱۵ ب -  
 ۱۲۹ ب .

[۴۴۷]

۸۶۱ این نسخه شماره ۱۱ دفتر است و بخط نسخ نزدیک ۱۲۸۳ گ ۸۳ ب - ۹۴ الف .

[۳۶۲]

معلقات تقویم الایمان (عربی)

میرداماد بر تقویم الایمان یا تصحیحات و تقویمات خود تعلیقهای بدین نام نوشت  
 ۱۰ و این را در دیباچه همین معلقات آشکارا گفت . در ذریعه ( ج ۴ ص ۳۶۴ ) میگوید  
 که داماد دیباچه ای بنام مقدمه تقویم الایمان و شرحی نیز بر آن مقدمه نگاشته است .  
 در این معلقات بندهائی از دیباچه تا عبارت ( فی حدیث افتراق الامة ) از آغاز مقدمه  
 کتاب تقویم الایمان را آورده و روشن ساخت سپس بانیات امامت علی (ع) پرداخت  
 و بیشتر کتاب در همین است . در آن از صراط مستقیم ( گ ۷ ب ) و خلاصة الملکوت  
 ۱۵ ( ۶۷ ب ) و تعالیق فقهی او ( ۱۰۲ الف ) و صحف حکمی او ( ۶۷ الف و ۸۶ ب )  
 و کره و ارسطوانه ارشمیدس و درة التاج شیرازی و از مؤید الدین عرضی ( ۸۴ ) و از  
 سالم السماء مهندس کاشانی ( ۸۵ الف و ۸۶ الف ) در جائیکه خبری میآورد و تحقیق  
 ریاضی میکند یاد میشود .

آغاز : بسمله والاستیفاء من العزیز العلیم والثقة بالعلی العظیم الحمد لله  
 ۲۰ رب العالمین . . . و بعد فاخلوا الحقيقة هذه معلقات علی کتاب تقویم الایمان وهو کتاب  
 التصحیحات والتقویمات الذی فیہ تسویة الفلسفة الایمانیة و تقویم الحکمة الایمانیة  
 و تتمیم المعرفة البرهانیة فی الشطر الربوبی .

[۴۸۸]

این نسخه از برك ۳ تا برك ۱۰۴ الف این دفتر و شماره دوم آن است و شماره  
 ۳۷۲ یکم آن تقویم الایمان میباشد و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف و حاشیهائی  
 از میرداماد در هاشم هست که به ( منه دام ظلّه العالی ) یا ( منه قدس سره ) پایان

میابد و میرساند که در روزگار او و پس از او نوشته شده است .  
نسخه بانجام نمیرسد و پایان آنچه که هست این است : بثلث من غیر توسط احد  
واستحسنه شیخنا الشہید از « تنبیه ماخطب اقوام من العلماء الجمهوریۃ یرون هذه الانوار  
ویروون هذه الاخبار »

- ۵ نسخه ای از این درطوس ( ج ۱ ش ۱۱۰ ص ۳۷ ) هست . سید احمد عاملی بر تقویم  
الایمان شرحی نوشت که دو نسخه درطوس ( ج ۱ ش ۲۲۲ و ۲۲۳ ص ۹-۶۸ ) هست .  
[۳۶۳] المفید للمستفید (فارسی)

این کتاب فلسفی که از روی تمهانسرخه کتابخانه سلطنتی در تهران بسال ۱۳۱۰  
خ در چاپخانه ارمغان بچاپ رسید از باباافضل کاشانی دانسته شد .

- ۱۰ [۴۴۹]

این نسخه در ص ۳۱۶ دفتر است و چنین است آغاز و انجام آن : « هومن  
۱۰۳۵ امام محمد غزالی . باب دوم از کتاب مفید المستفید در شناختن جسم و جان  
باید دانست ... الا آن بود که صیاد را چون دام نماند صید نتواند کرد  
جز آنکه صید کرده است » برابر با ص ۲۷ تا ص ۶ ص ۲۸ چاپی . سپس نویسنده  
میافزاید : « ومثالهای دیگر هست باختصار گراید » پیداست که نویسنده نسخه ( نزدیک  
۱۵ ۱۰۹۷ ) این کتاب را از غزالی میدانست .

[۳۶۴-۳۷۲] مقالات اسکندر (عربی)

اسکندر افرویدی دمشقی (زاده در افرویدیسیاس که شهرست در کاری)  
فیلسوف سده دوم و آغاز سده سوم از بهترین شارحان ارسطو میباشد و شاگرد  
هرمینوس و اریستوکلس بود . او با جبالینوس ( ۱۳۱ - ۲۱۰ ) گفتگوها داشت  
۲۰ و در انجمنی که بنیاد گذارده بود بمردم فلسفه میآموخت .

بسیاری از نگارشهای او بتازی در آمد و خزرجی ( ج ۱ ص ۶۹ ) چهل ونه  
کتاب از او نام میبرد . (۱) از او ۹ گفتار در این کتابخانه هست که اکنون یاد میگردد :

- ۱ - این ندیم ۱۵ گفتار و قطعی ۱۱ گفتار از اسکندر یاد کردند و در دفتر ش ۷۹۴  
۲۵ اسکوریال نزدیک به ۱۷ گفتار او هست و بدوی در ارسطو عند العرب ده گفتار او را بچاپ  
رساند و بسیاری از نسخه ها که اکنون هست در فهرست خزرجی نیامده است ( ص ۵۱ - ۶۱  
دیاچه بدوی ) در جنک شماره ۲۹۱۲ سپه سالار شماره های ۱ و ۳ و ۴ و ۵ و ۷ و ۸ این کتابخانه  
و ۵ مقاله در اینکه اعداد اوائل اشیاء است و اینکه انسان گرامی ترین چیزی است که نیروی  
خدائی جسم آنرا هستی می بخشد و اینکه هیولی جز جسم است و در باره جسم مکنون و در باره  
۳۰ صوت دیده میشود .

# ۱- مقالة فی اثبات الصور الروحانية التي لاهيولي لها .

اسکندر در این گفتار که ابو عثمان دمشقی آنرا بتازی در آورد روشن میسازد که با بازگشت بخود و از روی خود آگاهی میتوان پی بتجرد روان برد و صورتهای بی هیولی را با این دلیل ثابت میکند . عبارت « کل من راجع الی ذاته فهو روحانی » آغاز را صدرای شیرازی در مبدء و معاد خود ص ۲۰۸ باید برهان حضوری مباحث شیخ برای تجرد نفس دانست و آنرا گفته ارسطو در کتاب نفس پنداشت . اسکندر در اینجا از برهان « کل عاقل مجرد و کل مجرد عاقل » گفتگو میکند و نامی از ارسطو در آن نمیبرد و مانا از افلاطون بیشتر پیروی نموده است (دیباچه بدوی ص ۵۴) .

۱۰ آغاز : قال الاسکندر ان کل مارجع الی ذاته فهو روحانی غیر جرمی ولا یمكن شی من الجرمة ان یرجع الی ذاته .

انجام : وهی صور فقط ایس فیها شیء من الهیولی . تمت مقالة الاسکندر الافرو دبیسی فی اثبات الصور الروحانية التي لاهيولي لها والحمد لله علی ذلك .

[۴۵۰]

این نسخه شماره ۷ دفتر است و بخط تعلیق از روی نسخه تاریخ ۱۲۶۶ ص ۱-۴ این گفتار در ارسطو عند العرب ص ۲-۲۹۱ بچاپ رسید و نسخه آن در اسکوریال ۷۹۴/۹ هست (دیباچه بدوی ص ۵۶) و خزرچی ص ۷۱ ج ۱ از آن یاد نمود و در همه اینها چنین نامیده شده است : « مقالة فی اثبات الصور الروحانية التي لاهيولي لها »

## ۲- مقالة فی تثبیت العلة الاولى .

۲۰ اسکندر در این گفتار روشن ساخت که نخستین علت یگانه و یکتا است .

آغاز : بسملة . قول استخرجه الاسکندر من کتاب انولوجیساء الربوبية فی تثبیت العلة الاولى . قال ان کل کثرة الواحد موجود فیها لامحالة .

انجام : فقد استبان الان وصح ان العلة الاولى هی واحدة فقط وان سائر الاشياء بما هی واحدة من اجل . . . (دو کلمه بریده شده) لامن ذاتها لانها فی ذاتها کثيرة . کمل القول . تمت بعون الله تعالی . ۲۵



۳۳۹ این نسخه شماره ۲۹ دفتر است و بخط تعلیق گ ۸۶ الف .

خزرجی در پایان ص ۷۰ ج ۱ از «مقالة فیما استخراجہ من کتاب ارسطوطاليس الذی یدعی بالرومیة ثولوجیا و معناه الکلام فی توحید الله تعالی» یاد نمود و در نسخه ش ۷۹۴/۲۲ اسکوریال «کتاب فی التوحید» آمده و چنین گفتار را هم ژرارد کریمونی بلاتینی نمود که آنرا دوبخش میتوان کرد و از اسکندرو کندی هردو دانسته شده (نسخه ش ۶۴۷۳ لاتینی پاریس و ش Angelica H lo n . II دررم - ص ۵۸ دیباچه بدوی) باید دید که نسخه ما همان است یا نه .

۳- مقالة فی الزمان .

خزرجی (ج ۱ ص ۷۰) از این گفتار یاد نمود و ژرارد کریمونا آنرا بلاتینی ۱۰ درآورد (۱) .

آغاز : بسمله و حمد و صلوة ( دو سطر سفید است ) قال انه کما ان العسرة من اقابیل من خلفنا من المكان هو قول من زعم انه ذو ثلاثة ابعاد فکذلك العسرة المل (؟) هو قول من زعم فی الزمان انه لیس الفلک ولا حرکته ولا علة حرکة الفلک .  
انجام : فاما فی نفسه فهو واحد دائم متصل علی حال واحدة - تمت مقالة ۱۵ الاسکندر فی الزمان بحمد الله وعونه و صلوته علی محمد و آله و سلام .

این نسخه شماره ۲ دفتر و بخط عباس حکمت با مقابله جناب آقای مشکوة بتاريخ ۱۳۱۶/۲/۸ خ در رویه برگها - گ ۱ الف - ۲۵ الف - نسخه ای ۴۲۵ از این در اسکوریال ۷۹۴/۱۹ هست .  
( همه دفتر ۱۲۱ ص ) - کاغذ فرنگی - جلد مقوا با کعبه ای قرمز منقش ۲۰  
اندازه : هر ۱۶×۱۰ و ۱۴×۹ س ۷

۴- مقالة فی العقل علی رای ارسطوطاليس .

۱- دکتر بدوی درس ۵۷ دیباچه ارسطو عند العرب میگوید که بیرونی در «هند» ۲۵ (ترجمه انگلیسی ج ۱ ص ۳۲۰) از آن یاد نمود . ولی در متن تازی آن ص ۱۶۳ سخنی از اسکندر آمده که در این مقاله نیست و یادی از این مقاله هم نمیشود .

- ارسطو در فصل ۵ دفتر ۳ کتاب نفس (بند ۴۳۰ الف س ۱۰-۱۹) از عقل هیولانی و منفعل و فاعل و فعال یاد نمود (۱) و نیز در فصل ۸ دفتر لام الهی از خردهای آسمانها گفتگو نمود. اسکندر کتابی در نفس بنام «بری پسو خس» نگاشته است و بخشی از آن بنام «De intellectu et intellectione» از تازی بنام «فی العقل والمعقول» بلاتینی در آمد. این متن تازی در دسترس آلیمینو نازی و ا. ژیلسون E. Gilson و ابوریده چاپ کنند رسائل کندی نبوده و آنها نتوانستند در باره ریشه مبحث چهار عقل فیلسوفان خاوری درست سخن برانند. اسکندر در این رساله که ترجمه تازی آنرا می‌نگریم و با ترجمه لاتینی نیز تا اندازه‌ای برابر است عقل را سه بخش میکند هیولانی و بالملکه و فعال و ما نامی خواهد سخن ارسطو را تفسیر کند و در اینجا عقل فعال را خارج از نفس و الهی نشان می‌دهد. در این متن هیچ‌یادی از اریستو کلس ۱۰ Aristocles استاد او که Gilson از روی ترجمه لاتینی یاد میکند و میگوید که اسکندر بخش‌های سه گانه عقل را از او گرفته است نمی‌شود و همه سخنان او در پیرامون گفتار ارسطو است. شاید کلمه اریستو کلس در ترجمه لاتینی تحریف کلمه (ارسطاطالیس) باشد و مترجمان لاتینی از تازی از اینگونه تحریفها بسیار داشتند. ۱۵
- این ترجمه تازی از اسحق بن حنین است. در این ندیم ص ۳۵۴ کتاب الفصل (۹) علی رای ارسطاطالیس و کتاب النفس مقالة و در خزر جی ج ۱ ص ۷۰ مقالة فی العقل علی رای ارسطوطالیس و نیز کتاب النفس مقالة یاد شد.
- چندین نسخه از این ترجمه تازی در تهران هست در دفتر شماره ۲۹۱۲ کتابخانه ۲۰ مدرسه سپهسالار (بر کهای ۱۷۹-۱۸۱) که نسخه کاملی است و از آن پیدا است که
- 
- ۱ - دیده شود: ترجمه فرانسوی تریکو از این کتاب نفس ص ۱۸۱ چاپ پاریس سال ۱۹۴۳ و ترجمه تازی آن از اهوانی و قنوانی ص ۱۱۲ چاپ مصر سال ۱۹۴۹ و دیباچه ابوریده بر رساله (عقل کندی) در رسائل فلسفی کندی چاپ مصر سال ۱۹۵۰ ص ۷-۲۳۴ که این بند را از یونانی بتازی در آورد و ترجمه پارسی بابا فضل کاشی از ترجمه گزیده حنین بن اسحاق از کتاب نفس ارسطو چاپ تهران سال ۱۳۱۶ خ ص ۵۵.
- ۲۵

دو نسخه‌ها از میان افتاده دارد دیگر در دفتر شماره  $\frac{۶۴۴۸}{۹۰۱۴}$  کتابخانه مجلس شورای ملی تهران (ج ۲ فهرست آنجا ص ۳۹۶) ۳- در دفتر شماره ۱۳۶۷ (رساله ۱۰) همان کتابخانه از کتابهای بخشیده آقای طباطبائی. در طوس هم نسخه بشماره ۱۰۲۴ (ج ۴ ص ۲۵۲) هست. چنانکه عبدالرحمن بدوی در دیباچه ارسطو عندالعرب؟! ص ۵۷ دیباچه می‌نویسد در کتابخانه اسکوریال اندلس (فهرست کاسیری Casiri ۲۴۲:۱) در دفتر شماره ۷۹۴/۱۳ رساله‌ای بنام (مقالة فی العقل علی رای ارسطو طاليس میباشد که اسحق بن حنین آنرا ترجمه کرد و تعلیقی ای هم خود بر آن نوشت.

صدرالدین شیرازی این رساله اسکندر را بهمان اندازه‌ای که در نسخه‌ها هست در اسفار خویش در فصل ۲۴ طرف ۱ مرحله ۱۰ (ج ۱ چاپ ۱۲۲۲ ایران ۱۱ برک مانده بیابان) آورد (۱).

سخن در این است که دانشمندان خاوری از کجا ببخشهای چهارگانه عقل پی بردند باینکه اسکندر سه بخش بیشتر نیارود. اگر بسخن ارسطو درست بنگریم خواهیم دید که ریشه سخنان آنها همان گفته او است و این فیلسوف در همان بند یادشده از کتاب نفس گرچه بکوتاهی پرداخت ولی شالوده این بخشهای چهارگانه را ریخته است.

۱- کندی بغدادی در رساله عقل خویش آنرا برخلاف اسکندر چهار گونه دانست. قارابی در رساله عقل نیز آنرا بچهار بخش نمود. شیخ رئیس در نفس شفا (فصل ۵ و ۶ مقاله ۵ ص ۳۵۶-۳۶۱ چاپ تهران) و در فصل ۲ رساله نفس عربی (برکهای ۱۴۹-۱۵۲ نسخه شماره ۱۰۳۷ دانشگاه) و در مبدء و معاد (فصل ۴ مقاله ۳ در برک ۴۶ نسخه شماره ۸۶۱ دانشگاه) و در اشارات نمط ۳ بند ۱۱ که در آن مانند اثبات النبوه ۴ عقل را بایه نور تاویل نمود و در نجات ص ۱۶۸-۱۹۳ نیز از بخشهای عقل گفتگو نمود و از سخنان او چنین برمیآید که اگر نفس چیز را در نیابد عقل هیولانی و اگر معقولات نخستین را بداند عقل بلکه و اگر معقولات دوم را دریابد و بدان ننگرد عقل بفعل و اگر بدانها بنگرد مستفاد نامیده میشود و عقل فعال آنست که آنرا از قوت بفعل رسانند.

۲۰ ابن رشد اندلسی در کتاب نفس (ص ۷۹-۸۶ چاپ هند بسال ۱۳۶۶) بعقل مستفاد اسکندر اشاره کرده از درجات عقل یاد نمود و همچنین در کتاب حس و محسوس خود. متن عربی عقل و معقول ابن رشد در اسکوریال بشماره ۸۷۹ هست (لطفی جمه ص ۱۵۰). ابوالفرج بن الطیب در رساله کوتاه خود (نسخه شماره ۲۵۳ این کتابخانه برک ۱۰۲ ب) هم از بخشهای عقل یاد نموده است.



آغاز : مقالة الاسكندر الافريدوسي في العقل على رأي الحكيم ارسطوطاليس  
ترجمه اسحق بن حنين . العقل عند ارسطوطاليس على ثلاثة اضرب .  
انجام : ولا يكتسب لانه كذلك كان لمأصافينا . تمت المقالة بعون الله وحسن  
توفيقه والحمد لله رب العالمين ( ۱ ) .

[ ۴۵۳ ]

این نسخه شماره ۹ دفتري است که دارای ۲۲ رساله میباشد و بخط نستعلیق ریز  
از برك ۸۰ (ب) تا برك ۸۱ (ب) میباشد و بخط حیدر بن علی بن اسمعیل بخت  
عبدالمالی هاشمی کرکی عاملی که این دفتر را بسال ۱۰۷۵ و ۱۰۷۶ نوشته  
است :

[ ۴۵۴ ]

این نسخه شماره ۲۰ دفتر است و درگ ۷۵ نوشته شده و بخط شکسته تعلیق  
است  
نسخه ای از این گفتار در اسکوریال ( ش ۷۹۴/۱۳ - دیباچه ارسطو عند العرب  
ص ۵۷ ) و مجلس ( ش ۶۳۴/۸ ) هست .

۵- مقالة فی ان القوة الواحدة يمكن ان يكون قابلة للاضداد .

در این گفتار که ابی عثمان دمشقی آن را ترجمه نمود در ای ارسطو در این که یک نیرو  
چند ضد را شاید بپذیرد روشن میگردد .

آغاز بسمله . مقالة الاسكندر في ان القوة الواحدة يمكن ان يكون قابلة  
للاضداد جميعا على رأي ارسطو . قال الاسكندر ان ارسطو ذكر في كتابه في الكون  
والفساد ان القوة الواحدة يمكن ان يكون قابلة للاضداد جميعا . فتريد ان تلخص  
قوله ونبينه ونوضحه فقول .

انجام : وصح ان القوة القابلة للاضداد ليست متضادة لانها يمكن ان يكون

۱- چنانکه یاد شد هر دو نسخه این کتابخانه از میان افتاده دارد و در نسخه سپهسالار  
نزدیک بدو صفحه از قطع بزرگ می بینیم که در این دو نسخه نیست و این افتادگی در بحث از  
عقل سوم میان دو عبارت (والمعلوم النی بالفعل انما هو) و (فی الكل وهذا العقل امان يكون  
هو وحده) میباشد . شکفت اینست که این افتادگی در نسخه چاپ شده در اسفار هم هست .

[۴۵۵]

- این نسخه شماره ۳ دفتر است و بخط تعلیق نونویس از روی نسخه تاریخ ۳۸۴ ۱۲۶۶ ص ۱-۲- بدوی، این گفتار را در ارسطو عند العرب ص ۵-۲۸۴ بچاپ رساند و نسخه آن در اسکوریال ش ۷۹۴/۱۶ هست (ص ۵۷ دیباچه بدوی) ۵
- و خزرچی نیز در ص ۸ از پائین ص ۷۰ ج ۱ از آن یاد نمود .
- ۶- مقاله فی الماده والعدم والممكن .
- در این گفتار از پیدایش چیزها گفتگو میشود .

آغاز : بسم الله . مقالة الاسكندر في الماده والعدم والكون وحل مسألة اناس من القدماء ابطالوا بها الكون من كتاب ارسطاطاليس في سمع الكيان . قال ان الحكيم ۱۰

ذكر في كتابه المسمى السماع الطبيعي في آخر المقالة الاولى ان اناسا من القدماء ابطالوا الكون لشك اتوبه : وهوان قالوا ان كل متكون اما ان يكون من شيء واما ان يكون من لا شيء .

- انجام : فقد استبان وظهر كيف يكون الممكن وای شيء الهیولی و ای شيء (الكون) وان الكون يكون منها اضطرار اعلى ما قاله الحكيم . تمت بعون الله تعالى . ۱۵

[۴۵۶]

این نسخه شماره ۲۷ دفتر و بخط تعلیق گ ۸۴ الف و ب میباشد . خزرچی از همین گفتار یاد نمود ( ج ۱ ص ۷۰ س از پائین ) و نسخه آن در اسکوریال ش ۷۹۴/۱۱ هست .

- ۷- مقالة في القول في المبادئ الكل على رأى ارسطوطاليس . ۲۰
- این گفتار را یکبار حنین بن اسحق از یونانی بسریانی و ابراهیم بن عبدالله ترسای نویسنده تیمه نخستین سده چهارم از سریانی بتازی درآورد و آن از روی نسخه تاریخ ۸۵۵ از روی خط توما در ارسطو عند العرب بچاپ رسید . باره دیگر سعید بن یعقوب دمشقی گزیده ای از آن را بتازی کرد و بگواهی دو نسخه ها آنرا ۲۵
- پایان نرساند .

اسکندر در این گفتار از جنبش و تعقل سخن میراند و روشن میسازد که دانا

ودانسته یکی هستند (ص ۲۶۹ چاپی) و در پایان از نظم و خداوند جهان و علت اختلاف رایها یاد میکند در چند جا سخنان خویش را گرفته از ارسطو نشان میدهد.

[۴۵۷]

این نسخه شماره ۱۰ دفتر است و بخط تعلیق کرکی گ ۸۲ ب - ۸۶ الف

۲۵۳ و چنین است :

«قال لما تأملت الفحص الذي مخرجه مخرج التوبيخ الجميل وقعت من التوبيخ اللطيف الموقع مني على الفحص الكائن عما كتب اليك فيما التمسته مني و انت بمعرفة ما سئلت عنه من ذلك ليس بدون احد من الناس لم اتكاسل عن اظهار اعتقادي فيها لك عند مسئلتك اياي ذلك و مثلت القول في المبادئ الاول على رأي ارسطو ليس - والا فقد يجوز ان يكون حركة المحرك التي يتحرك بها المتحرك حركة اذلية فاما اى صنف من اصناف حركة يتحرك عنه الجسم المستدير ولم صارت اختيارات اصناف حركة الجسم المستدير فهل لتلك الاجسام بالجملة اختيارات تام او معرفة بالاشياء التي يتكون في المواضع التي دون القمر بسبب حر كتهام لا فالا فاول التي يمكن ان يقال في هذه الاشياء كثيرة، هذا آخر ما وجد (من) هذه المقالة من نقل سعيد بن يعقوب الدمشقي. والحمد لله رب العالمين وصلى الله على نبيه محمد وآله اجمعين تم»

۱۵ برابر با ص ۱۸ ص ۲۶۰ چاپی. این نسخه ترجمه ابو عثمان سعيد بن يعقوب دمشقي است که از مترجمان خوب بغداد بود و بیمارستانهای بغداد و مکه مدینه را بسال ۳۰۲ در دست داشت و چندین کتاب پزشکی و فلسفی و منطقی ترجمه کرد (ارسطو عند العرب دیباچه ص ۵۲ - خزر جی ج ۱ ص ۲۳۴) نسخه ای از این ترجمه در مجلس (ش  $\frac{7249}{9014}$  ص ۳۹۶ ج ۲) و طوس (ش ۱۰۲۸ ص ۲۵۴ ج ۴) هست و نسخه اسکوریال ش ۷۹۴/۱۲ را پیدا نیست کی ۲۰ ترجمه کرده است (بدوی دیباچه ص ۵۷).

[۴۵۸]

این نسخه نیز ترجمه سعيد است و شماره ۲۱ دفتر و بخط تعلیق شکسته گ ۷۵ ب ۷۸ الف و مانند شماره بالا و عنوان آن چنین است : «مقالة الاسكندر الافروديسي في القول في مبادئ الكل بحسب رأي ارسطو طاليس الفيلسوف» .

۳۳۹

[۴۵۹]

۲۵

این نسخه ترجمه ابراهیم است بخط تعلیق تازه و در رویه ۳۸ برگ نوشته شده و چنین آغاز میشود : « اني لما تأملت الفحص الذي مخرجه مخرج التوبيخ الجميل عن الاشياء التي كنت كُنت اليك جوابا عما سألت اذ كانت معرفتك بصعوبة الامر»

۴۳۴



برابر با آغاز چاپ بدوی ص ۲۵۳ و بدین عبارت « وهذا هو السبب في بقائها وثباتها و لزومها للموضع الذي يخصصها وان من الاشياء التي فيها ما هو فاعل » برابر با ص ۸ ص ۲۷۴ چاپی میانجامد و نزدیک به چهار صفحه آنرا ندارد. عنوان آن مانند بالا است.

( ۴۸ ) - کاغذ فرنگی - جلد : با شماره ۲۲؛ یکجا تازه جلد شده .

اندازه : ۱۸ × ۲۲ و ۱۶ × ۱۶ س ۹

۸- مقالة في ان النشوء والنماء يكوonan في الصورة لافي الهيولى .

اسکندر در این گفتار که ابی عثمان دمشقی بتازی در آورد خرده گیری را که از ارسطو کرده اند رد میکند و روشن میسازد که صورت میروید و می بالذ نه هیولی .

آغاز : قال الاسكندر ان ارسطوطاليس ذكر في كتاب الكون والفساد ان النشو والنما يكوonan في الصورة لافي الهيولى .

انجام : فقد اتضح قول الفيلسوف ان النشو يكوون في الصورة لافي العنصر تمت المقالة بعون الله تعالى وحسبنا الله ونعم الوكيل [ ۴۶۰ ]

این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط تعلیق نو نویس از روی نسخه تاریخ ۱۵ ۳۸۴ نوشته شده ص ۱-۲- نسخه ای از آن در اسکوریال ۷۹۴/۱۰ و چهار نسخه از ترجمه لاتینی آن در پاریس و کامبریج هست (دیاچه بدوی ص ۵۶) .

۹- مقالة في الهيولى وانها معلولة ومفعولة .

در این نگارش روشن میشود که هیولی علت نیست و معلول است .

آغاز : قال الاسكندر ان كل كائن بالقوة انما يكوون بالفعل من آخره هو بالفعل .  
انجام : واستبان ان الهيولى الاولى معلولة مفعولة فانها قابلة للصور بالا حركه [ ۴۶۱ ]

این نسخه شماره ۱۳ دفتر است و بخط تعلیق گک ۶۹ ب. نسخه ای از این

۳۳۹ در اسکوریال ش ۱۵ ۷۹۴ هست (بدوی، دیاچه ص ۵۷) و خزرچی (ج ۱

ص ۷۰ س ۲۵) هم از آن یاد نمود و عنوان آن در ایندوچین است : « مقالة في الهيولى وانها معلولة مفعولة » ولی در نسخه ها عنوان چنین است : « مقالة الاسكندر الافريدوسي في الهيولى وانها مفعولة »

(عربی)

مقالات سگزى

[۳۷۳-۳۷۵]

از ابوسليمان محمد بن طاهر فرزند بهرام سگزى (۱) فيلسوف منطقى سده چهارم سه گفتار در اين كتابخانه هست .

۱- مقالة فى ان الاجرام العلوية ذوات النفس الناطقة .

سگزى در اين گفتار روشن مىسازد كه چرمهاى آسمانى جاندار و زنده اند .

آغاز : بسملة وبه نستعين . لما كان كل جسم طبيعى له حركة ذاتية نحو شىء

يخصه دون غيره واعنى بقولى طبيعى ما له سبب من ذاته يحركه نحو الشىء الخاص به .

انجام : ورجع فى معرفة ذلك الى علم الهيئة وبحكم عليها بحسب ما حكمت

به الارصاد الصحيحة . قال ابوسليمان هذا ما حضر لى من القول فى هذا المعنى بحسب

۱۰ قوتى وارجوان يكون ينفعنا انشاء الله تعالى وتقديس . تمت المقالة .

[۴۶۲]

۲۵۳ اين نسخه شماره ۱۱ دفتر است بخط تعليق كركى گ ۸۶ ب - ۸۸ الف .

۲- مقالة فى الكمال الخاص بنوع الانسان .

اين گفتار را سگزى براى عضد الدوله ديلمى درباره كمال ويژه مردمى نگاشته

۱۵ و در پايان ازوى نام برد . در آن از يعقوبيان و نسطوريان و ملكثيان و غالبيان و حلوليان

وصوفيان و ثنويان و متكلمان و فيلسوفان ياد ميشود .

آغاز : مقالة ابى سليمان محمد بن طاهر بن بهرام السجزي فى الكمال الخاص

بنوع الانسان . ولما كان الغرض فى هذه الرسالة الابانة عن الكمال الخاص بنوع

الانسان ووصف الشخص الذى ظهر فيه جدا منبع ذلك الكمال من هذا الزمان لىتمين

مولانا الملك ادام الله دولته وعلوه وايد سلطانه واحتج فى ذلك .

[۴۶۳]

۲۰

اين نسخه شماره ۱۶ دفتر است و بخط تعليق كركى ع ۱۶ سال ۱۰۷۶ گ ۹۷ ب

۲۵۳ ۱۰۲ الف . پايان آن در گ ۱۰۱ ب چنين است : « فبين الحق من المبطل آمنة

من ان ( ينظر ) احد على احد بلسان المعصية فى الاديان فالحمد لله الذى احطانا

۱ - براى سرگذشت سگزى بنگريد به رساله شادروان قزوينى چاپ فرانسه در ۱۳۵۲

۲۵ كه ده گفتار از سگزى در ص ۶۷ و ۲۸ برشمرده . نيز ش ۱۰۲ ص ۲۵۲ ج ۴ فهرست طوس

و ش ۱۰۶۳ ص ۳۹۶ ج ۲ فهرست مجلس .

بما جرم به سوانامن عاير» درگ ۱۰۲ الف هفت سطر دارد و چنین است: «إذا أخذت في الوهم مجردة ... فهذا ما عندی فیما سئلت و آثرت معرفته من حق وارجو ان يكون كافيا انشا الله تعالى و تقدس و الحمد لله و اهب العقل و الصلوة ... الطاهرین ، ثم » رابطه صفحات می رساند که چند برگی باید افتاده باشد و گویا این عبارت اخیر پایانت گفتار سگری است آغاز آن در نسخه ش ۶۳۴/۱۲ مجلس (ص ۳۹۶ ج ۲) چنین است: «الحمد لله ۵ فائق صبح ظلمة العدم بضياء وجود الوجود» .

### ۳- مقالة في المحرك الاول .

سگری در آن از نخستین جنباننده از رهگذر طبیعی و الهی سخن راند .  
آغاز: بسم الله و به نستعين . ان اولی البحوث عن المحرك الاول ما ارتبط الکلام فی النظر الطبیعی فیہ بالنظر فیما بعد الطبیعیه

انجام: ولم يكن المحرك الاول الذي هو الشايق في المحيط و هذا المقدار من الکلام کاف فیما اردنا بیانه . تمت المقالة و الحمد لله رب العالمین تم (تمت بعونه تعالی) ۱۰ سگری در آن از مقاله دوم سماع طبیعی ارسطو عبارتی آورد و نیز گفته است که پیشینیان سخن درباره ذاتها و حالها را با مقایس و دستور هائی که درستی آنها را روشن می سازند بیامیختند ولی ارسطو مقیاس و دستور و قانون را که معقول و مطنون و مطبوع و موضوع را فرا گیرد از مواد فلسفی جدا کرد و فلسفه منطقی آورد که سخنان برهانی و جدلی و جز ایندورا که در تحقیق و تصدیق نیاز بدانها هست فرامی گیرد. ۱۵

[۴۶۴]

این نسخه شماره ۱۲ دفتر است و بخط تعلیق کرکی گ ۸۸ ب - ۹۰ الف  
نسخه ای از این در مجلس (ش ۶۳۴/۱۱ ص ۳۹۶ ج ۲) هست .

۲۵۳

### [۴۶۵]

۲۰

این نسخه شماره ۲۲ دفتر است و بخط شکسته تعلیق گ ۷۸ الف - ۷۹ الف

۳۳۹

[۳۷۶] مقالة في الآثار المتخيلة في الجو (عربی)

ابن الخمار ابو الخير حسن بن سوار بن بابا بن بهنام یا بهرام فیلسوف ایرانی (۳۳۱ - میان ۴۰۸ و ۴۲۱) در این گفتار از هاله و قوس و قزح و قضبان و شمس و مانند اینها کاوش نموده و روشن کرد که از بخار دخانی نیستند بلکه از بخار آبی و خیال ۲۵



بصری صرف هستند چنانکه ارسطو و سقولاوس و اولوهو و وروس (۴) یاد کرده اند. گرچه اسکندر آنها را امری موجود پنداشت. میگوید نام هاله دریونانی و سریانی از گرد گرفته شده است. السوس یونانی و حو عرسه بحما بسریانی (از ثا و فرسطس نیز یاد میکند) در پایان کتاب نوید میدهد که در فصل دوم نص سخن ارسطورا از سریانی به عربی ترجمه کرده بیاورد و چنین کاری را نکرد. خزرچی ازوی «مقالة فی الانار المخیلة فی الجو الحادثة عن البخار المائی وهی الهالة والقوس والضباب علی طریق المسألة والجواب» یاد میکند ولی این رساله بروش پرسش و پاسخ نیست.

آغاز: بسمله وبه نستعین - ابو الخیر حسن سوار. اما کانت جمیع الامور الاتی لها علل مبادی انما یعرف حسا و علی ما یجب بعد العلم بمبادیها و عللها و کانت الهالة وقوس قزح والانار الاتی یظهر من الجو کالقضبان والشموس.

انجام: فهذا مبلغ ما نقوله فی هذا الفصل من هذه المقالة ونحن نورد بعد ذلك فی الفصل الثانی منها نص کلام ارسطاطالیس بعد ان ننقل من اللغة السریانیة الی اللغة العربیة نقلا یتوخی به تادیة المعنی وحفظه یعون الله وحسن توفیقه ومشیته. والحمد لله رب العالمین وصلوته علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین. تم.

[۴۶۶]

۱۵

این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط تعلیق با عنوانهای شنکرف از کرکی بسالهای ۱۰۷۵ و ۱۰۷۶ می باشد گ ۲ ب - ۱۳ ب. در مجلس نسخه ای از این شماره ۲۵۳ ۶۳۴/۱۸ (ج ۲ ص ۳۹۷) هست.

[۳۷۷] هلاکته (و ماله الله)

(عربی)

این رساله از شیخ رئیس می باشد و در باره فرشتگان نگاشته و نیایش مانند است. ۲۰  
آغاز: الحمد لله الذی انشائورامحجوبا الاح له جلیته قبل کل شیء.  
انجام: ان الله هو الجبار ذو البأس والرحمة من الله غیره فقد سه و کبره و توکل علیه واستسالم له استسلاما.

این نسخه شماره ۹ دفتر است و بخط تعلیق و در پایان دارد: «تمت الرسالة فی منتصف محرم لسنة ...» ص ۲۱-۲۳ - قناتی در ش ۲۰۳ این رساله را شناساند.

- ۵ (عربی) ملخص [۳۷۸]  
 کتابی است در منطق بروش متأخران و فلسفه آمیخته از طبیعی و الهی بروش متکلمان از ابن الخطیب امام فخرالدین ابو عبدالله محمد بن عمر بن الحسین تبرستانی رازی حکیم متکلم اشعری شافعی (۵۴۴ - ۶۰۶) که از هوشمندان و زیرکان دانشمندان خاور بشمار است وی در تشکیک و جدال سرآمد روزگار خود بود تا اندازه که گفته اند اوشبهه را نقد میآورد ولی در حل آن بنسبه میپردازد و مانند او در تشکیک کسی نیامده و در بیشتر اصول مسلم فلسفی شک کرده و فیلسوفان دیگر مانند خواجه طوسی و میرداماد و صدرای شیرازی بناسخ شبهات اومی پرداختند. قطب رازی در شرح مطالع بسیاری از شکوک او که در همین ملخص و در محصل آمده پاسخ داده است و از بهترین نوشته های فلسفی وی (المباحث المشرقیه) است و صدرای شیرازی در نگارش اسفار از آن بسیار بهره برد.
- ۱۵ در این ملخص بسیاری از شکوکی که قطب رازی از وی دانست دیده میشود مانند: قضیه که محمول آن مشتق یا فعل است ثلاثی میباشد و نیازی بر رابطه ندارد (برک ۱۷ الف این نسخه) - سالبه دائم عکس ندارد (برک ۳) - قیاس منتج نیست (۴۱-۴۲-۶۲) - مبادی برهان مخدوش هستند (۶۲ تا ۶۴) که همه اینها در شرح مطالع آمده و از ملخص دانسته شد.
- ۲۰ فخر رازی در این کتاب از (نهایه) خود (۶۴ ب) و «المعتبر» ابی البرکات بغدادی م ۵۴۷ (الف) یاد میکند و میگوید شبهات درباره مبادی برهان را در (نهایه) با طناب آورده ایم و پاسخ گفته ایم و باز میگوید اینها شبهات سوفسطائیان است. در پایان منطق نوید نوشتن کتاب مفصلی در آن میدهد. در منطق از مباحث الفاظ آغاز میکند و بکلیات میرسد سپس بخش دوم جمله ۱ که مقاصد باشد میآید
- ۲۵

و آن حد و رسم است و در اینجا از شك مانن Menon یاد می کند و آن را در تصدیق حل پذیر میداند ولی در تصور راه حلی برای آن نمی بیند سپس شکهای بتعریف میکنند و جمله ۲ آن سه باب است ( قضایا - قیاس - برهان ) در اینجا هم بمنطق ارسطو بسیار میتازد و شکهایی که درباره مبادی برهان در پایان منطق ملخص و آغاز ۵ محصل آورده تازگی دارد . بخش حکمت ملخص چند دفتر است ( امور عامه - جواهر و اعراض و نفس ... ) و شبیهاتی هم می آورد . ( ۱ )

[ ۴۶۸ ]

این نسخه دارای همه ملخص نیست و آغاز و انجام را ندارد و آنچه در آن هست بدینگونه است : ۲۵۶

آغاز : فهو محال لان الغرض من اطلاق الالفاظ افهام المعانی فاذا لم يحصل ذلك لم یکن اللفظ مفیداً . الثالث مباحث المفرد والمؤلف .  
انجام : ثم لا یخلو اما ان یمکن مطلوب الفلك من حرکته افادة الکمال واستفادته والاول باطل لان المستند به لتلك الاولویة ( دلیل هفتم در اثبات عقل از فن ۳ در عقل در دنبال مباحث نفس ) خط نسخه نسخ و کهنه و بی نقطه است و منطق آن از ۱ الف تا ۶۴ ب و فلسفه از ۶۵ الف تا ۲۴۷ ب است . ۱۵  
( ۲۴۷ برك ) کاغذ ترمه سمرقندی - جلد مقوا نه میشن  
الدازه : ۱۴×۱۸ و ۱۱×۱۵ س ۲۵

۱ - از ملخص نسخه ای شماره ۸۲۷ در کتابخانه مجلس شورای ملی تهران ( از کتابهای

طباطبائی ) هست و برو کلن در تاریخ و فهرست خویش ( ج ۱ تاریخ ۱۱۷۰ و ج ۱ بیوست ۹۲۳ ) مینویسد که نسخه هایی از آن در موزه بریتانیا و برلین و لیدن و بودلیان اکسفورد ۲۰ و اسلامبول و دیگر جاها هست .

دبیران قزوینی ۶۷۵ بر ملخص شرحی کلان نوشته و منصف نامید و این شرح را اندک اندک نگاشته و باز بدان تگریسته و با کیزه اش ساخت و در دوشنبه ۲۸ شعبان سال ۶۷۱ بیابان رساند و بوزیر شمس الدین محمد جوینی ارمغان داد و نسخه ای از منصف که ۱۸ سال پس از مرگ دبیران در آدینه یکم ج ۲ سال ۶۹۳ نوشته شده در کتابخانه آستانه طوس هست ۲۵ ( فهرست آنجا ج ۴ ص ۲۶۰ شماره ۱۰۴۱ و فهرست مدرسه فاضلیه ص ۲۵ ج ۴۷ ) و برو کلن میگوید که منصف در لیدن و دیگر جاها هست ( همانجا ) و نسخه ای از آن شماره ۸۵۶ در مجلس ( کتابهای طباطبائی ) هست . نجم الدین محمد بن اللبودی دمشقی ( م ۶۲۱ ) ملخص را اختصار و شرح کرد و ابهری بر آن حاشیه نوشت . فخر رازی کتاب دیگری دارد ۳۰ بنام ( المنطق الکبیر ) که در ملخص بدان اشاره نمود و بگفته برو کلن نسخه ای از آن در برلین هست .



[۳۷۹] المناظر الحکیمه (عربی)

از محمد حسین بن محمد صالح بن محمد حسین اقرجلو است و در سه باب (جسم طبیعی و تعلیمی - معقولات (منطق) - الهی) و اندکی از منطق و الهی را آورده با بحثهای کلامی پیامیخت.

- آغاز: بسم الله الحمد لله الذي خلقنا وهدانا سواء الطريق بحكمته .  
انجام: فكلها عندنا ثابت اللهم ثبت اقدامنا في الدين . . . وافض حاجتنا برحمتك يا ارحم الراحمين .

[۴۶۹]

۳۱۳ این نسخه بخط نسخ با عنوانهای شنکرف میباشد .

(۶۳ ۶۴) - کاغذ فرنگی آبی - جلد نیمج منکی

اندازه: ۱۰×۱۶ و ۱۷×۱۴ س ۱۶

[۳۸۰] نامه ابن سینا به ابن زیلا (عربی)

- این نامه همان پاسخی است که شیخ بمبهنی داده و در ص ۱۷۶ ش ۱۱ این فهرست شناسانده شده و در این نسخه و در نسخه های دیگر آمده که شیخ آنرا باین زیلای مجوسی شاگرد خود نوشت (قنوائی ش ۲۶۰-۲۶۶-۲۶۸) دراینکه شیخ ۱۵ نامه ای بمبهنی نگاشته است شکمی نیست و گویاهمین را در پاسخ ابن زیلا هم نوشته باشد. چنانکه در بسیاری از کتابهای خود عبارات کتابهای دیگر خویش را آورده است (۱).

- آغاز: نسخه کتاب کتبه الشیخ جوابا للشیخ ابی منصور بن الحسین بن محمد بن عمر زیله. وصل کتاب الشیخ منبئا بجميع صنع الله لديه وسبوغ نعمة عليه .

انجام: واساله ان تقر بنی الیه انه سميع مجيب . والسلام علی من اتبع الهدی

[۴۷۰]

این نسخه شماره ۱۹ دفتر است و بخط تعلیق محمدعلی نزدیک سال ۱۳۰۱

۸۷۱ گ ۱۵۴ الف - ۵۶ الف .

- ۱- گواشن خاورشناس میگوید که بیشتر الهی و بسیاری از کتاب نفس نجات از ۲۵ شفا گرفته شده است (ش ۲۳ قنوائی) .

[۳۸۱] نامه ابن مینا به کاشانی (عربی)

این نامه دوستانه را شیخ بابو جعفر کاشانی نوشته است. قنواتی در ش ۲۶۷ و ۲۷۰ آغاز آنرا چنین یاد نمود: «ایها الباز الاشهب بل القرم المصعب بل الطود الاکهب اکل من جالس فی الایوان و تصدر فی الدیوان» شیخ نامه دیگر دوستانه ای هم ۵ بابن طاهر بن حسول نوشته است (قنواتی ش ۲۶۲ و ۲۷۰).

آغاز: رسالة للشيخ ابي علي الى بعض اصدقائه. اكل من ينشيء للسلطان ويتصدر في الديوان يتكبر على الاخوان.

انجام: بل اهش من طلعة النيروز. قل بلي ولا تقل نعم. مل الى الطبع يا ابن عم. كن من الناس لا النعم. دمت في العز والنعم.

[۴۷۱]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۳۱ دفتر است و بخط تعلیق ص ۲۶۲

[۳۸۲] نامه جالینوس و همیچ (عربی)

یهیقی در مشارب التجارب (بگفته خزر جی) می نویسد که جالینوس (۱۳۱- ۲۱۰) در سر پیری یکیش عیسا گرائید و خود چون ناتوان بود خواهرزاده خویش ۱۵ پولس را نزد او فرستاد و بوزش خواست و پولس نیز یکی از حواریان گشت. او در تتمه ص ۳۰ همین را از ابوالفرج بن الطیب آورد و نامه ابرایاد کرد که جالینوس در آن نوشته که از ناتوانی نتوانستم نزد تو بیایم یکی از خویشانم را فرستادم تاخوی و رفتار پیامبران بدو بیاموزی. عیسی پولس را پذیرفت و خود که خواننده و نویسنده بود در پاسخ او نوشت که تندرست نیازی پزشک ندارد جز برای نگاهداشت خویش ۲۰ و جانها با دوری تنها از یکدیگر دور نخواهند بود. این جز نامه نسخه ما است. پس ابوالفرج پزشک ترساکه خود را از خاندان پولس میدانست و دوست میداشت هم از دودمان دانشمندی مانند جالینوس و هم پیامبری مانند عیسا باشد این نامه

ساختگی را آورده و دیگران از او گرفته‌اند (۱) و نامه نسخه ما نیز ساختگی است  
 آغاز : يا طبيب النفوس المريضة بداء الجهالة ... فهل الى وصول من سبيل ...  
 (پاسخ عیسی) یا من شرفك الله بالاستعدادات العقلية .  
 انجام : فان مجرد العقل غير كاف في الهداية الى الصراط المستقيم .

[۴۷۲]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۴۸ دفتر است و بخط تعلیق نزدیک ۱۱۰۱ ص ۴۲۲

[۴۷۳]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۳۵ دفتر است و بخط تعلیق ص ۲۷۰

[۲۸۳] نامه طوسی بابری (فارسی)

- ۱۰ خواجه طوسی هنگامیکه بعراق رفته بود برای اثیرالدین ابهری نامه ای نوشت و در آن پس از ستایش بسیاری از وی سه چیز پرسید : چگونه از يك چیز چندین چیزها پیدامیشود - زمان و جنبش چه بستگی بهم دارند - مراکز دایره‌ای که حامل مرکز دایره دیگر باشد چه خواصی دارد و جنبش وضعی یگنواخت در برابر امتناع خرق و التیمام و پیدایش جنبشهای گوناگون از جرهای آسمانی چگونه است ؟
- ۱۵ نخستین الهی و دوم طبیعی و سوم ریاضی میباشد و پرسش او ۲ را طوسی از خسروشاهی نیز کرده و او پاسخ نداد و گویا ابهری نیز پاسخی نداده باشد و صدرای شیرازی و احمد عاملی بدانها پاسخ داده‌اند (ص ۱۷۹ و ۱۸۹ این فهرست) .
- آغاز :

هرچند ز روزگار بیدادیه‌ها است

- ۲۰ یارب که مرا از تو چه بیدادیه‌ها است

۱ - نگاه به : خزرچی ج ۱ ص ۷۱ - ۷۷ که درباره تاریخ زاد و مرگ جالینوس بسرا سخن راند و جالبه آنکه او از موسی و عیسی در نگارشهای خویش یاد نمود آورد ( ص ۷۷ ) - فقطی در سرگذشت جالینوس - اشکوری در محبوب القلوب ص ۵۰ گفتار خزرچی و بیهقی و در ص ۱۰۶ و ۱۰۷ دو نامه نسخه ما را آورد - ابن عبری ص ۱۲۲ از روی نگارشهای جالینوس روشن نمود که او دیری پس از عیسا میزیست .



بی زحمت امید و غم وصل و فراق

این بس که ز دیدار توام شادیا است

جناب همایون و ذات میمون مخدوم معظم ملک علماء العالم اثیر الملة والدين  
قطب الاسلام والمسلمين ... که مقصد آمال افاضل و مطلع انوار قضائل است همیشه  
بکرامات ذوالجلال ... موصوف باد ... دعاگوی مخلص محمد طوسی خدمت و دعا  
میرساند .

انجام : اگر رای همایون بافادت این نکت تفضل فرماید از آن وفور لطف  
(از الطاف او) عجب نباشد زحمت از حد در گذشت هم مکارم اخلاق عالیہ (مولوی)  
عذرخواه (تواند) بود والدعا (کما مضی) .

[۴۷۴]

این نسخه شماره ۲۱ دفتر و بخط تعلیق محمدعلی میباشد گ ۱۵۹ الف -  
۱۶۱ الف .

۸۷۱

[۴۷۵]

این نسخه شماره ۹ دفتر است و بخط تعلیق ص ۱۰۴-۱۰۵ - دو نسخه در برخی  
جاها یکنواخت نیستند .

۱۰۳۵

[۳۸۴] فاضله میبدی بمیر عبدالوهاب (فارسی)

قاضی میر حسین میبدی یزدی (۹۱۱۴) بمیر عبدالوهاب نامه ای نگاشته و در آن  
گفته که مرا ببهانه اینکه درباره خدا میولی گفته ام کافر خواندند باینکه من پیروی  
از اشراقیان و خواجه طوسی جسم را آمیخته از هیولی و صورت ندانسته و آنرا  
بسیط میدانم پس بهیولائی نمیگویم تا خدا را هیولی بدانم . او در اینجا از محیی الدین  
و شبستری و شریف گبرگانی سخنانی میآورد و یادی از هستی مطلق و وحدت  
وجود میکند .

آغاز : ( ایضا نامه که بحضرت میر عبدالوهاب نوشته است ) . شعر

گر من از سر زتش مدعیان اندیشم

شیوه مردی و رندی نرود از پیشم

۲۵

زهدرندان نو آموخته راهی بدهی است

من که بد نام جهانم چه صلاح اندیشم  
شنیده‌ام که عزیزی در مقام تکفیر من است و از من نقل کرده که اطلاق هیولی  
بر حضرت حق ... کرده‌ام و حقیقت حال آنکه من بترکب جسم از هیولی و صورت  
قائل نیستم .

**انجام :** وجه خوب فرموده مولانا نظام‌الدین نیشابوری در تفسیر و اداسالک  
عبادی عنی فانی قریب ... مع ان التعبير عن بعض ذلك یوجب شذوذاً للجهال ، ولنختم  
بالصلوة علی سید المرسلین و آله اجمعین .

[۲۷۶]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۹۶ دفتر است و بخط تعلیق من ۴۵۱-۴۵۲

[۳۸۵-۳۹۰] نامه‌های کاشانی (فارسی)

از بابا افضل کاشانی شش نامه بجامانده است که اینک یاد می‌گردد (۱) :  
۱- نامه ای که بشاگرد خود خواجه شمس‌الدین (۲) هجدالاسلام محمد  
درواگوش که باهم نامه نگاری داشتند می‌نویسد .

آغاز : آثار آفرینی که از جانب مجلس اسموی صدری شمس‌الدین مجدالاسلامی  
لازال اسمہ بداعی مخلص رسید و میرسد همان باضعاف آن سوی او بار می‌گردد .  
**انجام :** و آن (این) بوار مطلق بود و هلاک جاوید (جاودان) عصمتک الله وایانا ....  
انه ولی الخیرات و مفیض السعادات .

[۴۷۷]

۴۲۸ این نسخه شماره ۳ دفتر و بخط تعلیق تاریخ ۱۰۸۳ گ ۱۴ ب - ۱۶ ب

۱- آقای سعید نقیسی در دیباچه رباعیات از پنج نامه یاد نمود (بجز سومی) و گفت که  
در دفتر شماره  $\frac{123}{941}$  کتابخانه مجلس نسخه آنها هست در جنک ش ۲۹۱۲ سپهسالار (گ ۱۴۱)  
و پس از آن دو نامه دیده میشود .  
۲- کویاشمس‌الدین سپاهانی همدم خواجه باشد (فهرست طوس ج ۲ شماره ۸ مسلسل ۳۳۵)

[۴۷۸]

این نسخه شماره ۱۲ دفتر و بخط تعلیق محمدعلی بشاریخ ۱۳۰۲ گ ۱۵۳ ب - ۴۳۱ ۱۵۷ ب .

۲- نامه فیلسوفانه دیگر در پاسخ نوشته دروا گوش که در آن از « فتوح هشت در  
یا مدارج الکمال » و « ره انجام نامه » پارسی یاد میکند و عنوانهای فتح ۴ و ۵ و ۶ و ۷  
عتن تازی مدارج را میآورد .

آغاز : کلماتیکه از اقلام مبارک آن خلاصه اخیار عصر و نوباوه بوستان  
خرد و نور دیده ارباب حقیقت شمس الدین . . برسید .  
انجام : تا برجاده که از ازل سوی ابد است مستقیم گردد و الذین جاهدوا فینا...  
۱۰ و ان الله ل مع المحسنین والسلام علی من اتبع الهدی و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین .  
نسخه ای از آن در طوس ش ۹ ( ج ۲ ص ۳۳ ) هست .

[۴۷۹]

این نسخه شماره ۷ دفتر گ ۲۶ الف - ۲۹ ب ۴۲۸

[۴۸۰]

این نسخه شماره ۱۴ دفتر و بخط محمدعلی بسال ۱۰۳۲ گ ۱۶۳ ب - ۱۶۸ ب ۴۳۱

۳- نامه عارفانه دیگر بشمس الدین ضیاء الاسلام ( دروا گوش ) که در آن از  
مخدوم مذهب الدین یاد میکند و رساله « جامعه » که برای همین شمس الدین فرستاده  
بود میخواهد برای وی پس بفرستد و میگوید : « بند این مباحث که بیانش رسانی  
چه آن سخن سر نیاید » و توید میدهد که نسخه « زجر النفس » برای او بفرستد  
تا آنرا بخواند . ۲۰

آغاز : بسمله رب العزة تعالی جده و تقدست اسمائه آگاهست از مکنون  
دل و ضمیر درون خادم که در باره احوال و اقوال مجلس اسمی شمس الدین ضیاء الاسلامی  
بر چه صفت نیکوخواه و فضیلت جوی میباشد .

انجام : بیشتر اوقات قواعد سعادات دو جهانی ممهذب و اساس روشن دلی مؤید



نسخه‌ای ازین درش ۱۲ (ج ۲ ص ۳۳۵) و ش ۷۲۹ (ج ۴) فهرست طوس شناسانده شده.

[۴۸۱]

این نسخه شماره ۱۷ دفتر و بخط تعلیق محمدعلی بسال ۱۳۰۲ گ ۱۷۹  
الف - ۱۸۰ ب میباشد .

۴۳۱

۵- نامه‌ای فیلسوفانه‌ای که در پاسخ نوشته دوستی نگاشته .  
آغاز : دل عزیز و نفس شریفست مستعد و آراسته نظر الهی و انوار نامتناهی باد .  
انجام : و برخواننده و نویسنده و بال و حجت بگرداناد به محمد و آله ...  
و نعم النصیر - نسخه‌ای ازین در طوس ش ۱۱ (ج ۲ ص ۳۳۵) هست .

[۴۸۲]

۱۰- این نسخه شماره ۶ دفتر است گ ۲۱ الف - ۲۶ الف .

۴۲۸

[۴۸۳]

این نسخه شماره ۱۵ دفتر و در گ ۱۶۹ الف - ۱۷۶ ب میباشد .

۴۳۱

۵- نامه فیلسوفانه در پاسخ نوشته صاحب سعید صدر الصدور وزیر مجدالدین  
محمد عبدالله که در شصت سالگی نگاشته است .

۱۵- آغاز : صباح و مساء مجلس عالی صاحبی صدری کبیر ... تاج الوزرائی  
صدر الصدوری ... مجدالدین ... الطاف ازل و سعادت ابدی را انجمن گاه و  
ارامجای باد .

انجام : جان از خرد شاد دل از هربند آزاد و سیرت مکارم اخلاق را بنیاد  
والسلام علی اهل الکلام و الصلوة علی خاتم الانبیاء و آله الکرام - نسخه‌ای در طوس  
(ش ۸ ص ۳۳۵ ج ۲) هست .

[۴۸۴]

این نسخه شماره ۵ دفتر از گ ۱۷ ب - ۲۱ الف میباشد

۴۲۸

[۴۸۵]

این نسخه شماره ۱۳ دفتر بخط محمدعلی بسال ۱۳۰۲ میباشد ک ۱۵۷ ب -

۴۳۱

۱۶۳ الف .

۶- نامه‌ای در پرسش و دلجوئی از صدر سعید تاج‌الدین محمد نوش آبادی که در آن از « فصول زجر النفس » یاد می‌کند.

آغاز: (مدد تأیید الهی از کار و اندیشه مخدومی منفصل و منقطع مباد و دل روشن در سرا و ضرا از خورسندی و شکیبائی مایه و روا از حوادث جهان کون استجالات نپذیرند و عبرت گیرد. ایزد عز و علا در کل احوال رهنما و نگهدار بمنه و جوده) داعی خدمت و آفرین میرساند بدرون بامجلس اسمی از رنجی و آسیمی که نورسیده است  
انجام: اسباب (این) سعادت (میسر باد) و قاعده بیداری و روشنی مقرر مقصودها حاصل و رنجها زایل و دلها روشن و شکیبیا بر حوادث و مصائب و لله تعالی تسلیما بالاجابة والانابة) والسلام علی اهل السلام و آله الکرام - در نسخه ۴۳۱ از بیدگل و نوشاباد یاد می‌کند که بجای آندود در نسخه ۴۲۸ شهر و سرای آمده نسخه‌ای از آن در طوس ش ۱۰ (ج ۲ ص ۳۳۵) هست.

[۴۸۶]

این نسخه شماره ۴ دفتر است گ ۱۶ ب - ۱۷ ب در آغاز بجای جمله میات دو کمانه این عبارت (بعد از ذکر القاب میگوید) را دارد که از نویسنده نسخه است

[۴۸۷]

این نسخه شماره ۱۶ دفتر است گ ۱۷۶ ب - ۱۷۹ الف.

[۳۹۱]

(فارسی)

نامه نسوی

در این نامه پاسخ ۵ پرسشی است درباره جدائی میان مرك و خواب و خوشی و ناخوشی تن پس از مرك و نرنجیدن هنگام خواب و رنجیدن هنگام مرك و خوش ۲۰ و ناخوش بودن جان نه تن که صفی بن علی الوندکلی از زین الدین نسوی کرده است و پاسخ گرفت (۱).

۱- بند ۳ این نامه در گفتار ۱۰ بابا افضل کاشانی یاد شده و بگفته آقای نفیسی

درد بیاجه رباعیات (ص ۷۶ ش ۱۲) نسخه‌ای از آن در مجلس ش ۲۹۴۱ هست در ص ۳۸۳ ج ۲ فهرست مجلس نام نسوی و وندکلی آمده است (۱۰ ر ۶۲۳).

آغاز : مرحوم سعید ملک القضاة والحکام رکن الدین تاج الاسلام صفی بن علی الوندکلی مکتوبی بخدمت سلطان الحکماء زین الدین النسوی قدس الله روحه نوشته است و آن سئوالها استکشاف کرده و او بخط مبارک هریک را جوابی بخیر فرموده اند و هذه نسختها سئوال مینماید که فرق چیست میان مرک و خواب .

انجام : و چون مرک جوانان به بیماریهای مختلف و آنرا مقاجات خوانند والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب وصلى الله على محمد ... يارب العالمين .

[۴۸۸]

این نسخه در شماره ۸ دفتر است و بخط تعلیق تاریخ ۱ ذی حجه سال ۱۰۸۳

۴۲۸

گ ۳۰ الف - ۳۱ الف .

۱۰ (فارسی) فاهه نسوی [۳۹۲]

این بند نیز از سخنانی است که خواجه زین الدین (قدس الله روحه) در پاسخ نوشته (مرحوم) قاضی صفی درباره دوستی نگاشته است (۱) .

آغاز : هر محبوب که بود در نفس محب باشد و هیچ موصلت قوی تر از آن نیست

انجام : و تفرقت افتد و غایت ضلالت آنست عصمت الله وایانا و جمیع اخوانا

من امثاله بمحمد و آلد و هو اعلم .

۱۵

[۴۸۹]

این نسخه در شماره ۸ دفتر و بخط تعلیق میباشد گ ۲۹ ب

۴۲۸

(فارسی) نبوت (رساله . . . .) [۳۹۳]

این رساله در سه فصل و یک دیباچه است و از شیخ رئیس دانسته شده و باید

پارسی همان اثبات النبوه او باشد (ص ۱۱۲ این فهرست) نسخه هائی از آن در نور

عثمانیه ش ۴۸۹۴ (۲۵۵ قنواتی) و مجلس ش ۶۳۱/۶ (ص ۳۹۲ ج ۲) و ش ۳۱۷

تنکابنی در آنجا و طوس ش ۷۰ (ص ۱۴۵ ج ۴) هست . شیخ در آن مانند متن تازی بروش

فلسفی و باطنی سخن راند و برخی از سخنان او در اینجا مانند است با آنچه در

معراجنامه آمده (ش ۲۵۳/۱۹ و ۸۶۱/۱۱) .

۱- آقای سعید نفیسی در دیباچه رباعیات کاشانی این گفتار را از کاشانی دانست (ص ۲۸ ش ۳۱)

در آنجا بجای صفی حنفی یاد گردید .



آغاز : رسالة للشيخ الرئيس رحمه الله - سپاس میکنم خداوند آسمان وزمین  
وستایش دهنده جان و دین را و درود مریمه بر گزین را محمد مصطفی ... وصیت  
میکنم ترا که این کلمه چند که در تحقیق شرح می رود از اغیار و نامحرم دریغ دارند  
که مدت ها از ظهور این کلمات بحکم خطر محترز میبودم که الاسرار صونها عن الاغیار  
واجب بر حسب آنکه سخن آشنا با مردم بیگانه و وضع اسرار نزدیک جاهل خطا  
بود چنانکه رسول علیه السلام فرمود لا تطرح در فی اقدام الکلاب .

انجام : اما چون عاقلی برسد و بعقل خویش ادراک کند داند که گفته‌ها نبی  
همه رموز است اگنده بمعقول و آنرا غذاء روح خود سازد . والحمد لله بل اکثرهم  
لا یعقلون و صلی الله علی محمد و آله اجمعین .

[۴۹۰]

۱۰

این نسخه شماره ۶ دفتر است و بخط تعلیق شکسته ص ۱۰۰-۱۰۰۲- در کتابخانه  
سپهسالار نسخه ای از رساله نبوت فارسی بشماره ۲۹۱۱ ص ۸۳-۸۴ هست .

۱۰۳۵

(عربی)

نَفَحَاتُ الْهَيَّةِ

[۳۹۴]

قاضی سعید القمی (محمد سعید شریف ۱۰۴۹-۱۱۰۳) در این رساله که بسجع  
نگاشته و مطالبها را با عنوانها نفحه آغاز نمود نخست روشن ساخت که هستی اصیل  
نیست و ماهیت در ذات و در آفرینش اصالت دارد آنگاه آشکار کرد که انسان عقلی  
و نفسی با همه چیزهای دیگر یکی است و کلی بی فرد هستی جدائی ندارد . او آنرا  
بخششی از خدا (نفحات الهی) دانسته و در نوروز و ماه ذی حجه سال ۱۰۸۴ بپایان  
رساند و از روش فصوص فارابی و شواهد ربوبی شیرازی پیروی نمود .

۱۵

آغاز : بسم الله ... بعد الحمد لله و اهاب العلم والعقل ... يقول ... محمد المدعو  
بسعيد الشرف القمي هذه خواطر الهاميه و نوادر ربانيه .

۲۰

انجام : وهو آدم جميع العوالم والعالمين والحمد لله رب العالمين ... هذا آخر  
ما اردنا ايراده في تلك المقالة واتفق الفراغ من اتمامها في يوم النيروز على يد مؤلفها...  
وذلك في شهر ذى الحجة الحرام سنة ۱۰۸۴ .

این نسخه شماره ۱۷ دفتر است و بخط تعلیق باعنوانهای شنگرف که در کمتر ۱۰۳۰ از نیمه روز در نیمه روز آدینه دهم شوال ۱۰۹۴ در مدرسه فیضیه فاطمیه قم نوشته شده گ ۱۶۷ ب - ۱۷۲ الف .

۵ [۳۹۶-۳۹۵] النفس (مختصر کتاب ...) (عربی)

دو رساله بدین نام هست که از روی عنوان باید گزینی از کتاب نفس ارسطو باشد. مانا گزیننده ۷ یا ۸ مسئله مهم روانشناسی فیلسوف را گرفته و درباره آن گفتگو نموده نه اینکه مانند گزیده حنین و ترجمه پارسی کاشانی همه سخنان ارسطو را با اختصار آورده باشد. اینک دورساله :

- ۱- در ۷ گفتار و از روی يك نسخه دیگر در ۸ گفتار است : ( دریافت ۲۰ هر دانسته‌ای چگونه است - روان هست - گوهر است - جان است نه تن - ساده است نه آمیخته - زنده است و نمردنی - دریا بنده و اندیشمند - آسمان و ستارگان جانی زنده و دانا دارند ) .

در کتابخانه مدرسه خان مروی تهران بشماره ۶۲۹ نسخه‌ای از این هست .

- ۱۵ نسخه‌ها یکسان نیستند و برخی در آغاز فهرست دارند . (۱)

آغاز : هذا مختصر من قول الحكيم ارسطوطاليس الفيلسوف في النفس وهو سبعة اقوال (فصول) القول (الفصل) الاول في درك كل معلوم تفسيره ان كل شيء (موجود) اما معلوم (معقول) واما محسوس .

انجام : وكيف يحس الحواس محسوساتها بحجج مضيئة مقنعة .

- ۲۰ ۱- در گفتار پنجم عبارت « كل من راجع الى ذاته فهو روحاني » دیده میشود و در آن از روی خود آگاهی تجرب دروان ثابت میگردد و همان دلیلی است که شیخ در مباحثات از آن یاد نمود و میان او و بهمنیار درباره آن پرسش و پاسخها شده و امام در مباحث مشرقی و شیرازی در اسفار و مبده و معاد آنها را گرد آورده و شیرازی در مبده و معاد ص ۲۰۸ در همین دلیل عبارت بالا را یاد کرد و از کتاب نفس ارسطو دانست و این عبارت در آغاز رساله « اثبات الصور الروحانيه » اسکندر (ش ۴۸۴) و ص ۲۹۱ چاپ بدوی دیده میشود . ۲۵

## [۴۹۲]

این نسخه شماره ۲۸ دفتر و بخط تعلیق گ ۸۵ الف وب میباشد و آغاز و انجام آن نزدیک بشماره ۴۰۲/۴ است با آن عبارتی که افزوده شده .

۳۳۹

## [۴۹۳]

این نسخه شماره ۴ دفتر است و بخط تعلیق گ ۵۳ ب - ۵۴ ب در انجام این نسخه پس از عبارت بالا دارد : « کل جسم قد یسکن و یتحرک لا بصورته فالحرکه اذن (ایضا) غیر ذاتیه فی الجسم فهی اذن غیر معلومه من غیره . تمت الرسالة والحمد لواء العقل » ما نا این عبارت را افزودند و از رساله نباید باشد .

۴۰۲

## [۴۹۴]

این نسخه شماره ۲۱ دفتر ص ۱۸۷-۱۸۸ و چنین است : هو بسمله وبه نستعین کلام ارسطاطاليس لیبان سبعة مطالب فکریة فی النفس الاول فی درک کل معلوم - (و سنخبرک) کیف تعلم النفس الاشياء و کیف فعل و کیف یحس الحواس محسوساتها بحجج مضیئة مقنعة . تم الکلام فی بیان المطالب السبعة فی امر النفس بعون الله الملك المقدس عبارت « و سنخبرک » در دیگر نسخه ها نیست و جمله عطف است بر پیش و به « قد استبان لما ذکرنا » یا بجای آن « فقد اثبتنا بما ذکرنا » می پیوند .

۱۰۳۵

۱۵

## [۴۹۵]

این نسخه شماره ۴ دفتر بخط شکسته تعلیق محمد شریف بن محمد قائمی نزدیک

۱۰۴۶ ۱۰۵۹ گ ۲۷ ب - ۳۸ الف و چنین است : « هو بسمله الحمد لله الذی عصمنا من الضلال ... اما بعد هذا الكتاب مختصر من قول الحكيم ارسطاطاليس رحمه الله

۲۰ فی علم النفس وهو سبعة ابواب : فی ادراك كل معلوم . فی وجود النفس ... اما قوله فی ادراك كل معلوم تفسیره ان كل شیء معلوم اما معقول و اما محسوس - و ليس لها حس الذوق لانها لا یغتنی من شیء عبارت « و انها کیف یعلم النفس الاشياء ... مضیئة مقنعة » را ندارد . پس از این چند سطر هست در شمارش نیروهای جان که با این رساله بستگی ندارد

## [۴۹۶]

این نسخه شماره ۱۲ دفتر و بخط تعلیق گ ۷۵ ب - ۷۶ ب و چنین است آغاز

۱۰۸۸ و انجام آن :

« هذه رسالة لارسطاطاليس فی النفس هذه الرسالة مشتملة على ثمانية فصول الاول فی درک كل معلوم - الفصل الثامن افضل الاجسام الحي والفلك و کواکبه افضل الاجسام فهی اذن حية . . . ولاحس البصر والسمع فقط » تنها در این نسخه هشت گفتار دیده میشود .

۳۰



- ۲- این رساله که آنهم در ۷ گفتار و درازتر و گسترده‌تر از نخستین است و مطالب و برهانهای دیگری در آن هست گرچه عنوانها باهم نزدیکند: (ناشناختنی بودن روان - روان هست - گوهر است - جان است نه تن - ساده نه آمیخته - پایدار و نمردنی - اندیشنده و دریابنده است) در فهرستهای قنواتی ش ۹۶ و مجلس ش ۱۷ و ۶۳۴/۳۴ و طوس ش ۶۶۴ از مختصر کتاب النفس ارسطاطالیس و مقاله ارسطاطالیس فی النفس و موسبعة اقوال یاد شد. نسخه‌های ماهم یکسان نیستند.
- آغاز: مختصر کتاب الفیلسوف ارسطاطالیس و هو سبعة ابواب الباب الاول قال الحکیم ان کل موجود اما ان یدرک بالحواس واما ان یدرک بالوهم.
- انجام: فالنفس اذن مفکرة عاقله اضطرارا کمل ما وضع الفیلسوف فی صفة النفس.
- ۱۰

[۴۹۷]

این نسخه شماره ۸ دفتر و بخط تعلیق کرکی گ ۷۷ ب - ۸۰ الف و عنوان آن مانند بالا است.

۲۵۳

[۴۹۸]

این نسخه شماره ۵ دفتر و بخط تعلیق گ ۵۴ ب - ۵۶ ب و چنین است آغاز آن: « هذا مختصر کتاب عن الفیلسوف ارسطوطالیس و هو سبعة ابواب... »

۴۰۲

[۴۹۹]

این نسخه شماره ۱۰ دفتر و بخط تعلیق محمدعلی گ ۱۳۰ ب - ۱۳۵ ب و چنین است آغاز و انجام آن: « الحمد لله کما هو اهله ... و بعد فهذا مختصر فی النفس لارسطو و بناء علی سبعة ابواب الاول منها ذکر الوجوه التي یدرک منها علم الاشياء ... (فهرست بابها) الباب الاول ذکر الوجوه ... علم الاشياء ان کل موجود اما ان یعلم بحواس واما ان یدرک بوهم - فالنفس اذن مفکرة عاقله اضطرارا و بالله التوفیق ».

۸۷۱

(فارسی)

نقشی

[۳۹۷]

کتاب نفس ارسطو را که در سه دفتر است حنین بن اسحاق (۱۹۴ - ۲۶۴) ۲۵ بسریانی و گزیده ای از آن را بتازی درآورد که بنام « تلخیص کتاب النفس » در اسکوریال بشماره ۶۴۹/۳ عربی هست. اسحاق پسر حنین م ۲۹۸ همه آنرا بتازی

کرد و در ایاصوفیا نسخه‌ای بشماره ۲۴۵۰ هست. بابا افضل کاشانی ترجمه گزیده چنین را پیارسی شیوائی در آورد (۱) که در تهران بسال ۱۳۱۶ خ بچاپ رسید.

[۵۰۰]

این نسخه شماره ۸ دفتر است و بخط تعلیق تاریخ ۱۰۷۹ گ ۶۲ ب - ۸۱ ب ۴۰۲ درطوس دو نسخه از این ترجمه هست (ج ۴ ص ۴۶ ش ۴۰۲ و ۴۰۳).

[۳۹۸] النفس (رسالة في ... ) (عربی)

این رساله از فیلسوف کندی بغدادی است که ابوریده آنرا در جلد ۱ رسائل او در مصر بسال ۱۹۵۰ ص ۸۰-۲۷۲ بچاپ رساند. کندی در اینجا نفس ارسطو را گزین نموده و از سخنان افلاطون و افیقورس در آن آورد و بروش پلاتون نزدیک گشت. ۱۰

آغاز: بسم الله سددك الله لدرك الحق واعانك على نيل مستودعاته.

انجام: ففهم ما كتب به اليك تكن سعيدا اسعدك الله تعالى في دنياك و آخرتك والحمد لله رب العالمين - تم و كمل.

[۵۰۱]

این نسخه شماره ۱۹ دفتر و بخط شکسته تعلیق گ ۷۳ الف - ۷۴ ب میباشد و چنین است عنوان آن: « رسالة ابي يوسف يعقوب بن اسحق الكندي في القول المختصر من كتاب ارسطو وافلاطن وسائر الفلاسفة » بسیاری از غلطها چاپی را با این نسخه میتوان درست نمود نسخه‌ای ازین در طوس ش ۱۰۲۴ (ج ۴ ص ۲۵۲) هست و از پایان کم دارد و میرسد تا به س ۲ ص ۲۷۹ چاپی.

[۳۹۹] ۲۰ النفس (مقالة في ... ) (عربی)

شیخ رئیس این نگارش را بفرمانروای دانش دوست امیر نوح بن منصور سامانی

۱ - بشکرید به: ص ۱-۶-۱۵-۱۷-۲۷-۳۲-۵۶-۵۷ همین پارسی و ص ۳-۳۲-۴۱-۴۴-۶۳-۶۹-۱۱۵-۱۱۴ ترجمه تازی کتاب نفس از اهوانی و قنوتی چاپ ۱۹۴۹ مصر که پاره‌های از تلخیص نسخه اسکوریال را آوردند و برابر آن در پارسی کاشانی دیده میشود و از سنجیدن این پارسی با پاره‌هایی از ترجمه کامل اسحاق که در ص ۱۰۱ اهوانی آمده پیدا است که این دو با هم بستگی ندارند - نیز دیباچه ارسطو عند العرب ص ۳۴ و گفتار نگارنده در ش ۷ و ۸ سال ۸ مهر.

(۳۸۷-۳۶۶) که از او بسیار ستوده است ار مغان داد. چون کاوش از نیروهای جان دشوار بود آنرا بر گزید و در این گفتار از سخنان فرزندان و کتاب خدا درباره خود شناسی آورد و از وحیی که در هیکل یا پرستشگاه اسقلیوس پیامبر دارای معجزه و درمان کننده بیماران با افسون، نوشته بود (ای مردمی خود را بشناس تا خدا را بشناسی) (۱) یاد نمود و گفت که کاهنان هیکل او نیز چنین بوده اند و فیلسوفان پزشکی را از او گرفته اند.

این نگارش کوتاه در ده فصل است و شیخ در آن از نیروهای گیاه و جانور و مردمی سخن میراند و در فصل ۸ مراتب نفس و انواع استدلال (ضروری - اکثری جدلی - مساوی خطابی - اقلی سوفسطائی - ممتنع شعری) را میآورد و در فصل ۹ و ۱۰ تعجب نفس و اتحاد آن پس از مرگ با عقل مفارق را ثابت میکند. در پایان میگوید که میاحت ۱۰ بود جان در تن و خوشی و رنج رستاخیز و شفاعت آورندگان دینها و فرشتگان و عرش و کرسی مانده و سخن در آنها بدر از او خواهد کشید و اگر فرمانروا بخواهد جداگانه یاد میکنیم آنگاه باز از وی میستایند (۲).

آغاز: خیر المبادی ما زین الحمد لوالهب القوة علی حمده ... فاولا ان العادة سوغت الاصابغر الانبساط الی الاکابر ... ولما وجدت العادة قد نهجت هذه الجادة وشرعت هذه السنة ظفرت بقدر نفسی فی الانبساط الی الامیر الاجل السید اطال بقاه بهدیه .  
انجام: لازالت الحکمة به مشعشة (منتعشة) بعد الخمول نضرة بعد الذبول دائمة بدوام دولته ویرجع بایامه ایامها ویرفع بمكانه مکان اهلها و یعزز طالبی فضلها (ان شاء الله تعالی) بمحمد و آله تمت رسالة النفس .

۱ - صدرای شیرازی گویا این رساله را در دست داشت که این عبارت را در مبدء و معاد ص ۴ آورد .

۲ - خزر جی (ج ۲ ص ۲۰) از «مقالة فی النفس تعرف بالفصول» یاد نمود و قنوانی در ش ۱۰۲ این رساله را بنامهای «مقالة فی النفس - مبحث فی القوى النفسانية - کتاب النفس - العشرة فصول» شناساند و گفت که آنرا س - لانداور (S. Landauer) در مجله خاورشناسان آلمانی با تعلیق و ترجمه بآلمانی بسال (۱۸۷۶) ۲۹ ص ۳۳۵ و پس از آن و فان دیک Van Dyck در قاهره بسال ۱۳۲۵ بنام «هدیه الرئيس للامير» بچاپ رساندند و ترجمه لاتینی آن بسال ۱۵۴۶ و انگلیسی آن بسال ۱۹۰۶ چاپ شد . شمس الدین علاءالدوله آنرا بهارسی کرد - نیز بشکرید به ش ۳۲۷ ص ۳۱۵ ج ۴ فهرست طوس .



## [۵۰۲]

این نسخه شماره ۵ دفتر است و بخط نسخ محمد بن خیرالحاج نادعلی سمنانی در مشهد (طوس) بسال ۱۲۸۳ گ ۵ الف - ۱۴ الف .

۸۶۱

## [۵۰۳]

این نسخه شماره ۳ دفتر است و بخط تعلیق ریز نزدیک ۱۰۶۱ گ ۴۳ ب - ۱۶۵ الف .

۱۰۷۴

(فارسی)

تقریبی (رساله...)

[۴۰۰]

نگارشی است بفارسی در شناخت روان که در چاپخانه دانش تهران بسال ۱۳۱۵ خ بچاپ رسید و آنرا شیخ رئیس از روی « کتاب المعاد » ش ۸۶۱/۹ برای فرمان عالی علایی (علاءالدوله کاکویه) پیارسی کرد. بیهقی ص ۱۸۸ از ترجمه کتاب المعاد بالفارسیه یاد نمود .

## [۵۰۴]

این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط تعلیق محمد تقی تفرشی بسال ۱۳۵۵ از روی نسخه تاریخ روز شنبه یکم رمضان سال ۷۰۰ گ ۲۰ ب - ۳۱ ب. نسخه از این درطوس بشماره ۷۰۷ نوشته تاریخ ۷۰۰ دردیة جاورسانی هست و قنواتی درش ۷۷ و ۱۹۹ از آن یاد نمود .

۱۰۸۹

(فارسی)

تقریبی (رساله...)

[۴۰۱]

این رساله بروش فیلسوفان نگاشته شده و خبرهائی چند در آن دیده میشود آغاز : بسمله و به نستعین . فصل اول در معرفت نفس انسانی که آنرا نفس ناطقه خوانند .

۲۰

انجام : تا سخن بحد اطناب کشد واللہ المیسر للخیرات للمحسنات .

## [۵۰۵]

این نسخه شماره ۳ دفتر و بخط شکسته تعلیق مورب گ ۱۹ ب - ۳۰ ب و در پایان دارد : « بتاریخ غره رجب المرجب سنه ۱۰۵۶ دردار السلطنه حیدرآباد باتمام رسید . . . خاک قدم فقرای باب الله محمد باقر اصفهانی .

۱۰۳۸

## [۴۰۲] النفی والاثبات (تلفیق فی =) (فارسی)

خواجہ طوسی در این گفتار از نفی و اثبات و معدوم که آیا چیز هست یا نه گفتگو میکند و دلیلهای دوطرف را میآورد .  
 آغاز : بسمله . تلفیق لمولانا نصیر الملقو الدین محمد الطوسی ادام الله فی السعادة والعز ظلاله فی النفی والاثبات - بدانکه خلاف است میان علما که آیا معدوم شیء هست یا نه .

انجام : و چون عاقل درین مسئله تأمل کند باید که آنچه عقلش اقتضا کند قبول کند و البته تقلید نکند و همچنین در هیچ مسائل تا خدای تعالی ببرکت راستی دردل او باز گشاید و او را بحل مشکلات و قوف دهد والله اعلم بالصواب .

۱۰

## [۵۰۶]

۱۰۴۶ این نسخه شماره ۴۱ دفتر است و بخط تعلیق گ ۲۸ ب - ۲۰۹ الف

## [۴۰۳] نکت فی مایصح و مالا یصح من احکام النجوم (عربی)

فارابی در این گفتار از ستاره شماری و احکام نجوم خرده گیری نموده و چنانکه دیباجه آن میرساند بدرخواست ابواسحق ابراهیم بن عبدالله بغدادی آنرا نگاشته است بغدادی میگوید که دیری در این باره میاندیشیدم و با فارابی گفتگوها کردم تا اینکه روزی او دفتری بمن داد و در آن بندها و یادداشتهایی بود که ما نااومیخواست هنگام آسایش آنها را آورده بساخت کتاب یا رساله ای در آورد چنانکه همیشه همین کار میکرد است و من همه آنها را نوشته ام و آنچه خواسته ام در آن یافتم و آنها را برای تو نوشتم که اگر بخواهی در آنها بنگری . در پایان میگوید اینهاست یادداشتهایی که بخط فارابی یافتم و برای خود نوشتم و برای تو که اگر بخواهی در آن بنگری (ص ۱۱۰ این فهرست) .

## [۵۰۷]

این نسخه شماره ۸ دفتر است و بخط تسخ گ ۳۸ ب - ۴۲ الف . در این نسخه دیباجه بغدادی هست .

[۵۰۸]

این نسخه شماره ۱۲ دفتر است و بخط تعلیق گ ۶۴ الف - ۶۷ الف. آغاز و انجام چنین است: قال ابو اسحق ابراهیم بن عبدالله البغدادی كنت شديد الحرص على معرفة الاحكام النجومية ... كتبها لك لتتأملها ان تنشط لذلك ... فضيلة العلم والصناعات - ان كل مقول محدور منه. هذا ما وجد من التذاكير بخط ابی نصر اثبتتها لنفسی وكتبتها لك لتتأملها ان تنشط لذلك والله الموفق لكل خير. نقلت من خط نقل من خط نقل من الفارابی علیه الرحمة تمت.

[۴۰۴] نور البصر بحل مسئله الجبر والقدر (عربی)

محمد خلیل بن محمد اشرف رساله ای را که شیخ مفید از تحف العقول آورده و از امام علی نقی هادی ع دانسته گزارش نمود و در آن مسئله جبر و قدر را بروش فلسفی و کلامی و اخباری حل کرد.

آغاز: نام خدا و ستایش - فيقول العبد المحتاج الى رب الجليل ابن محمد اشرف محمد خليل انه لما وفقني الله للتأمل في مسألة الجبر والقدر .  
انجام: لما يحب ويرضى وجنبنا وإياكم معاصيه بمنه وفضله والحمد لله كثيرا كما هو اهله وصلى . حسبي الله ونعم الوكيل.

[۵۰۹]

این نسخه بخط نسخ و در پایان دارد: « تمت فی سنة ۱۲۵۰ » که تاریخ نگارش یا نوشتن رساله میباشد.

( ۴۴ ) - کاغذ فرعی - جلد تیماج مشکي

۱۶×۲۱ و ۹×۱۵ س ۱۵

[۴۰۵] فیروزیه (عربی)

شیخ رئیس در این رساله که سه فصل است از ترتیب هستی ها و چگونگی دلالت حرفها و معانی باطنی حروف مقطع گفتگو نمود و در روش تأویل و باطنی و حروفی شیخ در آن پیدا است.

[۵۱۰]

این نسخه شماره ۱۳ دفتر است و بخط تعلیق محمد علی نزدیک ۱۲۹۹ گ ۱۴۰ ب ۱۴۴ الف و چنین است: « بسمله ... الرسالة النبروزية للشيخ الرئيس. كتب الى الشيخ



ای (بکر) محمد بن (عبدالرحیم) بسمله کل ینزع همته الی خدمة نیروز مولانا الشیخ الامیرالسید ادام الله عزته بتحققة یجود بها ذاتیده ولما رغبت فی ان اکون واحدا لقوم - ثم بعد هذا اسرار تحتاج الی المشافهة . . . » در فهرست طوس (ش ۳۴۱ ص ۴۴۱ ج ۴) شیخ ابوبکر محمد بن عبدالله یا عبدالرحیم یاد گردید و این شیخ کسی بود که ابن سینا این رساله واضحویه را برای او نوشته و اینگونه رازها را برای او آشکار داشت و از پایان رساله پیدا است که رازهای دیگری مانده که شیخ رئیس بایست زبانی باو بگوید و نوشتن آنها شایسته نبود (ص ۱۴۱ و ۱۴۷ این فهرست).

#### [۴۰۶] الواحد لا یصدر عنه الا الواحد (قاعدة...) (عربی)

در این گفتار نخست روشن گردید که از یکی جز یکی نیاید سپس فرعهای این قاعده فلسفی آمده و بسیاری از بحثهای فلسفی روی آن حل گردید و در آن وجود ذهنی باطل (۷۷ الف - ۸۱ الف) و ماهیت مجعول دانسته شده نه وجود. نگارنده در اثبات مطالب فلسفی تمسک بالفاظ را نیز رو امیداند (۸۰ ب - ۸۳ الف) و از انولوجیا هم یاد نمود.

آغاز: بسمله - سبحانه لا علم لنا الا ما علمنا انك انت العليم الحكيم وبعد فانا اردنا فی هذه المقالة اولا ذكر الاصل المشهور من الحكماء وهو ان الواحد لا یصدر عنه الا الواحد.

انجام: هذا آخر ما اردنا بیانہ فی هذه المقالة والحمد لله واهب العقل والحیوة وصلى الله على محمد وآله وسائل النجاة. تمت هذه الرسالة.

#### [۵۱۱]

این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط تعلیق با عنوانهای شنکرف و در پایان ۸۸۰ دارد: «تمت هذه الرسالة فی العاشر من شهر صفر... فی سنة ثمانین بعد الف من الهجرة النبوية علیه افضل الصلوة واكمل التحیات ۱۰۸۰» گ ۵۶ ب- ۱۰۸ ب (۷×۱۵ س ۱۹- کاغذ سمرقندی) و در گ ۵۶ الف دارد که در روزگار نگارنده گفتار نوشته شده پس او نزدیک به ۱۰۸۰ میزیسته است.

#### [۴۰۷] الواردات القلبية فی معرفة الربوبية (عربی)

دانشمند صدرای شیرازی در این رساله که در مجموعه رسائل او در ایران

بسال ۱۳۰۲ بچاپ رسیده است یکدسته از مسائل نغزالهی را بنام رازهای که بر او گشوده شده است بی آنکه از کسی گرفته باشد و بروش عرفان و اشراق باعنوانهای (فیض) آورد. در این رساله است که از مدرسان و درباریان و محدثان و فقیهان نکوهش میکند (ص ۲۵۷ چاپی) و بیهتایی پیرسی در آن دیده میشود.

## [۵۱۲]

۵

این نسخه شماره ۶ دفتر است و بخط نسخ نورالدین محمدکاشی گ ۳۴۷ ب - ۲۵۲ ۳۵۶ الف س ۲۷ - درهامش بخط همو دارد که این چهار کتاب (تفکر - مبداء و معاد - کلمات نوریه و واردات قلبیه) را با اصل و مسوده های آنها بخط خودم در ج ۲ سال ۱۱۱۵ برابر کردم و پیداست که این دفتر همانست که همین کاشانی در منتخب التصانیف خویش یاد نمود و نسخه اصل خود اوست. سپس دارد: وقف - بامهر (نورالدین محمد) چنانکه در گ ۱ ب و پشت کتاب تفکر نوشت که بفرزندان دانشمندم وقف کردم و مهر او هم هست.

## [۵۱۳]

این نسخه شماره ۳ دفتری است دارای ۵ رساله در ۱۶۹ گ که دوم آن حاشیه ای است از قاضی شیرازی بر شرح مختصر اصول بخط تعلیق ریز و مورب در سه ستون ۸۸۴ نوشته شده در شام چهارشنبه سال ۱۳۰۱ - این رساله در این نسخه بنام «التبیحات القلبیه» میباشد و بخط تعلیق باعنوانهای شنگرف که اسمعیل بن حاجی ابراهیم در تاریخ صفر ۱۲۰۰ از روی نسخه برابر شده با نسخه شیرازی نوشته است و حاشیه (منه مدظله) دارد. گ ۹۸ ب - ۱۱۹ ب - محمدتقی بن محمدعلی مراغی در ۲۴ رجب ۱۲۵۰ (گ ۲۰ ۲ الف) و جعفرقلی بن عباسقلی خان امین الوزاره در محرم ۱۳۰۲ (گ ۱۶۹) از دارندگان این دفتر بوده اند (نشانه در ص ۴۱ جلد ۱ یاد گردید).

[۴۰۸-۴۰۹] یَنْبُوعُ الْحَیْوةِ (تازی و پارسی)

چهارده فصل در عرفان یونانی که از هرمس ترسیم گئیستوس یا مثلث پروردگار ستاره شناسی و پزشکی و کیمیای یونان پنداشته شده بزبان تازی در آمده و بنام زجر النفس یا معاتبه النفس و ينبوع الحکمة یا ينبوع الحیوة خوانده میشود. گاهی آنرا پیروی از یهودان از ادريس پیامبر میدانستند و هنگامی هم از سقراط یا افلاطون یا ارسطو می پنداشتند و از پیشوایان شیعی نیز آنرا روایت نمودند. متن تازی را بار دنهاور

Bardenheuer در بون Bomae بسال ۱۸۷۳ بنام زجر النفس چاپ نمود و چندین بار خوری فیلمون کاتب تا ۱۹۰۳ آنرا در بیروت چاپ کرد. بابا فضل کاشانی سیزده فصل آنرا پیارسی کرد که در ۱۲۸ نشریه دانشگاه بچاپ رسید. (۱) او در نامه خود بدرواکوش ش ۱۷ از ۴۳۱ از فصول زجر النفس یاد نمود.

[۵۱۴]

۴۰۲ این نسخه پیارسی و شماره ۱۱ دفتر است و بخط تعلیق ریزگ ۱۰۵ ب - ۱۲۲ الف

[۵۱۵]

۴۳۱ این نسخه پیارسی و شماره ۲ دفتر و بخط تعلیق محمد علی بسال ۱۳۰۱ گ ۱۳ الف - ۷۵ الف میباشد.

[۵۱۶]

۱۰۴۶ این نسخه پیارسی و شماره ۱۸ دفتر و بخط و جبعلی در ۱۸ ذی قعدة ۱۰۶۱ گ ۸۱ ب - ۹۳ الف میباشد.

[۵۱۷]

۸۸۱ این نسخه بتازی و در شماره ۵ دفتر بخط نسخ محمد بن فتح الله بسطامی بسال ۱۰۰۳ در مدرسه رزم سازیه قزوین گ ۱۳ ب - ۳۰ ب واز دوسطر مانده ۱۵ بآخر برگ ۳۰ می پیوندد بآنچه در برگهای ۳۳ و ۳۴ نوشته شده که نویسنده پس از این بسته و نوشت (بنگرید به ش ۱۱ گ ۸۱ ب جنگ ۱۰۳۳) این است چگونگی آن:

آغاز: بسمله و به تقیتی هذا ما وجد من معاتبة النفس لهرمس الحكيم المثلث بالحكمة  
ويعني به ادریس النبی وقد تؤثر عن افلاطون الالهی ورواها بعض عن الائمة الطاهرین ع  
وهي ثلثة عشر فصلا . . الفصل الاول یا نفس تصوری واستعملی ما انا مورد له لك من المعانی  
العقلية الموجودة وجودا دائما فما تصورت له فقد عقلته واقتينته وتيقنته .

انجام: وقليل العمل مع العلم به خير من كثير العمل مع الجهل به ثم كتاب زجر النفس  
والله ولي التوفيق (گ ۳۰ ب) در گ ۳۳ و ۳۴ ب چنین است: يتهاون بتدبيرها وينصرف  
بجميع قوته الى التلذذ . . وقليل من العلم من العمل به انفع من كثرة العلم مع قلة العمل  
به تمت الفصول الثلاثة العشر في زجر النفس لهرمس من الهرامسة وهو ادریس النبی ع المثلث

۱- نگاه به دیباچه آفای نفیسی بر رباعیات - گفتار دکتر خضیری در رساله الاسلام  
ش ۴ سال ۱ ص ۴۰۳ - ۴۱۰ - دائرة المعارف اسلامی کلمة اخلاق و ارسطو .



بالحكمة والفضيلة اراد بالمثلث بالحكمة والفضيلة يعنى انه يعرف ما يعرف به الاشياء  
ويعرف انه يعرفها ولواهب العقل الحمد بالنهاية .

[۵۱۸]

این نسخه بتازی و شماره ۱۳ دفتر بخط شکسته ریز بی نقطه تاریخ ج ۱ سال  
۱۰۳۳ ۱۰۸۴ گ ۶۳ ب - ۸۴ ب میباشد .

آغاز : ستایش و نیایش - هذا ما وجد من زجر النفس لهرمس النبي اعني ادریس  
المثلث بالفضائل شر كنا الله في دعائه وهو ثلث عشر فصلا الفصل الاول يا نفس تصوری  
و تمثلی .

انجام : و قليل من العلم . . . العمل به والله اعلم تمت الفصول في زجر النفس  
لهرمس الهرامسة وهو ادریس النبي ع وقد يسمى الفصول ينبوع الحكمة - نسخه از این  
متن تازی در مجاس ش ۶۳۴/۴ هست . در کنار برك ۶۵ نسخه مادارد « هرمس همان  
ادریس مثلث بحکمت و نبوت و سلطنت بود و استاد حکماء الهی و مبعوث بخلق و مرفوع  
بآسمان » .

[۵۱۹]

این نسخه بتازی و شماره ۲۷ دفتر و درس ۲۴۳ و شش بند است که به « یا نفس »  
۱۰۳۵ آغاز میشود و از افلاطون دانسته شده و آغاز و انجام آن چنین است : « هذه  
مواعظ مشتملة على تزكية النفس وتحذيرها من الاخلاق الرديّة مستخرجة من كلام  
افلاطون كلها على طريق مخاطبته مع النفس ( مع نفسه ) يا نفس ان مهلكات النفس  
ثلاثة اجناس اولها الشرك وسائر انواعه وثانيها الظلم وسائر انواعه وثالثها التلذذ وسائر  
انواعه - يا نفس حتى متى انت فقيرة هاربة من ضد الى ضد . . . وجميع ما انت مشاهدة  
له في عالم الحس فبينما انت فقيرة » و برابر است با نیمه دوم فصل دوم (س ۴ ص ۱۰)  
قائمة نخستین فصل ۳ (س ۵ ص ۱۳) بشوع الحیوة پارسی چاپی .

# گفتار سوم

عرفان

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران  
library.ut.ac.ir

خواجه طوسی این رساله را که کتابفروشی جهان در شیراز بسال ۱۳۱۸ چاپ نمود و تذکره هم ناهیده میشود بروش باطنیان اسماعیلی در ۲۰ فصل نوشته اصول عقائد اسلامی را در آن تأویل فلسفی و عرفانی کرد (۱).

آغاز : بسمله ربنا لاتزغ قلوبنا... سپاس آفرید گاری را که آغاز همه از اوست و انجام همه با اوست... دوستی از محرر این تذکره التماس کرد که بندی از آنچه سالکان راه آخرت مشاهده کنند از انجام کار آفرینش شبیه بر آنچه در کتاب الهی مسطور است... از احوال قیامت و بهشت و دوزخ... ثبت کند بر آن وجه که اهل ینش بعین می بینند نه بر آن وجه که اهل دانش بیان میکنند.

انجام : اهل فوزا کبرند فلا تعلم نفس ما اخفی لهم من قره عین... از ثواب و عقاب منزله اند چه آخرت بر مردم دنیا حرام است. الدنیا حرام علی اهل الاخرة والآخره حرام علی اهل الدنیا و هما حرامان علی اهل الله. اینست آنچه تجربه برش درین وقت دست داد (واصلاح سهوها که قابل اصلاح باشند بجای آورند والله ولی التوفیق سبحانه رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین... الاخیار الصالحین)

۸۹۰ این نسخه شماره ۹ دفتر و بخط تعلیق مورب در گ ۴۱ ب - ۵۴ الف میباشد

( همه دفتر ۱۲۹ ۴ ) - کاغذ سمرقندی - جلد تجماع <sup>۲۴</sup> ضریبی

اندازه : ۱۵×۲۴ و ۱۸×۲۴ س ۲۴

۱ - خواجه در آغاز اشاره میکنند که اینگونه نوشتن دشوار است زیرا « نه هر چه هست نصیب هر کس است، و نه هر چه نصیب کسی است بتواند دید، و نه هر چه بیند بتواند دانست، و نه هر چه بداند بتواند گفت، و نه هر چه بگوید بتواند نوشت. چه اگر دیدن بعین بود، دانستن باثر تواند بود و اگر دانستن بتصور بود، گفتن با اختیار تواند بود. و اگر گفتن بتصریح بود، نوشتن بتمرین و تلویح تواند بود. و لیس الخبر کالمعاینه. فکیف اذا کان الخبر بالایماء والاشارة. » و میگوید اگر آنچه نوشته ام قاصر باشد معذور میباشم.



این نسخه شماره ۱۶ دفتر است و بخط تعلیق رجبعلی نزدیک ۱۰۶۱ گ ۷۶  
الف - ۷۳ الف ۱۰۴۶

[۴۱۱] آیه النور (فارسی)

۵ محمد علی نورعلی شاه رقی طبسی سپاهانی (۱۲۱۲م) این رساله را در اصول  
وفروع بروش عرفان شیعی نگاشته و در آن (۶۲ب - ص ۶۹ چاپی) از مشکوة النجاة  
فقه خود یاد میکند.

آغاز: بسمله و حمد اما بعد بدانکه برهر مکلفی واجب است که سیماح  
نظر را در دریای بی انتهای فکرت غوطه ور سازد.

انجام: ۱۰

زیمین مقدم آن شاء - عادل

جدا گردد زهم تا حق و باطل

والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب.

این نسخه شماره ۲ دفتر و بخط تعلیق است گ ۵۸ ب - ۶۷ ب. و بدینجا ۱۵  
۸۶۷ پایان مینماید: «گاهی پروانه سوخته جان و گاهی شمع گهی با یاد» برابر  
با س ۳ ص ۸۰ چاپی در مجموعه عوارف المعارف در چاپخانه مظفری شیراز  
سال ۱۳۱۷ ص ۶ - ۹۳ بنام «اصول دین وفروع دین ظاهری و باطنی نورعلیشاه  
با سیر و سلوک».

[۴۱۲] ابدیه (عربی) ۲۰

قطب الدین محمد حسینی همدنی نیریزی (۱) این قصیده را در عرفان سروده

۱ - گویند که نسب نیریزی با ۲۳ واسطه بامام سجاد (ع) میرسد و ثیاکان او از مدینه  
آمده در نیریز نشستند. خود او نیز در همانجا میزیست و پس از قرا گرفتن دانشها برای  
ریاضت بشیراز نزد شیخ علی نقی اصطهباناتی از بزرگان دسته ذهبی کبروی معروفی رضوی  
رفته پیروا شد و در آرامگاه سید نظام محمود داعی الی الله بیرون شهر شیراز مقامات سلوک را  
۲۵ دنیاالیه حاشیه در صفحه بعد

است .

آغاز : بسم الله .

والله جاعل نورها و بدیعها  
للهم حمد العالمین جمیعها  
انجام :

والحمد لله الذی اوحی الی  
قلبی معارفها لدی توقیعها

[۵۲۳]

این نسخه شماره ۲ دفتری است که دارای ۳ رساله میباشد و خط دوم و سوم  
در نظم بنسخ و در ثر بشکسته تعلیق با عنوانهای شنکرف و تصحیح شده میباشد  
و حاشیه‌هایی از خود نیزیزی با عبارت (منه) و از دیگران دارد - گ ۳ پ -

۱۰ ۷ ب .

( همه دفتر ۴۱۷۰ ) - کاغذ قرنگی - چوب تیماج زرد مقوای حاشیه‌دار  
اندازه : ۲۱ × ۱۴ و ۱۵ × ۷ س ۲۱

مانده حاشیه از صفحه پیش

۱۵ پیمود و داماد و خلیفه او شد و دوست دشمن بدو سر فرود می‌آوردند . در گردشهای خویش  
بسیاری از بزرگان را تعلیم داد مانند ملا محراب کیلانی و شیخ احمد احساری و سید جعفر  
نجفی . مولانا شاه محمد دارایی نگارنده « معراج الکمال فی معنی الشیخ والارشاد والمرید  
والاسترشاد » از بزرگان فارس و مولانا محمد علی سکاکی شیرازی ( کشته افغانان بشیراز )  
و مولانا محمد صادق از دستانی که هفت سال در سپاهان با نیزیزی بوده است و آقا خلیل  
سپاهانی که نیز در همین سپاهان باوی بود و میر ابراهیم قزوینی و میر محمد تقی خراسانی  
مشهور بشاهی و فاضل عارف مشهور که در طوس و سپاهان باوی بود و سید میر محمد هاشم عارف  
بحرانی نجف‌نشین که در سال ۱۱۲۹ در مسجد کوفه او را دیده ( و آنچه نادر شاه نیاز داد  
و درخواست کرد نپذیرفت ) و بسیاری از دانشمندان دیگر در روزگار نیزیزی میزیستند و در  
قزوین و سپاهان و کاشان و شیراز او را در انجمنها دیده و گفتگوها میان آنان شد . نیزیزی  
می‌گوید : همه اینها صوفی بودند مگر اینکه از همدیگر پرهیز می‌کردند و گروهی نادان  
۲۵ متفلسف هم آنانرا نمی‌پسندیدند . آقا محمد هاشم شیرازی از جانشینان نیزیزی بود . پسرش  
میرزا سید علی بادانایان یهود گفتگو نمود و گروهی را مسلمان ساخت . نیزیزی در روزگار  
سلطان حسین صفوی ( ۱۱۰۵ - ۱۱۳۵ ) میزیست و نزدیک بسال ۱۱۳۷ در گذشت . در آن  
هنگامی که عارفان بدنام بودند و دشنام می‌شنیدند او بکریلا و نجف رفته بود و در همان  
روزگار افغانان بایران آمده ( ۳۷ - ۱۶۴۲ ) و کردند و آنچه کردند . نیزیزی نگارشهای  
۳۰ خویش را در نجف فراهم آورد و اینها است : فصل الخطاب ، شمس الحکمه ، کنز الحکمه ،  
انوار الهدایه ، نور الهدایه ، ابداعیه ، قصیده عشقیه بتازی ، مثنوی انوار الولاية پیارسی ،  
مثنوی منهج التجریر بوزن مخزن الاسرار پیارسی .

بنگريد به : فصل الخطاب نیزیزی و سرگذشت هوو بخامه هدايت ( ش ۳۶۴ ر ۳۰۱ )  
هدايت نمونه‌ای از سه‌تای اخیر را می‌آورد و بریاض العارفین باز میگرداند .

[۴۱۳] ابطال وحدت وجود (عربی)

ملا محمد سعید گیلانی در این رساله وحدت وجود را باطل میسازد.  
آغاز: بسملة الحمد لله رافع درجات العالمین... فانی اریدان اذکر اصل شبهه  
القائلین بوحدة الوجود.

انجام: و باقی الفاظ و العبارات غیر محتاج الی التفسیر.

[۵۲۴]

این نسخه شماره ۵ دفتر است در گ ۱۴۱ ب - ۱۷۰ الف و بخط شکسته  
۸۷۴ تعلیق و عنوانها در هامش بشنگرف. در پایان دارد: تمت الرسالة التي في التوحيد  
وابطال وحدة الوجود للفاضل ميرزا محمد سعيد الجيلاني بعون الملك الوفي في  
بلدة اصفهان سنة ۱۱۲۹ « (ص ۱۳۴ این فهرست).

[۴۱۴] اثبات واجب (فارسی)

نگارش دانشمند مولانا رجبعلی تبریزی که در ص ۱۳۲ یاد شد. او در دیباچه  
گفتار فارابی در « فصول مدنیه » را گواه میآورد.

[۵۲۵]

این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط تعلیق میباشد گ ۲ ب - ۸. آغاز و انجام ۱۰۳۶  
آن مانند نسخه ش ۳۷۴/۲ است.

[۴۱۵] امور الصلاة (عربی)

این رساله که در آن از نماز در سه فصل از روی قواعد فلسفی و بروش باطنی  
و تأویل گفته‌گو میشود از شیخ رئیس دانسته شد گرچه خزرچی و بیهقی از آن یاد  
نمودند. در پایان دارد که آنرا در کمتر از نیم ساعت با گرفتاریهای فراوان و آسایش  
۲۰ اندک نوشتم و از خوانندگان و خردمندان داد گرمی خواهم که آنرا آشکار سازند.  
نیز میگوید خواستم همه عبادت‌ها را در اینجا گزارش دهم مگر اینکه پرداختن بکاریکه  
هر کس را شایستگی آگاهی از آن نیست دشوار میباشد و همین که بدو گونه عبادت  
تن و جان در اینجا اشارت کردیم برای آزادگان بسنده است و این رساله را بهوی پرستان  
نباید نشان داد.



آغاز : بسملة الحمد لله الذي خص الانسان بشرف الخطاب .

انجام : ولذلة النظر لا يصدق به الاكمه وكتب هذه الرسالة بحمد الله ... في مدة اقصر من نصف ساعة مع عوائق كثيرة و فرائط يسيرة واعذر من مطالعي هذه الرسالة ومن اسبغ عليهم فضل العقل ونور العدل ان لا ينقشوا .

[۵۲۶]

۵

این نسخه شماره ۱۶ دفتر و بخط تعلیق در ص ۸۰ - ۸۸ و در این نسخه مانند ۱۰۷۹ نسخه های قنواتی « رساله فی ماهیه الصلوة » یاد گردید آنرا « الکشف عن ماهیه الصلوة » هم خواندند. همه آن در کنار نمط ۹ شرح اشارات چاپ ۱۳۰۵ و نیمی از فصل ۱ آن ( تا س ۱۴ ص ۸۲ این شماره ) بنام اسرار الصلوة در کنار شرح هدایه شیرازی چاپ ایران بسال ۱۳۱۳ ص ۷۱-۳۶۸ و نیز همه آن در مجموعه مهران و جامع البدایع بجای رسیده ( قنواتی ش ۲۲۷ ) نام ماهیه الصلوة از عنوان فصل ۱ آن گرفته شده است .

[۵۲۷]

این نسخه شماره ۲۱ دفتر است و بخط تعلیق در گ ۲۶ الف - ۷۸ بنام ۱۰۸۹ اسرار الصلوة و بدین جا پایان می یابد : « الفصل الثانی فی ان الصلوة منقسمة الى ظاهر و باطن ... و قسم منها باطن وهو الحقیقی و یلزم » و دیگر بر کها سفید است .

[۴۱۶] **احمدی و الصلوة** (فارسی)

شاه نعمه الله ولی در این رساله بروش عرفانی راز نماز را روشن ساخت .

آغاز : الحمد لله رب العالمین ... اما بعد روزی جمعی از شاه نعمه الله ولی پرسیدند که نماز چون می گذارید .

انجام : تا از ما لزمت عبودیت محروم نشمایند . والله اعلم بالصواب و الیه المرجع والمآب .

[۵۲۸]

۸۹۰ این نسخه شماره ۱۰ دفتر است و بخط تعلیق گ ۵۴ الف - ۵۵ ب

[۴۱۷-۴۱۸] اسرار الصلوة (عربی)

قاضی محمد سعید قمی (۱۰۴۹-۱۱۰۳) دور ساله در راز نماز نگاشته است :

۱- که در ۱۳ شوال سال ۱۰۸۴ در قم نوشته و رازهای افعال و اطوار نماز را

بروش عرفانی در آن هویدا ساخت. این رساله در کنار شرح هدایه شیرازی ص ۳۵۷-۳۶۲

بچاپ رسید .

۲- که در آن ارکان و افعال و اوراد و اذکار نماز را اشاره بمقامات و درجات

عرفانی پنداشت و در پایان بشرح توحید خویش بازگشت داد .

آغاز : بسمله بعد الحمد و الصلوة اقول یا خواندنا الی و عانین و اصدقائنا الی و حانین

جعل الله اذانکم و اعیة و درجاتکم متراقية .

انجام : وقد بسطنا القول فی بیان اسرار الصلوة فی شرحنا لتوحید الصدوق .

و هذا آخر ما اردنا لیراده فی الرسالة علی سبیل المعجالة و الحمد لله فی الاولی و الآخرة .

[۵۲۹-۵۳۰]

این دو نسخه شماره های ۱۷ و ۱۹ دفتر است و نخستین بخط نستعلیق و آغاز

۱۰۳۰ مطلبها زیر خط سرخ گ ۱۷۲ ب ۱۷۶ الف میباشد . دومی بخط شکسته

بسیار ریز و مورب و در هاشم و عنوانها زیر خط سرخ و بتاریخ ۱۱۸۲ میباشد

گ ۱۹۴ الف - ۱۹۷ الف .

[۴۱۹] اصطلاحات صوفیان (عربی)

عارف بزرگوار عبد الرزاق کاشی (م ۷۳۶) در این رساله از اصطلاحات صوفیان

در دو بخش، نخستین بترتیب ابجدی در ۲۸ باب، دوم بترتیب منازل السائرین، گفتگو نمود

و آنرا پس از شرح منازل السائرین و شرح فصوص الحکم و تأویلات القرآن نگاشته است.

آغاز : بسمله و هو المستعان و علیه التکلان الحمد لله الذی نجانا من مباحث

العلوم الرسمية .

انجام : تم قسم الاصطلاحات و الحمد لله رفیع الدرجات و الصلوة علی رسوله

صاحب الحسنات .

## [۵۳۱]

این نسخه شماره ۳ دفتر است و بخط تعلیق ریز با عنوانهای شنکرف از نویسنده شماره ۱ (شرح قصیده بوصیری در پنجشنبه ۲۰ شوال ۸۱۳ در مدرسه سلطانیه سمرقند در ۴۲ برگ) گ ۵۰ ب - ۷۶ ب و حواشی دارد از لطائف . این رساله کاشی در کنار منازل السائرین ص ۸۶-۱۸۲ بچاپ رسید و در آن و نیز در نسخه ما بخش دوم دیده نمیشود و گویا بنگاشتن آن نرسید .

## [۴۲۰] اصطلاحات صوفیان (فارسی)

سید نورالدین شاه نعمه الله ولی بن عبدالله حامی کرمانی ( کوهپایان کرمان ۲۲ رجب ۷۳۰ یا ۷۳۱ - ماهان کرمان ۲۲ رجب ۸۲۷ یا ۸۳۴ ) (۱) در این رساله اصطلاحات صوفیان را بشر و نظم پارسی شرح میدهد و مانند ترجمه ایست از اصطلاحات کاشی .

آغاز : بسم الله . سپاس بی قیاس حضرت واجب الوجود را که خواص امت محمدیه را نجات داد و از مباحث علوم رسمیه بمحض افضال بی وسیله کسب و اعمال ایشان را بی نیاز گردانید ... بیان اصطلاحات است دریاب - که تا گویم ترادریست و هشت باب (قال شیخ الاسلام کمال المتعال رحمة الله علیه) باب الالف .

انجام : التوحید در نهایت احدیه فرق و جمع است ... بشرع محمد در درس لوك - که یابی زسید طریق هدی .

## [۵۳۲]

این نسخه شماره ۱ دفتر است و بخط نسخ و الفاظ و نشانه ها بشنکرف و در صفحه ۱۷۵ و ۲ در جدول زرین و دیگر صفحه ها در جدول شنکرف گ ۲ ب - ۵۶ - در پایان دارد : الحمد لله علی ما افاضه الوجود ... هو اظهر النعمة ... ولا یدعم . س ل » .

۱ - بشکرید به : فهرست طو س ج ۴ ص ۳۰ که از « تذکره در احوال مولانا » بخامه عبد الرزاق ابن عبد الکرم بن عبد الرزاق کرمانی یاد میکند . او سر گذشت این عارف را بدستور امیر نظام الدین عبد الباقی (نواده همو و کشته در رجب ۹۲۰ در جالدران) در شوال ۹۱۱ از روی سیره سدید الدین نصر الله در شیراز مورخ ۹۰۶ گرد آورده و بیرداخت در موزه بریتانیا (Add 16837 XXII ج ۲ ص ۸۳۳) نسخه « مناقب حضرت شاه نعمه الله ولی » از عبد العزیز بن شیر ملک بن محمد واعظی که بعلاء الدین احمد شاه بن احمد شاه ولی بهمنی (۸۳۸-۸۶۲) ارمغان داده است . احمد شاه ولی (۸۲۵-۸۳۸) نیز از پیروان کرمانی شده بود . نسخه « نسب خرقه احمد شاه » در همانجا هست (ص ۸۳۲ ش XV)



نسخه‌ای از این رساله در ۲۸ باب در مجلس ( ۶۴۶ ص ۴۱۳ ج ۲ ) هست و گفته نشد از کیست . در فهرست طوس از نسخه چاپ شده یمبی سال ۱۳۱۲ یاد میشود ( ج ۴ ص ۲۸۰ نیز ص ۱۰۳ ) این رساله در کنار چنگ دارای اشعه‌اللمعات جامی و رساله‌های تسفی و آذری ص ۲۷۴-۳۶۵ سال ۱۳۰۳ بچاپ رسید .  
( همه دفتر ۱۰۹ ص ۴ ) کاغذ فرگی - جلد مقوای تبره کی ، توسط ابن خبازة تحریر  
اندازه : ۱۰×۱۶ و ۶×۱۴ س ۲۱ ( رساله دوم مجهولست )

# [۴۲۱] اصطلاحات صوفیان (فارسی)

این رساله چنانکه از نسخه‌ها پیدا است برای روشن شدن ترانه‌های جلال‌الدین رومی ( ۶۷۰ م ) و فریدالدین عطار ( ۵۱۳-۶۲۷ ) نوشته شده و از سهروردی دانسته شد ( ۱ ) لفظهای پارسی و تازی بی‌ترتیب در این رساله آمده و شرح کوتاهی داده ۱۰ شد مانند : « آرزو : میل باصل آگاهی . کرشمه : التفات » .  
آغاز : بسم الله الحمد لله رب العالمین . . . نظم :  
من معترفم که شاهد دل معنی است  
لیکن چکنم که چشم صورت بین است  
قال النبی . . . ان الله خلق آدم علی صورته . چون بابلان سرمست و طاوسان ۱۵ شگرف بوی گل شنیدند در ترنم آمدند .  
انجام : جست و جوی خرده‌گیری که از تقصیری در وجود آمده باشد و منازعت را نیز گویند والله اعلم .

## [۵۳۳]

این نسخه شماره ۹ دفتر است و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف تاریخ روز ۲۰ دوشنبه ۵ ذی‌حجه سال ۱۰۰۵ گ ۳۸ ب ۴۱ الف و در پایان دارد : « تمام ۸۸۱  
شد اصطلاحات که منسوب است بشیخ شهاب‌الدین سهروردی قدس‌الله روحه  
الغزیز از برای بیان ایات و اشعار مولانا جلال‌الدین رومی و خواجه فریدالدین عطار  
رحمه‌الله و امثال ایشان » .

۱ - این درست نیست زیرا سهروردی شهید اصفهانی در ۵۸۷ و شهاب‌الدین سهروردی ۲۵ در ۶۳۲ درگذشتند مگر اینکه سهروردی دیگری باشد .

[۴۲۲]

(فارسی)

اصطلاحات صوفیان

این رساله در سه فصل باید باشد: «لفظهای مخصوص بمعشوق - لفظهای متداول میان عاشق و معشوق - لفظهای خاص بعاشق» مگر اینکه همه اینها را آمیخته با یکدیگر گزارش نمود.

۵ آغاز: بسمله و به نستعین الحمد لله رب العالمین ... اما بعد بدانکه ... امام جعفر ... در بیان این حدیث که خلق الله آدم علی صورته کشف استار فرموده .  
انجام: علف شهوات انسانیت را گویند ... بخاطر رسند محفوظ کردند یا کریم بالحق و بالحق علمنا ... و ارنا حقائق الاشیاء کما هی .. والسلام .

[۵۳۴]

این نسخه شماره ۸ دفتر است و بخط تعلیق مورب با عنوانها و لفظها بشکرف ۸۹۰ وحاشیه‌هایی دارد بشکسته گ ۳۵ ب - ۴۱ الف .

[۴۲۳]

(فارسی)

اصطلاحات صوفیان

در این رساله یک مقدمه عرفانی است و دو مطلب ( ۱ پنج جهان و شش مرتبه و هفت طور ۲ لفظهای عرفانی، پارسی و تازی که گزارش میشود ) و بسیار روان و شیوا نگاشته شده و واژه‌های پارسی آن خیلی لطیف تفسیر گردید . کلمه‌ها بترتیب ۱۵ حرفهای تهجی ابجدی فراهم آمده ولی نه متداول آن ( ۱ ) .

۱ - نمونه‌ای از این رساله: بنفشه، نکته را گویند که ادراک بشری بآن راه نبرد و عقده آن بنظر و فکر انحلال نپذیرد - بیداری، عالم صحرا گویند جهت تکمل نواقص . مؤلفه: « ز حد شد ناله شبها و بیداری خوش آن روزی

که در کویت کنم خواب اجل در بای دیواری »  
۲۰ بوستان، مقام دل‌گشادگی عارف را گویند اعم از آنکه بمرتبه و مقامی مخصوص باشد بیت:

دوستان در بوستان چون عزم می خوردن کنید

اول از باران دور افتاده باد من کنید »

ترسائی، تجرد و تفرید باطن را گویند در محال توجیه بحق، از صور کائنات و نسب ۲۵ و اضافات . شعر:

« ز ترسائی غر تجرید دیدم خلاص از ربقه تقلید دیدم »

ترانه، آمین و راه مجت را گویند بروجیه که موجب اشعار بغیر خود بود . بیت:

« مطرب بساز عود که کس بی‌اجل نبرد »

وانکس نه این ترانه سراید خطا کند »

## [۵۳۵]

- این نسخه يك برك از دیباچه را ندارد و چنین است آغاز و انجام آن: «در بیان  
 ۳۳۶ الفاظ مفردة معتبره و بسایط کلمات متداوله معتوره که میان این طایفه از آن  
 مقوله کلمه و کلام را بلسان عربی و فارسی در سلك نظم و نثر آورده اند ...  
 امامقدمه ، اتمه علم توحید و عارفان مراتب اطلاق و تقیید - در مقصد اقصای دل و جان  
 ۵ قدسی التقا تواند شد لمؤلفه :

- ای دیده چو عزم دیدار کنی      از اشك ، تو غسل نقش اغیار کنی  
 آلوده ، بطوف کعبه ، ای دیده مرو      پاکیزه ز اشك ، عزم دیدار کنی  
 خط آن نسخ تعلیق از محمد حسن بن ابوالملوک بن خاقان در روز آدینه ۲۷ ذی قعدة  
 ۱۲۷۴ و عنوانها و لغتها و عبارتهای تازی ، بشنگرف است .  
 ۱۰ ( ۱۰۶ ص ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج سرخ ساده مقوائی  
 اندازه : ۱۷×۱۰ و ۱۳×۱۰

## [۴۲۴] اقرب الطرق الى الله (رماله فی ... ) (عربی)

- شیخ ولی تراش ابوالجنا ب نجم الدین احمد بن عمر طامه کبری خیوقی (خیوگی)  
 ۱۵ که در ۵۴۰ زاده و بیستم مغولان و تاتار در خوارزم بسال ۶۱۸ کشته گردید و از عارفان  
 بزرگوار ایران بوده است او در این گفتار میگوید که راه بسوی خداوند باندازه انفس  
 آفریدگان است و از سه راهی که یاد میکند : « راه اهل معاملات و سنت ، اهل ریاضت و  
 مجاهدت و باطن ، اصحاب سلوک و طیران و محبت و جذبت » سومی را بر میگزیند و از آن  
 گفتگو میکند و آنرا بر پایه مرك ازادی می نهد و ده اصل برای آن یاد میکند : « توبه ،  
 زهد ، توکل ، قناعت ، عزلت ، ملازمت ذکر ، توجه بخدا ، صبر ، مراقبت - رضا »  
 ۲۰ در آن پاسخی آورده شده که ابراهیم خواص بابو منصور داده است .  
 آغاز : الطارق الى الله بعدد انفس الخلايق و طریقنا الذی نشرع فیہ اقرب الطرق  
 الى الله و اوضحها و اوارشد .

انجام : ليس بخارج منها الا بمرته المؤمنة ... الولاية والنبوة فافهم (تفهم) .

## [۵۳۶]

- این نسخه شماره ۴ دفتر و بخط تعلیق ریز نزدیک ۸۱۳ گ ۷۷ الف ۷۸ ب ۲۵  
 ۸۵۴ و چنین است :



« بسمله انه هو المستعان الكريم الحمد لله رب العالمين ... فقال المولى الاجل قدوة  
الواصلين نجم الملة والدين برهان الطريقه محي السنة ابوالجنا ب الخيوقى سلام الله عليه:  
الطرق - النبوة والله اعلم بالصواب واليه المرجع والمآب » در برگ ۷۹ الف نيايشى است  
بتأزى و ۷۹ ب = ۸۰ ب داستان آوردن سبى سرخ و زيبا براى بايزيد و سخنان او  
بيارسى .

[۵۳۷]

این نسخه شماره ۴ دفتر است و بخط نسخ و تعليق محمد علي بسال ۱۳۰۱ در مدرسه  
۸۷۱ سیه سالار ميرزا محمد خان قاجار گ ۶۸ الف - ۷۴ الف و چنین است : « قال الشيخ  
السالك العارف نجم الدين الكبرى قدس الله روحه: الطرق - النبوه تفهم انشا الله  
۱۰ تعالى وصلى الله على خير الانام ... والتحية والاكرام » .

[۵۳۸]

این نسخه شماره ۱ دفتر است و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف گ ۱ ب - ۲ ب  
۸۸۱ و چنین است : « بسمله وبه ثقتى الحمد لله رب العالمين ... فقال الامام ... نجم الملة  
والدين ... ابوالجنا ب الكبرى الخيوقى ... الطرق - تاسعها المراقبة وهى الخروج  
۱۵ عن حولها وقوتها ... يزول ظلمة امارية النفس ما لا يزول بثلاثين » نیمی از اصل تهم  
« مراقبت » را دارد و بپایان نمیرسد

[۵۳۹]

این نسخه شماره ۹ دفتر و بخط شکسته تعليق گ ۷۱ ب - ۷۲ الف و چنین است  
۱۰۳۸ « بسمله الطرق - النبوة فافهم انشا الله تعالى » .

(فارسی)

انمودج الآداب

۲۰ [۴۲۵]

یکی از عارفان شیعی در این رساله بر صوفیان رد نمود و در آن از اشراقیان  
و هلاک روم (۵۳ ب) و سید عبدالمالی، رونق علی بنگالی، زغال علی شاه، بنگال ولی  
روسیاه، بهمنیار همدانی، رمز یا هیچ مدانی، عبدالله بلبانی، شیخ بدخشانی، علی  
حیدر چپلاق، رحیم علی قنبر، مستعلی، سرخیلی، نور علی قمبر علی، شور بنکی،  
۲۵ شفیع زرایی، مهدی کهلانی، شیر ربیع ازوانی، بايزيد بسطامی، منصور حلاج یاد  
کرد و همه را « کجرو و دارای چنگ و بر بربط و عود و پیاله نوش باده وحدت وجود  
و موجود و پیرو شیطان » دانست - در (۴۳ ب) از ملا محسن (کاشانی) نام برد .

آغاز : و به تقوی بسمله و حمد و صلوة اما بعد . پس متکف زاویه گمنامی  
و رونق بخش اساس بی سرانجامی .  
انجام :

با بنده بگو هرچه هوای دل تو است

تا یا تو چنان زیم که رای دل تست

[۵۴۰]

۵۷۵ این نسخه شماره ۱ دفترست دارای دور ساله و بخط نسخ (۱۳۱ گ) میباشد

( همه دفتر ۲۹۸ ۴ ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج ساده مشکی

اندازه : ۱۵×۱۰ و ۶ر۵×۱۱ر۵ س ۱۷

[۴۲۶] الاقوال الجلیله (فارسی) ۱۰

ملا عبدالله مدرس زنوزی تبریزی این رساله را به سال ۱۲۴۷ در شرح حدیث  
« ما الحقيقة » کمیل بن زیاد بروش تأویل صدرای شیرازی آمیخته با فلسفه و عرفان  
شیعی نگاشته و در آن (۱۴۳ الف - ۱۴۴) از شرح ملا عبدالرزاق کاشی بر این  
حدیث یاد میکند و باره هائی از آن میآورد . این بزرگترین شرحی است که نوشته  
شد . زنوزی میگوید که فتحعلیشاه قاجار (۱۲۱۱ - ۱۲۵۰) در سال ۱۲۴۵ بفارس  
که آمد این را از من خواست و من آنرا بنام او و شاهزاده علیشاه ساختم .  
آغاز : بسمله جل جلالک و تعالی شأنک ... اما بعد چون سلطان سلاطین  
ایران و توران .

انجام : بر ازدیاد عمر و دولت و شوکت و سطوت شاهنشاهی دعا نماید .

۲۰ الحمد لله الذی وفقنی علی اتمامه ... والصلوة علی خیر خلقه ... و ذریته سنة ۱۲۴۷ .

[۵۴۱]

این نسخه بخط تعلیق و عنوانهای مطلبها در متن و هامش بشنگرف نوشته  
بسر کربلائی قدیمعلی تفرشی میباشد به سال ۱۲۵۰ برک ۱ ب ۱۵۲ ب .

( ۴۱۵۲ ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج سرخ ضری مقوالی

اندازه : ۲۱×۳۰ و ۱۲×۱۴ س ۲۰

(فارسی)

انوار حکمت

[۴۲۷]

سید معصوم علی شاه دکنی این رساله را در چند گفتار و هریک در چند بند با عنوان کلمه نگاشته است .

آغاز : الحمد لله الذی نور مصابیح القلوب بانوار حکمت . . . مناجات : الهی بعزت آنهایی (آنانی) که رخس همت در ساحت میدان قناعت تاخته اند .  
انجام : ایضاً کلمه تمام شد (خاتمه تمام) این رساله که موسوم است بانوار حکمت و متضمن کلام فقرا و عرفا و حکما و از عیب و تکلف مبرا و معرا .

[۵۴۲]

این نسخه شماره ۸ دفترست دارای ۱۱ رساله و بخط تعلیق خوش با عنوانهای شگرف میباشد ۵۵ الف - ۱۶۳ ب .  
( همه دفتر ۱۷۸ ۴ ) - کاغذ ترمه سیاهانی - جلد تازه شده  
اندازه : ۲۳ × ۱۴ و ۱۶ × ۹ س ۵۵

۳۵۸

[۵۴۳]

این نسخه شماره ۷ دفترست و بخط تعاقب عباسعلی بن نعمت الله کرمانی احمد آبادی در ۲۰ ج ۲ سال ۱۲۱۳ گ ۱۲۰ ب - ۱۳۰ ب .

۸۶۷

(عربی)

بستان المعرفة و طواسین الازل

[۴۲۸]

از سخنان پیچیده و مرموز دانشمند روشن بین شهید ایرانی ابو عبد الله الحسین بن منصور حلاج فارسی (۲۲۴-۳۰۹) است که بنام طواسین یاد میشود . شیخ ابو محمد روزبهان بن ابی نصر دیلمی بقلی فسائی شیرازی عارف (۵۲۲-۶۰۶) آن را بسال ۵۷۰ در دفتر سوم بخش دوم شطحیات بند ببند پارسایی کرد (۱) .

۱- — بنگرید به : شدالازار ص ۷-۲۴۳ — و کتاب الطواسین حلاج چاپ ماسینیون در پاریس بسال ۱۹۱۳ ص IX-IV-VI-XIX و ۸۰ و ۱۰۵ و ۱۰۷ و متن بستان المعرفة و ترجمه پاریسی آن در ص ۶۹ تا ۷۸ میباشد . طواسین در چایی ۱۱ بخش است : السراج ، الفهم ، الصفا ، الدائر ، النقطه ، الازل والالتباس ، المشیئة ، التوحید ، الاسرار فی التوحید ، التنزیه ، بستان المعرفة — در نسخه ما بخشی از بستان المعرفة هست .  
۲۵ دنباله حاشیه در صفحه بعد



- این نسخه شماره ۱۴ دفتر است و بخط شکسته تعلیق گ ۸۵ پ - ۸۷ ب  
 و چنین است: « کتاب بستان المعرفة و طاسین الازل من کلام العالم الغریب  
 ذی الشأن العجیب قتیل الدعوی خریق المعنی ابی المغیث الحسین بن منصور الحلاج  
 قدس الله روحه . بسمله و به تفتی . قال العالم الغریب و قد سئل عن المعرفة ، فقال المعرفة  
 فی ضمن النکرة مخفیة و النکرة فی ضمن المعرفة مخفیة ( برابر با ص ۹۶ چاپی ) - مصون عن  
 مصون الفكر الا ، اجل مصون فکری ان اصنه . قيل لما صلب کان يقول الهی اصبحت فی دار الرغائب  
 انظر الی العجائب ... و ما احسن فی مثلك ان ینتهک السر .  
 این بود نیمه نخستین این نسخه . در نیمه دوم گفتگوئی که در نه روز میان حلاج  
 و ابوبکر شبلی شده میآید و چنین است : « قال ابوبکر الشبلی دخلت علیه یوما فوجدته  
 ۱۰ یتکلم بکلام لا افهمه ... ما حفظته انه قال الهی لكل حق حقیقة ... ثم التفت الی و هو یسکی  
 و یقول من اخذه الحق عن نفسه و اوصله الی بساط السیر فقد علا ... » تا میرسد پیرششی که  
 روز نهم شبلی از وی کرد : « قال ثم جئت الیه فی الیوم التاسع و سألته عن التصوف  
 فقال : هو حال اجراه بنسیم القرب الیه ، و باعد ما سواه ، فلم یوجد الا ایه . ثم انشد :  
 ۱۵ مددت الی الرحمن من ناقتی کفی - فخطوب من نفسی النفیسة من نفسی ... رکت الیه  
 مر کبا کان بحر - لعین عیون الشوق لجنه حسی - و هبت نسیم » و بیابان نمیرسد و کم  
 دارد در برك ۸۵ الف بجای دیباچه بستان المعرفة در گذشتی کوتاه از حلاج هست با گفتار  
 ابوسعید ابی الخیر و شبلی در باره او بیارسی و چهار بیت بتازی از حلاج ( ۱ ) باز در بر کهای

دنباله حاشیه صفحه پیش

- این ندیم در فهرست ( نزدیک ۳۷۷ ) ص ۲۷۱ از طاسین الازل یاد نمود ، گروه سالمیان  
 ( نزدیک ۳۷۰ ) که از حلاج میستودند گویا از طواسین آگاه بودند و ابوطالب مکی ( م ۳۸۰ )  
 در قوت القلوب و ابن شمعون ( م ۳۸۷ ) و ابن باکویه ( م ۴۴۲ ) گزیننده اخبار الحلاج و قشیری  
 ( م ۴۶۵ ) در تفسیر لطائف الاشارات و هجویری ( م پس از ۴۶۶ ) در کشف المحجوب و سهروردی  
 شهید ( م ۵۸۷ ) در کلمة التصوف و روزبهان ( م ۶۰۶ ) در تفسیر و شطحیات و عطار ( نزدیک  
 ۶۲۰ ) در منطق الطیر و تذکرة الاولیا و ابن عربی ( م ۶۳۸ ) در فتوحات و ابن نجار ( م ۶۴۳ )  
 ۲۵ و مقدسی ( م ۶۶۰ ) و تلمسانی ( م ۶۹۰ ) و جلدکی ( م ۷۴۳ ) و جنید شیرازی ( نزدیک ۷۹۱ )  
 و جیلی ( م پس از ۸۲۶ ) و آلوسی ( ۱۲۷۰ ) از طواسین بهره بردند یا از آن یاد کردند ( ماسینون  
 ص XI - XXIV ) -

- ۱ - چنین است : شاهباز سبک سیر سلطان ابوسعید ابوالخیر فرموده : سجنجل الارواح  
 نور علی نور حسین بن منصور در غلو حال بوده در عهد او از مشرق تا مغرب عالم کسی مثل او  
 ۳۴ یتوادی را نه پیوده . شبلی گفت روزیکه او را در باب الطاق بغداد بردار کشیده بودند  
 بی تاب شده پس بدرگاه ذوالجلال نالیدم و عرضه داشتم که الهی این بنده ای بود از اهل  
 توحید مکشاف باسرار عشق و مقبول درگاه ، حکمت در اینواقعه چه بود ؟ خطاب آمده که  
 بقیه حاشیه در صفحه بعد

۸۴ ب و ۸۵ الف بیت‌هایی چند و نیز ده رباعی از ابوسعید دیده میشود . از گ ۸۸ تا پایان برخی بر کها سفید و در برخی شعرها و سخنان گوناگون آمده است .  
از همین بستان‌المعرفة نسخه‌ای در طوس ( ش ۳۸۱ ص ۳۶ ج ۴ ) هست و تنها آغاز آن مانند چاپی است و چنین انجام میگردد : « لا يعرف القدمی المحدث الفانی »  
و حلاج در آن السید الغریب ابوعمارہ یاد شد .

[۴۲۹] بیان التنزیل (فارسی)

شیخ عزیز بن محمد نخشبی (نسفی) فیلسوف عارف ایرانی در روزگار جلال‌الدین خوارزمشاه (۶۱۷ - ۶۲۸) میزیست گویند که در ۶۱۶ بخراسان بود و از مغولان بفارس و ابرقوه گریخت و در همانسال در گذشت و در ابرقوه بخاک سپرده شد (۱)  
او بدرخواست یاران بیان‌التنزیل را در عرفان نوشت و آن بزرگتر از کتاب تنزیل و خوردتر از کشف‌الحقایق و مانند تنزیل برده اصل میباشد .  
آغاز : یسمله بنام خدائی که بود و هست و خواهد .

انجام : و چون بمبدء خود رسیدند باز او بمبدء عام خواهد بود . تمام شد  
بیان‌التنزیل بعون و حسن توفیقہ و الحمد لله رب العالمین .

[۵۴۵]

این نسخه شماره ۲۰ و در برگهای ۴۶ الف تا ۸۱ الف دفتری است دارای ۲۲ رساله و همه بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف میباشد .  
( همه دفتر ۱۵۸ ف ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج مقوای ضربی  
اندازه : ۱۱ × ۱۷ و ۱۲ × ۱۴ س ۱۷

۴۰۵

۲۰ بقیه حاشیه از صفحه قبل  
یادلف کوشف سرمن اسرارنا فافاشاها فنزل به ماتری . عرض کردم چون کشی خوش هدر است ؟  
فرمود لادلف من قتلته فانادیته .  
للحلاج . انت بین الشغاف والقلب تجری — مثل جری الدموع فی الاجقان — وتجل الضیر  
جوف فؤادی — کجلاول الارواح فی الابدان — ایس من ساکن تحرك الا — انت حرکته خفی  
المکان — یاها لالابدان اربع عشر — لثمان و اربع و اثنتان . عطار :  
۲۵ لیک اندر قمارخانه عشق  
مثل منصور کس نباخت قمار

۱ - از کشف‌الحقائق او پیدا است که او در سال ۶۷۱ کاهی که لشکر کفار بماوراءالنهر آمده آنجا را ویران کردند در بخارا بود و در ۶۸۰ آنرا پرداخت و در ۱ همین سال در شهر ابرقوه فارس بوده است برخی سال مرگش را ۶۱۶ ( سال یورش تاتار ) و دسته‌ای ۶۶۱ یاد کردند ( ش ۹۳۶ ص ۲۲۲ ج ۴ فهرست طوس ) .  
۳۰

[۴۳۰] پاس انفاسی (فارسی)

دانشمند عارف جامی (۸۱۷ - ۸۹۷) در این رساله از عرفان سخن رانده و دربارهٔ «حضور و مشاهده خدا» سه راه ذکر و مراقبه و رابطه با پیر را یاد کرد. آغاز: هو. رساله پاس انفاس من منشآت مولانا عبدالرحمن جامی. بسمله و به التوسل.

سر رشته دولت ای برادر بکف آر

وین عمر گرامی بخسارت مگذار

... بدان افناك الله عنك وابقاك به كه حاصل طریقه... خواجه بهاء الحق والدین المعروف به نقش بند... وخلقای ایشان... بعد از تصحیح عقیده و تطبیق آن بمقاید سلف... و اتیان باعمال صالحه و اتیان سنن ماثوره و اجتناب از محظورات و مكروهات ۱۰ دوام حضور است مع الله. انجام: همگنان را از آنچه نشاید نگاهدارد و از آنچه نباید در پناه خود دارد.

[۵۴۶]

این نسخه شماره ۴۱ دفتر است و بخط تعلیق شهاب الدین الحسینی در پنجشنبه ۱۷ شعبان ۱۱۰۴ در روستای فیض آباد خیص ص ۳۴۹-۳۵۱.

۱۵

[۴۳۱] پند احمد غزالی (فارسی)

دانشمند احمد غزالی این پند عرفانی شیوا را بدوستی نوشته و او را «ای عزیزوای جوانمرد» میخواند. در آن از استاد ابوعلی دقاق و ابوبکر کتانی و معروف کرخی یاد میشود.

آغاز: هو. این وصیتی است که خواجه احمد بن محمد بن محمد الغزالی یکی از دوستان خود را خاصه فرموده است، اگر چه فائده او عامست - بسمله و حمد و صلوة... و ما امر و الا لیعبد الله مخلصین له الدین. و بعد خلق را از برای بندگی آورده اند، نه برای دنیا پرستی. فرمان نیست که جز ببندگی مشغول باشند. انجام: ایزد تعالی آن عزیز را مہبط انوار و منزل اسرار گرداند! و از آفات روزگار و غفلات دور دارد! تاجلیة الحق بعین الیقین بیند و بنهایت کار رسد. بمنه و جوده. ۲۵



۱۰۳۵ این نسخه شماره ۱۶ دفتر و بخط تعلیق ص ۱۶۱-۱۶۲ .

[۴۳۲] **نَهْجَةُ شَطَارِيَه** (فارسی)

این رساله در عرفان است و در سه اصل ( محبت دنیا - طالب عقبی - صفت طالبان حق ) و يك خانمه . عبارتهای تازی و بیتهای پارسی در آن هست . از حافظ شیرازی (۲۶۳ الف) در آن یاد میشود .

آغاز : بسم الله الحمد لله رب العالمين ... این رساله وصیت نامه ای است و وصیت آنستکه یکی بیند و یکی داند و یکی گوید و یکی جوید ،  
انجام : برباد شد رفتار من . گشتم خجل چون منکسر . الکلام .

[۵۴۸]

۱۰

این نسخه شماره ۲۰ دفتر و بخط تعلیق گ ۲۵۹ ب - ۲۶۷ ب و برگهای ۲۶۹ و ۲۷۰ نیز سخنانی است عرفانی .

۸۶۷

[۴۳۳] **نَهْجَةُ الْعَالَمِيْن** (عربی)

سید مهدی طباطبائی حکیم این رساله را در پارسائی و تصوف نگاشته است .

[۵۴۹]

۱۵

این نسخه چاپ چاپخانه ادبیه بیروت بسال ۱۳۰۷ است و شماره ۵ این دفتر و در ۴۲ ص از گ ۱۲۲ الف تا ۱۴۳ ب .

۹۹۴

( همه دفتر ۱۵۹ ۴ - کاغذ فرنگی - جلد تمیاج سرخ ضریبی مقوایی )

اندازه : ۱۰×۱۷ و ۶×۱۵ س ۵ تا ۲۴

[۴۳۴] ۲۰ **نَهْجَةُ الْهَشَاكِي** (فارسی)

در عرفان آمیخته با اخبار شیعیه است از محمد کریم شریف قمی (گ ۶ ب) (۱)

۱- در دیباچه نام کتاب و نگارنده آن یاد شد . پیداست که اوشعیه است و یاد میکند از : خواجه طوسی و اربعمین و مفتاح الفلاح شیخ و مولانا محمد باقر خراسانی که نخست از صوفیان بد میگفت و سپس در منبرها و مسجدها آنرا میستود و از شیخ الطائفة الانشاء شریه صفی الدین و قطب زاهد شیخ ابراهیم گیلانی . درباره رشته سند اجازه و کلاه و خرقة شیخ صفی بدینگونه از شیخ صدرالدین میاورد : شیخ صفی الدین ، شیخ ابراهیم گیلانی ، شیخ دنباله حاشیه در صفحه بعد

۲۵

و در يك مقدمه (پند و اندرز) و ۱۴ باب (توحید - شریعت و طریقت و حقیقت - ولایت - تصوف - عشق عقیف - ذکر خفی و جلی - صوت حسن - فقر - کم خوردن - تنهایی و اعتکاف و کم خوردن حیوانی - شال پوشیدن - کرامات و خواب - شطح و طامات - رجال الغیب) قمی این کتاب را برای پاک ساختن صوفیان از آلائش و وحدت وجود و دیگر چیزها نوشت و تصوف را با خبرهای شیعی سازش داد و از سخنان شیخ صفی بسیار آورد.

آغاز: بسمله و به ثقی . سپاس و ستایش پروردگار کریمی که حدایق ریاض ممکنات را از بیداء ظلمات آباد عدم بصحراء وجود آورد .

انجام: اگر . . . شهرت بین العوام مردد بوده این ضعفا ارباب بحث نبوده بامباحثه و مجادله رجوعی ندارد . . . و زبان حال و مقال اهل وصول و وصال باین مناجات . . . علی بن الحسین . . . در همه احوال ناطق و گویا است سبحانک ما اذیق الطریق . . . و ان تجعلنا من محبهم و موالیهم بمنك و کرهك الحمد لله . . . و صلی الله علی محمد و آله . . . آل طه و یسن .

[۵۰.]

این نسخه بخط تعلیق و عربیها بنسخ و عنوانها شتگرف و بیتها گاهی زیر خط سرخ و برخی جاهها حواشی دارد . کوشه پائین ۴ برک نخستین پاره شده و کاغذی از نو چسبانده و بسیاری از عبارات آنجا خوانده نمیشود .

۳۸۸

( ۴۸۱ ) - کاغذ فرنگی - جلد نیمه فرسوده

اندازه: ۱۹ × ۲۹ و ۱۲ × ۲۱ س ۲۳

مانده حاشیه از صفحه پیش

جمال الدین ابهری ، شیخ قطب الدین ابهری ، شیخ نجیب الدین سهروردی ، قاضی وجیه الدین بکری ، محمد بکری ، پدر او ، احمد اسود دینوری ، مشاد دینوری ، شیخ جنید بغدادی ، سری سقطی ، معروف کرخی ، داود طائی ، حبیب عجمی ، حسن بصری ، علی ابی طالب ، پیامبر . در اینجانا گزیر میشود اخباری را که در کتابهای شیعه در نکوهش حسن بصری آمده است نادرست بدانند و خبرهای کتاب احتجاج را که در این باره آمده ۲۵ مجهول بشمارد . حدیثهایی از مجلس ۵۱ امالی شیخ درستایش حسن میآورد . درگ ۵۸ از عوارف المعارف سهروردی و شرح دیوان ملا میر حسین و مصابیح القلوب ملا محمد حسین کاشفی نویسنده روضه الشهدا و شیخ بهائی یاد میکنند .

از گروه فوئاغورسی (۱) بندها و اندرزهایی درباره زندگی اجتماعی و سیاسی

- ۵- فوئاغورس یا پوئاگورس (۵۷۰-۵۰۰ پ م) فیلسوف ساموسی رهبر گروه علمی و دینی و سیاسی نهائی در کروتون (قروطنیا) نزدیک ۵۳۰ بوده است این گروه مانند دسته‌های ارفئوسی دستور پاکیزه خوئی و نیکرفتاری و پارسائی بکسان خویش میدادند و بجهانشناسی ایونی و دانش ریاضی و طبیعی میپرداختند. اینان دشمن فرمانروایان خودکام (طراشه) بوده از ۵۱۰ با مردم کروتون جنگیده فرمانروائی گرانمایگان خردمند را در آن شهر بنیاد گذاردند و بارخونها (اراکنه) دستور دادند که کارنامه‌هایی برای جوانان بنویسند و بدانها بیاموزند. زن و مرد بانجم فوئاغورس میآمده و پندهای او را میشنودند. این گروه تا ۴۶۰ بر آن شهر چیره بودند تا اینکه میان ۴۵۹ و ۴۵۰ پیش از مسیح مردم شوریده خانه آنها را سوزاندند و چهل کس از آنها بکشتند و بسیاری از آنها گریختند. گرچه نشانه‌هایی از جنبش آنان در سیرا کوز و تپس پس از این دیده میشد.
- ۱۰- اینان تا ایتالیا و سیکیلیا نیز رفته پیروانی پیدا کردند. دسته نخستین این گروه تمارک پلاتون بوده‌اند و دومین دسته فوئاغورسیان که نوپوئاگورسی خوانده میشوند تا نزدیک سده یکم مسیحی میزیسته‌اند. در گروه فوئاغورسی زنان و بیگانگان (بربرها) نیز راه داشته‌اند مانند میخو استند یک آئین جهانی نه یک کیش شهری بنیاد گذارند.
- ۲۰- این بود که نوکازان را بنام نیوشندگان (نفوشاک = سماعیه) و آزمودگان را بنام یاران (صدیقیه) میخواندند و دستورهای زندگی و برنامه کار می‌نوشتند و بآنان میآموختند. بیشتر نوشته‌های این گروه از خود فوئاغورس نیست و ساخته پیروان است و از آنها است همین ترانه زرین. فوئاغورسیان میبایستی بهم‌دیگر کمک کنند و همه گوش فرمان استاد و رهبر باشند و تنها سخن او را داور بدانند. کارآموزان میبایست بآزمایش درآیند و درست آشنا شوند و آنگاه بانجم راه یابند و پیروان بایست در خوراک و پوشاک و سرودها و نیایش از دستور پیروی کنند. کسانی هم بودند که از پیرون با این گروه وابسته بودند بی آنکه بهمه رازها آگاه باشند. این گروه مانند یسوعیان بودند و باطنیان و اخوان صفا نیز از آنان در بسیاری از چیزها پیروی نمودند مانند: انجم نهانی و دستور و کارنامه پیروان و انگیزه بسوی پارسائی و خوشخوئی و گرایش بتناسخ و پرداختن باعداد. چنانکه سرگذشت این دو گروه مانند آنها نیز افسانه آمیز شده بود.
- ۳۰- (بشکریه به: عیون الانباء خزرجی ج ۱ ص ۴۰ که سرگذشت آنها را از گفته فروریوس آورد - تاریخ فلسفه برهیه ج ۱ ص ۵۰ و آلبریو و ج ۱ ص ۳۲ - تاریخ دنیاله حاشیه در صفحه بعد



- در ۷۱ بیت بزبان یونانی بیادگار مانده که برنامه کار برای پیروان این گروه بوده است. گویا ریشه آنها چکامه‌هایی بود که شاعران الهی دسته ارفقوسی در سده ۵ سروده و هم در سبک و هم در معنی مانند وجدی و تند و ماناسرا بنده نیکوکار و پاکیزه سرشت و شوریده‌ای آنها را ساخته است (لاروس سده ۱۹ و ۲۰). گویند این پندها که ترانه زرین (خروسایی) (Les vers dorés) (۱) میخوانده‌اند از لوسیسی (Lysis) دانشمند سده چهارم پیش از مسیح که در روزگار ارخوتاس فونتاغورسی میزیسته است میباشد و از سخنان امپدکلس و سوگند فونتاغورس و گفته‌های هسیودوس و خیرمون و کریسفوس و اندروکیدس و فیلولائوس گرفته شده است. اثیناوس مصری بسال ۲۰۰ مسیحی آنها را میشناخت (دیباچه جاویدان خرد بدوی

- مانده حاشیه صفحه پیش
- ۱۰ مسائل فلسفی ژانه ص ۹۲۰ از B. Brasillach Antlnologie de la poésie grecque چاپ پاریس ۱۹۵۰ ص ۱۰۸ در اینجا پاره ای از متن و ترجمه فرانسوی ترانه زرین دیده میشود و در لاروس سده ۱۹ هم چند بندی از این ترانه هست که تا اندازه ای نزدیک بمتن پارسی و تازی میباشد.
- ۱۵ این ندیم ص ۳۴۲ میگوید بوئاغورس نخستین فیلسوف بوده و نخستین بار حکمت را فلسفه نامید و اوراست نامه‌هایی که به «ذهبیات» نامبردار است چه جالینوس آنها را بس بزرگ میداشته بآب زر می نوشت و خزرجی بر آن میافزاید که «رساله ذهبیه» را جالینوس هر روزه میخواند و بدان می نگریست (ج ۱ ص ۴۳) در کشف الظنون (چاپ تازه ص ۱۴۷ و ۲۰۱۲) از «وصایاء» فونتاغورس نگارش ابی العباس احمد بن محمد بن مروان بن الطیب سرخسی شاگرد کندی و کشته در ۲۸۶ که ما ناگزارشی است از سرخسی بر آن و نیز از «وصایا فیناغورس الذهبیه» که بر قلس (پر کلس) افلاطونی تفسیر نمود یاد میکند. متن تازی آن در جاویدان خرد (الحکمة الخالدة) مشکویه رازی آمده (چاپ بدوی در ۱۹۵۲) و خزرجی (ج ۱ ص ۴۱) اندکی از آنرا از مختار الحکم و محاسن الکلم ابن فاتک آورده است. الی شمن Elichmann آنرا بالغرقایس Kebes بسال ۱۶۴۰ چاپ کرد و گزارش گسترده ای از ایندودراسکوربال بشماره ۸۸۸ هست. ترجمه ۲۵ یارسی آن در جاویدان خرد فارسی (چاپ سنکی ۱۲۴۶ یزدگردی = ۱۲۹۴) و در کنوزالودیه الی رموز الذریعه (ش ۳۹۴) در نمط سیم پایان دیده میشود. پارسی دونسخه ما در دانشنامه (شماره ۱ بنگاه بایدار ۱۵ خرداد ۱۳۲۶ خ ص ۱۸ - ۱۹) بچاپ رسید.

ص ۴۴ - ۴۸) دانشمندان خاوری نیز از این ترانه ها آگاه بوده و آنها را وصایاء ذهبیه (دو نسخه ما) یا رسائل ذهبیه (ابن ندیم) یا رساله ووصیة ذهبیة (اخوان صفا) مینامیدند. حنین اسحق در نوادر الفلاسفة از سفارش و پندیکه جالینوس آنرا زرین « الوصیة الذهبیة » میخوانده است یاد نمود. اخوان صفا که از جهانشناسی ریاضی فوئناغورسیان آگاه بوده و در روش کار انجمن نهانی خویش درست از آنها پیروی میکردند در دفتر ۱ و ۲ بخش ۳ رسائل سخنان آنها را آورده در دفتر ۳ بخش ۱ و دفتر ۳ بخش ۴ (ج ۱ ص ۹۲ و ج ۴ ص ۱۰۰) عبارتی از همین ترانه یاد کردند و از سخن آنها چنین برمیآید که این ترانه پندی است از فوئناغورس بدیوجانس. صدرای شیرازی در مبدء و معاد ص ۲۳۳ و مظاهر ۲۸۷ همان عبارت را آورد که در ترجمه پارسی ما دیده نمیشود. باز اخوان صفا در الرسالة الجامعة (ج ۱ ص ۳۰ و ۱۷۳ و ۷۲۲ و ج ۲ ص ۳ و ۲۳) از اینکه ساختمان جهان بگفته فوئناغورسیان بر روی شمار گذارده شده یاد نمودند.

[۵۵۱]

این نسخه شماره ۵ دفتر است و بخط تعلیق ریز خوش نزدیک ۱۲۶۰ گ ۵۶ ب - ۵۷ ب. ۳۴۰

[۵۵۲]

این نسخه شماره ۱۵ دفتر و بخط شکسته تعلیق ص ۱۶۰ - این دو نسخه اندکی از هم جدائی دارند. ۱۰۳۵

[۴۳۶] تفسیر آیه دخان (عربی)

این گفتار از شیخ رئیس دانسته شده و در کنار شرح هدایه شیرازی ص ۸-۲۹۶ بچاپ رسید و بروش تأویل فلسفی نگاشته شده و از خردهای آسمانی در آن یاد گردید. ۲۰

[۵۵۳]

این نسخه شماره ۱۴ دفتر است و بخط تعلیق گ ۱۴۴ الف - ۱۴۵ ب (قنواتی ۸۷۱ ش ۲۰۷).

[۴۳۷] تفهیم گنج کز امخفیا « (فارسی)

این گفتار در شرح این عبارت بالا است که از حدیثهای قدسی بشمار آورده و عارفان بیشتر از آن یاد میکنند .

شارح در آغاز اشکالی بر آن میکند و میگوید : خدا از که نهان بود و خواست خود را هویدا سازد ؟ از خود اگر نهان بود پس بخود آگاه نبود . دیگری هم نبود که او از وی نهان باشد .

آغاز : بسمله . قال الله تعالى : « كنت كنزا مخفيا فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لكي اعرف » قبل ايجاد العالم والادم از که مخفی بود .

انجام : سؤال روح انسانی از نور ذات حق بظهور آمدن یا از صفات ؟ جواب بقول بعضی از نور ذات و بقول بعضی از صفت جمال و جلال . كما قال قطب الاقطاب شيخ نجم الدين الكبرى عن سيد العارفين ابو بكر الواسطي رحمه الله عليه قال : « تصادم صفة الجمال وصفة الجلال فتولد منهما الروح المحمدى . وصلى الله على سيدنا محمد وآله . تم بعون الله .

[۵۵۴]

۳۳۹ این نسخه شماره ۳۰ دفتر و بخط تعلیق گ ۸۶ الف - ۸۷ ب . ۱۵

[۴۳۸] تفهیم « لا اله الا الله » (فارسی)

این گزارش عرفانی از جامی است .

آغاز : بسمله . من طلب البر من الباری فهو مشرك بالباری . عشق دوئی بر نتابد قبله گاه وی ذات معشوق است و بس .

انجام : شایسته سر لایزال بی نکنی . و الحمد لله وحده . . . یهدی من یشاء ۲۰

الی صراط مستقیم

[۵۵۵]

۸۶۷ این نسخه شماره ۱۶ دفتر است و بخط تعلیق گ ۲۵۱ الف - ۲۵۲ الف .

[۴۳۹] التمهید فی شرح قواعد التوحید (عربی)

این دفتر گزارشی است از صائین یا ضیاء الدین علی ترکه خجندی نگارنده



مفاحص برقواعد التوحید نیای خویش صدرالدین خجندی (۱) و در آن دو توحید عرفانی و وحدت وجود با برهان منطقی روشن میگردد و همچنین آشکار میشود که روش ریاضت صوفیان و علم شهودی آنان راهی است درست. صدر خجندی مانند اسپینوزا که فلسفه و اخلاق را بساخت ریاضی درآورده بعرفان ریخت قیاس

۵ ۱- خاندان تر که از مردم خجند و دانشمندی شیعی و ترک زبان بوده اند و چهار تن از آنها در اینجا یاد میشود :

۱- فیلسوف عارف سده هشتم صدرالدین ابوحامد محمد بن حبیب الله تر که خجندی سپاهانی نگارنده «الاعتماد الكبير - الحکمة الرشیدیة - الحکمة المنیة - قواعد التوحید وجود مطلق» .

۱۰ ۲- نواده او صائن یا ضیاءالدین علی بن محمد بن صدرالدین محمد ، فیلسوف عارف و نگارنده « اسرار الصلوة - علم الحروف - شرح فصوص الحکم - شرح گلشن راز - شرح یائیه ابن فارس ( م ۶۳۲ ) - شوق القمر - مفاحص » و دو کتاب بنام « نفثة المصنوع » در رد دشمنان خویش . او در روزگار شاهرخ میرزا ( ۸۰۷ - ۸۵۰ ) پسر تیمور گورگان درهرات میزیست وی بدستور او بدووری شهر یزد گمارده شد و بتهمت تصوف آزارها بدید و در سال ۸۳۰ درهرات درگذشت . ۱۵

۳- افضل الدین محمد صدر تر که خجندی سپاهانی ترجمان ملل و نحل شهرستانی بیارسی بنام « تنقیح الادلة والعمل فی ترجمة کتاب الملل والنحل » که در روز یکشنبه ۱۳ رجب ۸۴۳ در کوی نیماورت سپاهان آنرا ایرداخت گویا برادر یا پسر عم صائن الدین بوده است . او را در ۸۵۰ بفرمان شاهرخ بدار آویختند .

۲۰ ۴- افضل الدین محمد تر که قاضی شاه تهماسب صفوی ( ۹۳۰ - ۹۸۴ ) که قاضی عسکر صفویان بوده و در ۹۹۱ درگذشت ( عالم آرا ص ۱۱۵ ) .

بنگرید به : ذریعه ج ۴ ص ۴۳۴ - ریحانة الادب ج ۱ ص ۴۱۲ - دیباجة ترجمه ملل و نحل چاپ تهران - پشت برك ۱ تمهید القواعد چاپی گفتار شاهزاده عمادالدوله از « جامع الاسرار » سید حیدر آملی که در آنجا ( ش ۳۴۱ گ ۲۳۶ ) میگوید : « ابوحامد صدرالدین سپاهانی تر که از فلسفه بتصوف پرداخت و نگار شهادت آن دارد از آنهاست «وجود مطلق» که در آن وجود مطلق و بداهت آنرا ثابت نمود و روشن ساخت که هستی چنانکه صوفیان میگویند در خارج هست و در آغاز آن گفت : اما بعد فان تقریر مسئله التوحید علی النحو الذی ذهب الیه العارفون ... و بطلان قول الطاعین المنکرین ( تا س ۳ ص ۲۸ چاپی ) - در هاشم روضات الجنات ص ۲۰۲ از گفتگوئیکه میان خواجه افضل الدین محمد شیر تر که اصفهانی دانشمند امامی با میرزا معتمد شریفی و مولی میرزا جان باغنوی و ابی حامد بن نصر البیان شیرازی در باره روش جبری صوفیان شده یاد میکند . ۳۰

و استدلال داده است. شارح گاهی از شیخ رئیس و شیخ اشراق و از نیای خویش بنام «ابو حامد ترکه» یاد میکند.

[۵۵۶]

- این نسخه همان چاپ تهران سال ۱۳۱۵ است که شادروان میرزا یدالله نظر  
 ۴۱۳ پاك كجورى آنرا تصحيح وحاشيه كرد (۱۴ × ۲۲ ر ۲۳۴ ص ۲۳۴ جلد تیماج سبز  
 ۵ مقوائی) در این دفتر مفتاح مفاتیح الفصوص المسمی بالنصوص از صدرالدین محمد  
 بن اسحاق قونوی م ۶۷۳ و رساله وحدت وجود حکیم آقامیرزا محمدرضا قمشه ای که  
 بفصل نخستین شرح فصوص الحکم قیصری می پیوندد و اثنی عشریه منسوب بمجیبی الدین  
 اعرابی (۵۶۰-۶۳۸) نیز به چاپ رسید در هاشم رساله طریق التصوف مجیبی الدین است  
 که بدرخواست فخر رازی نوشته است و همچنین مفتاح الغیب (احدیة الغیب) قونوی .  
 ۱۰

[۴۴۰] جامع الاسرار و منبع الانوار (عربی)

- دانشمند عارف شیعی سید حیدر بن علی بن حیدر عبدلی (عبیدی) آملی  
 بغدادی حلی (زنده در ۷۲۵ تا ۷۸۷) که از آمل به بغداد آمده و در روزگار فخر المحققین  
 محمد حلی و نصیرالدین کاشی حلی میزیست و با آنان آمیزش داشت، از جوانی در  
 عرفان بروش شیعی دوازده امامی بررسی نموده میان آندو سازگاری داد. او بسیار  
 ۱۵ بمجیبی الدین اعرابی میگرانید و او را رهبر یکتایرستمان مینامید. آملی بدرخواست  
 فخر المحققین «رافعة الخلاف فی وجهه سرکوت امیر المومنین عن الاختلاف» نوشت (۱)

- ۱ - بنگرید به : مجالس المومنین مجلس ۶ - روضات الجنات ص ۲۰۲ - الکنی  
 واللقاب در کلمه آملی - ص ۱۸۱-۱۸۳ همین فهرست - آملی «الکشکول فی ماجری علی  
 ۲۰ آل الرسول» دارد و «رسالة الامانة» و چهار تفسیر قرآن که چهارمین آن بروش تأویل  
 است و اینها را بتورات و انجیل و زبور و قرآن مانند نمود. نیز «جامع الحقائق» و «امثلة  
 التوحید» و «العلوم العالیه» در ۷۸۷ و المحيط الاعظم» در ۷۷۷ و «شرح فصوص یانص  
 النصوص» که در آن سخنان مجیبی الدین و شارحات همه را بجز در باره وحدت وجود  
 رد کرد. وی در دیباچه جامع الاسرار از «رساله منتخب التأویل» خود که در عرفان است  
 (نیز در گ ۲۶۱ ب) و «رسالة الارکان» فی فروع شرایع اهل الایمان بمذاق کل من ارباب  
 ۲۵ الشریعة و العرفان که در فقه و عرفان است و «الرسالة التتريه» خود یاد میکند. میگوید  
 که صوفیان یا پیرو کمیل هستند یا حسن بصری یا صادق ع که همه اینها شاگرد علی ع  
 میباشند (۲ ب) باز یاد میکند از : کمیل و بایزید بسطامی و جنید بغدادی (۲۹۲ الف) و از  
 صاحب اخوان صفا و عبارتی از آغاز دفتر بخش ۳ (ج ۳ ص ۱۸۲) در آن آمده (۱۱۱  
 الف) و از شیخ رئیس که عبارتی از او درباره اینکه نمیتوان بکنه چیزها رسید و خدا  
 ۳۰ دنیاله حاشیه در صفحه بعد

آملی در جامع الاسرار عرفان را بر روش شیعی ثابت نمود و آنرا «جامع اسرار» خدا بر روی قاعده صوفیان و شیعیان نامید و در آن از سخنان بسیاری از دانشمندان گواه آورد که از فلسفه بتصوف پرداختند. کتاب دارای سر آغاز و دیباچه ای است در پوشیدن رازها و سه اصل هر يك در سه قاعده (۱) در توحید ۲ سخنان خدا و پیامبران و پاکان و پیران در باره آن ۳ راز دینهای خدائی و دارندگان شریعت و طریقت و حقیقت در همان توحید).

آغاز: الحمد لله الذی کشف عن جماله المطلق حجاب الجلال المسمی بالکثرة...

مانده حاشیه صفحه پیش

- ۱۰ را نتوان درست شناخت آورد (۲۲۸) و همچنین شعریکه شیخ دردم مرگ میخواند و در پایان «سرگذشت» نسخه ش ۶/۶۹۴ کتابخانه ملی ملک و نسخه ش ۱۲۱۶ ص ۱۶- ۲۲ کتابخانه سپهسالار دیده میشود (۲۳۵ ب) و نیز از محیی الدین در چندین جا و فتوحات او و فصوص او (گ ۱۰۸ ب و ۱۱۳ الف و ۱۸۵ ب و ۱۸۶ ب) و او را بسیار میستاید و در باره او شیخ اعظم میگوید (۲۳۱ الف) نیز از منازل السائرین هر وی و شرح کاشی (گ ۱۵۵ و از قیصری (۱۸۷ ب و ۱۹۹ ب) و صدر الدین قونوی (۲۰۶ الف) و فخر رازی و شعر او: «نهایة اقدام العقول عقل...» (۲۲۲ ب) و از اشراقیان و مشائیان (۲۳۰ الف). آملی بسیاری از دانشمندان را عارف می شمارد و در باره برخی گوید که از فلسفه و علم رسمی برگشتند و ب عرفان پرداختند مانند عزالی (۲۳۵ الف و ۱۰۸ ب) و افضل الدین خونجی و افضل الدین کاشانی و عقیق الدین تلمسانی (۲۳۶ الف) و شرح منازل السائرین او (۲۲۳ الف) و صدر الدین سپاهانی تر که (۲۳۶) و سعد الدین حموی (۱۱۳ الف)
- ۲۰ او بسیار باین دانشمندان ارج می نهد و از کتابهایشان نام میبرد: فصول طوسی (۲۳۴ الف- ۲۲۸ ب) و آغاز و انجام و اوصاف الاشراف او (۲۳۵ الف) و مناهج الیقین و مناهج الکرامه و شرح النظم علامه حلی و شرح نهج البلاغه صغیر و کبیر کمال الدین میثم بحرانی و مناهج العارفین فی شرح کلام امیر المومنین الموسوم بالمائة کلمه همو و از استادش علی بن سلیمان بحرانی و از عبدالرزاق کاشی و تأویلات او (۲۳۷ الف و ۲۶۸ الف) و از سمرقندی و طوسی (۱۰۸ الف) در ذریعه دنبال کلمه تأویلات (ج ص ۳۰۸) میگوید که این آملی جز سید حیدر بن علی نگارنده «الکشکول فیما جرى علی آل الرسول» است که در ۷۳۵ نوشته شده و پس از او میزیست و نیز جز سید حیدر بن علی بن حیدر مجاز از فخر المحققین بسال ۷۵۹ می باشد ولی شوشتری در مجالس المومنین «الکشکول» را از همو دانست. در روایات الجنات مینویسد که آملی جز سید قطب الدین حیدر تونی و فخر الدین حیدر بن علی بن ابی علی محمد بن ابراهیم بیهقی که پسر علامه رساله النية را برایش نوشت می باشد.
- ۳۰



اما بعدفانی لما فرغت من رسالة منتخب التأویل المشتملة على بيان كتب الله الافاقية والانسانية .

انجام : اقول ايضا في آخر الكتاب ما قد قلت في اوله لان النهايات هي الرجوع الى البدايات واقطع الكتاب عليه وهو هذا : لقد كنت قبل اليوم انكر صاحبی - اذا لم يكن قلبی الى دينه دان - لقد صار قلبی قابلا لكل صورة - فمرعى لغزلان ودير الرهبان - وبيتا لاونان و كعبة طائف - والواح - تورا و مصحف قران - ادين بدين الحب انی توجهت - ركايه ارسالت دينی وایمانی (نیز گ ۴ ب) .

[۵۵۷]

این نسخه بخط نسخ با عنوانهای شنکرف است از محمد کریم بن محمد صادق  
۳۴۱ ابهری جی و ص ۱ نو نویس است در گ ۷۹ الف و ۱۷۹ الف حاشیه ای دارد از  
«محمد» دو نسخه از این کتاب در طوس (۴۳۷ و ۴۳۸ ص ۵۹ و ۶۰ ج ۴) هست .

(۳۲۹۴) - کاغذ سه رنگی - جلد تیباج سرخ

اندازه : ۱۲٫۵ × ۱۹٫۵ و ۱۴ × ۱۵ س

(فارسی)

جامع الامور

[۴۴۱]

۱۵ نور علی شاه (محمد علی) پسر میرزا عبدالحسین پسر محمد علی رقی طبسی  
سپاهانی (۱۲۱۲ در موصل) شاگرد سید معصوم علی شاه دکنی و یکی از رهبران  
گروه پيرو شاه نعمه الله کرهانی این گفتار را بنظم و نثر مسجع در تصوف ساخته است.  
آغاز :

۲۰ مر آن کنز خفا را باد سرمد

سپاس بقیاس و حمد بیحد

ز خلوتخانه در بیرون قدم زد

که چون روز از لزا حببت دم زد

انجام :

صید مکن تا نشوی خویش صید

قید منه تا نهی پسا بقید

[۵۵۸]

این نسخه شماره ۱۰ دفتر است و بخط تعلیق گ ۱۷۰ الف ۱۷۱ ب و بدینجا

۳۵۸ پایان میابد :

«عشق است کلید هر طلسمی بی عشق نه جان بود نه جسمی» برابر با س ۱۳  
ص ۹۷ عوارف المعارف چاپ چاپخانه مظفری شیراز سال ۱۳۱۷ خ که همین کتاب بنام  
بالا (مانند فهرست آغاز این چاپ) در ص ۹۴-۱۴۸ آن هست. در فهرست انجام این چاپ

«کنز الاسرار» یاد گردید . نسخه ای از آن در مجلس ش ۶۵۴ هست .

[۵۵۹]

۸۶۷ این نسخه شماره ۳ دفتر است و بنام کنز الاسرار بخط تعلیق عباسعلی کرمانی احمد آبادی در همدان در ۲ ذی حجه سال ۱۲۱۲ گ ۶۸ الف - ۹۲ ب

[۴۴۲] جامع الکلیات فی الحکمة والعرفان (فارسی)

۵ این دفتر را فرزند قطب الدین محمد نیریزی (م نزیک ۱۱۷۳) از روی فصل الخطاب پدر بیارسی نوشت. وی میگوید که پس از ۱۵ سالگی ۵ سال در فارس و ۱۰ سال در نجف از سخنان پدر بهره بردم و در ۳۰ سالگی این کتاب را نوشتم. او این دفتر را را که دارای ۱۴ بیان است در پایان ماه شعبان سال ۱۱۸۳ در کربلا نوشته است.

آغاز: بسم الله حمد و ثنا و ستایش بلا منتها واجب الوجودی را که وحدت ذاتش بتحدید قوه نظری در نیاید ... این کتابی است که این کمترین ... ملقب بدعا مطالب آنرا اقتباس نموده ام از انوار شمس حکمت عرفا.

انجام: زفرزند بهتر ولی آنجهان - نباشد امیدی بجز حق بدان .

[۵۶۰]

۸۵۷ این نسخه بخط نسخ با عنوانهای شنگرف میباشد .

۱۵ (۶۸) - کاغذ فرنگی - جلد تماج مشکی ساده

اندازه: ۱۴ × ۲۱ و ۸٫۵ × ۱۴٫۵ س ۱۵

[۴۴۳] جوگت باششث (فارسی)

۲۰ جوگت باششث (Yoga - Vasishtha) Jog Bashishth گزارش است از عرفان هندی و بساخت گفتگوئی میان ریشی واسیشثه (Rishi Vasishtha) و راماجاندر (Ramachandra) که پندت (Pandit) کشمیری (Kashmir) اتندن (Anandan) یا «ایپندن Bahandan» گزین نموده و نظام الدین پانی پتی بدستور شاهزاده نورالدین محمد جهانگیر سلطان سلیم بهادر (۱۰۱۴-۱۰۳۷) در هنگام ولایت عهدی او و بفرمان جلال الدین اکبر شاه هندی (۹۶۳-۱۰۱۴) در ۱۰۰۶ آنرا از هندی (سنسکریت) بیارسی در آورد .

۲۵ میرفندرسکی درباره این کتاب میگوید: همچو آبست این سخن بجهان - پاکو

دانش فزای چون قران (نسخه ۴۰۰ طوس) و خود بر آن حاشیه نوشت (۳۹۹ طوس) و فرهنگی برای آن ساخت (۱). این دفتر در شش باب است. ۱ - درس گذشت رامچند و برگشت اواز اینجهان و دلبستن بجهان دیگر ۲ - فنا بقاء ۳ - یگانگی خدا و این هستی های گوناگون که پرتواویند ۴ - پیدایش و پایداری اینجهان ۵ - گرایش بخدا و نگرستن جزا و ۶ - تصوف (۲).

۱ - نسخه ای از این جوگ باشت در کتابخانه مجلس (ش ۶۵۱ ص ۴۱۴ ج ۲) و دو نسخه در طوس (۳۹۹ و ۴۰۰ ص ۴۴ و ۴۵ ج ۴) هست و نیز نسخه ای در کتابخانه خاوری دانشگاه اسلامی علیگره (فهرست نسخ قلمی چاپ ۱۹۲۹ بخش تصوف ش ۷۰ تاریخ ۱۸۵۰) هست. در مجلس گزیده ای است از جوگ از فندرسکی (۶۴۰/۱۷) و همچنین رساله ای در عرفان هندی بتازی (۶۳۴/۲۰) نیز بنگرید به فهرست بهار هندج ۱ ش ۱۰۶ ص ۸۱.

۲ - در دیباچه (گ ۱۱) مینویسد: برهمنان بر بان دیگر همانسخنان که فرزنانگان باستانی در باره یگانگی خداوند دارند میگویند. و نگارنده نخست خدا را ستوده از تجلیات او یاد نمود و گفت که خدای در چهار یار جهان را بیافرید و در هر یک نموداری از او آشکار گشت و نرسنک کشمیری یکی از آن نمودارها بود از هستی خدا «برهمنان» پیدا شد که همه کمالات را دارا و چهار «بید» با چهار دفتر از زبان او پدید آمد و در هر بیدی خدای بخوبی شناسانده شد. نمودار دیگر خداوند «مهادیو» است که همه «رکھیسر» ها و کاملان از او بهره میگیرند و هستی بخشی کار او است. پس از او پسرش «کهن راج» است و سپس پسر او «سرسنی» که مانند رود گنگ هر خورد و کلان و هرنیک و بد که بدرگاه او روی نهند و خود با و سپارند پاکشان میسازد و بزرگواریست که جمیع دیوتها و روحانیان نیاز دادن استانه او را سرفرازی خویش میدانند. نگارنده آنگاه از «بالمیک رکھیسر» یاد میکند و از او کمک میجوید سپس «رامچند» و استادش «بسته» را می ستاید تا اینکه میگوید «بید» هارا «رکھیسران» بر زبان رانده و آنها را بر دم آموختند باز میگوید که از «کوسلیا» زن پارسای «راج» جسته «نماینده ای از خداوند پدیدار شد که شاگرد «بسته» رکھیسر» شد و بجنک «رکسان» خونخوار رفت و پیروز گشت او آئین «بید» را که کهنه شده بود تازه گردانید و سخنان «بسته» را بیادگار گذاشت و در گذشت. دبری گذشت «بهرک Bhrigu» شاگرد «بالمیک VarhmiKi» رکھیسر» از استاد خواست که سخنان «بسته» رکھیسر را روشن سازد او آنرا بر شاگرد بر خواند. بهرک آنهارا درسی و دو هزار «شلوک Sloka» نوشت (هریک در چند سرک Saraga) و من «نگارنده» همه آنهارا در شش هزار شلوک در آوردم و در شش باب Prakarana گذاردم.

( بنگرید به فهرست کتابهای فارسی لندن ص ۶۱ )



آغاز: اده لئنك برم حوت مران لئنك، بسمله شكرو سپاس بيقياس سزاوار حضرت دادار آفریدگار بی مثل و مانند و بی همتا است .

انجام : كه بالميك ر كهيسر باشاگر دخود بهر كه نام مشروح گفت از احوال را مچند كه بشسته اپديس كيان نموده . تمت الكتاب بعون الله الملك الوهاب .

[۵۶۱]

این نسخه بخط تعلیق روشن تازه و شماره ۲ دفتر میباشد گ ۱۰ الف - ۳۳۰ الف ۲۴۶  
چهار بیت درستایش جوك باشد از قندرسکی در سر آغاز دیده میشود و حاشیه های او هم در بر گهای آغاز نوشته شده .  
(همه دفتر ۲۴۰) - كاغذ فرنگی - جلد تيجاج سرخ  
اندازه: ۱۷×۲۶ و ۱۸×۱۸ س ۱۸

[۴۴۴] الحث على التصوف (عربی)  
نگارنده این گفتار از کلام و حکمت مشائی و اشراقی نکوهش میکند و روش صوفیان را میستاید .

آغاز: الحمد لله الذي خمر بیدی جماله و جلاله اربعین صبا حاطینة الانسان .  
انجام : فهذه تذكرة لمن شاء ان يتخذ الى ربه سبيلا .

[۵۶۲]

این نسخه شماره ۲ دفتر و بخط نسخ محمد علی کرمانشاهی تاریخ روز ۱ محرم ۱۲۹۶ و در پایان دارد «تمت الرسالة في اليوم الاول من الشهر الاول من شهر سنة احدى وتسعين بعد الف والماتین من الهجرة الاحمدية عليه الاف تناء وتحية» گ ۲۹ ب - ۴۰ ب .

[۴۴۵] ۲۰ الحث على الذكر (عربی)  
ابن سینا در این گفتار که در دکن بسال ۱۳۵۳ بچاپ رسید از اینکه در روان بایستی بیاد خدا باشند گفتگو نمود .

[۵۶۳]

این نسخه شماره ۹ دفتر و بخط شکسته تعلیق تاریخ شب پنجشنبه (ع ۱ سال ۱۳۰۶) ۸۷۶ گ ۷۵ ب - ۷۶ الف میباشد قنواتی درش ۲۱۶ بهمین نام و در ۲۲۱ بنام الخلوۃ از این گفتار یاد نمود و در انجام ایندو یکی نیستند .

[۴۴۶] حقایق (فارسی)

این دفتر عرفانی از نورالدین شاه نعمة الله ولی کرمانی ( نزدیک ۷۳۰ - نزدیک

۸۲۸ بیش از ۷۵ سال) میباشد (۱).

آغاز: بسمله اعلم ایدنا الله وایاک که باعلايق وعوايق خالایق سرابرده حقایق ذاتیه ازتلق رقایق صفاتیه .

انجام: گویا سوی ما که اومائیم . والله یدعوالی دارالسلام و یهدی من

یشاءالی صراط مستقیم وصالی الله علی محمد وآله اجمعین الطیبین الطاهرین .

[۵۶۲]

این نسخه شماره ۳ دفتر و بخط تعلیق حسن تقدیسی در تاریخ ۱۶ ج ۲ سال ۱۳۵۶  
 ۱۰۸۹ (۲ شهریور ۱۳۱۶) میباشد گ ۳۲ ب - ۳۴ الف .

[۴۴۷] الحکمة العلویة یا فصل الخطاب (عربی)

این نگارش عرفانی شیعی از قطب الدین محمد نیریزی (م نزدیک ۱۱۷۳) ۱۰  
 و بنظم و نشر آمیخته با خبرهای شیعی و آیتهای قرآن و در ۱۲ تحمید میباشد (۲) در

۱ - این دانشمند عارف گویا در استناد سخنان سگویندگان چندان دقتی نمیکرد  
 چنانکه در رساله النکات (رسائل او چاپ ارمغان در ۱۳۱۱ خ ص ۱۲۱) میگوید: قال  
 رسول الله «من فقد حسا فقد علما» باینکه فیلسوفان این سخن را از ارسطو دانستند. برای  
 نگارشهای او بنگرید بفهرست طوس ج ۴ ص ۴-۱۰۳ ش ۵۷۷ تا ۵۷۹ .

۲ - نیریزی در اینجا از فیلسوفان بسیار خرده گرفت و شعرها در این باره سرود  
 (گ ۱۳ و ۸۳) و خواندن کتابهای فلسفی مانند اشارات و شفا و حاشیه قدیم شرح تجرید  
 و شرح مطالع را بیهوده پنداشت (گ ۸۴) و نیز پس از بی پایه دانستن اندیشه فلسفی  
 گفت: «و منطقهم لن یعصمن عن الخطا - و لیس بمعن بل اساس الخطیة - وهم اسسوا ذاک  
 الاساس لمسجد - ضرار بنو الالباقول الرزینة - وانی بنطق العارفين مؤسس - لکم  
 منطقاً للحکمة العلویة (گ ۱۰۹ - ۱۴۶ - ۴۳ - ۷۲) او پس از زیاد کردن مطلبهایی  
 بنظم و آوردن خبرها و آیهها بنشر می نویسد .

در تحمید ۱۲ از عارفان گذشته و دانشمندان روزگار خویش و نوشته های عرفانی  
 آنها یاد میکند :

۲۵ خواجه طوسی (اوصاف الاشراف - انوار الحکمة - آغاز و انجام) - بابا افضل  
 نامقی ساوجی کاشی (حسن بن محمد «احمد» هاشم گ ۷۱ - داعی طوسی) - دوانی (رساله  
 های پایان زندگی و رباعیات) و علامه حلی (منهاج الکرامه - شرح تجرید) - ابن ابی  
 جمهور احسایی (مجلی المرآت - غوالی اللثالی) - علی بن هلال استادان ابی جمهور -  
 سیدحیدر بن علی بن حیدر حسینی آملی (المحیط الاعظم والبحر النضیم - جامع الاسرار  
 ومنبع الانوار) - شیخ زین الدین عاملی (اسرار الصلوة - منیة المرید) که شهید اول را  
 ۳۰ دنباله حاشیه در صفحه بعد

آغاز فهرست تحمیدها آمده است.

آغاز: حمدت اله العالمین بوحدة - حقیقة دائیة ازلیة... و انوار هذا النظم من لمعاتها فسمیته بالحكمة العلویة ولقبته فصل الخطاب لانه سیفصل بین الحكمة النبویة... ومن بعد حمد الله قال محمد - بحاسب من خدام اهل الولاية... ویدعی بقطب الدین.

مانده حاشیه صفحه پیش ۵

- از ابدال شمرد - نویسنده مصباح الشریعه که همه آن از گفتار صادق ع است - حافظ رجب برسی (مشارق الانوار) - داماد (جعلیه - خلسه ملکوتیه) در پایان زندگی و پس از برگشت از روش فلسفی - شیخ بهائی استاد شاه محمد دارابی استاد نیریزی (نوشته‌ها و مثنوهای عرفانی) که از درویشان و عارفان شده پیرو شیخ مؤمن مشهدی شاگرد شیخ محمد عارف گشت - شیخ علی اصطهباناتی استاد نیریزی که از پیروان بهائی بوده است (نیریزی در اینجا از طومار گروه ذهبی کبروی رضوی یاد میکند و میگوید که آن بشیخ محمد عارف پربالان دوز رسید و او در طوس صومعه‌ای داشت و در آنجا در باین خیابان در ضلع شمالی بخاک سپرده شد. این طومار از او بشیخ حاتم زراوندی و از او بشیخ محمد علی مؤذن امام رضا و عارف نویسنده «تحفه عباسیه» در سیر و سلوک برای شاه عباس و از او بشیخ نجیب الدین رضای تبریزی و از او بشیخ علی نقی اصطهباناتی استاد نیریزی رسیده است. رشته پیران اصطهباناتی تا امام رضا میرسد. این طومار نزد نیریزی بوده و میگوید که از این گروه در این کتاب یاد خواهم کرد) - شیخ احمد بن فهد حلّی (عدة الداعی - التحصین فی صفات العارفين) - ابن طاووس (کتابهای دعا) - شیخ حر (الجواهر السنیة فی الاحادیث القدسیة) - مولی احمد اردبیلی (در برخی از کتابها و آیات الاحکام در تفسیر الدین یثفکرون فی خلق السموات والارض - نیریزی میگوید: فصلی که در حدیقة الشیعه در رد صوفیان آمده از ملا معز اردستانی دشمن صوفیان است که در آن از حدیثهای ساختگی خود آورده است و شاه محمد دارابی در معراج الکمال داستانی از این مرد یاد کرد) - سید محمد عارف (معارف الهیة - العروة الوثقی - حظیرة القدس - لطائف غیبیه - شرح قبسات و تقویم الایمان داماد - نیریزی اینها را ندید) - محمد باقر سبزواری (روضه الانوار که برای شاه عباس نوشته شده) - عبدالرزاق لاهیجی (مکارم الاخلاق) - مولی حسن گیلانی - شیخ حسن سکاکی (تعلیقات) - صدرای شیرازی استاد استاد نیریزی (او بسیاری از نوشته‌هایش را که برخی بخط او بود داشت و میگوید که در زمان اوفیلسوفان بسیار بودند و او ناگزیر بزبان آنها و بروش منطقی فیلسوفان و متکلمان مسئله‌های عرفانی را نوشته است) - مولی محسن کاشانی که صد کتاب نوشته و باز پسین آنها «حقائق» است که تاریخ آن «ختمنا = ۱۰۹۱» میباشد (تاریخ آن دنبال حاشیه در صفحه بعد



انجام : و دار حمة الرحمن عندا ولی التهی - و مستند الرحمن عند الهدایة .

[۵۶۵]

۳۶۴ این نسخه شماره ۳ دفتر و بنسخ در نظم و بشکسته تعلیق در نشر میباشد. گ ۸  
الف - ۱۷۰ ب .

۵ [۴۴۸-۴۵۰] حورائیه (فارسی)

ابوسعید ابوالخیر میهنی عارف (۳۵۷-۴۴۰) این رباعی را سروده است :

حورا بنظاره نگارم صف زد رضوان ز تعجب کف خود بر کف زد

یک خال سیاه بر آن رخاں مطرف زد ابدال زیم چنگ در مصحف زد (۱)

وسه گزارش بر آن نوشتند که در اینجا هست :

- ۱ - خواجه احرار عبیدالله فرزند محمود چاچی (م ۸۹۵) بر آن گزارشی نوشت که در دنبال اسرار التوحید در پترسبورگ بسال ۱۳۱۷ (۱۸۹۹) و از روی آن در تهران بسال ۱۳۱۳ خ بچاپ رسید. در فهرست کتابخانه مدرسه فاضلیه طوس (ش ۶۰ ص ۳۳) نیز از نسخه ای یاد شد .

- ۱ - چون بوصالح مقری شیخ ابوسعید بیمار و بستری شده بود ابوسعید بشیخ خواجه ابوبکر مؤدب فرزندان خویش دستور داد که نوشت افزار آورد و این رباعی را ۱۵  
بر او خوانده و او نوشت تا بوصالح را افسونی باشد. همینکه آنرا نزدش بردند و بروی زدند هماندم به شد و بیرون آمد (اسرار التوحید ابن منور چاپ پترسبورگ ص ۳۶۰)  
این رباعی را گزارشی است از شیخ آذری علی حمزه بن علی ملک بن حسن طوسی سربداری بیهقی (۷۸۴-۸۶۶) عارف شیعی و شاگرد شیخ محی الدین طوسی غزالی و سید نعمة الله که دو سالی در مکه و چندی در هند بزیست و سرانجام در اسفراین بمرد . در ۲۰  
«جواهر الاسرار منتخب مفتاح الاسرار» از همین حمزه طوسی آذری المنسوب الی احمد بن محمد الزمعی الهاشمی المروزی که در ۸۴۰ گزین شده است در سر هشتم فصل دوم در بیان اسرار کلام منظوم مشایخ از باب سوم این گزارش دیده میشود (چاپ شده با اشعة اللغات جامی و دو رساله نسقی بسال ۳-۱۳۰۲ ص ۳۲۹) مگر اینکه نمیگوید که این ۲۵  
رباعی از کیست .

مانده حاشیه از صفحه پیش

۱۰۹۰ است - ذریعه ج ۷ ص ۲۸) او در نوشته های خویش حدیثها را گزارش نمود و دیوان بزرگ او بنام (گلزار قدس) نزد نیریزی بوده است. فیض شاگرد شیخ مؤمن مشهدی شاگرد شیخ محمد عارف میباشد . شیخ علی تقی استاد نیریزی نیز از پیروان او بود - آقا محمد سعید بن محمد مفید قمی (شرح توحید صدوق) .

آغاز: بسمله... الحمد لله الذي جعل قلوب العارفين مرآة جماله... بدانکه این فقیر را بسی شغف می بود بدانستن معنی رباعی... ابو سعید .  
انجام: که محب را هیچ چیز (لذتی) بهتر از ملاقات محبوب نباشد. تمت  
الرسالة الشریفة .

[۵۶۶]

۵

این نسخه شماره ۳۴ دفتر است دارای بیش از ۴۶ رساله و بخط تعلیق میباشد  
۱۰۱۵ گ ۱۰۵-ب ۱۰۸-ب. آغاز نسخه چاپی چنین است: «بسمله الحمد لله فیاض الحکم  
والمواهب... بدانکه این فقیر را بسی شغف میبود...» و اندکی بانسخه ما  
جدائی دارد.

۱۰ ( همه دفتر ۱۷۷ بر ۹۴ ) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج سرخ مقواتی ساده  
اندازه: ۱۲×۱۷ و ۸×۱۲ س ۱۷

۲ - گزارش است آمیخته که در آن از معراج بروش عرفانی گفتگو شده و تأویلی  
صوفیانه برای آن یاد گردید و هیچ نوشته نشده که رباعی از کیست.

آغاز: بسمله حمد بی غایت و ثنای بی نهایت حضرت کبریائی واجب الوجودی را  
۱۵ که جناب قدس هویت جلالتش از ادراک افهام مقدس است... بعد باشارت الرفیق  
ثم الطریق برفاقت روح الامین در شب معراج سلطان تساجداران ممالک رسالت...  
از غربت بوطن مراجعت فرمود.

انجام: و گفت قف یا محمد فان ربک یصلی یعنی که ابدال زبیم چنگ در مصحف  
زد. تم بحمد الله... والصلوة علی سید انبیائه واکرم احوائه.

[۵۶۷]

۲۰

این نسخه شماره ۳۴ دفتر است بخط تعلیق و بنام «رساله حورائیه نوریه» (۲) و  
۱۰۱۵ در پایان دارد: «تمام شد شرح حورائیه نوریه. والسلام» گ ۵۶-ب ۵۷ الف.

۳ - میر حسین بن معین الدین میبیدی یزدی (م ۹۱۱) نیز بر این رباعی گزارشی  
نکاشته است.

۲۵ ۱ - شاید این گزارش از نورالدین شاه نعمه الله کرمانی (۷۵۲-۸۲۸) یاسید محمد  
نوربخش بن محمد بن عبدالله قطیفی لخصاوی قاینی (۷۹۵-۸۶۹) باشد مگر اینکه  
نشانه ای یافت نشد که هیچیک از این دو را برساند.

آغاز: منسوب است به هادی مقامات سلوک میر شیخ ابوسعید ابو الخیر قدس سره  
«حور این نظاره نگارم صف زد» یعنی خوبان بهشت که مجاوران عالم عقول و نفوس فائزیه اند  
بنظاره آدم که نفس ناطقه انسانیت صف زدند.

انجام: ابدال از ترس عصیان ... متمسک شوند بقران و متابعت خاتم الانبیاء  
صلوات الله علیه والله.

۵

[۵۶۸]

این نسخه در برگ ۹۶ الف دفتر و بخط تعلیق با نشانه های شنگرف میباشد و  
در پایان دارد: ۱۰۳۸

«در تذکره شیخ ابوسعید رحمه الله دیدم که استاد ابوصالح که مقری شیخ  
بو حسنه بود و شیخ خواجه ابوبکر مؤدب را که ادیب فرزندان شیخ بود بخواند و فرمود  
۱۰ که از جهت ابوصالح حرزی املا میکنم بنویس و این دو بیت املا فرمود و خواجه ابوبکر  
بنوشت و نزد صالح برد و بر بازوی او بست در حال صحت یافت. فواید امیر حسین میدی»  
[۴۵۱] خصائص المحجبه (فارسی)

عبدالصمد همدانی در این گفتار عرفانی از دوستی گفتگو مینماید.

آغاز: الحمد لمن هوا فی هواي ... شکسته بسته است از بنده جانی عبدالصمد ۱۵  
همدانی که بخواهش برادری از برادران روحانی تسوید یافته.  
انجام: لم اکلفك عمل غد، فلا تطالبني رزق غد.

[۵۶۹]

این نسخه شماره ۵ دفتر و بخط تعلیق محمد تقی بن محمد بسال ۱۲۵۳ میباشد  
۲۰ ک ۱۱۱ ب-۱۲۲ الف.

[۴۵۲] خلایقه (عربی)

این گفتار در انسان کامل و پرستش و نفسهای گوناگون و برخی از اصطلاحات  
عرفانی است. سلطان المرشدین الحسین الشالی الاخلاطی آنرا برای خلیل الله الشالی  
شاه شیروان نگاشته است.

آغاز: بسم الله رب یسروا عن و اخیتم لنا بالحسنی. الحمد لله الذی اختار ۲۵  
الموجودات الانسان ... فهذا کتاب جمعت فیہ اطوار الکمل من المجلد والمفصل.



انجام : لاعادل لعادل . لاراحم لظالم . لاجار لمن جار .

[۵۷۰]

این نسخه شماره ۳۶ دفتر و بخط تعلیق نصیرالدین حسین الحرا حسینی ج ۱ سال ۱۰۷۶ می باشد ک ۱۱۳ ب ۱۱۸ الف . ۳۳۹

۵ [۴۵۳] در تحقیق چشمه زنجبیلی و کافوری (فارسی)

در این گفتار از «کأس کافوری و زنجبیلی» که در دو آیه ۵ و ۱۷ سوره ۷۶ (هل اتی) (۱) آمده بروش عرفانی بررسی میشود و گویا از جامی باشد و بنظم و نشر مسجع است .

آغاز: بسمله . پناه میجویم بذات مستجمع جمیع صفات کمال از گزند قیود ادمکانی .  
۱۰ انجام : که تفسیر و تأویل نه حد هر جهول و ظلم است . اللهم اغفر لنا ... برحمتك  
و نصرتك یا ارحم الراحمین .

[۵۷۱]

این نسخه شماره ۱۳ دفتر و بخط تعلیق بانثانه ها و عنوانهای شنکرف گ ۵۹ ۸۶۷  
الف - ۲۰۳ . می باشد .

۲۰ [۴۵۴] ده قاعده (فارسی)

این گفتار در سیر وسلوک زهروان عرفان است و از سیدعلی عارف همدانی (۲) .  
نسخه ای از این در مجلس (ش ۶۱۰/۲) هست .

آغاز: رساله ده قاعده سیدعلی همدانی قدس سره . بسمله و به نستعین . حمد و

۱ - ان الابرار یشر بون من کاس کان مزاجها کافورا - ویسقون فیها کاسان مزاجها زنجبیل . ۲۵

۲ - عارف دانشمند پارسای شیعی سیدعلی فرزند شهاب فرزند محمد همدانی (۷۱۳ - ۷۸۶) شاگردائی خود سید علاءالدوله در کودکی و پیرو شیخ شرف الدین محمود بن عبدالله مزدقانی و تقی الدین علی دوریستی کتاب اسرار نقطه و ذخیره و شرح اسماء الله و شرح فصوص الحکم و رساله واردات دارد و برقصیده خمیره میمه ابن فارض گزارش بنام «مشارب الازواق» نگاشته است . او در آنور آمویه بزیست و درختان آرامگاه او است . وی میگوید که پدرم فرماندار همدان بود و از درباریان . از اینروی من بکار های او ارجی ننهاده بودم . در طوس از دو رساله فارسی عقلیه و منامیه او یاد شد (ش ۶۷۶ و ۶۹۸ ص ۱۳۶ و ۱۴۴ ج ۴) (مجالس المومنین شوشتی و ربیعانه الادب) . ۳۰

تنای نامتناهی پروردگاری را .

**انجام :** واز لذت حالات میوه حکمت و ولایت محروم مانده . جعلنا الله وایاکم  
ممن سعد بطاعته . . . والسلام علی من اتبع الهدی تمت الرسالة .

۱۰۱۵ این نسخه شماره ۳۲ دفتر است و بخط تعلیق گ ۹۰ ب - ۹۵ الف .

[۴۵۵-۴۵۶] **الف کور (فی...)** (فارسی)

دو گفتار کوتاه در ذکر ورود و بروش عرفان شیعی میباشد .

**آغاز:** لابد من امور أربعة : التوبة من جميع المعاصي والعهد مع الشيخ یعنی  
امثاله من اوامره ونواهیه والذكر والفکر . . . سه مرتبه توحید بر ارواح ائمه  
طاهرین و استادان سلسله و بعد از آن زیارتین علیهما السلام تمت علیکم السلام والتوفیق -  
۱۰ بجهت کشف علمی الاتی چند قرار داده اند ذکر و فکر و مراقبه و رابطه .

**انجام :** صاحب العصر و الامر و الزمان صلوات الله و سلامه علیه و علیهم اجمعین  
علویه اجمالية یا علی یا ایلیا . . . کلمه جبرئیل لافتی الاعلی سرمکنون اسم حضرت  
ولایت است .

۱۵ [۵۷۴-۵۷۳]

۳۵۸ این نسخه ها شماره ۶ و ۷ دفتری است دارای ۱۱ رساله و بخط تعلیق گ ۱۵۳ ب - ۱۵۴ ب .

[۴۵۷] **الرحمة فی اختلاف الامة (و ما لک...)** (عربی)

از دانشمند رکن الحق و الدین محمد بن علی بن محمد فارسی گرگانی استرآبادی  
(م نزدیک ۷۷۰) که چند کتاب طوسی مانند اساس الاقتباس و اخلاق ناصری و اوصاف  
۲۰ الاشراف و فصول و قضا و قدر را بتازی در آورد. او در این رساله از افلاطون و ارسطو  
و علم الهدی و غزالی و احیاء و مشکاة الانوار و تجم الدین دایه رازی و مرصاد العباد  
اویاد میکند و درباره حجب الهی از مشکاة و مرصاد میآورد و در پایان میگوید که  
من این رازها را بی آنکه بدفتری بنگرم نوشته ام . اولین نگارش را در پایان محرم  
۷۲۰ پس از اینکه دوباره در آن نگریست و بر آن افزود و از آن کاست و سامانی  
۲۵

بدان داد و پاکیزه اش ساخت بانجام رساند .

[۵۷۵]

۳۳۹ این نسخه شماره ۲۴ دفتر است و بخط تعلیق گ ۷۹۷ و بندی است از کتاب گرگانی و چنین است: «فائدة لاخفاء عن اهل اليقين ان ههنا مهية مركبة من جوهرين متضادين احدهما جوهر روحاني نوراني يسمى بالنفس العاقلة والثاني جوهر جسماني ظلماني يسمى بالبدن - فليت شعري ما اسم المركب منهما» گرگانی درایت بند از رای افلاطون که انسان تنها جان است و رای ارسطو که هم جان است و هم تن و سخن متکلمان که تنها تن است یاد نمود . این بند در نسخه ش ۱۰۲۲/۱۲ دیده نمیشود .

[۵۷۶]

این نسخه پاره ایست از باب نخستین و باب دوم و خاتمه رساله و شماره ۱۲ دفتر است ۱۰۲۲ و بخط نسخ سید حیدر آملی که در نجف (مشهد غروی) در روز یکشنبه ۳ ذی قعدة ۷۶۲ نوشته است و بانسخه خط گرگانی برابر نمود . آغاز و انجام چنین است : «و کمال السبب يستلزم المطلوب . هذا في القابل . و اما بالنسبة الى الفاعل فلما علم ان كمال الفعل بحسب كمال القابل و نقصانه بنقصانه اذ لا نقصان من جهة . - و عرض اعمال البرايا والنشر و لمثلي قبلي ، شعر : و من يك ذا ظم مرمر يض - يجدمرأ به الماء الزلالا . فرغ مصنفها الملتجئ الى الحرم الغروي . محمد بن علي بن محمد الجرجاني عن معاودة فكرة فيها بعد وضعها و زيادتها و نقصها و ترتيبها و تهذيبها في سلخ محرم سنة عشرين و سبعمائة الهجرية حامدا و مصليا و مستغفرا » گ ۱۹۹ الف - ۲۰۹ - در گ ۱۲۸ و ۱۲۹ فهرست نگارهای گرگانی دیده میشود و در آن از «رسالة الرحمة في اختلاف الامة و» رسالة الدر الثمين في السرا الدفين» او یاد شد . خود گرگانی هم در پایان همین کتاب در چند جا آنرا رساله میخواند و از اختلاف امت هم در آن بحث میشود .

[۴۵۸] رساله دو تجلی خداوند پر گوه طور (فارسی)

این گفتار در حل مسئله تجلی خداوند در طور سینا است بر روش عرفانی و حروفی از سلطان محمد سپاهانی (بنگرید به ص ۲۶۵ همین فهرست) .

۲۵ آغاز: (هو تجلی حضرت کلیم الله در طور سینا کنایه بر حکمت است . . . معادل باشد) حل عبارت مزبور که از نتایج افکار آصف جم اقتدار سلطان محمد است . تجلی واجب الوجود بر حضرت کلیم الله در طور سینا کنایه بر حکمت است . در اینجا کنایه است بر آنکه اجساد و اجرام خصوص جرم خاکی را استعداد رؤیت ازلی و تاب تجلی سرمدی نیست .

۳۰ انجام : بشرقی حرف رابع . مرد باید که بتواند کرد و رنه عالم پر از نسیم



صبا است.

[۵۷۷]

۱۰۳۸ این نسخه در برگ ۶۶ ب- ۱۶۷ الف دفتر و بخط تعلیق با نشانه‌های شنکرف است و در پایان بازهمان عبارت دیباچه با اندک جدائی آمده است: (هو ایضا تجلی حضرت کلیم الله در طور سینا کنایه بر حکمتی است - زحل معدل باشد. اسرار برون می نتوان داد - و گرنه در کوچه هست خبرها ز شررها). ۵

[۴۵۹] رساله عرفانی (عربی)

در اینگفتار فلسفی و عرفانی از فرشته و جهان آفرینش و خرد بروش عرفانی

بررسی میشود.

[۵۷۸]

این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط شکسته تعلیق تاریخ ۱۰۴۰ می باشد و چنین است ۱۰۴۶ «المخلوطة الماخوذة من الحس وان فارق المحسوس الروح الانسانية لم يبعدان يكون تعالى مرثياً بعد القيامة من غير تشبيه ولا تكيف ولا بمسامحة ولا محاذاة تعالى عما يشركون» گ ۱۱ الف و ب چهار فصل آخر این رساله در این نسخه هست و پاره‌ای از فصل پیش از آنها. ۱۵

[۴۶۰] رساله عرفانی (فارسی)

این گفتار کوتاه نیز در عرفان است.

آغاز: بسم الله. قال رسول الله من قال لا اله الا الله خالصاً مخلصاً دخل الجنة.

چون همه او است غیر او نیست.

انجام: و باین یقین واصل گشت. فالحمد لله رب العالمین... و الله اجمعین. ۲۰

[۵۷۹]

۱۰۱۵ این نسخه شماره ۲۱ دفتر و بخط تعلیق می باشد گ ۵۱ الف- ۵۲ الف.

[۴۶۱] رساله عرفانی (عربی)

در این رساله عرفانی و تأویلی از احیاء العلوم و کیمیاء سعادت یاد میشود و ۲۵

نگارنده آن گوید که در بهامداد شب پنجشنبه دهه یکم جمادی دوم سال ۸۱۶ هجری

الدین را در خواب دیدم (۱۱۳ الف). رستاخیز جسمانی در آن تأویل میشود و عبارتی

پارسی در آن هست (۱۱۱ الف).

آغاز: بسمله . اعلم ان امور الاخرة ليست كما زعم الجاهل . فانها من عالم الامر والغيب والملکوت .

۳۰

انجام : ای له جهة حسن الارتکاب فیعمی وها والله اعلم به . تمت

[۵۸۰]

۳۳۹ این نسخه شماره ۳۵ دفتر و بخط تعلیق است گ ۱۰۳ الف - ۱۱۳ الف.

۵ [۴۶۲-۴۶۹] رساله های کرمانی (فارسی)

گویند که نورالدین شاه نعمة الله ولی حلبی کرمانی (نزدیک ۷۳۰ - ۸۳۴) ۳۴۰ نگارش داشته از آنها ۱۱۴ رساله را برگزیده و پسندیده بود. در نسخه ش ۵۷۷ طوس ۹۱ رساله و درش ۵۷۸ آنجا ۳۷ رساله و درش ۵۷۹ همانجا ۱۱ رساله هست و ۱۳ رساله او در چاپخانه افغان تهران بسال ۱۳۱۱ خ بچاپ رسید در جنگ شماره ۴۳۲ این کتابخانه نیز هشت رساله هست که باید همه از او باشد :

۱ - رساله تحقیقات (Add 16/837XV I ج ۱ ص ۸۳۲ ب فهرست فارسی موزه بریتانیا) .

آغاز: الحمد لله الذي خلق الانسان على صورته لخلافته وجعل عينه مرآة عينه بشهرته . . . اعلم ان للتوحيد لجنة وساحلا . فالساحل يعلم واللجنة يذاق ... چه تحقیق توحید از تحریر منشی دیوان عنایت و تقریر مدرس مدارس استعارت مستفاد نگردد . ۱۵ انجام : وازین سبب بود که واقع شد تحویل و تبدل در صور عیون بشر . عباراتنا شتی وحسنك واحد - وکل الی ذاك الجمال . بشیر . تمت الكتاب

[۵۸۱]

این نسخه شماره ۱۶ دفتری است دارای ۹ رساله و همه بخط نسخ یکنواخت تاریخ ۱۲۸۹ از محمد علی کرمانشاهی که برخی از آنها بچاپ رسیده و روی نشانه های نسخه باید همه از عارف کرمانی باشد . گ ۲ - ۱۲۹ الف . شماره ۲ درامش ۲۰ بر گهای ۲ - ۵۹ و گلشن راز شبستری است که بخط تعلیق نوشته شده . (همه دفتر ۱۳۱۹) - کاغذ سپاهانی - جلد تیساج زرین خربی - مسلا اندازه : ۱۱ × ۸ × ۶ و ۱۴ × ۱۴ س ۱۴

۲ - رساله سلوک که درص ۱ - ۳۱ جنگ سیزده رساله او بچاپ رسید .

آغاز: بسمله الحمد لله على صفاته العلی . . . قال مظهر الدقائق و مظهر الحقائق ...

الطرق الى الله بعدد نفوس الخلائق . يعنى : راه طالبان ... بعدد نفوس خلائق است .  
انجام: وبغير مؤانست گرفتن شر است از جميع وجوه قال الله تعالى لاخير في كثير  
من نجواهم . . . بين الناس والله اعلم بالصواب .

[۵۸۲]

- این نسخه شماره ۲۲ دفتر است و بخط تعلیق گ ۱۴۸ الف-۱۵۶ ب و چنین است  
۴۰۵ پایان آن : «وهرگاه که دل و زبان از کلام غیر خاموش شوند چون» برابر با  
س ۱۳ ص ۳۰ چاپی و چند سطری کم دارد .

[۵۸۳]

- ۴۳۲ این نسخه شماره ۶ دفتر است و بخط نسخ تاریخ ۱۲۸۹ گ ۹۱ ب-۱۰۹ الف .  
۳ - کشف الاسرار که شاید از عارف کرمانی باشد و دره باب است : «هستی  
یکانه - احدیت جمعی الهی - واحدیت جمعی رحمانی - جهان جانها - شهادت مطلق» .  
آغاز: بسمله و به نستعین . الحمد لله الذی تجلی ذاته لذاته باحدیة جمعه ،  
فاظهر آدم له بجمع اسمائه . . . فهذه رسالة فی بیان علم التوحید و سمیتها بکشف  
الاسرار والفتها علی خمسة ابواب . بدانکه هر بابی از برای خمسة اشاراتست بحضرتی  
از حضرات الهیه .  
۱۵

انجام: دیگر آنکه شریعت صورت عدالت توحید بود .

[۴۸۴]

- این نسخه شماره ۹ دفتر و بخط نسخ است گ ۱۱۷ الف-۱۳۱ الف . در پایان دارد:  
۴۳۲ «تمت الكتاب... بيد الحقير الفقير محمد علی کرمانشاهی فی سنة ۱۲۸۹» در بر کهای  
۱۱۹ ب و ۱۲۱ الف و ۱۲۹ الف باید دائره ای کشیده باشد که سفید گذارده شده  
۲۰ ۴ - محبت نامه که درص ۳۸-۴۶ سیزده رساله چاپی کرمانی دیده میشود .  
خود او گوید : «محبت نامه اش را یاد کردم . مجبانه بمحبوبی نوشتم (گ ۱۱۶ الف  
ش ۴۳۲/۸ و ص ۴۵ چاپی) .  
آغاز: بسمله و به نستعین . الحمد لله الذی عین عین حمیه بهبه فی علمه . . .  
محبت مقام الهی بود - محبت به از پادشاهی بود . و این مقام را القاب اربعه است .  
۲۵ انجام: بشادی نعمة الله نوش کن می - کجا یابی حریف هست چون وی .



محبت نامه اش از دست مگذار - محبت خوشتن را یاد میدار .

[۵۸۵]

۴۳۲ این نسخه شماره ۸ دفتر است. گ ۱۱۲ الف - ۱۱۷ الف . در پایان دارد: «حرره فی يوم من شهر ربيع المولود سنة ۱۲۸۹» .

۵ - مکاشفات که از عارف کرمانی است .

آغاز: بسمله . یا حییی (من) انت ومن هو است انواست فمن انا . . . حمد آن حامدیکه محمود است بخشش او است .

انجام: تجلی صورتی از این اعدای ثلثه سالم ماند. در تجارت سودیابدیشمار - یادگار نعمه الله یاددار .

[۵۸۶]

۱۰

این نسخه شماره ۴ دفتر و بخط نسخ گ ۳۸ ب ۸۱ الف است و در پایان دارد : «تمت الرسالة الشریفة فی يوم ربيع المولود سنة ۱۲۸۹» نسخه ای از این درموزه بریتانیا Add 76/837XX III ج ۲ ص ۸۳۳) هست.

۶ - دفتری است عرفانی که گویا از شاه نعمه الله است .

۱۵ آغاز: بسمله . باسم الاعظم . وله الحمد والکرم . . . حییی که ابتدای کارخانه محبت باظهار جمال بر کمال روح بافتوح او بود .

انجام: این سخنرا من قبول کنی گر نماز گذاری بحضور من . ومن کلامه الشریف تمه . والحمد لله والمنة .

[۵۸۷]

۴۳۲۲۰ این نسخه شماره ۳ دفتر و بخط نسخ است گ ۲۹ الف - ۳۸ ب .

۷ - این دفتر عرفانی نیزمانا از عارف کرمانی است .

آغاز: بسمله وبه نستعین . الحمد لله یوجب الدنوا والتدلی . واشکرله شکر ابدیم لقائله التجلی . . . گفته اند که مهمان خلوت خانه آب و گل است و سلطان سراپرده جان و دل .

۲۵ انجام: ویکی از سه بدل یکی . نهیش میشوند، نه کم .

[۵۸۸]

۴۳۲ این نسخه شماره ۵ دفتر و بخط نسخ است گ ۸۱ الف ۹۱ الف و در پایان دارد: «تمت الرسالة الشریفة فی ربيع المولود سنة ۱۲۸۹» .

۸ - این دفتر عرفانی هم از عارف کرمانی باید باشد .

- ۵ آغاز: بسمله و به نستعین. قال ص... اما بعد الشریعة اقوالی والطریقة افعالی والحقیقة حالی والمعرفة راس مالی... و فرمود که الفقر سواد الوجه فی الدارین . انجام: و در مقام توحید صرف و وحدت محض باشند و ذلك المراد من الفقر باتفاق اهل الله . والله اعلم بالصواب .

[۵۸۹]

۴۳۲ این نسخه شماره ۷ دفتر است و بخط نسخ تاریخ ۱۲۸۹ گ ۱۰۹ ب - ۱۱۱ ب .

[۴۷۰-۴۸۸] رساله های نخشبی (فارسی)

از شیخ عزیز نخشبی عارف ۱۹ رساله در این کتابخانه هست که اینک شناخته می شود :

۱ - در عشق است .

- ۱۵ آغاز: بسمله و نستعین چنین گوید اضعف الضعفا و خادم الفقرا عزیز بن محمد نسفی که جماعتی از درویشان کثر هم الله تعالی از این بیچاره درخواست کردند باید که در باب عشق رساله نویسی .

انجام: از دل بعد از این هیچ کاری نیاید نه دنیوی و نه اخروی و نه مولوی .

تمت الرسالة العشق والله اعلم بالصواب (گ ۸۱ الف - ۸۳ ب) .

- ۲۰ ۲ - در آفرینش جانها و تنها .

آغاز: بسمله و حمد چنین گوید اضعف الضعفا شیخ کامل محمد نسفی رحمه الله علیه که جمیع فقرا از این بیچاره درخواست کردند که میباید در آفرینش ارواح و اجسام و در مراتب نزول و عروج ایشان رساله جمع کنی .

انجام: و صفت خویشی بهشت و ناخوشی دوزخ معروف و مشهور است ، والحمد لله رب العالمات تمت الرسالة (۸۳ ب - ۸۷ ب) .

۳ - در پیامبری و پیشوائی .

آغاز: بسمله و حمد اما بعد چنین گوید شیخ عزیز بن محمد نسفی طاب ثراه که جماعت درویشان از این بیچاره التماس کردند که در نبوت و ولایت و وحی و الهام و خواب راست رساله جمع کن .

انجام : اگر قدر نعمت بدانی توانی که آن نعمت را بغنیمت داری و الحمد لله رب العالمین ( ۸۸ الف - ۹۱ ب ) .

۴ - در نخستین آفریده خداوند و آنیکه از عقل و قلم و روح در حدیثهای « اول ما خلق ... » چه خواسته شده .

آغاز: بسمله و حمد اما بعد درویشان از این بیچاره عزیز نسفی درخواست کردند که در احادیث « ما اوله » رساله جمع کنی و بیان کن که از این احادیث مراد یکجوهر است یا از هر حدیثی جوهری جداگانه است .

انجام : ایدرویش در قرآن ( و ) احادیث ذکر این عقل بسیار است .  
والله اعلم بالصواب . ( ۹۱ ب - ۹۳ الف ) .

۵ - در گفتار اهل منزل چهارم در ذات و صفات و جهانهای ملکوت و جبروت .

آغاز: بسمله و حمد چنین گوید شیخ وقت عزیز بن محمد النسفی رحمه الله علیه که جماعتی درویشان از این بیچاره درخواست کردند که میباید که بیان کنی اهل منزل چهارم .

انجام : میخواستیم که درین بیان ذات و صفات خدای تعالی و بیان عالم جبروت و عالم ملکوت و عالم ملک تمام کنم نتوانستم . باشد که در این رساله میآید تمام کنم . تمت الرساله فی يوم الجمعة شهر شوال ( ۹۳ الف - ۹۹ الف ) .

۶ - در ملک و ملکوت .

آغاز: بسمله و حمد . اما بعد بدان اعزك الله فی الدارین که ملک عالم شهادت است و ملکوت عالم غیب است .

انجام : میخواستیم که در معرفت ذات و صفات خدای تعالی در بحث ملک و ملکوت



وجبروت در این رساله تمام کنم نتوانستم کرد، باشد که درین که میآید تمام کنم  
ایدریش هر رساله که میآید درین منزل چهارم سخن بلند میشود تا حاضر باشی  
والحمد لله رب العالمین . یافتاح . (۹۹ الف - ۱۰۱ ب) .

۷ - نیز در ملک و ملکوت

آغاز: بسمله و حمد . بدانکه عالم ملک عالم اعداد است و عالم ملکوت  
عالم ترتیب است .

انجام: آنچه از مفردات ظاهر شوند از مرکبات نشوند و آنچه از مرکبات  
ظاهر شوند از مفردات نشوند . والله اعلم . تمت الرساله (۱۰۱ ب - ۱۰۶ الف) .  
۸ - در بهشت و دوزخ و خوشی و ناخوشی .

آغاز: بسمله و حمد اما بعد چنین میگوید شیخ وقت عزیز بن محمد الانسفی  
رحمة الله علیه که جماعت درویشان از این بیچاره درخواست کردند که میباید که بیان  
کنی که حقیقت بهشت و دوزخ چیست .  
انجام: تمام شد منزل چهارم و اصل تصوف در این منزل اند . والله اعلم بالصواب  
(۱۰۶ ب - ۱۱۱ الف) .

۹ - در گفتار صوفیان درباره ذات - وجه - نفس - صفت - اسم - فعل .  
آغاز: بسمله و حمد . اما بعد درویشان از این بیچاره درخواست کردند که  
میباید که بیان کنی که اهل تصوف بیان ذات و وجه و نفس چون کرده اند .  
انجام: دلیل است بر آنکه دعوی بزرگتری میکردند انکار موسی میکرد .  
والله اعلم بالصواب (۱۱۱ الف - ۱۱۵) .

۱۰ - در هستی حقیقی و خیالی .

آغاز: بسمله و حمد . اما بعد بدانکه اهل وحدت در منزل پنجم اند .  
انجام: يك طائفه اند از اهل وحدت . والله اعلم بالصواب . (۱۱۵ ب - ۱۱۸ ب) .  
۱۱ - در کفر و توحید و اتحاد و وحدت .

آغاز: بسمله و حمد ... اما بعد بدانکه اهل وحدت دو طائفه اند . يك



جمع کنید .

انجام: که آزاری از تو بکسی نرسد و بقدر آنکه توانی راحتی عیسان تمام منزل سیم (۱۳۵ الف - ۱۳۹ ب) .

۱۷ - در روان مردمی .

آغاز: بسمله . در بیان معرفت انسان . نفس انسانی . بدان که جان معنی ۵ منبسطی است صفت وی و اثر وی حیات است .

انجام: سعادت و شقاوت هرگز مبدل نشود . والله اعلم بالصواب (۱۴۰ الف) .  
۱۸ - در سلوك مقامات .

آغاز: بسمه . اوحی الله الی داود ... فقال یا داود فرغ لی بیتا اسکن فیه .  
بدانکه جملگی کتب منزل و شرایع انبیا شرح سلوك مقامات است . ۱۰

انجام: از دیگران وظلمت خودشان بینند گویند نظر نا نقتیس من نور کم ...  
فلتمسوا نوراً والله اعلم بالصواب (۱۴۰ الف - ۱۴۴) .

[۶۰۷-۵۹۰]

این نسخه ها شماره های ۳ تا ۲۰ دفتر است و بخط تعلیق و در پایان دارد که  
۴۰۵ احمد بن عبد العلی بیک بیوک آبادی همدانی در زمستانی سرد سال ۱۲۸۳ رساله  
۱۵ ۲۰ را نوشت و همه رساله ها بیک خط است . شماره ۲۱ فهرستی است از نگارش  
های فلسفی و پزشکی و علوم غریب و ادب از گ ۱۴۴ الف تا ۱۴۷ ب بهمین خط - نسخه ای  
از رساله های نسفی در کتابخانه سپهسالار بشماره  $\frac{۱۳۱۶}{۱۳۱۷}$  هست .

۱۹ - در لوح محفوظ و جبر و اختیار و قضا و قدر .

آغاز: فصل بدانکه این رساله ایست از عزیز بن محمد النسفی در بیان لوح ۲۰  
محفوظ و جبر و اختیار و حکم قضا و قدر . قال بدان ... که مفردات عالم لوح محفوظ  
و کتاب خدایند .

انجام: میخواستیم ... در جبر و اختیار بحثی مستوفی کنیم نتوانستیم کرد در  
رساله دیگر که میآید شود انشاء الله تعالی .

[۶۰۸]



این نسخه شماره ۱۲ دفتر است و بخط تعلیق در پایان دارد «قدتم فی الخمیس من  
 ۸۷۶ سابع عشر شهر رجب المرجب ۱۲۹۲» گ ۸۶ پ - ۸۹ الف - بر کهای ۸۹ ب  
 و ۹۰ الف سفید است گویا میخواستند رساله دیگر بر آن که نسفی نوید داده بود بنویسند.

[۴۸۹] **رشف النصابیح الایمانیه و کشف الفضایح الیونانیة** (عربی)

۵ ایند فتر نگارش شیخ شهاب الدین عمر سهروردی (۱) (سهرورد ۵۳۹ - بغداد ۶۳۲)

است که در روزگار الناصر لدین الله عباسی (۵۷۵ - ۶۲۲) نوشت و از شاهکارهای  
 صوفیان پیرو سنت است که در آن همه دانشهای فلسفی نکو هیده بشمار آمده و دین  
 ثابت گردید. سهروردی میگوید: «با اینکه در سایه این فرمانروا بازار دین روست  
 برخی از جوانان بفلسفه که بآیین نمیسازد می پردازند. این است که من ایند فتر را از  
 ۱۰ روی حدیثهایی که خودم روایت میکنم نوشتم و آنچه از مسانید بیام آمد بر آن افزودم».

سهروردی در همه ۱۵ بخش ایند فتر از روی خبر های معنعن و سخنان صوفیان  
 فیلسوفان را رد میکند و در باب ۱ میگوید که پیروی کتاب و سنت مایه خوشبختی  
 است و در ۲ قواعد یونانی را با آیه و خبر باطل میسازد و در ۹ غلطهای فیلسوفان را  
 آشکار میدارد و در ۱۲ راه راست را می نمایاند و در ۱۴ روشن میسازد که یاران  
 ۱۵ پیامبر خردمند و روشن بیش بوده اند. خاتمه یکم آن در شناخت جهان و دوم در

۱ - سهروردی دفتر دیگری دارد بدین نام «ادلة العیان علی البرهان فی الرد علی  
 الفلاسفة بالقرآن» معین الدین علی بن جلال الدین محمد معلم یزدی م ۷۸۹ رشف النصابیح  
 را برای نصره الدین شاه یحیی ششمین فروانروای خاندان مظفر در ۷۷۴ بپاری کرد  
 و نسخه آن در کتابخانه سپهسالار (دبیاجه آقای نفیسی بر مواهب الهی چاپ تهران بسال  
 ۲۰ ۱۳۲۶ خ ص ۱۳) و در موزه بریتانیا (I, 23/580 ج ۲ ص ۸۵۳ فهرست ریو) و در اسلامبول

هست و نسخی از متن هم در این شهر یافت میشود (برو کله من ص ۷۸۹ ج ۱ پیوست) همین  
 متن در مدرسه جامع الباشای موصل نیز هست (فهرست مخطوطات موصل ش ۷۳ تصوف  
 ص ۵۲) در فهرست فارسیهای کتابخانه خدیوی ص ۵۱۷ از شرح رشف النصابیح الایمانیه  
 و کشف الفضایح الیونانیة از معین الدین یزدی یاد شد و نوشته است که در ۶۲۶ بیان  
 رسید و باید این تاریخ نگارش سهروردی باشد. در کشف الظنون آغاز رشف النصابیح  
 ۲۵ چنین یاد شده: «الحمد لله رب العالمین اکمل الحمد علی کل حال» و آغاز ترجمه آن چنین:

«حمد و ثنائی که روح قدسی از املاء صحائف بلطائف اسرار ۴ - نیز بنگرید به: گفتار

نگارنده این فهرست در باره «منطق نزدخواجه رئیس ابوعلی سینا» در مجله دانش ش

۹ سال ۱۲ اسفند ۱۳۳۰ خ ص ۳-۴۷۲.

نگارنده رشف النصایح سازگارتر است تا نویسنده حکمت اشراق و پندهای ایندو  
سفرنامه هم برپارسانی سنت پرست بیشتر می‌زیدد تا یک فیلسوف اشراقی آزاد.  
این است، آندو سفارش:

۱ - که در آغاز آن می‌خواهد آنچه را که برای خویشتن آرزو میکند و بر او  
روشن است برگزیند و آنرا چنانکه در عنوان نسخه ما آمده برای رهروان نوشته و  
آنرا اپارسانی و پیروی از سنت می‌خواند.

آغاز: بسم الله. ايها الطالب، السالك الطريق الى الله، المجد في الطلب. اذكر لك  
الحق الواضح الذي اتمناه لنفسی واثق اليه.

انجام: فاستمع يا اخي وصيتي، واقبل نصيحتي، تكن من الامنين. والحمد لله  
۱۰ رب العالمين. والصلاة على محمد واله اجمعين:

[۶۱۰]

این نسخه شماره ۳ دفتر است و بخط تعلیق محمد علی بسال ۱۳۰۱ گ ۶۶ الف -  
۸۷۱ ب. دردنبال آن سخنانی است از ابی یزید بسطامی که میگوید مرد هر گونه  
کرامتی داشته باشد باید دید در باره دستورهای کتاب و سنت چون است.

۲ - که یکی از دوستان خویش مینویسد و بند بدو میدهد.

آغاز: هذه وصيته كتبها الشيخ شهاب الدين السهروردي لبعض محبيه. يا بني اوصيك  
بتقوى الله وخشيته و لزوم حق الله.

انجام: لا تدرى ما اسمك غدا في القيامة. وفقنا الله لما يحب ويرضى. تمت.

[۶۱۱]

این نسخه شماره ۴۶ دفتر است و بخط تعلیق گ ۱۷۵ الف وب. پیش از آن  
تفسیر «سبحان الله... والله اكبر» است از شمس الدین محمد مکی.

(فارسی)

مملوك

[۴۹۵-۴۹۲]

در نسخه شماره ۳۵۸ این کتابخانه چهار گفتار در سیر و سلوک و روش عبادت و سنن  
صوفیانه و آداب مرید و شیخ است و مشرب شیعی در آنها پیدا است و ساخته عارفان  
شیعی اخیر میباشد. نگارنده همه اینها باید همان محمد حسین بن محمد باشد که

۱۷۰ نیست و سبک همه اینها نیز یکی است. گفتارها اینک شناسانده میشود.

- پاداش و مزد در رستخیز است فهرست بابها پس از دیباچه گذارده شده. در خاتمه ۱
- (گ ۱۶ ب) میگوید: همانکه ابن سینا در قانون خویش درباره جالینوس گفته است که وی «میخواست فیلسوف گردد مگر اینکه شایسته آن نبود» درباره خود او هم درست است. پیمودن این دریای ژرف نه در خور ابن سینا است و نه ارسطو که قبله اوست و نه فیلسوفان مقلد دیگر. ابن سینا اگر بشقا نمی پرداخت از پیامبران پیروی میکرد. نگارشهای او وفارابی که از اندیشه و کارش برخاسته ارزشی ندارد. فیلسوفان کافری تقلیدی هستند. از خبرهای معننی که در بیشتر جاها میآورد مشایخ روایت او بدست میآید. در باب ۷ در رستخیز و تکفیر کسانی که بازگشت تن را نمی پذیرند (گ ۵۵ الف) خبری از «ناصرالدین الله امیر المؤمنین» از عبدالرزاق پسر شیخ عبدالقادر گیلانی بشتیری م ۵۶۱ میآورد. ابن ناصر گرچه خود حدیث روایت میکرد و بدیگران اجازه روایت میداد ولی بانگیزه ابن ثابت بن سائبور (م ۵۹۶) بفرسفه آشنا شده و علوم شرعی را خوار داشت. گویا سهروردی برای همین بود که این کتاب را نوشت.

[۶۰۹]

- این نسخه بخط نسخ معرب است و عنوانها بنسخ درشت تر از محمد پسر ابی ۳۴۵  
المعالی ابی بکر پسر محمد ابرقوهی بسال ۶۲۷- در برخی جاها مانند گ ۱  
بریده و وصالی شده و خاتمه دوم بیابان نمیرسد و از آغاز هم ندارد و چنین است  
«النبوة بعوارف فضلها وعدلها فحنت الی جوار اعتاب السدة الشریفة ارواح العلماء فشدو الیهما الرحال (آغاز) - قولهم ان لا یوجد من الواحد الا واحد ارتقوا الی اوائل العلم بان لا یوجد من الواحد الا واحد ولكن (غفلوا) ان ذلك الواحد هو الروح الاعظم فسموه (انجام)»  
۲۰ در بسالای گ ۱۱۱ الف نوشته است که حسنعلی واعظ ابروانی بسال ۱۲۵۵ این نسخه را داشت.

(۳۱۲۱) کاغذ ترمه سمرقندی - جلد تیماج ضری. شماره ۱۸

اندازه: ۱۰ × ۱۷ و ۲۲ × ۱۸

- ۲۵ (عربی) سفارشنامه سهروردی [۴۹۰-۴۹۱]

دو بند و سفارش بنام سهروردی در این کتابخانه هست که گویا از شهاب الدین سهروردی صوفی باشد نه سهروردی اشرافی چه در یکی (۸۷۱/۳) از محدثات و نورسیده. ع. ق. ساندرد دیگری (۱۰۱۵/۴۶) از اندیشه و تفکر باز میدارد و این گونه.



۱ - درسیر وسلوك آمیخته با اخبار و در آن از بایزید بسطامی و محمد بن اسمعیل بن ابی القاسم بن همشاد نوحی و ذوالنون مصری و شیخ ابوسعید و شیخ مغربی و نجم الدین رازی و مرصاد العباد او و قطب انصاری و پیران نقشبندی و شیخ بهائی و آقا محمد بیدآبادی یاد گردید.

آغاز: لاجابة الدعاء والفرج روایت است از حضرت پیغمبر که بدرستی که من میدانم کلمه که نگفته است آنرا تنگ دلی مگر آنکه حق تعالی فرجی ده-د تنگ دلی او را.

انجام: و آنچه گفته شد در اخبار و آیات انبیا و اولیا و احوال حکما است و بالله التوفیق.

۲ - در آداب خوردن برای صوفیان و در آن از هفید و سید مرتضی و حکیم غزنوی و خواجه طوسی و ابن فهد حلی و علی بن طاووس و شیخ صفی الدین و مجلسی یاد شد.

آغاز: آداب طعام خوردن اول آنکه رازق را الله داند نه فلان.

انجام: و نفوس محدث اند بحدوث ابدان مع ذالك هیچ يك يكديگر را

تکفیر نکردند.

۳ - نیز گفتاری است درسیر وسلوك و نام نگارنده آن در پایان (محمد حسین بن محمد - گ ۱۲۷ الف) دیده میشود و در آن ارلسان الغیب (گ ۱۲۵ ب) و شاه نعمه الله یاد گردید و در دو فصل و يك خاتمه میباشد.

آغاز: بسملة الحمد لله الحليم الكريم... اما بعد چون مقتضای عبودیت حقیقی

اشتغال قلب و قالب عبادت است معبود.

انجام: اگر بخودی خود چند سال در دوزخ مجاهده سوخته هنگام بیرون آمدن خام خواهد بود.

نظم:

گدائی در میخانه طرفه اکسیر است

گر این عمل بکنی خاک زر توانی کرد

[۶۱۴-۶۱۲]

این سه نسخه شماره‌های ۲ (۱۰۸ب-۱۱۷ب) و ۳ (۱۱۷ب - ۱۲۰ الف) و ۴ (۱۲۰ الف - ۲۷ب) دفتر است و همه بخط نسخ و عبارت‌های تازی زیر خط سرخ میباشد.

۵ - نیز در روش صوفیانه بمشرب شیعی است و بنام رساله سید بن طاوس در نسخه یادشده درست نیست. نگارنده آن باید همان محمد حسین بن محمد باشد که نویسنده نسخه ۸۶۴/۴ نیز هست بسال ۱۲۵۱.

آغاز: بسم الله خير الاسماء . الحمد والثناء لعين الوجود ... ای همسفران ملک سعادت و صفا وای رفیقان راه خلوصیت و فنا.

۱۰ - انجام: بمسجد ابن طاوس مشهور است و حال از بنای آن مسجد اثری نیست والله ولی الامر کله.

[۶۱۵]

۳۵۸ این نسخه شماره ۵ دفتر است و بخط نسخ گ ۱۲۷ب ۱۵۲ب.

[۶۱۶]

این نسخه شماره ۴ دفتر میباشد و چنین است آغاز و انجام آن: «امکتوا انی آنست نارا ... بطریق عذیده از سید رسل و هادی سبل مروی است (س ۴ گ ۱۲۷ب ش ۳۵۸/۵ و دوسطر آغاز را ندارد) - و سید خود بعد از آن در آنجا مسجدی عظیم بنا نهاد و الحال بمسجد ابن طاوس علیه الرحمة مشهور است . والله ولی الامر . وقد فرغ من تسویده فی شهر ذی القعدة الحرام فی سنة ۱۲۵۱ تراب اقدام اولیاء الله اقل الثقلین ابن محمد ، محمد حسین ، عفی الله عنهما فی الدارین . » گ ۱۷۸ الف - ۱۱۰ الف بخط تعلیق .

مهر عبده حسین بن محمد در پایان دیده میشود .  
(همه دفتر ۱۳۶) کاغذ فرنگی - جلد تیماج حنایی

اندازه : ۲۲ × ۸ و ۴۵ × ۱۵ س ۱۸ تا ۱۵

(فارسی)

شرح بیعتی از حافظ

[۴۹۶]

۲۵ دوانی این بیت « پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت - آفرین بر نظر پاک خطا پوشش باد » را بروش فلسفی گزارش میدهد و در آن اشعربان زارستگار و معتزلیان را مجوس می‌پندارد و میگوید که « عمر بن الخيام » و بهمنیار بن المرزبان « از شاگردان شیخ رئیس بوده اند .

آغاز: پیرما گفت... قبل از خوض در اداء معنی بیت تمهیدیه قدمه چند... خواهد رفت  
انجام: پس اگر خطا در واقع بودی و پیر آنرا ندیده بودی پاک بودی.

[۶۱۷]

این نسخه شماره ۱۹ دفتر و بخط تعلیق محمد شریف پسر محمد قائمی بسال ۱۰۶۱ گ ۹۳ - ۹۵ الف میباشد.

[۴۹۷] شرح بیعتی از دهلوی (فارسی)

جامی بر این بیت امیر خسرو دهلوی (۶۵۱-۷۲۵): «ز دریای شهادت چون نهنگ لابر آرد سر...» گزارش نوشت.

آغاز: بسمله. یامن لارب غیره و لاله سواه... دل عشق ترا مرید باد امر.

انجام: خاموش که مرغ رام رارم ندهی. تمت الکلام بعون الملك العلام.

[۶۱۸]

این نسخه شماره ۱۹ دفتر است و بخط تعلیق گ ۲۵۷ الف - ۲۵۹ الف.

[۴۹۸] شرح بیعتی از شمسقوری (فارسی)

آغاز: من افادات المحقق الدوانی - چون عزیزی التماس معنی این بیت

کرد از گلشن راز که تصنیف... محمود شبستر است واجب نمود... قیام نمودن... و املا کرد...

«باصل خویش یگره باز بنگر - که ما را پدر شد باز مادر»

انجام: که هرگز شکر گوینده را لذت شکر خائیده نباشد. والله اعلم بالصواب.

[۶۱۹]

این نسخه شماره ۲۲ دفتر است و بخط تعلیق گ ۸۸ ب ۹۰ الف - پس از این تا پایان دفتر سخنان پراکنده ایست از دانشمندان: از تحفه الاحباء و درج الدر که هر دو در عرفان است ۹۰ الف. از سید ابراهیم قزوینی و صدرای شیرازی

هر دو در عرفان ۹۰ ب - ۹۱ الف. باز عرفان است و ادب و حدیث ۹۱ ب - ۹۲ الف. قصیده ای در ۱۲

بیت که ۴۲۰ گونه میتوان آنرا خواند ۹۳ الف. از صدر الافاضل و اصطلاحات عارف کاشی

و شرح فصول نصیری به علامه حلی و سخنان عرفانی و فلسفی و کلامی ۹۳ ب - ۹۵ ب. پیش از این سنجیست از امام در «السر المکتوم» در اینکه فرشته همان پردگار (رب النوع) است ۸۸ الف.



## [۴۹۹] شرح بیشتی از مشنوی (فارسی)

جامی این بیت «بشنو ازنی چون حکایت میکند...» را گزارش میکند.  
 آغاز: بسمله. عشق جز نائی و ما جز نی نه ایم - اودمی باما و ما بی وی نه ایم...  
 این سطرى چنداست بعضی منشور و بعضی منظوم  
 انجام: ۵

در بقای او شوی فانی تمام باقی جاوید باشی والسلام

## [۶۲۰]

این نسخه شماره ۱۵ دفتر است و بخط تعلیق با عنوانها و نشانه‌های شنکرف گ  
 ۸۶۷ ۲۴۶ الف - ۱۲۵۰ الف. گزارشی از جامی به نشر و نظم بر همین بیت بالا و بیت  
 ۱۰ «کز نیستان تا مرا بیریده اند...» در جنگ رساله‌های هموونسی و آذری و کاشی  
 و کرمانی چاپ ۱۳۰۳ هست ص ۳۸۲ - ۳۸۶ هامش.

## [۵۰۰] شرح حدیث صمدیه (فارسی)

جامی بر این حدیث بروش صوفیانه گزارشی بنشر و نظم نوشته است:  
 آغاز:

بسمله ای پاک ز حیز و میر از گمان خالی ز تونی درون و بیرون جهان ۱۵  
 انجام:

هر حرف خطا که جسته باشد ز قلم شویند بآب عفو و باران کرم

## [۶۲۱]

این نسخه شماره ۱۷ دفتر است و بخط تعلیق گ ۲۵۲ - ۱۲۵۴ الف.

## [۵۰۱] ۲۰ شرح حدیث الغمامه (عربی)

دانشمند قاضی محمد سعیداء قمی (۱۰۳۸ - ۱۱۰۳) در سپاهان سال ۱۰۹۹ که  
 در شصت و یک سالگی بود (۱) (دیباچه) گزارشی عرفانی بر حدیث الغمامه که از امیر  
 مؤمنان آورده اند نوشته و در آن میگوید که این حدیث را صدوق قمی در المجمعوع  
 الرائق و دیگران آورده و سند بسلامان میرسد و آن حدیثی است عارفانه و غلو آمیز.

۲۵ ۱ - از این روی باید اودر ۱۰۳۸ زاده شده باشد نه در ۱۰۴۹ که در فهرست طوس  
 (ج ۴ ص ۱۷-۱۸) یاد شده.

آغاز: بسملة الحمد لله مدبر الادوار و معيد الاكوار طبقا عن طبق و عالما بعد عالم .

انجام : وليكن هذا آخر ما اردنا ابراده من كشف بعض اسرار هذا الخبر...  
ومن الله اسئل العصمة عن الخطا والى الله المشتكى .

[۶۲۲]

این نسخه بخط نسخ و متن زیر خط سرخ از محمد حسین فرزند حاج محمد ابراهیم سپاهانی در ۱۲۶۳ می باشد. او دارنده این نسخه بود و خود در گ ۱ الف چنین نوشته و مهر او در همینجا هست. حاشیه های از پدر او در نسخه هست که او از آن وی میداند .

(۴۱۹) - کاغذ سپاهانی - جلد تیماج مقوای قهوه ای کلمه رهر  
اندازه : ۱۷×۱۱ و ۱۷×۶ و ۱۳×۱۷ س

[۵۰۲] شرح حکمة الاشراق (عربی)

- شیخ شهید اشراقی شهاب الدین ابوالفتوح یحیی بن حبیب بن امیرکسهروردی (سهرورد ۵۴۹- حلب ۵۸۷) حکمة الاشراق را در منطق و فلسفه بروش خویش نگاشته و در پایان روز سه شنبه ۲۹ ج ۲ سال ۵۸۲ (ص ۵۶۱ چاپ سنگی و ص ۲۵۸ چاپ تازه) آنرا بانجام رساند . او در این کتاب بدرخواست یاران حکمت ذوقی خویش را گنجانده و بدان بسی ارج مینهد و در مشارع و مطارحات (ص ۱۹۴ - ۳۶۱ و ۴۰۱ و ۵۰۵) از آن بستود. شمس الدین محمد بن محمود شهرزوری (زنده در ۶۸۷) نگارنده «رسائل الشجرة الالهية» در ۶۸۰ و نویسنده سرگذشت شیخ اشراقی در پایان «نزهة الارواح» خویش مانا نخستین بار (۱) بر این دفتر گزارشی نگاشته است. آنگاه قطب الدین محمود شیرازی (شیراز ۶۳۴ - تبریز ۷۱۰) بر آن گزارشی آمیخته نوشت که اسدالله بن محمد حسن یزدی هراتی در تهران از ذی قعدة ۱۳۱۳ تادهه یکم صفر ۱۳۱۶ بدستور حاج ابراهیم طباطبائی و بخط محمد بن میرزا عبدالعلی در گزینی آنرا باتعلیقات صدرای شیرازی و رساله جمع بین رأین فارابی بچاپ سنگی رساند . متن کتاب را آقای هنری کریبن خاورشناس با دو رساله «فی اعتقاد الحكماء» و «وقصة»

۱ - بنگریه به : دیباچه خاورشناس دانشمند آقای هنری کریبن فرانسوی بر مطارحات ص LXXII و بر حکمة الاشراق ص ۶۶ و ۶۹ - کنز الحکمه بخش ۲ ص ۱۶۲ .

العربة الغربية» و گزارش پارسی کهن این یکی باپارده‌ای از دو گزارش شهرزوری و شیرازی در تهران بسال  $\frac{۱۳۳۱}{۱۹۵۳}$  بسیار زیبا و پسندیده چاپ نموده دیباچه‌ای بزبان فرانسه در آغاز آن گذارده است. شیرازی گزارش خویش را بنام خواجه غیاث الاسلام جمال‌الدین علی بن محمد دستگردانی وزیر باید و کرده در رجب سال ۶۹۴ بیابان رساند (ش ۱۲۹ مجلس و ش ۴۹۸ عربی فردوسی ملی) این دستگردانی در ۶۸۳ ناظر اوقاف عراق بوده از ماه جمادی یکم تاششماه سال ۶۹۴ وزیر باید و (هفتمه ۶۹۴ و کشته در همین سال) و در دومه سال ۶۹۵ وزیر غازان (۶۹۴ - ۷۰۳) شده است و در پایان همین سال کشته شد (دیباچه چاپ تهران درة التاج ص ۵ - لب التواریخ ص ۵ - ۱۴۴ - دستور وزراء خوند میر ص ۳۱۳).

۱۰ شگفت اینجا است که قطب شیرازی در دیباچه گزارش خویش ص ۳، حکمت الاشراق را از شهاب‌الدین (ابو حفص) عمر بن محمد سهروردی (بکری شافعی صوفی عارف پیرو سنت ۵۳۹ - ۶۳۲) دانسته و کشیه ابو الفتوح بدو داده و لقبهائی برای او یاد کرده که شایسته شیخ اشراقی شهید میباشد.

۱۵ گویا در این سده بنگارشهای سهروردی بسیار مینگریستند چنانکه همین شهر - زوری در نزدك ۶۸۰ و ابن کمونه در ۶۶۷ و علامه حلی (۶۴۸ - ۷۲۶) پیش از ۶۹۳ بر تلویحات او گزارش نوشتند. حلی در اجازه‌ای که بنجم‌الدین مهنابن سنان در محرم سال ۷۲۰ داده است از گزارش خویش بنام «كشف المشكلات من كتاب التلويحات مجلدان» یاد نمود. همین اجازه بخط سید حیدر آملی در ذی‌قعدة ۷۶۲ در نسخه ش ۱۰۲۲ گ ۶۸ الف - ۷۰ ب آمده و مجلسی آنرا در جلد ۲۵ (اجازات) بحار ص ۲۹ و ۳۰ آورده است. او دو اجازه از علامه برای مهنایاد کرده که نخستین بتاریخ ذی‌حجه ۷۱۹ است و این یکی دومی آن و تاریخ آنرا او یاد ننمود. در خلاصه علامه (چاپ ایران بسال ۱۳۱۰ ص ۲۴) و نیز در همان اجازات مجلسی ص ۲۱ از همان خلاصه از «حل المشكلات من كتاب التلويحات للسهروردی» یاد شده و از گفته حلی پیداست که آنرا پیش از ۶۹۳ نوشته بود.



ودود تبریزی (سده ۱۰) بر حکمة الاشراق و گزارش شیرازی حاشیه نوشت. او پیش از این بر الواح عمادیه شیخ اشراقی که در جوانی نگاشته و بنام عمادالدین سلجوقی (قره ارسلان پسر ارتق فرمانروای خربوت و سردر دمان ارتقی از ۵۸۱) کرده است، در ۹۳۰ گزارش نوشته بود.

- ۵ نجم الدین حاجی محمود تبریزی نیز بر حکمة الاشراق حاشیه دارد چنانکه صدرای شیرازی و دوانی بر آن حاشیه نوشتند. محمود شریف بن الهروی دیباجه و بخش دوم حکمة الاشراق را در ۱۰۰۸ پیارسی کرد و در آن بگزارش شیرازی نیز نگریسته است. دانشمند داماد استرآبادی گذشته از اینکه در بسیاری از نگارشهای خویش سخنان سهروردی را گواه آورده، در ۱۰۲۹ در پاسخ پرسشی که از وی درباره يك بند از حکمة الاشراق (بند ۲۶۸ ص ۲۵۰ چاپ تازه) کرده اند نامه ای نگاشته است. ۱۰ فرزانه بهرام پسر فرشاد (زنده در ۱۰۴۸) پیرو آذر کیوان از زردشتیان شیراز که در هند میزیست حکمة الاشراق را پیارسی در آورد. تلویحات شیخ اشراق بزبان عبری نیز ترجمه گردید (دیباجه فرانسوی آقای هنری کریین بر مطارحات VII و بر حکمة الاشراق ص ۵۹-۶۴) میدانیم که سید حیدر آملی و غیاث الدین منصور دشتکی و سید احمد عاملی و سعید اقمی و شمساء گیلانی و فیض کاشانی و لاهیجی و پیروان اینها ۱۵ همه روش اشراقی داشتند. در روزگار اکبر شاه هندی (۹۶۳-۱۰۱۴) گذشته از ترجمه نگارشهای هندی پیارسی فلسفه ایرانی هم در دسترس مردم هند گذارده میشد پس میتوان گفت که روش اشراقی سهروردی را بسیاری از دانشمندان شیعی ایرانی پسندیدند و چون ریشه ایرانی داشت سرانجام عرفان آریایی هند نیز پیوست (۱)
- ۱- از متن حکمة الاشراق دو نسخه در سرای احمد اسلامبول یکی (III3252) ۲۰ بتاریخ ۱۷ شعبان ۶۷۹ دیگری (III3271) بتاریخ ۲۸ سال ۷۰۸ و نسخه ای در کتابخانه راغب همانجا (ش ۱۴۸۰) بتاریخ ۷۳۴ در مدرسه نظامیه بغداد، هست. از شرح شیرازی نسخه ای بشماره ۴۹۸ عربی در کتابخانه ملی فردوسی تهران هست که حسین بن عبد الله النیاری بغدادی نوشتن آنرا در تبریز یکم جمادی دوم سال ۷۳۴ پایان رساند. دوا جزه روایت از قطب شیرازی درد و برک پایان آن هست که به نجم الدین دهستانی و ظهیر الدین عسکری در تبریز در پایان ربیع دوم سال ۷۰۸ داده تا بتوانند همه کتابهای او را روایت کنند و بخط همان بغدادی میباشد (دیباجه فرانسوی شرح حکمة الاشراق ۲۵ دنباله حاشیه در صفحه بعد

این نسخه بخط یسخ خوش و متن و عنوانها بنسخ درشت تر و سیاه تر زیر خط سرخ میباشد و عنوان برخی از مطلبها درهامش آمده است. نویسنده آن دانشمند سید رکن الدین محمد بن علی فارسی استرآبادی گرگانی میباشد که شاگرد علامه حلی (۶۴۸ - ۷۲۶) و خواجه طوسی (۵۹۷ - ۶۷۲) بوده است. او اوصاف الاشراف و اساس الاقتباس و اخلاق ناصری و الفصول فی الاصول و شرح کتاب ثمره بطلمیوس و جبر و قدر طوسی را از پارسی بتازی کرد (ص ۲۱۵ ج ۴ فهرست طوس - گ ۱۲۸ الف - ۱۲۹ الف ش ۱۰۲۲ دانشگاه که فهرست نگارشهای گرگانی از روی خط او در آنجا آمده است).

۱۰ رکن الدین نوشتن این نسخه را برای خود در نجف در روز دوشنبه (۹) محرم ۷۱۸ از روی نسخه بدی بیایان رسانده سپس آنرا با نسخه دیگر (گویا نسخه اصل) برابر نمود و این مقابله او در روز چهارشنبه ۹ ج ۲ سال ۷۲۳ بانجام رسید. شرف الدین حسن بن عبدالکریم قتال غروی خادم روضه غروی استاد ابن ابی جمهور احسائی و روایت کننده از جمال الدین حسن بن حسین بن مطر جزائری از ابن فهد حلی (۷۵۷ - ۸۴۱) این نسخه را نگریسته و از آن بهره برد و در بامداد روز سه شنبه دوم ربیع یکم سال ۱۸۷۰ از خواندن آن بیاسود (۱).

این نسخه در دست جلال الدین محمد دوانی (۸۲۸ - ۹۰۸) بوده و بر آن بخط خود حاشیه‌هایی نوشته که در پایان بیشتر آنها نشانه «مح» دیده میشود و در سه جا نیز بدینگونه نوشته است: لمعلقه محمد بن اسعد - للفقیه الجانی محمد بن اسعد الدوانی - لکاتبه الفقیر الجانی محمد بن اسعد الدوانی (گ ۹۸ الف - ۱۱۳ الف) دوانی در حاشیه خود (گ ۶ الف) از کلمه التصوف «سهروردی یاد نمود».

۱ - گرگانی در عراق میزیسته و «الابحاث فی تقویم الاحداث» را در رد زیدیان و اثبات تشیع در روز آدینه ۲ ج ۳ سال ۷۲۸ در نجف نوشته است.  
(برای سرگذشت گرگانی بنگرید به: روضات الجنات چاپ ص ۲۶۵ و ۶۰۹ و چاپ دوم ص ۲۶۴ و ۵۸۱ - فهرست طوس ج ۴ ص ۳ و ۲۱۴ و ۲۱۵ - ذریعه ج ۱ ص ۶۳ و ج ۴ ص ۱۲۲ - برای سرگذشت ابن ابی جمهور بنگرید بآنچه درباره «مناظره احسائی و هروی» در همین فهرست خواهد آمد).

دنباله حاشیه صفحه پیش

ص ۷۵ - ۷۸).

در کتابخانه مجلس سه نسخه ش ۱۲۹ و ش ۱۳۰ تاریخ ۱۰۶۲ و ش ۱۳۱ تاریخ ۱۲۹۸ و در طوس نیز سه نسخه ش ۱۵۹ (ج ۱ ص ۴۹) تاریخ ۱۰۲۱ و ش ۱۷۰ (ج ۱ ص ۵۱) و ش ۷۸۹ تاریخ ۱۱۰۹ (ج ۴ ص ۱۷۴) از شرح شیرازی هست.

این نسخه را محمد باقر جهرمی شیرازی کربلائی در کاظمین سال ۱۲۵۳ خریداری کرده است. مهرزیبائی بساخت یک مربع در یک دایره در الف دیده میشود که خوانده نشده. چنین است نسخه:

آغاز: «بسم الله (وفق اللهم لا کماله لمحمد و کرام آله) - میانه دو کمانه شاید از گرگانی باشد - الاشراف سبیلک ...»

انجام: «متجنبین طریق المراء والعناد والله ولی السداد».

عنوان گزارش در نسخه ما چنین است: کتاب شرح حکمة الاشراف للشیخ شهاب الدین السهروردی رحمه الله تصنیف المولی الكامل والعارف الواصل قطب الحکماء رئیس العلماء القطب الصمدانی والمکاشف الحقانی مسعود الشیرازی قدس الله نفسه وطهر ربه بمحمد و آله الطاهرين .

در گ ۲۰۲ الف دارد: «فرغ ناسخه لنفسه الملتجی الی الحرم العلوی محمد بن علی الجرجانی من نسخه سقیمه يوم الاثنين (تاسع) محرم ثمان عشره وسبعمائه حامدا لله تعالى علی نعماء ومصليا علی خاتم انبیاء محمد بن عبد الله ومسغفرا الذنوبه».

نیز: «وقع الفراغ من (قبال) النسخة بغير (اصلها) بحمد الله تعالى الاما (قد) البصر وذلك يوم (الاربعاء) . تاسع جمادی الاخره سنة ثلث و (عشرین) وسبعمائه - ۱۵ الهجرية و كتب محمد بن علی الجرجانی حامدا ومصليا ومستغفرا».

در گ ۲۰۲ ب: فرغ من مطالعة هذا الكتاب وتامله ... و استفاد منه ما يتسر له الوصول ... عليه وفقه الله وامثاله لحل مبانيه وا ... حقایقه و معانیه صباح يوم الثلاثاء ثانی ربيع الاول سنة سبعین وثمانمائه ... الصبحه حسن بن عبد الكريم القتال ...

( دو سطر پاک شده و خوانده نمیشود و همچنین کلماتی که بجای آن نقطه گذارده شده ) .

در الف: «اشریته یثمن بخس فی کاظمین علیها السلام وانا العبد الخاسر محمد باقر ۱۲۵۳ الجهرمی الشیرازی الکربلائی» آنچه در میان دو کمانه گذارده شده در نسخه بروشنی خوانده نمیشود .

(۴۲۰۴) - کاغذ قرمه سمرقندی - جلد مقوا برزک زرد

اندازه: ۱۷×۲۶ و ۲۰×۲۴ س ۲۴



گویند کمیل (۱) که از شناختگان علی ۴ بوده است از رهبر و استاد خویش درباره «حقیقت» پرسید و او پاسخی عرفانی داد. این پرسش و پاسخ در فصل الخطاب حاج محمد کریم خان فرزند ابراهیم خان قاجار ظهیرالدوله (۱۲۲۵-۱۲۸۸) بسال ۱۲۸۰

۵ - ۱ - کمیل پسر زیاد پسر نهیک پسر هیم نخعی را علی ۴ فرمانروای هیت کرد و او نمی توانست چپاولگران معاویه را که بمرز عراق میگذشتند براند و در برابر میخواست بسپاهیان خویش دستور دهد که بمرزهای دشمن مانند قریسا و دیگر روستاهای پیرامون فرات بتازند. علی بدو نوشت که اینگونه کار سستی است. کمیل در جنگ صفین بود. ابو حیان میگوید که او سخنانی دشوار از علی آورده و از گفته های او سخت می پرهیزند. ذهبی گوید که او گرانمایه و راستگو و رهبر و پارسا و شیعی مشش بود و کم حدیث دارد. ۱۰ حجاج او را نزدیک بسال ۸۲ بگناه دوستی علی و بودن با کشتن گان عثمان بکشت (سینه بکار الانوار قمی ج ۲ ص ۴۹۸ - رجال مامقانی ج ۲ ش ۹۹۳ ص ۴۲) میگویند کمیل از علی (ع) درباره شناخت روان پرسیده و پاسخی عارفانه و فیلسوفانه گرفت. مجلسی در آسمان و جهان بکار (ج ۱۴ ص ۴۱۱) می نویسد که صوفیان آنرا از کمیل نقل کردند سپس میگوید که این اصطلاحات در اخبار معتبر یافت نمیشود و مانند یاهو سرائیهای صوفیان است. این خبر در اثنتی عشریه فی المواعظ العبدیه محمد بن قاسم عاملی (زنده در ۱۰۶۸) و فصل الخطاب کریم خان ص ۲۳۳ دیده میشود.

نیز گفته اند که اعرابی از علی (ع) چنین پرسشی کرد و پیشوا پاسخ داد. فیض در کلمات مکنونه (چاپ ۱۳۱۶ ص ۴-۷۳) آنرا آورده و گفت که پیران ایندو را مرسل دانستند نه اینکه نپذیرفته باشند و هر دو را شرح کردند. آذری در جواهر الاسرار (چاپ ۱۳۰۳ ص ۲۵۴) گزیده از مفتاح الاسرار بسال ۸۴۰ پرسش کمیل درباره روان را یاد کرد. او در ص ۲۵۳ «من عرف نفسه عرف ربه» را نیز سخن پیامبر دانست. پیش از او شاه نعمه الله کرمانی بسیاری از سخنان دانشمندان را بپیامبر و پیشوایان بسته است چنانکه «من فقد حسا فقد علما» را که از ارسطو و منطقیان دیگر است از پیامبر پنداشت (رسالة النکات در مجموعه رسائل او چاپ ارمغان بسال ۱۳۱۱ خ ص ۱۲۱) در ص ۲۱۸ این فهرست یاد شد که عبات «صور عاریة عن المواد...» را از دو بند تیایش ابن سینا گرفته بعلی (ع) بسته اند و آن در غرر الحکم و درر الکلم (فصل صاد) سید ابوالفتح ناصح الدین عبدالواحد محمد بن محفوظ بن عبدالواحد آمدی (۵۱۰ م) که باین شهر آشوب دانشمند شیعی (۵۸۸ م) اجازه روایت همین کتاب را داد آمده است. کریم خان در فصل الخطاب ص ۲۳۵ از همو آنرا آورده گفت که پیران از آن یاد کرده و کسی انکار نکرده است. فیض در کلمات مکنونه ص ۷۵ نیز آنرا آورده است. (نیز بنگرید به: کنی والقباق قمی ج ۲ ص ۵ - ریحانة الادب ج ۱ ص ۲۹ - معجم المطبوعات - ابن شهر آشوب در معالم العلماء چاپ تهران ص ۷۲).

۱۲۸۲ (چاپ ایران بسال ۱۳۰۲ ص ۲۳۳) آمده و او میگوید: که مشایخ آنرا مرسل آورده و شرح کردند. در (ص ۲۳۱) روضات الجنات خوانساری (۱۲۶۶ - ۱۳۱۳) نیز یادی از آن شده است. صائِن الدین علی ترکه خجندی سپاهانی (۸۳۵م) در مفاحص (ش ۴۳۰ گ ۵ الف) از این خبر یاد نمود.

- ۵ عبد الرزاق کاشی در نامه‌ای که بعلاء الدوله سمنانی مینویسد میگوید: «و در سخن ساقی کوثر امیر المؤمنین رض آمده است: الحقیقة کشف سجات الجلال من غیر اشاره» (نفحات جامی ص ۲۲۳) شوشتری در مجالس المؤمنین مجلس ششم در آغاز سرگذشت کمیل از شرح عبد الرزاق کاشی بر این حدیث یاد نموده و خود آنرا بند ببند آورده و بیارسی گزارش داد. در فهرست مجلس (ش ۱۳ - ۶۳۱/۱۲) از دور ساله کمیلیه در گزارش همین گفتار یاد شد و نخستین بیارسی است. در این کتابخانه ۵ ۱۰ گزارش هست:

- ۱ - از دانشمند علامه جمال الدین حسین پسر یوسف پسر مطهر حلی (۶۴۸ - ۷۲۶) که بدرخواست یکی از برادران دینی و بر روش تصوف و عرفان نگاشته است. آغاز: الحمد لله الذی بطن ذاته بصفاته و حجب صفاته بافعاله و خفی افعاله بآثاره... فقد سال منی اخ فی الدین ان اکتب رسالة و جیزة فی شرح کلام... علی بن ابی طالب... حین سأله کمیل... عن الحقیقة فقال... مالک و الحقیقة.
- ۱۵ انجم: و تعمقه فی بحار مراتب الحقیقة والیقین و رزقنا الله... الثبات علی الصراط المستقیم المعبر عنه بالشریعة والدين القويم وحشرنا فی زمرة المؤمنین المتقین العارفين الواصلین من الانبیاء والاولیاء والائمة والمشايع من الاولین والآخرین والصلوة والسلام علی نبیه محمد واله الطیبین الطاهرین اجمعین آمین یا رب العالمین.
- ۲۰

[۶۲۴]

۱۰۳۶ این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط تعلیق مورب گ ۱۰ الف - ۱۱ الف.

- ۲ - از عارف عز الدین محمود فرزند علی فرزند ابی طاهر کاشی نطنزی (۷۲۵م) که بروش عرفانی نوشته و پس از یاد کردن همه خبر بند ببند آنرا آورده و روشن نمود.

آغاز: قال الشيخ العارف عز الملة والدين علي بن ابي طاهر الكاشي «تفسير الالفاظ التي صدرت عن امير المؤمنين علي بن ابي طالب ... في جواب كميل ... علي ماسنح لي وسمح به الوقت ان الحقيقة فعيلة من حق يحق حقيقة اذا ثبت والتناء فيها للخروج من الوصفية الى الاسمية واللام للعهد الذهني ...»

انجام: اذا طلع الصباح استغنى عن المصباح والله يهدي من يشاء الى صراط مستقيم ٥  
(١٠٣٦/٣)

[٦٢٥]

این نسخه شماره ۱۵ دفتري است دارای ۵ رساله و بخط نسخ نزديك ۱۲۷۰ گ ۳۷۹  
اب ۳ الف . وچنين است : « بسملة . سأل كميل ... عن امير المؤمنين كرم الله وجهه ۱۰  
عن الحقيقة ... قال الشيخ ... محمود بن علي ... الكاشي ... تفسير هذه الكلمات على  
ماسنح لي وسمح الوقت - اذا طلع الصباح ... مستقيم . والله اعلم .  
( همه دفتر ۱۲۷ ) = كغذ فرنگي - جلد تيماج - نيزر  
اندازه : ۱۳٫۵ × ۳۱٫۵ و ۷٫۵ × ۱۴٫۵ س ۱۸

[٦٢٦]

این نسخه شماره ۳ دفتري است و بخط تعلیق گ ۱۱ الف و ب . در پایان دارد :  
« تمت في سنة ۱۱۱۶ » . ۱۰۳۶۱۵

۳ - از کمال الدین عبدالرزاق کاشی عارف (م ۷۳۶) که بروش عرفانی نوشته و در  
آن خبرهایی عارفانه از پیامبر و امام صادق (ع) آورد . وی نخست همه حدیث را  
یاد نمود و سپس بندهند آنرا گزارش نمود . این دانشمند کاشانی با هم شهری خویش  
۲۰ هردو شاگرد نورالدین عبدالصمد نطنزی سپاهانی ۶۹۹ و ظهیرالدین عبدالرحمن  
فرزند ... بزغش شیرازی م ۷۱۶ بوده اند و هردو نگارشها در عرفان دارند .

آغاز: بسملة . الحمد لله رب العالمين . . . و بعد فهذا مما املنا الشيخ الكامل . . .  
کمال الملة والدين عبدالرزاق الكاشي علي مـ ا اجاب به امير المؤمنين . . . عن سؤال  
كميل بن زياد عن الحقيقة وهو قوله ما الحقيقة . . . قال الشارح الحقيقة ههنا هو الشئ  
الثابت الواجب بذاته الذي لا يمكن تغييره بوجه ما . ۲۵

انجام : وعندنا لابتهاج لا يحتاج الى السراج والله الهادي الى طريق الرشاد وهو كل  
مرجع وماآب وصلى الله على محمد واله خير العباد (۱۰۳۵/۳۳) .



[۶۲۷]

این نسخه شماره ۲۰۲ دفتری است دارای ۵ رساله و بخط نسخ نزدیک ۱۱۱۵ از نورالدین محمد بن مرتضی گک ۱۰ ب - ۱۱ الف و چنین است آغاز آن: «بسمله و حمد و صلوة فهذا ما املاه الشيخ العالم كاشف اسرار الحقيقة هادي ارباب الطريقة كمال الملة والدين عبدالرزاق الكاشي قدس سره ما اجاب به امير المؤمنين وامام المتقين علي بن ابي طالب عليه السلام عن سئوال كميل بن زياد رضي الله عنه عن الحقيقة وهو قوله ما الحقيقة ... قال الشارح قدس سره الحقيقة ههنا هو الشئ الثابت ... »  
و انجام آن اينست : « فقد طلع عليك تبشير نور الحق واوايلها التي هي بالنسبة اليه كنسبة نور الصبح الى نور الشمس وقت الاستواء وعند الابتلاج لا يحتاج الى السراج ، تمت الرسالة الكميلية بحسن توفيقه سبحانه . »

۱۰

(همه دفتر ۴۶۱) - كاغذ سپاهانی - جلد تبهاج مشکی

اندازه : ۲۵ × ۱۷ و ۱۹ × ۳۰

[۶۲۸]

این نسخه شماره ۷ دفتراست و بخط تعلیق محمد علی نزدیک ۱۳۰۱ گ ۸۸ ب ۸۷۱ ۹۱ الف . و چنین است : « بسمله ... الحمد لله رب العالمين ... اما بعد فهذا ما املا الشيخ العالم كاشف اسرار الحقيقة ... كمال الملة والدين عبدالرزاق الكاشي قدس سره علي ما اجاب به امير المؤمنين ... عن سئوال كميل ... عن الحقيقة وهو قوله ما الحقيقة ... قال الشارح ... الحقيقة ههنا هو الشئ الثابت ... لا يمكن تعبيره باعتبارها - وعند الابتلاج لا يحتاج الى السراج . »

۱۵

[۶۲۹]

این نسخه شماره ۱۰ دفتراست و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف از محمد بن فتح الله بسطامي در مدرسه رزم ساريه قزوین در روز آدینه ۱۷۱۱ سال ۱۰۰۴ گ ۴۲ ب - ۴۵ الف . و چنین است: «بسمله. هذا شرح الشيخ ... عبدالرزاق الكاشي لاجوبة امير المؤمنين ... عن سئوال كميل بن زياد رضي الله عنه عن الحقيقة وهو قوله ما الحقيقة ... قال اطفئ السراج فقد طلع الصبح. قال الشارح الحقيقة ههنا هو الشئ الموجود (الواجب) لذاته - كنسبة نور الصبح الى نور الشمس وقت الاستواء وعند الابتلاج لا يحتاج الى السراج . »

۲۰

[۶۳۰]

این نسخه شماره ۱۰ دفترو بخط تعلیق نزدیک ۹۱۳ می باشد گ ۲۱ ب - ۲۴ الف . و ۱۰۱۵ چنین است «من فوائد المولى العلامة كمال الملة. قال عبدالرزاق في معنى كلام امير المؤمنين علي عليه السلام سال كميل بن زياد ... امير المؤمنين عليا (ع) فقال ما الحقيقة فقال امير المؤمنين مالك والحقيقة ... الحقيقة ههنا هو الشئ الثابت الواجب الذي لا يمكن تغييره باعتبار ما - وعند الابتهاج لا يحتاج الى السراج والله اعلم بحقائق اسراره »

۳۰

[۶۳۱]

این نسخه شماره ۳۳۰ دفتر است و بخط نسخ ص ۲۸۳-۲۸۵ از شهاب الدین حسینی در شعبان ۱۰۹۸ .

۴ - از قاضی کمال الدین امیر حسین میبیدی یزدی (م ۹۱۱) .

۵ آغاز: سال کمیل ... فقال ما الحقيقة - هي الشئ الثابت الواجب الذي لم يكن تغير بوجه ما .

انجام فقد طلع الصبح وتبين الرشيد من الغي .

[۶۳۲]

این نسخه شماره ۱۱۰ دفتر است و بخط شکسته تعلیق گ ۹۷ - ۹۸ الف

۱۰ ۵ - ترجمه و گزارش آن بنظمی شیوا و روان در ۳۲ بیت که این خبر در پنج بند در آن آورده و گزارش شد .

آغاز: قال امیر المؤمنین (ع) فی جواب کمیل ابن زیاد که : ما الحقيقة ، قال (ع) مالک والحقیقة . قال او مثلك یخیب سائلا . قال کشف سبحات الجلال من غیر اشاره . حقیقت کشف انوار جلال است - و ایکی دل چه داند کین چه حال است - فروغ روی او از غیم امکان - چو ظاهر شد حقیقت گشت پنهان .

۱۵ انجام : اطف السراج فقد طلع الصبح . جوابش داد گفت ای رفته از دست - چرا گشتی چنین شیدا و سرمست ... علم چون بر فرازد شاه فرخار - چراغ آنجا نماید چون شب تار .

[۶۳۳]

این نسخه شماره ۳۴ دفتر است و بخط نسخ در متن و تعلیق شکسته ریز در گزارش و نشانه ها به شتگرف در یائین صفحه در طول آن در ۱۵ سطر ص ۲۸۵ .

[۵۰۸] شرح رباعی های دوانی (فارسی)

دانشمند دوانی (۸۲۸-۹۰۸) در جوانی چند رباعی فلسفی و عرفانی سروده سپس

آنها را بدرخواست دوستان گزارش نمود و آنها را بسلطان ایلدرم بابزید (۸۸۶ -

۹۱۸) ارمغان داد . او این رباعیها را روی مطلبهای فلسفی و عرفانی بخش کرده و گزارش نمود .

آغاز: بسمله . . . حمداً لاله غمرا الخلق آلاه . لامعبود سواه بل لیس سواه .  
ذرات دو کون زاسیب عدم - غیر از حرم حرمت او نیست پناه . . . درسو الف ایام که  
عنقوان جوانی و ریعان زندگانی .

انجام: توچه دانی زبان مرغان را - که ندیدی می و سلیمان را . نسأل الله

تعالی الاطلاع علی حقایق اسرار و الاستئاضاة بلوابع انواره .

[۶۳۴]

این نسخه شماره ۲۶ دفتر است و بخط تعلیق رجبعلی بن جواد علی مازندرانی  
۱۰۴۶ دربار فرو شده و در ۲۰ صفر ۱۰۶۲ عنوان رباعی را بنسخ درشت گ ۱۱۲  
- الف ۱۳۰ .

[۵۰۹] شرح رساله تجلی ذاتی (عربی) ۱۰

گزارشی است از خواجه صائن الدین ترکه خجندی سپاهانی ۸۳۰۰ بر رساله  
ابن هود مغربی .

آغاز: بسمله . قال الحکیم الکامل ابن هود المغربی قدس سره لهما تجلی الله  
لذاته بذاته من ذاته فی ذاته عن ذاته علی ذاته تجسد بالجسد فکان الاول عرشا و الثاني  
کرسیا و الثالث سماء و الرابع نار و الخامس هواء و السادس ماء و السابع ارضا . . .  
۱۵ شرحها المولی . . . خواجه صائن الدین ترکه قدس سره قال الفقیر . . . اعلم ان  
تحقیق الکلام .

انجام: و المحقق مثلنا لانا و اياهم بمیزان الاحسان . تمت الرسالة و الصلوة  
علی خاتم الرسالة محمد و آله .

[۶۳۵]

۲۰

۱۰۳۳ این نسخه شماره ۵ دفتر است و بخط شکسته تعلیق گ ۸ - ب ۱۱

[۵۱۰] شرح «العلم نقطة کثرة الجاهلون» (عربی)

محمد بن محمد بن محمد طوسی الهی در آغاز این گزارش پس از یاد کردن  
نام خویش میگوید بآستان علی (ع) رفتم و چیزها در آنجا درباره این حدیث علوی  
بر من آشکار گشت . سپس بروش فلسفی و عرفانی و باطنی آنرا گزارش میکند .  
۲۵



آغاز: بسمله . شرق نورالالهیه فنجلی لاعیان الماهیه والبسها الوجود بعنایة ..  
الوجود .

انجام : ان نقطه من وجه الاعداد ان يكون مائة وأربع وستون عددا . و افرادها  
بالحروف ، و ما فيها من الخواص ، و تعلقها بالكائنات ، و وجه المناسبة . و انما ختمته  
للإيجاز والاختصار . و الى الله المصير . و الحمد لله رب العالمين .

[۶۳۶]

این نسخه شماره ۲ دفتر و بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف میباشد گ ۱۴ ب - ۳۹۸  
۱۹ الف -

[۵۱۱] شرح فصوص الحکم (عربی)

۱۰ مؤید بن محمود بن صاعد بن محمد حاتمی صوفی جندی (م نزدیک ۷۰۰) شاگرد  
صدرالدین محمد قونوی (م ۶۷۳) این گزارش را بر فصوص محیی الدین اندلسی  
(۶۳۸م) نگاشته است (۱) .

۱ - اندلسی فصوص را پس از ۶۲۷ که در خواب دید پیامبر آنرا بدو داد و فرمود  
آنرا بمردم برساند پرداخت .  
۱۵ عبدالرزاق کاشی در گزارش بر فصوص از نسخه ای که مؤید بر قونوی خوانده است  
یاد نمود .

بر فصوص اندلسی دانشمندی چند گزارش نوشتند که برخی از آنها یاد میگردد :  
۱ - عقیف الدین سلیمان تلمسانی (م ۶۹۰) ۲ - سعد الدین محمد فرغانی م نزدیک ۷۰۰  
۳ - مؤید الدین جندی (م نزدیک ۷۰۰) ۴ - کمال الدین محمد زمکانی (م ۷۲۷) ۵ - کمال الدین  
۲۰ عبدالرزاق کاشی م ۷۳۶ (چاپ سنگی بارونیه ۱۳۰۹ و مصر ۱۳۲۱) ۶ - شیخ داود  
قیصری م ۷۵۱ (چاپ ایران ۱۲۹۹ و بمبئی ۱۳۰۰) بنام مطلع فصوص الکلم فی معانی  
فصوص الحکم برای وزیر غیاث الدین محمد . او گزارش دیگری هم بر آن دارد ۷ - سید  
علی همدانی (م ۷۸۶) ۸ - سید حیدر آملی نزدیک ۷۸۷ بنام نص النصوص ۹ - صائِن الدین  
علی سپاهانی (م ۸۳۰) ۱۰ - عبدالرحمن جامی م ۸۹۸ یکی پیروسی بنام نقد النصوص فی  
۲۵ شرح نقش الفصوص بسال ۸۶۳ (بمبئی ۱۳۰۶) که از قونوی و جندی و فرغانی گزارش ده  
تایه ابن فارض و دیگران مانند گزارندگان دیگر گرفته است . دیگر بتازی بسال ۸۹۶  
که در آن هم از گزارشهای دیگر گزین نموده است ۱۱ - شیخ بایزید خلیفه رومی  
(م ۹۰۰) ۱۲ - مظفر الدین علی شیرازی (م ۹۲۲) ۱۳ - حکیم شریف ناصر گیلانی که در  
۹۲۶ در خواب بدو دستور رسید تا گزارش نویسد و او آنرا در ۹۴۰ بیان رساند ۱۴ -  
بقیه حاشیه در صفحه بعد ۳۰

جندی در دیباچه میگوید: استادم قونوی خطبه فصوص را برایم روشن نمود و در معنی برویم بگشود و فرمود که بر آن گزارشی بنویس شایسته جویندگان. من خطبه را بروش او گزارش کردم و دیگر نتوانستم دنبال آنکار گیرم و استاد دروم در گذشت و من ببغداد شدم. پاره ای را در آنجا گزارش نوشتم همینکه از بغداد بیرون شدم آنرا به پایان رساندم. نیز میگوید که شیخ فرمود فصوص را بادیگر کتابها اگر چه از محیی الدین هم باشد یکجا جلد نکنید (گت ۴ب) و در آغاز قصیده دالیه ای در اصول اذواق توحید آورد (ب ۶-۸) نام جندی هم در این گزارش دیده میشود (۳۹ الف) جندی دو گزارش بزرگ (نسخه ۸) و کوچک بر فصوص دارد.

جندی در این گزارش از اندلسی به «قال الشیخ» و از خود به «قال العبد» یاد میکند و در دیباچه ۱۶ بحث عرفانی میآورد.

آغاز: بسم الله. ابتدات و علیه تو کلت فی جمیع اموری حمدا بحمد الحق محامد الحق و احمد هافی مجامع الصدق و اجمع مناهج المحقق المحقق.

انجام: فی خصوص ختمیه الاولیا المحمدیین و خاتم الولاية العامة المطلقة روح الله و کلمته خاتم الاولیا اجمعین.

این نسخه بخط نسخ یکم شعبان ۹۸۹ میباشد. در گ ۱ الف یکی از دانشمندان از گزارشهای خوب فصوص گزارش مسیحی را نام می برد.

(۴۳۵۷) - کاغذ سمرقندی - جلد نیمه - متوانی حاشیه دار اندازه: ۲۴ × ۱۵ و ۲۰ × ۸ س ۲۴

[۵۱۲] شرح فصوص الحکم (فارسی)

گزارشی است بر فصوص عارف نامور محیی الدین ابو عبد الله محمد بن علی

مانده حاشیه صفحه پیش

شیخ بالی خلیفه الصوفیه (م ۹۶۰) ۱۵ - شیخ ابراهیم حلبی خطیب جامع سلطان محمد ۹۹۶ بنام نعمة الغریبه فی نصر الشریعه و در نکوهش آن ۱۶ - مولی یحیی نوعی ۱۰۰۷ م بدستور سلطان مراد ترکی ۱۷ - شیخ علی قاری هروی م ۱۰۱۶ در نکوهش آن ۱۸ - عبدالله افندی بسوی م ۱۰۵۴ بتازی و ترکی ۱۹ - عبدالغنی نابلسی دمشقی (۱۰۵۰ - ۱۱۴۳) بنام جواهر النصوص فی حل کلمات الفصوص که با گزارش تازی جامی در چاپخانه زمان و شریفه در دو جلد بسالهای ۱۳۰۴ و ۱۳۲۳ چاپ شد. رکن الدین شیرازی گزارشی پیارسی بنام نصوص الغصوص دارد که از کاشانی و قیصری بهره برد و در سرای آنرا پیرداخت (بنگرید بکشف الظنون).

اندلسی مکی شامی (۵۶۰-۶۳۸) نویسنده الفتوحات المکیه از خواجه محمد بن محمد  
پارسای بخاری (بخارا ۷۵۶ - مدینه ۸۲۲) نویسنده فصل الخطاب در محاضرات .  
خواجه پارسا در دیباجه این شرح میگوید: کسانی این کتاب را شرح کردند  
و بخوبی از آن برآمدند مگر اینکه سخن را بدر از اکشاندند و من گرچه بکوتاهی  
پرداختم ولی کلید را زرا بدست دادم . پارسا مانند شارحان دیگر پس از سر آغاز  
دیباجه ای دارد که در آن رشته موجودات را شرح میدهد .

آغاز: رب یسروتم بالخیر ، بسمله ، حمد بیغایت آن فاطر حکیم را که آثار  
انوار صبح وجود را از قعر چاه ظلمت آباد عدم بر آورد ،  
پارسا در این شرح متن فصوص را بندهند می آورد و شرح میکند .

[۶۳۸]

۱۰

این نسخه از آغاز شرح فصوص پارسا است تا شرح فص ۲۷ «حکمة فردیة فی کلمة  
۱۰۸۱ محمدیة» و بدینجا پایان میرسد «و نزد محققان آن الله مجعول و آن مصنوع عبد  
بود که آن الله» خط آن تعلیق و در جدول شنکرف است سر لوحی دارد که اندکی  
از آن بریده شده است متن فصوص بنسخ درشت و شنکرف و اعراب دارد و برخی جاها  
بتعلیق سیاه و معرب و در پایان مانند شرح بتعلیق است .  
( ۴۹۰ برص ) - کاغذ ترمه سمرقندی - جلد نیمه مشکي مقوای  
اندازه : ۲۵×۱۶ و ۱۶×۱۶ س ۱۶

۱۵

[۵۱۳] شرح کلمات قصار همدانی (عربی)

دانشمند عین القضاة همدانی میانجی (۴۹۲-۵۲۵) در دیباجه بر این گزارش خویش  
بر سخنان کوتاه عرفانی بابا طاهر عریان همدانی (نیمه سده پنجم (۱) ) میگوید بشهر  
همدان که گذشتم دیدم مردم آنجا شیفته سخنان بابا طاهر همدانی هستند و از من  
درخواستند گزارش بر آن نویسم . او سخنان بابا را بند ببند در اینجا آورد و  
روشن نمود .

آغاز: بسم الله الواحد الاحد الصمد . . . المقدس ذاته وصفاته عن المشا -  
بهة و الممانلة . ۲۵

۱- متن کلمات قصار همدانی با ۳۸۰ دویستی را مجله ارمغان سال ۱۳۰۶ خ چاپ  
نمود - تمهیدات همین عین القضاة بشماره ۳۸۴۴ در سپهسالار هست و نامه ای که غزالی  
بدو نوشته بنام تازیانه سلوك بادیباجه مشکان طبسی در تهران سال ۱۳۱۹ چاپ شد  
( نسخه ش ۶۵۵ مجلس بنام رساله عینیه ) . ۲۵



**انجام :** و هذا آخر ما اردت من شرح الكلمات على ما سنجح لي من فتوح الغيب وظني اني فيما رميت غرض القائل مصيب وفيما انتهيت الى محيي هذه الطاعة نصيب  
[۶۳۹]

۳۶۱ این نسخه بخط نسخ و متن بشنکرف و پس از «قال» میآید .

(۴۱۰۸) - کاغذ رنگی - جلد تازه شده

اندازه : ۱۴ × ۱۸ و ۷ × ۱۴ س ۱۵

[۵۱۴] شرح «کنت کنزاً مخفياً» (عربی)

حدیث «کنت کنزاً مخفياً فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لاعرف» را عارفان در نوشته های خویش آورده اند . فیلسوف عارف سده ۷ شیخ عزیز نخشبی در مقصد اقصی (ص ۱۸۷) آنرا سخن خدا میدانست . محیی الدین اندلسی (۶۳۸م) بر این گفتار ۱۰ گزارشی نوشت و در آن روشن ساخت که چگونه خداوند با اینکه چیزی هستی نداشت نهان بود و آنگاه هویدا گشت و چگونه این گفتار با «کان الله و لم یکن معه شیئی» میسازد .

آغاز: بسم الله . قال الشيخ محيي الدين قدس سره اعلم وفقك الله . . . ان بعض اهل العلم اورد على هذا الحديث القدسي وهو قوله سبحانه وتعالى كنت كنزاً مخفياً... ۱۵ اشكالا عظيماً .

**انجام :** ف سبحانه من جعل الظهور مانعاً للادراك والشرواح سبباً للظهور . وهو اعلم بحقایق الامور . فتبصروا لاتكونن من الغافلين .

[۶۴۰]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۴۲ دفتر است و بخط تعلیق درشت ص ۳۵۲ . در ص ۳۵۳ گفتگوی ۲۵ ختام است با غزالی درباره قطب آسمانها .

[۵۱۵] شرح اعمات (فارسی)

عارف کرمانی شاه نعمه الله بر اعمات عراقی این گزارش را نوشته و در آن سخنان عراقی بارمز (ع) میآید و گفتار خود کرمانی هر بندی بارمز (ن) آغاز میگردد . ۲۵ کرمانی از این عارفان نام میبرد: جنید، ابوبکر و راق، شیخ علی حریری (۹۶ب)، شیخ الاسلام عبدالله انصاری (۸۲ب)، نویسنده قوت القلوب (۸۲الف)، کلمه آدمی فص الهی شیخ (۷۲ب)، ابن فارض (۵۸ب - ۸۷ب) - نیز میگوید که عراقی بروش «سوانح»

غزالی این دفتر را پیرداخت (۶۰ ب). این گزارش در ۲۸ لمعه است (۱) و در دیباچه آن دارد: «نعمت الله ما است نعمت او» (۳۰ ب).

آغاز: بسم الله. الحمد لله الذي نور وجهه حبيب به بتجليات الجمال فتلا لا نوراً... بيا چون عارفان نعمت الله - بگو حمد اله الحمد لله. الحمد هو الوصف بالجميل الاختياري والمدح هو الوصف بالجميل اختياري.

انجام: گر زانك من وتو از میان برخیزیم - مقصود و مراد ما بیکام من وتواست. تم والحمد لله والمنة.

### [۶۴۱]

این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط نسخ با عنوانهای شتکرف از عثمان بن عثمان ۸۷۵ بن مصطفی ارز رومی در تاریخ ۱۲۵۷ گ ۵۷ ب-۱۰۹ الف. نسخه ای از این گزارش کرمانی در موزه بریتانیا (ج ۱ ص ۸۳۱ II Add16/837) هست.

[۵۱۶] شرح منازل السائرين (عربی)

منازل السائرين (۱) نگارش خواجه عبدالله انصاری هروی خنبلی صوفی (۳۹۶ - ۴۸۱) میباشد که بدرخواست درویشان رهرو هرات و دیگر شهرها نوشت. عبدالرزاق کاشی (م ۷۳۶) نسخه ای از آنرا که نزد هروی خوانده بودند و تصحیح شده بود و خود هروی اجازه ای بر آن بخط خویش بسال ۴۷۵ نوشته بود داشته گزارش میبرد.

- ۱۵ ۱ - بخشهای بیست و هشتگانه آن چنین است: ۱- آشکار بودن عشق ۶۳ الف
- ۲- تجلی عشق ۶۳ الف) ۳- رؤیت عشق ۶۶ ب) ۴- یکی بودن عشق با چیزها ۶۸ ب)
- ۵- تجلیات گونه گونه گون عشق ۶۹ ب) ۶- یکی بودن عاشق و معشوق ۷۲ الف) ۷- سریان عشق در همه چیزها ۷۲ ب) ۸- تجلی اتحادی نه حلولی ۷۶ الف، ۹- جلوه صوری و معنوی محبوب ۷۷ الف) ۱۰- دیدن عاشق همان معشوق را ۷۸ ب) ۱۱- ظهور دائم معشوق ۸۰ الف) ۱۲- پیوستن عاشق و معشوق ۸۰ ب) ۱۳- حجابها در برابر محبوب ۸۱ الف) ۱۴- تغایر اعتباری محب و محبوب ۸۴ الف) ۱۵- تلازم آن دو ۸۵ ب) ۱۶- تطورات محبوب ۸۷ ب) ۱۷- تجلیات معشوق ۸۸ ب) ۱۸- وجد عاشق ۹۲ الف) ۱۹- نزاهت عاشق ۹۳ الف) ۲۰- سلطنت معشوق ۹۵ الف) ۲۱- تسلیم عاشق ۹۷ ب) ۲۲- رضای او ۹۸ ب) ۲۳- محو او ۱۰۰ الف) ۲۴- اتحاد صفات عاشق و معشوق ۱۰۱ الف) ۲۵- دیدن عاشق در خود معشوق را ۱۰۲) ۲۶- مراقبت محب محبوب را ۱۰۳ ب) ۲۷- فناء عاشق ۱۰۵ الف) ۲۸- ابطال عاشق و معشوق ۱۰۶ ب).

۲- هروی در محبت نامه (رسائل ص ۱۰۶-۱۴۳) پاره ای از این منازل عارفان را پیرسی آورد. این رساله را نیز او بدرخواست رهروان نوشته سپس بنام بزرگی ساخت.

آن نوشت و در روز دوشنبه ۲۰ رجب ۷۳۱ در خانگاه ربع رشیدی پیاپیانش رساند (انجام چاپی) کاشانی آنرا برای غیاث الدین محمد (م ۷۳۶) فرزند صاحب رشید - الدین فضل الله ابی الخیر ساخته است. این گزارش در ایران دهه یکم ماه دوازدهم سال ۱۳۱۵ بچاپ رسید.

[۶۴۲]

۵

این نسخه شماره ۵ دفتر است و بخط تعلیق نزدیک ۸۱۳ گ ۸۱ ب-۲۰۳ و میان متن و شرح يك نقطه سرخ گذارده شده و چنین است: «بسم الله. قال المولى الامام ... کمال الملة والدين عبدالرزاق الكاشاني ... شارح المنازل السائرین. الحمد لله الذى خص العارفين بمعرفة ما لا يعرفه الا هو - باب التوحيد ... انما خص بعضى الایة بالذکر لان هذا محض التوحيد... ان لا يشهد فى التوحيد دليلا فيكون التوحيد عندك اجلى من كل دليل فان نور الحق ربما» برابر با س ۱۱ س ۲۶۷ چاپی در باب دهم (توحيد) از بخش دهم در نهايات و باندازه هفت صفحه و نیم چاپی کم دارد.

[۵۱۷] شرح منازل السائرین (عربی)

شمس الدین ابو عبد الله محمد پسر ابی بکر فرزند قیم جوزیه دمشقی حنبلی (۶۹۱-۷۶۱) شاگرد ابن تیمیه بر نگارش هر وی (۱) گزارشی بنام مدارج السالکین ۱۵ بین ایاک نعبد و ایاک نستعین نوشته است که در سه جلد در مصر بسال ۱۳۳۱ بچاپ رسید. این دانشمند پیرو سنت و ظاهری سلفی که جز گفته های گذشتگان چیزی را درست نمی بیند بارنجی این کتاب را شرح نمود و تا توانست روش آزاد و گسترده عرفان خواجهر را باروش فشرده و تنگ خویش هماهنگ ساخت.

[۶۴۳]

۲۰

این نسخه بخط نسخ با عنوانهای شنگرف محمد بن محمد بن عمر بن یوسف بن هاشم حنفی در روز شنبه ۷ رجب ۷۷۲ می باشد و چنین است آغاز آن: «وحدروا من مقارقه و اخرجوا من فارقه من الطريق بالکلیة» دنباله گزارش بند «وهو على ثلث درجات. الدرجة الاولى صفاء علم يهذب لسكوك الطريق» برابر با س ۳ ص ۲۰۱ گزارش کاشی از باب ۳ (صفاء) از بخش ۸ (ولایات) انجام نسخه چنین است: «لنا

۱- از گزارندگان دیگر منازل السائرین اینکسانند: شیخ امام سلیمان تلمسانی صوفی م ۶۹۰ - احمد بن ابراهیم واسطی م ۷۱۱ - محمود بن محمد درگزینی م ۷۴۳ بنام تنزل السائرین - شمس الدین محمد تبادکانی طوسی م ۸۹۱ بیارسی و بنام تسنیم المغربین (کشف الظنون).



اعمالنا ولكم اعمالكم. لاجحة بیننا و بینكم والیه المصیر» و گزارش پیاپیات میرسد. سه برگ آخر سفید است. حاشیه‌هایی از صدرالدین واعظ پسر علامه ملا محمد حسن قزوینی بخط تعلیق و شکسته در هامش هست.

این قیم در اینجا یادی از این تیمیه میکند و میگوید: شنیدم که میگفت... (ک ۷۵ الف س ۳). نیز از کتاب المفتاح خود نام میبرد (۲۲۲ ب). «مفتاح السعادة و منشور الویة العلم و الارادة» و در چاپخانه سعادت سال ۱۳۲۳-۵ و در هند سال ۱۳۲۹ بچاپ رسید. در مبحث مشاهده گوید: اینگونه سخنها کفری است آشکارا. (۶۱ الف). در گزارش این بند «توحیده ایاه توحیده. و نعت من یبعته لاحد» میگوید: در این سخن حق و الحاد هر دو هست. آنگاه از گزارنده ای بیدی یاد میکند و بد کیشش میخواند (۲۳۸ الف-۲۳۹ الف) کویا از آن کاشانی را مبخواهد چه عبارتی که میآورد و خرده میگیرد مانندش در گزارش کاشانی (ص ۷۰-۲۶۹) دیده میشود. در این گزارش همه سخنان خواجه نیامده

بلکه بندهائی از آن را آورده و گزارش کرد.

۱۰ (۴۳۶) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج رخ ضری مقوای درختکوی «نعمت رستم خان» اندازه: ۱۹ × ۱۴ و ۱۷ × ۱۴

[۵۱۸] صنوف الناس فی دار البقاء (و ماله فی احواله) (عربی)

در این رساله از چگونگی مردم در رستخیز گفتگو گردید

۱۵ آغاز: بسم الله الحمد لله المتوحد فی دانه المتفرد فی دیمومته ... فقد كنت متما لا فی

بعض الاسحار فی باب احوال صنوف الناس عند رجوعهم الى دار البقاء والقرار فلاح علی قلبی ... انه علی ستة اصناف.

انجام: فیکون صنوف الانسان مع حالانهم علی ستة. والله اعلم بحقائق الامور.

[۶۴۴]

۲۰ ۱۰۳۵ این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط تعلیق ریز ص ۸۹-۹۰

[۵۱۹] صیحه و صدا (فارسی)

دانشمند دوانی این رساله را که دارای يك مقدمه و يك صیحه و چند صدا است بر روش عرفان نوشته است.

آغاز: بسم الله. سبحانك سبحانك. انت انت. تعالیت عن مداناة الاشياء. و بعد

۲۵ برادری طریقی و دوستی حقیقی فخر القبائل و ذخر الاوائل ... التماس نمود تا ...

بعضی از سوانح وقت در این جزو ثبت رود.

انجام : پس ملاك اودين ميين و طريق مستمين تسليم وانقياد است . فلا و ربك لا يؤمنون حتى يحكموك فيما شجر بينهم ... اللهم وفقنا لاتباع حبيبك في الفعل والقول والعمل ... اللهم صل وسلم عليه وعليهم اجمعين . تمت .

[۶۴۵]

۱۰۲۱ این نسخه شماره ۱۱ دفتر است و بخط تعلیق ریز علی بن مسافر قاضی در تبریز  
بسال ۹۳۹ گ ۱۷۶ الف - ۸۸ الف .

[۵۲۰] طریق واجب در معنی حضور (و معالقه ... ) (فارسی)

این رساله کوتاه از جامی است .

آغاز: بسمله . سر رشته دولت ای برادر بکف آر - وین عمر گرامی بخسارت  
مگذار ... بدان ... که حاصل طریقه خواه بزرگوار و خلفای ایشان ... بعد  
از تصحیح عقیده ... حضور است .

انجام : جمله سر خواص و عوام گفته شد . والسلام والا کرام . والحمد لله  
رب العالمین .

[۶۴۶]

۸۶۷ این نسخه شماره ۱۸ دفتر است و بخط تعلیق با عنوانها و نشانه های شنگرف  
گ ۲۵۴ الف - ۲۵۶ ب .

[۵۲۱] طواصین (عربی)

این سخنان از طواصین (۱) حلاج دانسته شد و درشش فصل است .

آغاز: من طواصین شیخ المشایخ ابی منصور الحلاج . فصل . انما الصوفی من

تزید نور روعه بنور معرفته و بتشعشع نور معرفته بنور ورعه و لا ینخالف باطنه ظاهره  
و یكون نفاع ینتفع به کل موجود .

انجام : انما الدنيا قال ومقال والعقبی مال ومنال . قیل الصوم علی ثلثة انواع

صوم الروح وصوم العقل وصوم النفس ... وصوم النفس بالامساك من الطعام والشراب

۱ - طاسین رمز طهارت و سنا و نوال (با کیز گی - سرفرازی - دهش) میباشد

(چاپ ماسینیون ص ۱) .

این نسخه شماره ۱۲ دفتر است و بخط تعلیق در ص ۱۵۴ در ۱۹ سن می باشد. در طوس  
 ۱۰۳۵ نسخه ای از طاسین السراج حلاج (ش ۶۶۳ ص ۱۳۲ ج ۴) هست که آغاز آن برابر  
 است با ص ۹ چاپی و چنین است انجام آن : « فبقی التوحید و ماوراء کلها حوادث »  
 ۵ نسخه مادر طواسین چاپی دیده نمیشود.

## [۵۲۲] العروة لأهل الخلوة والجلوة فی ما یجب الا اعتقادیه (عربی)

شیخ علاءالدوله ابی المکارم رکن الدین احمد بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد  
 بیابانکی سمنانی سندی (۶۵۹-۷۳۶) ایند فتر را هنگامیکه در مسجد صوفیاباد خداداد  
 در دهه باز پسین رمضان سال ۷۲۰ اعتکاف کرده بود در بامداد روز یکشنبه آغاز و آنچه  
 درباره اعتقاد های واجب در دل او گذشت نوشت و ترهات و شطحات در آن نیامورد و  
 ۱۰ آنرا در دوشنبه ۲۳ ماه حرام سال ۷۲۱ در همان صوفیاباد خداداد گاهی که از زندگیش  
 درست هفتاد و دو سال میگذشت (چنانکه در پایان نسخه ما دارد) بانجام رساند و  
 باره دوم در همانجا و همان سال با اندکی کم و بیش نیز آنرا نوشت باره سوم در خانگاه  
 سکاکی سمنان در ۱۳ سال ۷۲۲ در ۶۳ سالگی خود بدان نگر بسته و آنچه در دوبار  
 پیش از آن انداخته بود بر آن افزود و برای پسر خود ابوالبرکات تقی السیدین علی  
 ۱۵ دوستی سمنانی و بخوانش او باز نوشته است (بایان کتاب) این عارف و وحدت وجود  
 را نمی پذیرفت. دانشمند عبدالرزاق کاشی از این گفتار او و از این نگارش خرده  
 گرفت و نامه ای بدو نوشت و سمنانی بدو پاسخ داد ایندو نامه در نفحات جامی (ص  
 ۴۲۹-۴۴۰) آمده و شوشتری در مجالس المؤمنین (مجلس ۶ در گذشت کاشی و  
 محیی الدین اندلسی) از اینها یاد نمود (۱). نسخه ای از آن در موزه بریتانیا هست

۲۰ ۱ - بنگرید بگفتار فهرست نگار در مجله دانش درباره منطق نزد خواجه رئیس  
 ابوعلی سینا ۱ سال ۳ تاریخ مهر ۳۱ ص ۱۹-۲۱ جامی در نفحات ص ۳۹۲ میگوید که  
 سمنانی در ۷۷ سالگی در ۷۳۶ بمرد پس او در ۶۵۹ زاده است مگر اینکه او خود میگوید  
 که در ۷۲۱ هفتاد و دو ساله بودم پس باید در ۶۴۹ زاده باشد ولی باید نسخه نادرست  
 باشد چو او باز میگوید که در ۱۳ سال ۷۲۲ درست از زندگیم ۶۳ سال میگذشت پس او  
 ۲۵ در ۶۵۹ زاده است و گفته جامی درست خواهد بود.



(ج ۴ ص ۱۱ ش ۱۹) در فهرست طوس (ج ۱ ص ۶۱ ش ۲۰۳) همین کتاب بنام «عروة الوثقی» شناسانده شد.

آغاز: بسمله و به تقوی. و یحمدہ الواجب علی کل موجود انعمۃ الوجود...  
فقد سنح لیاطری بغتۃ یوم الاحد بعد صلوۃ الصبح الثانی.

انجام: ان یوفینی غیر مفتون وان یجعل لی لسان صدق فی الغائبین والحاضریں  
والاولین والآخرین و بنعمته تتم الصالحات والحمد لله اولاً و آخراً.

[۶۴۸]

این نسخه شماره ۱۳ دفتری است دارای ۱۲ رساله و بخط نسخ با عنوانهای  
۱۰۸۰ شنکرف (در برخی جاها سفید) از کمال الدین محمد بن علاء الدین احمد بن  
جمال الدین محمد خفری در شهر کلکند دکن در روز چهارشنبه ۱۲ ج ۱ سال  
۹۷۳ گ ۲۴۳ - ۳۴۴. در خود کتاب (گ ۳۴۳ ب) العروة لاهل الخلوۃ والجلوة یاد  
شده و در پشت نسخه (گ ۱۲۴۳ الف) عبارت «فی ما یجب الاعتقادیه» بر آن افزودند.  
(همه دفتر ۴۴۴) - کاغذ ترمه سپاهانی - جلد نیمج ضربی مشکی  
اندازه: ۲۷×۱۶ و ۸×۱۶ س ۱۹

[۵۲۳]

العشق (رساله فی...)

(عربی) ۱۵

بیهمی (ص ۹۵) میگوید که شیخ رئیس «کتاب فی العشق» را بنام شاگرد  
خویش ابو عبدالله معصومی (۱) حکیم نگاشته است و چند واژه آغاز آنرا هم میآورد.  
معصومی را شیخ در برابر خویش مانند ارسطو میدانست در برابر افلاطون. در آغاز  
رساله نیز از او یاد شد و یکی از فیلسوفانی بود که شاه محمود ترک آنهارا بگناه پرداختن  
بدانشهای گذشتگان کشته است. متن تازی این کتاب در لندن بسال ۱۸۹۴ و در مجموعه  
۲۰

۱ - گویند معصومی تادم مرک شیخ با او بود و پس از او در بحث و درس جانشین  
او گشت و در ۴۵۰ در گذشت. بشکرید به: ابن سینا از طریحی ص ۴۰ و ۱۰۰ - معجم -  
المطبوعات ج ۱ ص ۱۲۹ - قناتی ش ۲۳۰ - ش ۶۳۴/۳۹ مجاس - ش ۶۶۸ - ۶۷۰ طوس -  
نامه دانشوران در سرگذشت معصومی (ج ۲ ص ۳-۵۷۱) که ترجمه رساله عشق در آنجا  
آمده است. قطب لاهیجی این رساله را گزین نمود و صدرای شیرازی در اسفار مبحث  
۲۵ عشق را آورد.

مهرن و جامع البدایع بچاپ رسید. ترجمه فارسی کهن آن هم در تهران چاپ شد و پیداست که فارسی آن از خود شیخ نیست (ص ۱۶) آقای ضیاء الدین دری نیز آنرا بتازگی بیارسی در آورد که در تهران بسال ۱۳۱۸ خ بچاپ رسید شیخ در اینجا بروش فیلسوفان و عارفان روشن میسازد که از عشق همه هستی ها را بهره ایست و در آن از زیبائی و زشتی و زیبا پرستی گفتگو نمود.

[۶۴۹]

۸۶۱ این نسخه شماره ۱۰ دفتر است و بخط نسخ گ ۷۶ ب - ۸۳ الف .

[۶۵۰]

شماره ۱۷ این دفتر همین رساله عشق بوده و عنوان آت در گ ۱۵۲ ب دیده میشود و در ۱۵۳ الف عبارتی که نویسندگان در پایان نسخه می نویسند هست ولی خود رساله را برداشتنند .

[۶۵۱]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۲۴ دفتر است و بخط تعلیق ص ۱۳۰ - ۱۴۵ .

(عربی)

عشق (رساله .ه)

[۵۲۴]

۱۵ در این نگارش بروش فیلسوفان از عشق گفتگو شده و چند خبری هم آمده و نگارنده آن میگوید که پیش از من چنین کتابی ننوشتند .

آغاز: بسمله و به استعین . الحمد لله العظیم شانه العلی سلطانہ ... فقد خطر ببالی و سنج ببلبالی ان احقق معنی العشق و ماهیته و کیفیته .

انجام: المطلوب الاعلی والغرض الاسنی عشق الحق الواجب الوجود و فائض الکر و الجود . رزقنا الله من کنهه شیئاً . و الافواشوقاه الیه و و اسفاه عالمه . فهذا ما خطری من تعلیق هذه الاسطر . واسئل الله عمازل به القدم و اخطی به القلم ، بمنه و سعة جوده .

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۲۳ دفتر است و بخط نسخ ۱۹۷-۱۹۸.

[۵۲۵]

عیوب النفس (عربی)

ابی عبدالرحمن محمد بن الحسین بن محمد بن موسی نیشابوری سلمی (۱)  
(۳۳۰ - ۴۱۲) عارف بزرگوار ایرانی و نویسنده طبقات الصوفیه و حقائق التفسیر از  
نخستین کسانی است که درباره سرگذشت عارفان نگارش دادند. او درباره ملامتیان  
رساله‌ای نوشت. این گروه که از بدینان زردشتی و هند آموخته بودند روشی تازه  
در تصوف آورده و بزرگانی از آنها پیروی کرده‌اند.

از «عیوب النفس و مداواتها» نسخه‌ای در برلین بشماره ۳۱۳۱ و گنجینه تیموری  
کتابخانه مصر بشماره ۷۴ هست. وی در آن از بزرگان عرفان یاد می‌کند و سخنان  
آنها را می‌آورد.

۱۰

آغاز: بسمله ... کتاب عیوب النفس من تألیف ... ابی عبدالرحمن محمد بن  
الحسین السلمی - الحمد لله الذی عرف اهل صفوته عیوب انفسهم. و اکرمهم بمطالعة  
غررها. و جعلهم اهل الیقظه و الانتباه لموارد الالهوال علیهم ... و بعد فقد سألنی بعض  
المشایخ ... ان اجمع لهم فصولا فی عیوب النفس.

انجام: و یزیل عنها موارد الغفلة و الشهوات لیجعلها فی کنفه و حیاطته و عصمته  
و رعایتها فانه الغالب علی ذلک الواهب له. تم کتاب معایب النفس بحمد الله و حسن توفیقه.

[۶۵۳]

این نسخه شماره ۱۲ دفتر است و بخط شکسته ریز بی نقطه نزدیک ۱۰۸۴  
۱۰۳۳ ک ۵۵ - ۶۲ ب.

[۵۲۶]

فی ثبیه (عربی)

این نیایش عارفانه که در آن دستورهائی هم هست از خداوند و بساخت

۱ - پدران او را از تیره «ازد» و مادرش را از خاندان «سلم» پنداشتند. گویا از  
همان نسب ولایی باشد که تازیان ببردگان ایرانی خویش میدادند - بنگرید به: الملامتیه  
و الصوفیه و اهل الفتوة ازد کثر ابوالعافی چاپ مصر سال ۱۹۴۵ که در آن داستان  
ملامتیان و سرگذشت سلمی و فهرست نوشته‌های او با رساله ملامتیه او هست.

۲۵



گفتگوی میان بنده و پروردگارش میباشد در نسخه ما از دانشمند ابی حامد محمد غزالی دانسته شد. زبیدی در دیباچه گزارش خویش بر احواء در فهرست نگارشهای غزالی (ج ۱ ص ۴۲-۴۴) از آن یاد نمود (۱).

آغاز: بسمله ... الحمد لله الكاشف الغم ... فقد قال الغوث الاعظم الموحش عن غير الله المستأنس بالله قال الله لي يا غوث الاعظم قلت لميك يارب العرش كل طور بين الناسوت والملكوت فهي شريعة و كل طور بين الملكوت والجبروت فهي طريقة و كل طور بين الجبروت واللاهوت فهي حقيقة .

انجام: يا غوث لاصلاة لمن لا معراج له عندي . يا غوث والمحروم عن الصلوة هو المحروم عن المعراج .

[۶۵۴]

این نسخه شماره ۵ دفتر است و بخط تعلیق محمد علی در مدرسه سپهسالار در ۱۳۰۱ گ ۷۴ ب ۸۰ الف . ۸۷۱۱۰

(عربی) الفکوک فی مسندات حکم الفصوص (۵۲۷)

دانشمند ابوالعالی صدرالدین محمد بن اسحاق قونوی (۶۷۳) پرورده محیی - الدین اندلسی این دفتر را برای روشن ساختن فصوص استاذ در ۲۷ فک نگاشته است ۱۵ و آن در کنار شرح منازل السائرین بسال ۱۳۱۵ ص ۱۸۳-۳۰۰ پچاپ رسید .

[۶۵۵]

این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط نسخ خوش با عنوانها و نشانه های شنگرف و شماره های «فک» در هاشم و با اصل برابر گردید . گ ۱۷ ب ۵۹ . ۸۶۰

(هه دفتر ۶۴) - کاغذ سپاهانی - جلد تیماج مشکى ضربى مقنوائى فل و بوته دار

۲۰ زمینه سرخ

اندازه : ۲۴×۱۲ و ۷۵×۱۶۵ س ۲۷

(فارسی) کشف اللغات کلیات چوک (۵۲۸)

میر فندرسکی واژه های هندی چوک باشست را در این گفتار پارسى گزارش

۱ - و. منتگمرى وات W. Montgomery Watt در روزنامه انجمن همایونی

۲۵ اسیائی سال ۱۹۵۲ بخش ۱ و ۲ ص ۲۴-۴۵ در اینکه نگارشهایی که از غزالی پنداشته اند کدام از او هست و کدام نیست گفتاری با انگلیسی دارد، او هم از این یاد نمود .

می دهد (۱).

آغاز: باب الالف اتمان هستی مطلق واصل آفرینش .

انجام: تیرته معبدتس و بار اسم یکذات - تم بالخیر .

[۶۵۶]

۲۴۶ این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط تعلیق میباشد گ ۱ الف-۹ .

[۵۲۹] الکلمات النوریه و الایات السریه (فارسی و عربی)

نورالدین محمد بن مرتضی بن محمد مؤمن بن مرتضی (زنده در ۱۱۱۵) نوه برادر فیض کاشانی در این نامه مانند کلمات مکنونه در ۷۰ کلمه و یک خاتمه از مسئله های عرفانی و فلسفی و کلامی گفتگو نمود و نظم و تشریحی در آن آورد .

آغاز: بسمله و به نستعین . الحمد لله الذی ضاقت سرائق عن عرشه عن قباب جلاله . و تافت ارواح العارفين الى مشاهدة جماله .

انجام : در بالا هم میچشم لذات او - مات اویم مات اویم مات او . تمت الکلمات الثامات ذوات الايات المبینات . الحمد لله اولاً و آخراً و باطناً و ظاهراً . کان الختم علی يد مؤلفه فی سنة الف و مائة و خمس من الهجرة .

[۶۵۷]

این نسخه شماره ۵ دفتر است و بخط نسخ نگارنده نامه بسال ۱۱۰۵ گ ۱۵  
۲۵۲ ۳۱۲ - ۳۴۶ الفس ۲۷ . نگارنده (نورالدین محمد) این دفتر را برداشتمندان فرزندان خویش وقف نموده و مهر او نیز در پایان همین شماره دیده میشود .

[۵۳۰] کلمة التصوف (عربی)

این نامه از شیخ اشراقی و در چند فصل و نیمه از آن در حکمت اشراقی و

در نیمه دیگر آن واژه های عرفانی گزارش داده شده است . سهروردی در آن از «حکمة

۱ - در فهرست کتابخانه سپهسالار (ج ۲ ش ۳۶۵ ص ۲۵۵) مینویسد که فندرسکی

در گزیده خویش از جوك و اژه های هندی را گزارش نمود سپس دیگری از روی سخنان نظام الدین پانی پتی ترجمان پارسی جوك و فندرسکی فرهنگی از آت و اژه ها ساخته و بدان «لغات جوك» نام داده است .

- الاشراق» خود وزنده کردن او فرهنگ پارسیان که روش پلاتونی بر آن گواهیست و از دانشمندان پارسی (ص ۵۲) و «حکیم العرب علی ع» (ص ۴۳) و از طوایف حلاج عارف ایرانی (ص ۴۰ و ۴۱) و جنید یسار نمود. ماسینیون در متون (ص ۱۱۲) سخن ابوطالب مکی درباره استاد خود ابی الحسن بن سالم و گفتار حلاج را از این نامه آورده است که در این نسخه دیده میشود. سهروردی در این جا از آئین حشیشیان و ملحدان و طبایعیان و ترسایان و یهودان و مجوسان مشرک نکوهش میکند و میگوید در پارس مردمی بودند که بحق راه مینمودند و خردمند و دانشور بوده اند. آنها جز مشبهان مجوس نبودند و ماحکمت نوری آنها را که روش پلاتون و خردمندان پیش از او بر آن گواه است در حکمة الاشراق زنده کردیم (ص ۵۱) قنوانی در ش ۳۳۶ آنرا از شیخ رئیس پنداشته و «کلمات الصوفیة» نام نهاد و مطالبهای آنرا در هشت فصل فهرست داد. ۱۰
- در فهرست طوس (ش ۶۱۹) از آن بنام «رسالة فی التصوف» و «کلمة التصوف» یاد شده و نوشته است که در ۲۴ فصل میباشد. در فهرست مجلس (ش ۵/ ۶۱۰) از «کلمات ذوقیة و فلمات شوقیة» یاد شده که باید جز این باشد. در نسخه مالین نامه از شهاب الدین سهروردی صوفی دانسته و شهید هم خوانده شد و آشکار است که از سهروردی اشراقی میباشد چنانکه در فهرست نگارشهای او از «کتاب فی التصوف» و «کلمة التصوف» یاد نمودند. ۱۵
- در جنگ ش ۲۹۱۲ سپهسالار ص ۳۴ نسخه ای از آن هست و از آغاز کم دارد.
- آغاز: بسملة . المحمود الله . و محمد رسول الله . لك العبادۃ والتسبیح . و بعد ایها الاخ ... فان الصداقة التي تاكدت بیننا ، الزمتنی اتحافك فی تحریر کلمات مومیة الی الحقایق شارح المقامات الصوفیة و معانی مصطلحاتهم .
- انجام: و آخر ما اوصیک به تقوی الله ... سبحانک لا اعام لنا ... انک انت العایم الکریم ۲۰

[۶۵۸]

- این نسخه شماره ۱۴ دفتر است و بخط تعلیق ص ۳۴-۵۸ در هامش آن سخن زرتشت در زوره باستان درباره سه خوی اسپهبد و رمزه های زرتشت آمده و از دسایر یاد گردید (ص ۴۱ و ۴۸ و ۵۰) شماره ۱۳ این دفتر چنانکه در فهرست آن آمده بایستی «رخش» سهروردی باشد و در ص ۳۲، که اکنون دیده نمیشود و گویا از همان ۲۵



نیایش ستارگان و آفتاب بوده است که در شمار نگارشهای سهروردی آورده اند صدرای شیرازی در حاشیه شرح حکمة الاشراق ص ۳۵۷ میگوید که سهروردی را در هر یکی از روزهای هفته ستایشی بود برای ستارگان هفتگانه و ستایش آفتاب او را میآورد و در آن از «رخش» یاد گردید. خود سهروردی در متن درهمینجا از رخس و شهریر نام برده است.

### [۵۳۱] گزارش نامه دهگان خداپرست (فارسی)

نامه‌ای دهگان خداپرست بانوشیروان نوشته و او آنرا به «ازرژروه» سپاهانی داد تا از آن بکاهد و گزین و گزارش کند.

آغاز: دهقان خداپرست نزد خسرو قبادان ساسان نامه نوشته بود و يك چيز دوبار و سه بار و گفته.

انجام: و پادشاهی از مردم شما برود پس از هزار و اند سال باز پادشاهی بفرزندانش کیومرث رسد. والله اعلم بحقایق الامور.

[۶۵۹]

این نسخه شما ۲۱ دفتر است و بخط تعلیق حیدر کرکی نزدیک ۱۰۷۶ گ  
۲۵۳ ۱۴۱ ب - ۱۴۳ الف.

### [۵۳۲-۵۳۳] گفتار درباره لام الف (فارسی)

دو گفتار عرفانی و بروش علم حروف و اعداد درباره «لام الف» پرداخته شده و سخن امام صادق (ع) در اینکه آن از حرفهای ساده است نه مرکب در آنها روشن گردید:

۱ - از سالک الدین محمد یزدی حموی پزشکی.

آغاز: هو . من تحقیقات حضرت سالک محمد . نقل من بیاضه . مشهور چنان است که جمعی از محققان از حضرت امام بحق ناطق امام جعفر صادق ... سؤال نمودند که لام الف آیا از حروف مفردة است . . فقیر سالک الدین محمد از بندگان حضرت وحید الزمان شیخ بهاء الدین محمد سلمه الله همین سؤال کرد .

انجام: و این نیز سری است ساری در تنزیه وحدت او. فهمه من فهم . لمحرره ۲۵

سالك الدین محمد یزدی .

۲ - از محمد قاسم بن تاج الدین حسینی خمیصی و در دیباچه دارد که سالك محمد در پایان جمادی یکم سال ۱۰۳۲ بکرمان آمد و من از او بهره‌ها بردم و از نوشته‌های او بیاضی بمن دادند که نکته‌ها داشت و گفتار درباره لام ألف را که او نوشته بود من برای خود نوشتم و خودم هم چیزی در این باره اندیشیدم و بنگارش در آوردم .

۵ آغاز: هو. در اواخر شهر جمادی الاخر سنه ۱۰۳۲ که حضرت سالك عرفان و ایقان محمدا دارالامان کرمان را بنور حضور مشرف داشتند و چون کمینه محبان محمد قاسم بن تاج الدین الحسینی خمیصی را رتبه محرمیت ... آنچه در خصوصیت و مناسبت ترکیب لام الف بایکدیگر در سالك حروف مفروده بخاطر این ضعیف رسیده اولاً از دلائل قرآنی .

۱۰ انجام: پیام اهل دل است این سخن که سعدی گفت: نه هر که گوش کند معنی سخن داند . هو الاول ... و هو بکل شیئی محیط . حرف آب حیات است و سیاهی ظلماتش . نقلت من خط عالی حضرت الامر خوم من بیاضه فی لیله العاشر من شهر جمادی ۱۰۹۹ العبد شهاب الدین الحسینی .

۱۵ همین میرسید محمد قاسم در هاشم گفتار نخستین در نسخه ما بتازی می نویسد که نگارنده «مفاحص» گفته که چنین پرسشی از پیامبر کرده‌اند و او پاسخ داد .

[۶۶۱-۶۶۰]

این دو نسخه شماره های ۳۵ و ۳۶ دفتر است و بخط تعلیق مورب شهاب الدین حسینی در ۱۰۹۹ ص ۲۹۹-۳۰۰

۲۰ [۵۳۴] گفتار هروی (فارسی)

۲۵ خواجه عبدالله انصاری هروی حنبلی صوفی (که ندرطوس ۳۹۶-۴۷۱) گازرگاه هرات) سخنانی بنشر مسجع پارسی دارد که در آنها باخدای خویش گفتگو میکند و او را میستاید و ببندگان او بند و اندرز میدهد. پاره‌ای از آنها بچاپ رسید یکی بنام «مناجات نامه» که کتابفروشی بوذرجمهری در تهران بسال ۱۳۶۶ آنرا چاپ کرد و همین را باافزوده‌ای در پایان بنام «مناجات و مقالات» بایند لقمان و رباعی‌های ابوسعید

- ابی‌الخیر و بابا طاهر همدانی و اندرزهای بزرگمهر کتابفروشی علمی اسلامی بسال ۱۳۷۰-۱۳۳۰ در تهران چاپ نمود. این یکی در سه مقاله است نخستین دو مکالمه دوم ۱۲ موعظه میباشد و علی بن طیفور بسطامی آنرا از سخنان دلپسند هروی گزین نمود و بدان نام «انوار التحقیق» داده است. باز در جنگی دارای اوصاف الاشراف طوسی و خلدبرین وحشی یافقی و رباعیهای بابا طاهر لر و ابوسعید چاپ بهیشتی در ۶-۱۲۸۴ ۵ و چاپ تهران از علی اصغر کتابفروش بسال ۱۳۰۷ سخنان هروی دیده میشود. نیز بدستور معین الملک امیر تومان سفیر ایران در کشور عثمانی بسال ۱۴۰۱ «نصایح و مناجات» او بابرخی از رباعیهای ابوسعید به چاپ رسید. نسخه ماهیچیک از اینها نیست. رساله‌ای از هروی در جنگی در چاپخانه نولکشور لکنه هند بسال ۱۹۲۵ چاپ گشت. هشت رساله پارسی او (دل و جان - کنز السالکین - واردات - قلندرنامه - هفت حصار - ۱۰ محبت‌نامه - مقولات - الهی‌نامه) در چاپخانه ارمغان تهران بسال ۱۳۱۹ خ به چاپ رسید و نسخه ماهیچیک از اینها نیست. در دیباچه این چاپ در سرگذشت خواجه از رساله‌های آفرینش آدم و برگزیدن او و ذم الکلام ستازی و زاد العارفين (ایندو در موزه بریتانیا است) و انوار التحقیق و مناجات او یاد گردید. سیوطی در صون المنطق (ص ۱۹ و ۳۱ و ۳۲) پاره‌هایی از ذم الکلام او را آورد و در ص ۳۳-۸۲ از آن گزین نموده ۱۵ است. روش حنبلی و ظاهری او از آن پیدا است، نسخه ما چنین است:
- آغاز: بسمله . الحمد لله رب العالمین ... چنین گوید مصنف هذه التحفة ، بعبارة الطرفة : المحتاج الى الباری ، عبدالله الانصاری : بدانك پیری کردن معلمی است ، از غیب خبر دادن منجمی است .
- ۲۰ انجام: خداوندی و کار خداوندان کنی - سبحانه وحده ، لاشريك له ، که یار را که گوید چنین کنی یا چنان کنی ... پس ختم رساله را من بدعا - زیرا که دعا بمدها خوش باشد .

[۶۶۲]



[۵۳۵]

گلشن (مناظرات خمسه)

(فارسی)

در این نامه فلسفی و عرفانی که بساخت مناظره وجدل و بشیوه مقامات و بسیار شیوا نوشته شده میان عقل و عشق و نیروهای روان و میان عاشق و معشوق و پایگاههای روانی عاشق گفته‌گو میشود. نگارنده آن در فصل فرستادن عقل قوه نظری را بسوی شاه عشق (۲۹ ب) درباره سنجش میان دو جهان از «تمهید» خویش یاد میکند. از پایان نسخه ما پیداست که نام این کتاب گلشن است و در کشف الظنون «مناظرات خمسه» نامیده شده (ج ۲ ص ۵۲۶).

آغاز: بسمله و به . الحمد لله الذی رتب نظام بریه العالم بخلافه آدم و کلها بحضرة الخاتم محمد ... دوش هنگام آنکه مبشر فائق الاصباح .

انجام : و مناظرات سیارات امکانی از مناطق ظهور بمکان اختفا (خرامد باینجا اختتام رسید . تمت الكتاب الکاشن بعون الملك ذوالمن . اللهم اغفر لنا بحق الحسين والحسن) (میان دو کمانه در نسخه ما بخط و مرکب دیگری است) .

[۶۶۳]

این نسخه بخط نسخ با عنوانهای شنگرف میباشد . در برگ ۱ الف چند سطری بخط و امضای مجلسی درباره جماع دیده میشود .

۸۳۵۱۰

(۳۸۱) کاغذ سه رقندی - جلد تیماج ساده

اندازه : ۱۰ × ۱۷ × ۵۱۰ س ۱۴

[۵۳۶]

لب الهمز

(عربی)

حسن گنجوی در این گفتار از ذکر و فکر قلبی سخن میراند .

آغاز: بسمله الحمد لله رب العالمین . . . هذه کلمات من بعض الواردات علی فی احقاق الحق .

۲۰

انجام: فالادلالة فی شیئی منها علی مطالب الخصم فتبصر ولا تغفل .

[۶۶۴]

این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط نسخ میباشد گ ۱ الف - ۱۹ ب. دومین شماره آن تفسیر دو سوره ضحی و شرح از محمد بن محمود دهدار است و بخط نسخ تاریخ

۸۶۴۲۰

۱۲۳۳ از محمد باقر بن کربلائی اسدالله خوئی درخوی گ ۲۳ ب - ۴۸ الف (ص ۹۱)  
اینفهرست) و سومین شرح دعای اللهم نورظاهری بطاعتك از محمد جعفر بن صفرخان  
همدانی گ ۴۹ ب ۷۴ .

[۵۳۷] لمعات (فارسی)

- ۵ شیخ فخرالدین ابراهیم فرزندی شهریار همدانی عراقی (که چنان همدان ۶۰۹  
دمشق ۸ ذی قعدة ۱۸۸۸) در ۶۲۸ از همدان بادریشان بسپاهان رفته و از آنجا بمولتان  
شد و ۲۵ سال نزد بهاءالدین زکریاء مولتانى (۵۷۸ - ۶۶۶) شاگردی کرد و بدو دختر  
داماد او گشت . پس از مرگ او بعمان و مکه و مدینه رفت از آن پس نزد سهرودی  
(۶۳۲) رسیده و در ۶۰ سالگی (۶۶۹) از راه دمشق بروم شده شاگرد قونوی (۶۷۲م)  
و همنشین امیرمعین الدین پروانه روم دوست موای بلخی گشت . اواز درس فصوص  
قونوی بهره برده در همان هنگام (از ۶۶۹ تا ۶۷۲) لمعات نوشت که استاد آنرا  
پسندید. پس از کشته شدن پروانه بدست اباقاخان بسال ۶۷۵ بمصر سپس در ۶۸۸ بشام  
رفته و ششماه در آنجا بماند و در گذشت و در صالحیه دمشق پشت سر آرامگاه حبیبی  
الدین بخالك سپرده شد .

- ۱۵ عراقی شیفته چهره زیبا بود شاید بهمین انگیزه بود که عشاق نامه را در ۱۰۶۰  
بیت و در ده فصل سروده و از روی سوانح (۱) احمد غزالی (۵۱۷م) لمعات خویش

- ۱ - السوانح فی العشق را ریتز در استانبول ۱۹۴۲ چاپ کرد و در تهران نیز در  
۱۳۲۲ خ از روی نسخه تاریخ ۶۵۹ بچاپ رسید. غزالی آنرا برای دوستش صائِن الدین  
هنگامیکه سخت شیفته عین القضاة همدانی بود بپرداخت و برخی از آن در تبریز و  
۲۰ پاره ای را در مراغه بسال ۵۰۸ برای خود غزالی نوشته اند (دیباجه چاپ تهران - نسخه  
تاریخ ۸۸۲ طوس بشماره ۶۶۰ در ۶۷ فصل. این دو نسخه یکسان نیستند) در چاپ ریتز  
دیباجه ایست بیارسی که در چاپ تهران بجای آن دو سطر بتازی آمده است و نام صائِن الدین  
هم در چاپ ریتز برده نشده است و بیت پایان چاپ تهران نیز در آن نیست . سوانح را  
عین القضاة شهید (۴۹۲ - ۵۲۵) بساخت و لویج پارسی در آورد (متون ماسینیون ص  
۲۵ ۹۵ - ۹۸ - ۱۰۲) .

پیش از غزالی اخوان صفا در دفتر ۶ بخش نفسانیات رسائل و الرسائل الجامعه از  
عشق سخن رانند . دنباله حاشیه در صفحه بعد

را پرداخت. این رساله در نسخه‌های کهن مانند فصوص اندلسی در ۲۷ بخش است ولی در نسخه‌های تازه و دو گزارش کرمانی و جامی ۲۸ بخش (امعه) می‌باشد. صائن الدین علی تر که سپاهانی م ۳۸۰ گزارش بر لمعات بنام ضوء اللمعات نوشت و آغازش چنین است: «سیاس و ستایش پروردگار بر اکه بر توی از لمعات» (16/839 III) ج ۷ ص ۸۳۳ فهرست موزه بریتانیا). در همین زمان شاه نعمه الله کرمانی (م نزدیک ۸۳۴) گزارشی بر آن نوشت (ش ۸۷۵/۲ این کتابخانه).

۵

لمعات عراقی را جامی بدستور امیر علی شیر نوائی مقابله و تصحیح کرده و شیفته آن شده و با بازگشت بستخان محیی الدین وقونوی و دیگران در ۸۸۶ برای همو بنام اشعة اللمعات گزارش نموده در سر آغاز او را «اجل اخوان الصفا و اعز خلان الوفا» خوانده است و آن در ۲۸ امعه و یک دیباچه است. اشعه جامی بار رساله‌های نسفی و امیر حسینی و کاشانی و دیگران در ایران بسال ۱۳۰۳ بچاپ رسید. در هامش آن حاشیه‌ایست بر آن بنام لمحات. گزارش جامی را بنام لوايح ايچ و نیفیلد در ۱۹۰۶ ترجمه و چاپ نمود. در مجلس نسخه‌ایست از شرح لمعات بنام لمحات که گزارنده آن شناخته نشد (ش ۶۶۷).

۱۰

مانده حاشیه صفحه پیش

۱۵

آنگاه شیخ رئیس رساله‌ای در عشق بتازی و پارسی نگاشته است. سهروردی شهید دفتری در عشق دارد که Otto Spies آنرا بنام «مونس العشاق» با شرح رساله عشق داشت و تگارت بسال ۱۹۳۴ چاپ نمود باز در پیام نو (ش ۷ و ۸ سال ۲ خرداد ۱۳۲۵) بنام «رسالة فی العشق» از روی نسخه تاریخ ۶۵۹ بچاپ رسید. نجم الدین دایه فرزند... شاه‌آور رازی ۶۵۴ رساله عشقی بیارسی دارد (۵۹۸/۴ مجلس). رساله عشق دیگری نیز بیارسی در مجلس (۵۹۷/۴) هست. در این زمینه شرف الدین حسن بن محمد رامی تبریزی (سده هشتم) انیس العشاق و فیض کاشانی مشواق نوشتند و هر دو بیارسی است و در تهران بسال ۱۳۲۵ خ بچاپ رسید. در هند رساله‌هایی دز عشق بنام تجلیات و مشاهدات و بوارق و واردات نوشته شده است.

۲۰

بنگرید به: نفعات جامی ص ۵-۵۴۲ و اشعة اللمعات ص ۳- گفتار نوائی در یادگار ش ۶ و ۷ سال ۵ تاریخ اسفند ۱۳۲۶ و فروردین ۱۳۲۷ خ ص ۳۵-۴۴ و ۵۶-۶۸- جامی از حکمت تهران ۱۳۲۰ خ ص ۱۷۰-۱۷۱-۱۸۱- فهرست مجلس ج ۲ ص ۴۱۱ ش ۶۴۴/۷

۲۵



عراقی در لمعات از اینکسان یاد میکند: جنید - ابوطالب مکی - ابوزید - حسین بن منصور - خواجه عبدالله انصاری - ابن فارص - یحیی بن معاذ - ابوالحسن خرقانی - ابوبکر وراق - ابوالحسن نوری - شبلی - شیخ علی حریری - سهل بن عبدالله شوشتری.

- آغاز: هو الودود . رب وقفنا للتتميم والتكميل . بسم الله . الحمد لله الذي نور وجه حبیبه بتجلیات الجمال فتالانورا ... کلمه چند در مراتب عشق بر سنن «سوانح» بزبان وقت املا کرده میشود تا آئینه معشوق نمای هر عاشق گردد .
- انجام : واگر صور و معانی کلمات را بعضی فهم مکرر نماید معذورم ... گر ز آنکه من و تو از میان برخیزیم . مقصود و مراد ما بکام من و تو است .
- (جامی در سرگذشت احمد غزالی ص ۳۳۶ اندکی از دیباچه لمعات را که در ۱۰ آن یادی از سوانح شده است آورد) .

[۶۶۵]

- این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط تعلیق خوش محمد علی تفرشی در رمضان ۱۲۸۷ در مدرسه فصیحیه سبزوار - عنوانها و برخی عبارتهای تازی و نشانه ها بشکرف است گ ۸۲ ب ۱۰۸ الف . جای عنوانها در نسخه سقید است و ۱۵ در دو گزارش جامی و کرمانی لعله دارد .

(فارسی)

لوامع

[۵۳۸]

- دانشمند عبدالرحمن جامی قصیده میمیه خمیه ابن فارص شرف السدین ابو حفص عمر بن علی سعدی مصری (۵۷۶-۶۳۲) را پیارسی گزارش نموده نخست از رهگذر دستور زبان و نحو درباره هریتی گفتگو کرده سپس آنرا بنظم و نثر پارسی در آورد آنگاه بعنوان «لامعه» از مسئله عرفانی که در هریت گنجانده شده بررسی نمود است .

جامی آنرا در ۸۷ پایان رساند . این گفتار دیباچه بسیار شیوا در چند «لامعه» دارد که در آن ازدوستی و عشق بحث شده است .

- آغاز: بسم الله ونه نستعين . سبحان من جميل ليس لوجه نقاب الا انور ... ۲۵

رباعی: «ای گشته نهان از غایت پیدائی...» الهی بحرمت آنانکه بگام همت پی  
 بسرا پرده وحدت تو برده اند... (شربنا علی ذکر الحبيب مدامة - سکرنا بهامن قبل  
 یخلق الکرم) الشرب بالحرکات الثلاث: آشامیدن آب... میگوید که نوش کردیم  
 و با یکدیگر بدوستگامی خوردیم.

انجام: بنایت رسید و بنهایت انجامید روش قلم تیز کام و جنبش خامه بی آرام  
 در قطع مراحل ترتیب این لوازم و طلی منازل تألیف این بدایع فی تاریخ یفهم من  
 هذه الرباعية علی سبیل الایماء والتعمية: بی دعوی فضل جامی و لاف هنر - در سالك  
 بیان کشید این نظم گهر.

وان لحظه که شد تمام آورد بدر - تاریخ مه و سال وی از شهر صفر (۸۷۵).

[۶۶۶]

این نسخه شماره ۳۷ دفتر است و بخط شکسته تعلیق برخی جاها مورب و متن بنسخ  
 تاریخ میانه ج ۱۰۸۶ در طوس (مشهد. رضوی) گ ۱۱۸ - ب ۱۲۳ - نسخه ای  
 از این در مجلس ۶۱۰/۱ هست. این نسخه مادیباچه را ندارد و شرح نحوی و لامعه های  
 پس از آن را هم ندارد و چنین است آغاز آن: (شربنا علی ذکر الحبيب... الکرم)  
 میگوید نوش که کردیم... گویا کسی آنرا گزین نموده و کوتاه ساخت. در پایان با  
 انداختن آخرین لامعه همان بند آخر «خاتمه فی المناجات» را دارد و مانند نسخه ۷۶۷/۱۴  
 میباشد. اندکی از شرح نحوی گاهی در هامش نسخه آمده است.

[۶۶۷]

این نسخه شماره ۱۴ دفتر است و بخط تعلیق با عنوانها و نشانه های شنگرف گ  
 ۷۶۷۲۰ ب ۲۰۵ - ب ۲۴۵ در این نسخه دیباچه هست و شرح نحوی و لامعه ها دارد.

[۵۳۹]

لوايح (فارسی)

نگارش عرفانی از عبدالرحمن جامی و در آن میخواهد برساند که بر تو خدائی  
 همه هستی ها را فرا میگیرد و در ۳۵ لایحه است در دنبال آن هفت رباعی است از خود او.  
 آغاز: بسم الله رب وقفنا للتكميل والتتميم. لاحصى ثناء عليك. كيف وكل  
 ۲۵ ثناء يعود اليك... خداوند سپاس تو بر زبان نمی آریم و ستایش تو بر تو نمیشماریم.

**انجام:** لب بگشائی بنطق خاکت بدهن. تمت الرسالة بعون الله وحسن توفيقه.

[۶۶۸]

- این نسخه شماره ۱۰ دفتر است و بخط تعلیق گ ۱۳۲ پ ۱۵۰ الف. شماره ۸  
 ۸۶۷ این دفتر آداب استخاره ذات الرقاع و ۹ شکایات نماز میباشد. سه نسخه از این  
 ۵ لوائح در مجلس ش ۶۶۸ تا ۶۷۰ و دو نسخه در طوس ش ۹۶۶ و ۹۶۷ هست. این  
 رساله در چاپخانه مهر تهران بسال ۱۳۱۲ خ از روی نسخه ش ۶۶۸ مجلس و در چاپخانه  
 نولکشور لکهنوء هند بسال ۱۳۵۵ با منهاج العارفین چاپ گردید. نیز در جنگی دارای  
 شرح قصیده میرفندرسکی از محمد صالح خلخالی و همین لوائح و شرح دعای علی (ع)  
 از مجذوبعلیشاه محمد جعفر بن صقرخان همدانی کبوتر آهنگی در تهران بسال ۱۳۱۲  
 چاپ شد.

۱۰

[۵۴۰] المبداء والمعاد (عربی)

- نورالدین محمد بن مرتضی در این کتاب که در منتخب التصانیف آنرا «الحقائق  
 القدسیه والرقائق الانسیه» هم نامیده است بر روش عرفان شیعی و در دوفن هر یک در  
 چند کلمه از مباحثی فلسفی و کلامی گفتگو نمود. در آغاز میگوید که من آنرا از  
 ۱۵ روی نوشته های عم عارف و استاد محمد بن مرتضی المدعو بمحسن فیض و صدر المحققین  
 محمد بن ابراهیم شیرازی و عارفان دیگر نگاشته ام. آنگاه درباره این کتاب بیتهایی  
 از تائیه ابن فارض و قصیده عامریه می آورد و درست بر روش نگارش شیرازی و فیض و  
 عبارت پردازی میرداماد می رود و همان عنوانها که شیرازی و داماد دارند در آن دیده  
 میشود و روش فلسفی و عرفانی او در اینجا تا کتاب تفکر بیشتر است.
- ۲۰ آغاز: بسم الله وبه نستعین. الحمد لله الذی قصرت الالسن عن بلوغ ثنائیه کما یلیق  
 بجلاله وعجزت الاحلام عن ادراک کنه جماله.

**انجام:** هذا آخر ما اردنا ایراده فی هذا الكتاب المستطاب. متعنا الله للسراح فی  
 میادین معانیه فی کل باب. و وقفنا لفهم حقایقه و رزقنا نیل رقائقه بمنه و لطفه. والحمد لله  
 اولوا و آخر اواظها و باطنا. و کان الختم علی ید مؤلفه فی شهر ربیع المولود سنة خمس و  
 ۲۵ مائة و الف من الهجرة المصطفویة علی صاعها الف الف صلو و تحية.



[۶۶۹]

این نسخه شماره ۴ دفتر است و بخط نسخ نگارنده در ع ۱ سال ۱۱۰۵ گ ۱۸۶ پ - ۲۵۲ ۳۱۱ الف س ۲۷ - در گ ۱ بخط دیگری نوشته شده: « کتاب مبداء و معاد ملقب بحقائق قدس و رفائق انس » و بخط و مهر نگارنده دارد که این را چنانکه در پشت کتاب تفکر هم نوشته ام بر فرزندان دانشمندان وقف نمودم .

[۵۴۱] مجموعی ده لطائف (فارسی)

این دفتر عرفانی از شاه نعمه الله کرمانی عارف است .

آغاز: بسم الله انا فتحنا لك فتحاً مبيناً . بيت: « افتتاح سخن بنام ويست . . . » يا اخي . . . معلوم فرما که فتوح بر انواع ثلثه هست .  
۱۰ و بدینجا پایان میرسد : و بمشاهد شاهد واقع شود نعیم شاهد . شعر : « مشاهدة الحق من علمنا يحصل شاهد هافي القلب » و کم دارد .

[۶۷۰]

۱۰۸۹ این نسخه شماره ۴ دفتر و بخط تعلیق میباشد گ ۳۵ الف - ۳۶ الف .

[۵۴۲] محبت (تحقیق در) (فارسی)

نگارشی است از جامی درباره محبت و دوستی عرفانی .  
آغاز: ادنی مراتب محبت، محبت آماريست و متعلق آن جمال آنراست .  
انجام : آمد برقی ز کوی میخانه دیدید در بر تو آن حریم میخانه بدید .

[۶۷۱]

۸۹۰ این نسخه شماره ۱۷ دفتر است و بخط تعلیق گ ۹۷ الف - ۹۹ الف -

[۵۴۳] ۲۵ مجموعی فیه (فارسی)

علی بن غلامعلی قزوینی این دفتر را برای میرزا محمود امین در رازهای حج بروش عرفانی نگاشته است .

آغاز: حمد بی حد مر حضرت کرد گاریرا است که معمار عنایتش بر قیمه «قلب - المؤمن بیت الله» قلوب فقرا و درویشانرا خانه ساخت .

انجام : چون کنم دلها بسی سنك است سنك- چون نمایم سینه ها تنك است  
تنك . فبالله العون والحمد لله ... مظهر الكاف والنون و مظهر عين العيون .

[۶۷۲]

۳۲۹ این نسخه بخط تعلیق با عنوانهای لا جوردی میباشد .

(۴۱۴۰) - فاغد فرنگی جلد مقوا

اندازه : ۲۴×۱۵ و ۱۴×۷ س ۱۴

[۵۴۴] مرآت المحققین (فارسی)

گفتاری است عرفانی بروش شیعی آمیخته با آیات و سخنان بزرگان بتازی با  
پیتهای پارسی نام آن در پایان گ ۵۷ الف دیده میشود. اصول و فروع سیر و سلوک در  
چهار باب و یک خاتمه آن آمده است : (۱- شریعت و طریقت ۲- معرفت و حقیقت ۱۰  
۳- توحید و فناء فی الشیخ ۴- فناء فی الله و بقاء بالله خاتمه در مقام قلندری) . نسخه ای  
از آن در طوس بتاریخ ۱۲۶۱ (ش ۹۹۱) هست و نگارنده در آن خود را محیی الدین  
نامیده است . در آغاز دارد : «رساله تالیف کن و مرآت المحققین نام آن تصنیف کن»  
و در انجام دارد : «این جام جهان نما را که بهر آت المحققین مسماست» (فهرست  
موزه بریتانیا) نسخه ای از این در برلین بتاریخ ۱۲۴۸ هست . ۱۵

آغاز: العظمة لله العلی العظیم الذی رفیع السموات بغير عمد و وضع المشكوة  
فیها من النجوم بغير عدد - چنین گوید فقیر مسکین المتوصل بحبل المتین و بطریقه  
المعصومین حمید الدین (418 III ج ۴ ص ۲۶۶ فهرست موزه بریتانیا بتاریخ ۱۷۸۱  
سال ۱۲۷۴) نسخه ما اندکی از دیباچه را ندارد و چنین است .

۲۰ آغاز: حضرت صاحب مهدی غائب است . گفتیم بخدمت آنحضرت میتوان  
رسید گفتند آرزویی است بس بعید .

انجام: از گلزار فیض انوارش چینند . آمین آمین . یا اله العالین . ارسل کل  
طالب الی المطلوب .

[۶۷۳]

این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط تعلیق بانثانه‌ها و عنوانهای شنکرف است گ  
۸۶۷ ۳۲ الف - ۵۷ ب از ۱ تا ۳۱ در نسخه نیست و رساله ناقص است.

شیخ محمود شبستری نیز «مرآت المحققین» دارد و بیارسی بسیار شیوا که در  
مجموعه عوارف المعارف در شیراز بسال ۱۳۱۷ بچاپ رسید و پنج نسخه در طوس  
۵ (ش ۲۶۹ و ۲۷۰ و ۹۸۸ و ۹۹۰) که یکسان نیستند و یک نسخه در مجلس (ش ۱۴۳) از  
آن هست.

[۵۴۵] مراتب ادراک (عربی)

این گفتار از محیی الدین مغربی است در مراتب ادراک بشری که چهار گونه پنداشت  
۱۰ ۱ - مانند صورت در آئینه ۲ - احاطه ذات بمدرکات ۳ - مشاهده اشیاء در ذات  
خداوند ۴ - تنگریستن بذات و فناء آن و بقای مدرک حقیقی که خدا باشد.

آغاز: قال الشيخ العلامة محیی الدین المغربی. فصل المعلوم صورة العلة و ظاهرها  
والعلة حقيقة المعلوم و باطنها.

انجام: فتغفل فی هذا المقام عن كونك مدرک كالأشیاء فیظهر لك ان المدرک بالحقیقة  
۱۵ هو الله تعالى و تقدس. والله يقول الحق و هو یهدی السبیل.

[۶۷۴]

این نسخه ۲۱ دفتر است و بخط تعلیق رجبعلی نزدیک ۱۰۶۱ گ ۹۵ ب - ۹۶  
۱۰۴۶ الف.

[۵۴۶] مشاهدیه (فارسی)

نگارنده این نامه بنظم و نثر، هندی و بیگانه از پارسی و تازی بوده بشهرهای  
۲۰ ایران و عراق آمده چندی در نجف بماند و ریاضت کشید و در خلسه الهامها بدوشده  
و نامش عبدالله گشت و بکیش شیعی گرائید. آنگاه از نجف بخراسان رفت و بدستور  
امیرمؤمنان، پیشوای هشتم رازیارت نمود. در میان راه در شهرک (کارزان، بلدة-  
الخضراء، شهر سبز سلمان فارسی) (گ ۱۰ الف) میرعلی نقی اوحدی پسر میرحیدر



حسینی را بدید و از آنچه از وی فراگرفت این نامه را بسال ۱۲۶۱ بهارسی سستی فراهم آورد. نام او عبدالله تابع الحسینی اوحدی فرزند میرزا مهدی نجفی و به «هندی کتاب خان صاحب الدیوان» نامبردار است. رساله ایست عرفانی آمیخته با علم حروف و اشکال.

- ۵ آغاز: استعانت جویم از رب کریم . بسم الله الرحمن الرحيم . نامه موسومرا زان شد بدر، که بدید آمد زیر وزبر .
- انجام : و علی منابعم الی یوم الدین . یارب العالمین بالنامه کتاب (۲) بعون المملک الوهاب ... بر حمتک یا ارحم الراحمین .

[۶۷۵]

- ۳۵۸ این نسخه شماره ۱ دفتر است و بخط نسخ و تعلیق با نشانه ها و شکلها و عنوانهای ۱۰ شگرف گ ۱ ب - ۱۰۶ الف .

[۵۴۷] مشکاة الانوار (عربی)

- این نامه از غزالی طوسی است که بروش عرفان باطنی و تأویل فلسفی بدرخواست کسیکه از او درباره راز نهانی پرتو خدائی و تأویل آیتها و خبرهای نور پرسیده بود نگاشته و گفتاورد درباره روشنی و نور خواننده را بیاد حکمت اشرافی میاندازد . این ۱۵ نامه سه بخش است : ۱- اینکه نور حق همان خداست و بس . ۲- روانهای نورانی گوناگون و در اینجا آیه نور تأویل میشود . ۳- هفتاد هزار پرده روشنی و تاریکی در میان آفریدگان و خداوند . در آن از عجائب القلب احیاء العلوم (۵ الف) و القسطاس المستقیم (۲۰ ب) و محاکم النظر و معیار العلم (۵ ب) و المقصد الاقصى فی معانی الاسماء الحسنی (۹ ب) یاد میشود . غزالی آنرا در دوره ذوقی زندگی خویش میان ۵۰۵ و ۵۰۶ نوشته است (۱) ابن رشد در تهافت (چاپ بوئیر ص ۱۱۷ و ۲۴۵) مینویسد که غزالی گویا در علوم الهی به سخنان فیلسوفان مینگریست و بهترین گواه آن مشکاة الانوار است . دروغتر از اینکه «یکی جز یکی نیافریند» چنانکه فارابی و ابن سینا و غزالی

۱ - بنگرید به: متون ماسینیون ص ۹۳ - گفتاروات در روز نامه آسیائی لندن سال ۵۲ ش ۱ و ۲ ص ۴۴ .

گفته‌اند نیست زیرا غزالی در مشکاة درباره مبدء نخستین بسخنان فیلسوفان گرائیده است. ابن سیمین در بدالعارف میگوید که غزالی گاهی صوفی و گاهی فیلسوف و باره‌ای اشعری و هنگامی فقیه و گاهی سرگشته است و در فلسفه بسیار سست می‌باشد. او عرفان پرداخت و درباره عقل و نفس بگواهی «معارج عقلیه و عجائب القلب و مشکاة الانوار و کیمیاء سعادت» از فوئاد غورسیان و اخوان صفا آموخته است.

(متون ماسینیون ص ۱۳۰).

و. منتگمری و W.M. Watt در روزنامه انجمن همایونی آسیائی 1949، 5 ff گفتاری دارد در اینکه «بخش حجاب» این نامه از غزالی نیست (همین روزنامه سال ۱۹۵۲ شماره ۱۹۱ ص ۳۰ و ۴۲) زبیدی در شرح احیاء (ج ۱ ص ۴۲) میگوید که مشکاة الانوار فی لطائف الاخیار در ۴۸ باب است و آن نزد من هست و در آن شك نمی‌کند. دانشمندان خراسان از این نامه خرده گرفتند و غزالی بدانها پاسخ داد (۱).

[۶۷۶]

این نسخه شماره ۱ دفتر است و بخط تعلیق ریز خوش باعنوانهای شنکرف تاریخ ۱۲۶۰ گ ۱ پ ۲۷ الف. چنین است آغاز و انجام آن: «الحمد لله فاض الانوار و فاتح الابصار... فقد سالتنی ایها الاخ... ان ابث اليك اسرار الانوار الالهية - و استشفاف الانوار الالهية من وراء الحجب البشرية عسیر غیریسیر» این نامه چندین بار یکی در الجواهر الغوالی با نامه‌های دیگر غزالی در مصر سال ۱۳۴۳ بچاپ رسید. (بنگرید به: ش ۳۲۹ و ۳۳۰ طوس برای نامه‌های گوناگون آن - ش ۷۷ مجلس).

(فارسی)

هشتمانی

[۵۴۸]

فیض کاشانی در این نامه نخست سخنی عرفانی بمیان آورده سپس از رخ و زلف و خال و خط و چشم و ابرو و لب و شراب و ساقی و خرابات و خراباتی و بت و زنار و

۱- آغاز و انجام پرسش و پاسخ چنین است: «چه گوید خواجه امام اجل حجة الاسلام در جواب کسانی که اعتراض کنند - که هر که حقیقت روح ندانست خود را ندانسته باشد خدا را دشوار تواند دانست. والسلام تمام شد مسائل والحمد لله وحده» (ش ۳۴۰/۲) - ص ۱۹۰ همین فهرست).

کفر و ترسائی گفتگو نمود و روشن ساخت که عارفان از اینها چه میخوانند و از گاشن راز گواه آورد نادشنام دشمنان عارفان را رد کند. این نامه در تهران بسال ۱۳۲۵ خ بچاپ رسید.

[۶۷۷]

- این نسخه شماره ۴ دفتر است و بخط تعلیق محمد علی بسال ۱۳۰۰ گ ۵۵ رب. ۵  
 ۸۴۹ ۶۰ ب. آغاز و انجام آن چنین است: بیاید دانست که سخن بمنزلۀ قالب است و معنی بمنزلۀ روح (آغاز فصل ۲ ص ۷ س ۱۷ چاپی) - ز اسلام مجازی گشت بزار کرا کفر حقیقی شد پدیدار (ص ۲۶ س ۱۴ چاپی).

[۵۴۹] مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة (عربی)

- این کتاب که در صد باب است و هر بابی پس از عنوان بعبارت (قال الصادق) ۱۰  
 آغاز میگردد از بسیاری از مراتب و مقامات عرفانی بحث میکند. دیباچه نگار آنهم پس از یاد کردن عنوان بالا آنرا از صادق (ع) دانست. علی بن طاوس (۵۸۹-۶۶۴) در امان الاخطار (ش ۱۰۱۸ گ ۵۶ الف) میگوید مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة را باید در سفرها با خود داشت. ابن ابی جمهور احسائی (زنده ۸۹۵) در المئالی العمادیه بندهائی از آنرا آورد. همچنین تقی الدین ابی ابراهیم کفعمی (۹۰۵) در مجموع الغرائب و شهید دوم (۹۱۱-۹۶۶) در کشف الریبه و منیة المرید و مسکن الفؤاد پارهائی از آنرا آوردند. ما ناایندانشمندان در این که مصباح الشریعة از صادق (ع) (۸۳-۱۴۸) است شکی نداریم مگر این که شیخ حر عاملی (۱۰۳۳-۱۱۰۴) در هدایه بدان ارجحی ننهاد و گفت که با متواترات نمیسازد و برخی آنرا از زین الدین دانسته اند نه سخنان صادق (ع) مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰) در بحار در پاره ای از آن شک نمود و گفت که ریخت و اسلوب آن از آن صادق (ع) نمی باشد. میرزا عبد الله افندی (۱۰۶۶-۱۱۳۰) در ریاض العلماء آنرا از کتابهائی دانست که نگارنده آن نادانسته است و گفت که برخی آنرا از هشام پسر حکم پنداشتند و درست نیست و باید از صوفیان باشد. بالینهمه سید حسین قزوینی (۱۲۰۸) در جامع الشرائع میگوید که بگواهی ابن طاوس و شهید دوم و فیض باید آنرا از صادق (ع) دانست.



حاج میرزا حسین بن محمد تقی نوری (یا ۱۲۵۴ - نجف ۱۳۲۰). در مستدرک  
الوسائل که در ۱۳۱۹ آنرا بپایان رساند پس از آوردن سخنان این دانشمندان میگوید  
که این کتاب از سخنان صادق (ع) فراهم گردید و رواست که با گفتار صوفیان همانند  
باشد چه آنان، در سیر و سلوک و پارسائی آنچه گفته اند بارائی پیروان شریعت ناسازگار  
نیست تنها مقامات و کراماتی که برای خود میگویند ما نمیپذیریم. او هر چه در این  
زمینه میبایست آورد (ج ۳ ص ۳۲۸-۳۳۳).

مگر اینکه اگر دلیل سبک مجلسی و شیخ حرر این پذیریم باید گفت که در این کتاب  
عبارات و اصطلاحاتی آمده که از سده نخستین نباید باشد.

آغاز: بسم الله وبه نستعين الحمد لله الذي نور قلوب العارفين بذكره و قدس ارواحهم  
بسرہ ... فهذا كتاب مصباح الشريعة ومفتاح الحقيقة من كلام الامام ... جعفر بن محمد  
الصادق ... وهو محبوب على مائة باب.

انجام: فالعبادة المعوام والاشارة للخواص والمطائف الاولياء والحقايق للانبياء  
عليهم السلام والحمد لله رب العالمين - این کتاب در ایران بسال ۱۲۸۳ بیچاپ سنگی  
رسیده است.

[۶۷۸]

این نسخه شماره ۱۲ دفتر است و اندکی با چاپی جدائی دارد و بخط نسخ خوش  
با عنوانهای شنگرف محمد بن فتح الله بسطامی در مدرسه رزم ساریه قزوین  
پنجشنبه ۱۷ ع ۲ سال ۱۰۰۴ گ ۵۶ - ۸۴ الف - و چنین است پایان آن: «باب -  
العبودية قال الصادق (ع) العبودية جوهره كنهها الربوبية ... و اصول معامله الدنيا سبعة  
اشياء الرضا بالدون ... مع رفض الرياسة فاذا حصلت هذه الخصال بعثها في نفس فهو  
من خاصة الله و عبادته المقربين و اوليائه حقا و صدقا در برگهای ۸۴ - ۸۶ الف سخنان  
براکنده عرفانی است

[۵۵۰] مصفاة الاشباح و مجلدة الارواح (کتاب التفرک) (عربی)

نور الدین محمد بن مرتضی بن محمد مؤمن بن مرتضی کاشانی (زنده در  
۱۱۱۵) این کتاب را بسال ۱۱۱۰ در عبادات و اخلاق و خدای و روان و جهانشناسی  
بروش عرفان و از روی خبرهای شیعی نگاشته و آن چهار فن است و هر يك چند باب  
و درست مانند احیاء غزالی و المحجة البيضاء فیض میباشد.

آغاز: بسمله وبه تقی . الحمد لله الذي شرح صدورنا بانوار معرفته ونور  
قلوبنا باسرار طاعته .

انجام: وما سبغ نعمك في الدنيا والاخرة . هذا اخر الكلام في الفن الاخير  
والحمد لله اولاً وآخراً وظاهراً وباطناً - وقع فراغ مؤلفه من الجمع والتأليف والنظم  
والترصيف في سنة الف ومائة وعشر من الهجرة النبوية .

۵

[۶۷۹]

این نسخه شماره ۳ دفتر است و بخط نسخ با عنوانهای شنکرف گ ۳۹ ب -  
۲۵۲ ۱۸۵ ب س ۲۷ در آغاز و پایان این شماره نورالدین بخط و مهر خویش نوشت  
که این کتاب بر فرزندان نرینه و شایسته او وقف است و پس از آنها بر  
دانشمندان شیعی و متولی آن دانشمندترین و یارساترین آنهاست و اگر روشن نباشد که  
کدام است باقره دانسته خواهد شد و متولی باید آنرا بخوانده شایسته بدهد و نگاهش  
ندارد. گیرنده نیز بایستی سر سال آنرا پس بدهد. گزیده همین بنام (آئینه حقایق نما)  
در مجلس هست (ش ۵۶۵)

۱۰

(فارسی)

معیارات العارفین

[۵۵۱]

در این نامه نشانه های رسیدن پایگاه ارجمند در سیر و سلوک نموده شده و در  
۱۴ معیار، نشانه مقامات عرفانی و خلقی پیارسی ساده ای بنگارش در آمد. در بیشتر  
۱۵ جاها حدیث شیعی و آیتی از قرآن گواه آورده شده و دارای ۱۴ معیار و یک خاتمه  
است. از مقامات العارفین شیخ و شعرهای عطار در آن آمده و نیز شعر پارسی خود  
نگارنده (گ ۱۹۷ الف).

۲۰

آغاز: بسمله و حمد ... و بعد این ملحقاتی است بر کتاب جهاد اکبر که بعد  
از اتمام کتاب بخاطر قاصر م رسید .

انجام: آنچه مولوی معنوی ... بیان کرده و گفته است: عقل است چراغ  
ماجرها - آن خواهش عقل از کجا بود ... محو لیلی شده است مجنون - زیرا همه  
عشق بد فنا بود .

[۶۸۰]

این نسخه شماره ۱۹ دفتر است و بخط نسخ و روی عبارتهای تازی خط سرخ کشیده شده و نویسنده آت محمد مؤمن بن محمد امین تبریزی بسال ۱۰۹۱ میباشد. ۱۰۳۰  
درهامش خط جلال الحکما اسدالله کجوری لاشکی طبری بتاریخ رجب ۱۳۲۹ دیده میشود. گ ۱۹۴ ب - ۲۰۰ الف .

(عربی)

مفاحص

[۵۵۲]

این دفتر از شیخ صائن یا ضیاء الدین علی بن محمد بن صدرالدین ابوحامد محمد بن حبیب الله ترکه خجندی سپاهانی دانشمند عارف (۸۳۰ م) است و در عرفان آمیخته با علم حروف میباشد و جدولها و شکلها در آن دیده میشود. خجندی آنرا بسال ۸۲۳ پایان رساند. مطلبها با عنوان «فحص» در آن آغاز میشود و در دیباجه آن از شرف الدین علی یزدی (۸۵۸) (۱) بنام برادر خدائی یاد میشود و در سه جای پایان (گ ۹۸ ب ۹۸ الفوب) از نام کتاب (مفاحص) یاد میگردد بدینگونه: \* المفاحص الکتائیه - فی هذالمفاحص والابواب - و نختتم هذالمفاحص خجندی در آن از «خمسين» ربیب امام صادق (۵ الف) و نامه احمد حنبل بمردم نیشابور و گرگان (۵۲ الف) میکند. ۱۵

آغاز: بسم الله . الحمد لله الذى اعد عید عبادہ لفهم کمال مراده بانزال اعداد بینات الکتاب .

انجام : فان للحروب رجالا . و کل میسر لما خلق له . علی انی غیر آمن عن هفوة القلم و کبوة القدم عصمنا الله تعالى عن ذاك ، بحرمة الفاتح لآبواب هذا الطريق ، الخاتم اياها بختم التمام ، محمد ، صلی الله علیه و علی اله الصلوٰة والسلام . ۲۰

[۶۸۱]

این نسخه بخط تعلیق ریز با عنوانهای شنگرف بنسخ و با حاشیه های «منه» و تاریخ روزیکشنبه ۲ شعبان ۱۰۷۷ میباشد. از تاریخ نگارش خجندی در این نسخه نشانی نیست. ۴۳۰

۱ - یزدی نگارنده ظفر نامه تیموری است در شیراز از ۸۰۷ تا ۸۲۸ که در کلکته در ۲ جلد بسال ۱۸۸۷ بچاپ رسید. ۲۵



[۵۵۳] مقامات مهر مرشدی (فارسی)

نگارشی است در عرفان و بنظم .

- آغاز: بهار است و من هست و دل درخمار - خوشا جام می خاصه از دست یار  
انجام: که بهر پرستیدن آن صنم - بملك وجود آدم از عدم .

[۶۸۲]

۸۴۹ این نسخه شماره ۳ دفتر است و بخط نسخ محمد علی بسال ۱۳۰۰ گ ۵۰ ب ۵۵ ب.

[۵۵۴] المقصد الاقصی (فارسی)

- این نگارش از شیخ عزیز بن محمد نخشی شاگرد شیخ سعدالدین حموی  
(۶۵۰ یا ۶۵۸) است که با زبدة الحقایق گزیده مبداء و معاد همو در جنگی دارای  
اشعة الممعات جامی و منتخب جواهر الاسرار آذری و جز اینها در ۱۳۰۳ بچاپ سنگی  
رسید (ص ۱۲۹-۱۹۶) - نخشی منازل السائرین و کشف الحقایق نیز نگاشته است (۱)

[۶۸۳]

این نسخه شماره ۱ دفتر است گ ۵ ب ۴۶ الف و اندکی با چاپی جدائی دارد  
۴۰۰ و چنین است:

آغاز: بسمله و حمد... اما بعد چنین گوید... عزیز بن محمد النسفی که جماعتی

از درویشان .

- ۱ - اودر مقصد اقصی (ص ۱۶۰) از حموی یاد میکند و میگوید که وی کتابها  
در باره صاحب الزمان ساخته و از او بسیار ستوده و گفت که در این هنگام که مادر آتیم  
بیرون آید اما بیچاره (نسفی) بر آنست که وقت بیرون آمدن اودانسته نیست . از سخن  
حموی بسیار کس بخود گمان بردند که صاحب الزمان مائیم و سرگردان شدند . باز می  
گوید که در دور نبوت در مدرسه ها بحث علم ظاهر میکنند و در دور ولایت (صاحب الزمان)  
از حقایق بحث میشود - روش باطنی و تأویل این عارف پیدا و در بسیاری از جاها سخنان  
فیلسوفان را نیز میآورد - دو نسخه از مقصد اقصی (ش ۶۳۹/۱ و ۶۴۰/۱ ص ۵-۴۰۴ ج ۲۵  
۲) در مجلس و نسخه ای (ش ۱۰۳۱ ص ۲۵۵ ج ۴) در طوس هست .

**انجام :** واین است خلاص آدمی - سخن کوتاه شد والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب ... تمت الكتاب بعون الملك الوهاب .

(فارسی)

مقطعات

[۵۵۵]

این مقطعات عرفانی از سید معصوم علیشاه است .

**آغاز:** در حدیث آمده که بیت حرام - زاده در روی علی عمرانی .

**انجام :** جمله عالم فانی و باقی است او - کل شئی هالک الاوجهه .

[۶۸۴]

۳۵۸ این نسخه شماره ۹ دفتر است و بخط تعلیق گ ۱۶۳ ب - ۱۷۰ الف .

(عربی)

منتخب التصانیف

[۵۵۶]

- ۱۰ نورالدین کاشانی (۱) در این نامه کتابهای را که برگزیده و خوانده بود بر شمرد و در دیباچه آشکار داشت که عالم دین بر توی دارد و باید کتابها را نگاهداری نمود و مطلبهای علمی را نوشت . آنگاه گفت که من چندین سال بفراهم آوردن کتابها پرداختم و راز کتاب و سنت را بشناختم . خواستم نغز حکمت را بیاموزم و از گفتگوها دور باشم پس از هرنری یکی دوسه کتاب بس کردم . این بود که قرآن را برگزیدم و از تفسیرهای ظاهری آن «صافی» استاد و عم خود محمد محسن بن مرتضی که آن هم دراز بود خواستم کوتاهش کنم . تفسیر باطن قرآن و احکام آنرا در نوشتههای

- ۱ - از خاندان فیض ایندانشمندانرا سر گذشت نویسان یاد کرده اند: ۱ - شاه مرتضی که کتابخانه ای داشت ۲ - پسرش محمد محسن فیض ۳ - پسر دیگرش مولی عبدالغفور که شاگرد استادان برادر خویش فیض مانند سید ماجد بحرانی و مولی نورالدین کاشی دانی آندو بوده است ۴ - پسر عبدالغفور بنام محمد مؤمن شاگرد عم خود فیض که در به شهر (اشرف) درس میگفت ۵ - علم الهدی محمد پسر فیض که دفتری بیارسی در اصول و فروع دارد ۶ - نورالدین محمد پسر مرتضی پسر محمد مؤمن پسر مرتضی دانشمند اخباری و نویسنده مصفاة الاشباح فی الاخلاق و عجائب الافاق که بیشتر آنرا از نوشته های استاد اجازه دهنده خویش فیض گرفته است . در روایات ص ۵۴۲ نورالدین را برادر فیض پنداشت و نادرست است ۷ - پسر نورالدین مولی محمد هادی محدث عارف و شارح مفاتیح فیض .

- دانشمندان پراکنده دیدم. از کتابهای اعمال دینی «اهم مایعمل» عمواستادم را یافتیم و خود هم «روح الارواح و حیاة الاشباح» در دعاها نوشتیم. او باز از صحیفه کامله سجاده یازبور آل محمد و ذریعة الضراعة استاد (طاب ثراه) و مفاتیح الاحکام استاد که برگزیده است یاد میکند و میگوید که کتاب التفکر یا مصفاة الاشباح و مجلدة الارواح در توحید و اخلاق و نیز مبدا و معاد یا الحقائق القدسیه و الرقائق الانسیة در فلسفه و عرفان که در آن نوشته‌های پیشینیان گزین شده است، نو شتم سپس الکلمات النوریه و الایات السریة که در آن رازهای نو گنجاندم. آنگاه به الواردات القلییه فی معرفۃ الربوبیه استاد استادم (شیرازی) که بسیار شیوا و روشن و راز خدائی در آن است برخوردیم و آنرا با دو کتاب پیش در یک جلد کردم تا با آسانی بتوان نگاهداشت. از ترانه‌های عشقی و عرفانی گزینها کردم و در جنگ (منتخب الاشعار) نوشتیم. او باز از «نخبه» خود در فقه و کلمات طریقه در منشاء اختلاف اراء امت مرحومه و بشارة الشیعه در چهل مرثیه برای شیعه از روی یک آیه قرآن و تنویر القلوب در برتری حکمت پیامبران و پیشوایان و رساله الانصاف در راه یافتن برآزیدن نام میبرد و میگوید که همه یا بیشتر اینها بروش خاندان پیامبر است چه هر چه جز آن باشد بیپوده خواهد بود. این رساله درج ۱ سال ۱۱۱۱ بمیان رسید.

۱۵

آغاز: بسمله . الحمد لله الواحد الاحد الفرد الصمد الذی لم یلد ولم یولد . . .  
فیقول محمد بن مرتضی المدعو بنور الدین .

انجام: لاتفرق بیننا و بینهم طرفه عین ابداء برحمتک یا ارحم الراحمین و بکرمک  
یا اکرم الاکرمین .

۲۰

[۶۸۵]

این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط نسخ خود نورالدین است که در ۱۱۱۴ آنرا  
از روی اصل نوشته و مقابلہ نمود گ ۲ ب - ۴ س ۳۰ - در ک ۱ الف دارد:  
للسید الامام فی مدح صدر المحققین: جاهت گرفته صدرا باج از گردون ، داد  
است بفضل توخراج افلاطون ، درمسند تحقیق نیامد چون تو، یکسر ز گریبان طبیعت  
بیرون .

۲۵



درگ ۱ الف - ۲ الف و ۵ الف - ۱۰ الف و ۱۱ ب - ۳۶ ب و ۳۵۷ ب - ۳۶۱ ب  
 خبرهائی است از علی و صادق و عیارتی در معنی قطب و سخنانی از شیخ بهائی و  
 افلاطون و کاشی در شرح منازل السائرین و فیض که (عمی الاستاد محمد بن مرتضی المدعو  
 به حسن) خواندش و از غزالی در احیاء و علم لدنی و شیخ اشراق و سید داماد و صدرا و حسن  
 بن عبدالرزاق لاهیجی و اخوان صفا و حدیثها و سخنان فلسفی و عرفانی و کلامی بایتنها  
 و عبارتہائی پیارسی و نیز سخنانی از خود نورالدین. همه اینها بخط تعلیق ریز و نسخ  
 و در برخی جاها مورب (س ۳۰) در پایان (گ ۳۶۱ ب) و درگ ۲ الف بخط همین نور  
 الدین نوشته که وقف اولاد است و مهر نورالدین محمد هم دارد.  
 شماره ۲ دفتر شرح حدیث کمیل و ۳ کتاب التفکر و ۴ المبدء و المعاد و ۵ الکلمات النوریہ  
 و ۶ الواردات القلبیہ است. این دفتر همانست که در منتخب التصانیف بدان اشاره نمود.

### [۵۵۷] منتخبات انوار الشریعہ (عربی)

گزیده ایست از انوار الشریعہ نگارش سید حیدر بن علی آملی که در نجف (مشهد  
 غروی) میزیسته است. در آن آشکار میگردد که ماهیات آفریده نیستند و از فصوص  
 شیخ اعظم و مقدمات شارح فصوص یاد میشود.

آغاز: بسمله و به نستعین. و من منتخبات انوار الشریعہ من افادات سید حیدر بن  
 علی آملی ساکن مشهد الغروی طاب ثراه. ما وقع الخلاف بین الانبیاء والرسل علیهم  
 السلام فی اصول الدین و ارکان الاسلام و ان وقع فی الفروع و الاحکام الجزئیة.  
 انجام: و لذلک خلقهم واللہ اعلم و احکم و السلام علی من اتبع الهدی.

[۶۸۶]

۱۰۸۸۲۰ این نسخه شماره ۱۳ دفتر است و بخط تعلیق گ ۳۷ ب - ۴۵ الف.

### [۵۵۸] نامه اندلسی بر رازی (عربی)

دانشمند عارف محیی الدین اندلسی (۵۶۰ - ۶۳۸) این نامه را بفیلسوف کلامی  
 فخر رازی (۵۴۴ - ۶۰۶) نوشته و در آن بر رازی، پندداد که از بحث و فکر بفرمان و  
 شهود گراید و از علوم رسمی مانند پزشکی و هندسه که در جهان مینوی بی هیچگونه  
 بیماری و اندازه و شماره سودمند نیستند در گذرد و میگوید که شنیدم تو روزی

می گریستی که سی سال در مسئله ای یقین داشتم و اکنون آشکار شد که درست نیست شاید این یکی هم مانند آن باشد. این نامه در کشکول شیخ بهائی (ص ۶-۳۵۳) تهران بسال (۱۳۲۱) بچاپ رسید.

[۶۸۷]

- این نسخه شماره ۲۸ دفتر و بخط تعلیق ص ۲۵۱ - ۲۵۲ و آغاز و انجام آن ۱۰۳۵ چنین است: «الحمد لله وسلامه على عباده ... وعلى ولي الله تعالى فخر الدين محمد ... اما بعد فاننا نحمد اليك الله الذي لا اله الا هو ... ويقول الله وتواصوا بالحق - الاذعان للحق والتسليم له ان لم يكن الايمان به. وهذا تمام الرسالة . والله ولي الكفاية» (۱) پس از این درس ۲۵۳-۲۵۵ بهمان خط گفتار شهرستانی در نهایة الاقدام برابر با ص ۵۰۵-۵۱۴ چاپ اکسفورد بسال ۱۹۳۴ در اینکه گوهر فرد هست نوشته شده (ش ۲۹).

[۵۵۹] نامه بهائی بهمدانی (عربی)

- نامه ای است از شیخ بهائی بمیرزا ابراهیم همدانی که در آن مینویسد چون بدیدار آرامگاه سهل بن علی رفتم از تب «محرقة» رهیدم و اموری ذوقی بر من آشکار گشت و آن را ارج مینهم و بسیار بآن آرامگاه معتقد شدم از میرزا ابراهیم میخواهد ۱۵ که همواره از وی یاد کند. در فهرست مجلس (۶۲۰/۲) از نامه شیخ بهائی بمیرزا ابراهیم همدانی نام برده شده و آغاز و انجام آن یاد نگردید.

- آغاز: سواد کتابی که حضرت ... شیخ الاسلام والمسلمین طاب ثراه شیخ بهاء الدین محمد العاملی که بحضرت زبدة السادات العظام میرزا ابراهیم رحمه الله نوشته اند: سلام اله علی سیدنا سلطان اعظم السادات المتالین وقدة افاحم الحکماء ۲۰ الراسخین... فقد تشرف المخلص الحقيقي بزيارة المزار القدسی الانوار.

انجام: وان يطهر قلوبنا من دنس التوجه الى ما سواه ... باطناً وظاهراً. حررت هذه ... يوم السبت ثامن شهر جمادی الاولى فی جوار الحضرة القدسية المشار الى نبذة

- ۱ - آغاز چاپی چنین است: بسملة الحمد لله وسلام على عباده الذين اصطفى وعلى ولي في الله فخر الدين محمد اعلى الله همته وافاض عليه بركاتة ورحمته وبعد فان الله يقول ۲۵ وتواصوا بالحق - انجام همان میباشد.

من آثار برکاتها وهي الحضرة المنسوبة الى سهل بن علي سلام من الرحمن نحو جنابه  
فان سلامي لا يليق ببابه .

[۶۸۸]

این نسخه شماره ۱ دفتر است و بخط تعلیق شکسته مورب در پشت برک پیش از «اشراق  
الحق» از روی خط شیخ بهائی نوشته شده است و محمدصادق حسینی بدان گواهی  
داد (۱ الف) شماره دوم این دفتر اشراق الحق من مطلع الصدق حسین بن حیدر بن  
قمر بن علی حسینی کرکی عاملی است که در پاسخ نامه ای که از شیراز آمده و پرسیده اند  
که آیا نام بردن (مهدی موعود) رواست؟ نوشته و آنرا روا دانست و در ۲۲ رمضان  
سال ۱۰۲۰ آنرا پایان رساند. در دنبال آن اجازه ایست از همو بمولانا نصیرالدین محمد  
در روایت همین رساله و بخط کرکی . ۱۰

[۵۶۰] نامه بهائی بهمدانی (عربی)

نامه ایست عرفانی از شیخ بهائی بنو اب میرزا ابراهیم همدانی که بیت‌های پیارسی  
در آن آورد .

آغاز: یا غایب عن عینی لا عن بالی ، القرب الیک منتهی آمالی .  
انجام : تا عزیز مصر ربانی شوی - وارهی از جسم و روحانی شوی . والسلام علیکم  
وعلی حالتی لدیکم و المنتسبین الیکم . تم . ۱۵

[۶۸۹]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۳۹ دفتر است و بخط تعلیق ص ۳۳۸-۳۳۹ .

[۵۶۱] نامه تبریزی بهمدانی (فارسی)

نامه ایست عرفانی که مولی عبدالباقی تبریزی بمیرزا ابراهیم همدانی نوشته است.  
آغاز: بحق بیت و بحق صاحب بیت و بحق دل شکسته و بحق آنکه دل دوستان  
را شکسته . ۲۰

انجام : بار دیگر ملازمت آنجناب را روزی مخلص خیر خواه گرداند بالنبی  
و آله الامجاد .



## [۶۹۰]

این نسخه شماره ۱۲ دفتر است و بخط تعلیق محمد مؤمن برای حاجی محمد شریف درشوال ۱۰۹۴ گ ۱۱۵ ب - ۱۱۷ الف . ۱۰۳۰

[۵۶۲]

نامه زردشت

(فارسی)

- این نامه که از «ابراهیم» !! زردشت دانسته شده بزبان پهلوی بوده و «زوره» نام دارد . انوشیروان از «اژر زوره» سپاهانی شاگرد بزرگمهر درخواست که آنرا پیارسی گزارش کند . او در دیباچه میگوید که نامم «اژر زوره» و از سپاهانم و از نژاد کیومرث و از ساسانیان و از اردشیر نیکو کار و شاگرد بزرگمهر میباشم . انوشیروان از من خواسته است که سخنان «ابراهیم» زردشت پیامبر ایران بنام «زوره» را که پهلوی بوده و او آنرا برای فروانروای هند فرستاده و شاه هندی باز آنرا برای انوشیروان فرستاده بود گزارش بنویسم .

این گفتار بروش اشراقی و آمیخته با آیین زردشتی است و برخی از واژه‌های این فلسفه مانند «اسفید» و جز آن در آن دیده میشود .

آغاز: بنام ایزد جان بخش روزی رسان چنین گوید «اژر زوره» .

- انجام : و بند دیو که فریب و نیرنگ او است از جان و دل برداشتن و آن مردار پلید را بجان و دل نگماشتن . ۱۵

## [۶۹۱]

این نسخه شماره ۲۰ دفتر است و بخط تعلیق حیدر کرکی نزدیک ۱۰۷۶ گ ۱۳۰ ب - ۱۴۱ الف . ۲۵۳

[۵۶۳]

نامه حسینی

۲۰ (فارسی)

این نامه از سید حسینی است که یکی از پیروان خویش نوشته و بدو در آن دستور سیر و سلوک میدهد .

آغاز: الحمد لله ... وصیت آنستکه در جمیع احوال حق جل و ذکرة را مطلع احوال و ناظر افعال داند .

انجام: دوازدهم ، در هر کجا که باشد این ضعیف را بدعای خیر یاد دارد .

[۶۹۲]

این نسخه شماره ۶ دفتر است و بخط تعلیق محمدعلی بسال ۱۳۰۱ گ ۸۰ الف - ۸۷۱ ب ۸۱ . دورباعی فارسی درهامش دیده میشود .

[۵۶۴] نامه عرفانی (عربی)

۵ نگارنده این نامه یادی از پراکندن صوفیان میکنند و نوشته است که تو آنرا گرد آوردی و مایه آسایش آنان شدی .

آغاز: هو . سلام علیکم من محب و داده . اذا اخلق الایام و داتجدا ... سلام علی -  
الجناب المنیع و المحل الرفیع العالم الربانی و العارف الفی دانی سیف الملة و الدین حجة الاسلام و المسلمین ... قدوة المجتهدین سلطان علماء الشریعة مالک ارباب الحقیقة

۱۰ بقية مشایخ الشرق ... علم الهدی شیخ الوری .  
انجام: و انسکبت من جفونه عبراته . بیکی دماویجن الما .

ایاربع احبالی و دار غرامی علیک و ان کان البعاد سلامی  
فمن مبلغ عنی الاحبة اننی خلعت اصططاری اذ لبست سقامی  
سلام علی تلك المنازل انها منازل احباب علی کرام

[۶۹۳]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۱۹ دفتر و بخط نسخ ص ۱۷۴ میباشد .

[۵۶۵] نامه عرفانی (فارسی)

در این نامه عرفانی از نظر علیشاه و حسینعلی شاه یاد میشود .

آغاز: بسم الله ره نور ان طریق فقر و غنا و جرعه نوشان رحیق ثبات و بقا .

۲۰ انجام: و هر که در مقام مخالفت نشست ابواب فیوضات را بر چهره خود بست  
باقی و السلام علی من اتبع الهدی

[۶۹۴]

۸۶۴ این نسخه بخط تعلیق است و در گ ۱۷۳ الف - ۷۴ ب این دفتر میباشد .

[۵۶۶] نامه غزالی (فارسی)

- یکی از شاگردان غزالی پس از سالها آموختن از وی پرسید کدام دانش سودمند است. استاد در پاسخش نامه‌ای نوشت و دانش سودمند را بدو گفت که کدام است. این شاگرد گفته که گرچه در نوشته‌های خویش مانند کیمیا و احیاء و جواهر القرآن و اربعین و منهاج آنرا روشن کردید مگر اینکه می‌خواهم <sup>۱</sup> «يا كافر يا كاذب» از شما داشته باشم و پیوسته آنرا بخوانم. غزالی در این نامه از روایت‌های شیعی نیز آورد. آغاز: بسم الله و به نستعين. بدانکه از جمله شاگردان و تلمیذان خواجه ... محمد غزالی ... بعد از آنکه در خدمت وی سالها درس خوانده بود ... پس خواجه امام ... این فصل بنوشته «بسم الله». ای فرزند عزیز وای دوست مخلص... که منشور نصیحتها از حضرت محمد ... نویسد.

- ۱۰ انجام: و اما دعائی که خواسته در صحاح بسیار آمده است ... و همچنین در طریق اهل بیت ... دعاهاى نیکو بسیار است از آنجائیکه طلب میکن و این علی‌الدوام میخوان علی‌الخصوص در عقب نمازها. الدعاء: «اللهم اسئلك من النعمة تمامها ومن العصمة دوامها... واعتق رقابنا... عن النار يا عزيز يا كريم... يا حليم يا جبار برحمتك يا رب».

۱۵

## [۶۹۵]

این نسخه شماره ۱۳ دفتر است و بخط نسخ با عبارات تازی بشنگرف ک ۸۷ پ

۸۸۱ - ۷۹ الف.

- پس از این در ۹۸ الف - ۱۰۰ پ سخنانی است فلسفی و عرفانی چنانکه در ۹۸ پ از دفع الاحزان کندی نوشته شده و همه اینها بخط شکسته تعلیق و مورب است از ۱۰۱ پ تا ۱۰۹ الف و رباعیهای خیام است و حکامه‌های دیگران و ۱۱۰ پ و ۱۱۱ جدول عرض و طول شهرها از روی زیج جدید و جدول ظل و میل اول و ۱۱۴-۱۱۷ پ گفتگوی خدا است با پیامبر در معراج (بخط نسخ بتاریخ ۱۰۱۴ در باغ قایدحسن) و ۱۱۸ الف - ۱۲۲ پ سخنان پراکنده است مانند داستان هرمس از تاریخ حکما و پند پلاتون بارسطو از کشکول بخط شکسته تعلیق مورب.

۲۵

[۵۶۷] نزهة الأرواح (فارسی)

نگارنده این رساله دانشمند عارف فخر السادات امیر حسین بن حسین بن عالم



بن الحسین سادات هر وی کزیوی غوری (نزدیک ۶۸۱-۷۲۳ درهرات) بمولتان رفته  
ورکن الدین ابوالفتح پسر و پیرو شیخ بهاء الدین زکریاء مولتانی اورا پیرورد. وی  
زاد المسافین و کنز الرموز بنظم و روح الارواح و صراط المستقیم و نزہة الارواح بنشر  
دارد و دیوان شعر. او ۱۷ پرسش از شبستری کرد و پاسخ وی بدستور بهاء الدین  
یعقوب تبریزی بسال ۷۱۷ در گلشن راز داده شد (۱).

#### ۱ - (نجات جامی ص ۵۴۵ - ش ۶۶۶ مجلس - ش ۹۵۵ طوس).

این رساله مادر ۲۸ مقاله است. بدینگونه: «مبدء سلوک - معرفت سلوک - مقامات  
سالک - نصیحت سالک - بدو خلقت - وحدت - تجرید سالک - قاعده طریقت -  
کمال استغناء - آغاز فطرت - اختلاف حالات - بیان دل - تصفیه دل - دیباچه  
عشق - حقایق عشق - حیرت عشق - بیان نفس - مخاطبت نفس - معاملات - اجتهاد  
- صحبت و متابعت - ترک خلق - صبر و تسلیم - کشف معانی - ارشاد و انبیا - اشارت  
اهل طریقت - نهایت این طریق - ختم کتاب».

در باب ۲۸ دارد: «چنین گوید... فقیر حقیر حسینی بن ابی الحسن الحسینی ره که این  
عرایس ابکار یعنی افکار بر منصات خدای خاطر و مقصورات خیام ضمیر این ضعیف اند...  
در شهر سنه احدى و عشرين و سبع مائة مشاطة نشاط فکر... مفرح و موشح ساخت»  
(گ ۸۰ ب - ۸۱ الف) پس سال نگارش نزهه ۷۲۱ می باشد. در این رساله سخنانی از  
عارفان و پاکان و بیتها پیارسی و تازی و آیه ها آمده و بسیار شیوا است و در آن یاد می  
شود از: پیرهرات - شبلی - بایزید - احمد غزالی (۱۶ ب) - شیخ لقمان سرخسی که  
با ابوالفضل گفتگو دارد - سنائی - کاسه سری تهی و نگون افتاده که آنرا دیده و  
نوشته عبری آنرا خواند (۱۲۷ الف) - مالک دینار - سری - حسین - سهل بن عبدالله  
شوشتری - جنید - ابوتراب نخشبی - شیخ ابوسمید - در جائیکه از استدلالیان نکوهش  
میکند از مختلف و تمهید و هدایه و جامع صغیر نام میبرد (۶۵ الف). باز میگوید که به  
زمین هند رسیدم (۳۱ ب) نیز میگوید: «ای شب گرد بدروز عمرت بچهل رسیده» (۷۹ ب)  
پس کزیوی در سال ۷۲۱ چهل سال داشت و بایستی نزدیک بسال ۶۸۱ زاده شده باشد  
و سخن جامی که مرگش را در ۱۶ شوال ۷۱۸ دانست یا دیگران که ۷۱۷ و ۷۱۹ گفته اند  
درست نیست. دو نسخه از این درموزه بریتانیا هست. مانادر آنها سال نگارش نزهه  
۷۱۱ نوشته شده.

(ج ۱ ص ۴۰ الف Or1229 - ج ۲ ص ۸۶۱ الف Add.26,292I)

آغاز: بتوفیقش چوروشن دیدم آواز - سخن راهم بنامش کردم آغاز .  
 سپاس بیقیاس و منتهای بی منتها ملکی را که ملکش بی انباز است و درگاه  
 لطفش درگاه بیگناه بردر بستگان اوباز است .

انجام: از -- مال ایشان خیر میدهد محفوظ مانند انشاءالله تعالی والله اعلم

۵

بالصواب .

در کتابخانه‌های بنگال و بهار نسخه‌هایی از نزهة الارواح و شرح آن از عبد-  
 الواحد ابراهیم حسینی بلگرامی که در ۹۸۵ بیابان رسانده است هست (فهرست  
 بنگال ش ۴۲۱ و ۱۱۸۸ ص ۵۶۸ و ۵۶۹ و ش ۱۱۹۱ ص ۵۶۹ - فهرست بهارش ۲-۱۷۱  
 ص ۳-۱۳۲ .

۱

[۶۹۶]

این نسخه شماره ۱۰ دفتری است دارای ۲ رساله و بخط تعلیق زیبا باعنوانهای  
 ۱۲۰ شنگرف که دومین آنرا محمدعلی تفرشی در سن ۱۲۸۷ رمضان  
 در مدرسه فصیحیه نوشته است گ ۱ - ۸۱ ب .  
 (همه دفتر ۱۱۰) - کاغذ فرنگی - جلد میشن تریاک ۳ و بوته دار ضربی متوالی  
 اندازه: ۱۴×۲۱ و ۱۴×۱۳ و ۱۴×۱۳

۵

[۶۹۷]

این نسخه شماره ۱۰ دفتر و بخط شکسته تعلیق مورب باعنوانها و نشانه‌های  
 ۱۰۳۸ شنگرف میباشد . گ ۱۰ - ۱۸ ب و چنین است: «نزهة الارواح . فصل یانزدهم  
 در حقایق عشق من نزهة الارواح . زهی عشق که هر که با او چون تیر راست  
 نشد هرگز درشت او نیامد . و هر که چون تو ز بی خود پوشیده نداشت کمان او نکشید .  
 تمثیل : آتشی در بیخ نی افتاده بود و میسوخت . نی گفت این آتش چو کرده‌ام که مرا  
 می سوزی؟ گفت دعوی بی معنی کرده میگوئی «نیم» و همچنان در بند خود مانده و شب و روز  
 با برگ خود میسازد . لم تقولون مالا تفعلون؟ والله اعلم» «برابر باب حقیقت پوشیده  
 نماند که این بنده را چون ماده آتمقدار قابل نبود که ادراک این گفتگوها تواند کرد  
 ۲۵ اگر سهوی شده باشد بر این کمترین نگرفته در اصلاح کوشند و در پرده درسر عیبهای  
 این فقیر پوشند . در تاریخ سنه ۱۰۵۵ حسب الامر موده خدام خجسته اطواری مخدوم نیکو سیرت  
 درویش صورت کهنه الحاج حاجی محمد باقر صاحب سلمه الله تعالی باعث وضع این

صحایف شد. اقل الخلیقه بل لاشئ فی الحقیقه محمد الدرویش  
پس محمد درویش بدستور حاجی محمد باقر صاحب بسال ۱۰۵۵ نسخه مارا که ۵ مقاله  
نزهة الارواح کزیوی است نوشت. این نسخه دارای مقاله ۱۵ و ۱۴ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۶ است  
و آمیختگی و افزوده دارد و کهن تر از ش ۱۲۰/۱ میباشد.

[۵۶۸] ۵ **الفصوص فی تحقیق الطور والمخصوص** (عربی)

دانشمند قونوی در این رساله که (مفتاح الفصوص) نیز خوانده شده مسئله های  
بازیگ عرفان را بالاستدلال بیامیخت و هر بندی را عنوان نص داده است و آن در ایران  
دنبال شرح منازل السائرین کاشانی بسال ۱۳۱۵ ص ۲۷۴ - ۳۹۹ و با تمهید القواعد  
ص ۱۸۲ - ۲۱۶ در همین سال بچاپ رسید.

[۶۹۸]

این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط نسخ خوش با عنوانهای شنگرف و ۲۱ نص می  
باشد و شماره های نص در هاشم دیده میشود و حاشیه هایی بنسخ دارد. گ ۱  
ب - ۱۶ ب.

[۵۶۹] **نهایة البیان فی درایة الزمان** (عربی)

۱۵ امام داود بن محمد قیصری (۷۵۱) این رساله را درباره زمان و بود و همیشه  
آن در چهار فصل ساخته و بروش عرفانی و فاسفی در آن گفتگو نمود. او از ارسطو  
و شفا و ابوالرکات بغدادی و خواجه طوسی و نگارنده صحائف و فتوحات و فصوص  
اندلسی یاد میکند و این بیت سنائی « باوجودت ازل پریر آید بلکه آمد اگر چه  
دیر آید » را آورد. در فصل ۲ آن از گفتار شیخ در نجات درباره رستاخیز دیده می  
شود. در پایان فصل ۱ میگوید: « در مقدمات شرح فصوص گفته ایم » باز در پایان رساله  
۲۰ بشرح فصوص باز گشت میدهد.

[۶۹۹]

این نسخه شماره ۵ دفتر و بخط تعلیق تازه گ ۲۵ ب - ۳۴ الف میباشد در عنوان،  
آن از صدر الحکماء و المتألهین دانسته شد و چنین نیست. ایست آغاز و انجام  
آن: « بسم الله . سميتها نهایة البیان فی درایة الزمان وجعلتها اربعة فصول ... »

۱۰۸۸

۲۵



الاول في ماهية الزمان وحقيقته . الثاني في وجوده وكونه ازليا وابديا . . . الثالث في انقسامه الى الان والساعة واليوم وغير ذلك . الرابع في بيان ايام الكبار الالهية والربانية والصغار الكونية - وههنا اسرار اخر لا يحتمل المقام بيانها ولا الافهام اعلانها . والله اعلم بحقائق الامور .»

[۵۷۰] نیایش (عربی) ۵

این نیایش از حلاج عارف دانسته شد .

آشما: مناجات منسوب بحسین منصور حلاج . . . انت ام انا هذا العين في العين - حاشای حاشای عن اثبات اثبتین ... الهی انت المتجلی لی من کل جهة .  
انجام : فلك الحمد فيما تفعل ولك الشكر فيما تريد .

[۷۰۰] ۱۰

این نسخه شماره ۳ دفتر است و بخط شکسته تعلیق ۴۳ الف در ۱۱ سطر  
۸۷۶ (۶×۱۴) در پایان آن حدیث «الان الله في ايام دهر کم نفعات من رحمته الا فتعرضوا لها» دارد .

[۵۷۱-۵۷۵] نیایش (عربی)

- ۱۵ خزر جی در فهرست نگار شهای شیخ که از گفته جوزجانی آورده است از «خطب» یاد نمود (ج ۲ ص ۵) و در فهرستی که برپایان «سرگذشت» افزود، اندو آن را هم او آورد از «الخطب التوحیدیه فی الالهیات» و «خطب و تمجیدات و اسجاع» یاد گردید (ص ۱۹) چنین برمی آید که شیخ رئیس در نیایش خداوند سخنانی ساخته و همانها مایه این شد که دشمنان بهانه کنند و او را بددین خوانند که چرا در برابر قرآن سخنانی در ستایش خدای گفت و او هم ناگزیر شد که «رسالة الی ابی عید الجوزجانی فی الانتفاء عما نسب الیه من معارضة القرآن» (۱) یا «جواب يتضمن الاعتذار فيما نسب الیه من الخطب» (۲) بنویسد. از این پاسخ که شیخ بدشمنان داده چنانکه در قنواتی (ش ۲۰۴ و ۲۵۷) دیده میشود پیداست که جوزجانی شاگرد و همدم هنگام زندگی

۱- بنگرید به : بیهقی ص ۱۸۹ .

۲- نگاه به : خزر جی ج ۲ ص ۱۹ که این را بیدرنک پس از «خطب و تمجیدات و اسجاع» یاد کرد. بگواهی قنواتی آنچه در بیهقی و خزر جی آمده یکی هستند .

ومرك (۱) او درباره شفا و معارضه اینکه گفته اند باقران کرده است نامه ای با استاد نوشته و شیخ بدو پاسخ داد. از اینگونه نیایش و ستایش سه تا بنام «الخطبة الغراء - الدعاء - الورد لاعظم» در قنواتی (ش ۲۲۰-۲۲۲-۲۴۴) دیده میشود و پنج نیایش دیگر در این کتابخانه است.

- ۵ - ۱ - درستایش خدا و اینکه او از روی خرد و دانائی جهان را بیافرید.
- آغاز: سبحانك الملك الجبار، الاله القهار، لاتدرکه الابصار، ولا یمثله الافکار، لاجوهر تقبله الاضداد، فتغیر.
- انجام: نسألك التوفیق والعصمة، والتنبیه عن (من) الغلّة، وافاضة الهدایه، و كشف الشبهه. انك ولى ذلك (والقادر علیه). تمت الكلمة الالهية - قنواتی (و مبداءه، واوله و آخره.

[۷۰۱]

- ۱۰۴۶ متن تازی این نیایش ش ۲۲ گ ۹۶ الف و ب و ترجمه پارسی خیام بدرخواست دوستان او در سپاهان بسال ۴۷۲ ش ۲۳ گ ۹۶ ب - ۹۸ الف ایندفتر است و نسخه ای از این پارسی در جنگ ش ۲۹۱۶ سپهسالار ص ۱۱ آمده است (خیام در اینجا ۱۵ این و متی را یکجائی و کبیئت ترجمه کرد) بنگرید به ص ۱۳۴ ج ۱ اینقهرست. قنواتی این نیایش را بنام «الكلمة الالهية فی ذات الله وصفاته» درس ۱۹۴ آورده و نسخه نزدیک ۷۰۰ برلین را شناساند و درس ۱۷۷ بنام «خطبة التمجید - الخطبة الالهية - الخطبة التوحیدیه» با آن دک جدائی چندین نسخه دیگر آنرا شناساند.
- ۲ - نیایشی است فیلسوفانه از خدای.

- ۲۰ آغاز: مناجات للمشیخ الرئيس ابی علی بن سینا رحمه الله - اللهم! لما كان الوجود لذاتك واجب؛ كان الامكان لوجود ذات غيرك، ضربة لازب.
- انجام: والطالب يا الله المشارق والمغارب.

- ۳ - نیایشی است مانند دومی.
- آغاز: ایضا مناجات للمشیخ الرئيس روح الله روحه - الهی واله الموجودات و

- ۲۵ ۱ - جوزجانی در همدان بسال ۴۳۸ در گذشت و نزد استاد بخاک سپرده شد (الکئی والالقب قمی ج ۱ ص ۳۱۲).

المحسوسات ! يا واهب النفوس والعقول  
انجام : واليك الجود والبقاء . فسمحان الذي بيده ملكوت كلشيئ ، واليه  
ترجعون .

[۷۰۲-۷۰۳]

- این دو نسخه شماره ۴ و ۳ دفتر و بخط نسخ میباشد گ ۴ الف. دومین در طوس  
دوشنبه ۱۸ ذی قعدة ۱۲۸۳ نوشته شد .

۸۶۱

- ۴ - در این نیایش شیخ بخدا باز میگردد و بدو میگوید که من پیرو محمدم  
ومی پذیرم که میکساری ناروا است مگر اینکه سر نوشت چنین است و سرشت مردمی  
چنین میخواهد که بدو بهانه آنرا بنوشم یکی اینکه چون در شهرهای ناسازگار  
و باخیز هستم ناگزیرم خود را با آن درمان کنم دیگر آنکه تو در کتاب خویش گفته ای  
« ومنافع للناس » و من میخواهم دریابم که تو راست گفته ای و بدان گواهی دهم .  
آغاز : بسمله و به نستعين . اللهم لا شريك لك فارجو . ولا وزير ، فارسو .  
انجام : وادخلني في زمرة المقربين ، مقربا من القدس الاعظم ، مبعدا عن حضيض  
الجهنم ، لانك انت العزيز الاكرم - تم الدعاء

[۷۰۴]

۱۵

این نسخه شماره ۸ دفتر و بخط نسخ تاریخ ۴ ذی حجه سال ۱۲۸۳ گ ۵۶ ب  
میباشد این گفتار در نسخه ما و نسخه ش ۶۶۶ طوس (ج ۴ ص ۱۳۳) بنام «دعاء  
القدیس» یاد گردید . در ش ۹۷۰ طوس از «عاء العریش» و دو مناجات از شیخ

۸۶۱

یاد شد .

- ۵ - نیایشی است که شیخ برای آسان شدن مسئله دشواری از ستاره (عطارد)  
کرده و در سه بیت است : \* نقل بعض الافاضل بالسند عن بعض قال انشده ابیات لابن  
سینا و ذکر انه من انشدها و هو ينظر الى كوكب عطارد و يتقدم سبع خطوات و تكرر  
الانشاد سبع مرات و هو يريد معرفة مسألة اشكلت عليه فانها تيسر : عطارد قد والله  
طال ترصدي - مساوصيا حاكيا اراك فاغتما - فما انا فامددني قوی ادرك المنى - بها  
والعلوم الغامضات تكرما - بها افاحجی بالخیر والسعد كله - يا مریك خالق الارض  
والسما .

۲۵



[۷۰۵]

این نسخه در ص ۲۷۱ دفتر و بخط تعلیق و نسخ میباشد در ص ۲۶۷ آن نیز دو بیت از این سینه است بنسخ: «صانوا جمالك بالتبرقع ضلة - واری السفور لحسن وجهك اصوانا - كالشمس يمتنع اجتلاءك نورها - واذا اکتسی برقیق غیم امکنا».

[۵۷۶] ۵

فیاضی (فارسی)

میرزا ابراهیم همدانی در این نیایش عرفانی درشش بند از: «راز و نیاز - دانش و عشق - سرگذشت شاه - فروتنی - چگونگی گیتی - خاموشی» گفتگو نمود.

آغاز: هو. بسمله. مناجات بناریق السئوال لمیرزا ابراهیم الهمدانی رحمه الله. الهی ثیوبات غیبی را منبضع بانوار مختلفه آثار و احکام پیرا ساخته اند.

۱۰

انجام: و مصنف این رساله را از جمله پرگویان مشمار. لمصنقه: یارب ز سخن خموشیم ده. توفیق سپرده پوشم ده. سر در جیب فراموشی کش. یا دردامن خاموشی کش. تمت فی شهر ثلث ومائة بعد الف.

[۷۰۶]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۳۸ دفتر ص ۳۳۷ و ۳۳۷ و ۳۳۸ میباشد.

[۵۷۷] ۱۵

وجود (رمز الهی) (فارسی)

در این نامه شیوای پارسی عرفانی که ریخته خامه میرسید شریف گرگانی است از هستی آفریدگار و آفریدگان برأی فیلسوفان و صوفیان گفتگو شده چند رباعی پارسی و چند بیتی از مثنوی مولوی و شعری از سجاد ع و سخنی از امیرمؤمنان علی ع آمده است. این نامه در چاپخانه رنگین تهران بسال ۱۳۲۱ بنام رساله الوجود بچاپ رسید.

۲۰

آغاز: بسمله. بدان وفقك الله وایانا که اصحاب بحث و نظر از برای بیان مراتب موجودات در موجودیت تمثیلی کرده اند.

انجام: و کفر هیچیک لازم نیاید. والسلام.

[۷۰۷]

این نسخه شماره ۱۶، دفتر است و بخط تعلیق گ ۹۴ الف - ۹۶ ب بنام رساله مراتب موجودات .

۸۹۰

[۷۰۸]

- این نسخه شماره ۱۰، دفتر است و بخط تعلیق شکسته و گاهی بی نقطه از آقا جعفر لاهیجانی گیلانی که در لاهیجان زاده و در همانجا درگذشت و شاگرد آقا احمد مازندرانی بیدآبادتشین بوده است . این دفتر از آن خود نویسنده بوده سپس حاج محمد زمان خراسانی پسر کلبعلی آنرا داشت و بخط خود در تهران بسال ۱۲۸۲ در پایان این نامه نوشت . گ ۱۲۷ الف - ۳۰ الف . پایان چنین است : « اگر آفتاب بر امور خسیسه نتافتی ... ناقص بودی » برابر با ۱۵ ص ۲۲ چاپی و دو صفحه کم دارد .

[۷۰۹]

این نسخه شماره ۴۰، دفتر است و بخط تعلیق تاریخ شعبان سال ۱۱۰۴ در روستای فیضآباد حبیب ص ۳۴۶-۳۴۸ .

۱۰۳۵

[۵۷۸] (الوجود) (وهو اللفی) (عربی)

- دانشمند شمسای گیلانی در این رساله از مضمونی گفتگو نمود و در آن شبهه این کمونه را رد کرد (گ ۱۱۲) .

آغاز: الحمد لله الذی جعلنا بتصحیح اعتقاد تنافی اصول الدیانات وفروعها من اهل الشفاء والنجاه ... فبقول محمد الشهبز بسم الله الجیلانی ... هذه رسالة ملكوتية فی تحقیق معنی الوجود وفروعه ولواحقه .

- انجام : فظهر انهما تمسک بالمرجوح وترک الراجح . وفيه رهز . فتدبر ومن الخطاء فاحذر . تم .

[۷۱۰]

این نسخه شماره ۶، دفتر است و بخط تعلیق باحاشیه های (منه دام ظلّه) گ ۱۱۰ الف - ۱۲۲ ب نسخه ای در طوس (ش ۷۱۹) هست که انجام آن چنین است : « لکن فی ترکیهما التأسیس رمز » و تاریخ آن ۱۰۹۵ میباشد .

۹۲۶

۲۵

[۵۷۹] (وجود مطلق) (وهو اللفی) (فارسی)

این گفتار عرفانی که از وجود مطلق در آن گفتگو میشود نگارش سید علی

همدانی عارف (۷۱۳-۷۸۶) میباشد.

آغاز: بسملة الحمد لله... بدانکه نزد اهل کشف و شهود وجود = الحق یکی بیش نیست و آن وجود مطلق حق است.  
انجام: صفات ذات شمرند و باقی صفات فعل والله اعلم باسرار صفاته.

[۷۱۱]

۵

این نسخه شماره ۴۵ دفتر است و بخط تعلیق در گ ۱۷۲ ب و در آغاز دارد :  
۱۰۱۵ «بسمله... حضرت امیرسید علی همدانی فرماید... ای عزیز بدانکه نزد اهل کشف و شهود وجود مطلق یکی است» و در پایان: «باقی صفات فعل والله اعلم باسرار صفاته والحمد لله وحده والسلام علی من اتبع الهدی» - در اینجا خط و مهر خریدار نسخه ۱۰ «محمد ابراهیم بن زین العابدین نصیری» دیده میشود.

[۷۱۲]

این نسخه شماره ۱۶ دفتر و بخط تعلیق تساریخ ۱۱۹۸ است گ ۵۱ الف -  
۱۰۸۸ ۵۲ الف و پس از این سخنی از افلاطون درباره توحید و عوالم و عالم مثال (۵۲ ب ۵۳ الف) و از ارسطو (از شهرستانی) (۵۳ ب - ۵۴ الف) و از حواشی قصص فارابی در اینکه از «وجه» «ذات» را میخواهند آمده است (۵۴).

(عربی)

وجود واجب

[۵۸۰]

این گفتار از شمسای گیلانی است که در آن از هستی خداوند سخن رانده سستی شبهه ابن کمونه را آشکار بداشت.

آغاز: قد ثبت بالبراهین العقلیه ان الحقیقة الوجوبیه موجودة فی الخارج وهی علة العلل. ۲۰

انجام: ومن فاز وتشرف بفهم جمیع ما ذکرنا... یصیر عنده شبهة ابن کمونة المشهورة بالاشکال فی نهاية الاضمحلال واوهن الجدل واضعف القیل والقال. س. س. دام ظله.

[۷۱۳]

این نسخه شماره ۱۲ دفتر است و بخط تعلیق روزگار شمسای ۱۵۱ الف - ۱۵۲ الف. نشانه‌های نسخه می‌رساند که این گفتار نیز از آن دانشمند میباشد.

۹۲۶۲۵



[۵۸۱]

وجود الوجود

(عربی)

در این گفتار که از عبدالرحمن جامی (۸۱۷ - ۸۹۸) دانسته شده نخست روشن میگردد که هستی هست سپس بخورده گیرها که شده پاسخ داده میشود آنگاه رشته سخن به بود کلی طبیعی در خارج میکشد و گفته شارح مطالع (۷۷۶م) بمیان میآید. در پاسخ این دشواری که اگر کلی باشد باید در چندین جای یافت شود و بساختهای گوناگون در آید چنین گفته شده که تنها طبیعت میتواند چنین باشد و دشوار و ناروا هم نیست.

آغاز: بسمله وبه نستعين الوجود ای ما بانضمامه یترتب علیه آثارها المختصة بهاموجود. فانه لولم یکن موجود الم یوجد شیئی اصلا والتالی باطل فالمقدم مثله. انجام: لا ننقل المنع حیث انی انحصار الوجود الواحد فی کونه قائما بکل واحد منهما و کونه قائما بالمجموع فلا یجدی نفعا.

[۸۱۴]

این نسخه شماره ۴ دفتر است و بخط تعلیق شکسته شهاب الدین دیباجی نزدیک ۱۰۳۵  
۱۱۰۰ ص ۹۳-۹۴ - در طوس سه نسخه از این هست (ش ۷۱۶-۷۱۷-۷۱۸)

[۵۸۲]

وحدة الوجود (مقاله فی ...)

(عربی)

دانشمند خفری در این گفتار از وحدت وجود و اینکه هستی خداست و بس و آفریدگان پرتو او و وابسته بدویند و از اصالت وجود و اصالت عقل و علیت هستی برای تشخیص و تفرد و عینیت دانائی خدا که بنیاد سخنان صوفیان است سخن راند

[۷۱۵]

این نسخه شماره ۶ دفتر است و بخط تعلیق ریز گ ۱۲۲ ب - ۱۲۳ ب - چنین ۲۰  
۱۰۷۴ است آغاز و انجام آن: «تتمة من کلام الفاضل الخفري رحمة الله عليه، لقوله مدار کلام الصوفية على خمسة احرف احدها ان الوجود الحقيقي الذي هو امر واحد باعتبار منشأ لظهور جميع الممكنات - فهذا حکم الممكنات بالنسبة الى الوجود الحقيقي. والله اعلم بالصواب واليه المرجع والمآب».

[۵۸۳]

وحدة الوجود

(عربی)

شیخ حسین بن ابراهیم تنکابنی (زنده در ۱۱۰۴) در این رساله از وحدت وجود

سخن راند و صرف هستی را یکی دانست نه اینکه مانند برخی از عارفان همه هستی را موهوم بداند. او میان وحدت وجود و کثرت تجلیات سازگاری داد.

آغاز: بحمد الله الذی هو نور سموات العقول والنفوس وظهور ارض الاجرام واعراضها المحسوس... فیقول... شیخ حسین بن ابراهیم التنکابنی... قد اختلج فی خاطری ان اکتب شیئاً فی باب وحدة الوجود مع کثره تجلیاته وتشعب نزولاته.

انجام: فهو هائم فی تبه الحیرة، ولم یکن من الموحدين بالحقیقة. والله اعلم بحقائق الامور. وهو ولی دار السرور، والمنقذ عن اسر بالاد الغرور.

[۷۱۶]

این نسخه شماره ۳ دفتر است و بخط شکسته تعلیق شهاب الدین دیباجی نزدیک ۱۰۳۵۱۰ ۱۱۰۴ ص ۹۰-۹۳ و چنین است عنوان آن: «رساله وحدت وجود شیخ العارفین شیخ حسینا سلمه الله» در طوس دو نسخه از این هست ش ۷۲۴ و ۷۲۵.

(فارسی)

هر بنش (نامه دد)

[۵۸۴]

در این نامه که بساخت پرسش و پاسخ است و پرسنده آن مچپه (Munkshu) و پاسخ دهنده آن بیشنباین Vaisampayana می باشد ۲۵ افسانه هندی آمده و نامهای هندی بسیاری در آن دیده میشود و یکی از نمونه های فرهنگ هندو است که ۱۵ پیارسی کرده اند. این نامه هر بنش Harivamsa را که از گفتار بیاس Vyasa و بیشنباین شاگرد او میباشد بامهار بهاراته Mahābārata و رامایانه Rāmāyana اکبر شاه هندی (۹۶۳ - ۱۰۱۴) دستور داده بود که پیارسی در آورند. در آغاز آن پس از ستایش ناراین Nārāyana و نر (Nara) و سرستی Sarasvati و بیاس (۱) استاد نگارنده نامه و دارای کردارهای شگفت انگیز فراوان، از افسانه های دیگر هندی یاد میشود و نوشته است که هر کس نامه هر بنش را بشنود یا بخواند و یا بنویسد و یا نوشته دیگری دهد در رستخیز بیدار آفریدگار بر خوردار خواهد شد. فهرست ۲۵ افسانه در پایان نامه مایده میشود.

۱ - بنگرید به: فهرست فارسیهای موزه بریتانیا ج ۱ ص ۳۳۰ a ش Add5559

۲۵ فهرست نامهای هندی کتاب الهند بیرونی.

- آغاز: به جان خویش بگویم که ذره بی نور - اگر طریقت دیدار آفتاب نداری  
 کتاب هر بنس ال هند ، بدانکه این کتابیست هر بنس نام از گفتار بیاس و بی سنباین نام  
 شاگرد او میخواند که پیش راجه ممچه بخواند ... میگوید که سجده میکنم نار این  
 را بعد از آن ... نر را ... بعد از آن سجده سرستی را ... بعد از آن ... بیاس را.  
 انجام: تمام شد داستان ترپرداد (Trivrit) یعنی سوختن سه شهر دتیان . ۵

[۷۱۷]

- این نسخه بخط نسخ باعنوانهای شگرف میباشد و در پایان دارد «تمت کتاب  
 ۳۴۲ هر بنس از گفته بیاس . کتبه من یداحقر العباد هاشم منجم در سنه ۱۲۸۵»  
 فهرست داستانها در سه صفحه پایان دفتر نوشته شده. این نسخه از روی نسخه  
 آستانه طوس که از هند برای صفویان آمده و نادرشاه (۱۱۴۸ - ۱۱۶۰) آنرا گرفته ۱۰  
 وقف کرده بود نوشته شده است جای تصویر و پیکره درگ الف سفید میباشد .  
 (۴۱۷۰) - کاغذ فرنگی - جلد قیماچ سرخ ضری  
 اندازه : ۲۷×۱۷ و ۱۹×۱۰ ش ۴۱



کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران  
library.ut.ac.ir

# گفتار چهارم کلام

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران  
library.ut.ac.ir

[۵۸۵]

## آب حیات گیتی

(فارسی)

شریعتمدار حاج ملا محمد جعفر بن ملا سیف الدین استرآبادی که در تهران میزیست و در همانجا بسال ۱۲۶۳ در گذشت و در نجف بخاک سپرده شد این کتاب را بروش شیعی در کلام نوشت. او «آب حیات» کوچکی هم دارد در پنج اصل دین که یکی از شاگردانش آنرا در ۱۱۶ بیت بنظم در آورد و در ۱۲۹۶ با برخی از رساله های عملی بچاپ رسید.

آغاز: بسم الله . الحمد لله الواجب الوجود بالذات . اما بعد چنین میگوید خادم بساتین جعفری ... محمد جعفر استرآبادی .  
انجام : و شقی شقی در شکم مادر بود و الله العالم وله الحمد الدائم والصلوة والسلام  
۱۰ علی محمد واله القائم .

[۷۱۸]

این نسخه شماره ۱ دفتر است دارای چهار رساله و بخط شکسته تعلیق و عبارت های تازی و عنوانها بنسخ درشت از علی اکبر پسر عبدالعلی کرمانی در ۱۸۷۲ سال ۱۲۶۸ در کرمان که برای خود نوشته است گ ۱ - ۳۲ .  
۱۵ (همه دفتر ۲۴۰) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج مشکی ضربی مقوایی  
اندازه : ۲۱۵ × ۱۵ و ۱۶ × ۱۰ س ۳۱ تا ۴۷ ط

[۵۸۶]

## اثبات امامت

(فارسی)

در این گفتار از امامت بروش شیعی گفتگو میشود .

[۷۱۹]

این نسخه بخط تعلیق با نشانه های شگرف و عنوانها بشکسته در هاشم میباشد ۲۰  
۱۰۶۵ و نشانه «بلاغ» دارد. از آغاز و انجام آنچه که هست اینست : «مردمان بر اتباع یزید پلید و عدم خلع او تحریر و ترغیب مینمود - خاتمه الرساله ... چنانکه یزید پلید نزدستیان خلیفه بحق بوده» دو برگ نخستین وصال شده و اندکی از سطرها خوانده نمی شود .

۲۵ (۴۰۲) - کاغذ سیاهانی موریا له خورده - جلد تازه مشکی  
اندازه : ۱۵ × ۳۳ و ۹ × ۱۷ س ۱۶



# [۵۸۷] اثبات التکلم لله و تفسیر الکلام النفسی (عربی)

دانشمند دوانی در این گفتار از سخن خدای و کلام نفسی بحث میکند .  
آغاز: بسم الله . المبحث الاول فی اثبات کونه متکلماً و تفسیر الکلام النفسی  
الذی اثبتوه .

- انجام : ولاشک ان الخبر الکاذب لو کان من افراده الممكنة بهذا المعنی لم  
يصح کون جميع اخباره صادقة . والله اعلم . تمت .

[۷۲۰]

این نسخه شماره ۱۳ دفتر است و بخط تعلیق ریز علی بن مسافر قاضی بسال  
۱۰۲۱ ۹۳۹ می باشد .

# [۵۸۸] اثبات حدیث من گفت مولاه (رساله ...) (عربی)

در این رساله سندهای مسلسل این حدیث که یکی از دلیلهای شیعیان بر خلافت  
علی (ع) است آورده شده ، در بیشتر جاها درستی یا نادرستی آنها روشن گردید .  
آغاز: الحمد لله حق الحمد و منتهی الحمد کما یشغی لعظمته ... حدیث من کنت  
مولاه ... مما تواتر وافاد القطع .

- انجام : فاعتموا فان العمامة سماء الاسلام وهي حجاز بين المسلمين والمشرکین .  
هذا مرسل . تمت والحمد لله رب العالمین .

[۷۲۱]

این نسخه شماره ۱۱ دفتر و بخط نسخ با عنوانهای شکر ف می باشد ک ۲۱۱ ب  
۱۰۸۰ ۲۲۳ ب .

# [۵۸۹] اختیار (رساله ...) (فارسی)

دانشمند محمد باقر بن محمد جعفر فاضل شیخی کوهی (قهی) سپاهانی (۱۲۳۹-  
۱۳۱۹) در این رساله از جبر و تفویض از روی آیتها و خبرها گفتگو نمود و در دیه  
لنکر در روز ۱۶ ع ۱۲۸۱ آنرا بیایان رساند (فهرست طوس ج ۴ ص ۴۱ و ۱۳۱)  
آغاز: بی نهایت حمدیکه بر عارفان عالم امکان لازم است مخصوص ذات پاک

است که از چند و چون بیرون .

**انجام :** و همین قدر از بیان از برای رفع شکوک و شبهات از برای حلال زادگان کفایت میکرد و از برای حرام زادگان هم حجت تمام شد... تمام شد این رساله مختصر در... لنگر... سنه ۱۲۸۱ هزار و دویست و هشتاد و یک. حامدا مصلیا مستغفرا.

[۷۲۲]

۵

این نسخه بخط تعلیق علی اکبر پسر عبدالله آشتیانی همدانی در ۲۵ محرم سال ۱۲۹۰ می باشد (در نسخه ۱۲۰۹ دارد و درست نیست).

(۴۶۸) - کاغذ فرنگی - جلد نیمه

اندازه : ۱۸×۱۱ و ۱۴×۷ س ۱۵

۱۰ [۵۹۰] **ارشاد الطالبین الی نهج المستقرین** (عربی)

جمال الدین ابوعبدالله مقداد سیوری حلی (م ۸۲۶) در این کتاب نهج المستقرین علامه حلی را گزارش نمود و در روز پنجشنبه ۱۱ شعبان ۷۹۲ آنرا پایان رساند. این گزارش به (قال و اقول) و در بهمنی سال ۱۳۰۳ به چاپ رسید.

[۷۲۳]

۱۵

این نسخه شماره ۲ دفتر و بخط تعلیق و همه متن در هاشم نوشته شده است گ ۲۹۷ ۸۱ - ۲۶۳ و چنین است : «ان اولی ماصرفت فیہ قوة فحول الافکار، لاقحة

لخراید ابکار الاذکار، مستحذة فی اظهار نتائجها فصح الاذکار؛ حمد موجود تفرد بوجوب الوجود، وصفات الکمال، ونعوت الجلال لذاته - والحمد لله وحده والصلوة علی من لانی بعده واله وسلم . صورة ما کتبه المصنف تغمده الله بغفرانه علی ما نقل عنه ۲۰ و کتب مصنفه المقداد بن عبدالله ... السیوری و کان الفراغ من تصنیفه آخر نهار الخمیس الحادی والعشرین من شعبان المعظم سنة اثنین وتسعین وسبع مائة . . . سود فی التاسع و العشرین من جمادی الثانیة ۱۳۲۷ بقلم ... محمد حسین الجرباد قانی عفی عنه » .

( همه دفتر ۲۹۷ ) - کاغذ فرنگی - جلد مقوا

اندازه : ۱۸×۱۱ و ۱۴×۷ س ۱۷

۲۵ [۵۹۱] **اعلام ابي طالب (رسالة ...)** (عربی)

یکی از مباحثی که میان پیروان سنت و شیعیان گفتگو میشده مسئله اسلام آوردن ابي طالب بود و این رساله در این باره است و در آن حدیث «ان ابا طالب اسلم

بحساب الجمل» وسخنانی که کلینی و صدوق درباره آن گفته‌اند آمده و در آنها بررسی میشود.

آغاز: بسمله . علی بن محمد... عن ابی عبدالله .. قال ان ابا طالب اسلم بحساب الجمل . قال بكل لسان .

انجام: وحججه بحقایق کلامهم صلوات الله علیهم اجمعین .

[۷۲۴]

- این نسخه شماره ۴ دفتری است دارای ۱۲ رساله کلامی و ریاضی و تفسیر و فقه
- ۹۴۴ و بخط تعلیق گ ۱۷۲ الف - ۱۷۳ الف . شماره ۱ این دفتر حاشیه شیخ بهائی است بر کتاب من لا یحضره الفقیه بهمان خط با عنوانهای شنگرف از محمد شریف
- ۱۰ پسر ابوتراب داود در پایان محرم سال ۱۰۹۴ و ۷ آن رساله تسلیم نماز از ابو محمد بن عنایت در پایان رجب ۹۷۹ بهمان خط محمد شریف در روز شنبه شوال ۱۰۹۴ و ۸ رساله شیخ بهائی در حرمت ذبیحه اهل کتاب در پاسخ سفیر روم که گفت قرآن آنرا حلال ساخت و بهائی این را بدستور شاه عباس که سیدش می‌پندارد نوشت بهمان خط همو در ۲۰ شوال ۱۰۹۴ گ ۱۰۵ ب ۹۹ الف و ۹ تفسیر بهائی بر آیه « کلمات القی فیها فوج سالهم خزنها... » بهمان خط گ ۱۰۵ الف - ۱۰۶ ب و ۱۰ رضاع محمد تقی مجلسی پیارسی
- ۱۵ بهمان خط در شوال ۱۰۹۴ و ۱۱ وقت نماز از ابو محمد بایزید بن عنایت اله یسطامی بهمان خط محمد شریف در ۳ ذی قعدة ۱۰۹۴ .

( همه دفتر ۱۷۶ ) - کاغذ سمرقندی جلد تیماج سرخ ضریب مقوایی

اندازه : ۱۴×۸ و ۱۹×۱۳ س ۱۷

[۵۹۲] اشراف الحق من «طلع الصدق» (عربی) ۲۰

- در غیبت صغری چون شیعه در تقیه بودند هیچگاه نام امام زمان را بر زبان نمی‌آوردند تا مردم آنها را نشناسند (گ ۵۸ نسخه‌ها) همینکه چندی گذشت برخی گام فراتر نهاده روی خبرهایی چند نام بردن او را ناروا بلکه کفر پنداشتند . تاجایی که دانشمند فیلسوف داماد استرادی رساله ای بنام «شرعة التسمیة» نوشته است .
- ۲۵ پیش از او کلینی و ابن بابویه قمی در عیون اخبار الرضا و شیخ طبرسی نیز چنین می‌گفته‌اند (گ ۴۵) .



من المحقة النبوية على مشرفها

الصلوة والسلام والحنف

اجرت للمولى الفاضل المحقق والاوى الكامل  
المدقق صاحب النعم الوقام والطبع النفاذ  
الفاضل في اسمه والمحمود لوجه الله مولانا فير الر  
محمد سلمه تعالى وادامه وبلغ الى اعلى درجات  
الكمال واقامه لزيارى عنى هذه الرسالة مرشداً  
واصبوا والمهم من عدم النسيان من صالح الدعوات  
سما مطان الايجاب وكفى مولانا الحبيب حسبي  
نعم عنه بالنع والتم

ش ۲۹۳ گ ۶۹ ب

اجازه کبری به نصیر الدین محمد بخط خود کر کی

دانشمند مجتهد و مفتی سپاهان عزالدین ابوعبدالله حسین بن حیدر بن حیدر بن قمر بن علی حسینی کرکی عاملی بسال ۱۰۲۰ در پاسخ شیرازیان این رساله را نوشته از روی اصل جواز و اخبار و اجماع روشن ساخت که چنین نیست و میتوان نام آن امام را بر زبان آورد و گناه نیست. رساله او دو مقصد است. در نخستین دلیلهای برای روایی آن میآورد و در دومی از شبهه های طرف پاسخ میگوید. اواز رئیس المحققین ۵

شیخ علی (بن عبدالعالی ۹۴۰) با عنوان «اعلی الله قدره» و از بهاءالدین محمد (۹۵۳ - ۱۰۳۰) در مفتاح الفلاح و حبل المتین با عنوان «مدظله» یا «ادام الله برکاته» یاد میکنند. در جائیکه باجماع تمسک میکند از این دانشمندان یاد کرده و از این کتابهای آنان گواه میآورد:

۱۰. مسائل شیخ طوسی، مهج الدعوات ابن طاوس، اعتقادات ابن بابویه، منهاج - الصلاح علامه، کشف الغمه علی بن عیسی اربلی، ارجوزه علم کلام تقی الدین حسن بن داود حلّی، ارشاد المسترشدين فخر المحققين، جامع الاصول فی شرح الفصول محقق رازی، معین الفکر محمد بن جمهور، احتجاج ابوعنصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی: مزار دروس شهید، کتاب الطالین احمد بن متوج بحرانی، مشارق انوار الیقین فی کشف حقایق امیر المؤمنین رضی الدین رجب بن محمد بن رجب حافظ ۱۵
- برسی، کتاب الجوابیة، تفرید الاعتماد فی شرح تجرید الاعتقاد شمس الدین محمد بهشتی، شرح نجات العباد محمد بن ابی طالب استرآبادی، غایة المطلوب فی علم الکلام مولانا لطف الله نیشابوری، رساله نجمیه شیخ علی بن عبدالعالی. همه این دانشمندان یاد کردن نام امام زمان را روا میدارند. نیز میگوید که صلوات خواجه طوسی را چهارصد سال است که در انجمنها میخوانند باینکه آشکارا نام امام در آن برده ۲۰ شده است.

آغاز: الحمد لله الذی یحق الحق بکلماته ویبطل الباطل ولو کره المشرکون... وبعد فقد ورد علینا من اجلاء اخواننا فی الدین من محروسة شیراز کتاب ... ذکر فیه ان بعضا من الناس زعم انه یحرم ولا یجوز ذکر القائم ... باسمه وکنیته بل ذکر ان من

نطق به فقد كفر بالله واليوم الآخر وسئل الاستكشاف في هذه المسئلة... فاجبت مطلوبه.  
 انجام: فلنقطع الكلام حامدين... وفرغ من تصنيفها... الحسين بن حيدر الكركي  
 العاملي... في الثاني والعشرين من شهر رمضان المبارك من شهر سنة الف وعشرين.

كتاب  
 اشراق الحق من ملامح  
 تصنيف الفقير الى رحمة ربه الغني  
 الحسين بن حيدر بن محمد علي  
 الحسيني الكركي العاملي عليه  
 السلام  
 بطلبه اخفى بالحق والوحي  
 واليهما الاطهار  
 الأبرار  
 عليه السلام  
 الحسين بن حيدر

ش ٢٩٣ گ ١ الف

صفحه عنوان « اشراق الحق »



- این نسخه شماره ۲ دفتر است بنسخ باعنوانهای شنگرف باحاشیه هائی بخط  
 ۲۹۳ تعلیق با عبارت «منه» و بنسخ گ ۱ ب ۶۹ الف. در گ ۱ الف بخط نسخ لا جوردی  
 با اعراب شنگرف از خود کر کی دارد: « کتاب اشراق الحق من مطلع الصدق  
 تصنیف الفقیر الی رحمة ربه الغنی الحسین بن حیدر بن قمر بن علی الحسینی الکرکی العاملی  
 ۵ عامله الله بلطفه الخفی بالنبی والوصی والهما الاطهار الابرار » باز بتعلیق دارد: « مصنف  
 این کتاب والد مرحوم مغفور نواب میرزا حبیب اله صدر است » نیز بشکسته دارد که محمد  
 رضوی این را از خاندان میر محمد جعفر هروی خرید. در پایان مهر « المتوکل بالملک  
 اللطیف عبده محمد شریف » هست. در گ ۶۹ اجازة همین کر کی است بدولانا  
 نصیرالدین محمد بخط تعلیق خود کر کی. (ص ۱۴۰ هین فهرست).  
 ۱۰ (همه دفتر ۴۱۳) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج مشکى زرکوب مقوالتی  
 اندازه: ۹×۱۹ و ۴×۱۳ س ۱۱

### [۵۹۳] اعتقادات (عربی)

- ابو جعفر محمد بن ... بابویه قمی (آغاز سده ۴۰۰ ۳۸۱ درری) یکی از رهبران  
 دانشمند آئین شیعی نزدیک بسیمصد کتاب دارد. شیعیان روایتهای او را ارج نهاده  
 ۱۵ مرا سیل او را از مراسیل ابن ابی عمر کمتر نمیدانند. ابن بابویه این رساله را در بیان  
 اعتقادات درست شیعه چنانکه خود میاندیشید نوشته است و آنرا برای بزرگان  
 شیعی نیشابور که چگونگی دین امامیان را از وی پرسیده بودند در روز آدینه ۱۲  
 شعبان سال ۳۶۸ در انجمن سخنرانی بر زبان راند. شیخ طوسی در فهرست، این رساله  
 را « دین الامامیه » نامید. ابن بابویه در پایان آن میگوید که اگر از این سفری که در  
 ۲۰ پیش دارم برگشتم و بنیشابور آمدم تفسیری برای آن می نویسم. در فهرست نوشته  
 های او نامی از این تفسیر نبرده اند ما نا نوشته است (ذریعه ج ۲ ص ۲۲۶). این رساله  
 در ایران بسال ۱۲۹۶ با سه رساله دیگر ص ۶۶-۱۱۵ چاپ سنگی شد ابن بابویه در  
 پایان آن بکتاب توحید خود باز میگرداند و نوید میدهد کتابی در متشابهات قرآن  
 بنویسد.

آغاز: الحمد لله رب العالمین وحده لا شریک له. باب الاعتقاد فی التوحید قال  
 الشیخ ابو جعفر.

انجام: وقد اخرجت الخبر في ذلك مسندا بشرحه في كتاب التوحيد وساجرد في ذلك كتابا بمشية الله وعونه والحمد لله رب العالمين .

[۷۲۶]

این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط نسخ با نشانه‌ها و عنوانهای شنکرف و در شام روز دوشنبه ۲۰ محرم ۱۰۸۱ نوشته شده. در پایان دارد «فی ملک حسن» گ ۱۴۷ ب ۱۸۶ الف .

(همه دفتر ۳۱۸۶-) - کاغذ سپاهانی - جلد تیماج سرخ ضری مقوای  
اندازه: ۱۲٫۵×۱۹٫۵ و ۱۲٫۵×۱۴ س ۱۴

[۷۲۷]

این نسخه شماره ۷ دفتر است و بخط نسخ با نشانه‌ها و عنوانهای شنکرف و بدینجا میانجامد: «باب الاعتقاد فی الحدیثین المختلفین... ثم يقول عز وجل وكلم الله موسى تكليما» و کم دارد گ ۱۶۸ الف - ۲۱۲ ب. پیش از این در شماره ۵ و ۶ «المفید فی علم التجوید» بخط نسخ جمال الدین بن... عباس گ ۱۳۷ ب - ۱۴۴ ب و «اللمعة الحلیة فی معرفة النية» میباشد بهمان نسخ گ ۱۴۵ ب - ۱۶۷ ب و ۲۱۳ - ۲۲۴ الف . در کنار ۲۲۴ الف دارد «کتابه عبد الکریم» و «کتابه مولانا کمال الدین» و این کمال الدین گرگانی وزنده در ۸۷۸ و نویسنده شماره ۱۵ دفتر میباشد .

(همه دفتر ۴۴۲۵-) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج مشکی ساده  
اندازه: ۱۲×۱۷٫۵ و ۱۱×۱۴ س ۱۴

[۷۲۸]

این نسخه شماره ۱۵ دفتر است و بخط تعلیق ریز گ ۱ ب - ۲۴ الف .

[۷۲۹]

این نسخه شماره ۸ دفتر است و بخط نسخ گ ۱۶۷ ب - ۱۹۲ ب.

[۷۳۰]

این نسخه شماره ۱ این دفتر است گ ۱ الف - ۸ الف و بخط نسخ مانند شماره ۲ و ۱۰۸۵۲۵ آغاز کتاب را ندارد و چنین است: «ومن يتولهم فاولئك هم الظالمون وقال ص اني لاسمع الوجل في المسجد... آنگاه «باب الاعتقاد فی ابناء النبی... اعتقادنا فی ابناء النبی انهم مسلمون من آدم الى ابيه عبدالله» می‌آید .

- خط نسخ وحاشیه‌هایی بیارسی و تازی دارد و در پایان ع ۱ سال ۹۰۱ نوشته شد.
- در برگ ۳ الف نوشته است که در صفر ۱۱۱۶ با چند تن از مردم استرآباد نزد محمد کاظم خان سپاهان رفته ایم و بهمین خط نام (محمد صالح بن محمد حسین استرآبادی) دیده می شود که دارنده نسخه بوده است و در ۴۷ الف نوشته است که ملا عبد الغفور در ۱۱۲۹ با موختن کود کان پرداخت و خط همان دارنده نسخه در سه جای همان برگ دیده می شود و در برگ ۱۱۸ ب خط و مهر هم و در دو جا هست و نویسنده نسخه همان لطف‌اله مازندرانی یاد شده در دو شماره دوم و سوم این دفتر میباشد.
- ( همه دفتر ۱۲۴ ف ) — کاغذ ترمه سپاهانی — جلد در یکطرف و تیماج مشکی ضربی
- اندازه : ۱۳ × ۱۸٫۵ و ۸ × ۱۱ س ۱۲

### ۱۰ (عربی) اعتقادات [۵۹۴]

- شیخ مفید در این رساله از اعتقادات بروش پرسش و پاسخ در پنج فصل گفتگو نمود. و آن بنام «النکت الاعقادیه» در بغداد بسال ۱۳۴۳ باره دوم بچاپ رسید و با دیباچه‌ای در سر گذشت مفید و ترجمه پارسی آن بخامه فهرست نگار در چاپخانه اقبال در تهران بسال ۱۳۲۴ خ در ۱۰ ص نیز چاپ شده و منابع شرح حال مفید هم در آنجا یاد گردید.

- آغاز: بسم الله وبه تقی الحمد لله رب العالمین ... فهدیه عقیده‌تی قنادنی الدلیل الیهما وقوی اعتمادی علیهما .
- انجام : وحشر الابدان والنفوس والمیزان وتطایر الکتب (وشهادة الجوارح ... فیکون ماخبر بهصحقا) .

### ۲۰ [۷۳۱]

- این نسخه شماره ۱ دفتر است دارای دور ساله و بخط تعلیق شکسته با عنوانهای شنکرف و بنسخ میباشد گ ۲ الف - ۱۳ الف. نسخه ماعبارت میان دو کمانه را ندارد.

- ( همه دفتر ۱۸۸ ف ) — کاغذ سپاهانی — جلد تیماج مشکی ضربی مقوایی
- اندازه : ۱۱ × ۱۸ و ۷ × ۱۳٫۵ س ۱۲

### (عربی) اعتقادات [۵۹۵]

- خواجه طوسی در این رساله آنچه را که باید بدان عقیده داشت بی آنکه



بدلیلهای فلسفی آن نگرست بدر خواست دوستی نوشته و همین اندازه را برای توده مردم بسنده دانست. آنرا فیض کاشانی در حقایق و جز آن آورد و بچاپ رسید. آغاز: هذه صورة عقيدة صدرت عن ... خواجه نصير الملة والدين الطوسي ... (۱۰۲۲/۷) اعلم ايده الله ايها الاخ العزيز ان اقل ما يجب اعتقاده على المكلف فهو ما ترجمه قوله لا اله الا الله .

انجام : فهذا تنبيه على منهج الحق . واستيفاء ذلك شرحناه في كتاب قواعد العقائد فاطلبه (فاطلب منه) والحمد لله (وحدّه لا شريك له) رب العالمين وصلى الله على خير خلقه محمد وآله اجمعين .

[۷۳۲]

این نسخه شماره ۳ دفتر است و بخط تعلیق ریز خوش تاریخ ۱۲۶۰ ک ۳۷ ب - ۳۹ الف .

۳۴۰۱۰

[۷۳۳]

این نسخه شماره ۷ دفتر است و بخط نسخ سید حیدر آملی ک ۱۲۶ ب - ۱۲۷ ب . فهرست نگارشهای رکن الدین محمد بن علی فارسی گرگانی مترجم رساله های پارسی خواجه بتازی که آملی از روی خط همو نوشت در ک ۱۲۸ الف - ۱۲۹ الف ۱۵ دیده میشود .

۱۰۲۲

(عربی)

اعتقادات

[۵۹۶]

از دانشمند شیعی فخرالمحققین ابوطالب محمد (نیمه شب دوشنبه ۲۰ ج ۱ سال ۶۸۰ - شب دینه ۱۵ ج ۱ سال ۷۷۱) فرزند علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶) که در حله و آذربایگان میزیست گویند او در ده سالگی با جتهاد رسید و دانشهای عقلی و نقلی را از پدر بیاموخت . وی از پدر خواست که برایش «قواعد» بنویسد او هم اینکتاب را ۲۰ میان پنجاه و شصت سالگی (میان ۶۹۸ و ۷۰۸) در ۱۶ یا ۲۶ سالگی بسر نوشت . او بگفته حافظ ابرو با پدر بدر بار خدا بنده او اجایتو (۷۰۳-۷۱۶) میرفت . گویند که

ایندانشمند را اگر ك در ربود و آرامگاه ندارد (۱).

اودر این رساله اصول عقاید را در پنج اصل ( خدا - عدل - وعد و وعید  
پیامبری - امامت ) بادلایل روشن ساخت و در پایان گفت که من در اینجا تنها اصول  
را آوردم نه فروع را زیرا پدرم آنچه اجماعی شیعه است و بنقل درست از پیشوایان  
رسیده و هیچ شکمی در آنها نیست آورده بدانها بنگرید و از آنها پیروی کنید . ۵  
آغاز: بسم الله وبه نستعين الحمد لله رب العالمين ... فيقول محمد بن الحسن بن  
المطهر اني املت هذه الرسالة لارشاد المسترشدين وهداية الطالبين وبيان فيهما ما يجب  
على المكلفين من الاعتقاد في اصول الدين .  
انجام: فايها المؤمنون تمكنوا واعتمدوا عليه. السلام عليكم ورحمة الله وبركاته  
تمت الكتاب .

[۸۳۴]

۸۷۹ این نسخه شماره ۴ دفتر است و بخط نسخ گ ۱۲۱ پ - ۱۳۶ الف .

- ۱ - بنگرید به: امل الامل ص ۵۰ - اولوتی البحرین - مجالس المؤمنین مجلس ۵ -  
هدیه الاحباب ص ۲۰۸ والکنی والالاقاب ج ۳ ص ۱۲ هردو از قمی - روضات الجنات ص ۹  
۵۸۶ - رجال ما مقانی ج ۳ ص ۱۰۶ - پایان قواعد علامه در وصیتی که برای پسر نوشته  
است. یکی از شاگردان مجلسی گوید که حلی قواعد را در دهه شصت نگاشته و بسال ۷۲۰ به  
۱۵ پایان رساند و در بغداد بدرس آن پرداخت. اگر بسخن اودر پایان قواعد بشکریم باید در  
۵۱ سالگی بدان پرداخته باشد که سال ۶۹۹ خواهد بود (اعیان الشیعه ج ۲ ص ۳۱۴)  
عبارت قواعد اینست: « بعد ان بلغت من العمر الخمسين ودخلت عشرين » از سخن  
فخر المحققین در ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد در میان باب وصیت بر میآید  
که بسال ۷۱۲ او با پدر در کرانه دریای قلزم نزد سلطان غیاث الدین خدا بنده بودند و  
۲۰ قواعد در آن سال بیابان رسیده بود. فخر ایضاح را بخواهش گروهی و بدستور پدر نوشت  
و جزء ۱۰ (از آغاز تا باب وصیت) را در ۱ شوال ۷۲۴ و جزء دوم (نکاح تا پایان) را در  
ذی حجه ۷۶۰ بیابان رساند (نیز بنگرید به: فهرست طوس ج ۲ ص ۷۹ و ج ۵ ص ۳۷۲ -  
( ۴۷۷ ) .

[۷۳۵]

این نسخه بخط کهنه میباشد و چنین است پایان آن: «قال البخاری ان ابا طالب اول من وضع القسامة وقال ابو طالب للنبی علیه السلام ما اشد» از اصل امامت. ۳۷۷  
درگ ۱ الف بخط تازه تری، این کتاب ارشادالمسترشدین فی اصول الدین نامیده شده و بهمان خط باز عقیده الشیخ فخر الدین یاد گردید گو یا نام نخستین را آغاز دیباجه گرفته اند.

(۳۴۹) - کاغذ سمرقندی - جلد تازه شده

اندازه: ۱۴×۱۸٫۵ و ۹×۱۴ س ۲۰

[۵۹۷] اعتقادات (عربی)

۱۰ شیخ الاسلام بهاء الدین محمد جبعی عاملی (۹۵۳-۱۰۳۱) دانشمند متکلم عارف و فقیه ریاضی شیعی در این رساله اعتقادات شیعه را گزارش میدهد. دوترجمه پارسی آن از ملا ادهم خلخالی و کس دیگر در طوس هست (ش ۳۵۵ و ۳۵۶) این رساله در ۱۳۲۶ بچاپ رسید (ذریعه ج ۲ ص ۲۲۸).

آغاز: الحمد لله علی آلائه... والغرض من تحریر هذه الرسالة... انه لما كان لبعض الفرق الباطلة الذين سمو انفسهم باسم الشيعة كالزيدية والواقفية والکيسانية وغيرهم اعتقادات فاسدة.

انجام: هذه عقائدنا التي نصب مخالفونا علينا، والله ولي التوفيق، والسلام علی من اتبع الهدى.

[۷۳۶]

۲۰ این نسخه شماره ۱۰ دفتر و بخط تعلیق سال ۱۱۹۸ - گ ۵۴ ب - ۵۸ ب. پس از ۱۰۸۸ این گفتاریست از فیلسوفان در آمیزش عنصرها گ ۵۹ الف و سخنان دانشمندان درباره فرشتگان و پریان و ازا کلیل همدانی یاد میشود گ ۵۹ و گفتار میرفندرسکی در اینکه رهروان نبایستی بوحدت یا کثرت هستی بنگرند و گزارش گفته ارسطو: «المحرك الاول فی المحيط دون المحاط» گ ۵۹ ب و سخنانی درباره تجرید نفس گ ۶۰ الف و اثبات اعتباری نبودن هستی گ ۶۰ ب - ۶۱ الف و توحید حقیقی و یکی بودن جهان دیدنی گ ۶۱ ب - ۶۲ الف و سخن ترسیان در خداشناسی و خرده گیری از آنها گ ۶۲ ب ۶۳ الف بهمان خط تاریخ ۱۱۹۸.



- دانشمند بزرگوار محمد باقر مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰) بدرخواست کسی برای نمودن راه درست این رساله را در دو باب نوشته، نخست اعتقادات سپس اعمال را نشان داد. او در پایان میگوید و بعد از پدرم (دانشمند محمد تقی مجلسی ۱۰۰۳-۱۰۷۰) را صوفی پندارید چه او سخنان امامان آشنا بود و چنین کسی صوفی نمیباشد. مگر اینکه او مردی پارسا بود و در آغاز کار چنین پارسائی را تصوف مینامید تا صوفیان را بخود نزدیک کند و از او نگریزند و آنانرا از سخنان بیهوده و رفتارهای نکوهیده بازدارد. این بود که بسیاری از آنها را راه بنمود. او در پایان زندگی خویش چون دید که دیگر امیدی نمانده و آنها دشمن خدایند و بر دیگران پیروز آمدند از آنان بیزار شد. من بروش پدر آشنا ترم و نوشته های او در همین باره نذر من هست. این رساله در کنار اعتقادات صدوق (ص ۶۶-۹۸ جنگ دارای چهار ساله) بسال ۱۲۹۶ بچاپ رسید.

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم الذي سهل لنا سالك شرايع الدين .

انجام: وليكن هذا آخر ما اردنا ايرادہ . والتمس منك ان لاتنسائي . ووفقنا

الله و اياك... و يجعلنا و اياك ممن يذكر فتنقه الذكري .

۱۵

[۷۳۷]

- این نسخه شماره ۲ دفتر است دارای: «۱ غرر الاخبار دیلمی ۳ رساله رضاع بمامون ۴ تهلیل آخر الاقامه» و بخط تعلیق که محمد رضا الحرد در طوس بسال ۱۱۰۱ آنرا نوشت گ ۹۲ ب- ۱۰۴ ب. محمد بن الحسن الحر (مشغری) ۱۱۰۴ نگارنده و سائل) و ضیاء الدین نوری از دارندگان نسخه بودند .

۲۰

[۷۳۸]

- این نسخه شماره ۴ دفتر است و بخط تعلیق تاریخ ۱۲۵۴ گ ۳۸ الف - ۴۴ چنین است آغاز آن: «الیهم علیهم السلام و قد اوردت الاخبار الواردة فيها فی کتاب بحار الانوار» شماره ۵ این دفتر لب اللباب محمد جعفر استرآبادی است در رجال بخط نسخ قاسم بن مسیح گیلانی حائری در ۱۲۶۳ گ ۱ ب- ۱۲۱ الف و آن نور المستبصر بن سید محمد مرتضی حسینی جون فری است در حدیث چاپ چاپخانه جعفری در جونپور بسال ۱۳۱۳ در ۳۵ ص گ ۱۴۴ ب- ۱۵۹ الف .

(فارسی)

اعتقادات

[۵۹۹-۶۰۱]

ضیاء الدین علی بن سدید الدین داود گرگانی سه رساله در اعتقادات نوشت:

۱ - خزائن الایمان که در آن بروش پرسش و پاسخ ایمان و اسلام را بمشرب امامان روشن نمود (ب - ۹ - ۱۱).

۵ آغاز: بسمله و به نستعین الحمد لله رب العالمین ... چنین گوید ضیاء الدین علی بن سدید الدین داود که این رساله ایست مختصر در معرفت و اسلام بنا بر مذهب امامیه ... و خزائن الایمانش نامیدم ... اگر پرسند که ایمان اجمالی کدام است؟ بگو: که ایمان اجمالی ایمانی را گویند.

۱۰ انجام: جواب گوئیم که مراد پیغمبر ... در اینجا از اسلام ثمرات و علامات اسلام بود نه حقیقت اسلام. تمت الرسالة الشریفة بعون الله وحسن توفیقه والصلوه ... واله الطاهرین.

۲ - در اصول و فروعی که باید اعتقاد داشت (۱۲ الف - ۱۳ الف).

آغاز: بسمله قال الفقیر الی المعجید ضیاء الدین بن سدید اگر پرسند که خدای را شناسی بگو بلی شناسم.

۱۵ انجام: و رکوع و سجود و تشهد و سلام نبود والله سبحانه اعلم. تمت الرسالة.

۳ - در اثبات عقائد شیعی بروش پرسش و پاسخ (۱۵ الف - ۱۸ ب).

نسخه ای از این در طوس (ش ۸۹۴) هست و میان ۱۰۵۱ و ۱۰۷۱ نوشته شده.

آغاز: بسمله الحمد لله رب العالمین ... چنین گوید ... ضیاء الدین بن سدید الجرجانی که این رساله ایست مختصر در بیان واجبات عقلیه.

۲۰ انجام: وقوع آن واجب بود پس وقوع این همه واجب بود. والله اعلم.

[۷۴۱-۷۳۹]

۱۰۱۵ این نسخه ها شماره های ۵ و ۶ و ۸ دفتر است و بخط تعلیق میباشد.

(عربی)

اعتقادات

[۶۰۲]

در این رساله کوتاه عقاید کلامی اثبات میشود.

آغاز: بسمله وبه نستعين. اذاسالك سائل وقال ما الايمان قل هو التصديق بالله  
انجام: ويجب ان يعقدانه تعالى يعيد الاجسام ... فثبت اعادة الاجسام .

[۷۴۲]

۸۷۹ این نسخه شماره ۳ دفتر است و بخط نسخ گ ۱۱۷ ب - ۱۲۰ ب .

[۶۰۳] اَوْصَالِيَةُ الْاِئِمَّةِ عَلَيَّ الْأَنْبِيَاءِ (وَمَعَالِقَةُ فِي ...) (عربی) ۵

حسن بن سلیمان بن محمد بن خالد حلی شاگرد شهید اول (۷۲۴ - ۷۸۶) و  
نگارنده منتخب بصائر الدرجات سعد بن عبدالله اشعری قمی (م ۲۹۹ یا ۳۰۱) و اثبات  
الرجعه در این رساله میخواهد از روی آیات و اخبار روشن سازد که پیشوایان شیعی  
از پیامبران بجز محمد ص برترند. او میگوید که مفید در مقالات (اوائل المقالات چاپ  
دوم ص ۴۲) از این مسئله یاد نمود و گفت که برخی از دانشمندان پیشین و پسین در  
آن تردید کردند یا نفی نمودند و خود هم چیزی نگفت. شیخ طوسی در مسائل حائریه  
که از او پرسیدند گفت که دانشمندان ما در این باره دو گروهند و نزد خرد هم روشن  
نیست. من چون دیدم که نباید از این در گذشت و هر مسلمانی باید بدست آن آگاه  
گردد این بود که در اینجا روشن ساختیم که امامان از دیگر پیامبران پیشین برترند  
تا کسی نا آگاه نماند (۱).

۱۵

آغاز: بسمله . يقول عبدالله و فقيره ... حسن بن سلیمان انی وقفت علی کتاب  
المقالات للشیخ المفید .

انجام : ودع الله عز وجل بهم و تاب علیه و غفر له . تمت الاخبار . والحمد لله

رب العالمین

۲۰

[۷۴۳]

۱۰۸۰ این نسخه شماره ۹ دفتر است و بخط نسخ گ ۱۹۳ ب - ۲۰۰ ب .

۱ - نیز بنگرید به: بحار ج ۷ ص ۳۲۸ - ۳۴۰ چاپ ۱۳۰۳ و متشابه القرآن این

شهر آشوب چاپ تهران ص ۲۴۴ .



## [۶۰۴] الزام الناصب فی امامة علی بن ابی طالب (عربی)

شیخ مفلح بن حسن صیمری زنده در نیمه دوم سده ۹ نگارنده غایه المرام فی شرح شرایع الاسلام در این کتاب از امامت بروش شیعی گفتگو نمود. نام کتاب در دیباچه (گک ۶ الف) دیده میشود و آن در تهران بسال ۱۳۰۳ با قواعد العقاید طوسی بچاپ رسید (فهرست طوس ج ۴ ص ۳۶۰ - ۲۸ - ذریعه ج ۲ ص ۲۸۹ و ۲۹۰ - کشف الحجب ص ۵۸).

## [۷۴۴]

این نسخه شماره ۲ دفتر و بخط نسخ شیخ عابد و منصور حویزی جزائی درمخای ۵۷۵  
 یمن ۱۷ ج ۲ سال ۱۱۶۰ می باشد گک ۲ الف - ۳۰ ب و بدینجا آغاز میگردد :  
 «واحدة تدل علی نقص فی انسابهم» و در گک ۵ ب بدینجا پایان میابد : «طویل  
 نجاد السیف اجید یعسوب» درباره تنگین بودن خاندان ابوبکر و عمر و عثمان و معاویه  
 و یزید و عمر سعد و طلحه و زبیر و امیه بن عبد شمس و این چهار برگ هم گویا از همین  
 رساله میباشد. آنگاه از دیباچه رساله آغاز میشود : «من رد جواب الاخصام و وجدت  
 اخبارهم تتضمن تکذیب ائمتهم و نقیضهم» گک ۶ الف و پایان آن چنین است : «فیه عبرة  
 لاولی الابصار علمت ان الحق مع علی بسور حث مادار کما اخبر به النبی المختار قول  
 للذین کفروا من النار و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين و ذریته الا کرمین و الحمد لله  
 رب العالمین تمت النسخة المبارکة فی سابع عشر جمادی الاول من سنة ۱۱۶۰ بمخالیف  
 علی ید الشیخ عابد و منصور الحویزی الجزائی» در دفتر شماره ۴۹۹ کتبخانه ملی تهران  
 دو کتاب نوشته شده یکی الکشکول سید حیدر دیگری همین رساله ما بنام «الزام النواصب  
 بامامة علی بن ابی طالب» که در یک مقدمه و چند باب و چند فصل است و نگارنده آن خود  
 را مردی کتابی نومسلمان میخواند و چنین است : «بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله  
 الطاهرين . و الحمد لله الواصل الحمد بالنعمة و التعم بالشکر - ولكن لم اعتمد الا علی ما  
 روتہ السنة لعدم الزامهم بها و انما يلزمهم ما اعترفوا به و الذي رواه السنة من كلام الشیخین  
 و عایشة و حفصة عند الاختصار فیه عبرة لاولی الابصار و السلام» ص ۳۱۹ - ۳۸۸ - پیدا است  
 که این همان نسخه شماره ۳۶۰ طوس است و نگارنده آن نه ابن طوس میتواند باشد ۲۵  
 نه شیخ مفلح صیمری و نه شیخ ابراهیم بن سلیمان قطیفی (زنده در ۹۴۴) مگر این که از  
 عبارت «کتابی نومسلمان» ظاهر آن خواسته نشده باشد. نسخه طوس را سیف بن احمد  
 لیشی حلی در قزوین در ۱۶ ج ۱ سال ۹۷۷ نوشته است. نسخه مادر آغاز و میان برگهای

۱۹ و ۲۰-۲۷ و ۲۸ کم دارد .

(فارسی)

الامامیه

[۶۰۵]

در این رساله پارسی از قضا و قدر گفتگو میشود نخست پرسشی که عربی از امیرمؤمنان درباره چنگ صفین و قضا و قدر کرده از کافی آمده و روشن گردید. سپس رستاخیز جسمانی در آن ثابت شد .

آغاز: رساله قضا و قدر. فی الکافی عن علی بن محمد عن سهل بن زیاد و اسحاق

بن محمد النخعی .

انجام : هر گوهری از آنها جزئی قرار داده بعد از آن طلب کن تا بشتاب

آیند فلیتأمل . تمت الرسالة الامامية .

۱۰

[۷۴۵]

این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط تعلیق چلیبک ۱۲۶ ب - ۱۳۱ الف .  
(نشانه دفتر درس ۱۳ بخش ۱ فهرست یاد شد) .

۱۰۱۸

(عربی)

الانوار الجلالیه فی شرح الفصول النصیریّه

[۶۰۶]

خواجه طوسی فصول خویش را بیارسی پرداخت و رکن الدین محمد بن علی

فارسی استرآبادی گرگانی (نیمه دوم سده ۷) آنرا بتازی در آورد (دیباچه) و شیخ

ابی عبدالله مقداد سیوری حامی (۲۶م ج ۲ سال ۸۲۶) این را برای ملک جلال الدین ابی

المعالی علی بن تاج الدین المرتضی علوی حسینی آوی بنام بالا گزارش نموده متن

را بندبند بروش (قال واقول) آورده و روشن نمود و در ۸ رمضان ۸۰۸ آنرا بیابان

رساند (ش ۳۶۸ طوس - روضات ص ۶۳۸) .

۲۰ آغاز: بسمله سبحانه اللهم واجب الوجود و غایة وجود کل موجود انت

اخرجتنا من مرتیق (مرتبق) ظلام العدم الى فضاء ضياء الوجود .

انجام : اقول ختم المصنف ... رسالته هذه بهذه النصيحة ومضمونها الحث على

عبادة الله ... اذا نظر بعين عقله الى بفكره وبصيرته في خلقته وما اودع فيها من الحكم و

الايقان ... ولتعالج الكلام حامدين والآله شاكرين وبالقصير معترفين ومن الخطاء

مستغفرين و على محمد وآله مصلين والحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد

۲۵

[۷۴۶]

این نسخه شماره ۴ دفتری است دارای ۴ رساله و بخط نسخ درشت با عنوانهای  
 ۲۸۲ شنگرف از علی اکبر قزنجاهی بسال ۱۰۳۶ (در نسخه ۱۳۶ دارد) گ ۱۴۱ ب -  
 ۲۰۸ الف .

(همه دفتر ۴۲۱۳) - کاغذ فرنگی آبی - جلد تپاج سرخ ساده  
 اندازه : هر ۱۴ × هر ۲۰ و هر ۲۷ × هر ۱۴ س ۹۱

[۷۴۷]

این نسخه شماره ۳۸ دفتر است و بخط تعلیق رجبعلی بن جواد علی نزدیک ۱۰۷۱  
 ۱۰۴۶، گ ۱۷۷ ب - ۲۰۷ ب و بدینجا میانجامد : «ای بفکره و بصیرته فی» و باندازه  
 ۱۸ س نسخه پیش کم دارد .

[۶۰۷] انوار الملکوت فی شرح الیاقوت (عربی)

ابواسحق ابراهیم نوبختی (نیمه نخستین سده چهارم) از متکلمان نامور ایرانی  
 یاقوت را در کلام نگاشته و علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶) آنرا بنام بالا گزارش نمود و  
 ۱۵ بسیار روان و شیوا و دارای مسئله های مهم کلام در ۱۵ مقصد هر یک چند مسئله می  
 باشد و متن بنده بند پس از اقبال و شرح پس از اقول می آید و در ۶۸۴ پایان رسید (ش  
 ۳۱ و ۳۲ طوس ۸۱ مجلس) پیش از او عزالدین عبدالحمید بن ابی الحدید (۵۸۶ -  
 ۶۵۶) نیز یاقوت را گزارش نمود. رکن الدین محمد بن علی گرگانی شاگرد علامه  
 نیز اشراق اللاهوت فی شرح الیاقوت دارد (۱).

۲۰ آغاز: بسم الله وبه ثقنی . الحمد لله ذي القدرة القاهرة والعزة الباهرة ... اما بعد فان  
 الله تعالى كمال الانسان بقدر الامكان ... وقد صنف شيخنا ... ابواسحق ابراهيم بن  
 نوبخت . . مختصر اسماء الياقوت . . فاحببت ان نضع هذا الكتاب الموسوم بانوار الملکوت  
 فی شرح الیاقوت .

۱ - سید محمدالدین عبدالمطلب حلی (۶۸۱-۷۵۴) میان نوبختی و حلی محاکمه  
 نمود و شیخ شهاب الدین اسماعیل عودی عاملی (پیش از ۱۰۹۷) یاقوت را بنظم درآورد  
 (خاندان نوبختی اقبال تهران ۱۳۱۱ ص ۱۶۶-۱۸۷ - فهرست نگار شهای گرگانی در  
 ش ۱۰۲۲ گ ۱۲۸ الف - ۱۲۹ الف)



**انجام :** و اما المخالفون فی الفروع کالمسائل الشرعیه فانهم خاطئون غیر فرقة بالاجماع فهذا آخر ما کتبنا والحمد لله رب العالمین وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين الاخيار وفرغ المصنف ادام الله ايامه من تصنيفه فی جمادی الاخری من سنة اربع وثمانین وستمائة والصلوة على محمد وآله وسلم تسليما كثيرا .

[۷۴۸]

۵

این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط نسخ با عنوانهای شنکرف از علی اکبر قزنجاهی بسال ۱۰۳۶ هـ گ ۲۹ ب - ۱۲۷ .

۲۸۲

[۶۰۸] **ایضاح احقاق الحق** (فارسی)

علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶) « نهج الحق و کشف الصدق » را در هشت

- مسئله نوشته و در آن آئین شیعی را ثابت و بر سنن رد نمود . پاشا قاضی فضل بن ۱۰ روز بهان بن فضل الله خنجی شیرازی سپاهانی دانشمند اشعری حنفی (روزگار اسماعیل یکم صفوی) پس از بیرون شدن از مین خویش سپاهان بکشان که رسید در رد آن کتابی بنام «ابطال نهج الباطل» نگاشته است و آن را در دو ماه بسال ۹۰۹ (۱۶۱- ۳ج ۲) پایان رساند و همه کتاب علامه بجز دوازده رادر آن گنجانید . قاضی ضیاء الدین نور الله شوشتری مرعشی (۹۵۶ - ۱۰۱۹) در احقاق الحق و ازهاق الباطل خود از ۱۵ روز بهان خرده گرفت و روی نوشتن این کتاب و مجالس المؤمنین بود که به دستور نورالدین محمد جهانگیر پادشاه مغولی هند (۱۰۱۴-۱۰۳۷) او را باتناز بانه خاردار بکشتند و در آگره هند بخاک سپرده شد . همین قاضی مجالس المؤمنین را از ۱ رجب ۹۹۸ در لاهور تا پنجشنبه ۲۳ ذی قعدة ۱۰۱۰ نوشته و احقاق الحق را در هفت ماه (بجز شبها) نگاشته و آخر ربیع یکم سال ۱۰۱۴ در آگره بانجام رساند (۱) . ۲۰

نصیر الدین حسین بن عبدالوهاب بهبهانی بدستور میرزا سعد الدین محمد

۱ - احقاق الحق در ایران بسال ۱۲۷۳ و در مصر باره ای از آن و در نجف نیمه نخستین آن به چاپ رسید . شوشتری در رد بر صواعق محرقة ابن حجر هیتمی (۹۰۹-۹۷۴) نیز صوامر مهرقه نوشت و آنرا پس از مجالس المؤمنین و مصائب النواصب و احقاق الحق پرداخت .

۲۵

وزیر در روزگار شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵) احقاق الحق را پیارسی کرد .  
 و در دیباچه نام بالارا بدان داد . اودر آغاز متن را هم آورده سپس ترجمه نمود .  
 و ترجمه اولفظی است (۱) .

آغاز: بسمله . سعداکبر دولت، از برج اقبال سعادت مندی، طالع است که ولای  
 ۵ والای اهل بیت نبوت را اعظم نعمای الهی دانسته، شکرگزاری این موهبت عظمی  
 را، سرمایه ایمان و گوهر مراد ایقان داند .

انجام: پس از ما هم پیش از این رد نموده ایم پس بیاد بیاور. تمام شد ... مجلد  
 اول از ترجمه احقاق الحق پس اینک شروع ... در جلد ثانی می نمائیم. والحمد لله رب  
 العالمین ... والصلوة والسلام علی سیدنا محمد و آله اجمعین .

[۷۴۹]

۱۰

این نسخه بخط تعلیق باعنوانها و نشانه های شگرف میباشد و در جدول زرین  
 ۳۲۸ و لاجوردی و ۵ برگ نخستین اندکی موربانه خورد و کمی از عبارت ها  
 رفته است .

(۴۱۷۷) - کاغذ قرمه سمرقندی - جلد تیماج سرخ ضریعی قزوینی ، توسط آقای سید  
 اندازه: ۱۳×۲۴ و ۱۱×۲۲ س. ۳۰

۱۵

(عربی)

باب حاد یعشور

[۶۰۹]

علامه حلی مصباح المتعبد شیخ طوسی را که در عبادات و ادعیه است بخواهش

۱ - قاضی درد دیباچه (گ ۱۷ ب) میگوید که دیران قزوینی و قطب شیرازی و احمد  
 بن محمد کیشی و رکن الدین موصلی متسبب و مولی نظام الدین عبدالملک مراغی باعلامه گفتگو  
 ۲۰ میکرده اند. نیز مینویسد که اولجایتو محمد خدابنده پس از گفتگوی پسر صدر جهان بخاری  
 حنفی با مولی نظام الدین عبدالملک مراغی شافعی روش شافعیان پذیرفت و پس از گفتگوی  
 که میان علامه با دانشمندان سنی شده و نهج الحق و کشف الصدق که او نوشت او با بسیاری  
 از فرماندهان و سپاهیان و بزرگان و دانایان بکیش شیعی گرا تیدنه. احقاق الحق را میرزا  
 محمد نائینی (۱۳۰۵) هم پیارسی کرده و چیزهایی افزود یا کاست . نیز بگوید به:  
 ۲۵ ذریع ج ۱ ص ۱- ۲۹۰ و ج ۴ ص ۷۵ - فیض الاله فی ترجمه قاضی نورالله آقاسی محدث -  
 فهرست کتابخانه فاضلیه طوس ش ۱ ص ۵ - روضات الجنات در سرگذشت پاشا روزبهان  
 ص ۵۰۰ چنانکه از مقامات سید نعمة الله جزائری میآورد روز بهان نیای پدری میرزا  
 مخدوم شریفی بوده است .

وزیرخواجه عزالدین محمد بن محمد کوهدهی درده باب گزین نمود و منهاج الصلاح فی مختصر المصباح نامید و یکباب در اعتقادات با استدلال بنام «الباب الحادی عشر فیما یجب علی عامة المکلفین من معرفة اصول الدین» بر آن افزود و همین است که دانشمندان بدان مینگریستند و گزارشها بر آن نوشتند و بچاپ رسید.

[۷۵۰]

۵

این نسخه شماره ۲ دفتر است دارای ۴ رساله و بخط نسخ با عنوانهای شنکرف ۸۹۳ گ ۸۶ ب - ۱۰۰ ب از نعمت بن مسلم بن سالم مسلمی حویزوی در نیمه روز سه شنبه نه شب مانده از ماه شعبان سال ۹۹۲ و گ ۹۷ سفید است و دنباله مبحث یکم فصل ششم (امامت) و مبحث دوم و آغاز مبحث سوم همین فصل را ندارد. محمد بن یعقوب جزایری دارنده نسخه بوده در آدینه ۲۷ ع ۱۰۰۶ گ ۸۶ الف. شماره ۱ جعفریه کرکی ۱۰ است بهمان خط با حواشی بتعلیق ریز گ ۱ الف - ۸۴ الف تاریخ روز یکشنبه ۲۱ شوال ۹۹۲ از همان نعمت و ۱۳ الفیه شهید یکم است بهمان خط نعمت در شام شنبه پنج روز مانده از شعبان ۹۹۲ گ ۱۰۲ ب - ۱۳۸ ب و برگهای ۱۱۶ - ۱۱۹ سفید و کتاب ناقص است و ۴ فقه شیخ حسن بن زین الدین عاملی نگارنده معالم بخط تعلیق با عنوانهای شنکرف محمد بن یعقوب جزایری قطرانی گ ۱۳۹ الف - ۱۴۳ ب میباشد. در کنار گ ۱۴۳ ب ۱۵ اجازه روایتی است که علی بن احمد بن شیخ صالح عاملی در آغاز محرم ۱۰۱۰ بشاگرد خود میدهد. مهر محمد حسین بن عبدالرحیم در گ ۱ الف دیده میشود.

(همه دفتر ۳۱۴۴) - کاغذ فرنگی جلد تیماج زرده قوالی ساده، توسط آقای سید محمد انداز: ۱۵ × ۲۱ و ۷ × ۹ س.

۲۰ (فارسی)

پدا (رحم الله دو...)

[۶۱۰]

این نگارش از مولی محمد شفیع پسر فرج گیلانی و برادر محمد در فیه گیلانی میباشد. برادرش در طوس مدرس بوده و در ۱۰۸۵ از محقق سبزواری (۱۰۹۰ م) و در ۱۰۸۷ از امیر ماجد دشتکی (ماجد بن محمد بحرانی قاضی شیراز و سپاهان) اجازه گرفته است. خود او شیخ الاسلام رشت و شیراز بوده و بگواهی پایان کتاب پس از مجلسی (۱۰۳۷ - ۱۱۱۰) آنرا نوشته است. او در این گفتار که ۷ فصل و یک خاتمه ۲۵ میباشد بروش متکلمان شیعی اخباری رفته و گاهی نیز از فیلسوفان خرده گرفت.



رساله بهارسی شیرین و شیوا و روان میباشد و نخست شالودهٔ بدارا (۱) ریخته و اشکالها را آورده ورد نمود. در فصل ۴ نیز از مجلسی یاد نمود (گ-ت ۱۵۲ الف ش ۵۸۴).

آغاز: حمد و سپاس بقیاس خداوندی را سزد که وصف کمال ذات بيمشاش از

۵ حیظه نعمت و بیان بیرون است.

۱ - بدا و تقيه از نشانه‌های آئین شیعی است و همین دورا دشمنانی مانند سلیمان بن جریر رقی رهبر ساینانیان بهانه کرده از آن خرده می‌گرفتند، چنانکه در فرق الشیعه نوبختی یاسعد بن عبدالله می‌بینیم (چاپ نجف ص ۶۴) و از آن پیداست که ریشهٔ بدا داستان امامت اسماعیل فرزند امام جعفر صادق ع و مردن او است.

۱۰ فرق الشیعه را یکبار ریتراورشناس آلمانی در اسلامبول بسال ۱۹۳۱ و باره دیگر محمد صادق آل بحر العلوم در نجف بسال ۱۹۳۶ بچاپ رساندند و آن از ابو محمد حسن بن موسی نوبختی (م. میان ۳۰۰ و ۳۰۱) خواهرزاده ابوسهل اسماعیل نوبختی و فیلسوف ادیب دین‌شناس نگارنده «آراء و دیبانات» دانسته شد و برخی گفتند شاید از سعد بن عبدالله بن ابی‌خلف نمیری اشعری فقی محدث شیعی (م. ۲۹۹ یا ۳۰۰) نگارنده «بصائر الدرجات» باشد (خاندان نوبختی).

ابوالحسن علی بن اسماعیل (۲۶۰ - ۳۳۰) رهبر اشعریان در مقالات الاسلامیین و

اختلاف المصلیین (چاپ مصر ۱۳۶۹ ج ۱ ص ۱۰۹) میگوید که رافضیان در بدا سه گروهند

۲۰ و یکی آنرا نمی‌پذیرند. شیخ مفید (۳۶۸-۴۱۳) در تصحیح الاعتقاد (چاپ دوم ص ۲۴) بدارا تاویل پسندیده‌ای کرد و گفت که آن سمعی است. در اوائل المقالات نیز گفته که چون از پیشوایان آنرا شنیده‌ایم پذیرفتیم و اگر نه چنین چیزی نمی‌گفتیم و برای آنهم معنائی یاد میکنیم که خرد پسندد و میان من و دیگر مسلمانان در این باره جز در لفظ خلاقی نیست.

۲۵ این مسئله را فیلسوفانی مانند داماد در «نبراس الضیاء فی شرح باب البداء و اثبات جدوی الدعاء» و صدرای شیرازی در «موقف ۴ فن ۱ ج ۳» در بحث از اراده خدا از اسفار «و فیض

کاشانی در «وافی ج ۱ ص ۱۱۲ و علم الیقین ص ۴۲ و ۴۳» بروش فلسفی خویش بررسی نمودند. مجلسی در رساله بدا و بحار ج ۲ ص ۱۳۱-۱۴۳ از آن گفتگو کرد و دیگران هم بروش اخباریان شیعی از آن گفتگو داشتند و سخنان آن فیلسوفان را نپذیرفتند. از

بقیه حاشیه در صفحه بعد

انجام : وبعد از آن تغییر یابد و فرماید که بداشد تا اینکه ضعیف الایمان و قوی الایمان ممتاز شوند ( انتهت کلماته الشریفة و انتهت بانتهائها تبرکافی الاختتام بها هذه الرسالة والحمد لله اولاً و آخراً وظاهراً و باطناً تمت ( بالخیر ) بعون الله و حسن توفیقه .

[۷۵۱]

این نسخه بخط تعلیق خوش با عنوانهای شنکرف و آیتها و خبرها بنسخ وزیر خط سرخ میباشد. عنوان مطلبها در هامش بخط تعلیق با حاشیه هائی از خود گیلانی که به «منه ظله العالی» پایان می یابد و بهمان خط متن است و ریزتر .  
(۴۷۲) — کاغذ آرمه سپاهانی — جلد تیماج ضری

اندازه : ۱۴ × ۲۰ و ۱۱ × ۱۲

[۷۵۲]

این نسخه شماره ۵ دفتر و بخط تعلیق شکسته (گویا از همان اسماعیل حاجی ابراهیم نویسنده ۸۸۴/۳ در صفر ۱۲۰۰) با عنوانهای شنکرف با حاشیه هائیکه به «منه مدظله العالی» پایان می یابد گ ۱۵۲ الف — ۱۶۹ ب .

این نسخه از میانۀ فصل ۴ آغاز میشود و چنین است : « که اثبات میکنی در وجود چیز را که خدا اراده نکرده ... » برابر با س ۳ گ ۲۶ الف ش ۳۱۶ .

[۶۱۱] البراهین القاطعة فی شرح تجرید القوائد الساطعة (عربی)

شریعتمداد حاج مولی محمد جعفر (م ۱۲۶۲) تجرید خواجه طوسی را در شش جلد (امور عام و پنج اصل شیعیه) گزارش نمود .

[۷۵۳]

این نسخه بخط نسخ با عنوانهای شنکرف موسی بن محمد رضا تفرشی در ۱۲۶۴  
۲۹۸ میباشد و جلد دوم و سوم و چنین است : « بسم الله الذي هو الواجب الوجود بالذات ... فهذا هو المجلد الثاني من البراهين القاطعة — من المعجزات التي

بقیه حاشیه صفحه پیش

۲۵ سخنان داماد در قیاسات (ص ۸۵) پیداست که امام رازی بدارا ازرافضیان دانست و از آن خرده گرفت. او میگوید که چنین نیست و در دو صحیح بخاری و مسلم و دیگر اصول سنی نیز یادی از پیدا شده و آنهم در برابر یهود است که گفته اند خدا از آفرینش بیاسود و شیعیان از بدای تغییر زمانی میخواهند نه دهری. از گفتار اشعری در مقالات (ج ۱ ص ۲۵۶) بر میآید که همه معتزلیان میگویند که بدای برخدا و نسخ در اخبار او ناروا است .

اشرنا الى بعضها في باب النبوة» و نویسنده می نویسد: «قد تم جلد الثالث من كتاب البراهين تصنيف قدوة المجتهدين الحاج محمد جعفر الاسترآبادي» .

(۴۷۵۴) - کاغذ قرنگی - جلد تیماج سرخ ضری

اندازه: ۲۰×۳۰ و ۱۲×۱۳ س. ۲۰

۵ [۶۱۲] پاسخ مقابلی (عربی)

کسی از محمد بن علی بن عبدالمطلبی مقابلی بحرانی از دانشمندان سده ۱۲ پرسیده که عذاب قبر چون است . او این پاسخ را داد .

آغاز: بسملة الحمد لله رب العالمين... فيقول شيخنا الشيخ محمد بن علي البحراني انه قد وردت علي من بعض منكري عذاب القبر مسألة اراد الجواب عنها فلما وردت عليه هذه الرسالة استحسنها فادعن بالحق بعد الانكار . ۱۰

انجام: كالكفار يخذلهم خدا الى النار التي خلقها الله في المشرق وفيها كمال كفاية والله ولي الهداية . والحمد لله رب العالمين .

[۷۵۴]

این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط نسخ با نشانه‌ها و عنوانهای شتگرف از

بازاری نزدیک ۱۱۶۹ گ ۳۶۴ ب - ۳۷۲ ب . دنبال آن درگ ۳۷۲ ب - ۳۷۷

الف رساله است در سرگذشت چهارده معصوم در ۱۴ باب .

(همه دفتر ۴۷۷) - کاغذ قرنگی - جلد تیماج مشکی کهنه ضری مقوای

اندازه: ۱۹×۲۱ و ۱۱×۱۷ س. ۱۷

۶۱۲-۶۱۳ [۶۱۲-۶۱۳] پاسخ و پرسش (فارسی)

۲۰ در نسخه ۸۶۹ این کتابخانه ۵ پاسخ و پرسش هست که اکنون یاد می‌کرد :

۱ - در اینکه نمی‌شود بهشت و دوزخ همیشگی و نامتناهی باشند و آنرا محمد بن شیخ امام الدین کردستانی پرسیده و پاسخ گرفت .

آغاز: بسملة الحمد لله رب العالمين . قد ارسل الى جناب العالم... الشيخ محمد بن المرحوم الشيخ امام الدين الكردي... بمسائل معضلة وقد اهرني . ان اجيب عنها بلسان الفرس . ۲۵

انجام: و در اینجا بهمین قدر اکتفا میشود .



(گ ۱ ب - ۳۴ الف . نوشته در ۱۵ ع ۲ سال ۱۲۷۲)

۲ - در اینکه «ام الکتاب» چیست و پرسش شیخ یوسف بن شیخ محمد حسن کردی . در کرمان این پاسخ بنگارش در آمد و نگارنده در دومی و سومی و چهارمی این پاسخها میگوید که بدرخواست پرسندگان پیارسی نوشتم و گرنه مطالبهای علمی را پیارسی دشوار توان نوشت .

آغاز: بسم الله . الحمد لله رب العالمین ... انه قد ارسل الی ... جناب الشیخ یوسف بن الشیخ محمد حسن الکردی ... بمسائل مشکله .

انجام: و بدا در آن راهبر نیست و ممتنع است وقوع بدا در آن .

(گ ۳۵ ب - ۴۸ ب و یکبرک بریده شده)

۳ - درباره چند مسئله از کلام و فقه و پرسش امان الله خان دوم فرمانروای کردستان که در ۱۲۷۰ پاسخ داده شد .

آغاز: بسم الله الحمد لله رب العالمین ... چنین ... ( سفید است ) که در ساعتی میمون و زمانی برکت مشجون که در گوشه آنزوا غنوده بودم .

انجام: تعلیقه سامی در ششم ماه ذی حجه بحقیق رسید ... و اینک صبح هشتم

۱۵ است که باوجود اشتغال بمشاغل عدیده انجام یافت بقلم مصنفش در سنه هزار و دویست و هفتاد هجری حامد اولاقوة الا بالله العالی العظیم ( ۴۹ ب - ۷۳ ب و شش برگ بریده شده ) .

۴ - پاسخ پرسش ه و در کلام .

آغاز: بسم الله الحمد لله رب العالمین ... چنین گوید بنده ... ( سفید است ) که در

۲۰ بهترین از من و خوشترین آونه وارد شد .

انجام: فارغ شدم از تحریر این اجوبه در شب ششم شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۷۲

هزار و دویست و هفتاد و دو هجری حامدا مصلیا مستغفرا .

(گ ۷۴ ب - ۹۹ الف . دو برگ بریده است) .

۵ - در پاسخ پرسش سپاهانیان درباره قرآن که حاج محمد صادق آورده بود .

آغاز: بسملة الحمد لله رب العالمين ... انه قد اتاني جناب الحاج معظم ... الحاج محمد صادق بمسائل من اصبهان.

انجام: فارغ شد از تسويد اين اوراق مصنفش ... (سفیداست) ابراهيم در عصر يوم الثلاثاء هـ شتم شهر شوال سنة هزار و دو يست و هفتاد هجری حامدا مصليا مستغفرا (گ. ۱۰۰ ب- ۱۲۸ ب) در هيچيك از اينها درست شناخته نشده كه پاسخ دهند كهيست.

[۷۵۹-۷۵۵]

۸۶۹ اين نسخه ها شماره های ۱ تا ۵۵ دفتر است و همه بخط نسخ پاسخ دهند كه شناخته نشد.

(همه دفتر ۱۲۸) - كاغذ فرنگی آبی - جلد مقوای  
اندازه: ۱۱ × ۱۷ و ۱۱ × ۱۴

۱۰ [۶۱۸] تصویر شرح لمع (عربی)

گویند كه رهبر اشعريان امام ابو الحسن علی بن اسمعیل اشعری متكلم جدلی (۲۲۰-۳۳۴) ازدويست تاسیص نگارش دارد و خود او در «العمد فی الرؤیة» نوشته های خویش را كه تا سال ۳۲۰ پیرداخت بر شمرد و از آنجا چنانكه ابن عساکر دمشقی (۴۹۹-۵۷۱) در «تبیین كذب المفتری فیما نسب الی الامام ابی الحسن الاشعری» چاپ دمشق بسال ۱۳۴۷ ص ۳۰-۱۲۹ آورده است بر میآید كه او «الموجز» را در ۱۲ دفتر نوشته و در آن از آئینها و امامت گفتگو نموده و نص و عصمت را رد كرده است سپس «ایضاح البرهان فی الرد علی اهل الزيغ والطغیان» نگاشته و هرچه را كه در موجز بررسی نمود در این هم یاد كرد و آنرا دیباجة و مدخل موجز ساخت آنگاه «اللمع الكبير» را پیرداخت و آنرا دیباجة «ایضاح البرهان» نمود پس از این «اللمع الصغير» نوشته و آنرا دیباجة «اللمع الكبير» ساخته است. باز میگوید كه من «اللمع فی الرد علی اهل الزيغ والبدع» نوشته ام و درباره آن «كتاب لطیف» گفته و شاید این جز آن دو «لمع» نباشد چه سبکی در طبقات (ج ۲ ص ۳-۲۵۲) جز از دو «لمع» اشعری (۱) یاد نكرده است. قاضی ابوبكر محمد بن الطیب باقلانی متكلم اشعری

۱ - برای تاریخ زاد و مرگ اشعری بتگید بهمان «تبیین» ص ۱۴۶ كه میگوید او

بقیه حاشیه در صفحه بعد

(م ۴۰۳) بر «لمع» گزارشی نگاشته است و این گزارش را کسانی در شیراز تخته‌گاه فنا خسرو نزد باقلانی میخوانده‌اند. هنگامیکه او بشیراز آمده بود ابن خفیف (ابو عبدالله محمد بن خفیف بن اسکة شاذ ديلمی نیشابوری شیرازی صوفی شافعی شاگرد جنید نهاوندی بغدادی و حلاج که در نزد يك بصدسالگی در ۳۷۱ در گذشت) «لمع» را درس میگفت (التمهید باقلانی چاپ مصر در ۱۹۴۷ ص ۵۰-۲۴۸- شذالازار ش ۱) قاضی عبدالجبار معتزلی چنانکه خواهیم دید نقضی بر این لمع دارد (۱).  
 نگارنده ایندفتر (نسخه‌ها) چنانکه در دیباچه آن میگوید گزارشی را که باقلانی بر لمع اشعری نگاشته است کس کرده و واژه‌های دشوار آن را روشن ساخت

بقیه حاشیه صفحه بعد

در ۲۶۰ زاده و در ۳۲۰ یا میان ۳۲۰ و ۳۳۰ در گذشت. از نوشته‌های او «النوادر فی دقائق الکلام» و «الادراك فی فنون من لطائف الکلام» و «نقض لطیف الاسکافی» و «کتاب علی اهل المنطق» میباشد (ص ۱۳۲-۱۳۵) - یکی از دو «لمع» اشعری که پاسخ و پرسش است و بدرخواست کسی نگاشته در موزه بریتانیا (ش ۱۷۲ ص ۱۰۴) هست (برو کلمن تاریخ ج ۱ ص ۱۹۵ ش ۳).

۱۵ - دانشمندانی چند بنام لمع نگارش دارند:

- ۱ - اللع فی التصوف از ابی نصر عبدالله بن علی سراج طوسی م ۳۷۸.
- ۲ - اللع فی النحو از ابی الفتح عثمان بن جنی موصلی م ۳۹۲.
- ۳ - اللع فی الاعتقاد از امام عبدالکریم بن هوازن قشیری نیشابوری اشعری شافعی صوفی م ۴۶۵.
- ۴ - اللع فی اصول الفقه از شیخ ابی اسحق ابراهیم بن محمد شیرازی فیروز آبادی م ۴۷۶ که خود بر آن گزارش نوشته و ضیاء الدین ابو عمر عثمان مارانی کردی م ۶۲۲ و ابو محمد عبدالله بن احمد بغدادی نیز آنرا گزارش کردند.
- ۵ - اللع فی الکلام یا لمع الادله از امام الحرمین ابو المعالی عبدالملک بن عبدالله جوینی شافعی (۴۱۹-۴۷۸) که امام فخرالدین رازی (۴ یا ۵۴۳-۶۰۶) معالم خویش را بر این لمع املا نمود و شرف الدین بن تلمسانی املاء کوتاهی بر آن کرده است (بنگرید به: کشف الظنون- فهرس الخزانه التیموریة چاپ دارالکتب المصریة ۱۳۶۹ ج ۴ ص ۱۱۵ ش ۱۹۵۰).
- ۶ - از شریف ابی المعمر یحیی بن محمد بن طباطبای علوی حسینی ۴۷۸/۳۵۸ مجامیع - نیز شرح اللع یاد شد.



و مسئله‌هایی بر آن بیافزود و خرده‌گیری‌ها که از آن کرده‌اند رد نمود و گویا بسنخان قاضی عبدالجبار همدانی مینگردد.

او از نگارنده لمع بنام «شیخنا رض» یا «شیخنا ابوالحسن رض» یاد میکند (۱۶ب ۵۸ب - ۶۸ الف ۱۸۷ الف - ۱۶۳ الف) باز میگوید: «و غرضنا الان التعرض لشرح کلام شیخنا فی اللمع - ۶۷ب» نیز میگوید: بدعت گذاران در باره لمع شیخ حاجستجو ها کردند و خرده‌ها گرفتند و او هم پاسخها بدانها داده است. اینان بنگارشهای گسترده و کلان او ننگر بستند چون میدادستند که در آنها هر چیزی آمده و خرده از آنها نتوان گرفت. (۵۸ الف) ما بخرده‌ها که بدعت گذاران بر «شیخنا رضی الله عنه» در لمع گرفته‌اند پاسخ میگوئیم (۵۸ الف - ۶۸ب) - او گزارنده لمع را «القاضی الجلیل ابی بکر رضی الله عنه» میخواند (آغاز) و میگوید: «علیه عول القاضی فی الشرح - ۸۳ب» از سنخانش پیداست که قاضی جز شیخنا میباشد (۱۶ب - ۶۸ الف - ۲۱۵ب ۲۱۶ الف و ب) چه میگوید که قاضی رض پیروی از شیخ ما در آغاز «شرح کتاب اللمع» خویش نخست خدا را ثابت نموده آنگاه حدوث جهان را روشن بساخت. گرچه اینکار پسندیده است مگر اینکه ما نخست آشکار میداریم که جهان نبود و پیدائی گرفت سپس بود آفریننده را هویدا میسازیم (۱۶ب) - از همه این سخنان بر میآید که ایندفتر گزیده و گلچینی است از گزارش ابوبکر باقلانی متکلم نامور اشعری (۴۰۳م) بر لمع رهبر اشعریان باافزوده‌ها و دیگر گونگی‌هایی و گزیننده پس از باقلانی میزیسته است.

در این گزیده دارد که استاد ابوبکر رضی الله عنه از قاضی پیروی نمود و پیداست که دوتن را میخواند (۹۱ الف - ۸۱ب ۱۹۸ الف) نیز دارد که اودفتری در تأویل خبرهای دشوار نوشته است (۱۵۹ الف) و بر قاضی مقدم میباشد (۲۰۸ الف) پس گزیننده پس از استاد ابوبکر میزیسته است. و از آن ابن فورک (پورک) محمد بن حسن بن فورک انصاری سپاهانی متکلم اصولی جسدلی زاهد واعظ شافعی دشمن گرامیان (کشته بزهر در ۴۰۶م) و نگارنده «مشکل الحدیث» یا «مشکل الآثار» را

میخواهد. در گت ۲۳۲ الف یادی از عبد الجبار همدانی ۴۱۴ یا ۴۱۵ میکند و در گت ۲۲۵ الف میگوید: «هذا ما يذكره شيخنا ابو القاسم الاسفرائيني رض ... وفيما ذكره وجه من المناقشة» پس او شاگرد اسفرائینی بوده است و او همان استاد ابو القاسم عبد الجبار بن علی بن محمد بن حسان اسکاف اسفرائینی (شهرکی در نیشابور) اشعری (۲۵۴) میباشد که در اصول استاد امام الحرمین و از فقیهان و متکلمان بزرگ بشمار آمده یگانه روزگار خویش و پیشوای دویزه بی‌هق بوده در فتوی و تدریس بر دیگران برتری داشت.

نیز میگوید: «وذكر بعض المختصين به وهو القاضي ابو جعفر السمناني رحمه الله ۲۳۹ الف» و از او ابو جعفر محمد بن احمد قاضی متکلم فقیه اشعری سمنانی (۳۶۱- ۴۴۴) از شاگردان و شناختگان باقلانی رامیخواهد و پیداست که پس از او هم میریخته است وی نگارشی دارد بنام «البيان عن اصول الايمان والكشف عن تمويهاات اهل الطغيان» که فهرست مطلبهای آن در Introduction à la théologie musulmane از L. Gardet و M.M. Anwati چاپ پاریس سال ۱۹۴۸ آمده (ص ۵- ۱۸۴) و در ص ۷- ۳۶۵ و ۹- ۳۷۸ نیز درباره آن بررسی گردید و نسخه آن در مکتبه عثمانیه حلب بشماره ۵۷۷ هست.

نیز گزیننده میگوید استاد ابو اسحق رض (۱۹ الف - ۶۶ الف - ۹۲ ب - ۱۵۰ ب - ۱۵۳ الف - ۱۵۸ ب - ۲۲۵ الف - ۲۳۶ ب) و از آن ابو اسحق ابراهیم بن محمد بن .. مهران اسفرائینی محدث حافظ (م عاشورای ۴۱۸) را میخواهد. او در اسفرائین بخدا سپرده شد و نگارنده «الجامع الحاوی (جامع الجلی والخفی) فی اصول الدین والرد علی الملحدین» میباشد که کتابی است بزرگ و در پنج مجلد است ۲۰ و جوینی در «الارشاد الی قواطع الادلة فی اصول الاعتقاد» چاپ مصر سال ۱۹۵۰ ص ۳۳۳ از آن میآورد (نیز هاشم همان ص ۳۳) و شاهپور اسفرائینی در التبصیر (چاپ ۱۹۴۰ مصر ص ۱۱۹) از آن و «المختصر فی الرد علی اهل الاعتزال والقدر» همویاد کرده و هر دو را بسیار میستاید. پیداست که استاد ابو اسحق شیرازی (۴۷۶) در اینجا

خواسته نشده.

درباره شیخ امام رکن الاسلام ابوالمعالی عبدالملک بن عبدالله بن یوسف جوینی (۴۱۹-۴۷۸) گاهی میگوید: «ادام الله سعاده» (۴۹۰ ب) و گاهی: «رضی الله عنه» (۸۱ الف)

- ۵ این دانشمند هنگام گیلو دار معتزلیان و اشعریان بحجاز رفته در مکه و مدینه چهار سال بماند و درس گفت و فتوی داد از اینرو ویر الامام الحرمین نامیدند سپس در روزگار ابارسالان (۴۵۵-۴۶۵) و نظام الملک (۴۰۸-۴۵۵-۴۸۵) که خراسان آرام گشت بنیشابور رفت و سی سال در آنجا بزیست و در مدرسه ای که نظام الملک برای او ساخت درس میگفت و از پیشوایان و گرانمایگان سیه دشاگرد داشت. او را بجزارشاد و برهان نگارشی است بنام «شامل» که بخشی از آن در کوپرولو Köprülü و قاهره هست و فهرست مطالبی آن در همان کتاب Introduction ص ۴-۱۸۱ آمده است (۱). نگارنده این دفتر که نامش نادانسته است پس از قفال شاشی ۳۶۵ و باقلانی ۴۰۲ و ابن فورک ۴۰۶ و عبدالجبار ۴۱۴ یا ۴۱۵ و ابواسحق اسفرائینی ۴۱۸ میزیسته و شاگرد ابوالقاسم اسفرائینی ۴۵۲ بوده و شاید سمنانی (۳۶۱-۴۴۴) و ابواسحق شیرازی ۴۷۶ را دیده باشد. وی در روزگار جوینی (۴۱۹-۴۷۸) و پس از او زنده بود. پس او پیش از ۴۵۲ و پس از ۴۷۸ میزیست و این دفتر را در سال ۴۷۸ و اندکی پیش و پس از آن پرداخت چه او در مبحث اصل چهارم (۴۸ ب تا ۶۴ الف) در اثبات حدوث جهان بدلیل ناروایی نامتناهی بودن حادثها در گ ۴۹ ب از جوینی بمانده زنده و در مبحث اثبات آفریننده (۶۴-۷۶) در گ ۷۱ الف بمانند در گذشته یاد میکند و پیدا است که آغاز دفتر تا اصل چهارم پیش از این سال و بخشهای دیگر پس از آن بنگارش در آمد.
- ۲۰

۱ - درباره سرگذشت این دانشمندان بنگرید به: ابن خلکان ج ۱ ص ۴۸۲ - انساب سمعانی - سبکی در طبقات ج ۳ ص ۲۲۰ - و دیگر کتابهای رجال - ذیل کشف الظنون ج ۲ ص ۴۸۹ - حاشیه رد منطقیان ابن تیمیه ص ۱۴۲.



او در گ ۱۹ الف میگوید: «وقد بسطنا القول في ذلك في كتاب التلخيص في الاصول»  
 و سخن درباره قطع وزن و تصویب مجتهد است پس باید تلخیص در اصول فقه باشد.  
 در التبصیر ص ۱۲۰ از استاد امام ابی منصور محمد بن الحسن بن ابی ایوب ایوبی  
 نیشابوری ۴۲۱ هـ شاگرد ابن قورک و کتاب التلخیص او یاد شده و میگوید بهترین  
 نگارشی است در رد بدعت گذاران و ملحدان. پس آن در کلام باید باشد و تلخیص  
 گزیننده ما باید در اصول فقه باشد. آنهم او پس از ایوبی میزیسته است. در کشف الظنون  
 دو تلخیص یاد شده: «تلخیص الادلة لقواعد التوحيد» از ابی اسحاق ابراهیم بن اسمعیل  
 صفار پارسای حنفی بخاری (۵۳۴ هـ در بخارا) (سمعی گ ۳۵۳) و «تلخیص الاقسام  
 لمذاهب الانام في الكلام» از شهرستانی (۵۴۸ هـ).

۱۰. در این کتاب یاد میشود از: فیلسوفان (گ ۵۲ هـ - ۷۲ ب - ۸۱ ب - ۸۳ ب).  
 و ترسیان (و مما سألہ القاضي رضی اللہ عنہ النصاری و طالب به) گ ۱۸۰ ب.  
 و ملکانیان (ذهب الروم و هم المملکیه گ ۱۷۷ الف - ۱۷۸ الف) و نستوریان  
 (۱۷۶ ب ۱۷۸ الف - ۱۷۹ الف) و یعقوبیان (۱۷۶ ب - ۱۷۸ الف - ۱۷۹ الف) و  
 مرقیونیه (۵۲ ب) و اصحاب حلول (۱۷۴ ب) و دیصانیان که روشنائی رازنده و تاریکی  
 را مرده می پندارند (۵۲ ب) و مجوس که روشنائی را قدیم و تاریکی را حادث میدانند  
 (۵۲ ب) و تنویان که روشنائی تاریکی میگویند (۵۷ ب) و ملحدان (۵۱ الف) و  
 زندیقان (۱۸۱ ب) و دهریان (۱۱۹ الف - ۵۳ الف - ۶۳ الف - ۷۲ ب) و طبایعیان (۵۱ ب)  
 و ستاره شناسان (۵۳ الف) و معطلان (۷۳ ب) و باطنیان (۸۱ ب - ۸۳ ب - ۱۸۱ ب)  
 و غالیان (۷۳ ب) و اهل تأویل (۹۰ الف) و معتزلیان بصره و بغداد که خرده گیرها از  
 اشعری (شیخنا) کرده و از نادرستان (اهل زیغ) میباشند (۱۶ ب - ۱۷ الف ۶۸ ب -  
 ۱۵۴ ب) و حشویان (۱۵۹ ب) و مجسمان (۷۳ الف) و مشبهان که مانند حنبلیان میباشند  
 و کرامیان (۱۵۳ الف - ۱۵۶ الف - ۱۵۷ الف).  
 نیز دارد: الاصوليون المنتهين اليها (۲۳۶ ب) و اهل حق در برابر معتزلیان (۱۷  
 الف - ۱۹ الف - ۲۸ ب - ۱۵۴ ب - ۱۵۹ الف - ۱۷۰ الف) و از اینها اشعریان
- ۲۰.

خواسته شده .

از ایندانشمندان در اینجا یاد کردید :

ابریقلس (۱) دهری (۵۲ ب - ۶۳ الف) و دارد : «قال (شیخنا) الحادث هو المتأخر  
 وربما ينسب القول في قول هو المتأخر وجوده عن الأزلي ورام باختیار هذه العبارة قطع  
 ۵ شغبات لابن الراوندی ولا برقلیس اوردها یحیی الکندی فی بعض کلام الدهریة» (۶۳  
 الف) وهشام بن الحكم (۱۹۹ م) شاگرد امام جعفر صادق وابی شاکر زندیق (رجال  
 مامقانی) که میگوید خدا بر توی است که مانند شبه سفید میدرخشد و باندازه هفت  
 بدست است و کوه ابوقیس را نشان داد و گفت که خدا از آن اندکی بزرگتر میباشد.  
 باز میگوید که او از عرش بزرگتر و برابر آن است . نیز گفته که شیئی جسم است  
 ۱۰ (۱۷ الف - ۷۳ الف - ۱۱۳ الف) و داود جواربی مشبه شاگرد هشام بن سالم جو الیق  
 جوزجانی شاگرد صادق ع (۷۳ الف) و ابن زکریای پزشک (المتطبب) که  
 پنج قدیم (زمان و مکان و نفس و عقل مبدع) گفته است و کیش او و مجوسان  
 دیگر و اینگونه سخنان آنها الحادی است (۵۳ الف) و جهم بن صفوان  
 خارجی شاگرد جهم بن درهم که در پایان فرمانروائی امویان سال ۱۲۸  
 ۱۵ کشته شد (۱۷ الف) و مقاتل بن سلیمان بلخی محدث مفسر مجسم م ۱۵۰  
 (۷۳ الف) (الاعلام زرکلی) و صالحی معتزلی (۹۱ ب در دوجا) و نمامة بن اشرس  
 قدری (۲۱۳ م) که مأمون را معتزلی ساخت و نظام بلخی بصری (۱۶۰-۲۲۱) و شبهه  
 هاق او (۲۳ الف - ۲۴ ب - ۲۸ ب) و ابو یعقوب شحام بصری (۱۵۳-۲۳۳) شاگرد

۱ - همان برکلس Proclus (۴۱۲-۴۸۵) که او را لو کوئیس (از مردم لو کیا =  
 ۲۰ Lycie) و دیادوخوس پلاتونیکوس (جانشین پلاتون) میخوانده اند و فیلسوفی است نو  
 پلاتونی که در اسکندریه فلسفه آموخته و در چهل سالگی در آتن آنرا درس گفت و بجای  
 سوریانوس رهبر آموزشگاه آنجا شد و سی سال در آنجا بماند و پس از پلوتینوس از  
 رهبران نامور گروه نوپلاتونی بشمار است . او گزارشی بر تیمائوس و پارمنیدس و  
 نگارشهای هندسه دانان کهن نوشته و «پایه های خداشناسی» و «خداشناسی پلاتون»  
 ۲۵ دارد (لاروس سده ۱۹ و ۲۰) .

- ابی الهذیل و استاد جبائی (۱۶ب دوجا) و عباد بن سلیمان صیمری معتزلی (م نزدیک ۲۵۰) (۸۸ب - ۹۱ب) و حسین بن محمد نجاربمی رازی متکلم جبری شاگرد بشر مریسی (م ۲۱۸) و رهبر معتزلیان ری که بانظام گفتگو نموده و از عهده او بر نیامد و از اندوه بمرد (۲۴ب - ۷۴ الف - ۸۴ الف) و ابوالهذیل علاف بصری ز ۱۳۴م ۲۳۵م شاگرد شاگردان واصل (۸۸ الف) و جبائی از جبای خوزستان ز ۲۳۵م ۳۰۳م (۱۷۹ب ۵ الف - ۱۹۲ الف) و ابوهاشم پسر او م ۳۲۱ (۱۵ب - ۱۴۵ب - ۱۴۶ب) و ابن اخشید معتزلی بصری م ۳۲۶ (۷۴ الف) و ابن عیاش احمد بن محمد جوهری شیعی م ۴۰۱ (قال ابن عیاش ان الاعتماد یولد الحركة ویتجرد فیولد - ۱۴۶ب) و ابن مجاهد م ۳۷۰ (ان ابن مجاهد رضی الله عنه من اشد الناس فی نفی الاحوال - ۸ب) و ابوالعباس ناشی معتزلی از دسته هشتم مانند کعبی و خیاط م ۲۹۰ (۱۷ الف - ۸۸ب) و کعبی بلخی ۱۰ م ۳۱۹ که درنخشب مدرسه‌ای بنیاد گذارد (۱۷ الف) و عبدالجبار (۱) درباره سبزو تقسیم حاصر و اینکه نبود دلیل نابودن چیزی را نمیرساند و دارد: «وقدر د عبد الجبار ذلك فی المغنی» اکثر من مائة مرة وهذا تناقض « (۲۳۴ الف) .

- ۱- قاضی ابوالحسن عبدالجبار بن احمد اسدآبادی همدانی بغدادی معتزلی اصولی شافعی (م پایان ۴۱۴ یا ۴۱۵ درری) مناظر باشیخ مفید که در روزگار استاد ابواسحق اسفرائینی و صاحب عباد و سید مرتضی و رضی میزیست و مرتضی در رد مغنی او شافعی را نوشته و رضی شاگردش بوده و العمد فی اصول الفقه را نزدش خواند و در مجازات الحدیث النبوی خود دوجا ازش یاد نمود و گفتار او را آورد . قاضی بدرخواست صاحب پس از ۳۶۰ از بغداد بری آمد و درس میگفت و قاضی القضاة هم‌ری گشت و نزد او بود که با اسفرائینی برخورد نمود . گویند چهارصد نگارش دارد و این است برخی از آنها : ۲۰ تنزیه القرآن من المطاعن (چاپ قاهره در ۱۳۲۹) و طبقات المعتزله (چاپ هند) و نقض اللع و امالی و علم الکیما و تثبیت دلائل النبوة در خرده گیری از باطنیان (بنگنید به : دیبایه ناشر تنزیه - اعلام زرکلی ج ۲ ص ۴۷۶ - ریحانة الادب ج ۳ ص ۲۷۰ - روضات الجنات ص ۲- ۴۲۱ - تاریخ بغداد ج ۱ ص ۱۱۳- ۴ - دیبایه کوثری بر کشف اسرار الباطنیة یمانی ص ۹ .



و نیز از قفال چاچی (۱) ( واطلق القفال الشاشی ... فانه رضى الله عنه لا يملك مسلكك المعترله ... وانتصر الاستاد ابو اسحق رضى الله عنه له - ۲۳۶ ب ) .

از قاضی باقلانی این نگارشها (۲) در اینجا یاد گردید : التقريب والتقريب هر دو اصول (۲۲۵) والتمهید در کلام و میگوید که قاضی در آن ترسایان را رد نمود و گفت که در النقص الكبير والهداية على التمهید آنچه می باید از آنان خرده گرفتیم ( ۲۳۹ ب - ۱۶۸ ب - باقلانی تمهید را در یکم شعبان ۳۷۲ نوشته و در ص ۷۸ - ۹۶ آن از ترسایان خرده گیری شده است ) و از النقص ( ۵۴ الف - ۲۱۹ الف ) . والتمهید الكبير (۱۶۸ الف) که با هدایه هر دو در کلام ورد بر ترسایان است و الیدیه در کلام والهداية على التمهید (هدایه المسترشدين چنانکه در كشف الظنون آمده است) (۷۴ ب - ۹۲ الف - ۹۵ الف - ۱۶۸ الف - ۲۱۹ الف - ۲۳۹ ب) وما یعمل وما لا یعمل در کلام (۲۱۹ الف) و کتاب العلل که همه مباحث آن درباره علتها در این

۱ - چند دانشمند نام قفال دارند :

۱ - امام ابوبکر محمد بن علی بن اسماعیل قفال چاچی (شاشی) محدث فقیه اصول شافعی (۲۹۲ - ۳۶۴) و همین مانا خواسته شده .

۲ - شیخ امام قاسم بن محمد قفال شاشی نگارنده التقريب فی الفروع که امام الحرمین آنرا تلخیص نمود .

۳ - ابوبکر عبدالله بن احمد قفال مروزی فقیه شافعی (۴۱۷ یا ۴۲۷) که محمود سبکتکین را با خواندن نماز بروش شافعیان و حنفیان شافعی کرد .

۴ - ابوبکر محمد بن احمد قفال شاشی فقیه شافعی (۵۰۷ م) نگارنده « العمدة فی فروع الفقه الشافعيه » برای عمدة الدین مسترشد پسر مستظهر .

۲ - شاهپور اسفرائینی م ۴۷۱ در تبصیر ص ۱۱۹ میگوید که باقلانی نزدیک به پنجاه هزار برگ نگارش دارد و ایند فترها را برشورد : هدایه و نقض النقص والتقريب فی الاصول والکتاب الكبير فی الاصول درده هزار یرک والکسب والتمهید او « الانتصار فی دفع مطاعن القرآن » نیز نوشته که پیمانداست و نسخه ای از آن در کتابخانه قر مصطفی پاشا در آستانه هست که اندکی از بایانها را ندارد (زیر همان صفحه) - در پایان تمهید در ص ۲۵۷-۹ فهرست نگارشهای او دیده میشود و نام تقريب و هدایه که دفترست کلان والاحکام والعلل و نقض النقص و نقض الفنون جاحظ و شرح اللمع برده شده است .

تحریر ما آمده است و نگارنده در گ ۱۰۶ ب میگوید: «علی ميانوضحه فی کتاب العلل» و همان بخشی را میخواند که بنام «القول فیما یعلل و ما لا یعلل» میباشد و در آنجا همه «کتاب العلل» باقلانی را با افزوده‌هایی از خود آورد (۲۰۶ الف تا ۲۱۶ ب) در گ ۱۸۹ ب میگوید: «ارتضاه الاستاد ابو بکر رض فی کتاب له تصفح فیہ احکام العلل للقاضی» و چنین برمیآید که ابن فورک دفتری دارد که در آن به «احکام العلل» باقلانی نگریسته است.

نیز میگوید: «حکمی الاستاذ فی دقیق (۱) الجامع» و «ذکر الاستاذ ابو اسحق رض فی الجامع طریقه» (گ ۱۲۰ الف - ۲۳۳ الف) و از آن «جامع الجلی و الخفی فی اصول الدین و الرد علی الملحدین» را میخواند که نگارش شیخ ابی اسحاق ابراهیم بن محمد بن ابراهیم بن مهران اسفرائینی شافعی اشعری فقیه اصولی نامبردار باستان (م نیشابور ۴۱۸) میباشد (کشف الظنون ج ۱ ص ۳۶۱-۳۸۴) و شاهپور اسفرائینی ۴۷۱ م در تبصیر ص ۱۱۹ میگوید که مانند آن نوشته نشده است.

باری این دفتر گاهی بنگارش در آمد که بازار جنک و ستیز و گفتگوهای پیروان سنت و معتزلیان یا یکدیگر از یکسوی و با فیلسوفان از سوی دیگر گرم بود و بخوبی روش و اندیشه اشعریان را میرساند.

۱۵

آغاز: بسم الله. لا اله الا الله، عدة لبقاء الله، الحمد لله رب العالمين، والصلاة على محمد وآله. هذا، وقد استدعى طائفة يتعين اسعافهم، تحرير كتاب يتعلاعن المختصرات ويحط عن المبسوطات، من جلة التصنيفات، في علوم الديانات، فصادف الاختيار و

۱ - لطیف و دقیق مسئله‌هایی است فلسفی که در دفترهای کلامی برای پیوستگی آنها با اعتقادات آمده است. اشعری جلد دوم مقالات الاسلامیین را به «اختلاف الناس فی الدقیق» آغاز کرد و خود چنانکه گذشت سه کتاب در لطیف و دقیق دارد. خیاطر انتصار در آنجا که از ابی الهذیل علاف (۱۳۱-۲۲۷) نام میبرد از غامض و لطیف کلام یاد میکند (ص ۷) شیخ مفید در «اوائیل المقالات از لطیف گفتگو نمود (ص ۱ و ۲ و ۷۲ تا ۱۱۱ چاپ دوم) ابن حزم اندلسی ۴۵۶ م در فصل از لطائف سخن راند (ج ۵ ص ۲ تا ۱۳۶) و احمد بن یحیی بن مرتضی زیدی یمنی ۸۴۰ م بخشی از بحر زخار را بنام ریاض الافهام فی اللطیف من الکلام بدینگونه مسائل اختصاص داد.

۲۵

الایثار «شرح اللمع» للقاضی الجلیل ابی بکر رضی اللہ عنہ . ونحن ، ان شاء اللہ ، نوضح مشکلات الفاظه : ونقرب ما وجزه (من الابواب) بطریق البسط ، مع اجتناب التطویل وان اضطرت الحاجة الى الحاق ابواب ومسائل ؛ الحقهاها . واول ما یدور الکتاب به ، فصول فی النظر : یرشد به الشادی ، ويستعین بها المنتهی . وبالله التوفیق . القول فی حقیقة النظر . . .

**انجام :** لان من شأن کل مقلد ، ان یتممکن المقتدر من الاضراب عنه ولا وجه للمعاقل فی الاضراب من عقله . و هذا لم اقله نقلا . وانما ذکرته قیاسا و اعتبارا . وفيه نظر . والله اعلم .

بخشهای این نگارش: «در باره نظر ۱ الف. درستی نظر و خرده گیری از منکران (معرفت

بروش اشعریان) ۲ الف. حدوث جهان (شیء وجود) ۱۶ ب- هستی ۲۱۱ ا ب- اثبات عرضها

(اصل ۱) ۳۰ ب- حدوث عرضها (اصل ۲) ۳۸ ب- ناروائی بی عرض بودن گوهرها (اصل ۳)

۴۴ ب- حادثها ناگزیر آغاز و انجام دارند (اصل ۴) ۴۸ ب- بود آفریننده ۶۴ الف-

بیمانند بودن ۷۲ ب- دو مثل ۷۴ الف- دو غیر ۸۷ الف- کتاب توحید، واحد و یگانه

۹۰ ب- فصل ۱، یگانگی خدا و دلیل تمایع ۹۲ ب- فصل ۲، روشهای معتزلیان در پذیرفتن

آندلیل ۱۰۳ ب- فصل ۳، توانا بودن قدیم ۱۰۸ ب- جسم ۱۱۰ ب- اکوان ۱۱۱ الف-

کمترین جسمها ۱۱۳ الف- ناتوانی معتزلیان در اثبات جسم نبودن خداوند قدیم

۱۱۵ ب- خرده گیری از شبهه های مجسمان ۱۱۷- خرده گیری از آنها در اینکه

میگویند خدا جسم است و مؤلف نیست ۱۱۹ الف- اکوان ۱۲۰ الف- جنبشها ۱۲۷

الف- اجتماع و افتراق ۱۲۸ ب- ناسازگاری سخنان جبائی و پسرش در باره تألیف

۱۳۴ الف- سخنان ناسازگار معتزلیان در باره اکوان ۱۳۷ الف- اعتماد ۱۴۰ ب- قدیم

راجعت و محاذی نیست ۱۴۸ الف- شبهه های مخالفان ۱۵۳ الف- تاویل برخی از

کتاب و سنت ۱۵۹ الف- خرده گیری از ترسایان ۱۶۸ الف- اقنومها ۱۶۹ ب- یکی

شدن لاهوت و ناسوت ۱۷۱ ب- شبهه های ترسایان در باره اتحاد ۱۷۵ ب- سخنان

ترسایان در باره گوهر، واقنوم نبودن آن ۱۷۶ ب- خرده گیری از ترسایان در اینکه



- بچند خدا میگویند ۱۸۰ الف - پرسشهایی از آنها (از باقلانی) ۱۸۰ ب - سخنانی از انجیل ۱۸۱ الف - کتاب صفات ۱۸۱ ب - بود خدای قدیم ۱۸۱ ب - بی آغاز بودن او ۱۸۴ ب - پرسشهای دهریان و پاسخ آنها ۱۸۵ الف - توانایی و دانایی و زندگی خدا ۱۸۶ الف - کتاب علل (حوال و علت و معلول) ۱۸۷ ب - چیستی علت ۱۹۳ الف - چگونگی اختلاف علتها ۱۹۴ ب - بحثهای کلی در علت (مایعلل و مالا یعلل) ۱۹۶ ب ۵ پذیرفتن علت و نپذیرفتن آن ۲۰۶ الف - وصفهای برخاسته از حدوث ۲۱۶ ب - حد ۲۲۴ ب - دلایلهای عقلی و نقلی ۲۳۱ الف - مائیت و حدود دانایی ۲۳۶ ب - دانائیهای کوناگون ۲۳۹ ب - ۲۴۴ الف .

## [۷۶۰]

- این نسخه گرانهای بسیار کهن و بیمانند بخط نسخ و عنوانهای آن درشت تر ۳۵۰ میباشد. در کنار برگ ۱۳۰ الف از آمدی و شریف گزگانی و شرح مواقف او یاد گردید در گ ۱۳۷ ب نیز حاشیه دیگری دارد بهمان نسخ ریز. نسخه ۲۵ کراسه ده برگگی است و شماره آنها تا کراسه ۲۴ در گوشه های بالائی و چپ رویه هر یکی از برگهای دهم از ۱۰ تا ۲۳۰ نوشته شده است و از اینجا برمیآید که يك برگ از آغاز نسخه که شاید نام کتاب و نگارنده آن را میسراند افتاده است .

۱۵

(۳۴۶) - کاغذ ترمه سمرقندی - جلد تمیاج زرد تازه

اندازه : ۲۴×۱۹ و ۳۷×۲۱ س ۲۴

## [۷۱۹] مُحرِر القواعد الکلامیه فی شرح الرسائل الاعتقادیه (عربی)

- دانشمند عبدالرزاق پسر ملا میر گیلانی رانکوئی که در شیراز زاده و در آنجا میزیسته است بدرخواست شاگردان خود بر قواعد العقاید خواجه طوسی گزارشی بدین نام برای محمد زمان خان (نسخه ما) نگاشته است. نگارنده ذریعه (ج ۳ ص ۳۸۸) میگوید که آنرا برای محمود خان فرمانروای کوه گیلویه نوشته و نسخه ای از آنرا در کتابخانه مولی محمد علی خوانساری در نجف دیده ام که شاید بخط خود رانکوئی بوده و آنرا در شب چهارشنبه غدیر ذی حجه سال ۱۰۷۷ بپایان رساند - در دیباچه نام نگارنده و گزارش، یاد شده و نام متن «قواعد العقاید»، و از طوسی دانسته شد. ۲۵
- آغاز: بسم الله . الحمد لله الذی تقدس بقدم صفاته وتنزه عن صفات المخلوقین

بذاته وانطق بتوحیده طوامیر آیساته ... فان ... عبدالرزاق بن ملا میر العجیلانی  
 الرانکونی شیرازی مولداومسکنا یقول ان احدى المقالات ... هو المعارف الدینیة  
**انجام :** ویکون لها ذات ضعیفة بحسب ادراکها لذاتها ولما لا بد منها (متن) من  
 البیدیات والوجدانیات. قد کمل شرح هذه الرسالة بحمدہ ... علی يد مؤلفه عبدالرزاق  
 العجیلانی الرانکونی شیرازی مولداومسکنا ... فی عشية ليلة الاربعاء وليلة يوم الغدير  
 من شهر ... ذی الحجة الحرام من سنة سبع وسبعین بعد الالف من الهجرة النبویة ...  
 علیه من الصلوات ازکارها ومن التحیات انماها والہ الطیبین الطاهرین المعصومین الابرار  
 ص ۵ .

## [۷۶۱]

این نسخه بخط تعلیق وروی متن خط سرخ کشیده شده وحاشیه هائی دارد با  
 ۳۷۸ (منه وفقه اله تعالی) وبرخی جاها خط خورده ودرست آن نوشته شده وپیدا است  
 که نسخه اصل میباشد و باید همان باشد که بنوشته ذریعه نگارنده ریاض آنرا  
 نزد استاد علامه مجلسی دیده است . مگر اینکه غلطهائی در این نسخه دیده میشود  
 مانند : الرسالة الموسومة بالقواعد المقاید (گ ۱ الف) - سمیته تحریر قواعد الکلامیة  
 ۱۵ فی شرح الرسالة الاعتقادیة (گ ۲ ب) - درگ ۱ الف دارد : « نسخة اصل بخط مصنف »  
 و پس از عنوان : « بخطه الشريف » و باز : « للحقیر محمد باقر بن محمد تقی » (خط شریف  
 مجلسی) . نیز : « مالک المجازی القاضی ... (خوانده نشد) شهر ربیع المولود من شهر  
 ۱۲۶۵ » بامهر «عبداله بن ابراهیم موسوی؟» .

(۴۱۲۵) - کاغذ سپاهانی - جلد تماج سرخ ضربی

الداذه : ۹۵ × ۱۶۵ و ۱۱۵ × ۱۸

۲۰

## [۶۲۰] تحفة الاخوان در طریق اهل ایمان (فارسی)

این نگارش در اثبات روش امامیان و تناقضهای چهار مذهب است (ذریعه ج ۳  
 ص ۴۱۴) .

آغاز: حمد وثناء نامحدود وشکر وسپاس نامحدود مرحضرت صانع حکیم ..

**انجام :** ودلائل بر امامت اهل البیت بیشتر از آن است که بقلم درتوان آورد و  
 ۲۵ بدین قدر اختصار کرده شد والحمد لله رب العالمین .

## [۷۶۲]

این نسخه ۳۵ دفتر است و بخط تعلیق گ ۱۱۰ ب - ۱۲۸ ب . از گ ۱۳ الف تا ۱۰۱۵ الف یک خط است و در گ ۱۴۵ ب پایان تاریخ منظوم چهارده معصوم نوشته شده و دارد : «وقد تم فی ۱۵ شهر ذی القعدة الحرام سنة ۹۱۳ ثلث عشر وتسعمائة الهجرية .

[۷۶۱] تحفة شاہی و عطیة الہی (فارسی)

مولی زین الدین علی بدخشی تجرید طوسی را برای سلطان محمد قطب شاه (۹۸۹-۱۰۲۰) پیارسی گزارش نمود و در ج ۲ سال ۱۰۲۳ آنرا پایان رساند (ذریعه ج ۳ ص ۴۴۳) .

## [۷۶۳]

این نسخه بخط تعلیق و متن بنسخ و شنگرف میباشد و تنها بخش الهی را دارد ۳۳۸ تا پایان کتاب و چنین است : «باشد و حال آنکه ثابت کردیم حدوث را (در مبحث توانائی خدا و پیش از ترجمه عبارت والواسطة غیر معقوله) - تمام شد ترجمه شرح تجرید و تمام بحقیقت وقتی شود که پسندیده آید در نظر... المؤید من عند الله هما یون اعظم... امید که... از دریای فیض مآثر خاطر مهربان در گاه الهی بر وجود خاکی این بنده کثیر التقصیر مترشح گردد. در ماه فلان بشار بخ فلان مرقوم گردید. والله اعلم بالصواب والحمد لله رب العالمین .

(۴۱۷۹) = کاغذ قرمه سمرقندی - جلد تیماج کهنه ضربی

اندازه : ۱۷ × ۲۶ و ۱۰ × ۱۸ س ۱۵

۲۰

[۷۶۲] التحفة الوجیزة (تحفة الاصول) (عربی)

علامه میرزا عماد الدین (سده ۱۱) این رساله کوتاه را در اصول دین نگاشته است تا بتوان باسانی یاد سپرد .

## [۷۶۴]

این نسخه شماره ۱ دفتر بخط نسخ درشت معرب و ترجمه پارسی آن در میان ۴۱۱ سطرها بخط تعلیق و شنگرف میباشد و حاشیه های «منه» دارد بخط شکسته و نویسنده آن نگارنده رساله را شناساند و چنین است : «وارکان الاسلام اوجزت لتذکر عقول اهل الیقین (دیباچه) - و یترق الايمان فی الايمان . تمت تحفة الاصول من علم الکلام فی اصول الدین و ارکان الاسلام بتوفیق الله، الملک العلم، فی سنة ۱۰۹۱»

۲۵



نسخه آغاز ندارد و میان دیباچه و خود رساله و تیز میان بحث نبوت و معاد افتادگی دارد : گ ۱ الف - ۴ الف .

( همه دفتر ۳۵ ) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج <sup>مهره ۱</sup> فرسوده  
اندازه : ۸×۱۵ و ۵×۱۰ س ۱۵

۵ [۶۲۳] تحفة اللوشائع في دلائع السنائع (عربی)

حاشیه‌ای است بر تحفه و جیزه (ش ۱/۱۱۴) و گاهی شعرهای پارسی هم در آن دیده می‌شود. نگارنده آن همان میرزا عمادالدین می‌باشد که تحفه را از لوامع اللوائح خود گزین نموده است.

آغاز: بسمله و حمد و صلاوة. اما بعد فهذه تحفة اللوشائع من حواشی الوجیزة فی علم الکلام التي اجملت متناهن لوامع اللوائح.

انجام: آنچه در ذات بنده پنهان است - نطقش آنرا بیان و برهان است - بهمین است ختم حق کلام - یابد از علم هر عمل اتم - ام. تمت حواشی التحفة الوجیزة فی علم الکلام، لشرح مسائله علی اقوام الاقوام، و شرح دلائله علی انظم النظام.

[۷۶۵]

۱۵  
۴۱۱ ایت نسخه شماره ۲ دفتر و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف و برخی جاها اعراب دارد. و حاشیه‌هایی در آن هست بخط تعلیق و شنگرف بهمان خط مترجم ش ۱ ایندفتر (تحفه و جیزه) گ ۴ ب - ۱۵۵ الف.

۶ [۶۲۴] الاختلاف من جیش المعاداة (و معاداة فی ده) (عربی)

۲۰ از ملا میرزا محمد بن حسن شیروانی (۱۰۹۸) فیلسوف کلامی فقیه جدلی شاگرد دانشمند خوانساری (آقا حسین ۱۰۹۹) که در روزگار شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷ - ۱۱۰۵) و بدستور اواز نجف سپاهان آمده بود و آرامگاهش در طوس می‌باشد. او در این گفتار در این مسئله تاریخی که متکلمان شیعی و سنی درباره امامت بدان می‌نگریستند سخن بمیان آورد: که ابو بکر و عمر می‌بایست بدستور پیامبر با سپاهیان اسامه باشند چرا از آن سرباز زدند و همین نافرمانی خود مایه کفر می‌باشد و چنین کسانی شایستگی جانشینی پیامبر و فرمانروائی بر مسلمانان نخواهند داشت. ۲۵ شیروانی در اینجا بسختان قاضی القضاة (عبدالجبار همدانی) و سید مرتضی مینگرد

ودر میان آندو داوری میکند .

آغاز: قالت الامامية ان ابا بكر كان في جيش اسامة فتاخره مخالفة الرسول...

اقول ومما يدل على انه كان فيها مخاطبته اياه بالامير حتى مات .

انجام: والانكار لامارة اسامة والوجود للنبوة متعللا بالمذكورات من معدن

واحد و یفرع علی اصل واحد وتشابهت الاحوال واستقرت بالافرق. الى هنا انتهى كلامه ۵  
ادام الله ظلال افادته وميامن برکاته .

[۷۶۶]

این نسخه شماره ۲ دفتر و بخط تعلیق بانسانها وعنوانهای شنگرف میباشد.

۱۳۶ گ ۵۳ - ۱۰۱ ب . دو نسخه از این در طوس هست (ج ۴ ش ۶۱۴ - ۶۱۵) و

آغاز در آنجا چنین میباشد: « الحمد لله اولاباديا وثانیا تالیا ... وآله سادات ۱۰  
الانام » - نام رساله و نگارنده آن در پشت نسخه ما (۵۳ الف) دوبار یاد گردید .

[۶۲۵] ترجمه الفصول فی الاصول (عربی)

رکن الدین محمد بن علی فارسی گرگانی (علی نجفی (نیمه دوم سده ۷) فصول

پارسی خواجه طوسی را که بروش کلامیان (۱) نگاشته برای اینکه چندان مبهم

۱۵ عراقیان تازی زبان شناخته نبود بتازی در آورد تاتازیان بآسانی دریابند و ایرانبان  
بدان ارج نهند . اوشاگرد علامه حلی بوده و مبادی او را بسال ۶۹۷ گزارش نمود

۱ - طوسی در این نگارش در مسئله هایی مانند موجب بودن خدا و یکی بودن آفریده

آفریننده یکنوا آگاه نبودن خدا از جزئی زمانی و حسن و قبح عقلی و امتناع حشر - ساد  
بر فیلسوفان رد میکند - این رکن الدین جزا به الفضائل سید رکن الدین حسن بن محمد

۲۰ بن شرف شاه علوی حسینی استرآبادی موصلی شاگرد خواجه طوسی و سرور یاران او  
میباشد . این موصلی شاگرد آمدی و فیلسوف و متکلم و اصولی نحوی بوده قواعد العقاید

طوسی را بدستور پسرش گزارش نمود و شافیه ابن حاجب را شرح کرد و بر کافیه اومه  
گزارش بزرگ بنام بسیط و میانین بنام وافیه که متداول بوده و کوچک نوشت و در ۱۴

صفر ۷۱۵ در گذشت . سال مرگش را ۷۱۷ و ۷۱۸ نیز نوشته اند او هفتاد و اند سال بزیست  
پس رکن الدین گرگانی سید نبوده و گویا طوسی را هم ندیده باشد بنگرید به: بغیه -

۲۵ الوعاة سیوطی مصر ۱۳۲۶ ص ۲۲۸ - روضات الجنات ص ۲۲۳ - کشف الظنون (کافیه -  
شافیه) - ص ۴۵۸ همین فهرست که از دیباچه آقای هنری کر بین بهره برده شد .

( ذریعه ج ۲ ص ۴۲۳ ) .

این کتاب در چهار فصل و هریک چند اصل است .

آغاز: بسمله . اما بعد حمد الله الواجب وجوده، الفاض علی سائر القوابل جوده...  
فان علم الکلام وان کثرت اسراره ... الان زبدته ... قدضمنها ... نصیر الملة والعق  
والدين . الطوسی ... فی وریقات قليلة ... وسمایها بالفصول فی الاصول الا انها لکونها  
فارسیة لم یعرفها العربی وعاقها مع فصاحتها العجمی؛ فلذلك غاب شمسها فی اکثر الافاق  
ولم یطلع بدرها فی العراق؛ فرایت عند ذلك ان اجردها عن ثیاب الفاظها واحلیها  
بکسوة الکلمات العربیة لیعم طلبة العلم نفعها ویعظم عند العجم وقعها ... وهی موضوعة  
علی اربعة فصول .

۱۰ انجام : ان من نظر بعین عقله و شاهد هذا الحكم فی تنبيه يجب علیه ان يعرف  
غرض الخالق من خلقه بفضله ولا یضعفه بتقریطه وجهله والاشقی وخسر خسرا نامینا،  
وقفنا لله وایاکم (بسعادة الدار) لدار الآخرة بمحمد وآله (وعترته) الطاهرين والحمد  
للرب العالمین (آمین رب العالمین برحمتک یا ارحم الراحمین) .

[۷۶۷]

این نسخه شماره ۳ دفتر و بخط نسخ علی اکبر قزنجاهی ۱ شوال ۱۰۳۶  
۲۸۲۱۵ (۱۳۶ در نسخه) گ ۱۳۱ پ - ۱۴۰ پ .

[۷۶۸]

این نسخه شماره ۲ دفتر و بخط تعلیق و عنوانها بسخ تاریخ ۱۱۹۸ مییاشد .  
۱۰۸۸ گ ۸ پ - ۱۳ الف . در گ ۱۳ الف نیز بندی از کشکول نوشته شده .

۲۰ [۷۶۶] ترجمه فصول المختاره (فارسی)

شیخ مفید دانشمند شیعی (۳۳۸-۴۱۳) دو نگارش دارد که در آنها گفتگوها که  
با دانشمندان کرده و خرده گیریها که از کیشهای دیگر نموده آورد یکی بنام «المجالس  
المحفوظة فی فنون الکلام» دیگری بنام «العیون والمحاسن» سیدمرتضی ( ۳۵۵ -  
۴۳۶) شاگرد اودر روزگار استاد از این دو کتاب گزین نموده « الفصول المختارة »  
۲۵ خود را نوشت و آن دوبار یکی در عراق نزدیک ۱۳۶۱ دیگری در چاپخانه حیدری



نجف بی تاریخ بچاپ رسید (۱).

آنرا دانشمند آقا جمال الدین محمد خوانساری (۱۱۲۵م) بدستور حاجی احمد بیك معتمد السلطنه پیاری کرده و در روز چهارشنبه ۲ شوال ۱۰۷۸ بیایان رساند. این ترجمه دوجلد است نخستین ۷۰ فصل و دومی ۵۱ فصل میباشد و نسخه ما تا بیایان فصل ۳۵ جلد ۲ میرسد و فصل ۳۵ در متن تازی دیده نمیشود و پیداست که از فصل ۳۵ تا ۵۱ جلد ۲ بندهائی است که بر کتاب افزوده شد چنانکه در گ ۸ الف فهرست یاد گردید. نگارنده ذریعه (ج ۴ ص ۱۲۲) نسخه ای را دید که در ۱۰۹۹ نوشته شده بود.

آغاز: بسمله و به نستعلیق. بخور مجالس هوشمندان مشکین مغز از آتش بی دود گل حمد چمن پیرائی است که ترجمه نواهای عندلیبان شوقش دستان غرائب قدرت اوست و نکته مشام بزم افروزان عقل و خرد از نسیم انفاس تقدیس محفل آرائی است که تأویل کلام قصه پردازان عالم صنعتش تفسیر آیه حکمت او است. انجام: «که موافق عموم قرآن و ظاهر آن باشد اولی است از حمل برخلاف آن. وَاللّٰهُ نَسْتَلِ التَّوْفِیْقَ . وَهُوَ حَسْبُنَا وَنَعْمَ الْوَكِیْل . تمم کتاب الفصول ... علی ید ... جمال الدین محمد شیرازی فی تاریخ یوم الاربعاء ۲۰ شهر شوال ۱۰۷۸» نام جمال الدین محمد بن الحسین خوانساری در دیباچه (گ ۱۰ الف) هم دیده میشود. در پایان جلد یکم گ ۲۹ ب نیز دارد: «تم الجلد الاول من کتاب الفصول بید مترجمه ... جمال الدین محمد بن الحسین خوانساری عفی عنهما ربهما» پس واژه شیرازی گویا سهو قلم باشد.

۱- نیز بنگرید به: حاشیه چرندیابی بر اوائل المقالات مفید چاپ دوم تبریز ۱۳۳۰ خ ص ۱۳۳. این فصول از رهگذر تاریخ رایهای کلامیان و گفتگوهای آنان با یکدیگر بسیار سودمند است و از کسانی مانند ابوبکر احمد بن سیار و ابو عمر شرطی و قاضی ابو محمد عمانی و ابوبکر دقاق و باقلانی یاد شد که با مفید گفتگو داشتند. از گفتگوهای دانشمندان پیشین مانند علی بن میثم با ابوالهذیل علاء و ضرار نیز هشام بن حکم با ضرار در آن یاد گردید. سخنانی از خیاط و کعبی و شیخ اسماعیلی و شیخ زهیدی و جاحظ و نظام و دیگران در آن آمده و مفید از آنها خرده گرفت.

این نسخه بتعلیق در جدول زرین و لاجوردی دارای سرلوح زیبا میباشد و دو صفحه نخستین (فهرست) باحاشیه آب طلا و گل و بوته داراست. در گ ۱ الف ۷۶۶  
 بنسخ نوشته شده که نسخه در ۱۰۹۴ وقف شده و تولیت آن پس از واقف بامیر محمد خاتون آبادی میباشد. فهرست گ ۱ ب — ۹ ب و کتاب ۹ ب — ۲۷۱ الف. این فهرست را مظفرعلی نامی نوشته که در آغاز نسخه ما دیده میشود و این نسخه تا پایان فصل ۳۵ جلد دوم است و فصل ۳۴ آن برابر است با پایان کتاب فصول در چاپ دوم عراق و آغاز جلد دوم ترجمه درص ۱۲۴ ج ۱ چاپ دوم دیده میشود.

(۳۲۷۱) — کاغذ ترمه سپاهانی — جلد تیناج زرد ضربی مقوای بابر مردان، صاحب قریه

اندازه: ۱۴ × ۲۵ و ۱۷ × ۱۹ س ۱۹

در نسخ جامع

[۶۲۷] تَجْرِیدُ الْقَوَائِدِ فِی شَرْحِ تَجْرِیدِ الْعُقَاوِدِ (عربی)

شمس یاشهاب الشین محمود بن ابی القاسم عبدالرحمن بن احمد سپاهانی (۶۷۴ — ۷۴۹) تجرید الکلام طوسی را پس از علامه حلی و اسفرائینی گزارش نمود و آن همانست که بشرح قدیم نامبردار میباشد. او در دیباچه پس از ستودن از طوسی و آمرزش خواستن از خدای برای وی میگوید که تجرید گزیده و مرموز بود و بدستور کسیکه نمی توانستم از فرمایش سرباز زخم بگزارش آن پرداخته خرده گیرها که بر بخش امامت آن میشود کرد نشان میدهم. سپاهانی از دو گزارش پیش از خود از علامه حلی و شمس الدین محمد اسفرائینی بیبقی (که در روزگار طوسی میزیست) آگاه نبوده و یادی از آنها نکرده است. در ذریعه (ج ۳ ص ۳۵۳) گوید که در دیباچه او از آندو یاد نمود.

متن پس از «الاصل» و گزارش پس از «الشرح» میآید و همه متن در آن هست. آغاز: بسم الله المتوحد بوجوب الوجود ... قال ... محمود بن ابی القاسم بن احمد الاصفهانی ... يقول لما كان اعلى ما يسمو اليه.

بنام خدا: هذا آخر ما تيسر لنا ... والمسئول من الله ... ان يجعله ... ذخرا لنا في

يوم الدين ۲۵

[۷۷۰]

- این نسخه گ ۱ الف - ۲۶۴ ب دفتر و نسخ با عنوانهای شنگرف و کهنه است  
 ۲۸۴ و خط سه صفحه نخستین پیش از کتاب (درباره کتابهای کلامی) و برک ۴ کتاب  
 و دو صفحه آخر دفتر شکسته تعلیق میباشد و سه صفحه نخستین و دو صفحه آخر  
 کتاب نو نویس بخط تعلیق روشن است و در سه صفحه آغاز و دو صفحه پایان دفتر سخنانی  
 ۵ است فلسفی و کلامی و از آسمان و جهان بحار مجلسی در آن آمده است. حاشیه هائی  
 بهمان خط شکسته دیده میشود.

- در پایان نسخه دارد: «تم الكتاب بتمامه... قد وقع الفراغ من الكتاب في غرة شهر  
 رجب سنة ۷۷۱» و این باید تاریخ نسخه ای باشد که از روی آن این نسخه را کامل کردند  
 ۱۰ چه این عبارت بخط تازه نو نویس میباشد.

(۳۴۶۶ + ۴) - کاغذ ترمه سمرقندی - جلد تیماج مشکی کهنه مقوایی

اندازه: ۱۸×۱۴ و ۸×۱۴ س ۱۹

[۷۷۱]

- این نسخه بنسخ کهنه با عنوانهای شنگرف میباشد و چنین است: «لصورة  
 ۱۵ (ذاك) العضولكان تلك الصورة مقارنة لمحل النفس الناطقة (مبحث دلیلهای  
 تجرد نفس - برابر با س ۸ گ ۱۳۷ ب ش ۲۸۴) - فذلك هو المنتهى وما اليه و  
 المبدء (مبحث حرکت در بحث اعراض - برابر با س ۱۵ گ ۱۸۷ الف همان شماره) - «  
 (۳۴۸) - کاغذ ترمه سمرقندی - جلد تازه کهنه زرر لسط قشای  
 اندازه: ۲۴×۱۳ و ۷×۱۴ س ۲۳

- ۲۰ (عربی) تصحيح الاعتقاد [۶۲۸]

- رهبر دانشمند شیعی شیخ ابو جعفر محمد بن بابویه قمی (۳۸۱ م در ری) در  
 نیشابور برای پیروان سخن میراند و در انجمنی که پیران و مشائخ در روز آدینه ۱۲  
 شعبان ۳۶۸ گرد آمده بودند از او درخواستند تا آئین امامیان را بآنان بشناساند.  
 او در آن انجمن «کتاب اعتقادات» خویش را برای آنها خواند. شیخ مفید (۳۳۶-  
 ۴۱۳) بدین دفتر نگریسته نکته‌هایی درباره آن از آغاز تا انجام آورده و در بسیاری  
 ۲۵ از جاها از آن خرده گرفت و بسا از گفته‌های او را نپذیرفت همین است که نام «تصحیح  
 الاعتقاد» دارد و در تبریز دو بار بسالهای ۱۳۶۴ و ۱۳۷۱ با اوایل المقالات همو  
 بچاپ رسید.



مفید در آن باقمی در آفریده شدن جانها پیش از تنها مخالفت کرده میگوید که  
 خبر «ان الارواح مخلوقة قبل الاجساد بالفی عام فماتعارف منها ایتلف وماتناکرمنها  
 اختلف» واحد است و تناسخیان و حشویان شیعی چنین گویند و جهان ذری مینندارند  
 و گرنه میبایستی از آن جهان چیزی بیاد آید (اینجا سخن بالاتون درباره تذکر بیاد  
 میآید) باز میگوید بقاء نفس با آیه «کل من علیها فان» نمیسازد و رای فیلسوفان  
 ملحد است که میگویند جان را پیدایش و تباهی نیست و رای تناسخیان که بتکرار  
 نفوس در صور و هیاکل میگویند. این را ناصبیان بشیعه بستند و از آنان نکوهش  
 کردند و زندقشان خواندند. اخباریان ماساده و کودتند و بهر خبری میگریزند و  
 درست و نادرست آن را نمی شناسند و معنی آن را نمی یابند. روان گویا همان گوهریست  
 که بالو سخن میگویند و فیلسوفان آن را ساده مینامند (ص ۳۲ - ۳۸ چاپ دوم)  
 اینکه شیخ میگوید که همه امامان کشته شدند درست نیست و خبری که آوردند  
 گزافه است همین اندازه میتوانیم بگوئیم که سه پیشوای نخستین و امام کاظم (ع) و  
 گویا امام رضا (ع) را کشته باشند نه پیشوایان دیگر (ص ۶۳) درباره حلاجیان میگوید  
 که آنها صوفی و اباحتی و حاولی و ملحد و زندق هستند و برای حلاج مانند مجوسان  
 برای زردشت و ترسایان برای راهبان خود آیت و اعجاز می پندارند و از دین بسی  
 دورترند تا ایندو گروه (ص ۶۵) باز میگوید اینکه قمی مینویسد هر کس دانشمندان  
 قم را کوتاه ورز بداند خود غلو ورزید درست نیست چه این الولید قمی میگوید که  
 «پیامبر را فراموش کننده ندانستن غلو است» پس او در این باره تقصیر نمود و بسیاری  
 از قمیان را دیدیم که امامان را از پایگاه ارجمندشان پائین میآوردند و میگفتند که  
 آنان بسیاری از احکام دین را نمی دانستند تا در دلهایشان بگذرد و گروهی از آنها  
 هم درباره امامان پندار و گمان روا میداشتند. پس نشانه غلو نه آنستکه قمی  
 پنداشت بلکه قدیم و الهی و آفریننده دانستن آنها (ص ۶۵).

مفید در این گزارش از «تهید - مصابیح النور - پاسخ پرسشها که از شهرها بدو  
 رسید و در آنها درست و نادرست حدیثها را روشن نمود» یسار کرد (ص ۷۰) او در

« اجوبه مسائل سرویه » نیز از اشباح و اظلاله و عالم ذر گفتگو نمود ( رسائل چاپ نجف ص ۴۴ و پس از آن ) چنانکه در ارشاد و مقنعه خود هم برای بسیاری از امامان مرگ طبیعی گفته است ( حاشیه ۲ ص ۶۴ چاپی ) .

[۷۷۲]

- ۵ این نسخه شماره ۱۰ دفتر است و بخط نسخ درشت با عنوانهای شنکرف از علی اکبر قزنجاهی بسال ۱۰۳۶ ( در نسخه ۱۳۶ ) گ ۱ ب - ۲۶ .

۲۸۲

[۶۲۹] تقدیس الایماء و تمجید الاوصیاء (فارسی)

- محمد بن سید احمد علوی عاملی که بعد الحسیب حسینی فاطمی نام بردار است در این کتاب از خرده گیرها که درباره عصمت پیامبران کرده اند پاسخ گفته امامت پیشوایان شیعی را روشن ساخت و آشکار داشت که امامان معصوم میباشند و دلیل ۱۰ های عقلی و نقلی برای آن آورد . کتاب در یک فاتحه و چند تقدیس هر یک دارای چند تمجید و یک خاتمه میباشد . نام کتاب و نگارنده آن در متن دیده میشود .  
آغاز : بسم الله . وهو العزيز العليم الحكيم . سر هر نامه است نام خدا . بهتر از هر سخن کلام خدا ... شکر بقیاس و سیاس با اساس ذاتی را سزد .  
انجام : و این مباحث را در کتاب مناهج الشارعی ... بیان نموده ایم ... حق تعالی ۱۵ جمیع مؤمنان را توفیق علم و (عمل) میسر گرداند بالنبی والوصی و آلهما و صلی الله علی محمد و آله اجمعین ابدالا بدین .

[۷۷۳]

- این نسخه بخط تعلیق با عنوانهای شنکرف و عبارت های تازی بنسخه میباشد ۳۵۲  
از حیدر علی بن کلب علی و انوسقادرانی در شنبه ۱۹ ذی قعدة ۱۰۶۹ .  
(۳۴۹۳) - کاغذ فرنگی - جلد تهاج مشکى کهنه فرسوده مقوایی  
اندازه : ۱۴ × ۱۹٫۵ و ۸٫۵ × ۱۳٫۵ س ۱۷

[۶۳۰] تلخیص الشافی (عربی)

- شیخ ابو جعفر محمد طوسی (۳۸۵-۴۶۰) چون دید که مغنی عبد الجبار و شافی سید مرتضی بی ترتیب است بدانها سامانی داده و پاکیزه ساخت و بدان تلخیص نام ۲۵

داد که در دو جزء میباشد و با خود شافعی بچاپ رسید و این جز «الاستیفاء فی الامامة» (۱) طوسی است و در رجب ۴۳۲ بمیان رسید. بهاء الدین محمد سبزواری نائینی سپاهانی (زاده در ۱۰۸۰ و زنده ۱۱۳۰) نیز شافعی را یکبار بنام «ارتشاف الصافی من سلاف الشافعی» و باره دیگر بنام «صفوة الصافی من رغوۃ الشافعی» گزین نموده است. (ذریعه ج ۲ ص ۳۴۴ و ج ۴ ص ۴۲۳).

[۷۷۴]

این نسخه بنسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف از علی بن شمس در چهارشنبه ۷ محرم ۱۱۱۰ و از روی نسخه‌ای نوشته شده که ابونصر محمد بن ابی رشید رازی نجف نشین در ۵۳۲ آنرا نوشته بود.

مهرجواد بن مرتضی حسنی حسینی طباطبائی در گ ۱ الف و سه جای پایان دیده می شود.

(۴ ۲۵۷) - کاغذ فرعی - جلد تمایح رخ ضری مقوالی با بر فردان  
اندازه: ۲۱×۱۵ و ۹×۵ هر ۱۵ س ۲۱

[۶۳۱] تنزیه الانبیاء والائمة (عربی)

سید مرتضی در این کتاب روشن میسازد که پیامبران و پیشوایان شیعی از هر گونه گناه پاکند. و هیچ کار نکوهیده‌ای از آنان سر نمیزند. او در پایان از کتاب امامت خود یاد میکند. این کتاب در تبریز بسال ۱۲۹۰ بچاپ سنگی رسید. عبدالوهاب بن علی گرگانی (سده ۹) نیز کتابی بنام «تنزیه الانبیاء» دارد که در آن بسخنان مرتضی نگریسته است. شهاب الدین شافعی رازی در رد آن «زلة الانبیاء» نوشته است (فهرست طوس ش ۴۲۸ - ذریعه ج ۴ ص ۴۵۶).

آغاز: بسم الله. الحمد لله كما هو امله ومستحقه... سالت احسن الله توفيقك املاء الكلام في تنزيه الانبياء والائمة.

انجام: ولعلمنا ان نستقصي الكلام فيه وناتي على ما عمله لم نورد في كتاب الامامة في موضع نقرده له ان اخر الله تعالى في المدة وتفضل بالتأييد والمعونة وهو المسؤول

۱ - ابی سهل اسماعیل نوبختی دانشمند کلامی ایرانی و نگارنده «ابطال القیاس» نیز (الاستیفاء فی الامامة) دارد.



ذلك والاموال لكل فضل وخير قربا من ثوابه وبعد امن عقابه والحمد لله رب العالمين  
وصلى الله على سيدنا محمد النبي وآله الطاهرين .

[۷۷۵]

- این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط نسخ با نشانه‌ها و عنوانهای شتگرف بتاریخ  
۶۸۹ رمضان ۱۰۰۸ گ ۱ ب- ۱۴۷ الف - دانشمند محمد بن عبدالنبی نیشابوری  
مینویسد که در دهه دوم ج ۲ سال ۱۲۰۵ آنرا خوانده‌ام (گ ۱۴۷ الف) وی چند  
جا حاشیه نوشت باز خط او در گ ۱۴۷ م الف بامهر «صلی علی محمد» دیده میشود که  
نسخه را خریده است. صالح بن عبدالکریم کرز کانی بحرانی شیرازی محدث فقیه در  
۱۰۸۰ مینویسد که محمد کریم شوشتری آنرا نزد من خوانده و بیایان رساند و بدو اجازه  
میدهد (الف ۱۴۷) و چند جا نشانه بلاغ او هست. در گ ۱ الف خط حاجی میرزا حسین بن  
محمد تقی نوری دیده میشود که نسخه از آن او شد و در همانجا نوشته است که در ۲ صفر  
۱۱۳۰ این نسخه در لاهور بکتابخانه شاهی آمده و مهر شاهانه دیده میشود. و دارد  
که این نسخه در تاریخهای ۲۰ صفر ۱۰۹۵ و ۱۵ ج ۱ سال ۱۰۹۸ و ۱۹ ج ۲ سال ۱۰۹۹ و  
۱۹ ج ۲ سال ۱۱۰۱ و ۱۲ صفر ۱۱۰۲ و ۲۱ شعبان و ۲۶ شوال (۳۶ دلو) و ۲۴ ذی حجه ۱۱۰۸  
و ۱۳ ج ۱ سال ۱۱۱۱ و ۲۲ شعبان ۱۱۱۵ و ۲۱ و ۲۲ ج ۲ و ۵ ذی حجه ۱۱۲۰ ملاحظه شده یا  
۱۵ بعرض رسید.

- از عرض کنندگان مهرها، در آن هست: دومهر شاهی - ابوالحسن - محمد  
رضا - بهرام - ابراهیم خان - شرف الدین - محمد اشرف - و جز اینها که خوانده نشده  
است. محمد بن عبدالنبی نیشابوری (گ ۱۳۴ الف) مینویسد که گاهی که بفارس میرفته‌ام  
۲۰ در حله در نیمه یکم جمادی یکم سال ۱۲۰۴ نزد شریف سید سلیمان پزشک ادیب محدث حلی  
«کتاب المنثور والمنظوم» را که در گنجینه متوکل دوم عباسی بوده دیده‌ام. همین  
محمد بخط و مهر خود می نویسد که نسخه را خریدم (گ ۱۴۷ الف).

[۶۳۲] حاشیه بر شرح عقاید عسکری (عربی)

- دانشمند دوانی (۸۲۸-۹۰۸) بر «عقاید» دانشمند قاضی عضد الدین عبدالرحمن  
ایجی فارسی (مرده در زندان ۷۵۶) گزارش نویسته و مولانا سید آقا حسین حسینی  
خلخالی (م ۱۰۱۴) بدرخواست دوستان خویش بر این گزارش حاشیه کرده و گفتار  
دوانی را استوار بداشت. او در آغاز میگوید که موشکافی و باریکبینی دوانی در

این گزارش مایه این شد که گروهی بیراه گردند و دسته‌ای هم میخواستند که کسی دشوارشهای آن را آسان کند. این بود که من بخواهش یاران بدین نگارش پرداختم و بهوشمندان درست‌اندیش ارمغان دادم و از تنگ چشمان بخدای پناه میبرم. خلخالی این را در رد حواشی خانقاهی نگارش مولی یوسف بن محمد خان قره باغی «حمد شاهی کوسج» (۱۰۵۴) که در خانگاه حسینی سمرقند برای ابو حامد خلیل الله در ۹۹۹ نوشته است پرداخت. کوسج قره باغی دوباره در رد این در ۱۰۳۳ «تممة الحواشی فی ازالة الغواشی» نگاشته است در دانشمندان آذربایجان آمده که خلخالی دوباره او را رد نمود (ذریعه ج ۶ ص ۱۲۵ - ش ۹۲ مجلس).

آغاز: بسم الله... الحمد لله الذي هدانا لهذا المنهج الرشيد والمسلک السديد.

انجام: قوله لان احاد الصحابة والتابعين كانوا يأمرون بالمعروف... بل الامر فيه موکول الى اهل الاجتهاد. تم.

[۷۷۶]

این نسخه شماره ۲ دفتر و بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف نزدیک ۱۰۱۳ گ ۸۱  
 ۳۱۲ ب - ۱۵۱ الف میباشد. نسخه‌ای از این در طوس ش ۵۱۸ هست و سال مرگ خلخالی  
 ۱۵ در این فهرست سال ۱۰۱۴ دانسته شده و آن با رد کردن بر رد کوسج پس از ۱۰۳۳  
 نمی سازد.

(فارسی)

حسنیه

[۶۳۳]

این نگارش در کلام شیعی و در یک دیباچه و دو باب است و از عزالدین بن جعفر  
 بن شمس الدین آملی که با محقق کرکی و قطیفی نزد علی بن هلال جزائری درس  
 خوانده و نهج البلاغه را برای آقا حسن وزیر مازندران در ۹۴۴ پیارسی کرد. در این  
 رساله از او بنام «وکیل السلطنة بمازندران تاج الدین حسن» ستایش نمود (ذریعه ج  
 ۷ ص ۲۰) در نسخه‌های چنین چیزی دیده نمیشود و نامی از آملی هم برده نشده است.  
 آغاز: بسم الله. حمد بی حد و سپاس بی عدم و واجب الوجود را که نظام اصول از  
 فیض جود اوست... این رساله ایست مسمی بر رساله حسنیه در بیان اعتقاد (ات) قلبیه  
 و ذکر عبادات شرعیه.

**انجام :** و نیز باید که در هر صبح و شام با آنچه مقدور او باشد دعاء عدیله ...  
بخواند والحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد وآله ... الطاهرین .

[۷۷۷]

- این نسخه شماره ۲ دفتر و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف میباشد گ ۱۶ ب  
۸۹۹ ۳۳ الف ، شماره ۳ آن کتابی است در همه بابهای فقه بفارسی بهمان خط بتاریخ  
۱۰۲۵ گ ۳۳ ب- ۲۳۷ ب و شاید این هم از آملی باشد .  
(همه دفتر ۲۳۸ هـ) - کاغذ سمرقندی - جلد تیداج زرد ضریبی مقوایی  
اندازه : ۲۲×۱۴ و ۱۵×۲۳ س ۲۴

[۶۳۴] حقائق المعارف (عربی)

- در این رساله از اصول عقاید از روی آیتها و خبرها بروش امامیان گفتگو میشود  
۱۰ وعلی اصغر بن علی اکبر برو جردی آنرا بدرخواست برادران دینی نوشته و یک مقدمه  
و پنج مشکوة و یک خاتمه میباشد .

آغاز: بسم الله الذی شرح صدورنا بمعارف حقائق اسرار محبته .

انجام: نعم یکفی لواکم یکن من الاداء التکم ممافعل . هذا آخر ما اردنا لیراده

و فقنا الله تعالی لایراد ما نقص مما اردناه فی مجلد آخر . کتب بیمنه الدائرة ... مصنفه ... ۱۵

علی اصغر بن علی اکبر البروجردی فی شهر رجب المرجب من شهر سنة ۱۲۶۵ (ص ۸۴ - زر لک)

[۷۷۸]

این نسخه بنسخ با عنوانهای شنگرف و حاشیه‌هایی از خود او در آن هست و

۳۶۲ خود آنرا در رجب ۱۲۶۵ نوشته است . در پایان دفتر دو صفحه از الفین علامه

۲۰ دیده می شود .

(۳۸۵ هـ) - کاغذ قرطبی - جلد تیماج زرد

اندازه : ۲۱×۱۵ و ۱۶×۲۳ س ۲۴

[۶۳۵] حیات النفوس (فارسی)

اطف الله بن محمد رفیع فارسی برای دوستان خویش در این رساله از اصولهای

۲۵ پنجگانه دین ( توحید - عدل - نبوت - امامت - معاد ) گفتگو نمود و آن در یک

مقدمه و پنج باب است و دیباچه آن بتازی میباشد . در پایان میگوید که در روزگار



محمد شاه قاجار (۱۱۹۳-۱۲۱۱) در شیراز زاده و فارسی را در آنجا نزد پدر خوانده ام  
او که بسفر رفت رفت من برای فرا گرفتن علمهای ادب همراه او بودم. هنگامیکه  
منوچهر خان معتمدالدوله در سپاهان فرمانروائی میکرد من بدانجا شدم و پدرم از  
نزدیکان او بود. من دست از آموختن دانش نکشیدم و این نگارش را پیرداختم  
و بمنوچهر خان ارمغان دادم.

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم... فبقول... ابن محمد رفیع الفارسی المدعو  
بلطف الله.

انجام: وظل عاطفتش بر مفارق بندگان پابنده باد الی يوم التناد اللهم طول  
عمرنا... بحق محمد و اله الطاهرین.

[۷۷۹]

این نسخه بخط تعلیق زیبا و دارای سرلوح و حاشیه زرین و در جدول بزرو عنوانها  
و عبارتهای تازی بشکرف و شعرها برنک سبز میباشد.  
(۴۵۱) - کاغذ برقی - جلد نیمج مشکى  
اندازه: ۱۳ × ۲۰٫۵ و ۱۵ × ۱۲

(عربی)

خلاصه

[۶۳۶] ۱۵

قطب الدین سبزواری این رساله کلامی را در ۸ باب (توحید - عدل - نبوت -  
امامت - وعد و وعید - آلام و اعراض - اجال و ارزاق و اسعار - احوال مکلفان  
پس از مرگ) نگاشته است.

آغاز: بسم الله رب زدنی علما و الحمد لله رب العالمین... اعلم ان هذا الكتاب يشتمل  
على مسائل يتعلق بعلم الاصول.

انجام: فلو كانوا مکلفین لم یکن خالصا من المشقة وذلك محال فثبت انهم غیر  
المکلفین بل منعمین مکرمین (تمت هذه الاجزاء الموسومة بالخلاصة فی معرفة الله و  
صفاته الثبوتية والسلبية - ش ۵۶۲ طوس).

[۷۸۰]

- این نسخه شماره ۲ دفتر است و بنسخ خوش معرب باحاشیه‌های تازی و برخی  
 ۸۷۹ عنوانها شنگرف و در روز آدینه یکم شوال ۸۷۸ برای کمال‌الدین بن عبدالله  
 بن سعید گرگانی نویسنده شماره یکم نوشته شده و نام نویسنده خوانا نیست.  
 نسخه بدینجا «لا یتفع المؤمن یا مائة و سایر طاعاته و لا یندفع عنه بذلک الايمان» می‌انجامد  
 و پایان نمیرسد و برگهای ۱۱۵ و ۱۱۶ نیز با هم نمی‌پیوندند. گ ۱۰۵ ب- ۱۱۶ الف.  
 [۶۳۷] **دلالة النبي رآه هالي نبوة النبي** (عربی)

نگارنده گفتار میگوید که می‌خواهم گستاخان و ستیزندگان را پاسخ دهم.

[۷۸۱]

- این نسخه شماره ۱۸ دفتر و بخط تعلیق و در یک صفحه (گ ۲۳۲ ب) میباشد  
 ۱۰۷۴ و کم دارد و چنین است: «بسم الله . اما بعد حمد الله على اللهم (؟) له من الهداية  
 وعصم عنه من الغواية ... فان سبيل من شيخ (؟) من العباد بالفظانة والرشاد ان  
 تحمد (؟) في البحث عن احوال المعاد والتأمل لما اخذه من الآباء والاجداد - وقد جعل الله  
 الى افحامهم طريقا مما يتداولونه في اديهم من نعم تنزيلهم واعمالهم الله عند» .  
 ۱۵ در فهرست آغاز دفتر (گ ب) پس از یاد کردن «تفسیر ابن زبیل» شماره ۱۷ این  
 دفتر از رساله یاد میشود: «دلالت تورات بر نبوت پیغمبر مصلعم - رساله از بعضی  
 زنادقه - رساله جواب آن - رساله قدر - رساله کیفیت حدوث صوت - فوائد لمسیح  
 الزمان المصری فی تدبیر الادویة المسهلة - فی ادویة المسهلة و کیفیتها - فی نسخه فلو نیا»  
 و نخستین آن باید همین نسخه ما باشد و هفت رساله دیگر در دفتر نیست و بجای آنها هفت  
 برگ کاغذ سفید نوی گذارده شده است.

۲۰

[۶۳۸] **رجعت (رسالة الله)** (عربی)

- بگفته شیخ مفید و سید مرتضی بیشتر دانشمندان امامی بر رجعت و برگشتن  
 گروهی از مردم در روزگار امام زمان گفته اند و اندکی از آنها آنرا بیازگشت دولت  
 شیعی تأویل کردند نه زنده شدن مردگان . خود مفید هم از کسانیست که بر رجعت  
 مردگان میگوید (اوائل المقالات چاپ دوم ص ۱۳ و ۵۰) و در اجوبه مسائل سرویه  
 ۲۵ (رسائل ص ۴۲) میگوید رجعت آئین خاندان پیامبر است و عامه مخالف آن میباشند.  
 در این رساله نیز از روی کتاب و سنت روشن گردید که رجعت هست. در آن

از قطب راوندی و ابو الفضل طبرسی در کتاب کبیر و ابو القاسم بلخی یاد گردید .  
 آغاز: بسمله . الحمد لولی الحمد ومستحقه ... و بعد فقد سالت ... عمل رسالة  
 اذکر فیها ادلة الرجعة بعد الموت عند ظهور قائم آل محمد .  
 انجام : بل لاحد من المسلمین الاویجوز ان لایرجع وذلك یکفی فی باب الرجعة .

[۷۸۲]

این نسخه شماره ۷ دفتر است و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف گ ۶۶ ب- ۷۴ ب  
 ۱۰۴۵ از محمد بن عبدالحسین آل حسینی نجفی که ش ۶ (خبر مولد علی) را در روز سه شنبه  
 ۲۳ محرم ۱۰۵۶ در سپاهان نوشته است. در پایان دارد: « الی هنا وجدت من  
 هذه الرسالة الشریفة سر الله سبحانه وتعالی شانه علی بقیتها بایسرحال وانا الفقیر الی الله  
 الفنی ابن عبدالحسین محمد آل الحسینی النجفی عفی عنهما بالنبی والوصی » چنین میرساند  
 که نسخه ما با انجام نرسید و او همه را نیافته است. حاشیه‌هایی در این نسخه هست بشکسته  
 تعلیق که به «م ح» و «م ح ع ل» پایان مییابد.

[۶۴۴-۶۳۹] رساله‌های گلاهی (پارسی و تازی)

در این کتابخانه شش رساله کلامی هست که اینک شناسانده میشود:

- ۱۵ - گفتاریکه در کلام و تازی است و در کنار رویه برگ نخستین و پشت برگ  
 های ۱۳۱ و ۱۳۲ نسخه ما از آن فیلسوف داماد استرآبادی دانسته شده و آغاز و انجام  
 هم در آن نیست و از نیمه مطلب دوم میقات دوم آغاز و ازدانائی خداوند در آن  
 گفتگو میشود. مطلبهای سوم تا هشتم در صفت‌های دیگر خدا است و میقات سوم در  
 صفت‌های سلمی سپس «لطیفه افعالیه» میآید و در آن کردارهای خدا یاد میگردد. رکن  
 سوم درباره پیامبری میباشد و نبوت عام و خاص در آن روشن میگردد و شبهه‌هایی  
 که درباره عصمت پیامبران کرده اند پاسخ داده میشود و در اثبات پیامبری محمد ص  
 آیت‌های تورات و انجیل (دو عهد) گواه آورده شده است. در پایان با عنوان «لطیفه  
 برهانیه فی اصول اعتقادیة» که آنهم خود دارای چند لطیفه دیگر است از مبحث‌های  
 کلی درباره اصول عقاید گفتگو میگردد. تنها لطیفه یکم آن (پنج اصل دین) در  
 نسخه ما هست. این گفتار تا اندازه ای روان نوشته شده و مانند نوشته های داماد  
 دشوار نیست. در بسیاری از جاها آیتها و خبرها آمده و خیلی از آیت‌های قرآن در



در آن تفسیر شده و یاد می‌شود از فارابی و ابن سینا و اشراقیان و امام رازی و زمخشری و شیخ طبرسی و بیضاوی و خواجه طوسی و شارحان قدیم و جدید تجرید و از انشاء الدوائر محیی الدین . نگارنده از خود در چند جا بنام «ابن کمینه» یاد میکند . در جاتی که از شبهه از ابن کمونه خرده می‌گیرد از حواشی و تعالیق خود بر شرح تجرید نام می‌برد . باز یاد میکند از «معلم قوانین حکمت یمانی و مقنن فلسفه ایمانی ادام الله تعالی و قرن بالمیامن ایامه ولیالیه» گرچه این گفتار ریخت نگارشهای فارسی دیگر داماد را ندارد ولی عنوانهای بابها مانند عنوانهای نوشته‌های دیگر است .

## [۷۸۳]

- این نسخه بخط شکسته تعلیق در جدول زرین لاجوردی با عنوانهای شنگرف ۳۰۰ و چنین است آغاز و انجام آن : «اول وحدوث علم نانی لازم آید و هر دو در حق تعالی محال است - چه کمال ذات فاعل بنده چیزی است و کمال ذات فاعل بحسب فعل» در گ ۱۰۱ الف مبحث معاد آمده و میان دو برك ۲۰۰ و ۱۰۱ افتاده دارد . (۴۱۲۲) - کاغذ فرنگی - جلد مقوایی پارچه‌ای ته‌میش بنر اندازه : ۲۴ × ۱۳ و ۷ × ۱۶ س ۲۱
- ۲ - در کلام بیارسی و در آن از مباحث طبیعی و الهی و نبوت و امامت و معاد ۱۵ گفته‌گو گردید .

## [۷۸۴]

- این نسخه بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف از محمد قاسم بن شیخ عبداللطیف الشریف که در روز چهارشنبه ششم رجب ۱۱۲۹ آنرا نوشته است . عنوان مطلب ۲۸۷ ها در هاشم بشنگرف دیده میشود . از آغاز آن نزدیک بیک برگ نیست که همان مقدمه باشد و چنین است آغاز و انجام آن : «غیر آن اول حکمت الهی دوم حکمت طبیعی سیم حکمت ریاضی - امید که حق تعالی همه مؤمنین را توفیق ... روزی کند بمتنه وجوده .»

(۴۳۲) - کاغذ سمرقندی - جلد مقوایی

اندازه : ۲۴ × ۱۸ و ۲۴ × ۱۳ س ۱۸

- ۳ - در کلام بروش شیعی و بیشتر در امامت است و در ۴ باب (توحید - نبوت - امامت - معاد) در آن از کشف زمخشری و تفسیر بزرگ (ابو) علی طبرسی و کتابهای اخبار و اصول چهارگانه شیعی و از ابن ابی الحدید و سعد تفتازانی و قوشچی و شاه

اسمعیل که میگویند او مذهب شیعی را آورده است (۱۲۳ الف) یاد میگرد و نوشته است که چنین نیست و مورخان آئین شیعی را بششصد هفتصد سال پیش رسانده اند. این رساله مانند حقیقة الشیعه نوشته شده و مانند جلد یکم آنست.

[۷۸۵]

این نسخه شماره ۸ دفتر است و بخط تعلیق در جدول لاجوردی و چنین است: «و مانند آن بلکه صفات حقیقه او همه قدیم میباشند بلکه عین او... پنجم آنکه خدای تعالی دیدنی نیست - چه جای آنکه اجماعی باشد که ضروری نشده باشد مثل حرمت جماع در حیض. تمت الرسالة بعون الملك الوهاب» گ ۹۸ الف - ۱۴۰ الف.

۴ - در کلام شیعی و از توحید و پیامبری و امامت و امر بمعروف و در آن گفتگو می شود و از ابوعلی و حکمای اشراق و امام فخریاد میگردد.

[۷۸۶]

این نسخه بخط تعلیق خوش در جدول زرین و لاجوردی میباشد و از آغاز ندارد و چنین است: «الفی الف سنة» این حدیث مفسر است بدان معنی که اول ارواح چنان آفرید آنکه اجساد و احیاء - و تجویز و تأثیر و انتفاء مفسد کند. هذا آخر ما اورده ابراهه فی هذه الرسالة واحمد الله اولاً و آخراً والسلام» برخی برگها پاره شده و صالی گردید.

۶۰ (۳) - کاغذ سپاهالی - جلد متوا  
اندازه: ۱۱ × ۱۹.۵ و ۷ × ۱۴.۵ س ۱۴

۵ - نگارشی است بتازی در کلام و در آغاز آن دارد که این اصلاها از امامان گرفته شده ولی بروش فلسفی در آن گفتگو میشود.

آغاز: بسم الله. الحمد لله رب العالمین ... و بعد فان هذه اصول ملقاة من الائمة. انجام: فاذن ما اختلف فی العزائم كان للتنقية فافهم فانه اصل اصیل نافع جدا و السلام.

[۷۸۷]

این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط تعلیق میباشد. گ ۱ ب - ۸ ب.

۶ - نگارشی است از کلام بتازی از محمد بن عبدالفتاح تنکابنی که در نیمه روز پنجشنبه ۱۴ ج ۲ سال ۱۱۰۲ آنرا بمایان رساند.

[۷۸۸]

- این نسخه بخط تعلیق وحاشیه‌هایی دارد که به (منه) پایان مییابد وحاشیه‌های دیگر بخط شکسته. این نسخه شش فصل امامت و مقصد چهارم در معاد جسمانی را دارد و آغاز آن نیست و چنین است: «لا تمنع أن یولی أمورہا من کانت النبوة فیہم ... الفصل الاول فیما یتعلق بامامة امیر المومنین. الامامة فی الاصطلاح ریاسة عامة فی امر الدین والدنیا نیابة عن النبی - وهومن اکثر الناس عشرة واقلمهم حسنة قليل التہیؤ للسفر ظاہر الاغماض عن الرحیل والخبر الراجی رحمة ربہ الغنی محمد بن عبد الفتاح التکابنی ... فی ضحوة یوم الخمیس یوم الرابع عشر من شهر جمادی الثانية من شہور ۱۱۰۲ ... وجعلنا من حزبہم وزمر تہم بحدودہ وکرمہ وبحقہم آمین رب العالمین» .

۱۰ (۱۳۴۲) — کاغذ سمرقندی — جلد متوا

اندازه : ۱۸×۱۴ و ۶×۱۴ س ۲۴

[۶۴۵] روضۃ فی فضائل علی (عربی)

- علامه حلی در این کتاب خبرهایی را که درباره برتری امیر مومنان علی (ع) آمده است آورده در آغاز آن خبری را گفته که در جمیع واسط در روز آدینہ ۱۷ ذی قعدہ ۶۵۱ از تاج الدین نقیب ہاشمیان بر منبر شنیده بود .
- ۱۵ آغاز: بسمله وبہ نستعین . کتاب الروضة: القربی ہم صلی اللہ علیہم مع الکتاب والکتاب معہم لا یفارقونہ حتی یرد الخوض علیہم صلی اللہ ... اجمعین جعلنا اللہ وایاکم ممن توالیہم وحفظ عہدہم ... فانی قد جمعت فی کتابی هذا الذی سمیتہ الروضة تشتمل علی فضائل امیر المومنین علی ... ما نقلتہ الثقات را نقلت علیہ الرواة .
- ۲۰ انجام: ولولا ذلك من الادلة لکننت قتلک ثم اجازها واعطاها وسر حہا تسریحا حسنا. رحمة اللہ علیہا.

[۷۸۹]

- این نسخه شماره ۴ دفتر و بخط تعلیق با عنوانهای شکر ف بنسخ از احمد بن عبادالہ ساوی نجفی در کربلا در تیمہ روز پنجشنبہ ۱۱ شوال ۱۰۱۸ که میگوید همین اندازه را یافتیم ومقابلہ نمود گ ۱۵۱ پ- ۱۸۴ الف. یکی از دارندگان نسخه
- ۲۵ احمد بن زین العابدین حسینی کربلائی بوده است .
- (همہ دفتر ۴) — کاغذ سمرقندی — جلد متوا تہ میثن
- اندازه : ۱۸×۲۴ و ۱۱×۱۷ س ۲۴



[۶۴۶]

زواهر المحکم

(عربی)

از میرزا حسن قمی (۱۱۲۱) فرزند و بهترین شاگرد مولانا عبدالرزاق فیاض لاهیجی قمی. او نگارنده شمع الیقین فی معرفة الحق والیقین است که در تهران بسال ۱۳۰۳ بچاپ رسید و جمال الصالحین که در ۱۱۲۱ آنرا بپایان رساند و مصابیح الهدی و مفاتیح الامنی در حکمت. این کتاب دارای یک مقدمه (در سه مقصد) و سه باب میباشد و در آن از طبیعی و نفس والهی و نبوت و امامت و معاد و بروش شیعی گفتگو میشود و ساده و روشن و کوتاه میباشد در آن از «مصابیح الهدی» (گ ۷ ب) یاد میشود. (ش ۷۴۳ طوس - ذریعه ج ۱ ص ۵۲).

آغاز: بسم الله - الحمد لله الذی انزل من سماء وجوبه و جوده ماء فیض فضل وجوده فسلکه ینابیع مسالك الاحسان فی ارض مہیات عالم الامکان. ۱۰  
انجام: واعلمها جميعاً تولی الی هذا. هذا آخر ما اردنا ابراده فی هذه الرسالة والحمد لله اولاً و آخراً و اتفق الفراغ منها یوم (در نسخه ما پیش از این نیست).

[۷۹۰]

این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف و گاهی بی نقطه از محمد بن حسن راویجی در مدرسه سلطانیه کاشان هنگامیکه دانشجو بوده بسال ۱۲۷۰ - در هامش گاهی از کتاب «روایع» دیده میشود. گ ۴ ب - ۷۱ الف. شماره ۳ این دفتر این لامیه است: «لم یسجنی رسم داردارس الطلل - ولا جری مدعی فی اثر مرتحل» بنسخ معرب با شرح کلمه های دشوار در میان سطرها گ ۹۲ ب - ۹۸ ب. شماره ۴ الفیه سید علیخان است بنسخ گ ۹۹ الف و ب. پنجم آن پاره ای از قصیده میمیه «برده» از شرف الدین ابی عبدالله محمد بن سعید دولاسی بوضیری (۶۹۴) بنسخ گ ۱۰۱ الف - ۱۰۴ الف میباشد.

[۶۴۷]

عراج الهدی فی بداء حقیقه البداء

(عربی)

ابو جعفر محمد قاسم بن محمد رضا (گویا طبرسی و شیخ روایت دانشمند مهدی بن ابی ذر نراقی ۱۲۰۹ - روضات ص ۶۴۸) در این رساله بروش کلامیان شیعی از روی اخبار در باره بدا گفتگو نمود. او کتاب را در ۲۷ صفر ۱۱۱۱ نگاشته سپس نسخه

اصل را در راه مکه گم کرد و نسخه دیگری یافت که پیش و پس شده و غلط داشت. آنرا بسال ۱۱۱۵ درست نمود و چیزهایی بر آن افزود.

آغاز: بحمد الله المقدم المؤخر الذي نزل الفصل الخطاب وبمحمو ما يشاء  
و ثبت وعنده ام الكتاب .

انجام: وانا ... ابن محمدرضا محمد قاسم الشريف ... والحمد لله والصلوة على  
محمد وآله .

[۷۹۱]

این نسخه شماره ۴ دفتر و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف تاریخ ۱۷ محرم  
۸۸۴ ۱۲۰۰ میباشد گ ۱۲۲ ب - ۱۴۸ الف . در پایان مهر «عبدہ ملک محمد»  
دارد .

۱۰

[۶۴۸] صرمایه ایمان (فارسی)

از فیاض گیلانی لاهیجی ملا عبدالرزاق م ۱۰۷۲ که آنرا پس از گوهر مراد  
نگاشته است و دارای یک مقدمه کوتاهی است در منطق و پنج اصل. این را در ۵ باب با  
دلیلهای روشن و ساده بشکل اول یا قیاس استثنائی برای نوکاران (۱) نگاشت .  
این کتاب در بهمنی بسال ۱۳۰۴ در ۱۳۶ ص چاپ سنگی شده است.

۱۵

[۷۹۲]

۴۱۵ این نسخه بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف که در ۱۱۰۵ نوشته شده است .

(۱۴۴ هـ) - کاغذ سپاهانی - جلد تِمَاج <sup>نموده</sup> فرسوده با حاشیه‌های <sup>نموده</sup> کُتُب  
اندازه : ۷×۱۲ و ۱۳×۱۸ س ۱۲

۲۰

[۶۴۹] علامه حلی (عربی)

علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶) این کتاب را برای خواجه سعدالدین (ساوجی دستور  
وزیر اولجایتو و کشته در دهم شوال ۷۱۱) نوشته و در آن آنچه را که یک شیعی در  
اصول و فروع باید باور بدارد آشکار ساخت و دلیلهای آنها را آورد .

این دفتر در جنگی دارای بیست رساله در کلام و فلسفه و عرفان و فقه در

۲۵

۱- (نوکار) را بابا افضل کاشی بجای (مبتدی) بکار برده است .

تهران بسال ۱۳۱۵ از ص ۲ تا ص ۴۳ بچاپ رسید.

آغاز: بسملة الحمد لله المتفضل بجعل الانبياء واسطه بينه وبين عباده .

انجام: فان الاخبار في ذلك اكثر من ان تحصى والحمد لله رب العالمين .

[۷۹۳]

این نسخه شماره دوم دفتر و بخط نسخ با نشانه‌های شنگرف میباشد و لطف الله بن شمس الدین مازندرانی در ۱۱ ج ۱ سال ۹۰۱ آنرا نوشت و حاشیه‌هایی پیارسی و تازی در هامش و میان سطرها دارد گ ۹ ب - ۵۲ الف .

[۶۵۰] سفارشنامه (عربی)

۱۰ امام فخرالدین تبرستانی رازی (۵۴۴-۶۰۶) در پایان زندگی در خوارزم بسر میبرد و در آنجا بیمار شد و در شهر هرات در گذشت . او در سختی بیماری در روز یکشنبه ۲۱ محرم سال ۶۰۶ سفارش نامه و دستوری بشاگرد خویش ابراهیم بن ابی بکر بن علی علی سپاهانی داده است که اینک شناسانده میشود . رازی دبری بیمار بود تا اینکه در یکم شوال همین سال در گذشت . او در این سفارشنامه میگوید: مردم اگر چه همینکه بمیرند از دیگران دور میشوند مگر اینکه دو چیز مردمی را با این جهان می پیوندد یکی کار نیکی که دیگران بستایند و از خدای رستگاری کننده آنرا ۱۵ بخواهند دیگری کارهایی که زن و فرزند کنند و مظلومه و جنایتی که ادا گردد . بدانید که من دانش دوست بودم و در هر چیزی راست یادروغ کتاب نوشتم . از خواندن دفترها دریافتم که خدائی پاک و توانا و دانا و مهربان هست . من روش کلامی و فلسفی گرفتم ولی اینها همان سودی را میدهند که قرآن میدهد این است که قرآن را بر گزیدم و هر چه آن و خبر درست میگوید می پذیرم . آنگاه رازی از آنچه نوشته است ۲۰ پوزش میخواهد و میگوید که در نگارشهای خویش جز آوردن بحثهای گوناگون و تند ساختن هوش اندیشندگان نخواسته بودم اگر چه بدهم نوشته باشم . شما اگر سخنان خوبی در آنها یافتید مرا آفرین گوئید .

آغاز: نسخه ما کتب الاستاد الفاضل فخرالدین الرازی فی بیان اعتقاده عندم و تمه

۲۵ بسملة عونك يا لطيف . قال يقول العبد الراجي رحمة ربه ... محمد بن عمر بن الحسين



الرازی وهو فی آخر عہدہ بالدنیا واول عہدہ بالآخرہ ... انی احمد الله بالہ حامداً للہ  
ذکرہا اعظم ملائکتہ .

انجام : والمہم الثانی وهو اصلاح امر الاطفال والعورات . فلا اعتماد فیہ علی  
الله تعالی والحمد لله رب العالمین .

- ۵ « در نسخه چاپ شدہ در عیون الانباء خزر جی (ج ۲ ص ۲۷-۲۸) پس از عبارت  
«الله تعالی» دارد : «ثم علی نائب الله محمد اللهم اجعله قرین محمد الاکبر فی الدین  
والعالم... وهذا منہی وصیتی... وبالا حسان جدیر» نزدیک بدہ سطر و ازین بندیداست  
کہ ہمہ سخنان را زی آورده نشد. در این بند را زی کار فرزند ان را نخست بخدا سپس بشاہ  
محمد (علاء الدین خوارزم شاہ ۵۹۶-۶۱۷) آن گاہ بکسی کہ ناء بردہ نشدہ میسپارد و  
میگوید فرزند ما بی بکر را کہ نشانہ هوش وزیر کی او پیدا ست خوب پرورید و بشا گردان  
۱۰ و دوستان میسپارد کہ مرک اورا نہ مان بدارند و اورا در گوهی کہ نزدیک روستای  
مزدخان است بخاک سپارند. پارہ ای از این سفارشنامہ در دیباچہ «اعتمادات فرق-  
المسلمین والمشرکین» امام رازی (ص ۲۴) نیز دیده میشود .

[۷۹۴]

- ۱۰۳۵ این نسخه شماره ۱۴ دفتر است و بخط شکسته تعلیق ص ۱۵۸ .

(فارسی)

صیغۃ الالهہ

[۶۵۱]

هنری مارتن Henry Martin انگلیسی کشیش کہ پاتر (Pater = پدر)  
یا پادری خواندہ میشد بر کتابیکہ فیلیپ Philippe پادری در فرنگ در رد بر  
اسلام نوشته بود افزوده رسالہ ای ساخت و در دسترس مسلمانان گذارد. دانشمندان  
۲۰ نیز بخردہ گیری آن پرداختند .

نخستین بار دانشمند احمد بن محمد مہدی بن ابی ذر نراقی کاشانی (۶ یا ۱۱۸۵  
- ۵ یا ۱۲۴۴) بدستور عباس میرزای قاجار بر آن ردی بنام سیف الالهہ نوشته و در  
آن نصوص عبری تورات را گواہ آورد . او در دیباچہ از فتحعلیشاہ قاجار بی اندازہ  
ستایش نمود و کتاب را در نیمہ روز شنبہ ۱۷ صفر ۱۲۳۳ بپایان رساند . این کتاب در

تهران بسال ۱۲۶۷ بچاپ سنگی رسید .

پس از او آخوند ملا محمد تقی کاشانی فقیه آشنای بعبری و سربانی در ردبر  
ترسیان و همین هنری مارتن «هدایة المسترشدين» را بیارسی نوشته و آنرا در ۲۴  
محرم ۱۳۰۳ پایان رساند. آنرا میرزا محمودخان مدیرالدوله متولی آستانه طوس  
در تهران بسال ۱۳۱۲ بچاپ سنگی رساند (۱) .

### [۷۹۵]

این نسخه بخط نسخ در جدول شگرف ولاجوردی از غلامعلی بن محمد کاشانی  
در روز ۱۶ صفر ۱۲۶۶ - از گ ۱ الف تا ۲۲ الف فهرست و فرهنگی است از واژه  
های عبری که در کتاب آمده و اعراب و املاء و ترجمه آنها. این را پسر تراقی  
نوشته تا آنها را غلط نخوانند. خود کتاب از گ ۲۳ است تا ۲۲۷ ب و چنین است :  
«بسم الله الذی من علی عباده بارسال المقرء المقربین ... چنین گوید ... احمد بن  
محمد مهدی بن ابی ذر تراقی ... که در این عهد میمون - تمام شد این کتاب ... بخامه ...»

۱ - در همین روزگار کتابی دیگر نیز در رد اسلام نوشته شده و آن ینابیع الاسلام  
سن کلر تیز دال (Saint Clair Tisdall) است بیارسی که در لاهور بسال ۱۸۹۹ بچاپ  
سنگی رسید و انگلیسی آن بنام «The original sources of the Quran»  
در لندن بسال ۱۹۰۵ چاپ شد. او در این کتاب ریشه قصص قرآن را در کتابهای آسمانی  
زردشتی و کلیبی و عیسوی یافته و در همان زبانها آورده است چنانکه سیدرسکی  
Sidersky در کتاب Les origines des Legendes musulmanes  
dans le Coran et les Vies des prophètes ریشه های آنها را در کتابها  
دینی یهود و ترسا یافته است. این کتاب در پاریس بسال ۱۹۳۳ بچاپ رسید. شیخ حسین  
بن عبدالعلی تبریزی تو تونچی در رد بر ینابیع الاسلام و میزان الحق بقاندر R.C.G.  
Pfander «ازالة الوساوس والاهام عن قدس ساحة الاسلام» نوشته و در ۲۶ صفر ۱۳۴۶  
آنرا پایان رساند و آن در تبریز بسال ۱۳۵۱ چاپ سربی شد. شیخ احمد شاهرودی  
نیز «ازالة الوساوس والاهام فی جواب ینابیع الاسلام» نوشته که در ایران بسال ۱۳۴۴ چاپ گشت.  
این میزان الحق هم در رد بر اسلام است و یکبار در کلکته باطریق الحیات و مفتاح الاسرار  
هر دو در اثبات کیش مسیحی بخط تعلیق از ۱۸۳۳ تا ۱۸۵۰ بچاپ رسید و باره دیگر در  
لندن بخط نسخ سال ۱۸۶۲ چاپ گشت. (نیز بشکرید به: فهرست طوس ج ۱ ش ۷۹ حکمت  
و ج ۴ ش ۱۲۳ و ۶۶۸ ص ۲۷۷ و ۳۶۵ و ش ۳۵۰ ص ۲۲۰ نیز ص ۳۶۴) .

احمد بن محمد مهدی بن ابی ذر نراقی تجاوزه الله عنهم بمحمد وآله الاطهار .

(۳۴۲۷) - کاغذ سمرقندی - جلد و غنی ۳ و بوته دار زمینه ~~سرخ~~ <sup>سبز</sup> و داخل <sup>سبز</sup> ~~سرخ~~ <sup>سبز</sup> <sup>۸</sup> <sup>۱۶</sup> <sup>۱۹</sup> <sup>۲۱</sup> <sup>۲۳</sup> <sup>۲۵</sup> <sup>۲۷</sup> <sup>۲۹</sup> <sup>۳۱</sup> <sup>۳۳</sup> <sup>۳۵</sup> <sup>۳۷</sup> <sup>۳۹</sup> <sup>۴۱</sup> <sup>۴۳</sup> <sup>۴۵</sup> <sup>۴۷</sup> <sup>۴۹</sup> <sup>۵۱</sup> <sup>۵۳</sup> <sup>۵۵</sup> <sup>۵۷</sup> <sup>۵۹</sup> <sup>۶۱</sup> <sup>۶۳</sup> <sup>۶۵</sup> <sup>۶۷</sup> <sup>۶۹</sup> <sup>۷۱</sup> <sup>۷۳</sup> <sup>۷۵</sup> <sup>۷۷</sup> <sup>۷۹</sup> <sup>۸۱</sup> <sup>۸۳</sup> <sup>۸۵</sup> <sup>۸۷</sup> <sup>۸۹</sup> <sup>۹۱</sup> <sup>۹۳</sup> <sup>۹۵</sup> <sup>۹۷</sup> <sup>۹۹</sup> <sup>۱۰۱</sup> <sup>۱۰۳</sup> <sup>۱۰۵</sup> <sup>۱۰۷</sup> <sup>۱۰۹</sup> <sup>۱۱۱</sup> <sup>۱۱۳</sup> <sup>۱۱۵</sup> <sup>۱۱۷</sup> <sup>۱۱۹</sup> <sup>۱۲۱</sup> <sup>۱۲۳</sup> <sup>۱۲۵</sup> <sup>۱۲۷</sup> <sup>۱۲۹</sup> <sup>۱۳۱</sup> <sup>۱۳۳</sup> <sup>۱۳۵</sup> <sup>۱۳۷</sup> <sup>۱۳۹</sup> <sup>۱۴۱</sup> <sup>۱۴۳</sup> <sup>۱۴۵</sup> <sup>۱۴۷</sup> <sup>۱۴۹</sup> <sup>۱۵۱</sup> <sup>۱۵۳</sup> <sup>۱۵۵</sup> <sup>۱۵۷</sup> <sup>۱۵۹</sup> <sup>۱۶۱</sup> <sup>۱۶۳</sup> <sup>۱۶۵</sup> <sup>۱۶۷</sup> <sup>۱۶۹</sup> <sup>۱۷۱</sup> <sup>۱۷۳</sup> <sup>۱۷۵</sup> <sup>۱۷۷</sup> <sup>۱۷۹</sup> <sup>۱۸۱</sup> <sup>۱۸۳</sup> <sup>۱۸۵</sup> <sup>۱۸۷</sup> <sup>۱۸۹</sup> <sup>۱۹۱</sup> <sup>۱۹۳</sup> <sup>۱۹۵</sup> <sup>۱۹۷</sup> <sup>۱۹۹</sup> <sup>۲۰۱</sup> <sup>۲۰۳</sup> <sup>۲۰۵</sup> <sup>۲۰۷</sup> <sup>۲۰۹</sup> <sup>۲۱۱</sup> <sup>۲۱۳</sup> <sup>۲۱۵</sup> <sup>۲۱۷</sup> <sup>۲۱۹</sup> <sup>۲۲۱</sup> <sup>۲۲۳</sup> <sup>۲۲۵</sup> <sup>۲۲۷</sup> <sup>۲۲۹</sup> <sup>۲۳۱</sup> <sup>۲۳۳</sup> <sup>۲۳۵</sup> <sup>۲۳۷</sup> <sup>۲۳۹</sup> <sup>۲۴۱</sup> <sup>۲۴۳</sup> <sup>۲۴۵</sup> <sup>۲۴۷</sup> <sup>۲۴۹</sup> <sup>۲۵۱</sup> <sup>۲۵۳</sup> <sup>۲۵۵</sup> <sup>۲۵۷</sup> <sup>۲۵۹</sup> <sup>۲۶۱</sup> <sup>۲۶۳</sup> <sup>۲۶۵</sup> <sup>۲۶۷</sup> <sup>۲۶۹</sup> <sup>۲۷۱</sup> <sup>۲۷۳</sup> <sup>۲۷۵</sup> <sup>۲۷۷</sup> <sup>۲۷۹</sup> <sup>۲۸۱</sup> <sup>۲۸۳</sup> <sup>۲۸۵</sup> <sup>۲۸۷</sup> <sup>۲۸۹</sup> <sup>۲۹۱</sup> <sup>۲۹۳</sup> <sup>۲۹۵</sup> <sup>۲۹۷</sup> <sup>۲۹۹</sup> <sup>۳۰۱</sup> <sup>۳۰۳</sup> <sup>۳۰۵</sup> <sup>۳۰۷</sup> <sup>۳۰۹</sup> <sup>۳۱۱</sup> <sup>۳۱۳</sup> <sup>۳۱۵</sup> <sup>۳۱۷</sup> <sup>۳۱۹</sup> <sup>۳۲۱</sup> <sup>۳۲۳</sup> <sup>۳۲۵</sup> <sup>۳۲۷</sup> <sup>۳۲۹</sup> <sup>۳۳۱</sup> <sup>۳۳۳</sup> <sup>۳۳۵</sup> <sup>۳۳۷</sup> <sup>۳۳۹</sup> <sup>۳۴۱</sup> <sup>۳۴۳</sup> <sup>۳۴۵</sup> <sup>۳۴۷</sup> <sup>۳۴۹</sup> <sup>۳۵۱</sup> <sup>۳۵۳</sup> <sup>۳۵۵</sup> <sup>۳۵۷</sup> <sup>۳۵۹</sup> <sup>۳۶۱</sup> <sup>۳۶۳</sup> <sup>۳۶۵</sup> <sup>۳۶۷</sup> <sup>۳۶۹</sup> <sup>۳۷۱</sup> <sup>۳۷۳</sup> <sup>۳۷۵</sup> <sup>۳۷۷</sup> <sup>۳۷۹</sup> <sup>۳۸۱</sup> <sup>۳۸۳</sup> <sup>۳۸۵</sup> <sup>۳۸۷</sup> <sup>۳۸۹</sup> <sup>۳۹۱</sup> <sup>۳۹۳</sup> <sup>۳۹۵</sup> <sup>۳۹۷</sup> <sup>۳۹۹</sup> <sup>۴۰۱</sup> <sup>۴۰۳</sup> <sup>۴۰۵</sup> <sup>۴۰۷</sup> <sup>۴۰۹</sup> <sup>۴۱۱</sup> <sup>۴۱۳</sup> <sup>۴۱۵</sup> <sup>۴۱۷</sup> <sup>۴۱۹</sup> <sup>۴۲۱</sup> <sup>۴۲۳</sup> <sup>۴۲۵</sup> <sup>۴۲۷</sup> <sup>۴۲۹</sup> <sup>۴۳۱</sup> <sup>۴۳۳</sup> <sup>۴۳۵</sup> <sup>۴۳۷</sup> <sup>۴۳۹</sup> <sup>۴۴۱</sup> <sup>۴۴۳</sup> <sup>۴۴۵</sup> <sup>۴۴۷</sup> <sup>۴۴۹</sup> <sup>۴۵۱</sup> <sup>۴۵۳</sup> <sup>۴۵۵</sup> <sup>۴۵۷</sup> <sup>۴۵۹</sup> <sup>۴۶۱</sup> <sup>۴۶۳</sup> <sup>۴۶۵</sup> <sup>۴۶۷</sup> <sup>۴۶۹</sup> <sup>۴۷۱</sup> <sup>۴۷۳</sup> <sup>۴۷۵</sup> <sup>۴۷۷</sup> <sup>۴۷۹</sup> <sup>۴۸۱</sup> <sup>۴۸۳</sup> <sup>۴۸۵</sup> <sup>۴۸۷</sup> <sup>۴۸۹</sup> <sup>۴۹۱</sup> <sup>۴۹۳</sup> <sup>۴۹۵</sup> <sup>۴۹۷</sup> <sup>۴۹۹</sup> <sup>۵۰۱</sup> <sup>۵۰۳</sup> <sup>۵۰۵</sup> <sup>۵۰۷</sup> <sup>۵۰۹</sup> <sup>۵۱۱</sup> <sup>۵۱۳</sup> <sup>۵۱۵</sup> <sup>۵۱۷</sup> <sup>۵۱۹</sup> <sup>۵۲۱</sup> <sup>۵۲۳</sup> <sup>۵۲۵</sup> <sup>۵۲۷</sup> <sup>۵۲۹</sup> <sup>۵۳۱</sup> <sup>۵۳۳</sup> <sup>۵۳۵</sup> <sup>۵۳۷</sup> <sup>۵۳۹</sup> <sup>۵۴۱</sup> <sup>۵۴۳</sup> <sup>۵۴۵</sup> <sup>۵۴۷</sup> <sup>۵۴۹</sup> <sup>۵۵۱</sup> <sup>۵۵۳</sup> <sup>۵۵۵</sup> <sup>۵۵۷</sup> <sup>۵۵۹</sup> <sup>۵۶۱</sup> <sup>۵۶۳</sup> <sup>۵۶۵</sup> <sup>۵۶۷</sup> <sup>۵۶۹</sup> <sup>۵۷۱</sup> <sup>۵۷۳</sup> <sup>۵۷۵</sup> <sup>۵۷۷</sup> <sup>۵۷۹</sup> <sup>۵۸۱</sup> <sup>۵۸۳</sup> <sup>۵۸۵</sup> <sup>۵۸۷</sup> <sup>۵۸۹</sup> <sup>۵۹۱</sup> <sup>۵۹۳</sup> <sup>۵۹۵</sup> <sup>۵۹۷</sup> <sup>۵۹۹</sup> <sup>۶۰۱</sup> <sup>۶۰۳</sup> <sup>۶۰۵</sup> <sup>۶۰۷</sup> <sup>۶۰۹</sup> <sup>۶۱۱</sup> <sup>۶۱۳</sup> <sup>۶۱۵</sup> <sup>۶۱۷</sup> <sup>۶۱۹</sup> <sup>۶۲۱</sup> <sup>۶۲۳</sup> <sup>۶۲۵</sup> <sup>۶۲۷</sup> <sup>۶۲۹</sup> <sup>۶۳۱</sup> <sup>۶۳۳</sup> <sup>۶۳۵</sup> <sup>۶۳۷</sup> <sup>۶۳۹</sup> <sup>۶۴۱</sup> <sup>۶۴۳</sup> <sup>۶۴۵</sup> <sup>۶۴۷</sup> <sup>۶۴۹</sup> <sup>۶۵۱</sup> <sup>۶۵۳</sup> <sup>۶۵۵</sup> <sup>۶۵۷</sup> <sup>۶۵۹</sup> <sup>۶۶۱</sup> <sup>۶۶۳</sup> <sup>۶۶۵</sup> <sup>۶۶۷</sup> <sup>۶۶۹</sup> <sup>۶۷۱</sup> <sup>۶۷۳</sup> <sup>۶۷۵</sup> <sup>۶۷۷</sup> <sup>۶۷۹</sup> <sup>۶۸۱</sup> <sup>۶۸۳</sup> <sup>۶۸۵</sup> <sup>۶۸۷</sup> <sup>۶۸۹</sup> <sup>۶۹۱</sup> <sup>۶۹۳</sup> <sup>۶۹۵</sup> <sup>۶۹۷</sup> <sup>۶۹۹</sup> <sup>۷۰۱</sup> <sup>۷۰۳</sup> <sup>۷۰۵</sup> <sup>۷۰۷</sup> <sup>۷۰۹</sup> <sup>۷۱۱</sup> <sup>۷۱۳</sup> <sup>۷۱۵</sup> <sup>۷۱۷</sup> <sup>۷۱۹</sup> <sup>۷۲۱</sup> <sup>۷۲۳</sup> <sup>۷۲۵</sup> <sup>۷۲۷</sup> <sup>۷۲۹</sup> <sup>۷۳۱</sup> <sup>۷۳۳</sup> <sup>۷۳۵</sup> <sup>۷۳۷</sup> <sup>۷۳۹</sup> <sup>۷۴۱</sup> <sup>۷۴۳</sup> <sup>۷۴۵</sup> <sup>۷۴۷</sup> <sup>۷۴۹</sup> <sup>۷۵۱</sup> <sup>۷۵۳</sup> <sup>۷۵۵</sup> <sup>۷۵۷</sup> <sup>۷۵۹</sup> <sup>۷۶۱</sup> <sup>۷۶۳</sup> <sup>۷۶۵</sup> <sup>۷۶۷</sup> <sup>۷۶۹</sup> <sup>۷۷۱</sup> <sup>۷۷۳</sup> <sup>۷۷۵</sup> <sup>۷۷۷</sup> <sup>۷۷۹</sup> <sup>۷۸۱</sup> <sup>۷۸۳</sup> <sup>۷۸۵</sup> <sup>۷۸۷</sup> <sup>۷۸۹</sup> <sup>۷۹۱</sup> <sup>۷۹۳</sup> <sup>۷۹۵</sup> <sup>۷۹۷</sup> <sup>۷۹۹</sup> <sup>۸۰۱</sup> <sup>۸۰۳</sup> <sup>۸۰۵</sup> <sup>۸۰۷</sup> <sup>۸۰۹</sup> <sup>۸۱۱</sup> <sup>۸۱۳</sup> <sup>۸۱۵</sup> <sup>۸۱۷</sup> <sup>۸۱۹</sup> <sup>۸۲۱</sup> <sup>۸۲۳</sup> <sup>۸۲۵</sup> <sup>۸۲۷</sup> <sup>۸۲۹</sup> <sup>۸۳۱</sup> <sup>۸۳۳</sup> <sup>۸۳۵</sup> <sup>۸۳۷</sup> <sup>۸۳۹</sup> <sup>۸۴۱</sup> <sup>۸۴۳</sup> <sup>۸۴۵</sup> <sup>۸۴۷</sup> <sup>۸۴۹</sup> <sup>۸۵۱</sup> <sup>۸۵۳</sup> <sup>۸۵۵</sup> <sup>۸۵۷</sup> <sup>۸۵۹</sup> <sup>۸۶۱</sup> <sup>۸۶۳</sup> <sup>۸۶۵</sup> <sup>۸۶۷</sup> <sup>۸۶۹</sup> <sup>۸۷۱</sup> <sup>۸۷۳</sup> <sup>۸۷۵</sup> <sup>۸۷۷</sup> <sup>۸۷۹</sup> <sup>۸۸۱</sup> <sup>۸۸۳</sup> <sup>۸۸۵</sup> <sup>۸۸۷</sup> <sup>۸۸۹</sup> <sup>۸۹۱</sup> <sup>۸۹۳</sup> <sup>۸۹۵</sup> <sup>۸۹۷</sup> <sup>۸۹۹</sup> <sup>۹۰۱</sup> <sup>۹۰۳</sup> <sup>۹۰۵</sup> <sup>۹۰۷</sup> <sup>۹۰۹</sup> <sup>۹۱۱</sup> <sup>۹۱۳</sup> <sup>۹۱۵</sup> <sup>۹۱۷</sup> <sup>۹۱۹</sup> <sup>۹۲۱</sup> <sup>۹۲۳</sup> <sup>۹۲۵</sup> <sup>۹۲۷</sup> <sup>۹۲۹</sup> <sup>۹۳۱</sup> <sup>۹۳۳</sup> <sup>۹۳۵</sup> <sup>۹۳۷</sup> <sup>۹۳۹</sup> <sup>۹۴۱</sup> <sup>۹۴۳</sup> <sup>۹۴۵</sup> <sup>۹۴۷</sup> <sup>۹۴۹</sup> <sup>۹۵۱</sup> <sup>۹۵۳</sup> <sup>۹۵۵</sup> <sup>۹۵۷</sup> <sup>۹۵۹</sup> <sup>۹۶۱</sup> <sup>۹۶۳</sup> <sup>۹۶۵</sup> <sup>۹۶۷</sup> <sup>۹۶۹</sup> <sup>۹۷۱</sup> <sup>۹۷۳</sup> <sup>۹۷۵</sup> <sup>۹۷۷</sup> <sup>۹۷۹</sup> <sup>۹۸۱</sup> <sup>۹۸۳</sup> <sup>۹۸۵</sup> <sup>۹۸۷</sup> <sup>۹۸۹</sup> <sup>۹۹۱</sup> <sup>۹۹۳</sup> <sup>۹۹۵</sup> <sup>۹۹۷</sup> <sup>۹۹۹</sup> <sup>۱۰۰۱</sup> <sup>۱۰۰۳</sup> <sup>۱۰۰۵</sup> <sup>۱۰۰۷</sup> <sup>۱۰۰۹</sup> <sup>۱۰۱۱</sup> <sup>۱۰۱۳</sup> <sup>۱۰۱۵</sup> <sup>۱۰۱۷</sup> <sup>۱۰۱۹</sup> <sup>۱۰۲۱</sup> <sup>۱۰۲۳</sup> <sup>۱۰۲۵</sup> <sup>۱۰۲۷</sup> <sup>۱۰۲۹</sup> <sup>۱۰۳۱</sup> <sup>۱۰۳۳</sup> <sup>۱۰۳۵</sup> <sup>۱۰۳۷</sup> <sup>۱۰۳۹</sup> <sup>۱۰۴۱</sup> <sup>۱۰۴۳</sup> <sup>۱۰۴۵</sup> <sup>۱۰۴۷</sup> <sup>۱۰۴۹</sup> <sup>۱۰۵۱</sup> <sup>۱۰۵۳</sup> <sup>۱۰۵۵</sup> <sup>۱۰۵۷</sup> <sup>۱۰۵۹</sup> <sup>۱۰۶۱</sup> <sup>۱۰۶۳</sup> <sup>۱۰۶۵</sup> <sup>۱۰۶۷</sup> <sup>۱۰۶۹</sup> <sup>۱۰۷۱</sup> <sup>۱۰۷۳</sup> <sup>۱۰۷۵</sup> <sup>۱۰۷۷</sup> <sup>۱۰۷۹</sup> <sup>۱۰۸۱</sup> <sup>۱۰۸۳</sup> <sup>۱۰۸۵</sup> <sup>۱۰۸۷</sup> <sup>۱۰۸۹</sup> <sup>۱۰۹۱</sup> <sup>۱۰۹۳</sup> <sup>۱۰۹۵</sup> <sup>۱۰۹۷</sup> <sup>۱۰۹۹</sup> <sup>۱۱۰۱</sup> <sup>۱۱۰۳</sup> <sup>۱۱۰۵</sup> <sup>۱۱۰۷</sup> <sup>۱۱۰۹</sup> <sup>۱۱۱۱</sup> <sup>۱۱۱۳</sup> <sup>۱۱۱۵</sup> <sup>۱۱۱۷</sup> <sup>۱۱۱۹</sup> <sup>۱۱۲۱</sup> <sup>۱۱۲۳</sup> <sup>۱۱۲۵</sup> <sup>۱۱۲۷</sup> <sup>۱۱۲۹</sup> <sup>۱۱۳۱</sup> <sup>۱۱۳۳</sup> <sup>۱۱۳۵</sup> <sup>۱۱۳۷</sup> <sup>۱۱۳۹</sup> <sup>۱۱۴۱</sup> <sup>۱۱۴۳</sup> <sup>۱۱۴۵</sup> <sup>۱۱۴۷</sup> <sup>۱۱۴۹</sup> <sup>۱۱۵۱</sup> <sup>۱۱۵۳</sup> <sup>۱۱۵۵</sup> <sup>۱۱۵۷</sup> <sup>۱۱۵۹</sup> <sup>۱۱۶۱</sup> <sup>۱۱۶۳</sup> <sup>۱۱۶۵</sup> <sup>۱۱۶۷</sup> <sup>۱۱۶۹</sup> <sup>۱۱۷۱</sup> <sup>۱۱۷۳</sup> <sup>۱۱۷۵</sup> <sup>۱۱۷۷</sup> <sup>۱۱۷۹</sup> <sup>۱۱۸۱</sup> <sup>۱۱۸۳</sup> <sup>۱۱۸۵</sup> <sup>۱۱۸۷</sup> <sup>۱۱۸۹</sup> <sup>۱۱۹۱</sup> <sup>۱۱۹۳</sup> <sup>۱۱۹۵</sup> <sup>۱۱۹۷</sup> <sup>۱۱۹۹</sup> <sup>۱۲۰۱</sup> <sup>۱۲۰۳</sup> <sup>۱۲۰۵</sup> <sup>۱۲۰۷</sup> <sup>۱۲۰۹</sup> <sup>۱۲۱۱</sup> <sup>۱۲۱۳</sup> <sup>۱۲۱۵</sup> <sup>۱۲۱۷</sup> <sup>۱۲۱۹</sup> <sup>۱۲۲۱</sup> <sup>۱۲۲۳</sup> <sup>۱۲۲۵</sup> <sup>۱۲۲۷</sup> <sup>۱۲۲۹</sup> <sup>۱۲۳۱</sup> <sup>۱۲۳۳</sup> <sup>۱۲۳۵</sup> <sup>۱۲۳۷</sup> <sup>۱۲۳۹</sup> <sup>۱۲۴۱</sup> <sup>۱۲۴۳</sup> <sup>۱۲۴۵</sup> <sup>۱۲۴۷</sup> <sup>۱۲۴۹</sup> <sup>۱۲۵۱</sup> <sup>۱۲۵۳</sup> <sup>۱۲۵۵</sup> <sup>۱۲۵۷</sup> <sup>۱۲۵۹</sup> <sup>۱۲۶۱</sup> <sup>۱۲۶۳</sup> <sup>۱۲۶۵</sup> <sup>۱۲۶۷</sup> <sup>۱۲۶۹</sup> <sup>۱۲۷۱</sup> <sup>۱۲۷۳</sup> <sup>۱۲۷۵</sup> <sup>۱۲۷۷</sup> <sup>۱۲۷۹</sup> <sup>۱۲۸۱</sup> <sup>۱۲۸۳</sup> <sup>۱۲۸۵</sup> <sup>۱۲۸۷</sup> <sup>۱۲۸۹</sup> <sup>۱۲۹۱</sup> <sup>۱۲۹۳</sup> <sup>۱۲۹۵</sup> <sup>۱۲۹۷</sup> <sup>۱۲۹۹</sup> <sup>۱۳۰۱</sup> <sup>۱۳۰۳</sup> <sup>۱۳۰۵</sup> <sup>۱۳۰۷</sup> <sup>۱۳۰۹</sup> <sup>۱۳۱۱</sup> <sup>۱۳۱۳</sup> <sup>۱۳۱۵</sup> <sup>۱۳۱۷</sup> <sup>۱۳۱۹</sup> <sup>۱۳۲۱</sup> <sup>۱۳۲۳</sup> <sup>۱۳۲۵</sup> <sup>۱۳۲۷</sup> <sup>۱۳۲۹</sup> <sup>۱۳۳۱</sup> <sup>۱۳۳۳</sup> <sup>۱۳۳۵</sup> <sup>۱۳۳۷</sup> <sup>۱۳۳۹</sup> <sup>۱۳۴۱</sup> <sup>۱۳۴۳</sup> <sup>۱۳۴۵</sup> <sup>۱۳۴۷</sup> <sup>۱۳۴۹</sup> <sup>۱۳۵۱</sup> <sup>۱۳۵۳</sup> <sup>۱۳۵۵</sup> <sup>۱۳۵۷</sup> <sup>۱۳۵۹</sup> <sup>۱۳۶۱</sup> <sup>۱۳۶۳</sup> <sup>۱۳۶۵</sup> <sup>۱۳۶۷</sup> <sup>۱۳۶۹</sup> <sup>۱۳۷۱</sup> <sup>۱۳۷۳</sup> <sup>۱۳۷۵</sup> <sup>۱۳۷۷</sup> <sup>۱۳۷۹</sup> <sup>۱۳۸۱</sup> <sup>۱۳۸۳</sup> <sup>۱۳۸۵</sup> <sup>۱۳۸۷</sup> <sup>۱۳۸۹</sup> <sup>۱۳۹۱</sup> <sup>۱۳۹۳</sup> <sup>۱۳۹۵</sup> <sup>۱۳۹۷</sup> <sup>۱۳۹۹</sup> <sup>۱۴۰۱</sup> <sup>۱۴۰۳</sup> <sup>۱۴۰۵</sup> <sup>۱۴۰۷</sup> <sup>۱۴۰۹</sup> <sup>۱۴۱۱</sup> <sup>۱۴۱۳</sup> <sup>۱۴۱۵</sup> <sup>۱۴۱۷</sup> <sup>۱۴۱۹</sup> <sup>۱۴۲۱</sup> <sup>۱۴۲۳</sup> <sup>۱۴۲۵</sup> <sup>۱۴۲۷</sup> <sup>۱۴۲۹</sup> <sup>۱۴۳۱</sup> <sup>۱۴۳۳</sup> <sup>۱۴۳۵</sup> <sup>۱۴۳۷</sup> <sup>۱۴۳۹</sup> <sup>۱۴۴۱</sup> <sup>۱۴۴۳</sup> <sup>۱۴۴۵</sup> <sup>۱۴۴۷</sup> <sup>۱۴۴۹</sup> <sup>۱۴۵۱</sup> <sup>۱۴۵۳</sup> <sup>۱۴۵۵</sup> <sup>۱۴۵۷</sup> <sup>۱۴۵۹</sup> <sup>۱۴۶۱</sup> <sup>۱۴۶۳</sup> <sup>۱۴۶۵</sup> <sup>۱۴۶۷</sup> <sup>۱۴۶۹</sup> <sup>۱۴۷۱</sup> <sup>۱۴۷۳</sup> <sup>۱۴۷۵</sup> <sup>۱۴۷۷</sup> <sup>۱۴۷۹</sup> <sup>۱۴۸۱</sup> <sup>۱۴۸۳</sup> <sup>۱۴۸۵</sup> <sup>۱۴۸۷</sup> <sup>۱۴۸۹</sup> <sup>۱۴۹۱</sup> <sup>۱۴۹۳</sup> <sup>۱۴۹۵</sup> <sup>۱۴۹۷</sup> <sup>۱۴۹۹</sup> <sup>۱۵۰۱</sup> <sup>۱۵۰۳</sup> <sup>۱۵۰۵</sup> <sup>۱۵۰۷</sup> <sup>۱۵۰۹</sup> <sup>۱۵۱۱</sup> <sup>۱۵۱۳</sup> <sup>۱۵۱۵</sup> <sup>۱۵۱۷</sup> <sup>۱۵۱۹</sup> <sup>۱۵۲۱</sup> <sup>۱۵۲۳</sup> <sup>۱۵۲۵</sup> <sup>۱۵۲۷</sup> <sup>۱۵۲۹</sup> <sup>۱۵۳۱</sup> <sup>۱۵۳۳</sup> <sup>۱۵۳۵</sup> <sup>۱۵۳۷</sup> <sup>۱۵۳۹</sup> <sup>۱۵۴۱</sup> <sup>۱۵۴۳</sup> <sup>۱۵۴۵</sup> <sup>۱۵۴۷</sup> <sup>۱۵۴۹</sup> <sup>۱۵۵۱</sup> <sup>۱۵۵۳</sup> <sup>۱۵۵۵</sup> <sup>۱۵۵۷</sup> <sup>۱۵۵۹</sup> <sup>۱۵۶۱</sup> <sup>۱۵۶۳</sup> <sup>۱۵۶۵</sup> <sup>۱۵۶۷</sup> <sup>۱۵۶۹</sup> <sup>۱۵۷۱</sup> <sup>۱۵۷۳</sup> <sup>۱۵۷۵</sup> <sup>۱۵۷۷</sup> <sup>۱۵۷۹</sup> <sup>۱۵۸۱</sup> <sup>۱۵۸۳</sup> <sup>۱۵۸۵</sup> <sup>۱۵۸۷</sup> <sup>۱۵۸۹</sup> <sup>۱۵۹۱</sup> <sup>۱۵۹۳</sup> <sup>۱۵۹۵</sup> <sup>۱۵۹۷</sup> <sup>۱۵۹۹</sup> <sup>۱۶۰۱</sup> <sup>۱۶۰۳</sup> <sup>۱۶۰۵</sup> <sup>۱۶۰۷</sup> <sup>۱۶۰۹</sup> <sup>۱۶۱۱</sup> <sup>۱۶۱۳</sup> <sup>۱۶۱۵</sup> <sup>۱۶۱۷</sup> <sup>۱۶۱۹</sup> <sup>۱۶۲۱</sup> <sup>۱۶۲۳</sup> <sup>۱۶۲۵</sup> <sup>۱۶۲۷</sup> <sup>۱۶۲۹</sup> <sup>۱۶۳۱</sup> <sup>۱۶۳۳</sup> <sup>۱۶۳۵</sup> <sup>۱۶۳۷</sup> <sup>۱۶۳۹</sup> <sup>۱۶۴۱</sup> <sup>۱۶۴۳</sup> <sup>۱۶۴۵</sup> <sup>۱۶۴۷</sup> <sup>۱۶۴۹</sup> <sup>۱۶۵۱</sup> <sup>۱۶۵۳</sup> <sup>۱۶۵۵</sup> <sup>۱۶۵۷</sup> <sup>۱۶۵۹</sup> <sup>۱۶۶۱</sup> <sup>۱۶۶۳</sup> <sup>۱۶۶۵</sup> <sup>۱۶۶۷</sup> <sup>۱۶۶۹</sup> <sup>۱۶۷۱</sup> <sup>۱۶۷۳</sup> <sup>۱۶۷۵</sup> <sup>۱۶۷۷</sup> <sup>۱۶۷۹</sup> <sup>۱۶۸۱</sup> <sup>۱۶۸۳</sup> <sup>۱۶۸۵</sup> <sup>۱۶۸۷</sup> <sup>۱۶۸۹</sup> <sup>۱۶۹۱</sup> <sup>۱۶۹۳</sup> <sup>۱۶۹۵</sup> <sup>۱۶۹۷</sup> <sup>۱۶۹۹</sup> <sup>۱۷۰۱</sup> <sup>۱۷۰۳</sup> <sup>۱۷۰۵</sup> <sup>۱۷۰۷</sup> <sup>۱۷۰۹</sup> <sup>۱۷۱۱</sup> <sup>۱۷۱۳</sup> <sup>۱۷۱۵</sup> <sup>۱۷۱۷</sup> <sup>۱۷۱۹</sup> <sup>۱۷۲۱</sup> <sup>۱۷۲۳</sup> <sup>۱۷۲۵</sup> <sup>۱۷۲۷</sup> <sup>۱۷۲۹</sup> <sup>۱۷۳۱</sup> <sup>۱۷۳۳</sup> <sup>۱۷۳۵</sup> <sup>۱۷۳۷</sup> <sup>۱۷۳۹</sup> <sup>۱۷۴۱</sup> <sup>۱۷۴۳</sup> <sup>۱۷۴۵</sup> <sup>۱۷۴۷</sup> <sup>۱۷۴۹</sup> <sup>۱۷۵۱</sup> <sup>۱۷۵۳</sup> <sup>۱۷۵۵</sup> <sup>۱۷۵۷</sup> <sup>۱۷۵۹</sup> <sup>۱۷۶۱</sup> <sup>۱۷۶۳</sup> <sup>۱۷۶۵</sup> <sup>۱۷۶۷</sup> <sup>۱۷۶۹</sup> <sup>۱۷۷۱</sup> <sup>۱۷۷۳</sup> <sup>۱۷۷۵</sup> <sup>۱۷۷۷</sup> <sup>۱۷۷۹</sup> <sup>۱۷۸۱</sup> <sup>۱۷۸۳</sup> <sup>۱۷۸۵</sup> <sup>۱۷۸۷</sup> <sup>۱۷۸۹</sup> <sup>۱۷۹۱</sup> <sup>۱۷۹۳</sup> <sup>۱۷۹۵</sup> <sup>۱۷۹۷</sup> <sup>۱۷۹۹</sup> <sup>۱۸۰۱</sup> <sup>۱۸۰۳</sup> <sup>۱۸۰۵</sup> <sup>۱۸۰۷</sup> <sup>۱۸۰۹</sup> <sup>۱۸۱۱</sup> <sup>۱۸۱۳</sup> <sup>۱۸۱۵</sup> <sup>۱۸۱۷</sup> <sup>۱۸۱۹</sup> <sup>۱۸۲۱</sup> <sup>۱۸۲۳</sup> <sup>۱۸۲۵</sup> <sup>۱۸۲۷</sup> <sup>۱۸۲۹</sup> <sup>۱۸۳۱</sup> <sup>۱۸۳۳</sup> <sup>۱۸۳۵</sup> <sup>۱۸۳۷</sup> <sup>۱۸۳۹</sup> <sup>۱۸۴۱</sup> <sup>۱۸۴۳</sup> <sup>۱۸۴۵</sup> <sup>۱۸۴۷</sup> <sup>۱۸۴۹</sup> <sup>۱۸۵۱</sup> <sup>۱۸۵۳</sup> <sup>۱۸۵۵</sup> <sup>۱۸۵۷</sup> <sup>۱۸۵۹</sup> <sup>۱۸۶۱</sup> <sup>۱۸۶۳</sup> <sup>۱۸۶۵</sup> <sup>۱۸۶۷</sup> <sup>۱۸۶۹</sup> <sup>۱۸۷۱</sup> <sup>۱۸۷۳</sup> <sup>۱۸۷۵</sup> <sup>۱۸۷۷</sup> <sup>۱۸۷۹</sup> <sup>۱۸۸۱</sup> <sup>۱۸۸۳</sup> <sup>۱۸۸۵</sup> <sup>۱۸۸۷</sup> <sup>۱۸۸۹</sup> <sup>۱۸۹۱</sup> <sup>۱۸۹۳</sup> <sup>۱۸۹۵</sup> <sup>۱۸۹۷</sup> <sup>۱۸۹۹</sup> <sup>۱۹۰۱</sup> <sup>۱۹۰۳</sup> <sup>۱۹۰۵</sup> <sup>۱۹۰۷</sup>



نهج البلاغه در جزء ۱ و ۲ و ۳ و ۱۶ و ۱۷ سخنان ایندورا آورده و درباره آنها داورى نمود .

دانشمند مجلسى دوم شافى و تلخیص شیخ طوسى را تصحیح نمود و در پایان رجب ۱۰۹۷ از آن بیاسود (ش ۴۲۲ طوس) ایندو کتاب در رجب ۱۳۰۱ در تهران بچاپ سنگى رسید (شافى ص ۲-۲۹۵ و تلخیص ص ۲۹۶-۴۷۹) .

[۷۹۷]

این نسخه بخط نسخ و نسخه بدلها در کنار صفحه ها و روى عبارتهای معنی ۵۱۸ خط سرخ کشیده شده و عنوانها بشنگرف است . حاشیه هاى از مولانا محمد شفیع در برگهای جداگانه نوشته شده و میان برگها هست و حاشیه هاى هم دارد که بنشانه های «عص میاحس» پایان می یابد . در برگ ۸ الف حاشیه ای از محمد بادیا مازندانی هست . محمد جواد واعظ بن جلال الدین محمد بن شیخ اسدالله بن عبدالمجید بسال ۱۳۳۹ دارنده نسخه بود . در برگ ۱ الف و رویه برگ پیش از آن دارد که نسخه از آن میرمحمد معصوم خاتون آبادی بوده است .

(۴۳۷۲) - کاغذ ترمه سیاهالی - جلد تیماج ساده مقوای دارای برگردان ، در ریح سید اندازه : ۱۵ × ۲۵ و ۸ × ۱۵ س ۲۴

۱۵

[۶۵۴] شرح باب حاديعشر (عربى)

شیخ فاضل ابی عبدالله مقداد سیوری (م ۸۲۶) باب حاديعشر علامه حلی را بنام «النافع يوم الحشر فی شرح باب حاديعشر» گزارش نمود که در تبریز بسال ۱۳۰۸ چاپ شد .

[۷۹۸]

۲۰

این نسخه شماره ۱ دفتر است و بخط نسخ خوش باحاشیه هاى ریز تر و عنوان قال ۳۲۳ و اقول و عنوانهای دیگر بشنگرف گ ۱ الف - ۱۹ ب و چنین است : «اقول للعلماء فی اثبات الصانع طریقان (ص ۸ چاپی) - ومن ذلك الثواب والعقاب و تفصیلهما المنقول من جهة الشرع - در فصل ۷ در معاد هفت صفحه مانده بآخر همین چاپ .

(همه دفتر ۴۷۰) - کاغذ ترمه سمرقندی - جلد قبه اج سرخ ضری بنمر سمرقندی اندیشه همه اندازه : ۱۴ × ۱۹ و ۸ × ۱۴ س ۱۸

۲۵

[۶۵۵] شرح باب حادی عشر (معین الفکر) (عربی)

دانشمند متکلم عارف شیعی محمد بن علی بن ابی جمهور احسائی بدرخواست  
دوستان در هنگام درس این گزارش را امان نمود و در شام سه شنبه ۲۵ ذی قعدة ۹۰۴ در  
مدینه مجلس املائی آن بپایان رسید و نام آن «معین الفکر» و بقال و اقول می باشد.  
آغاز: بسمله . اعلم انما ابتداء المصنفون فی اوایل کتبهم بالبسمله لوجه .  
انجام : وهذا جهد المقل فاعلمه لایکون علی اسماعهم مللا و کان ذلك منافی  
اوقات متعددة و مجالس متباعدة و آخرها عشية يوم الثالث الخامس عشرين من شهر  
ذی القعدة الحرام سنة اربع و تسعمائة بالمدينة ... اذ كنت مجاورا بها فی تلك السنة  
فکتبتنا ما اتفق علی هذه الرسالة بالتماس جماعة الاصحاب والله الموفق للصواب والحمد لله  
و حده ... باملاء مؤلفه الفقیر الى الله الغفور عبده محمد بن علی بن ابی جمهور الاحسائی  
عفی الله عنه وعن والديه و جمیع المؤمنین و المؤمنات

[۷۹۹]

این نسخه بخط نسخ درشت با عنوانهای شگرف و متن زیر خط سرخ تاریخ  
۳۵۳ باعداد یکشنبه ۲۶ ج ۲ سال ۱۰۸۷ می باشد . در پایان دارد : « تم و کمل هذا  
الشرح صبح يوم الاحد سادس و عشرين شهر جمادی الاخر فی سنة سبع و ثمانین  
بعد الف من الهجرة النبوية علیه الف الف السلام و التحية » .

(۳۲۲۲) کاغذ قرنگی - جلد قیماج زرد

اندازه : ۱۴ × ۲۰ و ۷ × ۱۴ س ۱۸

[۶۵۶] شرح باب حادی عشر (عربی)

ابوالفتح بن مخدوم خادم حسینی عربشاهی در نیمه محرم ۹۵۵ این گزارش را  
بپایان رساند .

آغاز: بسمله و به نستعین . فاتحة كل كتاب عظیم و دیباجة كل كتاب کریم .  
نحمدك یا من دل علی ذاته بذاته .

انجام : اللهم افتح بالخیر و اختم بالخیر ... و اتفق الفراغ عن نقله من  
المسودة الی الیاض علی ید مؤلفه ... ابی الفتح بن مخدوم الحسینی ... فی اوسط شهر  
۲۵

[۸۰۰]

۳۴۶ این نسخه بخط نسخ خوش دردوستون چلیما هریک دردو بخش و عنوانها و متن بشنگرف از محمد اشرف پسر محمد هادی در شنبه ۲۴ صفر ۱۰۸۱

(۴۵۸) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج مشکى بیاضى

اندازه : ۱۷ ر۵ - ۱۹ و ۹۵ - ۱۴ س ۲۶۴ سطر

[۶۵۹-۶۵۷]

شرح قواعد صدوق

( عربی )

فيلسوف قاضى سعيداء قمى بر توحيد ابن بابويه بروش عرفانى و فلسفى و كلامى گزارشى نگاشته كه در اين كتابخانه سه جلد آن هست .

[۸۰۱]

۵۹۷ این نسخه جلد يكم و بخط تعليق وحديشها زیر خط سرخ و بنسخ و با عنوانهای شنگرف كه محمد حسين بن عليشاه زنوزى تبريزى در طوس شب دوشنبه ۱۰ ذى حجه سال ۱۲۰۴ آنرا نوشت .

۱۵ آغاز: بسملة . سبحانك و حنانك يا سبوح يا قدوس . . . و بعد فهذا علق مضمون الاعن عباد الله . . . هذا اصول اصول الدين . . . اسداه . . . محمد بن محمد مفيد المدعو بسعيد الشريف القمى اوقات مطالعة كتاب التوحيد لشيخنا صدوق .

انجام: هذا آخر ما اردنا ابراه فى المجلد الاول من شرح توحيد شيخنا الفقيه القمى . . . و يتلوه . . . فى المجلد الثانى باب تفسير سورة التوحيد والحمد لله وحده والصلوة على محمد وآله .

(۴۱۹۳) - كاغذ فرنگى - جلد تیماج مشکى ساده مقوالى

اندازه : ۱۸ - ۲۹ و ۱۰ - ۱۹ س ۲۴

[۸۰۲]

۵۹۸ این نسخه ش ۱ و جلد دوم و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف میباشد و ابوالقاسم شريف در تهران در شام آدینه ۲۷ شعبان نوشتن آنرا پيايان رساند و خود آنرا

مقابلہ کرد . قمى این جلد را در پسين روز چهارشنبه ۵ روز گذشته از محرم ۱۰۹۹ بانجام رساند . چنين است آغاز و انجام آن : « بسملة الحمد لله وسلام على عباده . . . فهذا هو المجلد الثانى من شرح كتاب التوحيد . . . تصنيف . . . محمد بن مفيد الملقب بسعيد الشريف القاضى القمى - يساعدنا على الوصول الى اقصى مبالغ تلك الاخبار انه الرؤف البار . . . و ملهم الاسرار و اتفق الفراغ فى عصر يوم الاربعاء لخمس مضين من محرم الحرام مبتدأ



الف وتسع وتسعين... والحمد لله واتفق الفراغ من الانتساخ عصر الجمعة و هو السبعة والعشرين من شعبان المعظم على يد ابوالقاسم الشريف في دار الخلافة طهران. اللهم اغفر. قد بلغ قبلا بنفسی وجهدی...» گ ۱ ب ۲۰۲ الف. شماره ۲ همان اسرار الصلوة همین قمی است که درس ۴۰۷ این فهرست شناسانده شده (ش ۲) و در آغاز قمی از خود نامبرده و اندکی با نسخه پیش جدائی دارد و نویسنده آن (ابوالقاسم شریف) از خود نامبرد و بخط نسخ میباشد گ ۲۰۳ ب ۲۰۷ الف پیدا شده قمی آنرا پس از ۱۰۹۹ نگاشته است. (همه دفتر ۳۰۷) کاغذ سپاهانی. جلد تیماج حنائی ضربی مقوای

اندازه: ۱۷ × ۲۷ و ۱۰ × ۱۹ س ۲۷

## [۸.۳]

این نسخه جلد سوم و بخط نسخ میباشد و چنین است: «بسملة الحمد لله ولی الحمد... اما بعد فهذا... هو المجلد الثالث من شرح كتاب التوحيد لشيخنا الصدوق القمي رضی الله عنه تصنيف... محمد المدعو بسعيد الشریف القمي - و علی اهل بیت الحکمه والولاية. وقد اتفق الفراغ بعون الله وتوفيقه من هذا المجلد الثالث من كتاب شرح التوحيد بالخیر والعافیة».

(۱۹۹۸) - کاغذ سپاهانی. جلد تیماج حنائی ضربی مقوای  
اندازه: ۱۱ × ۱۷ و ۷ × ۱۲ س ۲۰

## [۶۶۰] شرح صحائف الهیه (عربی)

صحائف در کلام و بسیار شیوا و رسا و استوار و دارای دو مقصد است (۱- مبادی دریاك مقدمه و سه قسم و ۲ در مسائل در ۱۹ صحیفه) و در آن یک دوره کلام بروش متأخران و آمیخته با فلسفه دیده میشود و چنین است آغاز آن: «الحمد لله الذي استحق الوجود والوحدة بالذات و ابدع بحكمته انواع الماهيات... و بعد فنان العلوم وان تنوع اقسامها... لكن اشرفها مرتبة... هو العلم الالهي... و سميته بالصحائف الالهية» نگارنده در آغاز میگوید که من دیری در اندیشه های تاریک فیلسوف منشان سرگردان بوده ام تا اینکه راه راست بمن نموده شد و بنگارش این دفتر پرداختم و گزیده مبحثهای عقلی را در آن یاد کرده از بیشتر سخنان فیلسوفان خرده گرفتم و گفتارهای تازه ای هم در آن آوردم و درباره پیامبری بهترین آفریدگان و پاسخ بیهودان و ترسایان نصوص تورات و انجیل را گواه ساختم (۱) در چند جا از امام و در

۱- نسخه پاکیزه و کهنه ای از صحائف الهیه از آن دانشمند گرامی آقای حکمت آل آقا

بقیه حاشیه در صفحه بعد

فصل ۱ صحیفه ۳ قسم ۲ مقصد ۱ از نگارنده «الواح» (که در هامش نسخه آقای حکمت آل آقا نوشته شده که از آن سهرودی شهید خواسته شده) یاد شده و گفته است که نگارنده الواح برهان ترسی را ساخته است. در فصل ۱ صحیفه ۱ قسم سوم مقصد ۱ از محمد شهرستانی یاد گردید.

- ۵ چلبی در کشف الظنون (ج ۱ ص ۷۷) میگوید که صحائف در کلام و دارای یک مقدمه و ۶ صحیفه و یک خاتمه است و آغاز آنرا چنانکه در نسخه دیده شده یاد می کند. گویا او چون دیده که مقصد ۱ دارای مقدمه و قسم ۱ دارای ۶ صحیفه است و خاتمه ای هم در دنبال برخی از فصلها هست بخشهای آنرا چنین یاد نمود. او در همان جا (ج ۱ ص ۶۸) شمس الدین محمد بن اشرف سمرقندی (م ۶۰۰) (نگارنده آداب البحث والمناظره رقسطاس المیزان) (چاپ شده کلمکتبه در ۱۸۵۴) را نگارنده صحائف میخواند. باز میگوید که صحائف در تفسیر از شمس الدین محمد سمرقندی است که احمد بن محمود قرمانی اصم ۹۷۱ آنرا بانجام رساند. نیز میگوید که «معارف» شرح «صحائف» گزارشی است به «قال و اقول» از سمرقندی و آغاز آنرا مانند نسخه طوس میآورد. برو کلمن در دنبال سرگذشت امام الهدی ابواللیث نصر بن محمد بن احمد بن ابراهیم فقیه سمرقندی (م ۵ یا ۳۷۳ یا ۳۸۳ یا ۳۹۳) از المعارف فی شرح الصحائف یاد نمود (ج ۱ پیوست ص ۲۷۴ و ۹۵۴ - نیز معجم المطبوعات) - در صحائف بارها و در شرح آن (نسخه ما گ ۶۹ ب) از امام و مایخص او یاد شده پس ایندو دیری پس از ابواللیث سمرقندی بنگارش در آمده است.

- بگفته چلبی فاضل علاء یا شمس الدین ابوالعلاء یا ابوبکر محمد بن احمد بهشتی ۲۰ اسفرائینی فخر خراسان گزارنده «آداب البحث» سمرقندی نیز گزارشی بر «صحائف»

بقیه حاشیه صفحه قبل

- دیده ام که یکی از پیروان علاءالدوله سمنانی در پشت آن بخط خود یادی از سمنانی نموده است و عبدالرحمن بن علی بن مؤید در ادرا نه در ع ۱ سال ۹۰۳ و علی بن امر الله بن محمد در شعبان ۹۷۰ آنرا داشته اند و در ۱۲۹۹ وقف شده و از پایان کم دارد (تا فصل ۲ صحیفه ۱۵ مقصد ۲ برابر با گ ۱۴۱ ب نسخه ما) - نیز بنگرید به : کشف الظنون در صحائف - معجم المطبوعات در سمرقندی.

نوشته است. او مانا همان باشد که عزالدین حسین کرکی در اشراق الحق (ش ۲/۲۹۳) ویرا در شمار دانشمندان شیعی بنام «شمس الدین محمد بهشتی» نگارنده «تفرید الاعتماد فی شرح تجرید الاعتقاد» آورد. در ذریعه (ج ۳ ص ۳۵۳ و ج ۴ ص ۲۱۴) از تعرید الاعتقاد «شمس الدین محمد بهشتی اسفرائینی دانشمند روزگار خواجه طوسی یاد گردید.

۵

در آستانه طوس (ج ۱ ش ۲۴۵ ص ۷۷) نسخه‌ای از «معارف» در شرح صحائف سمرقندی هست و گفته نشد از کیست و چنین است: «رب یسرو تم بالخير. الحمد لله الذی لیس لوجوده بدایة ولا لوجوده نهایة. فهدیه خلاصة سبیل السلوك وزبدة اصول الوصول لیهدی بها الی معارج السالکین ویستدرج منها الی مدارج العارفين» (نیز کشف الظنون) نسخه ما هم گزارشی است از همان صحائف الهیه زلی گزارنده ۱۰ آن سنی است نه شیعی. چون آغ-از آن نیست نمیتوان گفت از کیست. چنانکه دیده‌ایم چلبی گاهی صحائف را از سمرقندی و گاهی معارف را از او میداند و نسخه ما هم پیدا نیست که همان معارف باشد.

[۸۰۴]

- این نسخه بخط نسخ کهنه با عنوانها و نشانه‌های شنگرف و حاشیه هم دارد ۴۲۶ متن هر بندی با انداختن میانه آن پس از «قال» و شرح پس از «اقول» آمده و چنین است: «وفیه نظر عرّفته فی المنطق وهوانا لا نسلم امتناع التعریف بالرسْم (در امتناع تعریف وجود از فصل ۱ قسم ۱ مقصد ۱ و مقدمه را ندارد) - ویؤید ذلك ما قاله الشیعة ان اکثر الناس یبغضون علیارض لانه قتل اقرار بهم فلهذا انکر النص الذی یدل علی امامته ومنعوا حقه وحبّئذ یکرّون خلافة کل من الخلفاء الاربع حقا» مبحث امامت به ۲۰ پایان نمیرسد و مبحث معاد را هم ندارد و نسخه تا مبحث اخباریکه درباره خلیفه‌ها آمده و حکومت درباره آنها انجام میگردد (فصل ۳ صحیفه ۱۹ مقصد ۲) - در این نسخه (۶۹ب) از ملخص و سخن ابی البرکات در اینکه زمان اندازه هستی است یاد شد (۶۹ب-۷۶الف) مانند خود متن.



قاضی عبدالله بن عمر ریاضی شیرازی (م تبریز ۵۸۵) مفسر متکلم اصولی طوابع (۱) را در کلام نوشته است. قاضی برهان عمیدالله بن محمد بیدلی شریف فرغانی عبری که در تبریز بکار داوری میپرداخت و در ۷۴۳ در گذشت برای شاگردان خود گزارشی بر آن نگاشته و بشهاب الدین مبارکشاه ارمغان داد. در این گزارش همه متن نیامده و بندهائی از آن یاد شده روشن گردید.

آغاز: بسم الله وبه نستعين وعليه نتوكل رب تيممه بالخير احمد الله حمدًا يتقاصر عن ادراك غايته عقول العلماء ويعجز عن بلوغ نهايته السنة الفصحاء .  
انجام : ومحامليها وتاويلاتها المذكور في كتاب نهاية العقول من اراد الاطلاع عليها فليطالعها (ش ۸۱۷ طوس) ۱۰

[۸۰۵]

این نسخه بخط تعلیق و تالیف از مبحث امامت میباشد و چنین است انجام آن :  
والجواب عن الوجه السادس ان ما ذكرتم من الفضائل في حق علي معارض بمثله في فضائل ابي بكر... فان المراد بالاتقي ههنا اما ابو بكر او علي باتفاق المفسرين  
والثاني وهو كون علي (انجام : ص ۱۵ ب)

۱ - دانشمندی چند بر طوابع گزارش نوشتند: عبدالصمد بن محمود فارابی که در ۷۰۷ پیاپی رسالت قاضی برهان فرغانی عبری - شمس الدین محمود سپاهانی (۶۹۴ - ۷۴۹) بنام «مطالع الانظار» و برای ملک ناصر محمد بن قلاون که در آستانه در ۱۳۰۵ بچاپ رسید (ش ۱۰۲ مجلس و ۲۳۴ و ۱۰۰۸ و ۱۰۰۹ طوس) - زین الدین عبدالرحمن بن محمد قزوینی بغدادی جلالی ۸۳۶ - شمس الدین محمد بن احمد بسطامی ۸۴۳ - مولی خواجه زاده ۸۹۳ - جلال الدین دوانی (بردیباچه طوابع) - مجیب الدین محمد طبل باز ۹۰۶ - قاضی زکریا بن محمد انصاری ۹۲۶ - عصام الدین اسفرائینی ۹۴۳ - غیاث الدین منصور دشتکی ۹۲۸ - احمد بن مصطفی طاشکبری زاده ۹۶۹ - شمس الدین آملی م ۷۵۰ بنام تنقیح الافکار - زین الدین ابوالحسن علی معروف یابن شیخ العربیه موصلی حدیثی - حاجی پاشا ایدنی بنام مسائل الکلام فی مسائل الکلام - یوسف حلاج که پس از سعد میزیست (کشف الظنون) در مجلس تهران گزارشی است که گفته شد از کیست (ش ۹۳) .

(۱۱۵ بر ۴) = کاغذ ترمه سمرقندی - جلد تیماج زرد ساده و تازه است

اندازه : ۲۵×۱۵ و ۱۸×۲۴

[۶۶۲] شرح طوابع الانوار (عربی)

قاضی میرحسین منطقی میبیدی یزدی (م نزدیک ۹۰۹) نیز بر طوابع الانوار

بیضاوی گزارشی نوشته است .

[۸۰۶]

این نسخه شماره ۳۱ دفتر و بخط تعلیق رجبعلی بن جوادعلی نزدیک ۱۰۶۲ گ

۱۰۴۶ ۱۴۳ الف وب و پاره ایست از شرح میبیدی بر طوابع الانوار در دستاخیز تن و

چنین است : « البحث الثانی فی حشر الاجساد . اجمع العلیون علی انه تعالی یحیی

الابدان - ولا شبهة فی ان هذه الحالة هی الغایة القصوی من مراتب السماوات » در هاشم ۱۰

۱۴۳ الف گفتاری است از شریف گرگانی در تقسیم حکمت و سخنی از غزالی در اینکه

در دستاخیز روان بتن دیگر میرود و بتن اینجهانی بر نمیکرد و اینکه چنین تناسخی هم

در شرع رواست .

[۶۶۳] شرح عقائد نفعی (عربی)

نجم الدین ابو حفص عمر نخشبی (نسبی ۵۳۷) رساله ای در عقائد نگاشته است ۱۵

سعدالدین گفتارانی شافعی (۷۱۰-۷۹۲) شاگرد قطب رازی و عضدالدین ایچی گزارشی

آمیخته بر آن نوشته و در شعبان ۷۶۸ پایانش رساند و آن در اسلامبول بسال ۱۳۱۵

بچاپ رسید .

[۸۰۷]

این نسخه بخط تعلیق شکسته خوش در جدول زرین و لاجوردی و متن بنسخ ۲۰

روشن زیر خط سرخ میباشد و سرلوحی زیبا دارد .

(۴۵۸) - کاغذ سیاهانی - جلد تیماج مشکباده

اندازه : ۱۷×۱۱ و ۱۷×۱۲ س ۱۷

[۶۶۴] شرح فصول (عربی)

ترجمه تازی رکن الدین گرگانی از فصول طوسی را عبدالوهاب بن علی حسینی ۲۵

استرآبادی بدرخواست دوستان از روز شنبه ۲۱ محرم تا ۲۰ صفر ۸۷۵ گزارش نوشته

است .

آغاز: وعلیک الاعتماد یا کریم نحمدک الله علی ماوقفنا لادراک فصول الکلام ...  
 الفصل الاول فی التوحید ای فی بیان ان الله تعالی موجود واحد ... اصل ... کل من  
 ادرك شیئاً. الادراک قد یطلق علی کون حقیقه الشیء حاضرة عند المدرك سواء کان  
 بنفسها او بمثالها فیتناول العلم الحضورى والانطباعی .

انجام: وخسر خسرا نبینا . وصار من الذین ینادون من مکان بعید ... هذا هائیسر  
 لنافی شرح هذه الرسالة ... مع تراکم الغموم وتلاطم امواج الهموم ... ولنختم الکلام ...  
 وکان الافتتاح بتألیفه یوم السبت الحادی والعشرین من شهر محرم والاختتام بعشرین  
 صفر فی سنة خمس وسبعین وثمان مائة والحمد لله رب العالمین .

[۸۰۸]

این نسخه شماره ۱ دفتر و بنسخ و متن زیر خط سیاه یا سرخ با عنوانهای شنگرف  
 ۳۲۰ میباشد گ ۱ الف - ۵۳ ب . و چنین است انجام آن : «هدایة ... إعادة المعدوم ...  
 محال والا ... لزوم تخلل العدم فی وجود واحد ... فیکون ... الواحد اثنین وهو  
 محال ... والجواب انه لا معنی لتخلل العدم ههنا سواء انه کان موجود ازمانا ثم زال عنه  
 ذلك الوجود» از مبحث ۱ اعاده معدوم فصل ۴ در معاد برابر با س ۸ گ ۶۲ الف  
 ۱۵ ش ۳۲۳/۲ و نزدیک به ۹ برک ندارد .  
 (همه دفتر ۴۶۰) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج مشکى ضربی  
 اندازه : ۱۵ × ۸ × ۲۱ س ۱۴ س ۲۰

[۸۰۹]

این نسخه شماره ۲ دفتر و بخط تعلیق و متن زیر خط سرخ و حاشیه های «منه» دارد  
 ۳۲۳ ۲۰ و نیز حاشیه هائی از قاضی و دیگران که نام برده نشده گ ۲۰ ب - ۷۰ ب  
 . (۹ × ۱۴ س ۱۹)

[۶۶۵] شرح المواقف السلطانیة (عربی)

قاضی متکلم عضدالدین عبدالرحمن ابیحی (۷۰۰ یا ۷۰۱-۷۵۶) مواقف خویش  
 را برای غیاث الدین محمد وزیر ابوسعید بهادرخان از ۷۱۶ تا ۷۳۶ نگاشته است.  
 ۲۵ شمس الدین محمد بن بهاء الدین یوسف کرمانی م ۷۸۶ در ۷۶۷ (ش ۱۵۱ ص ۴۷ ج ۱  
 و ش ۸۵۳ ص ۱۹۴ ج ۴ طوس) و سیف الدین ابهری بر آن گزارش نوشتند . گزارنده دیگر  
 دانشمند میر سید شریف علی گرگانی (گرگان ۷۴۹- شیراز ۶ ع ۲ سال ۸۱۶) میباشد. او  
 شاگرد قطب رازی بوده و بگفته سید محمد نور بخش (۷۹۵- ۸۸۹) و محمد بن ابی



- جمهور سال ۸۷۸ در مجلس سوم رساله منظره بافاضل سنی هروی (ش ۸/۸۷۸) گ  
 ۹۴ ب و ش ۲/۹۴۴ گ ۵۷ ب) در نهانی آیین شیعی داشت ولی برای دلجوئی از  
 درباریان امیر تیمور گورکان (۷۷۱-۸۰۷) و در برابر سعدالدین تفتازانی (م ۷۹۲)  
 و شاید برای رفع تهمت رفض و اعتزال که سادات بدان دچار بودند اوروش حنفیان  
 را بر شافعیان برتری داد و اینهم روی این بود که تیمور او را ناگزیر کرده بود که یکی  
 ۵ از این دوروش را برگزیند از اینجا بود که او بگزارش مواقف پرداخت و همان شرح  
 سیف الدین ابهری را آمیخته ساخت و اندکی از مواقف را روشن نمود و آنرا نزدیک  
 بشامگاه شنبه آغاز شوال ۸۰۷ در سمرقند پایان رساند (مجالس المؤمنین و نسخه‌ها)  
 بخشی از شرح میرا سوارنزن (Soerensen) با ملاحظاتی بالاینی در لایحه سمک سال  
 ۱۸۴۸ بچاپ رساند و همه آن بارها در آستانه ولکنای و دهلی و مصر از ۱۲۳۹ تا  
 ۱۳۲۷ چاپ گردید (کشف الظنون - معجم المطبوعات).

[۸۱۰]

- این نسخه از گزارش میر بنسخ و عنوانها درست تر در متن و هامش و متن زیر خط  
 ۳۸۷ سرخ میباشد. صفحه یکم بتعلیق و توفیوس است. حاشیه‌هایی دارد که برخی  
 به «منه» پایان مییابد. برگ ۳۰ سفید و نسخه در اینجا کم دارد. نسخه خطبه  
 ۱۵ میر اندازد و شرح آغاز میشود. نویسنده آن احمد بن محمد است که در سه شنبه ۱ شوال  
 ۸۸۵ آنرا نوشت. فهرست کتاب و صفحه یکم بخط دیگر است.  
 (۴۴۴) - کاغذ سمرقندی. جلد تماج مشکى ساده فرسوده - کرسا کنگنه تعمیر  
 اندازه: ۱۸ × ۱۱ و ۱۶ × ۲۴

## [۶۶۶] الصراط المستقیم الی الله تحقیق التقویم (عربی) ۲۰

- زین الدین ابی محمد علی بن محمد... بن یونس عاملی نباطی بیاضی عنقه جوری ادیب  
 شاعر کلامی (۸۷۷) که از شیخ ناصر بن ابراهیم احسانی عاملی دانشمند شیعی و از  
 خاندان بویه (۷۵۳) اجازه داشته بود این کتاب را در کلام بروش شیعی و آمیخته  
 با آیتها و خبرها و تاریخ نوشته و در ۲۵ ع ۸۵۴ آنرا پایان رساند. او در دیباچه  
 از ۵۲ کتاب یاد میکند که از روی آنها این را نگاشت و ۲۲۴ کتاب دیگر که از آنها  
 ۲۵

بهره برده بود. در این کتاب ۱۷ باب است: «خدا وصفتهای او و فعل او که بی غرض نخواهد بود و اختیار و ازادی مردمی - باطل بود جبر - پیامبر - جانشین او - کرامتهای جانشین - شرائط آن - برترینهای آن - شناساندن آن از روی قرآن - نص پیامبر در این باره - نص او درباره فرزندان وصی - نشانههای آنها - کسانی که بر آنها ستم روا داشتند - نصرت دین وصی - رد شبهه های دشمنان - چهار رهبر خطاکارند - نکوهش از او یان حدیثها - پاسخ از خرده گیریها که درباره پیروی از امام کرده اند».

آغاز: بسم الله . الله احمد حمدا لایضاهی علی وجوب وجوده ... و بعد فلما کان کمال الایمان بمعرفه ائمة الزمان بمنطوق شریف القرآن .

انجام النصف وثالث من ربیع آخرائی - لاعوام ذق ندمام جماله .

[۸۱۱]

۱۰

این نسخه بخط نسخ خوش باعنوانها و نشانه های شنگرف از محمد یحیی در روز شنبه صفر سال ۱۰۸۷ می باشد. در هامش پایان شعرهایی در ستایش از کتاب و نگارنده آن تعلیق خوش هست. محمد مهدی بن رضی الدین محمد هروی دارنده نسخه بوده و مهر او هم هست. نیز محمد صفی بن محمد تقی در بر و جرد ج ۱ سال ۱۲۶۸ - مجدالدین بن صدر الافاضل در ۱۷ خرداد ۱۳۲۲ خ نسخه را بواقف یادگار داده است. حسنعلی بن محمد صادق مجلسی الماسی مینویسد که این کتاب نگارش بیاضی است و مجلسی در فهرست از آن یاد نمود. (همه اینها در گ ۱ الف). (ش ۱۳۰ ص ۲۷۵ ج ۱ فهرست سیپ سالار)

(۴۴۰۱) - کاغذ سمرقندی - جلد نیمه ج مشکی زرکوب  
اندازه: ۱۷ × ۲۵ و ۹ × ۱۷ - ۱۸

(فارسی)

علاقه التجرید

[۶۶۷] ۲۰

سید امیر محمد اشرف بن عبدالحسین بن احمد بن بن العابدین علوی حسینی عاملی (م ۱۱۴۵) نگارنده فضائل السادات گزارشی بر تجرید خواجه طوسی بنام بالا نوشته است. در دیباچه نام او و نام گزارش دیده میشود. او در پایان شرح «والامکان يعطی جواز العدم» از شرح علامه وحاج محمود یاد میکند (گ ۱۱۹ الف) همچنین در جاهای دیگر (گ ۳۵ ب - ۳۶ ب - ۲۷ الف - ۱۰۳ ب).

۲۵

آغاز: بسم الله . حمد مر خدا بر اکه تجرید علائق جسمانی و تهذیب اخلاق ایمانی

را صراط المستقیم ابواب جنان .

انجام: پس قول آن حضرت است من ابتلی بشیء من هذه القاذورات فليستمرها بستر الله وايا سمرت آنحضرت ص چنین بوده . تم الکلام بخیر المرام انشا الله . تم .

[۸۱۲]

این نسخه بخط نسخ و متن زبر خط سرخ و عنوان قال بشکر فمیباشد .  
۲۵۵ در برخی از جاها که تصحیح شده روی عبارت های نادرست خط کشیده شده و این میرساند که نوشته خودعاملی است ولی در برخی از جاها نسخه بدلیها در هاشم دیده میشود که گویا بخط دیگری است .

(۳۱۳۲) کاغذ سمرقندی جلد تیناج سبز مقوای تازه

اندازه : ۲۴×۱۸ و ۲۱×۱۸

۱۰

[۶۶۸] هو ائد المزید (عربی)

دانشمند محمد جعفر استرآبادی در این رساله که ۱۵ عایده است از برخی از مسئله های کلامی گفتگو نمود .

آغاز: بسمله . الحمد لله علی نواله . و فیقول ... محمد جعفر الاسترآبادی هذه رسالة مساة بعوائد المزید .

۱۵

انجام : و عدم کونه علی سبیل المبالغة كما هو التعارف فی الالسنة تم بالخیر والسعادة فی سنة ۱۲۴۵ .

[۸۱۳]

این نسخه شماره ۳ دفتر بخط نسخ با عنوانها و نشانه های شنکرف از همان  
۳۱۹ بسطامی نویسنده شماره یکم میباشد . گ ۱۱۶ ب - ۱۲۱ الف . در کنار گ  
۱۰۷ الف بخط تعلیق دارد: «روز زلزله نوشته شد . روز شنبه دوم ماه شوال  
المکرم ۱۲۴۵» .

۲۰

[۶۶۹] الفوائد البهیه فی شرح العقائد البهائیه (عربی)

فاضل حاجی مولی عبدالله بن نجم الدین قندهاری که در کابل و طوس میزیست  
۲۵ در جوانی بر رساله اعتقادیه شیخ بهائی گزارشی نگاشته و دلیل و برهان برای آن



آورد و در شب یکشنبه ۷ شوال ۱۲۴۴ آنرا بهایان رساند. اعتقاد بهائی دو ترجمه پارسی دارد که در فهرست طوس (ش ۳۵۵ و ۳۵۶ ص ۲۶ و ۲۷ ج ۴) شناسانده شده است.

آغاز: بسم الله... الحمد لله الذي وفقنا لتبيين العقائد الدينية وتدوين المقاصد اليقينية  
انجام: اي عن الصغائر والكبائر والارجاس والنقائص البشرية بنص رب العالمين.  
وبعد ما ختم الشيخ... والحمد لله اولاً و آخراً وظاهراً وباطناً.

[۸۱۴]

این نسخه بخط تعلیق خوش با عنوانها و نشانه های شنکرف و متن در بالای هر صفحه و میان شرح زیر خط نوشته شده و حاشیه هائی از خود قندهاری در هامش هست. سرگذشت او از مطلع الشمس (ج ۲ ص ۴۰۱) در پشت برگ نخستین دیده میشود. نویسنده نسخه همان قندهاری است و بهر او عماد الوعظین (عماد خطیب) بخط خود در پشت همان برگ سال ۱۳۲۷ نوشته و گواهی داد که این گزارش از پدر او است.

(۴۸۸) - ۱۵۳۱ - ۱۱ - ۱۸ - ۷ - ۱۳۱۳ - ۱۵  
جلد ترمج سرخ

اندازه: ۱۱ - ۱۸ - ۷ - ۱۳۱۳ - ۱۵

[۶۷۰] فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم (عربی)

دانشمند ابن طاوس ابوالقاسم علی بن موسی (۵۸۹-۶۶۴) این کتاب را که در ده باب است نگاشته و در آن روشن نمود که نجوم و ستاره شناسی درست است و بسیاری از دانشمندان شیعی بدان آشنا بوده و بسی از فرزندان اسلام پیش بینی های درستی کرده اند و پیامبران و پیشوایان از این دانش بیگانگی نداشتند. نام بسیاری از کتابهای ستاره شناسان که بدست او رسید در این کتاب دیده میشود و فهرست خوبی است برای نام آنان و نگارش آنها. او برای درستی ستاره شماری و احکام نجوم از حدیثها نیز گواه میآورد و میگوید که منکران پنداشتند که ستارگان در علم نجوم آفریننده دانسته شده و این بادین نمیسازد. چنین نیست بلکه ما آنها را آیتها و نشانه هائی میدانیم. او از شبهه منکران نیز پاسخ میگوید. کتاب در روز سه شنبه ۲۰ محرم ۶۵۰ گویا در کربلا بهایان رسید و در نجف ب-ال ۱۳۶۸ بچاپ رسید.

این نسخه بنسخه باعنوانهای شنگرف میباشد - پس از سر آغاز يك برگ سفید  
گذارده شده و نوشته اند و نسخه در اینجا افتاده دارد -

۸۴۸

(۳۱۱۱) - کاغذ سپاهی - جلد تماج سرخ ساده مقوایی

اندازه : ۱۵ × ۲۱ و ۸ × ۱۶ س ۱۹

[۶۷۱] فناء الموحودات قبل التیامه (رحاله فی...) (عربی)

محمد اسمعیل مازندرانی خواجهائی (۱۱۷۳م) دانشمند متکلم پارسا نگارنده  
«ابطال الزمان الموهوم» و «الرد علی الصوفیه» پیارسی (روضات ص ۳-۳۱) در اینجا گفتار  
روشن ساخت که همه چیزها بجز خداوند بیش از رستخیز نابود میشوند.

آغاز: بسم الله بعد حمد الله المتوحد بالعز والبقاء... اقول وانا العید... محمد  
بن الحسین بن محمد رضا الشهیر باسمعیل المازندرانی.

انجام: وارشدنا وایاک الی مافیه صلاحنا فی البدایه والنهایه. هذا جمله ما  
خطر بخاطر ی الفاتر وذهنی القاصر.. والصلوة علی نبيه وآله مابقی الغدو والاصال.

[۸۱۶]

این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط نسخ با حاشیه «منه رحمه» بتعلیق شکسته

۸۹۱ گ ۳۹ ب - ۷۴ الف. شماره ۱ آن «رضاعیه» است بنسخ که ابوالحسن بن

محمد رضا دامغانی در ۱۰۷۸ آنرا نوشته است. گ ۱ الف - ۳۸ الف.

(همه دفتر ۴۷۴) - کاغذ فرنگی - جلد مشکی فرسوده

اندازه : ۱۷ × ۲۴ و ۱۰ × ۱۷ س ۲۱

[۶۷۲] قو اهد (عربی) ۲۰

کمال الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی (۶۷۹م) در این کتاب از بسیاری از  
مباحث کلام بروش شیعی گفتگو نمود و در ۶۷۶ آنرا پایان رساند. در آغاز میگوید  
علم اصول دین را که برترین دانشها است بیامو ختم و اکنون بدستور ابوالمظفر  
عبدالعزیز بن جعفر این رساله کوتاه را نوشتم.

آغاز: الحمد لله الولی الحمید ذی العرش المجید... فلما کان شرف العلم بشرف

المعلوم.

انجام : اعنی طبقه الاولیاء و بالله التوفیق و العصمة و به الحول و القوه و الحمد لله رب العالمین اتفق فراغ مصنفه و مؤلفه ... سنة ست و سبعین و ستمائة

[۸۱۷]

این نسخه شماره ۱ دفتر است و بخط تعلیق محمد حسین گلبایگانی بسال ۱۳۲۷  
 گ ۱ ب ۷۶. در پایان دارد : «وقع الفراغ من تحریر فی الخامس والعشیرین  
 من شهر جمادی الاولی ۱۳۲۷» . ۲۹۷ ۵

(فارسی)

گاشف الحق

| ۶۷۳ |

درسر گذشت امامان و اتباع امامت آنها دفتری بنام «حديقة الشیعه» (۱) پیارسی  
 هست که شیخ محمد بن حسن حرعالمی ۱۱۰۴ در امل الامل (ص ۴۶۰) و شیخ سلیمان  
 بن عبدالله ماحوزی بحرانی (نزدیک ۱۰۷۱-۱۱۲۱) و شیخ عبدالله بن صالح سماهیجی ۱۰  
 اخباری ۱۱۳۵ و شیخ یوسف بن احمد درازی بحرانی ۱۱۸۶ نگارنده حدائق در  
 لؤلؤت البحرین (چاپ سنگی بی شماره) و میرزا عبدالله افندی تبریزی سپاهانی در  
 ریاض العلماء و نوری (۱۲۵۴-۱۳۲۰) در مستدرک الوسائل (ج ۳ ص ۵-۳۹۳) آنرا از  
 دانشمند پارسا احمد بن محمد اردبیلی دانسته اند. او در نجف میزیسته و شاه عباس  
 یکم (۹۸۵-۱۰۳۸) گرامیش میداشته و در همانجا در صفر ۹۹۳ زر گذشت (۲). ۱۵

۱ - حدیقه در دو جلد و نخستین آن درسر گذشت پیامبر باید باشد مگر اینکه از جلد  
 یکم آن سراغ ندادند. در آستانه طوس (ج ۱ ص ۳۲ ش ۱۰۳ اخبار) نسخه ای از جلد دوم  
 آن هست و همین جلد بکبار در تهران بسال ۱۲۶۵ بخط ابوالقاسم الشریف بن میرزا محمد  
 در ایران و سوم بار در تهران کارخانه الله قلیخان بخط ابوالقاسم الشریف بن میرزا محمد  
 رضای خوزانی سپاهانی و پدر او در ۱۵ شعبان ۱۳۰۳ در ۲۸۷ ص بچاپ سنگی رسید. ۲۰  
 کتابی بنام عقاید الاسلام عربی چاپ عبدالصمد بن احمد تبریزی بسال ۱۳۲۱ در ۱۴۴ ص  
 دیده شده که ترجمان آن محمد بن تقی میگوید که آن بترکی عثمانی از مولی محقق  
 اردبیلی بوده است و در اثبات خدا و پیامبر و امام میباشد و بروش کلامیان با استدلال  
 نوشته شده و نباید اینرا بجای جلد نخستین حدیقه بنداشت.

۲ - اردبیلی زبدة البیان فی براهین احکام القرآن (آیات الاحکام) را چنانکه در فهرست  
 سپهسالار ج ۱ ص ۸۳ آمده در ۹۸۹ نگاشته است ولی در طوس دو نسخه هست که  
 بقیه حاشیه در صفحه بعد



در این دفتر از خود اردبیلی و نگارشهایش هم یاد گردید و بدانها بازگشت داده شد و نوری در مستدرک همه آنجاها را بر شمر دو در هاشم ص ۱۰۰ طرائق الحقائق میر معصوم علی شاه م ۱۲۴۴ نیز برخی از آنها آمده و در روضات ص ۲۴ هم یاد گردید (۱).

نگارنده روضات الجنات (۱۲۲۶-۱۳۱۳) و نویسنده طرائق الحقائق (ص ۹۹)

- و معشی ذریعه ج ۶ ص ۳۹۴ آنرا از اردبیلی ندانستند زیرا محقق سبزواری ۱۰۹۰ م  
گفته که حدیقه از معز الدین اردستانی است و در فهرست نگارشهای او از این کتاب  
یاد نکرید و مولی محمود خراسانی گوید که حدیقه در هند نوشته شده و در بر صوفیان  
را پس از آن نگاشتند و در میان آن گذاردند و همراهی از اردبیلی و انمود کردند و ملا  
شاه محمد شیرازی همان اردستانی را دیده و از او پرسید و او آنرا از خود دانست.  
۱۰ بگفته حاج محمد جعفر بن حاج صفر خان همدانی در آغاز مرآت الحق اردبیلی در  
-اشیه تجرید بوحدت وجود گرائیده و دور است که از صوفیان نکوهش کرده باشد.

بقیه حاشیه صفحه قبل

- یکی در ۹۶۲ و یکی در ۹۸۹ نوشته شده است (ج ۱ ص ۷ و ۲-۳ تفسیر و ج ۴ ص ۴۰۲)  
او مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان را در کربلا رمضان ۹۷۷ آغاز و جلد  
یکم آن را در نجف ۱۰۷۱ سال ۹۷۸ پایان رساند و کتاب در نیمه روز یکشنبه ۲ صفر ۹۸۵  
انجام گرفت (فهرست سیه سالار ج ۱ ص ۴۴۲-همین شرح ارشاد چاپ سنگی ایران از محمد  
نقی خوانساری سال ۱۲۷۲).

- ۱ - در اصل یکم حدیقه ص ۳ دارد: «در رساله اثبات واجب یاد کرده ایم» که در  
گ ۱۲ ص ۱۳ کاشف الحق چنین آمده: «مولانا احمد اردبیلی در رساله اثبات واجب  
فرموده» در ص ۴ دارد: «مادرات اثبات واجب در باب اجماع چند کلمه سودمند یاد کردیم»  
۲۰ که در گ ۱۴ الف کاشف نیامده است. در شرح نزول سوره هل اتی به شرح ارشاد فقه  
بازگشت شده (ص ۲۳) و آن هم در کاشف الحق نیامده است (گ ۳۱ ص ۱۰) نوری در  
مستدرک میگوید که در شرح ارشاد چنین چیزی دیده نشده مگر اینکه در باب صدقه که  
اکنون در دست نیست باشد. درباره ابوهاشم کوفی در ص ۲۰۸ بازبازی از زبدة الیاب  
میکند. در ص ۲۲۳ میگوید: «و مؤلف این کتاب... احمد اردبیلی گوید مرا گذار باصفهان  
۲۵ افتاد». در ص ۲۸۷ دارد «این فقیر در رساله که هم بفارسی نوشته است» و این در پایان  
کاشف الحق دیده نمیشود.

- آنها نسخه‌ای از حدیقه که پیش از ۱۰۷۸ نوشته شده باشد دیده نشده که در آن نگارنده را اردبیلی پنداشته باشند. مجلسی نیز حدیقه را از اردبیلی ندانست و خبر های ضعیفی هم در آن آمده که از اردبیلی گراينده بخبرهای عالی السند بسیار در راست (نوری گوید که در هنگام رد تمسك بچنين خبرها رواست) عبارات این کتاب هم در کاشف الحق دیده میشود و بزبان پارسی است و از اردبیلی پارسی نوشتن دور میباشد. ۵
- سید ابراهیم بن امیر معصوم قزینی در حواشی امل الامل بنام مته‌الامل نیز آنرا از اردبیلی ندانست گویا دشمنان صوفیان که برای کمک بمیراوحی دشمن مجلسی یکم ۱۷ رساله در نکوهش از ابی مسلم خراسانی نوشته و در نکوهش از صوفیان توضیح المشر بین و اصول و فصول التوضیح نگاشته‌اند این بخش از حدیقه را که در رد بر صوفیان است ساخته و در کتاب اردستانی گذارده و هم‌را از اردبیلی نشان دادند. این بخش ۱۰
- بساخت نامه جداگانه‌ای در نزد محدث نوری در نسخه‌ای نوشته ۲۸ شوال ۱۱۶۹ بوده و بگفته همو آنرا در روزگار اردبیلی نوشته و از حدیقه گزین کرده‌اند.
- گویا این بخش از محمد طاهر بن محمد حسین شیرازی نجفی قمی اخباری ۱۰۹۸م شیخ الاسلام و امام جمعه باشد. او کسی بود که نماز آدینه را در نبود امام ناروا می دانست و دشمن دوم مجلسی و فیض بود و شاه سلیمان (۱۰۷۷-۱۱۰۵) میخواست او را بکشد. او حکمة العارفين والفوائد الدینیة فی الرد علی الحکماء والصوفیه نوشته که مجلسی یکم او را رد نمود گرچه فرزندش اینرا نپذیرفت. قمی قصیده‌رأیدای در ستایش علی (ع) و نکوهش صوفیان دارد که خود آنرا گزارش نمود و هر دو پی‌ارسی است (ذریعه ج ۳ ص ۴۱۷).
- قطب الدین نیریزی م نزدیک ۱۱۷۳ در الحکمة العلویه (ش ۳/۳۶۴) میگوید که ۲۰
- اردبیلی در برخی کتابها و در تفسیر «الذین یتفکرون فی خلق السموات والارض» در آیات الاحکام بروش صوفیانه رفت و بخش نکوهش از صوفیان حدیقه از ملا معز اردستانی دشمن صوفیان است که در آن حدیثهای ساختگی خود را آورده است. این راهم باید دانست که در این بخش ص ۲۸۶ از هرک میرمخدوم ۸۵ یا ۹۹ و نواقض

- او (نوشته در ۹۸۸) یاد می‌شود و همین می‌رساند که آن از اردبیلی ۹۹۳م نخواهد بود.
- در طرایق الحقائق ص ۹۹ از بستان السیاحه حاج زین العابدین شیروانی آمده که از مولانا محمد باقر خراسانی نگارنده ذخیره درباره حدیقه پرسیده‌اند او گفت در فهرست نگارشهای او دیده نشد و آن از معز اردستانی است و نکوهش صوفیان را هم بر آن افزودند. در همان بستان چاپ ایران ۱۳۴۲ ص ۲۹ دارد «مصنف کتاب حدیقه و صاحب تبصره و دیگران مانند مولانا محمد طاهر قمی ...» و در ص ۵-۲۴ از گفته فخر العلماء مولانا احمد کابلی در پاسخ پرسنده‌ای چنین آمده که «برخی از امامیان دشمن صوفیان چنین گفته‌اند» آنگاه سخنان اردبیلی در حدیقه (ص ۹-۲۰۸) را نوشته است او در ص ۳۳۵ بستان آنچه را که در ص ۲۰۸ حدیقه درباره دسته های صوفیان آمده رد نمود و نامی از اردبیلی نبرد و آن سخن را از «علامای ظاهر» دانست. ۱۰
- در ریاض السیاحه چاپ ۱۳۳۹ ص ۱۲۰ خبرهایی از پیامبر و علی (ع) در ستایش از تصوف آورد و در ص ۱۲۶ میگوید که هفده دسته‌ای که برای صوفیان شمرده و آنرا از رساله‌ای از سید مرتضی میدانند درست نیست (سخن نگارنده حدیقه مینگرد) چه این رساله (تبصره العوام) از سید نمیباشد چنانکه اردستانی حدیقه را نوشته و بنام اردبیلی شهرت داد (۱) - باری حدیقه بساخت کاشف الحق در آمده و میرمیران ۱۵
- معز الدین محمد بن ظهیر الدین محمد حسینی اردستانی شاگرد ابن خاتون محمد عاملی دکنی این کتاب را در یکسال و نیم در حیدرآباد بسال ۱۰۵۸ نوشته و خود بدان نامی نداده و از خود نیز نامی نبرده است (در پشت نسخه ۹۲۷ طوس و پایان نسخه ما کسی آنرا چنین نامیده است) این دانشمند در حیدرآباد میزیست. کاشف الحق او همان حدیقه است
- تنها سه سطر از خطبه و چند سطر پایان آنرا برداشت و در آغاز آن دیباچه‌ای بنام قطب ۲۰
- شاه سلطان عبداللہ شیعنی (غلامکنده ۱۰۲۰-۱۰۸۳) افزود و در پایان از شاه اسماعیل ۱
- ۱ - نیز بشکرید به: طرائق ص ۹۴ و ۹۹ - ذریعه ج ۴ ص ۱۵۰ و ۴۲۲ و ۴۹۵ و ج ۶ ص ۳۸۵ - فهرست طوس ج ۱ ش ۱۰۳ اخبار ص ۳۲ ج ۴ ش ۹۲۷ ص ۲۱۸ - قصص العلماء تنکابنی ص ۲۴۷ - جلال الدین امیر سید بن محمد بن غیاث الدین محمد حدیقه را گزین نمود و او گویا همان جلال الدین محمد بن محمد کاشانی باشد که مناظره احسانیه و هروی را بسال ۱۰۰۱ پیارسی کرد.



یکم (۹۰۷-۹۳۰) بستود (گ ۳۶۵ ب) و بیتهائی در ستایش از کتاب و شاه عبدالله در پایان گذارد. بخش نکوهش از صوفیان هم در آن نیست. هر جائی که اردبیلی در آن گفته که در چنین و چنان کتابم گفته ام بجای آن «گفته است» آمده یا آنرا انداخته است و دارای يك مقدمه و يك باب در ۱۲ فصل و يك خاتمه در دو اصل میباشد درس ۱۳ گ ۱ الف کاشف الحق از عبارت «امید که از فاتحه تا خاتمه بنحویکه قابل خواندن و شنیدن اهل فضل و کمال باشد ...» برابر است با ص ۸ حدیقه الشیعه چاپ ۱۳۰۳ و درس ۱ گ ۳۶۵ ب عبارت «شهرهای مشهور که از روزیکه بنشده هرگز بوی تسنن بمشاهشان نرسیده و چون قم و کاشان و سبزوار و مشهد» از حدیقه است با دیگر گونگی (ص ۱ ص ۲۸۷) و از اینجا بداندازه بیست سطر آن آورده نشد و دو صفحه خود اردستانی افزوده و کتاب را پایان رساند و بیتهای چند در باره انجام گرفتن کتاب و تاریخ آن و ستایش از شاه عبدالله آورد، است.

۱۰

در گ ۲۷۸ ب س ۱۱ و ۱۲ جائی است که داستان پیدائی دولت عباسی و کارهای ابوسلمه و ابومسلم و نکوهش از صوفیان که نزدیک به بیست صفحه حدیقه را گرفته است (ص ۲۰۳-۲۲۳) باید باشد و اردستانی آنرا انداخت و عبارت را دیگر گونه ساخت و بجای عبارت «و ایضا مذکواست که حماد بن عیسی از آن حضرت استدعا نمود که خانه خوب وزن نیکو و اولاد صالح از جهت او از خدا درخواست کند ... و در حج آخرین در جحفه بجبهت غسل احرام غرق شده برحمت خدا رفت ( اینجا داستان صوفیان آمده ) اگر چه مقالات و عقاید زشت و افعال ناشایسته صوفیه بیشمار است و اخبار و احادیث در مذمت ایشان بسیار لکن چون این مختصر را بیش از این گنجایش نبود بهمین چند کلمه اقتصار نمود و از جمله مواعظ و نصایح ...» بدینگونه آورده است: «و در حج آخرین در جحفه برحمت خدا رفت و چون کرامات و معجزات را حدی نیست بهمین قدر اکتفا نمود و از جمله نصایح و مواعظ ...» گ ۲۷۸ ب س ۱۱-۱۲.

۲۰

در گ ۱ الف و ب نزدیک بسه سطر «چنانچه مقبول فرق انام ... موجود در وجود

- الایمیری آمده که در حدیقه نیست و در گک ۳ الف س ۵-۸ دو بیت از مولوی با تفسیر آن آمده که در حدیقه دیده نمی‌شود. نیز در گک ۲۹ الف بی‌تی از مولوی آورده شد و در گک ۳۱ ب بر عبارت حدیقه ص ۲۳ افزود و از آن کاست. در گک ۳۲ الف نیز از عبارت حدیقه (ص ۲۴) کاسته است. اردستانی بارها بیت‌هایی از مولوی و حافظ و در گک ۱۲ س ۷ مصرعی از شیخ عطار آورده است در همینجا عبارتی از احقاق الحق شوشتری دیده می‌شود که در حدیقه نیست (ص ۹) و پیدا است که او این کتاب را درست از روی حدیقه ساخته و گاهی عبارتهای آن را فشرده و کوتاه کرد و در برخی جاها چیزهایی بر آن افزود و در سرگذشت امام زمان و کسانی که از شهرها بیاری او می‌آیند نام کسانی را انداخت و در بسیاری از جاها عبارت را برگرداند آنچنانکه در معنی اثری نکند یا معنی درست دیگری را برسانند گک ۱۲ الف س ۱۳ که عبارت را دیگرگون ساخت ۱۰ و گک ۴ الف پایان فصل ۱ که یک سطر حدیقه را نیآورد چه در آن بر ساله اثبات واجب اردبیلی بازگشت داده شده (ص ۴ چاپی) باید گفت که این دفتر نمونه آشکاری است از کتابهای ساختگی و معجول. حاجی نوری در مستدرک ج ۳ ص ۳۹۴ میگوید که نگارنده کاشف الحق مردی بود که برای دنیا بهند رفته بدر بار قطب شاه راه یافت و از حدیقه دزدیده این کتاب را ساخت. ۱۵
- آغاز: حمدیکه حامدان ملأ اعلی و ذا کران کره غیرا از ادای آن عاجز آیند (نسخه ش ۹۲۷ تاریخ ۱۰۹۸ و ش ۹۲۸ طوس).
- انجام: و از جمله معاونان... آنحضرت باشند بحق محمد و آله الطاهرین آمین
- یارب العالمین.

۲۰

بیت گفته:

|                             |                             |
|-----------------------------|-----------------------------|
| شکر حق را که این خجسته کتاب | که درو نیست، غیر صدق و صواب |
| بود پنجاه هشت بعد هزار      | که پایان رسید این گفته‌ار   |
| شکر که این نامه پایان رسید  | پیشتر از عمر پایان رسید     |

این نسخه بخط تعلیق از محمد سلیم بن حاجی محمد امین متولی در روز آدینه دوم ذی حجه بسال ۱۲۲۰ می باشد که مینویسد: «تمت کتاب کاشف الحق ...» و از دیباچه جزیک سطر و نیمی پیش ندارد و چنین است: «صحرای محشر و توشه آن راه پر خطر گردد ... و این رساله ... مرتب شود بر مقدمه و بابی و خاتمه. مقدمه در پنجاه مقصود از لفظ امام و بیان احتیاج بوجود آن» سپس فهرست باب و خاتمه آنگاه مقدمه می آید. در پایان (ک ۳۶۵ ب) از شاه اسماعیل صفوی و شاه «غفران پناه» هند (حیدر آباد) یاد میشود و در همانجا و در ک ۳۶۶ الف از شاه دوست نواز دشمن گداز شاه عبدالله نام برده شده است.

(۳۶۶) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج ضربی مقوایی

اندازه: ۱۸ × ۲۷ و ۱۴ × ۲۱٫۵ س ۱۹

### [۶۷۴] کشف الانوار (فارسی)

در این گفتار امامت علی (ع) بروش شیعیه از روی آیتها و خبرها روشن میگردد. آغاز: بسم الله. الحمد لله الذي جعلنا من المؤمنين الذين هم عن اللغو معرضون ... از این کلمات استنباط میشود که ما این اسلام و ایمان عموم و خصوص مطلق است. انجام: ذات نایافته از هستی بخش - کی تواند که شود هستی بخش. و صلی الله علی محمد و آله.

این نسخه شماره ۱ دفتر است و بخط تعلیق خوش و عبارتهای تازی بنسخ و شنکرف ۱۳۸ ص ۱-۱۲۰ در طوس نسخه ای بشماره ۲۳۴ از این هست و «کشف الاسرار» نامیده شده گویا نگارنده این و «کشف المعاد» یکی باشد.

(همه دفتر ۳۹۲) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج مشکی مقوایی حاشیه پارچه سرخ

اندازه: ۱۱۵ × ۱۷ و ۱۱۱ × ۱۱ س ۱۱

### [۶۷۵] کشف الفوائد فی شرح قواعد العقائد (عربی)

علامه حلی بخواش فرزند خود فخر المحققین بر قواعد العقاید، خواجه طوسی این گزارش را نگاشته است و آن در تهران بسال ۱۳۰۵ با چند رساله دیگر بچاپ سنگی رسید.



این نسخه بنسخ یا عنوانهای شنگرف از زکریا بن عبدالله در ۲۵ رجب ۱۰۶۳ ۲۹۹  
میباشد.

۱۵۸ (۴۳۳۳) - کاغذ سپاهی - جلد تجماع سرخ

اندازه: ۶ × ۱۴۵ و ۵ × ۱۰۵ - ۱۴۳

۵

[۶۷۶] کشف المعاد (فارسی)

در این گفتار از رستخیز از روی آیتها و خبرها گفتگو گردید و بمنکران پاسخ داده شد.

آغاز: بسمله . ربنا انك جامع الناس لیوم لا ریب فیه ... مخفی نماناد مستقبل و مآل امور خالق در معاد بواسطه اختلاف اقوال موجب تحیر گردیده .

۱۰

انجام: آرامگاه ایشان خواهد بود . ربنا اتمم لنا نورنا واغفر لنا انك علی كل شیء قدير .

این نسخه شماره ۲ دفتر و بخط تعلیق خوش و عباتهای تازی بنسخ و شنگرف ۱۳۸  
میباشد ص ۵۶۱ - نسخه ای از این در طوس (ش ۹۴۴) هست و نگارنده این ۱۵  
و «کشف الانوار» باید یکی باشد .

[۶۷۷] کشف الیقین فی فضائل امیر المؤمنین (عربی)

علامه حای بدستور شاهنشاه محمد خدا بنده اولجایتو (۷۰۳-۷۱۶) این کتاب را در باره برتری امیر مؤمنان علی (ع) نگاشته و در آن چند فصل است و بالیقین همو در تبریز بسال ۱۲۹۸ بچاپ سنگی رسید .

۲۰

آغاز: بسمله . الحمد لله القديم القاهر العظیم القادر الحلیم ... فان مرسوم السلطان الاعظم .

انجام: ولنقتصر علی هذا القدر فی هذا المختصر ... لان فضائله کثیرة لاتحصى والحمد لله رب العالمین وصلى الله على سيدنا محمد ... وسلم کثیرا .

## [۸۲۲]

این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط نسخ باعنوانهای شتگرف یا سیاه درشت و از  
 ۵۰۳ برگ ۲۲ تعلیق میباشد. برگهای ۱ تا ۱۵ افزوده شده و اندازه آن چنین است  
 ۱۵/۵ × ۲۲ و ۹/۵ × ۱۵ ص ۲۱ «نویسنده نسخه مانند دیگر شماره‌ها احمد  
 بن عبادالله ساوی نجفی در کربلا در نیمه روز شنبه ۱۲ رجب ۱۰۱۶ می باشد. گ اب -  
 ۵۴ الف. نسخه مقابله گردید. احمد بن زین العابدین حسینی کربلانی دارنده نسخه  
 بوده است.

## [۶۷۸] کتابة الاثر فی النصوص علی الاثمة الاث عشر (عربی)

علی بن محمد بن علی خزاز قمی شاگرد صدوق و ابی الفضل شیبانی نصوصی را  
 ۱۰ که از یاران پیامبر و امامان درباره دوازده امام آمده است آورد در دیباچه میگوید  
 چون دیدم دشمنان در این باره سخت خرده گرفتند تا جاییکه برخی از شیعیان در  
 شك افتاده و نص بر امامان را نپذیرفتند و گفتند که در این باره از پیشینیان چیزی بماند  
 نرسید این بود که من این کتاب را نوشتم.

آغاز: بسم الله الحمد لله الموجد بالقدم المنقرد بالازل المتعزز بالبقاء المنزل عباده  
 ۱۵ بالفناء لم یصحبه فی اولیئیه وقت ولا زمان ولا یضمنه قطر ولا مکان  
 انجام: وعرف الحق من الباطل والصدق من الکذب والله الموفق للصواب والله  
 المرجع والمآب والحمد لله الکریم الرحیم الوهاب والصلوة والسلام علی نبینا محمد  
 وآله الی یوم الحشر والحساب.

## [۸۲۳]

این نسخه شماره ۳ دفتر و بخط نسخ و عناوینها درشت بشتگرف یا لاجورد و نشانه  
 ۵۰۳۲۰ هاشنگرف از احمد بن عبادالله ساوی نجفی در شب چهارشنبه ۱۳ ذی قعدة ۱۰۱۷ گ  
 ۱۲۱ ب - ۱۵۱ الف و مقابله گردید.

## [۶۷۹] کلام (رساله دور...) (فارسی)

این رساله در کلام شیعی است و در ۲۸ فصل میباشد و فصل ۲۸ آن در امامت و  
 ۲۵ خاتمه آن دو مقاله است نخستین در امر بمعروف و نهی از منکر و دوم در بند و ادرز

ونسخه ما چنین است :

آغاز: دال است بر نفی و تأکید . پس رؤیت از آن مسلوب باشد ... فصل  
بانجدهم در بیان انتفاء الم ولدت از ذات مقدس .

انجام : وباین دعا مداومت نمائی ... اللهم یا ارحم الراحمین . هذا یقینی و

اعتقادی مع دلایله الّتی وقفتمنی لادراکها ... فانه رؤف بالعباد وهو ارحم الراحمین . ۵

[۸۲۴]

این نسخه شماره ۱۰ دفتر و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف نزدیک ۱۰۲۵

۸۹۹ میباشد گ ۱ الف - ۱۶ الف . این نسخه ۱۳ فصل نخستین و بخشی از فصل ۱۴  
را ندارد .

[۶۸۰] الکلام والرؤية (رسالة فی) (عربی) ۱۰

نگارنده این رساله از کلام نفسی و دیدنی بودن خدا گفتگو میکند و نخست  
کلام نفسی خدا را اثبات سپس نشان میدهد که کلام نفسی چیست آنگاه سخنان  
مخالفان را میآورد پس از این به بحث دیدنی بودن خدا میرسد و پیداست که نویسنده  
کتاب اشعری است. از شرح مواقف ایبجی و میرسید شریف گرگانی و محقق تفتازانی  
یاد میکند و در (برگ ۱۲ الف) مینویسد: «قلت لبعض مشاهیر دیارنا» درهامش دارد: ۱۵  
«المراد عنه خضر بک» پس نویسنده در روزگار خضر بک میزیسته است . در آستانه  
طوس (ش ۶۹۰) رساله دیگری در همین دو مسئله از ابن خطیب رومی محیی الدین  
محمد بن تاج الدین (م ۹۰۱) هست که برای سلطان بایزید خان (۸۸۶ - ۹۱۸)  
نوشته است .

۲۰ آغاز: بسمله و به تقی، فی علم الکلام و فیه ثلثة مباحث. فی اثبات کونه متکلماً  
و تعیین الکلام النفسی الذی انبثوه (؟) اهل الحق و مغایرته المعیارات و العلم و الارادة .  
انجام : یجوز ان يقع الرؤية حال التکلم و حیا اذا الوحي کلام بسرعة و هو لا  
ینافی الرؤية فالادلیل فیه علی ما ذکر و اصلا. تمت الکتاب .



۱۰۸۶ این نسخه بتعلیق نوشته شده و نشانه‌ها در آن بشنگرف است.

(۴۶۱) — کاغذ ترمه سمرقندی — جلد ندارد.

اندازه: ۱۳×۱۷ در ۶×۱۲ س ۴۱

۵ [۶۸۷-۶۸۱] گفتارهای پیامبر (عربی)

از دانشمند ادیب کلامی فقیه شیعی علم الهدی سیدمرتضی ابوالقاسم علی بن الحسین موسوی (۳۵۵-۴۳۶) پاسخها و گفتارهایی بیادگار ماند که در آنها از پیامبری و پیشوائی و آفریدن هستی از نیستی و جهان ذر و ستایش و نکوهش از پرندگان و دامها و خوردنیها و زمینیها (که آنها را نمیپذیرد) و گرد آوردن قرآن و حجیت خبر واحد و دیگر مسئله‌های کلامی و فقهی گفتگو نمود. او در این رساله‌ها سخنانی دارد که دانشمندان پس از وی آنها را نپسندیدند.

در این کتابخانه هفت گفتار او هست.

۱ - پاسخهایی است که او کسی داده و در آن از پیامبری و پیشوائی و آفرینش چیز از ناچیز و جهان ذر و بدی و خوبی، جانوران و جمادات و جمع قرآن و خبر واحد یاد گردید. در دیباچه از پرسنده میستاید که این مسئله‌ها را هوشمندانه و خوب برگزید و میگوید که پرسش بهمان اندازه دانش پرسنده را میرساند که پاسخ‌زیرکی پاسخ‌دهنده را. پس از پاسخ پرسش ۱۵ از مردمی گفتگو میکنند و در آن سخنان ابو سهل نوبختی در (کتاب فی الانسان) و ابن راوندی و نظام را رد میکند و روش کلامی او بخوبی در اینجا پیداست. در آن از شافی خود یاد نمود (گفت ۶ الف) در مسئله ۷ آشکارا میگوید که اعجاز قرآن از روی صرفه است (۱).

۱ - بیرونی در «الهند» میگوید که بین (Veda = ودا) را گروهی از هندوای گویند معجز است و کسی نمیتواند مانند آن بسراید. دانشمندان آنها میگویند که مردم میتوانند مگر اینکه چون آن را از پس بزرگ می‌شمارند یساری چنین کاری را ندارند (ص ۶۱) پس گویا این صرفه را متکلمان از برهمنان گرفته باشند. از آنها نخستین بار

**آغاز:** بسمله وبه نستعين الحمد لله على البصيرة في دينه والارشاد الى يقينه...  
فانى وقفت على المسائل التى تضمن الكتاب الوارد ذكرها.

**انجام:** چنانكه در نسخه‌ها هست: وليس العلم بالحقى القادر متعلقا بالاجزاء  
التي يدخلها الزيادة، والمقصان وانما يتعلق بالجملة (گک ۱ب - ۵۱ الف).

۲ - پاسخ پرسش درباره خبر واحد در ۹ فصل، در پرسش از سید نام برده  
شد (گک ۵۲ب - ۸۱ الف - برخی جاهاى نسخه سفید است).

**آغاز:** بسمله وبه نستعين، بحمد الله نستفتح كل قول ونستعين على كل عمل...  
وقفت على المسائل التى سالت احسن الله توفيقك.

**انجام:** ويغنى عن ذلك كله ما بيناه ورتبناه، وقد اجبنا عن هذه المسائل بما اتسع  
له وقت ضيق، تمت المسائل واجوبتها بحمد الله ورحمته.

۳ - پاسخ بهشت پرسش درباره اينكه چرا آفريننده گوهر را گوهر نسازد  
وگر نه رواست آنرا بساخت عرضى مانند سياهى در آورد و درباره توانائى و زندگى  
و عرض و بيش بينى ستاره شناسان و كردار ستارگان و خواب و درباره اينكه انديشنده  
و نگرنده تادر شك نباشد بدانائى نخواهد رسيد و درباره خبر و اراده، او در اينجا  
بفيلسوفان ميتازد و جهان جان را ياره ميداند و ميگويد آنچه انسان درباره جان  
گفته اند روشن نيست (۱۰۰ الف) و سخن صالح قبه را از مقالات «مياورد كه: هر  
چه در خواب مي بينند راست و درست است» سپس ميگويد كه اين گفتار مانند سخنان  
سوفسطائيان نادان است (۹۸ ب) (گک ۸۲ب - ۱۰۴ الف).

بقية حاشية صفحة قبل

۲۰ نظام بصرى معتزلى (۱۶۰-۲۲۱) سپس هشام بن عمرو فوطى بصرى (م نزدك ۲۱۸)  
و عباد بن سليمان صيرى (م نزدك ۲۵۰) و ابوالحسن اشعري و ابواسحق نصيبى اشعري  
و شيخ مفيد (۳۳۸-۴۱۳) و سيد مرتضى و شيخ طوسى (۳۸۵-۴۶۰) و جوينى (۴۱۹-  
۴۷۸) در العقيدة النظاميه ص ۵۶ چنين گفته اند (بنگريد به: شرح تجريد قوشچى ص ۳۹۶  
چاپ سنگى چاپخانه ملاعباسعلى كنا بقرش سال ۱۳۰۱ و اوائل المقالات مفيد چاپ دوم  
تبريز سال ۱۳۳۰ ص ۳۱-۱۲۱ و ۱۲۲ و مسئله ۳۴ از مسائل عكبرى مفيد).

آغاز: بسمله و به نستعين . قال سيدنا الشريف السيد الاجل الاوحد المرتضى ذوالمجددين علم الهدى تغمده الله برضوانه : وقفت على ما انفعده الاستاد ادام الله عزه من المسائل ... ابتداء بان قال : امانعم الله تعالى على الخلق بدوام بقاء سيدنا الشريف ... المرتضى علم الهدى .. فالالسن تقصر عن اداء شكرها .

۵ **انجام** . حتى يؤثر ما قلناه من المقارنة لاول جزء من اجزائه . تمت المسائل والجواب بعون الملك الوهاب . والحمد لله رب العالمين . آمين

۱۰ ۴ - پاسخ باین پرسش که آیا باید ماه را دید یا بشمارش بس نمود . او میگوید که همه دانشمندان ما بجز دسته ای از پیروان حدیث بدیدن ماه میگویند و از گفتارش پیداست که یهودان نیز در این باره دو گروه بوده اند . باز میگوید که اخباریان خواستند آیت « کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم ... ایا ما معدودات » را گواه گیرند و روزه مسلمانان را با روزه یهود یکی سازند چه یهود بشمارش میگیرند نه دیدن ماه پس در اسلام هم دیدن آن بایستنی نیست - این مسئله را نخستین بار ابن ابی العوجاء آورد (ص ۱۵۰ این فهرست) و اسماعیلیان هم بدان آشنا بودند . (۱۰۴ ب - ۱۲۵ الف)

۱۵ **آغاز:** بسمله و به نستعين . الحمد لله على وافر الجباء و باهر العطاء ... وقفت احسن الله توفيقك على ما انفدته من الكلام المجموع في نصره العدد في الشهور والطعن على من ذهب الى الرؤية .

**انجام** : وتعذر استدراك فرضه عليه وهذا كله واضح لمن تأمله بعين الانصاف . تمت الكتاب بحمد الله تعالى .

۲۰ ۵ - متفردات امامیان که ۱۱۰ مسئله را یاد میکنند و برای همه آنها دلیل میآورد و اجماعی میداند . میگوید که دانشمندان ما می گفته اند که بکار بستن قیاس و خبر واحد را خرد ناروا میداند و چنین نیست زیرا شاید خرد آن را روا بدارد و تنها در دین ناپسندیده باشد . سید این گفتار را نزدیک بریبع یکم سال ۴۲۰ بیابان رساند ( ۱۲۵ ب - ۱۴۷ الف ) .



آغاز: قد اجبت عن المسائل الواردة في شهر ربيع الاول من سنة عشرين و  
اربعمائة بما اختصرت الفاظه .

انجام : والكلام في هذه المسئلة طويل . وهذه جملة كافية وسنبسطة في  
مسائل الخلاف انشاء الله تعالى . تمت المسائل بحمد الله وعونه .

- ۵ - گفتاری است از همو و ۹ مسئله فقهی است . ( ۱۴۷ ب - ۱۵۶ ب ) .  
آغاز: بسمله وبه نستعين . قد اجبت ادام الله لكم السلامة واسبق(؟) عليكم -  
الكرامة .

انجام و يطلق فيه انه مكاتب وهذا بين لمن تأمله . تمت المسائل بحمد الله  
تعالى وعونه .

- ۷ - پاسخهایی است از همو در ۶۶ مسئله فقهی . ( ۱۵۷ ب - ۱۶۶ الف ) .  
آغاز: بسمله . نحن - اطال الله بقاء سيدنا الشريف الاجل المرتضى علم الهدى ...  
و كبت اعداه وحسدته - في ديار متاخمة لدار الكفر .

انجام: حلت لهم الصدقة مع المنع من هذا الخمس . والله الموفق للصواب . تمت  
المسائل والرسائل بحمد الله وعونه وحسن توفيقه .

۱۵

[۸۳۲-۸۳۶]

این نسخه ها شماره های ۱ تا ۷ دفتر است و بخط نسخ یا عنوانهای شنگرف  
۱۰۸۰ سلیمان بن مولانا مبارک بن ابراهیم بن عبدالله بن معین الدین قریشی میباشد  
و برخی جاها سفید و عبارات ناقص است .

[۶۸۸] گفتگوی حسن بصری باشمعون (فارسی)

- ۲۰ حسن بصری (۲۲-۱۱۰) باشمعون آتش پرست گفتگویی نموده و در آن درستی  
آئین اسلام را روشن نمود . اینک پارسی آن در اینجا شناسانده میشود .  
آغاز: نقل است که حسن بصری همسایه داشت آتش پرست نام او شمعون  
دریماری مرگ افتاده .

انجام : گفت خداوند ما معلوم است که کار تو بغلط نیست ، گبر هفتاد ساله را

۲۵

... (بریده شده) مؤمن هفتاد ساله را کی محروم کنی .

دوستان را کجاکنی محروم تو که بادشمنان نظرداری

[۸۳۳]

این نسخه شماره ۲ دفتر بخط تعلیق شکسته و بخشی از آن مورب نوشته شده است  
 ۱۰۳۸ گ ۱۹ الف . در پایان دارد : « تاریخ نسیم شعبان المعظم در اکبر آباد قلمی اقل  
 خلق الله خاک قدم فقرای باب الله محمد باقر اصفهانی » .

[۶۸۹] گوهر مراد (فارسی)

از فیاض ملا عبدالرزاق بن علی بن حسین گیالانی لاهیجی (م ۱۰۷۲) فیلسوف متکلم  
 شیعی شاگرد صدرای شیرازی که با فیض کاشانی هر دو شوهر دختر ملاصدرای شیرازی  
 بوده اند و شیرازی او را فیاض و کاشانی را فیض خوانده است .

۱۰. اوروش استاد را در فلسفه ندارد و خودش مشرب دیگری گرفته است ( ریحانة  
 الادب ج ۳ ص ۳۷۰) این کتاب برای شاه عباس دوم صفوی (۱۰۵۲-۱۰۷۷) پیش از  
 « سرمایه ایمان » نوشته در ۱۰۵۸ نگاشته شده و در یک مقدمه و سه مقاله و یک خاتمه  
 است و یک دوره کلام را به فارسی دارد و در سال ۱۲۷۷ در ایران به چاپ سنگی رسید .  
 ( دیباچه سرمایه ایمان - فهرست طوس ج ۱ ص ۱۴۴ )

[۸۳۴]

این نسخه بخط نسخ روشن با عنوانهای شنگرف و شکلهای زیبا و سرلوح زیبا  
 ۲۷۶ دارد بطلا و لاجورد و شنگرف و در جدولی است زرین و در ۱۰۹۴ ابراهیم بن  
 حاجی محمد حسین خراس خانه ای استرآبادی آنرا نوشت .

(۲۵۸ بر ۴) - کاغذ سپاهانی - جلد فرنگی

اندازه : ۲۸×۱۷ و ۱۱×۳۰ س ۱۹

[۶۹۰] ۲۰ اللوامع الالهیه فی المباحث الکلامیه (عربی)

دانشمند شیخ ابی عبدالله مقداد سیوری حلی (م ۸۲۶) در این نگارش بسیار شیوا  
 و رسا در ۱۲ لامع از کلام بروش دانشمندان شیعی گفتگو نمود و در روز چهارشنبه  
 ۲۹ ج ۸۰۴ آنرا بانجام رساند و خود آنرا چنین نامید .

آغاز: بسم الله السجرات اجلال مبدع انطق بآیات وجوب وجوده هویات الاشیاء و  
 ۲۵ اغرق فی تیار بحار الوهیه عقول العقلاء واحرق فی انوار جمال کبریاؤه اجنحة  
 افکار العلماء

**انجام :** والعفو عند كرام الناس مأمول . والحمد لله وحده والصلوة على من  
 لانبى بعده وآله الطاهرين الاكرمين و وقع الفراغ من تصنیفه يوم الاربعاء تاسع عشرين  
 شهر جمادى الاول من سنة اربع وثمانمائة هجرية وكتبه صنفه العبد مقداد بن عبدالله  
 الاسدى غفر الله له ولوالديه ولمن صنفه له ولمن ينتفع به ولوالديهم ولكافة المؤمنين  
 اجمعين بمحمد واله المعصومين . رب اختم بالخير - هذا آخر صورة خط المصنف  
 رحمه الله . والسلام والدعاء .

[۸۳۵]

این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط تعلیق خوش با عنوانهای شنکرف و با حواشی  
 ۳۶۸ میباشد. صورت خط سیوری در پایان بتعلیق شکسته دیگر میباشد گ ۱ ب- ۱۵۸  
 الف . بالای دو برگ نخستین بریده و وصالی شد و در برگ دوم چند کلمه متن  
 رفته است .

در پایان نسخه سخنانی است از شیخ بهائی و از تفسیر عروة الوثقی نگارش همو  
 (۱۵۹ ب - ۱۶۰ الف) و گفتاری از بابا افضل کاشانی درباره کمال علمی و عملی نفس  
 ناطقه (۱۶۰ ب) همه اینها بخط شکسته است. در روی برگ پیش از یکمی محمدرحیم  
 نامی بخط خود نوشته و کتاب را از سیوری دانست و در گ ۱ الف رباعی هست که در  
 تاریخ ۱۲۷۵ نوشته شده .

همه دفتر ۴۱۶۲ - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج زرد ساده ته آن سرخ .  
 اندازه : ۱۲ × ۲۱٫۵ × ۱۴ س ۱۷

[۶۹۱] **مالایسع المؤمن من جهله** (عربی)

مأمون (۹۸-۲۱۸) فضل پسر سهل ذی الریاستین را نزد امام رضا (ع) (۱۴۸  
 ۲۰۳) فرستاد و از او درخواست که اصول و فروع دین را برای او بنگارد امام دوات  
 و کاغذخواست و این گفتار را بنوشت و امامان پیشین را تا پدر خویش در اینجا بر شمرد.  
 آغاز: نام خدا و ستایش او و درود بر پیامبر ، حد ثنا ابو عبدالله الحسین علی  
 بن الفضل ... ان المأمون بعث الی الامام ... و کتب بسم الله الرحمن الرحیم . اول  
 القرائن شهادة ان لا اله الا الله .

۲۵

**انجام :** والاصرار على الصغائر من الذنوب والسلام على من اتبع الهدى .



۱۰۱۵ این نسخه شماره ۳۳ دفتر و بخط تعلیق میباشد گ ۱۰۰ الف - ۱۰۵ الف

[۶۹۲] مشرق الانوار المملکوتیه فی بیان فقاند  
الذریة المصطفویة (عربی)

۵ دانشمند محمد بن علی بن عبدالنبی بن محمد بن سلیمان مقابی بحرانی در این کتاب که در باب است از کلام بروش شیعی گفتگو نمود و بهمان حدیثها بس کرد و دلایلهای فیلسوفان را بیهوده دانست. او میگوید که خواندن نگارشهای گمراه کننده در دین و آئین نارواست و در استدلال باندیشه‌های خرد نباید گرائید. این نگارش را او در بامداد ۱۴ ج ۱ سال ۱۱۶۹ پایان رساند.

۱۰ آغاز: بسمله. الحمد لله المحتجب عن انصار خلقه بانوار عزته، فلم یدرك لاحد من خلقه الا آثار قدرته.

انجام: لایلتفت الیهما فی مقابلة النص الصحیح الصریح مع انها مزیفة بادی تأمل فتامل. وقد تم التصفیف... وقد فرغ مؤلفه... سنة ۱۱۶۹ حرره محمد بن علی... المقابی البحرانی. غفر الله له... وصلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين.

این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط نسخ با نشانه‌ها و عنوانهای شنگرف از راشد بن عبدالله بن حسن الباز یاری در ۱۶ ج ۲ سال ۱۱۶۹ نزدیک یکماه پس از نگارش مقابی. گ ۱ ب - ۳۶۳ ب.

[۶۹۳] مصائب النواصب (عربی)

۲۰ معین الدین میرزا مخدوم محمد علی حسینی شریفی (۹۴۷ - مکه ۹۹۵ یا ۹۹۸) دانشمند حنفی فرزند میر شریف عبدالباقی نواده داعی صغیر حسن بن قاسم فرمانروای آمل (۳۰۴ - ۳۱۶) میباشد.

پدر او فرزند دختر شریف دوم بوده و این شریف کسی است که دستور کشتن شیخ الاسلام هروی را داد و علی بن عبدالعالی محقق کرکی (م ۹۴۰) گفته بود چرا پیش

پیش از منظره کشته‌اید. همین شریف صدراعظم شاه اسماعیل یکم صفوی (۹۰۷-۹۳۰) دشمن عثمانیان و پسر شمس الدین محمد شیعی (م ۸۳۸) پسر میر سید شریف علی حنفی گرگانی استرآبادی شیرازی (۸۴۰-۸۱۶) بوده است (۱). نیای پدری میرزا مخدوم پاشا روزبهان نگارنده ابطال نهج الباطل است (روضات ص ۵۰۰) مادر میرزا مخدوم دختر میرزا شرف حسن قاضی جهان سیفی وزیر شیرازی قزوینی است. پدر او شریف سوم میر عبدالباقی گاهی امیر و گاهی وزیر شاه تهماسب یکم صفوی (۹۳۰-۹۸۴) و نیای او وزیر اسماعیل یکم شده بود.

این میرزا مخدوم از شاگردان عبدالرحمن بن زیاد زبیدی مالکی وابن حجر مکی مصری (۹۰۹-۹۷۴) بشمار می‌آمده سنی و دشمن شیعی گشت. او استاد و وزیر شاه اسماعیل دوم صفوی (۹۸۴-۹۸۵) بوده و با گروهی قلندران نقشبندی او را از آئین شیعی بدر بردند و همین اسماعیل است که دوانی (۸۲۸-۹۰۸) برای او رساله‌ای در ناروائی متمعنه نوشت. این شاه از این پس دستور داد که بر سکه‌ها نام امامان نگار نکنند. میرزا مخدوم نخست خطیب بوده بسمیان دشنام میداد و در روزگار اسماعیل دوم سنی گشت و پس از برکنار شدن از کنار و مرگ اسماعیل بدر بار عثمانی رفت و گهت که من شافعی بودم و حنفی گشتم. آنان او را مفتی و قاضی مکه و عراق کردند ۱۵ و مدرس مدرسه مرجانیه بغداد شد و در ۹۸۷ در آنجا بقضا و فتوی می‌پرداخت (۲).

۱- در اب التواریخ یحیی قزوینی ص ۲۵۶ آمده که در جنگ چالدران میان اسماعیل یکم صفوی و سلطان سلیم عثمانی (۹۱۸-۹۲۶) رجب سال ۹۲۰ میر عبدالباقی و میر سید شریف از سرداران سپاه اسماعیل بوده و کشته شدند. شوشتری در مجلس ۷ مجالس المؤمنین می‌نویسد که بگواهی سید محمد نوربخش لاجسای خراسانی (۷۹۵-۸۸۹) ۲۰ و شیخ محمد بن ابی‌جمهور (زنده در ۸۹۵ و ۹۰۱) میر سید شریف گرگانی شاگرد قطب رازی شیعی و ابن میثم بحرانی و بگواهی مولانا خضر رازی جیلرودی نجفی شاگرد شمس الدین محمد، او پسرش هر دو شیعی بوده‌اند.

۲- گویند میرزا مخدوم پدر سید محمد ناصبی پدر میر ابوالفتح شرقی شریفی شیعی (م ۹۷۶ در ردیل) نگارنده آیات الاحکام یا تفسیر شاه‌ی بنام تهماسب یکم (۹۳۰-۹۸۴) ۲۵ می‌باشد (روضات ص ۵۰- ریحانة الادب ج ۲ ص ۲۲۶) !!

او کتابی کلان در خرده گیری از آئین شیعی نوشت سپس از آن گزین کرده نواقض الروافض بساخت و در ۹۸۸ هجری بمطابق مراد سوم عثمانی (۹۸۲-۱۰۰۳) ارمغان داد . نواقض را محمد بن عبدالرسول برزنجی کردی (م ۱۱۳۰) گزین و کوتاه نمود (کشف الظنون).

۵ قاضی نورالله شوشتری (۹۵۶-۱۰۱۹) مصائب النواصب را به (قال اقول) در خرده گیری از نواقض بنام شاه عباس یکم صفوی (۹۸۵-۱۰۳۸) در ۱۷ شبانه روز پرداخت و در رجب ۹۹۵ آنرا پیاپی رساند و این شاه هم این ارمغان را بر کتابخانه آستانه طوس وقف نمود (۱). در رایت پنجم میرمخدوم گوید که شیعیان آرامگاه بسیاری از دانشمندان شایسته را ویران ساختند و خواستند بدن آنها را بسوزانند مانند قاضی بیضاوی و قطب الاقطاب ابواسحاق کازرونی و عین القضاة همدانی و نیز آرامگاه مجتهد اعظم و امام اقدم را خوار بداشتند. شوشتری گوید که این بدستور نیای تو شریف پیشین بوده است. (گ ۲۳۹ ب).

۱۵ ۱ - ابوعلی محمد گیلانی (۱۱۵۹-۱۲۱۵) نواده شیخ رئیس و نگارنده منتهی المقال ردی بر نواقض بنام عذاب النواصب علی الجاهد الناصب نوشت (ش ۸۹۱ طوس) مصائب النواصب را محمد اشرف بن عبدالحسین سید احمد عاملی سپاهانی نواده سید داماد و شاگرد مجلسی و نگارنده فضائل السادات بخواش احمد بیک یوزباشی بسال ۱۰۷۰ بیارسی کرد (ش ۲۶۰ ج ۱ ص ۸۳ فهرست طوس).

۲۰ علاء الملک محمد علی پسر قاضی نورالله هم آنرا بدستور سلطان محمد قطب شاه (۹۸۹-۱۰۲۰ م ۱۰۳۵) بیارسی کرد همچنین میرزا محمد علی مدرس رشتی چهاردهی (۱۲۵۲-۱۳۳۴) نواقض و مصائب هر دو را بسال ۱۳۰۸ بیارسی نمود . یکی از دانشمندان روزگار شاه عباس یکم بنام محمد تقی حسینی هم آنرا بیارسی در آورده بود .

۲۵ بنگرید به : فیض الاله فی ترجمه القاضی نورالله از جلال الدین حسینی که باصوارم مهرقه در تهران بسال ۱۳۲۷ خ بچاپ رسید - روضات الجنات ص ۴۷۶ و ۵۰ - عالم آرا ص ۱۱۵ - فهرست آستانه طوس ش ۱۰۰۳ ( تاریخ ۱۰۵۱ در لاهور ) و ۱۰۰۴ ( سال ۱۲۸۵ ) و ۱۰۰۵ و ۱۰۰۶ که در اینها ۴ نسخه از مصائب شناسانده شده نیز ش ۱۰۵۹ بقیه حاشیه در صفحه بعد



- در رایت چهارم میرمخدوم گوید که شیعیان نوروز را گرامی میدارند باینکه دانشمندان این را کفر میدانند گ ۲۳۷ ب و آنها بصوفیان بدمیگویند و شهید در مکاسب دروس تصفیه باطن را ناروا دانست گ ۲۰۶ ب در اینجا یادی از امیر فضل الله استرآبادی شیعی پارسا میشود. نیز میگوید که آنها متعه و تحلیل امه را روا میدارند و من چون از متعه سخت باز میداشتم قزلباش ریختند تا مرا بکشند و من با عبدالعالی بن علی در باره ۵ متعه گفتگو کردم گ ۲۱۲ الف و ابن عبدالعالی قبله شهرها را برگرداند ۲۲۵ الف (۱۹۹ ب) در این کتاب یاد میشود از: میرعلی شیرنوائی که مالانباتی شاعر شیعی بر او چیره بود و دوانی درباره نباتی گفته: «او ملاء شاعران و شاعر مالایان است» گ ۲۱۵ الف و مصباح الشریعه صادق (ع) ۲۰۹ الف و حیل شرعی محمد بن شجاع شاگرد محمد بن حسن ۲۱۳ الف و حلیه ابوالحسن رویانی که اهل قبله را کافر نمیدانست ۵۴ ب ۱۰ و مغیث الخلق فی تعیین المذهب الاحق ابوالعالی جوینی ۳۹ ب و مستظهریه و سر العالمین غزالی ۵۱ الف ۹۷ ب و مقالات اشعری ۵۴ الف و النقص عبدالجلیل رازی ۲۱۹ الف در حاشیه و نامه های قطب الدین محیی شیرازی ۵۱ ب و نکت الادله انصاری ۵۴ ب و تفسیر سید معین الدین اشعری شافعی ایجی ۲۴ الف و روضه الاحباب بفارسی ۳۰ ب و گزارش فارسی ششقیه بدر شوشتری ۴۰ ب و شرح منازل السائرین ابن قیم ۱۵ حاشیه ۱۶۶ ب و تنفیذ القواعد سیوری حاشیه ۱۵۴ الف و گزارش کشف الحق و نهج

بقیه حاشیه صفحه قبل

- آنجا درباره نواقض و ش ۱۰۶۰ درباره رساله حرمت متعه درانی - مجله دانش ۳ سال دوم دی ۱۳۲۹ خ ص ۲۱۰ - ترجمه دانشمند چهاردهی را نوده او دانشمند گرامی آقای مرتضی مدرسی چهاردهی در تهران سال ۱۳۶۹ ب چاپ رساند و سرگذشت میرمخدوم از روضه الصفویه گنابادی و عالم آرا و گفتار شهاب الدین تبریزی و دیگران در آنجا هست - شوشتری در دیباچه همین نواصب اندکی از سرگذشت میرمخدوم را آورد و می نویسد که اسماعیل دوم بر اثر افیون و زندانی بودن و از ترس دشمنان نیرنگی باخته بآئین سنیان گرایید و بمیرمخدوم و زین العابدین کاشی دستور داد تا این کیش را میان مردم رائج سازند و قرام کار این شد که برخی خواستند او را از شاهی بیاندازند، یا بکشند. ۲۵ او دریافت و دشمنان را بازداشت و میرمخدوم نیز از آنها بوده و تا مرگ شاه در زندان بسر میرد.

الصدق از خواجه ملاصاعد سنی سپاهانی ۶۶ ب و ۹۰ ب و ۱۵۵ الف و تعلیقات شوشتری بر شرح قاضی ایجی ۱۹ الف .

این کتاب دارای ۸ مقدمه و ۶ جند ( ۱ آیات ۲ احادیث ۳ دلیلهای در ۱۵ صف ۴ نکوهش ها در ۲۳ طایفه ۵ بدیها در ۷ رایت ۶ گفتگوی دوفقیه حجازی و عراقی در باره مذهب شوشتری در بسیاری از جاها نثر و شعر فارسی از خود و دیگران آورده است . میر مخدوم در رایت ۷ جنده گ ۱۴۳ ب از پیش از ۱۵ سال پیش از این که جوان بوده است یاد میکند که چله می نشست و نوشته های صوفیان می خواند و می رساند که در این هنگام پیش از سی سال دارد و میگوید که در تاریخ ۷۲ در ۲۵ سالگی از حج نخستین خود برگشته بشام رسیدم . از اینجا برمیآید که او در ۹۴۷ زاده است . باری نواقض و مصائب از شاهکارهای جدال دینی است و نکته های تاریخی در بر دارد مانند جشن « بابا شجاع الدین » در ۲۶ ذی حجه در کاشان گ ۲۴۰ ب و تعزیه خوانی در عاشورا که شوشتری میگوید کار نادانها است .

آغاز: بسمله و به نعتی . نحمدك يا من جعلنا من الفرقة الناجية الامامية الاثناعشرية ووقفنا لرفض سنن سننها بغاة الاموية وبعث العدوية .

انجام : والبراءة عن اعدائهم البغاة اللثام . فبذلك فليعمل العاملون ... فمن ابغى وراء ذلك فهو الغاؤون .. وفي طغيانهم يعمهون .

[۸۳۸]

این نسخه را محمد امین حسینی بنسخ بانسانه های شنکرف از روی نسخه نوشته شده از روی خط شوشتری نوشته و با آن برابر کرد (گ ۱ الف) و این محمد امین از پدر میر بزرگ مرعشی و از مادر بدست غیب میرسد و نیا کانش در مازندران بوده و خود او در فارس زاده و در سپاهان میزیست . گ ۲۴۵ الف سفید است . در گ ۲۵۶ ب دو حدیث بخط شکسته دارد که در شب شنبه دوم شوال و ۲۱ حمل سال ۱۲۷۷ در نماز خانه ارك مرحوم و کیل نوشته شد . حاشیه هایی از خود شوشتری در این نسخه هست با « منه رحمه الله » در کنار گ ۶ ب سخنی از شوشتری دیده میشود که در آن کارهای نکوهیده پیروان سنت را یاد میکند .

در کنار گ ۱۹۲ الف تا ۲۳۶ الف حاشیه هایی دارد که به « شاه م ح » و

«ملا» یا «مولانا شاه محمد دارابی» و گاهی با «دام افاداته» یا «دام ظلّه» یا «دام ظلّه السامی» پایان مییابد و در گ ۲۳۵ ب دارد «من افادات استادنا و مولانا شاه محمد دارابی دام ظلّه السامی». ابن دارابی شاگرد شیخ بهائی (۹۵۳-۱۰۳۰) و استاد قطب نیریزی (۱۱۷۳) بوده است (ص ۴۳۲ همین فهرست).

- در گ ۱ الف نام کتاب و شوشتری بنسخ نوشته شده و نام و مهر دو دارنده نسخه آمده که پاک کردند و درست خوانده نمیشود. بسباق دارد که بیتهای نسخه نزدیک ۷۵۰۰ است و نیز: «تخمین کتابت این نسخه چنانچه بنده با کاتب حساب نموده و با احتیاط و ملاحظه طرف اوهفت هزار و پانصد بیت - عدد اوراق مکتوبه دوست و پنجاه و دو و نیم ورق» نیز «عده اوراق ۲۵۲» و نام «میر محمد امین» و بهای کتاب بسباق ... در ۲۵۶ الف صورت خط شوشتری دارد: «قد اتفق اتمام اصل المسودة بیدمؤلفه ... نورالله بن شریف الحسینی الشوشتری ... فی سبعة عشر ایام بلیالیها من شهر رجب ... سنة خمس و تسعين و تسعمائة هجرية والحمد لله على توفيق الاتمام والصلوة ... اکمل السلام».

(۴۳۵۶) - کاغذ سپاهانی - جلد تیماج - مقوالی با حاشیه زرین

اندازه : ۱۹ × ۱۱ و ۶۵ × ۶٫۵ × ۱۴٫۵ س ۱۷

۱۵ (عربی)

صها یحیی الهمدی

[۶۹۴]

از دانشمند شریعتمدار حاج ملا محمد جعفر استرآبادی (م ۱۲۶۳) در کلام و روش شیعی که برای فتحعلیشاه قاجار (۱۲۱۱-۱۲۵۰) در یک مقدمه و پنج باب نگاشته و بسال ۱۲۳۷ آنرا پایان رساند.

آغاز: بسم الله. الحمد لله الذي ينتهي اليه سلسلة الامكنات و اوجد العالم الذي

۲۰

لا يخلو من الحركات.

انجام: قد خرجت عن الميعاد في بعض الابواب لكونه مقام الاطناب و مزلزل اقدام اولي الالباب ... وقد فرغت من تأليف هذه الرسالة ... في السبع الثاني من العشر الثالث من الثالث الثاني من السادس الرابع من النصف الثاني من العشر العاشر من الثالث الثالث من العشر الثالث من الالف الثاني ... في سنة ۱۲۳۷ (شماره ۷ پاک شده و درست خوانده

۲۵

(نمی شود)



این نسخه شماره ۱۹ دفتر و بخط نسخ با عنوانها و نشانه‌های شنکرف از محمد حسن  
 ۳۱۹ بسطامی مزجی خراسانی در دهه نخستین ماه دهم سال ۱۲۴۵ می‌باشد. گ ۱ ب  
 ۱۱۲ الف. در پایان دارد: «وقد وقع لی الفراغ من تحریر هذه النسخة الشریفة  
 ۵ فی العشر الاول من الشهر العاشر من السنة الخامسة من العشر الخامس من المائة الثالثة من  
 الالف الثاني ... وانا ... محمد حسن البسطامی المزجی الخراسانی الهم اغفر لی ... يوم  
 يقوم الحساب فی سنة ۱۲۴۵».

(همه دفتر ۴۱۴) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج مقوای سوخت ضری  
 اندازه: ۲۱×۱۵ و ۹×۱۵ س ۲۰

# ۱۰ [۶۹۵] ملل و نخل (عربی)

امام ابو الفتح محمد بن ابوالقاسم عبدالکریم بن ابوبکر احمد دشارستانی (شهرستان  
 ۴۷۹-۵۴۸) بسال ۵۲۱ برای سید محمدالدین ابوالقاسم علی بن جعفر موسوی نقیب  
 ترمد ملل و نخل خویش را نوشته و در آن از دین ایرانی و هندی و یهودی و ترسائی و تازی یاد  
 کرد و سخنان فیلسوفان و متکلمان را آورده است. بگفته امام رازی نزدیک بسال ۵۸۲  
 ۱۵ در مناظرات (چاپ هند بسال ۱۳۵۵ ص ۲۵) او سرگذشت فیلسوفان را از صوان الحکمه  
 ابوسلیمان سگزی منطقی و سخنان کلامیان را از الفرق بین الفرق استاد ابی منصور  
 بغدادی (م ۴۲۹) که سخت منعصب بوده است و آئین تازیان را از ادیان العرب جا حظ  
 گرفته است و کاریکه خود کرده است همان ترجمه چهار فصل حسن صباح خراسانی  
 (۴۸۳-۵۱۸) می‌باشد که غزالی از آن پیارسی خرده گیری نمود - غزالی در فضا یح  
 ۲۰ الباطنیه (بند ۱) نیز بسخنان حسن نگریسته است. پیاره ای از این فصول در تبصره  
 العوام (ص ۱۸۳) هم دیده میشود. آنچه شهرستانی در باره آئین هند گفته است با  
 گفتار ابن ندیم در فن ۱ و ۲ مقاله ۹ فهرست و شرف الزمان طاهر مروزی پزشک در  
 طبایع الحیوان نزدیک بسال ۵۱۴ مانند می‌باشد (چاپ گزیده آن در لندن بسال  
 ۱۹۴۲) این کتاب در تهران بی کم و کاست بسال ۱۲۸۸ بخط نسخ کلب علی  
 ۳۵ قزوینی و در هند در چاپخانه عنانیه در دو جلد بسال ۱۲۶۳ بچاپ سنگی رسید و امین  
 مدنی حنفی نیز آنرا بسال ۱۲۸۸ چاپ سنگی نمود و دوبار در مصر در آثار فصل  
 ابن حزم یکی در مطبعه ادبیه بسال ۲۱-۱۳۱۷ در ۵ جلد دیگری در مطبعه محمد علی

صبیح نیز در ۵ جلد سال ۸-۱۳۴۷ و همچنین جداگانه در ۳ جلد در مطبعه - مجازی  
 قاهره ۱۳۶۸ - ۱۹۴۸ چاپ رسید .

ویلیام کورتین Curéton در لندن سال ۱۸۴۶ آنرا چاپ نمود و از روی همین  
 دوباره در لایبتسک سال ۱۹۲۳ چاپ شد - نسخه ای از آن گویا نوشته خود شهرستانی  
 در اسکوربال بشماره ۱۵۲۵ هست (دیباچه پارسی خجندی ص ۲۳) .

۵

خواجه خجندی سپاهانی (م ۸۵۰) در ۸۴۳ آنرا برای شاه رخ در سپاهان  
 بنام تنقیح الادلة والعلل پیارسی کرد. خجندی گذشته از اینکه بر ترجمه خود افزوده  
 و از مخالفان خرده گرفت چون گفتار ابن سینا در نسخه او نبود و نسخه دیگری هم  
 در دسترس نداشت آنرا پیارسی نکرد. این پارسی در تهران سال ۱۳۲۱ خ به چاپ  
 رسید .

۱۰

بنوشته ریو (add ۲۳/۵۳۶ ص ۱۳۹) مصطفی بن شیخ خالق دادهاشمی عباسی  
 ملل و نحل را پیارسی در آورد و آنرا در آگره در پنجمین سال شاهی جهانگیر سال  
 ۱۰۲۰ آغاز و در رجب ۱۰۲۱ پایان رساند و توضیح الملل نامید. او میگوید که گفتار  
 ابن سینا در ترجمه خجندی نیامده و آن ترجمه هم دشوار است و هم سخن شهرستانی در آن  
 دیگر گونه شده و از مخالفان نیز خرده گیری گشت این بود که جهانگیر آنرا نپسندید  
 و دستور دارد که من دوباره پیارسی آسانی در آورم. او نسخه بدی در لاهور داشت  
 و گفتار ابن سینا را هم پیارسی نکرد و خرده گیریهای خجندی را هم آورد .  
 ملل و نحل را نوح افندی پسر مصطفی م ۱۰۷۰ بترکی و هاربرو کر - Haarb

rucker در ۱-۱۸۵۰ با آلمانی در آوردند (۱) .

۲۰ الف-۹۶ الف و در چاپ ایران ص ۲۰-۱۱۷ هست و خجندی هم آنرا ترجمه نمود ص ۹-  
 ۲۵۴ ولی در دو چاپ کنار فصل ابن حزم (ج ۲ ص ۸۰) و (ج ۲ ص ۶۵) و در چاپ ۱۳۶۸ مصر

۱ - نیز بشکرید به: معجم المطبوعات (شهرستانی) - کشف الظنون ج ۲ ص ۱۷۵  
 دیباچه ترجمه خجندی ص ۲۳-۵۵-۵۸ و خود آن ص ۳-۴۷۲ که از گفته های ربو پاره ای

۲۵ در اینجاها دیده میشود - پارسی گزیده ای از شهرستانی دیده ام که درد کن سال ۱۰۱۳  
 نوشته شده بود .

(ج ۲ ص ۷۲) ندیده‌ام و بنوشته دیباچه نگار تنقیح ص ۴-۲۳ و ۲۵۴ در چاپ لندن و آلمان هم نیست.

[۸۴۰]

این نسخه بنسخ مجدول بلاجورد و شنکرف از حبیب‌الله بن محمد شیرازی در ذی حجه سال ۹۶۲ می‌باشد آغاز آن پس از فهرست بخش یکم ( بخط تعلیق درگ اب ) درگ ۲ الف چنین است : و غلط و انفراد عن اصحابه ب خمس مسائل - الخياطية والكمية .

انجام: هذا ما وجدته من مقالات اهل العلم ونقلته على ما وجدته فمن صادف فيه خلا في النقل فاصلحه اصلح الله تعالى حاله وسدد اقواله وافعاله والله حسبنا وهو المعين .

(۱۴۲۳) - کاغذ سیاهانی آبی - جلد نیمج متوالی

اندازه : ۲۷×۱۶ و ۹۵×۱۹

(عربی)

ملل و نحل

[۶۹۶]

در کتابهای دین‌شناسی و ملل و نحل دو خبر از پیامبرص یاد کردند . یکی آنکه پیروان من ۷۳ گروه خواهند شد و همه آنها گمراهند و بآتش دوزخ دچار خواهند گشت مگر یک دسته که رستگار می‌باشند . دیگر اینکه همه آنها رستگارند مگر یک دسته که بدوزخ می‌روند . در برخی از روایتها آمده که آن یکدسته رستگار پیروان سنت و جماعت هستند . نیز آمده که آن یکدسته گمراه زندیقان می‌باشند . مقدسی در احسن التقاسیم (چاپ بریل سال ۹۰۶ ص ۳۹) هردو خبر را یاد نمود . امام رازی در مفاتیح الغیب (ج ۶ ص ۱۹۳) نیز هردو را آورد و مانا می‌خواهد در آنها شك کند . ابن حزم اندلسی در فصل (ج ۳ ص ۲۴۸) دومی و خبر «ان القدرية والمرتجة مجوس هذه الامة» را آورده و نادرست دانست ، باینکه او در ابال قیاس چنین خبری تمسك نمود . متن این خبرها در شماره دسته‌ها و اینکه رستگار یا گمراه کدامند اختلاف دارند . گذشته از اینکه دانشمندان در سند اینها شك کرده‌اند متن آنها میرساند که اشعربان و پیروان سنت در برابر اهل رأی و قیاس و معتزلیان و زندیقان



از این گونه خبرها ساختند (۱).

در این رساله هامذهبه‌های فلسفی و فرقه‌های دینی با جمال‌شمرده شده و صحت روایت نخستین روشن گردید. گویا از دانشمند محمد جعفر استرآبادی باشد. در آغاز دارد که پیش از ارسطو همه فیلسوفان روش اشراقیان داشتند و میزانی برای سنجش فکر در دست نبود تا اینکه او منطق را آورد.

آغاز: بِسْمِله. روى عن النبى ص انه قال ستفرق امتى على ثلث وسبعين فرقة، فرقة ناجية والباقيون فى النار. بيان ذلك ان اولاد آدم.

انجام: وامة عيسى على اثنين وسبعين فرقة. هدا نال الله الى سواء السبيل... و آله الطاهرين (کتابه فى ۱۲۴۵).

[۸۴۱]

این نسخه شماره ۲ دفتر است و بهمان خط و نویسنده شماره یکم سال ۱۲۴۵ می‌باشد. گ ۱۱۲ الف - ۱۱۶ ب.

۳۱۹

مناظره احسائی و هروی (عربی)

[۶۹۷]

دانشمند ابن ابی جمهور شمس‌الدین محمد بن زین‌الدین ابوالحسن علی احسائی هجری (زنده در ۸۳۸ تا ۹۰۴) صوفی و فیلسوف و کلامی و شیعی بوده است. ۱۵ او در المثلثالى العمادیه فی الاحادیث الفقهیه را در استرآباد در روستای گلپان و سرو کلات بسال ۸۹۹ نگاشته و در ۹۰۱ آنرا پاکنویس نمود. زادالمسافرین خود را در میان راه طوس پرداخته و برای تقیب میرمحسن بن محمد رضوی قمی در طوس بسال ۸۷۸ بر آن گزارش می‌نام «کشف البراهین» نوشته است. او را بجز شرح باب حاد- عشر و غوالی اللئالی و نشر اللئالی، المجلی فی مرآت المنجی در کلام و عرفان و فلسفه ۲۰ است که در نجف درج ۲ سال ۸۹۵ بدرخواست شاگردان آنرا پرداخته و در طوس بسال ۸۹۶ پاکنویس کرد و آن در ۱۳۲۹ بچاپ رسید. این دانشمند در کربک نوح نزدیک

۱- بنگرید به: دیباچه کوثری بر الفرق بین الفرق بغدادی و التبصیر فی الدین اسفرائینی

مختصر الفرق رسعتی ص ۱۵ حاشیه ۱- تاریخ بغداد خطیب ج ۱۳ ص ۳۰۷- اعتقادات فرق

المسلمین رازی ص ۷۴- تبصرة العوام ص ۲۸- بیان الادیان ص ۲۳.

بسال ۸۷۷ شاگرد علی بن هلال جزائری عراقی (زنده ۹۰۹) شاگرد ابن فهد حلی عارف فقیه شیعی (۷۵۷-۸۴۱) شده بود. از شرف الدین حسن بن عبدالکریم فتال غروی در عراق هم بهره برد (۱). او روش اشرافی دارد. ابن ابی جمهور با دانشمندی سنی در خانه همان سید میر محسن بن محمد رضوی قمی که میزبان هر دو بود و بدرخواست او در شهر طوس بسال ۸۷۸ در سه مجلس مناظره نمود و درباره امامت علی (ع) و ابوبکر با او گفتگو کرد. در مین در مدرسه سلطان شاه رخ در بود ملاغانم مدرس بوده است. این دانشمند هر وی از مردم کثیر (کیش) و مکران بوده و نزدیک به شصت سال در هری میزیست و بادائی همان قمی از هرات آمده بود تا در طوس احسائی را ببیند چون آوازه دانشش بدانجا رسیده بود. در این گفتگو دانشمند هر وی سرانجام خاموشی گزید و پاسخی نتوانست بگوید. احسائی در آن از دانشمندان شیعی مانند مفید و رضی و مرتضی و شیخ طوسی و طبرسی و علامه حلی و سید شریف و رکن الدین گرگانی و نصیر الدین کاشی یاد میکند و نکته های تاریخی فراوانی در آن هست.

احسائی میگوید که من اکنون نزدیک به چهل سال دارم (ش ۲/ ۹۴۴ گ ۵۲ ب ۵) و ۸۷۸/۷ گ ۹۰ الف) پس او نزدیک بسال ۸۳۸ زاده شد و میدانیم که تا ۹۰۴ زنده بود. درباره نادرست بودن خلافت عمر سخن او و هر وی تا بجائی کشید که شنونده ای حیدری که در آن انجمن بود گفت: «والله راست میگوید شیخ عرب. اگر مرد صحبت پیغمبر کرده بود بیست سال، و ابوی ادب؛ خر میشد» سپس خود احسائی آنرا چنین ترجمه کرد: «والله صدق الشیخ العربی. اذا کان رجل یحب رسول الله ص، عشرين سنة، وهو بلا ادب؛ یکون حمارا» (ش ۲/ ۹۴۴ گ ۵۱ ب ۵ و ۸۷۸/۷ گ ۸۹ الف که تنها همان عبارت تازی را دارد) خود احسائی این سه گفتگو را بدرخواست

- ۱- بنگرید به: روضات الجنات ص ۲۰ و ۲۱ و ۳۸۹ و ۵۹۷ - مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۳۶۱ - ذریعه ج ۸ ص ۱۳۳ - مجالس المؤمنین مجلس ۵ - فهرست طوس ج ۱ ش ۲۲۴ و ۲۴۶ خطی و ۵۲ چاپی ص ۱۶ و ج ۴ ش ۴۰۱ و ۹۸۲ و ۱۰۳۷ - فهرست مجلس ش ۴۴ - در فردوس التواریخ نوروزعلی بسطامی چاپ تبریز بسال ۱۳۱۵ ص ۳۰۷ و پس از آن پاریسی همین مناظره آمده است.

کسی گرد آورده بساخت این رساله در آورد .

شوشتری در مجالس المومنین در سر گذشت همین احساسی پاره ای از این گفتگو را بیمارسی آورد . حلال الدین محمد بن محمد کاشانی آنرا بیمارسی کرد و در ۱۹ شعبان ۱۰۰۱ در هند آنرا پایان رساند ( فهرست کتابخانه بهار هندج ۱ ش ۱۱۴ ص ۸۸ ) .

آغاز: الحمد لله حق حمده ... سالتنی اطال الله بقاءکماکان بینی و بین الهروی  
 ۵ فی بلاد خراسان من المجادلات فی المذهب .

انجام : ونستغفر الله من الزیادة والنقصان والسهو والغلط والنسیان والحمد لله رب العالمین ... وحشر نافی زهرتهم اجمعین .

[۸۴۲]

این نسخه شماره ۷ دفتر است و بخط تعلیق در جدول لاجوردی گ ۷۸ ب- ۹۷  
 ۱۰ ۸۷۸ ب ( ۷×۱۳ س ۱۹ ) در آغاز آن چنین دارد : « سئل الحمد لله الذی اذهب عنا  
 العجز ... هذه مناظرة الشيخ السعيد المغفور محمد بن جمهور للحساوی والملاء  
 الهروی فی بلدة خراسان فی المشهد الشريف الرضوی ... الحمد لله حق حمده » و بایانش  
 ایست : « باتفاق الكل فعلم انهم المعنیین بالایة دین غیرهم » برابر با س ۶ گ ۶۱ ش  
 ۹۴۴/۲ و پاره ای از مجلس سوم را ندارد ( با اندازه ده صفحه ) .  
 ۱۵

[۸۴۳]

این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف از محمد شریف  
 ۹۴۴ بن ابوتراب داود در پایان ج ۲ سال ۱۰۹۳ که از روی نسخه نادرستی نوشته  
 است . گ ۴۰ ب- ۶۶ الف - آغازش چنین است : « هذه مناظرة الشيخ ...  
 ۲۰ محمد بن جمهور الاحساوی والملاء الهروی ... الحمد لله حق حمده » .

[۶۹۸] مناظرة جیاه فی داد انشمنه منعی ( عربی )

دانشمند عز الدین حسین بن عبدالصمد جبعی عاملی ( ۹۱۸-۹۸۴ ) شاگرد شهید  
 دوم وسید حسن بن جعفر کرکی و از شناختگان دربار تهماسب یکم صفوی ( ۹۳۰-  
 ۹۸۴ ) و شیخ الاسلام قزوین و هرات با دانشمندی سنی در حلب بسال ۹۵۱ در باره  
 پیروی از ابوحنیفه یا امام صادق (ع) و امامت گفتگو نموده و میگوید که درباره برخی  
 ۲۵ مسئله های کلامی و فرعی مانند رؤیت و قضا و قدر و متعه و مسخ نیز با او سخن گفتیم



واو شیعی گشت. (فهرست طوس ج ۴ ص ۲۵۸ ش ۱۰۳۸).

آغاز: بسمله وبه نستعین الحمد لله علی ما انعم فکفی... فهذه صورة بحث وقع لهذا الفقير.

انجام: و صار من خواص الشيعة - والله الحمد اولاً و آخراً... ولعنة الله علی اعدائهم اجمعين. ۵

[۸۴۴]

این نسخه شماره ۳ دفتر است و بخط تعلیق با نشانه های شنگرف گ ۳۱ ب - ۹۹۴ ۳۷ ب -

[۶۹۹] مناظره و گنای دوله با صدوق (عربی)

۱۰ رکن الدوله حسن بن بویه دیلمی (۳۲۲-۳۶۶) با ابن بابویه صدوق (۳۸۱) در امامت گفتگوئی نموده و خود را طرفدار سنیان نشان داد. او ابن بابویه را که درری رهبری شیعیان داشت و خراسانیان نیز بدو باز میگشتند نزد خود خواست و با او درباره کسانی که شیعیان بر آنها دشنام میفرستند و درباره امامت گفتگو کرد (۱).  
 ۱۵ شیخ جعفر دوریستی (درشتی رازی) شاگرد عفید و مرتضی و طوسی آنرا در دفتری جدا گانه گرد آورده و شوشتری در مجالس المؤمنین در سر گذشت ابن بابویه آنرا پیارسی کرد.

آغاز: مناظره الملک رکن الدوله للصدوق بن بابویه. قال الملک ایها الشیخ اختلف الحاضرون فی القوم الذین یطعن علیهم الشيعة.

انجام: وهذا يدل علی ان عثمان افضل من ابی بکر. فقد انتقضت روايتکم.

۲۰ ۱ - ابن بابویه در عیون اخبار الرضا ص ۳۸۱ میگوید که در ۳۵۲ از رکن الدوله خواستم که بطوس روم و امام رضا را زیارت کنم. او از من درخواست تا در آنجا او را دعا نمایم. من رفتم و برگشتم و بدو گفتم که در آنجا بیاد تو بوده ام. ابن بابویه در شعبان همین سال در نیشابور میزیست (ص ۱۱ و ۱۱۶) و در ۳۵۴ در کوفه و در رجب ۳۳۹ در قم بسر میبرد (ص ۱۴۴ و ۳۹۳) و در ۳۵۵ بیغداد رفت.

این نسخه شماره ۳ دفتر است و بخط تعلیق با عنواناتهای شنگرف از محمد شریف  
بن ابوتراب داود در آغاز شعبان ۱۰۹۳ گ ۶۶ الف - ۷۱ ب .

۹۴۴

[۷۰۰] مناظره مأمون (عربی)

- ۵ مأمون عباسی (۱۹۸-۲۱۸) امام رضا (ع) (۱۴۸-۲۰۳) را از مدینه بمرورده در روز پنجشنبه ۵ رمضان ۲۰۱ ولایت عهد بدوسپرد و برای دلجوئی از او انجمن مناظره برپا میکرد و در آن گاهی امام در مسئله های کلامی و گاهی خود او درباره خلافت علی (ع) با مخالفان گفتگو میکردند و آنان را ملزم میساختند . ابن بابویه در عیون اخبار الرضا (۱) ص ۳۱۲ و ۱۰۶ میگوید که مأمون میخواست تا امام در برابر دانشمندان در ماند و خود هم اگر گاهی درباره امامت سخن میگفت برای این بود که او را بفربید و ای امام بیاران میفرمود که فربید مخورید همو است که مرا خواهد کشت .

- در یکی از این انجمنها بود که دانشمند یحیی بن اکثم قاضی مروزی ( ۲۴۲ ) بدستور مأمون نزدیک بچهل تن از دانشمندان محدث و متکلم را گرد آورد و مأمون خود با آنان درباره امامت علی (ع) سخن گفت و روشن ساخت که نخستین خلیفه اوست . آنها خاموش ماندند و پاسخی نتوانستند بگویند . او در پایان بفضل پسر سهل سرخسی مجوسی نومسلمان ( کشته در ۲ شعبان ۲۰۲ در شصت سالگی ) وزیر

- ۱ - ابن بابویه قمی ( ۳۸۱ ) این کتاب را برای گنجینه صاحب عباد طالقانی ( ۳۲۶ ) ( ۳۸۲ ) پس از ۳۵۴ نوشته است ( ص ۱۴۴ چاپ سنگی ایران ۱۳۱۷ ) در آن چند مناظره دیده میشود : گفتگوی امام رضا در انجمنی با بود مأمون با جاثلیق و اس الجالوت و ۲۰ سران صابئی و هیر بد بزرگ و پیروان زردشت و نسطاس رومی و متکلمانی مانند عمران صابی که فضل پسر سهل آنها را در آنجا گرد کرد - گفتگوی همو با پیروان دینهای یهود و نصارا و مجوس و با علی بن محمد بن الجهم درباره عصمت باب و مأمون - گفتگوی او با فقیهان و متکلمان درباره امامت - گفتگوی او با سلیمان مروزی متکلم خراسان درباره توحید با بود مأمون - گفتگوی او با مأمون با بود همان ابن جهم درباره عصمت

( ص ۸۷-۱۰۰ و ۱۰۷-۱۰۸ و ۳۲۴-۳۲۵ و ۱۰۰-۱۰۶ و ۱۰۸-۱۱۴ ) . ۲۵

و فرمانده خویش گفته که اینان همین اندازه میدانستند و بس. کسی میندارد که شکوه من آنها را از پاسخ دادن بمن بازداشت. این گفتگو درص ۳۱۲-۳۲۳ عیون آمده است و تاریخ آن باید ۲۰۱ یا ۲۰۲ باشد شوشتری در مجالس المؤمنین در سرگذشت مأمون نوشته که چنین منظره در طرائف ابن طاوس نیز آمده است.

۵ آغاز: باب ذکر مایتقرب به المأمون الی الرضاع من مجادلة المخالفين فی الامامة والتفضيل. حدثنا ابن عبد الله بن تمیم القرشي.

انجام: قال فخر جنا متحیرین خجائین. ثم نظر المأمون الی الفضل بن سهل فقال هذا اقصى ما عند القوم فلا یظن ظان ان جلالتی منعتهم من النقض علی. والله اعلم.

ان [۸۴۶]

۱۰ این نسخه شماره ۱۰ دفتر است و بخط نسخ گ ۲۰۱ ب - ۲۱۰.

(فارسی)

مختص فی نور العیون

[۷۰۱]

دانشمند محمد باقر شریف قمی «نور العیون» را در کلام شیعی نوشته و دانشمند علی اکبر بن عبدالعلی کرمانی آنرا گزین نموده در دو باب هر یکی یک کتاب گذارد. نخستین آن ۱۲ تنویر و در نبوت و امامت و رجعت میباشد. او در طریق دوم تنویر ۱۲ باب یکم که از فضائل سادات گفتگو میکند از صواعق محرقة ابن حجر عسقلانی چنین میآورد که مأمون هنگامیکه میخواست خلافت بدو دمان علی (ع) واگذار نماید دستور داد که فاطمیان پوشاک سبز بپوشند و عباسیان سیاه و دیگران سفید در بر کنند. مأمون از این واگذاری خلافت برگشت ولی این نشانه در خاندان علی بماند و آنها بهمین بس کردند که پارچه سبزی در دستار بگذارند. سپس میگوید که در ۷۷۳ پادشاه شیعیان فرمود تا علویان دستار سبز بر سر بندند. او در همینجا از نقابت سید مرتضی و ابن طاوس و دادگاه خصوصی هاشمیان یاد میکند و میگوید سزاوار است که دیگران زن علوی نگیرند یا آنکه گرامیشان بدارند و شایسته است با داشتن زنی علوی زن دیگری نه از این خاندان نگیرند. اگر هم گرفتند آنها را رها کنند. اگر علوی را رها ساختند آن دیگری را دوباره عقد کنند. گرفتن زن دوم علوی نیز شایسته نیست.



و بهتر است آنرا هم رها کنند ( گ ۱۰۱ ) در نسخه ما از باب دوم نشانی نیست مانا  
آنرا نگاشته است .

- آغاز: منتخب کتاب نور العیون من مؤلفات محمد باقر الحسینی الاصفهانی بسمله  
بعد از حمد خدا و درود بر پیغمبر راهنما و ائمه هدی . این منتخبی است از کتاب  
نور العیون من مؤلفات مولینا محمد باقر الشریف الحسینی الاصفهانی ابن محمد تقی  
الشریف الرضوی القمی مشتمل بر دو باب و هر باب یک کتاب ... تنویر اول در بیان  
احتیاج کافه انام در جمیع ایام پیغمبر یا امام منصوب از جانب حکیم علام .

- انجام : و سنوح این مقدمه در میان اهل آن اصرار در غایت اشتها راست میرزا  
قوام الدین محمد قزوینی گوید سلام علی خیر الانام و سیدی - شفیع ذنوب الخلق فی  
العرصات ... سلام علیهم ماتکم ناطق - وما رفع الاصوات فی العرفات - بحمد الله ...  
که منتخب نور العیون با تمام رسید و ذخیره یوم لا ینفع مال ولا بنون گردید علی ید  
مالک و هو علی اکبر بن عبدالعالی الکرمانی فی رابع و العشرین شهر جمادی الاخر من  
شهود سنة ۱۲۶۸ فی دار الدوله کرمانشاهان .

[۸۴۷]

- این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط شکسته تعلیق گزیننده و دارنده نسخه  
۸۸۹ همان کرمانی در ۲۴ ج ۲ سال ۱۲۶۸ در کرمانشاهان گ ۳۳ ب ۱۱۳ پ. او  
سه شماره دیگر این دفتر را نیز نوشته است: یکی آب حیات کبیر دیگری منتخب  
التمایل که ریخته خامه او است و در آغاز آن میگوید که در سال ۱۲۶۹ در کرمانشاهان  
باسختی و بیچارگی و بیکاری زندگی میکنم ناگزیر پس از نگارش و گزین نور العیون  
بسگارش این کتاب پرداختم . و در این کتاب داستانهایی آورد و در پایان آن نامه ای  
را که بیکخان امیر معصوم بیک فرمانروای و رارود (ماوراءالنهر) بخانهای خراسان در  
شعبان ۱۲۰۲ نوشته و در آن از شیعیان نکوهش کرد و دشنام گفت آورد و پاره ای از  
پاسخی را که آقا محمد رفیع بن عبدالواحد بدستور امیر محمدخان بدو داده است و نسخه  
بیایان نمیرسد . جواهر الاخبار (شماره ۴ دفتر) هم بخامه او است که در ۱۲۴۸ نگاشته است

- [۷۰۲] منهاج الکرامه فی معرفه الاله (عربی) ۲۵

علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶) این دفتر را در امامت و برای سلطان محمد خدا بنده

اولجایتو پادشاه مغولی ایران ( ۶۸۰ - ۷۰۳ - ۷۱۶ ) نگاشته و آن درشش فصل و بایستی میان سالهای ۷۰۳ و ۷۱۶ نوشته شده باشد . عبدالرحیم بن محمد تقی تبریزی و میرزا محمدعلی مدرس در صفر ۱۲۹۶ آنرا بچاپ سنگی رساندند (خشتی ۹۱ ص و بنام منهاج الکرامه فی اثبات الامامة) و در منهاج ابن تیمیه نیز آمده و بچاپ رسید . ابن کتاب بر پیروان سنت بسیار گران آمده و بخرده گیری از آن پرداختند . نخستین بار دانشمند حنبلی ابن تیمیه حرانی ( ۶۶۱ - ۷۲۸ ) درخواست گروهی که کتاب را بدو بنمودند و گفتند که حلی آنرا برای خدا بنده نوشت و از سنیان بد گفته است و شایسته است پاسخ داده شود پذیرفته در برابر آن « منهاج السنة النبویة فی نقض کلام الشیعة و القدیة » را در ۴ جلد نوشته است که در بولاق مصر سال ۱۲۲۱ - ۱۲۲۲ بچاپ رسیده و در کنار آن « بیان موافقة صریح العقول اصحیح المنقول » او میباشد . ابن تیمیه در دیباچه آن میگوید که یکی از رهبران رافضی روزگار ما این کتاب را برای خواندن فرمانروایان بکیش خویش نوشته و باطنیان ملحد هم که در نهان روش فیلسوفان صابئی بیدین دارند بدو کمک نمودند . نیز میگوید که او آنرا « منهاج الکرامه فی معرفة الامامة » نامید خوب است که آنرا « منهاج الندامة » خوانند (ص ۳ منهاج الکرامه و ص ۵ ج ۱ منهاج السنة) . این دانشمند سلفی حنبلی که میگوید همه مردم جهان تا پایان روزگار بایستی از رهبران گذشته او پیروی کنند در آغاز بسیاری از رفتارها و اندیشه های شیعی را یاد و نکوهش میکند و پس از یاد کردن مفید و کراجکی و موسوی و طوسی می گوید که شیعیان در معقول سخت نا آگاه و در منقول بسیار دروغگو و پیرو معتزلیان و قدریان و مجسمان و جبریان میباشند و آنان ترکان دشمن اسلام و ترسایان و یهودان را بکشور های مسلمانان راه دادند و آئین آنها با کیش یهود و ترسا مانند است و روش رافضی و جهمی در الحاد میباشد . این نگارش او گذشته از سخنان نادرست تاریخی و کلامی دشنامهای فراوان دارد (۱) .

۱ - حلی در فصل ۲ وجه ۴ ص ۲۲ چاپی گفتار ابن جوزی را گواه میآورد . ابن تیمیه در اینجا (ج ۲ ص ۱۳۳) میگوید اگر از آن ابوالفرج عبدالرحمن (۵۹۷م) را میخواهد او

بقیه حاشیه در صفحه بعد

- چلبی در کشف الظنون از نگارش حلی یکبار پیروی از ابن کثیر بنام «منهاج الاستقامة فی اثبات الامامة» یاد نمود و گفت که ابن کثیر (اسمعیل قرشی م ۷۷۴) گوید او در معقول و منقول همراه است و ابن تیمیه آنرا پاسخ داد. باز میگوید که «منهاج السلامة الی معراج الکرامه» از حلی است و زین الدین سربحانین محمد بن ابی در «سد الفتیق المظهر ررصد الفسیق» بدو پاسخ گفت و از واژه «فسیق» ابن المطهر را می خواهد. درباره «منهاج السنة النبویه» میگوید که آنرا ابن تیمیه بر روش «منهاج - الاستقامة» نوشته و تقی الدین سبکی (۷۵۶) درباره اش گوید که آنرا دیده ام و خوب از آن خرده گرفت. مگر اینکه ابن تیمیه خود در آن آشکارا گفته که حادثه را آغازی نیست و آنها در ذات خداوند هستند. (ج ۲ ص ۹-۵۴۸ - معجم المطبوعات در ابن تیمیه)
- ۱۰ منهاج ابن تیمیه را دانشمندی شیعی بنام «الانصاف والانتصاف لاهل الحق من الاسراف» بخوبی خرده گیری نمود و آن بر روش «قوله - قولنا» در يك مقدمه (وصیت) و يك بحث (اعتقاد امامیان و سنیان) و ۱۷ مقام (خرده گیری و پاسخ) و يك خاتمه (حکم و قواعد) میباشد (ش ۳۶۷ ج ۴ طوس) نویسنده نسخه دانشکده حقوق از همین «الانصاف» پنداشت که آن نگارش شیخ خلیل بن ظفر بن خلیل کوفی اسدی میباشد. از ذریعه (ج ۲ ص ۳۹۹) پیداست که او چنین نگارشی دارد و یا سخنانی هم یزیدیان و اسماعیلیان و قرامطیان داده است ولی پیش از همتجب الدین قسبی (۵۰۴ - اندکی پس از ۵۸۵) میزیسته و گوید در روزگار شیخ طوسی بوده است. پس نمیتواند نگارنده این «الانصاف» باشد.

بقیه حاشیه از صفحه قبل

- ۲۰ چنین نگفت و اگر نوه او ابوالمظفر یوسف بن قز اوغلی (م ۶۵۴) نگارنده مرآت الزمان و اعلام الخواص درباره دوازده امام را میخواهد او گاهی بسود شیعیان و گاهی بسود حنفیان و برای یکی از فرمانروایان چیز نوشته و سخنان او نتوان گراشد. او باند در گران و واعظان میماند که بهر شهری روند بکیش آنجا در می آیند و خود دینی ندارند نیز میگویند که عبید الله بن میمون قداح یهودی زاده و پرورده مجوس بوده است (نیز ج ۴ ص ۲۱۲) باز در ج ۱ ص ۱۳۱ میگوید که مقید در مناسک مشاهد رو داشت بحج قبور مانند کعبه روند (برای سرگذشت حلی و ابن تیمیه بنگرید به البدایة و النهایة ابن کثیر ج ۱ ص ۱۴ و ۱۲۵ و ۱۳۲).
- ۲۵





[۷۰۴] نفی الحیز والجهة (رسالة فی ... ) (فارسی)

امام فخرالدین رازی در این گفتار از خداوند نفی حیز و جهت نموده است .  
آغاز: رسالة فی نفی الحیز والجهة لفخرالدین الرازی - قوله تعالی لا اله الا هو  
الحی القيوم . ویقرر ذلك ان الله تعالی هو القيوم .

انجام: و این منافی آنست که فقر و احتیاج مخصوص بممکنات است . والله  
اعلم بحقائق ذاته وصفاته والصلوة علی خاتم الانبیاء وآله العظام الاصفیاء . تمت الرسالة .

[۱۸۵۱]

این نسخه شماره ۱۰۸۸ دفتر و بخط تعلیق میباشد . گ ۲ - ب ۳ . پس از این در  
گ ۳ پاره ایست از ادب المریدین شیخ ضیاءالدین ابی النجیب عبدالقاهرین  
عبدالله سهروردی ۵۶۳ در این که تهی دستی بهتر از توانگری است و در گ  
۴ الف پاره ای از فتوحات محیی الدین اندلسی و از شرح خطبه طوالم ازدوانی .

[۷۰۵] نهج الحق و کشف الصدق (عربی)

علامه حلی این کتاب را در رد بر سنیان در هشت مسئله (ادراک - نظر - صفات  
خدا - نبوت - امامت - معاد - مسئله های اصول فقه شیعی - مسئله های فقهی شیعی) نگاشته  
است . باشار و زبهار و خواجه صاعد بن دین دفتر نگریستند (ص ۵۴۱ و ۶۲۰ این فهرست)  
آغاز: الحمد لله الذی غرقت فی معرفته افکار العلماء و تحیر فی ادراک ذاته انظار  
العقلاء... اما بعد فان الله تعالی حیث حرم فی کتابه .

انجام: و فیما اوردناه فی هذا الکتاب کفاية لمن له ادنى تحصیل و کیف من  
یستغنی عن کثیر التنبیه بالقلیل والله الموفق للصواب والله المرجع والمآب .

[۱۸۵۲]

این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط تعلیق و عنوانهای آن بنسخ درشت سیاه  
۵۰۳ یاشنگرف از احمد بن عبادالله ساوی نجفی در کربلا در شام پنجشنبه ۳۰ ع ۱  
سال ۱۰۱۷ گ ۵۵ ب ۱۲۰ الف .

[۷۰۶] نهج المسترشدین فی اصول الدین (عربی)

علامه حلی بدرخواست پسر خویش فخر المحققین در این کتاب گزیده ای از

همه مجتبه‌های کلام (امور عام - خدا - پیامبر - امام - رستاخیز) را آورده و آن در ۱۳ فصل و هریک چند مبحث است. در مبحث ۱ فصل ۴ (۳ الف) بکتاب الاسرار خود بازگشت میدهد.

این کتاب را او پیش از ۷۰۲ به پایان رساند (ش ۱۰۶۵ طوس).

۵ نجم‌الدین خضر بن شمس‌الدین محمد بن علی رازی حبل‌رویی پس از اینکه از استاد خود (شمس‌الدین محمد بن سید شریف گرگانی ۸۲۸) دور شده و از شیراز بنجف رسیده بود در همانجا گاهی یکده هنوز استاد زنده بود پرداخت باینکه گزارشی برای این کتاب بنویسد و آنرا بنام تحقیق‌المبین در مدرسه رتبه در حله سیفیه نزدیک بیامداد یکشنبه سیم ذی‌قعدة ۸۲۸ به پایان رساند (ش ۳۹۷ ج ۴ طوس - روضات الجنات ۱۰ ص ۲۶۴).

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم... الحمد لله الذي هدانا لهذا... في المعاش والمال... فهذا كتاب نهج المسترشد في اصول الدين لخصت فيه مبادئ القواعد الكلامية ورؤس المسائل الأصولية... اجابة لسؤال الولد العزيز محمد.

انجام: ومن اراد التوسل فعليه بكتابتنا الكبير المسمى بنهاية المرام في علم الكلام ۱۵ ومن اراد التوسط فعليه بكتاب منتهى الوصول والمنادج وغيرهما من كتبنا المشهورة كنظم الابرار والمعارج - بخریزتر و میسان دو سطر) والسلام، والحمد لله علی بلوغ ما قصدناه وحصول ما اردناه - والصلوة والسلام علی اشرف الانبياء وعترته الطيبين

[۸۵۳]

این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط شکسته تعلیق ریز و عنوانها بنسخ و شنکرف و برخی جاها سفید گذارده شده و حاشیه‌هایی دارد شکسته تعلیق از شرح سیوری (ارشاد الطالبین) گ ۲ - ۱۴ ب. ۱۴ شماره دیگر این دفتر در حدیث و فقه است و بخط تعلیق و نسخ و نویسنده شماره ۱۶ آن اسدالله حسینی رضوی در تاریخ ۱۲۲۶ می باشد و در گ ۲ الف خط خطیب صدیق بسال ۱۲۳۰ دیده میشود.

همه دفتر ۱۷۶ - کاغذ قرنگی - جلد قیماج سرخ ضربی  
اندازه: ۲۱۵×۲۱۵ و ۱۶×۲۴ (بیاضی)



[۷.۷]

و جیزه

(عربی)

دانشمند شبر عبدالله بن محمد رضای نجفی کاظمی (۱۱۸۸-۱۲۴۲) نگارنده تفسیر که در تهران بسال ۱۲۴۳/۱۳۹۴ بچاپ رسید در این رساله اندکی از اصول و فروع دینی را آورده و آنرا در روز شنبه ۲۲ ذی قعدة ۱۲۲۰ بپایان رساند.

آغاز: بسمله و به نستعین. الحمد لله الذی لامن شیء کان و لامن شیء کون ماقد کان... فیقول... عبدالله بن محمد رضا الحسینی... هذه رسالة و جیزه و نخبه عزیزه قد تضمنت معرفة الحكمین اللّٰتین یحل بهما القوز بالسعادتین.

انجام: وجعل مستقبل حالنا خیرا من ماضیه. تمت الرسالة فی یوم السبت بعد الزوال ثانی و عشرين من ذی القعدة سنة ۱۲۲۹ و الحمد لله اولاً... و صلی الله علی محمد و آله.

۱۰

[۸۵۴]

این نسخه بخط نسخ با عنوانهای شکر ف از درویش بن کاظم در شب ۱۴ ذی حجه ۱۲۳۱.

(۴۱۲۰) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج سرخ ساده

اندازه: ۱۵×۲۱.۵ و ۹×۵.۵ س ۱۵

۱۵

[۷.۸]

هادیة العوام

(عربی)

این گفتار در اصول و فروع دین است بروش شیعی.

آغاز: بسمله. الحمد لله اللطیف بعباده، العامر بنواله، الامر بسؤاله... و بعد فهذه رسالة و جیزه موسومة بهادیة العوام مرتبة علی کلام و مقام و ختام.

انجام: و قد امارتنا برد الودائع فرد علی عند حضور موتی، برحمتک یا ارحم الراحمین.

[۸۵۵]

لین نسخه شماره ۴۲ دفتر و بخط تعلیق می باشد. گ ۱۷۰ - ۱۷۱ الف.

۱۰۱۵ در برك ۱۷۱ ب تفسیر «سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر» است از

شمس الدین محمد بن مکی شهید یکم.

۲۵

[۷۰۹] هداية الطالبين في معرفة الانبياء والائمة الهادين (فارسی)

دانشمند حاج ملاهانی سبزواری (۱۲۱۲-۱۲۸۹) در این دفتر از پیامبری و امامت در دو باب گفتگو نمود و آنرا در ۸ رجب ۱۲۷۴ به پایان رساند. نسخه‌ای از آن در مجلس (ش ۷۸۸) هست.

۵ آغاز: بسم الله. سپس ایزدیرا که آنجا که او موجود است هیچ موجودی را وجودی نیست.

انجام: هر يك از این ممکنات علاوه بر قیام قائم بذاته بقول مطلق. فهو القيوم تعالی شأنه والقائم قوائم به ... وقد فرغت من تأليف الرسالة في اليوم الثامن من شهر رجب المرجب سنة اربعة وسبعين بعد المائين والالف من الهجرة النبوية ۱۲۷۴.

[۸۵۶]

۲۶۵ این نسخه بخط تعلیق حسن تقدیسی تبریزی در محرم سال ۱۳۶۱ می‌باشد.

(۳۹۱) - کاغذ فرنگی - جلد نیمصاج سرخ تازه

اندازه: ۱۸×۱۱ و ۱۴×۱۳ س ۱۵ در برز مخلف

کتابخانه مرکزی  
library.ut.ac.ir

# گفتار پنجم

فلسفه عملی

آرایش خوی یا فرهنگ - کتخدائی یا خانداری - کشورداری  
(تهذیب اخلاق یا حکمت خلقی - تدبیر منزل یا حکمت  
منزلی - سیاست مدن یا حکمت مدنی)<sup>۱</sup>

---

۱- برای این نامها بنگرید به: نگارشهای بابا افضل کاشانی ج ۱ چاپ دانشگاه  
ص ۹۵-۹۶-۲۶۱ - اخلاق ناصری چاپ هند ص ۹ - اخلاق جلالی ص ۱۸ - دیباچه آقای  
همائی بر اخلاق ناصری.

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران  
library.ut.ac.ir



کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران  
library.ut.ac.ir

- فیض کاشانی «ضیاءالقلب» خویش را که در شناختن جان و پرودن آن است از روی خرد و طبع و شرع و عرف و عادت ینسام «آئینه شاهی» برای شاه عباس دوم بسال ۱۰۷۶ پیاری کرد و آنرا در دوازده باب گذارد: «شناختن خرد، شرع، طبع، عادت، عرف، شناختن خود که فرمانبر این پنج است، مرتبه‌های همان پنج، چرا آنها بر مردمی چیره‌اند، اگر آنها باهم نسازند کدام برتر است، اگر آنها بیکدیگر پیامیزند چگونه میتوان از هم جدا ساخت، برخی از داده‌های خدا که در اینجا کمک خواهد بود، چگونه از خدا یاری توان خواست» کاشانی خرد را برتر از شرع میداند آنهم خرد پیامبران و پیشوایان. این رساله با ترجمه الصلوة والفت نامه اودر چاپخانه موسوی شیراز بسال ۱۳۲۰ خ بچاپ رسید.
- ۵ آغاز: سپاس شایسته و ستایش بایسته سزاوار ثناء پروردگاری که رسوم شرع را مطابق مقتضای عقل کامل گردانید.
- ۱۰ انجام: چون در دلم محبت ایشان گرفته جا. تمت الرسالة والحمد اولاً و آخراً در تاریخ تصنیف برسم تعمیه گفته شد. آئینه جان برگیر از ممکن غیب دل - کائینه شاهی را تاریخ شود حاصل (۱۰۷۶).
- ۱۵

۳۱۴ این نسخه شماره دودفتر و بخط تعلیق میباشد ک ۱۶ ب - ۳۶ الف -

- برای نگارشهای ارسطوسه فهرست درست هست یکی از دیوگنوس لائرتیوس دوم از کمنام گویا «هسوخیوس ملیتوسی» سوم از قفطی و خزرجی که از بطلمیوس رومی گرفته‌اند. درباره این سه فهرست در Le système d'Aristote از Hamelin
- ۲۰

ص ۱۳-۱۷ بررسی شده است. داستان نشر کتابهای ارسطو در جغرافیای سترابن (ج ۳ ص ۵-۵۳) دیده میشود. در «زندگی مردمان نامور» پلوتارخوس داستان نگارش های ارسطو و نامه نگاری او با اسکندر درباره نشر کتابهای سماعی در میان تسوده مردم آمده (ترجمه فرانسوی Alexis Pierron چاپ پاریس در ۴ جلد بسال ۴-۱۸۴۳ ج ۲ ص ۶-۶۳۵ و ج ۳ ص ۴۴۶) ازین کتابها و همچنین فهرست ابن ندیم پیداست که پندهائی بارسطو نسبت داده اند و برخی از آنها بتازی در آمده است. در جاویدان خرد مشکویه رازی از اینگونه پندها و سخنان آمده است و نمیتوان باور کرد که از ارسطو باشد (دیباچه بدوی برجاویدان خرد ص ۴۲).

این گفتار در دو بند در جاویدان خرد ص ۷۰-۲۶۶ بچاپ رسید و بسیار با آغاز ادب صغیر ابن مقفع که در رسائل البلغا ص ۴-۳۷ بچاپ رسیده مانند می باشد (ش ۶۳۴/۱۶ مجلس).

آغاز: بسم الله هذا آداب ارسطوطاليس. كتبها في صحيفه كان يعلمها اسکندر. لكل انسان حاجة والى كل حاجة سبيل ومن اصابه انجح ومن اخطاه خاب وحاجة الانسان خير الدنيا والاخرة والسبيل الى ادراكها العقل والعقل نوعان غريزي ومستفاد. **انجام:** غير حاسد للاصحاب ولا مخدع للاخيار ولا متحرس بالاشرار ولا مشاغب المدارس ولا ملاح المسطان ولا مرج للولاية. تمت آداب ارسطوطاليس. والحمد لله واهب العقل.

[۱۸۵۸]

۲۵۳ این نسخه شماره ۱۵ دفتر و بخط تعلیق میباشد گ ۹۵-۹۶ ب.

[۱۸۵۹]

۴۰۲ این نسخه شماره ۳ دفتر و بخط تعلیق میباشد گ ۵۲-۵۳ ب.

(فارسی)

اداب هتعلم حکمت

[۷۱۲]

در ترمه صوان الحکمه بیهقی ص ۲۰ گفتاری از فارابی درباره روشی که جوینده



حکمت باید داشته باشد آمده و این نسخه مانیز مانند همان است و پیرسی و آغاز آن ترجمه گزیده ای است از آغاز همان متن تازی.

آغاز: حکما فرموده اند که هر که در علم حکمت شروع نماید باید که شاب و صحیح المزاج باشد.

انجام: و هیچ سفری بهتر از سفر عقل در ملکوت نیست و فتن الله و ایاکم بحرمة من لانی بعدہ.

[۸۶۰]

این نسخه شماره ۴ دفتر است و بخط تعلیق محمد علی در محرم ۱۳۰۲ گ ۱۱۷ ب ۴۳۱ ۱۲۰ ب.

۱۰ ابواب الجنان (فارسی) [۷۱۳-۸۱۴]

دانشمند ادیب شاعر رفیع الدین محمد بن فتح الله واعظ قزوینی (۱۰۸۹م) شاگرد ملا خلیل قزوینی میخواست ابواب الجنان خود را در بند و اندرز و سخنرانی دینی و در هشت باب هر یکی در یک جلد بنویسد. نخستین را در روزگار شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷) و دومی را پس از مرگش و در روزگار شاه سلیمان یکم (۱۰۷۷-۱۱۰۵) ۱۱۰۵) بسال ۱۰۷۹ نگاشته است و دیگر ننوشت. پسرش محمد شفیع آنرا پایان رساند. این کتاب نمونه ایست از نثر شیوا و دشوار آن زمان. جلد یکم در تبریز بسال ۱۲۶۱ و در تهران بسال ۱۲۸۱ (هر دو جلد) و در هند به چاپ رسید (ذریعه ج ۱ ص ۷۶ فهرست طوس ج ۲ ش ۱۱ اخلاق چاپی) در مجلس نسخه ای از این هست (ش ۷-۵۶۶).

[۸۶۱]

این نسخه جلد یکم و بخط تعلیق خوش تاریخ ۱۲۶۵ و دارای سرلوح بسیار زیبا بشنگرف و زر و لاجورد و رنگ سبز میباشد. صفحه ۱۸ حاشیه دارد با گل و بوته و دیگر صفحه ها در دو جدول بزور لاجورد و شنکرف و عبارتهای تازی بشنگرف است.

آغاز: بهترین زلال مقالی که سرخیل کاروان فنون محاورات تواند بود.

انجام: برآمزه قلوب دردمندان سازگار و گوارا گردانیده توفیق را بوجه صواب کرامت فرماید. بمنه و کرمه آمین یا رب العالمین برحمتک یا ارحم الراحمین.

امیر فیروز کوهی در ۱۳۱۶ این نسخه زاداشته و بهای آن را سی تومان دانست .  
(۴۱۷۱) - کاغذ ترمه سپاهانی - جلد روئی گل و بوته دار دور و وضری با پرده تیماجی .  
اندازه : ۲۱×۴۵ و ۱۲×۲۵ س. ۲۰

[۸۶۲]

این نسخه جلد دوم و بخط نسخ با نشانه ها و عنوانهای شنکرف از علیقلی فرزند  
۵۲۰ کر بلائی علی پسر کر بلائی حسین در ۳۰ رجب و روز خمره سال ۱۱۲۸ می باشد  
آغاز: زلال مقالی که از چشمه سار دل بجدول زبان جاری و بوستان جانفزای  
دین و ایسات بآن آبیاری تواند شد .

انجام: در فقیه مرویست که در سجده آخرین این نماز گوید «یا من لبس العز والوقار  
استلک بمقاعد العزة» . ۱۰

(۴۱۴۲) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج مشغی ضری ۴ برزربا نبر سره  
اندازه : ۲۱×۴۵ و ۱۴×۲۲ س. ۲۰

[۷۱۶.۷۱۵] احیاء العلوم الدین (عربی)

دانشمند محمد غزالی طوسی (۵۰۵-۴۵۰) در سال ۴۸۴ در مدرسه نظامیه بغداد  
۱۵ بتدریس پرداخت و در ذی قعدة ۴۸۸ برادرش احمد را جانشین خویش ساخته خود  
بسوی مکه رهسپار گشت و در ۴۸۹ بدمشق رفته سپس باورشلیم آمد و باز بدمشق  
برگشت و ده سال در شام مانده است . وی با سکنندریه نیز رفته و میخواست بدیدار  
یوسف بن تاشفین پادشاه مرا بطی مراکش (۴۸۰-۵۰۰) برسد که او مرد غزالی دیری  
بپارسائی و جهانگردی پرداخت . در همین روزگار بود که احیاء العلوم می نوشت .  
۲۰ ببغداد که برگشت آنرا در پند و اندرزها که میداد میخواند ( شرح زبیدی بر احیاء  
ج ۱ ص ۷-۸) پس غزالی احیاء را در روزگار پارسائی و کوشه گیری (۴۸۹-۴۹۹)  
نگاشته است . چنانکه خود او در منقذ میگوید از رجب ۴۸۶ اندیشه پارسائی و  
کناره جوئی در سرش افتاد باندازه ای که در خود توانائی ماندن بغداد ندید و بیمار  
گشت و حج را بهانه ساخت و از آنجا بیرون رفت و بتصوف گرایید ( تعریف الاحیاء  
۲۵ بفاضل الاحیاء شیخ عبدالقادر در کنار شرح زبیدی ج ۱ ص ۳۷ و پس از آن (۱) .

۱- غزالی مانند اورلیوس اوگوستینوس (Aurelius Augustinus) باک

بقیه حاشیه در صفحه بعد

غزالی با حیاء بسیار ارج مینهاد و در پاسخ خرده گیریها که مغربیان کرده اند، *الاملاء فی اشکالات الاحیاء* نوشته است (زبیدی ج ۱ ص ۳۸) و از آن پیداست که بهمان سخنان و پرسشهای خراسانیان که پیش شاه بدآوری رفته بودند نیز مینگردد (ص ۱۹۰ همین فهرست) و گویا آنرا نزدیک ۵۰۳ نوشته باشد.

- غزالی خود در مقاصد الفلاسفه (آغاز الهی) درباره سیاست میگوید: «و هذا علم اصله العلوم الشرعیة و در تهافت الفلاسفه او که پس از آن نوشته و در تاریخ ۱۱ محرم ۴۸۸ پایانش رساند ص ۳-۳۵۲ دارد: «و علم الاخلاق طویل و الشریعة بالغت فی تفصیلها و لاسبیل فی تهذیب الاخلاق الا بمراعات قانون الشرع فی العمل حتی لا یتبع الانسان هواه» پس او چنین میخواهد که گذشته از ویران ساختن بنیاد فلسفه یونانی علم عملی را نیز از روی شرع بنویسد اینست که در احیاء شالوده دیگری برای اخلاق و سیاست و تدبیر منزل ریخته و رنگ دین بدو داده است مگر اینکه او در این کتاب روش عرفان پیش گرفت و از قوت القلوب ابوطالب مکی و رساله قشیری (زبیدی ج ۱ ص ۳۰) و ذریعه راغب بهره برد و در آوردن اخبار و آثار هم چندان پابند شرایط محدثان نبود این بود که فقیهان از او خرده ها گرفتند و دانشمندان درباره او دو گروه شدند. سخنان دوست و دشمن را در دیباچه زبیدی می بینیم. از نگریستن نگارشهای غزالی بر میآید

- (۳۵۴-۴۳۰) و هیرونیوس (Eusebius Sophronius Hieronymus) یا جیروم Jérôme پاك (۳۴۰-۴۲۰) که نخستین از اندیشه مانوی و نوبلاتونی و دومی از فلسفه سیرون و اندیشه های بت پرستان برگشته پارسا و ترسا شدند او هم در اثر کشمکش و نبردهای فیلسوفان و باطنیان و عارفان با پیروان سنت خسته شده خواست زندگی بی آلاشی دور از مردم زمان پیش گیرد و مسائل دین را روی ذوق عرفانی دریابد غزالی مانند دکارت شك را پایه یقین دانست (پایان میزان العمل که میگوید: اذ السلوك هي الموصلة الى الحق فمن لم يشك لم ينظر ومن لم ينظر لم يبصر ومن لم يبصر بقي في العمی والضلال) سید مرتضی نیز پیش از او چنین گفت (ص ۱۶۱ این فهرست) او را در گرایش بحس و بداهت مانند هیوم انگلیسی و در ناتوان یافتن خرد مانند کانت آلمانی پنداشتند.

- (بنگرید به: ترجمه تازی تاریخ فلسفه اسلامی دبور از ابوریحان ص ۲۱۸ - ۲۵ تاریخ فلسفه اسلام لطفی جمعه ص ۶-۷۵).



که اودر زندگی علمی چهار دوره را گذراند : ۱ از ۷۸ تا ۸۴ که وجیز را نوشت و فقیه بود ۲ از ۸۴ تا ۸۸ که مقاصد و تهافت و اقتصاد و مستظهری نوشته نگاهبان سنت و دوستدار دربار عباسی بوده و نظام الملک را خوشنود میساخت و بسایندار و اندیشه باطنیان فاطمی مصر و صبا حیان می جنگید ۳ از ۹۲ تا ۹۵ که با حیاء و مستصفی و کیمیا میپرداخت و اندیشه عرفانی دینی داشت ۴ از ۹۵ تا ۱۰۰ که سرانجام بطوس آمد و در این زمان بود که بنگارش مانند جواهر القرآن و مشکات الانوار پرداخته است (متون ماسینیون ص ۹۳) و بگفته وات در روزنامه آسیائی لندن ش ۱ و ۲ سال ۱۹۵۲ ص ۳۰ و ۴۴ دوره پس از احیا هم دو بخش میشود در یکی همان عقل بکار میآمد و مانند الجام و فیصل و قسطاس نوشته شده و در دومی که پایان زندگی او است ذوق هم در کار است و اباحیه و منتقد و بنگارش در آمد. متن احیا در تهران بسال ۱۲۹۳ و بارها در مصر و در لکنائو بسال ۱۲۸۱ بچاپ رسید .

[۸۶۳]

این نسخه دارای نیمه نخستین احیاء است و بخط نسخ در جدول زرین و لاجوردی با عنوانهای شگرف و دارای دوسر لوح زیبای زمینه گل و بوته لاجوردی و احمد بن احمد بن شرف الدین کازرونی در روز سه شنبه ۲۴ رمضان سال ۸۹۳ نوشتن آنرا بیابان رساند .

در گ ۱ الف بخط تعلیق فیض کاشانی از «الریاض الموقنة فی مرتبة اصحاب السنة» امام رازی آمده که اگر معتزلیان بنوشته های فراوان جاحظ که بیشترش باوه است می نازند شایسته است ما هم بنوشته های فراوان و بسیار پسندیده غزالی بنازیم .  
 ۲۰ نیز از آغاز جلد ۵ کشکول که شیخ بهائی از پدر خود از یکی از بزرگان آورده است که خطا بیات غزالی از برهانیات ابوعلی دلنشین تر و جان بهتر آنرا می پذیرد .  
 باز بخط همان مولی محسن فیض نوشته شده : که حکیم صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی (اطال الله بقائه) بدو گفته بود که میرزا ابراهیم همدانی از شیخ احمد اردبیلی آورده است که «اگر همه کتابهای جهان از میان بروند و احیاء العلوم بماند چندان زیانی باسلام نخواهد رسید ولی اگر احیا از میان رود زیان بسیاری بدان خواهد رسید» فیض میگوید که این از اردبیلی شگفت انگیز است چه مبحث امامت که از ایمان است در احیا نیامده ولی درباره «المحجة البیضاء» ما که با آن احیا را کامل نمودیم چنین سخنی

درست خواهد بود- درباره میرزا ابراهیم همدانی از اجازات بحار از سیدعلیخان (سلافه ص ۴۸۸) در همین برگ چنین آمده : «شاه عباس روزی خواست شیخ بهائی را ببیند نزدش رفته هزارها کتاب در آنجا بدید ، از او پرسید کسی در جهان هست که این همه کتابها را بیاد سپرده باشد ؟ بهائی پاسخ داد نه . اگر باشد همان میرزا ابراهیم خواهد بود . این دانشمند در ۱۰۲۶ در گذشت » همه اینها بخط کاشانی است . خط و مهر دارندگان نسخه (محمد ابراهیم قزوینی و محمد زکی در ۱۱۴۲ و حاج علی نجار و سعدان ) دیده میشود (الف ۱ - ۳۳۷ الف ) .

(۳۴۴۷) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج سرخ مقوایی

اندازه : ۱۷ × ۲۵ و ۱۴ × ۱۷ س ۲۵

[۸۶۴]

این نسخه نیمه دوم احیاء است و بخط نسخ در جدول زرین و شنکرف و یا ۳۹۱ عنوانهای شنکرف و یک سرلوح زرین که همان کازرونی در نیمه روز آدینه ۲۳ رمضان ۸۹۴ نوشتن آنرا با انجام رساند همان گفتار بهائی در کشکول نیز در گ ۱ الف بخط تعلیق آمده و مهر و خط محمد ابراهیم قزوینی در گ ۱ الف و بود و ۴۲۹ الف و دیده میشود .

(۳۴۴۹) - کاغذ سمرقندی - جلد مانند بالا

اندازه : ۱۷ × ۲۵ و ۱۴ × ۱۷ س ۲۵

[۷۱۷] اخلاق (رسالة...) (عربی)

شیخ رئیس در این رساله کوتاه میخواهد بگوید که چگونه مردمی خوش خوی و نیکرفتار میگردد و چندین فضیلت خلقی را می شناساند و در آغاز آن از «کتب احصاء العلوم» یاد میکند . این رساله مانند «تهذیب الاخلاق» یحیی بن عدی یعقوبی ۳۶۴م (چاپ شده در رسائل البغاء) است و کوتاهتر از آن و در آن بروشی علمی از اخلاق بررسی نشده است . این دانشمندان در اینگونه نگارشها از - DeVirtuti bus et Vitiis یا نیکوئیها و بدیهای ارسطو بهره برده اند .

۲۵ قنوائی در ۲۴۶ چندین نسخه از این رساله را شناساند که در آغاز و انجام با هم یکی نیستند این رساله در تسع رسائل مصر ۱۳۲۶ بچاپ رسیده و آهیختگی در آن هست چه در ص ۱۵۲ تا ۱۵۴ س ۹ کلمه ۱۴ اینچاپ بخشی از این رساله است و از آن پس تا ص ۱۵۶ از رساله عهد شیخ رئیس که در کنار شرح هدایه شیرازی ص ۸-۳۳۶

دیده میشود آمده و دنباله این رساله اخلاق در ص ۱۴۳ س ۲ کلمه ۹ تا ص ۱۵۱ اینچاپ هست که جزء رساله عهد دانسته شد. بگفته ناشر شرح هدایه ص ۳۳۵ در چاپ مطبعة الجوائب نیز چنین آمیختگی دیده میشود. این رساله در مجموعه الرسائل سال ۱۳۲۸ و در کنار شرح هدایه شیرازی ص ۵-۳۳۴ و ۷-۳۵۱ نیز بچاپ رسید.

آغاز: بسملة المعنى بامرہ المحب لمعرفة الفضائل و كيفية اقتنائها لتزكو بها نفسه. **انجام** نسخه ما: و لهذا الكلام ذكر في موضعه - یعنی کتاب المبدء والمعاد. تم الكتاب في الاخلاق والحمد لله حق حمده، آنگاه دارد: «هيئة يصدر بها عن النفس افعال بسهولة عن غير تقدم روية. جالينوس: الخلق - حال للنفس داعية الى ان يفعل الانسان افعاله بغير روية ولا اختيار. و صلواته على محمد و آله اجمعين» که نویسنده افزود.

[۸۶۵]

۱۰

۱۰۷۴ این نسخه شماره ۱۶ دفتر و بخط تعلیق ریز میباشد گ ۲۲۱ الف - ۲۲۶ ب.

[۸۶۶]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۲۲ دفتر و بخط تعلیق میباشد ص ۱۲۳-۱۲۹.

[۷۱۸] اخلاق (وصاله...) (فارسی)

۱۵ این رساله در اخلاق و با اخبار و آیات آمیخته است.

[۸۶۷]

این نسخه شماره ۱۱ دفتر و بخط تعلیق میباشد گ ۱۰۰ الف - ۱۳۸ ب. نسخه در

۱۰۳۶ آغاز و انجام و میانه کم دارد و بر گها هم پس و پیش شده و چنین است: «درویش است که بدانچه دارد قناعت کند - و یکی از دلائل سوء خاتمت نفاق است».

[۷۱۹] ۲۰ اخلاق (وصاله...) (عربی)

رساله ای است کوتاه و شیوا در چهار مقاله: اخلاق نظری - منظور و اکتساب اخلاق - سیاست منزل - تدبیر مدن.

آغاز: بسمله و به نستعين الحمد لله على نواله. و بعد فهذه مختصرة في علم الاخلاق و مرتبه على اربع مقالات المقالة الاولى في النظرى منه. الخلق ملكة تصدر عنه الافعال



الانسانية بسهولة من غير روية ويمكن تغييرها للتجربة ولورود الشرع به واتفاق العقلاء  
انجام : قضاء حوائج الناس ولزوم العادات من التعازی والتهانی والعیادات و  
اظهار الفرح لفرحهم والغم لغمهم بحيث لا یخرج الى حد النفاق .

[۸۶۸]

- این نسخه شماره ۵ دفتر است و بخط تعلیق شکسته ریز با نشانه‌ها و عنوانهای  
۱۰۳۵ شکرگف گویا از دیباجی نزدیک ۱۱۰۰ ص ۹۷-۹۵ .

(فارسی)

اخلاق ناصری

[۷۲۰]

- خواجۀ طوسی فیلسوف (۵۹۷-۶۷۲) این کتاب را در سه مقاله نوشت در  
نخستین آن که در اخلاق است تهذیب الاخلاق و طهارة الاعراق مشکویۀ رازی را پیارسی  
کرد و در دومی که از تدبیر منزل بررسی میکند رساله تدبیر منزل شیخ رئیس را  
۱۰ پیارسی برگرداند (۱) و در سومی از آراء مدینه فاضله فارابی بهره برد و در پایان آن  
پندیکه افلاطون بارسطو داده و در جاویدان خرد مشکویه (ص ۹-۲۱۷) متن تازی  
آنرا می‌بینیم پیارسی آورده است. خواجۀ تدبیر منزل بروسن (چاپ شده در مجموعه  
اربع رسائل نشر یسوعی در بیروت بسال ۱۹۲۳) را نیز دیده بود. طوسی آنرا بنام  
فروانروای کهستان ناصرالدین ابوالفتح عبدالرحیم بن ابی منصور بسال ۶۳۳ نگاشته  
۱۵

- ۱- مشکویه در طهارة الاعراق از قرآن و سخنان پیامبر و علی و کلیه و دمنه و  
طب روحانی رازی پزشک و دفع الاحزان کندی و دیگر نوشته‌های او و اخلاق نیقوماخوس  
و فضائل النفس ارسطو و جمهور فی افلاطون و اخلاق جالینوس (چاپ شده در مجلد ۵ جزء  
۱۹۳۷) از مجله کلیة الاداب جیزه و « تعرف المرء عیوب نفسه » همو و کتاب بروسن  
۲۰ (Bryson) بهره برده است (بنگرید به: ابن مسکویه، فلسفته الاخلاقية و مصادر هاز  
دکتر عبدالعزیز عزت مصر ۱۹۴۶) تدبیر المنزل یا السياسة شیخ رایسوعی در مجله مشرق  
بیروت بسال ۱۹۰۶ (۹) و در « مقالات فلسفیه قدیمه » در همانجا بسال ۱۹۱۱ بچاپ رساند  
(قنوتی ش ۲۵۳) و مجله مرشد هم آنرا در مطبعة الفلاح بغداد بسال ۱۳۴۷ در ۴۷ ص بغلی  
بنام « تدابیر المنازل او السياسات الاهلیه » چاپ نمود و دانشمند گرامی آقای محمد نجمی  
۲۵ زنجانی همین را با بخش زناشویی پایان شفا پیارسی کرد که در چاپخانه ایران تهران  
۱۳۱۹ خ بچاپ رسید .

و پس از رهایی از زندان الموتیان (در روز یکشنبه یکم ذی قعدة ۶۵۴) او خطبه دیگری در آغاز آن گذارده و سفارش کرد که خوانندگان خطبه نخستین را بردارند و این یکی را بجای آن بگذارند. نگارنده ذریعه (ج ۱ ص ۳۸۰) نسخه ای را دید که در ۶۷۶ نوشته شده و خطبه نخستین را در پایان آن گذارده بودند. طوسی در سال ۶۶۳ سی سال پس از نگارش آن (ص ۱۴۷ چاپ ساغر در بمبئی بسال ۱۲۶۷) روی یادآوری امیر عبدالعزیز نیشابوری بخشی درباره نگاهداشت حقوق پدر و مادر در دنبال فصل ۴ مقاله ۲ افزود. پیداست که خواجه آنرا در روزگار علاءالدین محمد بن حسن (۶۱۸-۶۵۳) هفتمین جانشین حسن صباح و هنگامیکه در الموت باز داشته بودند نگاشته است این است که در فصل ۱ مقاله ۳ (ص ۱۵۷) از اساس و ناطق یاد کرد: «سلطان العلماء خایفه سلطان سید امیر علاءالدین حسین حسینی آملی سپاهانی (م ۱۰۶۴) داماد شاه عباس یکم و وزیر او و عباس دوم تاهنگامیکه در گذشت بدستور شاه صفی در ۱۰۵۱ اخلاق نصری را بعبارت مأنوس تری در آورد و فاضل عبدالرحمن بن عبدالکریم برهان پوری برای عالمگیر شاه (اورنگ زیب ۱۰۶۹-۱۱۱۸) گزارشی بر آن نوشت (ذریعه ج ۴ ص ۴۹۱) این کتاب در بمبئی بسال ۱۲۶۷ و در کلکته بسال ۱۲۶۹ و در لکنائو بسال ۱۲۸۶ و در لاهور بسال ۱۸۶۵ و گزیده آن را دیباچه آقای همائی در تهران بسال ۱۳۲۰ بخ چاپ رسید. در موزه بریتانیا نسخه تاریخ ۶۸۰ آن هست (فهرست ریوج ۲ ص ۴۴۲ و ص ۸۵۶ درباره نسخه ای که هر دو خطبه را دارد و ج ۴ ص ۱۴۷).

[۱۸۶۹]

این نسخه شماره ۲ دفتر است و بهمان گونه خط شماره یکم آن از همان کار راوی ۸۹۴۲. در ۱ ج ۱ سال ۱۰۷۳ گ ۹۹ ب - ۲۲۶ الف. در این نسخه همان خطبه دوم آمده است.

[۱۸۲۱] افراض السیاسة فی افراض الیایة (فارسی)

دانشمندان خاوری در نگارشهای اجتماعی خویش چند روش پیش گرفته اند گروهی مانند ابن مقفع و جاحظ دستور ها و پندها و رفتارهای خردمندان و فرمانروایان پیشین

- را در نوشته‌های خود می‌آوردند یا اینکه بساخت افسانه و داستان خوهای نیک یا بدو دادگری یاستمکاری را نشان میدادند مانند کلیله و دمنه و سندبادنامه که بیشتر اینها ریشه ایرانی و هندی دارد. دسته‌ای از اندیشه خردمندان یونانی پیروی نموده از روی نوشته‌های سیاسی و اجتماعی افلاطون و ارسطو بروش منطقی و علمی کتاب می نوشتند. در میان آنان نیز کسانی بودند که در زندگی سیاسی آزمایشهایی اندوخته و بروشهای بزرگان آشنا بوده‌اند ایندسته مانند غزالی در نصیحة الملوك و نظام الملك طوسی در سیر الملوك یا سیاست نامه (بسال ۴۸۵) و عنصر المعالی در قابوسنامه (بسال ۴۷۵) مسئله اجتماعی را پیش کشیده برای اثبات آن گواههایی از سخنان بزرگان دینی و سیاسی می‌آوردند. این کتاب «اغراض السیاسة» نیز چنین است و بهاء الدین محمد بن علی بن محمد بن الحسن ظهیری نویسنده سمرقندی صاحب دیوان رکن الدین الپ قتلغ تنکابلیکا ابوالمظفر قلیچ طمغاج خاقان پسر جلال الدین قلیچ قراخان فرمانروای خانی ترکستان نزدیک ۵۵۸ آنرا پس از مرگ سنجر (۵۱۱-۵۵۲) و بنام همان قلیچ طمغاج نوشته است این فرمانروا همانست که رضی الدین نیشابوری ۵۹۸م را میستود. سمرقندی سندباد نامه را که ابوالفوارس قنauزی در سال ۳۳۹ بدستور نوح منصور سامانی از بهایوی پارسی ساده شیرین ترجمه کرده بود بنام همو و قلیچ طمغاج خاقان پسر مسعود بن الحسین نزدیک ۶۰۰ پارسی ساختگی زمان خود در آورد (چاپ احمد آتش در استانبول بسال ۱۹۴۸ با ترجمه تازی) او کتاب دیگری دارد بنام «سمع الظهیر فی جمع الظهیر».
- سمرقندی در اغراض از چندین فرمانروا و دانشمند مانند جمشید و فریدون و منوچهر و بیشادیان دیگر و اسکندر و بطلمیوس و افلاطون و ارسطو و فورهندی و فغفور چین و خاقان خزر و چند پادشاه ساسانی و چند امیر تازی و نصر احمد سامانی و سیف الدوله و عضد الدوله و علاء الدوله و محمود غزنوی و البارسلان و سنجر پسر ملکشاه یاد کرده و دستود و دستورها و روشهای آنانرا آورد. سبک نگارش او بس دشوار و شعرهای پارسی و تازی در آن دیده میشود. خود سمرقندی گزارشی بر آن



نوشت (۱).

آغاز: حمد و ثنا مبدعی را که عدم خزانه ابداع او است و شکر و سپاس موجودی را که نیستی و سیلت اختراع او است.

[۸۷۰]

این نسخه بخط تعلیق در جدول زرین و لاجوردی با عنوانها بزر و لاجورد و برخی عبارتهای تازی آن هم بهمان دورنك و روی شعرها خط زرین کشیده شده و سرلوحی دارد بشنگرف و لاجورد و زر. نسخه با «عنوان سلطان سنجر برت ملک شاه پادشاهی که مرا کب او منا کب کوا کب گردون بود ...» که آخرین عنوان فهرست است پس از چهار برگ بدینجا پایان مییابد: «و طشت زر برگرفتند و آن مردمان از جمله منعمان» و چندان کم ندارد. سه برگ سفید و برگ نیست. علی محمد بن هادی حسینی سپاهانی دولت آبادی در شعبان ۱۳۱۷ نسخه را توسط یمن السلطان خرید.

(۱۸۵۳) کاغذ فرنگی - جلد یماج سرخ زر و زوب دورو  
اندازه: ۱۵ × ۲۵ و ۹ × ۲۰ س ۱۷

[۷۲۲] ۱۵

(فارسی)

داذبه

داذبه یا ابن مقفع (۲) در این نامه بیسر خویش پند و اندرز میدهد.

آغاز: از رساله ابن مقفع که در نصیحت پسر خود نوشته و آنرا رئیس المحققین

۱ - نیز بنگرید به: کشف الظنون - حاشیه قزوینی بر چهارمقاله ص ۱۷۶ - فهرست موزه بریتانیا ج ۲ ص ۷۴۸.

۲ - فرزانه ایرانی داذبه چون چندان بسقیان معاویه ارجی نمینهاد او هم کینه ویرا در دل گرفت و سرانجام ویرا در ۳۶ سالگی بسال ۱۴۲ نامردانه بکشت. ابتدا نشمندر اسخنان شیوا و دلربا بسیار است. ادب کبیرا و درجواهر الحکما بسا بهجة المجالس ابن عبدالبر اندلسی در مصر بچاپ رسید و در رسائل الباقا ص ۴۰-۱۰۶ نیز دیده میشود. در جاویدان خرد مشکویه ص ۲۹۳-۳۲۷ بجز دو صفحه دیباچه آن آمده و پارسی همین را نگارنده کنوز الودیعه (ش ۳۹۴ گ ۲۳۹ الف-۲۵۱ الف) آورده است و همه آنرا محمد هادی بن محمد حسین قاضی بیرجندی با ترجمه پارسی در دیماه ۱۳۱۵ خ در چاپخانه آفتاب تهران بچاپ رساند. ادب صغیر او در مکتبه و مطبعة الطلبة قاهره چاپ شده و در رسائل البلقاص ص ۴-۳۷ (چاپ سوم) هم دیده میشود. سخنان و اندرزهای دیگر او هم در این رسائل هست.

نصیر الملة والدين الطوسي بفرموده ناصر الدين عبدالرحيم ترجمه نموده کلمه چند انتخاب نموده از کتاب آداب پادشاهان بقلم آمد. ای پسر بدانکه اول حقی که حقه تعالی بر ما واجب است (؟) آنستکه در ادای شکر او شرط تعظیم رعایت کنیم .  
**انجام:** هر که شروع نمائی از سر انصاف و بصیرت کن که اگر خلاف آن ظاهر شود مستحق نباشی که دلهای مردم ۴۰

[۸۷۱]

این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط نسخ با عنوانهای شکر ف تاریخ ۱۲۸۶  
 ۲۸۳ ک ۷۶ ب - ۸۵ ب .

[۷۲۳] پند فرزانه و پند فرزانه (فارسی)

۱۰ در این گفتار فرزانه ای بفرزند خود اندرز میدهد و باید از متاخران باشد .  
 آغاز: این وصیت نامه حکیمی است که پسر خود را گفت: بدان ای فرزندی که خالق است که ترا و همه خلق را مرجع با او است .  
**انجام:** مرگ را بیاد آر و در هر چه باشی خدای را فرومگذار. تمت الوصیه .  
 والحمد لله اولاً و آخراً .

[۸۷۲]

این نسخه شماره ۱۷ دفتر و بخط تعلیق میباشد ص ۱۶۳ .  
 ۱۰۳۵ در دنباله بیت است از فارابی :

|                                 |                                     |
|---------------------------------|-------------------------------------|
| نظرت بنور العقل (الله) اول نظرة | فغبت عن الاكوان وارتفع اللبس        |
| و ما زال قلبي لائدا بجمالكم     | وحضرتكم حتى فنت فيكم النفس          |
| وزيتونة الفكر الصحيح اصولها     | مباركة اوراقها الصدق والقدس         |
| فروحي زيتي والخيال زجاجتي       | وعقلي مصباحي ومشكاته الحس           |
| فصار بكم ليلي نهارا وظلمتي      | ضياء ولاحت من جنابكم (خيامكم) الشمس |

(بنگرید به: ص ۱۱۲ همین فهرست درباره سخن ابن سینا و ص ۱۰ ج ۲ خزرجی درباره شعرا و در تفسیر آیه نور آملی در جامع الاسرار (ش ۳۴۱ گ ۱۲۸ ب و ۲۷۸ الف)  
 همه این بیتها را آورد و نگفت از کیست .  
 ۲۵ و شش بیت از حسین منصور حلاج ره :

فرثونی و بکوالی حزنا  
لست ذاك الميت والله انا  
كان لبسی و قمیصی زمنا  
من تراب فتنحی للفتنا  
كان سجننا فالفت السجنا  
و بنی لی فی المعاد ولنا

قل لاخلوانی روانی میتا  
اتخالونی بانی میت  
انا فی الصورة هذا بدنی  
انا کنز و حجابی طلسم  
انا عصفور و هذا قفصی  
اشکر الله الذی سرحنی  
وسه بیت از شیخ رئیس ره :

حقا لکنت صدیق کل العالم  
یهوی خلاف هوا ک لیس بعالم  
مما تقول وانت شبه النائم  
ودو بیت از ابی العباس لو کری که دستور داده بر سنگ آرامگاهش بنویسند :  
الجسم یبلی اذا طال الزمان به  
لانیأسن عن النفس التي بقيت  
ودو بیت از عضدالدوله :

وقالوا افق عن لذة الله و الصبی  
فقلت اخلائی ذرونی و لست ذی  
و دوبیت از گمنام : « لغيره فی هذا المعنی »  
و قائله خل التصابی لاهله  
فقلت لها کفی عن اللوم و اقصری  
وقد لاح شیب فی دجا ک عجیب  
فان الکری عند الصباح یطیب  
فان الصبا بعد المشیب جنون  
لذیست الکری عند الصباح یكون

۲۰ [۷۲۴] پند نامه (فارسی)

در نسخه ۸۸۱/۲ این کتابخانه پاره ایست از آخر یک کتاب که در پند و اندرز و  
بیارسی و بند بند می باشد .

از آغاز آنچه هست : آنست که چون بر عیب تو اطلاع یابد در اظهار آن نکوشد .  
انجام : عیب بدگو مرد پاک دامن معیوب نگردد .

[۸۷۳]

۲۵

این نسخه شماره ۲ دفتر و نسخ می باشد و در پایان دارد : « والله اعلم ... کتب فی  
مدرسة رزم ساریه بدار السلطنه قزوین یوم السبت تاسع عشر شهر جمید الثانی سنة  
۱۰۰۴ اربع والف » گ ۳ الف - ۵ ب .

۸۸۱



[۷۲۵] پند نامه (فارسی)

این نامه در پند و اندرز است بفرمانروایان و گواه تاریخی در آن آمده و بدرخواست دوستی نگاشته شد.

آغاز: الحمد لله الكافي . حسب الخلاق وحده ... بعد از حمد و ثنای خداوند

عالم ... در نصیحت ارباب ملك و مملکت شروع کنیم .

انجام : بعافیت و دنیا و آخرت بر مراد . والله رؤف بالعباد .

[۸۷۴]

این نسخه بخط تعلیق خوش در جدول زرین و لاجورد تاریخ شب ۱۸ شعبان

۱۲۸۴ می باشد و جای عنوانها سفید و سرلوحی دارد بزر و لاجورد بسیار زیبا.

۱۰ (۴۲۰) - کاغذ فرنگی آبی - جلد نیمج سبز و هقوائی

اندازه : ۱۰×۱۶٫۵ و ۱۱٫۵×۱۰ س

[۷۲۶] تحصیل السعادة (عربی)

این کتاب که درص ۸۹ این فهرست شناسانده شده از فارابی است و در آن از

فضیلت و سعادت بررسی نموده مدینه فاضله را نشان داد و در اینجا است که امام و

۱۵ شاه و فیلسوف و آئین گذار رایکی می دهند (ص ۴۶ و ۴۷ چاپ هند) این کتاب در نسخه

ما «فضائل الانسانية» نام دارد .

[۸۷۵]

این نسخه مانند چاپ هند و شماره ۱۰ دفتر و بنسخ می باشد گ ۶۱ الف -

۲۴۰

۷۳ الف .

[۷۲۷] التحفین فی صفات العارفین (عربی) ۲۰

دانشمند فقیه عارف ابن فهد ابی العباس احمد بن محمد حلی (۷۵۷ - ۸۴۱)

این کتاب را در سه قطب نوشته از روی خبرهای شیعی روشن نمود که گوشه گزینی و

مردم گریزی رواست . این کتاب در کنار طهارة الاعراق مشکوٰۃ رازی با ترتیب -

السعادات همو (ص ۳۹۲ - ۴۲۱) و در کنار مکارم الاخلاق طبرسی باهمان دو کتاب

۲۵

هر دو در ایران بسال ۱۳۱۴ بچاپ رسید .

## [۸۷۶]

این نسخه شماره دفتر و بخط تعلیق رجبعلی بن جواد علی نزدیک ۱۰۶۲ می باشد  
 ۱۰۶۶ گ ۱۳۸ ب - ۱۴۲ الف . چنین است: «الحمد لله الذی تجلی لعباده فشغلهم عن  
 الشهوات - ولیکن هذاما نعلقه فی هذه الاوراق ... وان الله بکم لرؤف رحیم و  
 صلی الله علی اکرم المرسلین ... وسلم تسلیماً کثیراً کثیراً .

[۷۲۸] تحفة الملوک فی السیر والسلوک (فارسی)

از سید جمفر بن سیدابی اسحاق موسوی علوی دارابی بروجدی کشفی ۱۲۶۷م  
 (نگارنده «سنا» که در ۱۲۶۱ آنرا نوشته است) دارای سه طبق هریک در چند تحفه  
 و یک خاتمه (حقیقت خرد - پیوستگی آن با هستیها - نشانه خرد - حکم خرد  
 درباره سیاست و تدبیر) که بنام فتحعلیشاه قاجار و بدرخواست پسرش شاه زاده محمد  
 تقی میرزا شهنشاه نوشته و در ۲۳۵ آنرا پایان رساند و در تهران بسال ۱۲۷۳ بچاپ  
 رسید (دریعه ج ۳ ص ۴۷۱ - فهرست طوس ج ۲ ص ۱۷ اخلاق چاپی) .

## [۸۷۷]

این نسخه بخط نسخ با عنوانهای شنگرف و شکلها و دایرهها برنک زرد و سیاه  
 ۴۲۰۱۵ ولاجورد و زرین و جدولها برنک سیاه و شنگرف تاریخ ۱۲۳۵ که در ۱۲۴۸  
 وقف گردید (گ ۱ الف) .

(۴۵۷۰) - کاغذ فرنگی - جلد تاج مشکى

اندازه : ۱۷ × ۲۴ و ۱۰ × ۱۸

[۷۲۹] تحفة الوزراء (فارسی)

۲۰ رساله ای بنام «تحفة الوزراء» یا «تحفة السلاطین» یا «تحفة الملوک» در نصیحت و بندو  
 بست از خواجه عبدالله هروی عارف ۴۸۱ و همچنین از چندربان برهمن پشیالی یا  
 لاهوری هست (فهرست دیوان هند ج ۲ ص ۱۳۶) در کشف الظنون (ج ۱ ص ۲۴۷) از  
 «تحفة الوزراء» نگارش ابی القاسم احمد بن عبیدالله باخی ۳۱۹ و از کتابی بدین نام  
 در چهل باب هریک دارای چهار بند یاد نموده و میگوید که پیارسى است و کوتاه. در  
 ۲۵ ذریعه (ج ۳ ص ۴۸۰) از «تحفة الوزراء و السلاطین» یا «چهل باب» یاد میشود که آغاز  
 آن چنین میباشد: «چهار چیز نگاهدار پادشاهی است. رعایت دین، وزیر با تمکین،

اعمال حزم، ابقاء عزم و آن در ایران بسال ۱۲۸۲ بچاپ رسیده و نگارش جلال-الدین محمد اصفهانی است. درص ۴۷۰ آن باز از «حفّة الملوك والوزراء» دیگری یاد شده و نوشته است که آن هم بیارسی و جز این است. این نسخه ما نیز در چهل باب باید باشد و هر يك دارای چهار بند است که از نوشته های دانشمندان پیشین گزیده شده و چنین است آغاز آن پس از نام خدا و ستایش او: «اما بعد بدانکه حکما از کتب قدما اختیار کرده اند ... باب اول چهار چیز پادشاهی و سلطنت را از آفت نگاهدارد» ما نا از نسخه ای که ذریعه نشان میدهد گسترده تر است. چاپ عکسی زیبائی از آن در چاپخانه مجلس تهران از روی خط عماد حسنی بسال ۱۱۴۲ در تاریخ ۱۳۱۴ خ شده که با نسخه ما در پایان یکی است و چهل باب میباشد.

۱۰

[۸۷۸]

این نسخه شماره ۴ دفتر است و بنسخ تاریخ ۱۲۸۸ و تنها ۳۹ باب را دارد و بدینجا پایان میباشد: «چهارم رحم و شفقت بر خلق خدای تعالی. تمت پند والنصایح من الکاتب بتاريخ چهارشنبه ماه صفر المظفر ۱۲۸۸» ۱۸۹۴ الف-۱۹۴ الف.

۱۵

(۴۸۹) - کاغذ ساهانی - جلد آجودان سرخ متوالی

اندازه: ۱۴ × ۲۱/۵ و ۷/۵ × ۱۵ و ۱۸

(۷۳۰) ترجمه مکارم الاخلاق (فارسی)

رضی الدین ابو نصر حسن بن فضل طبرسی (نفرشی) از دانشمندان شیعی سده ششم و فرزند امین الاسلام ابوعلی مفسر نگارنده مجمع البیان (م ۵۴۸) این کتاب را در در زمان پدر در اخلاق در ۱۲ باب بروش محدثان شیعی نوشته و نسخه ما ترجمه پارسی آنست که ترجمان آن دانسته نشد (ش ۴۳۵ ج دفترست طوس - ذریعه ج ۴ ۲۰ ص ۱۳۸) سبک زبان نازی در این ترجمه آشکار میباشد.

۱- ابوعلی طبرسی کتابی دارد بنام «الاداب الدینیة للمخزاة المعینیة» درخوی و رفتار پیامبر و دودمان او که برای سلطان معین الدین ابو نصر احمد بن فضل بن محمد نوشته است. پسرش رضی الدین مکارم الاخلاق را در دنباله همان نگاشته و سیر او ابو الفضل علی «مشکوة الانوار فی غرر الاخبار» را در دنباله این یکی ساخته است. مکارم الاخلاق دوبار با کم و کاست در مصر و یکبار همه آن در ایران بسال ۱۳۱۴ بچاپ رسید (طوس ج ۲ ص ۳۴۴ و ج ۵ ص ۳۶۰ و ۷۲۴)



آغاز: بسمله حمد و ثنای بیحد قیومی را که عقول ذریات آدم از ادراک کنه ذات او قاصر است و شکر و سپاس بیحد آنقدیمی را که آثار قدرت او در تکوین مکونات ظاهر است.

انجام: دیگر مثل این سخنان مگوی بدرستی که دمیده شیطانست بر زبان تو. والله اعلم بالصواب.. وقد وفینا بما شرطنا... وما توفیقی الا بالله علیه توکلت والیه انیب و صلی الله علی محمد... وسلم تسلیماً کثیراً کثیراً.

[۸۷۹]

۸۹۴ آن نسخه شماره ۳ دفتر است بهمانگونه خط کارزاری در شماره های ۲ و ۱ آن در دوشنبه ۱۷ ذی حجه ۱۰۷۳ گ ۲۲۷ ب- ۳۷۶ الف.

۱۰ [۷۳۱] التنبیه علی سبیل السعادة (عربی)

این کتاب که در ص ۹۰ این فهرست شناسانده شده از فارابی است که در آن از سعادت و شقاوت و کردار نیک و بد و هنر فلسفی گفتگو نمود نام آن در نسخه ما «التنبیه علی اسباب السعادة» میباشد.

[۸۸۰]

۲۴۰ این نسخه مانند چاپ هندو شماره ۱۱ دفتر و بخط نسخ نوشته شده است گ ۷۳ ب ۸۰.

[۷۳۲] جواهر الاسرار (فارسی)

دانشمند مولی حسین بن علی واعظ کاشفی بیهقی (۹۱۰ م) این کتاب را که خود جواهر- الاسرار و اخلاق محسنی نامیده و در چهل باب است برای شاه سلطان حسین میرزا پسر میرزا منصور پسر میرزا بایقراای خراسانی پادشاه هرات (۸۷۳-۹۱۱) و پسر او محسن میرزا نگاشته و تاریخ انجام آن برابر با «اخلاق محسنی» و سال ۹۰۰ میباشد. در این کتاب مسئله های اخلاق و سیاست و تدبیر منزل بهم آمیخته و گواه های دینی و تاریخی در آن آمده است.

این کتاب چندین بار چاپ رسید (ذریعه ج ۱ ص ۳۷۸ - فهرست ربو ج ۲ ص ۴۴۳) ۲۵ از آنها است چاپهای سال ۱۲۸۲ و ۱۲۹۸ و ۱۳۱۳ (هند) و ۱۳۲۹-۳۱ تهران

[۸۸۱]

این نسخه بخط تعلیق زبیا در جدول زرین و شنکرف ولاجورد دارای سرلوح ۴۱۹ از علیقلی پسر احمد تبریزی بسال ۱۰۰۸ (در نسخه ۱۰۰۸) میباشد.  
(۴۱۱۱) - کاغذ رنگی - جلد تازه شده  
اندازه: ۱۹/۵ × ۲۸/۵ و ۱۱/۵ × ۱۹ س

[۸۸۲]

این نسخه شماره ۳ دفتر است که یکم آن رساله ایست در نامه نگاری و دوم ۸۶۲ مونس الاجاب یا دیوان شهاب الدین عبدالله م ۹۲۲ و بخط تعلیق در جدول زرین ولاجوردی با عنوانهای شنکرف میباشد. این نسخه تا قسم ۲ باب ۴۰ (شرط ۱۹ وزارت) را دارد و برابر است با ۵ ص ۳۲۴ چاپ تهران و نزدیک بشش صفحه در آن کم است. از برگ پایان آن اندکی پاره شده و کاغذ چسبانده گ ۳۱ ب- ۲۲۲ ب (همه دفتر ۴۲۲) - کاغذ رنگی - جلد تیناج قهوه ای ضری زر کوب  
اندازه: ۱۵/۵ × ۹/۵ و ۵/۵ × ۹/۵ س ۱۴

[۷۳۳] الحق العین و حقیقه المتقین (عربی)

این نگارش درست مانند احیاء غزالی و المحجة البيضاء فیض و آمیخته ایست ۱۵ از عرفان و اخلاق و فلسفه و خبرهای شیعی و سید خلف بن عبداللطیف بن حبیب موسوی مشعشی آنرا پرداخت.

[۸۸۳]

این نسخه جلد آخرین و سوم و از کتاب ششم آغاز و بخط نسخ میباشد و روی ۵۷۴ عنوانها خط کشیده شده و چنین است: «الكتاب السادس فی ذکر بیات صفین ۲۰ ینبغی للسالك المحافظة علیها و هی التقوی والورع - وثبتنا مع اهل الخیر فی کتابک و قطره من تیار عباک وجدنا مع متولیک و طلابک. انتهى کلامه ادام الله بالسعادة والخیر ایامه و رفع الله فی علین درجه و مقامه ... بلغ مقابلة بنسخته الاصلية ... من الارجاس قد طهرها»

در گ ۱ الف (بشت کتاب) ظهیر الدین علی تفرشی در ۱۰۷۲ چنین نوشته: ۲۵ وجدنا والحمد لله تعالی بمؤنة من لطیف التدبیر مکتوب با علی ظهر الصفحة الاولی من ذلك الكتاب المستطاب التي اطبق علیها بهذا الورق الذي کتبنا علیه ذینک السطرین ماهذه صورته: هذا الكتاب تصنیف السيد السند خلاصة السادات والعلماء المتبحرین و نقاوة الفضلاء المحققین السيد خلف ولد السيد الكبير العریف السيد عبد اللطیف بن حبیب الموسوی المشعشی ۳۰ ایده الله تعالی و رزقه سعادة الدارین وقد ارسله الی علی سبیل الهبة الشرعية و کتب الفقیر

الى الله الغنى الحسين بن حبيب الحسينى الكركى العالمى عامله الله بلطفه الخفى.

ايضاً : هذا هو المجلد الثالث من كتاب حق المبين و خديقه المتقين وهو آخر الكتاب من تصانيف سيدنا المشار اليه بعنه الى الفقير على سبيل الهبة والتمليك وانا الفقير الى الله

الغنى الحسين بن حبيب الحسينى الكركى

و كتب ذلك العبد المفتقر الى رحمة ربه الغنى ابن .... (رويش كاغذ چبيده) التفرشى رحمه الله ظهير الدين على فى شهر سنة ۱۰۷۲

زیر اینها بخط دیگرى دارد : « و كتب المفتقر محمد بن حاجى صفر » پس چنین بر می آید که نسخه را نگارنده آن سيد خلف بحسين بن حبيب کرکى بخشيد. و برای او فرستاده بود و کرکى بخط خود نام کتاب و نام او را در آنجا نوشته سپس کاغذى روى آن خط چسبانیده شده و ظهير الدين على تفرشى نوشته کرکى را دوباره در آنجا نوشت.

در گ ۱ الف خط و مهر ابو جعفر محمد بن على سال ۱۰۹۳ و خط و مهر دارنده نسخه ابو اسمعيل محمد بن على تفرشى سال ۱۰۷۲ دیده میشود. مهر ابو جعفر در پایان هم هست و درست خوانده نمیشود.

(۴۸۴) - کاغذ رنگی - جلد قیماچ مشکى ساده مقنناتى

اندازه: ۳۰ × ۲۰ و ۲۴ × ۲۴ س ۲۴

[۷۳۴]

(عربى)

حقايق

فيض کاشانى (۱۰۰۷-۱۰۹۱) یکسال پیش از مرگ خویش در ۱۰۹۰ از محجة البيضاء خود گزين نموده و این کتاب حقایق را بنگارش در آورد که در ۱۰۹۹ بچاپ رسید در دیباچه آن میگوید: در اینجا رازهای نهفته دین را چنانکه از قرآن و گفتار پیامبر و پیشوایان دریافتیم نوشتم و از نگارشهای دانشمندان دینی بویژه احیاء غزالی برای روشن کردن آن رازها آوردم.

[۸۸۴]

این نسخه بنسخ باعنوانها و نشانههای شنکرف بتاريخ ۲۲ رجب ۱۰۹۱ میبایست و نورالدین محمد بن مرتضى در ع ۲ سال ۱۰۹۳ آنرا با نسخه خط مصنف برابر نمود. فهرست در آغاز نسخه دیده میشود و سيد محمد بن عبد الغفار رضوى در ع ۱۶ سال ۱۱۶۰ و محمد رضا کاشانى از دارندگان نسخه بوده اند و مهر آنها هست.

(۴۱۶۹) - کاغذ رنگی - جلد تازه شده

الدازه: ۲۱ × ۱۴ و ۱۴ × ۷ س ۲۰



[۷۳۵]

## دفع الغم من الموت

(عربی)

- رازی پزشك در طب روحانی (فصل ۲) از ترس از مرگ گفتگو نمود و مشکویه رازی در طهارة الاعراق (ص ۷۰-۴۶۶ چاپ ایران) نیز از آن سخن راند. در خطابه منطق شفا (فصل ۲ مقاله ۳) از ترس بررسی گردید و ریشه سخنان آنها گفتار ارسطو است در باره دلیری و ترس در فصل ۵ دفتر ۲ خطابه و باب ۷ و ۸ دفتر ۳ اخلاق نيقوما. ۵
- خوس و باب ۱۹ دفتر ۱ اخلاق بزرگ و باب ۱ دفتر ۳ اخلاق اودموس.
- این رساله ما که مہرن آنرا بچاپ رسانده (جزء ۳ رساله ۲) بگفته قنوانی و گواهی نسخه‌ها از شیخ الرئيس میباشد مگر اینکه یسوعی آنرا در «مقالات لبعض مشاهیر فلاسفة العرب» در بیروت بسال ۱۹۱۱ چاپ کرده و از مشکویه دانست و همه آنها بجز چهار سطر پایان «والرجل الذی يتصدق عن اخيه الميت... شبهة شمی واحد» ۱۰
- در همان طهارة الاعراق آمده است. قنوانی باز از «دفع الغم والهم» یاد میکند و از شیخ رئیس میدانند که جز این رساله ما میباشد (ش ۲۲۳ و ۲۲۴) در فهرست طوس (ج ۴ ش ۵۹۰) از «رسالة فی ان لامخافة فی الموت» در عرص نامبرده شده و آغاز و انجام و نگارنده آن یاد نگردید.

آغاز: بسم الله الحمد لله رب العالمین .... لما کان اعظم ما یحق الانسان من - ۱۵

الخوف هو الخوف من الموت

انجام: فلا یفضل المتصدق ذلك الفصل الا بمشاکلة تلك النفس وعلى هذا ایضا

شبه بشی واحد (والحمد لله رب العالمین)

[۸۸۵]

- این نسخه شماره ۱۰ دفتر و بخط شکسته تعلیق با نشانه‌های شنکرف میباشد. ۸۶۳
- گ ۱-ب ۸.

[۸۸۶]

- این نسخه شماره ۸ دفتر است و بخط شکسته تعلیق تاریخ شب یکشنبه ع ۱ ۸۷۶
- سال ۱۳۰۶ گ ۷۰-ب ۷۵ الف.

[۸۸۷]

۲۵

- این نسخه شماره ۱۷ دفتر و بخط نسخ میباشد. گ ۱۴۲-ب ۱۴۳. در پایان دارد: ۱۳۰۸
- «تمت الرسالة والحمد لله وحده بلغ مقابلة بعون الله وحسن توفيقه»

(فارسی)

## دیوان مظالم

از دانشمند جلال‌الدین محمد دوانی (۸۳۰-۹۰۸) که درلار گاهی که از مرز و  
بوم خویش دور شده بود برای نظام الدین ملک علاءالملک فرمانروای آن سامان  
نکته‌اشته‌است (نیز مجالس المؤمنین) در این نامه برای روشن کردن گفتار خویش  
نمونه‌هایی از کردار خلفا آورده‌است. ۵

آغاز: بسم الله و به نستعين. وله الحمد على افضاله العميم... و بعد این بعض مسائل است  
متعلق بدیوان مظالم که از کتب معتبره مثل احکام سلطان که اقضى القضاة ابو الحسن  
ماوردی که امام عصر بود تصنیف کرده ... و دیگر کتب وقواعد استنباطی رود.  
انجام: و بعض ائمه کشف و تحقیق گفته‌اند که مهدی موعود مدار احکام بر آن  
خواهد نهاده. اللهم وفقه وسائر ولایة الاسلام لاحکام و نظم مصالح الانام. تمت. ۱۰

[۸۸۸]

این نسخه شماره ۶ دفتر است و بخط تعلیق علی بن مسافر در تبریز بسال ۹۳۹  
ک-۱۳۸ الف-۴۳ پ. ۱۰۲۱

(عربی)

## الذخيرة لأهل البصيرة

از گفتار زبیدی در اتحاف (ج ۱ ص ۴۱) و چلبی در کشف الظنون بر می‌آید که احیاء  
غزالی را برادرش ابوالفتوح احمد (م ۵۲۰) در قزوین بنام لباب الاحیاء گزین و کوتاه  
نمود و چلبی باز از «الذخيرة فی علم البصيرة» گزیده همان و نگارش همو یاد می‌کند.  
پس از او ابی‌العباس احمد بن موسی موصلی (م ۶۲۲) آنرا گزین کرده و گزیده کوچکیتر  
دیگری هم دارد سپس محمد بن سعید یمنی و ابی ذکریا یحیی بن ابی‌الخیر یمنی و  
محمد بن عمر بن عثمان بلخی بنام «عین‌العلم» و عبدالوهاب بن علی خطیب مراغی بنام  
«لباب الاحیاء» و در بیت المقدس گزیده و کوتاهی از آن ساختند که این یکی را زبیدی  
داشته بود. شمس محمد بن علی بن جعفر عجلونی بالالی (م ۸۲۰) پیرخانگاه سعید -  
السعداء مصر و جلال‌سیوطی و دیگران هم احیاء را گزیده و کوتاه ساختند (بغزالی  
نامه نیز بشکرید ص ۲۲۳) ۱۵ ۲۰

این نسخه که «الذخیره لاهل البصیره» نامیده شده بخط نسخ باعنوانهای شنکرف حسین بن علی بن احمد عابد ینبوعی است که نیمه روز آدینه ششم ماه جمادی یکم سال ۸۷۲ آنرا به پایان رساند. از آغاز کمی افتاده دارد و چنین است: «ان ووجدت من علماء الوقت من يتصدى لتصنيف كتاب يحدو فيه حدوه ويتلوفى استنباط غرائب المعاني تلوه» از دیباچه و اندکی از آن افتاده است.

در کنار گ ۳ از تفسیر قشیری دیده میشود. نسخه بدلها و تصحیحات در هاشم آمده است. پایان آن چنین است: «ويستعملنا فيما يقر بنا اليه ويزلفنا لديه. وهو حسينا ونعم الوكيل وصلى الله على سيدنا محمد وآله وسلم. وجدت ما هذا مثاله: تم المختصر - المرسوم بالذخیره لاهل البصیره فى شهر شعبان المبارك سنة تسع وتسعين وخمسائة - وكان الفراغ من رقه ظهر الجمعة سادس شهر جمادى الاولى احدى شهور سنة اثنین وسبعین وثمانائة بخط... حسین بن علی بن احمد العابد الینبوعی ... والحمد لله رب العالمین وسلم تسلیم». از اینجا پیدا است که کتاب در ماه شعبان سال ۵۹۹ ینگارش در آمد پس باید از همان ابی العباس احمد موصلی (۶۲۲م) باشد. در دیباچه دارد که «کتابها پیرداختم و اکنون سالم از چهل گذشت. در این نگارش علمهائی که امام ابو حامد در دفترهای خویش بپرا کند گرد آوردم و در ۴ اصل گذاردم: ۱ خود شناسی ۲ خدا شناسی ۳ گیتی شناسی ۴ رستخیز» در پایان دیباچه کتاب را بنام بزرگی که نامش را نمی برد اختصاص میدهد - هر چهار اصل در نسخه ماهست. برخی جاها حاشیه دارد یکی از ابوالحسن بن محمد رضوی در گ ۵ ب. در کنار گ ۳۷ الف باز از تاریخ شعبان ۸۷۲ یاد میشود.

(۳۷ ب) - کاغذ سمرقندی - جلد مقوای رنگ آمیزی شده فرسوده

اندازه: ۲۵/۵ × ۱۷/۵ و ۲۱ × ۱۲ س. ۲۹

[۷۳۸] الذریعة الى هکرم الشريعة (عربی)

از دانشمند ادیب ابوالقاسم حسین بن محمد بن مفضل بن محمد سپاهانی که (۵۰۲م) که براغب نامبردار است. فخر رازی در تاسیس التقدیس او را همانند غزالی و از پیشوایان سنت بشمار آورده و شیخ حسن بن علی طبرسی در اسرار الامامه او را از فرزندگان شیعی امامی پنداشت. او را بجز مفردات تفسیر بزرگی است که پیاپیانش نرساند و بیضاوی در انوار التنزیل خویش از آن بهره برد. گویند که غزالی ذریعة او را بسی ارج مینهاد و همیشه با خود میداشت (روضات ص ۲۴۸ - الکنتی والاقاب



ج ۲ ص ۲۴۰ - اعلام زرکلی ج ۱ ص ۲۵۸) او در ذریعه بروش علمی آمیخته با دین از اخلاق و سیاست گفتگو نمود و پیداست که غزالی در احیاء از او گرفته است. این کتاب باره دوم سال ۱۳۰۸ در مصر بچاپ رسید.

[۸۹۰]

این نسخه بخط نسخ با عنوانهای شنگرف از طهماسبعلی نیمه ع ۲ سال ۱۰۵۰ میباشد که برای خود نوشته است و جلال الدین بن مؤیدالدوله در ۲۴ رجب سال ۱۲۸۷ دارنده آن بود و خط او در گ ۱ الف و مهرش در پایان دیده میشود نیز خط او در رویه برگ پیش از کتاب بتاریخ بامداد سه شنبه ۱ ع ۲ سال ۱۲۸۸ هست. (۴۱۴۱) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج قهوه ای کنار و ته آن تیماج زرد و کهنه اندازه: ۱۳×۲۴ و ۸×۱۵ س ۱۹

[۷۳۹]

الرسلالة النصيرية

(عربی)

خواجه طوسی در این گفتار روشن میسازد که فیلسوف چندان بخوشی های تن نمی بردارد و اینکه چه اندازه از آنها درزندگی میباید.

آغاز: بسم الله. ان كان الرجل الحكيم غير حريص على المذات البدنية. وانما يهتمس منها بالمقدار الذي يضطر اليه في الحرة ان يبعد عن الاهتمام للرياسة او للمال انجام: ويكون لها لذات ضعيفة بحسب ادراكها لذاتها. ولما لا بد منه لها والله تعالى اعلم.

[۸۹۱]

این نسخه شماره ۱۳ دفتر و بخط تعلیق با نشانه های شنگرف و برخی از کلمات زیر خط سرخ میباشد. در پایان دارد: «تمت الرسالة النصيرية حشره الله تعالى مع خير البرية» گ ۶۱ الف-۶۲ الف

[۷۴۰]

ساز و پیرایه شاهان پرمایه

(فارسی)

این گفتار در سیاست و کشورداری است و از بابا افضل کاشانی که مبصر الساطنه حسین بن محمود سپاهانی در کاشان سال ۱۳۱۱ آنرا با سیب نامه و شرح حی بن یقظان بسته و دوتای نخستین را در چاپخانه خورشید تهران بچاپ رساند و در ۱۳۸ نشریه دانشگاه نیز چاپ شد و نسخه ای از آن بهمین نام بشماره ۶۲۳/۲ و بنام پادشاه نامه بشماره ۶۲۱ ر ۱۴ در مجلس هست و نسخه های ما یکسان نیستند.

[۸۹۲]

این نسخه شماره ۱۰ دفتر است و بخط تعلیق تاریخ ۱۰۷۹ گ ۹۷ ب - ۱۰۵ ا ب و  
 ۴۰۲ در کنار گ ۹۷ ب فرهاد میرزا بخط خود در تاریخ ۲۲ رجب ۱۲۸۱ چنین نوشت:  
 افضل چوزدیده‌ها نهان خواهد شد - در دیده اهل دل عیان خواهد شد - گویند  
 که کدخدای این خانه چه شد - چون کد برود چه ماند آن خواهد شد .

[۸۹۳]

این نسخه شماره ۱۹ دفتر است و بخط تعلیق محمد علی بسال ۱۳۰۲ گ ۲۶۴  
 ۴۳۱ ب - ۲۸۶ پ. واژه‌های تازی در این نسخه کمتر است .

[۸۹۴]

این نسخه شماره ۱۰ دفتر است و بخط تعلیق ملا محمد علی رودباری سال ۱۱۰۴  
 ۱۰۳۶ ک ۸۹ الف - ۹۷ ب .

السراج المنیر (فارسی) [۷۵۱]

این نگارش از محمد شریف بن شمس الدین محمد است که در ۱۲۰۲ (ج ۲ ص  
 ۳۵۱ فهرست طوس) یا ۱۰۳۲ (ج ۲ ص ۳۳۸ فهرست مجالس) آنرا به پایان رساند و در  
 بمبئی بسال ۱۲۶۵ به چاپ سنگی رسید (۱).  
 آغاز: ستایش کریمی را که حله خلش زیورست زببده و رشحه محبتش  
 گوهریست ارزنده .

انجام : پس سلیمان گفت پسر از آن تست - متصرف شو که این زن دیگر

کاذب است بیت :

۲۰ شکر که این نامه به پایان رسید - پیشتر از عمر به پایان رسید (فیسنة ۱۲۳۳) .

- ۱ - این دفتر در ۲۰ لعه است : ۱ - شرایط ادب ۲ - حیا ۳ - فوائد حلم ۴ - مناقب  
 عدل ۵ - معامد احسان ۶ - خلاوت صبر ۷ - عنایت عشق ۸ - چاشنی محبت ۹ - مکارم  
 سخاوت ۱۰ - محاسن شجاعت ۱۱ - مراعات صحبت ۱۲ - مرارت ادبار ۱۳ - نتایج خاموشی  
 ۱۴ - قناعت ۱۵ - ذل طمع ۱۶ - ثمره فتوت ۱۷ - حسن تدبیر ۱۸ - شامت ظلم ۱۹ -  
 مذمت خدعه ۲۰ - ملامت حسد - چنانکه خود میگوید (گ ۶ ب) در پایان هر یک  
 داستانی درخور آن آورده است .

[۸۹۵]

این نسخه بخط تعلیق خوش‌تاریخ ۱۲۳۳ و آیتها بنسخ و درجدول زریت و  
 لاجورد باعنوانهای شنکرف و سراج زبیا در آغاز .  
 (۱۱۰ گ) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج منوالی ضربی زردکوب  
 اندازه : ۱۸ × ۹٫۵ و ۵ × ۱۲٫۵ س ۹

[۷۴۲]

السیاسات المدنیة

(عربی)

این کتاب که درص ۹۷ اینفهرست یادشده از فارابی است و در آن پس از آوردن  
 بخشی از جهان‌شناسی و بحث درباره جسم و عقل و نفس رشته سخن را بانسان و سعادت  
 او و مدینه‌های فاضل و جاهل و فاسق و ضال و نوابت میکشاند و پیروی از ارسطو و  
 افلاطون و دولتهای گوناگون را شرح میدهد .

[۸۹۶]

این نسخه شماره ۹ دفتر و بنسخ میباشد گ ۴۲ الف - ۶۱ ب. و چنین نامیده شده  
 «مبادی الاجسام والاعراض»

[۸۹۷]

این نسخه شماره ۲ دفتر و بخط تعلیق ریزحیدر بن علی هاشمی عاملی بسالهای ۶  
 - ۱۹۷۵ میباشد گ ۱۴ اب - ۴۴ الف. در آغاز دارد: «قال الحکیم الفیلسوف ابو  
 نصر محمد بن محمد الفارابی» و در پایان آن: «تمت الرسالة السیاسة المدینة الملقب  
 بمبادی الموجودات تصنیف المعلم الثانی ابو نصر محمد بن محمد الفارابی» - این دو نسخه  
 مانند چاپ هند است .

[۷۴۳]

شرایط الایمان (منتخب راه صواب)

(فارسی)

فیض کاشانی در این گفتار آئین درست و استوار را شناساند و آنرا بسال ۱۰۶۲  
 پایان رساند

آغاز: بسم‌له. منت خدایرا جل‌شأنه که مستعدان کمال ایمان را از ظلمات جهالت  
 بیرون آورده... چنین گوید محمد بن مرتضی المدعو بمحسن... این منتخبی است از  
 کتابی که قبل از این نوشته بودیم مسمی براه صواب مشتمل بر دوازده سؤال و  
 جواب از آن دوازده بر پنج اقتصار شد و بشرایط الایمان موسوم گردید .



انجام : واكتساب اخلاق پسندیده و در تضاعیف آن . والله المستعان وعلیه التکلیل . والحمد لله رب العالمین والصلوة علی محمد واله الطاهرين کتب شرائط الايمان وصار هذا الکلام تاريخه بحذف المکرر والحمد لله اولاً و آخراً .

[۸۹۸]

۳۱۴ این نسخه ۴ دفتر و بخط تعلیق میباشد گ ۵۷ ب - ۷۰ پ .

[۷۴۴] شرح صدر (فارسی)

این گفتار در سرگذشت فیض کاشانی و داستان دانش و دانشمندان است در دو مقاله و ریخته خامه خود اوست که در تاریخ ۱۰۶۵ آنرا بانجام رساند و آن در ۸ سال ۱ مجله جلوه ص ۳۹۳-۴۰۹ در بهمن ۱۳۲۴ خ از روی نسخه مابچاپ رسید.

[۸۹۹]

۱۰

۳۱۴ این نسخه شماره ۳ دفتر و بخط تعلیق میباشد گ ۳۷ ب - ۵۶ الف .

[۷۴۵] طریق تربیه الاولاد (عربی)

این نامه از دانشمند دوانی (۱۳۰-۹۰۸) است که بدستور میرمیران در ۲۱ محرم سال ۹۰۴ آنرا پرداخت و نشان داد که فرزند را چگونه باید پرورد و چه کتابی آنها بخوانند و کدام دانش را فراگیرند او در اینجا از کتابهای سنیان نام میبرد. در ۱۵ آغاز از «لوامع الاشراف فی مکارم الاخلاق» یاد میکند و میگوید که در آن از پروردن فرزند بزرگفتگو کردم . در پایان بفرزندان همو (ابوعلی حسین و ابی عبدالله محمد و ابی المعالی عطاءالله) اجازه روایت کتابها میدهد .

آغاز: بسمله و به نستعین . الحمد اولی الحمد . والصلوة والسلام علی من له السبق فی مضمار الکمال .. فقد اشار الی حضرة السید .. الملقب به میرمیران ... قال محمد ... انی اکتب فی هذه الوریقات طریق تربیه الاولاد واستدر اجم فی مدارج التعلیم والارشاد . انجام : قال ذلک و کتبه ... ابو عبدالله محمد بن اسعد بن محمد الدوانی فی - الحادی والعشرین من الشهر الاول من السنة الرابعة من المائة العاشرة من مائى سننى الهجرية

۱۰۱۵ این نسخه شماره ۲۳ دفتر و بخط تعلیق میباشد. گ ۵۴ الف - ۵۶ الف .

[۷۴۶]

ظفر نامه

(فارسی)

۵ گویند که ظفر نامه بزبان پهلوی بوده و در روزگار نوح پسر منصور سامانی (۳۶۶-۳۸۷) پیارسی کرده اند . در نسخه ها ابن سینا را ترجمان ابن پارسى پنداشتند و آن در پاورقی های تقویم سال ۱۳۰۷ میرزا محمد علیخان تربیت (ص ۴-۲۷) و گزیده های پارسی Chrestomathie persane شارل شفر Charles Scheffer ج ۱ سال ۱۸۸۳ ص ۲-۷ بچاپ رسید او در دیباچه میگوید که ظفر نامه را دو ترجمه ترکی است یکی از سده ۱۵ و ۱۶ که در کتابخانه ملی پاریس هست دیگری از سنن بیگ دفتر دار که برای بایزید پسر سلطان سلیمان ساخته است .

قناتی در ش ۲۸۶ نسخه های آنرا شناساند . در کشف الظنون (ج ۲ ص ۱۰۴) آمده که آن پرسش و پاسخ انوشیروان است و بزرگمهر، که شاه آنرا گرد آورد و ابن سینا وزیر نوح سامانی بدستور او آنرا از پهلوی پیارسی برگرداند .

۱۵ اینگونه پندها جسته جسته در کتابهای پارسی و تازی بسیار دیده میشود . گویا ایرانیان شعوبی برای اینکه در برابر تازیان نمایشی از فرهنگ نژادی خویش دهند و خوی و رفتار نکوهیده فرمانروایان روزگار خویش را هم بنمایانند این پندها را بتازی در آوردند و سپس پیارسی شده است (۱)

چنانکه در دیباچه نسخه ما آمده ظفر نامه پرسشهایی است از بزرگمهر و پاسخ های استادش و انوشیروان از بزرگمهر خواسته بود که سخنانی کوتاه و پر مغز و سودمند برای او فراهم آورد و پس از یکسال آنها را گرد کرد و «ظفر نامه» نامید و بنوشیروان داد . او هم بفرمود که باب زر آنها را بنویسند و همیشه با خود میداشت و میخواند .

۱- بنگرید به: دیباچه بدوی بر جاویدان خرد- قابوسنامه چاپ آقای نفیسی ص ۲۳۵

آغاز: ظفر نامه خواه ابوذر جمهر بسمله و حمد. اما بعد روایت میکند که در عهد انوشیروان هیچ چیز از حکمت عزیزتر نبود و حکمای آن عصر همه متقی و برهیز کار بودند یک روز انوشیروان ابوذر جمهر حکیم را طلب فرمود. انجام: گفت ظلم بر مظلومان. تمت کلمات حکمت امیر یعون الله الملک

العزیز - م

[۹۰۱]

۲۸۳ این نسخه شماره ۳ و بخط نسخ ۱۲۸۶ می باشد. گ ۸۶ الف - ۸۸ ب.

(فارسی)

رسالة (در باب)

[۷۴۷]

قرزانه دانشمند جلال الدین دوانی (۸۳۰-۹۰۸) این نامه را درداد گری بروش علم اخلاق و عرفان در یک مقدمه و شش مقاله و یک خانمه نگاشته است. شوشتری ۱۰ در مجالس المؤمنین میگوید که دوانی انموذج العلوم را بنام سلطان محمود (یکم بایقرا) پادشاه گجرات (۸۶۳-۹۱۷) نوشته و بامیر شمس الدین محمد بن سید جعفر بن سید امیر شمس الدین محمد بن سید المحققین شاگرد خود برای اوفرستاد. شاه در برابر هزار درهم برای دوانی فرستاده بود که بدریا ریخت و چیزی شایسته از آن بدوانی نرسید. این بود که او دوباره «رساله در تحقیق عدالت» را بنام همو نگاشته و برایش ۱۵ فرستاد. دوانی در دیباچه آن بچگونگی آن درهمها اشارتی لطیف نمود. پادشاه نیز این باره هزار درهم دیگر بالرمغانهایی برای دوانی فرستاده بود. شوشتری باز میگوید که دوانی «رساله در عدالت» را بنام یکی از فروانروایان عراق نگاشته و همراه همان میر شمس الدین محمد بنزد اوفرستاد.

۲۰ در دیباچه نسخه ما (گ ۳۴ ب) دارد که کتاب بنام سلطان ابوالمظفر... بهادر خان می باشد. کتاب در پایان سالنامه پارس بسال ۱۳۲۴ خ بچاپ رسید. آغاز: بسمله. سپس بیقیاس مالک الملکی را که پادشاه نفس ناطقه در سواد خط سویدای قلب صنوبری بر عرش روح حیوانی استوا داده.

انجام: اگر بگوش هوش استماع رود. بیت: دهقان سالخورده چه خوش گفت



با پسر ... اللهم اهدنا الصراط المستقیم ... غیر ضالین ولا مضلین آمین بحق النبی وائمة -  
المعصومین . تمت الرسالة بحمد الله والمنة .

[۹۰۲]

این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط تعلیق با عنوانهای شنکرف علی بن مسافر در  
تبریز نزدیک سال ۹۳۹ می باشد . گ ۳۳-ب ۳۷.

[۷۴۸]

گنوز الودیعه من رموز الذریعه  
(فارسی)

فرزند شمس الدین حسن ظافر ذریعه راغب سپاهانی را در روزگار ابوالفوارس  
شاه شجاع مظفری (۷۶۰-۷۸۶) پیارسی شیوا و دشواری گردانده و در پایان آن سه  
نمط افزود .

۱۰

۱- حکم تازیان (پندهای پیامبر و علی و قس بن ساعده) .

۲- اندرزهای فرزندان یونانی مانند پند افلاطون بارسا و (ص ۲۱۷-۲۱۹)  
جاویدان خرد و پایان اخلاق ناصری و سفارش ارسطو با سکندر (ص ۲۱۹-۲۲۵)  
جاویدان خرد و ترانه زرین فونانورس .

۱۵

۳- پندهای آذرباد فرزانه به پسر خویش (برابر باص ۲۶-۲۸ جاویدان خرد) و  
سخن دیگر او (ص ۶۷ جاویدان خرد) و اندرز او و گفتار ابن مقفع در «ادب کبیر» بجز  
دیباچه آن- او درد دیباچه از پادشاهان ایران و هفت آتشکده پارسیان یاد نمود و در  
انجام از پدر خویش نامبرده و او را علامه عصر خواند .

آغاز: احسن کلامی که بذریعه ابوار معانی آن قلوب ارباب تحقیق منور شود ،  
و این نظامی که بوسیلت فوائج فحای آن مشام عقول اصحاب توفیق معطر  
گردد . ۲۰

انجام : در جوار بارگاه عرش مجید که مطاف نفوس مطهر انبیا و اولیا و مقصد  
اقصی ارواح منور صدیقان و شهدا است سلوت و طمأنینت یابد انشاء الله العزیز . ربنا  
آتنا من لدنك رحمة وهیئ لنا من امرنا رشدا وصل اللهم علی من انزلت علیه ولا یشرک  
بعبادة ربه احدا و علی آله الطیبین ... المنتجبین . تم الکتاب .

این نسخه بخط شکسته تعلیق باعنوانهای شنکرف میباشد - نسخه ای از این درموزه بریتانیا هست (فهرست ریوج ۴ ص ۱۴۶-۷-۱۰۵).

(۳۲۵۲) - کاغذ قرمه سپاهانی - جلد تیماج زرد تازه .

اندازه : ۲۵×۱۶ و ۲۱×۱۸

۵ (فارسی) **گیمهای متفاوت** [۷۴۹]

دانشمند غزالی طوسی «احیاء علوم الدین» خویش را در این نگارش پارسی گزین نمود و میان ۴۹۰ و ۵۰۰ ویش از مستصفی و منتقد آنرا بیابان رساند و در چهار عنوان آن خود و خدا و گیتی و رستخیز را شناساند و در چهار رکن آن از عبادات و معاملات و مهملکات و منجیات سخن راند. غزالی را گزیده ایست از همین پارسی به همین نام بزبان تازی که بچاپ رسید. این پارسی در لکناو بسال ۱۲۸۲ (۱۸۶۵ م) و در بمبئی بسال ۱۸۸۲ و در ایران بسال ۱۳۱۹ خ بچاپ رسید (۱).

این نسخه بنسخ با عنوانهای شنکرف و لاجورد و دارای سرلوح زرین و لاجوردی میباشد و بدینجا : «پیدا کردن کفران هر نعمتی که باشد ویرا از راه حکمت بگرداند» از اصل آن رکن ۴ پایات میباشد .

(۴۴۴۵) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج مشکی مقوایی

اندازه : ۲۴×۱۷ و ۲۴×۱۱ و ۱۸×۱۹

(فارسی) **لوامع الاشراف فی مکارم الاخلاق** [۷۵۰]

فیلسوف دانشمند دوانی (۸۳۰-۹۰۸) این کتاب را که در سه لامع و هریک در چند لامع است برای بهادرخان سلطان اوزون حسن بیک آق قوینلو (۸۷۱-۸۸۲) و سلطان خلیل پسر او (۸۸۲-۸۸۳) نوشته و سه بخش فلسفه علمی را در آن آورد و چنانکه خود میگوید آنرا از روی اخلاق ناصری طوسی برداخت (ص ۴۱-۳۲۱ چاپ ۱۲۸۳) و در برخی جاها از آن کاست مانند آئین میگزساری و گاهی هم چیزهایی بر آن افزوده است مانند پاره ای از سرالاسرار ارسطو که در پایان آورد چنانکه

۱- نیز بنگرید به: غزالی نامه آقای همایی ص ۲۲۸ - شرح احیاء زبیدی ج ۱ ص ۴۲.

سخنانی از فارابی و ابن سینا و سهروردی و غزالی نیز در آن دیده میشود (ص ۲۲۹ - ۲۹-۶۷-۲۲۲) این کتاب را و.ف. تامپسن (W.F. Thomson) با انگلیسی در آورده و در لندن بنام *Practical philosophy of muhammedan people* به سال ۱۸۳۹ به چاپ رساند و خود آن در کلکته به سال ۱۸۱۰ و در چاپخانه منشوی نولکیشور Navalkishor به سال ۱۲۸۳ چاپ شد (فهرست ریوج ۲ ص ۴۴۲).

## [۹۰۵]

این نسخه شماره ۱ دفتر است و بخط تعلیق خوش در جدول زرین و شنکرف و لاجورد از محمد مظفر بن محمد باقر الشریف کارزاری در ذی حجه ۱۰۷۷ گ ۱

۱۰ - ۹۸ الف .

(همه دفتر ۴۳۶) - کاغذ ترمه سپاهانی - جلد نیمج سرخ ساده مقوای ، دربر / مایه ابر / اندازه ۱۶×۳۰ و ۲۱×۱۹

## [۷۵۱]

## ماهیه الحزن

(عربی)

شیخ رئیس در این نامه از اندوه و بیدائی و درمان آن گفتگو نمود. قنوائی (ش ۲۱۷) از گفته ارگین Ergine فهرست نگار ترك میآورد که آن به چاپ رسیده و میگوید که من آنرا ندیده ام. مشکویه رازی در بابان طهاره الاعراق از درمان اندوه سخن راند و بندی از «دفع الاحزان» کندی بغدادی را آورده است. محمدزکریاء رازی در فصل ۱۲ طبر و حانی از زدودن اندوه گفتگو کرد.

آغاز: بسمله و حمد و صلوه - نمین مال الحزن و اسبابه لیکن اشقیته معلومه .  
۲۰ فنقول الحزن الم نفسانی يعرض لفقد الم محبوبات وفوت المطلوبات لا یکاد یعری احد من هذه الاسباب .

انجام : بل یرضی بکل حال یکون فیه لیسلم من الم الحزن انشاء الله تعالی .

## [۹۰۶]

این نسخه شماره ۱۸ دفتر و بخط نسخ با نشانه های شنگرف میباشد. گ ۱۴۴ الف ۱۳۰۸۲۵ در پایان دارد: «تم. بلغ من اوله الی آخره بعون الله»



فارابی ایند فتر را در بغداد آغاز و در پایان ۳۳۰ بشام برده و در ۳۳۱ در دمشق بانجام رساند و پاکیزه ساخت سپس باز بدان نگریسته بخش بندی نمود پس از این کسی از او خواست که فصلهایی در آن گذارد تا بدانند که از چه در آن یاد میشود او در مصر بسال ۳۳۷ فصلهایش را درست نمود و آنشش بخش میباشد (خزرجی ج ۲ ص ۹ - ۱۳۸) فهرست آن در باب ۱۸ در آغاز نسخه ما و در ۱۹ باب در آغاز چاپ مصر دیده میشود.

او در پایان آن از کشورهای گوناگون: «مدینه فاضله، جاهله، فاسقه، ضروریه متبدله، ساقطه، مکارمه، جماعیه» مانند «السیاسات المدینه» خود یاد کرد و در اینجا از جمهوری پلانون (بند ۴۴۵ پایان دفتر ۴ و بند ۵-۵۴۳ آغاز دفتر ۸) و اخلاق نیکو- ۱۰ ماخوس (فصل ۱۰ دفتر ۸) و اخلاق اودموس (ف ۹ و ۷۵۱) و اخلاق کبیر (ف ۱۵۳۱) و سیاست (ف ۳۵۵ و ۴) و خطابه (ف ۱۵۴ و ۱) ارسطو بهره برد. در خطابه شفا (ف ۱ و ۲۴۳) و تائخیص خطابه ابن رشد (ص ۱۲۳ و ۱۵۹ ج ۲ علم الادب، مقالات لمشاهیر العرب یسوعی) نیز نامی از اینها برده شد.

هرودتس در تاریخ (دفتر ۳ بنام تالیا بند ۸۰ و پس از آن) مینویسد که هفت ۱۵ تن از بزرگان ایرانی پس از کشته شدن مغ گرد آمده از میان آنها اوتانس خواستار دموکراسی (فرمانروائی مردم) و مگابوزوس خواستار اولیگارشی (فرمانروائی خاندانها) و داریوش دوستار پادشاهی شده هر یک برای درستی اندیشه خویش سخن راندند و چهارتن دیگر نیز در این درباره سخنی بهمیان آوردند (۱) پس ایرانیان نیز از این بحث بیگانه نبودند.

۲۰ افلاطون در بند ۵۲ الف جمهوری میگوید که نیکوترین کشور آنست که نیازمندان در آن فرمانرانند نه توانگران دارنده زر بلکه کسانی که در نیکبختی و

۱- بنگرید به ترجمه های فرانسوی و انگلیسی این تاریخ و ترجمه گزیده پارسی وحید مازندرانی چاپ تهران ۱۳۲۴ خ ص ۳-۱۶۰.

خردمندی توانگر باشند و نه بی‌نویان تهی‌دستی که برای چستن کام خویش آتش جنگ خانگی را روشن سازند.

ارسطو در ك ۲ ب ۳ ف ۱۰ سیاست میگوید: برخی از نگارندگان برترین دستور را آن میدانند که ریشه‌های دستورهای دیگر در آن باشد و از دستور لا کدمونیا که آمیخته‌ای است از الیگارشی و پادشاهی و دموکراسی میستایند (گویا از آن ارخوتاس را می‌خواهد که در روزگار او بوده و پاره از سخنان او را دیگران آورده‌اند و در همین زمینه است - ترجمه احمد لطفی سید ص ۱۴۵).

همو در کتاب ۴ سیاست از بهترین کشورها جمهوری فاضل گفته‌گو نمود و آنرا حکومتی دانست که بهترین زندگی را برای افراد بیاورد و مردم در آن خوشبخت باشند.

فارابی در «مبانی آراء اهل المدينة الفاضلة» و «السیاسات المدینة» بسنخا هردو فیلسوف مینگریست و جنبه شیوعی و برابری زن و مرد «جمهوری» را بیاورد و بیشتر از فرمانروائی شایستگان نه از روی ارث که در بشد ۴۲۳ جمهوری دیده میشود گفته‌گو نمود گرچه اینگونه فرمانروائی با حکومت استبدادی تازه‌ان سازگاری نداشت.

فارابی درست‌بروش پلاتونیا که نخست از هستی و شناخت سخن رانده سپس بشناسائی طبیعت پرداخته آنگاه بخلق و سیاست رسیده سرانجام از دین و هنر یاد میکردند، رفته نخست بود خدا را روشن ساخته سپس بجهان شناسی پرداخت آنگاه بروان

شناسی رسیده ورشته سخن را بمرد برتر یا پیامبر و چگونگی وحی کشاند. در پایان از شهرنشینی و اجتماعی بودن مردم گفته‌گو کرده آشکار ساخت که رهبر کشور باید چگونه باشد و سرانجام از نیک و بد کشورهای گوناگونی که میتواند در روی زمین

بنیاد گردد سخن راند<sup>۱۰</sup> و ۱۲ خصلت برای فرمانروا یاد میکند چنانکه در دفتر ۶ بخش علوم ناموسی اخوان صفا (ج ۴ ص ۱۸۲) آمده است. پس او در این مورد بمشرب شیعی نزدیک است چنانکه شیخ رئیس در پایان شفا نیز بهمین روش رفته است.

فارابی رهبر کشور را چنان وصف میکنند که با پیشوای معصوم شیعی سازگارتر

- میباشد از این رو است که ابن رشد اندلسی در تلخیص خطابه میگوید: «... رئاسة الاخیار... وهذه تعرف بالاهامیه ويقال انها كانت موجودة فی الفرس الاول فیما حکاه ابو نصر» از این جا چنین برمیآید که فارابی گذشته از نگارشهای افلاطون و ارسطو از دستورهای سیاسی ایرانی نیز بهره برده و گفتار فرزنانگان یونان و دانشمندان ایران را باروش شیعی سازگار ساخت و این هم دور نیست زیرا افلاطون در بنده ۵۷۶ کتاب ۹ جمهوری از کشور جمهوری بنام پادشاهی یاد نموده و بهترین کشور نزد او آنست که اریستوکراسی باشد و در آن سر رشته کارها را نیکان در دست گیرند و همان است که فارابی از آن بمدینه فاضله و شیخ رئیس ب سیاست الاخیار یاریاست شریف و ابن رشد ب ریاسة الملك یاریاسة الاخیار (دوبخش سیاست جودت تسلط) تعبیر نموده اند.
- ۱۰ افلاطون در کتاب «سیاسی» بند ۳۹ و ۴۰ و ۴۱ (۳۰۰-۳۰۴) میان اریستوکراسی و پادشاهی جدائی نهاده و در نامه هفتم بند ۳۲۶d باز از سه دولت تیرانی و الیگارشی و دموکراسی و دولتی که بر پایه دادگری و برابری نهاده شده باشد یاد نمود باز در کتاب نوامیس بند ۷۱۰ از دولتهای تیرانی و منارشی و دموکراسی و الیگارشی یاد کرده و گفت که حکومت کامل آنست که آئین گذار درستی در آن باشد و نیرومندان کشور با آن همکاری کنند.

[۹۰۷]

این نسخه شماره ۱۳ دفتر و فهرست آن شماره ۱۲ آن و بنسخ روشن نوشته شده

۲۴۰ است. گ ۸۱ الف - ۱۰۶ الف .

آغاز چنین است: احصاء الابواب التي فی مختصر کتاب المذنی . الباب فی الشئی

- ۲۰ الذی ینبغی ان یمتد فیہ انه هو الله - الاراء التي فیها اراء الملل (منها ینبئ الملل) الفضالة (فهرست ۱۸ باب کتاب) هذا کتاب الفه ابو نصر الفارابی وهو محمد بن محمد فی مبادئ اراء اهل المدينة الفضالة . بسمه الموجود الاول هو السبب الاول لوجود سایر الموجودات - وانجام چنین: ولا يجعل شیئاً محالاً اصلاً . تم الکتاب بعون رب الارباب و بسبب الاسباب - در باره چاپهای این کتاب بنگرید به ص ۸۲ همین فهرست .

۲۵ [۷۵۳] محاسبه نفس (رساله ...) (فارسی)

در این رساله از محاسبه نفس بروش عرفانی گفته گشته و در آن از شیخ عبدالله



خفیف (ابو عبدالله محمد بن خفیف بن اسفکشا ذیل می نیشابوری شیرازی عارف ۳۷۸) یاد گردید .

آغاز: بسمله ... احمد واصلی و اسلام . اعلم یا اخی و حبیبی ... اینکه از کلمات یکی از اکابر است که فرمود سرمایه تودل است و وقت تو .

انجام: که خوش گفت آنکه گفت: هر نکته مشکل که ترا در پیش است؛ از حق طلب، از کس نه، گرت تمکین است. کوشش مدار تا رجائی گوید؛ کانرا ره و رسم آشنائی اینست . وهو حسبنا ونعم الوکیل .. ووصلنا وایاکم الی ذروة الکمال انه اما شاء فعال .

[۹۰۸]

این نسخه شماره ۲۳ دفتر و بخط تعلیق محمد علی بسال ۱۳۰۲ می باشد .  
 ۴۳۱ ۳۹۶ ب - ۴۰۱ الف . این رساله در دنبال رساله های بابا افضل در این دفتر نوشته شده است .

(عربی)

محاسبة النفس

[۷۵۴]

دانشمند علی بن طاوس حلی (۵۸۹-۶۶۴) این نامه را در چهار باب هریک در چند فصل در باره محاسبه نفس پارسایان از روی خبرهای شیعی نگاشته و در دیباچه می گوید گرچه در نگارش هم این مطلب را گنجاندم ولی شاید بدست نیازمندان نرسد این بود که جداگانه بدین نامه پرداختم . بجز کتابهای شیعی از تاریخ نیشابور حاکم نیز میآورد . این نامه بچاپ هم رسیده (طاوس ج ۲ ص ۳۴۶) .

آغاز: بسمله . يقول علی بن موسی بن جعفر بن محمد الطائوس العلوی الفاطمی ...  
 ۲۰ احمد الله جل جلاله الذی ابتدانی بالجود والوعود و ربانی بظهور الابهاء والجدود ...  
 فانی رایت الايات والروایات شاهدة بما تقضى محاسبة الانسان لنفسه .

انجام: وهذا آخر ما اردنا ذكره فی هذه الابواب فيما يقتضى الاستظهار والسلامة من الغفلات والعتاب يوم الحساب في شرع عبادی الذین يستمعون القول ... هم اولو الالباب والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين .

## [۹۰۹]

این نسخه شماره ۳ دفتر و بخط نسخ باعنوانهای شنگرف نزدیک سال ۱۰۰۴  
 ۸۸۱ گ ۳-ب ۱۱ الف. شماره چهارم دفتر تفسیری است از شهید یکم بر «سبحان الله  
 والحمد لله ... والله اكبر» بهمان خط گ ۱۱ ب - ۱۲ الف.

۵ [۷۵۵-۷۵۷] **المحجۃ البیضاء فی احیاء الاحیاء** (عربی)

دانشمند فرزانه شیعی فیض کاشانی (۱۰۰۷-۱۰۹۱) از روی احیاء علوم الدین  
 غزالی طوسی این کتاب را نوشته و با انداختن داستانهای صوفیانه و اخبار نادرست و  
 آوردن خبرهای شیعی بجای روایتهای سنیان آنرا زنده نمود و درست هم توانست  
 از عهده آن بر آید. این نگارش مانند احیاء دارای چهار بخش است: «عبادات - عادات  
 مهلکات - منجیات» هر یک درده کتاب. او در آغاز بخش نخستین میگوید: «که غزالی  
 ۱۰ احیاء راهنگامی نوشت که هنوز شیعی نشده بود و من آنرا در این کتاب پاکیزه ساخته  
 خبرهای شیعی در آن میآورم و چیزهایی هم بر آن میافزایم. غزالی چنانکه از سر -  
 العالمین او بر میآید در پایان زندگی بآئین شیعی گروید و این جوزی هم بدان گواهی  
 داد.»

۱۵

## [۹۱۰]

این نسخه ربع عبادات و بخش یکم کتاب است و بخط نسخ پاکیزه با نشانه‌ها  
 ۱۰۵۳ و عنوانهای شنگرف از محمد شفیع فیروزآبادی قاینی در پایان محرم ۱۱۱۴  
 و چنین است: «بسم الله وبه نستعين الحمد لله تعالى ولا حمدا كثيرا دائما متواليا  
 - هذا آخر الكلام في كتاب ترتيب الاوراد ... وبتمامه تم ربع العبادات من المحجۃ البیضاء فی  
 ۲۰ تهذيب الاحیاء ویتلوه ... فی ربع العادات کتاب ادب الاكل والحمد لله اولاً و آخراً وظاهرأ  
 و باطلناً» نسخه‌ای از این ربع بخط نسخ خوش پیش از ۱۱۱۷ و از ربع عادات بخط نسخ  
 تاریخ ۱۱۰۰ نزد دانشمند گرامی آقای حکمت آل آقا هست.

(۴۳۰۲) - کاغذ سپاهانی - جلد تیماج ضربی سرخ مقوایی فرسوده

اندازه: ۱۸×۱۴ و ۱۱×۱۱ س ۱۷

۲۵

## [۹۱۱]

این نسخه ربع مهلکات و بخش سوم آن و بخط نسخ در جدول شنگرف و با  
 ۱۰۵۴ عنوانهای شنگرف تاریخ ۱۲۸۶ میباشد و چنین است: «بسم الله الذي

تتحررون ادراك جلاله القلوب والخواطر - هذا آخر الكلام في كتاب ذم الغرور بتمامه  
تم ربح المهكات من المحجة البيضاء في احياء الاحياء وتلوه... في ربح المنجيات كتاب التوبة  
والحمد لله... بمحمد واله... الطاهرين» بخط تعليق دارد «في يوم الجمعة رابع وعشرين  
شهر ذي قعدة الحرام سنة ۱۲۸۶... قلمي شد...»

(۴۳۳۰) - کاغذ قرنگی - جلد تیماج زرد ضری متوالی

اندازه: ۵/۲۱ × ۵/۳۱ و ۱۴ × ۲۲ س ۲۲

[۹۱۲]

این نسخه ربع منجیات و بخش چهارم آن و بخط نسخ در جدول و با عنوانهای

۳۹۷ شنکرف که در شوشتر بامداد روز یکشنبه ۲۹ رمضان سال ۱۲۸۶ نوشته شده و

۱۰ چنین است: «بسم الله الذي بتحميده يستفتح كل كتاب و يذكره يصدر كل

خطاب وان يتفضل علينا كما هو امله بمنه وسعة جوده و رحمته . اللهم عاملنا بعفوك ولا

تعاملنا بعدلك وتم كتاب ذكر الموت وما بعده من المحجة البيضاء في احياء علوم الدين

وهو الكتاب العاشر من الربع الرابع السدي في المنجيات و بتمامه تم كتاب المحجة بكتبه

الاربعة جميعا والحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله اجمعين» در پایان همان

۱۵ خط تعليق ش ۱۰۵۴ که تاريخ را ميرساند ديده ميشود و ايندو نسخه بيك خط است .

این بخش باز پسین را مهدی بن محمد ابراهیم خوانساری در تهران چاپخانه آقامیرزا

علی اصغر بسال ۱۳۴۱ از روی خط سلمان بن ملا احمد طالقانی مرجانی تاریخ ۱۳۲۶ بچاپ

سنگی رساند .

(۴۳۴۷) - کاغذ قرنگی - جلد تیماج ضری متوالی

اندازه: ۵/۲۱ × ۵/۳۱ و ۱۴ × ۲۲ س ۲۲

[۷۵۸] مرصدا العباد من العبد الى العباد (فارسی)

این نگارش در پنج باب و در سلوک عرفانی و اخلاق است که نجم الدین دایه ابوبکر

عبدالله بن محمد بن شاهور رازی برای سلطان علاء الدین کیقباد یکم (۶۱۶-۶۳۴)

فرزند کیخسرو پسر قلج ارسلان سوم از فرمانروایان سلجوقی آسیای کوچک

۲۵ نگاشته و آنرا در رمضان ۶۱۸ در قیصریه آغاز و در روز دوشنبه یکم رجب سال ۶۲۰

در سیواس پایان رساند. این عارف در تهران زاده و شاگرد شیخ ابوسعید مجدالدین

شرف بغدادی و پیرو شیخ نجم الدین کبری بوده و بسال ۶۵۴ در شونیزیه بغداد

درگذشت .



گزیده‌ای از همین کتاب پیارسی بنام «تلخیص مرصاد العباد فی کشف سر الایجاد»  
در تهران بسال ۱۳۰۱ با اندازه بغلی چاپ سنگی شده از آن نجم‌الدین کبری پنداشتمند.  
دیباچه‌ای در سر گذشت همو نیز با آن هست. گزیده‌ای از آن بتسازی نیز در برلین  
هست (ش ۳۰۰۶ فهرست اهلورث) (۱).

## [۹۱۳]

این نسخه بنسخ و چاپ سنگی سال ۱۳۱۲ تهران است با آغاز و انجام یا تذکره  
۴۰۴ خواجه طوسی بسال ۱۳۱۴ و شمس‌العرفا حسین عارف پیرو شاه نعمه‌الله بخط  
خود بر آن حاشیه نوشته و نسخه را تصحیح نمود.  
(۲۷۲+۱۴ ص) - آغاز فرنگی - جلد تجماع متوائی  -  
اندازه: ۱۷×۲۳

[۷۵۹] مسکن القواد عند فقد الاحبة والاولاد (عربی)

دانشمند پارسای شیعی زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی جبعی (۹۱۱-۹۶۶)  
این نامه را در دلجوئی از آسیب زندگان و داغ دیدگان در یک مقدمه و چهار باب و  
یک خاتمه نوشته و دلیلهای عقلی و حدیثها در آن آورده و در نیمه روز آدینه یکم  
رجب ۹۵۴ آنرا پایان رساند. این نامه در تهران بسال ۱۳۱۰ با «اوزان المقادیر»  
۱۵ مجلسی بچاپ رسید و میرزا اسماعیل خان مجدالادباء خراسانی آنرا پیارسی کرد  
که در طوس بسال ۱۳۲۱ بچاپ سنگی رسید (فهرست طوس ج ۲ ص ۳۴۶ و ۳۵۰)

## [۹۱۴]

این نسخه شماره ۲ دفتر بخط نسخ حسین بن مسلم بن حسین بن محمد شهیر بابن  
۱۰۱۷ شعر عاملی نزدیک ۹۵۴ است. او همانست که ش ۱ دفتر (منیه المرید) را هم  
نوشته و شاگرد شهید می باشد. در این نسخه از مقدمه هست و اندکی از باب دوم  
و سوم و چهارم. باب ۱ در آن نیست و بدینجا می انجامد: «عن السائب بن یزید ان النبى ص

۱- بنگرید به: مرصاد العباد چاپ سربی شمس‌العرفا در تهران بسال  
۱۳۱۲/۱۳۵۲

فهرست طوس ج ۲ و ۴ - فهرست مجلس ج ۲ - فهرست ربو ج ۱ ص ۳۸ و ج ۴ ش ۱۷ -  
نفحات الانس جامی.

امامات ابنه الطاهر ذرفت عینه ... فقال ص العین تذرف وان الدمع یغلب» در گ ۷۳ ب  
بخط دیگری دارد «تمت ۹۵۴» - گ ۵۹ ب - ۷۵ ب . در گ ۶۹ الف دارد : « تم بلغ  
قراءة وفقه الله تعالى » و بخط همان شهید است . علی بن محمد حسین موسوی شوشتری  
در ۱۵ ج ۲ سال ۱۲۶۸ ( گ ۱ الف ) و علی بن حسین بن محمد علی بن زین الدین موسوی و  
علی محمد موسوی ( رویه برگ پیش از آن ) از دارندگان نسخه بوده اند .

(همه دفتر ۷۵) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج زرد تازه

اندازه: ۱۴ × ۱۸ و ۸٫۵ × ۱۴ س ۱۷

[۷۶۰] من لا یحضره الایمن (فارسی)

از شیخ محمد بن حاج ملا مؤمن هروی مدرس آستان طوس که در آن بفرزند  
خویش هدایه الله اندرزهایی میدهد خودمانی و خانگی و بسیار ساده و پندها جدا از  
هم و پیوستگی ندارد و دیباچه‌ای در آن هست . زندگی آن روزگار بغویبی از آن  
پیدا است .

آغاز: نور چشم از باب اینکه به بچه‌ها بگوئی کتاب من پشت کنابش هم حاشیه  
دارد و کتابهای شما ندارد اسم این حاشیه را پشت کتابی بگذار ... بسمله . نور  
چشم هدایه الله بموافقت بعضی از طلاب محض اینکه نگوئی چرا کتاب من پشت کتابی  
ندارد گوش نما (گ ۲ ب) .. بسمله الحمد لله الذی عرفنی نفسه ... نور چشم هدایه الله  
اولا خداوند عالم تو را عالم ربانی نموده بکمال عمر طبیعی رساند بمحمد ... و ثانیاً  
آگاه باش ... (گ ۴ ب) .

انجام : اطفأ السراج فقد طلع الصبح وتمت کلمة ربك صدقا وعدلا (۵۴ الف) .

[۹۱۵]

۲۰

این نسخه بنسخ و عنوانهای «نور چشم» بشنگرف و حاشیه‌ها بتعلیق است نویسنده آن  
۱۳۴ ابوتراب موسوی گلپایگانی بسال ۱۳۲۱ میباشد . حاشیه‌هایی در آن هست بخط  
همو که بندهائی است بنام «نور چشم» - در پایان خط تعلیق نگارنده (هروی)  
دیده میشود : « هذا بعض مقالاتی فی اللیل الالیل وانا العبد الاقل خادم کشیک الاول فی  
آستان المقدس الرضوی الشیخ محمد بن جناب الحاج ملا مؤمن الهروی اوتیا کتابهما بمینیا  
۲۵ وحو سباحسابا یسیرا » .

(عربی)

## منهاج النجاة

[۷۶۱]

- نگارش فیض کاشانی (۱۰۰۷-۱۰۹۱) که بدرخواست یاران و بروش غزالی نوشته و آنچه را که همگان می باید بدانند و مایه رستگاری در رستخیز است در آن گزارش داده و در ۱۰۴۲، بیانش رساد (کشف المحجوب ص ۵۶۶).
- این دفتر کوچک دارای يك مقدمه و دو مقصد (اعتقادات کلامی - اعمال و عبادات فقهی و خلقی) هر دو در پنج باب و هریک چند هدایه میباشد.
- در هدایه دوم باب طاعات قلب مقصد دوم از اعتقادات خواجه طوسی (ص ۵۳۱ این فهرست) و شرح ارشاد اردبیلی یاد کرده و در پایان همین باب به المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء خویش بازگشت داد.
- این کتاب با خلاصه الاذکار و بشارة الشيعة و مرآة الاخره و ضیاء القلب در تهران در ۱۳۱۱ بنسخ چاپ سنگی شد (ج ۴ ص ۵۷ طوس) نیز با علم الیقین و عین الیقین او (۱۳۰۳) و سرگذشت فیض از مسیح بن علی اکبر حسینی سمنانی (۱۳۱۲) و مرآة الاخره او (۱۳۰۳) بکوشش آقا مشهدی عباس کتاب فروش در تهران بسال ۱۳۱۴ ۱۵ بنسخ چاپ سنگی شد.

آغاز: الحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا ما رزقنا من الله... فيقول... محمد بن

المرتضى المدعو بمحسن... هذا كتاب منهاج النجاة.

انجام: و اياك ثم اياك ان تكون من الفريق الثالث فتملك هلاك الايرجى فلاحك

ولا ينتظر صلاحك (انتهى كلامه اعلى الله مقامه. هذا انتهاء منهاج النجاة).

[۹۱۶]

این نسخه بنسبتعلیق باعنوانها و نشانه های شنگرف از محمد سنجر بن محمد

۱۰۹۲ کاظم در ۱۷ جمادی دوم سال ۱۰۷۱ می باشد و چهار جاشیه دارد که به «منه مدظله

العالی - منه - منه دام ظله - منه مدظله» پایان میابد گ ۱ الف - ۱۲ الف - ۲۵

ب - ۲۶ الف» و شعر هائی بیارسی در کنار برگها دیده میشود. نزدیک بيك صفحه از ۲۵



دیباجه را ندارد و چنین است آغاز آن: «والکف عن المعاصی الواضحة الفاضحة... فیهنا مقصدان... المقصد الاول».

(۴۶۴) کاغذ سمرقندی - جلد تهاج سرخ ضربی دریکوی

اندازه: ۱۸۵×۱۱۵ و ۱۸۵×۶۵ س ۱۴

۵ [۷۶۲] منیة المرید فی ادب المفید والمستفید (عربی)

این دفتر که روش آموزش و پرورش دانشمندان دینی را بخوبی نشان میدهد از دانشمند شیعی شهید دوم زین الدین بن علی بن احمد عاملی جمعی (۹۱۱-۹۶۶) می باشد که در نیمه روز پنجشنبه ۲۰ ع ۱۰۴۰ سال ۹۵۴ آنرا پایان رساند و در یک مقدمه و ۴ باب و یک خاتمه میباشد. شهید در آن هر گونه دستوریکه دانشجویان از آغاز کار تا گاهی که پایگاه روایت و نگارش و تدریس یا قضاوت یا افتاء برسند باید بکار بندند آورد. این کتاب چنانکه شهید در دیباجه میگوید پاره ایست از «منار القاصدین فی اسرار معالم الدین» او که بنوشتن آن میپرداخت و پایان نرسیده بود. شهید چنانکه در دیباجه میگوید در این نگارش از سخن خدا و پیامبر و پیشوایان و فرزانشان و دانشمندان بهره برده است.

۱۵ منیة المرید را در دنبال روش الجنان همین شهید در شرح بر ارشاد الازهان علامه حلی، حاج شیخ محمد رضا تهرانی بسال ۱۳۰۷ بخط نسخ بچاپ سنگی رساند و پیش از آن در بمبئی در مطبع حسینی بسال ۱۳۰۱ بچاپ رسیده بود باز در تهران کتابخانه بوذرجمهری آنرا بسال ۱۳۶۸ بچاپ رساند که بانسخه ماهم برابر شده و کلیشه خط شهید و خط نویسندة نسخهها در پایان آن دیده میشود. منیة المرید در مجله آموزش و پرورش در ۵ سال ۱ تاریخ مراد ۱۳۰۴ ص ۲۰-۳۲ شناسانده شده و گزیده ای از آن پارسی در آن دیده میشود (۱).

۱- درباره آموزش و پرورش اخوان صفا و مشکویه در طهارة الاعراق و ترتیب السعادات و این سینا در سیاست و غزالی در احیاء و جز آن و ابن خلدون در مقدمه و دانشمندان دیگر سخن رانده اند. نویسندگان در ایة الحدیث نیز بخشی از آنرا آورده اند. مانند مقدمه یا کتاب علوم الحدیث ابن صلاح ابی عمر عثمان شهرزوری شافعی م ۶۴۳ درباره ادب

بقیه حاشیه در صفحه بعد

- این نسخه شماره ۱ دفتر است و بخط نسخ باعنوانها و نشانه‌های شکر ف از حسین بن مسلم بن حسین بن محمد شهیر باین شعر عاملی که ما ناشاکرد شهید است و در نیمه روز پنجشنبه ۱۳۲۳ ج ۱ سال ۹۵۴ درست دوماه و سه روز پس از نگارش شهید آنرا پایان رساند. در رویه برگ نخستین شهید نام خود «زین الدین بن علی بن احمد شامی عاملی» و نام کتاب «منیة المرید فی ادب المفید والمستفید» را بخط خود نوشته و زیر آن تاریخ ۹۵۹ دیده میشود. در کنار صفحه‌ها چند جا بخط شهید دارد «بلغ سماعا وفقه الله تالی» گ ۷ ب ۱۲ الف ۲۵ الف ۲۹ الف ۳۲ الف ۳۷ الف ۴۳ الف و در کنار گ ۵۸ الف در پایان کتاب باز بخط همودارد که این کتاب را او (همین نویسنده نسخه‌ما) در چند هنگام از من شنیده و نزد من آنرا درست نموده که باز پسین آنها تاریخ روز پنجشنبه ۲ ذی قعدة سال ۹۵۴ میباشد. شهید در اینجا از خود بمانند بالا یاد میکند. کلیشه همین خط در پایان چاپ ۱۳۶۸ آمده است. در گ ۱۴ ب و ۱۵ الف حاشیه‌هایی بخط تعلیق دارد که بنام «صالحه» میانجامد:

- نسخه از آغاز دارد تا امر ۸ قسم ۲ نوع ۳ باب ۱ (برابر با ۷ ص ۴۳ چاپ ایران) آنگاه میرسد بامر ۱۸ قسم ۳ نوع ۳ باب ۱ (س ۱۴ ص ۵۱) تا اندکی از آغاز باب ۲ (س ۹ ص ۵۳) سپس اندکی از باب ۴ (میان مسئله ۱ تا میان مسئله ۶ برابر با ۲۵ ص ۶۸ تا س ۲۱ ص ۶۹) می‌آید آنگاه میرسد بمیان مسئله ۱ خاتمه (س ۹ ص ۷۸) تا پایان کتاب پس افتادگی نسخه بسیار است. گ ۱ ب- ۵۸ الف.

#### بقیه حاشیه صفحه قبل

- ۲۰ محدث و طالب حدیث (چاپ مطبعة السعادة مصر ۱۳۲۶) والتقریب والتیسیر لمعرفه سنن البشیر النذیر از محیی الدین یحیی نووی دمشقی شافعی (۶۳۱-۶۷۶) (چاپ شده در آغاز شرح کرمانی بر صحیح بخاری).
- صوفیان هم از پرورش مرید و ادب آن یساده اند. در کتابهای فقهی جسته گریخته برخی از آن دیده میشود. گفتاری نیز در جاویدان خرد مشکویه (ص ۸-۲۷۰) بنام «وصیة افلاطون فی تادیب الاحداث» ترجمه اسحاق بن حنین آمده است.
- ۲۵ پیش از شهید در میان شیعیان خواجه طوسی «ادب المتعلمین» نوشته و در میان سنیان بویژه قاضی القضاة شیخ الاسلام بدرالدین محمد بن ابی اسحاق ابراهیم بن ابی الفضل سعد الله بن جماعه حموی شافعی پارسای محدث مفسر خطیب شاعر (حماة ۲ سال بقیه حاشیه در صفحه بعد

نگارشی است در کشورداری آمیخته با آیات و اخبار و درده باب: «دادگری - خلافت - پادشاهی و فرمانروائی - رفتار شاهان با مردم - رفتار وزیران و نوابان و نویسندگان و دیوانیان - رفتار دانشمندان و مفتیان و اندرزگران و داوران - رفتار توانگران - رفتار دهگنان و سران و کشاورزان و روستائیان - رفتار سوداگران و بازرگانان - رفتار پیشه‌وران و هنرمندان .

بقیه حاشیه از صفحه قبل

۶۳۹ - مصر ۱۳ سال (۷۳۳) را میتوان نامبرد که «تذکرة السامع والمتکلم فی آداب العالم والمتعلم» را در ۵ باب نگاشته و در ۱۴ ذی حجه سال ۶۷۲ بیایانش رساند. شهید کویا این کتاب را در دست داشت و بسیاری از جاها از آن بهره برد (بنگرید به: ص ۲۵ و ۳۲ و ۳۳ و ۶۹ و ۷۴ منیه چاپ ایران و ص ۱۷ و ۳۱ و ۳۴ و ۱۶ و ۱۹۱ تذکره چاپ دائرة المعارف عثمانی دکن در ۱۳۵۳) .

تذکره و منیه از رهگذر ترتیب منطقی و بخش‌بندی مطلبها بسیار پست‌دیده و سخنان خشک و ظاهری قابسی و زرنوجی در آنها دیده میشود چنانکه زرنوجی میگوید: «وینبغی ان لا یكون فی الكتاب شی من الحمرة فانها صنیع الفلاسفة لاصنیع السلف» (اهوانی ص ۲۲۰ و حاشیه تذکره ص ۱۹۱) ولی در آندو دارد که شایسته است نشانه‌ها و عنوان های کتاب را بسرخی نوشت و متن را با سرخی از شرح جدا نمود (ص ۱۹۱ تذکره و ص ۷۴ منیه) .

این دانشمندان نیز درباره آموزش و پرورش نگارش دارند که از رهگذر تاریخ آن بسیار ارزنده است :

۱- محمد بن سحنون مالکی مغربی قیروانی ۲۶۵ در «اداب المعلمین مادون محمد بن سحنون عن ایه» در نه بخش و بسیار کوچک که استاد حسن حسنی عبدالوهاب در تونس سال ۱۳۴۸ در ۶۴ ص با ۳۸۱ ص دیباچه خود به چاپ رساند . قابسی از آن بهره برد .

۲- ققیه ابوالحسن علی بن محمد بن خلف قابسی قیروانی مالکی (۳۲۴-۴۰۳) در «الرساله المفصلة لاحوال المعلمین والمتعلمین» که احمد فؤاد اهوانی آن را با دیباچه‌ای بنام «التعلیم فی رای القابسی» در قاهره مطبعة لجنة التألیف والترجمة والنشر بسال

بقیه حاشیه در صفحه بعد



جعفر بن اسحاق آنرا بنام « میزان الملوك والطوائف وصراط المستقیم فی سلوك الخلاف » و بدرخواست حسام السلطنه محمد تقی میرزا نگاشته است.

آغاز: بسم الله . الحمد لله رب العالمین بالرؤية الظاهرة ... و بعد ... جعفر بن ابیه اسحق بعرض اهل مودت و وفاق میرساند که این مختصری است ... در بیان میزان در مملکت داری ملوک و اهل خلافت ... که بطلب ... شاهزاده ... حسام الدین و السلطنه ... محمد تقی میرزا ... بقلم دوزبان تحریر ... میباشد .

انجام : بی جمال یوسف و بی عشق یعقوب از گزاف - توتیائی ناید از هر پیرهن - الحمد لله رب العابدین .. و اختتم لنا ... خاتمة خلفائك ... آمین یا رب العالمین .

بقیه حاشیه از صفحه قبل

- ۱۳۶۴  
در ۲ - ۲۴۰ و ۲۴۲ - ۳۱۸ ص بچاپ رساند این کتاب چنانکه از نامش پیدا است ۱۰  
۱۹۴۵  
در باره آموزش کودکان و کوچک است .
- ۳ - ابن عبد البر جمال الدین یوسف بن عمر قرطبی نحوی محدث (۳۶۸-۴۶۳)  
در « جامع بیان العلم و فضله و ما ینبغی فی روايته و جملة » از این مسئله یاد نمود (چاپ مصر  
بسال ۱۹۲۸) .
- ۴ - برهان الدین زر نوچی ۵۹۱ هـ کتاب کوچکی دارد بنام « تعلیم المتعلم طریق  
التعلیم » که چندان دقیق نیست و سخنان عامیانه و ظاهری در آن هست و در مطبعه رحمانیه  
بسال ۱۹۳۱ در ۷۹ ص بچاپ رسید و بلاتینی هم ترجمه گردید .
- ۵ - ابن عدیم ابو حفص کمال الدین عمر ققیه محدث حلبی (۵۸۶-۶۶۰) در « الدراری  
فی ذکر الدراری » چاپ مطبعة الجوائب قسطنطنیه در ۱۲۹۸ .
- ۶ - ابی الفرج زین الدین عبد الرحمن بن احمد بن رجب بغدادی دمشقی حنبلی (۷۰۶-  
۷۹۵) در « فضل السلف علی الخلف » چاپ مطبعة منیریه ازهر .
- ۷ - شیخ الاسلام ابی زکریا انصاری (۹۲۶) در « اللؤلؤ والنظیم فی روم التعلیم »  
که در آن از غزالی بهره برد .
- ۸ - احمد بن حجر هیتمی (۹۷۳) در « تحریر المقال فی اداب و احکام ما یحتاج الیه  
مؤدبوا الاطفال » .

این نسخه بخط نسخ باعنوانها و نشانه‌های شنگرف در پنجمه ۹ع۱ و در روزگار  
نگارنده نوشته شده است و در پایان دارد: «من تألیفات مولانا ... آقائی آقا»  
سید جعفر مدظله العالی.

(۳۱۰۴) - کاغذ فرنگی - جلد قماچ سرخ پاکیزه ضربی  
اندازه: ۳۱×۱۳ و ۷×۱۲ س ۱۷

### [۷۶۴] فزّه الا حجاب فی مباشرة الاصحاب (عربی)

این نامه در زیبا شناسی و دستور زناشویی و هم‌نشینی و خنیاگری و میگزاری و  
خرید برده و درمان بیماریهای جنسی مردانه و زنانه میباشد و در آن میان دو گونه  
عشق سنجش شده در گزارش هر مسئله‌ای از عقل و شعر و حدیث و گفتار  
دانشمندان گواه آورده شده و درباره زیبایی برهان ریاضی نیز دیده میشود (جمله  
۷ جز ۱۰ گ ۱۸) شعرا بی‌العلاء معری نیز در آن آمده است. نامه در دو بخش است:  
۱- علم در ۱۲ جمله (گ ۱-۷۰) ۲- عمل در ۱۲ جمله (۷۱-۱۰۴) که در این بخش بهداشت  
جنسی و درمان بیماریهای آن دیده میشود. جمله‌ها رو به هم شصت باب دارند. نگارنده  
آن ابونصر سموئل بن ابی القلیحی بن عباس مغربی اسرائیلی حاسب میباشد. اواز  
مردم مغرب از پدیری آشنای فلسفه و روزگاری در بغداد بوده سپس بفارس آنگاه  
در دیار بکرو آذربایگان زیسته در دستگاه پهلوانیان کار کرده است. کیش یهودی

بقیه حاشیه از صفحه قبل

۹- برهان الدین اقصرائی در «رسالة فی التریة والتسلک».

۱۰- شمس الدین انبایی در «ریاضة الصبیان» که «رسالة نادیب الصبیان» و از مشکویه  
در آن آورد.

(بنگرید به: دیباچه اهوانی بر قابسی - حواشی تذکرة السامع).

دانشمند عارف ابن الحاج ابو عبدالله محمد بن محمد بن محمد عبدی فاسی مالکی که پس  
از هشتاد و اند سال در قاهره در ۷۳۷ در گذشت در «مدخل الشرع الشریف علی المذهب»  
که در ۷۳۲ بیابانش رساند از آموزش و پرورش و آموزگار و دبستان گفتگو نمود  
(چاپ دوم در مطبعه وطنیه اسکندریه ۱۲۹۳ در سه جلد ص ۵۲-۱۷۹ و ۳۱۶-۳۵۸ ج ۱ و  
ص ۲-۳۳ و ۱۵۵-۱۷۹ ج ۲).

داشت و در ذی حجه ۵۵۸ بائین اسلام گرایید و از یهودیان خرده گرفت و تحریف تورات را روشن نمود. بسیار زیرک بود و در ریاضی از دانشمندان زمان خویش برتری یافت و هندسه میدانست و در جبر و مقابله سرآمد شد و در این هنر نامه‌ها پیرداخت و در آنها از همزمان خویش ابن خشاب عبدالله بن احمد بغدادی نحوی آشنای ریاضی (۵۶۷م) خرده گرفت. او پزشکی هم میدانست و بفلسفه دانا بود. سال مرگش را ۵۶۷ و ۵۷۰ و ۵۷۶ و ۵۹۸ نوشته‌اند (۱). ولی از سرگذشت او و تاریخ نگار شهپاش پیدا است که از ۵۵۸ تا ۵۷۰ بنوشتن کتابهای علمی میپیرداخت فرزندانش هم در مراغه پزشکی بوده‌اند.

باری این دانشمند اسرائیلی در پایان این نامه که در پشت نسخه ما بخط کهنی «نزهة الاحباب فی معاشرۃ الاصحاب» نامیده شده میگوید که در علمهای عقلی نامه‌ها

- ۱ - بروکلمن نام این نگارش را «نزهة الاصحاب فی معاشرۃ الاحباب» یاد میکند و میگوید که نسخه‌ای از آن در لایبتسیک ش ۷۷۴ و برلین ۶۳۸۱ و گوتا ۲۰۴۵ و پاریس ۳۰۵۴ و اسکوریال ۱/۸۳۰ و ایاصوفیا ۲۱۲۱ هست. اینست نگارهای دیگر او: التبصیر فی علم الحساب - الاجوبة الفاخرة رداعن الملة الکافرة - غایه المقصود فی الرد علی النصار و الیهود - افحام الیهود که در روز آدینه سال ۵۵۸ بیایانش رساند (فهرست مجلس ج ۲ ص ۴/۵۹۳ - ۱۵ قاهره ج ۶ ص ۱۱۳) - بذل المشهود فی اقناع الیهود - الباهر فی علم الحساب - المجیز المرضوی فی الحساب - فی کشف عوار المنجمین و غلطهم فی اکثر الاعمال و الاغلاط که در اروپا و اسلامبول و قاهره نسخه‌ای از اینها هست (تاریخ بروکلمن ج ۱ ص ۶۴۳ و بیوست ج ۱ ص ۸۹۲) خزرچی (ج ۲ ص ۳۰) این نامه‌ها را از او میدانند: المفید الاوسط در پزشکی که در ۵۶۴ برای وزیر مؤیدالدین ابی اسماعیل حسین بن محمد نوشت - رساله‌ای ابن خدود در مسئله‌های حساب و جبر - اعجاز المهندسین که در صفر ۵۷۰ برای نجم‌الدین ابی الفتح شاه غازی ملک شاه بن طغرلک (گویا نجم‌الدین البی ارتقی فرمانروای ماردین ۵۴۷ - ۵۷۲) پیرداخت - الرد علی الیهود - القوامی در حساب هندی که در ۵۶۲ نوشت - المثلث القائم الزاویه که بسیار خوب و برای شریف‌حابی نگاشته است - المنیر در مساحت جسمهای گوهرهای آمیخته برای دریافت نادانسته آن - کتاب فی الباه (تیز اعلام زرکلی ج ۱ ص ۳۹۴) در تاریخ قفطی ص ۱۴۲ او را سموئل بن یهوذا میخواند و میگوید که ما نا از اندلس مییابد و نامه‌هایی در پزشکی دارد.
- ۲۰
- ۲۵



نوشتم مگر اینکه دیدم کسی خریدار آنها نیست ناگزیر مانند مردم شدم و بدین نامه پرداختم. در جمله ۲ جزء ۱ میگوید که پیری هشتاد ساله از دربانان اتابک نصرة الدولة بنام حاجب ماهر و در دژ رویندز (رویندژ) در شعبان ۵۶۲ هجری قمری آمد (گ ۵ الف) نیز میگوید که زیستن در شهرهای مکه و مدینه و بغداد بر نیروی بیهوشی و سفارش میکند که «اخبار النساء» ابن حاجب نعمان و «جوامع اللذة» ابی نصر کتاب را بخوانید در همینجا شعری از سعدالدین ابو عبدالله بن شیب مشرف مخزن در بغداد میآورد که برای او خوانده است (پایان جمله ۱ جزء ۲ گ ۲ الف).

بگفته چلبی سموئل ابن نامه را برای ابو الفتح نورالدین محمد بن فخرالدین قره ارسلان از فرمانروایان ارتقی حصن کیف (۵۷۰ - ۵۸۱) نوشته است (در نسخه ما نامش دیده نمیشود).

**آغاز:** بسم الله. الحمد لله الذي جعل رحمته للمذنبين ملاذا. وخلق لعباده آلاما و ملاذا و فطر غرائز البشر على الصيرة الى اتباع الشهوة تسخير الضعيفهم و قويمهم. **انجام:** على ان فصول هذا الكتاب الهزلية، غير خالية من فوائد جدية، و مواظ خلاصة، للقلوب الصديقة، و لا منفكة عن نصيحة نافعة، و غير رادعة، و تمقيف و ادب. و استغفر الله مما يحبط العمل لديه. و استوفقه لما يقرب اليه. تم الكتاب.

[۹۱۹]

این نسخه بنسخ کهنه با اعراب و با عنوانهای شنگرف یا بخط درشت تر میباشد. در میان نسخه برخی جاها بخط نستعلیق تازه تر و پایان هم بدین خط است که دارای تاریخ پایان شوال سال ۱۰۲۲ می باشد. و نام نویسنده در اینجا خوانده نمیشود. خط صفحه ۱ کهنه و فرسوده شده و بخوبی خوانده نمیشود.

پایان باب ۳ جمله ۹ جزء ۱۰ (ادب المصارفة) و نیمه نخستین باب ۴ همین جمله (ادب السماع) از نسخه افتاده است (میان گ ۳۵ و ۳۶) همچنین دنباله باب ۵ همین جمله (ادب المنادمة) و آغاز باب ۶ آن (ادب المضاجعة) نیست (میان گ ۳۷ و ۳۸) نیز دنبال باب ۷ این جمله (ادب المجامعة) و همه ۵ باب جمله دهم (خریداری برده) و باب ۱ جمله ۱۱ جزء ۱۰ (خوبهای پسندیده زن) و باب ۲ (خوبهای زشت او) و آغاز باب سوم (پندها بمرادیکه میخواهد زن بگیرد) از همین جمله در میان برگهای ۳۸ و ۳۹ افتاده است.

[۷۶۵] و حیلۃ النجاة الموصلة الى حیل الالهة (فارسی)

از محمد بن عبد النبی بن نعمة الله بحرانی کرمانی که برای فرمانروای کرمان  
مرتضی قلیخان پسر محمد اسمعیل خان نوری نگاشته و در اصول و فروع دین و اخلاق  
میباشد و مانند احیاء غزالی و نوشته های فیض کاشانی آمیخته با آیتها و خبرهاست.  
آغاز: بسمله سپاس مبرا از قیاس پروردگار را باید که انوار حقیقت را از صبح  
ازل پرتوافکن ساخت.

انجام: بر توفیق این کتاب مستطاب در هر باب الحمد لله رب العالمین... حاصل  
شد فراغ از این کتاب... در روز پنجشنبه بیست و نهم شهر شعبان المعظم از سنه هزار  
و دویست و نود و پنج هجری بردست... محمد بن عبد النبی کرمانی از آل نعمة الله  
بحرانی... حامدا مصليا مستغفرا... تمت.

[۹۲۰]

این نسخه شماره ۱ و بنسخ در دو جدول که کوچکتر آن دو برنک سرخ و لاجورد  
۶۲۲ و بزرگتر لاجوردی تنها و حاشیه ها میان آن دو است و متن در جدول کوچکتر...  
نویسنده آن ملاحسین معلم ماهانی میباشد که در روزگار کرمانی بسال ۱۲۹۶  
آنرا نوشته و نامش در شماره ۲ دیده میشود. گ ۱ ب - ۲۳۰ الف و فهرست آن پیش از  
آن آمده است. شماره دوم دو مطلب است (ذکر - دعا) در چند فصل و خود کرمانی  
میگوید که آنرا پس از «وسيلة النجاة» نوشته ام و پیوست آنست و چنین میباشد: «بسمله  
الحمد لله رب العالمین... اما بعد چنین گوید بند، خاکی جانی محمد بن عبد النبی بن نعمة الله  
البحرانی - و مسلمین همگی بگذشتند بر طوائفی که غیر ایشانند - الحمد لله الذی جعل ختام  
هذا الكتاب... و لاحول... العظیم» گ ۲۳۱ ب - ۲۳۹ ب.

تالینجا گفتار پنجم از فهرست کتابهای فلسفی  
کتابخانه دانشگاه تهران که استاد دانشمند ارجمند  
جناب آقای سید محمد مشکوة پیرچندی بخشیده‌اند  
پایان رسید و گفتارهای دیگر نیز از این پس  
خواهد آمد.

گردآورنده و نگارنده این فهرست: محمد تقی  
دانش پژوه - از آمل تبرستان - تهران، یوسف آباد،  
کوی کارمندان.

فروردین ماه ۱۳۳۲ خورشیدی.